

فہرست

کتابخانہ مدرسہ عالیہ سیالکوٹ

جلد دوم

کتاب خطی فارسی - عربی - ترکی

تالیف

ابن یوسف شیرازی

چاپخانہ مجلس



فهرست
کتابخانه مدرسه عالی پهلایان

جلد دوم

کتاب خطی فارسی و عربی و ترکی

تألیف

صاحبزاده

ابن یوسف شیرازی

در چاپخانه مجلس از خرداد ۱۳۱۶ تا دیماه ۱۳۱۸ چاپ شد

تهران

بنام خداوند بخشنده مهربان

یگانه خداوندی را سپاسگزارم که این کشور باستانی را

زیر سایه یگانه پیشوای توانا

اعلی حضرت همایون شاهنشاه رضا شاه پهلوی خلد الله ملکه

رو به بزرگی برده و مردمان آنرا هم از خواری نادانی بسرافرازی دانائی
رسانیده است.

یکی از گامهائیکه برای پیشرفت کارهای فرهنگی در پرتو دلبستگی

شاهنشاهزاده و ولیعهد جوانبخت

والا حضرت همایون شاهپور محمد رضا

برداشته شده توجه بکتابخانه های کشور بوده که دربردارنده افکار عالی
و آثار مهم نیاکان و موجب افتخار آیندگان میباشد و شاید بتوان با کمال
جرئت گفت کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار از لحاظ دربرداشتن نسخه های
کهن سال و کمیاب و ممتاز، از جهت خط و تذهیب و جلد در ردیف
کتابخانه های خوب جهان قرار گرفته و نگارنده در مقدمه جلد نخستین تاریخچه
آنرا نگاشته است.

کتابهای نفیس این کتابخانه در اثر نداشتن فهرست جامعی مانند
بهترین کتابخانه های کشورهای اروپا، بر دانشمندان پوشیده بود

و مسلم است که استفاده از کتاب و کتابخانه بدون وجود اینگونه فهرستها که در حقیقت کلید و راهنمای جویندگان و متبیین میباشد امکان پذیر نیست و گذشته از این، فهرستهائی که مشتمل بر شرح حال و آثار بزرگان علم و ادب است و تمام یا بیشتر آنان ایرانی بوده اند بهترین وسیله برای معرفي يك کشور باستانی بجهان میباشد.

در این فهرست گذشته از اینکه خصوصیات کتب ادبی و نسخ آنها نگارش یافته شرح حال و آثار و مؤلفات دویست و پنجاه نفر از ادبا و شعرا و دانشمندان نگاشته شده و تقریباً سه هزار مؤلفه دیگر را بمناسبت معرفي نموده و در آخر، چون اعلام و نام شهرها، آنها را بترتیب حروف تهجی مرتب نموده ایم.

این مجلد که شامل بخشی از کتب ادبی کتابخانه است بادقت زیاد تألیف گردیده مؤلف و یاران وی در تألیف و تنظیم آن رنجهای فراوان برده اند و بررسی و دقت در مندرجات آن، ادعا را ثابت میکنند و زبان حال نگارنده این بیت است:

بدانی چو نیکو در او بنگری که جان کنده ام تا تو جان پروری

در مجلد پیشین چند گراور از نسخ مهمه گذارده شد ولی در این مجلد چون بیشتر نسخه ها از حیث خط و کمیابی و تذهیب و نقاشی دارای اهمیت زیادی میباشد ترجیح هر يك را بر دیگری بدون مرجح دانسته و از این کار برکنار شدیم.

گذشته از مآخذیکه در مقدمه جلد اول یادآوری شده بیش از پنجاه مجلد
 از کتب تاریخ و رجال و ادب در هنگام نگارش این مجلد نیز مورد مراجعه
 بوده و عموماً در مواقع خود مآخذ نگارش مطالب را نگاشته ایم .
 در خاتمه متذکر میشود که نگارش این مجلد چون مجلد پیشین بمعاونت
 و مساعدت و همراهی دانشمندان محترم آقای عبدالحسین امین عراقی و
 آقای محمد جعفر واجد که هر دو از بهترین دانشجویان و فارغ التحصیلهای
 دانشکده معقول و منقول میباشند صورت گرفته و تصحیح آنرا هم آقای
 سید حسن نوربخش عهده دار بوده و بدین وسیله از ایشان شکرگزاری
 مینمایم . تهران ۵ دیماه ۱۳۱۸ ضیاءالدین حدائق - ابن یوسف شیرازی



فهرست مندرجات

- | | |
|-----------------|--|
| از صفحه تا صفحه | ۱ - مقدمه |
| ۱۵۹ - ۲ | ۲ - خطب و منشآت (مشمول بر ۳۸ کتاب و ۶۷ نسخه است) |
| ۳۰۲ - ۱۶۰ | ۳ - لغات و فرهنگها (« ۴۸ » « ۹۹ » «) |
| ۴۰۰ - ۳۰۳ | ۴ - صرف و نحو (« ۵۵ » « ۱۱۴ » «) |
| ۴۳۵ - ۴۰۱ | ۵ - معانی و بیان و بدیع (مشمول بر ۱۹ کتاب و ۴۸ نسخه است) |
| ۴۵۱ - ۴۳۶ | ۶ - عروض و قافیه (« ۲۲ » « ۲۳ » «) |
| | ۷ - اشعار و تذکرها |
| ۷۰۵ - ۴۵۲ | و دیوانها (« ۱۱۳ » « ۱۹۸ » «) |
| ۷۱۲ - ۷۰۶ | ۸ - فهرست اماکن |
| ۷۳۵ - ۷۱۳ | ۹ - فهرست کتب متفرقه |
| ۷۷۱ - ۷۳۶ | ۱۰ - فهرست اعلام |
| ۷۹۱ - ۷۷۲ | ۱۱ - فهرست کتب این مجلد |
| ۷۹۵ - ۷۹۳ | ۱۲ - غاظمه |

بنام خداوند بخشنده مهربان

خطب و منشآت

چنانکه در مقدمه جلد اول نگاشته شد مجلد دوم فهرست این کتابخانه شامل کتب ادبی میباشد و نخستین فصل آن بنام «خطب و منشآت» نامیده شد.

[۳۰۱] آداب المشق (فارسی)

مؤلف این کتاب میر عماد حسنی قزوینی (۹۶۱-۱۰۲۴) (۱) خطاط معروف میباشد که در عالم خوشنویسی مخصوصاً خط نستعلیق گوی سبقت از همه ربوده و چنین معمول گردیده که هر کس را خواهند بخوبی خط تعریف نمایند گویند میراست و یا مثل میر مینویسد و گذشته از این صنعت زیبا دارای طبع شعر هم بوده و میرزای سنگلاخ در جلد اول از کتاب «تذکرة الخطاطین» یا «امتحان الفضلا» در ذیل شرح حال میر مذکور پاره ای از قطعات و ابیات وی را نقل کرده و در آخر مجلد دوم از کتاب نامبرده این کتاب یا رساله را که در طریقه نگارش خط نستعلیق و مقدمات آن تألیف نموده با رساله سراط السطور (۲) سلطانعلی مشهدی و رساله «مداد الخطوط» خواجه میرعلی هروی که این دو نیز

- (۱) ج ۱ تذکرة الخطاطین سنگلاخ، پیدایش خط و خطاطان ۱۶۳ و ۱۷۳ و تتمه روضة الصفا .
(۲) نام این رساله را در جلد دوم تذکرة الخطاطین بدین طرز ثبت نموده و در حاشیه نوشته شده :
سراط همان سراط معروف است و این رساله نیز بنظم و آغاز آن این است :
بسم الله با این همه بی حاصلی بوالهوسی درمانده به پارسائی و هیچ کسی .

از معاریف این فن میباشند و رساله آنها در طرز نگارش است ثبت نموده و به طبع رسیده و آداب المشق مستقلاً نیز چاپ شده است.

مؤلف نام این رساله را آداب المشق نهاده و بدیاجه و شش فصل مرتب گردانیده بدین تفصیل:

فصل اول: در اینکه کاتب از صفات ذمیمه باید احتراز کند. **فصل دوم:**

در بیان اجزای خط. **فصل سوم:** در تعریف مشق و آداب آن. **فصل چهارم:**

در بیان چگونگی قلم و تراشیدن آن. **فصل پنجم:** در آداب مرکب ساختن.

فصل ششم: در تربیت کردن کاغذ و اقسام آن و طریقه رنگ آمیزی و آهار و مهره کردن آنها. و این رساله در حدود (۲۰۰) بیت میباشد.

آغاز: بسمله صبا بعطر آمیزی رقم مشکین بسم الله که سر دفتر ارقام مشکفام دیوان حمد و ثنای خالق بیچون است الخ.

انجام: و خوبی مهره آنستکه همچنان روشن شود که عکس روی در وی نماید والله اعم تم.

(۷۴۷)

آداب المشق این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نگاشته شده، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده، در سال ۱۲۹۶ داخل در کتابخانه اعتضادیه شده و پشت صفحه اول بنام «رساله در قواعد خط از میر عماد» یاد داشت گردیده است.

جلد تیماج. کاغذ دولت آبادی. واقف سیه سالار. قطع بغلی. شماره اوراق (۲۵). صفحه (۹) سطر. طول (۱۱ سانتیمتر)، عرض (۶ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۶۴۸).

(۷۴۸)

آداب المشق این نسخه بخط نستعلیق خوب در سال ۱۲۶۱ نگاشته شده، کاتب از خود نام نبرده و جای عناوین و فصول را سفید گذارده اند.

جلد تیماج . کاغذ رنگی . واقف سیم سالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۱۱) . صفحه (۱۲) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۶۷) .

[۳۰۲] ادب الکاتب (عربی)

مؤلف این کتاب ابن قتیبہ دینوری ره است (ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبہ کوفی ۲۱۳ - $\frac{270}{271}$)^(۱) که از علماء فقه و لغت و نحو بوده و بغرب قرآن و حدیث و معانی آن اطلاع کامل داشته ، مولدش کوفه است و غلو در طریقه بصریین داشته و اقوال کوفیین را در کتب خویش نقل نموده و در گفتار خویش راستگو و طرف اعتماد بوده و چندی مقام قضاوت دینور (۲) را داشته و بدین سبب مشهور به دینوری گردیده ، ابن الندیم که در قرن چهارم میزیسته پس از بیاناتی که عبارات گذشته ترجمه پاره ای از آنهاست مؤلفاتی که ذیلاً نام میبریم بدو نسبت داده و ابن خلدکان نیز همین معانی را در کتاب وفيات خویش آورده و گوید که بمرگ ناگهانی در گذشت و اختلافات فوق را در سال وفات او وی نقل نموده و گوید که پسر وی ابو جعفر احمد بن عبدالله در سال ۳۲۱ قاضی مصر گردید و تمام مصنفات پدر را روایت نمود و بسال ۳۲۲ همانجا در گذشت و اینست مؤلفات ابن قتیبہ :

کتاب معانی الشعر (کتابی بزرگ و مشتمل بر دوازده کتاب است) ، کتاب الفرس (در چهل و شش باب) ، کتاب الابل (در شانزده باب) ، کتاب الجرب (در ده باب) ، کتاب العرور (در بیست باب) ، کتاب الدیار (در ده باب) ، کتاب الریاح (درسی و یک باب) ، کتاب السباع والوحوش (در هفده باب) ، کتاب الهوام (در چهارده باب) ، کتاب الایمان والدواهی (در هفت باب) ، کتاب النساء والعزل (فقط در یک باب) ، کتاب النسب واللبن (در هشت باب) ، کتاب تصحیف العلماء (در یک باب) ، کتاب عیون الشعر (این کتاب بگفته ابن الندیم مشتمل بر ده کتاب است و از آنها کتاب المراتب ، کتاب القلائد ، کتاب المحاسن ، کتاب المشاهد ، کتاب الشواهد ، کتاب الجواهر ، کتاب المراتب ، کتاب المباحث) . (در کشف الظنون بدین نام کتابی ضبط نگردیده ولی از این مؤلف کتابی بنام « طبقات الشعراء » نقل نموده که بقرائنی توان آنرا همین کتاب (عیون الشعر) دانست ج ۲ کشف الظنون

(۱) شرح حال ابن مؤلف از ابن خلکان ج ۱ ص (۲۵۱) و فهرست ابن الندیم ص ۱۱۵ و معجم المطبوعات ص ۲۱۱ تا ۲۱۳ گرفته شده .

(۲) دینور یکی از شهرهای مغرب ایران و در نزدیکی کرمانشاهان فعلی بوده است .

ص ۹۳ و ابن خالکان طبقات الشعراء را از ابن مؤلف دانسته و در فهرست ابن النديم ابن کتاب ذکر نشده است) ، کتاب **عیون الاخبار** (ابن کتاب مشتمل بر ده کتاب ذیل میباشد : کتاب السلطان ، الحرب ، السؤدد ، الطبایع ، العلم ، الزهد ، الاخوان ، الحوائج ، الطعام و کتاب النساء (بروکلیمان آلمانی و مصریین بچاپ کتاب النساء پرداخته اند) ، کتاب **التفتیه** (ابن ندیم گوید که سه جزو از این کتاب را در ششصد ورق بخط برك (۱) دیده ام و تقریباً دو جزء آن ناقص بود از جمعی که اهل خط بودند پرسش نمودم چنین گمان دارند که اینک موجود میباشد و از کتابهای **بنی نیمیچی** بزرگتر است) ، و نیز ابن النديم پس از این گوید که از بهترین کتابهای وی اینها است : کتاب **الحکایة و المحکمی** ، کتاب **ادب الکاتب** (همین کتاب) ، کتاب **الشعر و الشعراء** (ابن کتاب در مصر چاپ شده و آنرا باطبقات الشعراء که از مؤلفات ابن مؤلف است صاحب معجم المطبوعات یکی دانسته است) کتاب **الخیل** ، کتاب **جامع النحو** ، کتاب **مختلف الحديث** ، کتاب **اعراب القرآن** ، کتاب **دیوان الکتاب** ، کتاب **فرائد الدر** ، کتاب **خلق الانسان** ، کتاب **المراتب و المناقب** از عیون الشعر ، کتاب **التسوية بین العرب و العجم** ، کتاب **الانواء** ، کتاب **المشکل** کتاب **دلایل النبوة** ، کتاب **اختلاف تأویل الحديث** ، (ظاهراً همین کتاب است که بنام «تأویل مختلف الحديث» چاپ شده) ، کتاب **المعارف** ، کتاب **جامع الفقه** ، کتاب **اصلاح غلط ابی عیید** در غریب حدیث ، کتاب **المسائل و الجوابات** ، کتاب **العلم** (در حدود پنجاه ورق است) ، کتاب **المیسر و القداح** ، کتاب **حکم الاءثال** ، کتاب **الاشربة** (این کتاب بسال ۱۰۹۷ م در مجاه المقتبس طبع گردیده) ، کتاب **جامع النحو الصغیر** ، کتاب **الر دعلی المشبهه** ، کتاب **آداب العشره** و کتاب **غریب الحديث** ، ابن خلدکان در وفیات الاعیان پاره ای از مؤلفات فوق را ذکر نموده و کتابی بنام **مشکل القرآن و اصلاح الغلط** نام برده ظاهراً همان کتاب **المشکل و اصلاح غلط ابی عیید** است که ابن ندیم ذکر نمود و کتاب **طبقات الشعراء و کتاب غریب القرآن** را نیز از مؤلفات ابن قتیبه دانسته و صاحب معجم المطبوعات کتاب **الامامة و السیاسة و الرحل و المنزل و اللباء و اللابن** را که طبع شده اند از مؤلفات ابن قتیبه دانسته است .

این کتاب (ادب الکاتب) یکی از کتب مهمه ادب میباشد و ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸) در مقدمه تاریخ خویش ذیل علم الادب درباره آن چنین گفته : هنگام استفاده از مدرسین خویش چنین یاد دارم که میگفتند : اصول فن ادب و ارکان آن این چهار دیوان است : **ادب الکاتب ابن قتیبه** ، **کامل مبرد** ، **البيان و التبيين جاحظ و نوادر ابوعلی قالی بغدادی** و جز این چهار کتب دیگر فرع و تابع اند . (مقدمه ابن خلدون ص ۴۸۶) .

(۱) در فهرست ابن النديم چاپ اروپا و مصر بهمین نحو ضبط گردیده است .

ابن قتیبه پس از آنکه شرحی در خطبه و دیباچه کتاب از روزگار خویش و کساد بازار علم و ادب و نارسایی فضل و دانش شکایت نموده گوید: چون کتاب و فضلاء معاصر از شرائط کتابت عاری و بری اند و اگر برین منوال پیش رویم از ادب جز نامی و از ادبا جز آثاری نخواهیم یافت، ناچار گردیدیم برای اشخاصی که تاحدی تحصیل نموده و از دانش بی بهره نیستند کتابی تألیف کنم که آنها را در انجام وظائف خویش آگاه نماید و اغلاطی را که عامه استعمال میکنند بیاورم تا آنان از آن غلط در گفتار و کتابت محفوظ مانند و نیز در این خطبه آنچه را که ادیب و نویسندگان بایستی بدانند از فقه و اصول و حدیث و نجوم و غیر ذلك بدانها اشاره نموده و طریقه نگارش را بدست میدهد.

این کتاب دارای مطالب بسیار مفید لغوی، نحوی، صرفی، طبیعی و دینی است و در (۱۲۷) باب میباشد، بعضی از مطالب هم بدون عنوان باب مذکور گردیده و در تمام مطالب با شعار «فصحاً و بلغاً استشهد شده است.

مؤلف خود نامی برای این کتاب نگذارده ولی چنانکه دانستیم ابن الندیم که قریب یک قرن پس از ابن قتیبه زندگانی مینموده آن را «ادب الکاتب» معرفی کرده و تمام علماء سیر آنرا بهمین نام یاد کرده اند جز اینکه **ابو محمد عبدالله بن محمد بن سید بطیموسی اندلسی (۴۴۴ - ۵۲۱)** شرحی بر این کتاب بنام «الاقتضاب فی شرح ادب الکاتب» نگاشته و چنین وانمود کرده که نام این کتاب «ادب الکاتب» است ولی چنانکه دانستیم یک قرن پیش از این شارح، این کتاب به «ادب الکاتب» معروف بوده و تغییرش جائز نبوده و صاحب کشف الظنون در ذیل ادب الکاتب گوید (ج ۱ ص ۷۳):

بعضی گفته اند ادب الکاتب خطبه ای است بدون کتاب در صورتی که مشتمل بر همه چیز است و بر آن شروحن نوشته شده که از آنجه **الاقتضاب** میباشد و این شرح مشتمل بر سه قسمت است اول شرح خطبه و بیان اقسام منشیان و آنچه ایشان را لازم است، دوم اشتباهاتی که مؤلف کرده، سوم شرح ایاتی که در این کتاب آورده شده است. (الاقتضاب بسال ۱۹۰۱ م. در بیروت چاپ شده).

کشف الظنون درج ۱ ص ۷۳ و ۷۴ پس از اینکه ادب الکاتب ابن قتیبه را ذکر نموده شروح ذیل را بر آن یاد آور شده (۱)، **الاقتضاب که شرح آن داده شد (۲) شرح**

ابی منصور موهوب بن احمد جوالقی متوفی بسال ۴۶۵ - (۲) شرح سلیمان بن محمد زهرادی . (۴) شرح ابی علی حسن بن محمد بطایوسی متوفی بسال ۵۷۶ . (۵) شرح احمد بن داود جذامی متوفی بسال ۵۹۸ (۶) شرح اسحق بن ابراهیم فارابی متوفی بسال ۳۵۰ .

و نیز گوید که بعضی فقط خطبه این کتاب را شرح نموده اند و از آنها (۱) أبو القاسم عبد الرحمن بن اسحق الزجاجی متوفی بسال ۳۳۹ . (۲) مبارک بن فاخر نحوی متوفی بسال ۵۰۰ را نام برده (علت اینکه بعضی فقط بشرح خطبه آن اکتفا کرده اند این است که بتفصیل دارای مطالب مهمه ای میباشد که اندکی از آنها را یاد کردیم و بهمن سبب بعضی بغلط افتاده و تصور نموده اند که ادب الکاتب خطبه ایست بدون کتاب) و بعضی فقط آیات این کتاب را شرح نموده و صاحب کشف الظنون از آنها احمد بن محمد خاز رفجی متوفی بسال ۳۴۸ را ذکر نموده است .

در ص ۷۴ ج ۱ کشف الظنون کتب ذیل بنام نیز ادب الکاتب بامؤلفین آنها ثبت شده :

(ادب الکاتب) تألیف امام ادیب ابو بکر محمد بن القاسم بن الانباری متوفی بسال ۳۲۸ .
(ادب الکاتب) تألیف ابو جعفر احمد بن محمد النحاس نحوی متوفی بسال ۳۳۸ .
(ادب الکاتب) تألیف ابو عبد الله محمد بن یحیی الصولی الکاتب متوفی بسال ۳۳۵ . (۱)

(ادب الکاتب) تألیف ابن درید محمد بن الحسن اللغوی متوفی بسال ۲۲۱ .
(ادب الکاتب) تألیف صلاح الدین خلیل بن ایبک الصفدی متوفی بسال ۷۹۴ .

ادب الکاتب ابن قتیبہ در اروپا و اسلامبول و مکرراً در مصر چاپ شده است .

آغاز: بسمله قال ابو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة رحمه الله تعالى اما بعد حمد الله بجميع محامده و الثناء عليه بما هو اهله و الصلوة على رسوله المصطفى و آله فأتى لما رأيت اكثر اهل زماننا الخ .

(۷۴۹)

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۸۲ نگاشته شده ، کاتب از خود نام نبرده و مشتمل بر تمام کتاب است و عناوین را با سرخی نوشته و چند ورق نوشته در اول آن است .

(۱) در فهرست ابن الندیم نام این کتاب را چنین ثبت نموده « ادب الکاتب علی الحقیقه » و گوید در اثر اینکه خبری درباره علی بن ابی طالب علیه السلام روایت نموده شیعه و سنی در صد کشتن وی بودند ینهان شد و در بصره بحالیکه از نظر ها مخفی بود بمرد و بهتراز هر کس شطرنج را بازی میکرد و تا سال (۳۳۰) زندگی میکرد انتهی . (ص ۲۱۵) .

جلدهیشتن ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۷۱) . صفحه (۱۷) سطر . طول ($۲۲\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۹۳) . (۷۵۰)

ادب الکاتب
این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر بیشتر از نصف از این کتاب میباشد (از ابتداء کتاب تا آخر باب ماجاء محرکاً و العامه تسکینه) و آخرین سطر نسخه این است : (الذبحه بالضم واسکان الباء و ذهب دمه هدرأ بفتح الدال .) از کاتب نامی در نسخه نیست به سال ۱۲۸۷ بنام « ادب الکاتبین » داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت صفحه اول یادداشت گردیده و بر گهای آن مجدول بطلا و سرخی و کاغذ آن فرنگی و بر تمام اوراق شیر و خورشید بر آمده ایست .

جاد تیماجی . کاغذ فرنگی آبی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۸۰) صفحه (۱۱) سطر . طول ($۲۲\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۷۹۲) . [۳۰۳]
اطباق الذهب (عربی)

مؤلف این کتاب شرف الدین شفروه اصفهانی ره است (شرف الدین محمد (۱) اصفهانی شفروه متوفی در حدود ۶۰۰) .

(۱) در تعلیمات استاد علامه قزوینی ذکر شده که در فهرست اسپرنگر بنقل از تقی الدین کاشانی نام این مؤلف شرف الدین عبد المؤمن ضبط گردیده ، پشت صفحه اول نسخه چاپ شده مؤلف نیز شرف الدین عبد المؤمن بن هبة الله مغربی اصفهانی ضبط گردیده ، ولی با تتبع مقدور ندانستیم بچه مناسبت ایشان را مغربی معرفی کرده اند و در تذکره آتشکده آذر ذیل شعراء اصفهان نام ایشان شرف الدین فضل الله ثبت گردیده ولی در لباب الالباب ج ۱ ص ۲۶۸ و تذکره دفت اقلیم در ذیل اصفهان شرف الدین محمود در تذکره دولت شاه نسخه خطی این کتابخانه ص ۹۷ شماره (۲۷۲۷) شرف الدین شفروه اصفهانی با سیم هممله و در نسخه تاریخ گردیده مصحح قدیمی این کتابخانه شرف الدین شفروه اصفهانی و در مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۳۰۲ بنام شرف ضبط گردیده ولی جز آتشکده این کتاب را هیچیک از تذکره نویسان از تألیفات و انشاآت او نشمرده اند در ص ۱۶۵ ملحق دوم از جز و سوم فهرست دار الکتب المصریه نام مؤلف اطباق الذهب نیز شرف الدین عبد المؤمن المغربی الاصفهانی ضبط شد و صاحب معجم المطبوعات ص ۱۳۰۰ وی را شرف الدین عبد المؤمن بن هبة الله المغربی الاصفهانی المعروف بشقوره یا شفروه معرفی نموده و در ذیل آن گوید که در اواسط قرن دهم هجری معروف گردیده پشت نسخه خطی که اخیراً باین کتابخانه رسیده و بسال ۱۱۱۵ نگاشته شده نام مؤلف چون نسخ چایی با حذف کلمه مغربی است و اطباق الذهب در مصر و بیروت و لاهور چاپ شده است .

عوفی که نزدیکترین تذکره نویسان بمؤلف و معاصر با وی میباشد در لباب الالباب (ص ۲۶۸ ج ۱) وی را «از امثال اصفهان و اعیان جهان معرفی نموده و گوید که در علم تذکیر شهرتی داشت و مواعظ و نصایح او عقل را مرشد شافی و مصقله وافی بود فاما لطف طبع مروی را باعث و محرّض آمد بر آنک گاه گاه نظمی چون آب زلال و شعری چون سحر حلال بپردازد و در غزل و مدح لطائف و ظرائف نظم مرتّب گرداند و دیوان اشعار او مشهور است» و شصت و هفت بیت از اشعار او را در ذیل شرح حال وی آورده و نامی از این کتاب نبرده و آذریبگدلی در «آتشکده» ذیل شعراء اصفهان این شخص را نام برده و گوید که معاصر با رفیع الدین لبنانی (متوفی بسال ۶۰۳) و جمال الدین عبد السرّ رزاق بوده و بحیر بیلقانی (۱) (متوفی بسال ۵۹۴) راهجا گفته شاهد فضلش رساله اطباق الذهب کافیست که در مقابل اطواق الذهب زنجیری مشتمل بر صد پند و موعظه و شرح حال اصناف خلایق نوشته. و در آتشکده ۲۵ بیت از اشعار این مؤلف نقل گردیده، در تذکره دولتشاه نام این دانشمند مذکور و اشعاری از مدیحه وی درباره سلطان طغرل بن ملکشاه نقل گردیده و در تاریخ گزیده در ذیل شعراء نام وی و چند بیتی از او هست، صاحب مجمع الفصحاء ایشان را بنام «شرف اصفهانی» و از اهالی شفروه از قراء اصفهان که اینک آنرا پژوه میگویند معرفی نموده ولی بر حسب تحقیق استاد علامه آقای میرزا محمد خان قزوینی مدّ ظله در تعلیقات بر لباب الالباب (ج ۱ ص ۳۵۶-۳۵۹) شفروه باشین و فاء وراء مهمله و واو و هاء با ضمّ دو حرف اوّل و سکون راء یافتح آن دو و سکون راء نام یکی از اجداد شرف الدین بوده و «شرف» تخلص مینموده و در حدود سال ۶۰۰ وفات یافته است.

برای شناسائی پیشتری از این دانشمند به تعلیقات مذکور که مفصل تر و جامع تر

(۱) مجیر الدین بگفته استاد معظم آقای بدیع الزمان بسال ۵۵۱ یا ۵۵۲ باصفهان آمده و مردمان آنجا راهجا گفته ایشان وی و استادش خاقانی را هجو کرده اند و بهمین جهت خاقانی قصیده معروف بر دیف «صفاهان» در مدح اصفهان سروده و از کار مجیر الدین عذر خواسته است. (ج ۲ سخن و سخنوران ص ۲۶۴).

از همه نگاشته اند مر اجعه شود و دیوان این شاعر در موزه بریطانیا موجود است.
و چنانکه خود در مقدمه نگاشته تألیف اطباق الذهب بر حسب امر **احمد بن محمود بن علی الخوی**، زاده الله توفیقاً بوده و از ایشان چنین خواستار شده که صد مقاله (۱) در وعظ و نصیحت و خطب بهمان نهج که علامه زنجشیری در اطواق الذهب برداشت کرده اند بنگارد. و گوید که پس از زنجشیری کسی نتواند چون وی قلم بدست گیرد و عباراتی چنان نگارش دهد ولی چون امر معظم له واجب بود شروع نموده و این مقالات را نوشته و آنها را مرتب ساخته و از آن پس «اطباق الذهب» نام گذاردم و هر يك از مقالات را بآیه ای از قرآن اکرم ختم نمودم تا ختام آن مسك باشد.

از مطالعه مقالات اطباق الذهب قدرت مؤلف و منشی آن بخوبی واضح میگردد و آنرا توان بر اطواق الذهب ترجیح داد.

و در ص ۱۶۵ ملحق دوم از جزء سوم فهرست دار الکتب المصریه نسخه ای از شرح بر **اطباق الذهب** که بسال ۱۱۰۰ تحریر یافته میباشد و آغاز آن این است: (اعلم ان فی التسمیه و البسمله مباحث الاول فی لغتها الخ) و در ذیل آن نگاشته شده که شارح آن معلوم نشد.

شیخ یوسف افندی النبهانی الفاظ مشکله و لغات غریبه این کتاب (اطباق الذهب) را شرح و نسخه منطبعة در بیروت آنرا داراست.
آغاز: بسملة الله انا نحمدك على اما اسبليت من جلايب نعمك الخ.
انجام: و اذ اتبلى ابراهيم ربّه بكلمات فاتهمن.

(۱) اطباق الذهب چنانکه مؤلف در مقدمه تصریح نموده مشتمل بر صد مقاله است ولی در نسخه چاپ بیروت شماره مقالات را به (۱۰۲) رسانده باین طریق که مقاله نودم را دو مقاله نموده و خاتمه را هم يك مقاله شمرده و ترتیب مقالات این نسخه با دو نسخه خطی کتابخانه بدین نحو که مذکور میشود اختلاف دارند ۹۰ خطی = ۹۲ و ۹۳ جای ۹۱ و ۹۲، ۹۴ = ۹۳، ۹۵ = ۹۴، ۹۶ = ۹۵ و ۹۷ = ۹۶، ۹۸ = ۹۷، ۹۹ = ۹۸، ۱۰۰ = ۹۹، ۱۰۱ = ۱۰۰ و خاتمه خطی = ۱۰۲ جای است.

(۷۵۱)

اطباق الذهب این نسخه را بخط نسخ خیلی خوب حسن بن عبد المجید واعظ اصفهانی بسال ۱۲۷۶ نوشته و در دو صفحه پس از ختم کتاب بخط شکسته نستعلیق همین کاتب شرحی مبنی بر اینکه این کتاب را بر حسب امر **سیف الملک** برشته تحریر در آورده مرقوم داشته اند، ترجمه پاره ای از لغات از کتب لغت نقل و در حاشیه صفحات ثبت گردیده، صفحات نسخه مجدول بطلا و لاجورد و شماره مقالات را با لاجورد و برخی را با شنجرف نگاشته، بعضی از کلمات دو صفحه پیش از ورق آخر را آب ضایع کرده و پشت آخرین صفحه شرحی مقامه مانند نوشته شده و در حاشیه آن چند بیت عربی در مذمت معاویه از اینکه زیاد را برادر خود معرفی کرده است می باشد.

ضمیمه اطواق الذهب می باشد. کاغذ ترمه. واقف سپهسالار. قطع وزبری کوچک. شماره اوراق این کتاب (۱۰۱). صفحه (۱۱) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر) عرض (۱۴ سانتیمتر). شماره کتا بخانه (۳۳۴۸).

(۷۵۲)

اطباق الذهب این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده، کاتب از خود نامی نبرده و سال کتابت را نگاشته ولی بقرینه قطع و اینکه ضمیمه مقامات بدیع الزمان است که بسال ۱۲۷۷ نوشته شده و نسخه اطواق الذهیکه نیز ضمیمه این نسخه است چنانکه می آید ظاهراً از روی نسخه ای که بسال ۱۲۷۶ نگاشته شده تحریر یافته، بنابر این تاریخ نگارش این نسخه سال ۱۲۷۷ بوده و اطواق الذهب ز نحشری و مقامات را در جاهای خود شرح خواهیم داد. این نسخه دارای سر لوحی زیبا و صفحات آن مجدول بطلا و شماره مقالات آن بخط ثلث بالاجورد و بعضی با شنجرف است.

جلد ساغری سوخته طلائی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق اطباق (۴۴) اوراق اطواق (۱۸) مقامات (۱۲۰) صفحه (۱۵۹) سطر. طول (۱۹ سانتیمتر) عرض (۱۲ سانتیمتر) شماره کتا بخانه (۳۳۵۰).

[۳۰۴] اطواق الذهب (عربی)

مؤلف این کتاب جار الله ز نحشری ره است (۴۶۷-۵۳۸) که در جلد اول فهرست

ص ۱۵۸ بشرح مختصری از حالات و مؤلفات ایشان پرداخته شده و این کتاب از آن جمله است.

اطواق الذهب کتابی است مشتمل بر یکصد (۱) مقاله که هر يك از مقالات مواعظ و نصایح سودمندی را در بر دارد و مؤلف میان هر دو جمله از مقالات سبع را رعایت نموده و با نهایت ایجاز و اختصار و فصاحت و بلاغت این کتاب را خاتمه داده و چنانکه مذکور گردید **اطباق الذهب** را مؤلف آن در اقتداء به جارالله زمخشری تألیف نموده است.

در خود کتاب نامی از مؤلف و اسم کتاب نیست ولی در مقدمه اطباق الذهب مؤلف آن تصریح نموده که صدمقاله زمخشری موسوم به اطواق الذهب میباشد و کشف الظنون در ذیل همین نام این مقالات را نسبت بز مخشری داده و در آنجا است که مؤلف در ابتداء هر مقاله خود را مخاطب ساخته و پس از گفتن یا ابا القاسم مطالب و مواعظی را آورده است و مؤلف معجم المطبوعات بتبع او نیز این مطلب را در ص ۹۷۳ ذکر نموده در صورتیکه در دو نسخه خطی این کتابخانه و نسخه چاپ وین که بضمیمه ترجمه آن بزبان اطریشی است و در این کتابخانه در تحت شماره (۳۳۴۹) موجود است و نسخه چاپ بیروت چنین نیست و با مطالعه مقالات این کتاب ثابت میشود که طرز دخول در موضوع هم شایستگی ندارد جمله یا ابا القاسم و یا عبارت دیگری که بیان کند مطالب این مقاله اولاً خطاب بخود جامع باشد دارا بوده است و کشف الظنون آغاز این کتاب را این جمله نقل نموده: (احمد علی ما ادرج لی من الائه) (۲) در صورتیکه نسخ مذکور فوق ابتداء عبارتیکه ذیل آن نقل میشود گردیده است. و این کتاب چنانکه در

(۱) در نسخه چاپ وین مقالات را ۹۹ دانسته ولی در نسخه چاپ بیروت و نسخ خطی این کتابخانه قسمت اخیر مقاله ۹۹ چاپ وین را مقاله صدم دانسته اند و از بیانات مؤلف اطباق الذهب در مقدمه کتاب معلوم میشود که این کتاب هم صدمقاله بوده و کشف الظنون نیز آنرا صدمقاله دانسته است. (۲) این نیز از اشتباهات حاجی خلیفه در کشف الظنون است که مقالات زمخشری را که دارای پنجاه مقاله است به اطواق الذهب او اشتباه کرده و این آغاز مقالات پنجاه گانه او است و این مقالات است که ابتداء به یا ابا القاسم گردیده و خود زمخشری مشکلات آنرا شرح کرده و با همین شرح دوبار در مصر بسال ۱۳۱۲ و ۱۲۲۵ چاپ شده است.

معجم المطبوعات است بزبان ترکی و آلمانی و اطریشی ترجمه گردیده و با ترجمها در اروپا طبع شده و چاپ بیروت آن مشتمل بر شرح لغات و کلمات مشکه آن بقلم شیخ یوسف افندی اسیر است و آقای دکتر رضا زاده شفق استاد معاصر درص ۱۹۳ تاریخ ادبیات نوشته اند که: شاعر شهیر وصال شیرازی (متوفی بسال ۱۲۶۲) اطواق الذهب را بفارسی ترجمه کرده اند.

آقای یوسف اعتصامی (اعتصام الملك) رئیس محترم کتابخانه مجلس شورای ملی ایران که از نویسندگان شهر این دوره میباشند و نوشتههای ایشان سر مشق نویسندگان عصر است این کتاب را شرح و بنام «قلائد الادب فی شرح اطواق الذهب» مسمی گردانیده و بسال ۱۳۲۱ در مصر چاپ شده و طرز این شرح آنستکه پس از نقل عبارات اطواق بشرح الفاظ و عبارات مشکه آن پرداخته و در تأیید مطالب به اشعار و کلمات بزرگان از ادبا و حکما متوسل شده و در بیشتر از صفحات عباراتی مناسب مقام از اطباق الذهب آورده اند.

آغاز: بسملة الله انی احمدک علی ما اذلت الی من نعمتک الخ.

انجام: فکیف رضیت لדיنک بالقذی، والمؤمن لایرضی لدینه بذا.

(۷۵۳)

این نسخه بخط نسخ خیلی خوب نوشته شده، و کاتب آن **اطواق الذهب**

حسن بن عبد المجید الحسینی واعظ اصفهانی بسال ۱۲۷۶

میباشد و پشت آخرین صفحه و صفحه مقابل آن بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب شرحی در معرفی از این کتاب و مؤلف آن و اینکه بر حسب امر **سیف الملك** بکتابت آن پرداخته نگاشته است.

مقاله ۴۳ و ۴۷ را کاتب دو قسمت نموده و دو مقاله معرفی کرده و چهار

مقاله آنرا (از ۹۱ تا ۹۴) ننوشته و پس از این کتاب نسخه اطباق الذهب مذکور تحت شماره (۷۵۱) درص ۱۱ این فهرست میباشد، صفحات آن مجدول بطلو لاجورد است و بر ورق که پیش از ورق اول است اشعاری بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته اند.

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق دو کتاب (۱۳۹) اوراق این کتاب (۳۸) صفحه (۱۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۳۴۸) .

(۷۵۴)

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده، کاتب نامی از اطواق الذهب خود و سال کتابت نبرده، مقاله ۴۳ و ۴۷ را کاتب دو قسمت نموده و دو مقاله معرفی کرده و چهار مقاله آنرا از ۹۱ تا ۹۴ چون نسخه سابق نگاشته اند بقرائنی که در ص ۱۱ ذیل نسخه (۷۵۲) اطباق الذهب نگاشتم در سال ۱۲۷۷ تحریر یافته، دارای يك سر لوح زیبا میباشد و میان سطور صفحه اول تذهیب برگ موئی دارد، تمام اوراق بمجدول بطلا و شماره مقالات بخط ثلث بالاجورد نوشته شده و کتاب اطباق الذهب مذکور و مقامات بدیع الزمان که در این فصل از آن نام خواهیم برد ضمیمه این نسخه است.

جلد ساغری سوخته طلائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۸) صفحه (۱۵) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) ضمیمه شماره (۳۳۵۰) کتابخانه است.

[۳۰۵] ترجمه و شرح عهد نامه مالک اشتر (فارسی)

مترجم این عهد نامه که از معروفترین انشآت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام میباشد و شروح بسیاری بر آن نگاشته شده و در ذیل شرح کتاب نهج البلاغه از آن نیز یاد خواهیم نمود ملا محمد صالح بن حاج محمد باقر قزوینی معروف بروغنی رحمة الله علیه میباشد که از علماء قرن یازدهم هجری بوده و ما در جلد اول این فهرست ص ۲۲۳ و ۲۲۵ دو مؤلفه ایشان را ذکر نموده و در آنجا متذکر شده که در سال ۱۰۸۰ بترجمه توحید مفضل پرداخته اند ولی تا کنون بتحقیق بدست نیاورده ایم که پس از آنسال چند گاه در این جهان زیسته اند و در ذیل شرح نهج البلاغه همین مؤلف پیاره ای از مؤلفات ایشان که در کتب سیر از آنها نام و نشانی نیافته اشاره خواهد گردید و از بیت موجود در آخر یکی از نسخ این ترجمه چنین معلوم میشود که در سال ۱۰۹۴ تجدید نظر در ترجمه این عهد نامه خاتمه یافته است.

مترجم این عهد نامه را که مشتمل بر دستور حکمفرمائی و فرمانروائیت

با نهجی خوب و اسلوبی متین ترجمه و شرح نموده و در ضمن باشعار عربی و فارسی و حکایات مناسب تمثیل جسته و پیش از شروع بترجمه عهد نامه دیپاچه‌ای مشتمل بر حمد و ثناء و علت ترجمه این عهد نامه و شرح مختصری از حالات و مقامات مالک اشتر و معنی لغوی اشتر و لزوم تعیین حاکم و امام برای نگهبانی مردمان، انشاء و پس از آن شروع بترجمه و شرح نموده و در دیپاچه نگاشته‌اند: این ترجمه و بیانی است از عهد نامه. و بنابر اینکه بیان عهد نامه باشد بایستی این کتاب را شرح عهد نامه معرفی نمود و با مراجعه بخود کتاب مسلم میشود که مؤلف کاملاً بشرح و بسط و بیان مراد حضرت ع پر داختمه و قناعت بترجمه عبارات ننموده است. این ترجمه و شرح عین آنست که مؤلف در شرح نهج البلاغه خویش که در همین فصل از آن یاد خواهیم نمود آورده جز اینکه در هر صفحه‌ای تقریباً دو یا سه بیت و در بعضی از صفحات بیشتر بر مطالب افزوده و مقدمه‌ای چنانکه مذکور شد بر آن نگاشته و در حدود پنجاه بیت نیز در آخر اضافه نموده و چنانکه از قرائن بدست می‌آید این ترجمه و شرح را مؤلف پس از شرح نهج البلاغه خویش مرتب کرده و انتشار داده ولی در هیچ جا اشاره‌ای بدان ننموده است.

آغاز: بسمله سپاس و ثناء خداوندی را رواست که ذاتش از وصمت فنا و زوال [معراست] کذا الخ.

انجام: و آنکه ختم کند از برای تو بسعادت و شهادت بدرستی که ما بسوی او تعالی را غیبیم و سلام بر رسول خدا ص (۱).

(۱) نسخه مدرسه ترجمه آخرین فقره عهد نامه را ندارد و کاتب پس از نقل عبارت آن دست از نگارش کشیده و ما عبارت فوق را از روی شرح عهد نامه که در شرح نهج البلاغه مؤلف میباشد نقل نمودیم ولی در نسخه‌ای که جناب آقای حاج محمّد شمس السلطنه اسفندیاری از این ترجمه عهد نامه دارند و اینک نزد نگارنده است پس از عبارت فوق در حدود پنجاه بیت در شرح و توضیح فقرات مذکوره اضافه دارد و آخر آن این بیت میباشد: فارغت من تسوید هذا المختصر. فی اربعایومان من اقبل الصفر) و بحساب جل مصرع اخیر سال ۱۰۹۴ را بیان مینماید و ظاهر این است که اینسال تاریخ تألیف این ترجمه نباشد، چرا که تاریخ کتابت نسخه شرح نهج البلاغه مؤلف که اینک در این کتابخانه است سال ۱۰۸۸ بوده و اگر تاریخ مذکور در این بیت از قلم و انشاء مترجم باشد تا آنسال در حیات بوده و در آن تجدید نظر کرده و از اسلوب عبارت امل الامل که در سال ۱۰۹۷ تألیف شده (امل ج ۱ ص ۲۴) نیز حیات مؤلف را در این تاریخ میتوان استنباط نمود (امل الامل ج ۲ ص ۶۴)

(۷۵۵)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده و کاتب از خود
ترجمه و شرح و سال کتابت نامی نبرده ولی ظاهراً در اوائل قرن یازدهم
عهدنامه مالک نوشته شده ، ورق اوّل کتاب که مشتمل بر شش بیت بوده
افتاده و صفحات مجدول بطلا و زنگار میباشد و اوّلین سطر
اشتر
موجود آن این است :

(جز در تو قبله نخواهیم ساخت گر نه نوازی تو که خواهد نواخت)
و در سال (۱۲۸۴) داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و کنار اوّلین صفحه
موجود یاد داشت شده و از آخر هم موافق نسخه مذکور در فوق بیش از پنجاه
بیت نوشته نشده و آخرین سطر نگاشته شده اینست : (انا الیه راغبون والسلام
علی رسول الله صلی الله علیه و آله) .

جلد سوخته . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۵۰) . صفحه
(۱۱) سطر . طول ($18 \frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۹۶) .

[۳۰۶] ترجمه نهج البلاغه با تنبیه الغافلین (فارسی)

مترجم و مؤلف این کتاب ملافتح الله کاشانی ره مفسّر معروف و متوفی بسال
۹۸۸ میباشد که بشرح حال ایشان در (ص ۱۲۳ تا ۱۲۶ ج ۱) پرداخته شد ،
و چنانکه خود در مقدمه بدان تصریح کرده اند نام این ترجمه را « تنبیه الغافلین و
تذکره العارفين » نهاده و از ترجمه های بسیار مختصر این کتاب بزرگ میباشد و
بعضی این ترجمه را شرح گفته اند ولی از حدّ ترجمه تجاوز ننموده و از کتاب
نهج البلاغه در این فصل مفصلاً صحبت خواهیم نمود ، این ترجمه دو بار بسال
۱۲۷۵ و ۱۳۰۵ در طهران چاپ گردیده است .

آغاز : بسملة الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله ...

... اما بعد بر ذوی بصائر ثاقبه و خواطر باهره مخفی نیست که ترقی بمدارج
قرب الهی الخ .

(۷۵۶)

این نسخه که مشتمل بر تمام کتاب است بخط نستعلیق در
سال (۱۰۱۶) هجری نگاشته شده و پشت ورق اول یادداشت
هائی است که کهنه ترین آنها مؤرخ بتاریخ (۱۰۲۷) هجری
میباشد و بخط عبدالواهب مشتهر بواعظ ملکی اصفهانی است ،
تنبیه الغافلین یا ترجمه نهج البلاغه
حواشی ورق آخر از بین رفته و وصالی شده است .

جلد چرمی روغنی . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۸۷) صفحه
(۲۵) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) عرض (۱۸ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۰۹۱) .

(۷۵۷)

این نسخه را بخط نسخ خوب صالح بن سعید بحرانی در سال
(۱۰۷۸) نگاشته و پس از ختم کتاب خطبه ششقیه را نیز
همو نوشته ، متن نهج البلاغه باشنجرف تحریر گردیده و در
حواشی صفحات تعلیقاتی بامضاء شیخ علی و بدون امضاء
نوشته شده و بر دو ورق که پیش از نسخه است مطالب
متفرقه ای یاد داشت و پاره ای از اوراق وصالی گردیده و مطالبی از پشت
ورق اول نحو شده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۳۷) .
صفحه (۲۷) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۷۳) .

[۳۰۷] ترجمه نهج البلاغه یا شرح محمد باقر لاهیجی (فارسی)

محمد باقر لاهیجی مشهور بنواب (۱) رحمه الله علیه که از علماء عصر فتحعلیشاه
قاجار بوده و علوم معقول و منقول را در اصفهان تدریس مینموده و از علم
نجوم نیز با خبر و در علم تفسیر دست مخصوصی داشته و قرآن کریم را بنام

(۱) درروضات درص (۱۲۲) ج ۴ و قصص العلماء در ذیل محمد علی نجفی فقط بمناسبت
نام ایشان برده شده و از مؤلفات و سال وفات ایشان تا کنون خبر و اثری نیافته ام .

« تحفه خاقانی » بطرزی خاص تفسیر نموده (در ج ۱ ص ۹۷ و ۹۸ شرح این کتاب گذشت) کتاب نهج البلاغه را بامر پادشاه مذکور بفارسی ترجمه کرده و در مقدمه آن خود علت شروع بترجمه را نگاشته و در بعضی از فقرات برخلاف بنا که فقط ترجمه کلمات و عبارات بوده بشرح و بسط پرداخته و از این جهت برخی این ترجمه را بنام شرح نیز ذکر و معرفی نموده اند و خود مترجم در مقدمه هم اشارتی بشرح بودن آن مینماید و آن اینست : (بر ترجمه و جیزه مشتمله بر فوائد عالیه و فرائد غالیه که شروح مبسوطه سلف خالی از آن بود اقدام نمود الخ .) و نیز در مقدمه گوید : (چون کلام آن حضرت سر مشق همه فصحاء و بلغا میباشد برای اثبات فصاحت و بلاغت آن کلام معجز نظام باشعار شعرا و کلمات بلغا استشهاد نگردید) .

مترجم چنانکه در آخر مجلد اول و دوم تصریح نموده اند در سال ۱۲۲۵ ترجمه مجلد اول و سال ۱۲۲۶ ترجمه مجلد دوم نهج البلاغه را انجام داده و از ترجمه های خوب یکی این ترجمه میباشد و در حدود (۲۷۵۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۳۱۷ در طهران چاپ شده است .

آغاز: بسمله سپاس موفور و ستایش نامحصور مخصوص پرورد گاری است که الخ .
انجام: باتمام رسید ترجمه این کلام معجز نظام در عصر روز جمعه غره شهر جمادی الاولی سنه یک هزار و دو یست و بیست و شش ناقصه هجری و ما توفیقی الا بالله و انا الجانی محمد المدعو بیاقر الالهیدجانی عفی الله عن جرائمه و الحقه بالصالحین بمحمد و عترته الطاهرین صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین .

(۷۵۸)

این نسخه که مشتمل بر مجلد اول کتابست در سال ۱۲۳۰ بخط نسخ محمد باقر بن حسنعلی حسینی طبیب اصفهانی نگاشته شده و عناوین خطب را کاتب با شجر ف نوشته و از ابتداء ترجمه تا ترجمه کلامیست که حضرت در مذمت اهل کوفه انشاء فرموده و اول آن اینست : (فقال علیه السلام بعداً

ترجمه نهج البلاغه
 یا شرح
 محمد باقر لاهیجی

لهم كما بعدت كهود).

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۱۷) . صفحه (۲۴) سطر . طول ($۲۱ \frac{1}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۹۵) .

[۳۰۸] درة الغواص فی اوهام الخواص (عربی)

مؤلف این کتاب حریری رهاست (ابو محمد قاسم بن علی بن محمد بن عثمان البصری ۴۴۶ - $\frac{۵۱۵}{۵۱۶}$) (۱) که از علماء علم ادب بوده و در فن انشاء سرآمد اقران و امثال خود شده و مقامات او بسر حد کمال اشتهار رسیده و شروحی چند بر آن نگاشته شده و دو شرح آن در این فصل ذکر خواهد شد و نیز در حرف میم این فصل بشرح کتاب مقامات مفصلاً خواهیم پرداخت .

در وفیات الاعیان ابن خلکان مذکور است که حریری را مؤلفات نیکوئی است از آنها مقامات مشهوره او و ملححة الاعراب بنظم در علم نحو و شرح آن ، دیوان رسائل ، دیوان شعر و درة الغواص فی اوهام الخواص (همین کتاب) و سه کتاب اولیه و کتاب اخیر مؤلف چنانکه در ص (۷۴۸) معجم المطبوعات مذکور است مکرر در مصر و اروپا و غیره چاپ شده و نگارنده تا کنون بمؤلفات دیگری از حریری دست نیافته و در کتابی نام آنها را ندیده است .

ابن خلکان آورده که حریری از اهالی مشان (به میم مفتوحه و شین پس از آن الف) بوده که شهر کوچکی در نزدیکی بصره است و حریری منسوب بحریر میباشد که این شخص یا اشتغال بساختن و عمل آوردن آن داشته و خود یا یکی از پدرانش فروشنده آن بوده است .

درة الغواص کتابی است که اغلاط مستعملة در عبارات و کلمات و ابیات دانشمندان در آن جمع آوری شده و مؤلف ادله خود را در غلط بودن آن الفاظ ذکر و پس از آن صحیح آن را نیز با ذکر ادله از اشعار بزرگان نقل نموده و تقریباً مشتمل بر تصحیح دو بیست و پنجاه کلمه از کلمات غیر صحیح در

(۱) ابن خلکان ج ۱ ص (۴۱۹) ، روضات الجنات ص (۵۲۶) ، بغية الوعاة در حرف قاف ،

استعمال و کتابت میباشد و در حدود (۴۲۰۰) بیت کتابت دارد و از کتب بسیار خوب ادب است .

نظام الدین حکیم الملک گیلانی این کتاب را مختصر نموده (۱) باین معنی که شواهد را انداخته و اقتصار بر کلمات مستعمله و صحیح آنها کرده و در مقدمه آن گوید که در کمتر از چهار ساعت این انتخاب را انجام داده و نیز اغلاط مستعمله دیگری که حریری بذکر آنها نپرداخته بآخر آن افزوده و نسخه‌ای از آن را که در زمان حیات مؤلف تحریر گردیده بضمیمه دوازده رساله دیگر از آن مؤلف آقای تربیت (محمد علی) دارند و در این مجلد ذیل حکایات غریبه از مؤلفات این مؤلف نام خواهیم برد .

آغاز: بسمله قال الشيخ الرئيس ابو محمد القسم بن علي بن محمد بن عثمان الحريري البصري رضي الله عنه اما بعد حمد الله الذي عمّ عباده بوظائف العوارف الخ .

(۷۵۹)

درة الغواص این نسخه را بخط نسخ در سال ۱۰۵۰ حاج بن منصور احسائی نوشته و نیز همین کاتب رساله ای که در ردّ بر ظاهریه و مجسمه و مشبهه است در حواشی کتاب نگاشته و پس از اتمام کتاب منظومه جزری در درایه که مسمی به « الهدایه » میباشد تحریر و چون منظومه بیایان میرسد شرحی در طریق وصول بحق از شیخ نجم الدین کبری نگارش یافته و بعد از آن مطالب متفرقه ای نیز همین کاتب نگاشته ولی قسمت هائی از ضمائهم و چند سطر از صفحات اخیر کتاب پاره شده و در حواشی نیز مطالب متفرقه ای موجود است .

جاء تیماج . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع بیاضی . شماره اوراق (۹۷) . صفحه (۱۶) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض ($۱۱ \frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) ، شماره کتابخانه (۲۸۸۷) .

(۱) صاحب کشف الظنون جمعی از دانشمندان را که بر این کتاب حاشیه نوشته و یا آنرا شرح نموده و یا مختصر کرده و با نظم بسته و یا بر آن تکمله نگاشته اند درص (۴۸۴ و ۴۸۵ ج ۱) نام برده ولی این اختصار حکیم الملک در آنجا ذکر نشده است .

(۷۶۰)

دره الغواص

این نسخه را بخط نسخ خوب، محمد تقی بن شاه محمد در سال

۱۱۰۰ نگاشته، در حاشیه صفحات معنی بعضی از لغات متن

یاد داشت شده و پس از اتمام نسخه شرح قصیده برده تألیف مهلب بن حسین بن

برکات موجود است و شرح آن در فصل دواوین و اشعار مذکور خواهد شد،

پشت صفحه اول مطالب متفرقه و یاد داشتهائی موجود است.

جلد چرمی. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع ربعی. شماره اوراق کل (۱۷۷) اوراق

دره (۱۲۷). صفحه (۱۹) سطر. طول (۱۲ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). عرض (۹ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۸۸۸).

[۳۰۹] دستور الکاتب فی تعیین المراتب (فارسی)

مؤلف این کتاب بنا بتصریح در ابتدا و انتهای آن شمس منشی نخجوانی پسر هندو شاه مؤلف تجارب السلف است که در دستگاه شیخ اویس بهادر خان که از سال ۷۵۷ تا ۷۷۶ سلطنت داشته، منشی بوده و درك سلطنت پدرش شیخ ابوسعید را نیز نموده است و بگفته ریودرذیل فهرست موزه بریتانیا ص ۱۲۳ این مؤلف کتاب «صباح العجم» را بنام خواجه غیاث الدین رشیدی تألیف نموده و یکی از مطلعین گوید اینك نسخه ای از آن در کتابخانه حاج حسین آقای ملك در طهران موجود و مانند سایر کتب آن کتابخانه راهی برای دیدن آن نیست.

در تعریف کتاب نویسنده خود در دیباچه گوید:

و چون در این عصر میمون و روزگار همایون، اکابر وقت بر تتبع فن انشا اقبال نموده اند و از مجموع منشآت منشیان معاصر ترا کتب این ضعیف و هو الفقیر الی الله الغنی المغنی محمد بن هندو شاه المشتهر بشمس المنشی النخجوانی غفر الله له و لوالدیه و احسن الیهما و الیه بنابر حسن ظنی که در حق او دارند و الظن یخطی و بصیب ملحوظ نظر گردانیده اند و باستدعاء مسودات عربی و پارسی او رغبت نموده و تسمیع بالمعیدی خیر من ان تراه و تمسک این معنی را ساخته که ضابطه ترا کتب بر حسب هر عصر و زمان مختلف و متفاوت می شود و ترا کتب منشیان سابق و افاضل وجود و استادان جهان، رشید الدین و طواط و بهاء الدین محمد بغدادی و نور الدین منشی و رضی الدین

خشب سقى الله اتراهم وجعل فراديس القدس مثواهم با وجود تفوق در مراتب فصاحت و رجحان در معارج براعت و بلاغت مصطلح ابنا روزگار در لواحق اعصار نیست (۱) البته آن قاعده مهمل و آن ضابطه غیر مستعمل مینماید الخ .

و نیز در دیباچه است که در ایام سلطنت سلطان ابوسعید صاحب سعید شهید خواجه غیاث الدین محمد رشیدی و دیگر ارکان دولت و اعیان حضرت حکم یرایخ بتصنیف چنین کتابی رسانیدند بواسطه کثرت اشتغال و تعاقب موانع میسر نشد و تقدیر ازلی این بود که این کتاب بالقاب همایون پادشاه اسلام (مراد شاه اويس است) مطرّز و موشح شود بنا بر این تألیف این کتاب در اوائل سلطنت سلطان اويس و مسلماً پس از سال (۷۵۷) بوده است .

این کتاب که مؤلف آن را « دستور الکاتب فی تعیین المراتب » نامیده در يك مقدمه و دو قسم و خاتمه مرتّب گردیده و از دیباچه هر دو قسم فهرست تفصیلی مطالب هر يك از آنها را ذیلاً میآوریم :

مقدمه : در کیفیت این کتاب و شرط شروع متامل در آن . **قسم اول :** در مکاتبات سلاطین که بیکدیگر نویسند و القاب و ادعیه ایشان و خوانین سلاطین و اولاد ایشان و ذکر پادشاه یعنی آنکه مکتوب از قبل او نویسند و احوال که بدان متعلق خواهد شد و این مرتبه مشتمل است بر دو ضرب (ضرب اول بسه صورت و ضرب دوم به بیست فصل تقسیم گردیده) .

مرتبه دوم : در مکاتبات امراء الوس و وزراء و خوانین و اولاد ایشان و نقیب السادات و مشایخ و مریدان و قاضی القضاة و دیگر قضاة و ابنا ایشان و نوایب دیوان سلطنة و دیوان وزارت و امراء اولکا و تومانات و اینافان و اتابکان و وکیل حضرت سلطنت و اصحاب دیوان بزرگ و دیگر ارکان مملکت مشتمل بر دو ضرب (ضرب اول در بیست و شش فصل و ضرب دوم در شانزده فصل است) **مرتبه سوم :** در مکاتبات اشراف الناس و علما و حکما و مدرسان و مقتیان و مفسران و مفیدان و محدثان و ائمه و خطبا و وعاظ و اطبا و فقها و حفاظ و صالحا و ارباب فنون و منقطعان و گوشه نشینان و محتسبان و منجمان و شعرا و استادان وجد و پدر و جد و مادر و عم و خال و عمه و خاله و برادران بزرگ و کوچک و خواهران و پسران کثرهم الله تعالی و دختران و خواجه سربایان و دوستان و ندما و تجار و ابطال و شجعان و اسفهسالاران و کوتوالان قلاع و مقدمان

(۱) صاحب کشف الظنون (ج ۱ ص ۴۹۲) و بتبع او ربو مؤلف فهرست موزة بریطانیا (ص ۱۲۲ ذیل فهرست) ، و استاد معظم آقای اقبال آشتیانی در مقدمه حدائق السحر (ص ۴) این کتاب را از منشآت رشید و طواط و رضی الدین خشب و غیره مؤلف دانسته در صورتیکه خود مقدمه برخلاف آن ناطق و تصریح دارد که از انشاء آت شمس نخجوانی است .

طوائف و مهندسان و معماران و صدور و اعیان و القاب و ادعیه ایشان و اوساط الناس و غیر هم و این مرتبه مشتملست بر دو صنف و مضمونات که بعد از القاب و خطاب بدین دو صنف نویسند (صنف اول مشتمل بر سی و هشت فصل و صنف دوم مشتمل بر دوازده فصل است) **مرتبه چهارم:** در مکانات مقر بان سلاطین و اهرام و وزراء و خوانین و خدم و ارکان دولت و مالوک و لایات و سادات و مشایخ و قضاة و غیر هم و مضمونات آن و عرضه داشت رعایا بسلاطین و جواب آن و محاضر و اجوبه و شرطنامه که نواب و عمال بسلاطین دهند و جواب و تذکره که بامرا و وزرا و اعظم مملکت نویسند و اجوبه آن (این مرتبه مشتمل بر بیست فصل و هر فصلی بر دو صورت مکتوب و جواب و هر صورتی مشتمل بر سه نوع است).

قسم دوم: در احکام دیوانی و تفویض اعمال بامراء مغول و وزراء و نواب و بواب سلطنت و استیفاء ممالك و الخ تبیگیچی و نظارت و اشراف و حکمی و انشاء و نیابت وزارت و دفتر داری و حکومت و متصرفی و لایات و قانون یا سامیشی و تعدیلی و خرز و تخمین و احصاء مواشی و اسفھ سالاری و امارت عسس و مملکت التجاری و حکومت دارالضرب و معیری و صاحب جمعی اموال و مناصب قلمی و لایت و عمارت بایران و کاروان سالاری و ریاست و تولیت قضایا شرعی از قاضی القضاة و ممالك و قضایا و لایات و نقیب النقبائی و حکومت اوقاف سادات و اوقاف ممالك و امارت محمل و وفد حجاج و تدریس و خطابت و احتساب و اعادت و فقاہت و شیخی خانقاه و اثبات صوفی در خانقاه و ساغوری بیمارستان و کتابت دارالقضا و امین آنجا و مورخین حجج و قبالات و عامل زکوات و حکومت بیت المال و متصرفی جزیه و تفویض امامت و اذان و احسان و رعایت مصالحین و تهدید و سیاست مجرمان و لوازم و لواحق آن (این قسم دوم مشتمل بر دو باب، باب اول آن در سه ضرب و مجموعاً در پنجاه و شش فصل و باب دوم در دو ضرب در بیست و دو فصل مرتب گردیده است).

مطالب فوق چون مشتمل بر بیان مندرجات و طرز کتاب بود عیناً نقل گردید تا مطالعه کنندگان بخوبی دریابند که در این کتاب چه مباحثی هست و برای دانستن و پی بردن به کیفیت انشاء و القاب و اطلاع بر تشکیلات آن عصر و حتی حدود و ثغور دولت شیخ او یس از کتب خوب و نفیس میباشد و مؤلف در طی منشآت به اشعار عربی و فارسی بسیار تمثیل جسته و در خاتمه کتاب قصیده ای در مدح شاه او یس از انشاء خویش ضبط نموده و این کتاب تقریباً در حدود (۲۳۰۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله تحمیدی که سیار فهم دورین بمراحل و منازل آن راه نیابد الخ.

(۷۶۱)

این نسخه نستعلیق بد خطی است ، يك يا چند صفحه از آخر
دستور الکاتب آن افتاده ، نام کاتب و سال کتابت در صفحات موجود
 فی نیست ولی از رسم الخط چنین بر می آید که در قرن هشتم
تعیین المراتب یا اوائل قرن نهم نگاشته شده و اوراق آن بدون ترتیب
 صحافی گردیده و چنانکه در آن مطالعه شد پاره ای از اوراق
 هم افتاده است و از ابتداء و انتهاء آن هم پاره ای از برگها و صالی دارد ، پشت
 صفحه اول از حسن بن محمد مدعو بحکمی که از نویسندگان دستگاه سلطنتی بوده
 یادداشتی بتاریخ سال ۱۰۱۲ نوشته شده و قسمت اولیة آن محو گردیده و فقط نام
 نگارنده و سال تحریر خوانده میشود و نیز در ذیل آن یادداشتی است که قسمتی از
 آن را دست روزگار محو نموده و عبارات خوانای آن اینست : (ممّا اعاره الدهر علی
 افقر عباد الله المدعو بمحسن احسن الله تعالی) و چنین بنظر میرسد
 که نویسنده آن مرحوم ملاّ محسن فیض ره بوده و آخرین سطر نسخه این بیت
 از قصیده ایست که مؤلف در مدح پادشاه در خاتمه گذارده است :

بدخواه تست همچو خزان ای بهار ملک وز باد سرد خویش چو برگ گست در خزان
 جلد تیماجی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . شماره اوراق (۲۲۸) . صفحه (۲۵)
 سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۷۳) .

[۳۱۰] رسم الخط آخوند زاده (فارسی)

این رساله یکی از نوشتههای آخوند زاده آذربایجانی ره میباشد (میرزا فتحعلی بن
 میرزا محمد تقی بن حاجی احمد ۱۲۲۷ - ۱۲۹۵) (۱) که یکی از دانشمندان
 ایران و ساکن تفلیس بوده و همانجا وفات کرده ، چندی تحصیل علوم قدیم و

(۱) شرح حال آخوند زاده را فقط از ص ۲ تا ۸ دانشمندان آذربایجان تالیف آقای تربیت
 گرفته ام و در مکتوب خود بوزارت علوم و معارف ایران که در حرف (م) همین فصل آن را
 خواهیم نگاشت خود را شیعه معرفی میکند و آن جمله اینست : مکتوب من که از متوطنین خاک
 قفقازم و از جهت اسلامیت و مذهب با ملات ایران برادری دارم الخ .

جدید نموده و در اواخر عمر مترجم السنه شرقیه در پیشگاه جانشین قفقاز بوده و در همین اوقات چنانکه از ابتداء این رساله و کتاب معلوم میشود بدین خیال افتاده که ملت اسلام از سایر ملل مخصوصاً غربی ها عقب افتاده و بایستی آنها را آشنا بتمدن غربی نمود و در این خصوص شروع بنگارش کرد و آداب و اخلاق و رسوم ملل اسلامی را مورد بحث و انتقاد خویش قرار داد و نوشته های او بزبان فارسی و عربی و ترکی بود و از آنجمله یکی کتاب «تمهيلات» بزبان ترکی میباشد که مشتمل بر هفت نمایش یاداستان است و نسخه ای از آنرا که خود آخوند زاده در تفلیس باعترضاد السلطنه علیقلی میرزا اهداء نموده و پشت آن یادداشت کرده اینک در این کتابخانه در تحت شماره (۲۸۸۸) موجود است و چنانکه در «دانشمندان آذربایجان» نگاشته شده میرزا جعفر قرچه داغی آنرا بفارسی ترجمه و در سال ۱۲۸۸ در طهران چاپ شده و بزبان روسی و انگلیسی و فرانسوی و آلمانی نیز ترجمه گردیده است.

و دیگری از مؤلفات آخوندزاده خطابه هائی نظیر **صدخطابه** میرزا آقاخان کرمانی است که سر مشق کرمانی بوده و نسخه ای از آن بگفته آقای تربیت در کتابخانه مرحوم نصیرالدوله وزیر معارف در طهران موجود میباشد. و دیگری «**تلقین نامه**» عربی که از منشآت سیاسی مؤلف در آخر عمر بوده و در قسمت فارسی روزنامه ارشاد در باکو (بادکوبه) چاپ شده و دیگری مکتوبی است که در نقد و انتقاد مطالب روزنامه ملّتی در سال ۱۲۸۳ نوشته و نسخه ای از آن تحت شماره (۲۷۷۶) در این کتابخانه میباشد و نیز در حرف میم این فصل آنرا ذکر خواهیم نمود و دیگری رساله ایست که در انتقاد از انشاء مجلدات سه گانه روضه الصّفاى ناصری در سال ۱۲۷۹ نوشته و نسخه ای از آنرا آقای تربیت دارند و دیگری همین رساله در معائب خط اسلام و مقدمه و مؤخره آنست که ذیلاً از آن نام میبریم و بهتر آن دیدم که عین عبارت دانشمندان آذربایجان را که مطالب مذکور را منحصراً از آنجا گرفته شده در اینجا بیاورم و آن اینست:

زبدۀ آثار آخوند زاده الفباى اختراعى اوست که بجای الفباء حاضره اسلامى در سنه (۱۲۷۴)

از ترتیب و تألیف آن فراغت یافته و دو رساله دیگری هم در تاریخ خطوط و معائب القباء حاضره و محاسن القباء اختراعی خود در سنوات ۱۲۸۰ و ۱۲۸۵ ب زبان ترکی و پارسی تصنیف نموده در اول رساله ثانی شماره (۷۶۳ ذیل) چنین گفته است : « بنا بر قصورات القباء اسلام بسیا قیقه در دیباچه کتاب اول خود تصریح کرده ام من القباء جدیدی بوضع خط قدیم اختراع و نقطه هارا کلاً ساقط و اعراب را در یهلوی حروف صامته مرقوم نمود ، اول این رسم جدید را بواسطه قنصول دولت علیه ایران در تفلیس میرزا حسین خان بنظر اولیاء دولت علیه ایران معروض داشتم و بعد يك جلد دیگر از آن رسم جدید برداشته در سنه ۱۲۸۰ عازم اسلامبول شدم »

آخوندزاده در تاریخ مزبور که بشهر اسلامبول سفر کرده است پیشنهادی در این باب که مورخه ۲۰ صفر از همان سال میباشد به فؤاد پاشا صدر اعظم دولت عثمانی تقدیم داشته و این در شماره ۱۴ مجموعه فنون جمعیت عثمانی منتشره در این تاریخ چاپ شده است ، از قرار معلوم میرزا حسین خان مرحوم که در آن وقت سفیر ایران در ریایت عثمانی بوده است این اقدامات آخوندزاده را در دربار عثمانی عقیم گذارده و آن مرحوم بدون اخذ نتیجه بقفقاز برگشته ، مثنوی هجو آمیزی قریب بهشتاد بیت راجع باین مسافرت خود منظوم ساخته و در آنجا چنین گفته است :

که ناگاه يك مردك زرد چهر	بجام مرادم بر آمیخت زهر
به پیش و زیران و راه بود	مرا دشمن دین و دولت نمود
ازو هیچ شد رنج ده ساله ام	شنید آسمان از زمین ناله ام
بنا چار بر گشتم از خاک روم	که ماندن در آنجا مرا بود شوم

از کتاب ثانی آخوندزاده چنان مفهوم میشود که پس از مراجعت از اسلامبول بواسطه فوت یسرش مدتی یریشان حال گشته و دیگر به پیشرفت القباء خود اقدامی نکرده است تا آنکه در آن اوان نسخه ای از القباء اختراعی میرزا ملکم خان که در پاریس بطبع رسانیده و آنرا به آخوندزاده فرستاده بوده است دو باره او را بحرکت انداخته و رساله القباء اختراعی خود را با دو رساله دیگر که یکی از آنها پیشنهاد اولی و صورت خطابه منیف پاشا و فرمان سلطان عبدالعزیز بوده و دیگری عبارت از تاریخ مختصر خطوط قدیمه و محاسن القباء اختراعی خود او میباشد همه را با خط و امضای شخصی در سنه ۱۲۸۵ بوزارت معارف ایران تقدیم داشته است که الحال این نسخه ها عیناً در ضمن کتب موقوفه اعتضاد السلطنه مرحوم که بکتابخانه سپهسالار (دانشکده معقول و منقول) افزوده اند موجود بوده و قابل استفاده است . انتهى .

(کتب مرحوم اعتضاد السلطنه را مرحوم سپهسالار خریداری و خود آنها را وقف کرده است و خصوصیات نسخ مذکور چنانست که ذیلاً مینگاریم) .

آغاز : بوزارت علوم اعلی حضرت شاهنشاه ایران خلد الله ملکه - از مترجم السنه شرقیه در خدمت حضرت افخم جانشین قافقاز میرزا فتحعلی آخوندزاده - عروض -

نامه است بنابر قصورات الفباء اسلام بسیا قی که درد ییاجه کتاب اوّل خودم تصریح کرده ام الخ.

(۷۶۲)

رسم الخط جدید
این نسخه که بخط نستعلیق در سال ۱۲۸۵ نگاشته شده، از قرائن بدست میآید که خط خود آخوند زاده است و در آخر امضاء آخوند زاده
اورا دارد و مشتمل بر کاغذ و مکتوبی است که آخوند زاده از تفلیس در خصوص تغییر خط بوزارت علوم آن عصر نگاشته، چند ورق کاغذ نوشته در ابتداء و انتهاء نسخه میباشد و آغاز آن چنانست که در بالای این نسخه نقل گردیده است.

جلد مقوائی. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع وزیری بزرگ. شماره اوراق (۲۰). صفحه (۶) سطر. طول (۱/۲۸ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۷۷۸).

(۷۶۳)

رسم الخط جدید
این نسخه مشتمل بر اشکال حروف جدید و ترکیبیات آن میباشد، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ولی پیدا است که نویسنده همان کاتب نسخه سابق میباشد و در سال ۱۲۹۲ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و چند ورق کاغذ نوشته در اوّل و آخر دارد ولی این نسخه دارای مقدمه ای که در مقدمه نسخه فوق بدان اشاره نموده نیست و اگر چه بایستی این نسخه را مقدم ذکر نمود چرا که مؤلف این را کتاب اوّل معرفی نموده اما نظر باینکه نسخه فوق مقام مقدمه این نسخه را دارد مقدم گردید.

جلد مقوائی. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع وزیری بزرگ. شماره اوراق (۷). صفحه (۱۲) سطر. طول (۱/۲۸ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۷۷۹).

(۷۶۴)

رسم الخط جدید
این نسخه که بخط نستعلیق نگاشته شده و کاتب آن نویسنده دو نسخه پیش است مشتمل بر سواد تقریر مطبوع جمعیت علمیه عثمانیه در خصوص الفباء و رسم الخط آخوند زاده

و سواد فرمان سلطان عبدالعزیز پادشاه عثمانی و سواد شریکه مؤلف بجمعیت علمیه عثمانیه در جواز شرعی تغییر خط اسلام و تاریخچه مختصری از خطوط اسلامی است میباید در ذیل سواد تقریر مذکور سر تیپ دوم علیخان ژنرال قنصل دولت ایران در تفلیس مطابق بودن آنرا با اصل بخط خوب خود نگاشته و در آخر نسخه میرزا فتحعلی آخوند زاده امضاء کرده است.

جاء مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سیمسالار . قطع وزیری بزرگ . شماره اوراق (۱۲) . صفحه (۱۲) سطر . طول (۲۸ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۷۷) .

[۳۱۱] سفینه الانشاء یا تذکره الشباب (فارسی)

این کتاب پاره ای از انشآت فروغ اصفهانی ره است (میر محمد مهدی بن محمد باقر اصفهانی نائینی) که از شعراء و نویسندگان قرن سیزدهم هجری بوده (از اوائل سلطنت فتحعلیشاه تا چند سال از سلطنت ناصرالدین گذشته) و در دربار بنویسندگی اشتغال داشته و از این کتاب معلوم میشود که شاگردی آقا محمد کاظم و اله اصفهانی متوفی بسال ۱۲۲۹ را نموده و از کتاب « صحائف العالم » وی معلوم میشود که با اصطلاحات حکما آشنائی داشته و پیرو مرحوم شیخ احسائی و مرحوم سید کاظم رشتی بوده است .

چنانکه در دیباچه کتاب نگاشته شده اسدالله منشی نائینی با اجازه خود فروغ بنظم و ترتیب نگارشات ایشان پرداخته و آنرا بفصول ذیل تقسیم و نام آنرا « سفینه الانشاء » گذارده و در اینجا نام فروغ را میرزا محمد منشی نائینی نوشته و در آخر اشعار تخلص وی فروغ ثبت شده ولی در ذیل کاغدی که فروغ بمیرزا محمد تقی فرزند خویش نگاشته (ص ۲۵۷ سفینه) اصفهان را وطن خود خوانده بنا بر این معلوم گردید که فروغ اصفهانی است و مرتب کتاب چون خود نائینی بوده افتخاراً ایشان را بنائین که شاید وطن اصلی فروغ بوده نسبت داده است .

در ص ۲۰۶ کتاب المآثر والآثار که فقط تاریخ چهل سال سلطنت ناصرالدین شاه از (۱۲۶۴ تا ۱۳۰۵) میباشد و مجمع الفصحاء (ج ۲ ص ۳۹۶) ذیل شعرای معاصر

متخلص بفروغ را فقط میر محمد مهدی اصفهانی دانسته و گویند با منصب استیفا بتألیف رسائل و نظم اشعار روزگار میگذرانند و در مجمع الفصحا کتاب «صحائف العالم» (۱) را با داشتن در حدود دویست هزار بیت کتابت و «تذکره الشباب» را با اشتمال آن بر نامهای تازی و پارسی و قصائد عربی و عجمی و محتوی بودن بر حالات او بوی نسبت داده و بعقیده نگارنده «سفینه الانشاء» مرتب شده همین تذکره الشباب میباشد و جمله ذیل این اعتقاد را تأیید و اثبات مینماید (در ص ۲۰) در ذیل تاریخ فتحعلیشاه گوید: (اگرچه استیفاء تمام انواع نیز ممکن نیست بذکر بعضی این تذکره را مطرز میدارد الخ.) و کتاب دیگری را نگارنده از این فروغ بنام «فروغستان» در علم سیاق با مقدمات خوبی در مطالب متنوعه با شرح و بسطی نیکو سراغ دارد که نسخه‌ای از آن در کتابخانه معارف و نسخه دیگر در کتابخانه این مدرسه موجود ولی دو نسخه اندک تفاوتی دارند باین معنی که نسخه مدرسه پس از نسخه اولی نوشته شده و در تقسیمات و مطالب آن تجدید نظر گردیده و تاریخ تألیف آن سال ۱۲۵۸ و بنام محمدشاه قاجار میباشد و نسخه کتابخانه معارف بسال ۱۲۵۹ نوشته شده و مؤلف در آنجا خود را محمد مهدی بن محمد باقر اصفهانی متخلص بفروغ معرفی کرده است.

اسدالله مذکور نام فروغ را چنانکه گذشت در ابتداء کتاب میرزا محمد نوشته و پشت صفحه اول بسال ۱۲۹۷ بنام کتاب انشاء میرزا مهدی منشی وقف شده و این دو اختصار در ذکر اسم موجب شبهه در نام اصلی فروغ نخواهد بود و امثال این اختصار از نویسندگان بسیار و معلوم است که اگر در يك عصر دو شاعر

(۱) يك دفتر از دو دفتر (باستثناء يك قسمت از آخر آن) صحیفه پنجم از کتاب صحائف العالم فروغ در کتابخانه مجلس شورای ملی تحت شماره ۲۵۹ کتب خطی موجود است و از مطالعه این کتاب اطلاعات تاریخی و دینی و فلسفی مؤلف بدست میآید و از فحوی کلام معلوم میشود که از بیروان مرحوم شیخ احساسی ره بوده و از مرحوم سید کاظم رشتی مکرراً نقلهایی نموده است و نسبت بصوفیه تاخت آورده و در ذیل شرح حال بزرگان آن طریقه چون مولوی و شیخ عراقی و کرمانی مخالفت آنها را با ظواهر شرع یاد آور شده و در ابتداء کتاب ادیان و ملل غیر از اسلام و شعب مسلمانان را یاد آور گردیده و پس از فراغ از بیان فرق اسلام دو مناظره را که یکی مناظره فضال با ابوحنیفه امام اعظم اهل سنت و دیگری مناظره شیخ حسین بن عبد الصمد عاملی پدر حضرت شیخ بهائی را که با علماء حاب میباشد و بسال ۹۵۱ اتفاق افتاده نقل نموده است.

فروغ تخلص و هر دو اصفهانی و مستوفی دربار سلطنتی وجود داشت مورّخی چون صاحب‌المآثر و الآثار که مخصوصاً بنایش بر معرفّی از این گونه افراد میباشد و حتّی دربانان و چراغچیان آندوره را نام برده و تذکره نویسی چون صاحب‌جمع‌الفصحاء که هر دو نیز درباری و معاصر بوده‌اند بذکر او و بیان آثارش می‌پردازند و بسیار دور است که منشی توانائی چون فروغ را با وجود شاعری و نویسندگی این دو نویسنده معاصری نام ببرند، بنا بر این میرزا محمد مهدی فروغ را که نام برده‌اند صاحب و منشی منشآت سفینه‌الانشاء است.

تذکری را که باید داد این است که در مجمع‌الفصحاء تولّد فروغ را سال ۱۲۲۳ نوشته در صورتیکه در این کتاب (سفینه‌الانشاء) انشائاتی سال ۱۲۱۴ و ۱۲۱۶ و ۱۲۱۹ درص ۳۴-۳۷، ۲۴۴-۲۴۶ و ۲۵۵ موجود و گذشته از آنها فروغ سال ولادت خود را در این بیت معین نموده:

شمار عمر ز هفتاد و شش گذشت و مرا ☆ نظر هنوز بخوبان چهارده ساله است
و پس از یکی دو بیت نیز گوید:

بما تمند خلائق ز ناله‌های فروغ ☆ مگر بما تم فتح علی شهنش ناله است

و چون میدانیم که این پادشاه بسال ۱۲۵۰ وفات یافته بدست می‌آید که تولّد فروغ بسال ۱۱۷۳ بوده است و دو مؤلف مذکور فوق‌سال وفات ویراضبط نکرده‌اند ولی در مجمع‌الفصحاء این بیت که میرساند تا سال ۱۲۶۷ فروغ زنده بوده ثبت است:

بنگاشت فروغ بهر تاریخ ☆ این کاخ لقا بشاه میمون. = ۱۲۶۷

و تاریخ تحریر نسخه سفینه‌الانشاء سال ۱۲۶۹ میباشد و بقرینه اینکه کاتب در ابتداء کتاب پس از نام منشی آن (فروغ) مد ظله‌العالی نگاشته و پس از ختم کتابت چون خواسته که عناوین را با سرخی چنانکه معمول کتاب میباشد بنگارد پیش از بسمله چنین نگاشته: (کتاب منشآت مرحوم جنّت مکین آقا میرزا محمد منشی نائینی.) و پس از این همه جا در عناوین مطالب بر او تر حیم گفته و در کتاب کنج شایگان که در تذکره شعرائی است که میرزا آقا خان صدر اعظم نوری را مدح گفته‌اند و بسال ۱۲۷۳ تألیف گردیده نام این شاعر و شرح حال او با دو

قصیده فارسی و عربی در مدح صدر اعظم مذکور و تهنیت عید اضحی ذکر شده و قطعه ای هم در بنای عمارت نظامیه در شهر طهران بسال ۱۲۷۲ که اینک مهمانخانه ای بنام «لقانطه» در آن دائر است از وی ثبت گردیده و ماده تاریخ آن این است: تاریخ زانجام گرفتیم خرد گفت ☆ از قصر نظامیه شکست اوج جنانی = ۱۲۷۲. و در آن کتابست:

«از آنجا که آنجناب (مراد میرزا آقاخان است) مراتب فضل وی نیکو میدانست بحضرت خویش بخواست و یایه جاهش باندازه که شایست برافزود و مرجوع خدمتی بزرگ و مهمی خطیر از دیوان مامور و سپرده جناب جلالت نصاب اجل امجد نظام الملک (پسر میرزا آقاخان صدراعظم است) آمد و هم اکنون در آن درگاه در پناه نعمت و راحت و آسوده فراغت و استراحت است.»

سفینه الانشاء یکی از کتب ادبی و تاریخی است و بعقیده نگارنده از نسخهای نفیس این کتابخانه میباشد و بسیاری از اطلاعات تاریخی را متضمن و قدیمترین انشاء با تاریخ فروغ در این کتاب انشائی است که بسال ۱۲۱۴ نگاشته (ص ۳۴ - ۳۷ سفینه) و آخرین انشاء با تاریخ وی مقدمه ایست که بر وصیت نامه (ص ۱۵۴ - ۱۵۶ سفینه) میرزا ابوالحسن خان شیرازی وزیر دول خارجه بسال ۱۲۶۰ نگاشته است و فهرست مطالب و فصول کتاب چنانکه مرتب در مقدمه گفته اند این است:

فصل اول: یاره ای از وقایع بطرز تاریخ مرقوم داشته اند در این فصل شرح مبسوطی از تاریخ فتحعلیشاه و قسمتی از اشعار او و تاریخچه ایل قاجار و کیفیت سلطنت آنها تا هردن این پادشاه و وقایع مهمه و عهد نامه ها و بعضی از منشآت که در آن اوان انشاء کرده است ثبت شده.

فصل دوم: نامه ها و مراسلاتی است که از جانب سلاطین و اولیای دولت ابد مدت قاهره ایران بدول خارجه نگارش یافته.

فصل سوم: قبالبجات و دیباچه و شروخی چند که در عنوان و ظهر یاره ای کتب و غیره مرقوم شده.

فصل چهارم: رسائل و فرامین سلاطین دولت علیه (در این فصل فرمان ولیعهدی محمدشاه و ناصرالدین شاه که هردو از منشآت فروغ میباشد ثبت گردیده و جوابهایی که فتحعلیشاه بعلما اعلام معاصر خویش بقلم فروغ نوشته نیز در این فصل است و از آنها جوابی است که به جناب شیخ احسانی ره بحرینی نوشته است (ص ۱۴۶ و ۱۴۷ سفینه) (از اینکه تاریخ بعضی

از فرامین که بانشاء فروغ نگارش یافته سال ۱۲۲۵ میباشد و از انشائیکه در فصل اول بود دانستیم که در سال ۱۲۲۴ در اصفهان بوده و از طرف مرحوم واله مراسله‌ای نگاشته معلوم میشود ابتداء ورود وی بانشاء در دستگاه سلطنتی سال ۱۲۲۵ بوده است.

فصل پنجم: مراسلات و عریضجات (در این فصل آنچه از طرف خود و دیگران نگاشته مندرج است).

فصل ششم: اشعاری چند بر سبیل نمودار (در این فصل اشعار تاریخی و ترجیع بند موشح باسم فتحعلیشاه و غزلیاتی که نیز در مدح و تعریف این پادشاه گفته و اشعار متفرقه دیگری است).
از آثار شعری فروغ در دوره محمد شاه و ناصرالدین شاه چیزی در این کتاب نیست ولی در مجمع الفصحاء و گنج شایگان مختصری موجود است.

این کتاب در حدود (۱۱۰۰۰) بیت کتابت دارد (۱).

آغاز: بسمله منشیان فصیح اللسان را فروغ انجمن مرّیان ستایش فرماندهی است الخ.

انجام: عروس ملک بامید رجعتش تاحشر

نشسته چشم براه خطیب و دلالة است (۲)

اللهم اغفر لی ولوالدی و لاخوانی المؤمنین و المؤمنات در روز پنجشنبه دوازدهم شهر ذی قعدة الحرام هزار و دویست و شصت و نه ۱۲۶۹ مسئلت مینماید (۳) بنده ذلیل اسدالله نائینی.

(۷۶۵)

سفینه الانشاء این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب جامع و مرتب آن اسدالله نائینی در سال ۱۲۶۹ نگاشته و عناوین مطالب بشنجر ف نوشته شده و با تفحص ممکن نسخه دیگری از آنرا نیافتم.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهر زده . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۲۹) . صفحه (۱۷) سطر . طول (۳۵ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۲۱ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) ، شماره کتابخانه (۲۷۶۹) .

(۱) مطالب راجعه به فروغ از المائر و الآثار ص (۲۰۶) و مجمع الفصحاء ج ۲ ص (۳۹۶) و گنج شایگان ص (۳۵۲ - ۳۵۸) و خود سفینه الانشاء استفاده شده است.

(۲) این آخرین شعر غزلیست که دو بیت آن نیز در ص (۳۰) نقل گردیده است .
(۳) عین عبارت آخر نسخه است .

[۳۱۲] شرح عهد نامه مالك اشتر (فارسی)

این شرح از ملا ابو الحسن عاملی رحمه الله علیه است (ابو الحسن بن محمد طاهر بن عبد الحمید بن موسی بن علی بن معتوق بن عبد الحمید عاملی اصفهانی نجفی) که از علماء و فقهاء امامیه در قرن دوازدهم هجری بوده و جدّ مادری صاحب جواهر میباشند و مادر ایشان خواهر امیر محمد صالح حسینی خاتون آبادی بوده و بدین سبب در اجازات و آخر مؤلفات خود را شریف معرفی نموده اند و از مؤلفات این عالم جلیل یکی **فوائد غرویه** است که مشتمل بر دو مقصد و هر یک دارای دوازده فائده از مسائل اصول دین و اصول فقه میباشد و قسمت دوم آنرا که بخط مؤلف بوده صاحب روضات داشته و تاریخ تألیف آن قبل از ظهر روز ۱۷ جمادی الثانیه سال (۱۱۳۱) (۱) ضبط شده است بنابر این معلوم میشود که تا این سال شارح در قید حیات بوده و دیگری کتاب «**مشکوة الانوار**» در تفسیر قرآن کریم میباشد که پس از مجلد اول آن که در مقدّمات تفسیر و علوم متعلّقه بقرآن میباشد جز اندکی از آن تألیف نگردیده و بنای مؤلف بر آن بوده که قرآن را بنحوی که در اخبار امامیه وارد شده تفسیر نماید و دیگری **رساله در رضاع** میباشد که صاحب حدائق بگفته خود ردّی بر آن نگاشته و شرحی بر کفایه سبزواری نگاشته و این شرح از ابتداء کتاب متاجر تألیف گردیده چنانکه در ذیل شرح کتاب کفایه در ص (۵۰۵) ج ۱ گذشت و شرحی بر مفاتیح فیض بنام «**شریعة الشیعه** و دلائل الشریعه» نگاشته اند و بگفته صاحب **لؤلؤتین البحرین** که قسمتی از آنرا دیده بوده تاریخ تألیف آن سال ۱۱۲۹ میباشد و دیگری این شرح است (شرح عهد نامه مالك اشتر) که بنا بتصریح مؤلف در ص (۹) نسخه ذیل نام آن «**نصایح الملوک و آداب السّلوک**» گذارده شده و آنرا بنام شاه سلطان حسین صفوی تألیف نموده و چنانکه از تاریخ کتابت نسخه ذیل نیز معلوم میشود بسال

(۱) تاریخ تألیف راضی روضات در حاشیه ص ۱۱۹ ج ۴ از آخر نسخه چنین نقل نموده: فی الثالث الثانی من البیوم الثانی من النصف الثانی من الثالث الثانی من الشهر الثانی من الثالث الثانی من السنة الثانیة من بعد الثلاثة الثانیة من العشر الثانی من الالف الثانی من الهجره .

۱۱۱۸ یا پیش از آن تألیف گردیده و هیچیک از صاحب روضات (ج ۴ ص ۱۱۹) و صاحب لؤلؤ (ص ۷۳) که بشرح حال و مؤلفات ایشان پرداخته و مطالب فوق بامراجعه بآنها نگاشته شده از این شرح نام نبرده‌اند و مؤلف این شرح را در مقدمه‌ای و پنج باب مرتب نموده و هر يك از مقدمه و ابواب را در ذیل نصائحي بانجام رسانده و فقط بترجمه فارسی عهد نامه آن هم قسمت قسمت اکتفا نموده و برای ایضاح مطالب گاهی حکایاتی آورده است و در حدود (۳۲۵۰) بیت کتابت این شرح میباشد.

آغاز: بسمله حمد بیحد و ثنای ببعدد قادریرا رواست الخ.

انجام: و اگر نفعی از آن بر نداین مجرم عاصی را بدعائی یاد آورنده القریب المجیب والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الاقدمین اجمعین وسلم تسلیماً کثیراً کثیراً فی ۱۱۱۸.

(۷۶۶)

شرح عهد نامه این نسخه بخط نسخ خوب در سال ۱۱۱۸ نگاشته شده پشت صفحه اول و بر خود آن یادداشت‌هایی بوده آنها را مالک اشتر محو کرده اند، ورق اول و آخر و صالی گردیده، پاره ای

از کلمات سیاه و چرك شده و صفحات مجدول بطلا میباشد.

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۵۰) صفحه (۱۱) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) عرض (۱۲ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۹۴۶).

[۳۱۳] **شرح غرر الحکم و درر الکلم** (فارسی)

این شرح را بفارسی آقا جمال خونساری ره متوفی بسال ۱۱۲۵ که از علماء نامی امامیه بوده و در ص ۱۸ و ۳۹۱ و ۵۶۴ ج ۱ این فهرست بشرح حال مختصری از ایشان و پاره‌ای از مؤلفاتشان پرداخته شد بر کتاب «غرر الحکم و درر الکلم» آمدی که در همین فصل از آن نام خواهیم برد و معرفی کامل از آن خواهیم کرد نگاشته اند.

بعضی این کتاب را ترجمه معرفی نموده و مؤلف خود نیز در خاتمه قسمت

دیگر این کتاب که ذیلاً از آن نام میبریم آنرا ترجمه نامیده ولی در مقدمه مجلد اول گفته است:

« و در عبارات غامضه و فقرات مشککه آن که محتاج باشند بکشف و بیان اکتفا بترجمه نموده و بر وجهی که باید تقریر و تفسیر مراد و ایضاح و افصاح مقصود نماید ، لاجرم با وجود عدم استطاعت و قصور بضاعت بحکم المأمور معذور بشرح کتاب مزبور بر نهجی که منظور خاطر ملکوت ناظر والا و مطمحن نظر اندیشه جهان پیما بود پرداخت » .

و گذشته از این چون بخود کتاب مراجعه می کنیم معلوم میشود که مؤلف پس از نقل عبارات و کلمات و بیپارسی ترجمه کردن کلمات بشرح و بسط و تحقیق در آنها پرداخته و از کتب خوب فارسی است .

صاحب روضات در ص ۱۵۵ ج ۱ نگاشته اند که این شرح در دو مجلد است ولی در آنجا و جای دیگر نیافته ام که آیا شارح موفق باتمام این شرح شده اند یا نه فقط دو نسخه از این شرح را نگارنده دیده یکی نسخه ذیل است که متعلق باین کتابخانه است و دیگری متعلق آقای تربیت (محمد علی) میباشد که از ابتداء شرح حرف الباء تا آخر حرف الکاف میباشد و در خاتمه آن چنین نگاشته شده :

وسيلة رستگاری و دست آویز رحمت کرد گزاری نصیب شده باتمام این اجزا که مجلد ثالث (۱) ترجمه کتاب مسطور است کام تمنا یافته چون بنا بر عزم سفر حج بیت الله حرام از سعادت ادراک ما بقی که وجهه همت است بازماند رجاء و اتق و امل صادق است که بعون الله و حسن تأیید ادراک هریک از مقصدین میسر و محصل گردد کتب ذلک حامداً لله رب العالمین و مصلياً علی خاتم النبیین و آله الطیبین الطاهرین فی اواخر شهر شعبان المعظم من شهر سنة ۱۱۱۳ من الهجرة النبویه علی هاجر ها اکمل الصلوة و اشرف التحية . انتهى .

و بقرائن مذ کوره فوق احتمال میدهم که شارح موفق باتمام این شرح نفیس نگردیده و کلیه این دو مجلد موجود در حدود (۵۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و ظاهراً کاتب نسخه آقای تربیت همین نویسنده نسخه مدرسه است .

(۱) در نسخه مذکور فوق مجلد ثالث نوشته شده ولی ظاهراً کاتب سهو کرده و صحیح آن مجلد ثانی باشد چرا که با تفحص بسیار در خود کتاب ابتداء مجلد دوم را نیافتم و صاحب روضات هم دو مجلد بودن آن را تصریح کرده اند .

(۲) شماره ابیات مجلد اول تقریباً (۴۲۸۰۰) و مجلد دوم (۱۲۲۰۰) میباشد .

آغاز: بسمله غرر و درر الفاظ و معانی و سلسله آرای شاهد زیبای حمد و سپاس الخ.

(۷۶۷)

این نسخه مجلد اول و مشتمل بر شرح از ابتداء کتاب تا آخر حرف الف میباشد بقرینه اینکه در حاشیه پاره ای از صفحات آن حاشیه هائی از مؤلف بخط کاتب نسخه نگاشته شده و در ذیل آنها کلمه « منه سلمه الله تعالى » یا « منه مدّ

شرح
غررالحکم
و درر الکلم

ظلّه العالی » تحریر یافته مسلماً در زمان حیات مؤلف یعنی پیش از سال ۱۱۲۵ نوشته شده، ولی کاتب از خود و سال نگارش نام نبرده، عبارات غررالحکم (اصل کتاب) بخط نسخ و شرح آن بخط نستعلیق است، محمدحسین بن نورالدین موسوی حسینی جزائری در لکنو از شهرهای هند بسال ۱۱۴۸ شرحی مبنی بر اینکه این نسخه قسمتی از ترجمه غررالحکم آمدی و تألیف آقا جمال است پشت ورقیکه پیش از ورق اول کتاب است مرقوم داشته و نیز بر ورقیکه در آخر نسخه است شرحی مبنی بر تشرف بزیارت این کتاب بدون امضاء بسال ۱۲۸۹ نوشته شده و شیهه بخط مرحوم حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله است و نیز در پشت نسخه یادداشتی مورخ بسال ۱۲۷۳ بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب و بامضاء نصرالله موجود است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق (۳۴۱) . صفحه (۲۱ و ۲۲) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) عرض (۱۹ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۳۰۷) .

[۳۱۴] شرح مقامات حریری - شریشی (عربی)

این شرح مقامات از شریشره است (ابوالعباس احمد بن عبدالمؤمن بن موسی بن عیسی بن عبدالمؤمن قیسی شریشی نحوی ۵۴۷ - ۶۱۹) (۱) که از مشاهیر علماء

(۱) معجم المطبوعات تولد این مؤلف را در سال ۴۵۷ و وفات را سال ۶۱۹ ضبط نموده بنا بر این عمر مؤلف ۱۶۲ سال خواهد بود ولی ظاهراً عدد چهار و پنج مقدم و مؤخر شده و سال تولد شارح ۵۴۷ بوده که بنا بر این عمر ایشان ۷۲ سال خواهد بود و این نزدیک تر بواقع است لذا بدینگونه آنرا ثبت نمودیم .
[به ذیل صفحه بعد رجوع شود]

ادب است و به شارح مقامات نیز در میان فضلاء معروف میباشد ، در نحو و لغت و ادب و عروض و انشاء دستی قوی داشته و مردی بلیغ و ثقه بوده از جمعی دانشمندان روایت نموده و بسیاری نیز از او روایت کرده اند و مؤلفات او عبارتست از سه شرح بر مقامات بزرگ و متوسط و کوچک که نسخه ذیل یکی از آنها و همانست که چند بار در مصر چاپ شده و شرح **الایضاح** و شرح عروض الشعر و **علم القوافی** و شرح الجمل و **مختصر نوادر القالی** و قصائد مشهوره عرب و **التعلیقات الوفیه** که شرح **الدره الاثیه** ابن معط میباشد و در آن تمام الفیه مذکور را نقل نموده و غیر از اینها .

و در شریش (۱) در ماء ذیحجه ۶۱۹ وفات نمود نمود این شرح چند بار در دو مجلد طبع گردیده است (۲) چنانکه از نسخه ذیل معلوم میشود شرح اول شریشی است و در حدود (۴۲۶۰۰) بیت کتابت دارد و مشتمل بر حکایات و اشعار خوب فصحاء عرب و بیان معانی لغات مشکله و کلمات مستعمله در مقامات است و مطلبی را که محتاج بشرح و بسط بوده از آن نگذشته و چنانکه خود اشاره نموده از شروح دیگر استفاده ها نموده و چون چاپ شده محتاج بتعریف یدش از این نیست .

صاحب کشف الظنون گوید مختصر شرح مقامات شریشی از شیخ شهاب الدین احمد بن محمد حجازی متوفی سنه ۸۷۵ است و میتوان گفت که این مختصر شرح بر شرح شریشی است (ج ۲ ص ۴۹۸) .

[بقیه از ذیل صفحه قبل]

و نیز شارح را احمد بن عبد المؤمن بن عیسی بن موسی بن عبد المؤمن ضبط نموده در صورتی که در نسخ بغیة الوعاة و روضات الجنات که نقل از بغیه نموده موسی بن عیسی ثبت شده ولی در نسخه ذیل عیسی مقدم بر موسی ثبت گردیده است - معجم المطبوعات ص ۱۱۲۱ ، بغیة الوعاة در حرف الف روضات ص ۸۴ ، کشف الظنون ج ۲ ص ۴۹۸ .

(۱) شریش که اول و آخرش شین معجمه است بفتح اول و کسر راء مهمله و یاء مثناة تحتانیة شهر بزرگی است از کوره شدونه و مرکز آنست و اینک آنرا شرش گویند ، شدونه بفتح اول و پس از واو ساکنه آن نون شهری است در آندلس که متصل میشود اطراف آن بحدود موزور از توابع آندلس ، معجم البادان ج ۳ ص ۲۸۵ و ۲۶۷ .

(۲) مطالب فوق فقط از بغیة الوعاة و معجم المطبوعات ترجمه گردید .

و صاحب کشف الظنون گوید که شرح متوسط این شارح بر مقامات مزجی و مشتمل بر شرح لغات غریبه آنست و آنرا بر حسب درخواست اهالی سجلماسه با عباراتی سهل نگاشته ، و آغاز آن این است : بسملة الحمد لله الذي علمنا ما لم نكن نعلم الخ . و از شرح سوّم نام و نشانی ذکر نکرده معلوم میشود که از نظرش نگذشته بوده .

آغاز : بسملة (۱) الحمد لله الذي اختص هذه الامه بافصح الالسنه الخ .
انجام : اذا فكرت في ندمي عليها * غصصت اناملي و قرعت سني
و هذا آخر شعر قاله ابو العتاهيه و آخر شعر ختمت به الشرح راجياً من ربي
صفحه و عفوه و الحمد لله اولاً و آخراً كما يجب بجلاله غفرانك اللهم تباركت و تعاليت
و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله و صحبه و سلم .

(۷۶۸)

این نسخه که مشتمل بر تمام کتابست بخط نسخ خوب
نگاشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، پشت
صفحه اول شرحی نظماً و نثراً بخط شکسته نستعلیق خوبی
مبنی بر تعریف و توصیف کتاب تحریر گردیده ، کاتب خود را
یکی از عمال دیوان و مستخدمین دولت معرفی کرده و در آخر شرح مهری بنام
« موسی » زده شده و از تاریخ آن مهر معلوم میشود که از رجال قرن سیزدهم
هجری بوده ، نسخه در سال ۱۲۸۱ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت
ورق اول یادداشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ رنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۴۲۶) .
صفحه (۲۵) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) عرض (۲۱ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۲۵۵) .

(۱) در نسخه ذیل پس از بسملة نگاشته شده : قال الشيخ الاستاذ النحوي ابو العباس احمد بن
عبد المؤمن بن عيسى بن موسى بن عبد المؤمن القيسي الشريشي رحمة الله عليه و رضوانه الحمد لله
الذي اختص الخ . و نسخه چاپ شده ابتداء آن عیناً ابتداء این نسخه است .

[۳۱۵] شرح مقامات حریری - مطرزی (عربی)

(الایضاح)

این شرح مقامات از مطرزی ره است (۱) (ابوالفتح ناصر بن ابی المکارم عبدالسید بن علی مطرزی $\frac{۵۳۶}{۵۳۸}$ - ۶۱۰) که یکی از فقهاء حنفی مذهب بوده و از ادباء نامی و نحویین معروف و لغویین مشهور می باشد و در اصول معتزلی است در خوارزم متولد و در همانجا بدوود زندگی گفته و او را خلیفه زنجیری خوانند چرا که وفات او در سال ولادت این مؤلف یعنی بسال ۵۳۸ بود و ابن خلکان گوید که مطرزی بضم میم و فتح طاء مهمله و راه مشدده مکسوره و راه و یاء منسوب به کسی است که لباس را طرح زند و آنرا نقاشی کند و نمیدانم آیا خود او بدین کار مشغول بوده یا یکی از اجدادش مطرز بوده اند و خدا دانا است. ولی سیموطی در بغیه گوید علی پسر مطرز علم است نه وصف و پاره ای مؤلفات او عبارت است از **الاقناع** لمأخوی تحت القناع در لغة، **المغرب** (لغة فقهی)، **المغرب** فی ترتیب المغرب و **مختصر اصلاح المنطق** (اصلاح المنطق تألیف ابن سبکیت است) و **مصباح** (۲) در نحو و شرح مقامات حریری که آنرا الایضاح (۳) نام نهاده شارح پیش از آنکه شروع بشرح کلمات و عبارات مقامات نماید مقدمه ای در مطالب معانی و بیان و بدیع ذکر و برای هر یک از مطالب مثالهایی از کلمات فصحاء و بلغاء سابق آورده و مخصوصاً مقید شده که از عبارات حریری

(۱) ابن خلکان چاپ طهران ج ۲ ص (۲۸۰)، روضات الجنات ج ۴ ص ۲۲۳، الفوائد البهیه ص ۲۱۸، بغیة الوعات ص (۴۰۲)، معجم المطبوعات ص ۱۷۶۰، کشف الظنون ج ۱ ص ۱۱۲ و ۱۳۲ ج ۲ ص ۴۴۸ و ۴۷۱ و ۴۹۷، کفیه و لقب شارح در نسخه کهنه این کتابخانه مخالف آنچه موافق با مؤلفین سابق ثبت گردیده نگاشته شده و در ذیل اولین نسخه آنرا نقل کرده ایم و صاحب کشف الظنون در دو جای مجلد اول اسم مؤلف را ناصرالدین و در سه جای از مجلد دوم مؤلف را ناصر بن عبدالسید ضبط نموده است.

(۲) فقط در بغیه نام این کتاب «مختصر المصباح» ثبت شده است.

(۳) کشف الظنون در ج ۲ ص ۹۷ در ذیل شروع مقامات حریری نام این شرح را «الافصاح» نقل نموده و مساماً غلط و تصحیف الایضاح است و در حرف الف بعده الف و الف بعده الیاء از آن کتاب مراجعه گردید این نام را در آنجا نیابوده بود در نسخه چاپ شده نام شرح ثبت نگردیده است و در تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ۴۸ نیز نام این شرح الایضاح است.

در مقامات حتماً استشهد نماید پس از اتمام این مقصود چند سطری در معنی مقامه نگاشته آنگاه شروع در شرح خطبه کتاب نموده و از آن پس بشرح مقامات پرداخته (مقدمات کتاب که آنرا رساله‌خوبی در فصاحت و بلاغت توان دانست و در حدود (۱۰۰۰) بیت میباشد) و چون داخل در شرح مقامات شده کلمات مشکله را شرح کرده و امثال و حکایاتی را که حریری بدانها تمثیل بسته و یا بنقل آنها پرداخته تشریح نموده و برای توضیح کامل عبارات صاحب صحاح و دیگر دانشمندان متوسل شده و بسیاری از اشعار و کلمات بزرگان عرب را برای تأیید نظریه خویش آورده است و کلیه این شرح در حدود (۸۸۰۰) بیت میباشد

سال تألیف را شرح در آخر کتاب سنه (۵۶۳) معین نموده ، در معجم المطبوعات چاپ شدن آن تذکر داده نشده ولی بسال ۱۲۷۲ در طهران چاپ گردیده است .
آغاز : بسملة الحمد لله المحمود على جميع الالهة المشكور بحسن البلاء الخ .
انجام : فاحمد الله على الاله المتظاهر واصلى على محمد وعترته الطاهرة واسلم تسليمًا كثيرًا .

(۷۶۹)

شرح مقامات حریری
مطری
 این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده و بذکر آخرین عبارت مصنف قناعت نموده ولی در حاشیه آخرین صفحه نوشته شده : (بلغت المقابلة بخط المصنف) و از حروف آخر کلمه مصنف اندکی محو شده و از طرز کتابت و کاغذ نیز بدست می آید که در قرن هفتم نگارش یافته و پشت صفحه آخر و بر اوراقیکه در آخر کتاب است یادداشتها و مهرهای قدیمی و اشعاری عربی بخط نسخ و نستعلیق تحریر یافته و یکی از یادداشتها را محو کرده اند و هیچیک جز یادداشت اعتضاد السلطنة تاریخ نداشته و بیشتر از خطوط قرن هفتم هجری است . و سجع مهر مدورسی که بر دومین ورق کتاب زده شده اینست . (حبیب الله محمود است از جان غلام شیخ ابراهیم سلطان) پشت صفحه اول کاتب نسخه چنین نوشته : (کتاب الايضاح فی شرح المقامات الحریری تصنیف الشیخ الامام العالم الاجل برهان الدین

ابی المظفر ناصر بن المطرزی رحمه الله تعالى علیه . و در آخر کتاب در آنجا که شارح میخواهد کلام خود را خاتمه دهد و میگوید قلت ، در این نسخه کاتب نوشته : قال الامام الاجل برهان الدین ابوالمظفر ناصر بن المطرزی رحمه الله قلت . و از اینجا معلوم میشود که یکی از پدران شارح به مطرزی مشهور بوده و در نسخه مطرزی بضم اول و فتح ثانی و کسر ثالث با تشدید وزای معجمه با یاء نسبت مشدد تشکیل شده است و در نسخه دیگر پس از بسمله اینست : يقول عبد الله المفتقر اليه ناصر بن ابي المكارم المطرزي تجاوز الله عنه ، الحمد لله المحمود الخ . و نیز یادداشتی است که بخط شکسته نستعلیق نگاشته شده و امضاء آن غیاث الدین بن محمد حسینی حسینی است و سجع مهر آن یا غیاث المستغیثین است و سال ۱۰۰۷ بر آن نقش شده و مسلماً غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی نیست چرا که بنص روضات (ج ۴ ص ۱۲۹) وی بسال ۹۴۸ وفات یافته و سجع مهر او « ناصر الشریعه منصور » بوده بنا بر این صاحب این یادداشت و مهر دیگری است .

جلد چرمی کهنه . کاغذ حنائی . واقف سپه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۶۹) . صفحه (۲۱) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۵۴) . (۷۷۰)

این نسخه در سال ۱۱۰۰ بخط نسخ احمد بن علی حسینی شرح مقامات حریری نگارش یافته ، حاشیه دو ورق از اواسط کتاب پاره شده مطرزی یکی را وصال کرده اند .

جلد چرمی . کاغذ اصفهانی . واقف سپه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۰۹) . صفحه (۱۸) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۲۵۳) .

[۳۱۶] شرح نهج البلاغه - ابن ابی الحدید (عربی)

مؤلف این شرح ابن ابی الحدید است (عزالدین عبد الحمید بن هبة الله (۱) بن

(۱) نام پدر شارح در معجم المطبوعات ص ۲۹ و کشف الظنون ص ۳۹۳ و ۶۲۲ ج ۲ و قوافل الوفيات ص (۲۱۷ ج ۱) هبة الله ضبط گردیده ولی در روضات بنقل از عبد الرزاق غوطی بهاء الدین ثبت شده و در اینجا نیز پس از محمد دوم جد مؤلف حسین بن ابی الحدید نقل شده در صورتیکه در کتب فوق نام حسین نیست و در تجارب السلف (ص ۳۵۸ و ۹۵۹) شارح فقط بنام عزالدین عبد الحمید بن ابی الحدید ذکر گردیده و مطالب مر قومه از آن کتب گرفته شده است .

محمد بن ابی‌الحدید مدائنی معتزلی (۵۸۶ - ۶۵۵) که از معاریف ادبا و متکلمین قرن هفتم هجری و معاصر با آخرین خلیفه عباسی بوده و هنگام تصرف مغول شهر بغداد را گرفتار آمده و بجوانمردی ابن علقمی وزیر و شفاعت خواجسه نصیرالدین او و برادرش موفق الدین از کشته شدن نجات یافتند (ذیلاً شرح قضیه ذکر می‌گردد). صاحب روضات (ص ۴۲۲ تا ۴۲۴) بشرح حالات و معرفی ایشان مفصلاً پرداخته و مؤلفات ذیل را بنقل از نوشته های شیخ ابوالفضل عبدالرزاق الغوطی مورخ بایشان نسبت داده: از مؤلفات ابن ابی‌الحدید یکی کتاب **العقیری الحسان** میباشد که در آن قسمتی از کلام و تاریخ و اشعار و پاره‌ای از انشآت و مراسلات خود را جای داده و دیگری کتاب **الاعتبار** و این کتاب در سه مجلد و نظر مؤلف در آن بر کتاب **الذریعه فی اصول الشریعه** سیدمرتضی ره میباشد و دیگری کتاب **الفیثک الدائر علی المثل السائر** (این کتاب چنانکه در ص ۳۰ معجم المطبوعات چاپ شده است و کتاب **المثل السائر** تألیف ضیاء الدین بن الاثیر جزری متوفی سنه ۶۳۷ میباشد و در فن انشاء و کتابتست کشف الظنون ص ۳۷۵ ج ۲) و دیگری شرح محصل امام فخر رازی است که در حقیقت نقض ورد بر آن میباشد و دیگری کتاب **نقض المحصول** (محصول در کلام و نیز از امام فخر است) و دیگری شرح **مشکلات الغرر** میباشد کتاب **غرر الادله** تألیف شیخ ابوالحسن محمد بن علی بصری متوفی سنه ۴۶۳ که از علماء معتزله بوده‌اند میباشد (کشف الظنون ج ۲ ص ۱۵۳) و دیگری شرح **یا قوت ابن نوبخت و قصائد هفتگانه** در مدح حضرت علی علیه السلام که بگفته هدیه الاحباب در ص ۴۵ شیخ رضی استرآبادی و صاحب مدارک بشرح آن پرداخته اند و دیگری شرح **نهج البلاغه** (همین کتاب) میباشد که از معاریف کتب و موجب شهرت شارح گردیده است.

این شرح نهج البلاغه یکی از شروح مفصله و شارح در آن داد اطلاع و فضیلت و تحقیق را داده و چون طریقه انصاف را پیش گرفته و چنانکه شایسته است خطب و کلمات را شرح و تفسیر نموده، اهل سنت ویرا شیعه دانسته ولی از خود کتاب

بر می آید که سنی و معتزلی است ، بسیاری از اخبار و معتقدات شیعه را هم نقل و برد آنها پرداخته و بسیاری از مطالب بر خلاف عقائد امامیه دارد که آنها را صاحب حدائق جمع نموده و ذیلاً از آن نام می بریم ، ولی در دوستی حضرت علی و اولاد آن بزرگوار علیهم السلام بسی اختیار بوده و ما ترجمه پاره ای از دیباچه این شرح را که شارح از روی راستی بسی کم و کاست کتاب و اسلوب آنرا معرفی نموده در اینجا می آوریم :

چون امر حضرت وزیر بزرگوار محمد بن احمد بن محمد علیمی که خدایش مشمول عنایات کامله خویش دارد و او را ازین مقام ارجمند بالاتر برد بنام این بنده در گاه بر شرح کتاب نهج البلاغه که بر صاحب آن بهترین صلوات و پاکیزه ترین تحیات باد صادر گردیده ، مانند کسیکه خود پیش پیش بنا بر کاری داشته و فرمانی جازم او را ازجا برانگیزاند شروع در انجام خدمت نمود و بشرحی پرداخت که در آن بذکر غرائب لغات و اسالیب عبارات و بیان مرادقناعت نموده بود اما چون چندی بدین منوال گذشت اندیشیدم دانستم که این مختصر تشنه حقائق را سیراب نمیکند و سرگردان را جز سرگردانی نمی افزاید بنا براین آن روش را گذاشتم و بشرحی مفصل پرداختم که مشتمل بود بر غریب لغات و اسالیب و قواعد معانی و بیانی و چون کامه ای ممکن باشد از لحاظ اعراب و تصریف اشکالی پیدا کند بیانش پرداخته و در موارد بسیار بفقل نظم و نثرهایی نظائر عبارات کتاب همت گماشتم ، حکایات و مطالب تاریخی را که در الفاظ اشارتی بدانها رفته بود آورده ، دقائق توحید و عدل که اشاره بدانها نموده تشریح کرده ، آنچه از انساب و امثال نکته ها و مواعظ و زواجر دینی و حکم و آداب اخلاقی و مسائل فقهی بود شرح و بسط داده ، مقامات عارفین را که انحضرت در کلمات خویش بطریق رمز یاد فرموده بیان نمودم ، در صورتیکه همه کس توانائی بر آن ندارد و این کار را کسی نتواند جز دانشمندان و روحانیان مقرب ، برده سائر مقاصد را از روی عباراتیکه حضرت علیه السلام بطریق کنایه و اختصار و اشاره و شکایت بیان فرموده برداشته و برهان اقامه کرده که بسیاری از فصول این کتاب داخل در معجزات محمدیه ص است چرا که مشتمل بر اخبار بغیب میباشد و از قوه بشر خارج است که اینگونه حقائق را در قوالب الفاظ در آورد

(بهمین جهت است که در میان خاصه این کتاب **اخ القرآن** نامیده شده)

و چنانکه امید بود کتابی در فن خود کامل و یگانه در میان امثال گردید و هیچ شکفت نخواهد بود که بوسیله این کتاب که بهترین کتابها است کسی بسر پادشاهان تقرب جوید و بواسطه یگانة زمان به یگانة روز کار نزدیک شود چرا که همه چیز بم مانند خویش بایستی متصل شود و هر چیزی نظیر خود را بخود می کشاند و تا آنجا که میدانم پیش از من کسی

بشرح این کتاب نیرداخته جز سعید بن هبة الله بن حسن فقیه معروف بقطب راوندی که یکی از فقهاء امامیه بوده لیک وی مرد ابن میدان نبوده چرا که همه عمر خویش را صرف فقه کرده و کجا فقیهی که بس عالم این یک رشته است تواند بحقائق این کتاب که دارای فنون متعدده و علوم متشعبه میباشد پی برآید، بنابراین حال شرح او بر دانا مخفی نیست و من در چند جا مطالب متناقضه آنرا در این کتاب نقل نموده و از بسیاری از آنها که چندان فائده ای در ذکر آن ندیده در گذشته ام، و پیش از آنکه شروع بشرح کتاب نمایم اقوال اصحاب خودمان معتزله رحمهم الله را در باب امامت و تفصیل بغاۃ و خوارج و ذکر نسب و مختصری از فضائل حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و شرح مختصری از نسب و حالات رضی ابی الحسن محمد بن حسین موسوی رحمه الله نقل پس از آن شروع بشرح خطبه کتاب که از منشآت سید رضی ره است می نمایم . **انتهی** .

سید هاشم بحرانی متوفی بسال ۱۱۰۷ که در ج ۱ ص ۸۹، ۲۲۱، ۲۸۶، ۳۰۳ و ۳۱۰ مؤلفاتی از ایشان را با شرح حال مختصری ذکر کرده ایم آنچه از فضائل حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و سائر ائمه هدی در شرح ابن ابی الحدید بوده جمع آوری نموده و آنرا « **سلاسل الحدید** » نامیده است .

صاحب حدائق متوفی بسال ۱۱۸۸ (ج ۱ ص ۳۹۹) ردی بر شرح مذکور نگاشته و نام آنرا « **سلاسل الحدید فی تقیید ابن ابی الحدید** » گذاشته و در آخر لؤلؤتی البحرین ذیل مؤلفات خود در معرفی از این کتاب گوید :

این کتاب رد بر شارح نهج البلاغه است که بخیاال خویش آنرا بر رأی معتزله و اصول مذهب ایشان نگاشته و در ابتداء آن مقدمه مفصلی در معنی امامت نوشته ام که او خود شایسته است کتابی مستقل باشد پس از آن آنچه راجع بامامت و احوال خلفاء و مطالب مناسب باین مبحث بود از شرح مذکور نقل و خلل و مفاسد هر یک را کاملاً تشریح نموده ام و مجلد اول آن خاتمه یافته و در حدود یک ثلث از مجلد دوم را نیز تالیف نموده ولی اشتغال بتالیف کتاب حدائق مرا از بیان رسانیدن آن بازداشته است . **انتهی** .

این شرح ابن ابی الحدید را شمس بن محمد بن مراد در سال ۱۰۱۳ (۱) شرح

(۱) فقط در آخر شرح جزء اول نسخه این ترجمه نام مترجم و شارح ذکر شده آنهم بدینگونه که در اینجا ثبت میگردد : تمام شد ترجمه جزء اول از شرح نهج البلاغه که مترجم آن الفقیر الی رحمة ربّه الجواد شمس بن محمد بن مراد فی یوم الاحد من شهر ربیع المولود سنه ۱۰۱۳ : ۱۸ شهر مذکور و صلواتم .

و ترجمه فارسی نموده و نسخه‌ای از آنرا جناب حاج محتشم السلطنه اسفندیاری رئیس دوره دهم مجلس شورای ملی دام ظلّه دارند و مدّتی نزد نگارنده بود از قرائن چنین بنظر میرسد که نسخه بخط شارح و مترجم می باشد و مشتمل بر ترجمه و شرح شش جزء از شرح ابن ابی الحدید و شرح جزو هفتم آن تا خطبه ای که آغاز آن این است می باشد: **أما بعد حمد لله والثناء عليه ايها الناس فاني نقأت عين الفتنة الخ.**

شارح و مترجم پس از نقل این خطبه از شرح ابن ابی الحدید چیزی نقل ننموده و شروع بنقل مطالب تاریخی راجع بمعامله عباسیین بامویین و قبور اموات ایشان نموده پس از آن در تحت عنوان خاتمه احادیث و اخباری در فضائل حضرت مولی امیر المؤمنین علی علیه السلام پرداخته و قسمتی از آخر آن افتاده ولی ظاهراً بیش از يك ورق نبوده است.

این شارح و مترجم در بسیار از موارد نسبت بمخالفین امامیه و حتی بزرگان آنها از طریق ملایمت و اخلاق خارج گردیده است.

ترجمه دیگری از این کتاب در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار حاج نصرالله بن ملا فتحعلی دزفولی نموده و چنانکه در خاتمه آن مذکور است در سال ۱۲۷۸ بامر آن پادشاه شروع و در سال ۱۲۹۲ ترجمه کتاب را بانجام رسانیده و در سال ۱۲۹۵ تصحیح و پاکنویس شده است، مترجم پس از اینکه عبارات نهج البلاغه را قسمت قسمت نقل نموده بترجمه تحت اللفظی عبارات شرح ابن ابی الحدید پرداخته و چون خود در آن مورد نظریه ای داشته باشد پس از آن تحت عنوان اقول ذکر کرده و بانتهی خاتمه میدهد و تمام ترجمه بیست جزء را در چهار مجلد گذارده و آنرا «مظهر البینات و مظهر الدلالات» (۱) نامیده و اجزاء (۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰) این کتاب را در پنج مجلد استاد این دانشکده آقای مشکوة بیرجندی دارند و نگارنده آنها را دیده است و در حواشی آن مترجم خود مقابله

(۱) نام کتاب در آخر بعضی از اجزاء «و مظهر الايات» و در بعضی «و مظهر الدلالات» ثبت شده است.

و تصحیح را نوشته و مهر کرده و حواشی مفیدی هم بخط خود تعلیق نموده سجع مهر مترجم اینست: (لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده نصر الله .) و از سایر اجزاء این کتاب خبری بدست نیاوردم و از ترجمه‌های خوب و دارای مزایای زیاد و تحقیقاتی است .

در امل الا مل ج ۲ ص ۷ آورده که سلطان محمود بن غلامعلی طبسی که از معاصرین بود شرح ابن ابی الحدید را مختصر کرده است .

فخر الدین عبدالله بن المؤید بالله نیز این شرح را مختصر نموده و آنرا « العقد النضید یا الدر النضید المستخرج من شرح ابن ابی الحدید » نامیده و نسخه‌ای از آن که بسال ۱۰۸۰ نگاشته شده در کتابخانه مجلس موجود است (فهرست کتب خطی مجلس ج ۱ ص ۱۶۷) .

هندوشاه نخجوانی در تجارب السلف مؤلفه بسال ۷۲۴ که ۶۹ سال پس از وفات ابن ابی الحدید است راجع باین کتاب و مؤلف آن شرحی نگاشته که نقل آنرا بایمورد نمیدانم و آن اینست :

و عزالدین عبدالحمید بن ابی الحدید نهج البلاغه بنام او شرح کرد و چون بعرض رسانید بغایت بیسندید و از مجلس برخاست و در خزانه کتب رفت و هزار و ده تخت جامه که لائق مردان و زنان باشد و کنیز کی ترك و خوب صورت و خادمی حبشی کوچک و فرش و زیلو و اوانی نقره کوفت حاضر گردانید و بفرمود تا بر در سرای استری زینی با آلات نیکو حاضر کردند و غلامی دیگر حبشی جامه‌های نو پوشیده جهت رکابداری بداشتند و چون این مجموع تمام شد عزالدین عبدالحمید را بخواند و خلعت بپوشانید و تفصیل اجناس و نقد و غلام تسلیم کرد (در این کتاب مقدار نقدی معین نشده ولی درص ۲۲ روضات بنقل از کتاب عبدالرزاق غوطی نوشته شده که صد هزار دینار بوده است) عزالدین چون این مکرمت و مروت بدید ، ران وزیر را بوسه داد و گفت ای خداوند بنده را این همه توقع نبود و بر کمانی که بنده داشت مبرات وزیر باضعاف زائد است . وزیر گفت این سخن بگذار که منتی بر گردن من نهاده‌ای که بشکرانه آن قیام نتوانم کرد و بخدای که تا زنده باشم این حق را رعایت کنم ، آنگاه عزالدین شاگرد و شادمان بیرون آمد و فرایشان اجناس را در خدمتش میبردند و او بر استر سوار شد و بخانه رفت و زبان روزگار میگفت :

آن خسروان که نام نکو کسب کرده اند * رفتند و یادگار از ایشان جز آن نماند
نوشیروان اگرچه فراوانش گنج بود * جز نام نیک از پس نوشیروان نماند
و در واقعه بغداد عزالدین مذکور و برادرش موفق الدین را بیرون آوردند تا بکشند

و ابن علقمی را پادشاه نواخته بود و مهمات عراق و بغداد باو تفویض کرده و در دل پادشاه مقامی تمام داشت ، چون حال عزالدین بن ابی الحدید بشنید دودبسر او در آمد در حال بخدمت خواجه افضل العالم نصیر الدین طوسی قدس الله روحه رفت و دامن او بگیرفت و گفت دو کس از افاضل بغداد که بر بنده حقوق عظیم دارند خواهند کشت و التماس دارم که خواجه ببندگی پادشاه شتابد و بنده در خدمت باشد و در باب این دویزرک شفاعتی کند . خواجه بی توقف روان شد و وزیر هزار دینار بموکلان مغول داد و مهمات خواست و بدر گاه رفت چون پادشاه ایشان را بدید دانست که بکاری آمده اند وزیر برسم مغول زانو زد و گفت دو کس را از شهر بیرون آورده اند و بر لیغ پادشاه نافذ شده است که ایشانرا بیاسا رسانند بنده کمترین را آرزو آن است که پادشاه مرا عوض ایشان بکشد و ایشان را آزاد کند . خواجه اینمعنی را در بندگی پادشاه بعرض رسانید پادشاه بخندید و گفت اگر من خواستمی ترا بکشم تا این غایت نگذاشتمی و در حال عاطفت بفرمود و هر دو را باو بخشید . وزیر بتعجیل بیرون آمد و ایشانرا خلاص داد و با عزالدین بن ابی الحدید گفت بخدای که اگر در قبول شفاعت توفیقی میرفت نفس خود را فدای تو خواستم کرد تا مکافات آن لطف باشد که تو با من کردی و نام مرا بسبب شرح نهج البلاغه معطل گردانیدی .

و رغبت وزیر ابن علقمی در کتب بغایت بوده ده هزار مجلد کتب نفیس داشت چون از مهمات فارغ میشد بمطالعه مشغول می بود و در همان سال که از جانب پادشاه حاکم بغداد شد وفات یافت در جمادی الاولی سنه ست و خمسين و ستمائه . (تجارب السلف چاپ آقای اقبال آشتیانی از ص ۳۵۸ تا ۳۶۰) .

ابن ابی الحدید این شرح را در بیست جزء و چنانکه خود در آخر تصریح کرده در مدت چهار سال و هشت ماه از غره رجب ۶۴۴ تا سلخ صفر ۶۴۹ با تمام رسانیده و در آخر هر قسمت خاتمه هر جزء را تصریح نموده و تمام اجزاء در ایران و مصر مکرر چاپ شده و پس از شرح آخرین عبارت نهج البلاغه هزار کلمه از کلمات قصار که بسیاری از آنها مسلماً از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام میباشد و برخی با احتمال چه مشابهت بکلمات آن حضرت داشته و سید رضی ره ذکر نکرده بدون شرح و بسط آورده است .

آغاز : بسم الله الواحد العدل ، الحمد لله الذي تفرّد بالكمال فكل كمال

سواء منقوص الخ .

(۷۷۱)

شرح نهج البلاغه این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر ده جزء اولیه کتاب است، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ولی در ابن ابی الحدید آخر جزء اول شیخ صنعان نام در سال ۱۰۳۳ چنین نگاشته اند: بانسخه ای که بخط هرنندی بوده است مقابله گردیده و در آخر بعضی از اجزاء آن نیز نوشته اند: در مکه معظمه است کتاب شده و این مطلب اخیر را شیخ مذکور بفارسی تحریر نموده است.

قسمتی از جزء ششم این نسخه افتاده و محمدتقی نام استرآبادی در سال ۱۲۹۴ پشت ورق اول و بر موضعی که از آنجا افتاده است یادداشت کرده اند و نیز پشت ورق اول یادداشتی بتاریخ سال ۱۰۴۳ حضرت خلیفه السلطان (سلطان العلماء) مبنی بر مالکیت کتاب بخط خویش مرقوم فرموده اند، چند ورق آخر و اوراقی از اوائل کتاب و صالی شده است.

جلد میشن. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع رحلی بزرگ. شماره اوراق (۶۹۷). صفحه (۲۵) سطر. طول (۳۷ سانتیمتر). عرض (۲۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۰۷۶).

(۷۷۲)

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر جزء شانزدهم تا آخر کتاب میباشد (ربع چهارم)، دو ورق از آخر و یک ورق از اول آن را در سال ۱۲۳۳ نگاشته اند ولی خط اصلی ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری بوده و در آخر اولین جزء نسخه (جزء شانزدهم) عبارات ذیل نگاشته شده: (تم تصحیحه علی ید مالکة نطف الله بن محمد بن عبدالمهدی البحرانی ولکن علی نسخه غیر ظاهرة الصحة وذلك بخامس عشر من شهر شعبان المعظم سنة ۱۱۶۴).

ابتداء هر جزء سرسوره مطلقاً است که نام هر جزئی با سفید آب بر آن نگاشته شده و صفحات کتاب مجدول بطلا و لاجورد است، فهرست بعضی از مطالب مندرجه در آن جزء را باز کر صفحات آن پشت ورق اول نگاشته اند و بعضی از صفحات و صالی شده است.

جلد میشن . کاغذ خا نبالغ . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق (۴۰۰) .
صفحه (۲۵) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۷۸) .
(۷۷۳)

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر جزء چهاردهم
تا آخر کتاب است ، کاتب نامی از خود و سال کتابت در هیچ
جای از کتاب نبرده ولی ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری
است ، پشت ورق اول فهرست قسمتی از مطالب مندرجه در
این نسخه نوشته شده و در حاشیه بعضی از صفحات حواشی مختصری نوشته اند .
جلد چرمی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرگ . شماره اوراق (۲۵۲) .
صفحه (۳۵) سطر . طول ($۳۷\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) عرض (۲۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۷۷) .
(۷۷۴)

شرح
نهج البلاغه
ابن ابی الحدید

این نسخه بخط نسخ عبدالکریم بن معصوم در سال ۱۲۵۵
نگاشته شده و شامل از ابتداء کتاب تا آخر شرح کلام حضرت
علی علیه السلام در جنگ صفین (در جزء) () از این
شرح است) و هنگام بازداشتن اصحاب معویه اصحاب آن
حضرت را از آب فرات میاشد .

جلد میشن . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۹۲) .
صفحه (۲۱ سطر) . طول ($۲۶\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) عرض (۱۷ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۷۹) .

[۳۱۷] شرح نهج البلاغه - ابن میثم (عربی)

این شرح بزرگ ابن میثم رحمه الله علیه است (کمال الدین میثم بن علی بن
میثم بحرانی متوفی بسال ۶۷۹) (۱) و مؤلف این کتاب یکی از علماء امامیه و حکماء

(۱) مطالب راجعه باین مؤلف و این کتاب با مراجعه بروضات ص (۱۴۲ تا ۱۴۴) ولؤلؤص
(۱۶۱ تا ۱۶۶) ، امل الامل ج ۲ ص (۷۲) و کشف الظنون ج ۲ ص (۶۲۳) و مجالس المؤمنین
و محبوب القلوب اشکوری نگاشته شده و در کشف الحجب سال وفات شارح ۶۹۹ ثبت گردیده
در صورتیکه در کشکول شیخ بهائی و روضات ولؤلؤ و کشف الظنون و هدیه الاحباب سنه ۶۷۹
معیّن شده و در کتب مذکوره دیگر سال وفات ذکر نشده و در آخر شرح صغیر ابن میثم
چنانکه در کشف الظنون است (و نسخه ای که متعلق به مجدالدین خواجه نصیری نیز چنانست) فراغ از
آن در سال ۶۸۱ بوده اگر این تاریخ را مصحف ندانیم باید گفت که شارح در سال مذکور
فوق وفات نیافته و قول صاحب کشف الحجب را که در اینگونه امور چندان اعتماد بصحت
طبع نسخه آن نتوان نمود قبول کرد و یا در غیر این دو سال وفات ویرا قائل شویم .

و عارفین قرن هفتم هجری بوده و از محضر خواجه نصیرالدین طوسی ره استفاده علوم حکمت و کلام نموده و ایشان شهادت بر کمال فضل و بسط اطلاع وی در این دو رشته داده اند و گذشته از آن خود این شرح بهترین گواه بر مراتب علمی و اطلاعات گرانبهای این عالم جلیل میباشد و گویند خواجه از ابن میثم مطالب فقهی را فرامیگرفته است. و در نزد علما ابن میثم به «عالم ربانی» ملقب و مشهور میباشد. در بحرین شهرت فضائل ایشان پیچید و از آنجا بخارج سرایت نمود ولی آگوشه گیری را اختیار نموده و از مردم کناره میکرد، علماء حله که در آنوقت مرکز دانشمندان امامی مذهب بود چون بر این حال وقوف یافتند شرحی بوی نگاشته و او را بدین خوی و رفتار سرزنش نمودند وی این دویبت را پاسخ آنان نگاشت:

طَلَبْتُ فَنُونَ الْعِلْمِ ابْنِي بِهَا الْعِلَى فَقَصَّرَ بِي عَمَّا سَمَوْتُ بِهِ الْقُلَّ
هر گونه دانشی را جستجو کردم تا بدانها لیک بی چیزی مرا از آنچه بدان بلندی
به بزرگی رسم می جستم باز داشت

تَبَيَّنَ لِي أَنَّ الْمَحَاسِنَ كُلَّهَا فَرُوعُ وَأَنَّ الْمَالَ فِيهَا هُوَ الْأَصْلُ
و آشکار شد برایم آنکه تمام دانشها فرع و شاخه اند و مال داشتن اصل
برای رسیدن بمقصود است

آنها باز در جواب وی نگاشتند که از چون تو دانشمندی بس شگفت است که دارائی را اصل دانسته و دانش را فرع و شاخه شناسانده ای، وی باز در نامه ای این ابیات را از شعرای سابق نگاشت و بدانها فرستاد:

قَدْ قَالَ قَوْمٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ مَا أَلَمَرُّهُ إِلَّا بِأَكْبَرِ يَه
اگر واهی بدون تحقیق گفته اند که عظمت آدمی بدل دانا و زبان گویا است
فَقُلْتُ قَوْلَ امْرِئٍ حَكِيمٍ مَا أَلَمَرُّهُ إِلَّا بِدِرْهِمِيَه
ولی من چون گفتار مردی فرزانه بیاسخ گفتم بزرگی مرد جز بدارائی او نیست
مَنْ لَمْ يَكُنْ دِرْهَمٌ لَدَيْهِ لَمْ تَلْتَفِتْ عَرْسُهُ إِلَيْهِ
انکس که پول نداشته نباشد حتی زن او توجهی بوی ننماید

پس از آن خود بعزم زیارت قبور ائمه هدی علیهم السلام بعراق حرکت نمود و وارد شهر حله گشت با لباس مندرس و ناشناس یکی از مدارس در آمد که جمعی از علماء و طلاب گرد هم بر آمده و مشغول بحث بودند سلام داد با کمال خونسردی بوی جواب گفتند و در پائین مجلس بنشست اتفاقاً در فهم معنی و مطالبی ماندند، ابن میثم آنرا با نه وجه حل نمود ولی کسی بگفتارش گوش نداد، چون ناهار حاضر شد وی را بر سر سفره راه ندادند و خوردنی برایش جدا فرستادند، روز دیگر با لباس پاکیزه و عمامه بزرگ بهمان مجلس در آمد، همه از جای برخاسته وی را بسی احترام نموده و در صدر مجلس جای دادند، چون صحبت علمی بمیان آمد مطالبی بیهوده و بی معنی آغاز کرد، همه تصدیق بر صحت و درستی آن کردند و خوردنیهای نیکو مهیا ساختند، چون بر سر سفره نشستند، ابن میثم آستین خویش را در غذا فرو برد و همی گفت آستین نو تو بخور، که این پذیرائیها همه از بهر تو است، حاضرین از این رفتار و گفتار بشگفت آمدند، شیخ گفت آقایان من همان شیخ دیروزیم که بامن آن معامله را کردید و چون امروز با این لباس بمحفل شما در آمدم اینگونه احترام و تجلیل از من نمودید، در صورتیکه دیروز مطالب صحیح و درستی را حل نمودم همه منکر شدید و امروز آنچه مهمل گفتم همه تصدیق کردید، آیا این رفتار بواسطه لباس فاخر من نیست؟! و آیا آنچه را در آن کاغذها بشما نگاشتم و مال را اصل دانستم خلاف حقیقت بود؟! حضار مجلس چون بر این مطالب آگاه گشته معذرت خواسته از قدوم ایشان اظهار خورسندی نمودند.

این عالم بزرگ گذشته از این شرح بر نهج البلاغه که پس از این از آن معرفی خواهیم نمود بنا بر گفته بعضی از رجالین و اهل سیر دو شرح دیگری صغیر و دیگری وسیط بر این کتاب دارد و یکی از این دورا که بنا بر گفته خویش در مقدمه آن برای دو پسر علاء الدین عظاملك جوینی از شرح بزرگ خود (همین کتاب) مختصر نموده در کتابخانه مدرسه فاضلیه خراسان بنام شرح متوسط ثبت گردیده و نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه مروی در طهران موجود و نسخه دیگر از آنرا مجدالدین خواجه نصیری و بعضی دیگر دارند و بامراجعه و مطالعه این شرح مختصر بدست آمد که در حدود

دوثلث یا سه ربع متن (نهج البلاغه) کتابت دارد و بگمان نگارنده از این مختصرتر شرحی بر نهج البلاغه تصور نشود و در صورت وجود نتیجه‌ای نخواهد داشت و اینکه بعضی ابن میثم را دارای سه شرح بر نهج البلاغه دانسته‌اند شاید شرح مائة کلمه آنحضرت را (که در ذیل آن کتاب در این فصل بخصوصیات آن نیز تذکر داده خواهد شد) سومین شرح دانسته و شرح معروف را کبیر و مختصر آنرا متوسط اراده کرده‌اند. و اینکه صاحب لؤلؤ البحرین (جز آنچه از رساله «السلافة البهیه فی الترجمة المیشمیة» نقل نموده) و کشف الظنون و جمعی دیگر جزو شرح مذکور را نام نبرده‌اند بیش از دو شرح نداشته‌اند این شارح تأیید می‌شود و آغاز شرح که از شرح کبیر اختصار گردیده اینست: بِسْمِ اللَّهِ سُبْحَانَ مَنْ حَسَرَتْ أَبْصَارُ الْبَصَائِرِ عَنْ كُنْهِهِ مَعْرِفَتِهِ وَ قَصُرَتْ أَلْسِنَةُ الْبُلْغَاءِ عَنْ آدَائِهِ دَحْتِهِ الْخ

از مؤلفات ابن میثم شرح اشارات استادش شیخ علی بن سلیمان بحرانی ، قواعد المرام در کلام ، شرح مائة کلمه ، البحر الضخم ، نجات القیامه فی تحقیق امر الامامه ، استقصاء النظر فی امامة الائمة الاثنی عشر ، المعراج السماوی و غیر از اینها است و رسائل این عالم جلیل بسی نظیر و از آنها رساله‌ای در وحی و الهام ، رساله‌ای در علم و رساله‌ای در آداب بحث می‌باشد .

این شرح نهج البلاغه را ابن میثم در سال ۶۷۷ بنام خواجه علاء الدین عطاء ملک جوینی وزیر متوفی بسال (۶۸۰) تألیف نموده و از شروح بسیار خوب این کتاب و بزرگترین شرح‌های این شارح می‌باشد ، پیش از شروع بشرح کتاب مقدمه بسیار مفید و جامع و مفصّلی در حدود (۳۳۸۰) بیت مشتمل بر سه قاعده بدین تفصیل نگاشته : **قاعده اولی** در مباحث الفاظ . **قاعده ثانیه** در مبادی و فوائد و موضوع خطابه **قاعده ثالثه** در آنکه علی علیه السلام مستجمع جمیع صفات کامله انسانیّه بوده و هر یک از قواعد فوق مشتمل بر مباحث زیادی می‌باشد ، و این شرح به پنج مجلد بدین طریق تقسیم شده : **مجلد اول** : مشتمل بر مقدمه و شرح خطب تا آخر شرح خطبه‌ایکه پس از شنیدن اینکه طلحه و زبیر بیعت او را شکسته‌اند ایراد فرموده است . **مجلد دوم** : پس از شرح خطبه مذکوره تا ابتداء این خطبه که در حمد

و ثناء الهی است (نحمدہ علی ما کان ونستعینہ من امرنا الی مایکون). **مجلد سوم:** از ابتداء شرح خطبه مذکور تا ابتداء خطبه ایکه در هنگام دفن حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها انشاء گردیده است. **مجلد چهارم:** از ابتداء شرح خطبه فوق تا ابتداء شرح وصیّت آنحضرت بحضرت امام حسن علیهما السلام. **مجلد پنجم:** از ابتداء شرح وصیّت مذکور تا آخر کتاب.

مؤلف به تقسیمات فوق در ابتداء کتاب و در آخر آن اشاره ای نموده و نام خود را هم جز در آخر کتاب ذکر نکرده و نامی هم برای این شرح در مقدمه و خاتمه نیست ولی در آخر مختصر این شرح شارح گوید: و هذا اختیار مصباح السّالکین لنهج البلاغة من کلام امیر المؤمنین. بنا برین نام این شرح را خود «مصباح السّالکین» گذارده و طرز این شرح اینست که پس از نقل قسمتی از کلمات، در تحت عنوان اقول، معانی لغویّه آنها را با اشاره ای بقواعد صرفی و نحوی و معانی و بیانی بیان و قواعد و مطالب کلامی و حکمی راجعۀ بآنها را ذکر نموده و بهمین نحو تا بآخر نهج البلاغة را شرح نموده و چون از کتب متداوله و معروفه و در دسترس عموم میباشد و بعلاوه بسال ۱۲۷۶ در طهران چاپ شده محتاج بمعرفی بیش از این نیست.

نظام الدّین گیلانی ملقب بحکیم الملک همین شرح کبیر ابن میثم را مختصر کرده و بر آن اضافاتی نموده و نسخه آن را که ظاهراً بخط مؤلف میباشد آقای تربیت (محمد علیخان) دارند و چندی نزد اینجانب بوده و مؤلف نام آنرا «انوار الفصاحه و اسرار البراعه» گذارده و سال تألیف آن در آخر کتاب سنه (۱۰۳۶) ضبط گردیده و آغاز آن اینست: الحمد لله الذی دلّ علی ذاته بذاته و جلّ عن ملأئمة کئیفاتیه، توحدت فی ذاتک فلا یدرکک عارف و تقرّدت فی صفاتک فلا یبلغ مدحتک واصف الخ.

صاحب امل الامل (ص ۴۰ ج ۲) در ذیل مؤلفات حضرت علامه حلی کتابی بنام «مختصر شرح نهج البلاغة» ذکر کرده و صاحب کشف الحجب (ص ۴۹۶) این مختصر را مختصر شرح ابن میثم تعیین نموده و مؤلف فهرست کتابخانه معارف (ج ۱)

ص ۱۴۲) نسخه ای از آنرا نزد میرزا محمد باقر خونساری نشان داده و چنین بنظر می آید که این شخص در نجف اشرف اند.

آغاز: بسمله سبحانه الله و بحمدك توحیدت فی ذاتك فحسر عن ادراكك انسان كل عارف الخ.

(۷۷۵)

این نسخه که مشتمل بر تمام کتاب است بخط نسخ خیلی خوب عبد القادر بن محمد شریف مکی در سال ۱۰۴۰ نگاشته شده، دارای پنج سر لوح زیبا است، دو صفحه اول کتاب حواشی آن تذهیب گردیده تمام صفحات بجدول بطلا و لاجورداست

شرح
نهج البلاغه
ابن میثم

عناوین مطالب باشجرف نگاشته شده، ورق اول مختصر و صالی دارد و یادداشت هائی داشته بعضی از آنها را محو کرده اند و یکی از آنها اینست: كنت الباعث علی استكتاب هذا الكتاب المبارك لنفسی و — الله — الفقیر الی الله الغنی بهاء الدین بن محمد العاملی، مهر بادامی (بهائی ۱۰۴۳) و بعضی از کلمات فوق هم از آثار خط نقل گردید و در امل الا مل نام این شخص نیست و مسلماً شیخ بهائی معروف نخواهد بود. جلد ساغری ضربی. کاغذ نرمه. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۷۱۲). صفحه (۲۳) سطر. طول (۳۳ سانتیمتر). عرض (۲۰ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۰۶۹).

(۷۷۶)

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر جزء اول و تقریباً سه ربع از جزء دوم کتاب میباشد و چون کتابت آن ناقص مانده نام کاتب و سال کتابت معلوم نیست ولی ظاهراً از خطوط اوائل قرن سیزدهم هجری میباشد و آخرین سطر نسخه اینست:

شرح
نهج البلاغه
ابن میثم

(وقوله فانها لاتعمی الابصار ولكن تعمی القلوب التي فی الصدور - وفائدة هذه الكلمات تحريك النفوس الی الاعتبار كيلا يعد التارك له).

جلد میشن مطلا. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۳۳۵). صفحه (۲۱) سطر. طول (۲۶ ۱/۴ سانتیمتر). عرض (۱۶ ۱/۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۰۶۷).

[۳۱۸] شرح نهج البلاغه - امام جمعه طهران (فارسی)

این شرح چنانکه بسال ۱۲۷۰ از طرف مرحوم اعتضاد السلطنه پشت نسخه ذیل نگاشته شده تألیف میر محمد مهدی امام جمعه طهران رحمه الله علیه است (میر محمد مهدی بن سید مرتضی بن میر محمد مهدی بن میر محمد حسین حسینی ۱۱۸۵ - ۱۲۶۳) (۱) که از خانواده‌های معروف و پدران ایشان بیشتر از علماء شهر بوده و چنانکه در المآثر و الآثار (ص ۱۴۱) مذکور است سید ابمرحوم علاء مه مجلسی میرسند و منصب امامت جمعه در اصفهان و طهران تا کنون در این خانواده برقرار است و مرحوم فتحعلیشاه پس از اتمام مسجد شاه طهران امامت آنرا بمرحوم میر محمد مهدی برگذار و در تتمه روضة الصفا مذکور است که بیست و شش سال و دو ماه باین مقام منصوب و بوظائف آن اشتغال داشت و در ج ۱ نامه دانشوران ص ۴۸۹ نگاشته شده که چون میرمذکور اولاد ذکور نداشت بامر فتحعلیشاه آقا میرزا ابوالقاسم برادر زاده خویش را که بسال ۱۲۳۷ باتفاق علمای اصفهان برای تعزیت پادشاه بفوت شاهزاده محمد علی میرزا بطهران آمده بود نائب امام مسجد شاه نمود و دختر خود رانیز بوی داد (مرحوم حاج میرزا زین العابدین متوفی بسال ۱۳۲۱) والد آقای حاج سید محمد امام جمعه فعلی طهران از آن دختر بوجود آمده است. نگارنده از مرحوم میر محمد مهدی مؤلفه دیگری تا کنون ندیده و از آقای امام جمعه طهران که نواده ایشان اند پرسش نموده مؤلفه‌ای سراغ نداشتند و از مطالعه این شرح بدست می آید که میر محترم در تاریخ دستی قوی داشته و بدبختانه چنانکه تحت خصوصیات نسخه خواهیم نگاشت این شرح ناقص و فقط بر سه چهار خطبه

(۱) در جلد دهم روضة الصفا در ذیل ذکر شهر مشهد مقدس و بنای آن نام و نسب و عمر و امامت ایشان چنانکه نگاشته شد ضبط گردیده است و در کتاب «نخبة التواریخ» تألیف مرحوم میرزا اسمعیل خان دبیر که یگانه نسخه خطی آنرا آقای ابوالقاسم سحاب دارند و از لحاظ اینکه در حدود دوهزار ماده تاریخ وفات در آن درج گردیده از کتب نفیس میباشد دو بیت ذیل که مصراع اخیر آن تاریخ وفات این عالم جلیل است درج گردیده:

رهمر خاق جهان خبر امام جمعه کل باغ نبوی میر محمد مهدی
کشت واصل چو بحق گفت بتاریخ دبیر ز جهان رفت علوی میر محمد مهدی = ۱۲۶۳

از اوّل و اواسط نهج البلاغه بیش نیست و شارح در موقع نوشتن این شرح بیشتر بشرح ابن میثم و ابن ابی الحدید مراجعه مینموده و در صفحات آن ترجمه عین عبارات آن دو کتاب مذکور دیده میشود و در قسمت های تاریخی از کتب تواریخ مخصوصاً تاریخ طبری بسیار نقل نموده و در بین شرح و بسط باشعار فارسی و عربی و آیات و اخبار تمثّل جسته اند و این قسمت موجود در حدود (۸۰۰۰) بیت میباشد و با تجسس نسخه دیگری از آنرا در کتابخانه ای سراغ نیافتیم .

آغاز : بر ضمائر صافیه اخوان الصفاّی خلاّن ایمانی و خواطر زاکیه نکته سرایان رموز بیان و معانی الخ . (کاتب بسمله را نگاشته و نسخه بعبارت مذکور فوق ابتدا گردیده است) .

(۷۷۷)

شرح نهج البلاغه
امام جمعه
طهران
این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نگاشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، از قبل مرحوم اعتضاد السلطنه بسال ۱۲۷۰ پشت صفحه اوّل شرحی مبنی بر اینکه این شرح تألیف مرحوم آقا میر محمد مهدی امام جمعه سابق طهران میباشد نوشته شده و پس از دیباچه و شرح خطبه کتاب شروع بشرح نخستین خطبه نهج البلاغه گردیده و پس از شرح جمله : **وَالسَّيِّئَةُ إِلَى رَسُلِهِ** که از جل همان خطبه است (درص ۷۵ نسخه) کاتب از نوشتن بقیه شرح بازمانده و درص ۷۶ شروع بشرح کلامیکه در احتجاج بر خوارج انشا فرموده و اول آن اینست :
(**فَإِنْ آيَتُهُمْ أَنْ تَزْعُمُوا إِلَّا أَنِّي أَخْطَأْتُ**) کرده ولی قسمتی از شرح اوائل این کلام نیز در این نسخه نوشته نشده و چنین تصوّر میشود که بیش از این از مسودات بدست نیامده و پس از شرح بقیه این کلام شروع بشرح خطبه ای فرموده که در آن از وقایع جنگهای آتیه بصره اشاراتی است و ابتداء آن این است :
(**يَا أَحْزَنُ كَأَنِّي بِهِ**) و میان آن قسمت اولی و این خطبه در حدود شرح ثلث خطب افتاده و شرح هفت بیت از این خطبه اخیر هم نوشته نشده و در شرح این جمله :

(إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ) که تقریباً شش بیت بآخر خطبه مانده است خامه کاتب ایستاده و در شرح این خطبه کلیه وقایع تاریخی و مطالب راجعه بصاحب الزنج که حضرت در خطبه خویش از آن نام برده، از این طرف و آن طرف جمع آوری نموده و در حدود (۴۸۰۰) بیت شده و مدعی گردیده اند که در هیچ جا جز تاریخ طبری و شرح ابن ابی الحدید آنهم باختصار این قضایا مرتباً نوشته نشده و مقصود من از این اطناب «کشف نقاب از عذار عذرای غطوبه فصل فضل خطیب منبر فصل الخطاب والی ملک ولایت دین بو تراب نه شرح حال زک ضلالت مآب است» و آخر نسخه این است: و شارح ابن ابی الحدید با قلمی چون حدید این امر تبذیر (کذا) بر این صفحه چنین تسوید میکند..... و ما بچشم خود دیدیم و بدیده تعجب بر آن امور غرابت آثار و ظهور چنان حکایات عجائب دثار که وعده آنرا از کلام (۱). عبارات نهج البلاغه بخط نسخ نگاشته شده و پس از آخرین صفحه سه ورق و نیم ننوشته میباشد و کاغذ نسخه فرنگی مهره زده است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۹۷) . صفحه (۲۱) سطر . طول (۳۵ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۷۰) .

[۳۱۹] شرح نهج البلاغه - عزالدین آملی (فارسی)

این شرح از عزالدین آملی رحمه الله علیه است (عزالدین بن جعفر بن شمس الدین آملی) (۲) که از علما و دانشمندان قرن دهم هجری و معاصر و همدرس محقق کرکی ره (متوفی بسال ۹۴۰) بوده اند، نگارنده نام ایشان را جز در تذکره هفت اقلیم ذیل شهر آمل و مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۵۱۴ بنقل از ریاض العلماء نیافتیم، در امل الامل و روضات و رجال بمقانی و لؤلؤتی البحرین تفحص کامل شد نام و نشانی از عزالدین نبود در مستدرک این شرح و رساله حسنیه را از مؤلفات ایشان نام

(۱) ترجمه از شرح ابن ابی الحدید میباشد و اصل عبارات آن تقریباً در یک خمس بآخر جزء (۸) آنست بدانجا مراجعه گردد.

(۲) در نسخه مدرسه کلمه ابن میان عزالدین و جعفر نگاشته نشده ولی در نسخه کتابخانه حضرت رضا علیه السلام و نسخه متعلقه با آقای مشکوة استاد محترم این دانشکده عزالدین بن جعفر ثبت گردیده و در دو مأخذ مذکور فوق هم فقط مؤلف عزالدین آملی معرفی شده است.

برده و در هفت اقلیم فقط رساله حسنیّه را یاد آور شده و این کتاب را ریاض العلماء در اصول دین و فروع عبادات معرفی کرده و هر دو مؤلفه را برای آقا حسن که نماینده و وکیل (۱) آقا محمد سلطان و وزیر مازندران بوده تألیف کرده اند.

این شرح را شارح در مقدمه « ترجمه نهج البلاغه » معرفی نموده ولی چون بدان مراجعه و مطالب آن مطالعه شود دانسته خواهد شد که از حدّ ترجمه تجاوز نموده و بشرح و بسط کلمات و عبارات پرداخته است و شاید بهمین مناسبت صاحب ریاض و مستدرک بتبع ایشان سید هبة الدین شورشانی در « ماهو نهج البلاغه » و صاحب فهرست معارف این کتاب را شرح نهج البلاغه معرفی نموده اند.

بر نگارنده پس از مطالعه این شرح مسلم گردید که عزّ الدین بترجمه شرح ابن میثم با کمی اختصار پرداخته و در بسیاری از موارد هم گفته اند که در شرح ابن میثم بحرانی چنین آورده شده (۲) و در بیشتر از مطالب دیگر هم که نام برده نشده عیناً ترجمه آن شرح است ولی در مقدمه و خاتمه مجلد اوّل و مطاوی کتاب تا حدّیکه مراجعه شد اشاره به اینکه تمام مطالب را از شرح ابن میثم ترجمه کرده ام نیافتم و شاید تسمیه کتاب بترجمه بهمین لحاظ بوده که اگر چون نگارنده کسی این دقت را کند راه عذری باز باشد که من بدین جهت آنرا ترجمه معرفی کرده ام.

عزّ الدین قبل از شروع در شرح و ترجمه خطب نهج البلاغه مقدمه ای در معنی فصاحت و بلاغت و فروع و اجزاء آن و محسنات لفظیه و معنویّه و تعریف خطابه و شروط آن و شرحی در فضائل حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و معرفی از سید رضی ره جامع نهج البلاغه و شرح خطبه کتاب نگاشته، پس از مطالعه معلوم گردید که این مطالب نیز کلمه بکلمه ترجمه مقدّمات شرح ابن میثم ولی با اندک تصرّف و اضحی در بعضی از مطالب آن میباشد و آخر این مجلد آخر مجلد دوم

(۱) این معنی را عزالدین در ص ۶۹۴ و ۲ (از نسخه مدرسه) تذکر داده اند.

(۲) در صفحات ۴۸، ۶۳، ۶۶، ۲۱۷، ۲۵۰، ۲۷۲، ۲۷۴ و ۲۸۲ (از نسخه مدرسه و صفحات دیگر).

شرح ابن میثم است بنابر آنچه گفته شد این شرح چون اصل مترجم از آن شرحی خوب و مفید است و چنانکه از آخر نسخ مجلد اول آن بدست میآید شارح در سال (۹۴۴) (۱) از تألیف این مجلد فراغت یافته و تا کنون با تفحص زیاد از مجلدات دیگر خبری نیافته ام و شاید بیش از این هم از قلم مترجم صادر نشده باشد و این مجلد مشتمل بر شرح از ابتداء نهج البلاغه تا ابتداء خطبه حمد و ثناء میباشد که ابتداء آن این است: نَحْمَدُهُ عَلَيَّ مَا كَانَ وَنَسْتَعِينُهُ مِنْ أَمْرِ نَاعِلِي مَا يَكُونُ الْخ. و مشتمل بر شرح کمتر از نصف خطب نهج البلاغه و در حدود (۱۶۰۰۰) بیت است.

آغاز: بسمله راجياً منك الإعانة يا كريم عزّ من علم الانسان نهج البلاغه و انعم.....
اما بعد این کتابیست مشتمل بر لطائف فوائد محتوی بر ظرائف فرائد در ترجمه کتاب نهج البلاغه که در دریای الخ.

انجام: یعنی بدرستی که حق سبحانه و تعالی از فضل خود اجر صابرانرا مستوفی خواهد داد بسی حساب تمّ بالخیر، تمّت الکتاب بعون الملك الوهاب..... هذا آخر المجلد الاول من ترجمة كتاب نهج البلاغه وقد اتفق الفراغ من كتبه ظهيرة يوم الاثنين تاسع العشر الثالث من الشهر الحاد يعشر في شهور السنة الرابعة الكائنة في العشر الخامس الواقع في المائة العاشرة الداخلة في السنوات الهجرية صلوات الله على مشرفها على يد مترجمه العبد الفقير الحقير الرّاجي عبد الموالى عزّ الدين بن جعفر بن شمس الدين الاملى بدّل الله سيئاتهم حسنات و غفر لهم و لساير المؤمنين و المؤمنات انّه بحيب الدعوات و واهب العطيات .

(۷۷۸)

این نسخه بخط نستعلیق و عبارات متن آن بخط نسخ و عناوین
باشنجر ف نوشته شده، در حاشیه ص ۶۹۳ نوشته شده که در
عزّ الدین آملی سال ۱۰۴۶ مقابله و تصحیح گردید، ولی بدبختانه با مراجعه

شرح نهج البلاغه

عزّ الدین آملی

(۱) تاریخ تألیف و ترجمه را در مقابل انجام از خط مترجم و شارح نقل نموده ایم و در فهرست رضویه ص ۲۵ ج ۱ سال ۹۷۲ نوشته شده و ظاهراً بلکه مسلماً غلط و تاریخ مذکور سال کتابت نسخه آن کتابخانه است.

بآن دانسته شد که دقت کامل در تصحیح نشده .

صورت خط شارح بر آخر مجلد اول که قسمتی از آنرا در مقابل انجام نیز نقل نمودیم بقسمی نوشته شده که ممکن است در نظر اول تصور شود که نسخه بخط خود شارح و یا فقط این قسمت اخیرا ایشان نوشته اند ولی مسلماً خط شارح نیست و اغلاط نسخه نیز این نظریه را تأیید مینماید و پس از کلمه **واهب العطیات** مذکور در فوق نوشته شده : **والسلام علی کاتبه بمحمد** و **عترته الطاهرین آمین** یا **رب العالمین** . و این قسمت در نسخه دیگر نیست ، ورق اول نسخه و صالی و پشت آن یاد داشتهائی در معرفی از این کتاب و مطالب متفرقه نوشته شده و یکی از آنها را محو کرده اند .

جلد چرمی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۴۷) . صفحه (۱۷) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۹۳) .

[۳۲۰] شرح نهج البلاغه - علاءالدین گلستانه (عربی)

(حدائق الحقایق)

این شرح از علاءالدین گلستانه رحمه الله علیه است (علاءالدین محمد بن الامیر شاه ابوتراب محمد علی الحسنی متوفی بسال ۱۱۰۰) (۱) که از علماء و دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده و صاحب تنقیح المقال (ص ۲۵۸ ج ۲) مطالبی که ذیلاً ترجمه آن نگاشته میشود در تعریف شارح از جامع الرواة که مؤلف آن معاصر ایشان بوده نقل نموده : این عالم جلیل از سادات گلستانه و جلیل القدر و عظیم الشأن و بزرگوار و ثقه و عادل و زاهد و پارساترین اهل زمان و دوره خویش است و جامع جمیع خصال پسندیده و علوم معقوله و منقوله اند دوبار منصب صدارت را بوی تکلیف کردند ، در اثر کمال خرد و نهایت زهد نپذیرفت ، خداوند سایه ایشانرا مستدام

(۱) در هدیه الاحباب ص ۲۰۱ و در فهرست کتابخانه معارف ج ۱ ص ۱۴۵ و در حاشیه ص ۱۹۸ وقایع الایام بنقل از «تاریخ خاتون آبادی» وفات این شارح بسال ۱۱۰۰ ضبط شده ولی در حاشیه ص ۳۸۳ ج ۳ وقایع الایام نوشته شده که وفات ایشان در حدود ۱۱۱۰ بوده است .

بدارد و از خطرها نگاهدارد، ایشان را تصنیفاتی است از آنها **حدائق الحقائق** (۱) (همین کتاب) و **بهجة الحقائق** که هر دو در شرح نهج البلاغه است و **روضة الشهدا** و **منهج اليقين** (۲) و غیر از اینها. انتهای ایشانرا نیز شرحی بر اسماء الله الحسنى است و نسخه آنرا آقای تنکابنی دارند.

برای معرفی از این شرح بجا است که بترجمه قسمتی از مقدمه آن پردازم، شارح در مقدمه فرماید:

پیش از این بر نهج البلاغه شرحی مختصر که پاره‌ای از مشکلات آنرا حل مینمودن گاشته (بنا بر این معلوم گردید که تألیف بهجة الحقائق شارح پیش از سال ۱۰۷۴ که تاریخ اتمام مجلد اول این شرح است بوده و آن شرح مختصر بر تمام نهج البلاغه است) ولی چون دیدم که حقائق و انوار آن کتاب مستطاب از پس پرده خفا ظاهر و آشکار نگردید و آن شرح ریزه کاری و مطالب دقیقه آن معدن فصاحت و بلاغت راهویدان نمود، بر آن شدم که دگر باره بشرح آن پردازم ولی این لیاقت و قابلیت را در خود نمیدیدم و خویشان را شایسته این بلند پروازی نمیدانستم، تا آنکه توفیقات و تأییدات ربانی شامل حال گردید و توسل بذیل عتره طاهره علیهم السلام را بهترین وسیله برای موفقیت دانسته بدامان آنها چنگ زده و شروع بشرح با تفصیل کامل نموده و در مطالب مهمه مذاهب و اقوال را نقل و بیان و چون مقام اقتضا نموده از تفصیل و طول دادن باك نداشته و چون لازم شده برای ایضاح و اثبات مطالبی و محو باطلی چون ناچار باطناب در کلام گردیده از آنهم دریغ نشده و درمباحث امامت خصوصاً جستجوی کامل نموده و شبههای مخالفین را يك يك نقل و راه حق و راست را برای جویندگان واضح و آشکار نموده و با مخالفین باخبریکه در نزد خود آنها صحیح و معتبر است احتجاج کرده و از ترس اینکه تهمت افتراء بدامن نویسنده بندند به مأخذ هر يك در جای خود تصریح نمودم و چندان بدگر قصص و حکایات نپرداختم جز آنجائیکه مطلب مهمی مبتنی بر آن بوده و نیز از انشاد اشعار مناسب مقام خودداری کردم (گاهی ابیاتی در این شرح دیده میشود ولی خواسته اند بگویند که چون شرح ابن ابی الحدید نیست) و در هر جا که مطلبی بنظر شارحین پیش از من رسیده و مرا استنباط دیگر بود آنها را با نظر خویش نقل نموده و امیدوارم که توفیق رفیق و در فهم کلمات مبارکات بر دیگران برتری داشته باشم و نام این شرح را «حدائق الحقائق فی شرح کلمات کلام الله الناطق»

- (۱) بتصریح صاحب روضات در ص ۶۵ ج ۴ نام شرح نهج البلاغه، قطب الدین کبیری «حدائق الحقائق فی فسر دقائق احسن الخلائق» میباشد و کتابی در فقه بنام «الاصباح» نیز تألیف کرده اند انتهى. و در مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۵۱۳ نام شرح نهج کبیری را الاصباح ضبط کرده اند و قول صاحب روضات ترجیح بر قول ایشان دارد چرا که نقلهای دیگری هم از آن شرح نموده و میرساند که از روی تحقیق و مراجعه بخود کتاب نام آنرا یاد داشت کرده اند.
- (۲) این کتاب بفارسی و در بحث امامت است و نسخه‌ای از آنرا آقای مشکوة استاد این مدرسه دارند.

گذارم و از نگاه کنندگان و خوانندگان امیدوارم که از نهج و طریقه انصاف و عدالت تجاوز نمایند و از دیده کینه ورزی و دشمنی بر آن ننگرند. **انتهی ترجمه ملخص کلامه رحمه الله**. چون باین شرح مراجعه گردید آنچه را مؤلف و شارح در مقدمه بیان نموده بودند در آن یافتیم و بلحاظ اثبات امامت چنانکه در مقدمه بآن اشاره نمودند خطبه ششقیّه را بانهایت تفصیل تقریباً در (۱۶۸۰۰) بیت شرح و چنانکه در آخر مجلد دوم تصریح شده بسال ۱۰۸۰ تألیف آن خاتمه یافته و مجلد دوم را فقط بشرح این خطبه اختصاص داده اند و مجلد اول را که در حدود (۳۱۰۰) بیت میباشد مشتمل بر شرح از ابتداء کتاب تا ابتداء خطبه ششقیّه قرار داده اند و صاحب روضات در ج ۴ ص ۶۵ نگاشته اند این شرح نهج البلاغه اساس آن بر اخبار گذارده شده چنانکه شرح ابن ابی الحدید بیشتر جنبه کلامی و شرح ابن میثم جنبه حکمی آن غالب است. ولی گذشته از اینکه جنبه اخباری دارد شارح بجنبه ادبی آن هم توجه داشته و در بیان معانی لغات و مقصود از جمل و عبارات نهج البلاغه بنقل اقوال ائمه ادب مبادرت نموده و گذشته ازین تتمه کلمات و خطب را که سید رضی مختصر آنها را نقل نموده از کتب معتبره نقل و پس از شرح آنچه در نهج البلاغه است نیز بشرح و بیان آنها پرداخته اند.

بدبختانه این شرح باتمام نرسیده زندگانی شارح آن باخر رسید و از مجلد سوم بیش از (۱۲۰۰) بیت نوشته نشده و چنانکه حضرت آقا محمدعلی بهبهانی ره بسال ۱۱۹۵ پشت نسخه ای که اینک متعلق بحضرت استاد آقا میرزا محمد طاهر تنکابنی دام ظلّه العالی میباشد نوشته اند فقط بشرح نهج البلاغه تا آخر خطبه: (کنتم جند المرئّه و اتباع البهیمه) که در مذمت اهل بصره میباشد توفیق بر شرح یافته اند و تمام این شرح بشماره نگارنده در حدود (۲۱۱۰۰) بیت است. و گویند این شرح در بیست مجلد است ولی در مقدمه نیست.

آغاز: بسم الله الحمد لله الذي رفع لنا اعلام المجد بولاء حامل لواء الحمد الخ.

انجام: فقال ابان بن تغلب لعبد الله بن شريك هذه سيرتان مختلفان فقال اهل الجمل قتل طلحة والزبير وان معاوية كان قائماً بعينه وكان قائدهم.

(۷۷۹)

این نسخه قسمتی از جلد دوم این کتابست (مبحث اول و دوم) و بانسخه ذیل تمام جلد دوم را شامل و یک سطر از آخر مبحث دوم در ابتداء نسخه دیگر نوشته شده و کاتب هر دو نسخه یکی و در اینجا تاریخ را ننکاشته است.

شرح
نهج البلاغه
حدائق الحقایق

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سیهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۷۵) . صفحه (۲۳) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۳۴۲) .

(۷۸۰)

این نسخه بقیه جلد دوم است و در سال ۱۰۸۱ بخط نسخ تحریر یافته کاتب از خود نام نبرده و بانسخه پیش یکی بوده برای آنکه ضخیم نشود بدینگونه تقسیم شده و عناوین مطالب را با شذجرف نوشته است.

شرح
نهج البلاغه
حدائق الحقایق

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سیهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۰۷) . صفحه (۲۳) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۳۴۳) .

[۳۲۱] شرح نهج البلاغه - محمد صالح روغنی (فارسی)

این شرح را بفارسی محمد صالح روغنی ره که از علماء و دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده اند و در مجلد اول این فهرست ص ۲۲۳ و ۲۲۵ و مجلد دوم ص ۳۳ سه مؤلفه با شرح مختصری از حالات و مؤلفات ایشان را ذکر کرده ایم ، بر کتاب نهج البلاغه نگاشته اند و راستی بهترین شرح فارسی بر این کتاب است ، بعضی آنرا بنام « ترجمه نهج البلاغه » نامیده اند ، خود شارح و مترجم هم در ابتداء آنرا بنام ترجمه معرفی میکند : (چون دید که همت و اندیشه خاطر بعضی از ارباب مآثر بترجمه کتاب نهج البلاغه معطوف است ، همت گماشت بتوفیق ملك و هاب بترجمه آن کتاب مستطاب به بیانی خالی از تكلّف و تصلّف الخ .) ولی گذشته از اینکه مطالعه این کتاب بخوبی واضح و ثابت مینماید که شرح است نه ترجمه چرا که در تشریح جمل و عبارات تحقیقات بسیار خوب و لطیف کرده و آیات و اخبار و اشعار بزرگان عرب و عجم را به استشهاد آورده و حکایات مناسبی

هم در بعضی موارد نقل کرده ، شارح خود در آخر باب خطب فرماید : (تمت الخطب و شرحه حامد الله تعالى ومصليا على عبده ورسوله محمد المصطفى و آله ائمة الهدى وانا الفقير الى الله الغنى محمد صالح ابن محمد باقر القزويني و پیش از من سه کس (۱) از علماء طاب الله لهم المثنوی بفارسی شرح کردند و هر يك طرزی و اسلوبی آوردند و امیدوارم که این اسلوب و بیان از آنها نافعتر و در نظر دوستان صحیح تر و مقبول تر افتد و المر جو هو الله تعالى و عليه المعول فی کل حال ، عجب مدار اگر خدای عزوجل کار بی بضاعتان راست آورد و دشوار به بیدست و پایان آسان سازد تم (۲) .

و از این کتاب بدست می آید که سالک یکی از مسالك طریقت بوده و نسبت بعلماء ظاهر چندان خوش بین نبوده است

در مطالعه نسخه بسه مؤلفه از مؤلفات این شارح که در کتب سیر نامی از آنها دیده نشده برخوردیم ام یکی در ص ۱۲۱ در ابتداء شرح وصیت حضرت علی بحضرت حسن علیهما السلام گوید :

و از این پیش این وصیت جامعه را شرحی کرده بودم مبسوط مشتمل بر افادات خوب و فوائد تا رساله ای باشد برآسه در باب خود جامع و عديم المثل مسمی به « منشور الادب الهی و دستور العمل کار آگاهی » آنرا باندک تخفیف اینجا داخل کردم

و نیز در ص ۴۲۳ در ذیل نصائحی که حضرت علی علیه السلام (انی اخاف عليك من الفقر) بفرزند خویش محمد حنفیه رضی الله عنه فرموده گوید :

ومن در این باب و محاکمه میان فقر و غنی که کدام يك افضل است رساله ای نوشته ام .
(با تفحص تا کنون بوجود این دو نسخه آگاه نشدم)

و در ص ۲۱۶ تا ۲۹۳ (از نسخه ذیل) عین ترجمه و شرح عهدنامه آنحضرت (ع) بمالك اشتر که در ص ۳۳ و ۳۴ همین مجلد بد کرو توضیح آن پرداختم بدون مقدمه و پنجاه بیت آخر آن و با اختصار در بعضی از عبارات و اضافات در پاره ای دیگر آورده شده است .

(۱) ظاهراً مراد شارح از سه نفر ۱ - ملا فتح الله کاشانی و ۲ - علی بن حسن زواری و ۳ - عزالدین آملی میباشد که از علماء امامیه و پیش از این شارح بوده اند و شرح فارسی موسوم « بمنهاج الولاية » که در ذیل نهج البلاغه در این فصل از آن نام خواهیم برد ، مسلماً از شروحنی است که پیش از این شرح تألیف گردیده است .

(۲) نسخه مدرسه این قسمت را ندارد و از روی نسخه حضرت آقای تقوی مد ظله نقل گردید .

نسخی که نگارنده از این کتاب سراغ دارد از اینقرار است :

۱ - نسخه متعلقه بجناب آقای حاج سید نصرالله تقوی اخوی رئیس محترم این دانشکده که فقط مشتمل بر شرح خطب میباشد (۱) و سال تحریر ندارد ولی از قرائن بدست میآید که در همان قرن یازدهم نوشته شده و وجود این نسخه کمک خوبی به نگارنده نمود و مؤلف این شرح را که بقرائن شناخته بود گمانش به یقین پیوست .

۲ - نسخه متعلقه بجناب آقای حاج عتشم السلطنه (حسن اسفندیاری) رئیس کنونی (دوره دهم) مجلس شورای ملی ایران که آن نیز مشتمل بر دو ثلث از شرح خطب میباشد و بسال ۱۲۷۰ نوشته شده است .

۳ - نسخه ایست که دانشمند محترم آقای جواهر کلام (عبدالعزیز) در ج ۱ فهرست کتابخانه معارف نوشته اند نجف اشرف در کتابخانه خونساری موجود است بوسیله دوست محترم و دانشمند معظم آقای ثقة الاسلامی تبریزی (میرزا عبدالله) خصوصیات آن نسخه را خواستم در پاسخ نگاشتند که درب آن کتابخانه بسته شده و بکتب آن اینک دسترسی نیست .

۴ - نسخه این کتابخانه است که خصوصیات آن ذیلاً درج میشود و بانسخه آقای تقوی یک شرح کامل بدست میآید .

۵ - نسخه دیگری است که اخیراً باین کتابخانه وارد شده و در آن نام و نشانی از مؤلف نیست و پس از تحقیق معین شد که قسمت اخیر (شرح کلمات قصار یا باب سوم) از این شرح است و چون هنوز بتنظیم و ترتیب کتبی که این نسخه جزء آنها است پرداخته نشده خصوصیات آن نوشته نمیشود .

چنانکه در ابتدا نگاشته شده بعقیده نگارنده این شرح از بهترین شروح فارسی نهج البلاغه است و در آن گاهی نقل قول از شارح کاشی و شارح بحرانی و شرح ابن ابی الحدید و تحقیق در آنها شده و در حدود (۳۴۰۰۰) بیت کتابت دارد .

(۱) این نسخه و نسخه مدرسه آخرین مطلب باب خطب را خطبه ای که در ذکر آل محمد صلی الله علیه و آله و آغاز آن اینست : (هم عیش العلم و موت الجهل) دانسته و بشرح آن پرداخته و پس از آن شرح مذکور فوق (ص ۶۴) را نوشته اند ولی در نسخ چاپی و بعضی از نسخ خطی پس از این خطبه مطالب دیگری نیز موجود است .

و طرز این شرح اینست که پس از نقل جملی از نهج البلاغه بترجمه و شرح آن مبادرت شده و از اشعار مولوی رومی و سعدی و حافظ و قصص و حکایات در آن زیاده پدید می‌شود.

آغاز: بسمله و به ثقتی الحمد لله علی ما اولینا من نعمائه و انعم علینا من الائه.....

و بعد این فقیر بی بضاعت و حقیر بی استطاعت محتاج بر رحمت رب غنی محمد صالح ابن حاجی باقر قزوینی عفی الله عن سیّاتهما الخ.

انجام: بالجمله صحبت محتشان با مراعات حشمت ایشان موجب وحشت و ضجرت باشد نه التیام و مودّت حکیمی گفته: نصف غمهای دنیا در دل افکندم بمعاشرت دوستان که از ایشان حشمتی ندارم.

(۷۸۱)

شرح نهج البلاغه این نسخه را بخط نستعلیق خوب محمد رحیم بسال ۱۰۸۸ نگاشته، پشت صفحه اول عبارات ذیل نوشته شده: باب سوّم محمد صالح رو غنی شرح نهج البلاغه داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردید و از ورثه میرزا داود خان خریداری شده. بفارسی ترجمه شده و مترجم معلوم نشد.

و نیز در همین صفحه است: بخشیدم بفرزندم وزیر لشکر میرزا داود خان شهر رجب ۱۲۷۹. و فقط بنام شرح نهج البلاغه بر این کتابخانه وقف شده و مشتمل بر شرح خطبه همام تا آخر نهج البلاغه است (قسمتی از باب اول و تمام باب دوّم و سوّم) و عبارات اصل بخط نسخ و برخی از آنها با شنجرف نگاشته شده و دارای دو سرخ لوح بسیار زیبا در ابتداء نسخه و در اوّل باب سوّم (ص ۲۲۱ نسخه) میباشد و صفحات آن بجدول بطلاولا جورداست.

جلد سوخته. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۴۲). صفحه (۲۵) سطر. طول (۳۱ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۰۹۳).

[۳۲۲] **شیخ و وزیر (فارسی)**

این رساله یکی از نوشتههای ملکم خان ارمنی اصفهانی ملقب به ناظم الدوله است و چنانکه از مقدمه ربیعزاده مورّخ بسال ۱۳۲۵ و نگاشته شده بر رسائل این مؤلف که ذیلاً از آن نام میریم معلوم میشود مؤلف تا آن تاریخ در قید حیات بوده و بگفته آقای دبستانی کرمانی بسال ۱۳۲۶ در کشور ایتالیا با مقام سفارت ایران

وفات نموده و این مردیکی از رجال منورالفکر دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بوده و در راه آزادی و تمدن و اصلاحات، مقالات و رسائلی نگاشته و بهمین جرم از سفارت او را معزول کردند ولی در دوره مشروطیت مجدداً رونقی یافت و بانجام امور دولتی اشتغال داشت و مختصری از شرح حال او در ایام حیاتش نوشته شده و آن اینست: (المآثر والاثار ص ۱۹۷) **میرزا ملکم خان ناظم الدوله** در فن دیپلوماسی و شعب سیاسی مسلّم است و در غالب فضائل مشرق زمینی و اروپایی مقام استادی دارد و برخی اعمال عجیب و علوم غریبه را بسرحدّ کمال رسانیده ترجمه او در این مختصرات کجا میگنجد **انتهی**. از نوشتههای ملکم خان بر میآید که نسبت بعقائد و قوانین اسلام خوش بین بوده و در مقدمه گلستان که با حروف اختراعی خود در سال ۱۳۰۳ طبع نموده صریحاً این عقیده را اظهار کرده و معتقد بوده که قوانین دیانت اسلام بهترین قوانین است ولی یکی از علل انحطاط شرقیها و عقب ماندن آنها از ملل غربی مخصوصاً ایرانیان و مسلمین خط آنها است که خواندن و فهمیدن آن بسیار مشکل میباشد، چرا که اعراب جزء کلمات گذارده نمیشود و بدین جهت هر جمله و عبارتی بچندین قسم خوانده میشود و بایستی این خط را تغییر داد و یا اصلاح نمود و برای این مقصود چندین قسم الفباء خود اختراع نموده و آنها را باولیاء امور پیشنهاد کرده و گلستان سعدی و کلمات قصار حضرت علی علیه السلام (مائة کلمه الجاحظ) و ضروب امثال ترکی را در سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ در لندن با یکی از آن حروف طبع نموده و الفباء مطبوع او بنام «رسم الخط جدید ملکم» بشماره (۲۷۷۵) در این کتابخانه موجود است و همین رساله (شیخ و وزیر را) در بیان معائب و ادله بدی خط فعلی بزبان شیخ و وزیر انشاء کرده اما نامی از مؤلف در آن نیست و در تحت عنوان سه مجلس مذاکرات شیخ و وزیر خاتمه یافته و چنانکه از نسخه ذیل معلوم میشود تألیف آن پیش از سال ۱۲۸۷ بوده و چنانکه در ذیل «رسم الخط آخوندزاده» در ص ۵ نگاشته شده در این سالهای اخیر قرن سیزدهم هجری خیال اصلاح خط فعلی در دماغ بسیاری از افراد افتاده و در صفحه (۵) دانشمندان آذربایجان نام جمعی از آنها ضبط گردیده است.

از نوشته‌های ملک‌خان رساله‌های ذیل در تحت عنوان «کلیات ملک» سال ۱۳۲۵ در طهران چاپخانه مجلس چاپ نموده و ناشر آن (هاشم ربیع زاده) در آخر آن وعده داده که در مجلد دوم نگاشته‌های دیگر مؤلف را چاپ کند ولی جز این قسمت که نام میریم و شامل رساله‌های ذیل است چاپ نشده:

حرف غریب، رساله غیبیه، رفیق و وزیر، شیخ و وزیر (همین رساله است)، پولتیکهای دولتی، تنظیم لشکر و مجلس اداره، سیاحی گوید، توفیق امانت، اصول آدمیت و اصول مذهب دیوانیان.

مقالاتی متوالی بنام قانون نیز خود ملک چاپ نموده و در مشروطیت آنها را باز طبع و منتشر کرده اند.

آغاز: وزیر - هرگاه دول خارجه بر دولت اسلام حمله بیاورند دفاع بر ما لازم خواهد بود یا خیر.

(۷۸۲)

شیخ و وزیر این نسخه بخط نستعلیق نگاشته شده و شرح ذیل را پشت صفحه اول آن نوشته‌اند: رساله ایست که در باب پیدا کردن معایب خط عثمانی و ایران در اسلامبول نوشته شده و این بنده تقی عبقری منشی مملى نسخه آن را اینک برای تفنّن خاطر جناب آقائی منشی حضور همایون استکتاب کرده و پیشنهاد حضور ایشان کرده ام انشاء الله بمرور این نسخه خاطر خودشان را هر وقت بحال داشته باشند مشغول خواهند کرد، در این نسخه شیخ و وزیر اشاره است بمعلم و متعلم شیخ معلم است و وزیر متعلم سنه ۱۲۸۷.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. قطع وزیری کوچک. واقف سپهسالار. شماره اوراق (۱۲). صفحه (۲۷). سطر. طول (۲۰ و ۱/۴ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۷۹۱).

[۳۲۳] صد کلمه یا ترجمه مائة کلمه (فارسی)

این ترجمه که بصد کلمه مشهور گشته ترجمه منظوم مائة کلمه الجاحظ است که در حرف میم از همین فصل آنرا ذکر خواهیم کرد و ناظم آن چنانکه در ذیل فقره **افقر الفقر الحق** بدان تصریح شده **عادل** نامی است:

(بدترین درویشی حق است ای جان جهان بهر بشنواز عادل کلام شاه مردان را بیان)

این شاعر هر يك از كلمات قصار را يك بيت فارسی ترجمه نموده (۱) و در كتب تذکره شعر او سیر بنام عادل این چند نفر ضبط گردیده اند: ۱- شاه طهماسب صفوی (۹۱۹-۹۸۴). ۲- شاه عادل (۳) پادشاه لار فارس که بسال ۹۸۳ کشته شده. ۳- عادل نام یکی از شعراء خراسان است که در قاموس الاعلام ترکی (۴) نام آن برده شده. ۴- عادل بن علی که شرحی بر قصیده ابو الفتح بستی دارد (۵). ۵- عادل بن مراد اردستانی که از شاگردان مرحوم میر داماد بوده و آقای شهابی (محمود) استاد محترم این دانشکده در کتاب «مسرحة الفوائد» (۶) که در شرح حال مرحوم میر داماد ره نگاشته اند از او نام برده اند و جز این پنج نفر متخلص به عادل را تا کنون نیافته ام و همین عادل کتاب نثر اللالی را که نیز مشتمل بر قسمتی از کلمات قصار حضرت علی علیه السلام است و در همین فصل آنرا ذکر خواهیم نمود به نظم در آورده و نسخه آن بسال ۱۳۰۶ در طهران چاپ و منتشر شده و آغاز آن این است: هر که در هر کار بسم الله الرحمن الرحیم ☆ گوید ایمن گردد از وسواس شیطان رجیم گفته‌های شاه مردان و امیر مؤمنان ☆ یاد گیر و مبداء خویش و معاد خود بدان

(۱) در فهرست رضویه این صدکلمه را با احتمال نسبت بعد الباقی صوفی تبریزی داده اند در صورتیکه ایشان باقی تخلص میکرده اند (دانشمندان آذربایجان ص ۱۴۴) و گذشته از این مذاقش عرفانی و حکمی بوده و این عادل ظاهری و مخالف با حکمت و فلسفه میباشد چنانکه در ذیل کلامه:

الحكمة ضالة المؤمن . گوید:

حکمت و ایمان مجرم شد بهم روز الست زان نمیجویند حکمت مؤمنان حق پرست .
(۲) در تذکره آتشکده آذر و مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۳۹ در ذیل سلاطین شاعر، تخلص شاه طهماسب **عادل** تصریح شده و در تحفه سامی که سام میرزا برادر این پادشاه نوشته شعری از وی نقل کرده ولی تخلص او را ضبط ننموده است.

(۳) در هفت اقلیم و تحفه سامی نام این پادشاه و ابیاتی از او ثبت شده .
(۴) در قاموس الاعلام ترکی (ص ۳۰۳۷ و ۳۰۳۸) در حرف عین فقط یک نفر **عادل** را ذکر نموده که خراسانی و شاعر بوده و دو بیت فارسی از او نقل کرده است .
(۵) نسخه ای از این شرح را که بسال ۹۰۳ نگارش یافته حضرت آقای حاج سید نصر الله تقوی مدظله دارند و در مقدمه شارح خود را اینگونه معرفی میکنند: چون فقیر حقیر مقصر بتقصیر اصغر- العباد جرماً و اکثرهم جرماً **نظم:**

آنکه نعت نبی و مدح ولی * بعبارات و اوضحات جلی * گوید از صدق نیت و اخلاص * افقر خلق **عادل** بن علی
غفر الله ذنوبه الخ . و از مقایسه اشعار صدکلمه با اشعار این شرح بخوبی معلوم میشود که ناظم آنها یکی نیست .
(۶) این کتاب تا بحال چاپ نشده و این نقل از نسخه خطی مؤلف محترم گردیده است .

و انجام آن این است :

میرسد از صدق مرد اندر مقام اولیاء ☆ ختم کن بر صدق ای عادل کلام اولیاء و نسخه چاپی این ترجمه متعلق به ۲۵۸ کلمه و در ۲۶۰ بیت میباشد و هر کلمه ای را بیک بیت ترجمه نموده و از مراجعه باین اشعار معلوم میشود که ناظم مردی دین دار و مقدّس مآب بوده ، و با قرآن سروکار داشته چنانکه در ذیل این کلمه شِفَاءُ الْجِنَانِ فِي قِرَاءَةِ الْقُرْآن . گوید : هر که قرآن خواندن او را ورد چون عادل شود * عاقبت درد دل او را شفا حاصل شود . و نیز در ذیل این کلمه : کَلَامُ اللَّهِ دَوَاءُ الْقَلْبِ . گوید : درد دل را از کلام حق تعالی جو دوا * خود تورا در سینه محفوظ است قرآن عادلا . و نیز از اسلوب اشعار بخوبی معلوم میشود که ناظم هر دو یکی و از شعراء دوره صفویه بوده است .

جز این عادل شعراء دیگر هم بترجمه این کلمات قصار پرداخته اند و مناسب است که در اینجا چندتن از آنها را که نگارنده تاکنون یافته بیاورد اول رشیدالدین وطواط متوفی بسال ۵۷۳ که از سخن سرایان شهر است ، بدو این کلمات قصار را بشر عربی و پس از آن به شرفارسی و از آن پس هر کلمه ای را بدو بیت فارسی ترجمه و شرح نموده و چنانکه آقای محمّد علی تربیت درص ۱۰ شماره اوّل گنجینه معارف که بسال ۱۳۴۱ در تحت مدیریت ایشان در شهر تبریز منتشر میشود مرقوم داشته اند . نسخه کامل این ترجمه و شرح در کتابخانه ولی الدّین در اسلامبول بوده و شماره آن در آن کتابخانه (۲۶۳۹) است و آنرا « مطلوب کل طالب » نام گذارده و ریو در فهرست موزه بریتانیا سال این ترجمه و شرح را ۵۵۹ دانسته و آقای اقبال آشتیانی درص ند مقدّمه حقائق السّحر نگاشته اند که این کتاب در اروپا و ایران چاپ شده و ترجمه یکی از کلمات را بهمان سه نحو که گذشت عیناً نقل نموده چنانکه پیش از ایشان در همان شماره گنجینه معارف آقای تربیت ترجمه یکی از کلمات قصار دیگر را آورده اند و ترجمه نظم رشید مکرر در ایران چاپ شده و تاهنوز در مکاتب قدیمه از کتب درسی بچهاست ولی چاپ شدن مطلوب کل طالب را که سه ترجمه رشید الدین باشد تاکنون آگاهی نیافته ام .

دوم: در ص ۱۴۷ دانشمندان آذربایجان است که درویش اشرف در سال ۸۳۸ صد کلمه حضرت امیر علیه السلام را بقطعات فارسی ترجمه نموده است.

سوم: نیز آقای تربیت در گنجینه معارف نوشته اند که جامی (عبدالرحمن متوفی بسال ۸۹۸) نیز این کلمات قصار را بفارسی ترجمه کرده.

چهارم: نیز در گنجینه معارف نگاشته تربیت است که بسال ۱۲۵۵ با ترجمه ترکی آن در بولاق مصر چاپ شده.

پنجم: فلایشرا این کلمات را بالمانی ترجمه نموده و با ترجمه فارسی رشید و طواط بسال ۱۸۳۷ م. در لایپزیک چاپ گردیده (آقای اقبال در مقدمه حدائق السحر صند) چون نسخه آن را بدست نیاوردم ندانستم که آیا آنچه در اروپا از ترجمه رشید چاپ شده همان ترجمه نظمی و یا تمام مطلوب کَلّ طالب و یا ترجمه نثری او است.

ششم: ترجمه بنظم فارسی از عبدالواحد است که بگفته صاحب ریاض العلماء (وقایع الایام در حاشیه ص ۳۹۳ ج ۳) عالمی متصوف و مفسر و متکلم در دوره صفویه بوده است.

صد کلمه عادل بسال ۱۲۵۹ در تبریز و بسال ۱۲۷۲ در آخر شرح باب حادی عشر در طهران چاپ شده است.

آغاز: بسمله بهترین هر کلام ای نور چشم مردمان * هست نام خالق بسیار بخش مهربان

انجام: مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ

گر نهان دارد کسی سری توان دریافتن * در کنار روی آنکس یا در اثنای سخن

اللهم اغفر لنا رمزات الاحاظ و سقطا الالفاظ و هفوات اللسان و شهوات الجنان

یا الهی برضایت گرزبان و چشم و دل * زشت گوید یا بیند یار و دجائی مهل.

(۷۸۳)

صد کلمه این نسخه ضمیمه مجموعه ایست که بسال ۱۰۷۴ نگاشته شده

یا ترجمه و کاتب هر یک از ابیات را بخط نستعلیق در مقابل اصل کلمات

که بخط نسخ نوشته شده نگاشته و ترجمه بسمله را که در

مائة کلمة الجاحظ مقابل آغاز نقل نمودیم نیاورده و ابتداء بترجمه لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ

مَا إِزْدَدْتُ يَقِينًا که نخستین کلمه از مائة کلمه و این بیت میباشد نموده:

(گراجل بردارد از پیشم حیات مستعار * در یقین من نیفزاید بحق کردگار)
و بترجمه این کلمه : لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ که این بیت میباشد : (بی تأمل دم مزین
اول بدل اندیشه کن ^ک تا نیندیشد بدل دانا نیاید در سخن) نسخه را ختم کرده است .
خصوصیات دیگر نسخه بمجموعه شماره (۲۷۹۹) این کتابخانه مراجعه گردد
و این نسخه از ص ۳۱ تا ۳۶ این مجموعه را حائز است .

(۷۸۴)

صد کلمه این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب علمی نائینی در سال
یا ترجمه ۱۲۷۴ با طلا و لاجورد نگاشته و ترجمه کلمات را هر يك بیک
مائة کلمة الجاحظ بیت در ذیل آنها تحریر نموده و ترتیب کلمات نسخه چاپی
این ترجمه و نسخ خطی آن با یکدیگر مطابق نیست .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی مهره زده واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۸) . صفحه
(۹) سطر . طول (۲۳ $\frac{۱}{۴}$) سانتیمتر (عرض (۱۷ $\frac{۱}{۴}$) سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۰۴۹) .

[۳۲۴] الطراز الموشی فی الانشاء (عربی)

این کتاب مجموعه ای از مراسلات و انشآت رسمی و دوستانه است و چنان
که پشت نسخه این کتابخانه نگاشته شده مؤلف و گرد آورنده آنها شیخ شمس الدین
محمد بن حسن نواجی رضی الله عنه است و صاحب معجم المطبوعات در ص ۱۸۷۲
بمناسبت کتاب « حلیة الکمیت » وی که چاپ شده شرحی در معرفی از ایشان از
کتب : حسن المحاضره ۱ - ۲۷۴ و ابن ایاس جزء ۲ ص ۳۲ و ۴۹ و طبقات الشافعیه
اسدی ورق ۱۱۳ و الخطط الجدید . ۱۷ - ۱۳ نقل نموده و در آنجا است :
وَقَالَ الشَّعْرُ الْفَائِئِقُ وَالنَّشْرُ الرَّائِقُ وَجَمَعَ الْمَجَامِيعُ . ولی نام نبرده که یکی از
آن مجموعات موسوم به « الطراز الموشی » میباشد .

در کتاب شد ذات الذهب ص ۲۹۵ ج ۷ که ذیلاً شرح حال این مؤلف را
از آنجا ترجمه خواهیم نمود نامی از مجامیع نیست و این کتاب را از مؤلفات نواجی
نشمرد و ولی از قرائنی که از خود این مجموعه بدست می آید صحت انتساب جمع
این مؤلفه بدانشمند مذکور واضح میشود .

شمس الدین محمد بن حسن بن علی بن عثمان نواجی (۱) شافعی مصری بسال ۸۵۹ در گذشت علم ادب را امام و دانشمند فرزانه ای بوده ، در « عنوان الزمان » آمده که پس از سال ۷۸۵ (۲) در قاهره تولد یافته و در قرائت شاگردی ابن جزری (۳) معروف را نموده و علوم ادب و فقه و اصول و معقول را از اساتید آن عصر استفاده کرده و بعلوم ادبیّه توجه خاصی نمود و چنان در آن مستغرق شد که سر آمد اهل زمان گردید و از مصنفات وی **حاشیه توضیح** (۴)، **حاشیه جار بردی**، **کتاب تاهیل الغریب** (این کتاب مشتمل بر قصائد است)، **الشفاف فی بدیع الاکتفا**، **خلع العذار فی وصف العذار**، **صحائف الحسنات**، **روضة المجالس فی بدیع المجانسه**، **مرا تاع الغزلان فی وصف الحسان من الغلمان** و کتاب **حلیة الکمیت فی وصف النخمر** است انتهى . **الطراز الموشی** مشتمل بر انشآت رسمی و دولتی و شخصی است و بیشتر مکاتباتی را که سلاطین و امراء ممالک بیادشاهان مصر نگاشته اند در آنست و عهد نامه های آنها را نیز داراست و انشآت شخصی و غیر رسمی آن هم از نویسندگان مصر میباشد و در این کتاب مراسلاتی از چنگیزیان مخصوصاً احمد مورخ سال ۶۸۱ و امیر تیمور گورکانی و شاه رخ بیادشاه مصر و جواب او بآنها موجود است و پاره ای از منشآت برهان الدین باغونی (۵) شافعی متوفی بسال ۸۷۰ را دارا میباشد و از انشآت زمان خلفاء بنی عباس و اعصار بعد نیز چند نسخه داراست و از مجموعات خوب ادبی و تاریخی بشمار میرود .

سه کتاب دیگر را نگارنده بنام الطراز می شناسد و ممکن است یکی از آنها باین کتاب

- (۱) نواج یکی از دعات کشور مصر و در ناحیه مدیریّه غریبه آن میباشد (معجم المطبوعات) .
- (۲) در معجم المطبوعات تولد نواجی بسال ۷۸۵ یا ۷۸۸ بتدرید ثبت شده .
- (۳) شرح حال ابن جزری در (ص ۱۹۱ ج ۱) این فهرست نوشته شده و در آنجا است که بسال ۸۳۳ وفات یافته و همین نواجی در رثاء او دو بیت گفته و آنرا در آنجا ثبت کرده ایم .
- (۴) توضیح تألیف ابن هشام نحوی معروف است که شرح حالش در فصول بعد نوشته میشود و این کتاب شرح الفیّه ابن مالک مشهور است و نام اصلی آن « اوضح المسالك الى الفیّه ابن مالک » میباشد ولی مشهور بتوضیح گردیده است .
- (۵) در ص ۳۰۹ ج ۷ شذرات الذهب ذیل وفیات سال ۸۷۰ گوید : در این سال برهان الدین ابراهیم بن احمد بن ناصر بن خلیفه مقدسی شافعی ناصری باغونی دمشقی وفات یافت و دانشمندی بزرگ و سال عمرش نزدیک بصد سال بود (عن بضع و تسعین سنه) و در حاشیه همین صفحه است که تولد وی در صفّه بوده و بشام آمده ، از مشایخ آن کسب فضیلت نموده و **کتاب الضوء** را تصنیف کرده است و در این نسخه الطراز الموشی باغونی باغین معجمه ضبط شده است .

اشتباه شود یکی «الطراز» در علوم بلاغت که تألیف یحیی بن حمزه العلوی ره امام زیدیه است و مؤلف آن در سال ۷۴۹ وفات یافته و درص ۱۰ کتاب «ما هو نهج البلاغه» جناب سید هبه الدین شهرستانی آنرا ذکر کرده و چاپ شده است. و دیگری «الطراز الموشی» فی صناعة الانشاء» تألیف شیخ محمد نجار معلم عربی در مدرسه محمدیه امیریه مصر میباشد که بسال ۱۸۹۴ م. چاپ شده و درص ۱۷۰۰ معجم المطبوعات ذکر گردیده و مسلماً غیر از این کتاب است. و دیگری «الطراز فی الحقیقة والمجاز» تألیف حجة الاسلام رشتی ره میباشد و نسخه آنرا آقای تنکابنی دارند.

الطراز الموشی نواجی در حدود (۷۵۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه اجمعین - نسخه کتاب ورد علی الابواب الشریفة الملكية الظاهریه خشقدم من الشیخ برهان الدین الباغونی الشافعی یقبل الارض التي یودّ لو ظفر بقر بها و کحل جفونه بتربتها الخ.

(۷۸۵)

الطراز الموشی این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده، پشت ورق اوّل سید حسین نام مصری در

سال ۱۱۸۴ یاد داشتی مبنی بر اینکه این کتاب بتملك او در آمده نوشته است. جلد مقوایی. کاغذ قدیمی. واقف سیه سالار. قطع وزیری کوچک. شماره اوراق (۱۷۷). صفحه (۲۱) سطر. طول (۱۹ ۱/۴ سانتیمتر). عرض (۱۱ ۱/۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۷۹۵).

[۳۲۵] عیون الحکم والمواعظ (عربی)

این کتاب که بتصریح مؤلف در مقدمه موسوم به «عیون الحکم والمواعظ و ذخیره المتعظ والواعظ» میباشد، بنابر آنچه علامه مجلسی ره در باب جامع من کلمات علی علیه السلام (در مجلد ۱۷ ص ۱۳۶ چاپ کمپانی (۱) نگاشته اند جامع

(۱) عین عبارت بحار الانوار اینست: و کذا الشیخ علی بن محمد البیثی الواسطی فی کتاب عیون الحکم والمواعظ و ذخیره المتعظ والواعظ الذی قد سمناه بکتاب العیون والمحاسن و هو یشتمل علی کثیر من کلماته و کلمات باقی الائمه علیهم السلام. چنانکه بنقل از مقدمه دانستیم و ذخیره المتعظ است و ذال آن در این نسخه افتاده و ذخیره المتعظ شده و مندرجات آن از حضرت مولی علی امیر المؤمنین است نه از ایشان و سائر ائمه علیهم السلام. صاحب کشف الحجب درص ۳۸۹ این کتاب را بنام «العیون والمحاسن» که اسم اختراعی علامه مجلسی برای این کتابست ذکر نموده است و علامه مجلسی در مجلد ۱۷ ص ۱۱۲ نیز بنقل کلمات قصاری از نسخه قدیمی این کتاب مبادرت نموده است.

و مؤلف آن علی بن محمد المیشی الواسطی رحمه الله علیه است و از مقدمه آن بخوبی معلوم میشود که از علماء امامیه بوده و چنین بنظر میرسد که در قرن ششم یا هفتم هجری میزیسته اند ، در کتب سیر و رجال چون روضات و لؤلؤتی البحرین و رجال ممقانی و امل الامل نامی از ایشان نیافتم .

این کتاب را در مجلد اول این نهرست (ص ۲۸۳-۲۸۶) در فصل اخبار بانقل قسمتی از دیباچه آن نام برده ام ولی در آن هنگام که مشغول بنگارش و معرفی آن بودم بنام مؤلف آن بر نخورده و عدم اطلاع خویش را اظهار نمودم اخیراً که مؤلف و جامع آن را شناختم چون در این فصل کلمات قصار حضرت مولی علی امیر المؤمنین علیه السلام و خطب و منشآت آنحضرت و شروح آنها نقل گردیده و بشرح و معرفی آنها پرداخته شده و میشود مناسب آن دیدم که این کتاب را باز در اینجا بیاورم و نظر باینکه در شماره کتب مجلد اول اختلافی رخ داده و در ذیل صفحه (ح) از مقدمه آن مجلد بدان اشارتی رفته و شماره مسلسل را در این مجلد موافق آخرین شماره مجلد اول قرار داده ام لذا این تکرار بشماره مسلسل خللی وارد نمیسازد .

این کتاب (عیون الحکم و المواعظ) بتصریح جامع در مقدمه ۱۳۶۲۸ کلمه از کلمات قصار را که در سی باب بترتیب حروف تهجی مرتب گردیده شامل و در باب سی ام مختصراتی از بیانات توحیدی و وصایا و مواعظ و عباراتی در مذمت دنیا و ادعیه و مکاتبات آنحضرت را که بنظر جامع لطیف و فوق العاده تر از سایر کلمات بوده آورده ولی دو نسخه ذیل و نسخه صاحب وقایع الایام فاقد این باب میباشد و شاید تألیف نشده است و این بیست و نه باب در حدود (۶۸۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله الحمد لله فالق الحبه و باری التسم ، موجد الاشياء بعد العدم الخ .

انجام: فليحذر الذين يخالفون عن امره ان تصيبهم فتنة او يصيبهم عذاب اليم .

(۷۸۶)

این نسخه بخط نسخ خیلی خوب نوشته شده ، در سال ۱۰۷۹ محمد هادی نام مقابله شدن آنرا با نسخه دیگر نوشته و مطالبی که کاتب از متن انداخته بوده در حاشیه نگاشته شده است .

عیون الحکم
والمواعظ و

جلد چرمی . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۲۸۵) .
صفحه (۱۴) سطر . طول (۲۰ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۷۸۵) .
(۷۸۷)

عیون الحکم
والمواعظ و
ذخیره المتعظ
والواعظ

این نسخه را بخط نسخ خیلی خوب محمدقلی در سال ۱۰۸۵ بنا بدستور علم الهدی فرزندی حضرت فیض رحهما الله نوشته و خود ایشان در آخر نسخه یادداشتی درشش سطر نگاشته اند.

جلد چرمی اعلا . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۳۷) صفحه (۲۱) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۵ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۷۸۴) .

[۳۲۶] غرر الحکم و دُرر الکلم (عربی)

جامع این کتاب که نیز مشتمل بر قسمتی از ظلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام میباشد **آمدی** ره است (ناصح الدین ابوالفتح عبدالواحد بن محمد بن عبد الواحد التمیمی الآمدی) که بتصریح صاحب روضات (درص ۴۶۴) معاصر سیدرضی ره متوفی (۴۰۶) و سیدمرتضی ره متوفی (۴۳۶) و شیخ طوسی ره متوفی (۴۶۱) بوده و نیز از ابن شهر آشوب نقل نموده که از علماء امامیه بوده و گوید روایتی در کتب امامیه بدو نمیرسد و هم از قاموس و تقویم البلدان نقل کرده است که **آمد** شهری است میان دجله و فرات از دیاربکر و دارای باغها و اراضی زراعتی است و بفتح و ضم و کسر میم قرائت شده . و صاحب معجم المطبوعات (درص ۹۱) وفات این مؤلف را بسال ۵۱۰ ضبط نموده و مأخذ خود را هم نگاشته بنا بر آنچه نقل شد بسیار دور بنظر میآید که تا این تاریخ زندگانی کرده باشد .

آمدی در مقدمه این کتاب گوید :

آنچه مرا وادار بر جمع آوری این کتاب کرد افتخاری است که ابو عثمان جاحظ در جمع آوری مائة کلمه نموده است و بسی موجب تعجب میباشد که این مرد با اینکه علامه روزگار خویش بوده

و در دانش و بینش یگانه عصر خود شمرده میشود و بمبدء نزدیکتر بوده چگونه عظمت کلمات دیگر آنحضرت بر او مخفی شده و از آن همه کلمات بيشمار بدین شماره اندك قناعت نموده و من با اینکه شایستگی این مقام را ندارم بسیاری از کلمات آنحضرت را جمع نموده، گرچه در مقابل حکم و مواعظ و کلمات آنحضرت اندکی از بسیار و یکی از هزار است و آنرا بترتیب حروف معجم مرتب ساختم و اسانید آنرا برای اختصار انداختم و آخر کلمات را هم چون ذوق و طابع مائل بسجع بود و بگوش خوشتر می آمدم سجع قرار دادم و آنرا «**غرر الحکم و درر الکلم**» نامیدم.

این کتاب بیش از چهار هزار بیت کتابت دارد و در مصر و بمبئی چاپ شده و عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی آنرا به نود و نه باب تقسیم و مطالب متفرقه را جعۀ بیک موضوع را جمع و در ابواب مذکور منظم کرده پس از آن بشرح وی پرداخته و آنرا «**نظم الغرر و نضد الدرر**» نامیده و در این فصل آنرا مفصلاً ذکر خواهیم و چنانکه در مقدمه مجلد دوم این کتاب نگاشته شده همین مؤلف «**غرر الحکم**» را نیز بفارسی ترجمه نموده و آنرا «**اصداف الدرر**» نام نهاده و آقا جمال خونساری بر **غرر الحکم** شرحی فارسی نگاشته که در ص (۳۴-۳۶) این فصل بتفصیل از آن نام برده شد. و نیز این کتاب را بر حسب خواهش آقامیرزا احمد تبریزی متوطن شیراز میرزا محسن خوشنویس (عماد الفقرا) متخلص بحالی که از اهالی اردبیل و فضلاء آن سامان اند بفارسی ترجمه نموده و قسمتی از آن ترجمه ذیل قسمتی از **غرر الحکم** در ضمن مجموعه ای که بنام «**انهار جاریه**» در شیراز میرزا احمد مذکور در مطبعه خویش بسال ۱۳۴۴ طبع نموده اند مندرج گردیده است.

آغاز: بسملة الحمد لله الذی هدانا لبتوفيقه الى جادة طریقه الخ.

(۷۸۸)

این نسخه بخط نسخ خوب در مدینه طیبه بسال ۹۹۵ نگاشته شده و در سال ۱۰۴۹ معزالدین مخاطب بمعز الملک بخط خود شرحی مبنی بر اینکه این کتاب را به سید امیر محمد زمان بنام یادگار داده نوشته و بنا بر این سید مذکور از علماء آنعصر بوده و در ذیل

**غرر الحکم
و درر الکلم**

این شرح مهر مدووری است که بر آن چنین نقش گردیده: بنده شاه جهان پادشاه
غازی معز الملک.

ورق اول و آخر کتاب و صالی گردیده، کلمات افتاده از متن در حاشیه
نگاشته شده و نسخه در آب افتاده ولی خطوط آن سالم مانده است.

جلد تیماجی. کاغذ حنائی. واقف سیه سالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۵۶). صفحه (۲۱)
سطر. طول (۱۹ ۱/۴ سانتیمتر) عرض (۱۳ ۱/۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۸۴۲).

[۳۲۷] مائة کلمه (عربی)

جامع و انتخاب کننده این کلمات جاحظ ره است (ابو عثمان عمرو بن بحر بن
محبوب کنانی لیشی بصری متوفی بسال ۲۵۵) (۱) که از معاریف دانشمندان اسلام
بوده و روش اعتزال داشته و خود در اصول دین دارای آراء و عقاید خاصی
میباشد، شهرستانی در ملل و نحل بذکر برخی از آنها پرداخته و پیروان این مرد
را **جاحظیه** مینامند.

جاحظ چون کتب فلاسفه را زیاد مطالعه مینموده افکار آنها در وی بی اثر
نمانده و ابن الندیم در باره وی در فهرست خویش تحت عنوان «الفتح بن خاقان»
چنین آورده: (ابوهفان گوید: ندیده و نشنیده ام کسی در دوستی بکتاب و علم
پایه جاحظ و فتح بن خاقان و اسمعیل بن اسحق قاضی برسد اما جاحظ هیچگاه
کتابی بدست او نرسید مگر آنکه سر تا پا آنرا خواند و گاهی دکان کتاب فروشها
را اجاره میکرد و در آنجا می ماند و مطالعه مینمود الخ).

یکی از بر مکی ها گوید (ترجمه از ابن خلکان ج ۱ ص ۳۸۸):

وارد بصره شدم شنیدم جاحظ دچار بقلج گردیده، با خود گفتم وی را دیداری کنم، بدر ب خانه وی

(۱) مطالب راجعه بجاحظ از این کتب اقتباس شده: ابن خلکان ص ۳۸۸ و ۳۸۹ ج ۱، فهرست ابن الندیم
ص ۵۷ و ۱۶۹، روضات ص ۵۰۲ و ۵۰۵ معجم المطبوعات ص ۶۶۶ - ۶۶۸ و بغية الوعاة
نسخه خطی مدرسه ورق ۴۷۹ ب. باتفاق همه مورخین وفات جاحظ در محرم سال ۲۵۵ بوده و
ابن خلکان از وی نقل نموده که فلج و دردیکه بواسطه سنك مثانه دارم مرا بزحمت انداخته است
و عوارض نود و شش سالگی بد تراز همه میباشد و اگر فرض کنیم که در همین سال وفات
کرده باشد تولد وی بسال ۱۵۹ یا ۱۵۸ خواهد بود و در معجم المطبوعات تولد جاحظ سال ۱۶۰
ضبط گردیده مآخذ آنرا ندانستیم و بنا بر آنچه گفته شد مسلماً پیش از سال ۱۶۰ تولد یافته است.

رفتم، در کوفتم، کنیز کی زرد رویامد، پرسید کیستی، گفتم مردی غریبم، میخواهم از دیدار صاحبخانه
بهر مند شوم، کنیزك گفته مرا بجاحظ رساند، شنیدم بدرگفت او را بگوی چه میخواهی از دیدار
کسی که یکطرف بدن وی بیحس شده و آب از دهانش فرو میریزد و رنگ رخسارش تیره گشته
(مَا تَصْنَعُ بِشِقِّ مَائِلٍ وَلَعَابِ سَائِلٍ وَلَوْنِ حَائِلٍ) چون کنیزك باز گشت گفتم من آمده ام که
جاحظ را به بینم و چاره ای از آن نیست، چون این بار کنیزك حاجت را عرضه داشت جاحظ گفت
این مرد از بصره گذر میکرده و بیماری مرا شنیده تصور نموده خوبست پیش از مرگ او را دیدار
کنم و بگویم که من هم در مرض موت جاحظ را دیده ام. پس از آن بارداد باطاق وی در آمدم سلام
کردم با طرزی نیکو جواب داد و اصل و نسبم را پرسید خانانم را گفتم گفت خدا رحمت کند
یدران دست بازتورا که روزگار آنها بهشت بود و بواسطه آنها شکسته مردمان بسیاری بسته میشد
و پروردگار آنانرا از آب رحمت خویش سیراب کند و در آنسرای آنها را دستگیری کامل نماید،
من نیز ویرا دعا نمودم و گفتم خواهشمند چنانم که از شعر خویش اندکی برایم بخوانی گفت :

لَئِنْ قَدِمْتُ قَبْلِي رَجُلٌ فَطَأَلَا
مَسَيْتٌ عَلَيَّ رَسُلِي فَكُنْتُ الْمَقْدَمَا
وَلَكِنْ هَذَا الدَّهْرُ ثَانِي صُرُوفُهُ
فَتُبِّرِمُ مَقْنُوصًا وَتَقْضُ مَبْرَمًا

مؤلفات ذیل منسوب بجاحظ است : : **البعلاء، البيان والتبيين، التاج في**
اخلاق الملوك، الحنين الى الاوطان، كتاب الحيوان (دمیری صاحب
حياة الحيوان از این کتاب بسیار نقل نموده) **سلوة الحریف بمناظرة الربيع والخريف**
المحاسن والاضداد، و رسائل ذیل : حاسد و محسود، فضائل الاتراك،
فخر السودان على البيضان، الترييع و التدوير، تفضيل النطق على العصمت،
مدح التجار و ذم عمل السلطان، العشق و النساء، الوكلاء، استبجاز الوعد، بيان
مذاهب الشيعة و طبقات المغنين، (رسائل فوق یکجا بسال ۱۳۲۴ در مصر چاپ شده
و رساله دوّم آن جدا گانه نیز چاپ گردیده است) و کتب مذکوره پیش از این
رسائل نیز چاپ شده و نیز از مؤلفات جاحظ یکی **الاصنام** است که صاحب
معجم المطبوعات گوید چاپ نشده و اینکه در اکتفاء القنوع نوشته شده بطبع رسیده
غلط است و دیگری **نظام القرآن** میباشد که ابن ندیم بوی نسبت داده است
(ص ۵۷) و دیگری کتاب **العرجان و البرصان و القرمان** میباشد که سیوطی بدو
نسبت داده است .

و این مجموعه از کلمات قصار که عنوان این ترجمه است در مآخذ فوق بجاحظ نسبت داده نشده
جز اینکه صاحب رو ضات گوید : در فصول الاثمه ذیل شرح حال و اوصاف حضرت

علی بن ایطالب علیه السلام مذکور است که آن بزرگوار را کلماتی است که جاحظ در بعضی از مؤلفات خود آنها را جمع آوری نموده و مشتمل بر مطالب حکمیست و هر کلمه از آن هزار کلمه میباشد الخ و در ذیل کتاب غرر الحکم (ص ۷۶) نگاشته شد که آمدی در مقدمه این کتاب گفته که سبب و باعث بر جمع این کلمات افتخاری است که جاحظ در جمع مائة کلمه از کلمات قصار آنحضرت نموده و بسی شگفت است که علامه روزگاری چون وی از یم به نم و از بسیار باند کفایت نموده است و نیز در مقدمه «عیون الحکم و المواعظ» (ص ۷۴ - ۷۶) از این انتخاب نام برده شده است. نگارنده با تفحص ندانست که این انتخاب را در کدام يك از نوشتههای خود گنجانیده است.

این کتاب یا کلمات قصار در طهران و بسال ۱۳۴۱ در دمشق شام و در یکی از شهرهای هندوستان و در لندن با حروف اختراعی ملکم و در سال ۱۳۲۵ ضمیمه مقالات زنجشیری در مصر چاپ شده و شرحی ابن میثم در حدود (۵۴۷۰) بیت بر این کلمات نگاشته و نسخه ای از آنرا استاد محترم این مدرسه آقای مشکوة بیرجندی دارند و مشتمل بر سه قسم است **قسم اول** : در مبادی و مقدماتیکه بیان آنها لازم میباشد از قبیل تعریف نفس حیوانی و تحقیق در آن و برهان بوجود آن و غیر از اینها. **قسم دوم** : در شرح کلمات قصار (مائة کلمه الجاحظ). **قسم سوم** : در لواحق و متممات و در این قسم شطری از فضائل و کمالات حضرت علی علیه السلام و آنکه آنحضرت مستجمع جمیع صفات کمالیه انسانیه بوده اند میباشد.

و در ص ۵۶۶ کشف الحجب و الاستار نام این شرح را «منهاج العارفین فی شرح کلام امیر المؤمنین ع» معرفی کرده ولی در خود کتاب این نام نیست. آغاز این شرح این : بسم الله يا ذا الجلال والاكرام يا حي يا قدوس يا سلام الخ. و انجام آن اینست : اللهم وفقنا لفهم هذه الكلمات والعمل بمقتضاها كما تحب و ترضى واجعل عواقب امورنا خيرا واعذنا من شرور انفسنا وسيات اعمالنا و قبائح افعالنا بحق محمد وآله و عترته الطاهرين آمین یا رب العالمین.

قطب راوندی را نیز بر این کلمات قصار (مائة کلمه الجاحظ) شرحی میباشد.

این کلمات قصار مکرر بنظم و نثر فارسی ترجمه شده و در ذیل « صد کلمه »
در ص (۶۸-۷۲) همین مجلد پاره ای از آنها را نقل نموده ایم .
آغاز: بسمله لو کشف الغطاء ما ازددت یقیناً .

انجام: لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحق وراء لسانه . (۱) اللهم اغفر
رمزات الالفاظ و سقطات الالفاظ و شهوات الجنان و هفوات اللسان .

(۷۸۹)

مائه کلمه این نسخه را بخط بسیار خوب آقا زین العابدین اصفهانی در
سال ۱۲۷۶ نگاشته و پس از اتمام آن مناجات منسوب به
حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام که اوّل آن این است: (لك الحمد يا ذا الجود
والمجد والعلی) نیز همین کاتب نگاشته و در آخرین قسمت رقم کرده و اوراق
نسخه متن و حاشیه است و دارای يك سر لوح كوچك میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ متن حنائی ، حاشیه آبی فرنگی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق
(۲۷) . صفحه (۴) سطر . طول (۱۷ ۱/۴ سانتیمتر) . عرض (۱۱ ۱/۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۹۹۷) .

[۳۲۸] مختصر تقویم اللسان (عربی)

تقویم اللسان کتابی است چون درّۃ الغواص حریری که در ص (۱۹-۲۱) این
مجلد بشرح و معرفی آن پرداخته ایم و موضوع آن تصحیح اغلاطی است که
نویسندگان و گویندگان از خواص و عوام استعمال میکنند و مؤلف آن
ابوالفرج ابن جوزی واعظ معروف بغدادی متوفی بسال ۵۹۷ (۲) میباشد و در
نامه دانشوران (ج ۱ ص ۲۷۴) این کتاب در ذیل مؤلفات ابن جوزی آورده شده،
شیخ بهائی ره در کشکول نیز این کتاب را بدو نسبت داده و از آن نقل کرده است

(۱) آخری بیشتر نسخها چنان است که نقل گردید ولی آخر نسخه ذیل این جمله است: البخیل مستعجل
للفقر یعیش فی الدنیا عیش الفقراء و یعاسب فی الآخرة حساب الاغنیاء اللهم اغفر رمزات الخ
و آخر نسخه صد کلمه پیش از اللهم اغفر الخ ما اضمح احد شیئاً الا ظهر فی وجهه و فلتات لسانه
میباشد و در تقدیم و تاخیر سائر جمل با یکدیگر مختلف اند .

(۲) روضات ص ۴۲۷ و ۴۲۸ ، ابن خلکان ج ۱ ص ۲۷۹ - ۲۸۰ . نامه دانشوران ج ۱ ص
۲۶۲ - ۲۷۵ و شذرات الذهب در ج ۴ ص ۳۲۹ .

و صاحب روضات بنقل از کشکول مطالبی که ذیل آن ذکر خواهیم نمود از این کتاب آورده (۱) و در کشف الظنون (ج ۱ ص ۳۲۱) بنام تقویم اللسان سه کتاب ذکر شده: **اول** تقویم اللسان در نحو تألیف محمد بن ابی القاسم بقالی خوارزمی حنفی متوفی بسال ۵۶۲. **دوم** تقویم اللسان در نحو تألیف زین الدین قاسم بن قطلوبغا حنفی متوفی بسال ۸۷۹. **سوم** تقویم اللسان تألیف ابن قتیبه. در ص ۱۷۸۸ ج ۳ فهرست آصفیه نیز کتابی بنام «تقویم اللسان» تألیف محمد ذکاء الله نام برده شده و گوید که بسال ۱۸۹۳ م بچاپ رسیده و موضوع آن معین نگردیده است. در ص (۴-۷) این مجلد از فهرست مؤلفات ابن قتیبه ذکر شد و در کتب سیر و مآخذ نسبت کتابی بدین نام به ابن قتیبه دیده نشد، نگارنده تصور میکند که مؤلف ابن جوزی بوده و کتاب نسخه ای که مأخذ کشف الظنون چاپ اسلامبول بوده اشتباهاً ابن قتیبه نوشته و یا در چاپ غلط چیده شده و مصحح بدان متوجه نشده به نسخه کشف الظنون چاپ فلوگل مراجعه شد در آنجا نیز مؤلف ابن قتیبه ضبط گردیده، در مقدمه این کتاب که مختصر تقویم اللسان میباشد تقویم اللسان را تألیف ابن جوزی معرفی کرده و نامی از این مختصر در کشف الظنون و مأخذ دیگر نیافتیم، مختصر کننده هم تا کنون شناخته نشده و در مقدمه و خاتمه نسخه ذیل نیز نامی و اثری از او دیده نمیشود و چنانکه خود نیز بدان تصریح نموده و فقط کاری که کرده از آن کتاب جملی را انداخته و مقدمه ای بر آن نگاشته ولی بدان چیزی نیفزوده و ترجمه مقدمه نسخه این است:

بنام خداونده بخشنده مهربان: سیاس و ستایش مر خداوند را سزا است و درود پروردگار بر روان پاک سرور ما **محمد** و کسان پاکیزه او باد، نگارنده چون «کتاب تقویم اللسان» را که از گرد آورده های پیشوای بزرگ و دانشمند فرزانه، جمال الدین ابو الفرج عبدالرحمن **بن جوزی** که خدایش پیامرزداد، نگارشی سودمند یافت و دید که در آن بسیاری از آنچه مردمان، نادرست بر زبان یا خامه می آورند گرد آورده و بسیاری از نمونه های گفتار مردم را برای گواه خویش بر آن افزوده و در این پاره سودی چندان جز بد نامی آنانکه بر زبان رانند ندید بر آن شده که آنرا

(۱) صاحب روضات الجنات در ص ۴۲۸ نام این کتاب را با استناد بکشکول شیخ بهاء الدین عاملی ره «تقویم غلط اللسان» معرفی نموده در صورتیکه در کشکول (در حدود ۱۳۰۰ بیت با آخر مجلد سوم مانده) نام کتاب «تقویم اللسان» ضبط گردیده و در مقدمه همین مختصر و نامه دانشوران نیز «تقویم اللسان» نوشته شده است.

از این پاره تَنَك سازد و از آن بیندازد و بس آنچه که سودی در دانستن آنست بگذارد، تا یادگیرنده اش باسانی بر درستی و نادرستی در گفتار و نگارش آگاه شود و خداوند یاری دهنده بر توانائی نیکو است.

بنا بر آنچه از مقدمه نسخه ذیل که بترجمه آن پرداختیم معلوم گردید ابن جوزی شواهد و امثله ای از کلمات و بیانات عوام را در تقویم اللسان آورده بوده و آنچه شیخ بهائی ره در کشکول از این کتاب نقل نموده اند بدون امثله و شواهد میباشد بنا بر این احتمال دارد که ایشان هم نسخه دیگر مختصر شده از تقویم اللسان را در دست داشته اند و از آن نقل نموده اند و اصل این کتاب مأخذ ایشان نبوده و گرنه یا در هنگام نقل بنام نقل باختصار از تقویم اللسان جمل را ذکر میفرمود و یا اشاره ای مینمودند که من از آن کتاب این قسمت را انتخاب نمودم و ما برای تسجیل تصوّر خویش عین نقل ایشان را که در اواخر مجلد سوم از کشکول است در اینجا میآوریم: من کتاب تقویم اللسان لابن الجوزی:

جَوَابٌ لَا يُجْمَعُ وَقَوْلُ الْعَامَّةِ أَجْوَبُ كُتِبِي وَجَوَابَاتُ كُتْبِي غَلَطٌ وَالصَّوَابُ
جَوَابُ كُتْبِي * حَاجَاتٌ وَحَاجٌ جُمِعَ حَاجَةٌ وَحَوَائِجٌ غَلَطٌ. يُقَالُ حَمَيْتُ
الْمَرِيضَ لَا أَحْمَيْتُهُ. يُقَالُ لِلْقَائِمِ أَقْعَدٌ وَلِلنَّائِمِ اجْلِسْ وَالْعَكْسُ غَلَطٌ.
يُقَالُ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَذَا كَذَا لَا الَّذِي كَانَ كَذَا. الْعَرُوسُ يُقَالُ لِلرَّجُلِ وَ
الْمَرْءِ لَا لِلْمَرْءَةِ فَقَطْ. لَا يُقَالُ كَثُرَتْ عَيْلَتُهُ إِنَّمَا يُقَالُ كَثُرَتْ عِيَالُهُ وَالْعَيْلَةُ
الْفَقْرُ. الْمَصْطَكِيُّ يَفْتَحُ الْمِيمَ وَالضَّمُّ غَلَطٌ.

این بود آنچه شیخ در کشکول از این کتاب نقل نموده اند و چون باین نسخه که مختصر تقویم اللسان میباشد مراجعه مینمائیم می بینیم که همین جمل با اندک تفاوت در وی موجود است و جمل فوق در این نسخه بدینگونه است:

وَجَوَابَاتٌ وَأَجْوَبُ كُتْبِكَ خَطَا فَلَ يُقَالُ إِلَّا جَوَابُ كُتْبِكَ لِأَنَّهُ لَا يُجْمَعُ
وَجَمْعُهُ مَوْلَدٌ قَالَهُ سِيبَوِيهٌ وَجُمِعَ حَاجَةٌ حَاجَاتٌ أَوْ حَوَّجٌ وَحَوَائِجٌ

خَطَاءٌ . وَحَمِيَّتُ الْمَرِيضِ بِغَيْرِ آفٍ وَتَقُولُ لِلْقَائِمِ اقْعُدْ وَلِلنَّائِمِ أَوِ السَّاجِدِ
اجْلِسْ لِأَنَّ الْعُقُودَ دَانَتْ قَالَ مِنْ عُلُوِّ إِلَى سِفْلٍ وَالْجُلُوسُ عَكْسُهُ وَ مِنْهُ قِيلَ
لِنَجْدٍ جَلَسَ لِارْتِفَاعِهَا . وَكَثُرَ عِيَالُهُ وَكَثُرَتْ عِيَلَتُهُ وَعَائِلَتُهُ خَطَاءٌ .
وَالْعَرُوسُ لِلْمَرْأَةِ وَالرَّجُلِ أَيَّامُ الْبِنَاءِ . وَالْمَصْطَكِيُّ وَحَبُّ الْمَحَلَبِ وَالْمَنَارَةُ
وَالْمَرْقَاةُ يَفْتَحُ الْمِيمَ .

بهر حال نگارنده تا کنون تقویم اللسان را ندیده و بمعجم المطبوعات هم مراجعه
شد در آنجا نامی از این کتاب نبود از فضلاء طهران که دارای کتابخانه و اطلاع
بکتاب میباشند پرسش شد آنها هم تا کنون ندیده و سراغ نداشتند و نسخه ذیل که
بتصریح در آن «مختصر تقویم اللسان» است در حدود (۶۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسملة الحمد لله رب العالمين

باب الالف . تقول استهتر فلان بكذابتائين الأولى منهما مضمومة والأخرى
مكسورة على ما لم يسم فاعله الخ .

انجام : وَالْيَوْمَ فَعَلْتُ مَا دَامَتِ الشَّمْسُ طَالِعَةً فَإِذَا غَرُبَتْ فَأَمْسِ
الْأَحَدُثَ (كذا) لِأَنَّ الْيَوْمَ انْقَضَى .

(۷۹۰)

مختصر
تقویم اللسان
این نسخه بخط نسخ بسیار خوب نوشته شده ، قسمتی از
آخرین صفحه بریده شده و با کاغذی شبیه بکاغذ اصل و صالی
کردیده ، شاید بر آن قسمت نام کاتب و سال کتابت بوده ،
بسیار شبیه بخط یاقوت مستعصمی خطاط معروف نگارش یافته و توان گفت از میان
بردن رقم کاتب و سال کتابت برای آن بوده که بنام یاقوت قلم داد گردد ، بهر حال
چنین بنظر میرسد که از خطوط قرن هفتم هجری باشد ، پشت صفحه اول این

عبارت نوشته شده: این کتاب تقویم اللسان خط مولانا صیرفی (۱) مجموع اوراق سی و هشت ورق است قیمت پس از لفظ قیمت کلماتی بوده محو گردیده و مهر بادامی نیز داشته که آنهم محو شده است و پشت آخرین صفحه نیز یادداشتی بوده که قسمتی از آن محو گردیده و آنچه از آن خوانده میشود این است: تاریخ ولادت بنده در گاه شب یکشنبه نهم شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۱۳۱ و یادداشت‌های مختصر دیگر در دو جای مذکور موجود است. و چنانکه ترجمه گردید در مقدمه تصریح شده که این نسخه مختصر تقویم اللسان است، نه خود تقویم اللسان میباشد ولی کاتب پس از جمله **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** آنقضی^۱ که در مقابل انجام ذکر شد گوید: **نجز کتاب تقویم اللسان آخر نهار الخميس الخامس من شهر شعبان المبارك من سنه** (تاریخ ندارد) جلد تیماجی مذهب. کاغذ قدیمی چنایی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۳۸). صفحه (۱۱) سطر. طول (۱۸ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۰۲).

[۳۲۹] مقامات بدیع الزمان همدانی (عربی)

مؤلف و منشی این مقامات بدیع الزمان همدانی رحمه الله است (ابوالفضل احمد بن حسین بن یحیی بن سعید همدانی ۳۵۸ - ۳۹۸) (۲) که یکی از معاریف ادباء و شعراء و دانشمندان و در درجه اول نویسندگان و منشیان بزرگان عربی میباشد و این مقامات وی از آفتاب پیش اهل دانش شهرتش بدیشتتر و فائده آن در فن ادب کمتر از آن نیست و نخستین کس است (۳) که بدینگونه مطالبی را از زبان مرد مجهولی (ابوالفتح اسکندری) ساخته و پرداخته و بنام راوی که وی نیز ساختگی است

(۱) صیرفی چنانکه آقای تربیت در ص ۲۳۸ و ۲۳۹ دانشمندان آذربایجان مرقوم داشته اند معروف بخواجه عبدالله و یکی از شاگردان ششگانه یاقوت مستعصمی است و از مشاهیر خطاطین میباشد و بسال ۷۴۲ وفات یافته و در مقبره چرنداب که یکی از محلات تبریز میباشد دفن گردیده است.
(۲) یتیمه الدهر ج ۴ ص ۱۶۷-۲۰۴ چاپ دمشق، معجم الادبا ص ۹۴ ج ۱، روضات ص ۶۶ ج ۱، شذرات الذهب ج ۳ ص ۱۵۰، کشف الظنون ص ۴۹۴ ج ۲، ابن خلکان ج ۱ ص ۳۹، معجم المطبوعات ص ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶، امل آمل ص ۳۲ ج ۲، منتهی المقال ص ۳۴، هدیة الاحباب ص ۱۰۴
(۳) گویند نخستین کس که بانشاء مقامات پرداخته ابن فارس استاد همدانی است ولی در دست نیست (تاریخ الادب العربی ص ۳۹۶).

(عیسی بن هشام) (۱) روایت نموده و **حریری** چنانکه خود در دیباچه تصریح نموده باقتداء این دانشمند مقامات را ساخته و در آنجا نیز تصریح شده که بدیع الزمان همدانی نخستین کس می باشد که این روش را برگزیده و از من خواسته شد وی را پیروی کنم: (ذِکِرَ الْمَقَامَاتِ الَّتِي ابْتَدَعَهَا بَدِيعُ الزَّمَانِ وَ عَلَامَةُ هَمْدَانٍ اِلَى اَنْ اُنْشِئَ مَقَامَاتٍ اَتَلَوْ فِيهَا تِلْوَ الْبَدِيعِ الْخ).

و آخرین همدانی که تا امروز بانشاء مقامات پرداخته و مطالبی علمی و ادبی و اخلاقی و فکاهی را بزبان اهل ادب در آورده و تصنیف را در آن وارد نموده مرحوم میرزا جعفر **همدانی** متخلص **بر ریاض** می باشد (بنا بضبط آقای تربیت بسال ۱۲۶۸ وفات نموده و نیز از مقدمه ای که آقای تقوی مد ظله بر غزلیات ریاض مرقوم داشته اند معلوم میشود که تا اندکی پس از عزل امیر کبیر (۱۲۶۸) حیات داشته است.) که چون بدیع الزمان مقاماتی ساخته و او نیز از عهده بر آمده و مقامات وی بیست و یک مقامه است و آغاز آن این: (بسم الله الحمد لله مبدع الانسان و مودع اللسان انشاء السكلم و علم بالقلم الخ.) و انجام آن این است: (او غار فی الماء او القى فی جنح الظلماء او ابتغى نفقا فی الارض او سلما فی السماء تمت المقامة بالخیر و العافیه) (۲) و در کشف الظنون (ج ۲ ص ۴۹ - ۴۹۹) آنانکه بدین سبک و بنام مقامه یا مقامات نگارشی دارند نام برده شده و آخرین مقامات نگارش یافته «لامع مظفریه» است (۳).

ثعالبی که از دانشمندان و مؤلفین معاصر با بدیع الزمان بوده در کتاب **یتیمه الدهر** (ص ۱۶۷ - ۲۰۴ ج ۴) وی را بنهایت ستوده و در اینجا بترجمه مختصری از آن میپردازیم:

« احمد بن الحسین، بدیع زمان و یگانه روزگار و معجزه همدان و نادره فلك و روشنائی زمانه، کسی بود که در هوش و قریحه نظیر نداشت، طبعی شریف و ذهنی با صفا و نفسی قوی داشت، درثر و نظم مانند وی را کس ندیده و نخواهد دید، گویا سحر مینمود و یا معجزه داشته، حالاتی

(۱) مقامات بدیع الزمان چنین شروع شده: حد ثنا عیسی بن هشام قال و در بیشتر از مقامات بدین گونه: فاذا هو والله شیخنا ابو الفتح الاسکندری و یا بعبارتی نظیر این عبارت تصریح گردیده که مطالب از زبان ابو الفتح است.

(۲) نسخه ای از این مقامات که بخط منشی آن مرحوم میرزا جعفر ریاض و شامل ۲۰ مقامه می باشد و در سال ۱۲۶۹ نوشته شده است اینک نزد جناب آقای تقوی رئیس این دانشکده موجود و نسخه ای آقای تربیت (محمد علی) دارند که بسال ۱۲۹۰ نگارش یافته و نسخه ای دیگر نیز آقای تقوی دارند که بسال ۱۲۹۷ نوشته شده است. (۳) نسخه این کتاب در کتابخانه مشیر السلطنه می باشد.

بس شکفت انگیز داشت، از آنها این است: چون قصیده ای که بیش از پنجاه بیت داشت یکبار می شنید همه در حافظه اش جای گیرین میشد و از آغاز تا انجام آنرا بدون اینکه یک حرف از آن پس یا پیش شود میخواند، هرگاه چندین ورق از کتابی که هرگز ندیده بود یکبار بر آن گذر میکرد مقصود آنرا درک و عبارات آنرا نیز حفظ میشد و در آن بحث و تحقیق مینمود، در هر موضوع بشر یا نظم از وی پرسش یا درخواستی میکردید بی درنگ بیاسخ و انجام آن مبادرت مینمود، سیار از او دیده شد که کاغذی را از آخر شروع میکرد و با آغاز انجام میرسانید (۱) مشکلات نظم و نثر راوی حل میکرد و مرجع دانشمندان زمان و دوره خویش بود

در سال ۳۸۰ همدان را ترک گفت و از ابوالحسن بن فارس (از ایشان در فصل بعد ذیل کتاب مجمل اللغة که از مؤلفات نفیس ابن فارس است نام خواهیم برد) آنچه دانائی داشت فراگرفت و بسته سنتیه صاحب بن عباد در آمد و از آن بوستان پُر بر میوه ها چید، پس از آن بجران آمد و بابی سعید **محمد بن منصور** اختصاص یافت و سرمایه خویش را عرضه داشت وی بنا بعبادت دیرین که اهل فضل و دانش را مینواخت وی را بهره ای زیاد بخشید و چون خواست که از آنجا رخت بزند و بشهر دیگر رود و سائل سفر وی را آماده ساخت و بسال ۳۸۲ بشهر نسا بور رسید، در این شهر سرمایه خویش را کاملاً آشکار و قماش خود را پراکنده کرد و چهار صد مقامه (۲) که در آن آنچه دل میخواهد و چشم از آن لذت میرد گذارده شده، از زبان ابوالفتح اسکندری بساخت و میان وی و **ابوبکر خوارزمی** مکاتبات و مناظرات و مفاضلات زیاد رد و بدل گردید و دانشمندان معاصر آنها جمعی با خوارزمی و گروهی طرفدار بدیع الزمان شدند و هر دسته یکی را ترجیح میدادند و همین معارضات موجب شهرت کامل همدانی گردید و سلاطین و امراء معاصر نام و آوازه ویرا شنیدند و طالب

(۱) صاحب روضات درج ۱ ص ۶۶ گوید که در بحار الانوار از خط شهید اول ره نقل شده که از اصحاب ما امامیه ابو عبدالله حسین بن ابراهیم در اینکه از آخر کاغذی شروع و باول آن ختم میکرد نظیر بدیع همدانی است و نیز چون وی مقاماتی پرداخته است. انتهی (نام این مقامات و منشی آن در کشف الظنون نیست).

(۲) در یتیمه الدهر اربعمائیه ثبت شده ولی چنانکه ذکر میشود نسخه ذیل و نسخه چاپ طهران مشتمل بر چهل مقامه است، دانشمند فقیه سعید مرحوم شیخ محمد عبده رضی الله عنه که از افاضل عصر اخیر کشور مصر بوده در مقدمه ای که بر این مقامات نوشته گویند: مشهور است که شماره مقامات بدیع الزمان بچهار صد میرسد ولی امروز جز پنجاه و چند مقامه آن که در اسلامبول چاپ شده در دست نیست (لکن لم یظفر الناس منها اليوم بغیر عدد قلیل ینیف علی الخمسین طبع مجموعه فی الاستانه) و در اقرب الموارد ج ۲ ص ۱۳۶۰ در ذیل لغت «نیف» از ابوالعباس نقل شده که آنچه ما از دانشمندان مسلم بصره و کوفه بدست آوردیم ینف از یک تا سه و بضع از چهار تا نه را گویند و نیف استعمال نشود و مگر پس از عقدی چون «عشرة و نیف و مائة و نیف و الف و نیف» و بیش از این نقل صاحب اقرب الموارد گوید: نیف چون سید و گاهی بتخفیف خوانده میشود زیادتى را گویند چون «عشرة و نیف» و آنچه از عقد تجاوز کند تا بعقد دیگر رسد نیف گویند. و شماره مقامات چاپ عبده (۵۱) میباشد و از مقدمه ایشان معلوم میشود که شماره چاپ اسلامبول (۵۲) بوده چرا که در آنجا است که بجهتی مقامه شامیه را که در آن نسخه بود من نقل نکردم.

دیدارش شدند، در این میان خوارزمی از میان برخاست و عرصه میدان و جولان در آن مخصوص بدیع الزمان شد و از آن پس سفرهای بسیار نمود و از شهرهای خراسان و سجستان و غزنین جائی نماند که بد آنجا نرود و بهرهای بسیار نبرد، پادشاه و امیر و وزیری نبود که از آسمان بخشش او بروی باران نعمتی نبارد، چون از این کار تا اندازه ای بهره کامل گرفت، بار اقامت را در شهر هرات انداخت و در آنجا اقامت گزید، خانواده ای جستجو نمود که دانش را با نجابت و شرافت جمع کرده باشند، توفیق با وی رفیق گردید و خداوند دامادی **ابوعلی حسین بن محمد خشنامی** را که فاضلی کریم و شریف بود نصیب وی نمود، از این پس حال وی بهتر از پیش شد و دیده و دل وی خنک و قوی و توانائی او افزوده گردید و بکمک و مشورت وی املاک بسیار مجلل و خوب تهیه نمود و با کمال خوشی زندگانی کرد و بسال ۳۹۸ در چهل سالگی دعوت حق را اجابت گفت و بجوار خدای شتافت و عالم علم و ادب را داغدار کرد و دانشمندان وی را مرثیه ها گفتند و در مفارقتش ناله نمودند ولی چون وی کسی که دارای چنین فضایل و کمالاتی بوده نمرده و هرگز نخواهد مرد. پس از بیاناتیکه ترجمه فوق مختصری از آنها بود ثعالبی قسمتی از منشآت و رسائل و اشعار وی را نقل نموده و از آنها چندین مکاتبه شیرین و متین میباشد که میان بدیع و **خوارزمی** رد و بدل شده و کاغذی است که باستاد خویش **ابن فارس** نوشته و خود و اهل خراسان را نثر آهجا کرده و یاقوت در معجم الادباء ج ۱ ص ۹۴ مطالبی را که ثعالبی در باره بدیع الزمان نگاشته مختصر کرده و آورده و قسمتی از آثاری که در آن کتاب است نیز در این کتاب میباشد و بر مطالب آن چندان چیزی نیفزوده جز اینکه گوید: در نقل حدیث ثقه بوده، و با شعری بودن متهم گردیده و اهل حدیث و سنت را متعصب بوده و همدان پس از وی چون او را بوجود نیاورده و در ۱۳ جمادی الآخر سال ۳۵۸ توّلّد یافته است. و در ابن خلکان است که کویند بمرض سخته دفن گردید و در قبر بهوش آمد ناله و افغان آغاز نمود چون قبر را شکافتند دیدند که دست بر ریش خویش گرفته و جان داده است.

و بعضی نوشته اند که آخر عمر دیوانه شد و در همان حالت بمرد. مؤلفاتی که از ایشان مشهور است یکی **دیوان اشعار** و دیگری رسائلی که بنام رسائل بدیع الزمان معروف میباشد (در ج ۱ کشف الظنون ص ۱۴۸ کتابی بنام «امالی بدیع الهمدانی» میباشد ظاهر آ همین رسائل باشد و اسمی از رسائل وی چون دیوان او در این کتاب نیست) و این مقامات است که همه را در مصر چاپ کرده اند.

مقامات بدیع الزمان چنانکه ذکر گردید قدیمترین مقاماتی است که انشاء شده (۱) و همه دانشمندان برتری آنرا ایمان دارند و مشتمل بر مقاماتی شیرین و روان و متضمن مطالب عالی و مضامین بسیار لطیف میباشد و در آنها اشعاری صاحب مقامات از خود آورده و نیز با شعاردیگران استشهاداتی نموده است و مکرر در ایران و مصر و هندوستان و قسمتی از آن در اروپا چاپ شده و مرحوم شیخ محمد عبده که از افاضل قرن اخیر کشور مصر بوده بشرح کلمات و عبارات مشکله آن پرداخته و در ذیل اصل آن مکرر چاپ شده و نیز با ترجمه انگلیسی آن بسال ۱۹۱۳ م. در مدرسه که یکی از شهرهای هندوستان میباشد چاپ گردیده است.

آغاز: بسملة المقامة الاولى حدثنا عيسى بن هشام قال دخلت البصرة وانا من سني في فناء و من الزبي في حبر و وشاء الخ (۲).

انجام: ان يقيم يحك لنا خرطوم فيل في انتصابه (۳).

(۷۹۱)

مقامات

این نسخه را بخط نسخ خیلی خوب علی محمد بن ابوالقاسم در سال ۱۲۷۷ بر حسب امر سیف الملک عباسقلیخان نوری نوشته ترجمه پارسی پاره‌ای از کلمات در ذیل آنها نیز بخط نسخ نگاشته شده، دارای سر لوح بسیار زیبایی میباشد و صفحات جدول بطلا و شجره و وزنگار گردیده و زیر سطور برای ترجمه با طلا سطر بندی شده و پیش از حدثنای مذکور در فوق

بدیع الزمان
همدانی

(۱) صاحب روضات الجنات در باره بدیع الزمان همدانی گوید: از اجله شعرا و نویسندگان امامیه بوده، در صورتیکه جز صاحب امل الامل و منتهی المقال و پس از ایشان صاحب هدیه الاحباب او را از این دسته و طائفه ندانسته و خود صاحب روضات هم چون ویرادر فصل علماء مخالفین ذکر کرده معلوم میشود باین مطلب ایمان نداشته و در کتابی دیگر هم این نسبت را ندیده ام حتی صاحب مجالس المؤمنین هم که با دقت و موشکافی از آثار اشخاص تشیع و امامی بودن آنها را بدست آورده و بر همه آقایان مقدم است اثری از تشیع بدیع الزمان نیافته و از این رو ویرا در عداد علماء شیعه ذکر نکرده است.

(۲) این آغاز را از روی نسخه خطی ذیل و نسخه چاپ طهران نقل نمودیم ولی آغاز نسخه در چاپ شیخ محمد عبده اینست: القامة القریضیه حدثنا عيسى بن هشام قال: طرحني النوى مطارحها حتی اذا وطئت جرجان الاقصی الخ.

(۳) انجام نسخه مدرسه اینست: مقامة اخرى قال رای الحجاج اعرابياً واقفاً علی مزرعة فقال تعيب وهذا الوجه فضحك وولاه ضیاءه بالطائف تم. و انجام نسخه چاپ شیخ محمد عبده این عبارتست: (وحلف لاركب حصاناً ولا تزوج حصاناً. تم زوج ابنة عمه لابنه) و این آخرین جمله از مقامه بشرویه است و عبارتی که در مقابل انجام بالا نوشته شده از نسخه چاپ طهران نقل گردیده است.

این جل نوشته شده: بسم الله الحمد لله علی جزیل نعمائه، ممّا املاها الاستاد ابو الفضل احمد بن الحسين الهمدانی و رواها عن عیسی بن هشام عن ابو الفتح الاسکندری مقامة حدثنا الخ. جلد ساغری سوخته طلائی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۲۰). صفحه (۹) سطر. طول (۱۹ سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر). ضمیمه شماره (۳۳۵۰) کتابخانه است.

[۳۳۰] مقامات حریری (عربی)

منشی این مقالات حریری ره است که در ص ۱۹-۲۱ بشرح حال ایشان پرداخته ایم و این کتاب یکی از کتب معروفه و با اینکه چندان بزرگ نیست مشتمل بر بسیاری از لغات و امثال و رموز و اسرار کلام عرب میباشد و جارالله زنجشیری مفسر و ادیب معروف در وصف این کتاب گوید:

أَقْسِمُ بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ
وَمَشَعَرِ الْحَجِّ وَمِيقَاتِهِ
إِنَّ الْحَرِيرِيَّ حَرِيٌّ بَانَ
تُكْتَبُ بِالتَّبْرِ مَقَامَاتِهِ

ابن خلکان در سبب تألیف کتاب گوید:

(ص ۴۱۹ ج ۱) فرزند حریری ابو القاسم عبدالله گفته روزی پدرم در مسجد بنی حرام نشسته بود ناگاه پیرمردیکه خود را با دو یلاس کهنه پوشیده بود داخل گردید، بر او آثار سفر پیدا بود و آشفتگی احوال داشت ولی کلامش فصیح و نیکو بیانی داشت از او پرسیدند از کجائی گفت از سروج، گفتند کنبه تو چیست، گفت ابو زید، پس از این پیش آمد، پدرم مقامه معروفه بحرآمیه را که مقامه چهل و دوم از این مقامات میباشد بنام ابو زید ساخت، در میان دانشمندان خبر آن منتشر گشت تا بگوش شرف الدین ابونصر **انوشیروان** بن محمد بن خالد بن محمد کاشانی وزیر المسترشد بالله رسید، چون آن مقامه را از نظر گذرانید در نظرش جلوه ای بسزا نمود و پدرم را وادار کرد که مقامات دیگری بر آن بیفزاید او امثال نمود و در پنجاه مقامه با تمام رسانید (اشاره بهمین وزیر است که حریری خود در خطبه مقامات گوید: فَأَثَارَ مَنْ إِشَارَتُهُ حُكْمٌ وَ طَاعَتُهُ غَنَمٌ إِلَيَّ أَنْ أُنْسِيْ مَقَامَاتٍ أَتْلُوْهَا تَلَوَّاءَ أَبَدِيْعٍ وَإِنْ لَمْ يُدْرِكْ الظَّالِعُ سَأَوُا الصَّلِيْعَ). ابن خلکان گوید آنچه نقل گردید در چندین تاریخ دیده ام ولی در سال شصت و پنجاه و شش در شهر قاهره (مصر) نسخه ای از این کتاب مقامات را مشاهده نمودم که تمام آن بخط حریری بود و در پشت آن بخط خود نگاشته بود که این کتاب را برای جمال الدین عمید الدوله ابوعلی حسن بن ابو العزعلی بن صدقه وزیر المسترشد تصنیف نموده ام. و شکی در آن نیست که این مطلب راست تر از این است که برای انوشیروان وزیر تصنیف شده باشد چرا که این را مؤلف بخط خویش نگاشته است و جمال الدین وزیر مذکور در سال ۵۲۲ وفات کرده است.

و در بعضی از مجموعهات دیده ام که مؤلف بدو این کتاب را در چهل مقامه مرتب نمود و آنرا با خود بیفداد آورد و بردانشمندان عرضه داشت، جمعی از اهل دانش و را منکر شدند که از تو نیست و تألیف یکی از فضلاء مغرب بوده و بدست تو افتاده وی گفت نه چنین است و خود بتألیف

آن پرداخته ام، وزیر اورا خواست و از وی پرسید چه کاره ای گفت منشی ام، وی برای آزمایش قضیه ای را بدو گفت و خواست که آنرا انشائی کند، دوات و قلم را برداشت و بگوشه ای از عمارت رفت و آنچه قلم را گردانید، اهمیت مجلس اورا گرفت و نتوانست چیزی بنگارد.

آری چه نیکو گفته است سعدی :

اگر هر هفت سبع از بر بخوانی چو آشتی الف از با ندانی.

چون بیصره برگشت ده مقامه دیگر بر آن چهل مقامه اضافه نمود و بغداد فرستاد و از آن حادثه که در اثر مهابت مجلس برایش پیش آمد کرده بود معذرت خواست و انوشیروان وزیر مذکور مردی دانشمند و بزرگ بود ویرا کتابی در تاریخ بنام «صدور زمان الفتور و فتور زمان الصدور» میبشد و عماد اصفهانی در کتاب «نصرة الفترة وعصرة الفطرة» که در تاریخ دولت سلجوقی میبشد از آن نقلهای بسیار نموده و این وزیر در سال ۵۳۲ هـ وفات یافته است.

و بر این مقامات شروع بسیار نوشته شده که بعضی از آنها مختصر و پاره ای مفصل اند. انتهی کلام ابن خلکان.

صاحب کشف الظنون (در ص ۴۹۶ تا ۴۹۸ ج ۲) بذکر شروع این کتاب پرداخته و حضرت استادی آقای میرزا محمد طاهر تنکابنی دام ظلّه فرماید که در پاره ای از کتب نقلهائی از شرح مقامات حریری تألیف مظهر الدین شیرازی معاصر قاضی عضدایجی (متوفی بسال ۷۵۶) دیده اند. صاحب کشف الظنون نامی از این شرح نبرده است.

صاحب بغية الوعاة گوید که یکی از شاگردان در موقعیکه خدمت حریری

مقامات را میخواند کلمه شعنا مغبراً را در این شعر :

يَا أَهْلَ ذَا الْمَعْنَى وَقَيْتُمْ شَرًّا وَلَا لَقَيْتُمْ مَا بَقَيْتُمْ ضَرًّا
قَدْ رَفَعَ اللَّيْلُ الَّذِي اكْفَهَرَّا إِلَى ذَرَاكُمُ شَعْنًا مُغْبَرًّا

بدین نحو «سبباً معتراً» خواند که معنی مصراع اخیر بطرز اصلی این است :
بآستان مرتفع و بلند شما ژولیده حال گرد آلودی را آورد. و بطور تصحیف شده چنین است : گرسنه ای را که سؤال نمیکند بآستان بلند شما کشاند.

حریری مقداری اندیشه نمود پس از آن گفت حق باتو است و بدینگونه که تو تصحیف کرده ای بهتر از اصل است ولی چون تا کنون هفتصد نسخه از این کتاب را بر من خوانده اند و بر تمام آنها تصدیق نوشته ام آن را تغیر نمیدهم نخستین کس که بشرح مقامات حریری پرداخته ابو الحسن بیهقی میبشد و در فهرست مؤلفات او تذکر داده شده است.

و در ص ۲۳۹ تاریخ الآداب العربی نوشته شده که بیش از بیست نفر از مستشرقین فرانسوی و آلمانی و انگلیسی مقامات حریری را ترجمه کرده اند و ترجمه انگلیسی آن بسال ۱۸۵۰ و ترجمه لاتینی

بسال ۱۸۳۲ م چاپ شده و بسال ۱۲۶۳ به فارسی (ویش از این سال ترجمه شده) و نیز به ترکی ترجمه و در اسلامبول چاپ شده است و اینک با شرحیکه رئیس مستشرقین سلف سلفستر (سیلستر) دسائی بسال ۱۸۲۲ بر آن نوشته در مدارس عالیّه اروپا تدریس میگردد .

مقامات حریری در مصر و ایران و اروپا و هندوستان با ترجمه فارسی آن مکرر چاپ شده

آغاز : بسمله اللهم انا نحمدك على ما علمتنا من البيان والهمت من التبيان الخ .

(۷۹۲)

این نسخه که نیز مشتمل بر تمام کتابست بخط نسخ خیلی مقامات حریری خوب در سال ۱۲۳۶ نگاشته شده و ترجمه فارسی عبارات

در ذیل آنها بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب با شنجرف نیز در همان سال تحریر گردیده ، کاتب از خود نام نبرده و نام کسیکه این نسخه بامر او نوشته شده در آخرین صفحه بوده آنرا محو کرده اند و در حاشیه پاره ای از صفحات مطالبی که شارح مشکلات کتابست بدون امضاء میباشد .

جلد روغنی زر افشان . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۶۲) . صفحه (۱۴ سطر) . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۲۵۸) .

(۷۹۳)

این نسخه را که مشتمل بر تمام کتاب است در سال ۱۲۵۵ مقامات حریری بخط نسخ خوبی عبدالله المحمّدیّه نگاشته ، پس از آن در سال

۱۲۵۷ سید ابوالقاسم نائینی ترجمه فارسی آنرا در زیر هر سطر بخط نستعلیق تحریر نموده ، پشت صفحه آخر و ورق بعد از آن آیاتی از قرآن کریم نقل گردیده و شرح قصیده برده که در فصل دواوین از آن یاد خواهیم نمود ضمیمه این نسخه میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق کلیه (۱۶۳) . اوراق مقامات (۱۴۹) . صفحه (۱۲) سطر . طول (۳۰ - $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۵۷) .

(۷۹۴)

این نسخه که مشتمل بر چهل مقامه میباشد بخط نسخ بدی در مقامات حریری سال ۱۲۶۷ نگاشته شده و کاتب نامی از خود نبرده ، ترجمه

پاره ای از لغات و کلمات بخط نستعلیق در زیر آنها تحریر گردیده و پشت صفحه

اول کتاب شرحی بوده آنرا محو کرده اند.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۴۲) . صفحه (۱۵) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۵۶) .
(۷۹۵)

مقامات حریری این نسخه بخط نسخ و نستعلیق نوشته شده ، در حدود ده بیت از آخر آنرا کاتب ننوشته و پشت آخرین صفحه عباراتی نگاشته شده و چنین تصوّر میرود که جزء مقامات است ولی از آن نیست ، کاتب نام خود و سال کتابت را تذکر نداده ولی ظاهراً در قرن دوازدهم نوشته شده و بسال ۱۲۳۲ بر مدرسه صدر وقف گردیده و جزء (۳۲۱) شماره کتابهای است که از آن مدرسه باین کتابخانه آورده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۳۸) . صفحه (۱۵) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره (۳۰۹) کتب مدرسه صدر .

[۳۳۱] مقامات حمیدی (فارسی)

مؤلف این کتاب قاضی حمیدالدین محمودی مشهور بحمیدی بلخی ره است (ابوبکر حمیدالدین عمر بن محمود المحمودی متوفی بسال ۵۵۹) (۱) که از قضات عالیجناب و نویسندگان شهیر نیمه اول قرن ششم بوده و عوفی در ابتداء فصل دوم از لباب الالباب ویرا بینهایت ستوده و در آنجا است :

« اشارات او مقبول و عبارات او منقول در فقه و اصول و نظریه بی نظیر و در دقائق رموز فضیلت ناقد بصیر و چند رسائل را وسائل حصول مقاصد ساخته است و هر يك درمات بمثابتی است که آب طراوت سحر برده است و بازار حلاوت غسل بدست کساد سپرده یکی از آن جمله مقامات است (همین کتاب) و دیگر « وسیلة العفاة الی اکفی الکفاة » و دیگر « حنین المستجیر الی حضرة المجیر » و دیگر « روضة الرضا فی مدح ابی الرضا » و دیگر « قدح المغنی فی مدح المغنی » و رساله « الاستغاثه الی الاخوان الثلاثة » و « منیة الراجی فی الجوهر التاجی » و در هر يك داد فضل بداده است و برهان هنر فرا نموده و اگرچه در سخن مراعات سجع کرده چنانکه **اهوازی** در نثر تازی و امام **رشیدالدین** وطواط در ترسل فاما جائی که سخن از حد تکلف میگذرد و لطافتی دارد بغایت و اشعار او بغایت لطیف است . »

عوفی پس از بیانات فوق و مختصر دیگری که در مقدم و مؤخر آنست چند

(۱) تاریخ وفات مؤلف در تاریخ ابن اثیر ج ۱۱ ص ۱۲۷ ثبت شده و اسم و لقب و کنیه مؤلف چنانکه نوشته شده در ص ۱۹۸ ج ۱ لباب الالباب چاپ اوقاف گیب مسطور است .

بیت از قصیده‌ای که در مدح **شرف‌الملک** رضی‌الدین ابوالرضا فضل‌الله گفته و چند بیت که در واقعه‌انهرام حشم سلطان سنجر از خطائیان در سمرقند سروده آورده است و صاحب مجمع‌الفصحاء در ص ۱۹۷ ج ۱ قسمتی از اشعار سفرنامه مرورا که گفته حمیدی است با ابیاتی که در واقعه لشکر سنجر عوفی آورده بود نقل نموده و در مقامات اشعار عربی و فارسی از مؤلف دیده میشود.

مقامات حمیدی بیست و چهار مقامه (۱) و یکی از کتب نشر فارسی است که از بدو انشاء شهرتی بسزا یافته و نخستین کس که از آن معرفی نموده **نظامی عروضی** در چهار مقاله است که در مقاله اول خویش خواندن این کتاب را چون مقامات بدیع‌الزمان و حریری برای دبیر و نویسنده لازم شمرده (ص ۱۳ طبع برون) و چنانکه از تحقیقات استاد **علامه قزوینی** دام‌ظله برمی‌آید تألیف چهار مقاله در سالهای ۵۰۱ و ۵۰۲ بوده و چنانکه پس از این خواهیم گفت در آن سالها هنوز این مقامات باخر نرسیده بوده و دیگری **سعدورائینی** در مقدمه مرزبان‌نامه (ص ۲ چاپ طهران) است که آنرا کاملاً ستوده و بنا بر تحقیق **علامه قزوینی**

(۱) صاحب کشف‌الظنون در ص ج ۲ شماره مقامه‌های مقامات حمیدی را ۲۳ تعیین نموده در صورتیکه این کتاب مشتمل بر مقدمه و بیست و چهار مقامه و خاتمه‌ایست، در جمل و کلمات این مقامات رعایت سجع گردیده و در آخرین مقامه که اختصاص بذکر خلفا و جانشینان حضرت پیغمبر خاتم‌صلی‌الله‌علیه و آله وسلم دارد و قسمت اخیر آن نظم عربی و فارسی است خلیفه عصر خود را المستنجد بالله عباسی (از سال ۵۰۵ تا ۵۶۶ خلافت نموده) معرفی کرده و آن ابیات این است:

و مستنجدُ حرٍّ کریمٍ خِتامُهُ
إِمامُ الأَئِمَّةِ الْيَوْمَ أَظْهَرَ مَفْتَحَهُ

و نیز بیارسی گوید:

وز بعد آن رسید بمستنجد آن سریر
و امروز هست عالم ازو پر جمال و فر
و چون دانستیم که ابن‌الائیر وفات حمیدی را بسال ۵۰۹ ثبت نموده و در مقدمه مقامات شروع بتألیف را مؤلف خود جمادی‌الآخری ۵۰۱ معین کرده بنابراین از نقل فوق بدست می‌آید که فراغت از انشاء این مقامات میان سال ۵۰۵ و ۵۰۹ بوده است و اینکه نظامی عروضی در چهار مقاله که بنا بر تحقیق آقای قزوینی بسال ۵۰۲ تألیف شده نامی از این مقامات برده تولید اشکالی نخواهد نمود چرا که ممکن است عروضی قسمتی از مقامات را که تا آنوقت از قلم نویسنده بیرون شده بوده مشاهده نموده و چون آنرا چنانکه هست متین و شایسته تقلید دیده بآنانکه طالب دبیری اند مراجعه بدانرا توصیه کرده و مؤلف پس از آن بچند سال مقامات را خاتمه داده است.

تاریخ این مقدمه و اصلاح مرزبان نامه در میان سال ۶۰۷ و ۶۲۲ بوده است (ص ۱۷)
مقدمه قزوینی چاپ طهران) و دیگری شاعر مشهور انوری متوفی بسال (۵۷۵)
است که این کتاب را چنین ستوده :

هر سخن کو نیست قرآن یا حدیث مصطفی

از مقامات حمیدی گشت اکنون ترهات
و نیز حمیدی را مدائح بسیار گفته چرا که وی انوری را پس از آن حکم
نجومی معروف و عدم وقوع آن که مورد حمله عمومی گردیده نگاهداری کرده
و از آزار مردمان نجات داده است .

مقامات حمیدی در حدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و چند بار در ایران
و هندوستان چاپ شده و چون سائر مقامات حکایات آن جعلی و اگرچه بظاهر از
دیگری نقل گردیده ولی همه از منشآت خود قاضی حمیدالدین بلخی است .

آغاز: بسملة الحمد لله الذی شرفنا بالعلم الراسخ . . . و سلم تسلیم کثیرا کثیرا
سپاس و ستایش حضرت خداوندی را که بیاراست ارواح مارا بوجود اصل و پیراست
اشباح مارا الخ .

انجام: ایزد تعالی مارا و دوستان مارا از عیب جستن یاران و طعن و قدح
همکاران نگاهدارد و هذیانات این افسانه های نابوده و سرگذشت های ناشنوده
از ما در گذراناد بحق المصطفی محمد و آله الطاهرین و سلم تسلیم کثیرا .

(۷۹۶)

مقامات حمیدی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده و از ابتداء کتاب
تا یک صفحه از مقامه نوزدهم گذشته میباشد و آخرین سطر
موجود نسخه این است: (وهر که علمناه من لدنا علما دانست داند که اساس علم
از مدار عرش رفیعتر و از جدار فرش منیع تر .) صفحات مجدول بطلا و لاجورد
و در ابتداء هر مقامه سرسوره ظریفی میباشد و ورق اول و آخر نسخه و صالی شده
و ظاهراً از خطوط قرن سیزدهم هجری میباشد و بسال ۱۲۷۰ داخل کتابخانه
اعتضاد السلطنه گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۷۹) . صفحه (۱۶) سطر . طول (۱۸ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۱ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۲۶۰) .

[۳۳۲] مکتوب آخوندزاده (فارسی)

شرح حال آخوند زاده نویسنده این کاغذ را در ص (۲۴-۲۸) این مجلد نگاشته ایم، این مراسله چنانکه در ابتداء آن نگارنده آن تصریح نموده به نویسنده روزنامه ملت (۱) نوشته، از مطالعه آن معلوم میشود که موجب نگارش آخوندزاده اعتراضی بوده که فیشر معلم اول السنه شرقیه در غرمانیا (ظاهرأ معرب جرمانیا است که مملکت جرمن یا آلمان باشد) بر یکی از ابیات قصیده سروش شمس الشعرا داشته که در شماره اول این روزنامه درج شده و آن اینست:

(مطاوعان وی و پیروان عترت وی بمعنی آدمیانند و دیگران حشرات)

و گفته است چرا سروش ما را حشرات دانسته و این اعتراض در آخوند زاده تأثیر کرده چون بخانه آمده روزنامه را مطالعه کرده و اعتراضات ذیل را بر روزنامه و نویسنده آن نموده است: **اولاً** چرا در ابتداء این روزنامه که ملی است عکس مسجد گذارده شده در صورتیکه مسجد شعار همه اهل اسلام است و بایستی شعار ملیت ایرانی یا نقوش تخت جمشید و یا تاج دوازده ترک که از یادگارهای سلاطین صفویه است بوده باشد. **ثانیاً** چرا در روزنامه ملی شرح حال شعرا را می نویسی و مطالب

(۱) این روزنامه ملت اولین روزنامه ایست که بامر ناصرالدین شاه قاجار در طهران منتشر شده و تاریخ شماره اول آن چهاردهم ربیع الاول سال ۱۲۸۳ بوده و تا ۲۰ جمادی الاخری سال ۱۲۸۷ سی و چهار شماره آن انتشار یافته و در هر شماره بشرح حال و ذکر بعضی از آثار شعرای معاصر یا گذشته پرداخته شده و مقارن همین تاریخ دو روزنامه دیگر انتشار داشته یکی بنام روزنامه علمی و دیگری بنام روزنامه دولتی و بگفته دانشمند معاصر آقای تربیت در ص ۷ دانشمندان آذربایجان تحت نظر مرحوم اعتضاد السلطنه بوده است و مرحوم اعتضاد السلطنه پشت نسخه این مکتوب بسال ۱۲۸۵ نوشته اند: رساله ایست که ملا فتحعلی آخوند زاده به مرحوم حکیم سامانی نوشته داخل کتابخانه گردید. و در ص ۲۰۲ ج ۲ مجمع الفصحاء و ص ۲۰۴ المآثر و الآثار سامانی را محمد حسن بن قاضی شیرازی معرفی کرده اند و گویند جوانی خوش قریحه و باذوق بود و در جوانی بسال ۱۲۸۵ بهار عمرش خزان گشت. و از مکتوب مرتضی قلیخان که پس از این مکتوب می آید چنین فهمیده میشود که مرتضی قلیخان هم جزء نویسندگان روزنامه ملت بوده است. نسخه ای از شماره های روزنامه ملت بشماره (۱۴۸۱) و شماره های روزنامه دولتی بشماره (۱۴۷۹) و شماره های روزنامه علمی شماره (۱۴۸۰) در این کتابخانه موجود است.

عام المنفعه که موجب تشریح اذهان و دارای نتایج اجتماعی است نمی نگارید .
ثالثاً چرا سر و شمس الشعر آء نسب خود را با میر نجم ثانی منتسب میداند، و شرحی مبتنی بر عدم لیاقت امیر نجم با استشهاد از تاریخ حبیب السیر و متمم روضه الصفا نگاشته .
رابعاً دریان اینکه اشعار این شاعر موافق قواعد علمی از جنبه اعتدال و صحت خارج است و دارای حسن مضمون و الفاظ نیست و بعلاوه دارای الفاظی است که در شعر آوردن آنها خوب نیست چون : عزّ وجلّ ، علیهم الصلوات ، عزّی ولات ، مرآت ، مابقی ، ترهات ، عقارب و حیّات ، خیرات ، تحرّک ، حشرات ، دهودو ، معترف ، هدیه و **بضاعت مزجات** و بعضی از ابیات قصیده سر و ش را که بنظر او خلل وزنی داشته در ذیل این بیانات نقل نموده و در پایان این قسمت اعتراض کرده که چرا چنین شخصی را شمس الشعراء لقب دهند تا عصر و دوره را ننگین کنند و آنانکه این آثار را مشاهده می کنند بگویند این که شمس شعراء است دیگران حالشان معلوم خواهد بود . اعتراض دیگر این بوده چرا روزنامه در چاپخانه سنگی چاپ شده و بایستی با حروف باشد و این مکتوب در حدود (۵۷۰) بیت اکتابت دارد .

آغاز : قریتکا بمنشی روزنامه ملّت سنیه ایران مکتوب است برادر مکرّم من از تاریخ یوم جمعه چهاردهم ربیع الاول سنه ۱۲۸۳ در شهر تفلیس روزنامه ملّت ایران و اصل شده بتقریبی که در ذیل ذکر خواهد شد الخ .

انجام : هم خودت بمنافع و افره نائل خواهی شد و هم بملّت فوائد کثیره خواهی رساند خدا حافظ تو باد فی ۱۷ شهر رمضان پارس ثیل ۱۲۸۳ در تفلیس تحریر شد .

(۷۹۷)

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۸۳ نگاشته شده و با نسخه اصل مقابله گردیده ، در سال ۱۲۸۵ چنانکه پشت ورق اوّل یادداشت گردیده داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و در

مکتوب

آخوندزاده

سال ۱۲۹۷ سپهسالار آنرا بر این کتابخانه وقف کرده اند .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۵) . صفحه (۱۲) سطر . طول (۲۱ - ۱/۴ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۷۶) .

[۳۳۲] مکتوب مرتضی قلیخان (فارسی)

مرتضی قلیخان پسر میرزا علی محمد خان نظام الدوله و از حفیده محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی است که در طهران متوطن بوده و بسال ۱۳۰۶ در همانجا وفات نموده و در فنون ادبیّه و علوم عربیّه و نظم و نثر عربی و فارسی از دانشمندان و اساتید بشمار میآمده و کتاب **جمرات** و اشعه قدسیّه از او است (المآثر والآثار ص ۲۲۶).

چنانکه مر حوم اعتضاد السلطنه پشت نسخه ذیل در ۱۲۸۵ که همان سال نگارش این مکتوب است نگاشته اند، این مکتوب بقلم مرتضی قلیخان است. و ما با تفحص و استعلام یقین کردیم که در او آخر قرن سیزدهم مرتضی قلیخان دانشمند و ادیب همین شخص است که ترجمه او را از المآثر والآثار نقل نمودیم. و این مکتوب جواب مکتوب آخوند زاده است که پیش از این بشرح آن پرداختیم و منشی این مکتوب برادر مندرجات آن اقامه دلیل و برهان نموده و ثابت کرده که آخوند زاده ندانسته اعتراض نموده و پس از جواب يك بیک اعتراضات وی را با دلیل و برهان دفع کرده و اغلاط مکتوب او را در جدولی با ذکر صحیح آنها مرتب نموده و این مکتوب در حدود (۵۰۰) بیت است.

آغاز: بسم الله عزّ سبجانه - در جواب مکتوب کاتب قافقاز بر سبیل عجلت و ایجاز مرقوم شده، بتاريخ روز پنجشنبه دوازدهم شهر صفر ۱۲۸۵ **لَا زَالَ مَقْرُونًا بِالْأَمْنِ وَالظَّفَرِ**، نگارش محبت گذارش حاوی مراتب مشفقانه و نصائح دوستانه که محض مودّت و خلوص طویّت از غزن فکرت جلوّه ظهور نموده پرده ورود کشود. الخ.

انجام: ولی داعی کلی بر این التزام و تطویل کلام هدایت حیرت زده صحرای لاغسرائی و ارشاد کم گشته بادیه خود نمائی است که من بعد گرد چنین کاری نگشته تحصیل علوم را الزام داشته خود و دیگران را از صرف عمر بادعوی فرهنگ و هوش با اعتراض و طرد از شعر شمس الشعراء سر و ش محفوظ و مصون داشته باشند،

هَذَا وَأَنَا أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ أَلَوْ هَابَ مِنْ أَنْ أَكُونَ مِمَّا رَسَمْتُهُ فِي هَذَا الْبَابِ ..
وَلَوْلَا مَا قَصَدْتُ بِهِ مِنَ الْإِرْشَادِ إِلَى نَهْجِ النَّجَاحِ وَالْإِصْلَاحِ مَا اسْتَطَعْتُ
وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ لَتَرَكْتُ إِزْسَالَ الْجَوَابِ عَنْ هَذَا الْكِتَابِ وَحَسَمْتُ
الْكَلَامَ عَنْ مِثْلِ هَذَا الْمَرَامِ وَالسَّلَامُ عَلَى أَهْلِ السَّلَامِ .

(۷۹۸)

مکتوب
مرتضی قلیخان
این نسخه بخط نستعلیق نگاشته شده ، کاتب از خود و سال
کتابت نام نبرده ، در سال ۱۲۸۵ که همان سال انشاء آن است
داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده ، قسمتی از شواهد
مطالب نگاشته نشده و چنین بنظر میرسد که مخصوصاً برای مرحوم اعتضاد السلطنه
این نسخه را نوشته اند .

جلد مقوایی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . واقف سپهسالار . شماره اوراق (۲۳۱) . صفحه (۱۲)
سطر . طول (۲۰ ¼ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۸۰) .

[۳۳۴] مناظر الانشاء (فارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه خود در مقدمه بدان تصریح نموده محمود بن شیخ محمد
گیلانی ره است که از فضلا و دانشمندان معاصر با عبدالرحمن جامی شاعر و ادیب
و عارف معروف بوده و راجع باین مؤلف فقط شرحی ذیل شهر کیلان در تذکره
هفت اقلیم یافت شد که مختصرش این است : خواجه نجم الدین مشهور بخواجه جهان
در جوانی سیاحت را بر اقامت رجحان داده و بسیاری از شهرهای کشورها را گردش
نموده تا در خدمت سلطان محمد لشکری که بر سریر سلطنت دکن متکی بود
رسید ، در اندک روزی اعتبار بسیار بهم رسانیده بخطاب **خواجه جهانی** ممتاز
گردید و بتدریج مهمش بجائی انجامید که محسود همگان گشت و بکاغذی ساختگی
اورا از نظر شاه انداخته و بکشتن دادند ،

از آن وزیر نیکو و تقریر رساله ایست در انشاء که امروز بین الجمهور متداول
و مشهور است و در طبقات اکبری آمده که خواجه محمود در ایام دولت خود

بافاضل عراق و خراسان همیشه هدیه و تحفه میفرستاده و وقتی بجهت مولانا عبدالرحمن جامی ارمغانی چند فرستاده بود مولانا شکر عطیّه او را بقصیده‌ای مقابله کرده که مطلعش این است :

مرحبا ای قاصد ملک معانی مرحبا الصلا کاین جان و دل نزل تو کردم الصلا .
و بر اثر آن خواجه جهان غزلی برای جامی فرستاده که این دوییت از آنجمله است :

جامی اشعار دلاویز تو جنسی است نفیس
بود از حسن ادا لطف معانی یارش
همره قافله هند روان کن که رسد

شرف مهر قبول از ملک التجارش . **انتهی** .
صاحب کشف الظنون (ج ۲ ص ۵۲۵) این کتاب را نام برده و در باره وی
و مؤلف آن گوید :

« مناظر الانشاء » فارسی مختصری است و مؤلف آن محمود بن شیخ محمد گیلانی معروف بخواجه جهان میاشد و آن را بر مقدمه و دو مقاله و خاتمه‌ای ترتیب داده و از کتابهای سودمند است صاحب آن از مشاهیر دنیا و دارای مال و دارائی زیاد بوده و بخشش‌های او از هند بدانشمندان روم و ایران میرسید و در آنجا مقام وزارت داشته است . **انتهی** .

و جز در این دو مأخذ از این مؤلف نامی و ترجمه‌ای نیافته‌ام و از اینکه در این کتاب از جامی (عبدالرحمن ۸۱۷-۸۹۸) مکرر با ترجمه بر وی نام برده و از رساله عروض و قافیه و حیدری تبریزی متوفی بسال ۹۴۲ هم نقل نموده و مؤلف آنرا بنام « مولانا وحیدی » بدون ترجمه بروی ذکر نموده، معلوم میشود که تألیف این کتاب در اوایل قرن دهم هجری و ظاهر آ پیش از سال ۹۴۲ بانجام رسیده و از سید محمد عصار تبریزی متوفی بسال ۸۹۲ نیز یاد نموده (ص ۹۶ نسخه ذیل) و ظاهر آ خواجه جهان چنانکه از مطاوی این کتاب مستفاد میشود بر طریقه‌ای از طرق چهار گانه اهل سنت میرفته و تا واسط این قرن حیات داشته است . (در یادداشت‌های دانشمند محترم

و متمتبع معاصر آقای تربیت (محمد علی) چنین دیدم که شیخ محمود معروف به
خواجه جهان بسال ۹۶۲ وفات یافته و در جای دیگر این ضبط را نیافته‌ام).
از سایر حالات و مؤلفات این مؤلف اطلاع کافی در دست نیست جز اینکه در
ص ۲۲۴ نسخه این کتابخانه تفصیل مطالب را بکتاب «ریاض الانشاء» حواله
نموده و صاحب کشف الظنون نیز این کتاب را از مؤلفات وی دانسته و از کیفیت
عبارات صفحه مذکور این نسبت تأیید میشود. و نیز در ص ۱۸۹ همین نسخه
مؤلف گوید: این فقیر در عنفوان شباب ابکار اشعار انوری و کمال اسمعیل و سلمان
را حلل نثر پوشانیده است و طبع سقیم خود را از جام تنشیر شعر ایشان صهبای قوت
و قدرت انشا نوشانیده.

مناظر الانشاء چنانکه صاحب کشف الظنون بیان نمود بر مقدمه و دو مقاله
و خاتمه‌ای مرتب شده و در فرق انشاء است، مؤلف بمناسبت بسیاری از مطالب علم
معانی و بیان و بدیع را ذکر نموده و باشعار و کلمات بزرگان گذشته و معاصر از
عرب و عجم چون متنبی و حریری و سعدی و حافظ و ظهیر فاریابی و غیرهم استشهد
نموده و گاهی از نثر و نظم خویش آورده و این دویست از اوست:
علم است چون حیات ابد ای پسر بکوش
وز چشمه حیات خود آب حیات نوش.

.....

از هر دو کون جانرا مأوی دهان اوبس
آری بلا مکان جان دارد همیشه منزل.
و فهرست مطالب این کتاب را از روی خود نسخه ذیلآ مینگارم: **مقدمه**: در
بیان ماهیت علم انشاء و موضوع و فائدت آن و غیر از اینها و در آن هشت فصل است.
مقاله ولی: در تقسیم کلام بنابر طریقه و روش منشیان و در آن چهار **منظر** است.
مقاله دوم: در بیان اقسام ارکان و شرائط آنچه مردم بیکدیگر مینویسند و در آن
پنج **منظر** است. **خانمه** در بیان ماهیت خطوط و قواعد نگارش کلمات و این مطالب را
در ذیل هفت قاعده آورده است.

این کتاب در حدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد و باختصارش مشتمل بر مطالبی سودمند و از کتب نفیس این فن میباشد و چنانکه در مقدمه است مؤلف خود آنرا « مناظر الانشاء » نامیده و وجه تسمیه تقسیم دو مقاله آن بر مناظری چند میباشد .

آغاز : بسمله یا مبدء الانشاء بیسط نور الوجود . . . اما بعد چنین گوید فقیر جانی محمود بن شیخ محمد کیلانی که بر خاطر پاک و ضمیر درّ اک صدر نشینان محافل ادراک ظاهر و هویدا است که علم انشاء رسائل و خطب از جلائل اقسام اثنی عشر علم ادبست الخ .

انجام : و لفظ قفص که در پارسی بسین مینویسند و بصاد نیز جائز است و در عربی بحرف صاد مینویسند و بسین (۱) قدّم .

این کتاب بدون تاریخ در اسلامبول چاپ شده است .

(۷۹۹)

مناظر الانشاء این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده ، کاتب از خود دو سال کتابت نام برده ولی ظاهر از خطوط قرن دهم هجری میباشد ، بر کنار صفحه دوم محمد کاظم بروجرودی بحرّی نوشته است : یکی از دوستان در سال (۱۲۴۰) این کتاب را بمن بخشید . بر گ اول نسخه و صالی گردیده و بر ورقیکه پس از ختم کتاب سفید بوده اشعاری از صائب نوشته شده و بنام رساله در انشاء بسال ۱۲۷۰ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و بهمین نام وقف بر این کتابخانه گردیده است .

جلد چرمی . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۳۳) صفحه ای (۱۳) سطر . طول (۱۷ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۹۷) .

[۳۳۵] نثر الالّی (عربی)

این کتاب نیز منتخبی از کلمات قصار حضرت مولی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام میباشد و درسی باب بترتیب حروف تهجّی مرتب شده و هر يك از ابواب دارای چندین کلمه از کلمات حکمت آمیز است ، جامع و مرتب آن چنانکه پشت نسخه چاپی و در مقدمه بعضی از نسخهای خطی مشاهده میگردد حضرت شیخ ابوعلی

(۱) در نسخه و بسین نوشته شده و ظاهراً بلکه مسلماً « نه بسین » بوده و کاتب غلط نوشته و در نسخه نظائری دارد و بنا بر این واو « و در عربی » در عبارت فوق نیز زائد است .

طبرسی صاحب مجمع البیان رحمه الله علیه است که بسال ۵۴۸ وفات یافته و در ج ۱ ص ۱۰۸ این فهرست بترجمه و شرح بعضی از مؤلفات ایشان پرداخته شده ولی صاحب روضات (ص ۵۱۲) در ذیل شرح حال شیخ طبرسی گوید: و نیز از مؤلفات این عالم جلیل بنابر آنچه بایشان نسبت میدهند کتاب نثر اللالی است که رساله ای مختصر و چون غرر و در آمدی مرتب بترتیب حروف تہجی است و در آن کلمات حضرت علی ع جمع آوری شده ولی کمان من این است که این کتاب گرد آورده سید علی بن فضل الله حسینی راوندی باشد و بر هر تقدیر با « نثر اللالی » مؤلفه شیخ محمد بن جمهور الاحسائی که موضوع آن مسائل فقهیّه و اخبار می باشد نبایستی آنرا اشتباه نمود **انتهی**.

و صاحب کشف الحجب والاستار این کتاب را (نثر اللالی - کلمات قصار) جزماً به عزالدین سید علی بن فضل الله راوندی نسبت داده است و شرح حال این سید جلیل را فقط در هدیه الاحباب (ص ۱۴۰) در ذیل **راوند** و نام پدر وی یافتیم و ترجمه آن این است: سید ابوالحسن عزالدین علی بن ضیاء الدین عالمی دانشمند و فقیهی راستگو و ادیبی اریب و شاعری ادیب است و صاحب تصنیفات زیاد می باشد و سید علیخان در « الدرجات الرفیعه » وی را بدینگونه معرفی میکند: وی بچه شیر یست که شیر روش وی را پیروی میکند و دانش بوی پا بر جا است و آنکس که پیدر خویش اقتدا نماید جای دوری نرفته. و نیز در آنجا نوشته شده وی را مدرسه ای بزرگ در کاشان است که بر روی زمین مانندی ندارد و در آن بسیاری از علما و دانشمندان و پرهیزکاران و عابدان مسکن دارند و این سید جلیل (سید علی بن فضل الله) تا سال ۵۴۸ زندگانی میکرده است. **انتهی**.

صاحب وقایع الایام در حاشیه ص ۴۰۹ ج ۳ بنقل از ریاض العلما گوید که جامع کلمات قصار موسوم به نثر اللالی قطب راوندی است.

چنانکه در ذیل صد کلمه در ص (۶۹) گذشت این کلمات قصار را **عادل هریک** یک بیت فارسی ترجمه نموده و آغاز و انجامش نیز در آنجا ثبت شده بدانجام راجعه شود. در تحفه سامی کتابی بنام « نثر اللالی » به **امیر علیشیر نوائی** نسبت داده شده و این امیر کلمات قصار (نثر اللالی) را **هریک** رباعی ترکی ترجمه نموده و آنرا « نظم - الجواهر » نامیده و یک رباعی از آنرا در « بدایع اللغه » ذیل لغت « ایلدام » یافتیم.

و نیز این کتاب بنثر فارسی ترجمه گردیده و نسخه‌خوییکه بخط سید محمد بقا بسال ۱۳۱۲ با سفیداب نوشته شده و اخیراً جزء کتب این کتابخانه گردیده دارای آن است و نامی از مترجم در آن نیست و چون هنوز نظم و ترتیب کتب اخیر تمام نشده خصوصیات آن نسخه را در اینجا نمی‌آوریم. و بسال ۱۳۱۸ با ترجمه فارسی آن که انشاء کاظم بن محمد گیلانی (فیلسوف الدوله) در همان سال میباشدر طهران چاپ شده است.

نثر اللائی بسال ۱۳۱۲ بضمیمه «اربعین شهید اول» و «شرح حدیث کسا» و «اربعین میر فیض الله حسینی تفرشی» نیز در طهران چاپ سنگی شده است (۱).

آغاز: بسمله حرف الالف. اِیْمَانُ الْمَرْءُ یَعْرِفُ بِاِیْمَانِهِ.

انجام: یَا مَسْالِمْ رَاحَةُ النَّفْسِ، یَسْعَدُ الرَّجُلُ بِمَصَاحِبَةِ السَّعِیدِ (۲).
(۸۰۰)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده، از اینکه جزء مجموعه ایست که بیشتر رسائل آن بسال ۱۰۷۴ نوشته شده بایستی این نسخه نیز در آن سال نگارش یافته باشد. خصوصیات دیگر این نسخه را بمجموعه شماره (۲۷۹۹) کتابخانه مراجعه نمائید و این کتاب در ص ۲۶ تا ۲۹ آن مجموعه نوشته شده است.

[۳۳۶] نصایح حضرت امیر (ع) (عربی)

کتاب یا رساله ایکه بدین نام در این کتابخانه میباشد عبارت است از کلمات و عبارات منتخبه‌ای از نهج البلاغه و نثر اللالی و غرر الحکم که در نصیحت و موعظه از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام مأثور است و ظاهراً جامع آن همان

۱ - در کشف العجب آغاز این کتاب پس از بسمله اینگونه نوشته شده: الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین هذا کتاب نثر اللالی الخ. و در نسخه چاپی پس از بسمله چنین است: الحمد لله رب العالمین والصلوة علی محمد خیر المرسلین و آله الطیبین الطاهرین اما بعد فهذه کتاب نثر اللالی من کلام امیر المؤمنین و امام المتقین و یعسوب الدین و خلیفه رسول رب العالمین اسد الله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام علی ترتیب حروف الهجاء حرف الالف ایمان المرء يعرف بإيمانه.

۲ - در نسخه چاپی ترجمه نثر اللالی عادل از کلمات قصاری که ابتداء بیاه شده فقط این کلمه ذکر شده: (یبلغ المرء بالصدق منازل الکبار) ولی انجام نثر اللالی چنان است که ملاحظه میشود.

محمد علی جراح نظام نویسنده نسخه است و در حدود (۲۰۰) بیت کتابت دارد .
آغاز : نصائح حضرت امیر ع بسم الله خير الاسماء - اوصی امیر المؤمنین علی بن
 ابی طالب ولده الحسین صلوٰة الله علیهما و علی الائمة الاطهار من ذریتهما و سلامه
 فقال یا بنی اوصیک بتقوی الله الخ .

انجام : لاتتم مرّوّة الرّجل حتی لا یبالی ایّ طعام اکل و ایّ ثوب لبس ،
 حرّره الفقیر الحقیر محمد علی جراح النظام خلف مرحوم عبد الله ییک جراح باشی نظام
 فی عشر الثالث من شهر رمضان المبارک سنة ۱۲۸۵ .

(۸۰۱)

نصائح این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب محمد علی جراح نظام
 بسال ۱۲۸۵ نوشته و در همین سال چنانکه پشت صفحه اول
حضرت امیر (ع) یاد داشت گردیده داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده
 و بهمین نام بر این کتابخانه وقف گردیده و مجدول بطلا و لاجورد و شنجر ف است .

جلد مقوایی . کاغذ ترمه . واقف سیب هسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۵) . صفحہ (۸) سطر .
 طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۵۰) .

[۳۳۷] نظم الغرر و نضد الدرر (فارسی)

عالم جلیل عبدالکریم بن محمد یحیی (۱) قزوینی رحمة الله علیه که از دانشمندان
 دوره سلطنت شاه سلطان حسین صفوی بوده و بشهادت مندرجات این کتاب
 و تصریح خود در مقدمه مجلد دوم آن سالها بمطالعه و مباحثه و دقت در اخبار

(۱) بنا بضبط در مقدمه مجلد دوم و مجلد اول که در تبریز موجود است و صاحب وقایع الایام
 در حاشیه ص ۳۹۶ ج ۲ از آن نقل نموده و بضبط در مقدمه نسخه کتابخانه حضرت رضا سلام الله علیه
 و نسخه مجلس شورای ملی نام پدر عبدالکریم ، **محمد یحیی** بوده ولی در فهرست رضویه ص ۱۰۱
 ج ۱ فصل اخبار خطی **محمد بن یحیی** ثبت شده بنابر آنچه گفته شد کلمه ابن میان محمد و یحیی
 غلط است و بامراجعه بکتاب روضات و تنقیح المقال و لؤلؤتینی البحرین و جامع الرواة و فیض القدسی
 و مستدرک الوسائل و غیره بنام و شرح حال ابن عالم و محدث بر نخوردیم . در حاشیه نظم الغرر
 نسخه مجلس رساله ای نیز از این مؤلف « راجع به ذوالقرنین » میباشد و دارای مطالب زیاد
 و افسانهائی در حدود (۲۵۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست :

بسمله بدانکه خلافت در میان مفسرین و ارباب سیر که آیاذالقرنین اسکندر رومیست یاغیر او الخ .
 انجام : و ملوک آفاق را ملوک ساخت چگونه خوابید که بیدار نمیکردد و چون خاموش شد که
 هیچگونه سخن نمیکوید .

ائمه اطهار عليهم صلوات الله في كل ليل و نهار اشتغال داشته ، هنگامیکه تشرّف
 بآستان حضرت مولی الموالی علی بن ابی طالب علیه سلام الله را یافته (۱) بر آن
 شده که کلمات قصار آنحضرت را که آمدی ره در غرر الحکم (از این کتاب
 و مؤلف آن در ص ۷۶-۷۸ همین مجلد معرفی کرده ایم) بترتیب حروف تہجی
 مرتّب نموده و بترتیب و مناسبت معنوی میان آن کلمات مبارکات منظم نماید ،
 خوشبختانه بنا بگفته خویش در مقدمه های مجلّات موجوده موفقیت باین امر
 یافته و در نود و نه باب بشماره اسماء الله الحسنی این کتاب را تألیف و در ذیل
 پاره ای از کلمات آیه ای یا آیاتی از قرآن کریم و خبری یا اخباری را که از معصومین^ع
 مناسب مقام بوده نقل نموده و پس از این کار برای استفاده فارسی زبانانیکه استفاده
 از کتب عربی نمیتوانند کرد بترجمه و شرح آن بزبان فارسی پرداخته و گذشته
 از بیان مراد و معنی آنها قصص و حکایات و ایات مناسبه ای آورده است و تا اینجا
 که نگارنده تحقیق نموده و بدست آورده پنج مجلد از این شرح و ترجمه که
 مشتمل بر (۲۰) باب میباشد مسلماً از قلم شارح خارج شده و ذیلاً مجلّات و
 ابواب آنها ذکر خواهد شد .

فهرست مجلّات و ابواب این کتاب تا حدّیکه پیش نگارنده مسلم است :

مجلد اول مشتمل بر سه باب و بدین تفصیل است : **باب اول** در علامات
 ثبات دول و بقای آن . **باب دوم** در منافع عدالت و مضارّ جور . **باب سوم** در
 آداب سلوک در خدمت ملوک .

این تقسیم از مقدمه مجلد دوم که اینک در اصفهان موجود است و مالک آن
 آقای محسن نعمت اللهی دامت توفیقاته بتمامه آنرا بخطّ خویش استنساخ نموده
 و برای نگارنده فرستاده و رهین امتنانم فرموده اند استفاده گردید و قسمتی که
 مبین این ابواب است از مختصر مقدمه آن که ذیلاً نقل میگردد معلوم خواهد شد
 و بنابر این مسلم میشود که مجلد اوّل دارای این مطالب است و ابواب نسخه

(۱) در مقدمه نسخه خراسان باین مطلب تصریح شده و چنانکه در صفحه بعد تذکر داده خواهد
 شد بعقیده نگارنده این مقدمه مجلد اول و خود نسخه نیز مجلد اول از این کتابست و کاتب
 و مستنسخ اسامی ابواب را غلط نوشته است .

خراسان اگر چه بنام سادس و سابع و ثامن نامیده شده ولی پس از دقت معلوم میشود که نویسنده اول و ثانی و ثالث را تصحیف نموده و برای تأیید خویش فهرست ابواب نسخه خراسان را ذیلًا نقل مینمائیم:

الباب السادس: فی الدَّوْلَ وَ عِلَامَاتِ اِقْبَالِهَا وَ اِذْبَارِهَا وَ زَوَالِهَا وَ اِنْتِقَالِهَا وَ مَا قَارَبَهَا .

الباب السابع: فی مَنَافِعِ الْعَدْلِ وَ الْاِنْصَافِ وَ مَضَارِّ الْجَوْرِ وَ الْبَغْيِ وَ الْاِعْتِسَافِ .

الباب الثامن: فی تَعْلِيمِ السُّلُوكِ فِي خِدْمَةِ الْمُلُوكِ وَ الرِّيَاسَةِ وَ مَا يَتَعَلَّقُ بِالسِّيَاسَةِ .

و از آنچه صاحب وقایع الایام در حاشیه ص ۳۹۶ ج ۳ نگاشته اند بدست میآید که نسخه تبریز نیز قسمتی از مجلد اول و یا تمام آنست و در مرقومه ایکه بنگارنده نگاشته اند تصریح نموده که تاریخ تحریر این نسخه سال ۱۱۱۴ و از کتب کتابخانه مرحوم حاج سید علی آقای ایروانی و اینک متعلق به آقای سید عبدالرحیمه ایروانی دام عمره میباشد و عبارت وقایع الایام اینست:

و عالم جلیل میرزا عبدالکریم بن محمد یحیی القزوینی از علما عهد شاه سلطان حسین صفوی در کتاب نظم الغرر و نضد الدرر بعضی از کلمات معجزات (کنذا) آیات آنحضرت را آنچه متعلق باستقرار دوات و استحکام معدات است با ذکر بعضی از حکایات مختصره و ابیات رائقه نقل کرده و حقیر در مجلد دوم منتخب المقامد درج کرده ام **انتهی** .

مجلد دوم چنانکه مؤلف در مقدمه بدان تذکر داده اند این مجلد فقط مشتمل بر دو باب است: **باب چهارم** در خصائص و اسرار پیغمبر (محمد ص) و اهل بیت اطهر آنسرور علیهم صلوات الله الملك الاکبر . **باب پنجم** در علم و جهل و علامات عالم و جاهل و فضائل عالم عامل .

نسخه این مجلد را فقط در اصفهان نزد آقای محسن نعمت اللهی دام عمره و توفیقه سراغ دارم .

مجلد سوم و چهارم مشتمل بر باب ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است و از این ابواب **بس باب دهم** که در منافع دوستی و آنانکه شایستگی آنرا دارند و آنانکه نبایستی بدانها دوستی کرد است و **باب یازدهم** که در خوشی و خوشروئی و خلق نیکو است و بضمیمه باب چهاردهم که ذیلاً از آن نام میبریم در کتابخانه مجلس شورای ملی در تحت شماره (۲۹۲) کتب خطی (خارج از شماره جلد اول فهرست کتب خطی است) موجود است و بر وجود دیگر ابواب این مجلد و موضوعات آنها تا کنون اطلاعی نیافته ام و درص (۱۰۶) این فهرست ذیل همین کتاب تذکر داده شد که آنچه در فهرست کتابخانه حضرت رضا علیه السلام (ص ۱۰۱ ج ۱ اخبار خطی) در ذیل خصوصیات نسخه آن کتابخانه نوشته شده که مشتمل بر باب ششم تا نهم میباشد، موافق با واقع نیست.

مجلد پنجم مشتمل بر هفت باب بتفصیل ذیل میباشد: **باب چهاردهم** در شجاعت و مذمت جبن و تهوّر و عجز و تعلیم آداب حروب و دستور برگزیدن سرداران لشکر و علامات نیک و بد ایشان و طریق محافظت ثغور مملکت و سلوک با سپاه و رعیت و غیر آن. **باب پانزدهم** در جهاد اصغر و جهاد اکبر. **باب شانزدهم** در نیکوئی اقتصاد و حسن تدبیر و نهی از اسراف و تبذیر. **باب هفدهم** در تقدیر ارزاق عباد. **باب هیجدهم** در نهی از سؤال از مخلوق و بیان مذمت آن و نحو شدن رزق بسبب آن. **باب نوزدهم** در منافع قضای حوائج مؤمنین. **باب بیستم** در مذمت تکبر و مدح تواضع و ثمرات آن [چون آمدی بعضی از فقرات خطبه قاصعه را که در موضوع تکبر بوده نقل کرده است مؤلف پس از نقل آن جمل بر آن شده که در این باب (باب بیستم) بشرح تمام آن خطبه بپردازد و پس از آن سائر کلمات و اخبار و آیات وارده در این باب را شرح نماید]. بدبختانه از این مجلد جز باب چهاردهم که اشارت رفت نسخه آن در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است و این فهرست ابواب از آنجا استنساخ گردیده و باب بیستم آن که در این کتابخانه است و ذیلاً بخصوصیات آن خواهیم پرداخت بدست نیاورده و از وجود سائر ابواب و حتی از فهرست آن خبری نداریم.

نگارنده تاکنون نام این کتاب را جزماً نمیداند چیست چرا که مؤلف خود در مقدمه مجلدات موجوده هر يك بنحوی آنرا معرفی کرده ولی از اسم کتاب و توجه بموضوع آن بنظر میرسد که بایستی «نظم الغرر و نضد الدرر» نام مرتب شده غرر الحکم آمدی در نود و نه باب باضافه اخبار و آیات مناسبه هر باب که بزبان عربی است بوده باشد و این کتاب فارسی را که باب بیستم آن در این کتابخانه و ابواب دیگر آنرا نشان دادیم شرح یا ترجمه نظم الغرر و نضد الدرر نامید اما بمتابعت فهرست کتابخانه رضویه و صاحب وقایع الایام ما نیز آنرا بنام نظم الغرر و نضد الدرر در این فهرست ذکر و ذیلاً بنقل عبارات مؤلف از مقدمه های مجلدات موجوده میپردازیم.

در مقدمه نسخه کتابخانه رضویه که مسلماً مجلد اول است چنین نگاشته شده:

اما بعد چون بمساعدت توفیقات ربانی و معاضدت تأییدات یزدانی دیده بصیرت خاک قدم شیعیان ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملك الغفار المفتاق الی غفور به الغنی المغنی **عبدالکریم بن محمد یحیی القزوینی** بمطالع و تتبع کتاب مستطاب غرر و درر که منتخب حکم مختصره و مواعظ موجزه حضرت امیر المؤمنین ع رسید و آن کتبر رایگان و گنج شایگان که شمه آن (ازط) کنوز عالم غیبی و شرمه از معادن اسرار لاریبست از نظر اکثر ابنای زمان خصوصاً ساکنان متوطنین عرصه وسیع فضای ایران جنت نشانرا که تکلم بلغت فارسی واقع میشود و هر يك از ایشانرا تعلم بلغت عرب مقدور نیست نهان و باین جهت بسیاری از شیعیان اخبار از انتفاع تصمیم عزیمت نمود که شرح واضحی بزبان فارسی بر فقرات اعجاز سمات آن نگارد و بعون الله تعالی و حسن توفیقه يك مجلد آن شرح مذکور بر وجه منظور سمت اختتام یافت و چون جامع کتاب مستطاب غرر و درر بنارا بر ترتیب حروف هجا در اوائل آن فقرات اعجاز آیات گذاشته و تناسب معنوی را مرعی نداشته بود در طی مطالعه و مراجعه به هدایت الهام غیبی و دلالت توفیق لاریبی بخاطر قاصر رسید که در دیده بینش معنی شناسان بنای ترتیب آنها بر تناسب معنوی نظر بفضل معنی بر لفظ انسب و سهولت انتفاع ناظرین و طالبین اقرب بنماید متوکلاً علی الله مشغول باین نظم و ترتیب گردید و در اندک زمانی بعون عنایت سبحانی و امداد باطن فیض موطن ناظم درر غرر آن کلمات اعجاز سمات ربانی این کتاب مستطاب بر نود و نه باب بعدد اسماء حسنی مرتب گشته بانجام رسانید و موسوم **بنظم الغرر و نضد الدرر** گردید و بعد از انجام و اتمام این مهم خیر اختتام بخاطر فاتر رسید که عجله ترجمه مختصری که قریب بفهم عام و خاص باشد قلمی شود تا چنانکه منظور و مقصود است این نسخه شریفه موجب انتفاع عموم مؤمنان خصوصاً اخوان دینی گردد و دعائی بجهت این سراپا تقصیر از مؤمنین بظهور رسد

و چون مطابقت فارسی با سیاق عربی موجب وحشت عبارت میگردد و مقصد (مراد مقصود است و شاید غلط استنساخ شده است) از آن قسم عبارتی بفهم هر کس نمیرسد لذا در ترجمه اکثر فقرات طبیات بجاصل معنی اکتفا نمود و در ترجمه آیات و احادیث آنچه که مذکور شده یا بعنوان نقل از مفسرین و شارحین یا بطریق اظهار احتمال نگارش پیرا گردید و همت والا نهمت پادشاه جمجاه شاه سلطان حسین الموسوی الصفوی مصروف بر ترویج احادیث ائمه ع لازم و واجب دانست که این مختصر را هدیه مجلس بهشت آئین و منظور نظر فیض مظهر ایستادگان پایه سریر معذات قرین گرداند امید که بخلیه استحسن خاطر ملکوت ناظر متجلی گشته ثواب آن بزرگوار فرخنده آثار واصل و متواصل و عامه ناس را انتفاع باین کلمات اعجاز سمات حاصل گردد و **من الله الاستعانه فی کل باب و علیه التوکل فی المبدء والمعاد .**

و نیز در حاشیه نسخه کتابخانه رضویه است :

توقع آنکه ارباب بصیرت نظر بر گهر گماشته صدف را در میان نه بینند و در مقام تدبیر و تفکر در آمده بر بساط اعراض و اعتراض نشینند چه مترجم را در این تحریر نصیبی بجز منصب ترجمانی نیست و بهره غیر از شیوه سخن رانی نه .

(از نقل این قسمت از مقدمه نیز بخوبی واضح و آشکار است که مقدمه مجلد اول کتابست و الا چون در سائر مقدمات اشاره بمجلدات پیش آن مینمود.)

و در مقدمه مجلد دوم است :

الحال مدتی است که لالی شاهوار کتاب درو غرر را که حاوی کلمات موجزه حضرت سید اذهر و آفتاب انور و کلام ناطق خدا و مترجم آیات حضرت حق تعالی حضرت امیر المؤمنین حیدر علیه صلوات الله الالک الاکبر و مشجون بدراری سیهر معرفت و مالا مال زلال بحر دانش و حکمت است روشنی بخش سراچه دل و وسیله انحلال هر مشکل نموده و از مطالعه و تتبع آن مفاتیح باب مدینه علم نبوی ابواب معرفت بر روی خاطر ناقص خود گشوده است و بعد از آنکه در ذیل شمه از فقرات آن کتاب مستطاب برای فارسی زبانان از یاران و اصحاب شرحی به لغت فارسی بقلم ضعیف نال این شکسته بال مرقوم و **باصداف الدرر** موسوم شد بنابر آنکه فنون حکمت بدون رعایت تناسب در ابواب آن کتاب متفرق بود آنرا به نود و نه باب که هر باب مشتمل بر کلمات متعلقه بفتی از فنون حکمت بالغه باشد با انضمام احادیث مناسب هر باب ترتیب داد و این وضع و ترتیب در نظر علمای عصر کثر الله امثالهم مستحسن افتاد و ثانیاً در شرح آن کلمات اعجاز طراز بترتیب معروض شروع شده **بنضد الدرر** موسوم گردید و بمیان توفیقات ملک علام وجد و جهد تمام یک مجلد آن که مشتمل بر علامات ثبات دول و بقای آن ، و منافع عدالت و مضار جور ، و آداب سلوک در خدمت ملوک بود با تمام رسید رغبت طبع همایون بملاحظه تمه شوح مذکور بر زبان الهام بیان آن خسرو قضا فرمان گذشته و در او ان فرمان قدر توامان مجلدی دیگر از **نضد الدرر** چنانچه باید سمت انجام نگرفته و حلیه تمامی پذیرفته بود لهذا نسخه **اصداف الدرر** که سابقاً در سلك انتظام آمده بود معروض سده سینه والا شد و در در اینوقت که مجلد دیگر از **نضد الدرر** مشتمل بر باب خصائص و اسرار پیغمبر و اهل بیت

اطهار آن سرور علیهم صلوات الله الملك الاکبر و باب علم و جهل صورت انجام یافت الخ .

و در مقدمه مجلد پنجم چنین نگاشته شده :

و در این ایام چنانچه در مجلدات سابقه بعرض ناظرین رسانیده بالهام غیبی و اشاره لاریبی بعد از ترتیب معنوی مشغول ترجمه و شرح کتاب نظم الغرر و نضد الدرر گردید و چهار مجلد از آن بعون الله الملك المنان صورت انجام پذیرفت و بنظر خیر منظر ایستادگان پایه سریر خلافت مصیر رسیده پذیرائی حسن قبول یافته و حسب فرمان قضا جریان با تمام سائر مجلدات و انفاذ آن بدرگاه عرش اشتباه مأمور گشته و در این وقت یک مجلد دیگر از آن که مشتمل بر (فهرست ابواب را که قبلاً نقل نمودیم در اینجا ذکر نموده است) صورت انجام پذیرفته بود واجب دانست که هدیه سده والا و درگاه معلی نماید الخ .

مقدمه مجلدیکه در تبریز است بوسیله آقای حاج ملا علی واعظ خیابانی دام علاه خواستم از شرحیکه مالک مذکور آن بایشان نوشته و عیناً آنرا برای نگارنده فرستاده بودند معلوم شد که آن نسخه را کسی عاریه گرفته و نداده لذا نقل مقدمه آن ممکن نشد ولی بقرینه نقلیکه صاحب وقایع الایام کرده و در ص (۱۰۷) گذشت در آنجا نیز نام این کتاب « نظم الغرر و نضد الدرر » ثبت شده است . آغاز سه مجلد فوق را ذیلاً مینگاریم :

آغاز مجلد اول : بسمله حمد و ثنائیکه جمیع مخلوقین و ملائکه سموات و ارضین بامداد مداد بحار و اقلام اشجار از عهده نگارش برخی از آن عاجز آیند مالک الملکی را سزاوار الخ .

آغاز مجلد دوم : بسمله شکر و سپاس بیقیاس مخصوص حضرت قادر علیم و صانع حکیمی است که نضد درر کواکب در اصداف افلاک بدست قدرت کامله او انتظام گرفته الخ .

آغاز مجلد پنجم : بسمله و به ثقتی حمد و سپاسی که جنود نامعدود معتکفان معابد فلک و صاحبان مفاخر نحن نسبّ بحمدک و نقدّس لک از اقدام بآن عاجز آیند الخ .

انجام مجلد پنجم : اگر برزلی یا خلی واقف شوند بر مترجم خرده نگیرند و باصلاح آن منت نهند

شعر

نگیرند بر شارح یزبان

به بینند مهر علی درمیان

و علی الله التکلان .

(۸۰۲)

نظم الغرر

و نضد الدرر

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده، ورق اوّل را ندارد، اوراق آن بمجدول بطلا و زنگار میباشد، چنانکه در ص (۱۰۸) تذکر داده شد این نسخه باب پانزدهم از این کتابست و بجهتیکه نیز در همان صفحه ذکر شد مشتمل بر شرح خطبه قاصعه میباشد و بر اوّلین صفحه موجود از طرف مرحوم اعتضاد السلطنه این نسخه بنام « شرح خطبه قاصعه بانضمام صد کلمه و شرح آن » معرفی گردیده و بر حاشیه دوّمین صفحه بنام « شرح کلمات حضرت امیر ع » وقف و در دفاتر سابق کتابخانه نیز بدین نام ثبت گردیده و پس از اتمام شرح و ترجمه کلمات و عبارات این باب مؤلف و شارح خاتمه ای در حدود (۷۴) بیت در آخر آن گذارده و اتمام مجلد پنجم را ضمناً تذکر میدهد و نخستین سطر نسخه اینست :

و بهر کس که شریک سازد در عبادت بخدای برحق خدای دیگر را الخ .
در کنار آخرین صفحه اشعاری در تعریف از این کتاب نوشته شده و
ذیلا بنقل آن پرداخته میشود

نگاهی ز عبرت گرفتم بوام	سراپای این نسخه دیدم تمام
عیان گشت در دیده اعتبار	محیطی پر از گوهر شاهوار
بملك سخن در جهان خیال	بآن باغبان باغبانی حلال
[که بدن میوه کاخ این باغ چید] کذا	بفکر بلند از سر شاخ چید
چنان خط و معنی خوان افتاد	که هر کور فهمست روشن سواد
عروسی چنین چشم لیل و نهار	ندیداست در حجله روزگار
خوشار و نق بخت آن جوهری	که دریا درش را شود مشتری

زنگار اوراق نسخه را پاره نموده و ورق اوّل و آخر و صالی شده است .
جلد تیماجی . کاغذ خان بالغ . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۹۰) . صفحه (۱۲)
سطر . طول (۱۹ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۵۱) .

[۳۳۸] نهج البلاغه (عربی)

کتابیکه بدین نام نامیده شده یکی از مشاهیر کتب اسلامی و منتخبی از خطب و مکاتیب و کلمات حضرت مولی الموالی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیه است و دارای اهمیت علمی و ادبی و تاریخی میباشد، علماء امامیه رضوان الله علیهم اجمعین آنرا تالی قرآن میدانند و اخ القرآن مینامند و بسیاری از بزرگان علماء عامه نیز بعظمت آن معترف اند و اینک که این شرح در معرفتی از آن نگاشته میشود ۹۵۶ سال تمام از جمع و تألیف آن گذشته و از بدو انشاء و تألیف تا کنون هماره مورد نظر و دقت و مطالعه فضلا و دانشمندان بوده و هست.

نهج البلاغه را در کتابخانها و فهرستها بمناسبت اینکه منقول از امام علیه السلام است و اطلاق اسم حدیث و روایت بر آن صادق میباشد در عداد کتب اخبار و احادیث و بعضی در اثر اشتغال آن بر مواعظ و حکم در ضمن کتب مواعظ و اخلاق و پاره ای بواسطه دارا بودن دستورهای اجتماعی و سیاسی و مشتمل بودن بر مباحث اثبات مبداء و معاد در شمار کتب حکمت و کلام و برخی چنانکه اسم کتاب بر آن دلالت دارد، آنرا سر مشق فصحا و بلغا شناخته و از کتب ادب دانسته و در این ردیف و دسته گذارده و در اطراف آن بحث کرده اند.

نگارنده با اعتراف و تصدیق بر اینکه هر يك در نظریه و روش خویش راه صواب را پیموده، نتوانست یکی از آن روشهارا رجحان دهد و بنظر وی چنین رسید که در این فهرست فصلی مستقل بنام «خطب و منشآت» ایجاد و چون قسمت اعظم این کتاب منتخبی از خطب حضرت مولی ع میباشد و قسمت دوم آن مشتمل بر مکاتیب و دستورهای سیاسی و اجتماعی آنحضرت ع و قسمت سوم کلمات موجه و حکم مختصره ایشانست آنرا در این فصل جای دهد و ترجمه و شرح آنرا نیز چون اصل آنها در همین فصل گذارد و کتب دیگریکه در این فن تألیف گردیده و نسخه ای از آن در این کتابخانه است بتبع نیز از آنها یاد شود، توفیق رفیق شد و کتب دیگر که فرع و فرع بودند لجّاره وار در این فصل ثبت گردید اینک این کتاب که مقصود اصلی از این نظم و ترتیب بود شاه وار در آخر فصل قرار گرفت.

جامع این کتابیکه بنام نهج البلاغه معروف و مشهور گردیده با اتفاق تمام علماء امامیه و علماء عامه جز چند نفر سید رضی (۳۵۹-۴۰۶) رحمه الله علیه است که پس از این بشرح حال ایشان خواهیم پرداخت ولی برخی از عامه این جمع و ترتیب را برتر دید نسبت بسید مرتضی علم الهدی و یاسید رضی داده اند، نگارنده نخستین کس که این تردید را نقل نموده ابن خلکان متوفی بسال ۶۸۱ را دید (وفیات الاعیان ج ۱ ص ۳۳۶) و با تفحص قائل آنرا هم بدست نیامورد و آنچه متأخرین این تردید را در کتب خویش آورده ابن خلکان را اقتدا و از او پیروی کرده اند، چون یافعی ابو محمد عبدالله یمنی ۶۹۸-۷۶۸ در مرآت الجنان و حاجی خلیفه متوفی بسال ۱۰۶۷ در کشف الظنون و عبدالحی بن عماد متوفی بسال ۱۰۸۹ در شذرات الذهب و ادوارد فاندیک در ص ۱۳۵۶ اکتفاء القنوع مؤلفه و مطبوعه بسال ۱۳۱۳ هـ. و فرید وجدی در دائرة المعارف خویش ص ۲۶۰ ص ۴

بعضی از عامه تردید را ترك کرده و این جمع و ترتیب را جزماً به سید مرتضی نسبت داده اند از آنها جرجی زیدان متوفی بسال ۱۹۱۴ م. در ص ۱۹۵ ج ۱ و ص ۲۸۸ ج ۲ تاریخ آداب اللغة العربیه و کلمان هوار مستشرق فرانسوی (دانشمند مرحوم اعتصام الملک (یوسف اعتصامی) در ص ۳۴۸ ج ۱ فهرست کتب خطی مجلس شورای ملی این نسبت را باین مستشرق داده اند) میباشند و بعضی از عامه اصلاً نسبت مطالب این کتاب را بحضرت علی بن ابی طالب ع منکر شده اند و ابن خلکان نیز بدان اشاره نموده و صاحب کشف الظنون نیز گوید که ذهبی در میزان الاعتدال صریحاً گفته که این مطالب از آنحضرت نمیشد و گویند جامع و نسبت دهنده آن بدان حضرت منشی و واضع آنست و جرجی زیدان نسبت قسمتی از نهج البلاغه را بحضرت ع تصدیق نموده است.

و بعضی از معاصرین سیدین (رضی و مرتضی) چون خطیب بغدادی متوفی بسال ۴۶۳ در تاریخ بغداد و برخی از مورخین چون ابی الفداء متوفی بسال ۷۳۲ در تاریخ خویش و ابن اثیر متوفی بسال ۶۳۰ در کامل التواریخ و غیر از اینها با اینکه نام هر دو برادر را برده اند از شدت تعصب یا بعثت دیگر نام این کتاب را نبرده اند.

در اینجا مناسب دیدم که این بحث را تشریح نموده و پس از آن ادله خویش را

در بطلان تردید و نسبت تألیف آن به سید مرتضی بنگارم :

عمده چیزیکه موجب و باعث شده که پاره‌ای از متعصبین اهل سنت و جماعت مطالب مندرجه در نهج البلاغه را از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ندانند مخصوصاً خطبه شقشقیه است که حضرت در آنجا درد دل خود را اظهار و معامله صحابه را با خود با همه آن سوابق درخشان و خدمات نمایان در راه پیشرفت اسلام و وصایای حضرت پیغمبر ص نسبت بایشان بیان کرده و گفتنیها را گفته و استحقاق و اولویت خود را در خلافت و جانشینی پیغمبر ص ثابت نموده و بهترین شرحیکه حل رموز و کنایات و بیان مراد و مقصود آنحضرت را در این خطبه نموده « حدائق الحقائق » شرح بزرگ علاء الدین گلستانه است (در ۶۰-۶۳ این مجلد از این کتاب معرفی کرده ایم) و بهمین سبب بعضی از متعصبین که خجالت کشیده اند خطب و کلمات و مکاتیب نهج البلاغه را که چون آفتاب نسبت آنها بحضرت علی ع روشن و آشکار است فقط این خطبه را جعل و ساخته سید رضی دانسته اند و الا کدام منصف است که بتواند گفت فصیح و بلیغی جز علی بن ابی طالب میتواند اینگونه خطابه هارا القا کند و حقائق را بگوید ، جمعی دیگر از عامه اعتراف نموده اند که سالها پیش از تولد پدر وجد سید رضی این خطبه وجود داشته و در کتب مؤلفه پیش از وجود سید رضی مندرج گردیده و چون بادله منکرین نسبت مطالب نهج البلاغه به امام علیه السلام مراجعه نمائیم ادله و امارات و قرائن آنها را بسیار نست و او هن من بیت العنکبوت مییابیم و سید جلیل هبه الدین شهرستانی در کتاب « ماهو نهج البلاغه » آنها را نقل و برد ایشان پرداخته و نیز تذکره داده اند که خطبه شقشقیه در نهج البلاغه و سایر کتب که قبل از سید تألیف گردیده اندك تفاوتی در الفاظ دارد و آنها را عیناً از مآخذ آن نقل نموده اند . در آخر شرح خطبه شقشقیه ابن ابی الحدید مطالبی نگاشته و عین آنرا با اندك اضافه ابن میثم نیز در آخر شرح این خطبه از شرح نهج البلاغه خویش آورده و بی مناسبت نیست که در اینجا بترجمه عبارات ابن ابی الحدید پرداخته شود :

و اما گفتار ابن عباس. ما آسَفْتُ عَلَى كَلَامٍ قَطُّ كَأَسْفَى عَلَى ذَلِكَ الْكَلَامِ أَلَّا يَكُونَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بَلَغَ مِنْهُ حَيْثُ أَرَادَ، استاد ابو الخیر مصدق بن شیب واسطی (۱) بسال ۶۰۳ گفت که این خطبه را بیش شیخ ابو محمد عبدالله بن احمد معروف به **ابن الخشاب** (۲) میخواندم چون بدینجا رسیدم چنین گفت: هر گاه در آن هنگام که ابن عباس این جمله را ادا کرد آنجا میبودم بوی میگفتم: آیا در دل پسر عمومیت چیزی نگفته ماند؟ و آیا در این خطبه چیزی فرو گذار نمود؟! تا تو متأسف باشی که چرا خاتمه داد و رازهای نهفته خود را نگفته گذاشت و ساکت شد، بخدا سو کند که از اولین و آخرین نگذشت و کسی در دلش باقی نماند که از او یادی نکرد مگر رسول الله صلی الله علیه و آله را

مصدق گوید ابن الخشاب مردی شوخ طبع و مزاح بود تصور نمودم که در این مورد هم شوخیش جنبیده بدو گفتم آیا این خطبه را ساختگی میدانی و از حضرت علی ع نمیدانی گفت: نی بخدا سو کند یقین دارم که این خطبه کلام خود آنحضرت میباشد چنانکه میدانم تو مصدق هستی

مصدق گوید: بوی گفتم بسیاری از مردم میگویند که از منشآت رضی میباشد. گفت: کجا رضی و امثال وی دارای چنین روح و اسلوبی در نگارش توانند بود و من بر سائل رضی دست یافته و طریقه و روش او را در نثر میشناسم و میان این دو فرق بسیار میباشد، بخدا سو کند که این خطبه را در کتابهایی که دوست سال پیش از آنکه رضی دنیا آید تالیف گردیده، یافته‌ام و نیز آنرا بخط جمعی از علما که خط آنها را میشناسم و بر آنها خطوط بسیاری از علماء ادب که نیز بدانها آشنا هستم دیده و زمان اینها نیز سالها پیش از تولد نقیب ابو احمد پدر رضی بوده است.

پس از این ابن ابی الحدید گوید: من خود نیز بسیاری از مطالب این خطبه را در مصنفات استاد ابو القاسم بلخی (۳) امام بغدادیین که از معتزله بود یافته‌م و این عالم جلیل در زمان خلافت المقتدر (۲۹۵-۳۲۲) بوده سالها پیش از آنکه رضی متولد شود و نیز بسیاری از آنها را

(۱) شرح حال ابو الخیر مصدق بن شیب واسطی را بدست نیاوردم.

(۲) ابو محمد عبدالله بن احمد بن احمد بن عبدالله بن نصر بغدادی معروف به ابن خشاب از علماء عامه بوده و در نحو و ادب دستی قوی داشته و در سائر علوم ادبی و ریاضی و فقهی و غیره توانا بوده و اشعاری از او بیادگار مانده و عبد الحی بن عماد در شذرات الذهب ج ۴ ص ۲۲۰-۲۲۲ بشرح حال و نقل اشعاری از ایشان پرداخته و گوید بسال ۹۲۲ م متولد و در ۵۶۷ هـ وفات کرده ولی صاحب معجم المطبوعات در ص ۹۳ وفات ویرا بسال ۵۶۸ هـ نقل کرده است.

(۳) شیخ ابو القاسم بلخی بسال ۳۱۷ هـ وفات کرده است.

در کتاب « الانصاف » ابو جعفر ابن قبه (۱) که یکی از متکلمین امامیه و از شاگردان شیخ ابو القاسم بلخی رحمه الله بوده دیده ام و ابن قبه پیش از آنکه رضی در این جهان آید از این جهان رفته است .

شارح بحرانی پس از نقل مطالب فوق گوید :

این خطبه را من نیز بخط ابوالحسن علی بن محمد بن الفرات (۲) وزیرالمقتدر بالله که شصت و چند (۳) سال پیش از تولد رضی بوده دیده ام .

سید شهرستانی دام ظلّه در ص ۲۹ - ۳۱ « ما هو نهج البلاغه » بتقل عبارات ابن ابی الحدید راجع باین کتاب که در جزء ۱۰ ص ۵۲۶ پس از خطبه مشهوره به ابن ابی الشجناء میباشد و اظهار نظر خویش مبادرت نموده ، برای آنکه این مختصر جامع نظریات راجع باین کتاب باشد ملخص آنرا ذیلاً ترجمه مینمایم و مطالب ابن ابی الحدید اینست :

گروهی هوا و هوس داران گویند بسیاری از مطالب نهج البلاغه ساختگی و از کلمات حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام نیست و شیعیان فصیح آنها را ساخته و بدانحضرت نسبت داده اند و بسیاری از آنها را ریخته قلم سید رضی ابوالحسن میدانند ، اینان کسانی هستند که عصبیت چشم آنها را کور کرده و از نهج حق بر گشته اند ، چرا که اگر میگویند مطالب مندرجه در نهج البلاغه همه ساختگی است و از آنحضرت نیست ، این نظریه و عقیده بضرورت باطل است برای آنکه میدانیم و بتوانر بمارسیده که بسیاری از این خطب و کلمات و مکاتیب از منشآت آنحضرت میباشد و بسیاری از علماء عامه و خاصه از محدثین و مورخین در کتب خویش از صدر اول تا زمان سید رضی ره با انتساب آنها بحضرت ع بنقل آنها پذیرداخته اند و این ناقلین در میان عامه و خاصه هوّث و قول آنها مقبول و حجت است

و یامیگویند که پاره ای از خطب و مطالب نهج البلاغه ساختگی و باقی آن از امام علی ع میباشد ، این قول نیز مردود است چرا که هر کس بکتب ادب اندک آشنائی و با ادبیات سر و کار داشته باشد بخوبی تشخیص تواند داد که در هر مؤلفه منسوب بنویسنده یا شاعری چه مطالب یا بیانی از او و گفته وی و نوشته او است و کدام يك از عبارات یا ابیات از او نیست ، مثلاً چون دیوان ابونواس و یا ابوتمام را مراجعه کنیم از خود افکار و اشعار بدست می آوریم کدام بیت از آنها

(۱) ابن قبه ابو جعفر محمد بن عبد الرحمن بن قبه رازی فقیه و متکلم معروف شیعه و صاحب کتاب الانصاف در امامت میباشد و ابن قبه استاد شیخ محمد بن نعمان معروف به مفید متوفی بسال ۴۱۳ بوده است .

(۲) ابو الحسن بن فرات وزیر المقتدر بوده و بسال ۳۱۲ وفات کرده است .

(۳) بنابر آنکه وفات ابن الفرات بسال ۳۱۲ چنانکه در ص ۲۶۴ ج ۴ شذرات الذهب ضبط شده صحیح باشد بایستی عبارت شارح چهل و چند سال باشد نه شصت و چند سال .

و کدام يك از آنها نیست ولی چون بنهج البلاغه مراجعه می کنیم تمام مطالب را در عرض یکدگر می یابیم و اختلافی در روح قائل و منشی آن نمی بینیم تا شک کنیم که خطبه یا کلام یا مکتوبی شاید از آن حضرت نباشد . انتهى کلام ابن ابی الحدید .

وسید شهرستانی در این باب فرماید:

برادران شیعه ما معتقدند که خطب و کلمات و مکاتیب موجوده در نهج البلاغه پیش ما چون خطب مرویه از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میباشند که پاره ای از آنها متواتر و قطعی الصدور و بعضی غیر متواتر و ظنی السنداند و با وجود این ماحکم نمیکنیم که آنها ساختگی است مگر پس از آنکه دلیل بر آن اقامه شود ، چنانکه بصحت آنها نیز حکم نمی نمائیم مگر آنکه دلیل و برهانی بر آن قائم گردد و هر کس جز این بما نسبت دهد برخلاف حقیقت گفته است .

و چگونه منصفی تواند نسبت به شیعه دهد که جز ما آنچه در نهج البلاغه است بدون شك و تردید از امام علیه السلام میباشد در صورتیکه در این کتاب آنچه مخالف با اصول ایشانست بسیار میباشد و از آن جمله است مدح فوق العاده ایکه از خلیفه ثانی عمر بن الخطاب رض نموده (ظاهراً مراد سید شهرستانی دام ظلّه خطبه ایستکه به **لله بلاد فلان** ابتدا شده و ابن ابی الحدید در شرح آن نوشته که در نسخه نهج البلاغه ایکه بخط سیدرضی بود در ذیل کلامه فلان نام « عمر » نوشته شده) و اگر مقررین از شیعه میخواستند تصرفی در کلمات و آثار آن حضرت کنند و دستی در آنها برند و زیاد و کمی نمایند امثال این مقالات را از آن بر میداشتند

اعتدال و حقیقه شایسته پیروی میباشد اینستکه برای نهج البلاغه همان قیمتیکه برای کتب صحاح و سائر کتب دینی معتبر قائل هستیم معتقد باشیم و بقدر و قیمت ادبی آن و برتریش بر هر کتابی پس از کتاب خدا (قرآن کریم) معترف گردیم انتهى .

در معرفی از نهج البلاغه شراح آن و علماء رجال و فهرست نویسان هر يك بیاناتی دارند، در اینجا بترجمه عبارات ابن میثم ره در مقدمه شرح بزرگ خویش و اشعاریکه ابو محمد بن شیخ صنعان کاتب نسخه شماره (۳۰۸۵) کتابخانه در آخر آن انشاء و تحریر نموده نیز مبادرت مینمائیم :

کلام حضرت علی بن ابی طالب ع که در آن آثاری از کلام الهی و بوئی از بیانات نبوی ص میباشد ، هماره در سینه راویان برا کنده و در دست موافقین و مخالفین وجود داشت ، دشمنان وی بر آن شدند که آن کلمات مشهوره را پنهان کنند ولی خداوند نخواست که نور او را پنهان دارند ، از این رو اسلام را بوجود سید امام شریف رضی محمد بن الحسین الموسوی قدس الله سره و نور ضریحه تقویت فرمود و این بزرگوار کلمات جدش را که خورد و کهنه شده بود زنده کرد و آنچه از آنها در شرف برا کنده شدن بود جمع آوری نمود و در جمع بهترین آن کلمات باندازه توانائی خویش کوشش فرمود و آنرا نهج البلاغه نامید و اسم باهممی و لفظ بامعنی مطابق آمد **فجزاه الله عن العلماء خیر الجزاء** . انتهى .

و آن اشعار اینست :

نهج البلاغه روضة مطورة
او حکمة قدسية جلّيت بها
او نور عرفان تلالا هادياً
اولجة من رحمة قد اشرقت
خطب روت الفاظها عن لؤلؤ
و تهلت كلماتها عن جنة
و كانها عين اليقين تفجرت
حكم كامثال النجوم تبليجت
كشف الغطاء بياؤها فكانها
وترى من الكلام القصار جوامعاً
لفظ تمد من الفواد سواده
وجلّى عن المعنى السواد كانه
من كل عاقلة الكمال عقيلة
عن مثلها عجز البليغ واعجزت
و اذا تأملت الكلام رايت
ورايت نهراً بالحقائق طامياً
ورايت ان هناك برأ شاملاً
ورايت ان هناك عفو سماحة
ورايت ان هناك قدراً ماشياً
قدر الذى بصفاته وسماته
مصباح نور الله مشكوة الهدى
صنوا الرسول و كان اول مؤمن
و به اقام الله دين نبّيه

بالنور من سبحات وجه البارى
مر آة ذات الله للنظار
للعالمين مناهج الا برار
بالعلم فهى تموج بالانوار
من مائه بحر المعارف جار
حفت من التوحيد بالنوار
من فوق عرش الله بالانهار
من ضوء ماضمت من الاسرار
للسامعين بصائر الابصار
يفنيك عن سفر من الاسفار
والقلب منه بياض وجه نهار
صبح تبليج صادق الاسفار
تشتاف فوق مدارك الافكار
ببلاغة هى حجة الاقرار
نطقت به كلمات علم البارى
من موجه سفن العلوم جوارى
وسع الانام كديمة مدرار
فى قدرة تعلو على الاقدار
عن كبرياء الواحد القهار
ممسوس ذات الله فى الانار
فتاح باب خزائن الاسرار
عبد الاله كصنوه المختار
واتم نعمته على الاخيار .

پیش از این گفته شد که جمعی جمع و تألیف نهج البلاغه را بسید مرتضیٰ نسبت داده اند و این نسبت بر خلاف حقیقت است و گویندگان حتّی یک دلیل و برهان هم بر مدّعی خویش ندارند ولی گذشته از اتفاق همه شراح در ازمان و اعصار مختلفه و تمام امامیه بر اینکه این جمع و انتخاب از سید رضی موسوی ره میباشد خود این سید جلیل در تفسیر قرآن کریم که « حقایق التّأویل » نام دارد نظیر مطلبی را به کتاب نهج البلاغه مؤلفه خویش که موضوع آن خطب و مکاتیب و کلمات قصار حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام میباشد حواله نموده

(بصفحه ۱۶۷) این تفسیر که اخیراً در نجف اشرف چاپ شده مراجعه گردد) و نیز در کتاب «المجازات النبویة» مکرّر نظائری برای کلام مقدّس نبوی به این کتاب نهج البلاغه که مؤلفه خویش می باشد حواله نموده (بصفحه ۲۲، ۴۱، ۱۲۷، ۱۶۱، ۲۵۲ چاپ بغداد مراجعه شود) و از علماء رجال نخستین کس که تألیف نهج البلاغه را در ذیل شرح حال با مؤلفات دیگر سیّد رضی نسبت داده **نجاشی** متوفی بسال ۴۵۰ می باشد که خود معاصر ایشان بوده و در ذیل شرح حال علم الهدی سیّد مرتضی ره (ص ۱۹۳ چاپ هند) نگاشته که علم الهدی بسال ۴۳۶ وفات نمود و من متولّی غسل ایشان گردیدم و شیخ طوسی ره که نیز معاصر با این دو برادر بوده و بنقل روایاتی از آنها پرداخته در فهرست خویش فقط نام سیّد مرتضی علم الهدی را برده و شرح حال و مؤلفات ایشان را نگاشته و ندانم چرا نامی از سیّد رضی نبرده و نامی هم از نهج البلاغه در مؤلفات سیّد مرتضی نیاورده و این نیز بهترین دلیل بر اینست که این کتاب تألیف این سیّد جلیل نیست و الا با اهمیّت زیادیکه دارد و توجهی که امامیه مخصوصاً باین کتاب دارند اگر از مؤلفات سیّد مرتضی بود ممکن نبود که شیخ آنرا یاد نمایند و پس از نجاشی ابن شهر آشوب متوفی بسال ۵۸۸ در معالم العلماء (ص ۴۴ چاپ آقای اقبال آشتیانی) نیز سیّد رضی را نام برده و تألیف نهج البلاغه را بایشان نسبت داده است.

سیّد جلیل هبة الدین شهرستانی در «ماهو نهج البلاغه» نگاشته اند که سیّد (محمد بن الحسین) رضی و سیّد (علی بن الحسین) مرتضی بمناسبت لقب جدّشان ابراهیم مرتضی هر دو به لقب **مرتضی** خوانده میشدند ولی چون محمد لقب به **الرضی** گردید علم الهدی بلقب **مرتضی** اختصاص یافت و بدان مشهور گردید و پیش از ایشان شیخ محمد عبده ره در آخر شرح خویش بر این کتاب این مطلب را ذکر کرده اند و این عبارت قسمی نگاشته شده که تصور میشود نقل از تاریخ ابوالفدا میباشد ولی در آنجا ذیل نام سیّدین این مطلب نیست و احمد بن مهنا متوفی بسال ۸۲۸ در ص ۱۷۵ عمدة الطالب و مامقانی در ص ۳۵ ج ۱ تنقیح المقال لقب ابراهیم جدّ رضی را مرتضی ضبط نموده اند.

چیزی که مناسبت دارد در اینجا تذکر داده شود اینست که ادوارد فاندیک مؤلف کتاب «اکتفاء القنوع عما هو مطبوع» در ص ۳۵۶ آن کتاب، تألیف

نهج البلاغه را به سید مرتضی یاسید رضی نسبت داده و تصوّر نموده (در ص ۱۰۸) که بنام نهج البلاغه دو کتابست یکی در خطب و مکاتیب و کلمات قصار حضرت مولی علی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه السلام که گرد آورده سید مرتضی علم الهدی متوفی بسال ۴۳۶ یاسید رضی میباشد و دیگری نهج البلاغه در احادیث امامیه تألیف سید رازی متوفی بسال ۴۰۶ در صورتیکه در میان مسلمین جز نهج البلاغه مشتمل بر خطب و مکاتیب و کلمات قصار مورد نظر و اهمیت نیست و حتی بدین نام کتاب دیگری نداریم و همین نهج البلاغه سید رضی است که علاوه بر مجلسی رحمه الله در مقدمه مجلد اول بحار الانوار تذکر داده که یکی از مآخذ اخبار کتاب ایشان بوده و پیش از فاندیک کسی دیگر سید رازی نام مؤلف نهج البلاغه در اخبار امامیه و متوفی بسال ۴۰۶ را نشان نداده و تا کنون هم چنین کس و چنین کتابی در میان امامیه و دیگران مشهور نبوده و نیست و با کمال جرئت میتوانم گفت که فاندیک در این نسبت اشتباه کرده و نهج البلاغه مشهوریکه این شروح در تحت عنوان آن نگاشته میشود همان خطب و منشآت حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است که بلحاظ کلام و بیان امام بودن اطلاق نام حدیث و خبر بر آن صادق میباشد و شیعه عبارات و جمل آنرا حدیث مأثور میدانند و بدان ترتیب اثر میدهند (فاندیک در ص ۱۸۰ نیز اشتباهاتی در مؤلفین کتب حدیث امامیه دارد و گوید که امامیه صحاح ست را قبول ندارند و خود پنج کتاب در حدیث دارند و از آن جمله نهج البلاغه را بنحو فوق ذکر نموده، در صورتیکه ما چهار کتاب مهم در اخبار داریم و در این چهار قرن اخیر چهار کتاب دیگر در اخبار جمع آوری شده که بنام اربعه متأخره معروف میباشد و در این موضوع در ص ۲۳۴ ج ۱ فهرست این کتابخانه شرحی نوشته ام.

دانشمند فقیه فرید و جدی در «کنز العلوم واللغه» از اشتباه فاندیک با اشتباه افتاده و نهج البلاغه ای در حدیث امامیه به سید رازی متوفی بسال ۴۰۶ نسبت داده است.

عالم جلیل آقا شیخ عالی اکبر نهاوندی دام عمره که اینک در مشهد مقدس حضرت رضا سلام الله علیه مجاور اند نیز در ص ۱۲۵ جزء اول کتاب «الجنة الغالية

والجعبة الغالية « بنقل از « كنز العلوم » فرید وجدی دو نهج البلاغه قائل شده و از اشتباه ایشان باشتباه افتاده اند .

سید جلیل هبة الدین شهرستانی دام ظلّه در « ما هو نهج البلاغه » (ص ۲۸) از « کتاب علی علیه السلام » تألیف احمد صفوة المورخین نقل نموده : آنانکه پیش از سید رضی میزیسته اند گفته اند که چند صد خطبه از این امام (علی بن ابی طالب ع) مأثور است . و نیز گوید : مسعودی متوفی بسال ۳۴۶ نوشته که از حضرت علی ع چهار صد و هشتاد و چند خطبه منقول است .

و نیز در ص (۳) « ما هو نهج البلاغه » نوشته شده مطالبیکه در نهج البلاغه جمع آوری گردیده عبارتست از (۲۴۲) خطبه یا منتخبی از آنها و بیاناتیکه بمنزله و نظیر خطبه میباشند . و (۷۸) مکتوب و وصایا . و (۴۹۸) کلمه از کلمات قصار . سید رضی در مقدمه نهج البلاغه چنین نگاشته اند : چون کتاب خصائص الائمه را تألیف و در انجام فصلی که راجع بحضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بود کلمات قصار و حکم منتخبه ای از آنحضرت مندرج ساختیم ، جمعی آنرا از نظر گذرانیده و خواستار شدند که بجمع آوری خطب و دیگر آثار آنحضرت ع نیز مبادرت نمایم ، با استمداد و تکیه بخداوند شروع بجمع آوری شد و در سه باب بدین ترتیب مرتب گردید : **باب اول :** در خطب و آنچه نظیر آنست . **باب دوم :** در نامه ها و وصایای آنحضرت بعمال خویش و بدیگران . **باب سوم :** در کلمات قصار . و آنرا **نهج البلاغه (۱)** نام نهاده و در آخر هر باب کاغذهای ننوشته گذارده ام تا اگر پس از این بر آثاری از آنحضرت دست یابم در جای مناسب آن گذارم (۲) . در آخر کتاب تاریخ این جمع و ترتیب را در ماه رجب سال ۴۰۰ هجری معین فرموده و این شرح راجع باین کتاب (نهج البلاغه) نیز در ماه رجب از

(۱) صاحب معجم المطبوعات در ص ۱۱۲۴ نام این کتاب را « نهج البلاغه و مشرع الفصاحه » ثبت نموده و ندانستم از کجا جمله « و مشرع الفصاحه » را بر نام اصلی کتاب افزوده است . (۲) نسخ شماره (۲۹۲ و ۲۹۳) کتابخانه رضویه که در ص ۹۷ و ۹۶ فصل اخبار ج ۱ فهرست آن کتابخانه خصوصیات آنها ذکر گردیده و اولی بسال ۹۴۸ و آخری بسال ۷۲۹ نوشته شده و نسخه شماره (۳۰۸۳) این کتابخانه دارای اضافاتی است که در نسخ دیگر نیست و کاتب آنها تصریح نموده که از روی نسخه ای که در زمان مؤلف نگارش یافته استنساخ گردیده است .

سال ۱۳۵۶ هـ. نگاشته شد.

چنانکه در ابتداء این بحث تذکر داده شد نهج البلاغه از بدو تألیف مورد نظر و دقت دانشمندان عامه و خاصه بوده و گروهی از آنان بشرح و بسط آن پرداخته اند اینک هنگام آن شد که شروح آنرا ذکر و شراح را نام ببریم.

در اینکه نخستین شارح نهج البلاغه کیست سه قول تا بحال بود و اینک قول چهارم را بنده افزود. ۱ - ابن ابی الحدید در مقدمه شرح خویش گوید که فقط پیش از من قطب راوندی بشرح این کتاب پرداخته و در ص ۴۶۴ و ۴۶۵ همین مجلد ترجمه عین عبارات ایشانرا نقل کرده ام. ۲ - محدث نوری ره در ص ۵۱۳ ج ۳ مستدرک الوسائل بیهقی را نخستین شارح معرفی کرده و صاحب وقایع الایام و سید شهرستانی بایشان اقتدا کرده اند. ۳ - سید اعجاز حسین در ص ۵۳ کشف الحجب علی بن ناصر معاصر سید رضی را نخستین شارح دانسته و آقای عبدالعزیز جواهر الکلام در ص ۱۴۴ ج ۱ فهرست معارف ایشانرا پیروی کرده اند.

نگارنده در کتب رجال و سیر شیعیه و خصوصاً فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی که تا علماء قرن پنجم شیعیه را شامل میباشند و در سائر کتب رجال چون روضات، لؤلؤ، تنقیح المقال، امل الآمل، مجالس المؤمنین و غیره بدین نام عالمی را معاصر سید رضی نیافت ولی نزدیک آن عصر فقط بنام **علی بن ناصر** در طبقات الشافعیه سبکی (ج ۴ ص ۲۸۴) یکی را دیده که نامی از مؤلفاتشان برده نشده و بترجمه عبارات آن کتاب مبادرت میشود: **علی بن ناصر بن محمد بن ابی الفضل بن حفص النوقانی** (۱) متولد بسال ۴۷۶ و متوفی بسال ۵۴۹ از فقهای شافعی مذهب و مدرس در شهر مشهد بوده است.

۴ - قول نگارنده است که نخستین شارح **امام وبری** میباشد که معاصر با بیهقی بوده و ایشان در شرح خویش از آن شرح نقلهائی دارند و عین عبارات بیهقی در شرح خود اینست: **وَمِنْ سَمِعْتُ خَبْرَهُ وَ عَايَنْتُ أَثَرَهُ وَلَمْ أَرَهُ إِلَّا إِمَامَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْوَبْرِي الْمَلَقَّ بِالْشَيْخِ الْجَلِيلِ وَقَدْ شَرَحَ مِنْ طَرِيقِ مُشْكَلَاتِ**

(۱) نوقان یکی از محلات شهر مشهد فعلی میباشد که پیش از بنای شهر یکی از دهات طوس بود و یاقوت گوید نیز بدین نام دهی در نیشابور است.

نَهَجُ الْبَلَاغَةِ شَرْحًا أَنَا أوردُهُ وَأُنْسِبُهُ إِلَيْهِ وَأُثْنِي عَلَيْهِ وَاللَّهُ تَعَالَى وَلِيُّ
التَّوْفِيقِ وَ مُعِينُ أَهْلِ التَّحْقِيقِ .

و از عبارات فوق برمیآید که شرح وبری بر تمام نهج البلاغه نیست و اختصاص به
جمل و مطالب مشکله آن دارد و این اختصاص موجب عدم ذکر آن در شمار شروح
نخواهد بود و نظائری دارد.

پس از محدث نوری رحمه الله علیه عالم متبّع محمد محسن طهرانی ایدۀ الله تعالی مشهور
به شیخ آقا بزگ ساکن سامراء در «الذریعه الى تصانیف الشیعه» و سید جلیل هبة الدین
شهرستانی و حاج ملاعلی واعظ تبریزی در وقایع الايام و جواهر الکلام در فهرست
معارف شروح نهج البلاغه را نام برده و هر متأخری بر شروحی چند دست یافته که
مقدم بروی از آن خبری نداشته ما برای اینکه این شرح که در اطراف این کتاب
نوشته میشود تا حدی جامع باشد تمام شروح را بترتیب تألیف نام میبریم و هر یک
را که فقط در یکجا نام برده شده تصریح خواهیم نمود .

۱ - شرح امام وبری

احمد بن محمد الوبری، چنانکه گذشت معاصر بیهقی بوده و در شرح وی و شرح
ابن عتائی قسمتهائی از این شرح دیده میشود و فقط نگارنده به آن اگاهی یافته است .

۲ - شرح بیهقی

ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بن الحاکم متوفی بسال ۵۶۵، و بنا بتصریح شارح
در آخر شرح در جمادی الاولی سنه ۵۵۲ از تألیف آن فراغت یافته و نسخه ای از این
شرح اینک در کتابخانه فاضلیه خراسان موجود و در معجم الادباء (ج ۵ ص ۲۱۱)
نوشته شده : بیهقی در مشارب التجارب گوید: و نیز از مؤلفات من «معارف نهج البلاغه
و هو شرح الکتاب» میباشد الخ .

۳ - شرح قطب راوندی

ابوالحسین سعید بن هبة الله متوفی بسال ۵۷۳، این شرح در دو مجلد و نام
آن «منهاج البراعه» و نسخه ای از آن بگفته آقای جواهر الکلام در کتابخانه
سلطنتی طهران موجود است .

۴ - شرح قطب کیدری

ابوالحسن محمد بن الحسین بیهقی معروف به قطب الدین کیدری،

این شرح بسال ۵۷۶ تألیف شده و نام آن « حدائق الحقائق فی فسر دقائق احسن الخلائق » میباشد و نسخه‌ای از آن نیز در کتابخانه فاضلیّه خراسان موجود و در مقدمه آن نوشته شده که این شرح را پس از دو شرح معارج و منهاج تألیف کرده ام، صاحب روضات در ص ۶۵ ج ۴ قسمتی از مقدمه این کتاب را نقل و این شرح را دو اوزده هزار بیت دانسته و گوید که این دو شرح (معارج و منهاج) از قطب راوندی است و کسی جز ایشان و مؤلف فهرست معارف تألیف دو شرح را بقطب راوندی نسبت نداده و صاحب مستدرک الوسائل معارج را با تصحیف بصورت «معراج» نقل نموده و فرماید که منهاج نام شرح قطب راوندی است و معراج را ندانم از کیست. چنانکه دانسته شد معارج نام شرح بیهقی است و جز سه شرح مذکور فوق مقدم بر قطب راوندی شرحی دیگر سراغ نیافته‌ایم که بتوان آنرا بنام «معراج» دانست.

۵- شرح فضل الله راوندی

ابوالرضا ضیاء الدین سید فضل الله راوندی که معاصر سمعانی مؤلف الانساب (۵۰۲- ۵۶۲) بوده، ابن عتائقی در شرح خود شرح عبارات و مطالبی از نهج البلاغه را از ایشان نقل نموده و صاحب روضات در ص ۳۰۲ در ذیل قطب راوندی از ریاض العلماء آورده که بعضی اشتباه کرده و تألیف شرح نهج البلاغه را به ابی الرضا فضل الله بن علی حسینی راوندی نسبت داده اند.

نگارنده معتقد است که ایشان را نیز شرحی بر نهج بوده و ابن عتائقی به تصریح خود مطالبی را از آن کتاب گرفته و نسبت اشتباه صاحب روضات راجع بوجود این شرح اشتباه است.

۶- شرح مهابادی

افضل الدین ابو الحسن بن علی بن احمد المهابادی، بنا بضبط مؤلف فهرست معارف مؤلف آن بسال ۵۸۵ وفات یافته است.

۷- شرح امام فخر رازی

ققطی در ص ۱۹۲ تاریخ الحکما بدین تألیف تصریح نموده و صاحب مستدرک و دیگران نیز آنرا ذکر و امام در سال ۶۰۶ وفات کرده است.

۸- شرح ابن ابی الحدید

از این شرح در ص ۴۱ تا ۴۷ همین مجلد معرفی کامل شده و بسال ۶۴۹ تألیف آن خاتمه یافته است.

۹ - شرح سید بن طاوس

رضی الدین علی متوفی بسال ۶۶۴ در کشف الحجب ذکر شده و حاجی نوری نیز در مستدرک آورده اند.

۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - شروح ابن میثم

کبیر ، متوسط و صغیر - از این شروح در ص ۴۹ تا ۵۴ همین مجلد معرفی کامل شده و آقای شیخ جواد عراقی که از واعظ معروف طهران میباشند مدعی اند که شرح صغیر ابن میثم را در بروجرود دیده اند ولی عقیده نگارنده همانست که در آنجا نگاشت و تألیف شرح کبیر بسال ۶۷۷ میباشد.

۱۳ - شرح علامه حلی

حسن بن یوسف بن مطهر حلی ره متوفی بسال ۷۲۶ ، در فهرست معارف آمده چنانکه از خلاصه الاقوال بر می آید شرحی است مختصر و در بعضی از نسخه های خلاصه بنام « مختصر شرح نهج البلاغه » ذکر گردیده و مؤلف کشف الحجب گفته که از شرح ابن میثم بحرانی مختصر شده . و بگفته آقای جواهر الکلام نسخه آن نزد میرزا محمد باقر خونساری موجود است .

۱۴ - شرح یحیی بن حمزه

سید شهرستانی این شرح را نام برده و گوید : یحیی بن حمزه العلوی امام زیدیه بوده و بسال ۷۴۹ وفات یافته و این شرح شامل تفسیر لغات نهج البلاغه است .

۱۵ - شرح بنام « نفاس »

این شرح از علماء عامه و نسخه ای از آن که بسال ۷۵۹ نوشته شده در کتابخانه حضرت رضا ع در مشهد موجود است (ج ۱ فهرست ص ۹۹ فصل اخبار خطی) .

۱۶ - شرح تفتازانی

سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی $\frac{791}{792}$ $\frac{712}{723}$ ، که از علما و ادباء معروف قرن هشتم هجری و عامی مذهب بوده اند .

۱۷ - شرح ابن عتائی

عبد الرحمن بن محمد بن ابراهیم المشهور به ابن عتائی ، که از علماء قرن هشتم هجری بوده و مذاق حکمی و عرفانی داشته و نسخه ای از این شرح را که مشتمل بر شرح ثلث نهج البلاغه میباشد نگارنده دارد (از ابتداء شرح خطبه ای که

در استسقاء ایراد فرموده و آغاز آن اینست: **أَلَا وَانَّ الْأَرْضَ الَّتِي تَحْمِلُكُمْ وَ** چند سطرى از شرح خطبه سابق بر آن خطبه را نیز دارا است تا آخر شرح وصیّه و دستوریکه به یکی از متصدیان صدقات مرقوم گردیده و بدین عبارت سید رضی ره آنرا شروع فرموده: **وَإِنَّمَا ذَكَرْنَا جَمَلًا هَهُنَا لِيَعْلَمَ بِهَا أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الخ).** شارح بمناسباتی در چند مورد از این قسمت سال شرح هر قسمت از این کتاب را تذکر داده و نخستین تاریخ آن بسال ۷۷۷ و در ذیل کلمه « وانه سیّاتی زمان » از خطبه ای که آغاز آن این عبارت: **«فَبَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ بِهِ عِبَادَهُ»** میباشد و آن اینست: **«فَانْخَفَاءَ الْحَقِّ وَظُهُورِ الْبَاطِلِ أَمْرٌ ظَاهِرٌ وَلَا سَيِّمَافِي زَمَانِنَا هَذَا وَهُوَ سِتَّةٌ وَسَبْعِينَ وَسَبْعِمِائَةً فَانْظُرْ فِيهَا (الخ).** و آخرین آنها بسال ۷۸۶ میباشد و آن در ذیل شرح خطبه ایست که در ذکر ملاحم میباشد و آغاز آن خطبه اینست: **«إِلَّا بَابِي وَامِّي هُم مِّنْ عِدَّةِ (الخ)** و عبارت مشتمل بر تاریخ این: **«وَمِنْ سِتَّةٍ وَسَبْعِينَ وَسَبْعِمِائَةً وَقَعَ فِي بِلَادِ الْعِرَاقِ وَالْعَجَمِ تَشْوِيشَاتٌ وَوُقُوعُ أَشْيَاءَ لَا يَعْبرُ عَنْهَا وَلَا يَحْصِي كَثْرَةَ إِلَى هَذِهِ السَّنَةِ الَّتِي نَحْنُ فِيهَا وَهِيَ سِتَّةٌ وَسِتُّونَ فَانْجَرِّمِ الْحَرَامَ صَارَ خَالِصًا غَيْرَ مَمْزُوجٍ بِالْحَلَالِ (الخ).**

نگارنده با مطالعه مکرّر در بیشتر از صفحات آن چنین یافت که این دانشمند در هنگام تألیف این شرح شروحي چند از نهج البلاغه را در دست داشته و گذشته از آنها کتب دیگر چون صحاح ست و الاستیعاب تألیف ابن عبدالبر و تاریخ کبیر محمد بن جریر طبری و کتاب شفا و مقامات العارفين از اشارات و رساله الاضحویه (رساله معادیه) از تألیفات شیخ الرئيس ابوعلی سینا و ربیع الابرار زنجشیری و کتاب المعارف و کتاب غریب الحدیث ابن قتیبّه و مقاتل الطالبیین ابو الفرج اصفهانی و کتاب الحيوان جاحظ و غیر از این کتب در جلو چشم وی بوده و از آنها مطالبی را نقل و بدانها استشهاد کرده و از اخبار ائمه اثنی عشر علیهم سلام الله الملك الاکبر در آن یافت میشود و شرح هائیکه شارح از آنها مطالبی را نقل نموده عبارتند از شرح ابن ابی الحدید، شرح ابن میثم، شرح بیهقی، شرح امام وبری، شرح قطب کیدری، شرح قطب راوندی و شرح سید فضل الله راوندی، بنابر این تحقیق معلوم

گردید آنچه صاحب ریاض العلما چنانکه در ص ۳۸۱ وقایع الایام از آنجا نقل شده از نوشته پشت نسخه ای از این کتاب که بدست ایشان رسیده نقل کرده و باستناد بآنجا تشکیل این شرح را از شروح ابن ابی الحدید و ابن میثم و قطب کیدری و قاضی عبدالجبار شیعی دانسته اند مقرون بصحّت و تحقیق نیست چرا که **اولاً** این شارح مطالبی را که از شروح و کتب مذکوره فوق نقل نموده کمتر از عشر کتاب میباشد و اقوال آنها را بعنوان استشهاد و تأیید خویش آورده نه اینکه شرحی ساخته باشد که مطالب آن منتخبی از شروح مذکوره باشد چنانکه از آن عبارت نوشته شده بر نسخه صاحب ریاض بر میآید و **ثانیاً** اینکه در این نسخه نگارنده برای نمونه يك بار هم نامی از عبدالجبار نیست بنابر این تصوّر میکنم یادداشت کننده بدون دقت در اوراق کتاب مراجعه مینموده و نام «ابن عبدالبر» مؤلف الاستیعاب را دیده در ابتداء نظر تصوّر نموده که عبدالجبار بوده و همان تصوّر خویش را نگاشته است و گر نه چرا در نسخه نگارنده که تقریباً ثلث شرح نهج البلاغه ابن عتائی میباشد ابدان نامی از این شرح و شارح آن (بادقت و مطالعه مکرر) دیده نشد **ثالثاً** اگر نویسنده پشت آن نسخه این شرح را مطالعه کرده بود بمطالبعی که از شروح دیگر و کتابهای نام برده شده در این کتاب موجود است نیز خبری میداد.

بنا بر آنچه گفتیم و اینکه صاحب ریاض العلما نوشته و صاحب روضات بایشان اقتدا نموده و محدّث نوری شهادت داده اند در کتب رجال و سیر نامی از عبدالجبار شارح نهج البلاغه نیست و مدرك آنهاست یکی از شروح را شرح عبدالجبار دانسته اند فقط نوشته پشت آن نسخه بود که آنرا رد کردیم بنابر این بر آنم که عبدالجبار شیعی نداریم تا او را شرحی بر این کتاب باشد و در اینجا نامی از آن نخواهیم برد.

ابن عتائی در این شرح تفصیل مطلبی را به کتاب تفسیر خویش که بنام «الوجیز» بوده حواله داده، شاید این تفسیر «مختصر تفسیر علی بن ابراهیم» باشد که صاحب روضات آنرا از مؤلفات ایشان دانسته و یا کتابی ذکر از مؤلفات ایشانست چنانکه ظاهر هم نظر دوم را تأیید میکند.

۱۸ - شرح محمد بن حبیب الدین

شرح محمد بن حبیب الدین احمد حسنی حسینی بگفته مؤلف فهرست معارف درص ۱۴۶ بسال ۸۸۱ تألیف آن خاتمه یافته (این تاریخ در الذریعه است) و نگارنده نسخه آنرا سراغ ندارد

۱۹ - شرح الهی اردبیلی

جلال الدین حسین بن خواجه شرف الدین عبدالحق اردبیلی معروف به الهی معاصر شاه اسمعیل صفوی بوده و نهج البلاغه را بسال ۹۰۵ بفارسی شرح و ترجمه نموده و بگفته آقای تربیت (ص ۴۸ دانشمندان آذربایجان) نسخه ای از این شرح در کتابخانه اسعدپاشا در شهر اسلامبول موجود و نام آن «منهج الفصاحه فی شرح نهج البلاغه» میباشد.

۲۰ - شرح قوام الدین شیرازی

قوام الدین یوسف شیرازی معروف به قاضی بغداد از شاگردان ملاّ جلال دوّانی متوفی بسال ۹۰۸ بوده و در اوائل سلطنت سلطان سلیم خان (۹۱۸-۹۲۶) وفات کرده و این شرح را صاحب وقایع الایام از شقائق النعمانیه نقل نموده و در ص ۳۵۳ کتاب شقائق مذکور نوشته شده که پس مرگ مؤلفات وی چون فرزندانش کوچک بودند از میان رفت.

۲۱ - شرح عز الدین آملی

معاصر شیخ عبدالعالی کرکی متوفی بسال ۹۴۰ میباشد که نیز بفارسی و در ص ۵۷ تا ۵۹ معرفی آن گردید.

۲۲ - شرح زواری

علی بن حسن زواری نهج البلاغه را بفارسی شرح و خود آنرا «روضة الانوار» نامیده و بسال ۹۴۷ در دو مجلد تألیف آن خاتمه یافته و نسخه آن در کتابخانه رضویه در مشهد مقدس و کتابخانه مدرسه مروی در طهران موجود است.

۲۳ - شرح عماد الدین استرآبادی

مولی عماد الدین علی قاری استرآبادی از معاصرین شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴) بوده و مؤلف فهرست معارف از صاحب ریاض العلماء نقل نموده که این شرح مانند حاشیه و تعلیقه بر نهج البلاغه میباشد.

۲۴ - شرح ملافتح الله کاشی

این شرح بفارسی و آنرا ترجمه نیز خوانند و مؤلف بسال ۹۸۸ وفات یافته و در ص ۱۶ معرفی از آن شد.

۲۵ - ترجمه شرح ابن ابی الحدید

چنانکه در ص ۱۴ و ۱۵ گذشت شمس بن محمد بن مراد بسال ۱۰۱۳ بترجمه شرح ابن ابی الحدید پرداخته و بر آن اضافاتی نموده، صاحب وقایع الایام از صاحب ریاض العلما نقل نموده که وی گوید: شمس بن محمد بن مراد از علمای عصر ما بلکه در عصر خود ما بوده و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید را در زمان شاه سلیمان بامر درویش بن مظفر بفارسی ترجمه کرده و ترجمه مجلد اول آنرا در اصفهان دیده ام. از کیفیت عبارت نویسی صاحب ریاض نگارنده را بنظر میرسد که اطلاع درستی از این مؤلف نداشته و نسخه‌ای از این ترجمه را که در عصر سلطنت شاه سلیمان (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) بامر درویش بن مظفر نویسانده بوده اند دیده و تصور نموده که مؤلف در همان زمان بوده و تاریخ تألیف فوق که نسخه آقای حاج محترم السلطنه (حسن اسفندیاری) دارای آنست بهترین مؤید نویسنده است و نام این مترجم (شمس بن محمد بن مراد) را که مسلماً شیعه بوده در کتب رجال نیافتم.

۲۶ - شرح و ترجمه نور محمد

نور محمد بن قاضی عبدالعزیز بن قاضی طاهر محمد محلی که از علماء عامّه بوده، چنانکه در آخر شرح خود تصریح نموده بسال ۱۰۲۸ نهج البلاغه را بفارسی شرح و ترجمه کرده و شارح بکتاب فلاسفه و آراء آنها آشنائی داشته و بمناسبت در ذیل شرح بعضی از فقرات از خطب و کلمات بنقل آنها پرداخته و با عرفان نیز سر و کار داشته و مطالبی عرفانی در این شرح جا داده و مطالبی از قطب راوندی نقل کرده و برد آن مبادرت نموده، نسخه‌ای از این شرح اخیراً جزء کتب این کتابخانه شده و قسمتی از اوائل آن افتاده و چون کتب دیگری که با این نسخه وارد شده، نظم و ترتیب آنها انجام نیافته، خصوصیات نسخه را در این جلد ذکر نمودیم.

۲۷ - شرح نظام الدین گیلانی

این شرح چنانکه ذیل شرح ابن میثم در ص ۵۳ گذشت نسخه آنرا آقای تربیت دارند و مختصر شرح ابن میثم بحرانی میباشد، نظام الدین گیلانی ملقب به حکیم الملك باختصار آن پرداخته و مختصر اضافاتی نیز از خود در شرح و بسط نهج البلاغه دارد و بسال ۱۰۳۶ این اختصار خاتمه یافته و آنرا «انوار الفصاحه و اسرار البلاغه» نامیده است.

۲۸ - شرح عبد الباقي صوفی

این شارح از خطاط های معروف عصر شاه عباس کبیر بوده و بگفته آقای تربیت در ص ۱۴۴-۱۴۶ دانشمندان آذربایجان از اهالی تبریز و دانشمند تخلص میجسته و بسال ۱۰۳۹ وفات یافته و صاحب مستدرک الوسائل از ریاض العلماء نقل نموده که این شرح فارسی و مفصل میباشد ولی توفیق بر اتمام آن نیافته و مؤلف را میل زیادی بمسلك تصوف است.

در فهرست رضویه قسمتی از اوائل شرحی که بنام «منهاج الولایه» نامیده شده موجود و باین دانشمند نسبت داده شده، نگارنده سه نسخه دیگر از این کتاب را دیده یکی از آنها که مشتمل بر یازده باب از این کتابست و اندکی از باب یازدهم و باب دوازدهم را ندارد، متعلق بحضرت آقای حاج میرزا عبدالحسین ذوالر یاستین شیرازی دام عمره قطب فعلی سلسله نعمت اللهی میباشد و نسخه دیگری باب دوازدهم را که در ادعیه نهج البلاغه میباشد، بدون شرح دارا بود دیده و آنرا آقای امیری فیروز کوهی که جوانی صاحب ذوق و شاعر میباشد خریداری کرده اند و نسخه سوم را که مشتمل بر سه باب اولیه این کتاب میباشد دانشمند معاصر آقای سید عبدالرحیم خلخالی دارند و از لحاظ خط نفیس است.

شارح مطالب نهج البلاغه را دوازده نوع بتفصیل ذیل نموده و هر يك را در بابی قرار داده و بشرح آن پرداخته و در آن بنقل عین کلمات محققین از عرفا چون صدر المحققین (صدر الدین قونوی) و ابن العربی و سید علی همدانی مبادرت نموده و باشعار سعدی و حافظ و ابن فارض و قاسم (ظاهر آ قاسم انوار باشد) و عطار و گلشن راز تمثیل جسته و از تفسیر کشاف و کتب عرفانی و غیره نقلهایی دارد.

فهرست ابواب این شرح اینست : ۱ - در توحید ذات و اسماء و صفات و تجمید الله .
 ۲ - در مناقب حضرت پیغمبر و آل وی علیهم السلام . ۳ - در شرف علم و هدایت و اصناف علما .
 ۴ - در تقوی و صفات متقین و شعار اولیاء و صالحین . ۵ - در ظرائف حکم و لطائف امثال
 آداب و شیم . ۶ - در وصایا و نصایح شافیه و مواعظ و زواجر . ۷ - در اعراض از دنیای
 فانی و اقبال به آخرت که باقی است . ۸ - در مذمت از تکبر و تفاخر و حسد و سرزنش متکبرین
 و متفاخرین . ۹ - در بدگوئی از ستم و ستم کاران و هر کس که مخالف راه نمائی و آئین است .
 ۱۰ - در قوانین عدالت و سیاست و مملکت داری . ۱۱ - در معادن و احوال مرگ و قبر و
 حشر و قیامت و درآمدن به بهشت . ۱۲ - دعاها ایستکه در نهج البلاغه از انشاء آنحضرت می باشد
 و این شرح بدعا ختم گردیده است .

این شرح بفارسی است ولی شارح عباراتی که از کتب عرفا نقل نموده بحر بی
 است و در مقدمه نامی از مؤلف نیست، با مطالعه مختصری که در خود شرح گردید
 آثاری دیگر از مؤلف بدست نیاموردم و بقرینه اینکه شرحی است موافق مذاق عرفان
 و تصوف و باب آخر آنهم بدون شرح مانده و نشانه ای که صاحب ریاض العلما
 از شرح عبدالباقی داده بود، نگارنده احتمال مؤلف فهرست رضویه را در نسبت
 این شرح (منهاج الولایه) به عبدالباقی صوفی قوی دانست و این شرح را که فهرست
 ابواب آن گذشت از او میدانند . ولی بر نسخه آقای امیری نوشته شده که این شرح
 از کاشفی است و دلیلی بر این نوشته در خود نسخه نگارنده نیافت .

۳۹ - شرح طبسی

سلطان محمود بن غلامعلی طبسی که از شاگردان مرحوم مجلسی (ظاهر آ مجلسی
 اول) بوده و صاحب رساله در رجعت بفارسی میباشد شرح ابن ابی الحدید را
 مختصر کرده است .

۴۰ - شرح شیخ حسین عاملی

در امل الا مل نگاشته شده که شیخ حسین بن شهاب الدین عاملی کرکی متوفی
 بسال ۱۰۷۷ شرحی بزرگ بر نهج البلاغه نگاشته است .

۴۱ - شرح فخر الدین

فخر الدین عبدالله بن المؤید بالله شرح ابن ابی الحدید را مختصر نموده و آنرا
 « العقد النضید - یا - الدر النضید المستخرج من شرح ابن ابی الحدید » نامیده و
 نسخه ای از آن که بسال ۱۰۸۰ نوشته شده در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران
 موجود است .

۳۲ - شرح محمد صالح روغنی

این شرح در ص ۶۳ تا ۶۶ مفصلاً از آن معرفی شد و پیش از سال ۱۰۸۸ تألیف یافته و بهترین شرح فارسی بر نهج البلاغه است.

۳۳ - شرح سید ماجد بحرانی

سید ماجد بن محمد حسینی بحرانی ره از علمای عصر شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) و معاصر صاحب امل الآمل بوده و از عبارات امل چنین برمیآید که پیش از اتمام امل الآمل (سال ۱۰۹۷) وفات یافته و ایشان گویند این شرح ناتمام مانده است.

۳۴ - شرح کجکجی

این شرح را شیخ محمد مهدی بن ابی تراب مشهدی کجکجی بفارسی تألیف و در سال ۱۰۹۷ خاتمه یافته و بگفته آقای جواهر الکلام در فهرست معارف نسخه آن در کتابخانه حضرت رضا م موجود است.

۳۵، ۳۶ - دو شرح گلستانه

سید علاء الدین محمد گلستانه متوفی بسال ۱۱۰۰ دو شرح بر نهج البلاغه نگاشته یکی مختصر و تمام که نام آنرا « بهجة الحقائق » گذارده و دیگری مفصل و ناتمام که نام آن « حقائق الحقایق » میباشد و در ص ۶۰ تا ۶۲ معرفی کامل از شرح بزرگ گلستانه گردید.

۳۷ - شرح جرموزی

سید حسن بن مطهر بن حسین جرموزی یمانی متوفی بسال ۱۱۱۰ نهج البلاغه را شرح نموده و سید شهرستانی آنرا از کتاب « الذریعة الی تصانیف الشیعه » بنقل از کتاب نسمة السحر نقل نموده است.

۳۸ - شرح سید جزائری

شرح سید نعمت الله جزائری متوفی بسال ۱۱۱۲ بگفته آقای جواهر الکلام در فهرست معارف، در سه مجلد میباشد.

۳۹ - شرح محمد رفیع کیلانی

رفیع الدین محمد بن فرج کیلانی متوفی بسال ۱۱۶۰ یکی از علما و زهاد بوده و در شهر مشهد مقدس تدریس مینموده و صاحب فهرست معارف نوشته اند که این شرح

جامع میان شرح ابن ابی الحدید و شرح ابن میثم بحرانی است .

۴۰ ، ۴۱ - دو شرح شبر

سید عبدالله شبر متولد بسال ۱۱۸۸ و متوفی بسال ۱۲۴۲ از علماء امامیه و دانشمندان و مفسرین قرن سیزدهم هجری بوده و در کاظمین وفات یافته، دو شرح بر این کتاب نگاشته و گفته اند یکی چهل هزار بیت و دیگری سی هزار بیت کتابت دارد .

۴۲ - شرح لاهیجی

این شرح از محمد باقر لاهیجی مشهور به نواب و بفارسی است ، تألیف آن بسال ۱۲۲۶ خاتمه یافته و بنام ترجمه نیز خوانده میشود و درص ۱۷ و ۱۸ معرفی از آن گردید .

۴۳ - شرح امام جمعه طهران

میر محمد مهدی امام جمعه طهران ره متوفی بسال ۱۲۶۳ شرحی بر نهج البلاغه دارند و درص ۵۵ و ۵۶ معرفی از آن نمودیم .

اخیراً استاد محترم این دانشکده آقای سید محمد مشکوة پنج مجلد از شرح فارسی بر نهج البلاغه نزد نگارنده فرستاده اند که در آن دقت نموده و بگویم از کیست، پس از مدتی مطالعه از خود کتاب بدست آمد که مؤلف آن از طرف مادر بحضرت علامه مجلسی منتسب میباشند و از لحاظ اینکه بیشتر از مطالب ترجمه عین عبارت شرح ابن عتائی میباشد بی اهمیت نیست و از مقایسه این مجلدات با قسمتی از شرح امام جمعه طهران که در این کتابخانه موجود است و نسبت ایشان از طرف مادر به مجلسی ثابت میشود که این مجلدات بقیه آن شرح میباشند و در یکی از این مجلدات دیدم که مؤلف گوید مرا کتابی در امامت و غزوات بنام «تکملة الحیات» میباشد و مطالبی را بدانجا حواله نموده ولی این کتاب و حتی نام آن را جایی نیافتم و این پنج مجلد در حدود (۱۸۰۰۰۰) بیت کتابت دارد .

۴۴ - شرح سید محمد نقی

محمد تقی بن الامیر مؤمن قزوینی متوفی بسال ۱۲۷۰ بر نهج البلاغه شرحی نوشته و مؤلف فهرست معارف گوید که بسال ۱۲۶۸ مجلد اول آن را با تمام رسانیده است .

۴۵ - شرح محمد صالح برغانی

حاجی محمد صالح برغانی قزوینی برادر ملا محمد تقی شهید ثالث و پدر قرّة العین معروفه است که پیرو میرزا علی محمد باب گردید، پدر و عمو را بکشتن داد و از این رو عمویش معروف به شهید ثالث گردید و صاحب روضات گویند که هر دو برادر در حدود سال ۱۲۷۰ بمردن و کشته شدن دعوت حق را اجابت گفته‌اند، مؤلف وقایع الایام فقط این شرح را نام برده و در جای دیگر نامی از آن نیست، آقای تربیت گویند که این شرح بفارسی میباشد و محمدعلیشاه قاجار در هنگام ولیعهدی خویش با حروف سربسی در شهر تبریز آنرا چاپ و مجّاناً بعلماء و دانشمندان داده است، ولی بدبختانه با تفحص زیاد نگارنده در طهران نسخه‌ای از آنرا نیافت.

۴۶ - شرح خوئی (الدرة النجفیة)

مؤلف این شرح میرزا ابراهیم بن حسین بن علی خوئی میباشد که بسال ۱۳۲۵ در مشروطیت کشته شده و صاحب مستدرک از ایشان به «الفاضل المعاصر» تعبیر نموده و بسال ۱۲۹۱ تألیف آن خاتمه یافته و بسال ۱۲۹۳ در تبریز چاپ شده و نام آنرا «الدرة النجفیة» گذارده است. و کتابی این مؤلف در رجال بنام «تلخیص المقال فی تحقیق احوال الرجال» دارند.

۴۷ - شرح دزفولی

چنانکه در ص ۴۵ و ۴۶ گذشت حاج نصرالله بن ملا فتح الله دزفولی بامر ناصرالدین شاه قاجار شرح ابن ابی الحدید را بفارسی ترجمه نموده و پس از هر قسمت از ترجمه کلمات نظریه خویش را در شرح آن کلمات بیان نموده و بسال ۱۲۹۲ این ترجمه و شرح خاتمه یافته و در صفحات مذکوره این فهرست برخی از مجلّات این شرح را در کتابخانه استاد آقاسید محمد مشکوة نشان دادیم.

۴۸ - شرح شیخ محمد عبده

شیخ محمد عبده مصری متوفی بسال ۱۳۲۳ از افاضل عصر اخیر و از شاگردان سید جمال الدین اسدآبادی همدانی ایرانی معروف به افغانی بوده و این شیخ جلیل از مشاهیر علماء عامّه‌اند و شرح ایشان حلال الفاظ مشکله و لغات غریبه نهج البلاغه میباشد و نخستین بار بسال ۱۸۸۵ م در بیروت چاپ و تا کنون بارها در ذیل نهج البلاغه چاپ گردیده است.

۴۹ - شرح خوئی

سید حبیب الله بن محمد هاشم هاشمی علوی موسوی خوئی شرحی بر نهج البلاغه نگاشته و نام آنرا نیز « منهای البراعه فی شرح نهج البلاغه » گذارده و شش مجلد از این شرح چاپ شده و مجلد ششم آن تا شرح دویست و نهمین کلام یا خطبه حضرت که باین جمله آغاز شده : (ان فی ایدی الناس حقاً و باطلا) میباشد و تاریخ اتمام مجلد پنجم را مؤلف بسال ۱۳۱۷ ضبط نموده و مجلد ششم بی تاریخ مانده و این مجلد در سال ۱۳۵۲ و مجلدات دیگر پیش از این تاریخ چاپ گردیده و از مجلدات دیگر این شرح خبر و اثری نیافتیم و این شرح یکی از شروح مفصله نهج البلاغه میباشد و ترجمه فارسی نهج البلاغه را نیز داراست .

۵۰ - شرح شیخ جواد طارمی

شیخ جواد بن محرم علی طارمی متوفی در زنجان بسال ۱۳۲۵ میباشد و صاحب وقایع الایام گویند که نام این شرح « شرح الاحتشام علی نهج بلاغة الامام » است .

۵۱ - شرح جهانگیر خان قشقائی

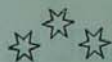
قشقائی یکی از ایلات ترک ایران است که در فارس متوطن میباشد و جهانگیر خان از علما و حکمای اخیر ایران بشمار میرود و اصفهانرا برای تحصیل اختیار کرد و تا آخر عمر در آنجا بود و از اساتید حکمت در این عصر شمرده میشد و شیخ اسدالله گلپایگانی در کتاب « شمس التواریخ » وفات ایشانرا بسال ۱۳۲۸ ثبت کرده است .

۵۲ - شرح مرصفی

محمد حسن نائل مرصفی نیز از فضلاء اخیر کشور مصر میباشد و شرح ایشان بسال ۱۳۲۸ در مصر در ذیل نهج البلاغه چاپ شده و متکفل بیان و شرح لغات مشکله این کتابست و گاهی بمناسبت اشاره ای به قواعد علم معانی و بیان شده و اشعاری را بمناسبت مقام آورده اند و پیش از شروع بشرح ، مقاله مختصری راجع بلغات مخصوصاً لغت عربی انشا نموده اند و چون دقت گردید مطالب و عبارات این شرح عین عباراتی است که مرحوم شیخ محمد عبده مرقوم داشته اند ، در معجم المطبوعات ص ۱۷۳۳ مؤلفات دیگر این مؤلف (مرصفی) که چاپ گردیده تذکر داده شده ولی نامی از این شرح در آنجا نیست .

۵۳ - شرح شهرستانی

عالم جلیل معاصر سید هبة الدین شهرستانی دام ظلّه وزیر سابق معارف عراق که از مفاخر عالم تشیع میباشند، چنانکه خود در «ماهو نهج البلاغه» آورده اند، بر نهج البلاغه شرحی بنام «بلاغ المنهج» نگاشته و پس از ایشان کسی را سراغ نداریم که بر تمام این کتاب شرح نوشته باشد.



شروح مذکوره چنانکه پیدا است بترتیب سالهای تألیف مرتب گردید اینک شروحو دیگر را که مؤلف آن شناخته نشده و یا زمان تألیف آنرا بدست نیاورده ایم مینگاریم:

۵۴ - شرح مختصر قدیمی

حاجی نوری ره در خاتمه مستدرک الوسائل نگاشته اند که شرحی بسیار کهنه و مختصر بر نهج البلاغه در مشهد مقدس ملاحظه فرموده ولی چون اوراقی از اوّل آن افتاده بوده مؤلف آنرا شناخته اند.

۵۵ - شرح المولوی الهندی

این شرح را سید شهرستانی در «ماهو نهج البلاغه» و در فهرست معارف آقای جواهر الکلام ذکر فرموده اند، نام و زمان مؤلف را بدست نیاوردم.

۵۶ - شرح سید ذا کر الحسین

سید ذا کر الحسین اختر هندی دهلوی بتصریح مؤلف «الذریعه الی تصانیف الشیعه» بنام «نیر نلت فصاحت» (کذا) بر نهج البلاغه شرحی دارد و سید شهرستانی و عبدالعزیز جواهر الکلام نیز آنرا نقل کرده اند.

۵۷ - شرح (منهاج الولایه)

شرحی نیز بنام «منهاج الولایه» بر نهج البلاغه نگاشته شده و سید شهرستانی بنقل از «الذریعه» گویند که مؤلف آن خطب نهج البلاغه را سه دسته نموده **قسم اول** در توحید و اصول دین. **قسم دوم** در مواعظ و عبادات. **قسم سوم** در اخلاق. نگارنده نیز بر نام مؤلف و عصر ایشان دست نیافت و آقای جواهر الکلام در فهرست معارف ج ۱ ص ۱۴۴ ذیل شروحو که بر اجزاء نهج البلاغه نوشته شده

این شرح را نام برده و گویند که نسخه آن در کتابخانه نجف آبادی در نجف اشرف موجود است .

۵۸ - شرح مختصر

شرح مختصری که جامع جمل مفیده از شروح قدیمی نهج البلاغه میباشد و سید شهرستانی از «الذریعه» نقل کرده اند که نسخه آن در کتابخانه حضرت رضا علیه السلام موجود است ولی نگارنده در فهرست آنجا نیافت .

۵۹ - شرح مزجی

سید شهرستانی از «الذریعه» نقل نموده که شرحی مزجی بر نهج البلاغه در کتابخانه حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام موجود است .

۶۰ - شرح تحفة العلویه

فقط آقای جواهر الکلام در فهرست معارف این شرح را نام برده و گویند مؤلف آن افصح الدین میباشد تاریخ و زمان شرح و شارح بدست نگارنده نیامد .

۶۱ - شرح ابن العنقاء

مؤلف وقایع الایام از ریاض العلماء نقل نموده که ابن عنقاء از علماء عامه بوده و این شرح را از چهار شرح جمع آوری کرده و در این جهت نظیر شرح ابن عتائی است . نگارنده بر نسخه آن و زمان و عصر مؤلفش دست نیافت .

۶۲ - شرح اصفهانی

مؤلف وقایع الایام نیز از ریاض العلماء بنقل از کتاب «تحفة الابرار» تألیف سید حسین بن مساعد حائری گوید : اصفهانی را شرحی بر نهج البلاغه میباشد و او از علماء عامه بوده . عصر و زمان مؤلف و نام وی و این شرح نیز بدست نگارنده نیامد .

۶۳ - شرح صنعانی

مؤلف وقایع الایام نیز از ریاض العلماء بنقل از «تحفة الابرار» مذکور گوید : صنعانی را شرحی بر نهج البلاغه میباشد و چنین معلوم میشود که از علماء عامه بوده است . نام مؤلف و زمان حیاتش را بدست نیاوردم .

۶۴- شرح علی بن ناصر

مؤلف کشف الحجب و محدث نوری ره و سید شهرستانی و مؤلف وقایع الایام و مؤلف فهرست معارف شرحی بنام «اعلام نهج البلاغه» به علی بن ناصر نام نسبت داده اند و نگارنده چنانکه درص ۱۲۳ نگاشت با تفحص و تجسس بزمان مؤلف و مکان نسخه این شرح دست نیافت ولی از اینکه در کشف الحجب آغاز آن نقل گردیده معلوم میشود که مؤلف آن نسخه ای از این شرح را در دست داشته اند.

۶۵- شرح محی الدین خیاط

محی الدین خیاط مطالبی را از شرح ابن ابی الحدید انتخاب و در بعضی از موارد نادراً اظهار نظر کرده و این شرح منتخب از شرح ابن ابی الحدید در ذیل نهج البلاغه در دو مجلد در بیروت بدون تاریخ چاپ شده است.

۶۶- شرح محمد محی الدین

محمد محی الدین عبدالحمید که یکی از مدرسین و اساتید فعلی جامع الازهر و فضلاء کنونی کشور مصر میباشد، نهج البلاغه را اخیراً (بدون تاریخ) با طرزی نیکو بضمیمه شرح مرحوم شیخ محمد عبده چاپ نموده و جمله هائی که سید رضی آنها را در نهج البلاغه نیاورده و ابن ابی الحدید در شرح خویش آورده، در این چاپ بر نهج البلاغه افزوده شده و این استاد محترم شرح و توضیحی که بعضی از جمل و کلمات لازم داشته و شیخ محمد عبده در شرح خویش از آنها صرف نظر نموده بآنها پرداخته اند.



اینک هنگام آن رسید که ترجمه ها و شروحی که فقط بر بعضی از خطب یا اجزاء دیگر نهج البلاغه نوشته شده در اینجا یاد شود:

دو شرح بر خطبة البیان

خطبة البیان یکی از خطب منسوبه بحضرت مولی علی بن ابی طالب سلام الله علیه است، سید رضی ره آنرا معتبر ندانسته و در نهج البلاغه نیاورده ولی بعضی از دانشمندان آنرا از آنحضرت میدانند، از آنها شیخ رجب برسی است که از علماء

قرن نهم هجری می باشد، نگارنده دو شرح بر این کتاب را دارد ۱ - بفارسی تألیف محمد بن محمود دهدار فارسی است که بچاپ نرسیده و نام آن « خلاصة الترجمان فی تأویل خطبة البیان » است - ۲ - نیز بفارسی و تألیف میرزا ابوالقاسم بن مجدالاشراف شیرازی متوفی بسال ۱۲۸۶ قطب سلسله ذهبیه می باشد و بسال ۱۳۴۳ در مطبعة احمدی شیراز چاپ شده و نام آن « معالم التأویل والتبیین فی شرح خطبة البیان » است .

شرح خطبه شقشقیه

این خطبه چنانکه در اوائل بحث راجع به نهج البلاغه نوشته شد از خطب مهمه حضرت مولی سلام الله علیه است و عربی و فارسی شرح بسیار بر آن نوشته شده و نگارنده بر شرح ذیل دست و خبر یافته :

- ۱ - شرح سید محمد عباس شوشتری که از علماء قرن سیزدهم هجری و در هندوستان بوده و بفارسی می باشد و بسال ۱۲۸۷ چاپ شده است .
- ۲ - تعلیقات و حواشی همین مؤلف بر این خطبه عربی است که در حاشیه نسخه چاپ شده نگاشته شده .

- ۳ - شرح سید مرتضی علم الهدی علی بن الحسین رحمة الله علیه متوفی بسال ۴۳۶ .

شرح عهدنامه مالک اشتر

این دستور حکمفرمائی یا عهدنامه یکی از ابلاغ های تاریخی و مهمی است که حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام در حالیکه مالک اشتر نخعی را والی کشور مصر نموده انشاء فرموده و چون مشتمل بر مطالب سودمندی است و بعظمت نویسنده و منشی آن گواهی میدهد بسیاری از دانشمندان بشرح و بسط و ترجمه آن پرداخته اند :

- ۱ - شرح سید ماجد بحرینی معاصر شیخ حر عاملی ره می باشد که پیش از سال ۱۰۹۷ وفات یافته و بفارسی و در تحت شصت مقاله و بنام « تحفه سلیمانیه » می باشد و در سال ۱۳۰۱ در طهران چاپ شده است .

- ۲ - شرح یا ترجمه محمد صالح روغنی قزوینی از علماء او آخر قرن یازدهم هجری می باشد که نیز بفارسی است و در ص ۱۴-۱۶ معرفی کامل از آن گذشت .

- ۳ - ترجمه و شرح میرزای وقار پسر مرحوم وصال شیرازی متوفی به سال ۱۲۷۴ که بنظم فارسی است و در شیراز چاپ شده.
- ۴ - در مؤلفات فارسی علامه مجلسی (محمد باقر بن محمد تقی) شرحی بر این عهدنامه نام برده شده است.
- ۵ - محمد باقر بن محمد تقی نام رارساله ای است که در سلوک ولایة از اخبار ائمة اطهار ۴ بفارسی تألیف شده و تمام این عهدنامه را که بفارسی ترجمه و شرح کرده اند در آن گذارده و نسخه آن اخیراً جزء کتب این کتابخانه گردیده، شاید این رساله همان شرح و ترجمه مجلسی ره باشد.
- ۶ - مرحوم شیخ محمد عبده مفتی دیار مصر متوفی به سال ۱۳۲۳ این عهدنامه را شرح نموده و «مقتبس السیاسیة» نام نهاده و بسال ۱۳۱۷ در مصر چاپ شده است.
- ۷ - مرحوم حاج شیخ محمد سلطان متوفی بسال ۱۳۵۴ که عالمی واعظ و واعظی عالم بودند بر این نامه شرحی نگاشته و نسخه آن نزد فرزند خلف ایشان آقای ملک خلاق در طهران موجود و نام آن «اساس السیاسیة فی تأسیس الریاسة» است.
- ۸ - شیخ محمد هادی بن محمد حسین قائنی بیرجندی که از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی (محمد حسن) ره و از معمرین علمای فعلی ایران میباشند بسال ۱۳۳۳ این عهدنامه را بفارسی ترجمه و با ترجمه ادب الکبیر تألیف ابن مقفع که نیز خود ایشان ترجمه نموده اند بسال ۱۳۱۵ شمسی در طهران چاپ شده است.
- ۹ - محمد حسین بن علینقی همدانی این خطبه را بسال ۱۳۰۸ که زین العابدین خان حسام الملك والی ایالت کرمانشاهان بوده بنام وی بفارسی ترجمه و شرح نموده بدین مناسبت آنرا «هدایات الحسام فی عجائب الهدایات للحکام» گذارده و گوید که مجموع این اسم موافق با تاریخ کتاب است، نسخه ای از این شرح را آقای اسفندیاری (حاج محتش السلطنه) رئیس محترم دورة یازدهم مجلس شورای ملی دارند و بسال ۱۳۱۱ نوشته شده و ضمیمه آن رساله ای از همین مؤلف بفارسی در علم فراست یاقیافه میباشد که بر حسب خواهش شاهزاده عزالدوله عبدالصمد میرزا تألیف گردیده و آغاز این رساله اینست:
بسمه الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی، فراست برد و قسم است الیه نوره و طبعیه مزاجیه اما فراست الیه نخ.

۱۰ - در المآثر والاثار ص ۱۸۶ نگاشته شده که میرزا ابراهیم بن محمد مهدی بدایع نگار را شرحی بر عهدنامه مالک اشتر مییابد که بچاپ رسیده و نسخه‌ای از شرح این عهدنامه در کتابخانه حضرت رضا (ع) موجود و مؤلف فهرست آنجا نوشته که بسال ۱۲۶۲ وقف گردیده و دیباچه و خطبه ندارد و محتمل است که همان ترجمه مذکور در المآثر والاثار باشد و آغاز آن این :

(هذا ما امر به عبدالله امير المؤمنين مالك بن الحارث الخ) و انجام آن اینست :
(و درود فرستد خدای بر او درود فرستادن بسیار) .

۱۱ - نسخه‌ای از ترجمه این عهدنامه در کتابخانه مجلس موجود و در مقدمه آن مترجم خود را فقط بدایع نگار معرفی نموده و سال تألیف را ۱۲۷۳ معین کرده و فارسی بسیار سلیس و روانی است و آغاز و انجام آن با نسخه پیشین مختلف مییابد و آغاز نسخه این جمله : بسمله چون در سال چهارم هجرت رسول صلوات الله و سلامه علیه مصر و اعمال مصر بر محمد ابی بکر بر آشفت و او را بدان صفت که در تاریخ مغازی عرب مسطور است بسوختند الخ .

و آغاز ترجمه عهدنامه این : بسمله این فرمان بنده خدا امیر المؤمنین علی است بسوی مالک بن حارث النخعی در آن عهد که بدو نبشت الخ . و انجام نسخه اینست : و در قبول این عهود و امضاء این حکم که یکان یکان بر تو شمردم و هر یک را دلیلی روشن و حجتی قاطع آورده سعی خویش بکاربری و شرط اجتهاد مرعی داری و انا اسئل الله بسعة رحمته و عظیم قدرته علی اعطاء کل رغبة ان یوفقنی و ایاک والسلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله الطاهرین، اللهم اغفر لراقمه الفقیر عبدالغفار التوسرکانی
فی سنه ۱۲۹۷ .

بنا بر اینکه آغاز و انجام این ترجمه با نسخه کتابخانه رضویه اختلاف دارد معلوم میشود که دو ترجمه است و شاید که ترجمه میرزا ابراهیم بدایع نگار نسخه مجلس باشد و ترجمه ای که در کتابخانه رضویه است از دیگری و تواند بود که عکس این باشد

و مانعی ندارد و نفر که ملقب به بدایع نگار بوده اند این عهدنامه را ترجمه کرده باشند و بدایع نگار مقام و لقبی بوده و اکنون هم بدین نام و لقب دانشمندی در طهران میباشد :
 ۱۲ - محمد جلال الدین این عهدنامه را بترکی نظم بسته و بسال ۱۳۰۴ در اسلامبول چاپ شده .

دو شرح بر خطبه همام یا خطبه المتقین

- ۱ - تألیف میر آصف قزوینی که در ایام فتنه افغانه در اصفهان وفات یافته است .
- ۲ - تألیف آقا شیخ مهدی قمشه ای متخلص به الهی دام ظلّه است که اینک یکی از اساتید فلسفه در دانشکده معقول و منقول میباشند و از مفاخر این عصر شمرده میشوند و گذشته از فضائل صوری دارای معنویات بسیار پسندیده ای هستند و توان ایشان را خداوند اخلاق خواند و این شرح و ترجمه بنظم فارسی است چند بیت از آغاز آنرا در اینجا میآوریم :

بنام ایزد پیدا و پنهان	روان بخش تن، افروزنده جان
خداوندی که عالم آفریده	جهان در جان آدم آفریده

.....

شنیدم عاشقی پروانه خوئی	بآئین محبت راست گوئی
رفیق خلوت آن سلطان دین را	حریف صحبت آن عشق آفرین را

شرح خطبه قاصه

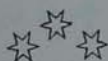
چنانکه در ص ۱۰۸ گذشت عبد الکریم بن محمد یحیی قزوینی بمناسبت جمله ای از این خطبه که در مذمت کبر و حسد بوده در کتاب نظم الغرر و نضد الدرر تمام این خطبه را نقل نموده و بشرح و ترجمه آن پرداخته و نسخه آنرا فقط در کتابخانه مدرسه سپهسالار سراغ دارم .

شرح خطبه طتنجیه

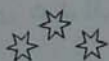
خطبه ای که بنام طتنجیه معروف گردیده در نهج البلاغه نیست و آنرا سید کاظم رشتی متوفی بسال ۱۲۹۵ که از شاگردان مرحوم شیخ احمد احسائی متوفی بسال ۱۲۴۰ و یکی از رؤسای شیخیه بوده اند، شرح نموده و بسال ۱۲۷۰ چاپ شده است .

شرح و ترجمه بعضی از خطب و مکاتیب

- ۱- در فهرست معارف نوشته شده که شیخ محمد علی بن شیخ ابی طالب زاهد جیلانی اصفهانی متوفی در بنارس بسال ۱۱۸۱ بعضی از خطب حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را بفارسی شرح کرده اند.
- ۲- محمد تقی لسان الملك در ذیل شرح حال و وقایع تاریخی حضرت مولی امیر المؤمنین علی علیه السلام از کتاب ناسخ التواریخ (مجلد دوم) خطب و مکاتیبی از آن حضرت را نقل و بترجمه فارسی آنها پرداخته است.
- ۳- میرزا جهانگیر خان ناظم الملك آذربایجانی متخلص به ضیائی متوفی بسال ۱۳۵۲ که از اهالی آذربایجان بوده بسال ۱۳۲۹ سه وصیّت نامه حضرت مولی امیر المؤمنین ع خطاب به فرزند خویش حضرت حسن مجتبی علیهما السلام را به نظم فارسی ترجمه و شرح کرده و در همان سال در اسلامبول در ذیل اصل وصیّت نامه ها چاپ گردیده است.



بیش از آنچه در اینجا نام برده شد نگارنده بر شروح و ترجمه های قسمتهائی از نهج البلاغه و خطب و مکاتیب حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام دست نیافت، اینک بر آنچه از شروح و ترجمه های کلمات قصار آن حضرت دست و خبر یافته در اینجا تذکر میدهد که تاحدی این شرح و مطالب که در اطراف نهج البلاغه نوشته شده جامع باشد.



- ۱- نخستین کس که بجمع کلمات قصار حضرت علی ع مبادرت نموده جاحظ متوفی بسال ۲۵۵ بوده که بنام «مائة کلمه» مشهور گردیده و در ص ۷۸ تا ۸۱ معرفی از آن و دو شرحی که دارد شد و نیز در ص ۶۹ تا ۷۱ ترجمه های آنرا نیز تذکر دادیم و مکرر با ترجمه و بی ترجمه چاپ گردیده است.
- و در کشف الظنون ص ۷۸ ج ۲ آمده که مصطفی بن محمد معروف به خواجگی زاده صد کلمه امام علی بن ابیطالب ع را بترکی شرح کرده است.
- ۲- نشر اللائی است که مؤلف آنرا ابوعلی طبرسی یا علی بن فضل الله راوندی با قطب راوندی نوشته اند و راجع باین کتاب و ترجمه های آن در ص ۱۰۲ تا ۱۰۴

شرحی نگاشته شد و این مجموعه بترتیب حروف تہجی درسی باب مرتب شده و ہر بابی مشتمل بر چندین کلمہ از کلمات قصار میباشد و بسال ۱۳۱۲ چاپ شدہ است .

شیخ عبدالسلام احمد القویسی کہ از دانشمندان نیمہ اول قرن چہار دہم ہجری بودہ اند در ص ۱۳ تا ۲۲ کتاب « مرقی التجاہ فی قواعد الکتابہ » کلمات قصاری از حضرت علی ع نقل و آنکلمات نثر اللآلی میباشد و کتاب مذکور بسال ۱۳۲۸ در مصر چاپ شدہ است .

جز آنچه در صفحات مذکورہ بالا از شروح و ترجمہ ہای این مجموعہ نامبردہ شدہ نثر اللآلی ترجمہ ہای ذیلرا نیز دارد :

۱ - ابن ساوجی ابوالمحاسن محمد بن سعد بن محمد بن نخجوانی بسال ۷۳۲ ہریک از کلمات قصار نثر اللآلی را بیک بیت فارسی ترجمہ نمودہ و مؤلف کتاب دانشمندان آذربایجان در ص ۲۱ آورده کہ نام آن « بدرۃ المعانی فی ترجمۃ اللآلی » میباشد و بسال ۱۳۱۵ در اسلامبول چاپ شدہ است .

۲ - در فہرست کتب عربی لندن نوشتہ شدہ کہ یوسف نصیب نثر اللآلی را بترکی ترجمہ نمودہ و نام آنرا « رشتہ جواہر » گذاردہ و بسال ۱۲۵۷ در اسلامبول چاپ شدہ است .

۳ - نیز در فہرست مذکور است کہ معلّم ناجی کلمات قصار فوق را بترکی ترجمہ نمودہ و بنام « امثال علی » بسال ۱۳۰۳ در اسلامبول چاپ گردیدہ است .

سوم از کلمات قصار

غرر الحکم و دررالکلم آمدی است کہ نیز در ص ۷۶ تا ۷۸ معرفی از آن گذشت ، این مجموعہ بیش از (۴۰۰) بیت کتابت دارد و آقا جمال خونساری (رہ) بر آن شرحی فارسی نوشتہ و در ص ۳۴-۳۶ معرفی از آن گردید و آقا میرزا محسن خوشنویس (عماد الفقرا) متخلّص بحالی کہ از معاصرین و فضلاء کنونی و از مردمان اردبیل و ساکن آنشہر میباشد آنرا بفارسی ترجمہ کردہ اند .

۴ - عیون الحکم و المواعظ و ذخیرۃ المتّعظ و الواعظ است کہ در ص ۷۴-۷۶ ہمین مجلد معرفی از آن گردید ، این کتاب مشتمل بر (۱۳۶۲۸) کلمہ از کلمات قصار میباشد

و درج ۱ فهرست ص ۳۸۳-۳۸۶ مقدمه آنرا نقل نموده ام، لسان الملك سپهر در آخر یکی از مجلدات ناسخ التواریخ (جلد دوم - احوال حضرت امیر ع) با ترجمه فارسی پاره ای از آن کلمات بدون نام و اشاره به مؤلف، عیون الحکم را نقل نموده و این مجلد بسال ۱۲۸۹ چاپ گردیده است.

مؤلف عیون الحکم چنانکه پیش دانسته شد علی بن محمد اللیثی و الواسطی میباشد ولی مؤلف وقایع الایام تصور نموده اند که لسان الملك خود بجمع آن کلمات موفق شده و عباراتی که ناشر در ابتداء آن کلمات نگاشته نیز موهم این تصور هست ولی نگارنده آنرا شناخت و با نسخه این کتابخانه مطابقه و مقابله نمود، عین آن کتاب بود، و این خود موجب خورسندی است که این کتاب نفیس (عیون الحکم) بچاپ رسیده است.

۵ - عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی معاصر شاه سلطان حسین صفوی کلمات قصار موجوده در غرر الحکم را در تحت ۹۹ باب که هربابی راجع بیکى از مباحث و موضوعات خاص میباشد مرتب نموده و پس از آن بفارسی شرح کرده اند و در ص ۱۰۵-۱۱۲ بنام «نظم الغرر و نضد الدرر» معرفی از آن گذشت.

۶ - ابن ابی الحدید پس از شرح کلمات قصار موجوده در باب سوم نهج البلاغه هزار کلمه قصار از آن حضرت ع جمع و بدون شرح و بسط در آخر شرح خویش گذارده و جداگانه بسال ۱۳۲۹ در بیروت چاپ گردیده و خود جامع در مقدمه آن گفته اند که بسیاری از این کلمات مسلماً از آن حضرت و برخی هم گرچه کلام آنحضرت بودن آنها مسلم نیست ولی چون مشتمل بر حکمی بود بنقل آنها مبادرت گردید.

محدث معاصر آقای حاج شیخ عباس قمی سلمه الله صد کلمه از این کلمات را انتخاب و آنها را بفارسی شرح و ترجمه نموده، بسال ۱۳۵۳ بنام «صد کلمه» در طهران چاپ گردیده و در مقدمه آن مذکور است که تمام هزار کلمه را نیز بفارسی ترجمه و شرح کرده اند.

۷ - سید شهرستانی نگاشته اند که بر حسب خواست جمعی امین نخله که از فضلاء میباشند نیز صد کلمه از کلمات قصار حضرت (ع) را انتخاب کرده و در مقدمه

آن اظهار عجز نموده که متحیرم از این دُرر شاهوار کدام يك را برگزینم .

۸ - حسین بن یوسف هروی که بگفته مؤلف کتابخانه رضویه از علماء قرن دهم هجری بوده چهل کلمه از کلمات قصار حضرت ۴ راهريك بيك رباعی فارسی ترجمه نموده و نسخه آن که بسال ۹۵۲ نوشته شده در آن کتابخانه موجود است .

۹ - مکتبسی شیرازی که لیلی و مجنون او مشهور است شصت کلمه از کلمات قصار حضرت را بفارسی نظم بسته و پس از ترجمه، تمثیلی نیز بنظم برای توضیح هريك آورده و مجموع اشعار آن (۱۵۰۰) بیت میباشد و نسخه آن که بسال ۱۰۳۶ نگارش یافته در کتابخانه استاد معظم آقای ملك الشعراء بهار موجود و بنام « کلمات علیّه غرّا » بهمت آقای کوهی کرمانی بسال ۱۳۱۳ شمسی در طهران چاپ گردیده و نسخه چاپی آن در تحت شماره (۴۰۰۰) در این کتابخانه میباشد .

۱۰ - در وقایع الایام نوشته شده که مولی میرالقاری الکوکی الجیلانی از معاصرین شاه عباس بوده و کتابی بنام « زبدة الحقائق » دارد که مشتمل بر ابوابی چند بعربی و فارسی است و یکی از ابواب آن بنام « باب کلمات حضرت پیغمبر ص و الفاظ حضرت علی بن ابیطالب ع » است و تألیف این کتاب برای سلطان احمدخان حاکم گیلان میباشد و قسمتی از آنرا مؤلف وقایع الایام در تبریز دیده اند .

۱۱ - الفرائد والقلائد نیز مجموعه ای از کلمات قصار حضرت علی (ع) میباشد و جامع آن چنانکه در مقدمه عیون الحکم والمواعظ ثبت گردیده قاضی ابویوسف یعقوب بن سلیمان الاسفرائینی است و نسخه آن در کتابخانه مدرسه مروی در طهران موجود و نگارنده آنرا زیارت نموده و با احتمال دانشمند فرزانه آقای امین عراقی رئیس محترم آن کتابخانه از خطوط اواخر قرن ششم هجری است .

۱۲ - کمال الدوله محمد حسن قاجار در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار پاره ای از کلمات قصار حضرت را که جنبه اخلاقی و اجتماعی داشته بفارسی ترجمه کرده و آنها را بحروف تهجی مرتب نموده و مجموع آن کلمات (۴۳۰) جمله میباشد و آنرا « ابواب الحکم » نامیده و بسال ۱۳۱۹ در طهران چاپ شده و در آخر برای تیمّن و تبرک عین الفاظ یکی از کلمات حضرت (ع) را نقل نموده و آغاز آنجمله اینست : ثمانية ان اهینوا فلا یلوموا الا انفسهم الخ .

۱۳ - آقای حاج سید عبدالله بهبهانی دام عمره **که** از علماء فعلی ایران و ساکن بندر بوشهر میباشند نیز پاره‌ای از کلمات قصار را انتخاب و بترجمه فارسی آنها مبادرت نموده و نام آنرا «محفظة الانوار» گذارده و بوسیله دانشمند معظم آقا شیخ عبدالکریم سعادت بسال ۱۳۴۳ در شیراز چاپ شده است.

۱۴ - آقای مورخ الدوله (احمد علی سپهری) دسته‌ای از کلمات قصار را که جنبه عملی و اخلاقی داشته (در حدود ۵۷۰ کلمه) بنظر خویش انتخاب کرده، پس از آن بفارسی بسیار فصیح و روان و فرانسه ترجمه نموده و مقدمه شیوائی در معرفی از صاحب آن کلمات، آفتاب جهان دانش و پادشاه پرهیز کاران حضرت مولی‌الموالی امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز بفارسی و فرانسه نگاشته و تا کنون در طهران بنام «کلمات قصار» چندبار چاپ گردیده است.

در خاتمه این قسمت لازم است نیز تذکر داده شود که حضرت سید رضی رضی الله عنه و اعلى الله مقامه چنانکه خود در مقدمه نهج البلاغه تذکر داده اند و در ص ۱۲۲ ترجمه آن گذشت قسمتی از کلمات قصار و آثار آن حضرت (ع) را در آخر بابی از ابواب کتاب خصائص الائمه که شامل حالات و فضائل حضرت می باشد نقل نموده و چنانکه گذشت در نهج البلاغه هم ۹۸ کلمه از کلمات قصار را با شرح موارد لازمه‌ای از آنها جمع آوری فرموده اند.

آقا شیخ احمد کاشانی **که** اینک در حدود شصت سال دارند و در مدرسه نجم آبادی واقع در محله سنگلج طهران ساکن میباشند از بیست سال پیش تا کنون فهرستی بر نهج البلاغه بنام «کشف الستاره عن نهج البلاغه» تألیف و آنرا در مقدمه‌ای و دو مقصد مرتب نموده و مقدمه را در تطبیق اصول ابن ابی الحدید با نهج البلاغه فعلی قرار داده و مراد از این تطبیق اینست که در شرح ابن ابی الحدید خطب و مطالب نهج البلاغه مقدم و مآخر است و از اینرو محی الدین خیاط در شرح خویش تصور نموده که ابن ابی الحدید بعضی از خطب را شرح نکرده، آقای کاشانی باین تقدیم و تأخیر برخورد کرده و در این مقدمه تمام مندرجات نهج البلاغه و شرح حدیدی را با ذکر اینکه هر یک در کدام صفحه واقع شده تذکر داده اند و **مقصد اول** در مطالبی است که در اصول دین و مذهب (توحید و نبوت و معاد و عدل و امامت) در نهج البلاغه موجود است. **مقصد دوم** در سائر مطالب

از فروع و مواعظ و غیره است که بترتیب حروف تهجی مرتب شده و نگارنده پاکنویس آنرا تا حرف ع دیده، و گذشته از تعیین صفحات نهج البلاغه در بسیاری از موارد عین عبارات نهج البلاغه و یا مختصری از آنرا نیز درج نموده‌اند. نگارنده بیش از آنچه در اینجا مندرج گردید از شروح نهج البلاغه و اجزاء آن و کلمات قصار سراغ نیافت (در ذیل شروح عهدنامه مالک شرح ملا ابوالحسن عاملی که از علماء قرن دوازدهم بوده و جد صاحب جواهراند و در ص ۳۳ و ۳۴ معرفی از آن گذشت بعلمت فراموشی تذکر داده نشد بنا براین، این شرح سیزدهمین شرح و ترجمه ایست که از این عهدنامه معرفی نموده ایم و چهاردهمین شرح و ترجمه بنام «دستور حکومت» است که بخواست میرزا محمودخان طباطبائی تبریزی (علاءالملک) شیخ احمد ادیب کرمانی مؤلف «سالار نامه» بفارسی نوشته و مرحوم محمد حسین فروغی (ذکاءالملک) آنرا انشاء و بسال ۱۳۲۱ در طهران چاپ شده است) امید است که این خدمت کوچک در نظر صاحب کلمات مورد قبول و در نظر دانشمندان مقبول افتد. اینک به وعده‌ای که در آغاز بحث داده ام وفا و شروع بنگارش شرح مختصری از حالات جامع محترم نهج البلاغه می‌گردد:

سید رضی رحمه الله علیه (ابوالحسن، ذوالحسین، الشریف الاجل، نقیب العلویین، محمد بن الطاهر ذوالمناقب ابی احمد **الحسین** بن موسوی بن محمد بن ابراهیم المرتضی ابن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب سلام الله علیهم اجمعین) از اعظام سادات موسوی و مفاخر علم و ادب و از پرهیزکاران و نوابغ دوره و زمان خویش بوده، بسال ۳۵۹ در بغداد متولد شد، چند ماهی بیش از ده سالگی وی نگذشته بود، که زبان سرودن اشعار گشود، در اندک مدت گوی سبقت از گذشتگان ربود، دانشمند شهیر ثعالبی در یتمیة الدهر با اینکه در هنگام تألیف آن کتاب بیش از ۲۵ سال از عمر **رضی** نگذشته و در عنفوان جوانی بوده برای نخستین بار ویرانهایت ستوده و منتخبی از اشعارش را زینت بخش مؤلفه خویش نموده است و گوید: ابوالحسن الموسوی محمد بن حسین امروز برومندترین جوانان این عصر و نجیب‌ترین سادات عراق می‌باشد و از همه طالبین گذشته و کنونی در شاعری برتری دارد با آنکه در آنها شعرای بسیار بزرگی بوده و اگر بگویم اشعر قریش می باشد از راستی برکنار نرفته‌ام الخ. تا کنون آنانکه بنوشتن رجال علم و ادب مبادرت نموده نام سید رضی (ره) را

در آن دفتر ثبت و بشرح مکارم اخلاق و صفات و عظمت روحی و ادبی و علمی این بزرگ پرداخته اند، جز چند نفری که بواسطه تألیف نهج البلاغه و نقل شکایات آن حضرت از معاصرین در آن کتاب، بر وی خشم ورزیده و کوچکترین یادی از او نکرده اند (مراجعه بصفحه ۱۱۴ همین فهرست شود).

بسال ۳۸۰ (۱) مقام نقابت علویین و اماره حاج و نظر در مظالم را که از مشاغل پدر بود در زمان حیات او دارا شد و بگفته ثعالی بقصیده‌ای (انظر الی الايام کیف تعود) پدر را از این بر گذاری شکر گزاری کرده و گویند از هیچکس حتی از پدر خویش هدیه‌ای (۲) نپذیرفت و پیش خلیفه الطائع (۳۶۳-۳۸۱) و القادر (۳۸۱-۴۲۲) محبوب بود، فخر المملک وزیر بهاء الدوله و دیگر اعیان دولت بنظر احترام و تجلیل بی نهایت بایشان می نگریستند، (بمقدمه شرح ابن ابی الحدید مراجعه شود) در حریت ضمیر و عظمت روحی نظیر نداشته با اینکه آل بویه الطائع را از خلافت معزول و تا بمرد محبوس داشتند در تأسف از عزل و رثاء او دو قصیده عالیجنابانه انشاء و از نکبت وی اظهار تأسف و تلهف کرده است (ص ۳۷۶ - ۳۷۹ دیوان مراجعه شود) و در قصیده ای که القادر خلیفه را مدح گفته و بدین شعر ابتداء گردیده :

لَمَنْ الْحَدُوجُ تَهْزَهُ الْاَنِيقُ وَالرَّكْبُ يَطْفُو فِي السَّرَابِ وَيَفِرُقُ (۳)

علو همت و عظمت خویش را اظهار و چند بیت آخر آنرا که حاکی از آنست در این جا نقل میکنم :

عطفاً امیر المؤمنین فائدا	فی دوحه العلیاء لا نتفرق
ما بیننا یوم الفخار تفاوت	ابداً کلانا فی المعالی معرق
الا لاخلایة میز تک فائنی	انا عاقل منها وانت مطوّق

نوشته اند چون خلیفه این شعر اخیر را شنید گفت : علی رغم انف الشریف .

(۱) در یتیمه الدهر و تمام کتب سال نقابت سید ۳۸۰ ثبت شده ولی جرجی زیدان در تاریخ الادب اللغة العربیه ج ۲ ص ۲۵۷ و ۲۵۸ و بتمعی وی فرید وجدی در دائرة المعارف ج ۴ ص ۲۵۱ نقابت او را بسال ۳۸۸ نوشته اند و ظاهراً از وفیات الاعیان گرفته اند صحت تاریخ اول مسلم است .

(۲) استاد وی بالطائف الحیل خانه ای بایشان هدیه کرد به مقدمه تفسیر سید و ابن ابی الحدید یا روضات مراجعه شود .

(۳) ابتداء ابن قصیده را جرجی زیدان در ج ۲ تاریخ آداب اللغة العربیه ص ۲۶۷ همین شعر که نقل کردید دانسته و در تاریخ آداب العربیه ص (۲۷۹ - ۲۸۱) آغاز این قصیده این است : لله وم اطلعت به العیلا عاماً یزاول بالعیون و یرشق

میان سید با ابواسحق صابی متوفی بسال ۳۸۴ که از پیر مردها و ادباء شهر بود دوستی فوق العاده برقرار و با اینکه صابی مذهب بود و آنچه دلیل و برهان اقامه و وسیله انگیزته شده بود مسلمان نگردید و بدیانت اصلی خویش پایدار بود بپاس احترام دوستی و مقام علمی و ادبی ویرا رثائی بسیار فصیح گفته و تعالیهی در ذیل شرح حال صابی بسیاری از آن قصیده را آورده و چون بر قبر او گذر کرده ایماًتی نیز انشاء نموده که در دیوان سید موجود است.

میان اشعار سید و مهیار دیلمی شاعر مشهور ایرانی متوفی بسال ۴۲۸ که از شاگردان سید بوده و بدست رضی از بحوسیبت بقبول دیانت اسلام مفتخر گردیده (وفیات الاعیان ج ۲ ص ۱۴۹) مقایسه کنند و گویند که اشعار خوب مهیار بهتر از اشعار خوب سید رضی است جز اینکه اشعار سید همه خوب و یک نواخت است.

اگر چه سید رضی (ره) مشهور به ادب و شعر گردیده ولی بگفته یکی از دانشمندان: سید رضی عالمی است که شعر وی بر علمش غلبه نمود و سید مرتضی شاعر است که علمش بر شعر وی چیره شد و هر یک بدان مشهور گشته اند.

تفسیر حقائق التأویل وی که جزء پنجم آن فقط تا بحال بدست آمده و بهمت انجمنی علمی بنام «منتدی النشر» در نجف اشرف منتشر شده بهترین گواه بر سعه اطلاع و معلومات غیر ادبی او نیز می باشد و چنانکه در کتب سیر نگاشته شده پیش حضرت شیخ مفید محمد بن نعمان ره متوفی بسال ۴۱۳ و جمعی دیگر از بزرگان که در تفسیر مذکور بمناسبت نام برده شده اند بتحصیل اشتغال داشته و چنانکه نیز نگاشته اند محفلی خاص و مدرسه شبانه روزی بنام «دارالعلم» در خانه وی بوده که تمام احتیاجات مادی و معنوی طلاب آنرا سید خود متکفل بوده است. و چنانکه از این بیت سید برمی آید از اینکه بشعر و شاعری مشهور گشته خود راضی نبوده و آن اینست:

مالك ترضی ان تكونَ شاعراً بعداً لها فی عدد الفضائل

بهر حال علو مقام و عظمت سید رضی بیش از آنست که نویسنده کوچکی چون نگارنده بتواند بزرگی ایشان را نگارش دهد و فصل ترین شرح حال و ترجمه ای که برای این عالم جلیل نگاشته شده بقلم دانشمند معاصر و عالم جلیل شیخ عبدالحسین

حلی بلغت عربی می باشد که در مقدمه تفسیر مذکور ایشان اخیراً در نجف اشرف در ۱۱۲ صفحه چاپ گردیده و در آنجا است که بهاء الدوله بسال ۳۸۸ سید رضی را « شریف اجل » لقب داد و در سال ۳۹۲ از واسط امر کتبی داد که وی را « ذی المنقبین » بخوانند و در سال ۳۹۸ او را « الرضی ذی الحسین » لقب داد و سید رضی بهاء الدوله را بدان سبب در قصیده ای مدح گفته است .

پیش از آنکه یکی از القاب فوق ملقب گردد « موسوی » را پس از نام وی می آورده اند و مخصوصاً در یتیمه الدهر بنام ابوالحسن الموسوی محمد بن الحسین نام برده شده اند .

مؤلفات سید رضی را نجاشی ، ابن شهر آشوب ، مؤلف تاریخ بغداد ، صاحب روضات ، صاحب لؤلؤ البحرین ، صاحب شذرات الذهب ، یافعی ، ابن خلکان و صاحب عمدة الطالب هر یک بعضی را ثبت نموده ولی دانشمند فرزانه شیخ عبدالحسین حلی همه را نام برده و بهمان ترتیب که ایشان نام برده اند مانیز در اینجا آنها را می آوریم :

۱ - نهج البلاغه (همه آنرا نام برده اند) - ۲ - خصائص الائمه (بعضی آنرا بنام خصائص نامیده اند) - ۳ - مجازات الاثار النبویه - ۴ - تلخیص البیان عن مجازات القرآن - ۵ - حقائق التأویل فی متشابه التزیل (۱) - ۶ - سیره والده الطاهر

(۱) ابن شهر آشوب متوفی بسال ۵۸۸ این کتاب را بهمین نام در ص ۴۴ معالم العلماء (چاپ آقای اقبال آشتیانی) ذکر نموده و نجاشی متوفی بسال ۴۵۰ در رجال خویش (ص ۲۸۳ چاپ بمبئی) و صاحب روضات و امل الامل بنقل از نجاشی آنرا بنام « حقائق التزیل » نامیده اند و در عمدة الطالب مؤلفه بسال ۸۰۲ نام این تفسیر نیست ولی در آنجا کتابی بنام « المتشابه فی القرآن » ذکر شده و صاحب لؤلؤ البحرین نیز آنرا ذکر نموده و صاحب روضات از آن دو بیروی نموده و گویند که سید رضی خود در کتاب مجازات الحدیث مطلبی راجع بعصمت انبیاء (ع) بتفسیر خود که بنام « متشابه القرآن » می باشد حواله داده است ، نگارنده را عقیده آنست که نجاشی نام تفسیر را مختصراً بحذف قسمت اخیر آن نقل نموده و « متشابه القرآن » نیز نام همین تفسیر است با تبدیل کلمه « تزیل » به « القرآن » وعدم ذکر قسمت اول اسم کتاب .

آقای شیخ عبدالحسین حلی در ص ۱۳ مقدمه این تفسیر که بسال ۱۳۵۵ در نجف اشرف چاپ شده تاریخ تالیف آنرا در حدود دو سال پیش از سال ۳۹۲ دانسته اند در صورتیکه مؤلف در همان تفسیر (ص ۱۶۷) مطلبی را حواله بکتاب نهج البلاغه که در خطب و مکاتیب و کلمات قصار حضرت (ع) می باشد حواله داده و می دانیم که نهج البلاغه بسال ۴۰۰ تالیف یافته بنابر این چون بر نسخه ای از این تفسیر که ماخذ چاپ می باشد عبارتی از سید بتاریخ ۴۰۲ نقل گردیده بدست می آید که تالیف آن تفسیر میان سال ۴۰۰ و ۴۰۲ بوده ولی نگارش آن نسخه بسال ۵۳۳ می باشد .

(در عمدة الطالب و لؤلؤ ذکر شده) ۷۰ - رسائل رضی (فقط آقای حلی در مقدمه تفسیر مذکور در ذیل شماره (۵) این مؤلفه را به سید رضی نسبت داده اند و در مؤلفات دیگر نامی از این کتاب نیافتم جز در شرح ابن ابی الحدید بنقل از ابن الخشاب در ذیل خطبه شقشقیّه که در ص ۱۱۶ ترجمه آن گذشت و شاید مراد ابن خشاب از « رسائل رضی » نسخه ذیل باشد) ۸۰ - مادر پینه و بین ابی اسحق الصابی (در عمدة الطالب و لؤلؤ البحرین نگاشته شده که در سه مجلد است) ۹۰ - کتاب الزیادات فی شعر ابی تمام (صاحب روضات این کتاب را ذکر ننموده ولی کتابی بنام « الجید من شعر ابی تمام » از مؤلفات سید شمرده و شاید مرادش از این نام همین کتاب باشد) ۱۰۰ - مختار شعر ابی اسحق الصابی ۱۱۰ - منتخب شعر ابن الحجاج بنام « الحسن من شعر الحسین » ۱۲۰ - اخبار قضات بغداد (این کتاب فقط در عمدة الطالب نام آن موجود است) ۱۳۰ - تعلیق خلاف الفقهاء ۱۴۰ - حاشیه بر ایضاح ابوعلی فارسی ۱۵۰ - دیوان شعر (۱) ۱۶۰ - معانی القرآن (۲) .

(۱) چنانکه ابن خلکان و دیگران نوشته اند جمعی بجمع آوری اشعار سید رضی مبادرت نموده اند و بهتر از همه آنست که ابو الحکیم خبری در چهار مجلد جمع آوری کرده است خبری منسوب به خبر باخاء معجمه مفتوحه و باء موحده تحتانی و راه مهمله است و اصطخری در کتاب خود گفته که خبر نام دو جا است یکی جزء کوره استخر و دیگری تابع کوره دارا بجر داست . پس از معاشرت عرب با عجم یاه فارسی به فاه بدل گردیده چون یارس = فارس . اسپهان = اصفهان . یسا = فسا و غیره و در فارسنامه ناصری گفتار ۲ ص ۱۹۶ نوشته شده که خفر واقع در نواحی اصطخر اصل آن خیر با یاه فارسی است .

و بعقیده نگارنده آنکه جزء کوره دارا بجر د بوده بایستی قصبه « خیر » با یاه مثلاً تحتانی باشد که بگفته فارسنامه ناصری در گفتار ۲ ص ۱۷۸ در شمال اصطهبانات واقع شده و دهات شمالی اصطهبانات در او افتاده است .

شرح حال ابو الحکیم درج ۳ طبقات الشافعیه سبکی ص ۲۰۳ بدین نحو ذکر شده است : ابو الحکیم خبری عبد الله بن ابراهیم بن عبد الله فقه را از شیخ ابو اسحق شیرازی فرا گرفت و در فرائض و حساب بسیار دانا شد و در آنها تألیفهای خوب نموده و کاملاً آشنا بقواعد عربیت بود و خط بسیار خوبی داشت و املاش در کمال صحت و درستی بود بشرح حماسه و دواوین چندی چون دیوان بختری متنبی و رضی موسوی و غیر از اینها پرداخت و احادیث بسیار استماع نمود و بوقایع تاریخی آشنا بود و آنها را نقل مینمود و سبط وی ابو الفضل محمد بن ناصر السلامی الحافظ از ایشان روایت نموده و ابو الحکیم کتابت قرآن مینموده و گویند (بقیه در زیر صفحه بعد)

وفات سید رضی را ابن ابی الحدید و شیخ طریحی در مجمع البحرین در کتاب
الالف باب الرء و شیخ محمد عبده و مؤلف تاریخ الادب العربی بسال ۴۰۴ و دیگران چون
نجاشی معاصر رضی و تمام شراح و مورخین در ششم محرم الحرام سال ۴۰۶ ثبت نموده اند
و این تاریخ اخیر صحیح و اشعاریکه با تاریخ در دیوان سید میباشد مؤید ما است .
نهج البلاغه مکرر در ایران و مصر با شرح و بدون آن چاپ گردیده است .
آغاز : بسمله اما بعد حمد الله الذی جعل الحمد ثمنا لنعمائه و معاذاً من بلائه و
سیلاً الی جنانه الخ .

انجام : و قال ء اذا احتشم المؤمن اخاه فقد فارقه . يقال حشمه و احتشمه اذا اغضبه
و قيل اخجله و احتشمه طلب ذلك له و هو مظنة مفارقتة و هذا حین انتهاء الغایه بنا الی

(بقیه از حاشیه صفحه قبل)

روزی چون آیه ای از قرآن کریم را نوشت قلم را از دست انداخت و گفت بخدا سوگند بدین طرز
مردن بسیار خوب و گوارا است و همان وقت جان بجان آفرین تسلیم نمود و این در ذیحجه
سال ۴۷۶ بوده انتهى .

و نیز در ص ۵۱۳ ج ۱ کشف الظنون نوشته شده که یکی از ادباء دیوان سید رضی را مختصر
کرده و نام آنرا « انشراح الصدر » گذارده و چنانکه در ص ۲۰۸ ج ۴ فهرست کتابخانه
خدیویه نوشته شده نسخه ای از این مختصر که بسال ۱۰۲۰ نگارش یافته در آن کتابخانه
موجود و نام انتخاب کننده آن را بدست نداده اند و جرجی زیدان در ص ۲۵۷ - ۲۵۸
ج ۲ تاریخ آداب اللغة گفته که سید رضی را کتابی بنام « انشراح الصدر » میباشد که
نسخه آن در کتابخانه خدیویه است و نسبت این کتاب به سید رضی بی اشکال نیست و نیز
در همان صفحات مذکوره نوشته اند که در کتابخانه اسکوریال مجموعه اشعاری بنام
« طیف الخیال » منسوب به سید رضی است . و ابو الحکیم را خیری با خاء معجمه بایاء مثناة
تحتانی ضبط کرده چنانکه فرید وجدی ویراحیری با حاء مهمله و یاء مثناة تحتانی ثبت نموده است .
(۲) آقای شیخ عبد الحسین حلی نام این کتاب را نبرده و در ذیل معرفی از « حقائق التاویل
فی متشابه التنزیل » در ص ۸۴ مقدمه آن نوشته اند : و کفی بقول معاصریه فیه : انه يتعذر
وجود مثله » و در معالم العلماء ابن شهر آشوب و شذرات الذهب و مرآت الجنان این عبارت
راجع به « معانی القرآن » از ابن جفی استاد سید رضی نقل گردیده و در معالم العلماء چنانکه
گذشت حقائق التاویل فی متشابه التنزیل و معانی القرآن را بنام دو مؤلفه از سید رضی
ذکر نموده است و صاحب لؤلؤ البحرین غیر از کتاب حقائق التاویل و کتاب المتشابه
فی القرآن که گفتیم هر دو یکی است کتابی بنام « تفسیر القرآن » به سید نسبت داده
و نگارنده را عقیده آنست که مراد ایشان از آن تفسیر همین « معانی القرآن » است .

قطع المختار من كلام امير المؤمنين عليه السلام و ذلك في رجب سنة اربع مائه من الهجرة و صلى الله على سيدنا محمد خاتم الرسل و الهادي خير السبل و آله الطاهرين و اصحابه نجوم اليقين .
(نگفته نگذريم كه سيدرضي بشرح مطالب مشكله نهج البلاغه پرداخته و بدین سبب خود وی اول شارح است) .

این بود آنچه نگارنده اینک توانائی یافت راجع باین کتاب بزرگ که مشتمل بر مطالب دنیوی و آخری است بنگارد و تا کسی آنرا با دقت مطالعه ننماید نخواهد دانست که در این گنجینه چه دُرر شاهوار و چه حقائق و اسرار بودیعت گذارده شده وفقنا الله و جميع المؤمنين للاستضاءة من انواره الباهره بحق صاحبه والعتره الطاهرة .

(۸۰۳)

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و از نسخ قدیمی این کتاب میباشد ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ولی ظاهراً در قرن پنجم یا اوائل ششم نوشته شده و در آخر هر باب مطالبی که در نسخ دیگر موجود نبوده با ذکر اینکه این موضوع از روی نسخه ای که در زمان مصنف نگارش یافته نوشته شده است ، تحریر شده و بر کنار صفحات و اوراقی که در بین آنها الصاق گردیده مطالب زیادی در شرح و توضیح عبارات کاتب نسخه نوشته است و بعضی از اوراق اوائل و اواخر کتاب و صالی گردیده است .

جلد تیماجی ضربی . کاغذ قدیمی حنائی . واقف سیه سالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق (۳۳۰) . صفحه (۱۳) سطر . طول (۲۶۰ سانتیمتر) عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۸۳) .

(۸۰۴)

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب ابو محمد بن شیخ صنعان در سنه (۱۰۷۲) نگاشته و در حاشیه تمام صفحات مطالبی در توضیح مطالب کتاب از شرح ابن میثم بخط شکسته خیلی خوب و در بعضی از صفحات شکسته نستعلیق نوشته شده و بر کنار صفحه ای که مشتمل بر بیان معنی انصار است کاتب حواشی چنین رقم نموده است : (کتبه هوشنگ بن ابوالملك بن فتحعلی شاه) و پس از ختم اصل کتاب و اضافاتی که منقول از نسخه مکتوبه در

عهد مصنف است کاتب اشعاری در مدح نهج البلاغه عربی سروده و مرقوم داشته که در ص ۱۱۹ نقل گردید و پس از این بعضی از مطالبی که در شرح ابن ابی الحدید و کافی و بعضی از کتب دیگر راجع خطب و مطالب این کتاب بوده کاتب متن نقل نموده چنانکه قبل از شروع بکتابت اصل کتاب هم خطبی و مطالبی را که در کافی و غیره نقل شده کاتب متن نگاشته است. دارای یک سر لوح زیبا و تمام صفحات بجدول بطلا و لاجورد و شذجرف میباشد و عناوین مطالب نیز با شذجرف نوشته شده است.

جلد تیماجی . کاغذ خانبالغ . قطع وزیری . واقف سیه سالار . شماره اوراق (۲۵۴) . صفحه (۱۵ سطر) . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۵ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۸۵) .

(۸۰۵)

این نسخه را محمد رضا بن علیخان الطریشی بخط نسخ خوب نهج البلاغه در سال (۱۰۹۳) نگاشته و مشتمل بر تمام کتاب است در ذیل تمام سطور ترجمه فارسی آنها بخط نستعلیق نگاشته شده و در حاشیه صفحات تعلیقاتی تحریر گردیده است و صفحه اول و دوم و صفحه آخر کتاب و صالی شده . و بر ورق که بعد از ورق آخر است در سال (۱۲۷۵) شرحی از کتاب اقبال راجع باعمال اولین جمعه ماه رجب، عبدالکریم بن میرزا محمد سعید اردستانی نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۰۸) . صفحه (۱۴) سطر . طول (۲۶ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۸۶) .

(۸۰۶)

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر تمام کتاب است نهج البلاغه پس از ختم کتاب کاتب کلمات و عباراتی نیز از حضرت علی ع نقل نموده و قسمتی از آن افتاده لذا نام کاتب بدست نیامد ولی کاتب پشت نخستین برگ شروع به تحریر را سال (۱۰۹۶) نوشته است . در حاشیه صفحات تعلیقات و حواشی بسیار بامضاء علاءالدین محمد که از معاصرین کاتب بوده از کتب لغة و تفسیر

و غیره نقل شده و ظاهراً امضا کننده سید گلستانه شارح نهج البلاغه (حدائق الحقائق) متوفی بسال ۱۱۰۰ می باشد بنابراین این نسخه نفاست دارد و آخرین سطر موجود آن اینست: (و قال اشد الذنوب ما استخف صاحبه و قال ما اخذ الله على اهله). جلد میشن. کاغذ اصفهانی. واقف سیه سالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۲۸۳). صفحه ای (۱۲) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۰۸۲). (۸۰۷)

نهج البلاغه این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده، کاتب نامی از خود و سال کتابت نبرده مابین سطور آن بقسمی فاصله گذاشته شده که شرح و ترجمه ملا فتح الله کاشی زیر هر سطر آن نوشته شود و قسمتی از آن شرح هم بر اوراق اولیه این نسخه مرقوم گردیده و در صفحاتی که مطالب ترجمه و شرح جای بیشتری میخواست بر اوراق خارج نوشته و بکتاب ملحق شده و مقدمه این شرح را قبل از شروع بکتابت اصل کتاب در چهار ورق بخط نستعلیق کاتب شرح نگاشته ولی ورق اول را که ظاهراً مشتمل بر سرلوحی بوده پیش از سال (۱۲۷۷) که تاریخ دخول این کتاب در کتابخانه اعتضادیه است بیرون آورده اند. پس از ختم کتابت متن بعضی از مکاتبات حضرت در جواب معویه با نقل نامه او و داستان طرماح با ترجمه فارسی آنها کاتب نسخه نگاشته و ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است. عناوین و بعضی از مطالب با طلا و شنجرف تحریر گردیده و صفحات مجدول بطلا و لاجورد است.

جلد میشن. کاغذ دولت آبادی. قطع وزیری. واقف سیه سالار. شماره اوراق (۴۶۵). صفحه (۹ سطر). طول (۲۳ سانتیمتر). عرض (۱۴ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۰۸۱).

(۸۰۸)

نهج البلاغه این نسخه را بخط نسخ خوب سید مرتضی بن نور الله کازرونی از روی نسخه که در سال (۵۸۷) به تصحیح محمد بن ابی نصر نام رسیده بوده بسال (۱۱۰۷) نگاشته و مشتمل بر تمام کتاب میباشد در حاشیه اوراق اولیه و بعضی از اوراق دیگر تعلیقاتی نگاشته شده و بر کنار صفحه اول شاهزاده

فرهاد میرزا در سال (۱۲۵۶) یادداشتی نموده . ورق اول و ورقی از اواسط و صالی گردیده کنار و پشت ورق آخر مطالب و ادعیه ای بخط نسخ نگاشته شده و دارای يك برلوح و تمام صفحات جدول بطلا و لاجورد است . جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۶۴) . صفحه (۱۹) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) عرض ($۱۶ \frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۸۴) .

(۸۰۹)

این نسخه بخط نسخ خوب محمدتقی در سال ۱۱۱۲ هجری نگاشته شده و مشتمل بر تمام کتاب است در حاشیه بعضی از صفحات مطالبی از شرح ابن میثم نقل گردیده تمام صفحات جدول بطلا است . جلد تیماجی مذهب . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق (۱۷۱) . صفحه ای (۱۸) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۹) سانتیمتر . شماره کتابخانه (۳۰۸۹) .

(۸۱۰)

این نسخه کامل بخط نسخ نوشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، پس از ختم کتاب عهد نامه حضرت بمالك اشتر و دعاهائی ، همان کاتب نگاشته ، در آغاز و انجام نسخه چند ورق کاغذ نوشته است پشت آخرین ورق تولد دختر یکه بسال ۱۲۶۳ بوده یادداشت شده ، و خود نسخه بسال ۱۲۶۲ نگارش یافته و بنام خصائص الائمه بر این کتابخانه وقف شده و بر حاشیه نخستین صفحه کتاب تذکر داده شده ولی مسلماً نهج البلاغه است . جلد تیماجی . کاغذ فرنکی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۲۲) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳) سانتیمتر . شماره کتابخانه (۲۸۵۸) .

(۸۱۱)

این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲۶۳ نگاشته شده و کاتب از خود نام نبرده و مشتمل بر تمام کتاب میباشد ، همان کاتب پس از اتمام کتاب عهد نامه حضرت را بمالك اشتر نخعی نوشته است . جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق (۱۶۸) . صفحه (۱۷) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۸۷) .

(۸۱۲)

نهج البلاغه این نسخه کامل را بخط نسخ علی بن احمد حسینی بسال ۱۲۶۸ بر حسب امر سلطان حسین میرزا نوشته و عناوین خطب و مطالب با شذیجرف است .

جلد چرمی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۷۳) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۹۴) .

(۸۱۳)

نهج البلاغه این نسخه بخط نسخ ابوالقاسم بن محمد در سال ۱۲۸۵ نگاشته شده و مشتمل بر تمام کتاب است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سیه سالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق (۲۰۳) صفحه (۱۵) طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۹۰) .



فصل لغات

[۳۳۹] بدایع اللغه (ترکی بفارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه خود در مقدمه تصریح نموده ایمانی متخلص به طالع است، وی بر آن شده که لغات جغتائی و مغولی را که امیر علیشیر نوائی در اشعار خویش آورده بفارسی ترجمه نماید و در هنگام شروع تصمیم نموده که پس از ترجمه هر يك از لغات يك يا چند بيت ترکی باستشهاد آورد و تا آخر چنین کرده و گذشته از این گاهی باشعار عربی تمثیل جست و این کتاب را خود « بدایع اللغه » نام گذارده و لغات را موافق حروف الفباء مرتب نموده و در (۳۵۰۰) بیت خاتمه داده است.

در فهرستهای موجود نزد نگارنده و مجمع الفصحاء و آتشکده و تحفه سامی و کشف الظنون و کشف الحجب و دیگر کتابها نام این کتاب و مؤلف آن را نیافتم ولی چنین بنظر میرسد که در همان عصر و زمان امیر مذکور و سلطنت سلطان حسین میرزای بایقرا (۹۰۸-۹۱۱) تألیف گردیده و در مقدمه عبارت ذیل تصریح بدان دارد: خصوصاً در اوان عنفوان بهار سلطنت خلاصه خاندان گیتی ستانی و نقاوه دودمان صاحبقرانی بلکه اسم اعظم نگین خاتم سلیمانی

شهی کزوی جهان را زیب و زین است شهنشاه جهان سلطان حسین است

شه انجم چشم دارای دوران نخستین وارث ملک سلیمان

میرزا مهدیخان منشی نادرشاه در مقدمه کتابیکه بنام « سنگلاخ » نیز در ترجمه فارسی لغات ترکی جغتائی و مغولی است که امیر علیشیر نوائی در اشعار خویش آورده، گوید: طالع نام هر وی نیز بجمع و ترجمه پاره ای از این کتاب پرداخته است

[نسخه خطی « سنگلاخ » تحت شماره (۱۴۱۲۰) دفتر و (۷۰۰) پشت نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود و چاپ نشده است] .

در ص ۳۶۷ ج ۲ فهرست رضویّه نسخه ای بنام « ترجمه لغات ترکی بفرسی » تألیف امیر علیشیر نوائی موجود است ، ولی مسلماً این کتاب (بدایع اللغه) نیست چرا که آغاز و انجام آن که در آنجا نقل گردیده با این کتاب موافقت ندارد و در تحفه سامی که بسیاری از مؤلفات امیر نام برده شده چنین کتابی به امیر علیشیر نسبت داده نشده است .

پشت نسخه ذیل ، از طرف مرحوم اعتضاد السلطنه بنام « لغت نوائی » معرفی گردیده ، و بهمین نام وقف بر این کتابخانه شده و با تصریح مؤلف بتسمیه آن به کتاب بدایع اللغه ، مسلماً این نام غلط است .

آغاز : بسمله طوطی شیرین مقال ، سخنی که از آشیان نیشکر قلم بال کشا گردد الخ .

انجام : ذاتی که خلاقه تیار فیض آندین عالم اهلی انچون سلامت بولسون .

(۸۱۴)

این نسخه بخط نستعلیق نگاشته شده ، نام کاتب و سال نگارش بدایع اللغه ذکر نگردیده ، پشت آخرین ورق صفحه ای مشتمل بر لغات ترکی و ترجمه آن بفرسی است ، از کلمه پائین صفحه ای که برای ربط کلام بصفحه بعد نوشته شده برمیآید که رساله ای در این قسمت ضمیمه بوده و آنرا برداشته اند ، بسال ۱۲۷۳ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت صفحه اول یاد داشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنکی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۴۲) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۴) .

[۳۴۰] برهان قاطع (فارسی)

این کتاب یکی از فرهنگهای مشهور فارسی و مؤلف آن محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به « برهان » میباشد که از شعرای قرن یازدهم هجری بوده و متوطن

هندوستان گردیده و از دیگر آثار وی اثری نیافتم، در این مؤلفه گذشته از لغات فارسی لغات ترکی و عربی و پهلوی و دری و غیره که در زبان فارسی استعمال میشوند آورده شده و نیز شامل کنایات و استعارات مستعمله در محاورات فارسی است و مؤلف در مقدمه تصریح کرده که لغات موجوده در فرهنگ جهانگیری و فرهنگ «مجمع الفرس» سروری و «سرمه صفاهانی» و «صحاح الادویه» حسین انصاری را که هر یک حاوی لغات چندین کتاب اند جمع آوری کرده و شواهد و مکررات آنرا انداخته و این کتاب را پرداخته و برهان قاطع نامید و این تألیف را بنام سلطان عبدالله قطب شاه بن قطب شاه، که از سلاطین قطبشاهی هند میباشد موشح کرده است. پیش از شروع در اصل کتاب که در بیست و نه گفتار و هر گفتاری در چندین بیان میباشد مطالبی را در نه فائده ذکر نموده و فهرست آن فوائد این است: **فائده اول** در بیان معرفت زبان دری و پهلوی و فارسی **فائده دوم** در بیان چگونگی زبان فارسی. **فائده سوم** در بیان تعداد حروف تهجی و تفرقه میان دال و ذال و صیغهاییکه در فارسی مقرر است. **فائده چهارم** در بیان تبدیل هر یک از حروف بیست و چهارگانه فارسی بحروف دیگر. **فائده پنجم** در ضمائر و آن در چند حرف بهم میرسد. **فائده ششم** در بیان حروف مفرده که در اوائل و اواسط و اواخر کلمات بجهت دریافت کلمات و معانی مقصوده بیاورند. **فائده هفتم** در ذکر حروف و کلماتیکه بجهت حسن و زیب کلام می آورند. **فائده هشتم** در معانی حروف و کلماتیکه در آخر اسماء و افعال بجهت حصول معانی گوناگون آورند. **فائده نهم** در بیان توصیف آنچه صاحبان املا را از دانستن آن گزیر نیست.

چنانکه هر مؤلفی را این بلا دست میدهد مؤلف برهان قاطع را اشتباهاتی در این جمع آوری رخ داده و جمعی برد او پرداخته و جمعی هم بحماییت وی برخاسته و این دو دسته کتابها نگاشته اند و دانشمند متبّع معاصر آقای تربیت درص ۶۸ و ۶۹ دانشمندان آذربایجان آنها را ذکر نموده و مناسب این است که در اینجا بنقل عین عبارت ایشان مبادرت نمائیم:

«برهان قاطع جامعترین فرهنگهای پارسی است مؤلف آن بعضی کلمات اجنبی و غیرپارسی را نیز که در نظم و نثر پارسی معمول بوده و هست همه را جمع آوری کرده و در این مجموعه مندرج ساخته است ولی مانند سایر فرهنگها محتاج به تنقیح و تصحیح است و لذا بعضی از ادبای نامی هند مانند غالب دهلوی و غیر او در خصوص این کتاب حواشی و تعلیقات عدیده بهناوین مختلفه مثل قاطع برهان و ساطع برهان و رافع هذیان (۱) و محرق قاطع برهان و قیغ تیر و قیغ تیز تر و غیر آنها مشتمل بر رد و انتقاد یکدیگر نوشته و نشر کرده اند

سید احمد عاصم عنتابی از فضلاء عثمانی نیز در اوایل قرن سیزدهم هجری این مجموعه را باسم **تبیان نافع** نقل بترکی کرده و در ضمن ترجمه بفرهنگهای معتبر موجوده نیز رجوع نموده و پس از اصلاح اغلاط و رفع شبهات مبلغی از لغات بر آن افزوده است و این تالیف او در تاریخ ۱۲۵۱ در قاهره مصر چاپ شده است . انتهى .

شماره لغات و کنایاتی که در گفتارهای پیدست و نه گانه برهان قاطع موجود است (۱۹۴۱۷) میباشد و بسال ۱۰۶۲ مؤلف از تالیف و جمع آوری آن فراغت یافته و خود در مقدمه تاریخ اتمام آنرا سروده و آن اینست :

چو برهان از سر توفیق یزدان مر این مجموعه را گردید جامع

پی تاریخ اتمامش قضا گفت کتاب نافع برهان قاطع = ۱۰۶۲

این کتاب مکرر در ایران و هندوستان چاپ شده و بهترین چاپهای آن چاپ سربی است که با کمال دقت تصحیح و در کلکته بسال ۱۲۳۳ چاپ شده و ملحقاتی نیز دارد ، نسخه شماره (۶۹) این کتابخانه از روی آن نسخه نوشته شده در ص (۱۶۵) این فهرست خصوصیات آن نگاشته شده مراجعه شود .

آغاز: بسمله:

ای راه نما بهر زبان در افواه یزدان و کرسطوس چو تگری و آله

از نام تو بردند زبانها بتوراه لا حول ولا قوه الا بالله

انجام: یعقوب بفتح یای حطی و عین بینقطه وقاف بواو کشیده و بیای ابجد

زده نام پیغمبری بوده مشهور و نام مردی بوده صاحب مذهب و مجتهد نصاری و

کبگ نر را نیز گفته اند که جفت کبگ ماده باشد .

(۱) این کتاب را مرحوم اعتصام الملك در فهرست کتب خطی مجلس ج ۱ ص ۲۷۱ «دافع هذیان» ثبت نموده و این صحیح است و مؤلف آنرا نجف علی خان حجری معرفی نموده . و نیز در همین صفحه مؤلف قاطع برهان را اسد الله غالب دهلوی و مؤلف ساطع برهان را شیخ رحیم هندی شناسانده اند .

(۸۱۵)

برهان قاطع این نسخه بخط نسخ سید محمود بن یوسف در سنه ۱۲۰۵ نگارش یافته، لغات با سرخی نوشته شده و دارای يك سر لوح و صفحات آن مجدول بطلا میباشد.

جلد تیماجی مذهب. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۳۲۶). صفحه ای (۴۱) سطر. طول (۳۸ سانتیمتر). عرض ($۲۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۷۶).

(۸۱۶)

برهان قاطع این نسخه بخط نستعلیق عبدالحسین اصفهانی در سنه ۱۲۲۷ نوشته شده، کلماتی را از میان سطور آخر کتاب محو کرده اند و صفحات نسخه مجدول بسرخی و لاجورد و زردی میباشد.

جلد روغنی مستعمل. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۴۷۳). صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر). عرض ($۲۰\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۶۸).

(۸۱۷)

برهان قاطع این نسخه بخط نستعلیق در سنه ۱۲۳۴ نوشته شده، کاتب نامی از خود نبرده و لغات را با سرخی نوشته است.

جلد مرغش. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۵۱۷). صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر). عرض ($۲۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۶۶).

(۸۱۸)

برهان قاطع این نسخه بخط نستعلیق محمد مهدی بن محمد علی در سنه ۱۲۴۲ نوشته شده، دارای يك سر لوح و صفحات آن مجدول بطلا و لاجورد است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۳۵۷). صفحه ای (۲۶) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر). عرض (۲۰ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۶۷).

(۸۱۹)

برهان قاطع این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، در آخر کتاب کاتب نام خود را میرزا بابا ابن میرزا محمد معرفی نموده و سال کتابت را

سنه (۱۲۵۲) تعیین کرده است.

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۷۲) .
صفحه ای (۲۶) سطر . طول ($۳۴\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۷۴) .

(۸۲۰)

برهان قاطع این نسخه را بسال ۱۲۸۴ مراد علی قمشه ای بنا بخواست
میرزا علی اکبر نام از روی نسخه ای که بسال ۱۸۱۸ میلادی
در کلکته چاپ سربی شده و بهترین و جامعترین نسخ مطبوعه میباشد و نسخه آن
بسیار کمیاب بوده و هست، بخط نسخ نوشته و آن نسخه چاپ شده نخستین چاپ
این کتاب است و در مقدمه آن خصوصیات و امتیازات و شرح سیزده نسخه ای که از این
کتاب در موقع تصحیح و چاپ در دست بوده و کتب دیگری که مورد نظر و دقت در
تصحیح این نسخه بوده و اسامی آنان که مقصدی تصحیح و تنقیح بوده اند و آنها: مولوی
حیدر علی، مولوی نظام الدین حیدر، بابو تار بیخزن متر، مولوی غلام قادر، مولوی
کاظم علی نصیر آبادی، منشی امام علی خیر آبادی و مولوی محمد اکبر عظیم آبادی، میباشد
حسین الحسینی بلگرامی که خود نیز از مصححین میباشد نوشته و پس از ختم
کتاب، لغاتی که در فارسی استعمال میشود و در برهان نبوده از کتب لغت جمع و
بنام ملحقات برهان قاطع نگاشته شده و این قسمت مشتمل بر (۳۷۱۷) لغت و
کنایه مستعمله در زبان فارسی است و در مقدمه نیز گوید: پاره ای از لغات که در
فرهنگها نبوده از زبان دانهای معاصر که عبارتند از: ۱ - سید علی شیرازی متخلص
به نیاز، ۲ - فضل مولی خان متخلص به فضل، ۳ - حاج میرزا شفیع شیرازی،
۴ - نظام الدین حیدر متخلص به او باش، گرفته شده و بنام خود آنها ضبط گردیده است.
این نسخه چون اصل مطبوع آن بسیار مطبوع و دارای يك سر لوح میباشد،
صفحات آن مجدول بطلا و لاجورد و شنجرف و لغات آن نیز با شنجرف نگاشته
شده است.

جلد ضربی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۷۷) .
صفحه ای (۳۱) سطر . طول ($۳۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۶۹) .

[۳۴۱] تنقیح الصحاح (عربی)

محمود بن احمد زنجانی (۱) صحاح اللغه جوهری را که در همین فصل معرفی آن خواهد شد و از کتب مهمه لغت میباشد بدو از نظر گذرانیده و مطالب صرفی و نحوی و بغضی از مکررات و امثال و شواهد آن را که بمناسبت در آن ذکر شده بوده انداخته و آن را «ترویج الارواح فی تهذیب الصحاح» نامیده و پس از آن چون همت معاصرین را در حفظ و ضبط باقی کم دیده بقیه شواهد و امثال موجوده در آنرا حذف کرده «تنقیح الصحاح» نام گذارده و در مقدمه این کتاب گوید که مختصر اول در حدود خمس اصل و این مختصر عشر صحاح و بیش از عشری هم از اصل لغات صحاح اللغه حذف نشده است.

آغاز: بسملة الحمد لله حقّ حمده والصلوة علی خیر خلقه محمد وآله وصحبه الخ.

(۸۲۱)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، پشت صفحه اول نام کتاب تنقیح الصحاح و مؤلف آن و مطالب متفرقه نگاشته شده، در حاشیه بیشتر از صفحات تعلیقات مختصری تحریر گردیده، نسخه آب دیده ولی خطوط آن ضایع نگشته از آخر آن یکی دو صفحه افتاده و آخرین سطر نسخه که در معانی کلمه وقا میباشد این است: فی ماضی واما الیوم فیهی عشرة دراهم و خمسة اسباع درهم والجمع الاواقی. نسخه قدیمی و ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد و در سنه (۱۲۸۷) داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۱۱۷). صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۶ سانتیمتر) عرض (۱۸ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۹۴).

[۳۴۲] تهذیب اللغه (عربی)

این کتاب که یکی از مشاهیر کتب لغت میباشد تألیف ازهری رضی الله عنه است

(۱) در روضات الجنات و طبقات الحنفیه و طبقات الشافعیه سبکی و شذرات الذهب و فهرس موجوده و دانشمندان آذربایجان نام این دانشمند و شرح حال و سایر مؤلفات ایشان را نیافتم در کشف الظنون ذیل صحاح اللغه (ص ۷۶ ج ۲) نام این مختصر و مختصر سابق و مختصر کننده آنها بدون ذکر سال وفات ثبت شده است.

(ابو منصور محمد بن احمد بن ازهر بن طلحة الازهری الشافعی الهروی ۲۸۲-۳۷۰/۳۷۱) (۱)
که از کبار فقه‌های این طایفه و از معتمدین و متوّرعین بشمار میرود، در فقه و حدیث
مهارتی بسزا داشته و در زهد و عبادت انگشت نما بوده ، بسیاری از علما از وی
روایت نموده و جمعی هم پیش وی بتحصیل علم لغت اشتغال داشته‌اند، خود از هری
در مقدمه این کتاب گوید : در جنگ قرامطه بدست اعراب بدوی اسیر شده و
مدّتی بسیار در میان آنها زندگانی نموده و از آنها لغات و الفاظ فراوانی دریافتم
و در خلال این کتاب گنجانیدم .

از هری را مؤلفات بسیار است از آنها التّقریب در تفسیر قرآن کریم، شرح
الفاظ المزیّی ، علل القراآت ، کتاب الرّوح (در این کتاب آنچه راجع بروح
در قرآن کریم و اخبار وارد شده جمع کرده) ، شرح اسماء الله الحسنی ، شرح
اصلاح المنطق ابن سکّیت ، شرح دیوان ابی تمام و تهذیب اللّغه (همین کتاب) .
تهذیب اللّغه یکی از کتب مهمّه لغت و نادره علم ادب میباشد و مؤلف در بیان
لغات و تنظیم مفردات طریقه ای انتخاب نموده که خطا و خلل کمتر در آن راه
یابد و از تصحیف و تحریف نسبتاً مصون باشد .

لذا « کتاب العین » خلیل را پیروی و از حرف عین شروع و بحرف الف و همزه خاتمه داده
موافق غار ج حروف است که تمام آنهارا به این طریق تقسیم و تسمیه کرده‌اند :
حلقیه (ع ح ه خ غ) ، لّهیّان (ق ک) ، شجریه (ج ش ض) ، اسلیه
(ص س ز) ، نظویه (ط د ت) ، لّثویه (ظ ذ ث) ، زلقیه (ر ل ن) ،
شّفویه (ف ب م) ، هوائیه (ی و ا) . و در مقدمه این کتاب یکباب راجع
باین تقسیم و وجه تسمیه آنها نگاشته اند .

سبکی در طبقات الشّافعیّه گوید : تهذیب اللّغه ده مجلّد است (عشر مجلّدات)
ولی در نسخه کامل این کتابخانه با تفحص بسیار اثری از این تقسیم در مقدمه

(۱) طبقات الشافعیه سبکی ج ۲ ص ۱۰۶ ، طبقات الحنفیه حاشیه ص ۲۱۸ ، کشف الظنون
ج ۱ ص ۱۱۲ و ۳۵۱ .

و خاتمه و اواخر کتاب و مباحث و ابواب آن دیده نشده جز اینکه فقط در آخر کتاب الکاف (نسخه شماره (۸۲۴) این فهرست) این کتابخانه نوشته شده :
تم الجزء الثانی عشر ویتلوه فی الثالث عشر کتاب الجیم .

در فهرست کتابخانه خدیویه مصر (ج ۴ ص ۱۶۹ و ۱۷۰) و فهرست دارالکتب المصریه (ج ۲ ص ۱۰) چند نسخه از این کتاب که مشتمل بر اجزائی از این مؤلفه است موجود و تاریخ نگارش یکی از آن نسخ سال ۶۳۳ و دیگری بسال ۶۸۷ و تاریخ کتابت يك جزء آن بسال ۷۵۳ میباشد و تقسیمات ذیل از آن دو فهرست استفاده گردید :
جزء هشتم شامل قسمتی از حرف الهاء (ظاهراً از ابتداء ماده مهر) تا ابتداء باب الخاء و الزای . جزء نهم از ابتداء باب الخاء و الزای تا باب الغین و الزای . جزء یازدهم تا ابتداء باب القاف و الیاء . جزء دوازدهم از ابتداء کتاب الکاف تا آخر . جزء شانزدهم از ابتداء باب السین و التاء تا ابتداء کتاب الطاء . جزء هفدهم از ابتداء کتاب الطاء تا ابتداء کتاب الذال .

بنا بر این از ابتداء کتاب تا قسمتی از کتاب حرف الهاء هفت جزء (۱ تا ۷) و از باب الغین و الزای تا ابتداء کتاب القاف (ظاهراً) يك جزء (جزء ۱۰) و از ابتداء کتاب الجیم تا ابتداء باب السین و التاء سه جزء (۱۳ و ۱۴ و ۱۵) و از ابتداء کتاب الذال تا آخر نیز مشتمل بر سه جزء (۱۸ و ۱۹ و ۲۰) میباشد و بنا بر این تقسیم بایستی گفت شماره اجزاء تهذیب اللغه راسبکی نیز در طبقات الشافعیّه عشرين نوشته بوده و در چاپ یا در نسخه ای که از روی آن این نسخه چاپ شده است به « عشر » تصحیف گردیده لیکن لفظ « مجلدات » این احتمال را تزییف میکند جز آنکه آنرا نیز محرف بدانیم .

ازهری در این کتاب هر يك از حروف را بنام کتابی خوانده و در ابتداء آن بسمله گذارده و آنرا باین ابواب (ابواب المضاعف ، ابواب الثلاثی الصّحیح ، ابواب المعتلّ ، ابواب اللّیف ، ابواب الرباعی ، ابواب الخماسی و ابواب الملحق

بالخماسی تقسیم کرده و کلیّه لغاتیکه یکی از حروف حلقیه یا شغویه و یا غیر از آنرا دارد بمناسبت در یکی از ابواب مذکوره جای داده و ترتیب ابواب نیز موافق ترتیب کتب بر حسب اعتبار مخارج آنها است و چون بخواهیم لغتی را که از سه یا چهار حرف ترکیب شده بدست آوریم بایستی دانست که آن حروف از کدام يك از دسته های نه گانه میباشد و از آن پس در کتابی که شامل آنحرف بترتیب مذکور فوق میباشد جستجو نمود باین طریق که اگر آن کلمه شامل یکی از حروف حلقی است این لغت را در کتب راجعه باین حروف و اگر دارای یکی از حروف لہوی باشد در کتاب آن و بهمین طریق است سایر حروف، و یکی از کارهای مهم مصنف این کتاب این است که کلیّه صور متصوّره از ترکیب چند حرف را با یکدیگر در جای خود متذکر شده و مهمل و مستعمل آنها را بیان نموده و در اکثر لغات شواهدی از آیات و اخبار و اشعار فصحا و کلمات لغویین آورده است. مؤلف پیش از شروع در بیان لغات حرف عین که نخستین کتابی از کتب تهذیب است تحت عنوان **باب ذکر الأئمة الذین اعتمدتھم فی ما جمعت فی هذا الكتاب**، شرح مفصلی در معرفی بسیاری از لغویین سابق و معاصر نگاشته و پس از آن دو باب بنام: **باب القاب الحروف و مدارجها و باب ایجاز الحروف**، نیز تحریر نموده و تقسیمات حلقی و غیره حروف را مفصّلاً در این دو باب آورده و در اطراف آن بحث کرده اند.

تهذیب اللّغه در حدود (۱۳۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و تا کنون چاپ نشده و نسخه کامل آنرا جز در این کتاب خانه سراغ نداریم، جرجی زیدان در ص ۳۰۸ ج ۲ تاریخ آداب اللّغه گوید که نسخی از تهذیب در کتابخانه ایاصوفیا و نور عثمانیه و کوبرلی در آستانه و نسخه ای در کتابخانه احمدیه در حلب موجود است، و از لباب الالباب عوفی برمی آید تاهنگام تألیف آن کتاب (در صفحه ۱۷۰ مقدمه چاپ اوقاف کیب آقای قزوینی نوشته اند که ظاهر آمیان این دو سال ۶۱۷ - ۶۲۵ تألیف شده است) نسخه اصل تهذیب وجود داشته و مناسبت دارد که در این جا عین عبارات عوفی را نقل کنیم و آن اینست:

عوفی در ص ۲۱۱ ج اول لباب الالباب در ذیل قطب الدین سرخسی که از معاصرین خویش بوده آورده است که قطب الدین در آغاز خوشی خویش گوید : بعد از همت اندک شنیدم که بجهت کتابخانه سریل بازارچه (علامه قزوینی نگاشته اند که سریل یا سریل وزیران چنانکه از جهانگشا در حکایت خروج تاریخی معلوم میشود قریه ایست از نواحی بخارا بکمتر از سه فرسنگ یا از ارباض بخارا ست) تهذیب از هری بخط مصنف از دار الکتب مرو آورده اند و کاتبی بجمال فضل می طلبند چون هیچکس را آن قوت نبود که او را چه اگر فضلا بودند که آن را نیکو بدانستند از خط حظ ایشان وافر نبودی و اگر خط نیکو بودی اهلیت آن نداشتند بدو ارسال کردند و صدراجل مجیر الدین او را بخدمت خود خواند و از فضل و هنر او معلوم کرد و دانست که ذات او جهان علم و کان فضل است او را بخدمت صدر سعید عبدالعزیز [بن] عمر بن سیدسادات بردفرمودند تو این رادیده و از اینجا لغت استخراج توانی کرد او تبسم کرد چه او را فضل آن بود که مثل این تالیف کند فرمودند که صفحه از این کتاب بنویس تا خط تو صدر جهان مطالعه کند بر بدیهه فصلی در فضل این کتاب و استخراج لغات آن تحریر کرد و شعری بر ترتیب حروف که بناء استخراج آن بدانست انشا کرد و بخدمت فرستاد و چون این فضل وافر بدیدند آن کتاب بدو دادند و او را راتب نیکی مهیا گردانیدند و بتدریج محل او عالی و رتبت او سامی شد و کار او بالا گرفت و دبیر صدر جهان شد کتابخانه سریل بازارچه او را دادند و پیش از آن در بخارا اشتغال محصلان در شرعیات بود و بفضلیات کس التفات نکردی و در آن خوض نکردی چون اقبال او بدیدند خالق بتحصيل آن شیوه اقبال نمودند و من در خدمت او تحصیلها کرده ام و قتی از سمرقند نامه نوشته بود به نزدیک خواجه امام ناصر الدین سرخود الخ).

مؤلف در مقدمه بیان کرده که پس از آنکه هفتاد سال از عمر وی گذشته باین تألیف مبادرت نموده و چون دانستیم که تولد وی بسال ۲۸۲ بوده بدست می آید که اینک که سال هجرت ۱۳۵۷ قمری است بیش از هزار سال از تألیف این کتاب گذشته است.

چنانکه صاحب کشف الظنون در ص ۸۳ ج ۲ نوشته اند تاج الدین محمود بن ابی الحواری لغوی که تا سال ۵۸۰ زنده بوده کتابی بنام « ضالة الادیب فی الجمع بین الصحاح و التهذیب » تألیف نموده و در آن بر جوهری انتقاداتی دارد . این کتاب را نبایستی بکتاب « تهذیب الاسماء و الکنات » تألیف محیی الدین ابی زکریا یحیی بن شرف شافعی نوادی شامی (۶۳۱ - ۶۷۶ هـ) اشتباه نمود .

عبدالکریم بن عطاء الله اسکندری متوفی بسال ۶۱۲ تهذیب اللغة ازهری را مختصر کرده است (کشف الظنون ج ۱ ص ۳۵۱) .

آغاز: بسملة الحمد لله بكل ما حمده به اقرب عباده اليه واكرم خلایقه عليه الخ .
انجام: و اعلم ايها الناظر في كتابي اني لا ادعي اني حصلت لغات العرب كلها ولا طمعت في ذلك غير اني حرصت ان يكون مادونته مهذباً با من آفة التصحيف مُنقّاً من فساد التّغيير ومن نظر فيه من ذوى المعرفة فلا يعجلنّ الى الردّ والانكار وایاه اسئل مبدئاً و مُعیداً ان یصلّی علی محمد النبی و آله الطّیّبین اطیب الصّلوٰت و ازکاهما وان یحلّنا دار کرامته و مستقر رحمته انه اکرم مسؤل و اقرب مجیب و الحمد لله ربّ العالمین حمداً کثیراً جلیلاً مبیناً .

(۸۲۲)

تهذیب اللغة این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده ، نامی از کاتب و سال کتابت در این نسخه و سائر مجلّات نیست ، کتابت بیشتر از اوراق این نسخه بایستی در قرن نهم شده باشد اوراق دیگر هم که نو نویس میباشد بسیار شبیه با اوراق سابقه نگارش یافته و اوراق اوّلیه متن و حاشیه است . پشت اوّلین ورق نسخه تقسیمات نه گانه حروف و لغاتیکه در این مجلّد است (حرف العین من الحاء الى الیاء و حرف الحاء مع القاف و الفاء) تذکر داده شده و پشت اوّلین صفحه کتاب مطالبی راجع بترتیب تهذیب و کیفیت استفاده از آن نوشته شده و بنام مجلّد اوّل تهذیب بر این کتابخانه وقف گردیده و مشمل بر کتاب العین و قسمتی از کتاب الحاء میباشد و صفحات آن مجدول بشنجراف است . جلد تیماجی ، کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۴۱۰) صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) عرض (۱۹ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۵۷) .

(۸۲۳)

تهذیب اللغة این نسخه بخط نسخ نگارش یافته ، کاتب نامی از خود و سال کتابت نبرده ظاهراً در قرن دوازدهم نوشته شده ، و بنام مجلّد

دوم تهذيب بر این کتابخانه وقف گردیده و مشتمل بر بقيه لغات کتاب **البحاء** و تمام کتاب **البحاء** از غین تا سین (تاماده بخس) میباشد، فهرست مندرجات بر اولین ورق نسخه بخط نسخ نوشته شده و بر نخستین ورق کتاب مهراسمی بوده آن را محو کرده اند.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۵) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۵۸) .

(۸۲۴)

تهذيب اللغة این نسخه چون نسخه اولی بخط نسخ خوب نوشته شده ، بعضی از اوراق آن کهنه و متن و حاشیه میباشد ، کنار سه ورق از آن سوخته ولی خطوط ضایع نشده ، پیش از شروع بماده قبویك ورق کاغذ نوشته گذارده شده و مطالب ورق پیش پیداست که نا تمام مانده و شاید بیش از همین يك ورق افتاده نداشته باشد ، بنام مجلد سوم بر این کتابخانه وقف گردیده و مشتمل بر کتاب **البحاء** (از زاء تا آخر) و کتاب **الغین** و کتاب **القاف** و کتاب **الكاف** میباشد و فهرست مندرجات بخط نسخ خوب پشت اولین ورق نسخه نگاشته شده و در آخر این نسخه تصریح شده که جزء دوازدهم تهذيب باینجا ختم گردید .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۵) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۵۹) .

(۸۲۵)

تهذيب اللغة این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و در آخر کتاب حرف **الجیم** تاریخ فراغ از کتابت سال ۵۷۵ تذکر داده شده چنانکه پیش از این نیز گفته شد از خود نسخه معلوم میشود که این تاریخ راجع بکتابت این نسخه نیست و بایستی تاریخ نسخه ای باشد که این نسخه را از روی آن نوشته اند و مشتمل بر کتاب **الجیم** و کتاب **الشین** و کتاب **الصاد** و قسمتی

از کتاب السین (از حرف زاء تا میم) میباشد و در کتاب الجیم از حرف اللام تا آخر کتاب (۵۰ ورق) مکرر نوشته شده، این نسخه بنام مجلد چهارم تهذیب بر این کتابخانه وقف شده و تمام صفحات مجدول بشنجر ف میباشد و فهرست موادیکه این نسخه مشتمل بر آنها است بخط نسخ خوب پشت اولین صفحه نوشته شده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۳۵) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۶۰) .

(۸۲۶)

تهذیب اللغة
این نسخه که بر کنار صفحه اول بنام مجلد پنجم بر این کتابخانه وقف گردیده مشتمل بر کتاب السین (بقیه نسخه پیش) و کتاب الزاء و کتاب الطاء و کتاب الدال و کتاب التاء و کتاب الطاء و کتاب الذال و کتاب الثاء و کتاب الراء و کتاب اللام و کتاب النون و کتاب الفاء و کتاب الیاء و کتاب المیم و کتاب الجوف (ی ، و ، ا) میباشد و تهذیب باخر این نسخه بانجام میرسد و بر نخستین ورق، فهرست مندرجات نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و مهر اسمیکه در اولین صفحه کتاب بوده در اینجا نیز بوده و همچنان نحو گردیده و پاره ای از اوراق متن و حاشیه و مجدول بشنجر ف است ، نام نویسنده و سال نگارش ندارد و ظاهراً خط کاتب مجلدات پیشین میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۸۹) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۶۱) .

[۳۴۳] خلاصه عباسی (ترکی بفارسی)

این کتاب مختصر سنگسلاخ تألیف میرزا مهدیخان منشی معروف نادر شاه میباشد . نسخه سنگسلاخ را (درص ۱۶۰) در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران نشان دادیم ، مؤلف و مختصر کننده در مقدمه خود را محمد خونی معرفی کرده و گوید :

چون خاطر ملکوت ناظر بندگان اسکندرشان نائب السلطنة العلية والخلافة البهیه ولی التعم الجلیله (نمج الخایله) الحلیله مجاهد کفار، غازی کرار، حافظ بیضه اسلام السلطان ابن السلطان (۱) شاه عباس قاجار ادام الله عهدہ ومهد ممالك حکمه ومهدہ بر آن متعلق بود که کتاب سنگلاخ که مرحوم میرزا مهدیخان در لغات ترکی نوشته وتار ویود آن نسج را مانند برهان قاطع در لغت فارسی رشته مشتمل است بر زیادات در بیان معانی اشتقاقات و بیان معانی بعضی لغات و حاوی بود بر ابحاث (نمج : بر نصیری) وغیره از شارحان لغت ترکی در فهم اشعار نوائی وغیره تصرفی در آن کتاب نظیر المحکم والعیاب (۲) شود بطوریکه همه لغات که در آن کتاب است در آن مختصر درج لهذا کمترین دعا گو یان و اقل منسوبان ؟ محمد خوئی برخی از اوقات را به آن خرج کرده مشتقات را حذف ومعرا از شواهد ساخته و ابحاث وتکریرات از او انداخته اکتفا به بیان معانی مصادر و جوامد نمود چه بعد از دانستن معنی النصر مثلا در لغت عربی معانی مشتقات آن بمقایسه معلوم گردد ومعهدا برای غایت توضیح در ذیل يك مصدر کیفیت اشتقاقات را بیان نمود تا به آن قرار در همه مصادر معلوم شود وعلاوه بر آن در مقدمه کتاب قواعد و ضوابط لغت ترکی بیان شده و از آن هم کیفیت اشتقاقات واضح است و بعد از اتمام مرام کتاب مختصری شد گذاشته شده در طرف تمام آن بحسب حجم و کتابت عشری از اعشار سنگلاخ نیست و همه لغات که در سنگلاخ است فعلاً و قوۃ در آن مختصر است و آن کتاب را بجهة تیمن وتبرک موسوم به خلاصه عباسی نمود والاستعانه من الملك المعبود مقدمه .

از اینکه نسخه ذیل بسال ۱۲۴۰ نوشته شده و قرائنی که در عبارات مذکور بالا موجود میباشد تألیف آن در سال تحریر نسخه و یا کمی پیش از آن است . چنانکه گفتیم در این کتاب مؤلف خود را محمد خوئی معرفی کرده و در

- (۱) در نسخه این مدرسه بدین نحو که بالا نقل شد نوشته شده و در نسخه دیگری که بسال ۱۲۴۵ از این کتاب نگاشته شده و در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است عبارت در اینجا چنین است : ابوالنصر شاه عباس ادام الله عهدہ ومهد ممالك حکمه مده بر آن متعلق بود که کتاب سنگلاخ الخ . و این شاه عباس همان عباس میرزا ولیعهد فتحعلیشاه قاجار است که بسال ۱۲۴۹ پیش از پدر بمرد و بشاهی نرسید و پادشاه پسر وی محمد شاه را ولیعهد کرد و بسال ۱۲۵۰ در اصفهان بدروزدن گئی کرد ونوه اش محمدشاه مزبور بسلطنت رسید .
- (۲) محکم در لغت و تألیف ابن سیده و عیاب نیز در لغت و تألیف حسن ابن محمد الصنعانی متوفی بسال ۶۵۰ میباشد و در ص ۴۰۱ ج ۱ کشف الظنون است که تاج الدین المعروف بابن المکتوم متوفی بسال ۷۴۹ کتابی بنام « الجمع بین العیاب والمحکم » تألیف و نیز آنرا مختصر نموده و نام آنرا « المشوق المعالم فی تلخیص الجمع بین العیاب والمحکم » گذارده است .

مقدمه کتاب «مجمع الحکمتین و جامع الطّین» (۱) و کتابیکه در علم تشریح و قواعد طبّیه بنام «انوار ناصریه» (۲) تألیف نموده خود را محمد بن عبد الصبور معرفی کرده و در کتاب اوّل گوید مشهور به طبیب و پشت کتاب دوّم نوشته شده تألیف حکیم باشی است، آقای تربیت در ص ۱۲۲ دانشمندان آذربایجان ایشان را در تحت عنوان حکیم قبلی (۳) ذکر و در ص ۲۰۳ المآثر و الآثار این مؤلف بنام علامه محمد قبلی نام برده شده و در دو کتاب فوق سال وفات وی نگاشته نشده، از اینکه انوار ناصریه را بسال ۱۲۷۲ تألیف نموده و اینکه در المآثر و الآثار مؤلفه بسال ۱۳۰۶ نوشته شده: حکیم باشی حضور مبارک بود معلوم میشود که میان این دو تاریخ وفات یافته است و در دانشمندان نوشته شده کتاب «تعلیم نامه در عمل آبله زدن» تألیف دکتر کارمک انگلیسی را بفارسی ترجمه نموده و بسال ۱۲۴۵ در تبریز با حروف سربی چاپ شده است.

از مؤلفات فوق بر می آید که مردی جامع علوم قدیم و جدید بوده و در ادبیات دستی قوی داشته و در دستگاه عباس میرزا نائب السلطنه و محمد شاه و ناصرالدین شاه مقرب و طبیب رسمی بوده و بالاخره حکیم باشی شده است. برای معرفی از این کتاب عین عبارات قسمتی از دیباچه را نقل نمودیم و مؤلف مقدمه را که در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد در قواعد و ضوابط متعلّقه بلغت ترکی و صرف و نحو آن زبان قرار داده و بر حسب تصدیق ترکان دانشمند با کمال اختصارش بسیار جامع نوشته شده است و این مختصر بشماره حروف

(۱) نسخه ای از این کتاب که بسال ۱۲۵۰ نوشته شده و از مقدمه آن بر می آید به امر عباس میرزا نائب السلطنه تألیف و در زمان محمد شاه خاتمه یافته و زبان انگلیسی را میدانسته و از کتب طبّی آنها ترجمه و در این کتاب آورده تحت شماره (۷۶۹) در این کتابخانه موجود است.

(۲) این کتاب بسال ۱۲۷۲ در زمان صدارت میرزا آقا خان نوری تألیف گردیده و همانسال در تبریز چاپ سنگی شده و نسخه آن تحت شماره (۷۹۷) در این کتابخانه موجود است.

(۳) دروجه تسمیه و لقب این طبیب دانشمند به قبلی آقای تربیت فرمایند که این طبیب برسم اعیان و اشراف آن روز کار با جلالی تمام در کوچه و بازار حرکت میکرد و بقلیان هم علاقه زیادی داشته و یکی از تعینات وی این بود که نوکری سوار با قبل و منقل که لوازم قلیان و آتش افروخته در آن گذارده میشود همراه ملازم داشت بدین سبب معروف به حکیم قبلی گردید.

تهجی بکتابهائی تقسیم شده و از کتاب الف شروع گردیده و حرف دوم هم در ترتیب ذکر لغات معتبر و مشتقات را نخست و پس از آن جوامد را آورده است و تمام کتاب در حدود (۶۰۰۰) بیت کتابت دارد و در آخر کتاب اشعاری را از امیرعلیشیرنوائی که معانی آنها معلوم نشده بنام خاتمه نقل نموده است .
آغاز : بسملة الحمد لله الذی جعل الناس شعوباً و قبائل الخ . . . اما بعد چون خاطر ملکوت الخ .

(۸۲۷)

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب محمد صادق سبزواری خلاصه عباسی سال ۱۲۴۰ بگفته میرزا محمد ابراهیم سبزواری که از القاب مرقومه معلوم میشود از رجال دربار بوده نوشته است و مراتب را در آخر نسخه تذکر داده و اصل لغات بخط نسخ نگاشته شده و اسامی کتب و عناوین دیگر را با شنجرف تحریر نموده و پشت نخستین برگ یادداشت شده که سال ۱۲۶۲ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۰۹) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۹۱) .

[۳۴۴] دستور اللغة (عربی و فارسی)

مؤلف این کتاب ذواللسانین بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم نطنزی (۱) متوفی سال ۴۹۷ (۲) میباشد که یکی از ادباء نامی قرن پنجم هجری

(۱) نطنز شهر کوچکی است میان اصفهان و کاشان و فاصله آن موافق تعیین اداره پست به اصفهان (۱۲۸۶) کیلومتر و به کاشان (۶۰) کیلومتر میباشد و میوه جات مخصوصاً کلابی آنجا بخوبی معروف است .

(۲) سمعانی (۵۰۲ - ۵۶۲) که معاصر و شاگرد سبط وی بوده وفات او را سال ۴۹۷ نوشته (ص ۴۶۴ چاپ عکسی الانساب) و یاقوت که در اوائل قرن هفتم زندگانی مینموده وی و دختر زاده اش ابوالفتح را که نیز از ادباء نامی و استاد سمعانی بوده نام برده (ج ۴ ص ۷۹۳ معجم البلدان چاپ اروپا) و گوید که ابوالفتح سال ۴۹۷ در گذشته و این قول غلط است چرا که سمعانی متولد ۵۰۲ در الانساب ابوالفتح را استاد خود معرفی نموده و در وقت نوشتن این کتاب زنده بوده است . و سیوطی در بغیة الوعاة (ص ۲۳۱) وفات ذواللسانین را در جمادی الاخری سال ۴۹۹ ثبت نموده و گوید که ابن جماعه نوشته در محرم سنه ۷ مرده و صاحب کشف الظنون (ج ۱ ص ۴۹۲) قول سیوطی را معتبر دانسته در صورتیکه قول سمعانی مقدم میباشد چرا که نزدیک به مصروی بوده است

بوده و در ادب مؤلفاتی داشته و عبری و فارسی شعر میگفته و سیوطی در بغیة الوعاة این سه بیت را از اشعار او آورده است :

أَلْعِزُّ مَخْصُوصٌ بِهِ الْعُلَمَاءُ مَا إِلَّا نَامَ سَوَاهُهُمْ مَا شَاءُوا
إِنَّ الْأَكْبَابَ يَحْكُمُونَ عَلَى الْوَرِيِّ وَ عَلَى الْأَكْبَابِ يَحْكُمُ الْعُلَمَاءُ

آسوء الأمة حالاً رجلاً عالمٌ يقضي عليه جاهلٌ

در دستور اللغة نیز اشعاری که مشتمل بر قواعد صرفی و نحوی است از ایشان دیده میشود و در جای دیگر با شعار این دانشمند دست نیافته‌ام، چنانکه از مؤلفات دیگر ایشان هم اطلاعی بدست نیاوردم جز اینکه دانشمند فقید یوسف اعتصامی (اعتصام الملك) (۱) مؤلف فهرست کتب خطی مجلس شورای ملی درص ۲۷۲- ۲۷۴ کتابی بنام «مرقاة» (۲) نیز باین مؤلف نسبت داده اند.

کتابی که اینک بنام مشهور آن (دستور اللغة) در این جا نام برده شده یکی از کتب خوب لغت میباشد و با اختصاریکه دارد بسیار مفید و دارای ارزش و اهمیت خاصی است، در پاره‌ای از موارد لغات عربی را بفارسی دری (۳) نیز

(۱) این دانشمند یگانه رحمة الله علیه شب یکشنبه ۲۹ شوال ۱۳۵۶ زندگی را بدرود گفت و قلوب دوستداران علم و ادب را جریحه دار کرد.

(۲) در کشف الظنون (ج ۲ ص ۴۱۸) بدین نام سه کتاب نام برده شده: ۱- مرقاة الادب لغتی است فارسی و منظوم از احمدی کرمانی متوفی بسال ۸۱۵ هـ. ۲- المرقاة که نیز در لغت و دارای دوازده باب و بفارسی است و آغاز آن این است: الحمد لله مبدع الاشياء بقدرته الخ. و مؤلف آن ذکر نشده بنا بر صحت انتساب کتابی بدین نام باین مؤلف ممکن است همین نسخه که آغاز آنرا مؤلف کشف الظنون نقل کرده‌اند از نظری بدانیم و یا مؤلفه او را غیر از این بدانیم. ۳- مرقاة اللغة مؤلف آن چهارده هزار لغت از صحاح جوهری و شانزده هزار از قاموس در آن جمع کرده و اصل آن عربی میباشد و مؤلف خود آنرا به ترکی ترجمه نموده است. بنا برین مسلماً این کتاب از نظری نخواهد بود.

(۳) سروری در مجمع الفرس گوید: دری زبان پارسی است و محمد هندو شاه گفته که بواسطه آن این زبان را دری میگویند که در زمان بهمن بن اسفندیار چون مردم از اطراف عالم بدرگاه او می آمدند و زبان یکدیگر را نمیدانستند پادشاه فرمود تا دانشمندان زبان فارسی وضع کردند یعنی زبانی که بر درگاه شاه به آن تکلم کنند و حکم کرد تا در جمیع ممالك به آن زبان سخن کنند، جهانیان را این وضع خوش آمد و بمرور ایام منقح و پاکیزه شد حکیم انوری گوید بیت: سمع بگشاید ز شرح بسط او جذر اصم چون زبان نطق بگشاید بالفاظ دری.

ترجمه نموده و گذشته از تفسیر لغات مهمه و مستعمله در کتب و اشعار و بیانات فصحا و بلغا در مقدمه آن قواعد مهمه صرفی و نحوی و اوزان زبان عرب را با بهترین طرز (با نظم بسیاری از آن قواعد (۱) و اوزان) آورده و گذشته از این در جداولی (۲) صیغ مشتقه از ابواب را ضبط نموده تا برای طلاب کار آسان گردد و در آخر مقدمه در چند بیت تصریح نموده که نام این کتاب را «الخلاص» گذارده و وجه تسمیه آنرا هم بیان کرده اند و در اینجا با قسمتی از ابتداء کتاب نقل میشود و آن این است:

وَسَمَّيْتُهُ بِكِتَابِ الْخَلَاصِ لِخِلَاصَةِ كُلِّ لَفْظٍ مُعَادٍ وَكَلَامٍ
مُعْتَصٍ بِمَا لَا بُدَّ مِنْهُ الْعَامُّ وَالْخَاصُّ ثُمَّ لِلتَّفَالِ بِخِلَاصِ
نَفْسِي الْمُسَيِّئَةِ الْقَصَاصِ كَمَا قَالَ الْقَائِلُ :

كِتَابُ الْخِلَاصِ كِتَابٌ بِهِ	خِلَاصُ النَّظْمِ يَوْمَ الْحِسَابِ
أَرَّاحَ بِهِ الْخَلْقَ عَنْ كَيْدِهِمْ	فَجَاءَ بِمَقْصُودِهِمْ فِي كِتَابِ
إِذَا مَا تَأَمَّلْتَ مَضْمُونَهُ	وَفَكَّرْتَ فِي كُلِّ ... وَبَابِ
عَلِمْتَ حَقِيقَةَ مَا قُلْتَهُ	وَقُلْتَ احْفَظْهُ كَأَمِّ الْكِتَابِ
فَعَادِفْهُ عَنْ قَلِيلٍ بِهِ	يَعُودُ مَلِيًّا بِفَضْلِ الْخَطَابِ
جَزَى اللَّهُ خَيْرَ أَمْنٍ تَأَمَّلَ صِنْعَتِي	وَقَابَلَ مَا فِيهَا مِنَ السَّهْوِ بِالْ... (۳)
وَأَصْلَحَ مَا أَخْطَأْتُ فِيهِ بِفَضْلِهِ	وَفِطْنَتِهِ وَاسْتَقْفَرَ اللَّهُ مِنْ سَهْوِي .

(۱) نظری گوید: جمیع اصول الفعل سبعة اضرب. لها انا فی بیت علی الوجه واصف. صحیح و مهموز مثل و اجوف. لفیف و منقوص البناء مضاعف.

(۲) نویسنده نسخه این کتابخانه این اشتقاق را در جداول نگذاشته و بترتیب کتاب نگاشته ولی نگارنده نسخه کتابخانه مجلس بعضی از آنها را در جداول گذارده و بعضی را هم نگذاشته است.

(۳) در نسخه دستورالغه متعلق بمجلس که عبارات فوق از آن استنساخ گردیده در این دو جا (سه سطر پیش و اینجا) جای کلمه ای را خالی گذاشته ولی از قریبه بدست می آید.

کتاب الالف من الاسماء الالف المفتوحه آس: مورد. آسان: للجبال (۱).
 آلاء: نیکیها. آل: خویشان، بالا، کوراب. آصره: خویشاوندی. [وللعاطفه] (۲)
 آصوت: [و] (۳) شجر مرّ. هو علی آسان و آسال من ایبه ای شبه. هو آبل الناس:
 ای اشدّهم تأثّقاً فی رعیة الابل... (۴) بیننا و بین مکه عشر لیال. آنسات: ای
 مودعات. آنسات: ای تارکات. آرک: یرعی الاراک. کبش آذن و نعبه آذناء:
 بزرگ گوش. آنسه زنی نیکو حدیث الخ. (۵)

از جمله ایکه در مقدمه نسخه ذیل نگاشته شده: « حررها الشيخ الادیب
 ذواللسانین اسعده الله فی الدارین للمجلس الشریف النظامی (۶) لازال قصر عمره
 عامرا الخ ». بدست می آید که این کتاب بنام خواجه نظام الملک متوفی بسال ۴۸۵
 تألیف گردیده بنا بر این تألیف آن پیش از سال مذکور بوده است.

مؤلف خود در مقدمه گوید: این کتاب را به بیست و هشت کتاب وهر
 کتابی را به دوازده باب تقسیم کرده. و ترتیب تنظیم و طریقه استفاده از آن را
 خود متذکر شده اند.

دستور اللغة، یا کتاب « الخلاص » در حدود (۷۵۰۰) بیت کتابت دارد.
 آغاز: بسملة الحمد لله الذی ابدع العالم بقدرته و خصّ بنی آدم بکرامته الخ.
 انجام: جزى الله ذالفظ يعاضد قائلاً - تطوّع اغث شخص الحسين برحمتك،

(۱) در نسخه ذیل للجبال باحاء مهمله نوشته شده ولی چنانکه در فهرست معارف ضبط شده
 در نسخه آن کتابخانه با جیم می باشد و در نسخه کتابخانه مجلس هم که این قسمت (از سمیته
 تا الخ) از آنجا نقل گردیده للجبال با جیم ابجد است.

(۲) در نسخه ها این کلمه را نوشته اند و ما مراد آنرا ندانستیم.

(۳) واو، در اینجا زیاد بنظر می آید و در نسخه این کتابخانه اصلاً این لغت نوشته نشده است.

(۴) در نسخه مجلس بجای سه نقطه ظاهراً کلمه بوده ولی در نسخه ذیل فاصله نیست، بنا بر
 این بایستی ترجمه لغت آبل باشد و یا کلمه ای بوده و نوشته نشده است.

(۵) برای نشان دادن طرز کتاب این مقدار از ابتداء آن نقل گردید و این نقل با نسخه ذیل
 تقدیم و تاخیر و اختلافی دارد.

(۶) در نسخه ذیل بهمین نحو نوشته شده ولی در ص ۱۳ ج ۲ فهرست دارالکتب العربیه مؤلف
 آن گوید: الفه لمجلس الاجل جمال الملك النظامی الخ. و بنظر نگارنده جمال الملك نظام
 الملك بوده و کاتب نسخه « دارالکتب العربیه » یا مطبعه آنرا تحریر کرده اند.

تَمَّتْ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْخ (۱).

(۸۲۸)

دستور اللغة این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲۶۲ نوشته شده و کاتب نامی از خود نبرده ، قسمتی از آخر کتاب ناقص بوده ، نویسنده بد خطی بسال ۱۲۷۱ آن را نوشته است ، عناوین مطالب کتاب و ابواب و پاره‌ای از لغات با سرخی نوشته شده و ورق اول و صالی گردیده است .
جاء تیماجی ، کاغذ فرنگی . واقف آقای درخشان (۲) . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۶۸) .
صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض ($۱۷\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۴۵۶) .

[۳۴۵] دیوان الادب (عربی)

مؤلف این کتاب ابو ابراهیم اسحق بن ابراهیم فارابی متوفی در حدود ۳۵۰ یا ۳۷۰ (۳) میباشد ، جوهری صاحب صحاح اللغة پسر خواهر این دانشمند بوده و درمآخذ قدیم و جدید بس در کتاب معجم الادباء (ارشاد الاریب الی معرفة الادیب) و بغیة الوعاة سیوطی و بنقل از آن دو ، در روضات الجنات نام ابو ابراهیم و مختصری از حالات او که ذیلاً نقل خواهیم نمود دیده شد .

- (۱) در نسخه مجلس آخر نسخه چون عبارت بالا میباشد و در نسخه این کتابخانه **قاتلا و بطوغ** نوشته شده و در فهرست معارف آخر این نسخه را این بیت فارسی نقل کرده اند :
گرچه ز خاک دست نظنزی شود تباه
يك چند یادگار بود زو خط سیاه
- (۲) آقای محمد درخشان رئیس امور اداری مدرسه عالی سپهسالار بر حسب وصیت دانشمند مرحوم آقای شیخ محمدعلی کاتوزیان وصایت آن فقید را دارا و بایستی ثلث ایشان را در خیرات و مبرات مصرف نمایند ، ایشان هم بهتر بن موارد مصارف بر بهر تهیه کتب و اهداء بیکی از کتابخانه های مهم عمومی دانسته و کتب خود آن مرحوم را خریداری و موافق شروط مقدّمه دروقفنامه مدرسه وقف و در شهر یور ۱۳۱۵ تحویل کتابخانه داده اند و در قفسه ای بنام خود آن مرحوم گذارده شده و شماره این کتب (۱۳۴) مجلد و در دفتر کتابخانه از شماره (۴۳۳۰) تا (۴۴۶۴) ثبت گردیده است .
- (۳) معجم الادباء ج ۲ ص ۲۲۶ تا ۲۲۹ ، بغیة الوعاة نسخه خطی مدرسه ص آ ورق ۲۴۶ و روضات الجنات ص ۱۱۱ ج ۱ مراجعه شود و سال تقریبی وفات مؤلف در معجم الادباء ۴۵۰ ثبت شده و ناشر در ذیل ۳۵۰ تصحیح کرده ولی در بغیة الوعاة ۳۵۰ و ۳۷۰ بتدرید نقل گردیده است .

اسحق بن ابراهیم فارابی (فاراب در نزدیکی خراسان و از شهرهای ترکستان است) میباشد و بنقل از قفطی بکشور یمن مسافرت نموده و در زبید (۱) که از توابع آن است مسکن گزیده و دیوان الادب را در آنجا تألیف نموده و کسی توفیق نیافت که پیش وی آن را بخواند و مراگت او را در ربود.

یاقوت در ذیل بیانات قفطی مطالبی نگاشته که معلوم میشود بعضی پیش مؤلف توفیق بر خواندن این کتاب را یافته و از وی روایت نموده اند و کتاب بیان الاعراب و شرح ادب الکاتب را نیز از مؤلفات ابو ابراهیم نقل نموده است. سیوطی چیزی که بر مطالب یاقوت افزوده تردید در سال وفات این مؤلف است که بسال ۳۵۰ یا ۳۷۰ بوده و از شرح مطالب دیگر هم بمختصری از نوشتههای یاقوت قناعت کرده است.

از دیباچه و مقدمه دیوان الادب نگارنده استفاده میکند که مؤلف آن شیعی مذهب بوده و مسافرت یمن و توقف در آنجا که از اوائل اسلام مرکز شیعیان بوده این احتمال را قوت میدهد و چون قسمت عمده ای از شیعیان یمن زیدی مذهب اند شاید این دانشمند هم بر این مذهب بوده و نبودن نام ایشان در کتب رجال امامیه و عامه ممکن است بهمین جهت اخیر باشد و عبارات مقدمه و طرز آن احتمال تشیع او را تأیید میکند و آن عبارات این است:

صَلَّى اللَّهُ عَلَي خَيْرِ الْبَرِيَّةِ الْمَخْصُوصِ بِالرَّفْعَةِ وَالْفَضِيلَةِ الَّذِي أَقْسَمَ بِعَمْرِهِ وَغُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ مُحَمَّدٌ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَعَلَيْ آلِهِ أَجْمَعِينَ أَمَّا بَعْدُ وَكَانَ مِنْ قَضَائِهِ تَفْضِيلُ الْمُصْطَفِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَي الْخَلِيقَةِ أَذْخَرَهُ كُلَّ فَاضِلٍ وَابْتَدَأَ لَهُ كُلَّ نَفِيسٍ مِنْ زَمَانٍ وَبَلَدٍ وَاصْحَابٍ وَاسْمٍ وَتَرْكِيبٍ وَخَلْقٍ وَسَمْتٍ وَنَسَبٍ وَعِتْرَةٍ وَامَّةٍ وَلسَانٍ وَ أَمَّا الزَّمَانُ فَهُوَ زَمَانُ الْعِلْمِ

(۱) زبید بفتح اول و کسر ثانی بایاء مثناة تحتانی نام شهری است در یمن (معجم البلدان ج ۲ ص ۹۱۵). وقاموس در باب دال و فصل زاء.

..... واما العترة فهي السفينة التي من ركبها نجا ومن تباعد عنها تردى وهوى.

و نیز در آخر هر يك از كتب ششگانه چنین نگاشته : (انقضي كتاب . . .

والحمد لله رب العالمين وصلي الله علي محمد و آله الطيبين و سلم تسليمًا).
و میدانیم که اهل سنت هماره در این موارد صحابه را هم عطف به آل مینمایند
ولی شیعه و امامیه در صلوات نامی از صحابه نمیدهند و چون عموماً کتاب هم
خلاف امانت نمیکند و در عبارت مؤلف تغییری نمیدهند بنا بر این عبارت مذکور
از خود مؤلف ودالّ بر تشیع او است .

مؤلف، دیوان الادب را به شش کتاب بدین طریق تقسیم نموده : (الاول)
كتاب السالم . (الثاني) كتاب المضاعف . (الثالث) كتاب المثل . (الرابع)
كتاب ذوات الثلاثة و هو ما كان في وسطه حرف من حروف العلة . (الخامس)
كتاب ذوات الاربعه و هو ما كان آخره حرف علة . (السادس) كتاب الههزه .
و در مقدمه پیش از شروع باصل کتاب مطالبی نافع نگاشته و طرز کتاب را
هم تذکر داده است . اگر چه پیدا کردن لغات از دیوان الادب بسی زحمت نیست
و تا کسی اصل و ریشه و باب و وزن هر کلمه را درست نداند نمیتواند آن را پیدا
کند و بهمین جهت متروک مانده ولی بدین نظم و ترتیب خدمت بزرگی بادب و
ادبیات شده و مؤلف راه تحریف و تصحیف را بر کلمات بسته و نظر بکثرت اسماء
در هر کتاب ذکر آنها بر افعال مقدم گردیده و میزان در ترتیب کلمات حروف
اواخر بترتیب حروف ابث (ا ب ت ث الخ) میباشد و در موارد لازمه استشهاد
بآیات قرآن کریم و احادیث و اشعار فصحا و کلمات بلغا و حکم و امثال گردیده و
ما برای بصیرت کامل مراجعه کنندگان قسمتی از این کتاب را برای نشان دادن طرز
و روش آن در اینجا نقل مینمائیم :

باب فعل بفتح الف و ضم العين . ث يقال رجل حُذِّث و حَدَّثَ ای کثیر -

الحديث . ح يقال رجل فرح و فرح بمعني د العبد استعماله الشاعر في

موضع العبد قال الفرّا هو من ضرورة الشعر و هو قوله :

أَبْنِي لِمِئِنِّي إِنَّ أُمَّكُمْ
أُمَّةٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ عَبْدٌ

و يقال رجل نجد ونجدای شجاع ر يقال رجل بكر في حاجته وبكرو
رجل حذر و حذر والسمن من العضاه و يقال وظيف عَجْر و عَجْر للغليظ
و يقال رجل نكرو نكرو ز هو العجز يذكر و يؤنث س يقال رجل ندس و
ندس ای فهم و نطس و نطس للمبالغ في الشئ ش يقال مكان عطش و
عطش لقليل الماء ع هو السبع و هي الضبع و الضبع ايضاً السنة الجديه
يقال اكلتهم الضبع و ذلك اذا اجدبوا قال الشاعر: اباخر اشته اما كنت (كذا)
ذا نغر: فان قومي لم تأكلهم الضبع . و يقال رجل طمع و طمع ل الرجل واحد
الرجال و يقال رجل عجل و عجل بمعني ن يقال رجل فطن و فطن بمعني .
و مما الحقت الها من هذا البناء: الصدقة الصداق قال ابن الجريح و كان من
افصح الناس قضي ابن عباس لها بال صدقه ل المثلثه العقوبه باب فعل يفتح
الفا و كسر العين الخ.

صاحب كشف الظنون درص ۵۰۳ ج ۱ دیوان الادب را نام برده و در ذیل آن شرحی
نوشته که مشتمل بر اغلاط فاحشی میباشد و در اینجا ترجمه آن عبارات با تذکر باغلاط و
اشتباهات آن آورده میشود :

دیوان الادب در لغت تالیف اسحق بن ابراهیم فارابی دائی جوهری است که نزدیک
بسال ۳۵۰ وفات یافته و این کتاب را برای اتسز بن خوارزمشاه تالیف و در خطبه آن نام وی
را آورده کتابی معتبر و مشتمل بر پنج قسم است بدین تفصیل اول در اسماء دوم در افعال
سوم در حروف چهارم در تصریف اسماء پنجم در تصریف افعال . قفطی گوید تالیف
این کتاب در شهر زبید گردیده و مؤلف پیش از آنکه این کتاب از وی روایت شود بمرد
وسیوطی آنرا که از وی روایت کرده اند نام برده، بنا بر این گفتار قفطی غلط است . دیوان
الادب را حسن بن مظفر نیشابوری متوفی بسال ۴۴۲ تلخیص و تهذیب کرده و نیز گوید که
یاقوت گوید امام ابوسعید محمد بن جعفر دیوان الادب فارابی را تهذیب نموده و
مطالبی بر ابواب آن افزوده و چیزهایی که مطالب را زینت میدهند نیز در آن گنجانیده و آنرا
در ده مجلد بزرگ گذارده و کتابی مفید گردیده است انتهى .

صاحب کشف الظنون اولاً نسبت داده که در مقدمه این کتاب نام اتسز بن خوارزمشاه موجود و تألیف آن بنام وی گردیده در صورتی که در مقدمه چنین مطلبی نیست و بعلاوه چنانکه در کتب تواریخ ضبط گردیده اتسز بن خوارزمشاه مؤسس سلسله خوارزمشاهی متوفی بسال ۵۵۱ میباشد و بنا بضبط خود حاجی خلیفه و یاقوت و سیوطی مؤلف دیوان الادب در حدود سال ۳۵۰ وفات کرده و دوست سال مقدم بر اتسز زندگانی میکرده و بنام اتسز کسی را در قرن چهارم سراغ ندارم ولی در ص ۲۰۶ ج ۳ معجم الادبا نوشته شده: حسن بن محمد بن ابی الشحنا شکست خوردن اتسز بن اوق غزی را که بسال ۴۶۹ روی داده در مراسله ای پیدادشاه عصر تهنیت گفته و این اتسز نیز غیر از اتسز مؤسس سلسله خوارزمشاهی میباشد. و نیز در تقسیم مطالب کتاب چنانکه دانستیم مرتب ساخته و تقسیمات آن چنانکه گذشت غیر از تقسیمات این کتابست و نیز خود او گفته کسی که بسال ۴۴۲ وفات یافته باختصار آن پرداخته است.

نگارنده احتمال میدهد که بنام دیوان الادب در زمان اتسز نیز کتابی مشتمل بر پنج قسمت تألیف گردیده و حاجی خلیفه آنرا دیده و نام مؤلف در آن نبوده و با عدم توجه بخصوصیات تاریخ و زمان تصوّر نموده که همان دیوان الادب فارابی میباشد و این کتاب را ندیده است بنا بر این اختصار فوق از دیوان الادب فارابی خواهد بود. دیوان الادب از کتابهای نفیس این کتابخانه میباشد و در کتابخانههای ایران نسخه کاملی از آن نیافتیم و قسمتی از ابتداء این کتاب در کتابخانه فاضلیه خراسان موجود است. در فهرست دارالکتب المصریه چند نسخه کامل و ناقص از این کتاب نام برده شده که تاریخ کتابت آنها یکی بسال ۵۷۴ و دیگری ۶۱۱ و دیگری ۶۱۷ هـ است و کیفیت خط (چنانکه ذیلاً ذکر خواهد شد) حاکم بر این است که نسخه این کتابخانه پیش از کهنه ترین نسخ آن کتابخانه نوشته شده و در حدود (۱۸۰۰) بیت کتابت دارد و ظاهراً تألیف آن مقدم بر تهذیب اللغه ازهری است.

بنام «دیوان الادب فی نوادر شعراء العرب» کتابی است که «الحلونسیم» استاد دانشگاه صیدا از اشعار شعرای عرب که در کتب معروفه موجود است انتخاب و جمع آوری نموده و بسال ۱۹۱۲ م در صیدا از کشور شام چاپ شده است.

آغاز: بسمله قال اسحق بن ابراهيم تولاّه الله بعصمته في الدارين الحمد لله رب العالمين حمداً يبلغ رضاه ويمتري المزيّد منه ويستوجب به ما عدا من الكرامة الخ.

(۸۲۹)

ديوان الادب

این نسخه بخط نسخ با شیوه مخصوصی نوشته شده. کاتب نامی از خود و سال کتابت نبرده و ظاهراً از خطوط اوائل قرن پنجم هجری میباشد بعضی از اوراق این نسخه و صالی و مطالب تصحیح شده و مشتمل بر کتاب اوّل (کتاب سالم) تا آخر باب تفعیل است، ورق آخر دارای قسمتی از باب مفاعله بوده بامهارت تمام آنرا دو پوسته کرده و اینقسمت را بر ورق حنائی رنگ چسبانیده و در اوّل نسخه دوم که پس از این ذکر میشود گذارده اند، پشت ورق اوّل یادداشتی مؤرخ بسال (۶۰۸) میباشد و نیز در همانجا یادداشتی مبنی بر اینکه حسین بن حاجی محمد کاشانی این کتاب را وقف بر اولاد خود نموده، نوشته شده و بر تمام صفحات کلمه وقف نیز نگاشته شده، فهرست ابواب کتاب را بر سیزده ورق کاتب دیگری نوشته و در ابتدای کتاب گذارده و این نسخه ضمیمه نسخه بعد بوده، اوراق و سطوره هر دو نسخه متوالی است و شاید مرحوم اعتضاد السلطنه که در سال (۱۲۷۰) دارنده این کتاب شده اند آنرا در دو جلد گذارده اند.

جلد تیماجی. کاغذ قدیمی. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۴۳) صفحه ای (۱۹) سطر. طول (۲۸ سانتیمتر) عرض (۲۰ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۰۵).

(۸۳۰)

ديوان الادب

این نسخه بخط کاتب نسخه پیش و تتمه آنست. و مشتمل بر قسمتی از کتاب سالم (از باب مفاعله تا آخر کتاب) و کتاب دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم میباشد ولی قسمتی از آخر کتاب ششم آن افتاده و پاره ای از اوراق آن و صالی شده و آخرین سطر موجود این است:

باب الفعل لله ص بالاص الرجل ای قر ن طامن ظهره و طمان بمعنی. باب.

جلد تیماجی. کاغذ قدیمی. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۳۳). صفحه ای (۱۹) سطر. طول (۲۹ سانتیمتر). عرض (۲۰ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۰۶).

[۳۴۶] رساله در الفاظ مفرده (عربی بفارسی)

این رساله در حدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد ، مؤلف نامی از خود نبرده و با تفحص او را نشناختم ، و مرتب بحروف تهجی است .
 آغاز : بسمله و به ثقتی باب الالف « ابتداء و افتتاح » آغاز کار کردن ، « انتها » پایان بردن کار ، « انشاء » از خود پیدا کردن ، « التجا » پناه گرفتن ، « التقا » بهم رسیدن و یکدیگر را دیدن ، « احصا » شمردن ، « استقامت » راست ایستادن ، « استعانت » یاری خواستن ، الخ .
 انجام : « یمامه » کبوتر ، « یقطین » درخت کدو ، والله اعلم بالصواب
 تمت الالفاظ .

(۸۳۱)

رساله در الفاظ مفرده
 این نسخه را بخط نستعلیق خوب محمد امین بسال ۱۱۰۹ نگاشته و در حاشیه دو ورق اول آن لغات مثله که در حرف لام از همین فصل آنرا معرفی خواهیم نمود نگاشته شده و خود این رساله هم پس از کنز اللغه میباشد ، خصوصیات دیگر نسخه در ذیل کنز اللغه که در تحت شماره (۱۰۷) کتابخانه است ، ذکر خواهد شد .

[۳۴۷] رساله در الفاظ مفرده و مرکبه (عربی بفارسی)

این رساله نیز در حدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد ، در خود کتاب نامی از جامع نیست و در جای دگر هم گرد آورنده آنرا نیافتم ، ولی در آخر نسخه کلمه « لراقمه » موجود است بنا بر این شاید محمد امین کاتب نسخه مؤلف باشد و مقصود وی از این تألیف از عبارت مقدمه معلوم میشود :

اما بعد بدانکه این الفاظ چند است از مفردات و مرکبات که بر زبانها متداولست و در نامه های تازی و پارسی مستعمل ، مبتدی چون اینقدر بخواند و یاد گیرد و در استعمال آرد عبارات او در محاورات و مکاتبات مهذب گردد انشاء الله تعالی فصل الخ .

این رساله در پنج فصل مرتب گردیده و مؤلف نظم و ترتیب صحیحی برای

آن در نظر نگرفته و فصل آخر آن در اضداد است برای نمونه قسمتی از یکی از فصول آنرا نقل میکنیم: **فصل «معزز»** عزیز کننده، «مغیث و غیاث» فریادرس، «رکن» گوشه، «عضد» یار و بازو، «فلک» آسمان، «قطب» آنچه آسیا بر او گردد، «قیام» آنکه ایستادگی بدو بود، «عده» ساخته از جهت حوادث، «زین و زینت» آرایش، «مجد و شرف» بزرگواری، الخ.

آغاز: بسمله حمد و ثنا مبدع بی آلت و مخترع بیغرض و علت را و درود بسیار بر سید انبیا الخ.

انجام: «راجی و خاطی» امید دارنده و گناهکار، «میمون و همایون» مبارک و خجسته، «ابتدا و انتها» اول و آخر والله اعلم بالصواب و الیه المرجع و المآب تمت.

(۸۳۲)

رساله در الفاظ این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، کاتب نامی از خود و سال نگارش نبرده ولی از قرائن معلوم میشود که بخط محمد امین کاتب رساله پیش از اینست که بسال ۱۱۰۹ نگاشته شده است، خصوصیات دیگر بشماره (۱۰۷) کتابخانه مراجعه شود.

[۳۴۸] **شرح نصاب** (عربی و فارسی)

نصاب الصبیان یکی از منظومه هائی است که ترجمه لغات مهمه عربی را بیارسی در بردارد و بسیار مشهور است و دارای شروح زیاد میباشد و ما در اواخر همین فصل از این کتاب و شروحی از آن معرفی کامل خواهیم نمود،

این شرح که خصوصیات نسخه آنرا پس از این خواهیم نگاشت یکی از شروح خوب نصاب است ولی بدبختانه صفحه اول و قسمتی از آخر آن افتاده و نسخه دیگری از آنرا هم سراغ نداریم، لذا نام مؤلف را نمیتوان بدست داد، از مطالعه نسخه هم مؤلف شناخته نشده، اما از قرائن معلوم میشود که هندی و حنفی مذهب بوده است.

این کتاب طرز خاصی دارد و آن اینست که مطالب مندرجه در دیباچه نصاب

را يك يك بنام سؤال ذکر نموده و در تحت عنوان جواب بشرح آن پرداخته پس از آن معانی حروف را در تحت سه باب و هر بابی را مشتمل بر فصولی چند بدینگونه ذکر نموده : **باب اول** در مفردات . **باب دوم** در مرکبات **باب سوم** در حروف عوامل . پس از این شروع بشرح قطعات کتاب يك بيت يك بيت نموده و پس از نخستین بيت هر قطعه بدو آنرا تقطیع میکند و آنوقت بشرح يك بيك لغات مندرجۀ در آن میپردازد و گاهی معادل هندی آنرا هم ذکر میکند .

بمناسبت شرح بيت نخستین که مشتمل بر نام خدای تعالی میباشد منظومه ای در (۱۰۲) بيت در بیان اسماء الله الحسنی از صدر الممالک نام نقل نموده و در ذیل بيت دوم (۵۰) بيت راجع بمعنی آسمان و زمین و خلقت آنها از پدر خویش آورده است .

برای نشان دادن طرز کتاب قسمتی از آنرا در اینجا میآوریم :

بيت : « عرش » سقف و « بيت » خانه « كحل » سرمه « رمل » ريك
 « حسن » خوبی « قبح » زشتی « جاف » خشك و « رطب » تر .
العرش : بفتح العين المهملة وسكون الراء المهملة وبالشين المنقوطة تحت ملك كقوله تعالى : ايكم یا تینی بعرشها قبل ان یا تونی مسلمین و ستف ، و « بيت » « خانه » بفتح الباء الموحدة و « عیال » را نیز بیت گویند و « دوحصرع » را نیز بیت گویند و جمعه البیوت والابیات و جمع الجمع الابیات والبیوتات وتصغیره ببیت بالضم وقد جاء بالكسرو قس علی هذا تصغیر امثاله كالشیخ والشیء والعین . « الكحل » بضم الكاف وسكون الحاء المهملة « سرمه و مال بسیار » و بفتح الكاف « مال قحط » و الرمل بفتح الراء المهملة وسكون المیم « ریگ » والرمله قليل منه و جمعه الرمال والرمل بالفتحین بحری از عروض است و نوعی از رفتن شتر و اندکی از باران ، الخ .

این شرح تقریباً دوازده برابر متن نصاب میباشد و چون اول و آخر آن افتاده و نسخه دیگری از این شرح بدست نیاوردم آغاز و انجام آن نقل نگردید .

(۸۳۳)

شرح نصاب این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، صفحه اول آن افتاده نویسنده ای قسمتی از ابتداء شرح نصاب محمد بن فصیح دشت بیاضی را استنساخ و بآن ملحق نموده ولی بامطابقه با نسخه چاپ شده شرح دشت بیاضی دانسته شد که نویسنده تقلب نموده و این شرح غیر از آنست . آغاز ورق

اول اصل نسخه اینست: مشهور بکنیت بود و غرض از نام امتیاز است پس بچیزیکه سخت امتیاز حاصل شود اولی بود بدکر و دیگر آنکه نصر دلالت بر نصرت میکنند (کذا) پس چنانستکه مصنف میگوید اللهم اجعلنی نصیراً للصّیّان الخ . يك ورق پیش از ورق آخر نوشته مانده و آخرین بیت که در ورق آخر نسخه شرح شده هفت بیت بآخر قطعه ۳۸ میباشد و آخرین سطر نسخه این است: و الخیاض من باب نصر یعنی در آب شدن و در کاری شروع کردن و الغیل بفتح الغین المعجمه و سکون الیاء التّحتانیّه.

بسال ۱۲۶۱ بنام شرح نصاب دشت بیاضی (۱) داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده و بهمین نام در دفاتر مدرسه ثبت شده است . جلد تیماج . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۱۹) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۹۲) .

[۳۴۹] شرفنامه منیری (عربی و فارسی و ترکی)

مؤلف این کتاب چنانکه در مقدمه آن بنظم و نثر (و نیز در ذیل لغت دوستکانی) نگاشته شده ابراهیم قوام فاروقی ره است که شاعری متمبّع بوده و از اشعار خویش در ذیل بعضی از لغات ایلاتی آورده و بمناسبت لقب شرف الدین احمد منیری که از مشاهیر مشایخ هندوستان (ظاهراً مراد و مرشد مؤلف است) و صاحب مکاتیب مشهوره و شرح آداب المریدین و مؤلفات دیگرند که در ص ۸-۱۰ نزهة الخواطر ذکر شده و بسال ۷۸۲ جهان را وداع گفته اند ، این مؤلفه را

(۱) دشت بیاضی چنانکه در فرهنگ عباسی نوشته شده از توابع خراسان است و در ص ۲۰۵ مجمع الفصحا در ذیل نام ولی دشت بیاضی که از شعرای متأخرین بوده نوشته شده: دشت بیاض از توابع قائن است و بسبب سفیدی خاک آنجا را دشت بیاض گویند .

و از رساله ای خطی که متعلق به آقای صادق انصاری و در شرح حالات و اشعار ولی دشت بیاضی میباشد معلوم میشود که معاصر شاه طهماسب صفوی بوده و پس از وفات آن پادشاه (سال ۹۸۴) زنده بوده و با احتمال مالک محترم ، این رساله جزئی از تذکره تقی الدین کاشی است و طرز نگارش هم این احتمال را تأیید میکند .

شرفنامه منیری (۱) نام نهاده و چنانکه در ذیل فرهنگ میرزا ابراهیم خواهیم نگاشت این شاعر شرفنامه را در دست داشته و در عبارات آن اندک تصرف و اضافاتی نموده و بنام خود جلوه داده است.

در کتب رجال و تذکره و سیرنامی از ابراهیم قوام فاروقی نیافتیم، از معاصر بودن با شرف الدین احمد منیری که این فرهنگ بنام وی تألیف گردیده و ایشان بتصریح در تذکره علمای هند طبع لکنه ص ۸۴ و نزهة الخواطر ص ۸ - ۱۰ پس از یکصد و بیست سال زندگانی بسال ۷۸۲ وفات یافته‌اند، عصر وی قرن هشتم هجری دانسته شد و از آنچه در ذیل پاره ای از لغات نگاشته شده نیز زمان مؤلف استفاده میشود ولی اشکالی که داریم اینست که نسخه ذیل در بیان معنی طهماسب گوید نام پادشاه ایران زمین که هفت سال خراج رعایا را بخشیده بود و پنجاه سال ملک رانده و میدانیم که شاه طهماسب صفوی معروف از سال ۹۳۰ تا ۹۸۴ یعنی پنجاه و چهار سال سلطنت کرده و جز این پادشاه طهماسب آنهم پنجاه سال سلطنت کرده ای در تاریخ نیافتیم (۲) و گذشته از آنچه گفته شد نسخه ای از شرفنامه که بسال ۸۷۹ یعنی پیش از تولد شاه طهماسب نوشته شده در کتابخانه آصفیه دکن موجود است و احتمال میدهم که این لغت از اضافات متأخرین باشد و در فرهنگ میرزا ابراهیم عین این الفاظ را در ذیل کلمه طهماسب می بینیم و خواهیم دید که وی اضافاتی بر شرفنامه دارد بنا بر این حکم میکنیم که این لغت جزء اصل کتاب شرفنامه نبوده و اشکال تقریباً رفع خواهد شد.

(۱) از این دوبیت که در دیباچه کتاب است :

مغیت جهان سرور منیر است که خاک در روضه اش غنبر است

سمی نبی احمد منیری که دارد بدودین حق برتری

بدست آمد که منیر نام محلی است، در ص ۹ نزهة الخواطر آنرا بفتح میم و کسرون ضبط و در ص ۵۲ معجم الا مکته نزهة الخواطر گوید که منیر از توابع ولایت بهار هندوستان است و عارف شهیر شیخ شرف الدین احمد بن یحیی المنیری بدانجا منسوب است.

(۲) در شاهنامه فردوسی زو پدر گرشاسب را پسر طهماسب معرفی کرده و آن اینست :

ز تخم فریدون بجستند چند * یکی شاه زیبای تخت بلند

ندیدند جز پور طهماسب زو * که زور کیان داشت فرهنگ او

مؤلف پس از دیباچه ای که بنظم در حمد و ثناء الهی و نعت حضرت رسالت پناهی و مدح شرف الدین احمد منیری و در ۸۶ بیت میباشد مقدمه‌ای بذر در بیان معنی حروف مفرده و مرکبه فارسی و ترکی باشواهد ذکر کرده پس از آن در بیان معنی لغات عربی و فارسی بفارسی پس از آن لغت ترکی بفارسی بترتیب حروف تهجی برآمده و حرف اول را باب و آخر را فصل قرار داده و برای معانی لغات باشعار قدما چون سعدی، حافظ، خاقانی، سلمان، ظهیر، نظامی، فردوسی، انوری، خواجه، سوزنی، کمال اسمعیل، سنائی، منصور شیرازی، عمادی، بدرشاهی، خجندی، عنصری، عبد الواسع جبلی، همایون، عماد فقیه، و باشعار کتاب تاج المآثر و مدخل منظوم و بسحق اطعمه و نگارشات فرهنگنامه اسدی طوسی و عجائب البلدان و لسان الشعراء و اداة الفضلاء و مسموعات از دانشمندان معاصر چون امیر شهاب الدین حکیم کرمانی و شیخ واحدی محقق و غیر از اینها مکرراً تمثیل جسته و در ذیل **دوستگانی** نام حسنخان امیر زین الدین هر وی ملک الشعرا را که نیز معاصروی بوده برده است.

این کتاب در حدود (۱۶۸۰۰) بیت کتابت دارد و نسخه ای از آنرا در طهران و سائر کتابخانه های ایران نیافتم و در فرهنگهای موجوده فقط نسخه ای را در دکن یافته‌ام (ص ۶۱۶ ج ۳ فهرست آصفیه مراجعه شود) و مؤلف کشف الظنون در ص ۵۸ ج ۲ گوید: شرفنامه در لغت فارسی و از منیری است.

و چنانکه دانستیم مؤلف آن منیری نیست و این نیز از اغلاط کشف الظنون است.

آغاز بسمله: بنام خداوند گیتی بهست سر آغاز هر نامه را که.....

خداوند انس و خداوند جان خداوند جسم و خداوند جان

انجام: الترقی «یار کی» دارند «یخشی» نیکو و خوب و یغشی مثله، «ترنچی» رحمت کننده، «یرتلی» گناه کار، «یلنجی» بالا «یلقی» سجده کرد، «یلخی» کله «یویری» از اینسوی. و پس از این در نسخه ذیل بعنوان باب بحور و اوزان اشعار و مطالبی در (۱۰۰) بیت میباشد که ظاهراً خاتمه کتاب قرار داده شده و در مقدمه نامی از آن نیست.

(۸۳۴)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، کاتب نام خود و سال
شرفنامه منیری کتابت را نگاشته، لغات و مأخذ اشعار با شنجرف میباشد،
 پشت نسخه بسال ۱۲۶۱ بنام «منتخب شرفنامه» داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده
 و در همانجا بهمین نام وقف گردیده ولی از دیباچه و مقدمه نسخه بدست نمیآید که
 منتخب شرفنامه باشد بلکه تصریح دارد که شرفنامه احمد منیری است، چند ورقی
 از اوائل نسخه و صالی گردیده و پس و پیش شده اوراقی هم از آن میان افتاده است
 از اینکه اشعار شواهد لغات بیشتر از متن خارج و در حاشیه نوشته شده احتمال
 میدهم که مرحوم اعتضاد السلطنه یا مالک پیش از ایشان تصوّر نموده اند که این
 کتاب منتخب شرفنامه میباشد و ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است.
 جلد میشن. کاغذ دولت آبادی. واقف سیهسالار، قطع ربعی. شماره اوراق (۳۸۱). صفحه ای
 (۱۱) سطر. طول (۱۶ سانتیمتر). عرض (۱۱ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۸۶).

[۳۵۰] صحاح اللغة (عربی)

مؤلف این کتاب جوهری ره است (ابونصر اسمعیل بن حماد الفارابی الجوهری
 متوفی بسال ۳۹۳ (۱) این دانشمند (۲) با اینکه زبان مادری وی ترکی بوده از
 ائمه لغت عرب شمرده میشود و نخستین کس میباشد که لغات عربی را بترتیب
 حروف تهجی مرتب نموده و تا آنوقت تدوین لغت بطرز تهذیب اللغة

(۱) در تعیین سال وفات جوهری اختلاف کرده اند و صاحب روضات آنها را بدینگونه نقل
 کرده: جوهری چنانکه در کشکول و غیره است بسال ۳۳۳ یا ۳۵۳ وفات یافته و چنانکه
 در مجمع البحرین در باب ما اوله الجیم از کتاب الرآء تألیف طریحی نوشته شده مرک وی
 در حدود سال چهارصد (۴۰۰) بوده و این قول مناسب است فاضل شمنی در حاشیه مغنی و سیوطی
 در طبقاتش بنقل از ابن فضل الله در مسالك وی نیز ذکر نموده اند. و از شیخ عبد الله یافعی
 مورخ مشهور (صاحب مرآة الجنان) نقل گردیده که جوهری بسال ۳۹۳ وفات یافته و
 این قول گویا راست باشد (در شذرات الذهب ج ۳ ص ۱۴۲ و کشف الظنون ج ۲ ص ۷۴ و فهارس
 مصر نیز این تاریخ ثبت شده) و یاقوت در معجم الادباء گوید آنچه تحقیق و تجسس نمودم
 بسال تولد و وفات جوهری دست نیافتم.

(۲) این شرح در اطراف جوهری با مرآة به یتیمه الدهر ج ۴ ص ۲۸۹، شذرات الذهب
 ج ۳ ص ۱۴۲، روضات ص ۱۱۰ و ۱۱۱ و کشف الظنون ج ۲ ص ۷۴ تا ۷۶ و بغیة الوعاة
 و معجم المطبوعات ص ۷۲۳ نگاشته شده است.

و دیوان الادب (در صفحه ۱۶۷ و ۱۸۲ طرز آنها بیان گردید) معمول بوده و گذشته از تحصیل علوم ادب در نزد اساتید بزرگ چون ابوعلی فارسی و سیرافی و دانی خود ابو ابراهیم اسحق مؤلف دیوان الادب، و اتقان و تعمق در آنها چنانکه خود در مقدمه همین کتاب نگاشته و معاصروی ثعالبی در یتمه الدهر و دیگران در کتابهای دیگر شهادت داده اند بقبائل عرب چون ربیع و مضر رفته و چندی در میان آنها زندگانی نموده و لغات و اصطلاحات آنها را دریافته و در این کتاب جاداده است. جوهری چون از عربستان برگشت و به دامغان رسید ابوعلی الحسن بن علی (۱) که از معاریف دانشمندان و نویسندگان بود ویرایخانه خود برد و او را پذیرائی شایان و همراهی نمایان نمود و از ادب و خط او بهره ای برداشت و با همراهی زیاد بنشاپور فرستاد و همواره در آنجا بتدریس و تألیف و نگارش قرآن کریم و کتب، روزگار میگذرانید تا زندگانی وی با آثار نیکو و نام نیک سپری گردید.

گاهی شعر میسروده و ثعالبی درباره وی گفته: وَلِلْجَوْهَرِيِّ شِعْرُ الْعُلَمَاءِ لَا شِعْرٌ مِثْلَ شِعْرِ الشُّعْرَاءِ و از اشعار وی آنچه را نقل نموده ما نیز در اینجا میآوریم:

لو کان لی بدّ من النّاس	قطعت جبل النّاس بالیاس
العزّ فی العزلة لیکنّه	لا بدّ للنّاس من النّاس

و از اوست

فها انا یونس فی بطن حوت	بنیسا بور فی ظلیل الغمام
فیتمی والفؤاد ویوم دجن	ظلام فی ظلام فی ظلام
رأیت فتمی اشقراً ازرقاً	قلیل الدماغ کثیر الفضول
یفصل من حمقه دائماً	یزید بن هند علی بن البتول

و نیز از اوست

یا صاحب الدعوة لا تجز عن	فکنّا ازهد من کرز
--------------------------	-------------------

(۱) در یتمه الدهر نام این راد مرد بدین نحو ثبت شده ولی صاحب روضات (ص ۱۱۰) و سیوطی در بغیة الوعاة این دانشمند را بنام ابوالحسین بن علی بنقل از معجم الادباء یا قوت معرفی کرده اند.

والماء كالغبر في قوس
من عزة يجعل في الحرز
فسقنا ماءً بلا منة
وانت في حل من الخبز
در یتیمه الدهر و دیگر کتابها نوشته شده که جوهری خط را خوب مینوشته
و در عرض ابن مقله و مهلهل و یزیدی شمرده میشود .

یاقوت در معجم الادباء (ارشاد الاریب الی معرفة الادیب) مؤلفات وی را
کتابی در عروض ، و مقدمة النحو ، و صحاح اللغة دانسته و در روضات بنقل از
بغیة الوعاة شرح ادب الکاتب و بیان الاعراب نیز بجوهری نسبت داده شده است
و در نسخه خطی بغیة الوعاة که در این کتابخانه میباشد این نسبت موجود ولی
مؤلف شذرات الذهب که مطالبی راجع بجوهری از بغیة الوعاة نقل نموده این دو
کتاب را نام نبرده و چنانکه در ص ۲۸۱ گذشت دانستیم که این دو کتاب را
یاقوت از مؤلفات ابو ابراهیم فارابی دانی جوهری دانسته است .

صحاح اللغة که اینک مورد بحث ما میباشد یکی از کتب مهمه لغت عرب
است و ثعالبی که خود از بزرگان ادب و شهبسواران میدان دانش و صرافان سخن
بوده یکچند سال پس از تألیف « صحاح » که یتیمه الدهر را تألیف نموده درباره
آن گفته : جوهری را کتابی بنام « الصحاح » در لغت میباشد که بهتراز « جمهره »
و دلشین تر از « تهذیب اللغة » میباشد و از آن زودتر نتیجه توان گرفتن تا از
« مجمل اللغة » و ابو محمد اسمعیل بن محمد نیشابوری که این کتاب صحاح بخط
مؤلف نزد او موجود است در باره وی گفته :

هذا کتاب الصحاح سیّد ما
صنّف قبل الصحاح فی الادب
یشمل انواعه و یجمع ما
فرّق فی غیره من الکتب

مؤلف معجم المطبوعات این کتاب را بنام « تاج اللغة و صحاح العربیّه » نامیده
و گوید در نسخه خطی کهنه ای که سال ۸۵۱ نوشته شده نام این کتاب بدینگونه
نوشته شده : « تاج اللغة و سر العربیّه » و يعرف بالصحاح (او) کتاب الصحیح
فی اللغة رواية الشيخ ابی محمد اسمعیل بن محمد بن عبدوس النیسابوری .

چنانکه دانستیم در *یتیمه الدهر* که تألیف آن بسیار نزدیک بسال تألیف صحاح بوده این کتاب بنام «صحاح» ذکر شده و ابو محمد آن را در نظم خویش با این نام تعریف کرده و یاقوت در معجم الادب نیز آنرا بهمین نام آورده و آخر نسخه ای که بسال ۸۴۳ هـ. نوشته شده و در این کتابخانه میباشد (شماره ۸۳۵ همین فهرست) کاتب تصریح نموده که نام این کتاب «الصحاح» میباشد. ندانم از کجا نام «تاج اللغة» بر این کتاب گذارده شده که نویسندگان بعضی از نسخ که پس از سال ۸۴۳ نوشته شده آنرا تذکر داده اند.

مؤلف خود در مقدمه و خاتمه نامی برای کتاب نگذارده و آن را بدین سبب صحاح گویند که مؤلف خود در مقدمه گفته: *اما بعد فانی قد اودعت هذا الكتاب ماصح عندي من هذه اللغة الخ.* و صاحب روضات گوید: ابن صلاح در «مشکل الوسيط» گفته: آنچه را صاحب صحاح تنها نقل نموده و همه اهل لغت آنرا انکار کرده اند نباید پذیرفت چرا که فقط جوهری بصحت آن معتقد است. و این قول ابن صلاح مردود میباشد چرا که *تقریری و جوالی* (در روضات جوالی نوشته شده ولی ظاهراً مراد *جوالقی* یا *جوالیقی* لغوی معروف باشد) و غیر از ایشان صحت لغات صحاح را گردن گرفته اند و خلاصه اینکه همه دانشمندان کتاب صحاح را باعتبار پذیرفته و بنوشته های در آن ترتیب اثر میدهند و بعضی از بزرگان بدین اعتبار تصریح کرده اند. جمعی از دانشمندان مطالب مندرجه در صحاح اللغة را دقت نموده و با غلط آن پی برده اند و در اطراف آن کتابها نوشته اند، از آنجمله «الاصلاح للخلل الواقع فی الصحاح» تألیف علی بن یوسف بن ابراهیم ققطی متوفی بسال ۶۴۶ می باشد که سیوطی آنرا نام برده و دیگری «نور الصباح فی اغلاط الصحاح» می باشد و در معجم المطبوعات است که بسال ۱۳۲۸ در هندوستان در آخر «صراح اللغة» بچاپ رسیده و دیگری «ضالة الادیب» است که در جمع میان لغات صحاح و تهذیب میباشد و در آن اغلاط جوهری را تذکر داده است.

و بسیاری این کتاب را (صحاح اللغة) مختصر نموده و یا بر آن اضافاتی نموده و یا بر آن حاشیه نگاشته و یا بتکلمه ای آنرا تکمیل کرده اند و نام آنها در ص ۷۴

تا ۷۶ ج ۲ کشف الظنون و ص ۱۱۰ و ۱۱۱ روضات و در بغیه و معجم الادبا و شذرات الذهب و امل الامل و دیگر کتب میباشد برای اختصار نام آنها را نیاوردیم یکی از اختصارات صحاح « ینایع اللغه » تألیف ابو جعفر احمد بن علی بیهقی معروف به جعفرک متولد و متوفی بسال ۴۷۰-۵۴۴ میباشد که شواهد آنرا انداخته و لغاتی از تهذیب ازهری و الشامل ابو منصور جهان و مقایس ابن فارس بر آن افزوده و حجم آن از صحاح بیشتر نشده است (معجم الادبا ج ۱ ص ۴۱۴-۴۱۶) و دیگری بنام « الراموز فی اللغه العربیه » است و چنانکه در ص ۱۴ ج ۲ فهرست دارالکتب نوشته شده مؤلف آن سید محمد بن سید حسن است و نسخه ای از آن که بسال ۹۸۸ نوشته شده در کتابخانه یکی جامع در آستانه موجود است. و دیگری « صفو الراح من مختار الصحاح » تألیف عبدالرحمن بن عیسی است و نسخه ای از آن در کتابخانه خدیویه مصر موجود است (ج ۴ ص ۱۷۵ فهرست خدیویه). و در این کتابخانه دو منتخب و مختار و یک ترجمه از صحاح میباشد که در این فصل آنها را معرفی مینمائیم.

جمعی خواسته اند که از اغلاط و اشتباهات صحاح اللغه عذر خواهی کنند و گویند که تا باب ضاد معجمه این کتاب بر مؤلف خوانده شده در این هنگام و سوسه و جنونی عارض وی شد و بخیال پرواز در هوا افتاد (۱) و برای خویش دو بال از چوب بساخت و بر بام مسجد جامع نیشابور رفت و از آنجا بزیر افتاد و بمرد و کتاب او پاکنویس نشده بماند، شاگرد وی ابراهیم بن صالح وراق بقیه را پاکنویس و صحاح را تمام نمود. این گفتار درست نیست برای آنکه اغلاط موجوده در این کتاب منحصر بابواب اخیر آن نیست و ثانیاً چنانکه صاحب روضات متذکر شده اند حضرت علامه حلی رحمه الله این کتاب را از اساتید خویش از مؤلف آن جوهری نقل و روایت نموده اند و ثالثاً چنانکه دیدیم ثعالبی

(۱) جز این فکر و خیال مورخین برای جوهری آثاری از دیوانگی نشان نداده اند و آنانکه در قرن بیستم میلادی زندگانی میکنند و موفقیت پرواز در هوا را برای نوع بشر مشاهده مینمایند قطع خواهند یافت که وی دارای فکری صحیح بوده ولی روزگار و مسائل کار را برای وی چنانکه باید مهیا ننمود و نادانی معاصرین بجنون و نادانیش متهم ساخت.

معاصر مؤلف صحاح نسخه آن را بخط مؤلف آن نزد ابو محمد اسمعیل بن محمد نیشابوری نشان داد.

صحاح اللّغه بگفته صاحب روضات (۴۵۰۰۰) چهل و پنجهزار بیت کتابت دارد و چنانکه در اوائل این بحث گفته شد ترتیب تنظیم آن مخالف کتب لغتی است که پیش از آن تألیف گردیده و مؤلف لغات موجوده در آن را در بیست و هشت باب و هربابی را در بیست و هشت فصل بشماره حروف تهجی مرتب نموده و مناط در تنظیم ابواب را حرف آخر گرفته و فصول را حرف اول مثلاً لغت عشق را در باب القاف و فصل العین باید دید و دیگر لغات را بهمین طرز بایستی پیدا نمود و مؤلف در صحت معانی لغات با شعار فصحا و کلمات بلغا استشهاد کرده اند.

صحاح اللّغه را مولی محمد بن مصطفی الوانی معروف به «وان قلی» متوفی بسال ۱۰۰۰ بترکی ترجمه نموده و بسال ۱۱۴۱ در قسطنطنیه در دو مجلد چاپ شده و نسخه آن در تحت شماره ۳۵ و ۳۶ در این کتابخانه موجود است و ترجمه فارسی صحاح بنام «صراح اللّغه» میباشد که پس از این معرفی خواهد شد. و در ص ۲۹۲ جزء ۷ معجم الادبا نوشته شده زین الدین مغربی زواوی «یحیی بن معطی بن عبدالنور» که از معاصرین می باشد و بسال ۵۶۴ متولد شده مؤلفاتی دارد و از آنها نظم صحاح جوهری میباشد که ناتمام مانده است.

کتاب صحاح مکرر در مصر و ایران و هندوستان چاپ گردیده است. آغاز: بسملة الحمد لله شكراً على نواله ، والصلوة على محمد و آله ، اما بعد فاني اودعت هذا الكتاب ما صح عندي من هذه اللغة الخ. انجام: قال ذوالرّمه :

أَلَا يَا أَسْلَمِي يَا دَارَمِي عَلَيَّ الْبَلِيْ وَلَا زَالَ مِنْهَا لَا يَجْرُ عَائِكَ الْقَطْرُ. ۴.

(۸۳۵)

این نسخه بخط نسخ صدرالدین مکرّم بن یحیی بن مکرّم در صحاح اللّغه سنه (۸۴۳) نوشته شده و شامل تمام کتاب است، دارای يك

سرلوح و صفحات مجدول بطلا ولا جوردمیباشد، بیشتر از صفحات را موریا نه سوراخ کرده و پاره از اوراق وصالی شده، حواشی صفحات آب دیده ولسی خطوط آن سالم مانده است.

جلد تیماجی هستعمل. کاغذ دولت آبادی. واقف سیهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۶۸۵) صفحه (۲۱) سطر. طول (۲۶ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) عرض (۱۷ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۲۹).

(۸۳۶)

این نسخه که از نسخه های نفیس میباشد عبد الکریم بن علی کاتب حلبی بخط نسخ خوب در سال ۸۶۳ نگاشته و دارای يك سرلوح زیبا است، عناوین فصول و ابواب باطلا نوشته شده و ابتداء هر باب سرسوره ظریفی دارد، صفحات آن مجدول بطلا میباشد، پشت ورق اول تذهیب و مینا کاری بسیار زیبای مدوری است، نسخه کمی آب دیدگی دارد و بعضی از خطوط آنها ضایع گردیده، بنام مرحوم اعتضاد السلطنه در پشت صفحه اول یادداشتی مشعر بر اینکه این کتاب داخل کتابخانه ایشان گردیده نگاشته اند و برورقیکه پیش از ورق اول کتاب میباشد نیز یادداشت هائی از مالکین سابق نسخه و اشعاری نوشته شده است.

جلد سوخته بسیار خوب. کاغذ دولت آبادی. واقف سیهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۴۲۷). صفحه (۳۳) سطر. طول (۲۶ سانتیمتر) عرض (۱۷ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۳۴).

(۸۳۷)

این نسخه بخط نسخ بدی بسال ۸۶۷ نوشته شده، کاتب از خود نام نبرده و مشتمل بر تمام کتابست پشت صفحه اول شرحی بخط نسخ کهنه مبنی بر اینکه این نسخه را سید محمد بن سید حاج مصطفی بر مدرسه ای که پدرش ساخته وقف کرده، نگاشته شده، بعضی از مطالب آن را محو کرده اند و بسال ۱۳۱۲ پشت همان صفحه شرحی بدین مضمون که مرحوم

شیخ محمد پسر حاجی محمد ابراهیم طهرانی این نسخه را نیز وقف کرده اند نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سید محمد مذکور . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۵۲) صفحه ای (۲۹) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض ($۱۸\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره (۲۳۹) قفسه مدرسه صدر .

(۸۳۸)

صحاح اللغة این نسخه بخط نسخ ابراهیم بن محمد حسین الغفاری بسال (۹۸۷) نوشته شده و شامل جلد اول (از ابتدای کتاب تا آخر باب عین) میباشد ، پاره ای از اوراق کتاب وصالی شده و پشت ورق اول یادداشت‌هایی بوده آنها را محو کرده اند و نیز اشعاری در تعریف کتاب و طریقه استخراج لغت از آن و نیز یادداشت‌هایی موجود است .

جلد جرهمی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۴۶) . صفحه (۳۱) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض ($۲۱\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۳۱) .

(۸۳۹)

صحاح اللغة این نسخه بخط نسخ خوب در سنه (۱۲۴۱) نوشته شده ، در آخر نسخه کاتب خود را سَمی امام سادس جعفر الصادق ع بن امام رابع علی بن زین العابدین علیهما السلام نام برده و شامل تمام کتاب است ، صفحات نسخه با سرخی جدول کشی شده و در پشت صفحه اول روایتی از ابن عباس نقل گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سیهسالار قطع رحلی . شماره اوراق (۵۷۹) . صفحه (۲۵) سطر . طول ($۳۰\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض ($۲۱\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۳۲) .

(۸۴۰)

صحاح اللغة این نسخه جلد اول و بخط نسخ بد نوشته شده از ابتداء باب همزه تا اواخر فصل میم از باب ظاء میباشد ، آخر نسخه افتادگی دارد و آخرین سطر آن این است : (المطّر الرّمان البری قال ابو ذویب

یصِف عسلاً فجاء بمزج لم یر الناس) اوراقی از اوّل و آخر کتاب و صالی شده و
 نسخه قدیمی است .

جلد تیماجی . کاغذ حنائی قدیمی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۳۶) .
 صفحه (۲۷) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۳۳) .

(۸۴۱)

این نسخه مجلد دوم و از ابتدای باب سین تا اواخر فصل عین
 صحاح اللغة از باب لام میباشد و آخرین سطر آن این است : (والعنله
 واحده العنل وهی القسی الفارسیّه و جدیله طی تقول للاجیر عتیل والجمع عتلاء) ،
 بخط نستعلیق نوشته شده و آخر آن افتادگی دارد ، اسم کاتب و سال کتابت
 معلوم نشد ، در آخر فصل هاء از باب غین عبارتی بوده ولی انرا نحو کرده اند ،
 دو ورق کاغذ نوشته در وسط کتاب میباشد و حواشی مختصری از کتب لغت با
 اشعاری فارسی در حاشیه دارد .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۳۳۳) .
 صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۳۵) .

[۳۵۱] صراح اللغة = الصراح من الصحاح (عربی و فارسی)

مؤلف این کتاب جمال قرشی (۱) رضی الله عنه است (جمال الدین محمد بن عمر بن
 خالد قرشی (۲)) که از دانشمندان اواخر قرن هفتم هجری بوده و این مؤلف
 یکی از مختصر کنندگان « صحاح اللغة » میباشد و آن مختصر را خود « الصراح
 من الصحاح » نامیده و دانشمندان آن را « صراح اللغة » خوانند و بدین نام
 مشهور گردیده .

(۱) قرش در معجم البلدان و آثار البلاد نام قرش نیست و در اکتفاء القنوع نوشته شده که
 جزء ماوراءالنهر است .

(۲) ترجمه و سایر مؤلفات و تاریخ تولد و وفات مؤلف را در کشف الظنون ، معجم المطبوعات ،
 بغیة الوعاة ، شذرات الذهب ، طبقات سبکی ، الفوائد البهیة نیافتم درص ۱۴۳۶ ج ۲ فهرست
 آصفیه وفات مؤلف بسال ۶۸۱ که سال تالیف صراح میباشد ثبت شده و در فهرست معارف
 ج ۱ ص ۱۹۳ سال ۹۶۶ نقل شده و مسلمان این تاریخ غلط است چرا که عادة کسیکه بسال
 ۶۸۱ کتابی تألیف کرده باشد تا سال ۹۶۶ که ۲۸۵ میشود و شاید سی چهل سال هم
 هنگام تالیف داشته نخواهد ماند و شاید مؤلف محترم آن فهرست در مآخذی سال ۶۹۶ را
 دیده باشند و در چاپخانه شماره غلط چیده شده است .

این مختصر شامل تمام لغات صحاح اللغه میباشد و مختصر کننده آن فقط اشعاری را که جوهری برای استشهاد پاره ای از لغات آورده بود جز چند بیتی را انداخته ولی امثال و آیات و اخبار مستشهده را در این مختصر باقی گذارده و در این قسمت نیز تاحدّی که ممکن بود اختصار را مراعات کرده مثلاً از آیات موجوده در « صحاح » بس محلّ شاهد را نقل نموده و باقی را ترك کرده است .

گذشته از آنچه گفته شده مؤلف پس از بیانات صاحب صحاح در بیان مراد از لغات مذکوره برای استفاده آنانکه از عربیّت بهره وافی ندارند ترجمه فارسی آن لغات را نیز نقل و گذشته از این بواسطه علامات و آثاری که بر لغات و پس از آنها گذارده شده و زن و باب و جمع و مصدر هر يك از آنها را نیز بعلامات و شماره ها معین کرده اند .

این کتاب در حدود (۴۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۶۰ در طکته و بسال ۱۲۸۶ در طهران و در سال ۱۲۷۹ ظاهراً نیز در هند چاپ گردیده و در ص ۷۰۷ معجم المطبوعات نوشته شده که بسال ۱۳۲۸ در هند صراح اللغه چاپ شده و دارای دو ضمیمه است اول: « القراح بتکمیل الصحاح » . دوم « نور الصباح فی اغلاط الصحاح » .

آغاز: بسمله قال الفقير الى مولاه الغني عمن سواه الوائق بالمتعالی عن الولد والوالد، ابو الفضل محمد بن عمر بن خالد المدعو بجمال القرشي جل الله احواله وحصل آماله ، احمد الله وهو المحمود بكل اللغات وجلّها واشكره وهو المشكور على كثر الهبات وقلّها الخ .

انجام: قال ذوالرّمه شعر .

الا يا اسلمی يادارمی علی البلی ولا زال منهلاً بجر عاتك القطر (۱)

(۱) این بیت چنانکه در ص ۱۹۷ گذشت در انجام کتاب صحاح اللغه میباشد که قرشی عیناً در اینجا آورده . در نسخه صراح اللغه شماره (۸۴۲) این فهرست که بسال ۱۰۶۰ نوشته شده نویسنده آن پس از این شعر شرحی مبنی بر نام خویش و سال نگارش نوشته و چنین وا نمود کرده که آخر کتاب همان بیت میباشد و نیز نسخه دیگری از این کتاب که بسال ۱۰۹۲ در لاهور هند نوشته شده و در ذیل شماره (۸۴۴) معرفی میشود بهمین شعر ختم گردیده (بقیه در ذیل صفحه بعد)

(۸۴۲)

صراح اللغة این نسخه را بخط نسخ صدرالدین محمد بن ملا حسین سالکدهی در سنه (۱۰۶۰) نوشته ، حواشی مختصری از برهان در حاشیه کتاب نگاشته شده و حاشیه یکی از صفحات وسط را پاره کرده اند .

خلد جرمی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۴۲) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۲ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۱۱) .

(۸۴۳)

صراح اللغة این نسخه بخط نسخ در سنه (۱۰۷۳) ترقیم یافته ، کاتب نام خود را در آخر کتاب احمد بن ملا حامد معرفی کرده ، حواشی مختصری بدون امضاء بندرت در کتاب مشاهده میشود ، تصحیح گردیده و کلمات افتاده در حاشیه نوشته شده ، صفحات بجدول سرخی و لاجورد میباشد ، در صفحه آخر پس از اتمام تاریخ بیش از یک سطر نوشته بوده آنرا پاک کرده اند

(بقیه از ذیل صفحه قبل)

و نسخه ای که در تحت شماره (۸۴۳) خصوصیات آن ذکر خواهد شد و بسال (۱۰۷۳) استنساخ شده پس از شعر مذکور این عبارت است : (و كان الفراغ من تالیفه وتسویده بیمن توفیق الله وحسن تائیده ظهیرة الثلثاء السادس عشر من صفر سنة احدى وثمانین وستمائه بکاشغر حرهما الله تعالی وعمر .) و در آخر نسخه خطی شماره (۸۴۵) این فهرست پس از شعر مذکور عبارتی است که در آخر نسخه ای که در طهران بسال ۱۲۸۶ چاپ شده موجود است و ذیلاً نقل می شود و قسمتی از آن در نسخ دیگر نیست و آن این است : [تم الکتاب ولله نحمد نحمد (کلمه دوم مکرر شده و درجایی نیست) حمداً لا یجوبه العدو والحساب علی تتمیم هذه النسخة انتساکاً ضجوة اتمین (در جایی الاثنین ثبت شده) الثالث والعشیرین من ذی القعدة لسنة سبعمائه هجریه وکان (درجایی واتفق الفراغ است) الفراغ من تالیفه وتسویده بیمن توفیق الله وحسن تائیده ظهیرة الثلثاء السادس عشر من صفر سنة احدى وثمانین وستمائه بکاشغر .] و در ص ۱۴۳۶ ج ۲ فهرست آصفیه نسخه ای از صراح اللغة را نام برده که دارای همین تاریخ تالیف میباشد و در مقابل آن نوشته شده که بخط مصنف است . بهر حال از نقل عبارات فوق چنین بدست می آید که مؤلف تاریخ تالیف را در آخر کتاب تصریح نموده ولی برخی از استنساخ کنندگان در نقل آن اهمال کرده اند و سال ۷۰۰ که در آخر یکی از نسخ خطی این کتابخانه و نسخه چایی تذکر داده شده سال نسخه برداری نسخه ای است که این نسخه خطی و جایی از روی آن نوشته شده و شاید که چایی را از روی همین نسخه خطی نوشته باشند .

و بجای آن شماره اوراق کتاب و نام آنرا نوشته اند .
جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۵۰۳) .
صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۳۰) .

(۸۴۴)

صراح اللغة این نسخه بخط نسخ محمد هاشم بن محمد قاسم درسنة (۱۰۹۲)
در شهر لاهور هندوستان در محله تبلیغه در عهد اورنگ زیب
عالمگیر نگاشته شده ، دارای يك سرلوح و صفحات مجدول بطلا و لاجورد ،
لغات باشنجرف نوشته شده ، اوراق اواخر کتاب را موریانه خورده و وصالی
گردیده پشت ورق اول چند یادداشت و در حواشی اوراق حاشیه های مختصری
بفارسی و عربی نگاشته شده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق
(۴۳۵) . صفحه ای (۲۴) سطر . طول ($\frac{1}{2}$ ۳۴ سانتیمتر) . عرض (۲۴ سانتیمتر) . شماره
کتابخانه (۱۲۸) .

(۸۴۵)

صراح اللغة این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نامی از خود
و سال کتابت نبرده ، و بنگاشتن عباراتی که در حاشیه
ص ۲۰۲ نقل گردیده اکتفا نموده تا آنانکه بخطوط هرقرنی آشنائی ندارند آنرا
از خطوط آخر قرن هشتم و کهنه پندارند ، در صورتیکه پر آشکار است که
از خطوط اوائل قرن سیزدهم هجری میباشد و تذهیب سرلوح آنها دارای اهمیتی
نیست ، لغات باشنجرف نوشته شده و صفحات مجدول بطلا و لاجورد و شنجرف است ،
پشت صفحه اول یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند ، اثر نام فتحعلیشاه قاجار
و برخی از کلمات دیگر باقی و قابل دیدن است و تاریخ این نوشته بسال ۱۲۳۳
میباشد و چند یادداشت موجود است و پشت ورق آخر نیز یادداشتی بوده که
جز سطر اول و آخر آن همه را محو کرده اند در حاشیه بعضی از صفحات مطالب
سودمندی نگاشته شده است .

جلد تیماجی وسط یارجه . کاغذ دولت آبادی . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق

(۳۴۳). صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۱۲).

[۳۵۲] طراز اللغة (عربی)

مؤلف این کتاب سید علی خان کبیر رحمة الله عليه میباشد (صدرالدین علی بن الامیر نظام الدین احمد بن الامیر محمد معصوم الحسینی الحسنی (۱) دشتکی شیرازی معروف بمدنی متوفی بسال ۱۱۱۸) (۲).

درج (۱) همین فهرست برخی از مؤلفات ایشان نامبرده شده (۳) ولی طراز اللغة و مؤلفات دیگر ایشان که ذیلاً نام میبریم در آنجا نیست.

سید علیخان که ویرا کبیر لقب داده اند و بهمین نام هم مشهور گردیده از مفاخر قرن یازدهم و دوازدهم هجری میباشد و شیراز هم بوجود چنین دانشمندی

(۱) در فارسنامه حسینی حسینی نوشته شده ولی در روضات حسنی حسینی ثبت گردیده و خود ایشان هم تصریح بتقدم حسینی برحسنی دارند و ما در جلد اول قول روضات را اقتدا کرده ولی چون فرزند زاده ایشان بدین نحو خود را معرفی کرده اند ما نیز در این مجلد ایشان را پیروی نمودیم و جرجی زیدان در ص ۲۸۵ ج ۳ تاریخ آداب اللغة این دانشمند را بدین گونه معرفی نموده (صدر الدین بن معصوم الحسینی المدنی علی خان المتوفی سنه ۱۱۰۴) چند نام از اجداد مؤلف را انداخته و سال وفات وی را هم غلط نقل نموده و از طراز اللغة او هم نامی نبرده است.

(۲) در ص ۲۸ ج ۱ فهرست سال وفات این عالم جلیل چنانکه در ص ۴۱۳ روضات و در ذیل صفحه ۸۳ آثار العجم تالیف مرحوم فرصت الدوله بدان تصریح شده در سال ۱۱۲۰ ضبط گردید ولی نبیره این بزرگ مرحوم حاج میرزا حسن مؤلف فارسنامه ناصری در ص ۸۶ گفتار دوم از فارسنامه وفات سید علی خان پدر جد خود را در ذیحجه سال ۱۱۱۸ نوشته و در ص ۲۹ از همان گفتار نوشته اند که محدث کامل شیخ یوسف بحرانی تاریخ وفات سید علیخان را در جمله «سرمقر شیراز» یافته است.

(۳) در ص ۲۸ ج ۱ فهرست ریاض السالکین یا شرح صحیفه سجاده این دانشمند و نیز در ص ۴۵ ج ۱ الکتم الطیب ایشان را معرفی کردیم و در ص ۲۸ بجای انوار الربیع که در علم بدیع می باشد و بسال ۱۳۰۴ در طهران چاپ شده است زهر الربیع در علم بدیع نوشته شده اصلاح گردد و زهر الربیع از مؤلفات سید نعمت الله جزائری است و در غلطنامه هم بدین غلط تذکری نیست و دیگر مؤلفات ایشان که در آن صفحه تذکر داده ام سلافة العصر ، ومخللة نظیر کشتکول ، و سه شرح بر صمدیه است که صغیر و کبیر آن چاپ شده و شرح وسیط آن را آقای میرزا سید احمد مذهب خلف مؤلف فارسنامه ناصری و نواده مؤلف شرح دارند.

مفتخر بوده و هست ، این عالم جلیل از سادات عظیم القدر شیراز و معروف بدشتکی میباشند و اجداد ایشان همه اهل فضل و دانش بوده و از معاریف اند ، از آنجمله سید صدرالدین و فرزند ایشان سید غیاث الدین منصور هستند که از بسیاری اشتهار محتاج بمعرفی نیستند و در این فهرست یاری خداوند شرح حال و مؤلفات این پدر و پسر نگاشته خواهد شد .

بمناسبت اینکه در مدینه طیبّه متولد گشته اند بمدنی معروف شده و چندی هم در حیدر آباد دکن هندوستان مسکن گزیده و پیداشاه آنجا نزدیک بوده و در سال ۱۱۱۶ از مکه معظمه بشیراز مراجعت کرده و پس از دو سال بر حمت ایزدی پیوسته و در بقعه امامزاده بزرگ حضرت میر سید احمد بن موسی الکاظم علیه السلام که مشهور بشاه چراغ میباشد پهلوی قبر عالم جلیل سید ماجد مجتهد بحرینی که قاضی شیراز بوده بخاک سپرده شده اند ولی در زلزله ای که در یک قرن پیش آمده و قسمتی از بقعه را خراب نموده قبر محو گردیده است مؤلفات دیگر ایشان عبارتند از شرح ارشاد در نحو (در روضات آمده که نام این شرح موضح الرشاد است) ، الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه الامامیه (جرجی زیدان در ص ۲۸۵ ج ۳ تاریخ آداب اللغه نسخه ای از این کتاب را در برلن نشان داده اند و در طهران آقای ارگانی نماینده خوزستان در مجلس شورای ملی نیز نسخه ای از آنرا دارند) ، سلوة الغریب و اسوة الادیب (این کتاب مسافرت نامه سید بحیدر آباد میباشد و جرجی زیدان در ج ۳ تاریخ آداب اللغه نوشته که این مسافرت بسال ۱۰۶۶ بوده و نسخه آنرا نیز در برلن نشان داده و دانشمند معاصر آقای تربیت نسخه ای از این کتاب را دارند) ، احوال الصحابه و التابعین (صاحب روضات در ص ۴۱۳ بنقل از ریاض العلماء گوید این کتاب بآخر نرسیده و فقط یک مجلد آن در احوال بعضی از صحابه تألیف گردیده است) ، رساله در اغلاط قاموس فیروز آبادی (در روضات نیز بنقل از ریاض العلماء گوید که این رساله ای نیکو است) ، الزهره (صاحب روضات و فارس نامه گویند در نحو است) ، التذکره

فی الفوائد النادرة (۱) (صاحب روضات گوید ظاهراً این کتاب غیر از کتابی است که بنام مخلاصة و نظیر کشکول تألیف کرده اند و در فارسنامه فقط بنام کتاب تذکره نام برده شده است) نظم کافیّه، دیوان شعر (نسخه ای از این دیوان در کتابخانه استاد معظم آقای تنکابنی موجود است)، رسائل متفرقه (این سه کتاب اخیر در فارسنامه ذکر شده است)، غنیمۃ الاغانی در معاشرت اخوان (نسخه این کتاب را صاحب فارسنامه داشته اند و از آن قسمتی را نقل نموده و این چند بیت از آنجا گرفته شد :

يقول راجي الصمد علي بن احمد حمداً لمن هداني بالنطق والبيان
قال الصديق من صدق في حبه ومصدق وقيل من لم يطعنا في قوله انت انا .

و دیگر از مؤلفات گرانبهای این عالم جلیل طراز اللّغه است .

طراز اللّغه چنانکه مندرجات آن شهادت میدهد یکی از کتب بسیار ذقیمت میباشد و مصنف در دیباچه تصریح نموده اند که نام آن را « الطراز الاول » نهادم و در ص ۴۱۳ روضات بتقل از ریاض العلماء نام این کتاب « الطراز الاول فیما علیه من لغة العرب معوّل » ضبط شده و در فارسنامه ناصری « الطراز اللّغه » و در نسخه این کتابخانه در آخر باب الهمزه و باب الباء بدین نحو از خط مؤلف نقل گردیده :

تم باب الهمزه (باب الباء) من الطراز الاول والکناز لما علیه من کلام العرب المعوّل «
نوشته شده ، خلاصه اینکه پیش از این مؤلف بدینگونه کسی لغت ننوشته و صاحب

(۱) حضرت استاد آقای میرزا محمد طاهر تنکابنی دام ظلّه العالی ضمن مجموعه ای رساله ای از سید علیخان کبیر دارند که شامل پنج حدیث مسلسل به آباء میباشد و جامع گوید : در احادیث امامیه کم اتفاق افتاده که مسلسل به آباء ۲۷ واسطه باشد و من توفیق یافته ام که این پنج حدیث را جمع نمایم و برای آن دیباچه و خانمه ای با تصریح باسم مؤلف بر آن اضافه کرده و از درایه شهید نقل نموده که در آنجا پس از حدیثی که مسلسل به ۱۴ پدر بوده فرموده : این حدیث بیشترین حدیث مسلسل به آباء است که بدست ما رسیده پس از آن سید گوید : و انفق توضیح ما لعله یحتاج الی التوضیح عجالاً حالما رقم هذه الاخبار فی هذه التذکره ولم اقف علی شیئی من ذلك لاحد من السلف فان اصبحت فبیرکات اهل المیت واللّه یقول الحق و هو یمهدی السبیل والیه المرجع والمآب . (بنظر نگارنده از کلامه فی هذه التذکره ، محتمل است که این رساله جزء کتاب تذکره باشد و مانعی ندارد که خود رساله ای جداگانه باشد چنانچه ظاهراً این را مقتضی نیست . و آغاز رساله این است : بسم الله الحمد لله الذی اکمل بنبیه احمد نظام الدین و شرح بوصیه علی صدر الدین صلی الله علیهما وعلی ابناهما المهادین ائمة الامه والخلفاء الراشدين الخ و رساله در حدود (۱۵۰) بیت است .

روضات در ص ۴۱۲ از ریاض العلما که مؤلف آن معاصر بامؤلف طراز اللغه بوده نقل نموده که تألیف طراز اللغه از نصف نگذشته و بآخر نرسیده بود که زندگانی مؤلف آن بآخر رسید و گوید که نزد ما از این کتاب نسخه ای است که گویا تا حرف صاد مهمله باشد مر **اجعه گردد** انتهی . بدبختانه نمیدانم کتب کتابخانه صاحب روضات کجا رفت و از این کتاب نفیس که طرز آنرا زیر همین سطرها خواهیم گفت بیشتر از آنچه (تا حرف سین، مهمله) نسخه ای از آن در این کتابخانه است سراغ نداریم و در کتابخانه های عمومی ایران و مصر نسخ این کتاب نیست و در کتابخانه های شخصی بعضی از دانشمندان پاره ای از مجلدات آن یافت میشود از آنجمله مجلد اول آن در کتابخانه شخصی جناب آقای حکمت وزیر محترم معارف و اوقاف در طهران موجود و بسال ۱۱۱۳ از روی نسخه مؤلف نوشته شده و پشت صفحه اول بسال ۱۱۱۴ مقابله و تصحیح آن نوشته شده و ظاهر این تصدیق بر تصحیح، خط مؤلف است و این نسخه از ابتداء کتاب تا آخر حرف ذال معجمه میباشد و مجلد دوم کتاب از حرف راء مهمله شروع شده است .

روش این مؤلف در تألیف این لغت این است که بدو لغات را موافق صحاح اللغه و قاموس بترتیب حروف اواخر قرارداد و ابتداء بحروف همزه بنام **باب الهمزه** نموده و هر يك از ابواب را بر فصولی بشماره حروف تهجی تقسیم نموده است و چون لغتی را نام برد معانی آن را در ذیل آن مینگارد و در بعضی موارد باشعار فصحاء و اقوال ائمه لغت هم استشهد میکند پس از آن اگر این لغت و یا مشتقات آن در قرآن کریم استعمال شده و در ذیل عنوان **الکتاب** آن آیه یا آیات را نقل و بشرح و تفسیر آنها میپردازد و پس از آن اگر این لفظ یا مشتقی از آن در اخبار و احادیث آمده باشد در زیر عنوان **الاثر** آنها را نیز ذکر و بیان آنها مشغول و در مرتبه چهارم اگر این لغت یا یکی از مشتقات آن اصطلاح خاصی از قبیل فقهی یا اصولی یا منطقی یا ریاضی یا حکمی و یا غیر از آنها شده باشد در ذیل عنوان **المصطلح** آنها را یاد میکند و چون آن لغت یا یکی از شاخه ها و یاریشه های آن در مثلی یا امثالی باشد در تحت عنوان **المثل** آنها را نیز نقل و مراد و معنی آنها را هم میگوید و چون

لغتی در یکی از عناوین پنجگانه نیامده باشد در ذیل آن لغت عنوان مذکور نوشته نشده است و چنانکه خود در مقدمه گفته اند بیشتر در ذکر لغات عرب توجه بغریب آنها داشته و در موارد بسیاری با غلاط فیروز آبادی در قاموس تصریح نموده است.

اگر این کتاب بهمین نحو که برداشت شده باخر میرسید توان گفت که دارنده آن گنجی بزرگ دارد ولی بمصداق ما لا یدرک کله لا یتدرک کله وقاعده مسلم نزد عقلا که وجود ناقص بهتر از عدم صرف است این مؤلفه باهمین نقص بسیار ذیقیمت و نافع است و بقول شاعر باین شکستگی ارزد بصد هزار درست و امید است که دوستداران دانش بچاپ آن همت گمارند و نسخ آنرا در دسترس دوستداران فضیلت گذارند.

این کتاب (تافضل عین از باب سین) که اینک در این کتابخانه موجود است در حدود (۷۲۰۰۰) (جلد اول ۴۵۰۰۰ دوم - ۲۷۰۰۰) بیت کتابت دارد و مقدمه آن یکی از شاهکارهای ادبی است و تاریخ تألیف آن در آخر باب الهمزه سال ۱۱۰۷ و در آخر باب الباء در سال ۱۱۰۹ یاد داشت شده است.

آغاز: بسمله ان ابلغ مانطقت به البلغاء بادی بدا و افصح ما بدأت الفصحاء به الکلام ما بدا حمد الله الذی انطق العرب باعرف لسان الخ.

(۸۴۵)

این نسخه بخط نسخ خوب در سال ۱۲۵۷ نوشته شده، از اول طراز اللغه کتاب تاماده عهد از فصل العین از باب الدال را دارا میباشد، لغات و آیات و اخبار و مصطلحات با سرخی نگارش یافته و چند ورق از ابتداء نسخه مجدول بطلا و لاجورد و سرخی است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۴۲). صفحه ای (۳۷) سطر. طول (۳۱ سانتیمتر) عرض (۲۱ ۱/۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹).

(۸۴۶)

طراز اللغة

این نسخه بخط نسخ آقا باباشاه میرزائی در سنه (۱۲۸۳) نوشته شده و شامل از اول کتاب تالغت عید از فصل عین از باب دال میباشد، لغات را با سرخی نوشته اند و دانسته شد که از روی نسخه ای که پیش از این معرفی از آن کردیم نوشته شده و این نیز چون اصل آن بی غلط نیست.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۱۰) . طول (۳۶ سانتیمتر) . عرض (۲۳ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۳) .

(۸۴۷)

طراز اللغة

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و شامل از باب حرف الراء فصل الالف (جلد دوم) و تا شرح لغت «عبقس» که از باب السین و فصل العین میباشد و آخرین سطر موجوده آن این است: والعبقسی نسبة الى عبد القیس و تعبقس انتسب اليه والعبقس كعضنفر الناعم الطویل .

شواهد و لغات را با سرخی نوشته اند و در آخر باب الراء سال تحریر راسنه ۱۱۲۴ معین نموده ولی نام کاتب نگاشته نشده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع رحلی . شماره اوراق (۵۸۳) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول ($۲۹ \frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض ($۱۸ \frac{1}{4}$ سانتیمتر) شماره (۲۴۳) قفسه مدرسه صدر .

[۳۵۳] فرهنگ بشیر خانی (فارسی)

این فرهنگ در حدود (۴۲۵۰) بیت کتاب دارد، شرح حال مؤلف را در تذکره ها و کتب رجال و نسخه این فرهنگ را در فهرستها نیافتیم، مناسب دیدم که قسمتی از مقدمه آن را که مشتمل بر نام مؤلف و غرض تألیف میباشد و چند سطر از ابتداء آن در اینجا بیاورم و آن این است:

« بنده ضعیف الى الرب القوى المجید الملقب ببشیر خان بر مزید غفر الله له ولوالديه واحسن اليهما واليه، چون دید که یاران با فرهنگ وقت قرائت دیوان خواجه حافظ و شرفنامه جامی و بوستان و گلستان سعدی و دیوان کمال وقاسم انوار و سلمان و مسعودیک (کذا) و سلسله الذهب و طوطی نامه و یوسفی و مغربی و شامی و خمسه نظامی و خسرو و شاهنامه و غیر هم از کلام اکابر قدس الله سرهم العزیز بسوی لغات حاجتمند میشوند و احضار کتابها هر یک بنوعی

تعمیر مینمایند و چون بعضی یاران که مصاحب فقیر بودند بکرات و مرات برای جمع لغات علی فصل الغایات فوق الطاقات التماس نمودند بنا بر این رهی کتابهای مذکور و بعضی لغات متفرقه از کتابها و معنیها کشیده بر ورقی مثبت کرده تا ادراك معانی به آسانی دست دهد و نام این مجموعه «فرهنگ بشیر خانی» نهاد و با الله التوفیق علی التطویق **فصل الالف** استفتا بالكسر طلب کشایش کردن و فتوی خواستن. **ایها** نکه داشتن چیزی. **انشا** بالكسر انگیختن از خود. **اصفا** شنیدن. **ایذا** بد خوئی و بیفرمانی الخ.

از مطالعه مندرجات این فرهنگ چنین بدست می آید که مؤلف ایرانی نیست و از روی قرائن موجوده در عبارات کتاب و نقل معانی لغات هندی احتمال قوی میرود که هندی و یا افغانی بوده و نام مؤلف هم خود یکی از مؤیدات میباشد.

از عبارات مندرجه ذیل لغات ری، سیاهان، ارمن، باد صبا، قم، هیرمند، قلاب **گازلان** و بسیاری دیگر و مطابقه کامل با عبارات شرفنامه منیری در ذیل آن لغات معلوم میشود که آن فرهنگ را در دست داشته است.

زمان تألیف این فرهنگ را نگارنده در اوائل قرن یازدهم هجری میداند چرا که در آن از شیخ فیضی که بگفته هفت اقلیم مؤلفه بسال ۱۰۰۲ در آن عصر **ملك الشعراء** بوده شعر نقل نموده (در شمس التواریخ و مجمع الفصاحات شیخ فیضی بسال ۱۰۴۰ ضبط شده و آردارد برون (ص ۱۳۲ ترجمه ادبیات ج ۴) بسال ۱۰۰۴ نوشته است) و نیز در ذیل لغت **محابا** گوید: از شیخ محمد خضری بمعنی دریغ مسموع است. و در تذکره خشکودر حرف خاء فقط خضری خوانساری و خضری لاری را نام برده و گوید هر دو معاصروا کثردر ملازمت اما مقلیخان حاکم فارس می بودند. در تذکره های دیگر خضری نام یا تخلص نیافتم و از قرائن هم مسلم میشود که غرض بشیرخان یکی از این دو خضری است و نگارنده احتمال میدهم که چون شاه صفی بسال ۱۰۴۳ اما مقلیخان و پسرانش را در قزوین بکشت و فرمان داد که اولاد و نزدیکان او را هم که در شیراز بودند بکشند (۱) این دو شاعر که سمت ملازمت اما مقلیخان را داشته اند از ترس بهندوستان گریخته و بشیرخان بیکی از آنها رسیده و استفاده هائی کرده است.

طرز این فرهنگ این است که لغات را باملاحظه حروف اول و آخر مرتب

(۱) در گفتار دوم ص ۲۸۷ فارسنامه، اصری خضری لاری نام برده شده و در ص ۱۴۶ گفتار اول شرح کشته شدن امام مقلیخان و پسران و کسانش مختصراً نگاشته شده است.

نموده و حرف اوّل را باب و حرف آخر را فصل قرار داده مثلاً لغت قباب رادر باب القاف و فصل الباء و لغت قباد را در همین باب و فصل الدال ذکر نموده است و استشهاد باشعار در بعضی موارد کرده و در آن از شاهنامه فردوسی و گرشاسب نامه اسدی و دواوین سعدی و حافظ و جامی (متوفی بسال ۸۹۸) و خاقانی و فضولی و قاسم انوار (متوفی بسال ۸۳۷) و نظام استرآبادی (متوفی بسال ۹۲۱) و منصور شیرازی و ظهیر فارابی و غیر از اینها ایاتی دیده میشود و از نقل لغات و جمل بسیار واضح بدست میآید که مؤلف آن چون نگارنده از علم و دانش بهره‌ای نداشته از آن جمله است: **علم ریاضی** علمی است در حکمت. **عالم علوی** آنجهان. **لاادری** نمیدانم. **مشاهیر** مشهوران. **قاض** حاکم بود. **قابض** گیرنده و **ترك** کننده. **لاینصرف** نیست تصرف. **صنادیق** جمع صندوق. **فویل** ثمویل **للمساكين** پس هلاکی و بسیار هلاکی بر مسکینان.

آغاز: بسمله حمدیدغایت و ثنای بی‌نهایت خالق را که طبیعت انسان را الخ. **انجام یادگی** بحال و خجل و اندازه و زمره و مرتبه. **یباهی** فخر میکنند تمام شد کتاب فرهنگ.

(۸۴۸)

فرهنگ این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده، کاتب از خود و سال نگارش نام برده، ابواب و فصول و نام کتب و شعرا باشنجرف نوشته شده، صفحات مجدول بلاجورد و شنجرف میباشد و پشت ورق اوّل از طرف مرحوم اعتضاد السلطنه^۱ جمل ذیل نگاشته شده: لغتی است موسوم ببلغت بشیرخانی که تازه جمع شده (گفته شد که بنظر نگارنده از مؤلفات اوائل قرن یازدهم است) نواب مستطاب اشرف والا معتمد الدوله حکمران مملکت فارس در شیراز استنساخ نموده و برسم هدیه از برای حضرت اشرف اجد والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن دام اجلاله فرستاده و مبارکی داخل کتابخانه مبارکه شد فی شهر رمضان سنه ۱۲۹۷.

جلد تیماجی. کاغذ قرنگی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۱۴۲). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۳).

[۳۵۴] فرهنگ جهانگیری (فارسی بفارسی)

مؤلف این فرهنگ جمال الدین حسین انجواست (عضدالدوله جمال الدین حسین بن فخرالدین حسن (۱) انجو (۲)) و چنانکه خود در مقدمه این فرهنگ تصریح نموده سی سال بعضی اوقات و برخی از عمر خود را صرف تحقیق لغات پارسی و دری و پهلوی و اصطلاحات و غیر آن نموده و از بسیاری تتبع و تفحص چندان لغات و مصطلحات بهم رسید که هیچ صاحب فرهنگی را دست نداده بود لیکن نظم و ترتیب آن بعللی چند بتأخیر می افتاد و از بس در این رشته تتبع کرده و زحمت کشیده قول او پیش اهل فن مقبول و بیان او در معانی لغات و مصطلحات برهان قاطع و قاطع برهان بود و این شهرت بگوش جلال الدین محمد اکبر پادشاه کشمیر رسید در ذیقعد سال ۱۰۰۵ باحضر مؤلف فرمان داد و فرمود از آن زمان که عرب بر بلاد عجم چیره گردید زبان پارسی با عربی آمیزش پذیرفته اکثر لغات پارسی و دری و پهلوی متروک بل نابود گشته و معانی اشعاری که شعرای باستان

(۱) درص ۴۴ گفتار دوم فارسنامه ناصری در ذیل عنوان سادات انجو که در فارس میزیسته اند گوید : و از اعیان این سلسله جناب محامد اکسب شاه حسن انجوی شیرازی که بعد از تحصیل کمالات علمیه به هندوستان رفته در مملکت کجرات توقف نمود و در سال نهصد و بیست و هشت برهان نظام الدین شاه هندوی اورا از کجرات بولایت احمدنکر خواسته مسائل و احکام مذهب اثنی عشریه را از او بیاموخت انتهای . شاید مؤلف فرهنگ فرزند این عالم جلیل باشد و صاحب فارسنامه از این مؤلف نام نبرده است .

(۲) نیز در ص ۴۱ و ۴۲ گفتار دوم فارسنامه ناصری است : انجو لغت مغولی و بمعنی املاک خالصه است و جدّ اول سادات انجو زید اسود از اولاد زاده های حضرت حسن هجرتی علیه السلام بوده و بسال ۳۵۲ که عضدالدوله دیلمی از مکه مراجعت می نمود بر حسب خوابیکه سید دیده و برایش نقل نموده و با خوابیکه چندی پیش در شیراز خواهرش دیده و برای او در همان هنگام نقل کرده بود (شرح این خواب در فارسنامه مراجعه شود) سید را از مدینه طیبه بشیراز آورد و خواهر خود را بوی داد پس از چندی چون خواهرش بمرد دختر خود را نیز بسید تزویج نمود و املاک زیادی را وقف کرد و تولیت آن را با اولاد ذکور این سید جلیل که دختر زادگان او بودند برگذار نمود، در فتنه مغول این موقوفات خالصه دولت یا بزبان مغولی انجو گردید ، متولی وقت سعی نمود و پس از سالها نیمی از آن ها را گرفت و چون نام انجو بران املاک گذارده بودند از آن پس این سادات را انجوی گفتند (تا بحال هم این طائفه در شهر شیراز مسکن دارند و با انجوی مشهور اند) .

بزیور نظم آراسته اند در پرده خفا و ستر حجاب غفی و مستور مانده و پیش از این چند نفر از دانشمندان را بترتیب کتابی مشتمل بر جمیع لغات باستانی و مصطلحات امر فرمودیم هیچکدام چنانکه شاید و باید اداء این وظیفه را ننمودند ، اینک تو بایستی این کار را در زمان من انجام دهی .

مؤلف بگفته خویش همگی همت خود را بر تصحیح و ترتیب لغات و مصطلحات پارسیان مصروف داشته در جمع کتب و نسخی که در این فن ساخته شده بیشتر از پیشتر مبالغه نموده ، از هر جائی کتابی و نسخه ای در لغت و تاریخ و غیره بدست آورده و از روی آنها بتألیف این فرهنگ پرداخت و نیز خود گوید که در این تألیف چهل و چهار فرهنگ که نام آنها را در مقدمه فرهنگ آورده و نه فرهنگ دیگر که نام نداشته و مؤلفین آنها معلوم نگردید مأخذ وی بوده و فرهنگهای نامدار که مأخذ لغات این کتاب بوده عبارتند از :

- ۱ - فرهنگ ابوالحفص سغدی ، ۲ - فرهنگ ابوالمنصور علی بن احمد بن منصور اسدی طوسی ، ۳ - فرهنگ ابراهیمی ، ۴ - فرهنگ اداة الفضلا تصنیف قاضی خان بدر محمد دهلوی المعروف به ۵ - فرهنگ استادی عبدالله نیشابوری ، ۶ - فرهنگ اسکندری ، ۷ - فرهنگ تحفة الاحباب تصنیف اوبهی ، ۸ - فرهنگ جامع اللغات منظوم نیازی حجازی ، ۹ - فرهنگ حسین وفائی ، ۱۰ - فرهنگ حسنی ، ۱۱ - فرهنگ حکیم قطران ، ۱۲ - فرهنگ دستور ، ۱۳ - فرهنگ دستور الافاضل ، ۱۴ - فرهنگ دستور الفضلاء ، ۱۵ - فرهنگ رسالة النصیر ، ۱۶ - فرهنگ زبان گویا و جهان یویا مشهور بهفت بخشی تصنیف بدرالدین ، ۱۷ - فرهنگ سروری کاشی ، ۱۸ - فرهنگ سعید بن نصیر [سعید بن نصیر طوسی نسخه] بن طاهر تمیم الغزنوی که بنام خواجه نظام الملک نوشته و آن یک هزار و دوست و پنج لغت است و مسمی است بسخن نامه نظامی ، ۱۹ - فرهنگ شرفنامه احمد منیری مشهور (۱) بابراهم فاروقی ، ۲۰ - فرهنگ شیخ زاده عاشق ، ۲۱ - فرهنگ شیخ عبدالرحیم بهاری ، ۲۲ - فرهنگ شیخ محمود بهاری ، ۲۳ - فرهنگ ضمیر [ضمیری نسخه] ۲۴ - فرهنگ عاصمی ، ۲۵ - فرهنگ عالمی ، ۲۶ - فرهنگ عجائب ۲۷ - فرهنگ علی نیک پی ، ۲۸ - فرهنگ فوائد برهانی ، ۲۹ - فرهنگ قاضی ظهیر ، ۳۰ - فرهنگ فتنه الطالبین ، ۳۱ - فرهنگ فتنه الفتیان ، ۳۲ - فرهنگ لسان الشعراء ، ۳۳ - فرهنگ لغات دیوان خاقانی ، ۳۴ - فرهنگ لغات شاهنامه ،

(۱) در نسخه چنین ضبط شده و دانستیم که مؤلف فرهنگ ابراهیم فاروقی بوده و بنام شرف الدین احمد منیری که مراد وی بوده تألیف شده است .

۳۵ - فرهنگ محمد بن قیس ، ۳۶ - فرهنگ محمد بن هندو شاه منشی که بنام خواجه غیاث الدین رشید تصنیف کرده ، ۳۷ فرهنگ مختصر ، ۳۸ - فرهنگ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی ، ۳۹ - فرهنگ معیار جمالی ، ۴۰ - فرهنگ مولانا الهداد سرهندی [سرهدی نسخه] ، ۴۱ - فرهنگ منصور شیرازی ، ۴۲ - فرهنگ مولانا مبارک شاه غزنوی [مشهور بفخر قواس نسخه] ، ۴۳ - فرهنگ موبد الفضلاء تصنیف محمدلاد (دهلوی است) ، ۴۴ - فرهنگ فوائدالغواذ .

مؤلف نیز در مقدمه تصریح نموده که نظم و ترتیب این فرهنگ بآخر نرسیده بود که زندگانی جلال الدین محمد اکبر بسال ۱۰۱۴ بآخر رسید و نوبت سلطنت پسرزند وی جهانگیر افتاد و در اوائل سلطنت این پادشاه این تألیف انجام پذیرفت و بنام نامی او مطرز گشت و آنرا فرهنگ جهانگیری نامیدم و ماده تاریخ اتمام تألیف آنهم : زهی فرهنگ نورالدین جهانگیر = ۱۰۱۷ یافتیم .

فرهنگ جهانگیری را مؤلف در بیست و چهار باب بترتیب حروف تهجی که نزد پارسی زبانان معمول میباشد مرتب نموده و مقدمه ای مشتمل بر مطالب مفیده در دوازده آئین که ذیلاً از آنها نام میبریم بر آن افزوده و خاتمه ای بآخرش ملحق ساخته و کنایات و اصطلاحات و استعارات و لغات مرکبه از پارسی و عربی و لغات عربیه که دانستن آنها ضروری بود و از آن گریزی نبود و آنها را داخل اصل کتاب که مشتمل بر فرس قدیم است نمودن مناسب ننمود هر کدام را در درج علیحده درج نمودم و هر درجی را بر چند جلوه مرتب گردانیدم و در خاتمه در را بجای باب و جلوه را بجای فصل استعمال کرده است (در جهانگیری چاپی و سه نسخه از نسخ این کتابخانه خاتمه ذکر نشده و در حدود (۴۵۰۰) بیت کتابت خاتمه است) و فهرست مطالب آئین ها این است :

آئین اول : در بیان اطلاق اسم فارس بر ملک ایران و آنکه در زمان قدیم و عهد باستان از کجاناتا کجارا فارس می نامیده اند و تعداد زبان فارسی که چند است و ذکر فصاحت و تفضیل آن بر دیگر زبانها . **آئین دوم :** در چگونگی زبان فارسی . **آئین سوم :** در تعداد حروف تهجی که نزد پارسی زبانان متداول است و بیان تفرقه حرف دال و ذال منقوطه و تعیین صیغ آن که چند است . **آئین چهارم :** در ذکر ترتیب این کتاب که بر چسان و چند باب است . **آئین پنجم :** در بیان ذکر تفرقه میان حروف و علامات هر حرفی . **آئین ششم :** در بیان تجوز تبدیل هر یک از حروف بیست و چهار گانه بحروف دیگر در

بعضی از مواضع برای آسانی منشیان و شاعران . آئین هفتم : در بیان ضمائر . آئین هشتم : در ذکر حروف و کلماتی که بجهت ترتیب و حسن کلام بیاورند و آن را در معنی مدخلی نباشد . آئین نهم : در بیان حروف و کلماتی که باواخر اسماء و افعال بجهت حصول معانی گوناگون در آورند و بدون ترکیب افاده معنی نکنند . آئین دهم : در بیان حروف مفردة ای که در اوائل و اواخر کلمات بیاورند بجهت در یافت معانی مختلفه . آئین یازدهم در املاء . آئین دوازدهم : در بیان عقد انامل .

فرهنگ جهانگیری بسال ۱۲۹۳ در دو مجلد در لکنهور (هندوستان) بدون خاتمه چاپ شده است .

تألیف و تنظیم فرهنگ جهانگیری بدینگونه است که حرف دوم هر لغت را باب و حرف اول را فصل قرار داده مثلاً لغت دغل را در فصل دال از باب غین گذارده و عموماً برای معانی لغات باشعار فصحا و بلغای فارسی زبان استشهاد کرده است .

آغاز : بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر

آنکه بر لوح زبانها حرف اول نام اوست

این همی گوید اله آن ایزدو آن تنگری

دیباچه فرهنگ خود از نام تو سازم

تا هر ورقی گیرد از آن قیمت دیباچ .

حمد بیحد و سپاس بیقیاس مرصاعی را سزا هست که کاخ دماغ صدر نشینان

محفل سخندانی را بنقوش خیالات رنگارنگ رشك ارتبگ مانی ساخت الخ .

انجام : لغات فرهنگ هیدون خاتمه یافته و پس از شعر ناصر خسرو که

شامل لغت مذکور میباشد قطعه ای از مؤلف که ماده تاریخ تألیف فرهنگ جزء آن است

شده و انجام خاتمه فرهنگ این است :

هیلاج با اول مفتوح بثنای زده این لغت یونانی است و معنی آن چشمه

زندگانی است و آنرا منجمان فارس کدبانو گویند بسبب آنکه در برابر کدخدا

واقع شده و شرح این در ذیل لغت مرقوم گشت والله اعلم بالصواب . قدّم الكتاب

بعون الملك الوهاب .

(۸۴۹)

فرهنگ جهانگیری

این نسخه چنانکه در آخر لغات تصریح شده است
بخط نستعلیق میرزا کاظم ولد میرزا صادق در سنه

(۱۲۳۹) نگاشته شده و دارای خاتمه فرهنگ است که در نسخ دیگر خطی این
کتابخانه و نسخه چاپی نیست. پشت ورق اول یادداشتی بقلم فخری قاجار میاشد
در آن یادداشت ورود ناصرالدین شاه در تاریخ ۲۵ رجب سال ۱۲۶۷ بقریه آوه
است و از گرمی هوا و ترس از حشرات گزنده راحت نبوده و این رباعی بنظم نویسنده
یادداشت شده:

گویند قدیم آوه شهری بوده است

جاری دروی بزرگ نهری بوده است

هر کس که در آن شهر گرفته است وطن

شک نیست که مستوجب قهری بوده است.

جلد میشن. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۹۰). صفحه
(۲۶ و ۲۷) سطر. طول (۳۰ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر) شماره
کتابخانه (۸).

(۸۵۰)

فرهنگ جهانگیری

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، کاتب از خود
و سال نگارش نام نبرده، ظاهر از خطوط قرن دوازدهم

هجری است، پاره ای از اوراق نسخه و صالی گردیده است و لغات با شنجرف
نوشته شده و در آخر نسخه دو مهر بوده آنها را نحو کرده اند و خاتمه کتاب را
هم ندارد.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۳۰۱). صفحه
(۲۷) سطر. طول (۲۷ سانتیمتر). عرض (۱۶ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۷).

(۸۵۱)

فرهنگ جهانگیری

این نسخه را بخط نستعلیق یوسف بن شیخ اویس
چشتی ساکن کول جلالی که از نقاط هندوستان

میباشد نوشته و خاتمه را چون سال نگارش ندارد ، چهارده ورق ابتداء نسخه نو نویس و اصل نسخه کهنه و آثار تصحیح و مقابله در آن مشاهده میشود و ورق اوّل بجلد چسبانیده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۶۰) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۳۳ سانتیمتر) . عرض (۱۹ ۱/۲ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۵) .

(۸۵۲)

فرهنگ جهانگیری
این نسخه بخط نستعلیق در سنه (۱۲۴۴) بقلم جمعی برای میرزا فضل الله مستوفی نوشته شده ، محرّرين هیچیک اسمی از خود نبرده اند ، از شیوه خط و شرحی که در آخر نسخه در حاشیه نگاشته شده معین میشود که ثلث اصل لغات این نسخه را با سرخی حسن نامی در سال (۱۲۵۴) تحریر نموده صفحات کتاب مجدول با سرخی و سیاهی است .

جلد تیماجی نیمضربی . کاغذ فرنگی آبی رنگ . واقف سیه سالار . قطع رحلی بزرگ . شماره اوراق (۴۹۴) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۳۶ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۵) .

[۳۵۵] فرهنگ رشیدی (فارسی بفارسی)

مؤلف این فرهنگ عبدالرشید بن عبدالغفور الحسنی مدنی تتوی (۱) ره میباشد و چنانکه خود در مقدمه تصریح نموده این کتاب در جمع میان فرهنگ جهانگیری و سروری است . این مؤلف استشهادات و توضیحات راجعه بلغات را که در آن دو فرهنگ موجود است زیاد دانسته و آنها را دارای نواقصی میداند چون عدم تصریح بضبط لغات و عدم تذکر فارسی نبودن پاره ای از آنها و يك لغت را که بواسطه تخفیف و اضافه و علل دیگر بچند قسم خوانده میشود در چند جا ذکر

(۱) در خاتمه الطبع این فرهنگ عزیز الرحمن نوشته اند : عبد الرشید بن سید عبدالغفور تتوی در عهد سلطنت شاه جهان و عالمگیر از اجاه فضلا بوده و در حضرت سلطان و حلقه علما و اعیان اعتبار تمام داشته ، مولد او در بلده تته من مضافات سند است و اصلش از سادات کبار مدینه منوره ، از اینجا است که حسنی و مدنی در لقب خود می آورد الخ و در آنجا است که تاریخ جلوس عالمگیر را که بسال ۱۰۶۸ بوده آیه کریمه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول الخ یافته است بنابراین تا سال ۱۰۶۸ در حیات بوده و پس از این از وی خبری نداریم .

نمودن و گذشته از اینها گوید در ضبط معانی و الفاظ لغات آنها را اشتباهاتی رخ داده که بهر يك در جای خود اشاره خواهد شد. و در آخر دیاچه این بیت را که شامل تاریخ تألیف کتاب است آورده: بیت

گشت تاریخ وی از روی قبول باد فرهنگ رشیدی مقبول = ۱۰۶۴

و پس از این گوید این کتاب مشتمل است بر يك مقدمه و چند باب و خاتمه. مقدمه را در بیان جمیع حروف تهجی و بیان بعضی کلمات مرگبه و دیگر فوائد و ضوابط صرفی و غیره چون عقد انامل و وجه تسمیه کتاب لغت بفرهنگ و معنی و مراد از کلمه پارس و اقسام زبان فارسی قرار داده و اگر بگوئیم که این مقدمه مختصری از مقدمات فرهنگ جهانگیری میباشد که در دوازده آئین گذارده، بخطا نرفته و مراجعه بهر دو کتاب ما را بهترین مؤید است.

ابواب این کتاب بشماره حروف تهجی ۲۴ باب میباشد و در آخر هر فصل از هر باب استعاراتی که در آن فصل موجود است نیز درج گردیده و اثری از خاتمه در نسخ موجوده نیست (۱)

طرز پیدا کردن لغت را از این فرهنگ مؤلف خود در دو بیت نظم بسته و آن این است:

ای فهم کتند معانی	ترتیب لغات اگر بدانی
از باب بگیر حرف اول	و از فصل بگیر حرف ثانی

از مؤلفات این مؤلف یکی منتخب اللغات شاهجهانی است که نیز در لغت و در همین فصل از آن معرفی میشود دیگر رساله معربات میباشد که در خاتمه الطبع این فرهنگ عزیز الرحمن مدرس عربی و فارسی مدرسه عالی کلکته نوشته اند. نسخه ای از این فرهنگ که سه سال پس از تألیف نوشته شده در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است، (ص ۲۷۱ و ۲۷۲) فهرست خطی مجلس ج ۲. این فرهنگ بسال ۱۲۹۲ در کلکته چاپ شده است.

(۱) در خاتمه الطبع این کتاب نوشته شده: اما در آخر هیچکدام از نسخهای هشتمگانه که مدار تصحیح بر آن بوده و دیگر نسخها که باوقات مختلف بنظر رسیده از خاتمه اثری نیست (نسخه این کتابخانه نیز خاتمه را ندارد).

آغاز: بسمله ستایشی که آرایش سرنامه هر سخن و پیرایش دیباچه هر نو و کهن و پروازش خامه و آمه خردمندان و تزارش نامه و خامه دانش پسندان تواند بود الخ.

(۸۵۳)

فرهنگ رشیدی این نسخه را بخط نستعلیق حاجی امامقلی در شهر لاهور در سنه (۱۱۳۳) نگاشته ، آخرین صفحه نسخه مرحوم رضاقلیخان هدایت مؤلف مجمع الفصحاء نوشته اند که بسال ۱۲۵۶ آنرا خریداری و پشت صفحه اول نیز یادداشتی بسال ۱۲۵۸ کرده و بر ورق حنائی که پیش از ورق اول کتاب میباشد بسال ۱۲۸۱ یادداشتی نموده و بر ورق سفید رنگی که پیش از ورق حنائی است نیز نگاشته اند : هوالباقی حرکت از باغ شمال تبریز بجای چمن داش تپه رحمت آباد مشهور بمیان دواب از مراغه در رکاب ظفر مآب نواب مستطاب ولیعهد سلطان مظفر الدین میرزا ایدالله بقاه در روز جمعه ۲۵ شهر ربیع الاولی سنه ۱۲۸۲ حرره رضاقلی هدایت . و نیز هدایت بر بسیاری از صفحات این فرهنگ حاشیه های سودمندی نگاشته اند و پشت ورق اول اشعاری ترکی و پشت ورق آخر اشعاری فارسی نوشته شده و چند ورقی از نسخه و صالی گردیده .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع رحلی کچک . شماره اوراق (۲۸۶) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض ($۱۸ \frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۵) .

[۳۵۶] **فرهنگ سروری = مجمع الفرس** (فارسی بفارسی)

این فرهنگ از کتب مشهوره لغت میباشد و مؤلف آن محمد قاسم بن حاجی محمد کاشانی متخلص بسروری است که از شعرای اوائل قرن یازدهم هجری بوده و بگفته ریو در ص ۴۹۸ ج ۲ فهرست موزه لندن پس از سال ۱۰۳۲ بهندوستان رفته و نیز از « مرآت العالم » و « ریاض الشعراء » نقل نموده که بسال ۱۰۳۶ به لاهور رسیده و سید علی حسن در کتاب « صبح گلشن » (بسال ۱۲۹۴ تألیف و بسال ۱۲۹۵ در هند چاپ شده) که تذکره ایست مختصر در ص ۲۰۳ نام سروری و فرهنگ او را برده و گوید که در لاهور قیام نموده . و در « سفینه خشگو » در

ذیل نام سروری معرفی از این شاعر متبّع و فرهنگ مجمع الفرس وی گردیده و گوید: از نوشته نصر آبادی مستفاد میشود که در ایران فرهنگی مختصر از اودر میان است چون در عهد جهانگیری بهندوستان رسید و فرهنگ جهانگیری که میر جمال الدین انجو نوشته بنظر آورد فرهنگ مبسوطی نوشت و مؤلف کشف الظنون در حرف لام ج ۲ ص ۳۵۹ در ذیل علم لغت اسامی قاموس ها و فرهنگ هائرا بترتیب حروف تهجی ذکر نموده و در ذیل حرف واو گوید: وجیز لغت سروری عجم (۱) فارسی و مرتب بر حروف است و قسمتی از ابتداء و مقدّمه آن را نقل و اسامی مأخذ شانزده گانه را نیز آورده است و این آغاز و خصوصیات مجمع الفرس را نشان میدهد و حاجی خلیفه بغلط نام این فرهنگ را وجیز گذاشته در صورتیکه مؤلف نام آنرا در مقدّمه مجمع الفرس معین کرده است.

دانشمند معاصر آقای سعید نفیسی یادداشت ذیل را بنگارنده داده اند:

سروری پس از جمع الفرس که بسال ۱۰۰۸ بنام شاه عباس کبیر تألیف کرده چون در سال ۱۰۲۸ فرهنگ جهانگیری بایران آمده و شامل اللّغه تألیف قراحصاری که در لغت فارسی بترکی است و فرهنگ تحفة السّعادة تألیف ملاّ محمود بن شیخ ضیاء الدین محمّد را مطالعه کرده تألیف سابق خود را کامل کرده است.

نگارنده فقط بنا بر اعتماد بقول دانشمند محترم شرح بالا را نگاشت و مدرك دیگری جز سفینه خشگو بر این ادعا نیافت.

سروری در مقدّمه فرهنگ مجمع الفرس نگاشته که بسال ۱۰۰۸ در اثر ممارست باشعار و دیوانهای شعرا و نبودن فرهنگی پارسی که جامع لغات و استعارات فارسی باشد این کتاب را از روی شانزده فرهنگ پارسی که هر يك خصوصیتی را دارا بوده که دیگران آنرا نداشته اند تنظیم و نام آن نسخه ها را بدین گونه ذکر کرده است:

- ۱ - شرف نامه احمد منیری تألیف ابراهیم قوام فاروقی (در ص ۱۸۹-۱۹۲ از این فرهنگ معرفی کامل گردید).
- ۲ - معیار جمالی افصح المتکلمین شمس فخری.
- ۳ - تحفة الاحباب

(۱) صاحب کشف الظنون سروری را مقید بعجم ذکر نموده چرا که مصطفی بن شعبان متوفی بسال ۹۶۹ نیز متخاص بسروری و ترک نزاد بوده است.

حافظ اوبهی . ۴ - نسخه حسین وفائی . ۵ - رساله ابونصر علی بن اسد الطوسی .
 ۶ - نسخه میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی (بنام فرهنگ میرزا ابراهیم
 در این فصل معرفی میشود) . ۷۰ - رساله محمد هندوشاه . ۸ - مؤید الفضلاء تألیف
 محمدلاد . ۹ - شرح سامی فی الاسامی میدانی . ۱۰ - رساله ابو حفص سوزی (کذا) . ۱۱ -
 اداة الفضلاء تألیف قاضیخان بدر محمد دهلوی . ۱۲ - جامع اللغات منظوم نیازی
 حجازی و چهار رساله دیگر که اسم مصنف معلوم نبوده .

مؤلف در این فرهنگ لغات عربی را نیاورده و نیز لغات ساده فارسی را انداخته
 و از اشعار قدما، بر معنی بیشتر از لغات شاهد آورده و برای طرز تلفظ لغات نظیر
 مشهوری آورده مثلاً گوید:

رنه چون دنبه و چون در معنی یا لفظ لغتی میان دانشمندان اختلاف باشد
 آنرا که بنظر وی صحیح است بدو ذکر و پس از آن معانی یا تلفّظات دیگر را
 می آورد مثلاً در لغت **تکوک** گوید: ظرفی باشد که از زر یا نقره سازند بر صورت
 شیر یا از سفال سازند و بدان شراب خورند رود کی گوید:

می گسار اندر **تکوک** شاهوار خور بشادی روزگار نوبهار
 و در نسخ این لغت مختلف واقع شده: **بلوک** و **بکوک** و **تکوک** و **تلوک**.

در این فرهنگ **یک** لغت را که بچند جور تلفّظ شده در چندین باب ذکر
 نموده مثلاً لغت اسپر غم را که سپر غم و شاهپسرم و شاد اسپرم و خوش اسپرم
 نیز گفته شده در باب الف وسین وشین می یابیم . (چنانکه گذشت در فرهنگ
 جهانگیری امثال این لغت فقط در **یک** باب باتذکر بسائر وجوه ذکر گردیده است .)
 جمع الفرس دارای دیباچه ای در ۸۷ بیت و بیست و چهار باب (۱) مشتمل بر (۶۰۰۰)
 لغت و فصلی در آخر بنام باب استعارات مشتمل بر (۱۰۳) (۲) کلمه و معانی آنها
 و خاتمه ای در ۱۸ بیت است .

(۱) چون حروف: ت، خ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، مختص بعربی است در این فرهنگ
 لغاتی که ابتدا بیکمی از این حروف شده باشد نیست و شماره لغاتیکه در دو نسخه ذیل از این
 فرهنگ است مطابق نیست و نسخه دیگر ۲۰۰ لغت کمتر دارد .
 (۲) شماره استعارات نسخه دیگر از این فرهنگ ۸۶ میباشد .

طرز این فرهنگ این است که حرف اوّل را باب قرار داده و حرف آخر را فصل بنابر این چون لغت پرند را بخواهیم بایستی در باب پاء فارسی و فصل دال بجوئیم و جز حرف اوّل و آخر ملاحظه سائر حروف نشده است. برای نشان دادن طرز کتاب، لغت نخستین و آخرین فرهنگ را نقل میکنیم:

افدستا بفتح همزه و دال مهمله و سکون فاوسین حمد خدای عزّوجلّ و ستایش شگفت و نیکو چه این کلمه مرگب است از افد که بمعنی شگفت است و ستا که ستایش باشد مثالش استاد دقیقی فرماید: بیت

جز ز ایزد توام خداوندی زن کنم بر تو از دل افدستا

و صاحب معیار جمالی شمس فخری نیز فرماید:

بر این کتاب اعانت نمود طبع مرا که جمله بندگی شاه راست افدستا
یزدادی بفتح یا و سکون زاء معجمه و کسر دال قیمه و تخم مرغ که باهم پزند (۱).

سروری خود مجمع الفرس را مختصر نموده و دیباچه آنرا بنام اعتمادالدوله حاتم بیك وزیر شاه عباس موشح کرده و نسخه ای از آنرا که بسال ۱۰۱۸ نگارش یافته جناب آقای اسفندیاری دام ظلّه العالی دارند و در مقدمه آنست: «بنده مذهب جانی سروری کاشانی چون از تألیف مجمع الفرس باز پرداخت دید که بعضی از یاران بواسطه اینکه ایجاز در کلام مطلوبست یا بجهة آنکه در اجرت کاتب تخفیفی شود در نوشتن آن ابیات استشهاد و اعراب که صحت لغت بدان منوط و مربوطست حذف میکنند و چهره شاهد این نسخه را از حلی ربط عاطل میسازند بنا بر تمهید این مقدّمات بخاطر این ضعیف رسید که با تصحیح حروف و مراعات (کذا) خلاصه بنویسم و مجملی مرقوم گردانم از آن نسخه که مؤلفست از شانزده کتاب که اسامی ایشان اینست (پس از این اسامی مآخذ شانزده گانه را ذکر نموده ۱۲ کتاب آن همان کتاب های نام برده بالا است و اسامی چهار نسخه دیگر را که در آنجا

(۱) آخرین لغت موافق یکی از دو نسخه این کتابخانه آنست که نقل گردید ولی در نسخه دیگر اینست: یتاقی یعنی یاسبان. و میان این لغت و لغت یزدادی دو لغت دیگر میباشد.

مجهول بوده اینجا بدینگونه ثبت کرده است: معجم البلدان، فرهنگ زفان گویا، لسان الشعرا و ترجمه صیدنه ابی ریحان بیرونی. (۱) تا جمعیکه معانی آن لغات را مفصل ولغات را مستشهد خواهند به جمع الفرس رجوع فرمایند و بعضی که مجمل و محذوف الاستشهاد خواهند باین خلاصه توجه کنند و زبان قلم را از انتخاب و قلم زبانرا از اعتراض قاصرو کوتاه سازند و این نسخه را موسوم به «خلاصه المجمع» ساختیم امید که الخ.

بدبختانه تابحال این دو فرهنگ چاپ نشده و از نسخه خلاصه آن جز یکی سراغ نداریم.

آغاز: بسمله - ابتدای کلام هر دانشمند سخنور و انتهای سخن هر خردمند هنرپرور الخ.

انجام: از لطف عمیم و کرم جسیم جمعیکه کتابت این نسخه کنند آن است که تقصیر و تهاون در نوشتن دیباچه این نسخه نکنند که در نوشتن آن نه همین براین ضعیف ستم میکنند بلکه بر خود نیز جور کرده چه خود را محروم ساخته از کتاب توحید و نعت و منقبت و از مرتبه انصاف و مرحمت و شفقت من آنچه شرط بلاغ است باتومیگویم تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال تم بالخير.

(۱۵۴)

این نسخه را بخط نستعلیق محمد صالح بن عبدالوهاب جوشقانی سال ۱۰۴۷ که سی و نه سال پس از تألیف میشود، نوشته، ابواب ولغات با شنجرف نگاشته شده، در ذیل آخرین صفحه اخباری از حضرت رسول ص نقل گردیده ورق اول نسخه وصالی و دو ورق آخر وصالی لازم دارد.

فرهنگ

سروری

(۱) ظاهراً مراد از معجم البلدان غیر از مؤلفه یا قوت است و در کشف الظنون جز آن کتابی بدین نام از سبکی نقل نموده ولی مؤلف و موضوع آن را تعیین نکرده و بنا بر سیاق عبارت در این دیباچه، بایستی در لغت باشد و فرهنگ زفان گویا بافاء ثبت شده و مراد همان زبان گویا و جهان یویا است که از ماخذ فرهنگ جهانگیری بوده است.

جلد چرمی ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۷۵) .
صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۵ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۸ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳) .

(۸۵۵)

فرهنگ

سروری

این نسخه نیز بخط نستعلیق نوشته شده ، در حدود ۲۹ ورق
از ابتداء کتاب که شامل ۲۸۸ لغت و دیباچه بوده افتاده و
صفحه اول موجود لغت اسپرغم را بیان نموده و از آخر هم
يك ورق افتاده که شامل دو سطر بوده و آن دو سطر از روی نسخه بالا در حاشیه
آخرین ورق نوشته شد ، لغات و ابواب را باشجر ف نگاشته اند ، شماره لغات این
نسخه بیشتر از دیگری میباشد و ظاهر آنست که نسخه است کنار ورق اول
یادداشتی بوده قسمتی از آن محو گردیده و نیز یادداشتی از اعتضاد السلطنه است
که بسال ۱۲۸۳ نسخه داخل کتابخانه ایشان شده است .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۴۰۷) . صفحه ای
(۱۷) سطر . طول (۱۸ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۱ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱) .

[۳۵۷] فرهنگ عباسی (فارسی)

مؤلف این فرهنگ چنانکه در دیباچه بدان تصریح گردیده نایب الصدر تبریز
ابن محمد رضا محمد المدعو بصدرالدین التبریزی میباشد ، دانشمند معاصر آقای
تربیت در ص ۳۷۰ دانشمندان آذربایجان گوید: «نائب الصدر خلف محمد
رضا المدعو بصدرالدین تبریزی بوده کتاب لغتی در تاریخ ۱۲۲۵ برای عباس میرزا
نائب السلطنه بعنوان فرهنگ عباسی تألیف کرده نسخه ای از آن در دانشکده
معقول و منقول دیده ام.» جز آنچه نقل شد اطلاعی راجع باین شخص اظهار نداشته اند
و در ص ۲۲۸ همان کتاب بنقل از نگارستان دارا گوید: «صدرالدین محمد تبریزی
خلف ملا رضا قاضی عسکر متخلص بشفاء تبریزی است در علوم شرعیّه و فنون
ادبیّه و لغت عرب ید طولائی داشت و تحصیل علم و ادب را اول در خدمت
والد ماجد و بعد از آن در عتبات عالیات از آقا سید مهدی بروجرودی و آقا سید
علی مجتهد و سایر مجتهدین عظام کرده و در اطلاع از مسائل شرعیّه و آگاهی از

فنون ادبیّه بی نظیر است و طبعی موزون دارد و نظم و نثری با حلاوت بلغت پارسی و عربی دارد و ده :

أَنِيسُ الصَّبِّ فِي الْحُبِّ الْعَنَاءُ فَلَيْسَ عَنِ الْعَنَاءِ لَهُ الْغِنَاءُ
فَإِنْ شِئْتِ أَحْنِي أَوْ شِئْتِ فَاقْتُلِي فَعَيْشُ الصَّبِّ وَالْمَوْتُ سَوَاءُ
أَيَا مَرْضَى الْهَوَى مُوتُوا بِغَمٍّ فَدَاءُ الْحُبِّ لَيْسَ لَهُ دَوَاءُ

و نیز آقای تربیت در ص ۱۹۸ در ذیل شفا - ملا رضا ، پدر مرد نامبرده بالا گوید: در حوالی سنه ۱۲۰۸ بر حمت ایزدی پیوسته است . و میدانیم که وفات آقای سید مهدی بروجردی (بحر العلوم) بسال ۱۲۱۲ و وفات آقا سید علی (صاحب ریاض) بسال ۱۲۳۱ بوده است بنا بر این معلوم میشود از علماء قرن سیزدهم هجری بوده و از تصریح خود مؤلف فرهنگ عباسی در دیباچه میدانیم که بسال ۱۲۲۵ شروع بتألیف این کتاب نموده و از اطلاع بر اینکه صدرالدین محمد بن ملا رضای مذکور در « لغت بد طولانی داشته » و « در اطلاع از مسائل شرعیّه بی نظیر است » گمان نزدیک بیقین پیدا میکنیم که مؤلف این فرهنگ همین صدرالدین محمد بن ملا رضا میباشد و مؤلف نگارستان از این فرهنگ وی خبر نداشته که در کتاب خود آنرا یاد نکرده و یا تألیف کتاب او پیش از این فرهنگ بوده است .

چنانکه نیز از دیباچه معلوم میشود تألیف این کتاب بامر نائب السلطنه عباس میرزا بوده و مشتمل بر لغات فارسی و موافق حروف آخر کلمات مرتب شده و لغات مترادفه را در ذیل یکی از مشاهیر آنها ذکر نموده و در ترتیب کتاب گوید :

ترتیب کتاب من چنین است ای عدل تو در زمانه ظاهر
از فصل بگیر حرف اوّل و ز باب بگیر حرف آخر

برای لغات شواهدی نیاورده و کتاب را بر مقدمه و ابواب و خاتمه ای ترتیب داده است . مقدمه در کلیّات و قواعد حروف و زبان پارسی درشش نمایش است . باب اوّل - در رجحان زبان فارسی پس از عربی بر تمام لغات . باب دوم - در چگونگی زبان فارسی و شماره حروف . باب سوم - در بیان ضمائر لغت فارسی . باب چهارم -

در حروف زائده ای که در اوایل و اواخر کلمات آورند . **باب پنجم** - در الفاظ و حروفی که برای زینت کلام آورند . **باب ششم** - در بیان جواز تبدیل حروف بیکدیگر **ابواب** فرهنگ بشماره حروف تهجی است و **خاتمه** چنانکه در دیباچه نوشته شده مشتمل بر استعارات و کنایات و لغاتی که مشتمل بر حروف هشتگانه یعنی ث ، خ ، ص ، ط ، ظ ، ع ، ق ، که در اصل زبان فارسی نیامده است الا بندرت، میباشد ولی نسخه ذیل خاتمه را ندارد، چون نسخه دیگر از این فرهنگ تا بحال نیافته ام نمیدانم که مؤلف توفیق بر تألیف خاتمه نیافته یا نویسنده این نسخه آنرا ننوشته است و این فرهنگ در حدود (۲۵۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: آرایش گفتار دانشوران و پیرایش کردار سخن گستران ستایش خداوند جهان آفرین الخ .

انجام: يك روئی بروزن بدگوئی بمعنی بی ریائی و يك جهتی باشد تمت الكتاب الخ .

(۸۵۶)

فرهنگ عباسی این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۱۳۰ نگاشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده ، در پایان آخرین صفحه یادداشتی است که بسال ۱۲۶۰ این کتاب سه تومان (سی ریال کنونی) خریده شده، مهر اسم یادداشت کننده را محو کرده اند و تمام لغات کتاب باشجرف نوشته شده است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۲۱) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۶) .

[۳۵۸] **فرهنگ مثنوی = لطائف اللغات** (فارسی و غیره بفارسی)

مؤلف این فرهنگ چنانکه در مقدمه تصریح شده عبداللطیف بن عبدالله کبیر (۱) میباشد که در تحصیل و تصحیح و مقابله مثنوی مولانا جلال الدین رومی رنج فراوان کشیده و دوازده سال این کتاب عالیجناب را بتلمذ و تتبع خوانده

(۱) در دیباچه مثنوی ترتیب داده خویش خود را عبداللطیف بن عبدالله العباسی معرفی نموده و در مقدمه فرهنگ بدانگونه که نقل گردید .

و نسخه ای از آن که تقریباً با هشتاد نسخه مقابله گردیده ترتیب داده (۱) و شرحی بنام لطائف المثنوی بر آن نگاشته و از مندرجات لطائف اللغات برمی آید که از علم نجوم و اصطلاحات آن باخبر بوده و بمناسبت بدان اشاره نموده و در هنگام تألیف این فرهنگ بقاموس و صراح و جهانگیری و کشف اللغات عبد الرحیم سوربهاری و مدار الافاضل شیخ الله داد سرهندی و مؤید الفضلاء و فرهنگهای دیگر مثنوی که پیش از وی نوشته اند مراجعه نموده است. (در ذیل لغت ننید و چاپلوس از فرهنگ میرزا فتح الله رازی نام برده ولی نام این فرهنگ در دیباچه نیست) و پس از لغات عربی رمز (ع) و فارسی (ف) و ترکی (ت) و سریانی (س) و پس از کلماتیکه میان فارسی و عربی مشترك است (عف) و آنچه میان ترکی و فارسی مشترك است (تف) و لغتی که میان فارسی و هندی مختلط است (فه) و الفاظیکه میان عربی و هندی است (عه) علامت گذارده که مراجعه کننده گذشته از معنی، بداند که این لفظ از چه لغت و زبان است.

از دیباچه اینکه بر مثنوی مرتب کرده خویش بسال ۱۰۳۲ نگاشته معلوم میشود که پیش از آن تاریخ این لغت را ترتیب داده (۲) و از آنچه در مقدمه این فرهنگ آورده (۳) معلوم میشود که این لغت را مخصوصاً برای نسخه ناسخه مثنوی که

(۱) نسخه ای از این مثنوی که دفتر اول آن بسال ۱۰۸۳ و دفتر دوم آن بسال ۱۰۸۶ نوشته شده و در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود و نگارنده آنرا دیده شاملشش دفتر و هفت دیباچه و شش فهرست و مقدمه ای است که آنرا «مرآت المثنوی» نامیده و فهرستها هر يك مشتمل بر حکایات و مندرجات دفا تر بتفصیل میباشند مرحوم اعتصام الملك در ص ۲۸۱ و ۲۸۰ فهرست کتب خطی آن کتابخانه این نسخه را معرفی و قسمتی از مقدمه آنرا هم نقل کرده اند. نسخه ای از این مثنوی را نیز حضرت حاج سید نصر الله تقوی دارند.

(۲) از مندرجات مقدمه معلوم میشود که این تصحیح و ترتیب نسخه مثنوی در سال ۱۰۳۱ در برهانپور هندوستان خاتمه یافته است.

(۳) در مقدمه فرهنگ است: هر چه در مثنوی واقع شده عموماً بتحریر در آمده با وجود آنچه بر مبتدل و زبان زد عوام و خواص بود از آن احتراز نموده و میتواند بود که در این جمع بعضی لغات از این عالم داخل شده باشد که در نسخه ناسخه مثنوی که این فرهنگ بجهت آن ترتیب یافته یافته نشود اما چون در لغات مثنوی که بعضی از سلف نوشته اند داخل بود بملاحظه آنکه شاید درجائی نسخه ای باشد یا در کتاب دیگری یافته شود و بعد از تفحص درین فرهنگ نیابند ترك آن لایق ندانست الخ.

خود ترتیب داده تألیف کرده بنابر این تألیف این فرهنگ در سال ۱۰۳۱ بایستی خاتمه یافته باشد.

این فرهنگ بمناسبت اوّل لغات مشتمل بر ابواب و بمناسبت اواخر آنها منقسم بفصول میباشد و در بسیاری از موارد باشعار شعرای معروف استشهاد گردیده و در حدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد.

در ص ۱۴۵۸ ج ۲ فهرست آصفیه نسخه ای از این کتاب که سال ۱۸۷۷ م چاپ شده موجود است.

چنانکه مؤلف در مقدمه فرهنگ نوشته پیش از این فرهنگ برای مثنوی فرهنگ هائی تهیه شده و نسخه ای از یکی از آنها که آغاز آن این است: رَبِّ انعمت فردانت حبیبی اللهم اجعلنی فی الحقائق موجودا الخ، و تاریخ کتابت و تألیف و نام مؤلف را ندارد در کتابخانه مجلس موجود است (بفهرست کتب خطی ج ۲ ص ۲۷۷ مراجعه شود).

احمد بن مصطفی الدباییدی الدمشقی بسال ۱۳۲۱ کتابی در لغت بنام «لطائف اللغه» تألیف نموده و بدون تاریخ چاپ شده و آنرا از لغات دستگاهی توان شمرد. آغاز: بسمله این فرهنگ مشتمل بر حلّ لغات غریبه عربیه و الفاظ عجمیه عجمیه مثنوی مولوی معنوی الخ.

و ابتداء لغات آن این است: باب الالف فصل الالف استثناء چیزی از جمله ای بیرون آوردن و انشاء الله گفتن.

انجام: «یوفی» ف بمعنی یافه گوی (است نسخه) یعنی بیهوده گوی.

(۸۵۷)

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۴۵ نوشته شده، کاتب نامی فرهنگ مثنوی از خود نبرده، از کیفیت نگارش و رسم الخط معلوم است که لطائف اللغات نویسنده آن هندی بوده و از غلط هم بی بهره نیست، در مقدمه نام کتاب «لطف اللغات» ثبت شده ولی مسلماً لطائف بوده و کاتب غلط نوشته است، صفحه اوّل کتاب افتاده و نخستین سطر موجود آن این است: شیخ

لاددهلوی که الحق در حلّ لغات مؤید الفضلای و علما است الخ .
 لغات و ابواب و فصول را با-نجرف نوشته اند و نسخه در آب افتاده ولی خطوط
 ضائع نشده، یادداشت اعتضاد السلطنه و وقف نامه در جاشیه ورق اول موجود است.
 جلد میشن مذهب . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق
 (۳۰۶) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول ($۲۹ \frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض ($۱۴ \frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) .
 شماره کتبخانه (۴) .

(۸۵۸)

این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۳۲ نوشته شده ،
 کاتب نام خود را ننکاشته ، لغات و ابواب و فصول باسرخ
 میباشد و برگ نخستین نیازمند چسبانیدن است .
 جلد تیماج . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۴۴) .
 صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره
 کتبخانه (۸۹) .

[۳۵۹] فرهنگ میرزا ابراهیم = نسخه میرزا (فارسی و عربی)
 و ترکی بفارسی)

میرزا ابراهیم، پسر میرزا شاه حسین اصفهانی (۱) است و در «عالم آرا» ذیل
 خوشنویسانی که در عهد شاه طهماسب شهره بوده اند، نام و شرح حال مختصری از
 ایشان ثبت گردیده و گوید: در شعر فهمی و تتبع لغات فارس دعوی انفراد نمود، رساله ای
 که در لغات فارس تصنیف نموده اکنون در عراق شایع است . و نیز در تذکره هفت اقلیم
 در ذیل نام پدر اسم این پسر و برادر و چند شعر از او موجود و این دوبیت از آنجاست :
 ربدان گاهی ملک جهان میبازند گاهی بنگاهی دل و جان میبازند
 اینقسم قماررانه چند است و نه چون هر نوع بر آید آنچنان - میبازند
 در دو جای دیگر نام این مؤلف و فرهنگ وی ثبت شده یکی در مقدمه فرهنگ
 سروری (جمع الفرس) که بسال ۱۰۰۸ تألیف گردیده، و سروری یکی از ماخذ خود را
 بنام « نسخه میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی » معرفی نموده و دیگری

(۱) میرزا شاه حسین اصفهانی وزیر شاه اسمعیل صفوی بوده و در سال ۹۲۶ مهتر شاه قلی
 در دیوانخانه او را کشته و وزیر کریم الطبع بوده است .

در مقدمه فرهنگ جهانگیری مؤلفه بسال ۱۰۱۷ می باشد که در آنجا بنام «فرهنگ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی» در شماره مآخذ کتاب آمده است.

دو نسخه از این فرهنگ را نگارنده در این کتابخانه دید که بنام «رساله در لغات فارسی و عربی و ترکی و وقف و ثبت و ضبط گردیده و در مقدمه و خاتمه آن نامی از مؤلف نیست» پس از مطالعه و دقت زیاد بر آن شد که این فرهنگ همان شرفنامه منیری مذکور در ص ۱۸۹-۱۹۲ این فهرست می باشد ولی اندک تصرفی در آن شده و کتابی جداگانه معرفی گردیده است و مراد سروری از نسخه میرزا ابراهیم نیز همین رساله بوده از این رو برای اثبات مدعی خویش چند نمونه مختصر از آنها را نقل مینمائیم:

عبارت شرفنامه : **انج** : بوزن رنج بیرون روی و بیرون کشیدن .

عبارت رساله میرزا : **انج** : بوزن رنج گردا گرد روی و بیرون کشیدن .

عبارت فرهنگ سروری : **انج** : بوزن رنج بمعنی گردا گرد روی و بیرون کشیدن باشد . در نسخه میرزا .

عبارت شرفنامه : **کدست** : بضم یکم و کسر دوم بدست که بتازی شبر و وجب گویند

عبارت رساله : **کدست** : بضم کاف و کسر دال بدست و عبری شبر و وجب است .

عبارت فرهنگ سروری : **کدست** : بضم کاف و کسر دال در نسخه میرزا بدست باشد که عبری شبر و وجب گویند .

عبارت شرفنامه : **هو** : زردآب و ریم .

عبارت رساله : **هو** : بفتح چر کی که از زخم و غیره آید .

عبارت فرهنگ سروری : **هو** : بفتح ها در نسخه میرزا چر کی باشد که از جراحت رود اما در سامی فی الاسامی آن باشد که آب در جراحت افتد گویند که این جراحت هو کرده است یعنی آب در اندرونش رفته است .

با دقت مختصر در این سه نمونه که از سه کتاب نقل گردید دیگر جای تردید باقی نیست و بنظر نگارنده میرزا ابراهیم تا سال ۱۰۰۸ که سال تألیف فرهنگ سروری است زنده بوده و خود او تقاضا کرده که این فرهنگ را بنام نسخه میرزا ابراهیم معرفی کند تا اگر اصل حقیقت واضح و آشکار شود خجل نگردد ولی سروری این رساله را در مقدمه تألیف میرزا ابراهیم دانسته و نیز در ذیل معنی کلمه ژاژ گوید : و میرزا ابراهیم بمعنی علفی آورده که تخمش نباشد و عبارت شرفنامه در ذیل لغت ژاژ این است : هر سبزه که تخمش نبود . و عبارت رساله این است : علفی

که تجمش نبود. وبا تفحص ندانستم که میرزا ابراهیم تا چه سالی زنده بوده ولی از طرز عباراتی که اسکندربیک در عالم آرا بسال ۱۰۲۵ درباره وی نگاشته بدست می آید که در آن موقع زندگانی را بدرود گفته بوده است.

میرزا ابراهیم چندان تصرفی در عبارات شرفنامه ننموده و حتی قسمتی از مقدمات آنرا هم با تصرف کمی در مقدمه این فرهنگ کورده و لغاتی چند بر آن افزوده و از شرفنامه ایاتی که از مؤلف بوده نیآورده و شرح چند لغتی را چون دوستگانی و اصفهان باختصار آورده است و بقرینه اینکه در لغت طهماسب نوشته که پنجاه سال پادشاه بوده و در دو نسخه (۱) پنجاه نوشته شده و میدانیم که سلطنت این پادشاه از ۹۳۰ تا ۹۸۴ یعنی پنجاه و چهار سال بوده احتمال میدهم که میرزا ابراهیم این رساله را بسال ۹۸۰ که پنجاهمین سال سلطنت شاه طهماسب بوده منظم نموده باشد. این رساله در حدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله (۲) بدانکه عرب بچیم و پا و گاف و ژامثل چه و پا و گردن و گژ تنطق ننماید. الخ

انجام: « یویه » بضم آرزو ، « یوزه » بفتح تنه درخت ، « یزدادی » (۳) قیمه و تخم مرغ که درهم پزند .

(۸۵۹)

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، پشت ورق اول یادداشت شده :
 هر الله تعالی شانه در دار الخلافه طهران داخل دارالکتب
 گردید بتاریخ ربیع المولود ۱۲۷۲ . و در ذیل آن مهری بدین
 فرهنگ
 میرزا ابراهیم
 اصفهانی

(۱) در نسخه شماره (۸۷) کتابخانه نوشته شده نام پادشاه ایران که هفت سال مال رعیت بخشید و پنجاه و چهار سال پادشاه بود .

(۲) آغاز دو نسخه این کتابخانه همین است که نقل گردید ولی تنظیم مطالب آن با شرفنامه پس و پیش شده و قواعد مختصره ای که از زبان ترکی در آنجا نگارش یافته چون قسمت هائی از قواعد زبان فارسی که نیز در آنجا است در این نسخه نیست و آغاز لغات آن این است : آرا آرایش و آرا بنده و بمعنی دوم اسم فاعل مستعمل شود چون سخن آرا و بزم آرا .

(۳) در دو نسخه این کتابخانه یزدادی که در فرهنگهای دیگر بادو دال نوشته شده در یکی یزداری بادل و راه و در دیگری یزدارج بادل و راه و جیم در آخر نوشته شده و مسلما هر دو غلط از کاتب است .

سجیع است: عبدالله بن غلامعلی آل محسن و نیز در همین صفحه نوشته شده که بسال ۱۲۹۶ لغت بزبان فارسی و عربی و ترکی داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردید و بسال ۱۲۹۷ وقفیت آن براین کتابخانه بهمان نام مذکور نگاشته شده، کتابت نسخه پیش از قرن سیزدهم هجری نیست. صفحات بجدول بطلا و شنجرف و لاجورد و لغات و فصول و ابواب با سرخی است.

شانزده ورق میان ورق اول و دوم نسخه از چند جای کتاب است که صحاف نادان جای خود نگذارده است.

جلد روغنی گل و بوته دار. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سیه سالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۱۲۲). صفحه ای (۱۸) سطر. طول (۲۰ سانتیمتر). عرض (۱۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۸۷).

(۸۶۰)

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۷۷ نوشته شده، کاتب از خود نام نبرده، بدبختانه مصداق این شعر می باشد: آدمی زاده نادان بچه ماند دانی؟ نسخه معتبر (منحصر) خوش خط بسیار غلط. لغات را با سرخی نوشته اند، و لغات فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی جوک که در حرف لام همین فصل از آن نام خواهیم برد ضمیمه آن است و پشت ورق اول بنام فرهنگ زبان فارسی و عربی و ترکی داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه و این کتابخانه گردیده و در دفاتر کتابخانه بهمین نام ثبت شده، سه ورق کاغذ نوشته در آخر و میان دو نسخه است.

جلد نیمه جی. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق کلیه (۱۰۵). اوراق این فرهنگ (۹۴). صفحه ای (۱۹) سطر. طول (۳۳ - $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۷).

[۳۶۰] قاموس المحيط (عربی)

مؤلف این کتاب که از معاریف کتب می باشد فیروز آبادی است (ابوطاهر

مجدالدین محمد بن یعقوب بن محمد (۱) شیرازی شافعی (۷۲۹^{۸۱۶}/_{۸۱۷} هـ) (۲) که نیز از مشاهیر دانشمندان و ادبا و لغویین قرن هشتم و نهم هجری بوده و شهرت ایشان بواسطه همین قاموس گردیده و مؤلفات دیگر در تفسیر و شرح احادیث دارند. دانشمند معاصر آقای سلطانی نماینده بهبهان در مجلس شورای ملی ایران در سال ۱۳۱۶ شمسی در دانشکده معتول و منقول خطابه مفصلی در حیات و خدمات این دانشمند ایراد و مجله مهر از شماره فروردین ۱۳۱۷ شروع بچاپ آن نموده و بهترین و جامع ترین شرح حال از این عالم جلیل میباشد و بیانات ایشان که در دسترس عموم گذارده شده ما را بی نیاز از تفصیل نموده و باختصار میکوشیم.

فیروز آبادی در کارزین که از توابع فیروز آباد فارس است و اینک نیز بدین نام مشهور میباشد در سال ۷۲۹ متولد شده و خود در ماده کرز قاموس متذکر گردیده که مولد مؤلف در آنجا بوده و سخاوی باینکه خود تصریح بدین موضوع نموده باز او را کازرونی (۳) و مولد او را در آشهر دانسته و صاحب روضات و سیوطی فقط او را کازرونی ثبت کرده اند و سیوطی در بغیه از ابن حجر نقل نموده که گویند نسب خود را به ابواسحق شیرازی میرسانده باینکه گویند شیخ بلا عقب بوده است و از این انتساب هم بالا رفته و خود را به خلیفه اول ابوبکر صدیق منسوب نموده است.

(۱) در اول و آخر قاموس مؤلف خود را محمد بن یعقوب بن محمد معرفی نموده و مسلمانا کنیه او ابوطاهر و لقبش مجدالدین بوده و در منقول از «الضوء اللامع» نام و نسب ایشان بدینگونه است: محمد بن یعقوب بن محمد بن ابراهیم بن عمر بن ابی ابکر بن احمد بن محمود بن ادريس بن فضل الله بن الشيخ ابی اسحق ابراهیم الكازرونی المشتهر بمولانا الشيخ مجدالدین الفیروز آبادی الشیرازی اللغوی الشافعی. (صاحب شذرات الذهب بعضی از آباء مجدالدین را ذکر نموده است و آنچه نقل گردید از روی ضمیمه دو نسخه از قاموس ابن کتابخانه است).
(۲) این شرح حال با مراجعه به شذرات الذهب ج ۷ ص ۱۲۶ — ۱۳۱ و کشف الظنون و فهرستهای کتابخانههای ایران و هندوستان و مصر و معجم المطبوعات ص ۱۴۶۹ — ۱۴۷۱ و شقائق نعمانیه ص ۳۲ ج ۱ و روضات ج ۴ ص ۲۰۷ و بغیه ذیل محمد و تاج العروس و غیره نگاشته شده است.
(۳) کازرون شهری است در نزدیکی خرابهای شایر و میان شیراز و بوشهر واقع شده و تقریباً ۱۲۰ کیلومتر ناشر از مسافت دارد.

سخاوی در کتاب «الضوء اللامع فی اعیان القرن التاسع» (۱) گوید در هفت سالگی قرآن را حفظ نمود و پس از اینکه هشت سال از عمر وی گذشت برای کسب معارف و علوم بشیر از آمده و در آنجا از پدر خویش و علما و دانشمندان کسب فضائل نموده و بعراق رفت و از بزرگان آنجا بهره هائی گرفت و مدرّس مدرسه نظامیه بغداد گردید و بسیاری از شهرهای ایران و شام و روم و مصر را گردیده و با دانشمندان هر جا ملاقات کرده و از آنها سودها یافت و پیش سلاطین و امراء و حکام هر جا محترم و مکرم بوده، امیر تیمور گورکانی و شاه منصور پسر شاه شجاع هر یک و را جائزه قابلی داده اند و در رمضان سال ۷۹۶ وارد زبیدیمن گردید و در آنجا مورد عنایت و توجه اسمعیل مشهور باشرف پادشاه یمن شد و بیست سال در آن شهر بود و مکرّر بمکه معظمه و مدینه منوره مشرف شده و در هر دو شهر مدرسه‌ای ساخته و آرزو داشت در مکه دعوت حق را اجابت گوید و تألیف قاموس را هم در آن شهر خاتمه داده و خود در آخر آن تصریح کرده است. ولی بآرزوی خود نرسیده و در شب بیستم شوال سال ۸۱۷ در نودسالگی در زبیدیمن باینکه حواس وی کاملاً بجا بود در گذشت.

و در سیره او نوشته‌اند که شبی بر او نگذشت که پیش از خواب دو بیت بیت حفظ نماید و بفارسی و عربی شعر میسروده ولی از اشعار و آثار فارسی او اثری نیافتیم. در مقدمه نسخه شماره (۵۷۸) مدرسه مشیر السلطنه ایبائی از مؤلف قاموس نقل گردیده و گوید اگر اشعار وی جمع آوری شود دیوانی میشود و این چند بیت از آنجا نقل گردید:

الّا انما القرآن تسعة احرف	اتیت به (۲) فی نظم شعر بلا خذل
حلال حرام محکم متشابه	بشیر نذیر قصه عظه مثل

(۱) در حاشیه صفحه ۱۰۱۲ معجم المطبوعات نسخه خطی این کتاب را که در پنج مجلد میباشد، مصر در بیت السعاده و دمشق در کتابخانه ظاهر به نشان داده. و آقای محیط طباطبائی گویند اخیراً در مصر چاپ شده است.

(۲) نگارنده از مرحوم حاجی ملا محمد حسین عموی مادر خویش رحمه الله این دو بیت را در ایام صبا شنیده و بجای «اتیت به» کلمه «اینها» بخاطر دارم و این اصح و انسب بنظر می آید.

و نیز در آنجا است که قاضی علی بن محمد بن الناشری چون از ایشان اجازه طلب

نمود نوشت :

يقول محمد المدعوّ محمداً وملتجياً الى الحرم العزيز
اجزت له روايه ما رواه لنا الا شياخ بالشرط الوجيز
وخيرت الاجازه بامتداح فيما عجبنا لممدوح بحيز

و در شذرات الذهب بنقل از «الضوء اللامع» ایامی است و این دویست نیز در

آنجا است :

احببتنا الاما جدان رحلتهم ولم ترعوا لنا وداً والّا
نودعكم ونودعكم قلوباً لعسل الله يجمعنا والّا

مؤلفات فیروز آبادی بسیار ، سیوطی در بغیه و مؤلف شذرات الذهب بنقل از
الضوء اللامع و صاحب روضات و دیگران بنقل آنها پرداخته و ما نیز در اینجا آنچه
را بدو نسبت داده شده میاوریم :

تیسیر فاتحه الاله اب بتفسیر فاتحه الكتاب (در يك مجلد بزرگ) الدر النظیم الى فضائل القرآن
العظیم (نسخه آن در کتابخانه مجلس است) ، حاصل كورة الخلاص فی فضائل سورة الاخلاص ، شرح
خطبة الکشاف ، بصائر ذوی التميز فی لطائف الكتاب العزيز ، تنوير المقباس فی تفسیر ابن عباس (در
چهار مجلد) ۱- منهج الباری بالسیح الفسیح جاری فی شرح صحیح البخاری . (در شذرات و کشف
الظنون و دیگر کتابها از الضوء اللامع نقل گردیده که از این کتاب بس ربع عبادات تالیف شده و در
بیست مجلد است ولی در مقدمه نسخه ۸۹ ذیل از نفیس الدین سلیمان بن ابراهیم علوی نقل نموده
که وی گوید : یادداشتی از قاضی صفی الدین احمد بن ابی بکر المرهبی یافتیم که شیخ مجد الدین
تاباب الصیام صحیح بخاری را در بیست و چهار مجلد شرح نموده و ندانستیم که دیگر چقدر
از آنرا شرح کرده است) ، شوارق الاسرار العلیه فی شرح مشارق الانوار النبویه (در چهار مجلد) ،

(۱) در چند جا مقباس باباء ابجد ضبط شده ولی در معجم المطبوعات و کشف الظنون باباء
حطی است و صحیح باباء موحده است و مؤلف معجم مذکور در ص ۱۴۷۰ گوید که نسبت ابن
کتاب به مجد الدین غلط و مؤلف آن ابن عباس رضی الله عنه است . و علماء رجال این کتاب را
از مؤلفات فیروز آبادی دانسته اند و از نام کتاب هم برمی آید که این کتاب غیر از تفسیر
ابن عباس میباشد و نسخه ای که در هند بنام تفسیر ابن عباس چاپ شده عین آنست که بنام فیروز آبادی
در مصر چاپ و مشهور گردیده ، بنا بر این نگارنده را عقیده اینست که فیروز آبادی اخباریکه ابن عباس
رضی الله عنه در تفسیر سوره آیات قرآن کریم نقل نموده ، جمع آوری کرده و آنرا «تنویر المقباس
فی تفسیر ابن عباس» نام گذاشته و خود ابن عباس رحمه الله تفسیری تدوین نکرده است .

الصلوات والبشر فی الصلاة علی خیر البشر، **الوصل** والمنی فی فضل منی، **عمدة** الاحکام فی شرح عمدة الاحکام (در دو مجلد)، **حاسن** اللطائف فی محاسن الطائف، **تجیر** الموشین فیما یقال بالسنین والشین (۱)، **الروض** المساوف فیما له اسمان الی الوف، **امتضا** السهاد فی افتراض الجهاد، **البلاغه** فی تراجم ائمة النجاة والغه (۲)، **النبی** العنبریه فی مولد خیر البریه، **نزهة** الازهان فی تاریخ اصبهان، **اللامع** المعالم العجایب الجامع بین المحکم والعیاب وزیادات امتلابها الوطاب (مؤلف در مقدمه قاموس خود این کتاب را نام برده و گوید تخمینا در شصت مجلد خواهد بود ولی چون مفصل میشد طلاب ودانشجویان خواستار شدند که مختصر بنویسم شواهد و زوائد آن را انداختم وهرسی جلدی را در مجلدی گنجانیدم، ولی در شذرات و کشف الظنون و مقدمه های نسخ بنقل از سخاوی نوشته شده که تمام آن صد مجلد تخمین زده شده که هر یک مجلد با اندازه صحاح جوهری باشد و پنج مجلد آن تالیف گردیده است، نگارنده این اجتهاد مخالف نص مؤلف را ندانست علما رجال بچه دلیل کرده اند و مدرک آنها چیست)، **الاسماء** بالاصعاد الی درجه الاجتهاد (سه مجلد است)، **المغانم** المطابه فی معالم طابه، **تهیه** العزام الی بلد الحرام، **اثارة** اللحون فی زیارة الحجون (۳) (گویند در یک شب تالیف گردیده)، **فصل** الدرہ من الخزرة فی فضل السلامة علی الخیزره (در یکی از نسخ است که این دو، نام دو قریه از طائف می باشند)، **روضة** الناضر فی ترجمة الشیخ عبدالقادر، **المرقاة** الوفیه فی طبقات الحنفیه، **الفضل** الوفی فی العدل الاشرافی، **توہین** الغرفات للمعین علی عین عرفات، **منیة** السؤل فی دعوات الرسول، **النجاری** ین فی فوائد متعلقة باحادیث المصابیح، **تسهیل** طریق الوصول الی الاحادیث الزائدة علی جامع الاصول، **الدر الغالی** فی الاحادیث الغوالی، **سفر** السعادة، (۴) **المتعق** وضعا المختلف صقعا، **مقصود** ذوی الالباب فی علم الاعراب، **المشاکل** الکبیر (در پنج مجلد)، **تحفة** القمائل یمین بسمی من الملائكة والناس باسمعیل، **اسماء** السراح فی اسماء النکاح، **الجلایس** الانیس فی اسماء الخندریس (۵) **انواء** الغیث فی اسماء الیث، **قرقیق** الاسل فی تضعیف العسل (چند جزو است)، **زاد المعاد** (بروزن بابت سعاد است)، **شرح** زاد المعاد، **الخب** الطرائف فی النکت الشرائف، **انصر** اط المستقیم (این کتاب در

(۱) در ص ۱۴۶۹ معجم المطبوعات نوشته شده که این کتاب چاپ گردیده و نسخه ای خطی نفیس از آنرا در کتابخانه شخصی آقای تربیت دیده ام.

(۲) دانشمند معاصر آقای تربیت گویند: نسخه ای از این کتاب را در برلن دیده ام و از بغیه سیوطی بهتر است.

(۳) این کتاب در حدیث می باشد و از جمله کتب سیره حضرت پیغمبر (ص) شمرده می شود و نسخه ای از آن در کتاب خانه خدیویه در ۲۰۰ صفحه موجود است (آداب اللغة).

(۴) خندریس شراب است و در این کتاب آنچه در قرآن کریم واحادیث واقوال علماء در موضوع شراب آمده آورده شده و تالیف آن بنام ملك اشرف گردیده و نسخه ای از آن در کتابخانه خدیویه در ۲۴۲ صفحه موجود است (آداب اللغة ج ۳ ص ۱۴۶).

آخر قاموسی که بسال ۱۲۷۰ بچاپ رسیده (ظاهر آدره هندوستان) از مؤلفات فیروز آبادی شمرده شده است)، **المرقاۃ الارفعیه فی طبقات الشافعیه** (در کشف الظنون و مقدمه تاج العروس از مؤلفات این مؤلف شمرده شده)، **الاشارة الی مافی کتب الفقه من الاسماء والاماکن واللغات** (این کتاب را جرجی زیدان نقل نموده و گوید نسخه ای از آن در کتابخانه فلایشر می باشد)، **تحفة الابیہ فی من نسب الی غیر ابیه** (نیز جرجی زیدان گوید نسخه ای از آن در کتابخانه الجزائر موجود است)، **مجمع السؤالات من صحاح الجوهری** (جرجی زیدان نسخه ای از آن را در کتابخانه کویرلی نشان داده است)، **رسالة فی حکم القنادیل النبویه** (جرجی زیدان گوید نسخه ای از آن در کتابخانه الجزائر موجود است)، **المثلث المتفق المعنی** (جرجی زیدان نسخه ای از آن را در خزانه تیموریه نشان داده)، **مقامات فیروز آبادی** (در مقدمه نسخه شماره ۵۷۸ مدرسه مشیر السلطنه بدین تصریح شده، **الغرر المثلثة والدرا المبیته**) (نسخه ای از این کتاب را آقای تربیت بخط عبدالرحیم یسرفیروز آبادی دارند و بسال ۷۷۳ نوشته شده است)، **القاموس المحيط والقابوس الوسیط فی جمع لغات العرب النبی ذہبت شہ طیبت (۱)** (همین کتاب که مشهور به **قاموس** است).

قاموس از مشاهیر کتب لغت می باشد و از هنگام تالیف تا کنون همواره مورد استفاده مراجعہ کنندگان بکتاب عربی و ادبیات آن زبان بوده و از سال ۱۲۲۰ تا ۱۲۳۲ در چهار جزء در کلکته (ظاهرأ برای نخستین بار) با حروف سربی چاپ شده و تا کنون مکرر در ایران و مصر و هندوستان چاپ شده است.

جمعی بردوانتقاد قاموس پرداخته و آنچه بغلط نقل و ترجمه شده و یا بیستی ذکر شود و نشده است متذکر شده اند و جمعی دیگر هم بشرح و یا ترجمه آن پرداخته اند و ما آنان را که بنام و مؤلفه آنها دست یافته ایم در اینجا میاوریم:

۱. «**ابتهاج النفوس بذکر مافات القاموس**» نسخه آن در کتابخانه خدیویه می باشد،

۲. «**الدرا لقیط فی اغلاط القاموس المحيط**» تالیف محمد بن مصطفی مشهور به داودزاده متوفی بسال ۱۰۱۷ و نسخه ای از آن در کتابخانه ایا صوفیا است، ۳. «**البحاسوس**

(۱) مؤلف خود در مقدمه گوید: **واسمیتة بالقاموس المحيط** و در آخر کتاب جمله: **والقابوس الوسیط**. را بر نام مذکور اضافه نموده و در آخر ماده وجد (به نسخه شماره ۵۵۶۳ این کتابخانه و شماره ۵۷۸) مدرسه مشیر السلطنه مراجعه شود) از کلمه فی جمع تا **شہ طیبت** نیز بنقل از نوشته مؤلف بر جمله های سابق اضافه شده، و قاموس چنانکه در قاموس نوشته شده بمعنی محل عمیق دریا و قابوس بمعنی مرد نیکو منظر است و مران از وسیط معتدل القامه می باشد، و **شہ طیبت** بمعنی پراکنده شده ها است و طولانی بودن نام کتاب چون نظائر آنرا از مؤلف نقل نمودیم موجب انکار نخواهد بود.

علی القاموس» تألیف احمد فارس معروف به یاق متوفی بسال ۱۸۸۶ م. که انتقادات خود را بر قاموس در ۲ نقد مرتب نموده و کتابی مفید و شامل مطالب مهمه است، و بسال ۱۲۹۹ که ظاهراً همان سال اختتام تألیف آن است چاپ گردیده است، ۴- «اضاعة الادموس و ریاضة الشموس من اصطلاح صاحب القاموس» تألیف عبدالعزیز حلی است و نسخه ای از این کتاب در کتابخانه الجزائر میباشد، ۵- «اضاعة الراموس و افاضة الناموس علی اضافة القاموس» تألیف ابو عبد الله محمد بن الطیب بن محمد الفاسی المغربي میباشد و این کتاب شرح قاموس و در سه مجلد است و نسخه ای از آن در کتابخانه دارالکتب المصریه موجود است (ص ۳ ج ۲ فهرست دارالکتب مراجعه شود)، ۶ و ۷- «اضاعة الادموس و ریاضة النفوس من اصطلاح صاحب القاموس» تألیف ابو العباس احمد بن عبدالعزیز بن الرشید الهاللی السجلماسی المغربي است و آن را ذیل کتاب خود که در شرح خطبة قاموس و بنام «فتح القدوس فی شرح خطبة القاموس» میباشد در سه رکن ترتیب داده و نسخه ای از آن در کتابخانه دارالکتب موجود است (ص ۳ ج ۲ فهرست دار)، ۸- «تاج العروس من جواهر القاموس» تألیف سید محمد مرتضی الحسینی الواسطی الزبیدی (۱۱۴۵ - ۱۲۰۵)، شرح قاموس و در ده مجلد میباشد و خود در آخر کتاب مدت تألیف را چهارده سال و چند روز معین نموده و از شرح بسیار خوب قاموس میباشد و گذشته از شرح قاموس مستدر کاتبی را هم از لغات دارا است و دوبار تا کنون در مصر چاپ شده است، ۹- «الاقیانوس البسیط فی ترجمة القاموس المحيط» ترجمه ترکیبی قاموس میباشد و مترجم آن احمد عاصم افندی است که بسال ۱۲۲۵ ترجمه شده و مکرر در آستانه و مصر چاپ شده است، ۱۰- «القابوس» ترجمه فارسی قاموس و تألیف محمد حبیب الله در زمان محمد شاه (ظاهراً پادشاه هند) ترجمه شده و دو مجلد است و نسخه ای از آن در دو مجلد که بسال ۱۲۲۲ و ۱۲۲۳ نوشته شده در کتابخانه آصفیه موجود است (ج ۳ ص ۶۱۸ فهرست آصفیه) و نسخه ای از آن نیز در موزه لندن است، ۱۱- و ۱۲- «القول المانوس فی تجریر القاموس» و «القول المانوس بشرح مغلق القاموس» تألیف بدر الدین قراقی (۹۳۹-۱۰۰۸) و کتاب اول در حاشیه قاموس بسال ۱۳۴۴ در مصر چاپ شده و نسخه آن بخط مؤلف در کتابخانه خدیویه بکفته جرجی زیدان موجود است، ۱۳- «شرح خطبة القاموس» تألیف مناوی تاج الدین عبدالرؤف بن علی المناوی القاهری الشافعی (۹۵۲-۱۰۳۱) میباشد و نسخه آن در دارالکتب العربیه موجود است، ۱۴- «رجل الطاووس فی اغلاط القاموس» صاحب روضات در ص ۱۱۱ نوشته اند: بعضی از متأخرین نوشته است (۱)، ۱۵- «رساله در اغلاط قاموس» تألیف سید علیخان کبیر (متوفی بسال ۱۱۱۸) در مقدمه تاج العروس مؤلف آن جمعی که بشرح خطبة قاموس و خود کتاب پرداخته و باطراف مندرجات قاموس صحبت

(۱) مؤلف تاج العروس در ذیل آنها تمیکه اعتراضی بر قاموس دارند «رجل الطاووس» را نام برده و گوید مؤلف آن سید محمد بن رسول البرزنجی است.

و بحث کرده اند یاد شده، جز آنها را که قبلاً نام برده ایم دیگران را در اینجا می آوریم :

۱۶ -- « شرح خطبه قاموس » تالیف محب بن شجده ، ۱۷ -- « ایضاً تالیف ابوالروح عیسی بن عبدالرحیم کجراتی ، ۱۸ -- « ایضاً تالیف علامه میرزا علی شیرازی ، ۱۹ -- « شرح قاموس » تالیف نورعلی بن غانم المقدسی (حاجی خلیفه گوید : نورالدین علی بن غانم مقدسی متوفی بسال ۱۰۰۴ بر قاموس حاشیه ای نوشته است) ، ۲۰ -- « شرح قاموس » تالیف سعدی آفندی ، ۲۱ -- « شرح قاموس » تالیف عبدالله بن الامام شرف الدین الحسنی پادشاه یمن متوفی بسال ۹۷۳ شارح « نظام الغریب » و ابن شرح قاموس موسوم به « کسر الناموس » است ، ۲۲ -- محمد بن یحیی القرافی نیز بر این کتاب شرحی بنام « بهجة النفوس فی المحاکمة بین الصحاح والقاموس » نوشته و این شرح را از نوشته های عبدالباسط بلقینی و سعدی آفندی و امام لغوی ابوالعباس احمد بن عبدالعزیز فیلالی که اینک (تاریخ تالیف تاج العروس ۱۱۷۴-۱۱۸۸) در قید حیات جمع کرده ، و صاحب تاج العروس گوید : از همه شرحها بی که دیده و شنیده ام بهتر « شرح محمد بن الطیب بن محمد فاسی متولد بسال ۱۱۱۰ در فاس و متوفی بسال ۱۱۷۰ در مدینه منوره می باشد (نام آن درس ۳۳۸ گذشت) و این شرح در دو مجلد بزرگ گذارده شده و نسخه ای از آن در نزد من (صاحب تاج العروس) است

و جمعی آنچه از لغات را صاحب قاموس نیاورده جمع نموده و در حقیقت بر آن ذیل نوشته اند از آنها

۲۳ -- علی بن محمد معصوم حسینی فاسی ، ۲۴ -- امام لغوی عبدالله بن الممدی حوالی حمیری از علماء یمن متوفی بسال ۱۰۶۱ می باشد ۲۵ -- « الناموس » تالیف ملا علی بن سلطان الهروی ، ۲۶ -- ابو عبدالله محمد بن احمد المناوی بر قاموس ردی نیکو نوشته ، ۲۷ -- ابن حجر مکی در « التحفه » با صاحب قاموس مناقشات و ایرادات خوب کرده ، ۲۸ -- شهاب الدین خفاجی در « العنایه » با مؤلف قاموس محاورات و مطارحات دارد ، ۲۹ -- صاحب تاج العروس گوید : شنیده ام که البرهان ابراهیم بن محمد الحلابی متوفی بسال ۹۰۰ قاموس را مختصر کرده است .

تا اینجا ترجمه مندرجات مقدمه تاج العروس بود و پس از این نام آنانکه باختصار این کتاب پرداخته و یا بشرح و ترجمه آن مبادرت نموده اند و بیش از این نام آنها را نبرده ایم می پردازیم

۳۰ -- « ترجمان اللغة » ترجمه قاموس بفارسی است و مترجم آن محمد یحیی قزوینی بنام شاه سلطان حسین صفوی می باشد و با آدعاء خویش در آخر ترجمه سی و یکماه و ده روز این کار را بانجام رسانیده (دهم شعبان ۱۱۱۴ تا بیستم ربیع الاول ۱۱۱۷) و این ترجمه دوبار یکی مستقلاً بسال ۱۲۷۳ و دیگری در حاشیه قاموس بسال ۱۲۷۷ در طهران چاپ شده است ، ۳۱ -- « مختصر قاموس » صاحب روضات ج ۴ ص ۲۰۷ و ۲۰۸ از تقی الدین کرمانی نقل نموده که بر حسب خواهش پدرش ، فیروز آبادی قاموس را در یک مجلد بزرگ مختصر کرده است ولی کشف الظنون در ج ۲ ص ۳۴۷ در ذیل کتاب « اللامع المعلم العجیب » ابن کفزار تقی الدین

را نقل نموده بنا بر این اختصار کتاب مذکور یعنی تالیف قاموس اللغة بر حسب خواهش پدر
تقی الدین بوده است.

صاحب کشف الظنون گذشته از اینکه بعضی از مسذکورات بالا را نام برده
نسخ ذیل را هم یاد آور شده است :

۳۳. «حاشیه قاموس» سعد الله بن عیسی المفتی معروف به سعدی حلبی بر قاموس تعلیقاتی
نگاشته شاگرد وی عبدالرحمن بن علی الاماس آنها را جمع آوری نموده و جامع بسال ۹۸۳
مرده است، ۳۴. جواب اعتراضات قاموس «مرج البحرین» اویس بن محمد متوفی بسال ۱۰۳۷
بجواب اعتراضات فیروز آبادی بر جوهری پرداخته است، ۳۵. «البایوس» ترجمه ترکی
قاموس و مترجم آن احمد بن مرکز میباشد، ۳۶. «حاشیه قاموس» یا القول المانوس.
تالیف شیخ عبدالباسط بن خلیل حنفی متوفی بسال ۹۲۰، ۳۷. «مختصر القاموس»
تالیف شیخ علی بن احمد الهیتی است و نسخه ای از آن در کتابخانه دارالکتب موجود میباشد
(ج ۲ ص ۳۶ فهرست دار)، ۳۸. «سیوطی لغاتیکه» صاحب قاموس بر صحاح افزوده جمع
آوری نموده و آنرا «الافصاح فی زوائد القاموس علی الصحاح» نامیده است، ۳۹. «القول
المانوس فی صفات القاموس» تالیف مفتی محمد سعد الله مراد آبادی متوفی بسال ۱۲۹۳
میباشد که بگفته مؤلف فهرست آصفیه (ج ۲ ص ۱۴۴۰) بسال ۱۲۸۷ چاپ شده است، ۴۰. «
عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی پوری» بسال ۱۲۵۲ قاموس را بقارسی ترجمه نموده و آن
را بترتیب حرف اول و دوم مرتب ساخته (۱) و چون لغت یا لغائی در یکی از مواد در قاموس نبود
از کتب معتبره چون صحاح و دیوان الادب و تاج المصادر و دیگر کتابها ترجمه نموده و بر آن افزوده و
نام آن را «منتهی الارب فی لغات العرب» گذارده و بدو در کلکته و بسال ۱۲۹۸ در طهران
چاپ شده است، ۴۱. محمد یحیی بن شقیع قزوینی رساله ای بنام المجموع والمصادر که
در فصل بعد از آن نام نواheim برد تالیف و آنچه صاحب قاموس در مصادر و جموع احوال
کرده و یا اشتباه نموده تذکر داده شده است.

۴۱. «الوشاح و تنقیف الرماح فی رد توهیم المجد علی الصحاح» تالیف ابوزید شیخ عبدالرحمن بن
عبدالعزیز میباشد و بسال ۱۲۸۱ در بولاق مصر و بسال ۱۲۹۲ در حاشیه صحاح نیز در مصر چاپ شده
است، ۴۲. «ترجمه» فارس و شرح قاموس» نسخه ای از این کتاب را دانشمند معاصر آقای تربیت
دارند که از قرائن بدست میاید خط مؤلف است و تا شرح ماده قراح را شامل میباشد و آغاز
آن اینست : باب الهمزة فصل الهمزة مخفی نماناد که مؤلف در بصائر ذکر کرده که الف

(۱) کشف الظنون (ص ۲۱۵ ج ۲) گوید که شروح و حواشی قاموس را (که ما آنها
را در اینجا ذکر خواهیم نمود) از «تلخیص القاموس» تالیف شیخ ابراهیم بن محمد حلبی
متوفی بسال ۹۵۶ نقل کرده ایم و در اینجا کلمه البرهان که ظاهراً مختصر برهان الدین میباشد
نیست و سال فوت مؤلف هم با آنچه مؤلف تاج العروس ضبط کرده و در ص ۲۳۹ ذکر شده مخالف است.

اصل وهیولای سائر حروف است و جمله کلمات و لغات از آن متخالفند الخ. و با احتمال خود ایشان این ترجمه و شرح تالیف محمد بن حسن شیروانی مشهور به ملامیرزای شیروانی متوفی بسال ۱۰۹۸ میباشد و در ص ۳۳۲ دانشمندان هم یکی از مؤلفات این دانشمند را ترجمه و شرحی مبسوط بر قاموس شمرده اند. ۴۳- «حاشیه قاموس» بقلم مرحوم شمس العلماء کرکائی متوفی در اوائل دهه ششم از قرن چهاردهم هجری که از دانشمندان شهر طهران بوده و نسخه ای از قاموس که دارای آن حواشی بخط محشی است اینک در کتبخانه شخصی آقای حاج سید نصرالله تقوی اخوی رئیس محترم دانشکده معقول و منقول در طهران موجود است.

قاموس چنانکه مؤلف در دیباچه آن تذکر داده دو برابر صحاح اللغه دارای لغت میباشد و بعضی گفته اند که باندازه ثلث صحاح اضافه دارد و مؤلف تاج العروس گوید: قاموس مشتمل بر شصت هزار ماده لغت میباشد و بیست هزار بر صحاح اللغه افزوده است چنانکه ابن منظور الافریقی در لسان العرب بیست هزار لغت بر صحاح اللغه افزوده است (۱). فیروز آبادی در مقدمه قاموس گفته آنچه را که در صحاح نیست و در اینجا آورده شده با سرخی نوشته است.

این بود آنچه نگارنده بر نام کتب راجعه بقاموس دست یافت و چون این کتاب مکرر چاپ شده و هر کس اندک آشنائی با ادبیات عرب داشته باشد آنرا بخوبی میشناسد از بیان طرز آن خود داری و بنقل دو بیت از مقدمه تاج العروس که در طرز استفاده از قاموس میباشد قناعت میکنم:

إِذَا رُمِتَ فِي الْقَامُوسِ كَشْفًا لِلْفِظَةِ فَأَخْرِهَا لِلْبَابِ وَالْبَدْءَ لِلْفَصْلِ
وَلَا تَعْتَبِرْ فِي بَدَائِهَا وَآخِرِهَا مَزِيدًا وَ لَيْكِنَّ اعْتِبَارُكَ لِلْأَصْلِ
(۸۶۱)

قاموس المحيط این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده و مشتمل بر تمام کتاب است. کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده، اوراقی از اول و آخر نسخه نو نویس میباشد و بعضی از اوراق دیگر کتاب و صالی شده،

(۱) یشت نسخه (۸۶۳) این فهرست از شهاب الدین خفاجی از خط فیروز آبادی نقل شده که صحاح مشتمل بر پنجاه هزار ماده لغت میباشد و من بر آن بهمین اندازه افزوده ام. و چون این بیان با نوشته مؤلف تاج العروس مخالفت زیاد داشت نگارنده مواد لغات صحاح را شماره نمود در حدود (۵۰۰) ماده لغت بود بقا بر این نقل خفاجی صحیح خواهد بود و وجه جمع این دو قول ایست که کلمه ماده در تاج العروس زیاد باشد.

پشت ورق اول از جزء دوم حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله نوشته اند که در سنه (۱۲۵۶) در شیراز این کتاب خریده شد و در ذیل آن بعربی نگاشته اند که آنرا بمیرزا فضل الله نصیرالملک در روز غدیر سال مذکور بخشیدم و در چندین جای از نسخه جلال نام پسر خضر بن داود در سنه (۹۴۳) نوشته اند که این نسخه متعلق بایشان گردیده ، نسخه در آب افتاده ولی خطوط آن ضایع نگردیده و دارای يك سر لوح تازه است که از قرن سیزدهم میباشد و مجدول بسرخی است .
جلد ساغری ضربی میفا شده . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۸۲۲) . صفحه ای (۲۷) سطر . طول ($۳۱ \frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۵۲) .

(۸۶۲)

قاموس المحيط این نسخه بخط نسخ عبدالرزاق بن محمد الیمنی در سنه (۹۵۵) نوشته شده و بانسخه اصل مصنف مقابله گردیده و مشتمل بر تمام کتاب است ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد و صفحه اول و آخر نو نویس میباشد ، تمام اوراق کتاب بانهایت مهارت متن و حاشیه شده و چند ورق از اول و آخر و صالی گردیده است .

جلد چرمی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۵۶۷) : صفحه ای (۳۵) سطر . طول ($۲۷ \frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) عرض (۲۰ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۵۶) .

(۸۶۳)

قاموس المحيط این نسخه بسال ۹۶۲ نگاشته شده ، کاتب نام خود را نگاشته و مشتمل بر تمام کتابست ، در حاشیه بیشتر از صفحات حاشیه هائی از عبدالباسط و سعد مفتی و عمادالدین کاشی و قطب الدین حنفی مکی در توضیح مطالب کتاب میباشد و نیز مطالبی از کشاف و کشف الکشاف و شرح موجز و مغرب اللغه و عقد الفرید و مصباح المنیر و الفتن و الملاحم و دیگر کتابها نوشته شده ، پیش از شروع بنگارش کتاب نویسنده ای بر حسب امر یکی از قضات معاصر خویش که از وی چنین تعبیر نموده : (نقل ذالک برسم القاضی العلام البحر الهمام زین الدین نسیمی بن صالح عامله الله تعالی بخفی لطفه و جعله من اهل محبته و الفه بحقه علیه آمین) ،

شرح حال فیروز آبادی را مفصل تر از آنچه در الضوء اللامع و دیگر کتابها میباشد از تاریخ شیخ عقیف الدین عبدالوهاب بن وجیه الدین عبدالرحمن بر بهی (از قرائن بدست میآید تاریخ راجع به علماء زبیدیمن است) نقل نموده است، از یادداشتیکه پشت صفحه اول قاموس میباشد و عبارت آن اینست: (آخوند ملا صدرای مرحوم بخداوند گاری برسم هدیه دادند) و مهر اسم مربعی که سبع آن اینست: (المذنب محمد المدعو بصدر الدین) معلوم میشود که این نسخه متعلق بحضرت آخوند بوده و جمله هائی بخط شکسته نستعلیق پشت صفحه اول و آخر نسخه و در حاشیه بعضی از صفحات میباشد و با آشنائی بخط آخوند و قرائن بالاتوان گفت جزماً نگاشته ایشانست، یادداشتهای دیگر بر این نسخه نیز یافت میشود، در ابتداء قاموس سرسوره موجود و صفحات جدول بشنجر ف میباشند.

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف مشیر السلطنه . قطع رحلی . شماره اوراق (۵۲۱) .
صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۲۷ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۵۷۸) قفسه مدرسه مشیر السلطنه .

(۸۶۴)

قاموس المحيط این نسخه بخط نسخ نوشته شده و شامل تمام کتاب است . نویسنده ذکری از نام خود و سال نگارش ننموده ، چند ورقی از فصل عین تامیم از باب طاء جابجا شده ، صفحات جدول بسرخی میباشد ، پشت برگ نخستین اشعاری در معرفی و مدح قاموس بسال ۱۰۵۲ نوشته شده ، ورق اول و آخر و صالی گردیده و بیشتر اوراق را موریا نه سوراخ کرده و ظاهراً نسخه در قرن نهم نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۶۷۱) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۵) .

(۸۶۵)

قاموس المحيط این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و از نسخ نفیسه این کتاب است ، نویسنده ذکری از نام خود و سال نگارش ننموده ، پس از اتمام معانی لغت وجد عباراتی از نسخه مؤلف که حاکی از ختم جزو اول

کتاب است نقل نموده، و حاشیه صفحه اول و دوم گل و بوته طلائی دارد و تمام صفحات مجدول بطلا است. چند ورق از فصل تاء تاحاء از باب باء عرضاً پاره شده و قابل وصالی است، پشت آخرین ورق شرح حال مؤلف را نوشته اند و این قسمت برخی از مطالبی است که در الضوء اللامع می باشد و دو ورق آخر مختصر و صالی گردیده است. جلد تیماجی مذهب. کاغذ دولت آبادی. واقف سیهسالار. قطع وزیری کوچک. شماره اوراق (۷۰۵). صفحه ای (۲۹) سطر. طول (۲۰ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۶۳).

(۸۶۶)

قاموس المحيط این نسخه بخط نسخ یوسف بن خضر بحیری در جامع الازهر مصر نوشته شده و شامل جزء اول کتاب تا آخر باب ضاد می باشد. کاتب ذکری از سال کتابت نکرده و ظاهراً از خطوط قرن دهم بنظر میرسد، پشت صفحه اول نسخه تذهیب شده و مقابل صفحه آخر ترنجی است که بر آن اتمام جزء اول قاموس نگارش یافته، چهار صفحه از اول و یک صفحه از آخر کتاب مجدول بطلا و لاجورد و عنوان ابواب باطلا نوشته شده است.

جلد چرمی. کاغذ نباتی ضخیم. واقف سیهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۳۲۴). صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۴۱).

(۸۶۷)

قاموس المحيط این نسخه بخط نسخ نوشته شده، صفحه اول و آخر آن نو نویس است، نویسندگان کتاب را بدین ترتیب چهار قسمت نموده (۱) از باب همزه تا فصل زاء از باب راه. (۲) از فصل سین از باب راه تا فصل سین از باب عین. (۳) از فصل شین از باب عین تا فصل الظاء از باب اللام. (۴) از این فصل تا آخر کتاب و فاصله هر یک از این قسمتها یک دو صفحه کاغذ نوشته می باشد، کاتب از خود و سال کتابت در هیچیک از قسمتهای کتاب نام نبرده، صفحات مجدول بسرخی و لاجورد، نسخه قدیمی و ظاهراً از خطوط قرن نهم است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سیهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۴۰۵). صفحه ای (۳۱) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۷ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۴۷).

(۸۶۸)

قاموس المحيط این نسخه بخط نسخ در سال (۱۰۳۲) نوشته شده و مشتمل بر تمام کتاب است، پشت ورق اول تذهیب شده و باسفیداب نام کتاب و مؤلف را نوشته اند، در ابتدای کتاب بر ورق دویست در وصف قاموس در چهار سطر میباشد، نخستین برگ کتاب دارای دو سر لوح میباشد، صفحات جدول بطلا و سرخی است، در حاشیه اوراقی که یکی از بابها در آن میباشد و برگ مقابل آن دوایر کوچک تذهیب شده ای رسم شده، هشت ورق کاغذ نوشته در آخر کتاب میباشد، اوائل ابواب سرسوره ای میباشد و اول جزء دوم کتاب نیز دو سر لوح کوچک است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۴۷۰). صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۳۰ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۴۲).

(۸۶۹)

قاموس المحيط این نسخه بخط نسخ در سال (۱۰۵۸) در مکه معظمه نوشته شده و شامل تمام کتاب است، کاتب نامی از خود نبرده و پشت صفحه نخستین یادداشت هائی میباشد یکی از آنها بسال ۱۲۵۱ بخط محمد کاظم بروجردی است که نسخه را از محمد کاظم شروانی خریده است، مهری در آخر کتاب بوده آنرا محو کرده اند، صفحات جدول و سرخی است، اولین و آخرین برگ نسخه وصالی شده و نویسنده ای پشت آخرین ورق مختصری از شرح حال مؤلف را نگاشته است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۴۴۳). صفحه ای (۳۵) سطر. طول (۳۰ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). عرض (۲۰ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۴۳).

(۸۷۰)

قاموس المحيط این نسخه بخط نسخ خوب محمد یوسف بن محمد قاسم نطنزی در سال (۱۰۷۸) نوشته شده و در سنه (۱۰۸۱) مقابله و تصحیح کردن آنرا بانسخه ای که بانسخه مصنف مقابله شده پشت صفحه اول و در حاشیه آخرین صفحه تذکر داده اند، ورق اول کتاب بطرزی بد وصالی گردیده،

صفحات جدول بطلا و سرخی و مشتمل بر تمام کتاب میباشد و در آخر کتاب عباراتی که میرساند این نسخه از روی نسخه ایکه بسال ۸۷۶ نگارش یافته ، نوشته شده و پس از ختم کتاب شرح حال مصنف از کتاب « الضوء اللامع » سخاوی ملخصاً در دو صفحه نوشته شده است .

جلد چرمی ضربی . کاغذ اصفهانی . واقف سیهسالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق (۵۳۵) . صفحه ای (۲۶) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض ($۱۹ \frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۵۵) .

(۸۷۱)

قاموس المحيط این نسخه که بخط نسخ نوشته شده مشتمل بر سه قسمت از قسمت های چهار گانه قاموس میباشد و از باب همزه تا فصل سین از باب عین مهمله است هر يك از قسمتهای سه گانه دارای يك سر لوح میباشد ، صفحات جدول بطلاست ، سال کتابت و نام کاتب نگاشته نشده ولی پشت صفحه اول یادداشتهایی از مالکین این کتاب میباشد که قدیمی ترین آنها در سنه (۱۱۹۳) نگاشته شده ، فاصله بین سطور صفحه اول و دوم را باطلا خط کشیده اند . جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۴۰۱) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۹) .

(۸۷۲)

قاموس المحيط این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و بقیه نسخه قبل میباشد (فصل سین از باب عین مهمله تا آخر کتاب) سال کتابت و نام کاتب ذکر نشده ولی بقرینه معلوم میشود که خط کاتب نسخه سابق که تحت شماره (۸۷۱) این فهرست و شماره (۳۹) کتابخانه از آن نام بردیم میباشد و دارای يك سر لوح و صفحات جدول بطلا است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۸۰) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۰) .

(۸۷۳)

قاموس المحيط این نسخه را بخط نسخ فتح محمد بن محمد صالح لاهوری نگاشته ولی سال کتابت را ذکر ننموده ، مشتمل بر تمام

کتاب است، قسمتی از اوّل کتاب تصحیح گردیده لغات باسرخى نوشته شده، قسمتی از اوراق را مورّیانه سوراخ کرده و صفحات آن مجدول بسرخى و زنگار است، پشت نسخه نوشته شده: این کتاب قاموس مبلغ هفتاد روپیه.

جلد چرمی. کاغذ دولت آبادی. واقف سیه سالار. شماره اوراق (۸۲۷). صفحه ای (۲۷) سطر. قطع رحلی کوچک. طول (۲۸ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) عرض (۱۸ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۴۴).

(۸۷۴)

قاموس المحيط این نسخه در سال (۱۲۴۷) بخط نستعلیق نصر الله بن ابوالقاسم نوشته شده و شامل تمام کتاب است و صفحات آن بسرخى و زنگار مجدول شده.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۵۵۳). صفحه ای (۲۶) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۴۶).

[۳۶۱] قانون الادب (عربی بفارسی)

مؤلف این کتاب حبیش (۱) تفلیسی است (ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد التفلیسی) که از دانشمندان قرن ششم هجری و باقلج ارسلان بن مسعود (از سال ۵۵۹ تا ۵۸۸ سلطنت نموده) (۲) از سلاجقه روم معاصر بوده و بدبختانه شرح حالی از ایشان در کتابی نیافته ام، مؤلفاتی پیارسی و عربی دارد.

از آنها «بیان الطب» (۳) «ملحمة دانیال» (۴) «بیان الصناعات» (۵) «صحّة الابدان» (۶)

(۱) حبیش بضم حاء حطی و باء ابجد مفتوح و باء آخر حروف و شین قرشت میباشد و در مقدمه قوافی همین مؤلف، نام وی بدین گونه تشکیل شده است.

(۲) تاریخ سلطنت و مختصری از حالات قلیج ارسلان در ص ۳۷ ج ۲ تاریخ کامل ابن اثیر است.

(۳) نسخه ای از این کتاب که بفارسی است در تحت شماره (۸۲۶) در این کتابخانه میباشد.

(۴) ملحمة دانیال که بنام اصول الملاحم نیز نامیده میشود، بفارسی است و ترجمه این مؤلف است نه تالیف.

(۵) در مقدمه بیان الطب تالیف این کتاب را بخود نسبت داده است.

(۶) در مقدمه کامل التعمیر خود این کتاب را نام برده.

« کتاب القوافی » (۱) « کامله التعبير » (۲)، « کفایه الطب » (۳)، « بیان التصریف » (۴) و قانون الادب میباشد.

قانون الادب یکی از کتابهای نفیس و قابل مطالعه و مفید در معانی پارسی لغات عربی میباشد، مؤلف در مقدمه آن سعه اطلاع ادبی خود را نشان داده و مأخذ خود را نام برده و قسمتی از مقدمه را که مبین طرز کتاب و انشاء مؤلف و مطالب مندرجه در آنست ذیلاً مینگاریم:

اما ترتیب این کتاب چنان نهادم و ساختم که نخست حرف الف را به آغاز کتاب برد و نوع نهادم چنانکه دو نوع نخستین کلماتی که آخرش حرف الف بود مقفوح و فتنحه ناقصه بود جمله را بترتیب حروف بروزن قافیه بمسقی یاد کردم و در نوع دوم کلماتی که آخرش حرف الف ممدود بود جمله را هم بر طریق نوع نخستین باز نمودم چنانکه نخست اسما را در هر نوعی بنشتم بعدش جمع و حرف را بعدش افعال را و در مقدمه هر نوعی کلماتی که آن ثنائی بود یعنی دو حرفی بود معنی هریک بزیر کلمتش بیارسی شرح کردم بعد آن کلماتی ثلاثی را یعنی سه را بعدش رباعی را یعنی چهار حرفی را بعدش خماسی را بعدش سداسی را و باخر هر نوعی کنیتها و کلماتی که دو بهم جمع بودند این جمله را بیان کردم و بالای هر کلمتی که از افعال بود علامتی از حروف حساب هفت سیاهی بکردم و این علامتها از تصریف افعال است مقصودم از این علامتها آن بود تا خواننده و آموزنده این کتاب تصریف هر فعلی را درست صرفی بتواند کردن الخ.

و در اواخر مقدمه گوید:

و نیز در اواخر کتاب سه فصل بنهادم یکی اندر دانستن نامهای بزرگان و شعراء عرب از مرد و زن و آنچه در کتابهای لغت و در شعرهای شعراء عرب موجود یافتم و دوم فصل در معرفت بنیاد مصادر و اوزانش که از هر بابی مصدر بر چند وزن حاصل شود و سیم فصل اندر دانستن وحدان جمعها قیاسی و طریق اوزان هریکی که استخراج آن را چگونه توان دانستن تا کتاب بغایت کمال باشد و خواننده از مقصود باز نماند الخ.

از نقل عبارات بالا طرز این کتاب بدست آمد و بامراجعه بکتاب دیوان الادب معلوم خواهد شد که این مؤلف آن مؤلفه را پیروی نموده است.

- (۱) نسخه آن در این کتابخانه است و پس از قانون الادب ذکر میشود.
- (۲) نسخه از این کتاب در کتابخانه معارف موجود است (ج ۲ ص ۴۱۳) و در فهرست آصفیه تذکر داده شده که بسال ۱۳۰۲ چاپ گردیده است.
- (۳) عربی است و در مقدمه بیان الطب از آن نام برده و تفصیل مطالب را بدان حواله داده.
- (۴) در مقدمه دیوان الادب از آن نام برده است.

قانون الادب تا کنون چاپ نشده، و در حدود (۲۸۰۰۰) بیت کتابت دارد و سعدالدین مستقیمزاده آنرا بترکی ترجمه نموده و نام آن را «السنه ثلاثه» گذارده و این نام خود ماده تاریخ شروع به ترجمه آنست = ۱۱۸۳.

آغاز: بسمله سپاس خدای را که قادر بر کمالست و درود بر محمد علیه السلام که برگزیده و خوب خصالست و بریاران و اهل بیت و هر که مصطفی را قرابت و آلت الخ.

(۸۷۵)

قانون الادب این نسخه بخط نسخ نوشته شده، قسمتی از فصل سوم آن افتاده، نویسنده و سال نگارش در جای دیگر از نسخه تذکر داده نشده، ظاهراً خط قرن یازدهم هجری میباشد، پیش از کتاب فهرست انواعیکه این کتاب بر آنها مرتب شده، بوده، ولی ورق اول آن نیست و پشت ورق اول نسخه یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند و یادداشت دیگری بسال ۱۲۳۳ بر همان صفحه موجود و یادداشت مرحوم اعتضاد السلطنه جای یادداشت محو شده نگارش یافته، بعضی از اوراق نسخه وصالی شده و عناوین مطالب با شجره است.

جلد تیماجی. کاغذ دولت آبادی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۹۶). صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۲۵ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). عرض (۱۸ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۰).

(۸۷۶)

قانون الادب این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، خاتمه کتاب که در سه فصل میباشد نگاشته نشده و آخر نسخه اینست: سقی گندم باب پرورده، هو این عمه دنیا او پسر عم وی است نزدیک؛ قانون ادب تمام اولدی مشقه عهدی بن شمس البغدادی فی سنة ۹۶۸. و نیز این یادداشت در کنار آخرین برگ نسخه نوشته شده: الحمد لله والصلوة علی رسول الله ترجمت تلك النسخة المنقحة من اولها الى آخرها مع ابقاء معانيها فصارت السنة ثلاثة فسميتها بذلك فوق تاريخها السنة ثلاثة ۱۱۸۳ لا بتدائنا بترجمتها فاتعمنا فی سبع سنين بعون القوى المعین تعالی

وبهمة الامير نورى نور الله قلبه وعمره مع اولاده الامجاد الذينهم للسلطان احمد الثالث احفاد ووفقه لامثالهما آمين بالنبي الامين حرره مترجمها الفقير ابوالمواهب سعد الدين سليمان امين الله العريف بمستقيمزاده زاد الله زاده فى الدارين بالسعادة سنة ۱۱۹۱ . داراى يك سر لوح كوچك ميباشد كه اندكى چرك شده و نسخه تصحيح گردیده و مجدول بطلا ولاجورد است .

جلد ضربى خوب طلائى . كاغذ دولت آبادى . واقف سیه سالار . قطع وزیرى . شماره اوراق (۲۳۴) . صفحه اى (۲۷) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۷ $\frac{1}{3}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۱) .

[۳۶۲] قوافى (عربى بفارسى)

مؤلف این کتاب حبیبش تفلیسى است (ص ۲۴۷) [۳۶۱] و بر حسب امر پادشاه عصر خویش بتألیف آن پرداخته و آن را بنام پسر وی قطب الدین ، موشح نموده ، مقدمه آن را كه مبین سبك نگارش آن روزگار بوده و كتابرا معرفی مینماید در اینجا مى آوریم :

بسم الله الرحمن الرحيم رب تمم بالخیر سیاس وشكر خدا برا كه از علم ودانش ما را بهره داد و راه راست نمود و دین اسلام بارزانی داشت و درود خدای بر محمد باد علیه السلام و بر یاران و اهل بیتش چنین گوید حکیم ابوالفضل حبیب بن ابراهیم بن محمد الکیمالی التفلیسى كه ملك اجل عادل عالم كبیر قطب الدین عماد الاسلام ونظامها ، جلال الملة و جمالها ، نجم الملة وتاجها ، شمس الملوک والسلاطین ، ناصر جیوش المسامین ، فخر الانام عز المجاهدین ، قاتل الکفره والمشرکین ، قاهق المتمردين ، ابوشجاع قاج ارسلان بن مسعود ، یمین امیر المومنین ، اطال الله بقاءه ، وادام فى الدولة ارتقاءه ، وabad حساده واعداه ، بحق محمد وآله ،

از آنجا كه بزرگ همتی و رغبت او بعلم و دانش بند (كذا) را اشاره فرمود كه باید كه (كذا) از بهر من كتابی سازی در قوافی چنانك كلامهای را (كذا) مشكل تازی كه شعر را (كذا) در قوافی شعرها بكار برند بیارسى شرح كنى ، و ترتیب كتاب خراسان نهی ، و در تصنیف كتاب اختصار نگاهداری ، تا كتاب دراز نكشد ، و خواننده را ملال نفزاید ، و ما را یاد گار بود ، پس بنده بر حسب طاقت خویش جهد كرد و فرمان بجای آورد و بر قدر دانش خویش این كتاب مختصر تصنیف كرد و آخر هر قافیه را بترتیب بر حروف معجم بیذا كرد ، چنانك اگر كسى را قافیه باید نگاه كند كه آخر حرف آن قافیه را (كذا) از جمله حروف معجم كدامست و از كدام نوعست و از هر كدام كه بود وی را

طلب کند تا معنی آن بداند و هر قافیه که دو حرف بود وی را در اول هر حرفی مقدم کردم و بعدش سه حرفی را و علامتش حرف ج ۳ بکردم و بعدش چهار حرفی را ۴۵ و پنج حرفی را ۵۵ و شش حرفی را ۶۵ و هفت حرفی را ۷۵.

و اما قافیهای (کذا) که بیارسی بود و آسان، در این کتاب یاد نکردم که کتاب دراز شدی بیارسی بر کس یوشید نبود و بجایی که قافیهای (کذا) یارسی مشکل بکردم حرف س بالای او بنوشتیم، تا کسی گمان نبرد که بیارسی است (عبارت بی اشکال نیست) و بداند که هر کسی که شعر گوید و هوس شاعری دارد یا بخواهد که معنی قافیهای مشکل داند از دانستن اینقدر ناچار بود تا در علم قافیه شاعر جاهل نباشد و شعر گفتن بر وی آسان شود زیرا که اصل شاعری قافیه بود باید که قافیها (کذا) نیک بداند پس کتاب باسم قطب الدین زاده الله عمره تمام کرده شود انشاء الله تعالی تا هر کسی که بخواند و فایده بگیرد خداوند را و مصنف را بدعا یاد آرد و حسبنا الله و نعم الوکیل

قوافی حرف اول یا ای ، لا نه ، ما نه ، ما آب و جه ، ما ای ، دا درد ، ذا آن الخ .

این کتاب در حدود (۳۰۰۰) بیت کتابت دارد .

(۸۷۷)

قوافی این نسخه بخط نسخ و ترجمه آن بخط نستعلیق بسال ۹۲۸ در شهر بروسه نگارش یافته ، نویسنده در آخر این نسخه نام خود را نیاورده ، ولی محمد بن عبدالکریم بیکسماتی نویسنده نسخه ای که ضمیمه این نسخه است نویسنده آنست ، ترجمه فارسی قوافی در ذیل کلمات نوشته شده و عناوین باشند جرف است . خصوصیات نسخه به « مختصر الصحاح » شماره (۱۱۰) کتابخانه که در فصل میم همین فصل درص ۲۸۲ زیر شماره (۹۰۴) از آن نام میبریم مراجعه شود .

[۳۶۳] **کنز اللغات** (عربی بفارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه در مقدمه تصریح شده : محمد بن عبدالخالق بن معروف میباشد که در قرن نهم هجری در زمان سلطنت کار کیا سلطان محمد پسر کار کیا ناصر کیا پادشاه گیلان (از سال ۸۵۱ - ۸۸۳ پادشاهی نموده) (۱) زندگانی میکرده و این کتاب را بنام آن پادشاه موشح کرده است .

(۱) تاریخ گیلان تالیف میر ظهیر الدین مرعشی ص ۲۶۰ - ۳۸۱ و مجالس المؤمنین ص ۴۱۱ مراجعه شود .

مؤلف، لغات قرآن کریم و احادیث شریفه را بترتیب حروف تهجی اواخر آنها در بیست و هشت باب مرتب نموده و هر بابی را مشتمل بر فصولی چند قرار داده و از لغات مشتقه بذکر مصادر آنها قناعت کرده و پس از آن غیر مشتقه را ذکر نموده و در مقدمه گوید که این کتاب را بامراجعه به صحاح، مجمل، دستور، مصادر، اختیارات بدیعی، لغات القرآن و شرح نصاب تألیف کرده ام و کلیاتی را در بیان مطالب لغوی و صرفی در ۱۶ ماده بنام مقدمه آورده و گاهی بآیات و اخبار استشهاد کرده است.

این کتاب در حدود (۲۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و مکرر در ایران چاپ شده است.

آغاز: بسمله ابتدی هر سخن آن خوبتر در هر مقام
کو بود با حمد معبود خدای لاینام (۱)،

جواهر کنوز لغات حمد و سپاس نثار بارگاه حضرت متکلمی که زبان اصناف آدمیان را کلید گنج خانه سخن گردانید الخ.
(۸۷۸)

کنز اللغات این نسخه را بخط نستعلیق بامر محمد اکبر بیگ، محمد سلمان بن عبد الباقی در سال (۱۰۷۹) نوشته، لغات را بالسرخی نگاشته و صفحات مجدول بطلا میاشد، پشت صفحه نخستین یادداشتی بخط آقا محمد علی پسر آقای بهبهانی موجود و سجع مهریکه در ذیل آن میاشد اینست: عبده محمد علی بن محمد باقر ۱۲۶۵. شعر نقل شده بالا ابتداء نسخه نوشته نشده و از عبارت: جواهر کنوز لغات حمد و سپاس الخ. شروع شده است.

جلد ساغری ضربی. کاغذ دولت آبادی. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۱۴). صفحه (۲۶) سطر. طول (۳۱ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۰۸).

(۱) در بعضی از نسخه ها « نیک نام » و در بعضی « پاک نام » و در برخی « لاینام » نوشته شده است.

(۷۷۹)

کنز اللغات

این نسخه را بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۹۷ محمد اشرف نوشته ، دارای سرلوحی زیبا میباشد ، میان سطرهای دو صفحه ابتداء نسخه تذهیب شده ، دیگر صفحات مجدول بطلا ولاجورد و ابواب و فصول و لغات باشنجر ف نوشته شده است .

جلد تیماجی نیم ضربی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف مشیر السلطنه . قطع رحلی . شماره اوراق () . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شماره قفسه مشیر السلطنه (۵۷۹) .

(۷۸۰)

کنز اللغات

این نسخه بخط نستعلیق متوسط میر محمد امین نوشته شده ، سال کتابت را کاتب سنه ثمانمائیه بعدالالف نگاشته و اعداد آنرا هم مغشوش رقم نموده ولی در آخر رساله که بلافاصله بعد از این نسخه بقلم آمده سال کتابت (۱۱۰۹) قید شده و معلوم میشود که سال نگارش این نسخه ثمان و مائه بعدالالف بوده (۱۱۰۸) و کاتب بغلط ثمانمائیه بعدالالف نوشته دو رساله در الفاظ مفرده و مرکبه ضمیمه این نسخه میباشد که در ص ۱۸۶ و ۱۸۷ همین فصل از آنها نام برده شده .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق کلیه (۳۷۶) . اوراق این نسخه (۳۶۲) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۰۷) .

(۷۸۱)

کنز اللغات

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، صفحه اول و دوم کتاب باخط زیبا تری از بقیه کتاب نگارش یافته ، بنظر میآید که کاتب آن دیگری است ، در آخر نسخه کاتب نام خود را عبدالرزاق الویری ابن محمد هاشم معرفی و سال کتابت را سنه (۱۲۴۵) معین نموده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۵۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۰۹) .

۳۶۴ لغات ثلثه = ترجمان معارف (ترکی عربی و فارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه در مقدمه آن بترکی نگاشته شده: حاج حسن میباید که مقام مترجمی لغات سه گانه عربی و ترکی و فارسی را در بغداد داشته و این کتاب را در سه مجلد بدین ترتیب در آن شهر مرتب نموده که در هر یک از مجلدات یکی از لغات زبانهای مذکور را اصل قرار داده و موافق حروف تهجی هر یک از فصول آنها را مرتب نموده و بدوزبان دیگر مراد از آن لغت را بیان کرده و هر یک از مجلدات را در ده فصل بترتیب زیرین گذارده:

فصل اول مصدر ۰ - فعل ماضی . ۳ - فعل مضارع . ۴ - فعل امر . ۵ - فعل نهی . ۶ - در بیان اعضاء انسان و خویشان او و آلات جنگ و اسما . ۷ - در بیان حیوانات و طیور . ۸ - در اسامی و اشجار و نباتات . ۹ - در نامهای پیشه ها و ابزار آنها . ۱۰ - در نامهای افلاک و ستارگان و روزها و سالها و خواندن و نوشتن و آنچه بدین دو متعلق است و معادن و آنچه بدانها مربوط میباشد و غیر از اینها .

نام این کتاب را مؤلف «ترجمان معارف» گذارده تا سال تألیف هم از حروف نام کتاب بدست آید ، بنا بر این بسال ۱۰۸۵ تألیف گردیده و نیز مؤلف در مقدمه گوید که این لغات ثلثه را از کتابهای لغت: اختری ، شاهی ، حلیمی ، نصاب ، نعمة الله و سائر کتب معتبره انتخاب کرده ام و این مؤلفه نخستین کتابی است که در لغات ثلثه (عربی و فارسی و ترکی) تألیف گردیده (۱) .

نسخه این کتابخانه فقط مشتمل بر دو مجلد (عربی بترکی و فارسی - ترکی بعربی و فارسی) میباشد و مجلد سوم را ندارد و این دو مجلد در حدود (۸۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسملة حمد بقیاس و سپاس لایقاس ، اول خالق ملکوت و آسمان ، و آفریننده جهان و جهانبانه که فرمان کن بر له عالمی پیدا الخ .

(۱) در کشف الظنون ج ۱ ص ۲۷۹ نوشته شده: «ترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترك والعجم والعرب» تألیف شهاب الدین احمد بن محمد بن عرب شاه دمشقی حنفی متوفی بسال ۸۵۴ میباشد . (بنا بر این کتاب مذکور مقدم بر ترجمان معارف تألیف گردیده و نام این کتاب هم در کشف الظنون نیست) .

(۸۸۲)

لغات ثلثه
یا
ترجمان معارف

این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲۴۴ و ۱۲۴۵ نوشته شده، کاتب نامی از خود نبرده، لغات و عناوین فصول و ابواب را با سرخی نگاشته، مرحوم رضا قلیخان هدایت در سال ۱۲۷۱ دارای این نسخه شده و پشت صفحه اول بنام لغت ترکی ترجمه بلغت عربی و فارسی آن را معرفی کرده و در زیر نوشته خویش مهر بادامی رضاقلی زده شده و بسال ۱۲۹۰ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق (۱۷۸) . صفحه ای (۳۰) سطر . طول (۳۰ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۴) .

[۳۶۵] لغات جوک (سانسکریت بفارسی)

کتاب جوک چنانکه در مجلد سوم از آن معرفی خواهد شد یکی از کتب عرفانی و مؤلف آن پندت کشمیری میباشد و در زمان ولیعهدی سلطان سلیم از سلاطین عثمانی که از سال ۹۱۶ تا ۹۲۴ سلطنت کرده، بامر و خواست وی نظام الدین پانی پاتی (۱) آنرا بفارسی ترجمه نموده و حضرت میرفندرسکی از آن ترجمه انتخابی کرده و بر آن اضافاتی نموده و نسخه آن در آخر یکی از مجموعات (شماره ۶۴۰ فهرست خطی ج ۲) در کتابخانه مجلس شورای ملی میباشد.

نظام الدین مذکور پاره‌ای از لغات را بهمان نحو که در اصل سانسکریت بوده نقل، در بعضی از موارد، معنی آنها از تفسیر و بیانات وی معلوم میشود ولی پاره‌ای از مطالب را باجمال و ابهام گذاشته و گذشته است. مرحوم میرفندرسکی در ضمن منتخب خویش بشرح آن الفاظ و لغات پرداخته و یکی از دانشمندان که با تفحص زیاد بنام ایشان دست نیافتیم برخی از بیانات نظام و پاره‌ای از تفاسیر میر را جمع نموده، و نسخه ذیل را بنام «لغات جوک» ترتیب داده و بعضی از نویسندگان نسخ آن را ضمیمه ترجمه جوک کرده اند (۲).

(۱) پانی پتی از نقاط مشهور هندوستان است و در هفت اقلیم نام چند نفر از مشاهیر آنجا ثبت است.

(۲) نسخه ترجمه جوک متعلق بدانشمند محترم آقای تربیت و نسخه مجلس شورای ملی این لغات را ضمیمه دارد ولی نسخه این کتابخانه ندارد.

این کتاب مشتمل بر (۴۶۰) لغت و در حدود (۵۴۰) بیت کتابت دارد.
آغاز: بسمله باب الالف آتمان هستی مطلق و اصل آفرینش و آنچه همه را
 آفریده الخ.

انجام: « یاسدیو » پادشاه عالم ، « یرته » معبد ، « بشن دنار » اسم يك ذاتست
 تم بالخير .

(۸۸۳)

لغات جوك این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۷۷ نوشته شده ، لغات
 باشنجر ف میباشد ، آخر نسخه را در بالا از روی نسخه ضمیمه ترجمه
 جوك کتابخانه مجلس نقل کرده ام و اندك مخالفتی با انجام این نسخه دارد و پس از آخرین
 لغت باین شعر ختم گردیده : عالم ضمن دوات مائیم در كنسه و سومات مائیم .
 ضمیمه نسخه (۱۷) کتابخانه و شماره (۸۶۰) این فهرست میباشد خصوصیات
 آن در ص ۲۳۲ گفته شد .

[۳۶۶] **لغات دساتیر** (فارسی)

این کتاب که بدین نام نامیده شده مشتمل بر معانی لغاتی است که در دساتیر
 میباشد ، مؤلف از خود در مقدمه و خاتمه نامی نبرده ، از مطالعه کتاب هم مؤلف
 بدست نیامد ، موجب آنهم آشکار است که چون در کشور مسلمانان باغلبه عوام
 بر خواص اظهار فضل و اطلاع بر کتب ادیان دیگر موجب نقص بوده ، جامع خود
 را نشاننده ، ولی از مندرجات کتاب بدست میآید که صوفی مسلک بوده و بکتب
 و اصطلاحات عرفا و حکما آشنائی داشته و از مزایای این کتاب یکی ترجمه لغات
 و اصطلاحات حکمی میباشد ، از لغت برهان قاطع که بسال ۱۰۶۲ تألیف شده بسیار
 نقل دارد ، عبارات آن بسیار سلیس و متین است برای نمودار پاره ای از آنرا در
 اینجا می آوریم :

مهبین نامه یزدانی نزد عارفان واصل و محققان کامل تمام عالم کتاب حضرت حق است چه
 پیوسته ایشان از اوراق ذرات موجودات احکام اسرار تجلیات الهی عزاسمه میخوانند و
 مجموع عالم از غیب و شهادت را کتاب حق تعالی میدانند که مشتمل بر تمامی اسما و صفات
 الهیت و مطابق این معنی یکی از عرفا منظوم فرموده ، رباعی :

از لوح جهان خط الهی خواندن خوشتر بود از حرف و سیاهی خواندن
 بر صفحه کائنات خطیست کز آن اسرار ازل توان کماهی خواندن ،
 نشیبیسار بفتح اول و کسر ثانی اسم مرتبه فـرق است از مراتب ثلثه ایزد شناسی
 باصطلاح هیربدان یعنی صوفیه صقیه که مشاهده کثرت باشد بدون وحدت و جدا دانستن وحدت
 از کثرت و ویژه درونان فارس این مرتبه فرق را فرزند شای نیز گویند چنانکه در
 باب الفا گذشت .

این لغت در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد و شامل (۷۹۳) لغت است .

آغاز: بسمله باب الف ممدوده اب بسکون بای ابجد نام یکی از عناصر
 اربعه و بمعنی آبرو و عزت و دولت و قدرت الخ .

انجام: والحق های هوّز در آخر بجهت حرکت حرف آخر است چه پیوسته
 آخر کلمات فارسی ساکن می باشد .

(۸۸۴)

لغت دساتیر این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب نام خود
 و سال نگارش را نگاشته ، لغت زند و پازند ضمیمه آن میباشد و
 بسال ۱۲۷۵ داخل کتابخانه اعتضادیه شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق کلیه (۴۲) .
 این نسخه (۲۸) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۱ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) .
 شماره کتابخانه (۹۰) .

[۳۶۷] لغات رامند قزوین (فارسی)

رامند (۱) یکی از بلوک قزوین میباشد و تقریباً ۱۸×۱۲ کیلومتر مربع مساحت
 دارد و از سی کیلومتری قزوین شروع و در ۴۸ کیلومتری خاتمه میابد ، اهالی آنجا
 بیشتر بفارسی گفتگو دارند ، بر حسب خواست مرحوم اعتضاد السلطنه وزیر علوم
 آن عصر یکی از اهالی آنجا لغات مستعمله در آن بلوک را در شش مبحث گرد
 آورده و از خود نام نبرده است : ۱ - لغات راجعه بانسان و اعضاء او . ۲ - در

(۱) دهات رامند عبارت از : سیاه دهن ، آک ، اسفرورین ، شال ، خیارج ، قرقه ، نرجه ،
 خروزان ، تزرک ، شارین ، ولایگرد ، محمود آباد ، حسین آباد و دان اصفهان میباشد .

عمارات و بعضی ابزار خانه از لباس و ظروف و غیره . ۳ - در خوراکیهای انسان و حیوان . ۴ - در نامهای مرغها و حیوانات و حشرات . ۵ - در اسامی روزها و ماهها و سالها و اقسام حرفه ها و ابزارهای آنها . ۶ - در کلمات و افعال مفرده و مرکبه در هنگام گفتگو .

این رساله در حدود (۲۵۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسم الله الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین . اما بعد این شطری است از لغات و اصطلاحات فرس معمولی اهالی رامند که حسب الفرمایش نواب اشرف امجد و الاعتضاد السلطنه وزیر علوم و صنایع و تجار دام اجلاله العالی جمع آوری گشته هر چه در مقام خود نوشته و مختلف فیه هر قریه از قراء فارس (۱) را هم بسمت تحریر بر آورده و در مقام خود قلمی نموده و کلام درشش مبحث است .

انجام: مخفی نماند چیزهاییکه نوشته نشده یکی آنکه گنجایش ندارد و یکی آنکه اکثر چیزها فارسی مصطلح است اللهم اختم بالخیر والسعادة بجاه محمد و آله صل علی محمد و آله و ارزقنا زیارت الحسین تمام شد .

(۸۸۵)

لغات این نسخه بسال ۱۲۸۶ نگارش یافته ، در رمضان ۱۲۸۷ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت ورق اول یادداشت شده و **رامند قزوین** بنام لغات اهل قزوین در همان صفحه بر این کتابخانه وقف گردیده و پس از اتمام نسخه صورت صرف افعال بزبان فرس قدیم بامعادل آنها بفارسی کنونی در هفت ورق نوشته شده و این نگاشته شده بخط نسخ غیر از نویسنده نسخه است و هر دو نویسنده نام خود را نگاشته اند .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سیه سالار . قطع رزیری . شماره اوراق (۱۴) . صفحه (۱۸) سطر . طول (۲۳ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۴ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۹۶) .

(۱) دهات نام برده رامند بعضی ترك و برخی فارس اند و مراد از قراء فارس مذکور در مقدمه ، بعضی از دهات رامند است که بفارسی گفتگو مینمایند و در رساله نام شال و سیا دهن و اسفرو رین مکرر دیده میشود .

[۳۶۸] لغات زند و پازند و اوستا (پارسی بفارسی)

این رساله چنانکه از عبارت ذیل که بر سر نخستین صفحه آنست، برمیآید، یک باب از کتابی میباشد ولی با تفحص ندانستم چه کتابی بوده و آن عبارت اینست: در چهارم مشتمل است بر لغات زند و پازند و اوستا (۱) جلوه الف از در الف.

مؤلف ظاهراً بهمان سبب که در ذیل «لغات دساتیر» در ص ۲۵۶ گفته شد نامی از خود نبرده و پس از بیان معنی بیشتر از لغات ایاتی از «زاتشت بهرام» که متضمن آن لغت میباشد آورده و ترتیب تنظیم این لغت مراعات حرف اول و دوم میباشد و حرف دوم را باب و اول را فصل قرار داده است.

این رساله مشتمل بر (۴۳۶) لغت و در حدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: (پس از عبارت بالا در چهارم تا از در الف) **آبهی** بابای مکسور نام رود آموست زراتشت بهرام گوید شعر.

در آنوقت نزدیک دریا رسید
بوستا درون نام آن آبهی
یکی ژرف دریای بن ناپدید
که قعرش نبودست هر گز بهی.

(۸۸۶)

این نسخه بخط شکسته نستعلیق بدون ذکر تاریخ و نویسنده لغات
نوشته شده و ضمیمه نسخه شماره (۹۰) کتابخانه میباشد
زند و پازند و اوستا
خصوصیات دیگر در ص ۲۵۷ ذیل شماره (۸۸۴) این فهرست
مراجعه گردد.

[۳۶۹] لغت فارسی بترکی دقائق الحقائق (فارسی بترکی)

مؤلف در مقدمه نام خود را نبرده، مؤلف کشف الظنون در ص ۴۹۴ ج ۱
دقائق الحقائق را نام برده گوید:

مؤلف این کتاب مولی احمد بن سلیمان مشهور به ابن کمال یا شا متوفی سال ۹۴۰ میباشد
و تالیف آن بترکی و بنام ابراهیم پاشای وزیر موشح گردیده و نام آن را «دقائق الحقائق»

(۱) زند و اوستا دو کتاب دینی زردشت و پازند شرح زند است.

گذارده (۱) چرا که مشتمل بر دقیقه ای متعلق بلغات متشابهه میباشد
 و احمد بن خضر اسکو بی شاعر معروف به علوی آنچه لغت مفرد و مرکب در آن کتاب
 بوده بترتیب حروف نهجی مرتب نموده و اول آن اینست : حمد بیهمال و مدح بی مثال الخ .
 ابن کمال پاشا یکی از تر کهای بسیار دانشمند و معروف میباشد و مؤلفات بسیار
 دارد ، شرح حال ایشان در شقائق النعمانیّه ص ۴۲۰ - ۴۲۴ و شذرات ج ۸
 ص ۲۳۸ و معجم المطبوعات ص ۲۲۷ نگاشته شده و در شقائق بسیاری از مؤلفات
 وی نام برده شده و گوید مقام قضاوت داشته و در قسطنطنیّه مقام افتاء یافته
 و شعر بترکی و فارسی میسروده و بیش از صد کتاب و رساله تألیف نموده و تفسیری
 بسیار خوب نوشته که مرگ اجازه اتمام آنرا نداد و کتابی بفارسی چون گلستان
 بنام نگارستان تألیف نمود و تاریخ آل عثمان را بترکی ادبی نگاشته و کتابی در
 لغت فارسی و حاشیه ای بر کشف و حاشیه ای بر هدایه و کتابی در علم کلام و شرحی
 بر آن بنام « تجرید التجرید » و کتابهای دیگر دارد .

اگرچه در کشف الظنون آغاز این کتاب نقل نشده ولی بقرائنی که بدست داد
 و تصریح در مقدمه این نسخه، که در زیر معرفی و خصوصیات آن ذکر خواهد شد نام
 کتاب « دقائق الحقائق » میباشد و موضوع آن لغات مترادفه و متشابه و متقاربه زبان
 فارسی است و مؤلف چند لغت را بیکدیگر از جهات مذکور بایکدیگر ذکر و بشرح
 و ترجمه آنها بترکی پرداخته و شواهدی از مصرع ها و ابیات و رباعی های فارسی
 بر مدعای خویش آورده مثلاً لغات سخن و گفتار ، بوم و کوچ و جغد ، چنگ و
 چنگل و چنگال ، روزن و پنجره ، کلان و بزرگ و بزرگوار و سترگ ، مردمک و مردم
 و مرد وزن ، سراسر و سرتاسر و سرسبز ، سخت و درشت و زفت ، پادشاه و پادشاهی ،
 هما و همایون ، خرگوش و خرچنگ ، خار و خارا و خاشه و خاشاک و خس و خسک ،
 اسب و ستور : را بهمین نحو که نقل شد بیان و بشرح و ترجمه آنها پرداخته و نظم
 و ترتیبی را در ذکر لغات نه از حیث ترتیب حروف اوائل یا اواخر و نه از حیث

(۱) نام کتاب « دقائق الحقائق » گذارده شده و بایستی در حرف دال از این فصل از آن
 معرفی نمود ، چون غفلت شده بود و در آنجا ذکر نشد و در لغت فارسی بترکی بود از اینرو بدین
 نام در اینجا معرفی گردید .

موضوع و غیره ملتزم نگردیده و بشرح لغت سخن و گفتار ابتدا و بشرح لغات اسب و ستور کتاب را خاتمه داده و لغات دیگر هم میان این دو عنوان شرح گردیده است .

این کتاب در حدود (۴۰۰۰) بیت کتابت دارد و بشهادت عبارت آن و تصدیق ترك زبانان ادیبانه نوشته شده است .

آغاز: سپاس بی قیاس خدای بی همتایه که گلزار بدیع الاثر بیاننده ازهار الخ .
(۸۸۷)

لغت
این نسخه بخط نستعلیق بسال ۹۷۱ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، از طرز خط معلوم میشود که ترك بوده ، رساله ای در اقسام یاء که در آخر کلمات زیاد میشود ، نیز بزبان ترکی موجود و در فصل نحو و صرف از آن معرفی خواهد شد ، و دارای سر لوح کوچک و دو صفحه اول بخدول بطلا و لغات باشنجرف نگاشته شده است .

جلد تیما جی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق کلیه (۱۰۶) این نسخه (۹۱) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۰۱) .

[۳۷۰] لغت فارسی و عربی (فارسی)

نسخه ای که خصوصیات آن در زیر این سطرها نگاشته خواهد شد مشتمل بر لغات عربی و فارسی میباشد که بتربیب او آخر آنها مرتب گردیده و فارسی و عربی آنان از یکدیگر مجزای و فرهنگ تازه ایست .

مؤلف پس از اینکه کلمات و لغات را از الف تا یا منظم نموده دوباره يك بيك آن لغات را ذکر و بشرح و بیان آنها پرداخته و برای اثبات معنی مذکور شعری از یکی از شعرای معروف شاهد آورده و اشعار: ابن یمین ، خاقانی ، دقیقی ، فردوسی ، سید حسن غزنوی ، رشید و طواط ، آذری ، مجد همگر ، سعدی ، مولوی ، اسدی ، امیر معزی ، انوری ، عمادی ، کمال اسمعیل ، خواجو کرمانی ، حافظ ، اوحدی ، امامی هر وی و بسیاری دیگر از متقدمین و متأخرین به استشهاد در آن دیده میشود و از اشعار صبا ملک الشعر امتوفی بسال ۱۲۳۸ و میرزا ابوالقاسم قائم مقام متوفی بسال ۱۲۵۱

و میرزا محمد تقی علی آبادی صاحب تخلص متوفی بسال ۱۲۵۶ و محمد حسین عندلیب تخلص پسر ملک الشعرا در آن مکرر دیده شد.

در اول و آخر کتاب مؤلف نامی از خود نبرده و در ذیل مطالب کتابهم با جستجوی زیاد اثری از وی نیافتیم، بالای صفحه اول و دوم نسخه نوشته شده: «این مسوده باطله کتابست خدمت قبله گاهی حکیم باشی دادم که اگر لغتی ضرور شود در اینجا پیدا کنند تا کتاب صحیح شود انشاء الله و این را در آب بشویند و صحیحش را نگاه دارند و شرط کردند که احدی از روی آن ننویسد که ناقص است و بدناهی کتاب صحیح». پشت صفحه نخستین از طرف اعتضاد السلطنه چنین نوشته اند:

«هو کتاب در لغت است شخصی جمع کرده است چون زحمتی در جمع کردن آن کشیده و گفته است به آب بشویند از بابت کثرت زحمت او شایسته نبود محو شود در کتابخانه مبارکه نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده اعظم افخم اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن دام اقباله ضبط شد فی شهر رجب ۱۲۹۷».

از قرائن بالا بدست می آید که تألیف این کتاب در اواخر قرن سیزدهم هجری و در هنگام پادشاهی ناصرالدین شاه انجام و در المآثر و الآثار چهار نفر بعنوان حکیمباشی معرفی شده اند:

۱ - درس ۲۰۳ گوید: میرزا محمد حسین طبیب کاشانی از حکیمباشیان مشهور این عهد جاوید مهد است.

۲ - ص ۲۱۰ نگاشته: میرزا ابوالفضل طبیب کاشانی مقیم دارالخلافه از حکیمباشیان معتبر بود الخ.

۳ - ص ۲۱۹ نوشته: میرزا محمد حکیمباشی شیرازی در ایران چنانست که ارسطو در یونان معالجاتش بتأیید دم عیسوی میماند الخ. (این حکیمباشی جد پدری جناب آقای حکمت وزیر معارف است).

۴ - محمدقبلی که درس ۱۷۳ و ۱۷۴ در ذیل خلاصه عباسی بشرح حال وی پرداخته ایم. و نیز درس ۲۰۲ المآثر و الآثار نگاشته شده:

«میرزا عبدالمطلب کاشانی مشهور بادیب در شعب ادب و عام طب رنج بسیار برده و خون جگر خورده و در فن ادب و احاطه بلغت عرب و تفسیر و طب مسلم است.

و در کتاب مذکور که شامل حال دانشمندان چهل سال اول سلطنت ناصرالدین شاه میباشد جز عبدالمطلب در فن ادب و احاطه بلغت کسی معرفی نشده بنابراین

احتمال قوی میدهیم که این کتاب تألیف وی باشد و حکیم باشی مذکور که مؤلف نسخه، کتاب خود را پیش اوفرستاده بایستی میرزا محمد حسین باشد که مقیم طهران و تاهنگام تألیف المآثر والاثر زنده بوده است.

این کتاب هنوز ناقص بوده، شواهد بسیاری از لغات آن نگاشته نشده، نظم و ترتیب آنها چنانکه بایست، نیست و شامل دو قسمت است: قسمت اول لغات بترتیب حروف و آخر از الف تا یا. قسمت دوم همان لغات با ترجمه و شواهد آنست و تمام آن در حدود (۱۰۷۰۰) بیت کتابت دارد.

قسمت اول: بسمله آلا، آسا، آوا، آشنا، آشنا، آسیا الخ.
آغاز: قسمت دوم: بسمله اسا (۱) بکسر الف بمعنی خمیازه و بمعنی شبه و نظیر هم آمده.

انجام: یمنی دست راست و قسم و میمنت، یتامی یتیمان، یتمطی خرامان میروند.

(۸۸۸)

لغت این نسخه بخط نسخ و نویسنده نام خود و سال نگارش را نگاشته، از قرائن بخوبی واضح میشود که خط مؤلف فارسی و عربی میباشد و تألیف آن خاتمه نیافته، لغات قسمت دوم باشنجرف و بسیاری از شواهد در حاشیه صفحات نوشته شده است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۱۴۹). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۳۳ سانتیمتر). عرض (۲۲ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۶).

[۳۷۱] لغت کبیر اختری (عربی بترکی)

مصلح الدین مصطفی بن (۲) شمس الدین قره حصار مشهور به اختری از

(۱) مؤلف قسم دوم را بترتیب ذکر لغات در قسم اول نیاورده و آسارا بر آسا و آلا و غیره مقدم داشته و تا آخر هم بهمین نحو پیش رفته است.

(۲) در کشف الظنون و اول و آخر نسخه جایی نام پدر مؤلف شمس الدین ضبط شده ولی در مقدمه نسخه خطی این کتابخانه بدینگونه است: المحتاج الی رحمة ربه اللطیف الشهیر بالاختری مصطفی بن اختری بن شمس الدین القر حصار مولداً والکوتا هیوی محتداً الخ.

دانشمندان قرن دهم هجری بوده و بگفته کشف الظنون (ج ۱ ص ۶۳) دو کتاب در لغت عربی بترکی دارد یکی کبیر و دیگری صغیر و چنانکه در آخر همین لغت کبیر مؤلف خود تصریح نموده بسال ۹۵۲ (۱) تألیف آن خاتمه یافته و نیز در مقدمه کتابست که این کتاب را در لغاتیکه مورد احتیاج عموم بود و درک معانی آنها مشکل مینمود از صحاح اللغه، دستور، مجمل، تکمله و المغرب گرفته و برای استفاده عام و خاص اهالی کشور خویش بترکی ترجمه کرده است.

در این کتاب فقط بترجمه لغات پرداخته شده و شواهد ندارد و بترتیب حرف اول و دوم مرتب گردیده و حرف اول باب و حرف دوم را فصل، موافق حروف تهجی قرار داده و در حدود (۲۶۷۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۴۲ در قسطنطنیه بنام «اختری کبیر» چاپ سربی شده است.

آغاز: بسملة الحمد لله الذی شرفنا بالنطق والبیان، و فضلنا بالفصاحة والتبیین الخ.

انجام: الیهماء صحرا مفازه کبی، الیهمور الرجل الکثیر الکردویری کوترن بالق.

(۸۸۹)

این نسخه بخط نسخ محمد بن حاج قرط بسال ۱۱۲۴ نوشته شده، فصول و ابواب باشنجراف میباشد، پس از اتمام نسخه محمد داود الحسینی قصیده انشاء و بخط خویش نگاشته و مطلع آن اینست: العین من فقد الشباب تدمع - والقلب من تذکاره یتوجع. نسخه در آب افتاده ولی خطوط ضایع نشده برگ اول و آخر و صالی گردیده و پشت هر دو یادداشت هائی است.

لغت کبیر
اختری

جلد چرمی ضربی. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۳۹۸). صفحه ای (۳۱) سطر. طول (۲۹ سانتیمتر). عرض (۱۹ ۱/۴ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۶).

(۱) در آخر نسخه جایی این کتاب (شماره ۳۷ کتابخانه است) پس از آخرین لغت که در مقابل انجام نقل گردیده عبارتی از مصنف که حاکی از سال تألیف می باشد نگاشته شده ولی در آخر نسخه خطی نیست.

[۳۷۲] لغت نعمة الله رومی (فارسی بترکی)

در مقدمه این کتاب مؤلف خود را « نعمة الله بن احمد بن مبارك رومی » معرفی نموده و گوید که این کتاب را با کوشش بسیار از چندین لغات جمع کردم، همچون اقنوم عجم و قائمه لطف الله حلیمی و وسیله المقاصد و لغة قره حصارى و صحاح عجم دیرینه مختصر و صحاح عجم جدید کبیر (۱) و جزاینها از بسیار کتب چیدم و بر سه قسم مرتب ساختم. اول مصادر آوردم که اصل است بعد از آن قواعد این زبان دری ایراد کردم بعد از آن اسماء جامده و مشتقه و ترتیب حروف را بر قاعده اقنوم عجم مرتب کردم اول بامفتوحه ثانیاً بامکسوره ثالثاً مضمومه تا یافتن لغت مطلوب آسان شود و نامش را بنام خود اضافت کردم یعنی **لغت نعمة الله نهادم**.

در ص ۶۰۷ ج ۲ کشف الظنون وفات این مؤلف بسال ۹۶۹ ثبت گردیده و در ص ۱۲۵ « العقد المنظوم فی ذکر افاضل الروم » (۲) نوشته شده: مولی نعمة الله الشهير بروشنی زاده پدرش قاضی پاره ای از قضبات بسود، چون لبیک حق را اجابت گفت اموالی زیاد برای پسر گذاشت وی در اندک زمان در هوا و هوس آنها را صرف نمود، از آن پس در طلب دانش افتاد و بسیار از محافل درس را حاضر شد و مدرس مدارس روم گردید و بمرتب قضاوت حلب و بغداد و مدینه منوره رسید و در این شهر اخیر بسال ۹۶۹ جهان را وداع کرد و گویند در علم کلام دستی توانا داشته و داستان زیرین را برخی از ثقات از وی نقل نمودند و آن اینست:

در روزگار قضاوت بغداد جمعی از اهالی یکی از محلات آنجا توسعه مسجد جامع خود را خواستار شدند خواهش آنها را بعرض پادشاه رساندم جواب مساعد رسید چون شروع بکار شد در اطراف جامع قبرهایی کهنه یافت شد که یکی از آنها قبر شریف مرتضی علی بن طاهر

(۱) کشف الظنون گوید: اقنوم در لغت فارسی است و قائمه لطف الله حلیمی در توضیح کتاب بحر الغرائب وی در لغت فارسی بترکی است و وسیله المقاصد در لغت فرس تالیف خطیب رستم مولوی میباشد و صحاح العجم تالیف محمد هندو شاه و دوم مختصر است معروف بدیرینه و جدید. و لغت قره حصارى همان اختری مؤلفه بسال ۹۵۲ میباشد که در ص ۲۶۳، ۲۶۴ معرفى از آن گردید.

(۲) این کتاب در حاشیه و فیات الاعیان ابن خلکان (ج ۲ ص ۹۵ تا ۴۲۴) بسال ۱۳۱۰ چاپ شده و در حقیقت ذیل شقائق النعمانیه است.

بود، بر آن شدیم آنها را برداریم چون قبر شریف را کشودیم او را چنان دیدیم که گویا دیروز بخاک سپرده شده، یکی از همراهان کفن را بالا زد پیرمردی نیکو منظر آشکار شد که دارای ریشی زیاد بود و ابداً در او تغییری پیدا نشده و گویا زنده و خوابیده است، بر ماترس و هیبت حکم فرما شد و اقدام بر بیرون آوردن و نقل آن نمودیم قبر را پوشیده و او را وا گذاشته و قبر او در مسجد شریف ماند و این مرد از فرزندان علی بن ابی طالب کرم الله وجهه میباشد که امام در کلام و ادب و شعر بوده الخ.

نظیر این حکایت و داستان را از معمر بن و موثقین طهران راجع به صدوق محمد بن علی بن بابویه متوفی بسال ۳۸۱ که اینک قبر وی در جنوب طهران در حوالی شهر ری میباشد نگارنده شنیده و حکایت نبش قبر حر بن یزید ریاحی رحمه الله نیز مشهور است. نگفته نماند که جز این نعمت الله در قاموس الاعلام ترکی و شذرات الذهب ج ۱ و شقائق نعمانیه و العقد المنظوم نعمت الله رومی نیافتیم و عدم ذکر نام پدر در این کتاب اخیر موجب شبهه در دوفر بودن مؤلف با روشنی زاده نخواهد بود.

بر مؤلفه دیگر از این مؤلف دست و خبر نیافته و این کتاب که مقدمه آن پیارسی و ترجمه لغات آن ترکی است در حدود (۱۰۵۰۰) بیت کتابت دارد و گاهی برای لغات شواهدی از اشعار فارسی آورده است.

آغاز: بسمله حمد بی قیاس و شکر با سپاس آن مالک بی همتائی را که ملکش بی انبازست الخ.

انجام: «یویو» بویمل قوشی، «یویه» آرزومند، «یهه» مثله، «یهره» مثله.

(۸۹۰)

لغت این نسخه بخط نستعلیق فضل الله نام بسال ۱۰۵۸ نوشته شده، نام پدر کاتب را و نام شهریکه در آنجا نگارش یافته نحو کرده اند، شرحی بسال ۱۲۸۴ رضاقلیخان هدایت در تبریز مبنی بر اینکه این نسخه را خریده اند بر ورق نوشته ای که پیش از ورق اول نسخه میباشد یادداشت کرده اند.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۲۵۳). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۰ $\frac{۱}{۳}$ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲).

[۳۷۳] لغت نوائی (ترکی)

امیرعلیشیر نوائی از وزرای دانشمند دانش گستر قرن نهم هجری بوده و گذشته از اینکه مؤلفات نظم و نثر از خود بیادگار گذارده، مشوق تالیفهای گرانبھائی میباشد که در این فهرست بسیاری از آنها معرفی خواهد گردید، در اشعار امیرمذکور لغات ترکی جغتائی بسیار وجود دارد، جمعی بر آن شده که آنها را گردآورند و بفارسی یا ترکی تفسیر نمایند، میرزامهدیخان منشی نادرشاه که خود یکی از علاقمندان باشعار امیرعلیشیر میباشد لغات نام برده را جمع و بشرح آن پرداخته و نام آن را « سنگلاخ » گذارده و نسخه آن در کتابخانه مجلس شورای ملی میباشد، در مقدمه آن اشاره بآنهاست که بتفسیر لغات امیرمبادرت نموده اند مذکور و عین آن را در اینجا می آوریم :

اما بعد چون بنده حقیر محمد مهدی غفر ذنوبه، از مبادی حال بخواندن اشعار امیر نافذ الامر کشور بلاغت گستری و سخن آرائی امیرعلیشیر نوائی، شوقی تمام و بداندستن آن کلام میل مالا کلام داشت، بعد از آنکه فی الجمله تتبعی حاصل شد، منوی خاطر گشت که لغات مشکله آنها را جمع سازد و برمعانی آن لغات کتابی بپردازد، اگرچه دوفر رومی که اسمشان در تالیفشان مذکور نیست و طالع نام هروی (۱) و فراغی و ندرعلی و میرزا عبدالجلیل نصیری از لغت فهما ن این فن کتابها بر لغت نوائی بدون ساخته اند الخ.

نسخه ذیل فاقد نام مؤلف میباشد و از قرائن مؤلف شناخته نشد، چون نسخه سال ۱۰۵۱ نوشته شده و امیر در سال ۹۰۶ وفات یافته تالیف کتاب میانه این دو سال بوده و در حدود (۱۶۸۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله عشق و محبت میخانه سپینونک رند قدح پیمای و شعر و بلاغت کاشا سنوبك الخ.

انجام: « یولداماق » یول کوسترمك بیت:

اول زمان لطف پر لا قولدا قولوم واخی اوز جانبکغه یولدا یولوم .
تمت الکتاب بعون الملك الوهاب .

(۱) لغت این مؤلف بدایع اللغه نام دارد و در ص ۱۶۰ و ۱۶۱ شرح آن گذشت.

(۸۹۱)

لغت نوائی این نسخه را بخط نستعلیق رجب بن محب علی شاملو بسال ۱۰۵۱ بفرمان زال بیک قورچی خاصه نوشته ومهر زال بیک زیر آخرین سطر نسخه میباشد ودو صفحه اول تذهیب شده و لغات باشنجرف و صفحات بجدول بطلا است، پشت آخرین صفحه و ورق سفیدیکه پس از آن بوده ایاتی از امیرنوائی ودیگران نوشته شده، مجالس النفاثس امیرعلیشیرورساله ای در معرفت تقویم از قاسمعلی ضمیمه دارد که هر یک در محل خود معرفی خواهد شد. جلد تیماجی. کاغذ کاهی. واقف سیهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق نسخه (۴۰) تمام اوراق (۱۱۸) صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۱۹ سانتیمتر). عرض (۱۲-۱/۴ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۰).

[۳۷۴] مبانی اللغة = مقدمه سنگلاخ (فارسی)

در ذیل «بدایع اللغة» در ص ۱۶۰ و ۱۶۱ و «خلاصه عباسی» در ص ۱۷۳ و ۱۷۴ و «لغت نوائی» در ص ۲۶۷ گفته شد که میرزا مهدیخان منشی نادرشاه لغات ترکی جغتائی را که امیرعلیشیر در اشعار و مؤلفات خویش آورده و آن را «سنگلاخ» نام گذارده و نسخه از آن در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است (۱).

مؤلف در سنگلاخ پیش از شروع بنقل لغات و ترجمه فارسی آنان مقدمه ای در قواعد زبان ترکی بفارسی نگاشته و در ابتداء آن تصریح نموده که نام این مقدمه را مبانی اللغة نهادم، وموجب این تألیف آن بود که چنین مشهور گردیده و فراغی در مؤلفه خود نوشته که زبان ترکی دارای قواعد ونحو و صرف نیست. پس از تتبع و مطالعه بر آن شدم که آنچه از قواعد بدست آورده ام در این مقدمه بنگارم.

بنابر این بایستی این کتاب را در فصل صرف ونحو جای دهم ولی چون حقیقه جزء و مقدمه کتاب سنگلاخ میباشد و آن کتاب در لغت است در این فصل گذارده شد. مؤلف مبانی اللغة میرزا مهدیخان منشی نادرشاه مؤلف دره نادری وجهانگشای

(۱) خلاصه عباسی مختصر همین کتابست و در ص ۱۷۳ و ۱۷۴ معرفی کامل از آن گردید.

نادری و منشآت معروف میباشد و این سه کتاب چاپ گردیده و بگفته آقای تربیت مبانی اللغه نیز در تبریز چاپ شده. و میرزا مهدیخان گذشته از مقام منشی گری در سال آخر عمر نادرشاه (۱۱۶۰) بسفارت روم (ترکیه فعلی) رفته و نیز بگفته آقای تربیت که خود را از نواده های ایشان میدانند پس از مرگ نادر به تبریز آمده و با فاصله کمی در آنجا وفات یافته و تاریخ روزانه نادر را نوشته ولی نسخه آن در دست نیست.

این کتاب یا مقدمه سنگلاخ در حدود (۲۸۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسملة الحمد لله الذی لا یتقصر حمده بلغات مختلفه والسنة شتی
و صعوبت لغات آنرا سنگلاخ موسوم ساختم و بعضی از اشتباهات سلف را . . .
مقدمه اگرچه نظریقاعده لغت نویسی بایست که همه جا حرف پ و چ و گ قید
عجمی و عربی از آنجا که دانستن آنها بر طالبان لازم بود آن ضوابط
و قواعد را در ضمن یک ترصیف و شش مینا مرقوم و بشواهد و حجج مبرهن و
معلوم ساخته و آنرا بمبانی اللغه موسوم و چون الی الان کتابی بدین نحو بصرف
همت احدی بر صرف و نحو لغت ترك تألیف نگشته الخ.

مؤلف هم مبنائی را بر ابواب و هر بابی را بر فصول با اقسام یا رسم هائی منقسم
نموده است.

(۸۹۲)

مبانی اللغه
یا
مقدمه سنگلاخ
این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده
نام خود و سال نگارش را ننوشته، بسال ۱۲۸۳ داخل کتابخانه
اعتضادیه شده ورق اول و آخر و صالی گردیده و چند ورق
کاغذ نوشته در ابتداء نسخه است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنکی مهره زده. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۰).
صفحه ای (۲۴) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر). عرض (۲۰ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۸).

[۳۷۵] مثلثات قطرب با ترجمه فارسی (عربی و فارسی)

لغات عربی را که از حیث لفظ یکی و از لحاظ حرکات سه قسم خوانده میشود

و معانی آنها متعدد میشود مثلث گویند و نخستین کس که بجمع آن مبادرت نموده قطرب ابوعلی محمد بن المستنیر بن احمد بصری متوفی بسال ۲۰۶ می باشد که شاگرد سیویه بوده و او ویرا از اینرو که صبح بسیار زود بخانه استاد می آمده قطرب لقب داده است و این مثلثات را بسیاری شرح نموده اند ، نام جمعی از آنها درص ۳۷۶ ج ۲ کشف الظنون ثبت گردیده و فیروز آبادی صاحب قاموس نیز بر این کتاب شرحی دارد و نسخه آن در دارالکتب می باشد و پس از قطرب دانشمندان و لغویین دیگر بجمع بسیاری از لغات مثلثه پرداخته اند .

نسخه ذیل شامل (۱۰۷) لغت از لغات مثلثه بترتیب حروف تهجی بلحاظ اوائل کلمات می باشد و در ابتداء آن این عبارت نوشته شده : بسملة قال الشيخ الامام قدوة الفضلاء سيد الادباء افتخار العلماء قطرب بن احمد البصري نور الله مضجعه هذا كتاب المثلث الفته على وجوه الثلاث من الفتح والكسر والضم والله التوفيق .

بنابر تصریح کشف الظنون و معجم المطبوعات و فهرست دارالکتب و جرجی زیدان در ج ۲ تاریخ آداب اللغة العربیة ص ۱۲۵ مثلثات قطرب بصری مشهور بنظم و چنین ابتدا شده : یا مولعاً بالغضب - فی الهجر والتجنب - فی جده واللعب . ولی در نوشته شده که مثلث قطرب بشر و بعضی آنرا نظم بسته اند و آغاز مذکور منظوم را نقل کرده اند این نسخه بشر می باشد و آغاز آنهم نقل خواهد شد و چنانکه نقل شد مؤلف در نسخه قطرب بن احمد بصری معرفی گردیده و بدین نام در کتب رجال کسی را نیافتم و بنظر نگارنده این کتاب مثلث نشر از قطرب نحوی مذکور فوق می باشد و کاتب باء قطرب را بانام پدر وی ذکر نموده و نام جد او را آورده است . در شذرات الذهب مؤلفات زیرین به قطرب نسبت داده شده : معانی القرآن الاشتقاق ، القوافی ، النوادر ، الازمنه ، الصفات ، العلل فی النحو ، الاضداد ، خلق الانسان ، خلق الفرس ، غریب الحدیث ، کتاب الهمز ، کتاب فعل و افعل ، الرد علی الملحدین فی متشابه القرآن و مثلث و غیره است .

آغاز : الاثر ، الاثر ، الاثر ، الاسر ، الاسر ، الاسر .

روایت کردن ، رفتن از بعد چیزی ، نشان . اسیر ، آفریدن ، بول بستن .

(۱) این شرح با مراجعه به ص ۳۷۶ ج ۲ کشف الظنون و ص ۱۵۱۶ و ۱۷ معجم المطبوعات و ص ۷۸ فهرست ابن ندیم و ص ۴۹۴ ج ۱ و فیات الاعیان و ص ۱۴ ملحق سوم جزء و دوم فهرست دارو بغية الوعاة سیوطی در تحت عنوان محمد بن المستنیر نوشته شد .

انجام: الوجد ، الوجد ، الوجد . الورد ، الورد ، الورد .
اندوه یافتن ، آفت ، فراخ دستی . گل ، نماز ودعا ، شیرسرخ .
(۸۹۳)

مثلثات قطرب این نسخه ضمیمه کتاب « مختصر الصحاح » میباشد که بشماره (۱۱۰) در این کتابخانه میباشد و در حرف میم آنرا معرفی خواهیم نمود و نویسنده آن و این کتاب مثلث محمد بن عبدالکریم بسال ۹۲۸ هجری است و ترجمه فارسی هریک از لغات نیز در زیر آنها نگاشته شده ، مترجم نام خود را نبرده و خصوصیات دیگر در ذیل مختصر الصحاح درص ۲۸۲ گفته خواهد شد .

[۳۷۶] مثلث منظوم (عربی بفارسی)

مثلثات قطرب را با ترجمه فارسی آنها بدیعی در (۹۸) بیت بنظم در آورده و مکرراً بانصاب الصبیان و بسال ۱۲۶۵ بانصاب مثلث چاپ شده است در تذکره هفت اقلیم بنام بدیعی دو نفر نام برده شده ، در ص ۱۱۵۳ نسخه خطی این کتابخانه در ذیل سمرقند گوید: بدیعی مشهور بمولانا زاده دروسعت مشرب و اطلاع بر علم تاریخ و وقوف در علوم غریبه از هنرمندان آن خطه بوده . و در ص ۱۰۲۶ نسخه مذکور در ذیل تبریز گوید: از شعرای غیر مشهور است و احوالش بنظر نیامده . در ص ۶۵ دانشمندان آذربایجان در تحت عنوان بدیعی حکیم گوید: دیوان غزلیات کوچکی از این بدیعی نزد نگارنده هست و باغلب احتمال منظومه مثلثات لغت نیز باید از آثار همین بدیعی باشد الخ .

آغاز: از پس حمد خداوند زمین و آسمان

در لغت نظمی کنم همچون لآلی عمان

از یکی لفظ ارسه معنی خواهی ای صاحب کمال

اولش را فتح و کسر و ضم بدین ترتیب دان

رَبّ دان پروردگار و ربّ دان جمعی زخلق

رَبّ آب خالص از انگور و سیب و ناردان

انجام:

اینچنین نظم بدیعی را بدیعی کرد نظم تابود در روزگار از وی همی نام و نشان
هست در وادی عصیان تشنه ز آب مغفرت ساز سیرابش الهی یا آله انس و جان .

(۸۹۴)

مثلت منظوم این نسخه در حاشیه کتزاللغه ایست که بشماره (۱۰۷) در این
کتابخانه میباشد و محمد امین بسال ۱۳۰۹ نویسنده آنست،
نویسنده نسخه نام برده نوشته، خصوصیات نسخه بشماره (۷۸۰) این فهرست در
ص ۲۵۳ مراجعه شود.

[۳۷۷] مجمع البحرين (عربی)

مؤلف این کتاب شیخ طریحی ره است (فخرالدین بن محمد بن علی بن احمد بن
طریح النجفی متوفی بسال ۱۰۸۵) (۱) که از علماء امامیه در قرن یازدهم هجری
و معاصر باشیخ حرّ عاملی بوده و او در امل الامل نام وی را برده و گوید فخرالدین بن
محمد طریحی مردی فاضل و پرهیزکار و عابد و فقیه و شاعر میباشد و دیگران
همین صفات را درباره وی نوشته و مؤلفات او را ذکر نموده اند، صاحب روضات
اقوال علماء رجال را در باره وی نقل نموده و آنچه هر یک راجع بمؤلفات ایشان
نوشته اند ذکر کرده و در آخر گویند که صفی الدین طریحی پسر فخرالدین در
پاره ای از اجازات خود مؤلفات پدر را بدین تفصیل آورده: کتاب جامع المقال
فی تمییزالمشترکه من الرجال (۲) و این کتاب برای رفع حاجت محدّثین بی مانند است،

(۱) روضات ص ۵۱۰، لؤلؤ البحرين ص ۴۵، امل الامل ص ۵۶ ج ۲، هدیة الاحباب
ص ۱۹۴ برای نوشتن این شرح مراجعه شده و جز لؤلؤ که فقط ایشان را بنام فخرالدین
طریح نام برده همه اجداد مؤلف را چنانکه ما نیز ذکر نموده ایم آورده اند ولی مؤلف در
آخر جلد اول و دوم مجمع و دیگر مؤلفات خود را بدین نحو معرفی نمود: فخرالدین ولد محمد علی
طریح النجفی.

(۲) در لؤلؤ بنام جامع المقال کتابی نام برده شده و گویند از مؤلفات وی کتاب تمییز المتشابه
من اسماء الرجال میباشد و خالی از اجمال هم نیست.

و در روضات بنقل از صفی الدین پسر طریحی در رجال کتاب «جامع المقال فی تمییز
المشترکه من الرجال» بشیخ طریحی نسبت داده شده و بمصداق اهل البيت ادری بمافی البيت
این نام صحیح و آنچه صاحب لؤلؤ نقل کرده اند مختصر این نام با اندک تصرفی در آنست.

کتاب فخریه کبری و فخریه صغری فتاوی راجعه بطهارت و صلوة است ،
و الضوء الالامع فی شرح مختصر الشرايع ، شرح رساله شيخ حسن بن الشهيد الثاني
(صاحب روضات نقل نموده که شرح اثنی عشریه در صلوة شيخ حسن بن الشهيد
ثانی از او است) ، حاشیه بر معتبر محقق حلی ، کتاب اللمع فی شرح الجمع ،
اثنی عشریه الاصول : فوائد الاصول ، شرح المبادئ للعلاّمه ، الاحتجاج فی
مسائل الاحتیاج ، کشف غوامض القرآن ، غریب القرآن (۱) ، جواهر المطالب
فی فضائل علی بن ابیطالب ، الكنز المذکور فی عمل الساعات والایام واللیالی والشهور ،
مراثی الحسین سه مجلد کبیر وصغیر ووسیط (۲) ، تحفة الوارد وعقال الشارد ،
مجمع الشتات ، النکت اللطیفه فی شرح الصحیفه ، مستطرفات نهج البلاغه ،
عواطف الاستبصار للشيخ الطوسی ، جامعه الفوائد ردّ بر محمد امین ، ترقیب
خلاصة العلامة ، وجمع البحرین ومطلع النیرین (همین کتاب) وغیر از اینها است .
صاحب روضات کتابی بنام الاربعین بنقل از لؤلؤ البحرین بشیخ طریحی نسبت
داده ولی در نسخه چاپی لؤلؤ نگارنده نیست و در امل الامل است که طریحی را رسائل
واشعار بسیار میباشد .

مجمع البحرین طریحی یکی از کتب مشهوره در لغت میباشد ، مؤلف در
مقدمه آن گوید : چون توفیق بر تشرّف و مجاورت مکه معظمه و مشهد مقدّس
حضرت رضا علیه آلاف التحية والثناء یافتم کتابهای بسیار در لغات غریب قرآن
کریم و احادیث غیر امامیه یافتم و دیدم لغتی که مشتمل بر لغات غریبه احادیث

(۱) صاحب روضات پس از نقل مؤلفات طریحی از اجازه صفی الدین ولؤلؤ و امل و ریاض العاماء
گوید : و این مؤلف را مؤلفه دیگری بنام « نزهة الخاطر و سرور الناظر » در غریب قرآن
می باشد که بیشتر از هفتاد هزار بیت کتابت دارد . و قسمتی از مقدمه آنرا هم ذکر
نموده اند .

صاحب روضات تصور کرده اند که مؤلفه تازه ای از طریحی بدست آورده اند در صورتی
که این کتاب همانست که صفی الدین بنام « غریب القرآن » آنرا معرفی نموده است .
(۲) در لؤلؤ کتابی بنام « المنتخب فی زیارة والخطب » به این مؤلف نسبت داده شده و
صاحب روضات گوید : بر این کتاب (المنتخب) دست نیافتیم و تصور میکنم که این همان کتاب
مقتل وی باشد چرا که آنرا «المنتخب فی جمع المراثی والخطب» نامیده است .

امامیه باشد تألیف نگردیده بر آن شدم در این موضوع تألیفی ننمایم برای آنکه فائده آن اتم باشد لغات غریب القرآن را هم بآن اضافه نموده و آن را « مجمع البحرين و مطلع النیرین » نامیدم و ترتیب آنرا موافق صحاح جوهری که بهترین طریقه در تنظیم لغت میباشد مبتنی بر آخر حروف ساختم و الف و همزه را برای آنکه استفاده از آن آسان باشد يك باب قرار دادم. و در آخر کتاب خود تصریح نموده که بسال ۱۰۷۹ تألیف آن خاتمه یافته است.

صاحب روضات از ریاض العلماء نقل نموده که طریحی خود و پسرش بر مجمع البحرين حاشیه نگاشته اند.

و شیخ یوسف بحرینی در لؤلؤ گوید: مجمع البحرين و مطلع النیرین در تفسیر غریب قرآن و احادیثی است که در میان ما امامیه صحیح و معمول به میباشد جز اینکه چنانکه باید و شاید شامل تمام غریب نیست و این امر بر آنانکه در این کتاب تتبع کرده اند مخفی و پوشیده نیست.

صاحب روضات گوید صفی الدین پسر مؤلف را گذشته از حواشی مجمع « ملحقاتی » بر آن کتابست و فخر الدین پیش از مجمع کتاب « غریب الحدیث » را تألیف کرده و در آنجا که خود ایشان مؤلفات پدر را از پسر نقل نمودند دیدیم که بدین نام کتابی نبود و دیگری هم ندیدیم که تألیف چنین کتابی را بایشان نسبت داده باشد، نگارنده تصور میکند که عبارت طریحی در مقدمه مجمع که ترجمه پارسی آن گذشت ایشان را بدین تصور انداخته که اول غریب احادیث امامیه را جمع پس از آن غریب القرآن را بآن اضافه نموده. و نام آنرا مجمع البحرين گذارده و ظاهر آنرا از مقدمه این نتیجه گرفته نمیشود.

پشت نخستین صفحه نسخه ای از مجمع که بیست سال پس از تألیف نوشته شده و اینک در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است ایبات زیرین به پسر فخر الدین نسبت داده شده چنین مناسب دید که آنها را در اینجا نقل نمائیم:

دع کتاب الصحاح والقاموسا	وبهذا الكتاب كن مانوسا
فهو النور لم يشبه ظلام	اطلع الفكر في سماء شمس

کم حوی شرح آیه و حدیث
فخلیق ان ینذل العلماء
و حقیق ان ینکتبوه بتمر
بمعان تسر منها النفوسا
العمر فیکرؤه دروسا
ویشیمو ابه اللجی والرؤسا

لما رأینا بجمع البحرین تقذف بالصدر

و یحیط علماً بالکتاب و الحدیث و الخبر
شرحاً و ایضاحاً و جمعاً بالکلام المختصر

حقاً مؤلفه عرفنا انه بحر زخر

قد فاز بالقدح الرقیب و بالمعلی قد ظفر

فی کل حرف من مؤلفک الجزاء غداً یسرك

فقت الاوائسل و الاواخر یا ابی الله درك

بنام « مجمع البحرین » کتب زیادی در علوم مختلفه تألیف شده و نام جمعی از آنها در ص ۳۸۳ تا ۳۸۵ ج ۲ کشف الظنون ثبت است .

مجمع البحرین در حدود (۲۶۸۰۰) بیت کتابت دارد و مکرر در ایران چاپ شده و مؤلف آنرا در دو مجلد گذارده (جلد اول تا آخر حرف الراء جلد دوم از حرف الزاء تا آخر کتاب) و فوائدی در مطالب متفرقه در آخر بیشتر نسخ می باشد .
آغاز: بسمله الحمد لمن خلق الانسان و علّمه الیّان و التّبیان و اوضح له الهدی و الایمان الخ .

(۱۸۹۵)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ بسال (۱۱۶۰) نگارش یافته و مشتمل بر تمام کتاب بافوائد ملحقه بآنست ، کاتب در آخر کتاب و قبل از فوائد نام خود را بهاء الدّین بن علی النجفی الشهیر بالغطاوی معرفّی کرده و در آخر قسمت فوائد نیز تصحیح و مقابله آنرا تصدیق نموده است ، پشت صفحه اول سیّد عبدالله بن محمد رضا شبر متوفّی بسال ۱۲۴۲ شرحی بخط خویش مبنی بر اینکه این کتاب متعلق بشیخ احمد زین عاملی بوده و نزد ایشان عاریه است نوشته اند و خط شیخ مذکور و بعضی از علماء دیگر نیز در این صفحه موجود

ویکی از یاد داشته‌های پشت صفحه را نحو کرده اند ، چند ورق از اوّل و آخر نسخه وصالی شده است .

جلد میشن . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۱۸) . صفحه ای (۳۴) سطر . طول (۳۸ سانتیمتر) . عرض (۳۴ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۸۴) .

(۸۹۶)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده و شامل تمام کتاب باقسمت **مجمع البحرین** فوائد آن میباشد ، کاتب نام خود و سال کتابت را نگاشته و فقط بتاریخ تألیف آن قناعت کرده پشت صفحه اوّل یادداشت هائی مشتمل بر اخبار و مطالب متفرقه نوشته شده و در آنجا است که بسال ۱۲۴۰ داخل کتابخانه یکی از شاهزادگان گردیده و مهری بدین سجع در ذیل آنست : (الواثق الراجی محمد رضا) . و در حاشیه چند ورق اوّل مطالبی بخط مرحوم اعتضاد السلطنه موجود وزیر بعضی را بعنوان « وزیر علوم » امضاء کرده است .

جلد چرمی روغنی مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۷۰) . صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۷۷) .

(۸۹۷)

این نسخه بخط نسخ محمد تقی بسال ۱۲۴۱ نوشته شده و شامل **مجمع البحرین** مجلد اوّل کتابست (از اوّل تا آخر حرف راء) ورق اوّل وصالی شده و لغات آنرا با سرخی نگاشته اند .

جلد ضربی مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۹۴) . صفحه ای (۳۰) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۲۰ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۷۹) .

(۸۹۸)

این نسخه بخط نسخ سید اسمعیل موسوی حسینی در سنه (۱۲۳۴) نوشته شده و شامل تمام کتاب (بدون فوائد) میباشد ، يك صفحه از اوّل کتاب افتاده و اوّلین سطر موجود این است : (سواء علیهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم وللانکار الابطالی فتقتضی بطلان ما بعد ها السخ) . ورق اوّل و آخر وصالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۵۶) .
صفحه ای (۲۹) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره
کتابخانه (۸۰) .

(۸۹۹)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ سید اسمعیل موسوی حسینی در سنه
(۱۲۵۹) تحریر یافته و شامل تمام کتاب بافوائد آن است ،
در پشت صفحه اول یادداشت هائی از مالکین نسخه در هر وقت نوشته شده و قبل از
آن سه ورق کاغذ ننوشته است که بر روی صفحه اولی محاسبه باسیاق و صورت
رملی یادداشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۹۸) صفحه
(۳۱) سطر . طول (۳۵ سانتیمتر) . عرض (۱۹ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۷۸) .

(۹۰۰)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵۴ نوشته شده ، نویسنده نام
خود را نبرده ، مجلد اول کتابست ، لغات در متن و حاشیه
باشنجرف نگاشته شده و صفحات مجداول بدانست .

جلد تیماجی نیمضربی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره
اوراق (۳۴۳) صفحه ای (۲۴ و ۲۰) سطر . طول (۲۱ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) .
شماره کتابخانه (۱۰۳) .

(۹۰۱)

مجمع البحرین این نسخه مجلد دوم و نگارش نویسنده نسخه بالا بسال ۱۲۵۶
میباشد و نیز لغات در متن و حاشیه باشنجرف و مجداول بآنست .
جلد تیماجی نیمضربی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . شماره اوراق (۲۶۲) .
صفحه ای (۲۴) سطر . طول (۲۱ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه
(۱۰۴) .

(۹۰۲)

مجمع البحرین این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال
نگارش را نگاشته ، شامل تمام کتابست (فوائد را ندارد) ،
لغات باشنجرف و ظاهراً از خطوط قرن سیزدهم هجری میباشد ، وقفنامه آن پشت

ورق اول نسخه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف مشیرالسلطنه . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۹۰)
صفحه ای (۳۹) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شماره
(۵۸۱) مدرسه مشیرالسلطنه .

[۳۷۸] مختار الصحاح (عربی)

این کتاب از آنهایی است که از صحاح اللغة (در ص ۱۹۲-۱۹۷ معرفی شده) مختصر شده ، مختصر کننده زین الدین محمد بن شمس الدین ابی بکر رازی حنفی از علمای قرن هشتم هجری میباشد و تنظیم آن نیز بترتیب صحاح اللغة مبنی بر حروف آخر لغات است .

در ص ۹۱۷ معجم المطبوعات بدون ذکر مأخذ نوشته شده : محمد بن ابی بکر رازی از علماء قرن هشتم هجری و تا سال ۷۶۸ زنده بوده و مؤلف کتاب « الذّهب الابریز فی تفسیر الکتاب العزیز » و « روضة الفصاحه » در علم بیان و « شرح مقامات حریری (۱) » میباشد و این اخیر چاپ نشده و نسخه ای از این شرح در کتابخانه دارالکتب المصریّه و نسخه ای در کتابخانه تیموریّه میباشد و « انموذج جلیل فی اسئله واجوبه من غرائب آی التنزیل » که در حاشیه تفسیر عکبری چاپ شده و « مختار الصحاح » میباشد که مکرر چاپ گردیده و محمود خاطریک آنرا بترتیب حروف اوائل مرتب نموده و آن نیز بسال ۱۳۲۳ بچاپ رسیده است .
مختار الصحاح یکی از کتب معروفه و مختصره لغت میباشد ، مؤلف در مقدمه آن بمعرفی کتاب پرداخته و گوید :

این مختصری است در علم لغت که از کتاب صحاح جوهری جمع گردیده ، چرا که صحاح بهترین و نافهترین کتب لغت میباشد و نام آنرا « مختار الصحاح » گذاردم و در این اختصار اقتصار بر لغاتی شده که هر فقیه و حافظ و محدث و ادیب ناچار بدانستن و حفظ آن است و زبان زد ایشان میباشد و مراعات لغات مهمه مستعمله ، خصوصا در قرآن عزیز و احادیث نبویه م گردیده و از ذکر لغات مشکله و غریبه برای اختصار خود داری شده و گذشته از آنچه در صحاح بوده از تهذیب اللغة ازهری و دیگر کتابهای مهمه لغت در این کتاب لغاتی نقل گردیده و آنچه پس از لفظ : قلت ذکر شده از فوائدی است که بر اصل کتاب اضافه شده و از آنهایی است که خدای دانش آن را بمؤلف ارزانی داشته الخ .

(۱) این شرح مقامات حریری را حاجی خلیفه در کشف الظنون نام برده است .

پیش از شروع بذکر لغات مطالب مهمّه ایکه دانستن آنها مراجعه کننده بلغت را لازم است در سه قاعده آورده شده و گذشته از آنچه در مقدمه ذکر شده شواهد صحاح را هم برای اختصار نیاورده و چنانکه در آخر کتاب تصریح کرده بسال ۷۶۰ این اختصار خاتمه یافته است.

آغاز: بسملة الحمد لله بجميع المحامد على جميع النعم والصلوة والسلام على خير خلقه محمد المبعوث الى خير الامم وعلى آله وصحبه مفاتيح الحكم ومصاييح الظلم قال العبد الفقير الى رحمة الله ومغفرته محمد بن ابي بكر بن عبد القادر الرازي رحمة الله عليهم هذا مختصر في علم اللغة وسميته مختار الصحاح واقتصر فيه الخ.

(۹۰۳)

مختار الصحاح این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، کاتب از خود و سال نگارش نام نبرده، از کیفیت خط معلوم میشود که نویسنده ترك نژاد بوده و در قرن یازدهم هجری نگاشته شده در حاشیه از کتب مجمل اللغة، قاموس، اختری، مغرب، صحاح، و دیگر کتابها مطالبی نقل گردیده و بر چهار ورقیکه پیش، و يك ورقیکه در آخر نسخه است مطالب متفرقه ای از تفسیر و اشعار و لغت و غیره یادداشت شده و پشت صفحه اول نسخه یادداشتهایی از مالکین نسخه پیش از وقف بر این کتابخانه میباشد و از آخر در حدود دو ورق افتاده و آخر سطر آخرین صفحه موجود که در ذیل لغت ما می باشد نوشته شده: قال ابو عبيد تنسب القصيدة التي قوافيها على ماماوية وقول الشاعر اما ترى يعني ان ترى و تدخل تم الكتاب تم پس از لغت ما لغات چندی است که بیان راجع بآنها در این نسخه نیست

و بامراجعه بنسخه چاپی مختار الصحاح دانستیم که قسمتی از آخر کتاب در حدود (۲۰۰) بیت این نسخه ناقص است و تم الكتاب هم در این نسخه الحاقی است. جلد مقوائی. کاغذ فرنگی. و اقف سیه سالار، قطع وزیری. شماره اوراق (۱۹۱) صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۴ سانتیمتر). عرض (۱۶ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۹۵)۰

[۳۷۹] مختصر الصحاح (عربی)

نسخه ای که خصوصیات آن در زیر این سطور گفته خواهد شد یکی از مختصرات

صحاح اللغه جوهری است که معرفی از آن گذشت، در اول و آخر نسخه نامی از مختصر کننده نیست و جز مقدمه ای در چند سطر بر مطالب صحاح چیزی زیاد نگردیده که در آن زوائد اشاره ای و دلیلی بر مختصر کننده باشد و چنانکه در مقدمه تصریح شده آیات و احادیث و ایات استشهاد شده و قواعد صرفیه و نحویه را که صحاح شامل بود جز بسیار کمی از آنها در این مختصر نیست. و در حدود (۱۱۰۰۰) بیت کتابت این مختصر است.

مختصر کنندگان صحاح را که بر نام آنها دست و خبر یافته ام در اینجا می آورم و احتمال میدهم که این مختصر از آثار ابن صائغ دمشقی (شمس الدین محمد بن حسن بن سباع متوفی بسال ۷۲۰) بوده باشد ولی جازم بر آن نیستم و مختصر کنندگانیکه حاجی خلیفه در ص ۷۵ ج ۲ کشف الظنون یاد نموده اینانند:

- ۱ - شمس الدین محمد بن حسن بن سباع المعروف بابن الصائغ الدمشقی متوفی بسال ۷۲۰ و در این مختصر شواهد حذف گردیده است.
- ۲ - محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر رازی متوفی پس از سال ۱۰۰۰ مختصر خویش را که بسال ۷۶۰ انجام یافته «مختار الصحاح» نامیده (این کتاب را در ص ۲۷۸ و ۲۷۹ معرفی کامل نمودیم).
- ۳ - مولی محمد معروف به العیشی متوفی بسال ۱۰۱۶ نیز از مختصر کنندگان میباشد و گفته میشود که اختصار وی سودمندتر و بهتر از مختار الصحاح است ولی این مؤلفه مشهور نشده.
- ۴ و ۵ - محمود بن احمد زنجانی متوفی بسال ۱۰۰۰ از مختصر کنندگان کتاب صحاح میباشد و در کشف الظنون عبارت مذکور در مقدمه «تفقیح الصحاح» را که در ص ۱۶۶ معرفی از آن نمودیم بدون ذکر ماخذ آورده و ما از مقدمه تفقیح نقل نمودیم که مؤلف آن بدو مختصری در حدود پنج يك صحاح بنام «ترویج الارواح فی تهذیب الصحاح» تالیف پس از آن باز آنرا مختصر نموده و نام آنرا «تقیح الصحاح» گذارده و این مختصر ده يك اصل کتاب گردیده است.
- ۶ - و دیگر از مختصرات صحاح بنام «نجد الفلاح» و مانند مختار بحذف شواهد می باشد (نامی از مؤلف مختصر نبرده است).

و نیز در ص ۷۶ ج ۲ کشف الظنون نگاشته شده:

- ۷ - بصر محمد بن یوسف الانقروی صحاح اللغه را ترجمه کرده و در آن ذکر نموده که چون از کتاب «ملقط الصحاح» فراغت یافتیم گروهی را بترجمه آن مائل دیدم از اینرو بر آن شدم و آن را ترجمه کرده و «الترجمان» نامیدم و در ص ۵۱۴ ج ۲ در حرف میم نوشته:

« ملقط الصحاح الجوهري و الملتحق بمختار الصحاح » تالیف پیر محمد بن یوسف القرمانی (کذا فی النسخه والصحیح الاقروی کما صرحنا به آنفا - ابن یوسف) الارکلی اوله ، الحمد لله بكل ما حمده اقرب عباد الیه الخ :

و در ص ۲۷۹ ج ۱ گوید :

« ترجمان » تالیف پیر محمد بن یوسف الاقروی ، لغت ترکی و در سه مجلد میباشد و آنرا از جوهری و مغرب و جزاین دو جمع کرده و در بیست و هشت باب مرتب شده است . تناقض این بیان کشف الظنون با آنچه پیش از این درباره « ترجمان » از وی نقل گردید ، آشکار و محتاج بیان نیست .

صاحب روضات در ص ۱۲۷ ج ۴ بقول از امل الامل « مختصر الصحاح » را به شیخ مفاح صیمری مؤلف شرح شرایع و شرح موجز و منتخب الخلاف و جواهر الکلمات فی العقود والایقاعات که معاصر شیخ علی بن عبدالعالی کرکی بوده نسبت داده و نیز در ذیل آن گوید پسر وی حسین بن مفاح معاصر صاحب « مشایخ الشیعه » بوده و او را بی نهایت ستوده و گوید که از وی استفاده علمی نموده و بسال ۹۳۳ در حالیکه بیش از هشتاد سال عمر داشت جهان را وداع گفت .

بنابر این ابن مختصر در قرن نهم هجری تنظیم شده است و نیز صاحب روضات گوید : صیمر چون حیدر و گاهی هم آن را مضموم خوانند و صاحب قاهوس در ماده صیمر یس از بیان بالا گوید و نیز نام رودخانه ایست که در بصره است که بر کنار آن دهاتی است و صیمره چون هیمنه شهری است در نزدیکی دینور و نیز نام بخشی است از بصره که در دهانه رودخانه معقل قرار گرفته و مردمان آنجا مردی عاصم نام و پس از وی پسران او را یرستش میکنند الخ .
۹ - در امل الامل « مختصر الصحاح » به علی بن یونس عاملی نباطی نسبت داده شده و مادر ص ۲۷۵ درج ۱ فهرست ابن کتابخانه مؤلفات دیگر این مؤلف را نقل نموده و سال وفات ایشان را سنه ۸۷۷ پیدا کرده ایم .

باتفحص و تجسس در فهرس چاپ شده و استفسار از دانشمندان معاصر و فهرست های کتابخانه های شخصی که در دسترس نگارنده است مختصر دیگری برای صحاح بدست نیاورده ام .

آغاز : بسم الله الحمد لله الذي فضل لسان العرب على جميع اللسان الخ .

انجام : وقد يحذف حرف النداء نحو يوسف اعرض عن هذا اذا كان المراد معلوماً والحمد لله على الاتمام بعون الملك العلام والصلوة والسلام على رسوله الانام محمد وآله الكرام وصحبه العظام صلوة جامعة بين الاسم والمسمى ومزلفة بين المكشوف والمعنى .

(۹۰۴)

این نسخه را بسال ۹۲۸ بخط نسخ محمد بن عبدالکریم بن محمود مشهور به بکسماتی نوشته و پس از اتمام این مختصر مثلثات قطرب که درص ۲۷۰ و ۲۷۱ از آن معرفی شد و پس از آن قوافی تألیف حبیش تفلیسی که نیز درص ۲۵۰ و ۲۵۱ آنرا معرفی کردیم نگاشته شده ، قسمتی از لغات نوشته نشده (بقیه تفسیر ماده رجز تا قسمتی از ماده مرز) دو ورق کاغذ نوشته بجای آن گذارده شده و در حاشیه بسیاری از صفحات حاشیه هائی از کتب قاموس و صحاح و مغرب و کتب فقه و غیره نوشته اند لغات و ابواب و فصول را با شنجرف نگاشته اند ، پشت ورق اول یاد داشتهائی از مالکین کتاب در هر عصر و مطالب متفرقه ای میباشد .

جلد مقوائی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۵۵) اوراق این مختصر (۲۰۶) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۱۰) .

[۳۸۰] المصاحف زوزنی (عربی بفارسی)

مؤلف این کتاب ابو عبدالله حسین بن احمد زوزنی (۱) قاضی است و سیوطی در بغیة الوعاة بنقل از عبدالغافر گوید در لغت و نحو و عربیت امام عصر خویش بوده و بسال ۴۸۶ زندگی را بدرود گفته است (در کشف الظنون نیز همین تاریخ ثبت شده) .

چنانکه در ابتداء دو نسخه زیر و در کشف الظنون ص ۴۴۵ - ۴۴۶ ج ۲ نگاشته شده کتاب « المصاحف » از مؤلفات او میباشد و قصائد « سبعة معلّقه » را هم شرح نموده و این کتاب در ایران بسال ۱۲۸۲ و در مصر و لبنان مکرر چاپ شده و شرح

(۱) در ص ۹۵۸ ج ۲ معجم البلدان نوشته شده : زوزن (بضم و بعضی بفتح اول و سکون دوم و فتح سوم و سکون نون) نام شهری است که میان نیشابور و هرات واقع شده و چون بسیاری از دانشمندان از آنجا برخاسته اند آنرا « بصرة الصغری » نامند و از بیهقی نقل نموده که زوزن نام رستاق و قصبه آن نیز زوزن نامیده میشود و مشتمل بر ۱۲۴ ده میباشد . ولی نام ابو عبدالله حسین بن احمد زوزنی مؤلف مصاحف در این کتاب نیست و در کتابی دیگر جز بغیة الوعاة سیوطی و روضات در ص ۲۳۸ ذیل حسین ابن الحاکم و معجم المطبوعات ص ۹۱۱ و ۹۱۲ و این دو بنقل از بغیة و تاریخ آداب اللغة جرجی زیدان ج ۳ ص ۴۴ نام زوزنی را نیافتم و در ابتدا دو مؤلفه وی بلقب سید معرفی شده است .

قصیده امرء القیس آن بسال ۱۸۲۰ م. در پاریس چاپ شده و جرجی زیدان در ص ۴۴ ج ۳ تاریخ آداب اللغه کتابی بنام «ترجمان القرآن» بعربی و فارسی، از زوزنی دانسته و نسخه‌ای از آنرا در غوطا نشان داده جز این سه مؤلفه از این مؤلف اثری نیافتیم.

زوزنی مؤلف مصادر در مقدمه این کتاب گوید:

این مصداری است که آنها را ترجمه نموده و آنانرا را پیراسته‌ام و از ایض و آن را بی شواهد از حدیث و امثال و اشعار قرار دادم که اندازه آن کوچک شود و از بر کردن آن آسان گردد و در آغاز هر بابی مصادر افعال صحیح آن را قرار دادم و پس از آن مصادر معتله را آوردم و تا آخر چنین کردم (مصادر مهموزه را پس از معتله ذکر نموده) و در ترتیب هر نوعی از مصادر صاحب دیوان الادب را اقتدا و متابعت نمودم الخ.

مصادر هر يك از فعلهای سالم و معتل و مهموز را بترتیب حروف تهجی و آخر آنها مرتب کرده و ابتدا بافعال ثلاثی مجرد نموده پس از آن ثلاثی مزید و از آن پس رباعی مجرد و در آخر مصادر رباعی مزید را آورده است.

این کتاب «مصادر» برای دانستن ترجمه فارسی کلمات عربی مفید و نگارنده بر آنم که ابو جعفر احمد بن علی المقرئ البیهقی معروف به جعفر متوفی بسال ۵۴۴ هـ همین مصادر زوزنی را تهذیب و تنقیح نموده و نام آنرا «تاج المصادر» گذارده ولی در مقدمه نامی از زوزنی و کتاب وی نبرده ولی بادقت این معنی را از عبارات آن توان دریافت و آن عبارت از مقدمه اینست: اما بعد فان هذا مصادر هذبت فارسیتها و عرضت علی کتب الاثمة اعریبتها و جردتها عن الامثال و الاشعار الخ.

و گذشته از این بخش از آغاز و انجام لغات هر دو کتاب را در اینجا می آورم تا خود مؤید این ادعا باشد و آن اینست:

عبارت آغاز لغات تاج المصادر:

باب فعل يفعل من السالم بفتح العين فی الماضي و ضمها فی الغابر:

(۱) نسخه خطی کامل این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود و بسال ۱۳۰۱ قسمتی از آن در هندوستان چاپ شده است.

ب « الثقب » سوراخ کردن . « الثقوب والثقابه » فروخته شدن آتش . « والثقوب » بسیار سیر شدن اشتر . « الجلب » کوسفند و اشتر و برده بجای بردن برای فروختن . « الجلب » کوسفند و یجلب « الخلب » چیزی باخویشتن گرفتن و بانگ برستورزدن تا از یش بشفود . « الجنبه » در میان بیگانهگان فرود آمدن . « الجنب » کشیدن اسب و اشتر .
عبارت آغاز لغات مصادر :

باب فعل يفعل بفتح العين في الماضي و ضمها في الغابر من السالم :
ب « الثقب » سوراخ کردن . « الثقوب » فروخته شدن آتش و جز آن . « الجلب » کوسفند و اشتر و برده از جای بجای بردن برای فروختن . « الجنب » دور کردن (و برهلو زدن - نسخه) . « الجنوب » دور شدن و باد جنوب آمدن يقال جنبت الريح اي تحولت جنوباً « الجنب » کشیدن اسب .

عبارت انجام لغات تاج المصادر :

ن « الاقئينان » رمیدن پس بيارامیدن . « الاطمينان والاطمينان » الطمانينه اسم اقيم مقام المصدر . « الاقبئنان الاكبتنان الاقسئنان » سخت تاريك شدن شب ، افسان الرجل كبروعسا . « الاكبتنان » واهم آمدن نوع منه . « الاكوينان » کوتاه شدن و اكون الشیخ اوعش والله اعلم .

عبارت انجام مصادر زوزنی :

ن « الاقئينان » بيارامیدن . « الاطمئنان » مثله . « الاقسئنان » سخت شدن از پیری . « الاكبتنان » باهم (فاهم نسخه) آمدن . تمت الكتاب بعون الملك الوهاب .
مصادر زوزنی تا کنون چاپ نشده و در حدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد .
آغاز : بسملة الحمد لله على سوابغ الائه المتسابقه افواجا الخ .

(۹۰۱)

المصادر زوزنی این نسخه را بسال ۱۰۷۰ نظام الدين افضل بن قاضی محمد بخط نسخ نوشته ، ابواب و فصول آنها باشندجرف نگاشته شده و پشت نسخه بنام تاج المصادر بر این کتابخانه وقف گردیده ولی مسلماً مصادر زوزنی است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۲۲) .
صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) عرض (۱۴ ۱/۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۸۸) .

(۹۰۶)

المصادر وزنی این نسخه را بسال ۱۰۹۹ محمد کاظم بن عبدالغفور برای خود بخط نسخ استنساخ نموده و در آخر و پشت صفحه اول یادداشت‌هایی از مالکین این نسخه در هر عصر و زمان نوشته شده بر ورقیکه در آخر کتاب بوده مطالبی لغوی و نحوی نگاشته شده و نسخه در آب افتاده ولی خطوط آن محو نشده و دو ورق اول و صالی مختصری می‌خواهد و تصحیح گردیده و بهتر از نسخه پیش است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشکی . شماره اوراق (۱۲۲) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) عرض (۱۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۹۹) .

[۳۸۱] مقایس اللغة (عربی)

مؤلف این کتاب ابن فارس میباشد (ابوالحسین (۱) احمد بن فارس بن زکریا بن محمد بن حبیب القزوینی الهمدانی الرازی متوفی بسال ۳۹۵) (۲) که از معاریف لغویین و نحویین قرن چهارم هجری بوده و در حاشیه ص ۸۵ گذشت که بدیع الزمان همدانی شاگرد وی بوده و مقامات خود را در پیروی از او ساخته است.

(۱) کنیه ابن فارس در تمام ماخذ ابوالحسین ثبت شده ولی در نامه دانشوران ابوالحسن میباشد و مسلماً ابن دومی غلط است.

(۲) این شرح با مراجعه به معجم الادباج ۲ ص ۶ - ۱۵ ، وفيات الاعیان ج ۱ ص ۳۵ و ۳۶ ، بغية الوعاة ذیل احمد ، تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۲ ص ۳۰۹ ، روضات ج ۱ ص ۶۴ و ۶۵ ، معجم المطبوعات ص ۱۹۹ و ۲۰۰ ، شذرات الذهب ج ۳ ص ۱۳۲ و ۱۳۳ ، كشف الظنون ج ۲ ص ۷۳ ، نامه دانشوران ج ۲ ص ۵۱۱ - ۵۱۵ نوشته شده و در یتمه الدهر از ابن فارس معرفی نشده فقط در آخر قسم سوم بمناسبت نامی از او برده شده و وفات ابن فارس را باقوت از ابن جوزی بسال ۳۶۹ و از خط حمیدی بسال ۳۶۰ نقل نموده و گوید این دو تاریخ را اعتباری نیست چرا که من خط ابن فارس را بر کتاب الفصیح که تالیف خود او بود مورخ بسال ۳۹۱ دیده ام و در آخر نسخه ای از مجمل اللغة دیدم که نوشته بود ابن فارس در ماه صفر سال ۳۹۵ در ری وفات یافت (قبر او اینک در این شهر معروف نیست).

در شذرات الذهب وفات ابن فارس در ذیل وفيات سال ۳۹۰ ثبت شده و سیوطی از ذهبی نقل نموده که بسال ۳۹۵ بدرود جهان گفته است و در كشف الظنون و معجم المطبوعات این قول پیروی شده است.

ابن فارس گذشته از اینکه در بسیاری از علوم امام و پیشوا بوده و در لغت و نحو تخصصی بسزا داشته و در مکارم اخلاق و سعه صدر و بسط ید هم مشهور میاشد، یاقوت و سیوطی و دیگران در سیره او نوشته اند:

جوانمردی کریم بود، بسا میشد که لباس و فرش خانه خود را هم بکسی که از وی چیزی میخواست میبخشید.

ابن فارس را از همدان برای تعلیم ابوطالب بن فخرالدوله دیلمی به ری خواستند یاقوت گوید: چون بدین شهر آمد، مردم آنجا را شافعی یافت، از آن مذهب صرف نظر کرد و مالکی گردید و گفت دلم بحال امام احمد بن مالک سوخت کسه در چنین شهری پیرو نداشته باشد.

سیوطی نیز همین معنی را نگاشته ولی در نامه دانشوران مسطور است که چون به ری در آمد جمعی از مردم آنجا را شافعی و گروهی را حنبلی دید و عبارت مذکور را بر زبان برد و مالکی گردید و این روایت بهتر از روایت اولی بنظر میآید.

حدّث نیشابوری و بعضی دیگر را عقیده اینست که ابن فارس شیعه بوده و حکایتی را که صدوق در اكمال الدین و سید بحرینی در غایة المرام و صاحب بن عباد در مؤلفه‌ای از خود راجع باینکه جدّ طائفه بنی راشد متوطن در همدان حضرت قائم آل محمد ص را زیارت نموده از وی نقل کرده اند، دلیل این مدّعی گرفته اند و ترجمه فارسی آن داستان در نامه دانشوران موجود است.

صاحب بن عباد نزد ابن فارس تحصیل نموده و گویند که در باره وی گفته است: استاد ما از اشخاصی است که تصنیف نیکو نصیب او گردیده و کریم و جوانمرد بود.

درمآخذ مذکوره اشعاری عربی به ابن فارس نسبت داده شده و از آنهاست:

اذا كنت في حاجة مرسلًا وانت بها كلف مفرم

فارسل حکیماً ولا توصه وذاك الحکیم هو الدرهم (۱)
 و نیز این اشعار که سه بیت آنرا درص ۵۰ ذیل شرح حال ابن میثم بحرینی
 نقل نمودیم بدین نحو به ابن فارس نسبت داده شده :

قد قال فیما مضی حکیم	ما المرء الاّ باصغریه
فقلت قول امرء لیب	ما المرء الاّ بدرهمیه
من لم یکن معه درهمه	لم تلتفت عرسه الیه
و کان من ذلّه حقیراً	تبول سنوره علیسه

در معجم الادباء نوشته شده که ابن فارس دو روز پیش از مرگ این دوبیت
 را گفت :

یارب انّ ذنوبی قد احطت بها	علماً و بی و با علانی و اسراری
انا الموحّد لکّنی المقرّب بها	فهب ذنوبی لتوحیدی و اقراری

و در نامه دانشوران بنقل از سیوطی مصرع اوّل و آخر را بایکدگر جمع نموده
 و یلک بیت ترتیب داده و به ابن فارس نسبت داده و در بقیه هم این بیت
 و نسبت نیست .

مؤلفات ابن فارس را که دانشمندان یاد نموده اند در اینجا می آوریم :

(۱) چندین سال پیش از این در یکی از کتب ادب ابن دوبیت را بدینگونه دیده ام .
 اذا كنت فی حاجة مرسله فارسل حکیمه ولا توصه
 و ان باب امر علیک التوی فشار حکیمه ولا تعصه
 و نیز ابن دوبیت فارسی را که ظاهراً از فردوسی و یادگیری از قدما و تقریباً ترجمه آن
 میباشد بخاطر دارد :

فرستاده باید که دانا بود	بگفتن دلیر و توانا بود
همه گفته خویش انشا کند	بدانسان که مجلس تقاضا کند

و بنظر نگارنده چنین میرسد که دوبیت عربی مذکور از دیگری بوده و ابن فارس موافق
 نظریه حق و صواب : که بول حلال مشکلات است ، در آن تصرف نموده باین معنی که دو
 مصرع یلک بیت از آنرا دو مصرع از دوبیت قرار داده و آن حکیم را در قول شاعر تفسیر
 کرده که بول است و در این معنی شاعری فارسی زبان گوید :

خواهی که دل دلبر تو نرم شود	از خانه برون آید و بی شرم شود
زاری مکن و زورهن زر بفرست	زر بر سر فولاد نهی نرم شود .

- ۱- فقه اللغة = الصحابي (۱)، ۲ - الاتباع والمزاوجه، ۳ - الحجر (۲)، ۴ - مقدمة في النحو، ۵ - ذم الخطاء في الشعر (جرجی زیدان نسخه آنرا در برلن نشان داده)، ۶ - فتاوی فقیه العرب، ۷ - اختلاف النحویین (۳)، ۸ - الانتصار لشعرب، ۹ - الليل والنهار، ۱۰ - خلق الانسان، ۱۱ - تفسير اسماء النبي ص، ۱۲ - حلیة الفقهاء، ۱۳ - مقدمة دارات العرب، ۱۴ - غریب القرآن، ۱۵ - الفرق (۴)، ۱۶ - مقدمة الفرائض، ۱۷ - ذخيرة الكلمات، ۱۸ - کتاب الثلاثة (فقط جرجی زیدان این کتاب را به ابن فارس نسبت داده و نسخه آنرا در اسکوریال نشان میدهد)، ۱۹ - کتاب الحماسة المحدثه (۵)، ۲۰ - شرح رساله زهری الى عبد الملك بن مروان، ۲۱ - سيرة النبي ص، ۲۲ - کتاب

(۱) در معجم الادبا و نامه دانشوران صاحبی یافقه اللغة دو کتاب شمرده شده در صورتیکه این هر دو يك کتابست و بسال ۱۳۲۸ از روی نسخه ای که بسال ۳۸۲ نوشته شده و در قسطنطنیه میباشد چاپ شده است و چون این کتاب را بنام صاحب بن عباد تألیف کرده بصاحبی معروف شده و حاجی خلیفه در ج ۲ ص ۷۳ قسمتی از عبارت ابن فارس را از مقدمه فقه اللغة نقل نموده و آن نیز مؤید است که صاحبی و فقه اللغة یکی است و جرجی زیدان هم بدین معنی تصریح کرده است.

(۲) تعالی در بیتمة الدهر ذیل شرح حال صاحب بن عباد گوید: ازا بوالحسن (در نامه دانشوران ابوالحسن ثبت شده ولی در بیتمة ابوالحسن) نحوی شنیدم که ابن فارس کتابی بنام « الحجر » از همدان برای صاحب فرستاد؛ چون ابن فارس از منتسبین به ابن العمید و متعصبین در باره وی بود او را بوی توجهی و عنایتی نبود و گفت حجر را بهمانجا که از آنجا آمده برگردانید ولی یس از آن گفتار طبعش حاضر نشد که رد احسان کند آنرا گرفت و مطالعه نمود و ابن فارس را صله فرستاد.

یا قوت در معجم الادباء نیز این کتاب را نام برده ولی در کشف الظنون ذکر نشده است.

(۳) نام این کتاب را یا قوت « کفاية المتعلمين في اختلاف النحويين » ثبت نموده ولی سیوطی و حاجی خلیفه و دیگران بنام اختلاف النحویین خوانده اند.

(۴) در نسخه چایی معجم الادبا این کتاب بنام « العراق » باعین مهمله و در نامه دانشوران « الفراق » یفاء ثبت شده و حاجی خلیفه این کتاب را یاد نکرده است.

(۵) ابن ندیم با آنکه معاصر ابن فارس بوده از او و مؤلفاتش نام نبرده فقط در ذیل آنها تیکه در نحو مذهب کوفی و بصری را مخلوط کرده اند گوید: ابن فارس وله من الكتب كتاب الحماسة (ص ۱۱۹ چاپ مصر) و در کشف الظنون نام این کتاب نیست.

العم والخال، ۲۳- اخلاق النبی ص (۱)، ۲۴- الشیات والحلی، ۲۵- اصول الفقه، ۲۶- کتاب صغیر الحجیم (کذا)، ۲۷- جامع التأویل فی تفسیر القرآن (در چهار مجلد)، ۲۸- الفصیح (۲)، ۲۹- مجمل اللغه، ۳۰- نقد الشعر (جرجی زیدان گوید: در المزه نام آنرا برده ولی دیده نشده)، ۳۱- مسائل فی الفقه (۳)، ۳۲- مقایس اللغه.

مقایس اللغه یکی از کتاب های بسیار خوب و کمیاب می باشد، با وجود این هیچیک از آنها نیکیه بشرح حال و ذکر مؤلفات ابن فارس پرداخته اند این کتاب را از مؤلفات او ندانسته اند جز یاقوت در معجم الادبا که از این کتاب در دوجا نام برده یکی از نقلهای او را در ص ۱۹۶ این جلد آورده ایم و دیگر در ذیل

(۱) در معجم الادباء و نامه دانشوران سه کتاب بنام «تفسیر اسماء النبی ص» و «سیرة النبی ص» و «اخلاق النبی ص» نام برده شده، نام اخلاق النبی و سیرة النبی در کشف الظنون نیست و در حرف الف ذیل اسماء النبی گوید: ابن فارس کتابی در این موضوع تالیف نموده و آن را «المغنی» نام نهاده است سیوطی در بغیه فقط تفسیر اسماء النبی ص را نام برده که به احتمال قوی همان اسماء النبی مذکور می باشد و بایستی اخلاق النبی و سیرة النبی نیز هر دو یکی باشد.

(۲) کتاب «الفصیح» را یاقوت در ضمن شماره مؤلفات ابن فارس نیاورده ولی در ذیل شرح حال، این کتاب را بدو نسبت داده و ترجمه آن گذشت و در کشف الظنون ج ۲ ص ۱۹۷ کتابی در لغت بنام فصیح ذکر شده و گوید در مؤلف آن اختلاف می باشد واضح اینست که تالیف تغلب باشد و بر آن شروحی زیاد نوشته شده الخ، و در ص ۱۱۱ فهرست ابن ندیم به تغلب متوفی سال ۲۹۱ کتابی بدین نام نسبت داده شده است. و کتاب «الشیات والحلی» و «کتاب صغیر الحجیم» و «جامع التأویل فی تفسیر القرآن» و «متحیز الالفاظ» و «العام والحال» را نیز یاقوت نام برده و در مآخذ دیگر مخصوصاً در کشف الظنون نام آنها نیست.

(۳) سیوطی پس از ذکر این جمله گوید: یغالی بها الفقهاء و منه اقتبس الحریری صاحب المقامات ذلك الاسلوب و وضع المسائل الفقهیه فی المقامة الحریبه و هی مائة مسئله. صاحب روضات نام این مقامه را طیبیه ذکر نموده و ظاهراً مراد مقامه ۳۲ حریری باشد که در نسخه چاپ ایران «مقامه فقهیه» معرفی شده و در شرح مطرزی «مقامه حریه» نامیده شده و بنظر نگارنده چون در ابتداء آن تذکر داده که عزم مسافرت مدینه طیبیه داشته بعضی آن را طیبیه نامیده اند و آنها نیکیه این مقامه را «حریمیه» خوانده اند شاید بدین لحاظ باشد که بحث از حریمین مکه معظمه و مدینه منوره در آن گردیده و احتمال دیگر که بنظر میرسد اینست که این مؤلفه (مسائل فی الفقه) با مؤلفه ای که بنام «فتاوی فقیه العرب» در مؤلفات ابن فارس نوشته شده یکی است چرا که حریری که در اقتداء به ابن فارس این مقامه را انشاء نموده و مطالب آنرا از زبان فقیه عرب بیان کرده بنابراین بایستی ابن فارس هم این مسائل را از زبان فقیه عرب ذکر کرده باشد و بنام «فتاوی فقیه العرب» مشهور شده باشد.

شرح حال ابن فارس میباشد و در اینجا گوید : **مقایس اللغة و هو کتاب جلیل** **لم یصنف مثله** • ممکن است که بعضی تصور کنند که این کتاب و مجمل اللغة ابن فارس که از کتب مشهوره و ابن فارس بیشتر بدان مشهور میباشد يك کتاب است ولی بیانات یاقوت که حاکی از اینست که هر دو کتاب را در دست داشته این تصور را دفع میکند و ما برای توضیح و اثبات مدعی دیباچه آن را که مبین طرز کتاب و قدرت مؤلف در انشاء و مآخذ آنست می آوریم .

بسملة الحمد لله و به نستعين و صلى الله على محمد و آله اجمعين، قال احمد اقول و بالله التوفيق ، ان اللغة العرب مقاييس صحيحه و اصولاً يتفرع منها فروع وقد اختلف الناس في جوامع اللغة ما لقوا ولم يعربوا في شيء من ذلك عن مقاييس من تلك المقاييس و لا اصل من الاصول و الذي او مانا اليه باب من العلم جليل وله خطر عظيم وقد صدرنا كل فصل باصله الذي يتفرع منه مسائله حتى تكون الجملة الموحده شاملة للتفصيل و يكون المجيب عما يسئل عنه مجيباً عن الباب المبسوط باوجز لفظ و اقربه و بناء الامر في سائر ما ذكرناه على كتب مشهوره عالية تحوى اكثر اللغة ، فاعليها و اشعرها كتاب ابى عبد الرحمن **الخليل بن احمد المسمى بكتاب العين** اخبرنا به على بن ابراهيم القطان فيما قرأت عليه اخبرنا ابو العباس احمد بن ابراهيم المعداني عن ابيه ابراهيم بن اسحق عن بندار بن لؤي الاصفهاني و معروف بن حسان عن الليث عن الخليل **ومنها** كتابا ابى عبيد في غريب الحديث و مصنف الغريب حدثنا بهما على عن عبد العزيز عن ابى عبيد **ومنها** كتاب المنطق و اخبرني به ابى فارس ابن زكريا عن ابى نصر اخت الليث بن ادريس عن الليث عن بن السكيت **ومنها** كتاب ابى بكر بن دريد المسمى **الجمهره** و اخبرنا به ابو بكر محمد بن احمد الاصفهاني و على بن احمد الساوي عن ابى بكر فهذه الكتب الخمسه معتمدنا فيما استنبطنا من مقاييس اللغة و ما بعد هذه الكتب فمحمول عليهما و راجع اليها حتى اذا وقع الشيء النادر نصصناه الى قائله انشاء الله فاول ذلك كتاب الهمزه باب الهمزه في الذي يقال له المضاعف الخ . مؤلف مقاييس را چون کتب لغت متداوله امروز بترتيب حروف هجاء اوائل با مراعات حرف اول و دوم مرتب نموده و بدو لغات دو حرفی را از الف

تا یا پس از آن لغات سه حرفی را نیز از الف تا یا و پس از آن لغاتیکه از سه حرف بیشتر است ذکر نموده و شواهدی از اشعار و گاهی از آیات و اخبار بر آنها اقامه نموده و در حدود (۳۷۰۰۰) بیت کتابت دارد.

انجام: قال الشيخ الامام الاجل السعيد ابو الحسين احمد بن فارس رحمة الله عليه واجزل له الثواب قد ذكرنا ما شرطنا في صدر الكتاب ان نذكره وهو صدر من اللغة صالح فاما الاحاطه بجميع كلام العرب مما لا يقدر عليه الا الله تعالى اوني من انبيائه عليهم السلام بوحي من الله تعالى وغير ذلك اليه والحمد لله اولاً و آخراً و باطناً و ظاهراً والصلوة والسلام على رسوله محمد وآله اجمعين الطيبين الطاهرين .

(۹۰۷)

مقایس اللغة این نسخه را بخط نسخ علم الهدی بن صفی بسال ۱۰۹۴ بنا بخواست عبدالرضا بن محمد بن مبارك موسوی در شیراز نوشته و این معنی را عبدالرّضای مذکور پشت صفحه نخستین و بر آخرین صفحه نسخه باتذکر به مقابله و تصحیح آن در تکیه نور از تکایای شیراز بخط خود بسال ۱۰۹۵ نگاشته (تکیه نام برده اینک در شیراز معروف نیست) و نیز پشت آخرین صفحه تولد فرزند خود را که عبدالله نام داشته بسال ۱۱۰۱ معین نموده و نویسنده نسخه پشت صفحه اول این کتاب را بنام **مجل اللغة** ابن فارس معرفی نموده و بر صفحه اول شاهزاده فرهاد میرزا مختصری از شرح حال ابن فارس را از کتاب ابن خلکان بخط خویش نگاشته . و بر این صفحه نیز تصریح شده که این کتاب بمجل اللغة میباشد و بهمین نام نیز وقف نامه آن در همین صفحه نگارش یافته ، هر کس که در هر هنگام مالک این نسخه بوده یادداشتی بر این صفحه نموده و یکی از یادداشتهای از محمد معصوم حسینی منصوری دشتکی بسال ۱۱۳۷ و دیگری از سید مفید استرآبادی است که بسال ۱۱۴۷ نگارش یافته و دیگری از محمد کاظم پسر سید مفید مذکور است که بسال ۱۱۶۴ نوشته شده و نیز قطعه ای در وفات پدر خویش که شامل ماده تاریخ آن میباشد و سال ۱۱۵۱ را معین میکند نگاشته و یادداشتی دیگری هم در این صفحه است .

نگارنده چون خواست خصوصیات این نسخه را در فهرست بنگارد بمقدمه مراجعه نمود و عبارات آنرا بادقت از نظر گذرانید دید که مؤلف گوید: وقد ألف الناس في جوامع اللغة ما ألفوا ولم يعربوا في شيء من ذلك عن مقياس من تلك المقاييس و نیز گوید:

فهذه الكتب الخمسة معتمدنا فيما استنبطناه من مقاييس اللغة و ما بعد هذه الكتب الخ.

باهمه قرائن موجوده که مجمل اللغة بودن نسخه را ثابت مینمود بر آن شد که مجمل اللغة نیست و مقایس است خوشبختانه نسخه ای از کتاب مقایس را در کتابخانه مدرسه مروی در تهران سراغ داشت و در ایران ظاهر آ تا کنون منحصر بفرد بود و چند سال پیش دانشمندان کشور مصر بوجود آن خبردار شده و نسخه ای از روی آن استنساخ نموده و بکشور خویش بردند و پانصد مجلد از کتابهای چاپ آن کشور را در عوض بان کتابخانه فرستادند دو نسخه را بایکدگر مقابله نمود هر دو را یکی دید و از این کشف خویش مانند يك مخترع و کاشف مطلب و موضوع علمی خورسند شد برای اینکه کاملاً تردید ارفع شود و این تصور هم دور شود که گویند آن نسخه مجمل اللغة میباشد و بغلط مقایس ثبت و معرفی شده در جستجوی دلیلی بر رد این احتمال شد خوشبختانه نسخه ای از مجمل اللغة را در کتابخانه مجلس یافت و دو نسخه را بر یکدگر عرضه داد آنها را یکی ندید و نیز در فهرست کتابخانه رضویه ۴ (ج ۲ ص ۳۷۷ و ۳۷۸) نسخه ای از مجمل اللغة را نشان یافت که از ابتداء کتاب تا آخر باب الرأ بعده المیم بود و قسمتی از ابتداء دیباچه آن را نقل نموده و آن اینست: **أَمَّا بَعْدُ وَلَيْكَ اللَّهُ بِصُنْعِهِ وَجَعَلَكَ مِنْ عَلَمٍ (كذا في فهرست والظاهر ممن علمت) فِي الْآخِرِ.** و نیز قسمتی از آخر نسخه را نقل نموده و آن اینست: **وَأَمَّ رَمَالٍ فِيْمَا ذَكَرَهُ ابْنُ السَّيْتِ الضَّبْعُ تَمَّ الْمَجْلَدُ الْأَوَّلُ.**

و این هر دو عبارت را در مقدمه و دیباچه کتاب و در باب الرأ بعده المیم نیافت و با کمال جزم توانست بگوید که این کتاب مقایس است نه مجمل اللغة.

ابواب و فصول و لغات باشنجر ف نوشته شده است.

جلد تیماجی ظریف . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۱۹) .
صفحه ای (۳۰) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۷۲) .

[۳۸۲] منتخب اللغات شاهجهانی (عربی بفارسی)

مؤلف این کتاب عبدالرشید بن عبدالغفور حسنی مدنی تتوی است که در
ص ۳۱۷ - ۲۱۹ بمناسبت فرهنگ رشیدی مختصری از حالات ایشان ذکر گردید
و این منتخب را بنام شاهجهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸) از پادشاهان هندوستان که از
نواده های امیر تیمور گورکان بوده تألیف کرده و خود برای معرفی از کتاب در
مقدمه آن گوید :

«این کتابی است در تحقیق بیان لغات ضروریه کثیره الاستعمال منتخب از کتب
معتبره چون قاموس و صحاح و صراح بعبارت فارسی عام فهم خاص پسند و تحقیق
الفاظ و تنقیح معانی و اعتبار حرف ملفوظ نه مکتوب در عنوان باب و فصل بارعایه
حرف اول و دوم و آخر چنانکه حرف اول باب و حرف آخر فصل باشد بی رعایه
مأخذ اشتقاق و اسقاط حروف زواید تاهر قاصی و دانی از آن بهره ور شود الخ» .
و در آخر کتاب تاریخ اتمام تألیف را که بسال ۱۰۴۶ بوده با ذکر مأخذ
آورده و ان اینست :

نسخه جامع ز لغات عرب	از نسخ معتبره ، منتخب
نسخه قاموس و مذهب صحاح	کنز و اسامی و مصادر صحاح
یافته اتمام بعهد شهی	از حق و از خلق جهان آگهی
سلطنت آرای ممالك ستان	شاه جهان ، ثانی صاحبقران
از پی تاریخ اش بی قال و قیل	گفت خرد «منتخب بی بدیل»

منتخب اللغات بشماره حروف تهجی مشتمل بر ابواب و فصول میباشد .

این کتاب بسال ۱۲۲۳ ه و ۱۸۰۸ م در کلکته با حروف سربی نستعلیق چاپ
شده ، مقدمه نسخه چاپی بانسخ خطی مختلف و اضافاتی دارد و در حدود (۲۷۷۰۰)
بیت کتابت این کتابست .

آغاز : بسمله ستایش و سپاس مالك الملکی که تذکار آلاهی بی احصای بی
منتهایش الخ .

(۹۰۸)

منتخب اللغات شاهجهانی این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۳۴ نوشته شده، نویسنده نام خود را نبرده، صفحات مجدول و ابواب و فصول با سرخی و لغات بخط نسخ نگاشته شده است.

جلد تیماجی مذهب. کاغذ فرنگی: واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۱۶۵). صفحه ای (مختلف السطور). طول (۳۰ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). عرض (۲۱ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). شماره - کتابخانه (۳۱).

(۹۰۹)

منتخب اللغات شاهجهانی این نسخه بخط نسخ ابوالقاسم بن حسنقلی بسال ۱۲۴۹ نوشته شده، قسمتی از مقدمه کتاب (از ابتدا تا اما بعد) را نویسنده ننوشته و از اما بعد شروع کرده است، پشت صفحه اول

یادداشتی از محمد حسین بن فضل الله حسینی میباشد که در همان سال نگارش نسخه نوشته شده و از قرینه عبارت آخر نسخه که مقدمه برای نوشتن نام کسی است که نسخه را نویسنده برای وی نوشته و ناتمام مانده معلوم میشود که برای سید نام برده بالا که از علماء آن عصر بوده نگارش یافته و در آخرین صفحه مقابله و تصحیح آن نیز یادداشت شده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۱۹۱). صفحه ای (۲۶) سطر. طول (۳۰ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر). شماره - کتابخانه (۳۲).

[۳۸۳] مذهب الاسماء (عربی بفارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه در دیباچه تصریح گردیده محمود بن عمر بن محمد بن منصور قاضی الزنجی السنجرى العربی از قبیله شیمان میباشد.

در کتب سیور رجال نام و شرح حال این دانشمند را با تفحص نیافتم، در نسخ این کتاب، مؤلف الزنجی بازاء معجمه و نون و جیم ثبت شده و نیز سنجرى باسین مهمله و نون و جیم وراء نگاشته شده، دانشمند شهیر آقای علی اکبر دهخدا (مؤلف کتاب مشهور «امثال و حکم» و نویسنده توانای ایران اند که اینک رئیس دانشکده

حقوق و سیاسی میباشند و در لغت توانائی زیادی دارند و در همین نزدیکی ها کتاب لغت بزرگ ایشان از چاپ بیرون خواهد آمد) دو نسخه که یکی بسیار کهنه و دیگری بر حسب احتمال از نسخه این کتابخانه کهنه تراست، دارا میباشند و در آن دو نام مؤلف نیز بهمین نحو که نقل گردید ضبط شده ولی ایشان را عقیده اینست که کلمه اول زنجی نیست و **ربنجی** (بارء مهمله و باء ابجد و نون و جیم و نون) است و کلمه دوم هم سنجری نیست و **سجری** باسین مهمله و جیم ابجد و زاء معجمه که معرب سکز باشد.

در ج ۲ معجم البلدان ص ۷۵۲ نوشته شده: ریخن بفتح اول و دوّم و سکون سوم و خاء معجمه و نون و آریخن نیز گفته شده، شهر کوچکی از سغد سمرقند است و نامی از ربنجن یا اربنجن در این کتاب نیست.

و نیز در ج ۳ معجم البلدان ص ۳۹۴ در ذیل صغد (سغد) گوید گفته اند قصبه آن اشیخن است و نامی در اینجا از اربنجن یا ریخن نیست تصوّر میکنم که الزنجی مذکور در این مؤلفه مصحّف و محرف، ریخن یا آریخن بوده است.

در الانساب سمعانی ص ب ورق ۲۴۸ بنقل از تاریخ بغداد **ربنجن** باجیم میان دو نون ضبط شده و گوید شهری از سغد سمرقند است و آنرا اربنجن باهمزه نیز تلفظ میکنند و در حرف همزه گوید کلمه اربنجن با حذف نون دوّم یافت میشود و تصور میکنم که همان نام سابق است که در تاریخ بغداد کاتب آنرا این گونه نوشته است.

و در ص ۲۴۹ ج ۱ جمع الفصحا در ذیل عنوان سنجری خراسانی نوشته شده از قدما و شعرا بوده، مدّاحی سلطان سنجر سلجوقی (این پادشاه چنانکه در کتب تاریخ ثبت شده در سال ۴۷۹ در سنجار شام متولّد شده و پدر بدین مناسبت او را سنجر نامیده، پس از اینکه بیست سال از طرف برادران خود (بر کیارق و سلطان محمد) در خراسان حکومت کرده و چهل و یک سال در پنجنوبت در اکثر ممالک معموره جهان سلطنت کرده بسال ۵۵۲ وفات یافته است) مینموده؛ وی بین الشعرا مشهور و معروف است و در زمان سلطان نهایت جلالت داشته، چنانکه حکیم انوری (در ج ۱ ص ۱۵۲ و ۱۵۳ جمع الفصحا وفات انوری بسال ۵۷۵ ثبت

شده است) در جائی از اشعار خود گوید :
اینکه پرسد هر زمان اینکون خران ریش گاو

کانوری به یافتوحی در سخن یا سنجری . انتهى .

مسئلاً در این شعر قافیه سنجری است و احتمال سجّری بودن نمیرود زیرا که
این بیت در قصیده ایست که نیز در شکایت از روزگار خویش سروده و مطلع آن اینست :
ای برادر بشنوی رمزی ز شعر شاعری

تا زما مشتی گدا کس را بمردم نشمری

و سنجری را با شاعری و نشمری و مستکبری و سرسری و پیغمبری و گستری و انگستری
و غیره هم قافیه نموده بنا بر این مسلم گردید که سنجری است
نه سجّری اما اشعار سنجری از میان رفته این رباعی را بجهة آبله گفته :

گر بر رخ چون ماه تو ای جان جهان

از آبله چون ستارگان هست نشان

حسن تو نهان نگردد ای ماه بدان

هرگز ز ستاره مه نگشته است نهان

و جز این سنجری در کتب سیر کسی را نیافتیم از قرینه انشاء و مآخذیکه در
مقدمه نقل شده احتمال اتحاد این مؤلف با این سنجری شاعر تأیید میشود .

مذهب الاسماء شامل اسمائی از لغت عرب میباشد که بفارسی ترجمه شده و شواهد
ندارد ، مؤلف خود گوید که آنرا از کتب ائمه ادب چون السامی فی الاسامی
(تألیف ابوالفضل احمد بن محمد میدانی متوفی بسال ۵۱۸ می باشد) ، الاسمی فی الاسما
(تألیف سعید بن احمد بن محمد میدانی پسر میدانی نام برده بالا است و بسال ۵۳۹
فوت کرده) ، کتاب الاسامی موسوم به سعیدی (در نسخه مدرسه بدینگونه که
نقل شد ثبت شده و در کشف الظنون ج ۲ ص ۵۷۵ بنام «الشهاب السعیدی» نام برده
شده و نگارنده تصور میکند که سعیدی نام کتاب لغت پسر میدانی مذکور است که سعید
نام داشته) ، بلغة المترجم فی اللغة (درج ۱ ص ۲۰۲ کشف الظنون تألیف نوح بن
مصطفی مفتی قونیه ثبت شده است) ، کنز الاسامی ، ترجمان القرآن ، الروضه

(ندانستم این سه کتاب تألیف کیست) و کتابهایی که پیش از اینها تألیف گردیده چون اصلاح المنطق (تألیف ابن سکیت متوفی بسال ۲۴۴)، غریب المصنف (تألیف ابی عمرو اسحق بن مراد الشیبانی متوفی بسال ۲۰۶)، دستور اللّغه (تألیف نطنزی متوفی بسال ۴۹۷ میباشد که در ص ۱۷۶ تا ۱۸۰ معرفی از آن شد) و کتب مشاهیر و غیر از اینها گرد آورده ام و پیش از شروع بذکر اسامی اسماء الله الحسنی را موافق حروف تهجی بترتیب اوائل ذکر و بترجمه فارسی آنها پرداخته و پس از آن شروع در نقل لغات و اسامی نموده و کتاب در بیست و هشت باب منظم شده و هر يك بسه باب (مفتوح و مضموم و مکسور) تقسیم گردیده و پس از اتمام در آخر، بابی در اسماء متفرقه نیز بر آن افزوده و نام کتاب را خود «مذهب الاسماء فی مرتب الحروف والاشیاء» نامیده است و در حدود (۹۶۰۰) بیت کتابت آنست.

آغاز: بسملة الحمد لله الذی خلق الاسماء بقدرته وخصّ بنی آدم بعزّته الخ.

(۹۱۰)

مذهب الاسماء این نسخه که لغات آن بخط نسخ و ترجمه آنها بخط نستعلیق خوب میباشد آنرا محمد باقر نام بسال ۱۰۸۷ نوشته، اسامی کتابها و ابواب و فصول باشنجرف میباشد، در حاشیه صفحات مطالبی از کنز اللّغه و فرهنگ ابراهیم شاهی که همه بفارسی بوده اند نوشته شده و حاشیه هائی در بیان معانی لغات بفارسی نیز تحریر یافته، ورق اوّل و آخر و صالی شده و پشت هر دو یادداشت هائی از مالکین سابق آن دیده میشود.

جلد مقوائی. کاغذ فرنکی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۱۵۹). صفحه ای (۱۹) سطر. طول (۲۹ سانتیمتر) عرض (۱۹ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۳).

[۳۸۴] **النهاية في غريب الحديث والخبر** (عربی)

مؤلف این کتاب ابن اثیر جزری است (ابو السعادت مجد الدین مبارک بن

محمد بن عبدالکریم (۵۴۴ - ۶۰۶) (۱) که از مشاهیر علما و مفسرین و فقها و لغویین قرن ششم هجری و در نحو شاگرد ابن الدهان و یحیی بن سعدون القرطبی بوده و برادر وی عزالدین ابن اثیر صاحب تاریخ کامل میباشد و او وفات برادر را در حوادث سال ۶۰۶ ثبت (ص ۱۲۰ ج ۱۲) و در باره وی گوید: در این سال برادرم محمدالدین ابوالسعادت المبارک بن محمد بن عبدالکریم کاتب بدرود زندگانی گفت و تو آنکه وی در یکی از دو ربیع سال چهل و چهار بوده و در بیشتر از علوم دست داشت از آنجمله فقه و اصول دین و اصول فقه و نحو و حدیث و حساب، و او را رسائل زیادیست و نویسنده ای زبردست بود بدین پایه که در این فن بوی مثل میزدند و مردی بود در آئین استوار و ره رو راه راست خدای او را رحمت کند و از او خوشنود باد و وجود او زیور زمانه بود، شاید هر کس این نوشته را بخواند مرا متهم کند که برادری وی مرا بر این گفتار و ادراک نموده ولی آنانکه در این عصر اند و او را دیده و معاشرت کرده بودند تصدیق خواهند نمود که آنچه در باره وی گفته ام اندکی از بسیار و یکی از هزار است.

شرح بسیار لطیف و مبسوطی در معرفی این دانشمند بنقل از مآخذی چند در ج ۱ نامه دانشوران (از ص ۶۳۴ تا ۶۳۹) نگاشته شده اگر از حدّ عادی در معرفی از مؤلفین بیرون نمی‌رفتیم همه آنها را در اینجا می‌آوردیم و با همه اینها در نقل این قسمت از آن، چون شامل مطالبی سودمند میباشد خود را موظف میدانم:

ابناء اثیر الدین بیاید دانست که عنوان این ترجمت نیز مانند عنوان بنی بابویه و ابناء طاوس از مشترکاتست چه فرزندان اثیر الدین ابوالکرم محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد شیبانی هر سه مابین العلماء با بن اثیر اشتها دارند و در السنه ارباب ادب جز بدین عنوان مذکور نیابند و لعل بسیاری از مبتدیین و متوسطین محصلین آن سه دانشمند بی مانند را یکی پندارند و «نهایه ابن اثیر» و «کامل ابن اثیر» و «مثل السائر ابن اثیر» هر سه را تصنیف یک عالم

(۱) تاریخ کامل ابن اثیر ج ۱۲ ص ۱۲۰، نامه دانشوران ج ۱ ص ۶۳۴ - ۶۳۹، بغیة الوعاة در حرف میم، معجم الادبا ج ۶ ص ۲۳۸، کشف الظنون ج ۲ ص ۶۲۱ و معجم المطبوعات ص ۳۴ و ۳۵.

انگارند با آنکه هریک از آنها تصنیف یکی از ایشان است پس تعیین مراد و رفع اشتباه را کوئیم :

بنی اثیر سه محقق بی نظیر اند که در ادب و حسب و نسب و عصب برادراند، در فنون فضل و شجون کمال سرآمد دانشوران عهد خویش بودند، از معاصرین آن سه دانشور یگانه ستایشها در حق ایشان بنظر رسید شیخ شهاب الدین ابوالدر یاقوت حموی در ذیل جزیره ابن عمر کوید: **بنو الاثیر العلماء الفضلاء الادیاء کل منهم امام** . قاضی شمس الدین احمد بن خلکان در ذیل ترجمت ابوالفتح نصرالله کوید: **و کان الاخوة الثلاثة فضلاء نجباء رؤساء لكل واحد منهم تصانیف نافعه** .

مهر ایشان ابوالسعادات مجدالدین مبارک است که در غریب حدیث کتاب نهاییه تصنیف کرده و کهنتر از وی ابوالحسن عزالدین علی است که در علم تاریخ کتاب کامل تالیف نموده و کهنتر از ایشان ابوالفتح ضیاء الدین نصرالله است که در صناعت انشاء کتاب المثل السائر نوشت ولادت هر سه برادر در جزیره ابن عمر اتفاق افتاد چه ابو الکرم پدر ایشان در آنجا توطن و حکومت داشته و از اینروی هر سه را ابن اثیر جزری گویند و جزیره ابن عمر شهری است در سه هنزلی موصل بر کنار دجله از آنکه آب بشکل هلال از سه جانب بر آن محیط شده علی الاستعاره بنام جزیره اشتها ریافته اکنون بشرح اخبار آن سه عالم لبیب علی الترتیب (ص ۶۳۹ تا ۶۵۷ ج ۱ نامه دانشوران شرح حال دو برادر ابن اثیر صاحب نهاییه را در بردارد.) اشتغال جوئیم و کوئیم مبارک بن محمد از ارکان اسانید واعیان مشایخ است الخ .

پس از شرح بسیار جالبی از حالات و سیره این دانشمند که از لحاظ انشاء نیز فوق العاده و حاکی از قدرت بیان و بنان مؤلفین نامه دانشوران میباشد مؤلفات این دانشمند بدینگونه نام برده شده است :

کتاب **جامع الاصول فی احادیث الرسول** و آن کتاب جامع احادیث صحاح سته اهل سنت است ، کتاب **المصطفی والمختار فی الادعیه والاذکار** ، کتاب **الانصاف فی الجمع بین الکشف واکشاف** (آنها از تفسیر ثعلبی و تفسیر زنجیری فراهم آورده) ، کتاب **البدیع فی شرح الفصول فی النحول ابن الدهان** ، کتاب **الشافی فی شرح مسند الامام الشافعی** ، دیوان الرسائل و المکاتیب و کتاب **النهاییه فی غریب الحدیث** که پنج مجلد است و او را نیز رساله ایست سودمند در صنعت کتابت .

سیوطی در بغیه کتاب ۱ و ۳ و ۴ و ۵ نامبرده را از مؤلفات ابن اثیر نام برده و نیز کتاب **الباهر فی الفروق فی النحو، تهذیب فصول** (فصول از استادش ابن الدهان است)،

البینین والبیان والآباء والامهات والاذواء والذوات را نام برده و گوید این کتاب را دیده ام و کنیه های آن را در کراسه ای ملخص کرده ام و در معجم الادباء (ج ۶ ص ۲۳۸) این کتاب بنام المرصع فی الالباء والامهات والبینین والبنات والاذواء والذوات ثبت شده و چنانکه در معجم المطبوعات نوشته شده جامع الاصول و کتاب المرصع وی چاپ شده است.

النهایه فی غریب الحدیث و الاثر تألیف ابن اثیر شامل لغات غریب احادیث میباشد و مشهور به نهاییه اثیریّه، نهاییه اللغه و نهاییه ابن اثیر شده است و در مقدمه آن بسیاری از آنانکه تا زمان و عصر وی غریب قرآن و احادیث را جمع آوری و تفسیر کرده اند نام برده شده و مختصری از خصوصیات و طرز هر يك بیان گردیده و در آخر گوید:

غریب القرآن و الحدیث ابی عبید احمد بن محمد بن محمد بن محمد هروی صاحب امام ابی منصور ازهری لغوی را و تتمه ای که ابو موسی محمد بن ابی بکر بن عیسی اصفهانی بر آن نوشته جامعتر از همه آن کتب دیدم ولی باز در این دو همه لغات غریبه کتب صحاح بخاری و مسلم و غیره را نیافتم، از اینرو بر آن شدم کتابی جامع آن دو کتاب و لغات دیگر تألیف کنم و آنها را بترتیب حروف تهجی مرتب ساختم و نشانه لغاتیکه از هروی نقل شده «ها» و آنهایکه از لغت ابو موسی آورده شده «سینا» و آنها را که خود یافته ام بدون علامت آوردم و غریب لغات قرآن را که در آن دو کتاب بود در اینجا نیاوردم و این مؤلفه را مخصوص غریب الحدیث قرار دادم و آن را «النهایه فی غریب الحدیث و الاثر» نامیده ام.

در ابتداء حرف صاد نهاییه اثیریّه که بسال ۱۲۶۹ در طهران چاپ گردیده نوشته شده: القسم الثانی من نهاییه اللغه. ولی در جاهای دیگر از آن نسخه ذکر دیگر قسمتهای این کتاب نشده و در مقدمه هم از آن نامی نیست اما از نسخه شماره (۹۱۲) این فهرست تقسیمات زیرین بدست می آید:

جزء اول: از اول کتاب تا آخر حرف الشین. جزء دوم حرف الصاد تا

آخر حرف الفاء . جزء سوم حرف القاف تا آخر حرف الكاف . جزء چهارم : از حرف لام تا آخر کتاب .

تألیف این کتاب چنانکه مؤلف در آخر تصریح کرده در اوائل قرن هفتم گردیده و بسال ۶۰۴ پاکنویس شده و تنظیم آن موافق حروف اوائل کلمات میباشد ، و مکرر در مصر و ایران چاپ شده و در حدود (۵۲۰۰۰) بیت کتابت دارد .
در کشف الظنون (ج ۲ ص ۶۲۱) ذیل این کتاب نوشته شده که صفی الدین محمود بن ابی بکر ارموی متوفی بسال ۷۲۳ نهاییه را تذیل نموده و عیسی بن محمد صفوی متوفی بسال ۹۵۳ و جلال الدین سیوطی متوفی بسال ۹۱۱ و شیخ علی بن حسام الدین هندی مشهور به متقی هر یک نهاییه را مختصر نموده اند و از آن سیوطی بنام « الدرالنشر » میباشد و او را نیز بر این کتاب ذیلی است .
آغاز : بسملة احمد الله على نعمه بجميع محامده واثني عليه بالائمة الخ .

(۹۱۱)

نهاییه اللغة این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نام نویسنده و سال نگارش را از آخر محو کرده اند ، در آخر جزء دوم سال نگارش سنه ۱۰۷۰ ثبت شده و از اینجا نام کاتب نیز محو گردیده است و جزء اول نسخه هم در این مجلد نیست و مشتمل بر چند سطر پیش از حرف الصاد تا آخر حرف الیاء (آخر کتاب) میباشد .

جلد میشن . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۲۹) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰) .

(۹۱۲)

نهاییه اللغة این نسخه بخط نسخ نوشته شده و مشتمل بر سه جزء اخیر کتابست (۲ و ۳ و ۴) کاتب نام خود و سال نگارش را ننگاشته ، بجدول بطلا و لاجورد و دارای سرلوح ظریف کوچکی میباشد ، لغات و ابواب باشنجر ف نوشته شده ، میان سطرها دو صفحه اول نسخه و حاشیه آنها تذهیب

برگ موی است ، ورق اوّل و آخر و صالی شده و قفنامه را هم پشت صفحه اوّل
نوشته اند و ظاهراً تاریخ کتابت آن پیش از نسخه پیش است .
جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع وزیری . شماره اوراق (۴۰۸)
صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض ($۱۶\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره (۲۴۹)
قفسه مدرسه صدر .



فصل نحو و صرف

[۳۸۵] الفیه ابن مالک = الخلاصه (عربی)

مؤلف و ناظم این کتاب ابن مالک نحوی مشهور است (جمال الدین ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن مالک الطائنی الجیانی (۱) الشافعی ۶۰۰-۶۷۲) (۲) که از مشاهیر علماء نحو و لغت میباشد و چنانکه خود در مقدمه این کتاب گفته پیدش از ایشان ابن معط (یحیی بن عبد المعطی ۵۲۴-۶۲۸) الفیه ای در نحو انشاء نموده (نام آن «الدرة الالفیه فی علم العربیه» میباشد و بسال ۱۹۰۰ م. در لیمزیک چاپ شده است) و این کتاب، الفیه ابن معط را نسخ نمود و بر آن شروح و حواشی زیاد نوشته شده، در کشف الظنون (ج ۱ ص ۱۳۹-۱۴۲) و روضات در ص ۲۰۲ ج ۴ ذیل ابن ناظم نام بسیاری از آنها ثبت شده و مشهورترین شرح وی شرح ابن ناظم و سیوطی و ابن عقیل و ابن هشام میباشد که در این فصل از آنها معرفی خواهیم نمود.

سیوطی سی و سه مؤلفه از ابن مالک را نام برده و ابن ناظم و سیوطی بنقل از ذهبی در تاریخ الاسلام شرحی بر الفیه بخود ابن مالک نسبت داده اند و حاجی خلیفه نیز آنرا تذکر داده و نیز سیوطی و دیگران نوشته اند که ابن مالک شافعی مذهب بود و به این صفت و خصلت حسن خلق و کرم بامغربیه مخالفت داشت.

(۱) جیانی منسوب به جیان بفتح جیم ابجد و باء تحتانی مشدد و نون میباشد که یکی از شهرهای اندلس بوده است.

(۲) بغية الوعاة ذیل محمد بن عبدالله، معجم المطبوعات ص ۲۳۲-۲۳۴، روضات ص ۱۴۶ ج ۴، شذرات الذهب ص ۳۳۹ ج ۵ و تاریخ آداب اللغة جرجی زیدان ج ۳ ص ۱۴۰-۱۴۱.

چنانکه در معجم المطبوعات نگاشته شده از مؤلفات ابن مالک الاعلام يا اكمال الاعلام بمثلث الکلام بسال ۱۳۲۹ در مصر و تحفة المورود في المقصور والممدود نیز بسال ۱۳۲۹ هـ یا ۱۸۹۷ م **والخلاصة** يا الفیه مکرر در ایران و مصر و بیروت و پاریس با شرح سلوستر دسائی بفرانسه و با ترجمه ایتالیائی مسیو ویتو Evitto قنصل ایتالیا در بیروت و با حواشی و تعلیقات بزبان فرانسه مسیو کوکه A. goguer نیز در بیروت چاپ شده جرجی زیدان در آداب اللغة العربیة گوید: بنتو مستشرق فرانسوی الفیه را بفرانسه ترجمه نموده و در آستانه چاپ شده است و **شواهد التوضیح** و **التصحیح** لمشکلات الجامع الصحیح (شرح احادیث مشکاه و اعراب صحیح بخاری است) بسال ۱۳۱۹ در هند و **لامية الافعال** يا **المفتاح** یا **بنية الافعال** در پترزبورغ (لنین گراد) بسال ۱۸۶۴ م. چاپ شده است.

جرجی زیدان سیزده مؤلفه ابن مالک را در تاریخ آداب اللغة نام برده و محل وجود نسخ آنرا تذکر داده است. از هزار بیت الفیه (۹۱۳) بیت در علم نحو و (۸۷) بیت در علم صرف میباشد و مؤلف در این بیت که سه بیت بآخر کتاب مانده است تصریح بنام خلاصه نمود و آن اینست: **احصى من الكافية الخلاصة**.

آغاز: بسملة قال محمد هو ابن مالک احمد رب الله خير مالک
انجام: وآله الغر الکرام البرره وصحبه المنتجبين الخيره
(۹۱۳)

الفیه ابن مالک این نسخه بسال ۱۱۸۷ بخط نسخ خوب نوشته شده، دو ورق از اول آن که مشتمل بر سیزده بیت اول بوده افتاده و نخستین بیت نسخه اینست: **والامران لم يك للنون محل**. ترکیب ابیات اولیه نسخه در ذیل آنها نگاشته شده و تعلیقاتی مختصر در حواشی آنست.

جلد تیماج. کاغذ فرنکی. واقف سیه سالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۹۹). صفحه ای (۵) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۵ ۱/۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۸۷).

(۹۱۴)

الفیه ابن مالک این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده، نویسنده نام خود و سال نگارش را نگاشته، تمام سیوطی «بهجة المریضه»

در حاشیه صفحات نسخه بخط شکسته نستعلیق نیز نوشته شده و پشت صفحه نخستین یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند.

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۷۳) .
صفحه ای (۷) سطر . طول ($34 \frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۲۳ سانتیمتر) . شماره
کتابخانه (۳۲۱۱) .

(۹۱۵)

الفیه ابن مالک این نسخه را بخط نسخ خوب عبدالحمید موسوی بسال ۱۲۰۱
نوشته ، سی و پنج بیت از اوائل الفیه بفارسی ترجمه و ترکیب
شده و زیر آن نگاشته شده دو ورق از اوّل و دو ورق از آخر و صالی گردیده
و بنام شرح الفیه فارسی وقف شده است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۱۷) . صفحه ای
(۷) سطر و اوائل دو سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض ($16 \frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره
کتابخانه (۳۱۷۹) .

(۹۱۶)

الفیه ابن مالک این نسخه بخط نسخ ابوطالب نام بسال ۱۲۵۷ در مدرسه
حاج محمد حسینخان مروی در طهران نوشته شده و ترکیب
ایمات اولیه در ذیل آنها نگاشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۷۱) . صفحه ای
(۱۴) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۸۶) .

(۹۱۷)

الفیه ابن مالک این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود
و سال نگارش را تذکر نداد و ولی مسلماً از خطوط اواخر
قرن سیزدهم هجری میباشد ، پشت ورق اوّل را چسبانیده اند و دارای يك سر لوح
و جدول بطلا و لاجورد و شنجرف است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شماره اوراق (۵۳) . صفحه ای (۱۰) .
سطر . طول (۱۳ سانتیمتر) . عرض ($8 \frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۸۱) .

(۹۱۸)

الفیه ابن مالک این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نام نویسنده و سال نگارش را ندارد ، قسمتی از اوّل آن افتاده کاغذ نوشته گذارده اند ، در آب افتاده و محتاج و صالی است .

جلد تیماج . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۸۳) . صفحه ای (۱۰) سطر . طول (۱۹ ۱/۲ سانتیمتر) عرض (۱۲ ۱/۲ سانتیمتر) . شماره کتا بخانه (۳۱۸۵) .

[۳۸۶] اوضح المسالك الى الفية ابن مالک (عربی)

التوضیح = شرح الفیه

مؤلف این کتاب ابن هشام نحوی انصاری است (جمال الدین ابو محمد عبدالله بن یوسف بن احمد بن عبدالله بن هشام انصاری نحوی حنبلی ۷۰۸-۷۶۱) (۱) که از علماء مشهور نحو و ادب بوده و سیموطی بنقل از الدرر الكامنه از ابن خلدون نقل نموده که چون در مغرب بودم خبر آوردند در مصر عالمی بعلوم عربیت ظهور کرده و او را ابن هشام نامند و از سیمویه نحوی تراست . و درباره وی نوشته اند که بابی حیّان بسیار مخالفت میکرد و از عقائد او منحرف بود و یگانه کس بود که فواید غریبه و مطالب دقیقه و استدراکات عجیبه و تحقیق کامل و توانائی بر تصرف در کلام و ملکه بر ایراد آن را با بهترین طرز و روش پسندیده و فروتنی و احسان و مهربانی و نرمی اخلاق و رقت قلب جمع کرده بود .

مؤلفات ابن هشام نحوی عبارتند از : مغنی الایب عن کتب الایارب ، قطر الندی و بل الصدی ، شرح قطر الندی ، الغاز نحویه ، شذور الذهب فی معرفة کلام العرب ، شرح شذور الذهب ، شرح بانث سعاد ، موقد الاذهان و موقظ الوسنان . که همه بچاپ رسیده و عمدة الطالب فی تحقیق تصریف ابن الحاجب در دو مجلد ،

(۱) بقية الوعاة در حرف العین ، شذرات الذهب ج ۶ ص ۱۹۱ و ۱۹۲ ، تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ۱۴۳ و معجم المطبوعات ص ۲۷۳ - ۲۷۵ .

رفع الخصاصه (۱) عن قراءه الخلاصه (در چهار مجلد)، الجامع الكبير، الجامع الصغير (۲)، شرح الشواهد الكبرى والصغرى (۳)، التحصيل والتفصيل لكتاب التكميل والتذيل (۴) (در چند مجلد میباشد و شرح كتاب تسهيل الفوائد وتكميل المقاصد تأليف ابن مالك است)، شرح الملحه (۵) تأليف ابی حیان، حواشی علی اللفیه، مسائل سفریه، الاعراب عن قواعد الاعراب (۶)، مسائل که سیوطی آنها را در اشباه و نظائر درج نموده (۷) و اوضح المسالك الى الفیه ابن المالك و غیر از اینها است.

اوضح المسالك چنانکه از نام آن برمی آید شرح مشکلات و بسط مطالب مختصره الفیه ابن مالك و در نحو است و این نام را مؤلف خود بر آن گذاشته و چون در توضیح و تبیین مطالب الفیه میباشد مشهور بتوضیح نیز گردیده و بسال ۱۳۰۲ و ۱۳۱۶ در مصر و بسال ۱۸۳۲ م. در طکته چاپ شده و در حدود (۲۵۰۰) بیت کتابت دارد و کتاب التصریح بمضمون التوضیح تألیف خالد ازهری که در همین فصل ذکر خواهد شد شرح بر این کتاب میباشد و چنانکه در ص ۱۴۲ و ۵۷۵ ج ۱ کشف الظنون نوشته شده کتاب «رفع الستور والارائك عن غبیات اوضح المسالك»

(۱) در بغیه و معجم المطبوعات رفع الخصاصه ضبط گردیده، ولی در ص ۱۴۲ و ۴۹۳ ج ۱ کشف الظنون دفع بادل مهمله است.

(۲) جرجی زیدان نسخه این کتاب را در یاریس نشان داده.

(۳) جرجی زیدان کتابی بنام «الروضة الادبیه فی شواهد علوم العربیه» بابن هشام نسبت داده و گوید نسخه آن در برلن میباشد. ولی بدین نام و نام شواهد کبری و صغری در کشف الظنون کتابی ذکر نشده، احتمال دارد که این کتاب موجود در برلن یکی از دو کتاب مذکور باشد.

(۴) سیوطی این کتاب را بنام «شرح تسهیل» ذکر نموده و گوید مسوده آن بالکنویس نشده است. (۵) ملحه در نحو و تألیف ابوحیان محمد بن یوسف اندلی متوفی بسال ۷۴۵ میباشد (ظنون ج ۲ ص ۵۱۶).

(۶) سیوطی در بغیه «القواعد الكبرى والصغرى» را بابن هشام نسبت داده و مؤلف خود در مقدمه یکی از آنها تصریح نموده که آنرا «الاعراب عن قواعد الاعراب» نامیده این کتاب الاعراب «قواعد الاعراب» نیز خوانده میشود و بایستی این کتاب یکی از دو قواعد مذکور باشد (قواعد کبری) و بر الاعراب شرحی از خالد ازهری در این فصل ذکر خواهد شد.

(۷) در معجم المطبوعات بدینگونه شرح داده شده: ۱ - مسائل فی النحو و اجوبتها. ۲ - مساله لا اعتراض الشرط علی الشرط. ۳ - کتاب الشها فی احکام هذا. ۴ - شرح القصیده فی المسائل النحویه.

تألیف محیی الدین عبدالقادر بن ابی القاسم السعدی المالکی المکی متوفی بسال ۸۰۸
ثمان و ثمانمائه حاشیه بر اوضح المسالك میباشد .

تذکری که در اینجا بنظر لازم می آید اینست که نباید این ابن هشام نحوی انصاری
را با ابن هشام بصری مؤلف سیره رسول الله ص اشتباه نمود و صاحب کشف الظنون
بر خلاف همه مأخذ سال وفات ابن هشام نحوی را بسال ۷۶۲ ضبط کرده است .
آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم قال الشيخ الامام اما بعد حمد الله مستحق الحمد و
ملهمة ومنشی الخلق و مقدمه الخ

(۹۱۹)

اوضح المسالك این نسخه بخط نستعلیق نصیر بن فرج نوشته شده ، سال نگارش
را ننوشته ، پشت نخستین برگ یادداشتی بسال ۱۲۸۰ نوشته
شده قسمتی از آن را محو کرده اند .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۹۸) . صفحه ای
(۱۸) سطر . طول (۲۰ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۰۲) .

(۹۲۰)

وضح المسالك این نسخه را بخط نسخ احمد بن محمد رضا بسال ۱۲۶۸ نوشته ،
همین نویسنده « المقدمة الجزریه » را که منظومه ای در علم
قرائت میباشد و در ص ۱۹۱ و ۱۹۲ ج ۱ فهرست از آن معرفی گردیده ، پیش از
شروع بنگارش اصل کتاب نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۸۳) . صفحه ای
(۲۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۸۹) .

[۳۸۷] ترکیب کافیه (عربی)

این کتاب در اعراب و ترکیب کافیه ابن حاجب میباشد که از آن در حرف
کاف همین فصل معرفی کامل خواهیم نمود ، قسمتی از ابتداء نسخه ذیل افتاده از
اینرو نمیتوان گفت تألیف کیست ، بنام « ترکیب کافیه » بر این کتابخانه وقف
گردیده ، ما نیز بهمین نام از آن معرفی مینمائیم ، از مطالعه مطالب مندرجه هم
نتوانستیم مؤلف را شناخت فقط در ورق چهاردهم نسخه این عبارت را یافتیم :

وهذا ما افاده الشيخ العلامة اسحق بن محمود القرشي رحمه الله . در آخذیکه در دست داشتیم این دانشمند را هم شناختم و ندانستم که در چه عصری بوده است . در کشف الظنون (ج ۲ ص ۲۵۱ و ۲۵۳) سه کتاب در اعراب کافیه نام برد شده آنها را در اینجا می آوریم :

- ۱ - معرب الکافیه لمحمد بن ادريس بن الياس المر عشي اوله : الحمد لله القديم الباري الخ . ۲ - (در ذیل کافیه ابن حاجب) وفي اعرابها کتاب مسمی بالافصاح لواحد من علماء الدولة المرادیه قدم فی اوله تفسیر سورة الفاتحه صنعہ لولد الشيخ احمد بن يوسف السلانيکی باشارته ۴ - اعراب حاجی بابا الطوسی المتوفی سنه (در فهرست کتابخانه رضویه ج ۳ ص ۴ نسخه ای از اعراب کافیه موجود و به حاجی بابا الطوسی نسبت داده شده است) .

و نیز در ص ۱۶۴۰ ج ۲ فهرست کتابخانه آصفیه کتاب زیرین در اعراب کافیه نام برده شده :

تعلیل الاعراب الشائیه فی حل التریب الکافیه ، و در مقابل آن نوشته شده که بسال ۱۸۷۱ در اروپا چاپ شده و نامی از مؤلف و زمان حیات او نبرده است .

(۹۲۱)

ترکیب کافیه این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۹۵ نوشته شده ، از ابتداء آن اوراقی افتاده ، اول موجود آن اینست ، ماهیه وهی واحده وان کان الاسم العموم و ذلك عارض ولا ینافیہ تاء الوحده ولفظ خبرها وهومصدر یتتوی فیہ المذکر والمؤنث وضع ماض مجهول والمستکن فیہ مفعول مالم یتسم فاعله راجع الی اللفظ الخ .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۰۱) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۶۶) .

[۳۸۸] التصریح بمضمون التوضیح (عربی)

این کتاب شرح اوضح المسالك الی الفیه ابن مالک میباشد که در ص ۳۰۶

معرفی از آن گردید و شارح آن خالد بن عبدالله ازهری است (زین الدین خالد بن عبدالله بن ابی بکر المصری الازهری متوفی بسال ۹۰۵) که از علماء نحو معاصر با جلال الدین سیوطی و عبدالرحمن جامی آن دو عالم نحوی بزرگ بوده و صاحب شذرات الذهب (۱) در زیر مردگان در سال ۹۰۵ نام و نسب او را چنانکه نقل نمودیم ذکر نموده و گوید: کار وی روشن ساختن چراغهای یکی از مدارس بود، روزی فتمیله وی بر جزوه یکی از طلاب افتاد، او را ناسزا گفت و بنادانی نسبت داد، این نسبت بروی سخت آمد، باینکه سی و شش سال از عمرش گذشته بود، شروع بتهصیل نمود و در آن موفقیتی یافت و مردم را بخویشتن مشغول کرد و شرحی جامع بر توضیح نگاشت که مانند ندارد و دیگر از مؤلفات وی اعراب الفیه ابن مالک و شرح سودمندی بر جرومیه (۲) و شرحی بر قواعد الاعراب ابن هشام (۳) و شرحی بر مقدمه جزیره در تجوید (۴) و شرحی بر قصیده برده (۵) و مقدمه ازهریه و شرح آن (۶) میباشد و از مؤلفات او مردم بسیار سودمند میشوند چرا که بی زوائد و واضح و آشکار بدون تعقید تألیف گردیده است.

صاحب روضات گوید نسبش به ابومنصور ازهری (صاحب تهذیب اللغه) میرسد و بسال ۸۹۶ تألیف تصریح خاتمه یافته و مشتمل برسی و چند هزار بیت و مورد توجه و عنایت طلاب و مدرسین در این زمان است.

در مقدمه آن خود گوید: ابن هشام را در خواب دیدم بوی گفتم کتاب توضیح شما محتاج بایضاح است تصدیق نمود و گفت بر آنم که در مشکلات آن

(۱) شذرات الذهب ج ۸ ص ۲۶، روضات ج ۱ ص ۲۷۰، معجم المطبوعات العربیه والمعربه ص ۸۱۱.

(۲) بنام: شرح الاجرومیه دو بار در مصر چاپ شده.

(۳) در معجم المطبوعات بنام «موصل الطلاب الی قواعد الاعراب» که نام آنست ثبت شده و گوید در حاشیه تمرین الطلاب مکرر چاپ شده است.

(۴) بنام الحواشی الازهریه فی حل المقدمه الجزریه دو بار چاپ شده.

(۵) بسال ۱۲۸۶ چاپ شده است.

(۶) بنام شرح الازهریه این شرح دو بار چاپ شده است.

چیزی بنگارم چون بیدار شدم خواب خود را بدوستان و دانشمندان نقل نمودم گفتند که این خودتورا اجازه ایست که بدین کار اشتغال جوئی بالاستخاره از خداوند توانا شروع باین کار نمودم و نام آنرا «التصریح بمضمون التوضیح» گذاردم الخ. تصریح بسال ۱۲۸۴ در ایران چاپ شده است.

آغاز: بسم الله الحمد لله الملهم لتحمیده حمداً موافياً لنعمه مكافياً لمزیده الخ. (۹۲۲)

این نسخه را بخط نسخ محمد بن حسین بسال ۱۰۸۱ نوشته ،
چند ورق از اول و آخر آن و صالی شده و پشت صفحه اول
یاد داشتهائی و مطالب متفرقه ای نگاشته اند و این نسخه
سال فراغت از تألیف را مطابق آنچه صاحب روضات نقل کرده بود داراست.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۸۴) . صفحه ای (۲۹) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۲۲ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۱۵) . (۹۲۳)

این نسخه بخط نسخ خوب محمد باقر بن ملا ولی استرآبادی
بسال ۱۰۹۶ نوشته شده ، عبارات متن را در همه صفحات
باشنجر فنگاشته ، از کلماتیکه در حاشیه صفحات نوشته شده
معلوم میشود که تصحیح و مقابله بانسخی گردیده و کتاب الجوهره الثانیه فی
الشعر و علل القوافی تألیف ابو عمر و احمد بن محمد بن عبد ربّه که در این مجلد از آن
معرفی خواهم نمود ضمیمه آنست و فهرست مطالب تصریح در دو ورق اخیراً نوشته شده
و پیش از کتاب گذارده اند .

جلد ساغری . کاغذ خان بالغ . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق کلیه (۳۰۵) . اوراق ضمیمه (۱۸) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۸ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۱۶) .

(۹۲۴)

التصريح
بمضمون التوضيح
این نسخه را بخط نسخ محمد شریف ابهری نوشته ، روی
متن کتاب خطی باشنجر ف کشیده شده ، بقرینه یادداشتیکه
پشت ورق سفیدیکه پیش از کتاب بوده و بسال ۱۱۸۶ محمد
صالح بن محمد کاظم هزار جریبی نوشته معلوم میشود که پیش از آن تاریخ این
نسخه نوشته شده ولی از قرن یازدهم پیشتر نیست . بر اوراق زیادی اول و آخر
گذشته از فهرست مطالب کتاب مطالب متفرقه ای نگاشته اند .
جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۱۶) صفحه ای
(۳۱) سطر . طول (۳۷ سانتیمتر) . عرض (۲۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۱۲) .

(۹۲۵)

التصريح
بمضمون التوضيح
این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۲۶ نوشته شده ، کاتب نام
خود را نبرده ، بر اوراقیکه پیش از ورق اول بوده فهرست
مطالب کتاب را نگاشته و پشت ورق نخستین نسخه بخط
شکسته نستعلیق بسیار خوب چند کلمه در بیان قضا و قدر تحریر یافته است .
جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۲۸) . صفحه ای
(۲۳) سطر . طول (۲۱ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۱۷) .

(۹۲۶)

التصريح
بمضمون التوضيح
این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب آن محمد حسین
استرآبادی میباشد ، از سال نگارش نام نبرده ، و ظاهراً از
خطوط اواسط قرن سیزدهم هجری است .
جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهر زده . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۹۸) . صفحه ای
(۲۵) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۱۴) .
[۳۸۹] تصريف = العزى فى التصريف (عربی)

مؤلف این کتاب عزالدین زنجانی است (عزالدین عبدالوهاب بن ابراهیم بن
عبدالوهاب بن ابی المعالی الخزر جی الزنجانی متوفی پس از سال ۶۵۵) (۱) که از
دانشمندان قرن هفتم هجری بوده و این مؤلفه وی در علم صرف از مشاهیر کتب

(۱) بغية ذیل عبدالوهاب ، کشف الظنون ج ۲ ص ۱۱۵ و ۲۲۲ و معجم المطبوعات ص ۹۷۷ .

این فن میباید و شروح بسیار بر آن نوشته ، صاحب کشف الظنون (ج ۲ ص ۱۱۵) بسیاری از شروح آن را نام برده و این مؤلف کتاب « هادی » (۱) مؤلفه خود را که در نحو و صرف بوده بنام « کافی فی شرح الهادی » شرح نموده و « تصحیح المقیاس فی تفسیر القسطاس » در علم عروض ، که شرح قسطاس زنجیری است و بسال ۶۵۵ از تألیف آن فراغت یافته نیز از او و « المظنون به علی غیر اهله » (۲) را که مشتمل بر مجموعه اشعار منتخبه از جاهلین و مولدین تاروزگار خود او است و بسال ۱۹۱۳ م با شرح عبیدالله عبیدی که بسال ۷۲۴ بر آن نوشته چاپ گردیده ، تألیف نموده و مشهورترین مؤلفات وی همین کتاب تصریف اوست که بنام « العزی فی التصریف » نیز مشهور میباید .

تصریف در حدو (۳۰۰) بیت کتابت دارد و ری موندوس آنرا به لاتینی ترجمه نموده و بسال ۱۶۱۰ م . چاپ گردیده و اصل متن هم مکرر در ایران و آستانه و مصر و تونس و غیره بچاپ رسیده است .

آغاز : بسمله اعلم ان التصریف فی اللغة التخییر الخ .

(۹۲۷)

تصریف این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، آخر آن افتادگی دارد و انجام نسخه اینست : (المرءة من مصدر الثلاثی المجرى علی) . در حاشیه صفحات تعلیقاتی از تفتازانی و غیره نوشته شده و چند برگ اول و صالی شده است . جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۸۷) . صفحه ای (۴) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۳-۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۲۳) .

[۳۹۰] تمرین الطلاب فی صناعة الاعراب (عربی)

این کتاب در بیان اعراب و ترکیب الفیه ابن مالک میباید و مؤلف آن خالد بن عبدالله از هری است [۳۸۸] ص (۳۰۹) ، مشهور به ترکیب یا اعراب الفیه شده

(۱) در ص ۲۵۴ و ۶۴۵ کشف الظنون و بغیه تصریح شده که هادی متنی متوسط از عزالدین است و خود بر آن شرحی بنام کافی در دو مجلد نوشته ولی در ص ۳۷۱ کشف الظنون در ذیل « مبادی فی التصریف » نوشته شده که عزالدین زنجانی بر این مؤلفه خود شرحی نوشته و آن را الهادی نام نهاده و جار بردی در شرح شافیه بسیار از آن نقل نموده و سیوطی نیز این نقل جار بردی را تذکر داده و از مندرجات ص ۶۴۵ کشف الظنون خلاف این نوشته معلوم میشود .

(۲) این کتاب در کشف الظنون نام برده نشده ولی بدین نام کتابی در مطالب حکمی منسوب به ابی حامد غزالی است و نیز در آنجا تذکر داده شده که نبایستی از او باشد .

صاحب روضات تألیف آنرا بسال ۸۸۶ دانسته و معجم المطبوعات ایشانرا پیروی کرده و این کتاب در حدود (۱۸۵۷۵) بیت کتابت دارد .
بنام اصلی خویش مکرر در مصر چاپ شده است .
آغاز: بسمله (۱) الحمد لله الذی رفع قدر من اعرب بالشهادتین الخ .
(۹۲۸)

تمرین الطلاب این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۲۱ نوشته شده .
کاتب نام خود را ذکر نکرده ، در صفحه آخر یادداشتی
فی بوده قسمتی از آنرا محو کرده اند و پشت صفحه اول صیغ
صناعة الاعراب نکاح نوشته شده است .

جاء تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۵۵) . صفحه ای
(۱۶) سطر . طول . (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۵ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۹۹) .

[۳۹۱] الجمل = جرجانیه (عربی)

مؤلف این کتاب مختصر عبدالقاهر جرجانی است (ابوبکر عبدالقاهر بن عبدالرحمن جرجانی متوفی بسال ۴۷۱ $\frac{۱}{۴}$) (۲) که از علماء بزرگ نحو و مؤسس علم معانی و بیان بوده و شاگردی ابوالحسین محمد بن حسن فارسی پسر خواهر ابوعلی فارسی را نموده و مؤلفاتی گران بها بنیادگار گذارده ، در اصول اشعری و در فروع شافعی مذهب بوده ، گویند و رع و پرهیز کار و خرسند (قانع) بوده ، آورده اند که دزدی بخانه وی در آمد او در نماز بود آنچه بدستش آمد برداشت و برد ، جرجانی میدید و نماز خود را نشکست ، شعر میسروده و این دوبیت از او است :

کبر علی العلم لا ترمه (۳)
و مل الی الجهل میل هائم

(۱) در نسخه ابن کتابخانه پس از بسمله چنین نوشته است : يقول الفقير الى عفوره الغنى خالد بن عبدالله الازهری عامله الله بلطفه الخفی الحمد لله الذی رفع الخ .

(۲) شرح حال و مؤلفات جرجانی از طبقات سبکی ج ۳ ص ۲۴۲ ، شذرات الذهب ج ۳ ص ۳۴۰ ، بغية الوعاة ص ۴۰۸ ، نسخه خطی ، معجم المطبوعات ص ۶۸۱ ، روضات الجنات ص ۴۴۳ ، تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ۴۴ و كشف الظنون ص ۴۰۲ و صفحات دیگر گرفته شد .
(۳) در طبقات سبکی بدینگونه که نقل شد نوشته شده و در بغیه بجای لا ترمه ، یا خلیلی و در شذرات الذهب مصرع ازل بدینگونه : کبر علی العقل لا ترضه نقل گردیده و بر دانشمندان پوشیده نیست که در مقابل جهل موجود در مصرع دوم علم اولی و لا ترمه بهتر از لا ترضه میباشد .

وعش حمارا تعش سعیدا فالسعدنی طالع البهائم (۱)
مؤلفات عبدالقادر، کتاب المغنی که شرح ایضاح ابوعلی فارسی (درسی مجلد)،
المقتصد (۲)، اعجاز القرآن کبیر و صغیر (۳)، العمده در صرف، عوامل المائه،
التتمه (۴)، المفتاح، تفسیر فاتحه الکتاب، دلائل الاعجاز، اسرار البلاغه (این
دو کتاب در علم معانی و بیان میباشد و بسال ۱۳۲۰ و ۱۳۳۱ در مصر چاپ شده اند)،
شرح الجمل، الجمل (همین کتاب) و غیر از اینها است.

جمل که بنام جرجانیه نیز مشهور میباشد یکی از مؤلفات مفیده و مختصره
در علم نحو میباشد، در حدود (۶۰۰) بیت کتابت دارد، مؤلف خود بر آن
شرحی نگاشته و دانشمندان نیز بشرح آن پرداخته اند در ص ۴۰۲ ج ۱ کشف الظنون
نام جمعی از آنها ثبت گردیده و مشتمل بر پنج فصل بدین تفصیل میباشد: ۱ - در
مقدمات. ۲ - در عوامل از افعال. ۳ - در عوامل از حروف. ۴ - در عوامل از
اسماء. ۵ - در اشیاء منفرده.

بنام **جمل** در علم نحو جز این کتاب در کشف الظنون کتب ذیل نام برده شده:
۱ - جمل در نحو تألیف ادیب فاضل حسین بن احمد معروف به ابن خالویه نحوی
همدانی متوفی بسال ۳۷۰، ۲ - الجمل الکبیره نیز در نحو تألیف ابی القاسم عبدالرحمن بن
اسحق الزجاجی نحوی متوفی بسال ۳۳۹. ۳ - جمل در نحو تألیف ابو عبدالله محمد بن

(۱) اشاره بقاعده ای نجومی است که چون کوکب اشخاص در برج حمل و ثور و از اینگونه
مواقع باشد سعد است.

(۲) سبکی این کتاب را بنام المقصد فی شرح الايضاح در سه مجلد معرفی نموده و سیوطی
پس از کتاب مغنی که شرح بزرگ ایضاح است گوید: المقصد فی شرحه و کشف الظنون
در ص ۱۷۷ ج ۱ در ذیل الايضاح گوید که جرجانی شرح بزرگ خویش بر ایضاح را در یک
مجلد مختصر نمود و نام آن را المقصد گذارده.

(۳) در ص ۱۲۰ ج ۱ کشف الظنون است که: اعجاز القرآن تألیف ابی عبدالله محمد بن زید
واسطی متوفی بسال ۳۰۶ میباشد و عبدالقاهر جرجانی آن را دو شرح کرده و شرح بزرگ
آن بنام المعتضد میباشد ولی در بقیه اعجاز القرآن کبیر و صغیر و سبکی فقط اعجاز القرآن صغیر را
بجرجانی نسبت داده اند.

(۴) این کتاب را فقط جرجی زیدان بجرجانی نسبت داده و گوید نسخه آن در موزه لندن
موجود است و در کشف الظنون بنام «تتمه فی النحو» کتابی نام برده شده ولی مؤلف آن را
معین نکرده است.

احمد بن هشام نحوی متوفی بسال ۵۷۰ .

آغاز: بسمله الحمد لله حمد الشاکرین والصلوة علی نبیه محمد وآله اجمعین
قال الشيخ الامام هذه جمل رتبتهما ترتیباً قریب الخ .

(۹۲۹)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، پیش از شروع باین کتاب
همین نویسنده عوامل المائه جرجانی را که در همین فصل از آن
یاد میکنم بدون ذکر تاریخ نگاشته ، يك يا چند ورق از آخر کتاب جمل افتاده
و آخرین سطر نسخه اینست : والمكسورة فی فعلت و فعلتما و فعلتم . در میان
سطور و حواشی نسخه تعلیقاتی بفارسی بامضاء ح در توضیح و بیان مطالب کتاب
نوشته شده و مطالب را گاهی بنظم فارسی ذکر نموده و در حاشیه یکی از صفحات
همین محشی تولد فرزند خود محمد را بسال ۱۱۹ کسه یا ۱۰۱۹ و یا ۱۱۰۹ بوده
یادداشت نموده و خط اصل نسخه پیشتر از سال ۱۰۱۹ کهنه تر بنظر میآید ، پشت نسخه
و در دفاتر کتابخانه بنام « مجموعه نحو در مقدمات » ثبت شده و اوراقی از آن
و صالی شده است .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق کلیه (۱۱۱) :
این نسخه (۹۸) ، صفحه ای (۵) سطر . طول ($\frac{۱}{۳}$) ۱۹ سانتیمتر) عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره
کتابخانه (۳۱۱۲) .

[۳۹۲] الجموع والمصادر (عربی)

این کتاب متضمن جموع و مصادر یستکه فیروز آبادی آنها را ترك نموده و
در قاموس نیاورده است ، مؤلف آن در مقدمه خود را محمد المدعو بیحیی بن الشفیع
القزوینی معرفی کرده و گوید: در هنگامیکه اشتغال به تصحیح قاموس داشتم دیدم
که مؤلف پاره ای از جموع و مصادر را آورده و بسیاری را نیاورده ، بر آن شدم
که آنچه در آنجا نباشد گرد آورم ، چنین کردم و آنرا در دو مقصد گذاردم و
هر مقصدی را به ابوابی تقسیم نمودم که برای مراجعه کنندگان و جویندگان ، کار
آسان باشد .

در کتب سیور و رجال این مرد را نیافتیم ، چنانکه در ص ۲۳۹ گذشت مؤلف « ترجمان اللغه » محمد یحیی قزوینی و نیز چنانکه در ص ۱۰۵ گذشت پدر مؤلف نظم الغرر و نضد الدرّ محمد یحیی قزوینی بوده و این دو مؤلفه در زمان شاه سلطان حسین صفوی تألیف گردیده و در ص ۶۴۰ وروضات ذیل میرزا رفیع النائینی (محمد بن سید حیدر) گویند: و این مرد غیر از مولی رفیع الدین محمد بن مولی فتح الله قزوینی معروف به واعظ مؤلف ابواب الجنان است که بسال ۱۰۸۹ وفات یافته و چنانکه از امل الامل برمی آید او را پسری بنام محمد شفیع بن رفیع الدین محمد واعظ قزوینی است که فاضل و عالم و زاهد و صالح و واعظ جامع قزوین بوده و ابواب الجنان پدر را که ناتمام بوده تکمیل کرده است .

از قرائن موجوده در عبارات نقل شده بالا محتملاً بدست می آید که شفیع یا محمد شفیع پدر یحیی مذکور است این کتاب در حدود (۱۳۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسم الله الحمد لله الذي جعل الجموع باطاليل بل جموع المفردات الخ .
(۹۳۰)

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نام خود و سال نگارش را نبرده ، بسال ۱۲۷۰ داخل اعتضادیه گردیده و دارای اغلاطی است .

الجموع
والمصادر

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۵۶) .
صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۱۰) .

[۳۹۳] حاشیه بر شرح تصریف تفتازانی = (عربی)

دده جنگی

نسخه ای که خصوصیات آن زیر این سطرها نگاشته میشود بنام « حاشیه بر شرح تصریف » وقف و داخل در این کتابخانه شده ، در خود نسخه و پشت آن و در دفاتر کتابخانه نامی از مؤلف و خود کتاب نیست ، نگارنده چون بمطالعه آن پرداخت بسیاری از مطالب نحوی و تفسیری و ادبی و رجالی در آن دید ، در حاشیه بر شرح

تصریف بودن آن شك نمود، متن آنرا با شرح تصریف (از این کتاب درص ۳۱۲ و ۳۱۳ همین مجلد معرفی شد) مطابقه نمود عین آن بود بکشف الظنون مراجعه کرد، درص ۱۱۵ و ۱۱۶ ج ۲ ذیل «العزی فی التصریف» شروح آن و حواشی و شروح بر شرح آنرا مطالعه نمود، در آن یازده شرح و حاشیه (۱) بر شرح تفتازانی یافت، و در آنجا نیز این عبارات را دید: (و جمع کمال الدین دده خلیفه المعروف بقره دده شیئاً کثیراً علی شرح السعد بالاستطراد فصار مجموعة لطيفة مفيدة يقال لها دده جنگی توفي المذكور سنة ۹۷۳ ثلث وسبعين وتسعمائة .) و در شذرات الذهب (ج ۸ ص ۳۷۴) از آنها ئیکه بسال ۹۷۳ مرده اند کمال الدین دده خلیفه را نام برده

(۱) ۱ - سیوطی را حاشیه ای بر شرح تفتازانی بنام «التوصیف حاشیه علی شرح التصریف» میباشد و در فهرست مؤلفات خویش بدان تصریح نموده ۲۰ - حاشیه شمس الدین محمد بن علی حلبی عرضی معروف به «ابن هلال نحوی» متوفی بسال ۹۳۳ بنام التطریف علی شرح التصریف (محمد بن ابراهیم حلبی معروف به «ابن الحنبلی» متوفی بسال ۹۷۱ حاشیه ای بر این حاشیه نوشته و نام آن را «التعریف علی تغلیط التطریف» گذارده) ۳ - حاشیه ابن الحنبلی مذکور بالا بنام «مستوجبة التشریف بتوضیح شرح التصریف» ۴ - حاشیه شیخ ناصرالدین ابی عبدالله اللقانی (بر این حاشیه شاگرد وی شهاب الدین احمد عبادی حواشی نوشته و شاگرد او احمد بن محمد خفاجی خطیب آنها را گرد آورده است) ۵ - شیخ ابراهیم اللقانی متوفی بسال ۱۰۴۱ بر شرح تفتازانی حاشیه ای بنام «خلاصة التعریف بدقائق شرح التصریف» نگاشته ۶ - کمال الدین خلیفه معروف به قره دده مطالب زیادی را استطراداً بر شرح تفتازانی گرد آورده و مجموعه ای لطیف شده و آن را «دده جنگی» گویند و کمال الدین مذکور بسال ۹۷۳ مرده است ۷ - شرحی بنام «شرح الشرح» نیز در ذیل «العزی فی التصریف» (ذیل همین شروح و حواشی) نام برده شده و ظاهراً این شرح بر شرح تفتازانی باشد چرا که مشهورترین شرح های تصریف ابن شرح است و مطلقاً منصرف به فردا کمال میگردد و مؤلف این شرح را سعد الدین طبلاوی معرفی کرده است. ۸ و ۹ و ۱۰ - پس از شروح و حواشی نام برده بالا گویند: و بر سعد الدین حاشیه ای از سعد الله بردعی و حاشیه ای از محمد بن قاسم غزی و حاشیه ای از قاسم بن قطلوبغا الحنفی متوفی بسال ۸۷۹ میباشد، (ممکن است که مراد کشف الظنون از این سعد الدین، طبلاوی باشد که بلافاصله پیش از این بیان، شرح او را نام برده و ممکن است که مراد خود تفتازانی باشد به هر دو احتمال این حواشی نیز بر تفتازانی خواهد بود) ۱۱ - شرح شمس الدین محمد بن شیخ زین الدین قاسم بن علی بنام «نزهة الناظر بالطرف فی شرح علم الصرف» میباشد.

و گوید در ذیل شقائق النعمانیه (۱) از او معرفی گردیده و مؤلفات او عبارت است از: حاشیه ای بر شرح تفتازانی که در آن بسط کلام داده و منظومه ای در فقه و مسائل زیاد در فنون مختلفه نیز دارد و او را دستی توانا در فقه و تفسیر بوده است. در این حاشیه اقوال بسیاری از علما و دانشمندان از مفسرین و نحویین و صرفیین و ادبا و لغویین و عرفا و فقها دیده میشود و نزدیکترین آنها به این عصر ابن کمال پاشا متوفی بسال ۹۴۰ می باشد.

بقرائن و نشانه های نام برده بالا گمان نزدیک بیقین بلکه قطع پیدا کردم که این حاشیه همان نگاشته دده خلیفه است که به گفته کشف الظنون به آن دده جنگی گویند و بامراجعه بآن چنانکه گفته شد جنگ بودن آن ثابت میشود.

طرز این حاشیه اینست که در تحت عنوان قوله قسمتی از عبارت تفتازانی را نقل مینماید پس از آن مطالبی از کتب سابقین را در فنون مختلفه بمناسبت ذکر و نام بسیاری از دانشمندان و مؤلفات ایشان در این حاشیه دیده میشود و بعضی از آنها را چون نام برده بشرح حال مختصر و ذکر مؤلفات آنان نیز مبادرت نموده و از کتب تفتازانی نقل های بسیار دارد و به گفته دوست محترم آقای امین عراقی که این شرح بکمال فکری و تتبع ایشان نگارش یافته اگر نام مؤلفین و مؤلفات مذکوره در این حاشیه را گرد نمائیم خود رجال و فهرستی میشود و تمام حاشیه در حدود (۷۰۰) بیت کتابت دارد و شایسته است که بچاپ آن مبادرت شود.

آغاز: بسمله ابتدا بالبسمله اقتداء بکتاب الله العظیم و امثالا بقول رسوله الکریم کل امر ذی بال الخ.

(۱) مراد مؤلف شذرات از ذیل شقائق النعمانیه کتاب «العقد المنظوم فی ذکر افاضل الروم» میباشد که حقا ذیل شقائق النعمانیه میباشد و در حاشیه ج ۲ و فیات الاعیان از ص ۹۵ تا ۴۲۴ بسال ۱۳۱۰ چاپ شده و در حاشیه ص ۱۶۴-۱۶۷ کتاب مذکور شرح حال ابن دانشمند بنام دده خلیفه بدون تصریح به لقب کمال الدین که مؤلف شذرات و حاجی خلیفه تذکر داده اند نوشته شده و مؤلفات وی در اینجا همانست که صاحب شذرات نقل نمود و در اینجا شرح مفصلی در سیره وی میباشد که مؤلف مذکور مختصر آنرا ذکر نموده و مطالعه آن برای تشویق دانشجویان بسیار سودمند و مشوق است و در اینجا است که دده خلیفه دباغ بود و در بزرگی اندیشه تحصیل را یافت و کوشش کرد تا بهره ای کافی یافت.

انجام: الطعم بالفتح والضم مصدر طعم الشيء أي اكل وذاق إلا ان المفتوح هو الشهور بين الجمهور والفقهاء والله اعلم .

(۹۳۱)

حاشیه بر شرح
تصریف یا
دده جنگی
این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۲۰ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، در میان نسخه دوجا چند برگ کاغذ نوشته دارد ولی رشته مطالب بایکدیگر پیوسته است و افتاده ندارد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع ربعی تقریباً . شماره اوراق (۱۶۰) . صفحه ای (۱۶) سطر ۰ طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۱۹) .

[۳۹۴] **حاشیه بر شرح جامی از اسفرائینی (عربی)**

این حاشیه نگارش عصام الدین اسفرائینی است (۱) (عصام الدین ابراهیم بن محمد بن عربشاه حنفی اشعری متوفی بسال ۹۴۳/۹۵۱) (۲) که از شاگرد های جامی بوده و در منطق و نحو و ادب دستی قوی داشته ، در جلد اول فهرست (ص ۱۲۰) حاشیه ای از ایشان بر تفسیر بیضاوی معرفی گردید ، شذرات الذهب ویرا از اولاد ابواسحق اسفرائینی (یا قوت در ص ۲۴۷ ج ۱ معجم البلدان وفات ابواسحق را بسال ۴۱۸ در روز عاشورا معین کرده) معرفی نموده و در روضات جز حاشیه نام برده بالا مؤلفات زیرین بوی نسبت داده شده : **الاطول** در شرح تلخیص المفتاح در معانی

(۱) شرح حال این مؤلف با مراجعه به شذرات الذهب ج ۸ ص ۲۹۱ و روضات ص ۵۰ و معجم المطبوعات ص ۱۳۳۰ و کشف الظنون ج ۲ ص ۲۵۰ و فهرست دارالکتب ج ۲ ص ۹۹ نگاشته شد .

(۲) در روضات بنقل از تاریخ اخبار البشر و در کشف الظنون وفات عصام الدین بسال ۹۴۳ ثبت شده ولی در شذرات وفات وی در حدود سال ۹۵۱ معین گردیده و معجم المطبوعات و فهرست دارالکتب وی را پیروی کرده اند و صاحب شذرات گوید در اواخر عمر از باخ بسمرقند آمده و پس از بیست و دو روز ناخوشی در هفتاد و دو سالگی بدرود زندگانی گفت و آخرین کلامه ای که بر زبان راند الله بود و صاحب روضات از ریاض العلماء نقل نمود که عصام الدین در اواخر عمر ببلاد روم رفت و در آنجا بود تا بمرد .

اسفرائین یا اسفرآیین از نواحی نیشابور است و یا قوت اصل آن را اسفرآیین یعنی هر کب از کلمه « اسیر » و کلمه « آیین » دانسته است .

و بیان و بدیع ، شرح شمسیه در منطق ، حاشیه بر شرح شمسیه قطبی ، حاشیه بر حاشیه میر سید شریف بر شمسیه ، حاشیه بر کبری که تقریباً شرح فارسی بر آنست ، شرح آداب البحت قاضی عضد ایجی ، شرح رساله الاستعاره ابوالقاسم سمرقندی ، شرح عبارت قد جرت عادة المصنفین ، رساله در شرح کل ج ب (این دو مؤلفه در شرح عبارت شارح شمسیه است) ، رساله در بیان نسب میان قضایا ، رساله در تحقیق محصورات اربع ، رساله در مبحث تقسیم قضیه ، رساله در استعارات بدیعیه و حقیقه و مجاز بفارسی ، حاشیه بر شرح عقائد نسفی تفتازانی و حاشیه بر شرح جامی (همین کتاب) .

در معجم المطبوعات چاپ شدن کتاب ۱ و ۳ و ۷ و ۱۴ و ۱۵ عصام الدین تذکر داده شده و نیز در آنجا کتابی بنام میزان الادب مشتمل بر نحو و صرف و بیان به عصام الدین نسبت داده شده و گوید بسال ۱۲۸۶ در آستانه تمام آن و بسال ۱۲۹۰ در مصر باب صرف آن چاپ شده و نیز حاشیه بر رساله وضعیه که آن نیز بسال ۱۲۷۴ در آستانه چاپ شده و کتابی بنام شرح عصام بر فریده که بسال ۱۲۷۶ چاپ شد بایشان نسبت داده شده و مؤلف در حاشیه بر شرح جامی نامی از این کتاب برده است . این حاشیه بر شرح جامی بر کافیه ابن حاجب است و در نحو میباشد ، از شرح جامی و کافیه در همین فصل معرفی خواهد شد ، و فضلا حاشیه غفور را که پس از این معرفی میشود بر این حاشیه ترجیح میدهند و بر مطالب مهمه از اول تا آخر شرح جامی میباشد ، و بسال ۱۲۷۶ مستقلاً در آستانه چاپ شده و نیز در حواشی شرح جامی قسمتهائی از آن چاپ شده و در حدود (۱۰۶۰۰) بیت کتابت این حاشیه است .

آغاز: بسمله یا هادیا لسالك مسالك محمداً ویاسامعاً لجامع الخ .

(۹۳۲)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، کاتب نام خود و سال کتابت را ننگاشته ، از خطوط قرن دهم هجری است ، در آخرین صفحه یادداشت مشعر بر تملك ابو الشرف بن صفی الدین محمد زواری که از علماء امامیه بوده موجود است .

حاشیه اسفر اینی

بر شرح جامی

و یادداشت دیگری نیز پشت صفحه اول داشته زیر وصله صحاف رفته و تاریخ آن که سال ۹۹۵ را می‌رساند و برخی از عبارات آن قابل خواندن میباشد ، قسمتی از نسخه تصحیح گردیده ، پشت آخرین صفحه نیز مطالبی از تفسیر امام فخر بخت ابوالشرف مذکور نوشته شده و پشت صفحه اول یادداشت‌های دیگری نیز بوده قسمتی از آنها محو شده است .

جلد مقوائی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۱۴) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۶۹) .

(۹۳۳)

حاشیه اسفراینی این نسخه بخط نسخ خوب مسیح شیرازی نوشته شده ، ظاهراً

از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، یادداشت‌هایی از علماء

قرن دوازدهم و سیزدهم بامهرهای ایشان (بعضی باتعین سال)

پشت ورق اول و آخر موجود و یادداشتی در آخرین صفحه

بوده آنرا محو کرده اند ، دارای سرلوحی زیبا و صفحات آن بجدول بطلا است .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۱۹) .

صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۶۷) .

(۹۳۴)

حاشیه اسفراینی این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، قسمتی از ورق آخر که

ظاهراً مشتمل بر نام نویسنده و سال نگارش بوده بریده شده

و باورقی دیگر و صالی شده ، از نسخه پیش از این نوتر میباشد ،

پشت صفحه اول یادداشت‌هایی بوده آنها را محو و بجای آنها

یادداشت‌های دیگری نگاشته شده درابتداء صفحه اول هم آثار محو موجود است .

جلد چرمی مستعمل . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۲۱) .

صفحه ای (۱۷) سطر . طول ($24\frac{1}{3}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۶۸) .

[۳۹۵] حاشیه بر شرح جامی از عبدالغفور (عربی)

منشی این حاشیه ملا عبدالغفور لاری (۱) متوفی بسال ۹۰۵ یا ۹۱۲ (۲) میباشد که از شاگردان جامی بوده و شهرت وی بواسطه همین حاشیه شده ، در مآخذیکه در دست نگارنده است شرح حال این دانشمند یافت نشد ، صاحب روضات در ذیل عصام الدین اسفراینی (ابراهیم) فقط بهمین اندازه که ترجمه آن اینست در اطراف این دانشمند بحث نموده :

اسفراینی مذکور معاصر فاضل هوشیار مولی عبدالغفور لاری بوده که وی نیز شاگرد جامی است و سی و هشت سال پیش از وفات اسفراینی (پیش ازین وفات اسفراینی را سال ۹۴۳ رامعین کرده) وفات یافته و بعضی از دانشمندان حاشیه غفور را بر حاشیه اسفراینی ترجیح میدهند . انتهی در معجم المطبوعات در ص ۱۵۸۴ تحت عنوان اللاری مصلح الدین متوفی بسال ۹۷۹ را نام برده و حاشیه غفور را یکی از مؤلفات وی دانسته و در نگارش این بحث مآخذ خود را یکی العقد المنظوم و دیگری ذیل شقائق نعمائیه (بتصریح خود این مؤلف در ص ۱۳۵۷ معجم کتابی ترکی و مؤلف آن عطائی میباشد و از عطائی در معجم مؤلفه ای نیست) معرفی نموده در ص ۲۴۷ - ۲۵۲ العقد المنظوم شرح حال مصلح الدین لاری مذکور ثبت شده و همه مؤلفاتی که در معجم نام برده شده دارا است ولی حاشیه بر شرح جامی آنهم منسوب به غفور در آنجا نیست و مؤلف این حاشیه و آن مؤلفات مسلماً دونفر اند ، از عبدالغفور هم ابدأ نامی نبرده است و در هفت اقلیم (ص ۲۱۴ نسخه خطی این مدرسه) در ذیل عنوان لاری دو نفر را جداگانه نام برده و مؤلفه عبدالغفور را همین حاشیه و از مؤلفات مصلح الدین بس حاشیه بر شرح هدایه (۳) را نام برده است .

(۱) لاری در جنوب غربی شیراز واقع شده و بخلیج فارس منتهی میشود و جزیره فارس میباشد .

(۲) ۹۰۵ را صاحب روضات بنقل از تاریخ اخبار البشر نقل نموده و ۹۱۲ را صاحب کشف الظنون ضبط کرده و در فهرست دارالکتب (ج ۲ ص ۹۸) ثبت است و اگر وفات اسفراینی مذکور را بسال ۹۵۱ صحیح بگیریم و از آن ۳۸ را جدا سازیم ۹۱۳ میشود .

(۳) در العقد المنظوم تصریح شده که این حاشیه بر شرح هدایه اثیریہ میبندی است .

این حاشیه بر ابتداء این شرح تا آخر مبحث اسماء افعال و اوّل مبحث اصوات شرح جامی است و عمر منشی آن بآخر رسید و تا آخر نرساند و مکرراً بسال ۱۲۸۲ و ۱۳۰۶ و ۱۳۰۹ در آستانه و بسال ۱۲۹۲ و ۱۳۱۳ در هندوستان و در حاشیه شرح جامی مکرراً چاپ شده ، عبدالحکیم سیالکوتی متوفی بسال ۱۰۶۷ و مولی نور محمد علی بر این حاشیه حاشیه ای دارند و در آن اقوال علماء نحو مخصوصاً شیخ رضی شارح کافیه را در بسیار از موارد نقل و برد آن پرداخته و شاید کمتر صفحه ایست که نامی از او نداشته باشد .

حاشیه غفور در حدود (۳۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله قوله الحمد مصدر معلوم واللام للجنس او للاستغراق ای کل حمد الخ .

انجام: قوله وجه الا کثرین ان ای ان وجه البناء فی ذی الرأ قصد الاماله اذهی امر مستحسن والمصحح للاماله کسر الرأ وهی لایقتصل الا بتقدیر البناء لانه اذا عرب منع الصرف لم یکسر .

(۹۳۵)

حاشیه عبد الغفور این نسخه بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، آخر ورق آخرین را که شاید مشتمل بر نام نویسنده و سال نگارش بوده ، پاره بر کرده اند و پس از آن وصالی گردیده ، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد و ورق اوّل هم وصالی شده است .

شرح جامی جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۴۶) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض ($۱۱\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۷۱) .

[۳۹۶] حاشیه بر شرح جامی از سید جزائری (عربی)

سید نعمه الله جزائری (۱) یکی از مشاهیر علماء قرن یازدهم هجری و صاحب تألیف های زیاد میباشد ، وفات وی بسال ۱۱۱۲ در قریه جایدن اتفاق افتاده ،

(۱) شرح حال این سید جلیل با مراجعه به روضات ج ۴ ص ۲۲۰-۲۲۲ ، اوّل ص ۷۵ ، هدیه الاحباب ص ۱۵۴ امل الامل ص ۷۲ و ۷۳ ج ۲ نگاشته شد .

صاحب روضات بعنوان السید السند المعتمد الجلیل الاواه نعمة الله بن عبد الله الحسینی الموسوی الجزائری الشوشتری معرف فی کامل از ایشان ومؤلفاتشان نموده و گوید الجزائر در اطراف شط العرب واقع شده نخست در آنجا بکسب دانش مشغول گردید پس از آن بشیر از آمد و از دانشمندان آنجا بهره گرفت و باصفهان شتافت بشرف شاگردی آقا حسین خونساری و ملا محسن فیض کاشی و علاقه مجلسی و بسیاری از معاصرین ایشان نائل شد و چنانکه نوۀ ایشان سید عبد الله بن نور الدین بن نعمة الله در یکی از اجازات خود گفته تولد این سید جلیل در ده صباغیه از جزائر در حدود سال ۱۰۵۰ (۱) بوده ومؤلفات این سید عبارت است از : شرح تهذیب الاحکام کبیر و صغیر ، شرح صحیفه سجّادیه کبیر و صغیر ، شرح ملحقات صحیفه ، الانوار النعمانیة ، شرح غوالی اللالی ابن ابی جمهور احسائی ، رساله ای بنام التحفه در نماز ، شرح عیون اخبار الرضا ، شرح توحید صدوق ، شرح احتجاج بنام قاطع اللجاج ، شرح کافیه ابن حاجب ، شرح روضه کافی (در فهرست معارف ج ۱ ص ۶۷ نوشته شده که دو شرح یکی مختصر و دیگر مفصل بر این کتاب نگاشته) ، زهر الریبع ، غرائب الاخبار و نوادر الآثار ، شرح تهذیب شیخ بهائی در نحو ، قصص الانبیاء ، ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار ، شرح اسماء الحسنی (این شرح تا حرف ضاد تألیف شده و بسیار مفصل است) ، شرح استبصار (آقای جواهر کلام در ص ۵۵ ج ۱ فهرست معارف دو شرح بر استبصار بایشان نسبت داده اند یکی بنام «غایة المرام» در هشت مجلد و دیگری در دوازده مجلد و گویند از این شرح چند مجلد در کتابخانه امام جمعه کرمانشاهان دیده ام . ولی بتصریح در ص ۳۲۸ کشف الحجب غایة المرام شرح تهذیب الاحکام میباشد و نیز در ص ۳۲۲ تصریح شده که شرح استبصار بنام کشف الاسرار میباشد و در قصص العلماء نیز شرح تهذیب را در هشت مجلد و

(۱) در روضات تاریخ تولد را فی حدود الخمسین والمائة بعد الالف نوشته و نیز در همین کتاب وفات ایشان را بسال ۱۱۱۲ ضبط نموده و اساتید او بیش از این تاریخ تولد و وفات یافته اند بنابر این کلمه المائة زائد خواهد بود . و در ترجمه ج ۴ تاریخ ادبیات برون ص ۲۳۴ و کشف الحجب و الاستار ص ۳۲۸ وفات سید جزائری بسال ۱۱۳۰ ثبت شده ولی در هدیه الاحباب نیز بسال ۱۱۱۲ تعیین شده است.

شرح استبصار را بنام کشف الاسرار در دو مجلد بنقل از نوشته سید مؤلف معرفی نموده است)، شرح نهج البلاغه (ص ۵۱۴ مستدرک) حواشی و تعلیقات بر قرآن کریم یا تفسیر آن در سه مجلد بزرگ (حاجی نوری در ص ۵۱۴ ج ۳ مستدرک نام این تفسیر را «العقود والمرجان» معین کرده اند)، حاشیه بر مغنی، حاشیه بر استبصار و حاشیه بر شرح جامی (همین کتاب) و کتب و رسائل دیگر.

این حاشیه و تعلیقات بر ابتداء شرح جامی تا آخر مبحث اسم می باشد و بر مبحث افعال و حروف در نسخه چاپی شرح جامی حاشیه ای نیست و دو نسخه خطی زیرین این کتابخانه و نسخه خطی کتابخانه حضرت رضاء (سال ۱۲۵۳ نوشته شده) نیز شامل همین اندازه حواشی بر شرح جامی است و در فهرست آن کتابخانه (ص ۹ ج ۳) نوشته شده که بیش از این را ننوشته اند و بقرینه اینکه صاحب امل الامل متوفی سال ۱۱۰۴ که معاصر سید نعمه الله بود در امل الامل که سال ۱۰۹۷ تألیف شده این حاشیه را در ضمن مؤلفات ایشان ذکر نموده تألیف آن پیش از سال مذکور بوده و محشی در این حاشیه اشاره ای باقوال شارح رضی نموده و برد آنها پرداخته است. کتابت نسخه ذیل در حدود (۶۶۰۰) بیت می باشد.

آغاز: بسملة الحمد لله الذي جعل علم النحو نوراً يهدي به الى فهم القرآن المبين الخ.

انجام: (۱) هذا ما يتعلق بشرح الاسم كتبناه مع تفرق البال وتشتمت الحال ونتبعه انشاء الله بشرح القسمين الاخيرين قاله بلسانه وحرره بينانه مؤلفه الحقيق الفقير الى الله الغني نعمه الله بن عبد الله الحسيني الجزائري عفى الله عنهما.

(۹۳۶)

حاشیه جزائری این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده، چهار ورق اول آن و ۲۸ ورق از آخر آن با کمال تناسب بخط اصلی نسخه سال ۱۲۲۵ نوشته شده، کاتب این قسمت نام خود را نگاشته، در حاشیه دو صفحه از صفحات قدیمی اوائل نسخه حاشیه هائی

بر

شرح جامی

(۱)

در توضیح و بیان محشی، تعلیقاتی بامضاء و خط محمد حسین بن محتشم موجود و مسلماً این نویسنده پسر محتشم معروف متوفی بسال ۹۹۲ یا ۱۰۰۰ نخواهد بود و حاشیه‌هایی بامضاء منه در قسمت قدیمی نسخه موجود و ظاهر آن خط خود مؤلف و محشی میباشد و بر ورقیکه پس از آخرین ورق نسخه است مطالبی نوشته شده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی و فرنگی. واقف سیه سالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۹۴). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۱۹ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۷۷).

(۹۳۷)

حاشیه جزائری این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵۷ نوشته شده، نام نویسنده را ندارد، ورق اول و صالی شده، پشت ورقیکه در آخر نسخه

شرح جامی بوده، نسخه معجونی نوشته شده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۱۲۱). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۶ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۷۶).

[۳۹۷] حاشیه بر شرح کافیه (عربی)

این حاشیه چنانکه در آخر آن تصریح شده و در فهرست رضویه (ج ۳ ص ۸) نیز معین گردیده، نگاشته، ملا احمد ابی وردی میباشد، در کتب سیر و رجال بنام و شرح حال وی دست نیافتیم، بقرینه اینکه از محقق تفتازانی متوفی بسال ۷۹۱ یا ۷۹۲ یا ۷۹۳ در این حاشیه نقل نموده و خود نسخه بسال ۹۰۱ نوشته شده زمان تقریبی حیات و زندگانی وی معلوم میشود که میان ۷۹۳ و ۹۰۱ بوده و مسلماً توان او را از دانشمندان قرن نهم هجری دانست.

این نسخه دارای دیباچه و مقدمه نیست و پس از بسمله شروع بمطلب مینماید، در آخر هم تصریح نشده که این تعلیقه بر چه کتابی میباشد، پشت صفحه اول نسخه ذیل، ابوالحسن نام اصفهانی نوشته اند که این حاشیه بر شرح جامی است. و در فهرست رضویه حاشیه ای از احمد ابی وردی موجود (۱) و بنام حاشیه بر شرح

(۱) نسخه آن کتابخانه آغاز آن مطابق این نسخه میباشد و نقص آن از این نسخه فقط هفت بیت است.

متوسط بر کافیه معرفی شده ، نگارنده چون بتحقیق آن پرداخت و از اول تا آخر آنرا مطالعه نمود از مندرجات آنها نمیتوانست بدست آرد که حتماً این تعلیق بر چه شرحی است چرا که بیشتر عناوین مطالب از متن (کافیه) نقل شده ، جز در جاهای بسیار معدودی که پس از لفظ قوله عباراتی از شرح متوسط کافیه نقل گردیده و در اطراف آن بحث نموده و در جاهای متعدد نیز پس از لفظ قوله عباراتی است که نه از متن (کافیه) و نه از شرح متوسط میباشد (۱) بنابراین احتمال میدهم که این حاشیه بر شرح کبیر کافیه تألیف سیدرکن الدین است و مادر همین فصل از شرح متوسط کافیه مفصلاً معرفی خواهیم نمود و از شرح کبیر هم بمناسبت نامی خواهیم برد .

این حاشیه در حدود (۲۰۰۰) بیت کتابت دارد و بر ابتداء کتاب (شرح کافیه) تا آخر آنست و بنای محشی بر آن نبوده که بر تمام مطالب تعلیق ای داشته باشد و در بسیاری از مباحث بیش از يك یاد و حاشیه نگاشته است .

آغاز : بسملة قوله ما يتلفظ به الانسان الاحسن ترك لفظ الانسان لانه قيد لفائدة فيه الخ .

انجام : لا ثبات ما انتفى عن الاول للمثاني (۲) .

(۹۳۸)

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۹۰۱ نوشته شده ، در آخر آن فضل الله بن ابراهیم انصاری نام ، بخط خود که بسیار شبیه بخط نویسنده نسخه است و شاید خود وی کاتب آن بوده مالکیت خویش را تصریح نموده و پائین دو ورق بآخر نسخه مانده مهر اسم دائره ایست که در وسط آن نوشته شده :

حاشیه

بر

شرح کافیه

(۱) در مبحث منع صرف این حاشیه حاشیه ای بر این مطالب است : قوله قدس سره فدل علی ان اصلها تا التانیث الخ و این عبارات در شرح متوسط و متن کافیه نیست ، و نیز در مبحث تنفیذ و جمع ، حاشیه ای بدینگونه است که در شرح متوسط نیست : قوله المثنی ما لحق الخ فیه ان هذا التعریف لا یصدق علی المثنی لان آخر المثنی هو النون ولم یلحق باخره الف الخ .

(۲) پس از عبارت بالا در نسخه این کتابخانه نوشته شده : تمت الحاشیه لمولانا احمد ابی وردی فی خامس عشرین شهر رجب المرجب سنة احدى تسعمایه .

فضل الله بن الفقيه ابراهيم الانصاری . و در اطراف آن آیه الكرسي بخط نسخ نوشته شده است . از نوشته های در اطراف صفحات نسخه معلوم میشود که تصحیح گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۶۲) . صفحه ای (۱۲ و ۱۶ و ۱۷) سطر . طول (۱۷ سانتیمتر) . عرض (۹ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۰۵) .

[۳۹۸] حاشیه شرح سیوطی بر النغمه = (عربی)

حاشیه میرزا ابوطالب

نگارنده این تعلیقه و حاشیه حاج میرزا ابوطالب اصفهانی از علماء قرن سیزدهم هجری و معاصر بافتحعلیشاه قاجار بوده و بسال ۱۲۲۳ تألیف آن پیدایان رسیده ، و در مقدمه گوید که مطالب شرح الفیه جلال الدین سیوطی که مشهور به سیوطی گردیده در بسیاری از موارد مشکل و مندمج میباشد و فهمیدن مراد آن بسی دشوار است گروهی از دانش جویان خواستار شدند که من بحل مشکلات آن پردازم برای اجابت آنها بنگاشتن این حاشیه مبادرت نمودم .

در کتب رجال و سیر بشرح حال این مؤلف و مؤلفات ایشان دست نیافتم چیزی که لازم است در اینجا تذکر داد اینست که معاصر این مؤلف میرزا ابوطالب اصفهانی پسر میرزا علیرضا بن محمد علی بن میرزا کوچک بن حکیم داود است که اسلافش از مشاهیر حکما و اطباء بوده اند و از مقام طبابت بتولیت آستان قدس رضوی سلام الله علیه رسید و سی و هفت سال دارای این منصب بزرگ بوده و بسال ۱۲۱۶ بدروزدن گانی گفته بنابراین، این دو را که هر دو اصفهانی و یک نام داشته و معاصر بوده اند یکی نباید دانست (از ص ۴۱۶ ج ۲ مطلع الشمس نقل گردید) . این حاشیه در حدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۸۲ مستقلاً در طهران و در حواشی سیوطی مکرر چاپ شده است .

آغاز: بسملة ربنا ربنا ربنا الحمد لما ترفعنا نحوك الخ .

(۹۳۹)

حاشیه این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۶۰ نوشته شده ، کاتب نام
میرزا ابوطالب خود را ننکاشته ، تصحیح گردیده ، فقط چند حاشیه از مؤلف
حاشیه بر سیوطی بر این تعلیقه در حاشیه صفحات نوشته شده است .
جلد تیماجی نقاشی شده . کاغذ فرنگی . واقف مشیر السلطنه . قطع خشتی شماره اوراق (۱۱۷) .
صفحه ای (۲۵) سطر . طول ($۲۰\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) عرض ($۱۵\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره (۵۲۰) . قفسه
مدرسه مشیر السلطنه .

[۳۹۹] شافیه (عربی)

این کتاب در علم صرف و مؤلف آن ابن حاجب است (جمال الدین ابو عمرو
عثمان بن عمر بن ابی بکر بن یونس مالکی ۵۷۰ - ۶۴۶) (۱) که از مشاهیر دانشمندان
قرن هفتم هجری و معاصر ابن خلکان بوده و چنانکه در وفيات الاعیان نوشته مکرر
برای اداء شهادت پیش وی آمده و او را در مسائل ادبی امتحاناتی نموده و
بخوبی از عهده جواب بر آمده است ، و گوید او را ابن الحاجب گویند چرا که
پدرش حاجب (دربان) امیر عزالدین موسک صلاحی بوده ، ابن حاجب در قاهره
قرآن کریم را چون بخواند بدیدن فقه بر مذهب امام مالک پرداخت پس از
آن علوم عربیه و قرآت را یاد گرفت و در همه آنها سرآمد اقران گردید ، پس
از آن به دمشق مسافرت نمود و در جامع آنجا شروع بتدریس نمود ، بسیاری
بر وی گرد آمدند ، در بسیاری از علوم و فنون متبحر بود ولی عربیت و ادبیت وی
بر سائر دانشها برتری داشت ، مصنفات وی عبارت است از : مختصری در مذهب
خود (مختصر فی مذهب) (۲) ، مقدمه ای مختصر در نحو بنام کافیه ، مقدمه ای
مختصر در صرف بنام شافیه (همین کتاب) ، شرح هر دو مقدمه و کتابی در اصول

(۱) شرح حال ابن حاجب را از ص ۳۱۴ ج ۱ و فیات الاعیان ابن خلکان ترجمه نموده و
به ص ۵۳ ج ۳ تاریخ آداب اللغة جرجی زیدان و ص ۲۳۴ ج ۵ شذرات الذهب که مطالب
آن عیناً نوشته های ابن خلکان بامختصر اضافه ای از یافعی است و بغية الوعاة در حرف عین
(ذیل عثمان) و معجم المطبوعات ص ۷۱ و ۷۲ و کشف الظنون در موارد متعدده مراجعه شده است .
(۲) ابن خلکان بدین نحو این مؤلفه را نام برده و سیوطی گوید : (وصف فی الفقه مختصراً
و فی الاصول مختصراً و آخر کبر منه سماء المنتهی .) و ظاهراً مراد ابن خلکان اینست که
بمذهب امام مالک فقهی نکاشت .

فقه (۱) نیز دارد و همه تألیف های او در نهاییه نیکوئی و خوبی است و بانحویین در مواردی مخالفت دارد و بر قواعد ایشان اشکال های مهم وارد نموده که جواب از آنها بسیار دور است.

جرجی زیدان این سه مؤلفه دیگر را بانشان دادن جای آنها از ابن حاجب دانسته: قصیده ای بنام: **المقصد الجلیل فی علم الخلیل** در عروض است و نسخه آن در لیدن و برلن و اکسفورد موجود و بر آن شرح هائی نوشته شده. **الامالی النحویه** که حاشیه هائی بر پاره ای از مطالب مفعّل و کافیه میباشد و در دمشق آنها را نگاشته و نسخه ای از آن در ۴۶۶ صفحه در کتابخانه خدیویه مصر و نسخه ای دیگر در پاریس میباشد. **القصیده الموشحه** بالاسماء المؤنثه نسخه ای از آن در کتابخانه خدیویه است. و سیوطی شرح مفصل بنام «**الایضاح**» (نسخه کهنه ای از این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است) و نظم کافیه را گذشته از آنچه نام برده شد، به ابن حاجب نسبت داده و تولّد ویرا بسال ۵۷۰ یا ۵۷۱ بتردید دانسته و بنقل از ذهبی گوید قرآن را حفظ داشت. و در کشف الظنون هم این دو کتاب نام برده سیوطی ذکر شده است.

گذشته از اینکه وفات ابن حاجب پیش از فتح بغداد بوده از بیانات ابن خلکان معاصر ابن حاجب نیز بدست آمد که آنچه راجع بکشته شدن ابن حاجب در بغداد بسعایت حضرت خواجه نصیرالدین طوسی بعضی نوشته اند عاری از حقیقت است. **شافیه** مختصری در علم صرف و در آخر آن قسمتی از قواعد نگارش کلمات میباشد، از بدو تألیف تاکنون مورد توجه و نظر دانشمندان و دانشجویان بوده، بر آن حواشی و شروحاتی عربی و فارسی و ترکی نگاشته اند، حاجی خلیفه نام بسیاری از آنها را در ص ۴۴ ج ۲ ذکر نموده و ما نیز نام بعضی را در این مجلد بمناسبت خواهیم برد و از سه شرح آن که در این کتابخانه میباشد معرفی کامل مینمائیم. **شافیه در حدود (۱۰۰۰) بیت** کتابت دارد و مکرّر در ایران و هند و مصر و آستانه

(۱) این کتاب بنام: «**مفتی السؤل والامل فی علمی الاصول والجدل**» میباشد و مختصر الاصول ابن حاجب از این کتاب مختصر شده و ما در ص ۵۸۶ ج ۱ این فهرست بمناسبت نام شرح مختصر و خود منتهی و مختصری از شرح حال ابن حاجب را داده ایم.

بدون شرح چاپ شده است .

آغاز : بسم الله الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد خاتم النبيين وعلى آله واصحابه اجمعين وبعد فقد سألني من لا يسعني مضايقته ولا يوافقني مخالفته الخ .

(۹۴۰)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش را ننوشته ، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، بنام حاشیه عصام الدین پشت نسخه معرفی و وقف گردیده و مجدول بطلاست .

جلد مقوائی . کاغذ خان بالیخ . واقف سیه سالار . قطع ربعی شماره اوراق (۵۱) . صفحه ای (۱۱) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۰ ۱/۴ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۲۵) .

[۴۰۰] شرح الاعراب عن قواعد الاعراب (عربی)

این کتاب شرح بر « الاعراب عن قواعد الاعراب » ابن هشام میباشد و شارح آن خالد بن عبدالله ازهری است ص ۳۰۹ [۳۸۸] و شارح آنرا « موصل الطلاب الى قواعد الاعراب » نامیده و شرحی مزجی و در حدود (۱۸۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۹۹ در مصر در حاشیه تمرین الطلاب تألیف همین شارح چاپ شده است .

آغاز : الحمد لله والصلوة والسلام على سيدنا محمد رسول الله وعلى آله وصحبه و جنده وبعد فيقول العبد الفقير الى مولاه الغني خالد بن عبدالله الازهرى هذا شرح لطيف الخ .

(۹۴۱)

شرح الاعراب این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نوشتن را ننگاشته ، ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد ، ضمیمه شرح شافیه تألیف نظام الدین است که در همین فصل از قواعد الاعراب آن معرفی خواهیم نمود خصوصیات دیگر در ذیل شرح مذکور ذکر ، به خصوصیات کتاب شماره (۳۱۲۶) کتابخانه در ص ۳۵۰ ، ۳۵۱ مراجعه گردد .

[۴۰۱] شرح الفیه = شرح ابن عقیل (عربی)

این شرح الفیه از ابن عقیل است (بهاء الدین عبدالله بن عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن محمد بن عقیل القرشی الهاشمی العقیلی الهمدانی الاصل ثم البالسی (۱) المصری $\frac{794}{797} - 799$) (۲) که از مشاهیر دانشمندان قرن هشتم هجری بوده و مقام قاضی القضاتی یافته و نسب وی به عقیل بن ابی طالب (رض) برادر حضرت مولی امیرالمؤمنین علی علیه السلام میرسد، وی دوازده سال شاگرد ابوحنیفان نحوی معروف بوده و او در حق ایشان گفته : (زیر خ گاه آسمان در نحو کسی برتر از ابن عقیل نیست .) و فقه را از زین بن الکنانی و غیر از او و اصول فقه و دین را از علاء قونوی و قرآت را بر تقی صائغ خوانده و احادیث را از محدثین استماع نموده و در زاویه شافعی در مصر مدرس گشته و در جامع طولونی مدرس تفسیر شده و از اول تا آخر قرآن را با تفسیر در بیست و سه سال آنجا القا نمود و باز از اول شروع کرد و در اثنای این بار مرگ او را در آغوش گرفت ، دولت و امراء برای او خاضع بودند ، پیش کسی نمیرفت ، مردی پردل و دارای حشمة بود و مؤلفات وی عبارتست از تفسیر بزرگ بر قرآن که تا اواسط سورة نساء رسیده (۳) و تفسیر دیگری که آن را « التعلیق الوجیز علی الکتاب العزیز » نامیده و این نیز بآخر نرسیده است و شرح تسهیل بنام « المساعد » (سیوطی گوید بر این شرح حاشیه ای بنام « السیف الصقیل » نگاشته ام) ، مختصر الشرح الکبیر و الجامع النفیس و شرح الفیه ابن مالک (همین کتاب) .

این شرح را چنانکه سیوطی و دیگران نوشته اند برای فرزندان قاضی القضاة جلال الدین قزوینی نوشته ولی خود مقدمه ای بر آن ننوشته که در آنجا تذکر دهد و این شرح از شروح معروفه الفیه میباشد .

(۱) منسوب به بالس میباشد که بگفته یاقوت در معجم البلدان (ج ۱ ص ۴۷۷) میان حلب و رقه واقع شده است .

(۲) ماخذ نگارش این شرح روضات ص ۴۵۸ ، شذرات الذهب ج ۶ ص ۲۱۴ ، بغیة نسخه خطی مدرسه ص ۳۶۲ ، تاریخ آداب اللغة العربیة ج ۳ ص ۱۴۰ و معجم المطبوعات ص ۱۸۷ میباشد .

(۳) کشف الظنون در ص ۳۰۴ ج ۱ تذکر داده که تا آخر آل عمرانست و نامی از تفسیر دیگر ابن عقیل نبرده است .

براین شرح ، سجاعی متوفی بسال ۱۱۹۷ شرحی بنام « فتح الجلیل علی شرح ابن عقیل » نگاشته و چاپ شده است و برشواهد مذکوره در شرح ابن عقیل دو شرح نوشته شده : ۱ - عبدالمنعم جرجاوی متوفی در حدود سال ۱۱۹۵ و ۲ - بنام « فتح الجلیل شرح علی شواهد ابن عقیل » تألیف محمد قطه العدوی متوفی بسال ۱۲۸۱ (۱) و این هر دو شرح بایکدگر چاپ گردیده است .

جرجی زیدان گوید : مشهورترین شروح الفیه شرح ابن عقیل میباشد که مکرر چاپ شده و به آلمانی ترجمه گردیده و این ترجمه بسال ۱۸۵۳ م. در برلن چاپ شده است .

آغاز : بسمله (۲) ش الکلام المصطلح علیه عند النحویین عبارة عن اللفظ المفید فایده الخ .

(۹۴۲)

شرح الفیه این نسخه مشتمل بر تمام این شرح میباشد ، سه ورق اوّل آن نونویس میباشد ، اوراقی از ابتداء آن نیز بخط نستعلیق و قسمت عمده اخیر آن بخط نسخ است ، نویسنده نسخه نام خود و سال نگارش را نبرده احتمال دارد که از خطوط قرن یازدهم هجری باشد ، اوراق آبدیدگی دارد ولی خطوط آن ضایع نگردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۲۴۴) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول ($۱۸\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض ($۱۲\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۱۵) .

(۹۴۳)

شرح الفیه این نسخه بخط نسخ علی نقی بن بهرام بسال ۱۱۰۸ نوشته شده ، یک در مرتبه آحاد هزار را محو کرده اند ، قسمتی از ابتداء آن افتاده و چند برگ کاغذ نوشته در جلو آنست ، نخستین

(۱) نام این دو شارح و تاریخ وفات ایشان در ص ۱۰۰۷ و ۱۶۸۹ معجم المطبوعات مذکور است .

(۲) ابن عقیل پس از بسمله نه بیت از الفیه را نقل پس از آن در زیر عنوان «ش» که مختصر شرح میباشد بشرح مطالب پرداخته است .

سطر موجود آن اینست: وهو المنصرف كزید وعمر ووالی متمكن. چند ورق اول وچندین برگ از آخر نسخه وصالی شده است.

جلد میشن مستعمل. کاغذ کاهی. واقف سیه سالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۲۷۸). صفحه ای (۱۴) سطر. طول (۱۸ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۱۴).

(۹۴۴)

این نسخه قسمت اول آن بخط نستعلیق و بقیه آن بخط نسخ نگارش یافته، قسمتی از آخر را ندارد (در حدود ۱۲۰ بیت) عبارت آخرین سطر آن اینست: نقلت حركة الواو الى القاف ثم قلبت الواو الفالمجانسة الفتحة.

شرح الفیه

(ابن عقیل)

جلد تیماجی. کاغذ دولت آبادی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۱۷). صفحه ای (۲۰) سطر. طول (۲۴ سانتیمتر). عرض (۱۲ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۱۶).

[۴۰۲] شرح الفیه = شرح ابن ناظم (بفارسی)

این شرح تألیف ابن ناظم میباشد (بدرالدین محمد بن محمد بن مالک مشهور به ابن ناظم متوفی سال ۶۸۶) (۱) که این پسر چون پدر از مشاهیر علماء نحو و امام در ادبیات (معانی، بیان، بدیع، عروض، صرف، لغت و منطق) میباشد، چندی از پدر استفاده علمی نمود و در او آخر او را ترك گفت و در بعلبک رحل اقامت انداخت و در آنجا بافاضة اشتغال داشت، چون پدرش زندگی را بدرود گفت او را بجای پدر به دمشق خواستند، و برمسند افاضة و تدریس برقرار گردید تا ششم محرم سال نام برده بدرود قولنج در گذشت.

سیوطی گوید: بازی و معاشرت کسانی که شایستگی نداشتند بروی غلبه داشت و توانای بر نظم يك بیت نبود. مؤلفات وی عبارتست از: شرح کافیه، شرح لامیه پدرش در صرف، تکمله در شرح تسهیل که ناتمام مانده، المصباح مختصر

(۱) روضات ص ۲۰۲ ج ۴، شذرات الذهب ص ۳۹۸ ج ۵، بغية الوعاة ص ۱۳۱ نسخه خطی مدرسه و کشف الظنون در نگارش ابن شرح حال مراجعه شده.

مفتاح در علم معانی است (۱)، روض الاذهان فی البیان (۲) شرح ملحة الاعراب، مقدمة فی العروض، مقدمة فی المنطق، شرح شافیه ابن حاجب (۳) و شرح الفیه پدرش (همین کتاب) و غیر از اینهاست.

شرح الفیه ابن ناظم که بنا بر اختصار از آن به ابن ناظم یا ابن المصنف نیز تعبیر می‌گردد چنانکه در ص ۱۹ ج ۳ فهرست رضویه تذکره داده بسال ۶۷۶ تألیف گردیده و در چند جای از مباحث کتاب بخطای مؤلف و ناظم الفیه اشاره نموده و بنظر نگارنده گذشته از شرح خود ابن مالک این شرح نخستین شرح الفیه می‌باشد و بسال ۱۲۷۶ در ایران و چاپ گردیده است.

آغاز: بسملة قال الشيخ الامام العالم الصدر الكامل حجة العرب لسان الادب افصح الفصحاء قدوة البلغاء بدر الدين ابو عبدالله محمد بن شيخنا جمال الدين ابي عبدالله محمد بن محمد بن عبدالله بن مالك الطائي بعد حمد الله سبحانه بما هو اهل له وناله من المحامد الخ.

(۹۴۵)

شرح الفیه این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خوب علی اکبر نام برای خود نوشته، صفحات اولیه نسخه حاشیه هائی علی اکبر نگاشته و زیر یکی از آنها سال ۱۲۴۷ معین شده و پشت صفحه اول تاریخ تولد پسری بسال ۱۲۴۵ یادداشت گردیده، از آخر کتاب قسمتی نگارش نیافته و آخرین سطر موجود آن اینست: (يقول بناء اسم الفاعل من الفعل الثلاثي على وزن فاعل فمثل ذلك ما كان على فعل اوفعل اوفعلا). و پشت صفحه اول بنام « کتاب

(۱) صاحب روضات نوشته اند که این مختصر را (المصباح) محمد بن یعقوب بن الیاس دمشقی معروف به ابن النحوی شارح الفیه ابن معط شرح کرده است.

(۲) در بغیه پس از روض الاذهان کلمه فیه نوشته شده و صاحب روضات عینا آن را نقل نموده و در بغیه پیش از این کتاب، المصباح در معانی ذکر شده بنا بر این فیه راجع بمعانی خواهد بود ولی در کشف الظنون با اضافه البیان بان ذکر شده از اینرو ما آن را توضیح دادیم.

(۳) در بغیه این شرح بنام « شرح حاجبیه » نام برده شده و شرح کافی هم جدا گانه ذکر گردیده و در شذرات بنام « شرح غریب تصریف ابن الحاجب » نامیده شده و روضات عین عبارت سیوطی را نقل نموده در کشف الظنون هم نام ابن شرح ذکر نشده است.

«ابن مصنف» داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه و بهمین نام که مرادف با ابن ناظم می باشد بر این کتابخانه وقف گردیده است.

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۰۱) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) عرض (۱۳ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۰۰).

[۴۰۳] شرح الفیه = سیوطی = البهجة المرضیه (عربی)

این شرح الفیه ابن مالک (در نحو) یکی از مؤلفات سیوطی است (جلال الدین عبدالرحمن بن کمال بن ابی بکر الخضیری (۱) القاهری الشافعی السیوطی (۲) (۸۴۹-۹۱۱) (۳) که از مشاهیر علما و دانشمندان قرن نهم هجری بوده و در اوائل قرن دهم وفات یافته است،

سیوطی در بسیاری از علوم و فضائل متبحر بوده مخصوصاً در تفسیر و حدیث و فقه و نحو و معانی و بیان و بدیع و لغة که همه بر آن شهادت داده اند و در این فنون و سائر علوم مؤلفات دارد، جرجی زیدان بنقل از «حسن المحاضر» مؤلف مؤلفات او را از کتاب و رساله بیشتر از سیصد (۳۰۰) دانسته و تقسیم زیرین در تاریخ آداب اللغة می باشد: ۲۳ مؤلفه در تفسیر و متعلقات آنست و ۹۵ در حدیث و ۲۱ در لغة و ۴۳ در اجزاء مفردة و ۳۵ در علوم عربیه و ۲۱ در اصول و بیان تصوف و ۵۰ در تاریخ و آداب و غیر از این دو می باشد و خوشبختانه بیشتر از مؤلفات وی باقی است و صاحب معجم المطبوعات ۹۲ مؤلفه چاپ شده او را نام برده و از کلمان هوار شماره مؤلفات سیوطی را ۴۱۵ و از فلوگل ۵۶۰ و از جمیل بک در کتاب وی که بنام «عقد الجواهر» می باشد مؤلفات سیوطی را ۵۷۶ کتاب و رساله

(۱) جرجی زیدان گوید که سیوطی جدا علی خود را اعجمی معرفی کرده شاید بهمین جهت او را خضیری گویند که منسوب به «الخضیری» باشد که محله ای از بغداد است.

(۲) سیوطی منسوب به اسیوط یا سیوط است که یکی از واحی کشور مصر می باشد و بر رود نیل واقع شده و دانشمندانی بانجا منسوب اند صاحب معجم المطبوعات چهار نفر را بدین نسبت نام برده است.

(۳) این شرح با مراجعه به معجم المطبوعات ص ۱۰۷۳ تا ۱۰۸۵ و ج ۳ تاریخ آداب اللغة ص ۲۲۸-۲۳۳ و روضات ص ۴۳۲-۴۳۷ نگاشته شده.

دانسته و تذکر داده است که سیوطی در «حسن المحاضره» شماره مؤلفات خود را ۳۰۰ معین نموده است.

جرجی زیدان نام ۵۰ مؤلفه سیوطی را که مهم بوده اند از چاپ شده و نشده ذکر نموده و ما حیرانیم که از مؤلفات وی کدام يك را بردیگری ترجیح دهیم بدین سبب نامی از مؤلفات وی نمیبریم و در این فصل و این مجلد از این فهرست چندین مؤلفه از ایشان معرفی خواهد شد.

این شرح الفیه را مؤلف خود «البهجة المرضية فی شرح الالفیه» نامیده و میان طلاب و دانشجویان بمناسبت اشتهاار مؤلف و شارح، به نام «سیوطی» مشهور گردیده و از شروح مزجی بسیار مفید میباشد و از بد و تألیف تا کنون تدریس و تعلیم آن معمول و بر آن حواشی متعدد نوشته شده و با حواشی و بدون آن مکرر در ایران و مصر و هندوستان چاپ شده است.

آغاز: بسملة احمدك اللهم على نعمك و آلائك واصلی واسلم على محمد خاتم انبيائك و على آله و صحبه و التابعين الى يوم لقائك اما بعد الخ.

(۹۴۶)

شرح الفیه این نسخه بخط نسخ حیدر علی بسال ۱۲۰۱ نوشته شده، در حاشیه بیشتر از صفحات حاشیه هائی از میرزا ابوطالب (سیوطی) و کتاب تصریح و جامع الشواهد و ابن عقیل و چلبی و بدون امضاء موجود است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۱۲۷). صفحه ای (۱۶) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). ع-رض (۱۵ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۹۶).

(۹۴۷)

شرح الفیه این نسخه اوائل آنرا بخط نسخ و اواخر آنرا بخط نستعلیق محمد بن محمد شریف بسال ۱۲۰۷ نوشته، در حاشیه بعضی از صفحات حاشیه هائی از جامع الشواهد نیز نگاشته است. (سیوطی)

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنگی آبی رنگ . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۸۲) . صفحه (۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض ($۱۶\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۹۶) .

(۹۴۸)

شرح الفیه
(سیوطی)
این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهر آن از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، بر صفحه اول نسخه دومهر یکی بادامی باین سجع « عبده محمد سنجر - الحسینی » . و دیگری مربع باین سجع : « عبده سنجر الحسینی ۱۱۰۶ » زده شده ، چندین حاشیه هم بر صفحات اولیه میباشد احتمال دارد که نویسنده آن صاحب دومهر مذکور باشد و متن (الفیه) با شنجرف نوشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۳۵) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول ($۱۵\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۸۴) .

(۹۴۹)

شرح الفیه
(سیوطی)
این نسخه بخط نسخ محمد بن میر ذوالفقار کرمی بسال ۱۲۳۸ نوشته شده ، قسمتی از اشعار الفیه بر صفحات اولیه نیز نگارش یافته و کاغذ نسخه ساخت سال ۱۸۱۵ م میباشد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی آبی رنگ . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۹۶) . صفحه ای (۱۸) سطر . طول (۱۲ سانتیمتر) . عرض ($۱۶\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۹۴) .

(۹۵۰)

شرح الفیه
(سیوطی)
این نسخه بخط نستعلیق علی بن حسین کزازی بسال ۱۲۴۴ نوشته شده ، در حاشیه صفحات اولیه مطالبی از ابن عقیل و ابن ناظم و خالد ازهری و جامی و بدون امضاء نگاشته شده و اوراق اولیه نسخه وصالی گردیده است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۹۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول ($۲۱\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض ($۱۵\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۹۵) .

(۹۵۱)

شرح الفیه
(سیوطی)

اصل این نسخه ظاهراً در قرن یازدهم نگارش یافته ، چند ورق از اوّل و آخر آن افتاده بسال ۱۲۲۴ آنرا نوشته اند و در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی از شرح تسهیل و ابن ناظم و ابن عقیل و ابوطالب و انموزج و کشاف و رضی و تصریح و اشباه و نظائر و غیر از اینها در توضیح مطالب کتاب نگاشته شده است .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۳۶) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۶ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۹۳) .

(۹۵۲)

شرح الفیه
(سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده کتاب را باآخر نرسانده و در شرح کلمه **وآله الغر** تاجمله و « یجوزان یکون » دست نگاه داشته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۹۶) . صفحه ای (۱۳) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض ($۱۵\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۹۲) .

(۹۵۳)

شرح الفیه
(سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، قسمتی از ابتداء آن افتاده و اوّل موجود اینست : (بما ذکر وقید قی التسهیل الحیم و هو قریب الزوج) و نیز از آخر آن يك ورق افتاده و آخر موجود اینست : (اذا ماللیل جنّ متحرّیاً اوجز العبارة) . و شش ورق کاغذ فرنگی سفید در اوّل نسخه گذارده شده است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۰۶) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض ($۱۵\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۹۱) .

(۹۵۴)

شرح الفیه
(سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، در حدود خمس کتاب را از آخر ندارد ، باین معنی که در او آخر مبحث جمع تکثیر نگارش آن خاتمه می یابد و آخرین سطر موجود آن اینست : (مع ماضاهما ککوز

و کیزان و تاج و تیجان و قل فی غیرهما کغزال و غزلان و فعلان بفتح ف سکون) ،
نسخه آبدیدگی دارد ولی خطوط آن ضایع نشده پشت صفحه اول و در حاشیه
بیشتر از صفحات مطالب سودمندی از شرح لباب و حاشیه هائی بامضاء سید محمد
و از ابن ناظم و جامی و غیره نگارش یافته است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۶۴) . صفحه ای
(۱۹) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۹۰) .

(۹۵۵)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال
نگارش را ننوشته ، چند ورق از اول کتاب افتاده و نخستین
سطر نسخه که در شرح این بیت (بالجبر و التئوین و التداوال
و مسند لاسم تمیز حاصل) میباشد اینست : الرحمن الرحیم و زید و صه بمعنی طلب
سکوت ما و مسلمات و حیث و کل و جوار .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف نامعلوم . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۱۴) . صفحه ای
(۱۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض ($۱۴\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره (۲۷۲)
قفسه مدرسه صدر .

[۴۰۴] شرح الفیه توسرکانی (فارسی)

این شرح چنانکه در مقدمه آن تصریح گردیده تألیف محمد علی بن مولانا
بابای توسرکانی (۱) میباشد ، از کیفیت دخول و خروج معلوم میشود که شیعی مذهب
بوده ، در کتب سیر که در دست بود نام ایشان را نیافتم ، از طرز و روش انشاء
بایستی مؤلف از دانشمندان قرن یازدهم هجری باشد ، مطالعه و خواندن این شرح
مبتدیان را سودمند است .

این شرح در حدود (۸۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسم الله الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین و صلی الله علی سیدنا الاولین
والاخرین محمد و اهل بیته الطیبین الطاهرين اما بعد بر ضمائرا اصحاب سخن و ابصار

(۱) در نسخه کلمه بابن قسم (سرکانی) نوشته شده و ظاهراً توسرکانی بوده و نویسنده
نسخه ، کلمه «تو» را از عبارت انداخته است . و گویند که «تو» و «سرکان» نام دو محل میباشد

ثاقبه (۱) ارباب حکم پوشیده نیست که اساس علوم دینیّه علم صرف و نحو است الخ .

(۹۵۶)

این نسخه را بخط نسخ سال ۱۱۲۲ محمد زمان بن حاجی عبد اللطیف تبریزی نوشته ، برگ هائی از اوّل و آخر نسخه و صالی گردیده ، پشت ورق اوّل و آخر و ورقیکه پیش و پس نسخه میباشد حواشی و یادداشت هائی بنظم و نثر موجود است .

جاء میشن نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۸۰) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۷۸) .

[۴۰۵] شرح الفیه = ترجمه الفیه (فارسی)

نسخه ای که زیر این سطور خصوصیات آن را خواهم نگاشت شرحی فارسی و یا ترجمه ایات الفیه ابن مالک میباشد ، شارح یا مترجم نامی از خود در آغاز و انجام کتاب نبرده و پس از بسمله نخستین شعر الفیه را نقل و بترجمه آن پرداخته و در آخر هم چون از ترجمه آخرین بیت الفیه فراغت یافته قلم را از دست انداخته است .

از مندرجات نسخه نتوانستم قرینه ای بر مؤلف و زمان و عامی و خاصی بودن او بدست آورم ، در کشف الظنون که شروح الفیه را نامبرده شرحی فارسی تذکر نداده ولی در کشف الحجب والاستار دو شرح فارسی از علماء امامیه بر الفیه ابن مالک نام برده شده :

۱ - شرح عبدالله بن شاه منصور قزوینی طوسی که معاصر شیخ حرّ عاملی بوده (نسخه ای از این شرح در کتابخانه حضرت رضا ع موجود و در ص ۴۹ ج ۲ امل الامل مؤلفه سال ۱۰۹۷ نام این دانشمند برده شده و از معاصرین بود و شرحی فارسی بر الفیه و رساله ای در اثبات خلافت حضرت علی بن ابیطالب ع بنام « غدیریّه » تألیف کرده است) .

(۲) در نسخه ثابقه نوشته شده ولی بایستی ثابقه باشد .

۲ - شرح محمد بن سلیم گیلانی که بسال ۱۱۸۵ از تألیف آن فراغت یافته است .
و در فهرست کتابخانه حضرت رضاع (ج ۳ ص ۱۹) شرحی فارسی بر الفیه
تألیف سلطان محمد بن علی کاشانی موجود و در آنجاست که آنرا بنام پسر خود
محمد جعفر تألیف نموده است .

این شرح مسلماً شرح قزوینی و شرح کاشانی و شرح توسرکانی که پیش از این
از آن معرفی شد نیست ، شاید شرح محمد بن سلیم و یا شرح دیگری باشد .
این شرح بامتن در حدود (۳۸۰۰) بیت کتابت دارد و گذشته از ترجمه آیات
متن توضیح ها و مثالهایی برای بیان مقصود آورده است .

آغاز : بسمله قال محمد هو بن مالک احمد رب الله خير مالک گفته پسر مالک است
حمد میگویم پروردگار خود را که این صفت دارد که بهترین مالکان است الخ .
انجام : و بر صحابه او که این صفت دارند که برگزیده شده اند یا این صفت
دارند که اختیار کرده شده اند و این صفت دارند که مختار اند تم .

(۹۵۷)

شرح یا ترجمه
الفیه
این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال
نگارش را ننگاشته ، از اینکه بسیاری از مطالب در حاشیه
نگاشته شده و در متن هم اصلاحاتی شده احتمال میدهم که
خط شارح باشد ، چند ورق از اوّل و آخر و صالی گردیده ، از مبحث منع صرف
و نواصب هر يك در حدود دو ورق افتاده و پشت ورق اوّل دعاهائی نوشته
شده است .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع بغای . شماره اوراق (۱۱۸) . صفحه ای
(۱۶) سطر . طول ($14 \frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۸۰) .

[۴۰۶] شرح انموزج = شرح اردبیلی (عربی)

مؤلف این شرح جمال الدین محمد بن عبدالغنی اردبیلی است انموزج کتابی
مختصر در علم نحو و تألیف جارالله زمخشری متوفی بسال ۵۳۸ می باشد ، صاحب
معجم المطبوعات در ص ۴۲۳ گوید بسال ۶۴۷ این اردبیلی وفات یافته و این

شرح وی در ضمن مجموعه ای در ایران چاپ شده و مرادش از مجموعه آنستکه بنام «جامع المقدمات» مشهور و مکرر چاپ گردیده، در مآخذ دیگر نامی از این شارح و زمان وی بدست نیاوردم و معجم مذکور مأخذ خود را در نقل تاریخ وفات وی معین ننموده است، حاجی خلیفه در کشف الظنون زیر عنوان انموزج فی النحو این شرح و مؤلف آنرا بدینگونه معرفی میکند: و شرحه الفاضل الشهير بزين العرب و جمال الدين محمد بن عبد الغني الاردبيلي المتوفى سنة (سال وفات را ذکر نکرده است) اوله الحمد لله الذي جعل العربية مصباحاً (در نسخه خطی ذیل و نسخ چاپی مفتاحاً میباشد و این صحیح است) للبيان الخ و چنانکه در مقدمه مذکور است که این شرح برای علاء الدین احمد ابن اقصی القضاة عماد الملة والدين مفضل کاشانی تألیف شده و شرحی قولی است.

آغاز: بسملة الحمد لله الذي جعل العربية مفتاح البيان وصيرها آلة يحترز بها عن الخطاء في اللسان الخ.

(۹۵۸)

این نسخه را بسال ۱۰۸۳ مراد علی قومنی بخط نسخ نوشته، در حاشیه بیشتر از صفحات ترجمه عبارات شرح بفارسی نگاشته شده و اعراب بعضی از جمل و عبارات شرح نیز نگارش یافته، پشت ورق اول و آخر مطالبی علمی عربی و فارسی تحریر یافته و چند ورق از اول و آخر و صالی شده است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی و چند برگ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۱۵۴). صفحه ای (۱۰) سطر. طول (۲۰ ۱/۴ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۰۷).

[۴۰۷] شرح تصریف (عربی)

این شرح نخستین مؤلفه تفتازانی است (سعد الدین مسعود بن عمر التفتازانی الشافعی $\frac{791}{792} \frac{712}{722}$) که مختصری از شرح حال و مؤلفات ایشان را در ذیل کتاب «التلویح» در فصل اصول فقه در ص ۵۵۹ ج ۱ فهرست این کتابخانه مذکور داده ایم

و تصریف کہ از آن به **العزی فی التصریف** نیز تعبیر میشود و در ص ۳۱۲-۳۱۳ همین مجلد از آن معرفی گردید ، مختصری است در علم صرف تألیف عزالدین زنجانی و تفتازانی بر آن این شرح را نگاشته و صاحب کشف الظنون در ص ۱۱۵ ج ۲ تاریخ تألیف این شرح را بسال ۷۳۸ معین نموده و نام حاشیه‌هاییکه بر این شرح و بر آن حواشی نوشته شده نیز در این صفحه از کتب موجود و این شرح نیز در ضمن مجموعه‌ایکه بنام « جامع المقدمات » نامیده میشود مکرر چاپ شده است .

آغاز: بسمله ان اروی زهر تخرج فی ریاض الکلام من الاکمام الخ .

(۹۵۹)

شرح تصریف این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۳۰ نوشته شده ، حواشی صفحات بسیار چرکین شده ، بر بعضی از صفحات حاشیه‌هایی موجود و بعضی را هم محو کرده اند ، باب حادی عشر (متن شرح معروف به « النافع یوم الحشر » در فن کلام از آن نام برده خواهد شد ضمیمه به اول این نسخه است و شش ورقیکه در میان این نسخه رنگ آنها بارنگ کاغذ سائر اوراق نسخه مختلف است از این نسخه نیست .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع بغلی . شماره اوراق کلیه (۱۰۹) . این شرح (۹۹) . صفحه‌ای (۱۸) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) . شماره کتا بخانه (۳۱۲۰) .

(۹۶۰)

شرح تصریف این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، پنج ورق از اول و سه ورق از آخر آن نو نویسی و اصل نسخه از خطوط قرن یازدهم هجری است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۴۲) . صفحه‌ای (۱۰ و ۱۷) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتا بخانه (۳۱۲۱) .

(۹۶۱)

شرح تصریف این نسخه بخط نسخ محمد صادق نام نگارش یافته ، سال نگارش نام برده نشده ، حاشیه سعدالله چلبی بر تمام اوراق

وجود دارد و ظاهراً از خطوط قرن دوازدهم هجری میباشد و بورقیکه پیش از این شرح است و پشت ورق آخر، مطالب متفرقه ای نوشته اند .
جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۰۸) . صفحه ای (۱۱) سطر . طول ($۲۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۲۲) .

(۹۶۲)

این نسخه بخط نسخ و چند ورق آخر آن بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نوشتن را نبرده ولی واضح است که در قرن سیزدهم هجری نگاشته شده و کتاب « الفوائد الصمدیه » که در همین فصل معرفی خواهد گردید پیش از این شرح گذارده شده است .
جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق کلیه (۱۲۸) .
این نسخه (۱۰۶) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول ($۲۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۴۶) .

[۴۰۸] شرح جمع الجوامع = جمع الهوامع (عربی)

این شرح و متن آن (جمع الجوامع) هر دو تألیف جلال الدین سیوطی میباشد که در ص ۳۲۷ و ۳۳۸ همین مجلد شرح حال ایشان نگاشته شد .

جمع الجوامع مختصری است در نحو و صرف و تألیف آن بطرزی مخصوص شده و آن اینست : **مقدمات** در مباحث کلیه چون معنی کلمه و کلام ، اعراب و بنا منصرف و غیر منصرف ، انواع اعراب ، تشبیه و جمع ، ضمائر ، موصولات ، حرف تعریف و غیر از اینها (این قسمت در حدود ربع کتابست .) **کتاب اول** در عهد و آن مرفوعات و آنچه مشابه آنهاست از منصوبات نواسخ میباشد . **کتاب دوم** در منصوبات است و از آن به **فضلات** تعبیر مینماید . **کتاب سوم** در بحر و رات و آنچه بر آن حمل میگردد از بحر و مات و توابع آنست . **کتاب چهارم** در عوامل انواع مذکوره است و آن فعل و ملحقات بآنست و در این کتاب مبحث اشتغال و تنازع ذکر شده است . **کتاب پنجم** در توابع انواع نامبرده بالا و عوارض ترکیب از تغییر اعراب است مانند اخبار بحاکیت و تسمیه و ضرورت شعر و این کتابهای پنجگانه در نحو است . **کتاب ششم** در ابویه است . **کتاب هفتم** در تغییر کلمات مفرد و چون زیادت

يك يا چند حرف و حذف و ابدال و نقل و ادغام . **خاتمه** در خط و طرز نگارش همزه و غیره است .

شارح در مقدمه شرح گوید: « که جمع الجوامع را بدین طرز بدیع تألیف نموده ام و مطالب آن را از یکصد کتاب گرد آورده ام و بهمین مناسبت آن را « جمع الجوامع » نامیده ام و بر آن بودم که بر این کتاب شرحی مبسوط و مفصل که حاوی اقوال و ادله موافقین و مخالفین و شرح شواهد و توضیح کامل بوده باشد نگارش دهم ولی روزگار را برای این مقصود تنگ دیدم و دانشجویان همواره خواستار شرح این مؤلفه میشدند لذا این شرح را که راهنمای بمقاصد کتابست و ایشان را بر مسائل و مطالب غریبه و مشکله آگاه مینماید تألیف نموده و آنرا « جمع الهوامع فی شرح جمع الجوامع » نامیدم .

بر این شرح احمد بن امین شنیطی متوفی بسال ۱۳۳۱ بنام « الدرر اللوامع علی جمع الهوامع » شرحی نگاشته و بسال ۱۳۲۸ دوبار چاپ گردیده است (ص ۱۴۸ مطبوعات) این شرح در حدود (۳۱۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۳۲۷ در مصر در دو مجلد چاپ شده و طرز آن اینگونه است که بدو قسمتی از عبارت جمع الجوامع نقل گردیده پس از آن شروع بشرح و بسط مطالب آن نموده تا بآخر این قسمت میرسد و باز قسمتی دیگر متن را نقل نموده و بشرح آن پرداخته تا بآخر کتاب میرسد .

جمع الجوامع بگفته مؤلف معجم المطبوعات نیز بسال ۱۳۲۷ در دو مجلد چاپ شده و آغاز آن اینست : بسمله احمدك اللهم ما سبغت من النعم الخ .
آغاز : (شرح جمع الجوامع) : بسمله يقول عبدالرحمن بن ابي بكر السيوطي الشافعي لطف الله به تعالى سبحانك لا احصى ثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك واصلي واسلم على محمد افضل من خصيصة بروح قدسك و بعد فان لنا تأليفاً في العربية جمع ادناها واقصاها الخ .

(۹۶۳)

شرح
جمع الجوامع
(جمع الهوامع)

این نسخه را بخط نسخ خوب جلال الدین ابن شریف حسن عباسی نجفی شهیر به آل ظفر بسال ۱۰۷۸ نگاشته ، متن کتاب با شنجرف نوشته شده ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد و شنجرف میباشد و درابتداء نسخه سر لوح زیبایی است ، ورق آخر و اوراقی از اول نسخه و صالی گردیده و چند یادداشت از آنهاییکه پشت ورق نخستین بوده نحو گردیده است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۸۸) . صفحه ای (۲۷) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) عرض (۱۷ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۵۲) .

[۴۰۹] شرح شافیه = شرح جاربردی (عربی)

این کتاب شرح شافیه ابن حاجب در علم صرف میباشد که در ص ۳۳۰-۳۳۲ معرفی از آن گذشت ، این شرح یکی از معروفترین شرح های آن کتاب و شارحش جاربردی (۱) است (فخرالدین احمد بن حسن بن یوسف جاربردی متوفی بسال ۷۴۶) (۲) که از معاریف علماء شافعی مذهب و ادباء در قرن هشتم هجری بوده و میانه وی باقاضی عضدایبجی (بسال ۷۵۶ مرده و شرح حال و مؤلفات او را در ص ۵۸۶ ج ۱ فهرست نگاشته ام) مکاتبات در مسائل علمی رد و بدل شده (یکی از مکاتبات این دو دانشمند در ص ۱۰۸ تا ۱۱۱ ج ۶ طبقات سبکی موجود است) و بریکدگر ردهائی نوشته اند ، پس از مرگ جاربردی پسرش محقق فاضل ابراهیم بن احمد نیز کتابی بر رد قاضی عضد درحل بعضی از مشکلات کشاف نوشته و نام آنرا « السیف الصارم علی عنق عضد الظالم » گذارده است ، جاربردی رامؤلفاتی دیگر چون شرح منهاج قاضی بیضاوی در اصول فقه و شرح الهادی الصغیر تألیف عبد الغفار بن عبد الکریم قزوینی شافعی متوفی بسال ۶۶۵ در فقه (صاحب

(۱) در ص ۴۱۶ ج ۱ و ص ۴۴ ج ۱ کشف الظنون جاربردی باجم و باء یارسی نوشته شده ولی در جاهای دیگر همه باجم و باء عربی ثبت کرده اند .

(۲) با مراجعه به روضات ص ۹۱ و شذرات ج ۶ ص ۱۴۸ و بغیه ص ۱۷۶ نسخه خطی و معجم المطبوعات ص ۶۷۰ این شرح نوشته شده .

کشف الظنون در ص ۴۱۶ ج ۱ گوید بآخر نرسیده و آنرا الهادی نامیده و آغاز آن را ذکر نموده است) و حواشی و تعلیقات بر کشف و رساله در نحو بنام المغنی در نحو میباشد [این کتاب را بسال ۸۰۱ بدرالدین محمد بن عبدالرحیم العمری البلالی بگفته کشف الظنون (ص ۴۷۳ ج ۲) شرح کرده و صاحب روضات شارح را شاگرد مؤلف و او را میلانی بدون ذکر لقب وی ذکر نموده است].
شرح شافیه جاربردی از کتابهای درسی در علم صرف میباشد و از بدو تألیف تاکنون همواره مورد مراجعه علما و استفاده دانشجویان بوده و از همه شروح برتری دارد، شارح در هنگام شرح به شرح مصنف بر شافیه نظر داشته و مشکلات شافیه و شروح پیشین آن را بدون اطناب ممل و ایجاز مختل حل نموده و تألیف آن بنام سعدالدین (۱) ابی المکارم محمد بن تاج الدین علی ساوی وزیر و برای تقرب بوی گردیده و دارای مطالبی است که در کتب دیگر کمتر یافت میشود. و در حدود (۱۲۰۰۰) بیت کتاب دارد، بسال ۱۲۷۱ در ایران و ۱۳۱۰ در آستانه ضمن مجموعه ای چاپ گردیده است.

آغاز: بسمله نحمدک یا من بیده الخیر والجود و لیس فی الحقیقه غیره
بموجود الخ.

(۹۶۴)

شرح جاربردی این نسخه بخط نسخ بدون نام نویسنده و تاریخ نوشته شده، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد، بسال ۱۲۶۱ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده و تجلید شده، متن شافیه بالای صفحات نسخه نوشته شده و در حاشیه بیشتر از صفحه ها حاشیه هائی بخط نویسنده نسخه و غیر او موجود است.

جلد میشن مطلا. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع خشتی بزرگ. شماره اوراق (۱۳۰). صفحه ای (۱۹) سطر. طول (۲۸ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) عرض (۲۰ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۱۷).

(۱) در روضات اسعدالدین نوشته شده ولی در نسخه سعدالملة والدین میباشد.

[۴۱۰] شرح شافیه = شرح نظام (عربی)

این شرح نیز از مشاهیر شروح شافیه میباشد ص (۳۳۰) [۳۹۷] و شارح آن نظام اعرج نیشابوری است (نظام الدین حسن بن محمد بن حسین المشهور به نظام الاعرج النیشابوری) (۱) که از شاگردان قطب الدین شیرازی (محمود بن مسعود متوفی بسال ۷۱۱) بوده و بامر ایشان کتاب « تفسیر التجریر » را که حاشیه بر تحریر محسوطی خواجه نصیر طوسی است و پیش از این نگاشته ولی متفرق بود بسال ۷۰۴ منظم و مرتب نموده (۲) و تفسیر « غرائب القرآن » را که مشهور به تفسیر نیشابوری و از مشاهیر تفاسیر میباشد بسال ۷۲۸ تألیف و کتاب « توضیح التذکره » (۳) را در شرح تذکره خواجه طوسی بسال ۷۱۱ تألیف نموده صاحب روضات کتابی بنام « لب التأویل » نظیر تأویلات ملا عبد الرزاق کاشانی و رساله ای در علم حساب و کتابی در وقوف قرآن نظیر وقوف سجاوندی نیز باین شارح نسبت داده اند .

بنابر قرائن مذکوره بالا شارح از علماء قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری بوده و اینکه صاحب روضات ایشان را از علماء رأس صدۀ نهم هجری و معاصر بایسید شریف ودوانی دانسته اند از حقیقت دور است و چنانکه در آخر جلد سوم تفسیر غرائب القرآن خود تصریح کرده اند بسال ۷۲۸ تألیف آن خاتمه یافته نه نه در سال خمسین و ثمانمائۀ (۸۵۰) که صاحب روضات تعیین نموده اند .

شرح نظام بر شافیه یکی از شروح مزجی و پیش دانشجویان و طالبین علم صرف بسیار مقبول و طرف توجه میباشد و چنانکه از مقدمه نسخه شماره (۳۱۳۲) کتابخانه و شماره (۹۶۵) این فهرست که شامل مطالبی است که در دو نسخه خطی دیگر نیست ،

(۱) شرح حال نظام را فقط در ص ۲۲۵ روضات دیدم و در ماخذ دیگر که در دست است نام و نشانی از ایشان دیده نشد جز در ص ۱۵۲۷ معجم المطبوعات بقل از روضات و در ص ۲۵۷ هدیه الاحباب نیز مختصری از روضات .

(۲) نسخه ای از این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است به ص ۸۸ ج ۱ فهرست کتب خطی مراجعه شود .

(۳) نسخه ای از این کتاب نیز در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است به ص ۹۱ ج ۱ فهرست کتب خطی مراجعه شود .

برمیآید تألیف آن در شیراز بنام رکن الدین ابو محمد یحیی شده که از علماء آن شهر در آن روزگار بوده است ، و شرح نظام مکرر در ایران چاپ گردیده و در حدود (۵۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: احمداک اللّٰهم علی ان وفقتنی لصرف ریعان الشباب فی اقتناء العلوم والاداب الخ .

(۹۶۵)

شرح شافیه این نسخه را بسال ۱۱۱۵ محمد بن حاجی جمال اردستانی بخط نسخ نوشته ، شامل تمام شرح میباشد ، روی عبارات متن باشنجر ف خط کشیده شده و از شرح جدا گردیده ، ورق اول و دوم و صالی شده و نویسنده حمد و صلوة را از اول نسخه انداخته و از جمله و بعد شروع کرده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار ، قطع بغلی . شماره اوراق (۱۵۸) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۱۵ $\frac{۱}{۴}$ سانتمتر) . عرض (۹ سانتمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۳۲) .

(۹۶۶)

شرح شافیه این نسخه را بسال ۱۱۱۲ امامقلی استرآبادی نوشته ، ورق اول کتاب که شامل قسمتی از دیباچه بوده افتاده ، و نسخه در (شرح نظام) آب افتاده و بعضی از کلمات آن محو گردیده است .

جلد هبشن . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۲۱۴) صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۸ $\frac{۱}{۴}$ سانتمتر) . عرض (۱۲ سانتمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۲۷) .

(۹۶۷)

شرح شافیه این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، دیباچه را ندارد و از ابتداء شرح عبارات شافیه شروع گردیده و دو ورق از آخر آن افتاده و آخرین سطر موجود آن اینست : (ونحوالذین فی التثنیه نصباً وجرأ بلامین للفرق بینه و بین الجمع لنقله اولی . ،

شرح قواعد الاعراب یا موصل الطلاب که در ص ۳۳۲ و ۳۳۳ معرفی از آن گردید ضمیمه این شرح میباشد ، در حاشیه بیشتر از صفحات تعلیقاتی بامضاء

محمد علی موجود، تاریخ نگارش هر دو نسخه بدست نیامد و ظاهراً شرح نظام از خطوط قرن سیزدهم و موصل الطلاب از قرن دوازدهم است. جلد هیشم مطاله کاغذ فرنگی و سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع خشتی. شماره اوراق کلیه (۱۳۲). این شرح (۱۰۳)، صفحه ای (۲۲) سطر. طول (۲۰ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۲۶).

[۴۱۱] شرح شافیه = شرح آقا محمد هادی (فارسی)

آقا محمد هادی پسر ملا صالح مازندرانی متوفی بسال ۱۰۸۱ می باشد و بگفته صاحب رو ضات محمد هادی (ص ۳۳۱ ذیل نام محمد صالح) تا زمان فتنه افغانه (بسال ۱۱۳۷ بوده است) حیات داشته و در همان گیر و دار بر حمت الهی پیوسته و قرآن کریم و صحیفه سجّادیه و معالم الاصول و کافیه و شافیه را بفارسی ترجمه نموده و مؤلفات دیگر نیز داشته و خط شکسته و نستعلیق را بسیار خوب مینوشته و میتوان او را از خطاطین معروف دانست، شارح چنانکه در مقدمه آن شرح گفته شده بر حسب خواست حسین علیخان که از خوانین آن دوره بوده بشرح مشکلات شافیه پرداخته و مشکلات آنرا بعبارات سهل و ساده حلّ کرده و باقوال شراح اشاره نموده و در حدود (۱۵۵۰۰) بیت کتابت این شرح است.

آغاز: الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین اما بعد چنین گوید ذره بیدمقدار تراب اقدام شعیان ائمه اطهار الخ.

(۹۶۸)

شرح شافیه این نسخه را بسال ۱۱۳۳ بخط نسخ محمد ظهیر ابن حاجی محمد زمان نوشته، در حاشیه پاره ای از صفحات تعلیقاتی از شارح و غیر ایشان می باشد، در آب افتاده ولی خطوط آن ضایع نگردیده، چند ورق آخر نسخه و صالی گردیده و پشت ورق اول يك برگ از صحیفه سجّادیه که دارای سرلوحی می باشد چسبانیده اند و یادداشت هائی از اخبار و غیره پشت ورق نخستین و آخرین و ورق الحاقی موجود است.

جلد میشن مستعمل . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۸۸) .
صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض ($۱۸\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه
(۳۱۱۸) .

[۴۱۲] شرح شرح جامی (فارسی)

نسخه زیرین که خصوصیات آن نگاشته خواهد شد ، شرحی فارسی بر شرح
جامی برکافیه است که آنرا پس از این معرفی خواهیم نمود ، ورق اول نسخه
افتاده لذا نام مؤلف و شارح بدست نیامد از مطالعه نسخه هم شارح شناخته نشد
ولی دانستیم که شرح قولی بر شرح جامی است و در حدود (۴۰۰۰) بیت کتابت
آنست .

(۹۶۹)

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۵۵ (در آخر نسخه چنین
نوشته شده : ۱۵۵) نوشته شده ، از قرائن چنین بدست میآید
که خط شارح میباشد ، ورق اول آن افتاده و نخستین سطر
نسخه اینست : خاصه خدای تعالی است الحال جواب میگوئیم که شما این راه را
قبول دارید که جنس حمد خاصه خدای تعالی است الخ .
اوراق نسخه بواسطه آبدیدگی بعضی از سطور آن محو شده و برخی وصالی
گردیده است .

جلد تیماج مستعمل . کاغذ کاهی . واقف حاج سید محسن و آقا سید ابدالله . قطع وزیری
کوچک . شماره اوراق (۷۹) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض
(۱۴ سانتیمتر) . شماره (۲۱۸) قفسه مدرسه قنبر علیخان .

[۴۱۳] شرح فوائد الصمدیه = (عربی)

الحدائق النديه في شرح فوائد الصمدیه = شرح کبیر سید علیخان
چنانکه درص ۲۰۴ - ۲۰۸ زیر شرح حال سید علیخان کبیر گفته شد ایشانرا
سه شرح بر فوائد الصمدیه شیخ بهاء الدین عاملی ره میباشد و در همین فصل از صمدیه
و شروح آن معرفی خواهد شد ، شرح کبیر سید این کتابست که خصوصیات آن
در اینجا نوشته میشود و بسال ۱۰۹۹ تألیف آن باخر رسیده و پس از این شرح صغیر

خود را نگاشته و چون زیاد مختصر شده شرحی متوسط بر این کتاب نوشته و نسخه شرح متوسط را نواده محترم ایشان آقای میرسید احمد مهذب دارند ، مؤلف نام این شرح (کبیر) را « الحدائق النديه في شرح الفوائد الصمدية » گذارده و شرحی مزجی و چون سائر مؤلفات این مؤلف در منتهی درجه خوبی میباشد و بسال ۱۲۷۴ در طهران چاپ شده است .

آغاز: الحمد لله الصمد بماله من المحامد الابديه والشكر له على آمال توجهت له نحوه فصرفها بالفوائد الصمدية احمده حمد من نزه العلي عن الاشباه الخ .

(۹۷۰)

شرح صمدیه این نسخه بخط نسخ ظاهر آ در قرن سیزدهم هجری نوشته شده ، قسمتی از آخر نسخه افتاده (تا بحث جملیکه محل اعراب ندارد) بیشتر شامل نیست) و آخرین سطر آن اینست : (ان الثمانين و بلغتها - قد احوجت سمعي الى ترجمان - الثالث انه يجوز تصديرها بدليل استقبال كن .) جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۴۰) . صفحه ای (۲۴) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۴۴) .

[۴۱۴] شرح فوائد الصمدیه = (عربی)

(الفرائد البهيه في شرح الفوائد الصمدية = شرح صغير صمدية) این شرح ، شرح صغير سيد عليخان كبير بر فوائد الصمدية میباشد و تأليف آن پس از شرح كبيروى بر این كتابست كه پيش از این معرفى شد و نام این شرح را « الفرائد البهيه في شرح الفوائد الصمدية » گذارده و در حدود (۶۸۰۰) بيت كتابت دارد و بسال ۱۲۷۰ در طهران چاپ شده و از كتب درسى طلاب علوم قدیمه میباشد .

آغاز: بسملة نحو جنابك المتعال صرف وجوه الامال و بابك مورد كل سؤال الخ .

(۹۷۱)

شرح

این نسخه بخط نسخ محمد جعفر بسال ۱۲۴۴ نوشته شده ،
صغیر صمدیه شامل تمام کتابست ، در حاشیه اوراق اولیه نسخه حاشیه ها
(الفرائد البهیة) و تعلیقاتی در مطالب نحوی از شارح و دانشمندان متقدم
ومتأخر بروی و مؤلفات ایشان موجود است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۱۷) .
صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۴۵) .
(۹۷۲)

شرح

این نسخه را محمد هادی بن معصوم بروجردی بسال ۱۲۵۹
صغیر صمدیه بخط نسخ نوشته ، رساله مختصر عربی در علم معانی و بیان
(الفرائد البهیة) و بدیع که اوراقی از اول و آخر آن افتاده ضمیمه آنست .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق کلیه (۱۷۶) .
این نسخه (۱۶۱) . صفحه ای (۲۰ و ۱۶) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) .
شماره کتابخانه (۳۱۴۹) .

(۹۷۳)

شرح

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نگارش آن خاتمه نیافته
و شامل از ابتداء کتاب تا قسمتی از مبحث مبنیات میباشد و آخرین
سطر نسخه اینست : (فیکتب بالیاء وهول للعاقل غالباً وهـ)
(الفرائد البهیة) غیره قوله والعیش فی اولائك الایام وقدیق) . متن این شرح
(الفوائد الصمدیه) ضمیمه این نسخه است و در این فصل آن را ذکر خواهم نمود .
جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق کلیه (۱۰۲) . این
شرح (۶۱) . صفحه ای (۱۱ و ۱۶) سطر . طول ($۲۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) .
شماره کتابخانه (۳۱۴۷) .

[۴۱۵] شرح فوائد الصمدیه = شرح صمدیه عبدالعظیم (عربی)

این شرح نیز بر فوائد الصمدیه و در نحو میباشد ، مؤلف خود را در دیباچه
« محمد بن عبد الغنی المشتهر بعبد العظیم الحسنی » معرفی نموده ، در مآخذیکه در دست

نگارنده است نامی از مؤلف و مؤلفه یافت نشد، از مطالب مندرجه در کتاب هم عصر و زمان وی بدست نیامد، بقرینه اینکه پس از نام مصنف متن متوفی بسال ۱۰۳۰ رحمه الله واسكنه الله فی اعلا علیین گذارده و نسخه هم بسال ۱۱۰۲ یا ۱۱۵۲ نوشته شده تألیف آن مسلماً میان دو تاریخ مذکور خواهد بود، شارح نامی مخصوص برای این شرح نگذارده و از دانشمندان اثنا عشری مذهب بوده است.

این شرح مزجی و در حدود (۳۵۰۰) بیت کتابت دارد و در بعضی از موارد باقوال علماء ادب چون زنجیری و شیخ رضی متمسک شده است.

آغاز: بسملة نحمدك يا من نحو ضميرنا موصول الى وصف اسمائه الحسنی الخ.

(۹۷۴)

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۱۰۲ یا ۱۱۵۲ محمد علی بن محمد هادی نوشته، تصحیح و مقابله گردیده، در حواشی بعضی از صفحات حاشیه هائی بامضاء منه و بعضی بامضاء منه رحمه الله دیده میشود، ظاهر آن نسخه از نظر شارح گذشته و این حواشی بخط خود او میباشد، در تاریخ تحریر نسخه آثار نحو کردن ظاهر، لذا مراد میان دو تاریخ مذکور است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۸۳). صفحه ای (۱۰) سطر. طول (۱۷ ۱/۲ سانتیمتر). عرض (۱۱ ۱/۲ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۴۸).

[۴۱۶] شرح قطر (عربی)

چنانکه در ص ۳۰۶ در ذیل شرح حال ابن هشام نحوی گذشت قطر الندی و بل الندی و شرح آن که بنا بر اختصار مشهور به شرح قطر میباشد از مؤلفات ابن هشام نحوی و در علم نحو است و این شرح نیز از کتب متداوله در میان طلاب علوم ادبیّه بوده و هست و تعلیقات زیاد بر آن نوشته شده و کاکو یار آن را بفرانسه ترجمه نموده و بسال ۱۸۸۷ در لیدن چاپ گردیده و شیخ عبدالعزیز فرغلی انصاری متوفی بسال ۱۲۱۶ مطالب قطر الندی را بنظم در آورده و در حاشیه

شرح قطر و با « مجیب‌النندی الی شرح قطر النندی » (۱) در مصر چاپ شده و این شرح قطر ابن هشام در حدود (۳۶۰۰) بیت کتابت آنست .

حاجی خلیفه در ص ۲۳۸ ج ۲ کشف الظنون قطر النندی را نام برده و چند شرحیکه بر آن نوشته شده ذکر نموده است .

آغاز : بسمله قال الشيخ الامام . . . جمال الدین ابو محمد عبدالله بن هشام الانصاری فسح الله فی قبره الحمد لله رافع الدرجات لمن انخفض بجلاله و فاتح البركات لمن انتصب لشكر افضاله الخ .

(۹۷۵)

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵۷ نوشته شده ، طرز نگارش صفحات آن يك نواخت نیست و نویسنده نام خود را نبرده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۱۵) مختلف السطور . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۰۴) .

[۴۱۷] شرح کافیه = شرح جامی = (عربی)

(الفوائد الضیائیه)

این شرح یکی از مؤلفات جامی است (نورالدین عبدالرحمن بن احمد ۸۱۷-۸۹۸) (۲) کسه از مشاهیر شعرای قرن نهم هجری بوده و برخی را عقیده اینستکه از آن قرن تا کنون بیایه وی شاعری یافت نشده و در عرفان و ادب دست داشته و مؤلفات وی بهترین شاهد و گواه بر این مدعی است ، جدّ وی شمس الدین محمد

(۱) « مجیب‌النندی الی شرح قطر النندی » تألیف جمال الدین یا عقیف الدین عبدالله بن احمد بن علی الفاکهی المکی الشافعی النحوی (۸۹۹-۹۷۲) میباشد و بسال ۱۲۶۴ در بولاق مصر چاپ شده است (ص ۱۴۳۱ معجم المطبوعات) .

(۲) برای اطلاع بر شرح حال جامی به ص ۴۳۸ روضات ، ص ۸۶ الفوائد البهیة ، ص ۲۹۳-۲۹۶ شقائق نعمانیة ، ص ۳۶۰ ج ۷ شذرات الذهب ، شرح حال جامی تألیف آقای تربیت ضمیمه تقویم ۱۳۰۸ تربیت ، ص ۵۶۹ هفت اقلیم نسخه خطی مدرسه ، تکمله نفحات الانس نسخه خطی مجلس شورای ملی و معجم المطبوعات ص ۶۷۱-۶۷۲ مراجعه شود .

دشتی (۱) اصفهانی است که بتربیت شیخ جام مهاجرت نموده و تولد عبدالرحمن در «خرجرد» از توابع جام گردیده و ظاهراً مذهب وی حنفی و ناصبی بوده و در تصوف از نقشبندیه است، صاحب روضات از مقاله امیر محمد حسین خاتون آبادی در ذکر آنهاست که از عامه امامی مذهب شده اند بوسائط از شیخ عبدالعالی کرکی (پدر محقق ثانی است) نقل نموده که در زیارت غری (نجف اشرف) با عبدالرحمن جامی همسفر بودیم در یکی از منازل درویشی پیش آمد و قصیده ای در مدح حضرت مولی الموالی خواند جامی تقاضای تکرار نمود و گریه کرد و بسجده افتاد چون برخاست ویرا جائزه ای بسزا داد چون گذشت گفت از موجب این حالات من نپرسیدی گفتم واضح بود گفت آن کدامست گفتم که مدح خلیفه چهارم را کرده بود و شمارا خوش آمد گفت بس این نیست بلکه بمدوح خلیفه اول است و اینک هنگام آن رسید که از تقيّه بیرون آییم من شیعه علی هستم و این قصیده را من گفته ام ولی نام خود را در آن نیاورده و آنرا انتشار دادم اینک که دیدم منتشر شده دانستم که منظور نظر مدوح گردیده و آنرا در محافل میخوانند لذا سجده شکر نمودم الخ. ولی شهرت جامی بعامی مذهب بودن زیاد و مؤلفات و اشعار وی این شهرت را مؤید میباشد اما چون مذهب امر قلبی است این آثار نمیتواند دلیل قاطع بر نفی و اثبات طریقه ای باشد.

مؤلفات جامی عبارتست از **هفت اورنگ** که مشتمل بر هفت کتاب منظوم میباشد و هر یک نامی مخصوص دارند و در این جلد از آن معرفی کامل خواهد شد، **نقد النصوص**، **نفحات الانس**، **اشعة اللمعات**، شرح فصوص الحکم (۲) شرح تائیه ابن فارض (بعضی از اشعار را شرح کرده)، رساله در طریقه سادات نقشبندیه، **لوائج**، شرح رباعیات لوائج، **بهارستان**، شرح کلمات خواجه محمد پارسا،

(۱) شمس الدین محمد دشتی منصوب به محله دشت اصفهانست که اینک آن محله را در دشت مینامند و دشتی نیز منسوب بقسمتی از جنوب ایران است که متصل به دشتستان واقع شده و آقای دشتی نویسنده شهیر معاصر و صاحب روزنامه شفق سرخ منسوب بانجا میباشد.

(۲) شرح فصوص الحکم جامی بسال ۱۳۰۴ و ۱۳۲۳ در حاشیه «جواهر النصوص فی حل کلمات الفصوص» تالیف نابلسی متوفی بسال ۱۱۴۳ چاپ شده (معجم المطبوعات ص ۱۸۳۲ و ۱۸۳۳).

مناقب مولانای روم، مناقب، خواجه عبدالله انصاری، الدرۃ الفاخره، تحقیق مذهب الصوفیه (۱) رساله در وجود، مناسک حج، رساله در کلمه لا اله الا الله، رساله در عروض، رساله در موسیقی، سه رساله در معما، تفسیر آیه فارهبون، تفسیر قرآن کریم (این تفسیر بطریقه عرفانی و بیش از یک حزب آن پاک نویس نشده است)، دیوان قصائد و شواهد النبوه بفارسی، شرح کافیه ابن حاجب (همین کتاب) و غیر از اینها.

این شرح از مشاهیر شروح کافیه میباشد و توان گفت که آنچه نکات شروح پیش دارا بوده با اضافاتی در این کتاب میباشد و از بدو تألیف تا کنون در مدارس قدیمه کتاب درسی بوده و خواننده آن از کتب دیگر در علم نحو بی نیاز میگردد و بر آن حواشی و شروح زیاد نوشته شده (ص ۲۵۰ و ۲۵۱ ج ۲ کشف الظنون) و شیخ محمد بن عمر معروف به قورد آفندی متوفی بسال ۹۹۶ این شرح جامی را بترکی ترجمه نموده و شارح این شرح را بمناسبت نام پسر خویش ضیاء الدین «الفوائد الضیائیة» نامیده و بنابر تصریح در آخر در ۱۱ رمضان سال ۸۹۷ (سال پیش از مرگ) تألیف آن خاتمه یافته و مکرر چاپ شده است.

آغاز: بسملة الحمد لولیه والصلوة علی نبیه و علی آله و اصحابه المتادین
بآدابہ الخ.

(۹۷۶)

این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۹۷۵ محمد بن کمال الدین حسین انصاری طسوجی نوشته و رساله ای در صرف بفارسی که بنام «صرف فارسی» در این فصل از آن معرفی میشود ضمیمه آنست، دو کتاب دارای دو سر لوح زیبا و صفحات مجدول بطلا و لاجورد و زنگار میباشد و زنگار برخی از اوراق را پاره کرده و در حاشیه بعضی از ورقها تصحیحاتی شده است. جلد تیماج. کاغذ متن و حاشیه خان بالغ و سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق کلیه (۶۹). شرح جامی (۶۴) صفحه ای (۲۷) سطر. طول (۳۵-۱) سانتیمتر. عرض (۲۳-۱) سانتیمتر. شماره کتابخانه (۳۱۵۴).

(۱) این کتاب بسال ۱۳۲۸ چاپ شده است.

(۹۷۷)

شرح جامی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، قسمتی که نیز سال نگارش را معین مینموده پاره شده، ظاهراً در قرن یازدهم نوشته شده، قسمتی از اوّل کتاب نو نویس میباشد، پشت ورق اوّل جمله هائی متفرق نوشته شده و قصیده ای در مؤنثات سماعی منسوب به ابن حاجب پس از ختم کتاب نوشته شده و اواخر برگ آخر پاره شده است.

جلد تیماج. کاغذ دولت آبادی و فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۲۲۱). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر) عرض (۱۵ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۵۵).

(۹۷۸)

شرح جامی

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، سال تألیف را که مؤلف در آخر یادداشت نموده نحو کرده اند، اینک سال نگارش نسخه هم معلوم نیست، ظاهراً از خطوط قرن دوازدهم هجری میباشد، اوراقی از اوّل و ورق آخر و صالی شده و تعلیقات مختصری بر صفحات تحریر یافته است.

جلد میشن ضربی. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچک. شماره اوراق (۲۴۰). مختلف السطور. طول (۲۳ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) عرض (۱۳ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۵۷).

(۹۷۹)

شرح جامی

این نسخه را بخط نستعلیق نقی بن علی محمد بسال ۱۲۴۱ نوشته، يك ورق از اواخر کتاب افتاده و کاغذ ننوشته بجای آن گذارده اند، در حاشیه بیشتر اوراق حاشیه هائی نوشته شده، پشت ورق اوّل و آخر نسخه و ورقیکه پیش از ورق اوّل است مطالب متفرقه ای یادداشت شده است.

جلد تیماجی مستعمل. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۲۲۹). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۱ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۵۶).

[۴۱۸] شرح کافیه = شرح رضی (عربی)

این شرح از رضی استرآبادی است (نجم الاثمه رضی الدین محمد بن حسن استرآبادی متوفی بسال ۶۸۷) (۱) که از مشاهیر علماء امامیه بوده و در نحو مخصوصاً توانائی زیاد داشته و این شرح کافیه وی خود شاهی بزرگ بر این مدعی است ، چنانکه در آخر شرح شارح خود تصریح نموده بسال ۶۸۶ (۲) تألیف این شرح در جناب غروی (نجف اشرف) خاتمه یافته و سیوطی که از مشاهیر ائمه نحو می باشد در بغیه بنام الرضی این شارح را نام برده و گوید: امام مشهور و صاحب شرح کافیه ابن حاجب میباشد که مانند آن نه شرحی بر کافیه نوشته شده و نه در علم نحو کتابی تألیف گردیده و مورد اعتماد علماء معاصر و پیشین بوده و هست و در مؤلفات خویش بر مطالب این شرح اعتماد نموده و روی آن بحث کرده و بر نام و ترجمه حال وی دست نیافته ام انتهى .

شیخ رضی در اثر همین شرح معروف به شارح رضی گردیده و صاحب روضات گویند نخستین کس که ملقب به لقب نجم الاثمه گردید این دانشمند بود این شرح وی بیش از سی هزار بیت (۳۰۰۰۰) کتابت دارد ، مؤلفات دیگر این شارح نیز شرحی بر شافیه ابن حاجب در علم صرف و شرحی بر قصائد سبعه ابن ابی الحدید در فضائل حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام میباشد .

شرح رضی بر کافیه مکرر چاپ شده و مؤلف خود آنرا در دو مجلد گذارده (جلد اول در معربات دوم در مبینات) و پس از اینکه شارح از شرح کافیه فراغت یافته و تاریخ تألیف را تذکر داده در حدود دویست بیت راجع به : هاء السکت ، حرف التذکر ، حرف الانکار ، شین الکشکشه و سین الکسکسه باین شرح ملحق نموده است .

(۱) مجالس المؤمنین ص ۲۴۴ ، امل الامل ج ۲ ص ۶۱ ، روضات ص ۲۸۷ ، کشف الحجب ص ۳۴۸ ، بغیة الوعاة در حرف الراء ، فهرست رضویه ج ۳ ص ۱۲ کشف الظنون ج ۲ ص ۲۴۹ در ذیل کافیه .

(۲) در مجالس المؤمنین و روضات و کشف الظنون و معجم المطبوعات تاریخ تألیف این شرح سال ۶۸۳ ثبت شده ولی در آخر نسخه خطی این کتابخانه و نسخه چاپ ایران (در سال ۱۲۷۵) سال ۶۸۶ نوشته شده است .

آغاز: بسملة الحمد لله الذي جلت آلائه عن ان تحاط بعد الخ .

(۹۸۰)

شرح رضی این نسخه بخط نسخ بسال ۱۱۰۶ نوشته شده، نویسنده نام خود را ننگاشته، بر حاشیه صفحات اولیه حاشیه هائی بامضاء س تحریر یافته است .

جلد تیماجی ضربی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۴۹۱) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۰۲) .

(۹۸۱)

شرح رضی این نسخه را ابوطالب بن کنعان تبریزی انصاری بسال ۱۰۱۵ بخط نستعلیق نوشته، در حدود ۸۵۰ بیت از اول آن افتاده و نخستین سطر موجودش اینست: [العلة] الغائیه وهو الذي يقال فيه اول الفكر آخر العمل الخ . عبارات کافیه را باشجر ف نوشته و از شرح بدین جهت ممتاز میباشد، در حاشیه صفحات اولیه حاشیه هائی از شارح موجود و آثار آبدیدگی در اوراق پیدا بر گ اول محتاج و صالی است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۳۶) . صفحه ای (۳۰) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۰۸) .

(۹۸۲)

شرح رضی این نسخه بخط نسخ نوشته شده و مجلد اول این شرح میباشد، نویسنده نام خود و سال نگارش را ننگاشته، پس از اتمام قسم معربات که آخر مجلد اول شمرده میشود مسائلی در مطالب صرفی و نحوی ننگاشته شده که جزء این کتاب نیست و رطوبت بر بعضی از صفحات و سطرها اثری گذارده است . جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۹۷) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ ۱/۴ سانتیمتر) . شماره (۳۲۰۵) .

(۹۸۳)

شرح رضی این نسخه دارای دو قسمت است، بخش اول آن که بدون تاریخ است نو نویس و از ابتداء شرح تا آخر مبحث اسماء اشاره میباشد

و قسمت دوم آن که از طرز و روش خط از خطوط اوائل قرن هشتم بنظر میآید، از مبحث عدد شروع و تا آخر شرح آنرا داراست و میان مبحث اسماء اشاره تا عدد که در حدود ۵۰۰۰ بیت میشود افتاده دو ورق کاغذ ننوشته میان این دو قسمت گذارده شده و تمام قسمت دوم متن و حاشیه است.

جلد میشن نیم ضربی. کاغذ فرنگی و خان بالغ. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۴۴). صفحه ای (۳۱) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر) عرض (۲۰ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۲۰۷).

(۹۸۴)

شرح رضی این نسخه و نسخه زیرین شامل تمام شرح (دو مجلد) بوده، برای اینکه از زیادی حجم آن کاسته شود در دو مجلد گذارده شده، بخط نستعلیق نگارش یافته و ظاهر آن از خطوط قرن دهم هجری میباشد، ورق اول این نسخه افتاده و نخستین سطر آن اینست: وقيل ان اشتقاق الكلمة والكلام من الكلم الخ. و تا قسمتی از مبحث ضمیر متصل و منفصل که جزء قسم دوم شرح است در این نسخه گذارده شده و بیشتر از صفحات آب دیدگی دارد و متن کتاب (کافیه) باشنجر ف نگارش یافته و برپاره ای از صفحات تعلیقاتی نوشته شده است. جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۷۸). صفحه ای (۲۰) سطر. طول (۲۵ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) عرض (۱۸ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۲۰۳).

(۹۸۵)

شرح رضی این نسخه بقیه نسخه پیشین میباشد، يك ورق پیش از آخرین ورق موجود و یکی پس از آن نسخه افتاده، اوراق او آخر و صالی شده و نیز آثار آبدیدگی در اوراق نسخه موجود است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۷۹). صفحه ای (۲۰) سطر. طول (۲۵ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) عرض (۱۸ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۲۰۴).

[۴۱۹] شرح کافیه = شرح متوسط رکن الدین = (عربی)

الوافیه فی شرح الکافیه

این شرح تألیف سید رکن الدین استرآبادی است (رکن الدین حسن بن محمد بن

شرفشاه العلوی الحسینی الاسترآبادی متوفی بسال ۷۱۵ یا ۷۱۷ یا ۷۱۸ (۱) که از مشاهیر شاگردان حضرت خواجه نصیرالدین طوسی بوده و چون علاقه شیرازی (محمود بن مسعود) بعنوان سفارت بروم رفت مقام ریاست اصحاب مراغه را یافت و بتدریس علوم حکمی پرداخت و تا آخر عمر استاد (ذیحجه ۶۷۲) ملازم وی بوده و دو سال پیش از اینکه استاد بجوار رحمت الهی منتقل شود بیست سؤال در مسائل منطقی و حکمی نوشته و خدمت ایشان تقدیم داشت که بنام یادگار بخط خویش جواب آنها را تحریر فرمایند تا از دو جهت یادگار استاد را داشته باشد (۲)، پس از مرگ خواجه از بغداد بموصل رفت و مقام تدریس و تولیت مدرسه ای را یافت و تا آخر عمر در آنجا بتدریس مشغول و نوشته اند که بی نهایت متواضع بود و در همانجا بمرد، مؤلفات وی عبارتست از شرح بر کافیه ابن حاحب (کبیر و متوسط و صغیر) [جز شرح متوسط وی که زیر این سطرها از آن معرفی میشود شرح های کبیر و صغیر آن در دست نیست ولی در حاشیه نسخه شماره (۹۸۷ این فهرست) از شرح کبیر سید نقل هائی موجود است و سبکی هم که نزدیکترین مورخین به مؤلف است (بسال ۷۷۱ مرده) گوید که شرح متوسط وی است که اینک در دست دانشجویان میباشد. و این عبارت وی میرساند که از همان اوائل تألیف، آن دو شرح متروک مانده و ما با جستجو در کتابخانه های عمومی و خصوصی بدان دودست نیافتیم] و شرح شمسه منطق، شرح مطالع، اصول دین، شرح مختصر ابن حاحب، شرح حاوی. (الحاوی چنانکه در ص ۴۱۵ و ۴۱۶ ج ۱ کشف الظنون تصریح شده در فروع و مؤلف آن نجم الدین عبدالغفار بن عبدالکریم قزوینی شافعی متوفی بسال ۶۶۵ میباشد و بر آن شروح زیاد نوشته شده است)، حاشیه بر تجرید العقائد، شرح قواعد العقاید (سیوطی گوید این شرح را برای پسر خواجه نصیرالدین طوسی تألیف نموده) و شرح شافیه.

(۱) طبقات الشافعیه سبکی ج ۶ ص ۸۶، بغیه الوعاة در حرف حاء مهمله، شذرات الذهب ج ۶ ص ۳۵ و کشف الظنون.

(۲) نسخه ای از این سؤال و جواب را که بسال ۱۰۵۸ نگارش یافته ضمیمه یکی از مجموعهات خطی متعلق بدانشمند محترم آقای سید جلال الدین طهرانی دیده و از آن یادداشتهائی دارم.

شارح این شرح را **که** پس از شرح مفصل و مختصر خویش تألیف نموده «الوافیه فی شرح الکافی» نام نهاده و شامل بسیاری از مطالب سودمند میباشد و تا کنون مورد عنایت و توجه دانشمندان و اعتماد ایشان بوده و تا کنون چاپ نشده و در حدود (۷۵۰۰) بیت کتابت دارد و بنام وزیر، یحیی بن ابراهیم بن یغرش بیلکا پادشاه ختن آنرا موشح نموده، و بر آن حاشیه هائی نوشته شده، صاحب کشف الظنون چند حاشیه آنرا نام برده و گوید شرح کبیر آن **البسیط** نام دارد و ابیات شواهد شرح متوسط را اسمعیل بن علی شرح نموده و اوّل آن اینست: لك الحمد يامن صرف قلوبنا في بحر المعاني والبيان الخ.

باید دانست که سید رکن الدین استرآبادی صاحب این شرح غیر از رکن الدین محمد بن علی استرآبادی است که فصول نصیریّه را تعریب نموده و در ص ۷۰ ج ۴ روضات نام برده شده و مؤلف روضات درباره وی گوید که زمان و حیوة وی نزدیک بزمان و عصر خواجه بوده است.

(۹۸۶)

شرح متوسط (الوافیه)
این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۵۰ نوشته شده، کاتب نام خود را ننگاشته، ورق اوّل که شامل چند سطر از مقدمه بوده افتاده و نخستین سطر نسخه اینست: (الكبير العالم الفاضل الكامل سلاله الامراء والوزراء... يحيى بن المخدوم المعظم... ابراهيم بن يغرش بيلكامل الختني الخ) در حواشی صفحات آثار تصحیح و گاهی حاشیه هائی در توضیح مطالب دیده میشود، ورق اوّل و صالی شده و بعضی از اوراق آن آثار آبدیدگی دارد. جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۴۹). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۴ سانتیمتر). عرض (۱۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۶۴).

(۹۸۷)

شرح متوسط (الوافیه)
این نسخه بخط نسخ نوشته شده، متن کتاب (کافی) باشنجرف میباشد، از اوّل کتاب تا قسمتی از مبحث عدول از بحث غیر منصرف آن افتاده و نخستین سطر موجود آن اینست: (صحراء

علی صحاری او صحراوات فقیاس جمعاء ان یجمع علی جماعی الخ .) ورق آخر نسخه
 نو نویس است و در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی از شرح رضی ، شرح خبیبی ،
 شرح کبیر مؤلف و تعلیقاتی بامضاء سعیدی ، نعمة الله ، کمال الدین ، عصمت و حاشیه
 هائی از خود شارح دارد و بعضی از اوراق و صالی گردیده و پشت آخرین ورق
 نسخه (نو نویس) یادداشتی بامضاء محمد حسن حسینی مورخ سال ۱۲۴۵ و مطالب
 متفرقه ای از دیگران می باشد و خود نسخه ظاهراً در قرن نهم هجری نگارش یافته است .
 جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۵۰) . صفحه ای
 (۲۵) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۱ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۶۵) .
 (۹۸۸)

شرح متوسط (الوافیه) این نسخه بخط نستعلیق بد خطی نوشته شده ، اوراق اول
 نسخه (۷ ورق) مشوش گذارده شده پس از دقت روی آنها
 صفحه گذاری شد ، چند سطر از دیباچه را ندارد و از این
 عبارت: (ترکیباته و مبانیه الا نادراً مع ذکر علل اکثرها و جعلته لرسم خدمه الامیر الکبیر
 سلالة الامراء الخ .) دیباچه نسخه شروع شده و از آخر هم ناقص و تاقسمتی از مبحث
 حروف جاره را دارد ، ورق آخر باطرز بسیار بدی و صالی گردیده بر ورق اول فعلی
 نسخه بنام: **لباب بر کافیه** بر این کتابخانه وقف گردیده و در دفاتر هم بهمین نام ثبت
 شده ولی مسلماً شرح متوسط کافیه است .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۲۲۱) . مختلف السطور .
 طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۷۲) .

[۴۲۰] شرح کافیه = شرح میر سید شریف = (فارسی)

شرح گیمائی

بقرائنیکه زیر این سطرها نگاشته میشود این شرح تألیف میر سید شریف
 جرجانی است (علی بن محمد بن علی جرجانی حنفی یاشیعی استرآبادی ۷۴۰-۸۱۴) (۱) که

(۱) این شرح با مراجعه به بغیة الوعاة ص ۲۵۹ نسخه خطی مدرسه ، مجالس المؤمنین ص
 ۳۴۵ - ۳۴۷ در مجلس هفتم ، روضات ص ۴۹۷ - ۴۹۹ ، کشف الظنون ، فهرست رضویه
 و معجم المطبوعات ص ۶۷۸ - ۶۸۱ نوشته شده .

از مشاهیر علماء علم ادب و دانشمندان و حکما بوده و صاحب معجم المطبوعات از او به **عالم اهل المشرق** تعبیر کرده اند، بسال ۷۷۹ (۱) که شاه شجاع در قصر زر استر اباد بود، سید بخدمت پادشاه رسید و مورد عنایت و توجه گردید، با خود بشیرازش آورد و تدریس مدرسه دارالشفاء مؤسسه خویش را بدو تفویض نمود و چون امیر تیمور گورکان شیراز را فتح نمود فرمان داد که سید بسمرقند رود و با سعدالدین تفتازانی مناظرات داشته و تا مردن این پادشاه در آنجا بود و پس از آن بشیراز آمد و در آنجا بدانسر اشتافت و قبر وی در جائیکه آنرا اکنون دارالشفای گویند مزار دانشمندانست. صاحب مجالس المؤمنین و روضات بادله ای که از مؤلفات این سید بیرون آورده اند تشیع او را ثابت کرده ولی مشهور به حنفی بودن است و مؤلفات وی عبارت از : شرح مواقف قاضی عضدایبی در کلام ، شرح مفتاح العلوم (قسمت بلاغت در حدود ده هزار بیت) ، تعریفات العلوم ، رساله در تحقیق معنی حرف ، کتاب در معما (در حدود پانزده هزار بیت است) ، حاشیه بر کشف (۲) ، حاشیه بر شرح متوسط کافیه (این حاشیه ناقص ماند و پسرش با تمام آن پرداخت) ، حاشیه بر شرح رضی بر کافیه ، حاشیه بر شرح اصفهانی بر تجرید (سیوطی شرحی بر تجرید بوی نسبت داده و شاید مراد وی همین حاشیه است) ، حاشیه بر مطول ، حاشیه بر شرح مطالع ، حاشیه بر شرح شمسیه استادش قطب الدین رازی ، شرح تصریف العزی ، شرح مختصر الاصول عضدی ، شرح حکمة العین ، حواشی بر فوائد شیخ میثم بحرانی ، رساله در فن اصول الحدیث ، شرح فرائض سراجیه ، الاصول المنطقیه ، الرسالة الشریعیه (در آداب بحث است) ، ظفر الامانی فی مختصر الجرجانی ، و مؤلفات فارسی وی عبارت از صرف میر که از کتب مختصره و مشهوره در علم صرف میباشد و کتاب کبری و صغری (۳) در علم منطق و جواب مسائل امیر اسکندر خان و ترجمان القرآن در

(۱) این تاریخ در مجالس المؤمنین ثبت شده ولی در روضات این تاریخ را ۷۸۷ سبع و ثمانین و سبعمائه نوشته است .

(۲) در ص ۱۲۳ ج ۱ فهرست این کتابخانه معرفی از این کتاب گذشت .

(۳) شمس الدین محمد پسر سید شریف متوفی بسال ۸۳۸ کبری و صغری را بنام « الدره » و « الفرّه » تعریب نموده است .

ترجمه فارسی لغات قرآن کریم (۱) و غیر از اینهاست .

این شرح مشهور به **گیپائی** است و گیپا در زبان فارسی بمعنی کله پز است و در وجه تسمیه این شرح بدین نام در فهرست رضویه نوشته شده که سید در اوائل جوانی که مدرسه نشین بوده بتعلیم پسر کله پزی مشغول بود و پدرش هر روز ناهار استاد فرزند را تهیه مینمود و سید این شرح را برای او نگاشت بنابراین مشهور بشرح گیپائی شد و در حدود (۶۰۰۰) بیت کتابت آنست .

در اینجا مناسب است که گفته شود جز سید جرجانی بر کافیه شروح فارسی نوشته اند و از آنها شرح محمد امین هروی (ج ۲ کشف الظنون ص ۲۵) میباشد .
آغاز: بسمله (۲) **الکامه** معنی کلمه در اصل لغة يك سخن است و معنی وی در اصطلاح نحوی الخ .

انجام: آنکه اعراب فعل جاری بر حرف شود که کلمه دیگر است حقیقه تمت الکتاب .

(۹۸۹)

شرح کافیه این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۲۰ نوشته شده ، از خود نسخه مؤلف و نام شرح معلوم نشد ، پشت صفحه اول بنام « شرح گیپائی » معرفی شده و آغاز و انجام آن با شرحیکه در ص ۱۵ ج ۳ فهرست رضویه بنام شرح گیپائی از آن معرفی گردیده یکی است ، متن کافیه در ۸۲ ورق پیش از این شرح گذارده شده و در همین فصل خصوصیات آن ذکر خواهد شد .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق کلیه (این شرح (۱۷۶) صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۹ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۶۳) .

(۱) نسخه ای از ترجمه لغات قرآن کریم بشماره (۲۰۱۵) در این کتابخانه میباشد ، چنانکه در ص ۱۸۵ ج ۱ فهرست گفته شد بایستی همین کتاب باشد و از مؤلفات نام برده بالا اول و ۳ و ۶ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ آن چاپ شده است .

(۲) نسخه کتابخانه رضویه و این کتابخانه بدون مقدمه و دیباچه است و شاید که مؤلف بدون مقدمه شروع بشرح کرده باشد .

[۴۲۱] شرح لب الالباب = العباب (عربی)

این شرح تألیف نقره کار است (سید جمال الدین عبدالله بن محمد بن احمد (۱) الحسینی متولد و متوفی بسال ۷۰۶-۷۷۶) (۲) که از علماء قرن هشتم هجری بوده و بسال ۷۳۵ از تألیف این شرح فراغت یافته و شرحی نیز بر شافیه ابن حاجب بسال ۷۷۲ نگاشته و شرح اخیر مکرر در آستانه چاپ شده است.

لب الالباب یا الباب در علم نحو و تألیف تاج الدین محمد بن محمد بن احمد بن السیف معروف به فاضل اسفراینی متوفی بسال ۶۸۴ می باشد و در ص ۳۷۲ بشرح حال ایشان پرداخته میشود و از کتب مشهوره در این علم می باشد و شروع چندی بر آن نوشته شده و مشهور ترین آنها همین شرح نقره کار است.

صاحب معجم المطبوعات در ص ۷۷۵ زیر عنوان: الحسینی «عبدالله» گوید: عبدالله بن محمد بن احمد الحسینی النیسابوری الشریف. جمال الدین. المعروف بنقره کار؛ ابن حجر گوید: در اصول و عربیّه سرآمد اقران بود و در اسدیه حلب تدریس مینمود و یکی از ائمه معقول میبود و ریش وی سفید و نیکو و شیعی مذهب بود (۳). و این عبارت با اسقاط جمله المعروف بنقره کار و مات سنة ۷۷۶ و تغییر مختصری در اواخر عبارت که در زیر این سطور نقل میشود عیناً در بغیة الوعاة موجود و در شذرات الذهب در ذیل و فیات سال ۷۷۶ نیز عبارات بغیه با اضافه اینکه چندی در دمشق و مصر نیز اقامت نموده و مقام شیخی بعضی از خانقاه ها رایافته و هفتاد سال زندگانی نموده و گوینده این سه بیت زیرین می باشد آورده شده:

(۱) در کشف الظنون و فهرست دارالکتب العربیه فقط نام پدر نقره کار نقل گردیده ولی در بغیه و معجم المطبوعات نام جد او احمد نیز ذکر شده و در شذرات ابن جد او محمد نامیده شده است.
(۲) بغیة الوعاة در ذیل عبدالله بن محمد، کشف الظنون ج ۲ ص ۴۴ و ۳۵ و ۳۵۱، شذرات الذهب ج ۶ ص ۲۴۲، معجم المطبوعات ص ۷۷۵، فهرست دارالکتب العربیه ج ۲ ص ۱۳۴ و فهرست خدیویه ج ۴ ص ۷۸ و ۷۹.

(۳) عبارت منقول در معجم المطبوعات اینست: «حسن الشیبیه یتشیع» و عبارت بغیه اینست: «حسن الشیبیه یتشیع مات سنة ۷۷۶». و عبارت شذرات بدینگونه می باشد: «و کان یتشیع و کان احداثة المعقول حسن الشیبیه».

هَذِبِ النَّفْسَ بِالْمَعْلُومِ لِتَرْقَى وَ تَرَى الْكُلَّ وَهُوَ لِلْكُلِّ بَيِّنٌ
 إِنَّمَا النَّفْسُ كَالزُّجَاجَةِ وَالْعَقْدُ — لُ سِرَاجٌ وَ حِكْمَةُ اللَّهِ زَيْتٌ
 فَإِذَا أَشْرَقَتْ فَأَنْتَ حَيٌّ وَ إِذَا أَظْلَمَتْ فَأَنْتَ مَيِّتٌ
 چنانکه در مقدمه شرح نقره کار (همین شرح) تذکره داده شده و در کشف الظنون
 نقل گردیده شارح تصور نموده که لباب اسفرائینی پیش از وی شرح نشده در صورتیکه
 محمد بن مسعود (سعید) بن محمود بن ابی الفتح السیرافی القالی بسال ۷۱۲ در شیراز
 بر این کتاب شرحی نوشته و دو نسخه از آن که هر دو بسال ۷۳۲ نگاشته شده اند
 در دارالکتب العربیه در مصر موجود (ج ۲ فهرست دارد ص ۱۳۴) و نسخه ای
 از آن که بسال ۷۶۴ نوشته شده در کتابخانه حضرت رضا ع نیز وجود دارد و
 آغاز آن اینست: الحمد لله الذی هدانا الى معرفة اعجاز القرآن الخ. و بنابر دو تاریخ
 نام برده بالا ۲۳ سال این شرح مقدم بر شرح نقره کار تألیف گردیده است.
 در کشف الظنون تصریح گردیده که نام این شرح **اللباب** میباشد و در فهرست
 خدیویه بنام: «**اللباب فی شرح اللباب**» نام برده شده ولی شارح در مقدمه نامی
 برای این شرح نگذاشته و در آخر نسخه این کتابخانه هم نامی برای آن دیده نمیشود
 و تا کنون چاپ نشده و از شروح بسیار نافع و سودمند میباشد و در حدود (۴۴۰۰)
 بیت کتابت دارد.

در کشف الحجب والاستار (ص ۳۷۹) کتابی بنام «**اللباب فی علم الاعراب**»
 تألیف سید محمد تقی بن سید حسین نصیر آبادی که از علماء او آخر قرن سیزدهم
 و معاصر با مؤلف کشف الحجب بوده یاد شده و گوید که مرتب بر پنج باب میباشد
 و آغاز آن اینست: الحمد من حمید ما ازهر اسمہ واعز شأنه الخ.
 آغاز: بسم الله الحمد لله قاشع غمام الغموم وقاصع همم الهموم الخ.
 انجام: بخلاف المتمدن کرفاته لا یقصد الوقف و انما عرض له ما اوجب قطع کلامه
 من النسیان.

(۹۹۰)

شرح
لب الالباب
(العباب)

این نسخه را بخط نسخ خوب عبدالجلیل بن حسن بسال ۷۹۰ نوشته ، مقابله و تصحیح گردیده ، در حاشیه پاره ای از صفحات تعلیقاتی مفید بخط نسخ و بیشتر بخط شکسته نستعلیق تحریر یافته و پشت صفحه نخستین فهرست مطالب با تذکر باینکه

در چه صفحه ای میباشد نگارش یافته و در همین صفحه میرزا آقا خان صدر اعظم نوری بسال ۱۲۷۳ بخط خود نوشته که بفرزند مکرّم نظام الملک هبه کردم و بنام «لب الالباب» در علم نحو داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده است .

جلد مقوائی مستعمل . کاغذ حنائی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۱۱) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) عرض ($۱۶\frac{۱}{۳}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۷۳) .

[۴۲۲] شرح مراح الارواح = المفراح (عربی)

مراح الارواح مختصری معروف در علم صرف میباشد و در همین فصل از آن بحث و معرفی خواهد شد ، این شرح که بنابر تصریح در آخر بنام « المفراح فی شرح مراح الارواح » نامیده شده تألیف حسن پاشا بن علاء الدین اسود است که از علماء عصر سلطان بایزید بن سلطان مراد (۷۹۱-۸۱۶) از سلاطین عثمانی میباشد و شرحی هم بر مصباح در نحو بنام الافتتاح دارد (۱) .

این شرح مراح شرحی قولی و چون اصل آن مختصر میباشد و در حدود (۶۵۰۰) بیت کتابت دارد و در معجم المطبوعات چاپ شدن آن تذکر داده نشده تصور نمیکند که چاپ شده باشد .

آغاز : بسم الله الحمد لله الذی صرف افکار قلوبنا الی صراط المستقیم الخ .

انجام : هذا آخر ما اردنا بیانه من کتاب المفراح فی شرح مراح الارواح فمن وصل الیه من علماء الاصحاب و فضلاء الاحباب والحمد لله علی الاتمام یا الله انت المستعان .

(۹۹۱)

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۱۷۸ نوشته شده ، پشت ورق نخستین اتمام عوامل ملا محسن که اوراق این نسخه ضمیمه آن بوده بسال ۱۱۲۲ یادداشت گردیده ، عبارات متن را از شرح بخطیکه در بالای آن کشیده شده تمیز داده اند ، چند برگ آخرین

المفراح

شرح

مراح الارواح

و صالی گردیده و آثار آبدید کی در نسخه پیدا است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۷۸) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول . (۲۰ سانتیمتر) . عرض ($1\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۰۹) .

[۴۲۳] شرح المصباح = الضوء (عربی)

مصباح مختصری در علم نحو و تألیف ناصر الدین مطرزی متوفی بسال ۶۱۰ می باشد و در ص ۳۹ و ۴۰ همین مجلد بشرح حال و مؤلفات ایشان پرداخته ایم و این کتاب مشتمل بر پنج باب می باشد : ۱ - در اصطلاحات نحویه . ۲ - در عوامل لفظیه قیاسیه . ۳ - در عوامل لفظیه سماعیه . ۴ - در عوامل معنویه . ۵ - فصولی چند در مطالب راجعه بعربیّت (در این فصل از معرفه ، نکره ، تذکیر ، تأنیث ، توابع پنجگانه ، اعراب اصلی و غیر اصلی ، اضماع معمول و عامل و غیره بحث گردیده است) . بر این کتاب (مصباح) شروح و حواشی زیاد نوشته شده و در ص ۴۴۸ و ۴۴۹ ج ۲ کشف الظنون نام بسیاری از آنها دیده میشود .

این شرح مصباح تألیف تاج الدین محمد بن محمد بن احمد بن سیف معروف به فاضل اسفراینی متوفی بسال ۶۸۴ است (۱) و مختصری از شرح بزرگ وی می باشد که نام آن « المفتاح » بوده و این مختصر را « الضوء » نامیده و در حدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۸۵۰ م در لکنوهندوستان چاپ شده و در ص ۳۶۹ گذشت که « اللباب فی علم الاعراب » یا « لب اللباب » نیز از مؤلفات ایشانست .

برضوء حواشی و تعلیقاتی نوشته شده و در ص ۴۴۹ ج ۲ کشف الظنون نام آنها موجود و سودی ضوء را بترکی ترجمه کرده است .

(۱) سیوطی در بغیه گوید بشرح حال و ترجمه این دانشمند دست نیافتم و در کشف الظنون هم سال وفات وی معین نشده و ما این تاریخ را از فهرست خدیویه (ج ۴ ص ۷۸ و ۹۰) و معجم المطبوعات ص ۴۳۶ نقل نموده ایم .

آغاز: بسمله (۱) ان احق ما تتوشح بذکره صدورالکتب والدفاتر الخ .
آغاز کتاب پس از خطبه : بسمله اما بعد حمدالله اما کلمه فیها معنی الشرط
 فلذلك كانت الفاء لازمة لها قال سیبویه اما زید فمنطلق معناه الخ .

(۹۹۲)

الضوء

این نسخه بخط نستعلیق بد خطی بسال ۱۱۲۷ نوشته شده ،
 در حاشیه صفحات مطالبی از شروح مصباح چون : اصباح
 (شرح المصباح) وافتتاح ومفتاح وحواشی وتعلیقات بر خود این کتاب ومطالبی

از شرح جامی و شرح لباب و غیره نگاشته شده و پشت نسخه بنام « ضوء سیبویه »
 وقف گردیده و در دفاتر کتابخانه هم بهمین نام ثبت شده ، پس از تحقیق و تتبع
 بدست آمد که شرح مصباح وتالیف تاج الدین اسفراینی است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۲۶) .
 صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۰۱) .

[۴۲۴] شرح مغنی اللیب = اغناء الادیب (عربی)

این شرح یا حواشی را بر مغنی اللیب ابن هشام که در همین فصل معرفی خواهیم
 نمود محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی (۲) که از معاصرین شیخ حر عاملی
 (۱۰۳۳-۱۱۰۴) و از دانشمندان شیعی و امامی مذهب بوده تألیف نموده و بنا بر تصریح
 در امل الامل ، مؤلف با ایشان مکاتبه داشته و مؤلفات دیگر ایشان **عین الحیوة**
در ادعیه الانتقاد در نحو شرح **جمل ملا خلیل** ، شرح **شواهد الانتقاد** ، رساله در
 تحقیق لفظ جلاله و علم نبودن آن ، رساله **غنیة الطلاب** در اباحه و تخییر **فهرست کافی**
بدیعی صنفی حلی ، رساله در مؤنثات سماعی و احکام آن ، **حاشیه** بر شرح عربی توحید

(۱) نسخه این کتابخانه خطبه ندارد و از ابتداء شرح کتاب شروع شده و این آغاز از فهرست
 خدیویه نقل شد و در کشف الظنون آمده که بر خطبه ضوء رضی الدین خوارزمی شرحی بنام
 « درة النوء فی شرح خطبة الضوء » در دو ورق نوشته است .

(۲) فقط شرح حال این دانشمند را درص ۶۹ ج ۲ امل الامل و بنقل از اینجا در ص
 روضات یافته ام و بقرینه اینکه نخستین نسخه زیرین بسال ۱۱۲۲ نوشته شده و در حاشیه نیمه
 اول آن حاشیه هائی موجود و در زیر آنها نوشته شده منه دام ظله بدست میاید تا این تاریخ
 تقریباً زندگانی میکرده است .

ملاّ خلیل قزوینی است و در مقدمه این شرح مغنی گوید: پدرم (۱) حماد الله عن المکاره و المکاید (معلوم میشود تا هنگام تألیف این کتاب حیوة داشته) بر نسخه مغنی اللیب خویش که بر آن درس خوانده بودم و نیز بر آن درس میگفتم تا واسطه جهت دوم از باب پنجم آن منتخباتی از شرح شمنی و زبده ای از شرح شواهد خلیصی و مطالب مناسبه ای از کتب لغت و تفاسیر و تحقیقاتیکه در حلّ مشکلات بر خاطر خطیر خود ایشان گذشته بود نگاشته بودند و من نیز در هنگامیکه این کتاب را درس میگفتم آنچه در بیان مراد و شرح مطالب آن بنظرم رسید در حواشی نگاشتم و از سخنان پیشینیان نیز در آنجا آوردم و چون بآخر رسید بر آن شدم که همه آن مطالب مندرجه در حواشی را باقید باینکه هر یک از کی و کجا است در مجلّدی مرتب نمایم و این کار شد و آنرا «اغناء الادیب فی فهم مغنی اللیب» (۲) نامیدم. و پیش از شروع در مطلب، مختصری از تاریخ نحو و شرح حال ابن هشام را بیان و اشارات و رموزیکه در این کتاب آورده شده ذکر و پس از آن فهرست شواهد مغنی را که پدرم مؤلف بترتیب حروف اوائل موافق ترتیب حروف تهجی مرتب نموده گذارده و در هنگام یافتن آن در کتاب کمک بزرگی میباشد و چون این بخش پایان میرسد اصل کتاب شروع میشود و در حدود (۱۳۵۰۰) بیت کتابت تمام این کتابست.

آغاز: بسم الله الحمد لله الذی رفع لواء الکلام والخطب الخ.

(۹۹۳)

شرح مغنی اللیب این نسخه را محمد نبی بسال ۱۱۲۲ بخط شکسته نستعلیق نوشته، طرز نگارش صفحات آن برخلاف عادت حائلی میباشد، حاشیه ای بر «شرح مختصر» تلخیص المفتاح که در همین جلد از آن معرفی خواهد شد و مطالب متفرقه ای از احادیث و غیره و شرح ترجمه فارسی

(۱) در امل الاهل ج ۲ ص ۱۵ شرح حال و مؤلفات این عالم نقل گردیده و گوید از معاصرین میباشد و در ص ۴۱۴ روضات ذیل ترجمه دیگری نیز بنقل از آن کتاب نام و شرح حال ایشان موجود است.

(۲) در نسخه کهنه این کتابخانه نام کتاب غناء الادیب نوشته شده چون موافق قواعد غناء مقصور است نه محدود و در اینجا همزه گذارده شده و در نسخه دیگر کتابخانه صریحا غناء ضبط شده و بمناسبت تنمیه نام کتاب که کلمه مغنی را داراست انسب و اقرب بواقع اینست که نام کتاب را «اغناء الادیب فی فهم مغنی اللیب» بدانیم از اینرو بهمین نحو از آن معرفی گردید.

زیارت رجبیه ائمه اطهار علیهم السلام الله فی کل لیل و نهار تألیف میرزا محمد بن محمد رضای مشهدی را نیز در آخر این نسخه ، همین نویسنده نوشته است .
جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۸۶) . صفحه ای (۳۰) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض ($۲۰\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۳۱) .

(۹۹۴)

شرح مغنی اللیب این نسخه را بخط نسخ محمد بن عبدالرحیم حسینی بسال ۱۲۶۸ نوشته ، و بسال ۱۲۷۰ بنام اغناء الادیب فی فهم مغنی اللیب « داخل کتابخانه ایشان شده و بالای نام کتاب پس از الادیب نوشته شده : عن کتب الاعاریب و پیدا است که از الحاقات نویسنده است و در مقدمه نسخه نام کتاب چنین نیست .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع ربعی بزرگ . شماره اوراق (۲۲۱) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول ($۲۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۳۰) .

[۴۲۵] شرح مغنی اللیب = تحفة الغریب (عربی)

این شرح از معاریف شروح مغنی اللیب میباشد و مؤلف آن دهمامینی است (بدرالدین محمد بن ابی بکر بن عمر بن ابی بکر قرشی مخزومی مالکی ۷۶۳-۸۲۷) (۱) (۲) که نیز از مشاهیر ائمه ادب و علماء قرن هشتم و نهم هجری بوده و تدریس بسیاری از مدارس مصر و یمن و هند و غیره را دارا شده و مقام تدریس نحو در الازهر را یافته و بقضاوت مصر معین گردید ولی عملی نشد ، از راه کسب روزگار میگذرانید و شرکت بافندگی بزرگی در قاهره تأسیس نمود ، ولی آتش

(۱) در نسخه خطی بغیة الوعاة این کتابخانه و تاریخ آداب اللغة و معجم المطبوعات تولد دهمامینی بسال ۷۶۳ معین گردیده ولی در روضات و شذرات بنقل از بغیة سال ۷۶۴ معین شده و قول اول ترجیح دارد و سال وفات وی را سیوطی مردد بسال ۸۲۷ و ۸۲۸ دانسته و حاجی خلیفه در تمام موارد ۸۲۸ و صاحب شذرات و جرجی زیدان جزماً بسال ۸۲۷ گفته اند .

(۲) این شرح با مراجعه به بغیة الوعاة در ذیل محمد بن ابی بکر و شذرات الذهب ج ۷ ص ۱۸۱ و روضات ج ۴ ص ۲۰۹ و تاریخ آداب اللغة ج ۳ ص ۱۴۳ و ۱۴۴ و معجم المطبوعات ص ۸۷۹ و ۸۸۰ و کشف الظنون در ذیل مغنی اللیب در ص ۴۷۴ ج ۲ و دیگر صفحات وی نگاشته شد .

گرفت و زیان بسیاری بدو رسید از آنجا به سعید (ظاهر آهمن پرت سعید فعلی باشد) گریخت طلبکاران در پی وی رفتند و بخواری او را بقاهره برگردانیدند، شیخ تقی الدین بن حجّه با وی مساعدت کرد و باناصر الدین بارزی سرّاً مکاتبه نمود و کار او اصلاح شد.

سیوطی در بغیه مؤلفات زیرین را بدین مؤلف نسبت داده و دیگران چون شرح حال وی آنها را از کتاب بغیه نقل نموده اند: شرح بخاری، شرح تسهیل، شرح خزرجیه (۱)، جواهر البحور فی العروض (ابن لؤلؤ زرکشی بر این کتاب شرح نوشته و نسخه از آن در الجزائر موجود است)، الفواکه البدریه (منتخبی از اشعار و منظومات اوست)، نزول الغیث (این کتاب رد بر شرح لامیه العجم صفدی میباشد و نسخه آن در کتابخانه خدیویه موجود است. تاریخ آداب اللغه)، مقاطع الشرب (۲) مختصر حیاة الحیوان دمیری بنام عین الحیاة، و تحفة الغریب (همین کتاب) و جرجی زیدان این کتابها را نیز از مشاهیر مؤلفات دماغینی معرفی کرده است کتاب القوافی (ابن عمر بلخی بر آن شرح نوشته و نسخه ای از آن در لیدن و مکتب هندی موجود است) الفتح الربانی فی الرد علی البنانی (این کتاب رد بر منهاج بنانی میباشد و نسخه آن در لیدن است)، شمس المغرب فی المرقص والمطرب (نسخه آن در برلن موجود است).

مؤلف کشف الظنون در ذیل معرفی از کتاب مغنی گوید: دماغینی بدرالدین محمد بن ابی بکر شرحی بر مغنی اللیب در مصر تألیف نمود و چون بهند رفت در آنجا نیز شرحی قولی بزرگتر از شرح پیشین بر این کتاب نگاشت و بسال ۸۱۸ (۳) از

(۱) این شرح در معجم المطبوعات بنام «العیون الفاخرة الغامزة علی خبايا الرامزة» و در علم عروض معرفی شده و بسال ۱۳۰۲ چاپ گردیده است.

(۲) در کشف الظنون این کتاب «مقاطع الشرب» بایاء میان طاء و عین ضبط شده ولی در بغیه و سائر ماخذ که همه از بغیه گرفته اند بدون یاء میباشد.

(۳) از هند درجات بغیه بدست میاید که یس از سال ۸۲۰ دماغینی بهند رفته و از مقدمه خود شارح بدست میاید که چون عازم بر کشتن بوطن خویش بوده یا دشت از او خواسته که چندی دیگر توقف نماید و بتدریس مشغول باشد و در آن هنگام بتالیف این شرح پرداخته و تصور میکنم که مراد کشف الظنون سال ۸۲۸ بوده و بیست آن ده نقل شده و در آخر نسخ این کتابخانه سال فراغت از تألیف نیست.

آن فراغت یافت و پس از آن بشرحی مزجی بر مغنی اشتغال یافت و تا حرف الفاء آن تألیف گردید ولی باخر نرسید و اگر تمام آن از قلم وی بیرون آمده بود بهترین شروح بود.

شرح دمامینی (تحفة الغریب) در میان دانشجویان بسیار مشهور و بر سائر شروح آنرا ترجیح میدهند و این همانست که مؤلف در هندوستان بتألیف آن مبادرت نموده و مقدمه آنرا بنام احمد شاه بن محمد شاه بن مظفر شاه از سلاطین هندوستان موشح کرده و شمنی در مقدمه شرح خویش از آن تجلیل نموده و در حدود (۳۲۰۰۰) بیت کتابت دارد.

صاحب معجم الہ مطبوعات در ۸۸۰ نوشته شده که تحفة الغریب بشرح مغنی البیاب سال ۱۳۰۵ در حاشیه شرح شمنی در مصر چاپ گردیده و آغاز آن اینست: الحمد لله الذی لا افتقار الی مغن سواه الخ.

ولی چنانکه می بینید آغاز این کتاب غیر از عبارت بالا می باشد و نسخه چاپ مصر هم در دست نگارنده نیست تا با آن مقابله شود ولی گمان میکنم که نسخه چاپ شده شرح مختصر دمامینی باشد که در مصر تألیف گردیده و در ص ۱۳۵ ج ۲ فهرست دارالکتب العربیه در ذیل عنوان شرح دمامینی بر مغنی البیاب نوشته: شرح مصری است و مؤلف تا حرف فاء رسیده و اول آن اینست: اما بعد حمد الله علی افضاله. و چنانکه میدانیم این جمله ابتداء مغنی البیاب می باشد و معلوم میشود که خطبه و دیباچه شرح را آن نسخه ندارد لذا نمیتوانیم حکم کنیم که این نسخه موجود در دارالکتب کدام يك از شروح این مؤلف است ولی بقرینه گفته کشف الظنون شاید شرح سوم وی باشد.

آغاز: بسم الله الحمد لله الذی منح من لسان العرب الایادی (۱) الحسنه الخ.

انجام: ولیکن انفصالی من الکلام فی الشرح علی هذا الوجه الحسن ولنکف القلم عن شوطه والصلوة علی خاتم النبیین محمد ص بدر التمام ومسک الختام و آله وصحبه مصاییح الظلام والتحیات الطیبات واصله الیه والیهم السلام.

(۱) این کلمه در دو نسخه ذیل الایادی نوشته شده و در دیگری که بنظر نگارنده اصلی است الادیان ضبط شده است.

(۹۹۵)

شرح مغنی اللیب این نسخه بخط نسخ عمر بن بهاء الدین بشیطی شافعی بسال ۱۰۱۱ از روی سه نسخه با کمال دقت استنساخ گردیده، متن (تحفة الغریب) و حاشیه شده و عناوین متن و شرح با شنجرف میباشد و مجدول به زنگار و سرخی است و پشت صفحه اول اردشیر قاجار بسال ۱۲۶۸ یاد داشت نموده که این کتاب را فرمانفرما فریدون میرزا به علیقلی میرزا (اعتضاد السلطنه) داده است.

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی و سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۴۳) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۳ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۲۵) .

(۹۹۶)

شرح مغنی اللیب این نسخه بسال ۱۰۹۹ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، پشت صفحه اول یادداشتی بوده آنها را محو کرده اند و (تحفة الغریب) یادداشتی دیگری اینک میباشد ، ورق اول و دو ورق آخر و صالی شده و از نسخه پیشین صحیح تر میباشد .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۸۴) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۵ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۷ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۲۶) .

(۹۹۷)

شرح مغنی اللیب این نسخه بخط نسخ خوب بسال ۱۰۹۲ نوشته شده ولی شامل از ابتداء شرح تا اول مبحث مسوغات ابتداء بنکره (اواسط (تحفة الغریب) باب چهارم مغنی) میباشد و در حاشیه ۱۸۴ صفحه آن مغنی اللیب تا آخر حرف لام همین نویسنده نوشته و یادداشتی از پشت صفحه نخستین نحو شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۲۰) صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۵ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۹ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۲۷) .

[۴۲۶] شرح مغنی اللیب = شرح ابن ملا = (عربی)

(منتهی امل الادیب من الکلام علی مغنی اللیب)

مؤلف این شرح ابن ملا است (احمد بن محمد بن علی بن احمد مشهور به ابن ملا متوفی بسال ۹۷۴ یا در حدود ۹۹۰) (۱) که از علما و ادباء قرن دهم هجری بوده و شاگردی رضی الدین ابوالبقا محمد بن ابراهیم بن یوسف بن عبدالرحمن بن حسن حلبی حنفی متوفی بسال ۹۷۱ (۲) را نموده و از این شرح او معلوم میشود که در علم ادب دستی قوی داشته و بکتاب سابقین آشنا بوده و در این شرح خویش مطالب مهمه‌ای از دانشمندان پیشین گرد آورده و مخصوصاً مطالب دمامینی و شمنی در شرح مغنی و شرح شواهد سیوطی را بر آن کتاب ذکر نموده و تحقیقاتی از خود دارد و گذشته از شرح مطالب مغنی اللیب بمناسبت نام اشخاص، شرح حال و مؤلفات ایشان را نیز بیان نموده و صاحب روضات گوید که شرح ابن ملا بزرگ است و من بر مجلد اول آن که بخط مؤلف بود دست یافتم.

نگارنده بیش از این از مؤلف و مؤلفه او در کتب اطلاعی بدست نیاورد و در فهرس موجوده هم نسخه‌ای از این شرح را نیافت و نمیداند که مؤلف موفق باتمام شرح شده و یا بیش از این مقدار که نسخه زیرین شامل آنست و در حدود (۱۷۰۰) بیت کتابت دارد از قلم او بیرون نیامده و این شرح مزجی میباشد و در مقدمه آنرا « منتهی امل (۳) الادیب من الکلام علی مغنی اللیب » نامیده است.

آغاز: بسمله حمداً لمن شرح صدورنا لفهم اسرار العربیه الخ.

(۱) در ص ۹۳ روضات نام مؤلف و اجداد وی چنانکه نقل کردید ضبط شده و گوید که بروفات او دست نیافته ام و صاحب کشف الظنون در ص ۴۷۵ ج ۲ ذیل مغنی اللیب گوید: و این کتاب را احمد بن محمد حلبی معروف به ابن ملا متوفی در حدود ۹۹۰ شرح نموده و شش سطر پس از این نیز گوید: و از شروح این کتاب شرح عالم احمد بن ملا محمد حلبی متوفی بسال ۹۷۹ میباشد. نگارنده احتمال قوی میدهد که این هر دو یکی میباشد و در نسخه زیرین و روضات ابن ملا بدون نون ضبط گردیده و تاریخ وفات غلط ثبت شده است.

(۲) صاحب روضات این تاریخ را از شرح ابن ملا نقل نموده است.

(۳) در نسخه زیرین نام کتاب « منتهی اصل الاریب من الکلام علی مغنی اللیب » ثبت گردیده ولی صاحب روضات بدینگونه که در اینجا عنوان شده ضبط کرده اند، گذشته بر اینکه این تسمیه بهتر بنظر میاید و چون نقل از نسخه خط مؤلف کرده اند مورد قبول بیشتر از نامی است که در این نسخه است.

(۹۹۸)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده بر عبارات متن باشنجرف
 شرح مغنی اللیب (منتهی امل الادیب) خط کشیده شده و از شرح ممتاز گردیده ، شامل شرح از
 ابتداء مغنی تا و آخر مبحث امای مفتوحه میباشد ، از آخر
 افتادگی دارد و آخرین سطر آخرین ورق نسخه اینست : و اما الباء ففی متعلقه
 نظر لایکون حالاً من الشرای بتقدیر کائناً لانه مبتداء و المبتداء) چند ورق کاغذ نوشته
 در اول و آخر نسخه میباشد .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . وائف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۷۰) .
 صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۸ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۸ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه
 (۳۲۲۹) .

[۴۲۷] شرح مغنی اللیب = شرح شمنی = (عربی)

(المنصف من الکلام علی مغنی ابن هشام)

این شرح از شمنی است (تقی الدین احمد بن محمد بن محمد بن حسن بن علی بن
 یحیی بن محمد بن خلف الله بن خلیفه الشمنی القسطنطنینی الحنفی ۸۰۱-۸۷۲) (۱) که
 از مشاهیر شراح مغنی اللیب میباشد و استاد جلال الدین سیوطی بوده ، وی او را
 در بغیة الوعاة تجلیل بسیار نموده و قسمتی از اشعار او را نقل و قصائد و اشعاریکه
 در مدح و رثاء او ، خود سروده بود (سیوطی) و یادگران انشاء کرده بودند آورده و
 گوید مؤلفات شمنی عبارتست از شرح مختصر الوقایه ، شرح نظم النخبه هر دودر
 فقه ، حاشیه بر شفا و شرح بر مغنی اللیب و او را مقام قضاوت دادند نپذیرفت و در
 تفسیر و فقه و اصول و حدیث و معانی و بیان و غیره استاد بود ، قسمت زیادی از
 مطول سعدالدین و توضیح ابن هشام را بادقت پیش ایشان خوانده ام و بر شرح
 الفیه و جمع الجوامع تألیف من تقریظ نگاشته و بامن بنظر لطف و محبت نگاه میکردند .
 شارح گوید : در هنگام تدریس مغنی و مراجعه بشرح دمامینی (تحفة الغریب)

(۱) بغیة الوعاة ذیل احمد بن محمد (نسخه خطی مدرسه ص ۲۱۲-۲۱۷) ، روضات (عبارات
 بغیه باختصار) ص ۹۲ و معجم المطبوعات ص ۱۱۴۳ .

دیدم که اعتراضات زیاد در آنست و اشکالاتی داراست که حل نگردیده و خداوند بر من منت گذارد و آن مطالب مشکله بر من کشف شد و اعتراضات را وارد ندیدم مطالب نام برده متفرق بود یکی از اصحاب خواستار شدند که آنها را در کتابی گذارم و شرح شواهد مذکوره در مغنی را بر آن افزایم و مشکلاتی را هم که دیگران شرح نکرده اند شرح نمایم ، خواهش ایشان را پذیرفتم و با کمال انصاف بتألیف این کتاب پرداختم و آنرا « المنصف من الکلام علی مغنی ابن هشام » نامیدم و از خداوند راه راست را خواستارم .

شرح یا حاشیه شمنی بسال ۱۲۷۳ در طهران و بسال ۱۳۰۵ در مصر چاپ شده و میان طلاب و دانشجویان بسیار مشهور میباشد و سید علیخان کبیر که از مشاهیر ادباء قرن دوازدهم هجری بوده بر نسخه زیرین شهادت داده اند که این حاشیه بسیار مفید و سودمند است . و در حدود (۲۶۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسملة الحمد لله الذی خص کتابه بعدم المعارضة وبالعجاز تبیاناً لكل شیء فهو مغنی اللیب بالحقیقه لا بطریق المجاز الخ .

(۹۹۹)

شرح مغنی اللیب این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، پشت صفحه اوّل المنصف این عبارت نوشته شده : استکتمته لنفسی ولمن شاء الله من بعدی و کتبه الفقیر علی صدر الدین بن احمد الحسینی عفی عنهما من الکلام آمین . و در ذیل آن آقا محمد مهدی عبدالرب آبادی بخط خویش بعربی نوشته اند که احتمال قوی میدهم که این خطّ خطّ شارح صحیفه سجادیه سید علیخان میباشد . نگارنده با آشنائی بخط مرحوم سید این احتمال را تصدیق مینمایم و در این کتابخانه چند قطعه خط ایشان میباشد بنابراین باشهادت خط و کاغذ این نسخه در اواخر قرن یازدهم یا اوائل قرن دوازدهم هجری نوشته شده است .

بر ورقیکه پس از کتاب سفید بوده ابوالحسن جهرمی چند غزل از خود نوشته
و مطلع یکی از آنها اینست :

عشق آمد و عقل نکته دان رفت شمس آمد و شمع از میان رفت
جلد تیماجی کهنه . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۵۰۹) .
صفحه ای (۲۶) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه
(۳۲۲۸) .

[۴۲۸] شرح مفصل = المحصل (عربی)

این شرح بر کتاب المفصل زنجشیری در علم اعراب و نحو میباشد که در همین
فصل از آن معرفی خواهد شد و مؤلف آن اندلسی است (ابوالقاسم یا ابو محمد
علم الدین قاسم بن احمد بن موفق بن جعفر المرسی اللورقی الاندلسی ۵۷۵-۶۶۱) (۱)
که از قراء و نحویین و متکلمین قرن ششم و هفتم هجری بوده و آشنائی کامل به اصولین
و عربیّت و قرأت داشته ، شاگردی تاج الدین کندی (۵۲۰-۶۱۳) (۲) را نموده
و ریاست قراء شام را دارا بوده و در آنجا بتدریس و تصنیف اشتغال داشته و
شاطبیه را شرح نموده و این شرح مفصل که المحصل (۳) نام دارد نیز از او است .
نسخه ذیل شرح بر ۱/۱۱ مفصل میباشد و (۸۶۸۰) بیت کتابت آنست و در آخر آن
تصریح شده که مجلد اول این کتاب خاتمه یافته و پس از این مجلد دوم شروع خواهد شد ،
بنابر این بایستی تمام شرح در حدود (۱۴۰۰۰) بیت کتاب داشته باشد از سائر

(۱) شرح حال این شارح از ص ۳۰۷ ج ۵ شذرات الذهب نقل گردید و در اینجا لقب شارح
فقط العلم ذکر شده و در کشف الظنون ص ۴۸۹ ج ۲ علم الدین تصریح گردیده و شذرات
گفته که ورق منسوب به لورقه بافتح دو حرف اول و سکون سیم نام شهری در اندلس است
و یا قوت برخلاف این تشکیل گفته .

(۲) این تاریخ از ص ۴۵ ج ۵ شذرات نقل شد و شرح حال ایشان در آن صفحه و صفحه
۵۵ نگاشته شده است .

(۳) در نسخه ذیل که نزدیک بزمان شارح نوشته شده نام این شرح با کمال وضوح و آشکارائی
« المحصل فی شرح المفصل » ضبط گردیده ولی در ص ۴۸۹ ج ۲ کشف الظنون موصول
معین گردیده و نیز در ۴۸۹ ج ۲ همین کتاب در ذیل مفصل گوید از شروح آن شرح
منتخب الدین محمد بن سعد المروزی الدیباجی متوفی بسال ۶۰۹ بنام المحصل شرحی بر مفصل
نوشته و فخر اسفندی (ابوعاصم علی بن عمر بن خلیل بن علی فقیهی) متوفی بسال ۶۹۸ نیز
شرحی بر مفصل بنام « المقتبس فی توضیح ما التمس » نگاشته و مطالب آن مقتبس از شروح
مفصل میباشد و از آن جمله این محصل دیباجی است .

مجلدات آن در فهارسیکه در دست نگارنده است نامی و نشانی نیافتیم ، مؤلف در مقدمه تصریح نموده که این تألیف را به پیشگاه پادشاه دانشمند **شرف الدین عیسی بن ملک العادل ابی بکر بن ایوب** تقدیم داشته و درص ۱۱۵ ج ۵ شذرات الذهب در زیر مردگان سال ۶۲۴ نام این پادشاه را برده و گوید بسال ۵۷۶ در مصر متولد شده و قرآن را حفظ نموده و در فقه عالم شده و جامع کبیر را در چند مجلد شرح نموده و اشعار بسیار دارد و حنفی متعصبی بود ، هر کس که مفصل زنجشیری را حفظ مینمود صد اشرفی و خلعتی باو جائزه میداد بدین سبب بسیاری آن کتاب را حفظ نموده اند ، و این شارح درست گفته که هیچکس را شایسته تر از ایشان ندیده که شرح خود را بوی تقدیم نماید .

شارح پیش از شروع بشرح مفصل مختصری از شرح حال زنجشیری را نگاشته پس از آن بشرح خطبه پرداخته و در این شرح اقوالی از تاج الدین کندی متوفی بسال ۶۱۳ و صدر الافاضل قسم بن حسین خوارزمی که بگفته کشف الظنون (ص ۴۸۹ ج ۲) بسال ۶۱۷ مرده و سخاوی و ابوالبقا و سیبویه و جرجانی و سیراقی و ابن جنی و مشاهیر دیگر آورده و شرحی بسیار روان و شامل مطالب سودمندی است و چون نام تاج الدین را بالفظ ترحیم ذکر نموده و شرف الدین عیسی بسال ۶۲۴ مرده تألیف این شرح میان سال ۶۱۳ و ۶۲۴ بوده است .

آغاز: (۱) شرح مافی الخطبة من الغریب افتتح رحمه الله خطبته بقوله الله احمد مقدماً لاسم الله تعالى تبرکاً و اهتماماً علی عادة العرب فی تقدیم ما هو الا هم الخ .

(۱۰۰۰)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، اگر خط مؤلف نباشد از آن عصر هم چندان دور تر نگارش نیافته، و تا ابتداء شرح جواز حذف مبتدا یا خبر را دارا میباشد ، ورق نخستین آن افتاده و اولین سطر موجودش اینست : کتاب المحصل فی شرح المفصل (این قسمت بالای صفحه نگاشته

شرح مفصل
(المحصل)

(۱) چون ورق اول نسخه افتاده آغاز اصل شرح پس از بسمله بدست نیامد بدین سبب ما آغاز شرح را در اینجا آوردیم .

شده) ثم لم ازل اجوب به الى البلاد وانفق الطارد والنلاد واطلب عالماً يعرف قدر ماتحملته في تحصيله الخ. برور قیکه پیش از برگ نخستین می باشد یادداشت هائی است. جلد تیماجی. کاغذ قدیمی حنائی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۳۶) صفحه ای (۲۳) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۶ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۵۱).

[۴۲۹] شرح شواهد سیوطی (عربی)

این کتاب که خصوصیات نسخه آنرا زیر این سطرها مینگاریم مشتمل بر شرح شواهد ایاتی است که در شرح سیوطی بر الفیه ابن مالک (بهجة المرضیه) بآنها استشهاد گردیده، بسیاری از مطالب و عبارات آنرا با عباراتی که از شرح شواهد عینی در حاشیه سیوطی های چاپ ایران نوشته شده مطابقه نمودم عین آن عبارات بود با حذف جملی از آنها، بنابراین توان این کتابرا «مختصری از شواهد عینی» دانست باین معنی که آنچه از ایات سیوطی در شرح خود بر الفیه شاهد آورده در شروح چهار گانه (۱) ای که عینی شواهد خود را برای ایات مستشهده در آنها ترتیب داده وجود داشته و این انتخاب کننده که نام آن در خود کتاب نیست و در جای دیگر هم بدان آگاهی نیافته ایم بترتیبیکه ایات در سیوطی قرار گرفته مختصراً آورده و خود کتابی مستقل گردیده است.

طرز کتاب اینست که شعر استشهاد شده را ذکر و گوینده آنرا در صورت امکان معین نموده و در بعضی موارد مقدم و مؤخر آنرا هم بیان نموده و پس از آن محل شاهد را نشان داده و گاهی بترکیب بیت هم می پردازد و در حدود (۲۵۰۰) بیت کتابت آنست.

(۱) کشف الظنون درص ۱۴۲ ج ۱ و ۷۱ ج ۲ نوشته که بدرالدین محمود بن احمد مشهور به عینی متوفی بسال ۸۵۵ شواهد شروح چهار گانه الفیه را (شرح ابن عقیل، شرح ابن ناظم، شرح ابن هشام و شرح ابن ام قاسم) جمع نموده و بسال ۸۰۶ شرح بزرگی بر آن بنام «المقاصد النحویه فی شرح شواهد شروح الالفیه» نگاشته پس از آن بر حسب خواست جمعی آنرا مختصر نموده و نام آنرا «فوائد القلائد فی مختصر شرح الشواهد» نامیده (بسال ۸۱۷ تالیف آن تمام شده) و ابن ام قاسم را شیخ شمس الدین حسن بن قاسم المرادی النحوی متوفی بسال ۷۴۹ معرفی کرده است.

آغاز: بسمله اقا ئلن احضرو الشهودا قاله رؤوبه وقبله: اريت ان جأت به املودا
مرجلاً و يلبس البرودا اقا ئلن الخ اريت اصله اريت والا ملود بضم الهمزة الناعم
والمرجل بالجيـم المزین و قيل بالحاء المهملة وهو برد يصور عليه الرّ حال والشاهد
فی قوله اقا ئلن حيث ادخل فيه نون التأكيد وهو اسم الفاعل وهذا اندر الخ.

(۱۰۰۱)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، قسمتی از اواخر کتاب
شرح
شواهد سیوطی
(چهار پنج ورق) افتاده ، ظاهراً نسخه از قرن یازدهم هجری
یادگار مانده ، پشت نخستین صفحه ایاتی در بحور اشعار
نگارش یافته ، بسال ۱۲۷۰ بنام شواهد سیوطی داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه
گردیده و بهمین نام بر این کتابخانه وقف و در دفاتر آن ثبت شده ، اوراقی از
اوائل و اواخر نسخه و صالی شده ، آثار مقابله و تصحیح بر صفحات موجود ، در
حاشیه بیشتر از صفحات تعلیقاتی نوشته شده و آخرین سطر آن اینست :

(الحق بهمز تین الاولی للاستفهام والثانیة همزة اداة التعریف وفيه الشاهد فانه) .
جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۸۲) . صفحه ای (۱۵) .
سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۲ ۱/۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۸۸) .

[۴۳۰] شرح شواهد مغنی اللیب (عربی)

جلال الدین سیوطی که درص ۳۳۷-۳۳۸ بشرح حال و بیان مؤلفات ایشان پرداخته ایم
اشعاریکه ابن هشام در مغنی اللیب بآنها استشهاد نموده گرد آورده و پس از آن
بشرح آنها پرداخته و در مقدمه همین شرح گوید در حاشیه ایکه بر مغنی اللیب
بنام « الفتح القریب » نگاشتم شواهد آنرا نیز شرحی مختصر کرده ام پس از آن
بر آن شدم که جداگانه در شرح شواهد کتابی سازم که مشتمل بر تمام قصائدی باشد
که يك بیت یا ایاتی از آن استشهاد گردیده و فوائد و لطائف دیگری بر آن افزایم
و شرح حال گوینده و محل شاهد از آن بیت و بیان معانی کلمات مشکله آنها را متکفل
باشد، چون بتألیف آن دست زدم دیدم که در حدود چهار مجلد میشود و اتمام

این کار بسیار طول خواهد کشید و خوانندگان ملول خواهند شد، از بانجام رسانیدن آن گذشتم و طرزی میانه شرح نخستین و شرح دومین برگزیدم و در اینجا پس از اینکه بدتی را عنوان مینمایم بقیه ابیات آن اگر از ده نگذرد همه را می آورم و اگر بیش از ده باشد ابیاتی که در این کتاب مؤلف بآنها استشهاد نموده و یا از لحاظ ادبیّت و عربیّت و محسنات لفظی و معنوی از دیگران پیشتر باشند می آورم و بشرح کلمات و لغات مشکله آنها می پردازم و محل شاهد را هم معین مینمایم و مینگارم که این ابیات از کیست و شرح حال او چیست و در چه مورد و هنگام آن را سروده است.

مؤلف در مقدمه نیز مأخذ خود را نام برده و تا بآخر بهمین نهج که گفته بود پیش رفته و این مؤلفه او نیز گنجینه ای ادبی و بسی گرانبهاست و در حدود (۱۸۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۷۱ در ایران و بسال ۱۳۲۲ در مصر چاپ شده است (۱).

آغاز: بسم الله الحمد لله الذي فتق السن العرب العاربة بالفصاحة الخ.

(۱۰۰۲)

این نسخه را بخط نسخ عبد العلی بن ملا علی زنوزی بسال

۱۲۸۴ نوشته، عناوین ابیات در اوراق اولیه باشند چنانچه نوشته

شده و در اواخر جای آنها باز مانده و برگ نخستین آن

و صالی گردیده است.

جلد تیماجی نیم ضربی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۵۲). صفحه ای (۲۰) سطر. طول (۲۴ سانتیمتر). عرض (۱۶ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۲۴۴).

[۴۳۱] صرف منظوم = رساله در صرف (فارسی)

چنانکه در ص ۳۵۹ زیر شرح جامی شماره (۹۷۶) این فهرست گفته شد

(۱) در ص ۱۰۸۱ معجم المطبوعات نام این کتاب «الفتح القریب بشواهد مغنی اللیب من کتب الاعراب» ثبت شده ولی در خود این شرح این نام نیست تصور میکنم که نام حاشیه مؤلف که در مقدمه برده شده مؤلف معجم مذکور را بخط انداخته است.

کتاب یا رساله ای در صرف بفارسی ضمیمه آنست و بر وسط سر لوح زیبای آن نوشته شده: **رسالة فی الصرف**. مؤلف مطالب مهمه صرفی را که برای فارسی زبانان نوآموز، یاد گرفتن آنها لازم است در تحت عناوین مختلفه بنظم آورده و مطالبیکه بیان آنها بنظم مقصود را چنانکه باید و شاید ادا ننموده چون صیغ افعال ماضی و مستقبل و غیره آنها را به نثر بیان کرده و مؤلف در آغاز و انجام نام خود را نیاورده نگارنده هم با جستجو نگارنده آن را نشناخت، از طرز تألیف و انشاء آن بایستی در قرن نهم تألیف شده باشد و کتابت آن در حدود (۲۵۰) بیت است.

آغاز: بسمله و به ثقتی صرف اللسان نحو ثنائک اولی و عطف البیان الی نعت خاتم انبیائه اجزی یفنی گردانیدن آلت زبان بشای خداوند جهان بهتر می آید و تافتن عنان بیان نعت خاتم پیغمبران سزاوارتر مینماید **تقسیم کلمات عرب:**

کلمات عرب سه قسم بود نامشان حرف و فعل و اسم بود
همچو بالله اقسام ای فرزند بخداوند میخورم سوگند

(۱۰۰۳)

صرف منظوم رساله این نسخه بسال ۹۷۵ بخط نستعلیق محمد بن کمال الدین حسین انصاری طسوجی نوشته شده و ضمیمه شرح جامی است که خصوصیات آن را یاد نمودیم، دارای یک سر لوح زیبا و صفحات آن مجدول بطلا و زنگار است.

خصوصیات دیگر نسخه بشماره (۹۷۶) این فهرست در ص ۳۵۹ همین مجلد و شماره (۳۱۵۴) کتابخانه مراجعه شود.

[۴۳۲] عوامل جرجانی = العوامل المائه (عربی)

شیخ عبدالقادر نحوی جرجانی که از معاریف علماء علم ادب میباشد و در ص ۳۱۴ - ۳۱۶ همین مجلد بشرح حال و معرفی ایشان پرداخته ایم مؤلف این کتابست و این مؤلفه با کمال اختصاریکه دارد دارای فوائدیست که در کتابهای بزرگ یافت نمیشود و بر آن شروحاتی بسیار بفارسی و عربی و ترکی بنظم و نثر نگاشته شده و برخی از آنها در ص ۱۴۰ ج ۲ کشف الظنون نام برده شده و در

حدود (۴۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۶۱۷ م. درلیدن و ۱۸۰۳ م. درهلکته و ۱۲۴۷ درمصر چاپ شده است .

(۱۰۰۴)

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده ، نویسنده نام خود و تاریخ نگارش را ننوشته ، ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد ،
(العوامل المائه)
در حاشیه اوراق نسخه و میان سطرهای آن تعلیقاتی بفارسی در ترکیب و توضیح جمل کتاب نوشته شده است و ضمیمه باوّل کتاب جمل همین مؤلف است که در ص ۳۱۶ زیر شماره (۹۲۹) خصوصیات آن بیان شد بدانجا یا کتاب شماره (۳۱۱۲) کتابخانه مراجعه گردد .

(۱۰۰۵)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، ضمیمه سوم مجموعه ایست که بشماره (۳۱۱۳) در این کتابخانه ثبت شده و هیچیک تاریخ ندارد ولی از قرائن پیداست که در اوائل قرن دهم هجری نگارش یافته است .
(العوامل المائه)

[۴۳] عوامل ملا محسن (عربی)

این کتاب تألیف ملا محسن فیض کاشانی است (محمد بن مرتضی بن شاه محمود کاشانی ۱۰۹۱-۱۰۰۷) که از مشاهیر علماء امامیه و محدثین و عرفاء قرن یازدهم هجری بوده اند و در ص ۲۴ و ۸۰ و ۱۳۴ و ۳۲۳ و ۳۳۱ و ۳۳۳ و ۳۳۵ و ۳۵۱ و ۵۲۵ و ۵۴۹ ج ۱ همین فهرست ده مؤلفه ایشان را معرفی کرده ایم .

بعضی تألیف این کتاب را به ملا محسن بن محمد طاهر قزوینی نسبت داده اند ، از مطالبیکه صاحب قصص العلماء در آخر شرح حال و مؤلفات فیض نگاشته اند بطلان این نسبت واضح میشود و ایشان گویند که ملا محسن قزوینی فرزند محمد طاهر قزوینی است که مؤلف شرح الفیه ابن مالک در چهار جلد بنام « زینت المسالك » میباشد و عوامل ملا محسن فیض را تا آخر عوامل سماعیه شرح کرده و من (صاحب

قصص العلماء) شرحی بفارسی در نه روز بر عوامل فیض و شرحی بر شواهد عوامل و بر فقرات چند بیتیکه در آخر مبحث عوامل سماعیه آن کتاب میباشد نگاشته ام و آقای عبدالعزیز جواهر کلام در ص ۱۲۱ ج ۲ فهرست کتب خطی کتابخانه معارف نوشته اند که ملا محسن از اجداد طائفه نحویّه قزوین بوده و در اواسط قرن دوازدهم هجری وفات یافته است و ایشان نیز تصور نموده اند که عوامل از این ملا محسن قزوینی است و در آن کتابخانه ترجمه و شرح شواهد آنرا بقلم عبدالرزاق بن شیخ داود نشان داده اند.

عوامل ملا محسن فیض (همین کتاب) در ضمن مجموعه ایکه بنام «جامع المقدمات» نامیده شده مکرر چاپ شده و این نام (عوامل) در مقدمه و خاتمه آن نیست.
 آغاز: بسملة احمدك يامن يرفع صالح العمل واصلى على نبيك محمد ص الخ.
 (۱۰۰۶)

عوامل ملا محسن
 این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۳۷ نوشته شده، در حواشی صفحات و میان سطرهای آن تعلیقاتی با مضامین شرح ملا محسن و نظر علی و دیگران و ترکیب فارسی شواهد دیده میشود، مرااح الارواح و تعلیقه ای بر آن که در همین فصل از آنها معرفی میشود ضمیمه آنست.
 جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع خشتی. شماره اوراق کلیه (۱۲۲).
 اوراق عوامل (۴۸) مختلف السطور. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۷ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۰۹۹).

[۴۳۴] الفوائد الصمدیه = صمدیه (عربی)

این کتاب یکی از مؤلفات شیخ بهائی است (بهاء الدین محمد بن حسن بن عبدالصمد حارثی جبائی عاملی ۹۵۳-۱۰۳۰) که از مشاهیر علماء امامیه و فقهاء اثنی عشریه بوده و در بیشتر از علوم و معارف دست داشته و در آن کتاب و رساله ای پرداخته و شیخ الاسلام ایران بوده و در نظر شاه عباس کبیر مقام و مرتبتی بزرگ داشته و موفق بتربیت دانشمندانی بسیار گردیده و در ص ۷۱ و ۱۱۷ و ۱۹۹ و ۲۴۸ و ۲۵۱ و ۳۷۷ و ۴۱۹ و ۵۰۲ و ۵۲۲ و ۵۶۹ و ۵۷۸ جلد اول فهرست یازده مؤلفه ایشانرا معرفی کامل کرده ایم.

این کتاب را برای برادرش عبدالصمد در نحو بنام « الفوائد الصمدیه » تألیف و آنرا بر پنج حدیقه بدین تفصیل: (۱ - در مقدّمات ۲۰ - در آنچه متعلّق باسم میباشد ۳۰ - در آنچه متعلّق بافعال است ۴۰ - در جمل و توابع آن ۵۰ - در مفردات) تألیف نموده و بنام صمدیه مشهور گردیده و بر آن شروحنی نوشته شده از سه شرح آن در ص ۲۵۲-۲۵۶ معرفی شد و جز آنها در فهرست کتب خطی معارف ج ۲ ص ۱۲۰ آقای جواهر کلام چهار شرح دیگر را هم نام برده اند .

الفوائد الصمدیه از کتب مختصره و مفیده در علم نحو میباشد و در میان آنانکه علم نحورا خواستار شده اند بسی مشهور و مکرّر بدون شرح و با شرح در ایران چاپ گردیده است .

آغاز: بسم الله احسن کلمة یمتد بها الکلام و خیر خبر یختتم به المرام حمدک اللهم الخ .

(۱۰۰۷)

این نسخه را بسال ۲۲۳ بخط نسخ نوشته اند و با شرح تصریف الفوائد الصمدیه که در ص ۳۴۶ معرفی خصوصیات آن گردید در یک مجلد میباشد خصوصیات دیگر به کتاب شماره (۳۱۴۶) کتابخانه که زیر شماره (۹۶۲) در این فهرست معرفی گردیده ، مراجعه شود .

(۱۰۰۸)

این نسخه را بخط نستعلیق محمد صالح بن محمد رفیع طبیب رشتی بسال ۱۲۶۱ نوشته و با شرح صغیر صمدیه « الفوائد البهیة » در یک مجلد میباشد بشماره (۳۱۴۷) کتابخانه مراجعه شود و خصوصیات آنها در زیر شماره (۹۷۳) در صفحه ۳۵ گذشت .

[۴۳۵] کافیه ابن حاجب (عربی)

مؤلف این کتاب که از مشاهیر کتابهای نحو میباشد ابن حاجب نحوی معروف است که در ص ۳۳۰ - ۳۳۲ همین مجلد معرفی از ایشان گردید و این کتاب بنام « مقدّمه فی النحو » نیز نامیده میشود و مؤلف خود بر آن شرحی نوشته و بر این شرح حسن بن محمد البورینی شافعی متوفی بسال ۱۰۳۴ شرحی نگاشته و نیز مؤلف

کافیه را بنام « الوافیه » منظوم نموده و بر کافیه شروح و حواشی بسیار نوشته شده ، شماره زیادی از آنها را حاجی خلیفه در ص ۲۴۹ - ۲۵۴ ج ۲ کشف الظنون نام برده ، چندین شرح و حاشیه آنرا در این جلد فهرست معرفی کرده ایم . کافیه در حدود (۶۰۰) بیت کتابت دارد و نخستین بار بسال ۱۵۹۲ م . در رم و مکرر در هند و روسیه و اروپا و مصر چاپ شده است .

آغاز : بسملة الكلمة لفظ وضع لمعنى مفرد وهى اسم وفعل وحرف الخ .
(۱۰۰۹)

کافیه این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب نام خود و سال نگارش را ننگاشته ، ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری و نزدیک بزمان ملا جامی متوفی بسال ۸۹۸ می باشد ، در حاشیه و میان سطور نسخه مطالبی از شرح جامی و ابیاتی از این شاعر و تعلیقاتی از چلبی و از شرح هندی (در ص ۲۵۰ ج ۲ کشف الظنون شهاب الدین احمد بن عمر هندی متوفی بسال ۸۴۹ شارح کافیه معرفی شده است) و از وافیه و بدون امضاء نقل شده ، سه ورق از اواخر نوویس و دو ورق اول و اوراقی از آخر و صالی گردیده ، پشت صفحه اول یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند و بر ورقیکه پس از آخرین برگ کتابست يك رباعی در تعریف از قصر احمد بهمن شاه و يك دو بیت دیگر نوشته اند . جلد میشن نیم ضربی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیرى . شماره اوراق (۱۷۶) . صفحه ای (۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۲ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۶۰) .

(۱۰۱۰)

کافیه این نسخه بخط نسخ محمد تقی ابن حاجی باقر بسال ۱۱۲۷ نوشته شده ، در کنار بیشتر از صفحات تعلیقاتی از شرح جامی و بدون امضاء نگاشته شده ، پشت صفحه اول و آخر مطالبی متفرقه نگارش یافته است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنگی . واقف مشیر السلطنه . قطع وزیرى . شماره اوراق (۹۳) . صفحه ای (۶) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره (۵۵۵) . قفسه مدرسه مشیر السلطنه .

(۱۰۱۱)

کافیه

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده، در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی از شرح جامی و شرح گیپائی و بدون امضاء موجود و در آخر یادداشتی بسال ۱۲۶۰ عبدالصانع ابن حاج علی خونساری نوشته و مهر مربعی که سجع آن عبده محمد صانع میباشد زیر آن زده شده، ظاهراً اصل نسخه در قرن دوازدهم هجری نوشته شده، اوراقی از اول نسخه و برگ آخر آن و صالی گردیده و پشت آخرین ورق یادداشت‌هایی است که یکی از آنها دارای تاریخ ۱۲۲۹ میباشد.

جلد تیماجی، مذهب، کاغذ ترمه، واقف سپهسالار، قطع وزیری، شماره اوراق (۱۱۲).
صفحه ای (۶) سطر، طول (۲۱ سانتیمتر)، عرض (۱۲ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر)، شماره کتابخانه (۳۱۶۱).

(۱۰۱۲)

کافیه

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، پس از آن شرح گیپائی بر کافیه که در صفحه ۳۶۸ همین مجلد از آن معرفی شد گذارده شده، پشت صفحه نخستین مطالبی بوده آنها را محو کرده اند و یادداشت و ققیئت آن از طرف سپهسالار بر جای آنها نگارش یافته است، بایستی در قرن دوازدهم نوشته شده باشد.

خصوصیات دیگر زیر شماره (۹۸۹) در صفحه ۳۶۸ نوشته شده و با ضمیمه آن در کتابخانه دارای شماره (۳۱۶۳) میباشد.

(۱۰۱۳)

کافیه

این نسخه بخط نستعلیق بدخطی نوشته شده، حاشیه ای از مصلح الدین لاری بر هدایه ضمیمه آنست (از این حاشیه در فصل حکمت و فلسفه معرفی میشود)، و نویسنده این نسخه اخیر که نیز نویسنده نسخه پیشین میباشد محمود بن سلیمان است و سال نگارش را نگاشسته و طرز نوشتن میرساند کاتب از ترکان عثمانی بوده، همین کاتب در حاشیه بیشتر از صفحات آخر تعلیقات و حواشی بر کافیه را از دانشمندان نوشته است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۲۰) . صفحه ای (۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۰-۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۶۲) .

[۴۳۶] **مراح الارواح** (عربی)

این کتاب ، مختصری در علم صرف و بنا بر تصریح در مقدمه آن تألیف **احمد بن علی بن مسعود مییاشد** ، سیوطی در بغیه ذیل این نام گوید مؤلف **مراح** بوده که مختصری در تصریف و کتابی مشهور است و بر شرح حال وی دست نیافتیم (۱) . و صاحب روضات درص ۵۱ ج ۱ احتمال داده اند که مؤلف **مراح** همان **احمد بن علی بن مسعود بن عبدالله معروف به ابن السقا** باشد که بسال ۶۱۳ مرده و شاگرد ابن خشاب بوده و درباره وی نوشته اند (۲) که مردی ادیب و فاضل و در نحو دستی نیکو داشته ولی سیره اش ممدوح نبوده است .

مؤلف در مقدمه نام این کتاب را « **مراح الارواح** » گذارده ، در حدود (۹۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۳۳ در آستانه و ۱۲۴۴ و سالهای دیگر در مصر چاپ گردیده ، بر آن شروح چندی نوشته شده ، بعضی درص ۴۱۵ ج ۲ کشف الظنون نام برده شده و درص ۳۷۱-۳۷۲ یکی از شروح آن معرفی گردید و درص ۹۰۶ معجم المطبوعات ذکر شده که شرح **مراح** تألیف **شمس الدین احمد معروف به دیکتقوز** که از علماء قرن نهم هجری بوده و شرح ابن کمال پاشا بنام « **الفلاح لشرح المراح** » بسال ۱۳۰۹ چاپ شده است .

آغاز: بسملة قال المفتقر الى الله الودود احمد بن علي بن مسعود غفر الله له ولوالديه واحسن اليهما واليه اعلم ان الصرف ام العلوم والنحو ابوها الخ .

- (۱) در حاشیه ص ۳۷۴ معجم المطبوعات نسخه ای از **مراح الارواح** که بسال ۸۴۰ نوشته شده در دارالکتب المصریه نشان داده شده و مؤلف آن فهرست روی آن حدت زده که بایستی مؤلف از دانشمندان قرن هشتم یا نهم هجری باشد ولی از این راه این احتمال بسیار ضعیف است .
- (۲) سیوطی ابن السقا را در ذیل مؤلف **مراح** در بغیه نام برده و شرحیکه عبارات بالا ترجمه آنست درباره وی نوشته و احتمال یکی بودن این دو نفر را نداده است .

(۱۰۱۴)

مراح الارواح این نسخه بخط نسخ بسال ۱۱۷۵ نوشته شده ، ورق اول نونویس میباشد ، در حاشیه بعضی از صفحات مطالبی از یکی از شروح آن نوشته شده و مقابله و تصحیح گردیده است .
جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی بزرگ . شماره اوراق (۲۷) .
صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض ($۱۲\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه . (۳۱۰۸) .

(۱۰۱۵)

مراح الارواح این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، ضمن مجموعه ایستکه مشتمل بر چندین کتاب فارسی و عربی است و هیچیک تاریخ ندارد ، ظاهراً از خطوط اوائل قرن دهم هجری میباشد .
این مجموعه بشماره (۳۱۱۳) در این کتابخانه ثبت گردیده است .

(۱۰۱۶)

مراح الارواح این نسخه بسال ۱۲۳۷ بخط نسخ نوشته شده ، در حاشیه بعضی از صفحات مطالبی از دو شرح مراح (المفراح و الفلاح و) تعلیقاتی بدون امضاء یافت میشود و پس از این کتاب تعلیقات و حواشی ملا نظر علی جیلانی بر عوامل ملا محسن و مطالب متفرقه دیگر از او ، یکی از شاگردان وی در (۱۸) ورق در اواخر قرن سیزدهم نوشته و ضمیمه آنست .
خصوصیات دیگر بشماره (۳۰۹۹) کتابخانه و شماره (۱۰۰۶) این فهرست در ص ۳۸۹ مراجعه شود .

[۴۳۷] مغنی اللیب عن کتب الاعراب (عربی)

مؤلف این کتاب که از کتابهای مشهور و مفید در علم اعراب و نحو میباشد **ابن هشام نحوی** معروف است که در ص ۳۰۶-۳۰۸ بشرح حال و معرفی ایشان پرداخته شد ، مؤلف در مقدمه تألیف آنرا بسال ۷۵۶ در مکه معظمه پس از کتاب «الاعراب عن قواعد الاعراب» که در همین موضوع و همین شهر بسال ۷۴۹ تألیف نموده معین کرده است .

طرز این کتاب چون کتب نحویه متقدّمین و متأخرین نیست و مؤلف آن را به هشت باب تقسیم نموده و مطالب آنرا باشواهد از آیات و اخبار و اشعار فصحا و بلغا توأم نموده، بر آن شروح و حواشی زیاد نوشته شده، مؤلف کشف الظنون در ص ۴۷۳ - ۴۷۶ ج ۲ بسیاری از آنها را نام برده و ابن هشام خود برشواهد این کتاب دو شرح نوشته (کبیر و صغیر) و سیوطی را نیز بر آنها دو شرح است که در ص ۳۸۵ و ۳۸۶ معرفی گردید و چون مغنی اللیب مکرّر در ایران و مصر و هندوستان چاپ شده و از کتابهای بسیار مشهور و متداول میان دانشجویان و طلاب علوم ادبیه میباشد بیش از این از آن معرفی جاندارد.

در ص ۴۷۵ ج ۲ کشف الظنون نیز تذکر داده شده که شیخ شمس الدین محمد بن ابراهیم بیجوری متوفی بسال ۸۶۳ بنام «قراضة الذهب فی علم النحو و الادب» و شیخ محمد بن عبد المجید السامولی الشافعی السعودی بسال ۹۶۱ بنام «دیوان الاریب فی مختصر مغنی اللیب» مغنی اللیب را مختصر کرده اند.

آغاز: بسمله قال شیخنا و سیدنا اما بعد حمد الله علی افضاله و الصلوة و السلام علی محمد و آله و اصحابه فانّ اولی ما تقرّحه القرائح الخ.

(۱۰۱۷)

این نسخه بخط نسخ بسال ۹۰۵ نوشته شده، در حاشیه بیشتر از صفحات تعلیقاتی بدون ذکر مأخذ نگارش یافته و بقرینه جمله ای که بهمین خط زیر آخرین سطر اصل کتاب نوشته نگارش تعلیقات بسال ۱۰۹۸ بوده (در نسخه چنین: ۱۹۸ نوشته شده است)، برگ نخستین کتاب افتاده و سطر اول موجود نیست: و ترصیف و تتبععت فیہ مقفلات مسائل الاعراب فافتحتہا الخ.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۲۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۷ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۲۳۲) .

(۱۰۱۸)

مغنی اللیب این نسخه را بخط نسخ محمد امین نجفی بسال ۱۱۲۱ نوشته و فقط باب اول کتابست و در حاشیه برخی از برگها مطالبی از شرح شمنی نگارش یافته است.

جلد تیماج. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۹۴). صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۲۴۰).

(۱۰۱۹)

مغنی اللیب این نسخه بخط نسخ نوشته شده، کاتب نام خود و سال نگارش را نبرده، ظاهراً در قرن دهم یا یازدهم نوشته شده، در آخر

نسخه محمد علی نام بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۱۸۸ چنین نوشته: (بنابر رسم پیشینیان که صفر را میان اعداد نمیگذارده اند بایستی ۱۰۱۸ یا ۱۱۰۸ یا ۱۱۸۰ باشد) مالکیت نسخه را یادداشت نموده، منتخبی از شرح شواهد سیوطی بر مغنی که در ص ۳۸۵ و ۳۸۶ معرفی آن گذشت (از این منتخب پس از این معرفی میشود) ضمیمه این نسخه میباشد، در حاشیه اوراق و بر کاغذ هائیکه میان آنها گذارده شده مطالبی از دماغینی و شمنی و غیره نقل گردیده و یادداشت‌هایی که از مالکین نسخه، پشت ورق اول و آخر و بر اوراقیکه پیش از کتاب و پس از آن سفید بوده، نگارش یافته است.

جلد تیماجی نیم ضربی. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۲۳). صفحه ای (۲۳) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۷ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۲۳۵).

(۱۰۲۰)

مغنی اللیب این نسخه را بخط نسخ محمد عسکر بسال ۱۱۲۴ نوشته، در حاشیه صفحات تعلیقاتی از کتب نحو و دانشمندان بخط شکسته

نستعلیق نگارش یافته، پشت برگ اول و آخر یادداشت‌هایی موجود است.

جلد میشن وصالی شده. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۱۹۰). صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۸ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۲۳۶).

(۱۰۲۱)

مغنی اللیب اصل این نسخه ظاهراً از خطوط قرن نهم هجری بوده، دست روزگار بسیاری از اوراق آنرا پراکنده نموده، ظاهراً در

اوائل قرن سیزدهم هجری اوراق گمشده آن نگارش یافته و بآن ضمیمه شده ، نام نویسنده و سال نگارش در آن نیست ، پشت ورق اول یادداشتی بوده محو گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ قدیمی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۲۴) . صفحه ای (۲۳ و ۲۰) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض ($۱۵\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۳۹) .

(۱۰۲۲)

معنی الیبیب این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش را نگاشته ، یادداشتی بتاریخ ۱۲۴۱ بر کاغذ یکه پیش از ورق اول نسخه است نوشته شده و پشت ورق اول نیز یادداشت هائی موجود است . ویکی از آنها را محو کرده اند ، بایستی نسخه را نیز در قرن سیزدهم نوشته باشند و در حواشی صفحات اوراق اولیه تعلیقاتی بخط شکسته نستعلیق نگارش یافته است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۵۵) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول ($۲۴\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۳۳) .

(۱۰۲۳)

معنی الیبیب این نسخه بخط نسخ میباشد ، ظاهر آن در قرن دوازدهم نگارش یافته ، برگ آخر کتاب افتاده بوده بسال ۱۲۶۲ نوشته شده ، پشت ورق نخستین یادداشت هائی موجود ، کهنه ترین آنها که دارای تاریخ میباشد سال ۱۲۳۱ را داراست ، در حاشیه بیشتر از صفحات تعلیقاتی از شروح این کتاب و غیره نگاشته شده و محتاج بصحافی است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۱۱) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۳۴) .

[۴۳۸] مفصل (عربی)

این کتاب تألیف جارالله زنجشیری و چون مؤلف از معاریف کتب نحو میباشد (درص ۱۵۸-۱۶۰ ج ۱ فهرست مختصری از شرح حال زنجشیری ذکر گردیده و درص ۱۱-۱۴

همین مجلد زیر عنوان اطواق الذهب ایشان را نیز معرفی کرده ایم) صاحب کشف الظنون در ص ۴۸۸ - ۴۹۰ ج ۲ گوید در رمضان ۵۱۳ تألیف آن شروع و در غره محرم ۵۱۴ خاتمه یافته و شروع این کتاب و چند نفر را که باختصار آن مبادرت نموده و یا آنرا نظم بسته و یا برشواهد آن شرح نوشته اند نام برده و خود مؤلف نیز آنرا مختصر نموده و **انموزج** نامیده است.

مفصل مکرر در مصر و اروپا و هندوستان چاپ گردیده و ترتیب آن بدینگونه است: **قسم اول** در اسماء. **قسم دوم** در افعال. **قسم سوم** در حروف. **قسم چهارم** در مشترکات میان اسم و فعل و حرف (در این قسم از اماله، وقف، قسم، تخفیف همزه، التقاء دوساکن و نظائر اینها که مشترک میان هر سه یا دوتای از اقسام کلمه میباشد ذکر گردیده است).

آغاز: بسمله (۱) احمد الله علی ان جعلنی من علماء العربیه و جبلنی علی الغضب للعرب والعصیّه و ابی الی ان انفرد عن صمیم انصارهم الخ.

(۱۰۲۴)

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۹۶ معصوم بن ابراهیم الخادم الحسینی برای فرزند خویش نوشته، در حاشیه صفحات اولیه

مفصل

تعلیقاتی از اقلید و موصل که دو شرح مفصل اند و بدون امضاء و ذکر مأخذ، نگارش یافته، بر سه ورق کاغذ ننوشته ایکه در آخر کتاب بوده رساله ای مختصر در محل اعراب جمله عربی بدون تصریح باسم منشی آن و نسخه ساختن مرگب، بدو طریق، نگاشته شده و یادداشتی پشت صفحه نخستین بوده محو گردیده است.

جلد میشن مذهب. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۹۳). صفحه ای (۱۴) سطر. طول (۱۹ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۵۰).

[۴۳۹] **منتخب شرح شواهد سیوطی** (عربی)

شرح شواهد سیوطی را بر مغنی در ص ۳۸۵ و ۳۸۶ معرفی نمودیم، یکی از علماء قصائدیکه به يك یا چند بیت آن در مغنی استشهاد شده، و سیوطی آن قصیده را

(۱) در نسخه این کتابخانه یس از بسمله این جمله است: قال جار الله الامام الزاهد العلامة استاد الافاضل (الزمان خ د) شیخ العرب والعجم فخر خوارزم ابوالقاسم محمود بن عمر الزمخشری رضی الله عنه احمد الله الخ.

در شرح شواهد خویش نقل نموده (این انتخاب کننده که نام خود را در این منتخب نبرده) با تصریح باینکه محل شاهد در معنی کدام بیت و کدام کلمه بوده از آن شرح مذکور انتخاب کرده و پس از آن مجدداً تجدید مطلع نموده و شواهد معنی را موافق ترتیب آنها در آن کتاب باتذکر باینکه این بیت از قصیده یا غیر قصیده میباشد نقل نموده و پس از این، فهرست ابیات شواهدیکه از قصائد شعراست با نام گوینده آنها معین کرده و جز جمع و ترتیب از خود تصرفی در آن ننموده و این کتاب با دو ضمیمه ایکه دارد در حدود (۲۶۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله شواهد الهمزة طربت و ماشوقاً الى البيض اطرب. هذا مطلع قصيدة.
للكميت يمدح بها اهل البيت عليهم السلام و بعده و لالعباً منى و ذوالشيب يلعب الخ.
(۱۰۲۵)

این نسخه که ظاهر آن نسخه اصل و منتخب آن همان نویسنده آنست
ضمیمه معنی اللیب شماره (۳۲۳۵) این کتابخانه میباشد که
در ص ۳۹۶ خصوصیات آنرا زیر شماره (۱۰۱۹) این فهرست
ذکر نمودیم.

[۴۴۰] یایمه ابن کمال پاشا (ترکی)

این رساله در اقسام یاء زائده ایستکه در آخر کلمات فارسی یافت میشود، مؤلف در مقدمه نام خود را نبرده، در یکی از ضمائهم کشف الظنون چاپ فلوگل این کتاب یا رساله بنام یایمه ضبط گردیده و به ابن کمال پاشا نسبت داده شده، در کشف الظنون نام آنرا نیافتیم، ضمیمه بودن با دقائق الحقائق این مؤلف که در ص ۲۵۹- ۲۶۱ معرفی و شرح حال مؤلف آن گذشت و شباهت کامل انشاء این نسبت را تأیید مینماید. مؤلف در مقدمه گوید: (۱) در محفلی حاضر بودم بحث از یاء زائده در آخر کلمات فارسی بمیان آمد، یکی از حضار آنرا منحصر در پنج قسم میدانست یکی از آن معانی را رد کرده و گفتم که انحصار در این اقسام که گفتی ندارد، در همان

(۱) مطالب مقدمه را دوست داشتمند آقای جلال محدث ارومی که از فارغ التحصیلهای سال (۱۳۱۷) خورشیدی این دانشکده میباشد ترجمه نموده و نگارنده را متشکر کرده اند.

هنگام ده مورد از موارد اصلی یاء زائده را باشواهد از اشعار فصحا بیان نمودم، از من خواستار شدند که در این موضوع نگارشی نمایم. بخواست آنها بتألیف این مختصر پرداخته و پس از تمهید مقدمه ای ادیبانه اقسام اصلی یاء زائده را باشعبات آن به بیست قسم رسانیده و یک بیک را بیان و باشعار شعرای بزرگ فارسی زبان استشهاد کرده و در دیباچه تفاخر نموده و گوید همانقسم که ز غشری فائق را در مگه معظّمه بیرون آورد و خطاب به اعراب کرد و گفت بیائید و لغت خود را از مردی غیر عرب گیرید من نیز بفارسی زبانان میگویم که بیائید لغت و قواعد زبان خویش را از من یاد گیرید (از این عبارات معلوم میشود که طرف صحبت و بحث وی در آن محفل ایرانی بوده است).

این کتاب یارساله در حدود (۶۵۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله بوصحایف پر لطایفك تسویدنه داعی و باعث مضمون
مکنونده الخ.

(۱۰۲۶)

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۹۷۱ نوشته شده، ضمیمه

یائیه

دقائق الحقائق میباشد که درص ۲۶۱ خصوصیات آن گذشت

ابن کمال پاشا

در ابتداء این نسخه نیز یک سر لوح کوچکی است، خصوصیات

دیگر آن به کتاب شماره (۱۰۱) کتابخانه که زیر شماره (۸۸۷) در این فهرست معرفی

شده مراجعه شود.



معانی و بیان و بدیع

[۴۴۱] انوار الربیع فی انواع البدیع (عربی)

این کتاب شرح بدیع سید علیخان کبیر میباشد که درص ۲۰۴ - ۲۰۹ معرفی کامل از ایشان شد، و این کتاب از معاریف کتب در این فن است، شارح بسال ۱۰۷۷ در دوازده شب قصیده ای در مدح حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم در ۱۴۷ بیت انشاء نموده و آن قصیده مشتمل بر ۱۵۳ نوع از صنایع بدیع میباشد و در هر یک از ابیات که مشتمل بر صنعتی است نام آن نوع تصریح گردیده.

سید خود بشرح این قصیده بدیع پرداخته و نام آنرا «انوار الربیع فی انواع البدیع» گذارده و در ذیل هر یک از ابیات بشرح و بسط کامل آن مبادرت کرده و به ایاتی از شعرا و ادباء معروف استشهاد نموده و در بعضی از موارد شرح مختصری از سیره و تاریخ آن شاعر نگاشته و در حقیقت این کتاب را مجموعه ای ادبی یا گلستانی که گلهای آن همیشه تازه و معطر میباشد، باید دانست.

در مقدمه آنهاییکه پیش از ایشان بدیع تألیف و یا انشاء کرده اند نام برده شده و زیر شرح بیت مطلع آن، مطالع سابقین را نقل نموده است.

درص ۱۹۰ ج ۱ کشف الظنون تاریخ پیدایش و تنظیم علم بدیع و مؤلفین در این موضوع نام برده شده و انوار الربیع بسال ۱۳۰۴ در هند و ۱۳۰۴ نیز در طهران چاپ شده است.

آغاز: بسم الله الحمد لله بدیع السموات والارض والصلوة علی نبیه و آله الهادین....

حسن ابتدائی بذکر جیره الحرم له براعة شوقی یستهل دمی الخ.

(۱۰۲۷)

این نسخه را بخط نسخ خوب بسال ۱۲۴۴ عبدالله خونساری
 انوارالربیع بخواست یکی از بزرگان که او را سمی امام کاظم ع معرفی
 نموده نوشته ، و در همین سال محمد کاظم بروجردی برکنار برگ دوم تملک خویش
 را یادداشت کرده اند ، بنابراین برای ایشان بوده ، عناوین باشنجر فنگاشته شده
 و برگ آخر و صالی گردیده است .

جلد میشن ضربی مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق
 (۴۲۰) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شماره
 کتا بخانه (۳۲۴۸) .

[۴۴۲] حاشیه چلبی بر مطول (عربی)

مطول شرح بزرگ تفتازانی بر تلخیص المفتاح خطیب قزوینی است که در همین
 فصل از آن معرفی خواهیم نمود ، یکی از حاشیه ها و تعلیقاتیکه بر آن نوشته شده
 حاشیه زیرین و از چلبی است (حسن بن محمد شاه بن محمد بن حمزه الفناری چلبی (۱)
 ۸۴۰ - ۸۷۹) (۲) که از علما و زهاد قرن نهم هجری بوده و عمر خویشتن را میان علم
 و عمل تقسیم نموده و مردی منصف بوده ، چون حاشیه ای بر تلویح تألیف کرد ،
 و مقدمه آنرا بنام سلطان بایزید بن سلطان محمد موشح نمود ، مورد غضب سلطان محمد
 واقع گردید ولی چون از مصر برگشت نسبت بوی مهر بان شد و تدریس در یکی
 دو مدرسه را بدو برگزار نمود و پس از آن سلطان بایزید روزانه هشتاد درهم برای ایشان
 معین نمود و دیگر از مؤلفات او حاشیه ای بر مختصر تفتازانی و حاشیه بر تفسیر بیضاوی

(۱) درص ۶۴ الفوائد البهیه نوشته شده که سخاوی در «الضوء اللامع» این دانشمند را نام
 برده و گوید چلبی یعنی آقا و او را فناری گویند بدین مناسبت است که یکی از اجداد او
 برای پادشاه روم فنرهای هدیه آورده و پادشاه چون میخواست از او سؤال کند میگفت
 فنری کجاست و صاحب معجم المطبوعات گوید در یکی از مؤلفات خطی وی که بسال ۸۷۳
 نوشته شده نام او را چنین : (ملاحسن الفنری) یافته ام .

(۲) این شرح با مراجعه به ص ۲۰۸ - ۲۱۱ شقائق ، ص ۷۵۷ و ۷۵۸ معجم المطبوعات ،
 شذرات الذهب ج ۷ ص ۳۲۴ و ص ۴۶ الفوائد البهیه فی طبقات الحنفیه و کشف الظنون نوشته شد
 و فقط در شذرات وفات وی بسال ۸۷۹ ثبت گردیده است .

و حاشیه بر شرح مواقف سید شریف جرجانی است و جز حاشیه مختصر و حاشیه تفسیر بیضاوی او مؤلفات دیگر وی چاپ شده است .

این حاشیه مطول مشتمل بر فوائد بسیاری میباشد دانشمندان و دانشجویان بانظر اهمیت بدان نگاه مینمایند ، و در حدود (۱۹۵۰۰) بیت کتابت دارد و بر مطالب مشکله هر سه قسمت (معانی و بیان و بدیع) مطول تعلیق گردیده و در حاشیه مطول و مستقلاً مکرر چاپ شده است .

آغاز: بسملة الحمد لله الذی شرح صدور ارباب الازهان لایضاح معان الکلمه بیدیع البیان قوله الحمد لله الذی الهمنا الاقرب الی الفهم ان المراد بالالهام فی هذا المقام الخ .

انجام: قوله والتذکر للاحکام المذکورة فی علمی المعانی والبیان انما لم یتعرض للبديع لکونه خارجاً عن البلاغه .

(۱۰۲۸)

حاشیه چلبی
این نسخه را بخط نسخ حافظ مصطفی القونوی بسال ۱۰۵۸ نوشته و از دیباچه تا آخر کتابست ، صفحات باشنجرف جدول کشی شده ، آبدیده ولی خطوط آن ضایع نشده و برخی از برگهای آن وصالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیمه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۳۹۵) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض ($۱۴\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۹۷۰) .

(۱۰۲۹)

حاشیه چلبی
این نسخه را بخط شکسته نستعلیق علی بن احمد سینکی رازی بسال ۱۰۱۳ نوشته ، دیباچه را ندارد ، پشت صفحه اول یادداشت هائی مالکین مختلف که بیشتر آنها پدر و پسر بوده اند بخط خود باتاریخ و مهر نگاشته اند و بیشتر از اوراق دارای حاشیه ای از خود چلبی بر این حاشیه است .

جلد تیماجی وصالی شده . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۱۹) .
صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۲ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتا بخانه
(۲۹۷۱) .

(۱۰۳۰)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده وسال نگارش
نگاشته نشده ، ظاهر از خطوط قرن یازدهم و نگارنده آن هندی
میشود ، برگ نخستین نو نویس و نیز دیباچه را ندارد .

حاشیه چلبی

برمطول

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۶۵) .
صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۶ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتا بخانه
(۲۹۷۲) .

(۱۰۳۱)

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده
نام خود وسال نگارش را نگاشته ، ظاهر از خطوط قرن
سیزدهم هجری میشود ، بسال ۱۲۷۵ بکتا بخانه اعتضاد السلطنه

حاشیه چلبی

برمطول

در آمده و پشت نخستین صفحه یادداشت گردیده ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد
میشود ، برگ کنار اوراق حاشیه هائی وجود دارد ، دیباچه را نیز ندارد و عبارات مطول
باشنجرف است .

جلد رو یارچه و داخل تر کس روغنی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره
اوراق (۲۷۲) . صفحه ای (۲۶) سطر . طول (۳۰ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) .
شماره کتا بخانه (۲۹۷۳) .

(۱۰۳۲)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، فقط قسمتی از اول این
حاشیه میشود (اوائل حاشیه تا حواشی شرح دیباچه تلخیص
المفتاح) ورق اول آنهم افتاده و نخستین سطر نسخه اینست :

حاشیه چلبی

برمطول

(والبديع علم البيان فيجوز ان يكون دقائق الخ) و آخرین سطر نسخه این : (ولما
كان الحمل مفيداً في الفن الثاني والثالث لبعده العهد اجري الفن الاول بحراهما سوقاً
للفنون الثلاثة على نسق واحد و) . ظاهر از خطوط قرن سیزدهم است .

جلد ندارد . کاغذ آبی فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۳۲) .
صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۹۷۴) .

[۴۴۳] حاشیه حامد بر خطائی (عربی)

این حاشیه بر حاشیه خطائی بر مختصر تفتازانی است که از هر دو کتاب در این فصل معرفی خواهیم نمود ، محشی خود را حامد بن برهان بن ابی ذر الغفاری معرفی نموده ، در کتب سیرو فهارس موجوده ، این مؤلف و مؤلفه را نیافتیم ، چنانکه خواهیم دید خطائی در نخستین سال قرن دهم مرده و حاشیه او در این قرن زیاد مورد بحث بوده و بر آن حواشی نوشته شده و نسخه زیرین بسال ۱۰۲۷ نگارش یافته و نویسنده مؤلف را بدینگونه : (تمت هذه الحاشية التي صنفها الفاضل الكامل حامد الغفاري في حاشية خطائي بعون الملك الغفاري .) معرفی نموده و از طرز بیان وی استفاده میشود که تاهنگام نگارش این نسخه (اوائل قرن یازدهم) زنده بوده و مسلم اینست که از دانشمندان قرن دهم هجری بوده و چنانکه در دیباچه مختصر همین حاشیه گفته تألیف آن در دو هفتمه بوده و اشاره نموده پیش از این نیز حاشیه ای بر حاشیه خطائی بر مطول نوشته و در آن خطائی را تأیید و میرسید شریف را رد کرده است .

این حاشیه حامد چون حاشیه خطائی بر مطالب خمس اول مختصر تفتازانی است . در ص ۵۸ ج ۳ فهرست رضویه حاشیه ای بر حاشیه خطائی (بنابر تصریح در مقدمه آن) به حامد نسبت داده شده و آغاز آنرا : الحمد لله المنزه عن تنزيه المتزهين الخ و انجام آنرا : ان الوضع فيها تعيين بالقرينه لا تعيين بنفسه فقامل تمت . معین نموده و در ذیل آن گفته شده احتمال دارد که حامد همان حمید الدین بن افضل الدین الحسین مذکور در کشف الظنون باشد . ولی محتمل است که این احتمال در اثر تصور تحریف نام محشی بوده و چنانکه دانستیم پدر حامد بنابر تصریح خود او برهان بن ابی ذر غفاری بوده است و چون آغاز این نسخه بانسخه مدرسه مختلف است اگر احتمال ما هم چون احتمال مؤلف فهرست رضویه نباشد حاشیه حامد بر حاشیه خطائی بر مطول است که در مقدمه

حاشیه بر خطائی مؤلف بدان تصریح نموده است.

این حاشیه حامد در حدود (۲۳۵۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: حامد امصلیا مستمسکا بلطفه العمیم و بعد فیقول المتکمل علی الله الباری
حامد بن برهان بن ابی ذر الغفاری جعل الله سعیه سعياً مشکوراً الخ.

(۱۰۳۳)

حاشیه حامد
این نسخه بخط نسخ سال ۱۰۲۷ نوشته شده، حاشیه ملا عبد الله یزدی که نیز بر خطائی میباشد و در همین فصل از آن معرّفی میشود ضمیمه آنست، بر ورق دوم بنام حاشیه خطائی بر این کتابخانه وقف گردیده پاره‌ای از بر گها چرک شده و موریانه بعضی را سوراخ کرده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق کلیه (۱۳۶).
این نسخه (۵۶). صفحه ای (۲۲) سطر. طول (۱۸ سانتیمتر). عرض (۷ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۹۶۵).

[۴۴۴] حاشیه خطائی یا خطابی (عربی)

بر مختصر تفتازانی

حاشیه خطائی (خطابی) مشهورترین حواشی بر شرح مختصر تفتازانی بر تلخیص المفتاح میباشد، در کشف الظنون تصریح گردیده که این حاشیه فقط بر اوائل مختصر میباشد و مؤلف آن نظام الدین عثمان خطابی متوفی بسال ۹۰۱ است که نیز حاشیه‌ای بر مطول دارد (۱) و آغاز حاشیه مختصر اینست: لك اللهم الحمد والمنه الخ. و در ص ۴۸۴ ج ۲ گوید که بر شرح سید شریف بر مفتاح حاشیه‌ها نگاشته شده، از آنها یکی حاشیه مولانا زاده خطائی است که اول آن اینست: لك اللهم الحمد والمنه الخ. نسخه‌هایی که از حاشیه خطابی بر مختصر در دست میباشد آغاز آن چنانست که زیر این سطرها می‌آوریم و آغاز یکیه مؤلف کشف الظنون برای این حاشیه

(۱) نسخه‌ای از این حاشیه در کتابخانه مدرسه مروی در طهران موجود و آغاز آن اینست: لك الحمد والمنه و علی رسولك و آله واصحابه الصلوٰة والسلام والتحية افتتح كتابه بعد التيمن بالتميه الخ.

نقل نموده آغاز حاشیه مولانا زاده خطائی بر شرح مفتاح سید شریف است که نسخه خطی آن در کتابخانه مدرسه مروی در طهران میباشد و در ص ۱۴۶ و ۱۴۷ ج ۱ فهرست آصفیه تذکر داده شده که حاشیه مولانا زاده دو بار بسال ۱۲۵۶ و ۱۲۶۵ در کلکته چاپ شده است.

در ص ۲ ج ۸ شذرات الذهب نوشته شده که در حدود سال ۹۰۱ شهاب الدین احمد بن عثمان مشهور به منلا زاده سمرقندی خطابی که امام و علامه و فقیه و قاری عالی السند بوده وفات یافته و او را کتابی در جمع میان کتاب هدایه و محرر (این دو کتاب از معارف کتب فقه شافعی و حنفی میباشد، به صفحه ۳۹۱ و ۶۴۷-۶۵۴ ج ۲ کشف الظنون مراجعه شود) و شرح هدایه در حکمت است و خطابی منسوب به خطاب جدّ اوست.

و جز این خطابی دیگری را در کتب سیر بدین نام یا بنام خطائی نیافتم و در فهرست آصفیه وفات همین خطائی را بسال ۹۰۱ ثبت کرده است.

در ص ۵۷ ج ۳ فهرست رضویه زیر عنوان این حاشیه نوشته شده: از نظام الدین عثمان خطابی باباء موحد چنانکه در کشف الظنون است یا از جلال الدین اوبهی از تلامذه مولانا سعد تفتازانی است چنانکه معروف است و او را خطائی باهمزه گویند ولی آنچه در کشف الظنون آورده اقرب به قبول است و او به قریه ایست از توابع هراة. در فهرست آصفیه نظام الدین عثمان را خطائی باهمزه معرفی نموده بهر حال این حاشیه عثمان خطائی یا خطابی بر تمام مختصر نیست و تا مبحث تعریف مستندالیه بضمیر (۱) (تقریباً پنج يك مختصر) را بیشتر حاشیه نگاشته و در حدود (۲۵۰۰) بیت کتابت دارد.

در ص ۱۴۶ و ۱۴۷ ج ۱ فهرست آصفیه نسخه از این حاشیه خطائی که بسال ۱۲۵۶ در کلکته چاپ گردیده نشان داده شده و در ص ۶۹ ج ۳ فهرست رضویه

(۱) آخرین حاشیه خطائی بر این جمله از مختصر است: وقد بترك الخطاب مع معین. که در شرح این جمله از تلخیص المفتاح میباشد: و اصل الخطاب ان يكون لمعین و قد بترك الى غیره الخ.

نسخه ای از این حاشیه که بسال ۱۲۸۶ نیز در هندوستان چاپ شده نشان داده شده است .

بر حاشیه خطائی بر مختصر حاشیه ای از ملاّ عبدالله یزدی و حاشیه ای از حامد غفاری است که در ص ۴۰۵-۴۰۶ و ۴۱۱-۴۱۳ این فصل نام برده شده و میشود .
آغاز: بسمله نحمدك اللهم على ما اعطيتنا من سوايغ النعم وبوالغ الحكم
قوله نحمدك، آثر الحمد على الشكر لان الحمد يعم الفضائل والفواضل الخ .

(۱۰۳۴)

حاشیه خطائی این نسخه بخط نستعلیق در مدرسه خواجه تاج الدین حسین در کاشان نوشته شده، پیش از این حاشیه، حاشیه ای بر شرح کتابی در کلام بخط همین نویسنده که بسال ۱۰۰۹ نوشته شده موجود و از آن بیاری خداوند توانا در جلد سوم فهرست معرفی خواهد شد، در حواشی صفحات تعلیقاتی از حامد و ملاّ عبدالله نگاشته شده است .

جلد مقوائی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شماره اوراق کلیه (۱۴۳) این نسخه (۷۲) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۱۶ سانتیمتر) . عرض ($9\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۶۴) .

(۱۰۳۵)

حاشیه خطائی این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۹۳ نوشته شده، بر اوراق اولیه تعلیقاتی از ملاّ حامد نگاشته اند، اوراق آن آبدیده و لی خطوط مخونگردیده و بنام حاشیه بر خطائی ثبت شده است .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۱۰) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۶۲) .

(۱۰۳۶)

حاشیه خطائی این نسخه را بخط نسخ خوب، محمد مؤمن قائی بسال ۱۰۹۹ نوشته، بر کنار صفحات تعلیقات ملاّ حامد و ملاّ عبدالله یزدی بر این حاشیه نگاشته شده و حاشیه ملاّ عبدالله بر خطائی را که پس از این معرفی

خواهد شد همین نویسنده بسال ۱۰۹۷ نوشته و در این مجلد پس از این حاشیه (حاشیه خطائی) گذارده شده.

پشت نسخه و در دفاتر کتابخانه بنام «حاشیه خطائی برمطول» وقف و ثبت شده است.

جلد مقوائی دور تیماج، کاغذ کاهی، واقف سیه سالار، قطع وزیری، شماره اوراق کلیه (۱۸۶). این نسخه (۹۳)، صفحه ای (۱۵) سطر، طول (۲۵ سانتیمتر)، عرض (۱۳ سانتیمتر)، شماره کتابخانه (۲۹۶۱).

(۱۰۳۷)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است، برگ اول و دوبرگ از آخر نویسنده، در اثر آبدیدگی بعضی از اوراق ضایع شده و محتاج ترمیم و وصال میباشند و در این کتابخانه بنام حاشیه میر برمطول وقف و ثبت شده است.

جلد تیماج، کاغذ کاهی، واقف سیه سالار، قطع بغلی، شماره اوراق (۱۰۷)، صفحه ای (۱۲) سطر، طول (۱۷ سانتیمتر)، عرض (۱۰ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۹۶۳).

[۴۴۵] حاشیه زیباری بر شرح سمرقندیه (عربی)

این حاشیه بنابتصریح در مقدمه از حسن بن محمد زیباری (۱) بر شرح عصام الدین اسفراینی بر رساله استعارات سمرقندی (الفرائد والفوائد = سمرقندیه) است که پس از این معرفی از آن شرح خواهد شد، پشت نخستین صفحه نسخه زیرین و در آخر آن نویسنده در هنگام درس گرفتن آن، تعلیقات و حواشی بر این حاشیه نگاشته و تصریح نموده که این حاشیه معروف به «ملا حسن» میباشد.

در معجم المطبوعات نام این حاشیه و مؤلف آن نیست و در فهرست هائیکه زیر دست نگارنده است فقط در فهرست دارالکتب (ج ۲ ص ۱۸۹) نسخه ای

(۱) در کشف الظنون (ج ۳ ص ۱۷۹) زیر عنوان «فرائد الفوائد» که همان رساله استعارات سمرقندی است که بنام «سمرقندیه» معروف گردیده، نام این حاشیه و محشی آن بدون ذکر تاریخ تالیف یا وفات مؤلف ثبت است و مؤلف صریحاً برای این رساله نامی نگذاشته فقط گوید: فنظمت فرائد عوائد. و عصام الدین در شرح آن گوید: نیکوئی اضافه فوائد در این کتاب به عوائد مخفی نباشد ولی اگر گفته بود فرائد فوائد هر آینه بهتر میبود، و حاجی خلیفه این تسمیه بهتر را در کشف الظنون ذکر نموده است.

از این حاشیه که بدون تاریخ کتابت است نگاشته شده موجود، در آنجا از زمان مؤلف معرفی نشده ولی ظاهراً از دانشمندان قرن یازدهم بوده و در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت این حاشیه است .

آغاز: بسمله الحمد لله الذی خلق الانسان علمه البیان وجعله ذریعة الی معرفة دقائق القرآن الخ .

(۱۰۳۸)

حاشیه زیباری این نسخه را محی الدین بن عبدالحی بسال ۱۱۰۷ هنگامیکه پیش استاد بخواندن آن مشغول بوده بخط نسخ نوشته ،
تعلیقاتی از کاتب و ملا عبدالله کردی الحسینی و خان احمد حریری

شرح سمرقندی بر شرح عصام الدین و بر همین حاشیه نگاشته شده ورق اول و آخر و صالی گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۴۷) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۰ - ۱/۴ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۷۰) .

[۴۴۶] حاشیه سمرقندی بر مطول و بر (عربی)

حاشیه میر سید شریف

این حاشیه بنابر تصریح در دیباچه تألیف ابوالقاسم بن ابی بکر لیشی سمرقندی بر مشکلات مطول بر حاشیه میر سید شریف میباشد و آنرا بنام امیر کبیر امیر علیشیر نوائی موشح نموده و نیز تصریح نموده که این مؤلفه نخستین اثر اوست و در آخر فراغت از تألیف را بسال ۸۷۵ (۱) معین مینماید ، بدین نام در دانشمندان این قرن در روضه الصفا و حبیب السیر و کتابهای دیگر دانشمندی را نیافتیم ، در فهرست دارالکتب ج ۲ ص ۲۰۲ زیر نام سمرقندی که همان رساله استعارات یا فرائد العوائد (۲)

(۱) وقع الفراغ عن جمع هذه الفوائد و نظم هذه الفرائد و ضبط ما افتتحت له موارد التهر في ظلم الديا جر و احتمات له مکايد الفكر في ظماء الهواجر في يوم الاربعاء التاسع عشر من خامس عشر الثامن من تاسع مائتي سنن الهجرة و الحمد لله على نعمه العظام و منحه الجسام و الصلوة على نبيه محمد و اصحابه البررة الكرام و من تبعهم الى يوم القيام .

(۲) بحاشیه شماره (۱) در صفحه ۴۰۹ مراجعه شود و عصام الدین اسفرائینی بر این کتاب شرحی نگاشته و در ص ۴۲۳ از آن معرفی میشود .

میباشد، نوشته شده تألیف ابوالقاسم بن ابی بکر الیشی السمرقندی است که از علماء نیمه دوم قرن نهم هجری بوده است.

صاحب کشف الظنون در ص ۳۲۴ ج ۱ در ذیل « تلخیص المفتاح » نام این حاشیه و محشی آنرا برده ولی سال وفات و زمان او را معین نکرده است. محشی در این حاشیه داد اطلاع و استعداد خود را داده و در آن نقلهای بسیاری از کتب و دانشمندان سابق دارد و دارای مطالبی سودمند میباشد، در حدود (۱۰۵۰۰) بیت کتابت دارد، فقط حاشیه بر معانی و بیان است و پاره ای از مطالب این حاشیه در حاشیه بعضی از چاپهای مطول چاپ شده است.

آغاز: بسملة الحمد لله الذی انعمنا بتلخیص دقائق المعانی والبیان الخ.

(۱۰۳۹)

حاشیه سمرقندی این نسخه چنانکه پشت صفحه نخستین سید علیخان کبیر (علی صدر الدین بن احمد نظام الدین) بخط خویش نوشته اند باس ایشان نوشته شده، تاریخ تحریر در خود نسخه و این یادداشت **حاشیه میر شریف** نیست، بنا بر این و شهادت رسم الخط و مرکب و کاغذ مسلماً در قرن یازدهم یا اوائل دوازدهم نگارش یافته، یادداشتی از پشت صفحه نخستین و مهری از آخر نسخه محو گردیده است.

جلد میشن ضربی. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۱۹۲). صفحه ای (۲۷) سطر. طول (۲۳ سانتیمتر). عرض (۱۴ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۹۶۹).

[۴۴۷] حاشیه ملا عبدالله یزدی بر خطائی (عربی)

ملا عبدالله بن شهاب الدین حسین شهابادی یزدی از علماء امامیه قرن دهم هجری و همدرس مقدس اردبیلی و ملا میرزا جان، باغنوی شیرازی پیش جمال الدین محمود شاگرد ملا جلال دوانی بوده و چنانکه در ص ۳۲۱ و ۴۵۰ ج ۱ فهرست گفته شد صاحب معالم و صاحب مدارك پیش ایشان تحصیل منطق و معانی و بیان مینموده اند.

این دانشمند دو حاشیه بر تهذیب المنطق تفتازانی نوشته که یکی از آنها بسیار معروف و از کتب درسی می‌باشد و مکرر چاپ شده و دیگری نسخه آن در کتابخانه رضویه موجود است (ج ۱ ص ۱۱ فصل منطق خطی)، حاشیه بر حاشیه خطائی (همین کتاب)، حاشیه بر حاشیه ملا جلال بر تهذیب (در ص ۱۵ فصل منطق خطی فهرست رضویه دو نسخه از این حاشیه معرفی شده)، حاشیه بر بحث موضوع از حاشیه ملا جلال (نسخه ای از این حاشیه در ص ۲۶ فصل منطق ج ۱ فهرست رضویه نشان داده شده)، حاشیه بر مختصر شرح تلخیص، حاشیه بر شرح شمسیه و حواشی دیگر بر کتب کلامی و ادبی است

بعضی گویند که این عالم در علوم شرعیّه دستی نداشته، امین احمد رازی در هفت اقلیم (ص ۱۳۴ نسخه خطی کامل مدرسه) این مؤلف (ملا عبدالله) را نام برده و گوید: و مهارتش در فنون علم فقه بغایتی بوده که می‌گفته: اگر متوجه بدان علم کردم بتوفیق الله تعالی برهان و دلایل عقلی بر مسائل فقهی گفته (کذا) چنان فقهرا مدلل سازم که بحال چون و چرا نماند.

صاحب روضات بنقل از امل الآمل به نقل از سلافة العصر گوید: شرحی بر قواعد علاّمه نوشته ولی صاحب روضات احتمال داده اند که شرح قواعد از ایشان نباشد و ملا عبدالله شوشتری شارح قواعد باین ملا عبدالله اشتباه شده باشد و ایشان از تاریخ حسن بیک روملو (احسن التواریخ) وفات ملا عبدالله یزدی را در عراق عرب در سال ۹۸۱ ضبط کرده اند.

ملا عبدالله بسال ۹۶۲ در مدرسه منصوریه شیراز از تألیف این حاشیه بر حاشیه خطائی فراغت یافته و سائر مباحث از مختصر را که خطائی حاشیه ننمود ایشان نیز متعرض نشده اند و در حدود (۳۰۰۰) بیت کتابت این حاشیه است.

آغاز: بسمله حمد لمن خلق الانسان وعلمه البيان وشكر لمن علمه بدایع المعانی الخ.

(۱۰۴۰)

حاشیه ملا عبدالله این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۲۷ نوشته شده ، ضمیمه حاشیه حامد بر خطائی استکه زیر شماره (۱۰۳۳) در ص ۴۰۶ بر خطائی معرفی از آن شد و در کتابخانه شماره (۲۹۶۵) شامل این دو نسخه است خصوصاً دیگر بصفحه نام برده بالا مراجعه شود .

(۱۰۴۱)

حاشیه ملا عبدالله این نسخه را بخط نسخ خوب بسال ۱۰۹۷ محمد مؤمن قاضی نوشته ، ضمیمه حاشیه خطائی استکه زیر شماره (۱۰۳۶) در ص ۴۰۸ و ۴۰۹ معرفی گردید ، و در کتابخانه شماره (۲۹۶۱) شامل این دو نسخه است ، خصوصاً دیگر بصفحه نام برده بالا مراجعه شود ، پشت صفحه نخستین محمد مهدی عبدالرب آبادی شرحی در معرفی این حاشیه و مؤلف آن ملا عبدالله بنقل از « احسن التواریخ » حسن بیگ روملو نگاشته اند .

[۴۴۸] حاشیه میر سید شریف بر طول (عربی)

این حاشیه بر مطول نیز یکی از مؤلفات میر سید شریف جرجانی استکه در ص ۳۶۸-۳۶۶ معرفی از ایشان گردید ، از مطول نیز در همین فصل معرفی مینمائیم ، پیش دانشمندان این حاشیه شهرتی بسزا دارد و مورد بحث و نظر گردیده و در تأیید ورد آن تعلیقاتی نگاشته شده و چند بار در آستانه و ایران مستقلاً و در حاشیه مطول چاپ گردیده و در حدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسملة الحمد لله رب العالمين والصلوة على سيد المرسلين محمد وآله وصحبه
اجمعين اما بعد فهذه حواش على الشرح المشهور لتلخيص المفتاح كنت قد قيدتها
عليه بجملة حال ما قرء على بعض احبتي الخ .

(۱۰۴۲)

این نسخه را بسال ۸۳۶ محمد قاری رود آوری بخط نسخ خوب نوشته ، در حاشیه بیشتر از بر گها حاشیه هائی بخطوط مختلف از اشخاص متعدد نگاشته شده ، تمام اوراق متن

حاشیه میر

بر مطول

و حاشیه گردیده و مجدول بطلا است ، يك سر لوح كوچك دارد ، باطلا بر آن نوشته شده : حاشیه میرسید شریف بر مطول . قسمت پائین تمام بر گها و صالی شده و بر آنها مطالبی نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و خان بالغ . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۳۱) .
صفحه ای (۲۳) سطر . طول ($۱۹\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۶۸) .
(۱۰۴۳)

حاشیه میر

بر مطول

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۲۷ نوشته شده (سال نگارش رانویسنده اینگونه : (۱۲۷) نوشته ، از طرز نگارش و کاغذ مسلم است که ۱۰۲۷ بوده و موافق رسم قدما صفر در مرتبه مات را نگذاشته است) سه ورق اول نونویس میباشد ، بر کنار پاره ای از صفحات حاشیه هائی نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۳۰) .
صفحه ای (۲۳) سطر . طول . ($۱۹\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض ($۱۲\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۶۷) .

(۱۰۴۴)

حاشیه میر

بر مطول

این نسخه را بسال ۱۰۷۰ محمد شریف بن حاجی حسن آملی بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته ، ورق اول و صالی گردیده در حاشیه بعضی از اوراق تعلیقاتی بامضاء ابی وردی ، چلبی ملا میرزاجان ، و غیره دیده میشود .

جلد تیماج . کاغذ کاهی و دولت آبادی و فرنگی . واقف سیهسالار . قطع بغلی . شماره اوراق (۱۹۲) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۱۵ سانتیمتر) . عرض (۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۶۶) .

[۴۴۹] رساله در مجاز و استعاره (عربی)

این رساله چنانکه در آخر آن نگاشته شده تألیف جارالله زنجشیری است که در ص ۱۵۸ - ۱۶۲ ج ۱ و ص ۱۱ - ۱۴ همین مجلد معرفی ایشان گردیده ولی در هیچیک از مآخذ تألیف رساله ای در این موضوع صریحاً بایشان نسبت داده

نشده ولی هیچکس تمام مؤلفات وی را نام نبرده و عموماً پس از نام برخی از آنها گویند و غیر ذلك بهر حال این نسخه رساله ای مختصر و پس از مقدمه ای که در بیان معنی حقیقت و مجاز میباشد در يك باب سیزده قسم مجاز مرسل و در باب دیگر چهارده قسم استعاره را بیان نموده و تمام این رساله (۱۵۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسملة الحقيقة ان يثبت لفظ فيما وضع له بعرف كائن من كان الخ.

(۱۰۴۵)

رساله در مجاز این نسخه بخط شکسته نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده،

مجموعه ای که بشماره (۹۶۸) در این کتابخانه ثبت شده از ص

واستعاره

۱۶۱-۱۶۴ شامل این رساله میباشد، فهرست این مجموعه در ص

۶۱۹ ج ۱ فهرست ذکر شده است.

[۴۵۰] رساله در معانی و بیان و بدیع = الانموزج = موجز البیان (عربی)

مؤلف در این رساله از خود نامی نبرده، با مطالعه اجمالی تمام آن جز بنام صاحب مفتاح و صاحب ایضاح بر نخوردم، بقرینه و طرز حمد و صلوة در ابتدا و انتهاء مسلماً تألیف یکی از علماء امامیه میباشد و بسیار سلیس و روان است و در حدود (۳۵۰) بیت کتابت دارد.

مؤلف الذریعه الی تصانیف الشیعه در ص ۴۰۲ ج ۲ آن کتاب زیر عنوان الانموزج عباراتی دارد که مختصراً ترجمه آن اینست: تألیف عبدالوهاب بن علی استر اباد الحسینی است و نسخه اصلی آنرا که مؤلف بخط خویش نوشته و تاریخ تألیف آن سال ۸۷۹ بود به ضمیمه شرح وی بر فصول نصیریّه و حاشیه او بر شرح میر کتبر هدایه اثیریّه دیده ام و مرتب بر مقدمه و فنونی چند و خاتمه ایست و نویسنده ای غیر از مؤلف بر این نسخه انموزج نوشته بود که نام آن «موجز البیان» میباشد.

گذشته از اینکه آغاز منقول در الذریعه با آغاز این رساله مطابق است این عبارت (و بعد فهذا انموزج من علم البلاغه الخ) که پس از حمد و صلوة این رساله میباشد مؤید کاملی است که این رساله همان انموزج استر ابادی یا موجز البیان است.

و تفسیر آیه الكرسي تألیف عبدالوهاب حسینی استر ابادی را آقای تربیت دارند.

آغاز: بسملة الحمد لله الذي خلق الانسان علمه البیان واسبع له الاحسان الخ.

(۱۰۴۶)

رساله در معانی
و بیان و بدیع
این نسخه بخط نسخ نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش
نام نبرده، ضمیمه مجموعه ایستکه در کتابخانه شماره (۹۶۸)
را دارد و ص ۲۰۲-۲۱۴ آن مجموعه این رساله است.

[۴۵۱] شرح تلخیص المفتاح = مختصر (عربی)

این کتاب نیز یکی از کتب مؤلفه تفتازانی (ملاّ سعد) استکه در ص ۳۴۴-۳۴۶
بشرح حال و مؤلفات ایشان پرداخته ایم.

این شرح را پس از شرح بزرگ خود که مشهور به **مطول** گردیده، بر تلخیص-
المفتاح بسال ۷۵۶ در **غجدوان** (۱) تألیف و گذشته از اینکه آن شرح اوّل را مختصر
نموده، مطالبی تازه نیز دارد و مشهور به **مختصر** گردیده و دانشمندان بر این و آن
حواشی و تعلیقات متعدد نوشته اند.

تلخیص المفتاح یکی از مختصرات قسم سوم مفتاح العلوم سکاکی میباشد و
خطیب چنانکه خود در مقدمه آن (تلخیص) تذکر داده، گذشته از اختصار
در توضیح و بیان مطالب آن اضافاتی نموده و ترتیب آنرا هم بطرزیکه بهتر از روش
اصل بوده قرار داده و آنرا بر مقدمه ای و سه فن (معانی و بیان و بدیع) تقسیم کرده
و دانشمندان بحفظ و تدریس آن پرداخته و چندین شرح بر آن نگاشته شده است (۲).

خطیب قزوینی (جلال الدّین محمد بن عبدالرحمن بن عمر بن احمد عجمی قزوینی
دمشقی شافعی ۶۶۶-۷۳۹) (۳) در موصل تولد یافته و چندی در روم مسکن گزیده
و بتحصیل انواع علوم پرداخته پس از آن مدرس شده و مقام نیابت قضاوت یافته
و خطیب و قاضی دمشق گردیده و یازده سال قضاوت مصر را دارا شده و از آنجا

(۱) غجدوان بضم غین معجمه و جیم ابجد و دال مهمله مضمومه نام دهی از بخارا میباشد (ص ۷۷۵ ج ۳
معجم البلدان).

(۲) کشف الظنون ج ۱ ص ۱۷۶ و ۳۲۳ - ۳۲۷.

(۳) به ص ۱۲۳ و ۱۲۴ ج ۶ شذرات الذهب و ص ۱۰۰۸ معجم المطبوعات و ص ۱۲۸ ج ۴
تاریخ ابوالفداء و طبقات الشافعیه ص ۲۳۸ و ۲۳۹ ج ۵ و روضات الجنات ج ۴ ص ۲۰۳ مراجعه شود.

قضاوت شام را گرفته و بانجا آمد و در این هنگام تلخیص المفتاح و شرح آنرا که الايضاح نام دارد تألیف نمود .

این شرح (مختصر) در حدود (۸۰۰۰) بیت کتابت دارد، نخستین بار در کلکته بسال ۱۸۱۵ م. و پس از این در آستانه و بیروت چاپ شده است .

آغاز: بسملة نحمدك يا من شرح صدورنا لتلخيص البيان في ايضاح المعاني الخ .

(۱۰۴۷)

مختصر این نسخه را بخط شکسته، سعید بن محمد ابراهیم رازی، مسلماً در قرن یازدهم نوشته [در آخر سال نگارش اینگونه: (۱۰۶) نگاشته شده شاید هزار و ده (۱۰۱۰) باشد]، بیشتر از اوراق دارای تعلیقات میباشد و پشت صفحه نخستین یادداشت‌هایی موجود و بعضی را هم محو کرده اند . جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۲۲) . صفحه ای (۲۴) سطر . طول ($25 \frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض ($13 \frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۶۰) .

(۱۰۴۸)

مختصر این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۴۵ نگارش یافته ، بر خود نسخه بنام مطول وقف گردیده و در دفاتر کتابخانه بهمین نام ثبت شده ، پس از اتمام این کتاب « منظومه ابن الشحنة » در معانی و بیان و بدیع که درص ۴۳۲-۴۳۴ این فصل معرفی خواهد شد، نوشته شده ، چهار برگ نخستین نسخه از اواسط کتابست ، برگ اول کتاب و اوراقی از اواسط آن افتاده و برگ‌هایی هم از آن و صالی گردیده و تعلیقاتی بر کنار صفحات نگاشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۴۳) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۷۵) .

(۱۰۴۹)

مختصر این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۷۴ نوشته شده و بسال ۱۰۷۵ مقابله و تصحیح گردیده ، بر کنار صفحات تعلیقاتی موجود ، دو یادداشت از پشت برگ نخستین نسخه محو گردیده و نیز بنام مطول بر این کتابخانه وقف شده است .

جلد تیماجی . کاغذ نمائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۵۹) . صفحه ای (۱۸) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۵۸) .

(۱۰۵۰)

این نسخه را بخط نسخ، محمد مهدی بن حاج محمد یوسف، بسال

مختصر

۱۰۸۸ نوشته، بر صفحات آن تعلیقاتی میباشد و برخی از اوراق

آن وصالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۱۵) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول ($۲۴\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۵۵) .

(۱۰۵۱)

این نسخه را بخط نسخ، علی نقی بن اسمعیل موسوی، بسال ۱۲۲۱

مختصر

نوشته، بر کنار صفحات آن تعلیقاتی موجود، مقابله و تصحیح

گردیده پشت ورق اول و آخر و برگگی که در ابتدا و انتهای نسخه میباشد مطالب

متفرقه ای نگارش یافته و از آن جمله این مطالب است :

ابجد هوز حطی کلمن سغص قرشت ثخذ ضغ
انکار کرد دریوست واقف کرد سخن کرد زود پیاموخت تربیت کرد نگاه داشت تمام کرد .
جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۳۵) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۹۵۴) .

(۱۰۵۲)

این نسخه بخط نسخ، عباس بن نجف، بسال ۱۲۳۳ نوشته شده

مختصر

و پاره ای از صفحات دارای تعلیقاتی بخط شکسته میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار ، قطع وزیری . شماره اوراق (۱۵۵) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض ($۱۵\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۵۶) .

(۱۰۵۳)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده از خود و سال

مختصر

نگارش نام نبرده، در حاشیه صفحات (از اول تا آخر) شرح

بزرگ تفتازانی (مطول) را جعفر بن عباس مورانی (۱) بسال ۱۲۴۳ نوشته و ظاهر اینست که نویسنده مختصر هم همین شخص میباشد.

جلد نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۰۶) . صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۵۹) .

(۱۰۵۴)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده موفق بنوشتن نام خویش و سال نگارش نگردیده ظاهراً در قرن یازدهم ان را نگاشته اند، بر کنار بر گها بیشتر از نسخه های دیگر پیشین تعلیقاتی از شیخ الاسلام میباشد و از دیگران نیز حاشیه هائی موجود و پاره از اوراق و صالی گردیده جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۱۷) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض ($۱۳\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۹۵۷) .

(۱۰۵۵ و ۱۰۵۶)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، ورق آخر آن افتاده، حاشیه هائی از شیخ الاسلام و خطائی و دیگران بر کنار بر گها نگارش یافته، بر گ اول و صالی گردیده، منظومه مؤنثات سماعی در علم صرف که در ص ۳۳۱ در ذیل مؤلفات ابن حاجب نام برده شد پشت صفحه اول نوشته شده و آغاز آن اینست: نفسی الفداء لسائل وافانی بمسائل فاحت کروض جنانی . و ۲۳ بیت میباشد .

و آخرین سطر نسخه اینست : و کونها بین ادعیه و وصایا و مواعظ و تحمیدات . جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۱۸) . صفحه ای (۱۳) سطر . طول ($۲۰\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۵۳) .

(۱) درس ۶۷۹ ج ۴ معجم البلدان نوشته شده که موریان بضم میم وراء مهمله و پس از آن یام خطی نام دهی از نواحی خوزستان میباشد و نسبت بدان موریانی است و ابویوب موریانی که وزیر منصور و نام وی سلیمان بن ابی سلیمان بن ابی مجالد بوده و منصور او را کشته بدینجا منسوب است .

(۱۰۵۷)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، در حدود پانزده برگ
 از اوّل و قسمتی از فن بیان و تمام بدیع آن افتاده و آغاز نسخه
 اینست: خارج عن حد الاعتدال نافر^۱ کل التناظر فائنی علیه الخ. و آخر آن این:
 (وقد یكون حقيقة كما فی انبت الربیع، فصل فی شرائط حسن الاستعارة.) بر کنار بعضی
 از صفحات تعلیقاتی بامضاء خلخال و نور الدین و میرسید شریف و دیگران وجود دارد.
 جلد تیماجی. کاغذ کاهی. واقف سیهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۷۳) صفحه ای
 (۱۲) سطر. طول (۱۹ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹۵۲).

[۴۵۲] شرح تلخیص المفتاح = مطول (عربی)

این کتاب چنانکه گفته شد نیز تألیف تفتازانی است (۱) و بنا بر ضبطی که در آخر
 نسخه شماره (۱۰۶۱) این فهرست و شماره ۲۹۷۷ کتابخانه گردیده، در دوم
 رمضان سال ۷۴۲ تألیف آن شروع و در بیست و یکم صفر سال ۷۴۸ در هر اة خاتمه یافته (۲)
 و از مشاهیر کتب در این موضوع میباشد، و دانشجویان و دانشمندان با استفاده و افاده
 آن شوقی تمام داشته و دارند، حواشی و تعلیقات بسیار بر آن نگاشته شده
 (ص ۳۲۳ - ۳۲۷ ج ۱ و ص ۴۸۰ - ۴۸۴ ج ۲ کشف الظنون) و از چند حاشیه
 آن در ص ۴۰۰ و ۴۱۲ و ۴۹۶ این مجلد معرفی گردیده و مکرّر با حواشی در
 ایران و مصر و هندوستان چاپ گردیده.

آغاز: بسملة الحمد لله الذی الهما حقائق المعانی ودقائق البیان الخ.

(۱۰۵۸)

این نسخه را سید احمد بن شیخ حمزة (کذا) بن شیخ (کذا)
 منصور، بخط نستعلیق بد، بسال ۸۶۰ نوشته، بر کنار برگها
 تعلیقاتی از منلازاده، چلبی، خطائی، میرسید شریف و دیگران و مطالبی از شرح
 خطیب (الایمناح) و صحاح و غیره نگارش یافته، پیش از ورود باین کتابخانه برگ

- (۱) در ص ۳۴۴ - ۳۴۶ همین مجلد شرح حال تفتازانی مؤلف این کتاب نگارش یافته.
 (۲) در ص ۲۲۴ ج ۱ کشف الظنون تاریخ انعام این شرح مطابق آنچه در بالا یاد شده
 ضبط گردیده است.

نخستین نسخه افتاده و اولین سطر آن اینست : سطر منه عقد من الدرر و کان یعوقنی عن ذالك الخ.

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۶۹) . صفحه ای (۲۷) سطر . طول (۲۷ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۸ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۸۲) .

(۱۰۵۹)

مطول

این نسخه را بخط نسخ، صادق بن امین، بسال ۱۰۵۰ در مدرسه جعفریه اصفهان نوشته، در حاشیه بر گها تعلیقاتی از مؤلف ابوالقاسم سمرقندی، چلبی، جمال الدین، شیخ الاسلام، سید شریف و غیر از اینها موجود و محتاج و صالی و صحافی است.

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۱۱) . صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۷۸) .

(۱۰۶۰)

مطول

این نسخه را بخط نسخ، عبدالله بن عبدالعلی جزائری، بسال ۱۰۸۱ نوشته، بر حاشیه بیشتر از اوراق تعلیقاتی از چلبی، ابوالقاسم سمرقندی، میرزا جان، سید شریف، جمال الدین، شرح مفتاح سید (الاطول)، صحاح و کشاف و غیر از اینها نگاشته شده، یادداشتی پشت برگ نخستین بوده آنرا محو کرده اند و برخی از برگها چرب شده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۱۸) . صفحه ای (۲۴) سطر . طول (۳۲ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۸۸) .

(۱۰۶۱)

مطول

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۸۲ در مدرسه مقیمیه شیراز (۱) نویسندگی نوشته، تعلیقات و حواشی زیادی از مصنف و از

(۱) این مدرسه در جنوب غربی مسجد جامع عتیق (مسجد جمعه) شیراز متصل بمسجد مذکور واقع و در یکی از زلزله های سخت شیراز منهدم شده بتشویق بدرنگارنده آقای حاج شیخ یوسف دام ظلّه العالی و آقای حاج سید ابراهیم انوار (حاج مدرس) دام عمره مرحوم حاج میرزا علی محمد تاجر دهدشتی آن را در حدود سی سال پیش مجدداً ساخت و نخستین سنگ بنای نوین آن را دو نفر عالم نام برده بدست خویش گذاردند و اینک از مدارس قدیمه آباد این شهر است.

شرح مفتاح میر سید شریف، چلبی، شرح کشاف مصنف، صحاح اللغة، ابوالقاسم سمرقندی و غیر از اینها بخط شکسته نستعلیق بر اوراق آن نگارش یافته، پشت برگ نخستین یاد داشتی بوده محو گردیده، وقفنامه کتاب جای آن نوشته شده و بر دو ورق کاغذیکه در آخر نسخه بوده مطالب متفرقه ای نگاشته اند.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۸۶). صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۳ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹۷۷).

(۱۰۶۲)

این نسخه را بخط نسخ، محمد ولی بن علی اصغر، بسال ۱۲۴۹ نوشته، پاره ای از برگها دارای تعلیقاتی از چلبی، شیخ الاسلام، ابوالقاسم سمرقندی، ابوتراب و خود مصنف میباشد و بعضی از آنها هم محو گردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنکی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۲۱). صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۳۲ سانتیمتر). عرض (۲۲ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹۸۳).

(۱۰۶۳)

این نسخه را محمد هادی بن محمد صادق حسینی، بسال ۱۲۵۹ بخط نسخ نوشته، بر کنار آخرین برگ و پشت برگ نخستین یاد داشتی بوده محو گردیده، بعضی از صفحات حواشی بسیاری از چلبی، میر سید شریف، خواجه و خود مصنف و غیره دارد.

جلد تیماجی. کاغذ فرنکی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۵۴). صفحه ای (۲۲) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹۸۰).

(۱۰۶۴)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، نویسنده نام خود و سال نگارش را تذکر نداده، ظاهراً در قرن دهم نگاشته شده و برخی از برگها دارای تعلیقاتی از محشین نام برده بالا میباشد.

جلد میشن. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۹۱). صفحه ای (۲۰) سطر. طول (۲۵ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). عرض (۱۷ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹۷۹).

(۱۰۶۵)

مطول

این نسخه بخط نستعلیق بد خطی نگارش یافته، نام خود و سال نوشتن را معین ننموده، پشت نخستین صفحه قسمتی از آخر رساله سمرقندیه که پیش از وارد شدن این نسخه باین کتابخانه، بدان پیوسته بوده، موجود و تاریخ نگارش آن سال ۱۰۵۸ (۱۵۸ کذا) میباشد و خط این نسخه بدان تتمه شباهت دارد، بنابراین نویسنده هر دو یکی و از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد، برگ آخر کتاب افتاده و آخرین سطر آن اینست: وفیه تهگم ول هذا وصفه بالرشید و اراد به القوی. بر کنار صفحات حاشیه های زیاد از محشین وجود دارد. جلد مقواتی. کاغذ کاهی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۰۳). صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۲۵) سا تقیمتر. عرض (۱۷) سا تقیمتر. شماره کتابخانه (۲۹۷۶).

(۱۰۶۶)

مطول

در حاشیه شرح مختصر تفتازانی بر تلخیص المفتاح (مختصر) که در زیر شماره (۱۰۵۳) در ص ۴۱۸ و ۴۱۹ آنرا نام بردیم و دارای شماره (۲۹۵۹) کتابخانه میباشد و بسال ۱۲۴۳ جعفر بن عباس مورانی آنرا بخط نسخ و نستعلیق نوشته است، این کتاب نگارش یافته خصوصیات دگر نسخه در آن صفحه مراجعه گردد.

[۴۵۳] شرح سمرقندیه (عربی)

این شرح را بر رساله استعارات ابوالقاسم بن ابی بکر لیشی سمرقندی (۱) که به «سمرقندیه» مشهور است عصام الدین اسفراینی که در ص ۳۲۰ و ۳۲۱ بشرح حال و معرفی ایشان پرداخته ایم، تألیف نموده، چندین حاشیه نیز بر آن نگاشته اند (ج ۲ کشف الظنون ص ۱۷۹) و این شرحی مزجی و چون اصل آن مرتب در سه عقد و هر عقدی مشتمل بر فرائدی میباشد و در حدود (۶۰۰) بیت کتابت دارد و تا کنون چاپ نگردیده است.

آغاز: بسمله يقول العبد . . . ان احسن ما يزداد به النعم الوافيه و يدفع به البليّه الخ.

(۱) در ص ۴۱۰ و ۴۱۱ «حاشیه مطول» که یکی از مؤلفات ایشان میباشد معرفی گردید و زمان حیات مؤلف نگاشته شد.

(۱۰۶۷)

این نسخه را محمود بن سلیمان بخط بد خویش بدون تاریخ
 شرح سمرقندیه نوشته، ظاهر آدر قرن یازدهم نگارش یافته، بر برگ سفیدیکه
 در آخر نسخه بوده چند دعاء بنقل از احیاء العلوم در دفع بلاء طاعون و غیره نوشته
 شده است.

جاد مقوائی. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۱۴) مختلف السطور.
 طول (۲۱ سانتیمتر). عرض (۱۵-۱۰ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۲۴).

[۴۵۴] شرح شواهد التلخیص = (عربی)

(معاهد التنصیص)

مؤلف این شرح عباسی است (بدرالدین (۱) ابوالفتح عبدالرحیم بن عبدالرحمن احمد
 شریف قاهری اسلامبولی شافعی $۸۶۷/۸۶۸$ (۲) که از دانشمندان و ادباء نامی قرن نهم و دهم
 هجری بوده، در مصر متولد شده، نزد دانشمندان آنجا علوم ادبیه و حدیث و تفسیر
 را فراگرفت، بایکی از سفرای پادشاه آن هنگام مصر، به اسلامبول آمد، شرحیکه
 بر صحیح بخاری نوشته بود بسلطان بایزید خان پادشاه عثمانی اهدا نمود پادشاه
 جائزه خوبی بوی عطا فرمود و مدرسه ای که در قسطنطنیه خود بنا نموده بود بوی
 برگذار نمود، که در آنجا بتدریس حدیث اشتغال ورزد، شریف نپذیرفت و بوطن
 خویش برگشت چون سلسله پادشاه مصر منقرض گردید دوباره به اسلامبول
 آمد و تا آخر عمر آنجا بود، و روزی پنجاه درهم حقوق تقاعد بوی میدادند،
 در علوم ادبیه و حدیث و تفسیر توانا بود و آشنائی کامل بتاریخ و محاضرات و قصائد
 عربی داشت و خطی نیکو و انشائی بلیغ و نظم خوبی دارا بود در شذرات استکه
 شرحی مفصل بر صحیح بخاری شروع کرد ولی ظاهراً بآخر نرسید و شرحی بر مقامات
 حریری دارد [خود مؤلف هم در معاهد التنصیص در ذیل شرح حال حریری

(۱) در نسخه شماره (۲۹۸۶) این کتابخانه لقب مؤلف زین الدین ثبت شده ولی در شذرات
 و معجم المطبوعات بدرالدین است.

(۲) شقائق النعمانیه ج ۱ ص ۴۵۹-۴۶۱ ج ۱ و فیات الاعیان، شذرات الذهب ج ۸ ص ۳۳۵
 و ۳۳۶ و معجم المطبوعات ص ۱۲۶۷ ماخذ نگارش این شروح است.

(ص ۳۴۶ از نسخه خطی شماره ۱۰۶۸ این فهرست و شماره (۲۹۸۷) کتابخانه) بتألیف آن تصریح کرده [و حاشیه‌ای بر قسمتی از ارشاد در فقه شافعی و شرح خزر جیه در علم عروض و معاهد التنصیص (همین کتاب) تألیف نموده و این کتاب اخیر را خود وی اختصار بسیار خوبی کرده است .

این کتاب را مؤلف خود « معاهد التنصیص علی شواهد التلخیص » نامیده و در مقدمه گوید: « از جمله متن‌هایی که بخاطر سپرده بودم تلخیص المفتاح است که در باب خویش راحت روح می‌باشد و خداوند مؤلف آنرا بیامرزد و در آن از شواهد شعریه اشعاری است که بقدماء و مولدین نسبت داده میشود ولی بسیاری از آنها بجهول مانده و برخی بغلط بدیگری نسبت داده شده ، آنچه را که بر شواهد تلخیص تا کنون شرح نوشته اند ادا کننده حق آن ندیدم ، جز آنرا که جلال الدین سیوطی رحمه الله نوشته که آنهم پا کنویس نشده ، هماره میخواستیم که باینکار مبادرت نمایم ولی خویشتن را شایسته آن نمیدیدیم تا اینکه بالاخره تصمیم گرفته و بتألیف آن پرداخته و در انجام آن کوشش نمودم و در ذیل هر یک از شواهد آنچه مناسب بود از نظائر آن نیز آوردم و با تحقیق و تفحص بشرح حال و ترجمه گوینده ابیات شواهد پرداختم ، جز در مواردیکه بترجمه آنها دست نیافتم (در این کتاب شرح حال ۹۹ شاعر دیده میشود و گذشته از مقام ادبیت تذکره بسیار مفید خوبی است) و جد را باهزل توأم نموده‌ام . »

مقدمه این کتاب را بنام سلطان سلیمان موشح نموده (۱) (از سال ۹۲۶ تا ۹۷۴ سلطنت نموده است) و پس از نقل هر یک از شواهد ، گوینده و مورد آنرا معین کرده و قسمتی از تتمه آنرا ذکر نموده و محل شاهد را در آن بیت معین کرده و نظائر آنرا هم می‌آورد ، پس از آن بشرح حال و ترجمه گوینده آن پرداخته و بآخر میرساند و بهمین

(۱) دیباجه دو نسخه این کتابخانه با یکدیگر مختلف و نسخه شماره (۲۹۸۷) با اسم سلطان سلیمان موشح گردیده و دیباجه نسخه دیگر بنام ابوالبقا محمد بن شا کر بن جیعان موشح شده و تصریح گردیده که برای کتابخانه ایشان تألیف گردیده و آغاز این دیباجه اینست : بسملة قال - الشيخ الامام زين الدين عبد الرحيم بن وجيه الدين عبد الرحمن بن احمد العباسي القاهري الشافعي الحمد لله الذي اطلع في سماء البيان اهله المعاني الخ .

نحو تا آخر کتاب رفته است و بسال ۱۲۷۴ و ۱۳۱۶ دوبار در مصر چاپ شده است .
 آغاز : بسملة الحمد لله الذى جعل العقل مفتاح العلوم و مدرك معانى المنطوق
 والمفهوم الخ .

(۱۰۶۸)

شرح شواهد
 تلخیص
 (معاهد التنصيص)
 این نسخه بخط نسخ خوب بسال ۱۲۶۵ نوشته شده ، شواهد
 و اسامی شعر و عناوین مطالب را با شنجرف نوشته اند و بر ورقیکه
 پیش از برگ نخستین کتاب می باشد نام شعرائیکه در این کتاب
 شرح و ترجمه حالات آنها نگارش یافته با تعیین صفحات مندرجه
 در آنها ثبت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۳۱) . صفحه ای
 (۲۹) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۸۷) .

(۱۰۶۹)

شرح شواهد
 تلخیص
 (معاهد التنصيص)
 این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نام خود و سال
 نگارش را معین نموده ، ولى مسلماً در قرن سیزدهم هجری
 بوده و اسامی شعرائیکه شرح حالشان در این کتاب می باشد ،
 بر درون جلد کتاب نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۳۱) . صفحه ای
 (۲۸) سطر . طول (۳۴ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۸۶) .

[۴۵۵] شرح شواهد مطول (عربی)

این شرح را کمال الدین محمد بن معین الدین محمد فدشکوئی (۱) فسائی (۲)
 مشهور به میرزا کمالا که یکی از فضلا و علماء امامیه در قرن یازدهم و دوازدهم (۳)
 هجری بوده و داماد علامه مجلسی می باشند ، بر ایات و شواهد موجوده در مطول

- (۱) فدشکو یکی از دهات فسا می باشد که از شهرهای کوچک فارس است .
 (۲) روضات ص ۱۷۰ ج ۳ ، فارسنامه ناصری گفتار دوم ص ۲۳۰ والفيض القدسی در ذیل نام
 (و مختصر احوال) چهارمین دختر مرحوم مجلسی .
 (۳) صاحب فارسنامه که خود نیز فسائی بوده وفات ایشان را صریحاً معین ننموده و گوید در حدود
 هزار و صد و اند وفات کرده و صاحب روضات گوید از علماء اوائل صده دوم پس از هزار می باشد .

تفتازانی بسال ۱۰۹۶ (۱) نوشته و نظیر « معاهد التنصيص » مذکور در ص ۴۲۴-۴۲۶ می باشد، باین معنی که پس از نقل بیت یا مصراع استشهاد شده مختصری از شرح حال گوینده آن نگاشته شده و پس از آن تتمه بیت یا مصراع و اینکه در چه مورد انشاء گردیده و معانی لغات و الفاظ مشککه در آنها بیان گردیده است.

در روضات و فارسنامه ناصری و الفیض القدسی شرح شافیه ابن حاجب (۲) و در دو مأخذ اول شرح قصیده دعبل خزاعی نیز به ایشان نسبت داده شده و هیچیک این کتاب (شرح شواهد مطول) وی را تذکر نداده اند و در مقدمه این کتاب حواشی و تعلیقاتی بر مطول، بخود نسبت داده اند.

فهرست کلیه ابیات اصلی و فرعی این شرح را دانشمندی (از خود نام نبرده) بترتیب حروف تهجی مرتب نموده و نسخه زیرین دارای آنست.

این شرح تا کنون چاپ نشده و در حدود (۲۵۰۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسملة الحمد لله الذی نظم سلسلة الوجود نظماً كاملاً ليس فيه انشلام الخ.

(۱۰۷۰)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، کاتب نام خود را نبرده، ظاهراً از خطوط قرن سیزدهم هجری می باشد، بسال ۱۲۹۲ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده، فهرست نام برده بالا در ده برگ پیش از اصل کتاب گذارده شده و بر گهائی ننوشته اول و آخر نسخه و میان دو قسمت مذکور می باشد.

شرح
شواهد مطول

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۱۷). صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۳۰ و ۱/۴ سانتیمتر). عرض (۱۸ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹۸۹).

[۴۵۶] شرح معانی و بیان و بدیع مختصر (عربی)

این رساله یا کتاب شرحی مختصر بر یکی از متون مختصره در علم معانی و بیان

(۱) این تاریخ در آخر نسخه این کتابخانه می باشد و نویسنده بان قناعت نموده و تاریخ کتابت را نگذارده ولی مسلماً نسخه در قرن سیزدهم نگارش یافته است.

(۲) نسخه ای از این شرح در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است.

و بدیع میباشد ، بادقت زیاد نام متن و شرح و مآتن و شارح بدست نیامد مسلماً متن تلخیص المفتاح و میزان البلاغه و دورساله ای که ضمیمه مجموعه شماره (۹۶۸) کتابخانه میباشد نیست ، چنانکه از نقل قسمتی از آن بدست می آید متن و شرحی لطیف و متین میباشد ، علم معانی را در چهار باب ذکر و هر یک از معانی و بیان و بدیع را بنام علم معرفی کرده ، برای نمونه پاره ای از ابتداء علم بیان را با امتیاز متن از شرح در اینجا می آوریم : العلم الثانی علم بیان :

التشبيه في اللغة والاصطلاح تشريك امر وهو المشبه لآخر وهو المشبه به في ما اى في وصف له اختصاص بهما ليخرج زيد كالاسد في الحيوانيه وغيرهما من الصفات العامه ويق له وجه الشبه باداة اى الكاف و كان ومثل وشبه وغيرهما من الاسماء المشتقة منهما يلم بها الثاني وهو المشبه به غالباً قيد به ليخرج ما اذا كان المشبه مر كبا لم يغير عنه بمفرد كقوله تم واضرب لهم مثل الحيوة الدنيا كماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشيماً تذروه الرياح فان المشبه به ليس هو الماء وحده بل حالها من انه اذا نزل نماء الارض وانبتت حتى يختلط بعضها مع بعض لكثرتها تم يفنى النبات سريعاً مع انه ولي الكاف بخلاف قوله تم مثل الذين حملوا التوراة ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل اسفارا فان المشبه به وان كان مر كبا ولكن عبر عنه بمفرد وهو المثل فكل من الاولين وهو المشبه والمشبه به اما مفرد حقيقي الخ .

قسمتی که نسخه زیرین شامل آن میباشد در حدود (۷۰۰) بیت و شاید تمام آن (۱۵۰۰) بیت بوده است .

(۱۰۷۱)

این نسخه در آخر شرح صغیر صمدیه سیّد علیخان کبیر میباشد
 که بسال ۱۲۵۹ نگارش یافته و در ص ۳۵۵ زیر شماره
 (۹۷۲) معرفی از آن شد و در کتابخانه زیر شماره (۳۱۴۹) میباشد ،
 مختصر قسمتی از علم معانی (تقریباً دو باب از چهار باب) و پاره ای
 از علم بدیع آن افتاده و آغاز نسخه اینست : اهل الدنيا والمتعسر للكثرة نحو
 علماء العراق اول لزوم الترجيح .

وانجام این : ثم اعلم ان الطباق اما ان يكون اللفظين متوافقين في الاسميّة والفعلية .

[۴۵۷] مفتاح المفتاح = شرح مفتاح العلوم (عربی)

این کتاب تألیف قطب الدین شیرازی است (ابوالثناء محمود بن مسعود بن مصلح شیرازی الشافعی ۶۳۴-۷۱۰) (۱) که از مشاهیر حکما و اطباء قرن هفتم هجری بوده و شاگردی حضرت خواجه نصیر الدین طوسی را نموده و در دستگاه هولاکو و اعقاب وی راه یافته و بنام سفارت او را بمصر و روم فرستاده اند، مردی ظریف و خوش ادا بوده، صاحب روضات از سلم السموات ابوالقاسم کازرونی و صاحب هفت اقلیم نقل کرده اند که روزی اتابک سعد زنگی در عنفوان جوانی خویش بتماشای ساختمان مسجد جامع (۲) که خود او بانی آن بود، رفت علما هم آنروز در آنجا جمع بودند، قضا را اندک گلی از دست بِنّا در رفت و بر رخسار سعد نشست، قطب الدین فوراً گفت: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا. سعد رو بسعدی کرد که پسر خواهر قطب الدین بود و نیز از حضار و پرسید که چه گفت، شیخ نیز بی درنگ گفت: وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا. سعد از این سرعت انتقال و حاضر جوابی سعدی بسیار مشعوف شد و بر آن جسارت ترتیب اثر نداد. و نیز در روضات است: که چون قطب در شهری غریب بود و روز گارش سخت میشد خود را کافرو طالب دین اسلام و دارای نورایمان معرفی میکرد، مردم اطراف وی گرد می آمدند و هر يك تحفه ها میدادند که دین مقدس اسلام را بپذیرد و از این رهگذر دارائی خوبی بدست میآورد، یکبار پسر خواهرش شیخ سعدی گذارش بشهری افتاد که قطب در آنجا این نیرنگ را ریخته بود و آنچه از وی شنیده بود بچشم خویش بدید، بزبان دهاتی شیراز، که مردمان ندانند چه گفته شد، بدو گفت، قَطْبُو تُو هرگز مسلمان نمی به. یعنی ای قطب تو هرگز مسلمان نمیشوی.

(۱) در روضات ج ۳ ص ۱۸۳ ذیل قطب رازی و ص ۷۱ ج ۴ ذیل خواجه نصیر طوسی و ص ۲۱۴ بنام محمود بن مسعود، طبقات الشافعیه ج ۶ ص ۲۴۸، هفت اقلیم نسخه خطی مدرسه ص ۷۸ و ۷۹، طبقات الحنفیه در حاشیه ص ۱۲۶، بغیة الوعاة زیر نام محمود بن مسعود، تاریخ کزیده زیر نام قطب الدین محمود در فصل پنجم از باب پنجم شرح حال ابن دانشمند نگاشته شد.
(۲) این مسجد اینک از مساجد معموره شیراز و معروف بمسجد نو در مقابل مسجد جامع عتیق (مسجد جمعه) میباشد.

سیوطی در بغیه و دیگران بنقل از وی نوشته اند که قاضی سیواس و ملطیه گردید و از آنجا بشام آمده و به تبریز رفته و در آنجا بتدریس علوم عقلیه و حدیث پرداخته و جامع الاصول را از صدرالدین قونوی از یعقوب هذیانی از مصنف آن روایت نموده و با آنکه با پادشاهان آمدورفت داشت از زی درویشی دست برنداشت و بازی شطرنج را بسیار دوست میداشت و چنگ را خوب می نواخت و شعبده را بخوبی میدانست و از هوشمندان جهان و دانشمندان دوران بود و فقها را فروتنی مینمود و نماز جماعت را ترك نمیکفت و چون کتابی تألیف مینمود روزه میگرفت و شبی را احیاء میداشت و هر چه مینوشت منقح بود و پاکیزه و محتاج به پاک نویسنده انتهی (عجب مرد عجیبی بود و چگونه میان لهو و لعب و علوم و فضائل و عبادت و ریاضت که ضِدَّانِ مُقْتَرِقَانِ آي تَفَرُّقِ میباشند جمع کرده است) صاحب روضات گوید گاهی شعر میگفته و از اشعار عربی و فارسی وی چند بیت زیرین را نقل نموده:

وَتَنْهِي عِبَادَكَ أَنْ يَعْشِقُوا	ایا ربِّ تَخْلُقْ مَا تَخْلُقْ
وَقُلْتَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَاتَّقُوا	خَلَقْتَ الْمَلَا حَ لَنَا فِتْنَةً
فَقُلْ لِلْمَلَا حِ بِنَا يَرْفُقُوا	إِذَا كُنْتَ أَنْتَ خَلَقْتَ الْمَلَا حَ



يك چند بياقوت تر آلوده شدیم	يك چند پی زمرد سوده شدیم
آلودگی بود ولیکن تن را	شستیم بآب توبه و آسوده شدیم

و از مندرجات در مقدمه شرح کلیات قانون معلوم میشود که در بیمارستانهای شیراز و فارس و دیگر جاها بتحصیل علم طب و عمل کمالی اشتغال داشته است . گذشته از لقب قطب الدین، این دانشمند در میان فضلا به علاقه شیرازی معروف میباشد و درباره وی نوشته اند که در آخر عمر از مرادۀ باامراء خودداری نموده بفکر خویش افتاد و بعبادت و تلاوت قرآن کریم و تدریس آن و تفاسیر و امثال این امور پرداخت و در رمضان سال ۷۱۰ به تبریز در گذشت و در همانجا بن خاک سپرده شد .

مؤلفات قطب الدین شیرازی بدین تفصیل میباشد: شرحی بر کلیات قانون ابوعلی سینا (۱) که جامع مطالب چندین شرح میباشد و مقدمه ای بسیار نفیس دارد و در آنجا نسبت بحضرت خواجه نصیر تجلیل فراوان نموده و دیگر شرح حکمت الاشراق (۲) و شرح مختصر الاصول ابن حاجب، درة التاج لغرة الديباج (۳)، نهاية الادراك، تحفة الشاهيye (۴)، شرح رساله ای در هندسه (۵)، شرح مفتاح العلوم (همین کتاب) و غیر از اینهاست (۶).

مفتاح العلوم یکی از معاریف کتب ادبیّه و مؤلف آن سراج الدین ابو یعقوب یوسف بن محمد بن علی السکاکی الخوارزمی (۵۵۵-۶۲۶) (۷) است که نیز از مشاهیر علما و ادبا بوده و مفتاح العلوم وی مشتمل بر دوازده علم میباشد، قسم سوم این

(۱) نسخه ای بسیار نفیس از این شرح آقای استاد معظم تنکابنی دارند و نسخه ای از آن در این کتابخانه بشماره (۸۴۵) موجود است.

(۲) این کتاب در تهران بسال ۱۳۱۵ هجری قمری در طهران چاپ گردیده است.

(۳) در تاریخ گزیده و ص ۱۸۳ ج ۲ روضات نام این کتاب «غرة التاج» ضبط گردیده ولی در مقدمه خود نسخه تصریح گردیده که آنرا «درة التاج لغرة الديباج» نام نهاده و این کتاب را که شامل بسیاری از علوم معقوله و منقوله بزبان فارسی است وزارت معارف از سال ۱۳۱۶ شروع بچاپ نموده و امید است که بسال ۱۳۱۸ منتشر گردد.

(۴) نسخه این کتاب را استاد معظم آقای تنکابنی هد ظله العالی دارند.

(۵) نسخه ای از این مؤلفه در کتابخانه مجلس شورای ملی در مجموعه ایست که درج ۱ فهرست خطی زیر شماره (۶۴۲) معرفی گردیده است.

(۶) صاحب روضات «رساله ای در تصور و تصدیق» بایشان نسبت داده و گوید که مطالب آن دال بر کمال اطلاع و احاطه مؤلف بر مباحث عقلی است ولی در این نسبت منفر داند و ظاهراً این رساله تالیف قطب الدین رازی معاصر قطب شیرازی است نه از این اخیر و حاجی خلیفه در ص ۵۴۴ ج ۱ این رساله را نام برده و گوید مؤلف آن مؤلف شرح مطالع است و مؤلف الفوائد البهیة در حاشیه ص ۱۲۶ تالیف آنرا نسبت بقطب رازی داده و گوید آنرا مطالعه کرده ام. و نسخه ای از این رساله در ابتداء مجموعه ایست که بشماره (۳۸۷۸) در این کتابخانه میباشد و نویسنده صریحاً تالیف آنرا به قطب رازی نسبت داده است.

(۷) بصفحه ۲۳۱ الفوائد البهیة و ص ۱۲۲ ج ۵ شذرات مراجعه شود و در ماخذ اول وجه نسبت و معروفیت سراج الدین به سکاکی تصریح شده و ترجیح داده که از ماده سکه باشد.

کتاب در علم معانی و بیان است، چند نفر این قسم سوم را تلخیص نموده و یکی از آن خلاصه ها تلخیص خطیب قزوینی است و بسیاری از علما و دانشمندان شرح آن پرداخته و جمعی نیز بر آن شروح و حواشی و تعلیقات نگاشته اند (ص ۳۲۳-۳۲۷ ج ۱ و ص ۴۸۰-۴۸۴ ج ۲ کشف الظنون مراجعه شود).

قطب الدین شیرازی فقط بر قسم سوم آن شرحی مزجی نگاشته و آن را «مفتاح المفتاح» نام گذارده و از شروح بسیار مفید و سودمند میباشد در حدود (۳۰۰۰۰) بیت کتابت دارد و تا کنون چاپ نشده، حاجی خلیفه گوید بهترین شروح بر این قسم سوم سه شرح است اول شرح قطب الدین شیرازی و دوم شرح تفتازانی (مطول) سوم شرح سید شریف جرجانی است که بنام «مصباح» میباشد و بسال ۸۰۳ در ماوراء النهر تألیف آن بانجام رسیده و نیز گوید که پشت نسخه ای از شرح مفتاح نوشته شده نخستین کس که مفتاح العلوم را شرح کرده شمس الدین معزی متوفی سنه... بود و پس از آن شیرازی است.

آغاز: بسم الله الذي اختص نوع الانسان بالنطق والفصاحة الخ.

(۱۰۷۲)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، نویسنده نام خود و سال نگارش را معین ننموده، بقرینه کاغذ و خط از نسخ قرن هشتم هجری میباشد، حاشیه بعضی از برگها در اثر رطوبت و موریانه ضایع و سوراخ گردیده و یاد داشتهائی بخط محمد بن قطب الدین که ظاهر از علمای اوائل قرن نهم هجری بوده، پشت صفحه نخستین موجود و متن کتاب با شنجرف نوشته شده است.

جلد تیماجی. کاغذ کاهی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۳۴۸). صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۲۶ سانتیمتر). عرض (۱۸ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۹۹۱).

[۴۵۸] منظومه معانی و بیان و بدیع (عربی)

این منظومه قسمتی از الفیه ابن الشجنه است که در ده علم میباشد، و با کمال استادی و مهارت مطالب مهمه علم معانی و بیان و بدیع را در یکصد بیت جا داده،

ناظم از خود نام نهاده ولی در «مجموع المتون الکبیر» که بسال ۱۳۴۰ در مصر چاپ گردیده این منظومه باتصریح باینکه ناظم آن ابن الشحنة است درص ۳۶۳-۳۶۹ آن گذارده شده و بدین کنیه چهار نفر مشهوراند (در ص ۱۳۴-۱۳۷ معجم المطبوعات نام و مؤلفاتی از ایشان که چاپ گردیده تذکر داده شده است و در شذرات الذهب ج ۷ ص ۱۱۳ و ص ۳۴۹ دو نفر از ایشان و در ج ۸ ص ۹۸-۱۰۰ یکی از آنها را نام برده و با تفحص در این دو مجلد که بایستی نام چهارمی از اینها باشد آنرا نیافتم) و در اینجا شرح حال صاحب این منظومه را از شذرات (ص ۱۱۳ ج ۷) ترجمه مینمائیم:

عبدالدین ابوالولید محمد بن محمد بن محمد بن محمود بن غازی بن ایوب بن الشحنة محمود مشهور به ابن الشحنة ترکی الاصل و حلبی الموطن و حنفی المذهب، بسال ۷۴۹ متولد شده و قرآن و بسیاری از متون را حفظ نموده و در فقه و اصول و نحو و ادب برجستگی داشته و خط نیکو مینوشته و شعر خوب میگفته (چهاربیت وی را نقل کرده) و نیز گوید که قاضی علاءالدین در ذیل تاریخ حلب گوید: او را الفیه ای در رجز است که مشتمل بر ده علم میباشد و او را الفیه دیگر است که منظومه نسفی را در آن مختصر کرده و مذهب امام احمد را بدان ضمیمه نموده و او را تألیف دیگری در فقه و اصول و تفسیر میباشد و بسال ۸۱۵ (۱) مرده است انتهى . چنانکه درص ۹۸-۱۰۰ ج ۸ شذرات گفته شده: عبد الله بن محمد بن عبد الدین محمد بن محمد بن معروف به ابن شحنة که نوه ابن شحنة مؤلف الفیه میباشد این الفیه وی را که در ده علم انشاشده، شرح کرده است .

گذشته از اینکه این منظومه در «مجموع المتون الکبیر» در مصر چاپ شده

(۱) در حاشیه ص ۵۱ الفوائد البهیه فی تراجم الحنفیه وفات ابن مؤلف (ابن الشحنة) را بسال ۸۱۷ معین نموده و گوید که ابن حجر کوید او را تصنیفی در سیره پیغمبر اکرم و تاریخ لطیف میباشد، مؤلف الفوائد کوید که تاریخ وی تا حوادث سال ۸۰۶ را دارد و در حوادث سال ۸۰۳ سؤال و جوابهاییکه میان او و امیر تیمور کورکان در هنگام غلبه وی بر حلب رد و بدل شده ضبط گردیده است (ابن تاریخ بقم «روضة المفاظر فی اخبار الاوائل والاواخر» میباشد و بسال ۱۲۹۰ در بولاق در حاشیه تاریخ کامل ابن اثیر چاپ شده است).

بسال ۱۳۱۹ شیخ احمد شیرازی در طهران آنرا با چند رساله دیگر چاپ نموده و در فهرست آن نوشته که ناظم آن مجهول است.

آغاز: بسم الله الحمد لله و صلی الله علی رسوله الذی اصطفاه^(۱)

انجام: براءة استهلال و انتقال حسن الختام انتهی المقال .

(۱۰۷۳)

این نسخه بخط نسخ و بعضی ابیات آن بخط نستعلیق نوشته شده و ملحق باخر نسخه ای از مختصر تفتازانی است که در این و بیان و بدیع کتابخانه دارای شماره (۲۹۷۵) میباشد و در ص ۴۱۷ زیر شماره (۱۰۴۸) از آن معرفی گردید.

[۴۵۹] میزان البلاغه و تبیان الرشاقه (عربی)

این کتاب که بدین نام نامیده شده مختصری در معانی و بیان و بدیع میباشد و بسیار ادبیانه است ، و بریک مقدمه و سه باب و خاتمه ای تقسیم گردیده و هر یک از ابواب نیز خاتمه ای دارا و تمام کتاب (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد، مؤلف در مقدمه خود را چنین معرفی کرده: فيقول العبد الودود للعلماء الربانية . . . (۲) المدعو با کبریا ینه الله عن الهمزة الشیطانية الخ . و در آخر کتاب تاریخ تألیف را چنین معین نموده: و اتفق الفراغ فی الرابع من الثاني من الرابع من الرابع من الثاني من الثاني (۳) من الهجرة النبویه صلی الله علیه و آله خیر البریه بعدما لقانا ایدى القضا و حبائل الهوى

(۱) زیر این بیت بخط شکسته نستعلیق که ظاهراً خط ناظم آن قوام الدین قزوینی (در ج ۱ فهرست ص ۶۱۸ شرح حال مختصر ایشان نوشته شده) است این بیت نگاشته شده: الحمد لله الذی هدانا الى سبيل الحق والايمان و پس از بیت دوم نیز بهمان خط نگارش یافته: و بعد العبد قوام الدین يقول للمستبصر الامین .

(۲) در نسخه بجای این سه نقطه خالی مانده که با سرخی نوشته شود و از قرینه معلوم می شود که علی بوده بنا براین مؤلف علی اکبر نام میباشد ولی بدین نام و نشان در علما کسی را نیافتم و بنام محمد اکبر در تذکره خوشگو کسی نام برده شده و گوید که در زمان شاه عباس ماضی مستوفی الممالک بوده . ولی نگارنده تصور نمیکند که این شخص مؤلف این کتاب باشد .

(۳) بنا براین در ساعت ۴ روز ۲ هفته ۴ ماه صفر ۱۱۳۴ تألیف گردیده است .

ایما الی الهرات فلذا فلیقل : لوسئلوا عنکم متى قد صنفنا انا نئییت فی الھر قد الف (۱) .
از مقدمه و آخر کتاب بخوبی معلوم میشود که مؤلف از علماء امامیه بوده
و خود نام آنرا « میزان البلاغه و تبیان الرشاقه » گذارده است .
آغاز : بسمله الحمد لمن اخبرنا دقائق حقائق التبیین والشکر لمن ارادنا الخ .

(۱۰۷۴)

میزان البلاغه این نسخه بخط نسخ نوشته شده، شاید خط مؤلف باشد، زیر بیت
نام برده بالا شماره ای روی کلمه سنه نوشته شده که ۱۱۱۴
خوانده میشود و پائین صفحه این بیت بخط نویسنده نسخه است :

در آن مدت که ما را وقت بد بود ز هجرت ده صد و ده چار و صد بود (۲)
و بنا بر اینکه مراد از ده چهار چهل باشد میتوان آنرا ۱۱۴۰ بحذف صفر
مرتبه آحاد آن (چنانکه در میان نویسندگان گذشته بسیار شایع بوده است) دانست
و یک در مرتبه آخر را چنانکه اندکی هم ظاهر است دنباله هاء سنه تصور نمود .
جلد مقوایی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع بغلی . شماره اوراق (۱۹) . صفحه ای
(۱۶) سطر . طول (۱۶ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۹۵۱) .



(۱) هرگاه الف انا و دو بیا در نئییت و فی را بحساب در نیاوریم ۱۰۳۴ و کر نه ۱۰۵۵ خواهد
شد و بنا بر آنچه ذکر نمود پس از این تاریخ تالیف شده است .
(۲) ظاهرا اینست که مراد از ده چهار در این بیت چهل میباشد بنا بر این احتمال دومین مذکور
بالا درست خواهد بود و اگر بگوئیم مراد از ده چهار ، چهارده میباشد چنانکه منوچهری در
قصیده ای که مطلع آن اینست :

ای لعبت حصاری کاری دیگر نداری مجلس چرانسازی باده چرانباری
گفته : من کیستم که بر من نتوان دروغ گفتن نه قرص آفتابم نه ماه ده چهری
بنا بر این تاریخ یک سال ۱۱۱۴ را میرساند درست ولی تاریخ مذکور بهاریتیکه مؤلف در تاریخ
تالیف انشاء نموده درست در نمی آید ، بنا برین جمع میان این دو را بدانشمندان بزرگوار
بر گذار مینماید .

عروض و قافیه

کتاب عروض و قافیه از بهجتی بایستی در فصل پیشین گذارده شود و از لحاظ اینکه راجع باشعار میباشد بایستی آنها را در ضمن فصل بعد گذارد ولی بهتر آنستکه آنها را چنانکه در مقدمه جلد نخستین پیش بینی کرده ایم، در فصل جداگانه و میان دو فصل نام برده جاداد، نسخ عروض و قافیه این کتابخانه (جزیکی دونسخه آن) در چند مجموعه میباشد، و بنابر آنچه در مقدمه نام برده گفته ایم بایستی مجموعهات را در مجلد چهارم معرفی نمود ولی در این فصل این چند مجموعه را استثناء در زیر عنوان «مجموعه عروض و غیره» معرفی مینمائیم.

[۴۶۰] الجوهرة الثانية في اعاريض الشعر (عربی)

این کتاب یکی از اجزاء (۱) کتاب «العقد الفرید» (۲) میباشد که از معاریف کتب ادبی و مؤلف آن ابن عبد ربّه است (ابوعمر احمد بن محمد بن عبد ربّه بن حبیب حدیر بن سالم قرطبی (۳) اندلسی ۴۶۲-۳۲۳) (۴)، این دانشمند از آنهایی است که

(۱) در ابتداء جزء چهارم العقد الفرید میباشد و از چاپ سال ۱۳۴۶ آن صفحات ۳۴-۸۷ شامل آنست.

(۲) و این کتاب تا کنون پنج بار در مصر چاپ شده و چاپ سال ۱۳۴۶ آنرا که در چهار مجلد میباشد این کتابخانه دارد و در بیروت مختصر آن دوبار چاپ شده است.

(۳) قرطبی بنا بتصریح ابن خلیکان بضم قاف و سکون راء مهمله و ضم طاء مهمله و در آخر آن باء موحدۀ باهاء، منسوب به قرطبه است که شهر بزرگ و پای تخت اندلس میباشد.

(۴) این شرح حال بامراجعة به ص ۳۲ ج ۱ و فیات الاعیان و بغیه الوعاة زیر نام احمد و شذرات ص ۳۱۲ ج ۲ و معجم المطبوعات العربیه ص ۱۶۲ نگاشته شده.

ملاحظات بسیار داشت و بر حالات و اخبار مردم اطلاعی بی شمار بدست آورده و از آنها در عقد الفرید نمونه هائی بیادگار گذارده و او را دیوان شعر خوبی است، ابن خلکان ایاتی از ایشان دروفیات الاعیان آورده و خود در العقد الفرید نیز ایات زیادی از خود نقل نموده و ارجوزه ای در فرش عروض دارد که در همین کتاب (الجوهرة الثانیة) آنرا جای داده است.

این کتاب را که در عروض وقافیه میباشد در (۱۶) باب مرتب نموده و پس از هر مطلب مهمی بشعری از پیشینان که خلیل بن احمد (متوفی بسال ۱۶۰ یا ۱۷۰ یا ۱۷۵ م) میباشد و اولین کس است که در علم عروض تألیف نموده) بدان استشهاد نموده و یا از گفتارهای بزرگان ادب چون امرء القیس و دیگر آن تمثیل جسته و خود در مقدمه آن گوید: تمام قواعد عروضی را در این کتاب که آنرا در دو جزء قرار داده ام، گذارده شده، باین معنی که قسمت اول در فرش (۱) و دوم در مثال است. این کتاب یار ساله در حدود (۱۶۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: (فرش کتاب الجوهرة الثانیة فی اعاریض الشعر و علل القوافی) قال ابو عمر احمد بن محمد بن عبدربه قدمضی قولنا فی فضائل الشعر و مقاطعه و نخرجه و نحن قائلون بعون الله و توفیقه فی اعاریضه و علمله و ما یحسن و یقبح و زحافه و ما الخ.

(۱۰۷۵)

این نسخه ضمیمه نسخه ای از کتاب تصریح میباشد که محمد- الجوهرة الثانیة و اقربن ملا ولی استرآبادی بسال ۱۰۹۶ نگاشته و درص ۳۱۱ زیر شماره (۹۲۳) از آن معرفی گردید و در این کتابخانه دارای شماره (۳۲۱۶) است و ظاهر آنکه مسلماً این نسخه نیز خط همان نویسنده است.

[۴۶۱] حدائق الحقائق (فارسی)

این کتاب تألیف شرف الدین رامی است (حسن بن محمد رامی تبریزی متوفی

(۱) فرش نیز از اصطلاحات قرآن کریم میباشد و چنانکه از قاموس اللغة استفاده میشود (باب الشین فصل الغاء) درست تلفظ کردن و ادا نمودن کلمات است.

بسال ۷۹۵) (۱) که از شعرای نام دار و نثر نویسان باشتهار قرن هشتم هجری بوده و ملك الشعرای شاه منصور (بسال ۷۹۵ در جنگ با امیر تیمور کشته شده) (۲) آخرین پادشاه آل مظفر گردیده و کتاب لطیف انیس العشاق را که از نفائس کتب فارسی میباشد و اوصاف سر تا پای دلبرها را بیان نموده، نیز از مؤلفات اوست و مداح خواجه فخر الدین ماستری بوده و قصائدی در مدح وی گفته و نیز يك رباعی که نام و لقب وی از آن بدست می آید انشاء نموده (۳).

این کتاب که بنابر تصریح در مقدمه آن و کتب تذکره بنام «حدائق الحقائق» (۴) نامیده شده و شرح حدائق السحر رشید و طواط شاعر معروف میباشد و بفرمان سلطان اویس ایلکانی (۵) تألیف گردیده (بنابر این پیش از سال ۷۷۶ تألیف گردیده است) ولی شرح بر تمام مندرجات آن کتاب نیست فقط از هر موضوعی بخشی از آنرا با تغییر برخی از الفاظ و عبارات آن ذکر و پس از آن در توضیح آن بیانی نموده و شواهدی

(۱) ص ۱۷۸ و ۱۷۹ تذکره دولتشاه سمرقندی نسخه خطی این کتابخانه و ص ۱۸۹-۱۹۱ دانشمندان آذربایجان مراجعه شود و در این کتاب اخیر قسمتی از قصیده وی که در مدح فخر الدین ماستری میباشد نقل گردیده است.

(۲) این تاریخ را دولتشاه سمرقندی در تذکره خویش تصریح نموده (ص ۱۷۹ نسخه خطی این کتابخانه).

(۳) رباعی نام برده اینست:

خارست جهان پیش نوال یکسر فخر است ز القاب تودین را و خطر

تو کان محامدی و از فرط کهر ز الماس ضمیرت سیری شد خنجر

(۴) در مقدمه نسخه این کتابخانه و در تذکره دولتشاه و دانشمندان و مقدمه استاد دانشمند آقای اقبال آشتیانی بر حدائق السحر نام این کتاب «حدائق الحقائق» ثبت گردیده ولی در مقدمه نسخه مجلس «حدائق الحقائق» نامیده شده و در ص ۴۴۱ ج ۱ کشف الظنون نیز بدین نام نامیده شده و در ص ۴۲۱ ج ۱ نیز همین کتاب را معرفی نموده ولی نام آن را «شقائق الحقائق» ضبط کرده و گذشته از این اغلاطی چند دارد که بی اهمیت نیست و در رساله «کشف العیون فی اغلاط کشف الظنون» آنها را تذکر داده ام.

(۵) در ص ۲۴۱ ج ۶ شذرات الذهب در شمار مردگان سال ۷۷۶ گوید از آنها اویس بن شیخ حسین بن حسن میباشد که پادشاهی عادل و باشهات و شجاع و خیر و دوستدار کارهای نیک بود، نوزده سال سلطنت کرد و سی و هشت سال زندگانی نمود الخ.

از اشعار پارسی خود و شعرای متقدم و معاصر آورده و در تمام آن بیتی عربی نیست و مطالبی هم بر مطالب رشید در اصطلاحات متأخرین در این فن اضافه نموده و در قسم اول گفته‌های رشید را در پنجاه باب شرح داده و در قسم دوم اصطلاحات متأخرین را در ده باب گذارده و در حدود (۱۲۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله بعد از حمد بیحد و صلوات بپسند چنین گوید اقل شعرا شرف بن الخ.

انجام: همیشه تابود افلاك وانجم - معز الدین اویس بن حسن باد.

(۱۰۷۶)

حدائق الحقائق این نسخه بخط نسخ نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، ظاهراً نگارش نزدیکتر از قرن یازدهم هجری نیست، در ص ۳۸ یاد داشتی بتاریخ ۱۱۵۴ دارد، عناوین با شنجرف میباشد، برگ نخستین این کتاب افتاده و نخستین سطر آن اینست:

مرصعت و بدان مفاخرت نموده که در عرب و عجم کس چنین قصیده انشاء نکرده الخ. جلد تیماج. کاغذ کاهی. واقف حاج میرزا محمد تقی وصی میرزا علیمحمد حکمی. قطع ربعی. شماره اوراق کلیه (۶۷). این نسخه (۳۸). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۱۹ سانتیمتر). عرض (۱۲ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). شماره (۲۶۸). قفسه مدرسه صدر.

[۴۶۲] حدائق السحر فی دقائق الشعر (فارسی)

این کتاب از مشاهیر کتب ادبی فارسی و مؤلف آن شاعر شهیر رشید و طواط است (۱) رشیدالدین محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری بلخی متولد میان سال ۴۸۰ و ۴۸۷ و متوفی سال ۵۷۳ یا ۵۷۸ (۲) که در فن انشاء عربی و فارسی نیز شهرتی بسزا داشته و در عصر وزمان خویش در استادی این دوفن به دوزبان مسلّم بوده و این کتاب وی که در صنایع شعریه ساخته شده مورد قبول دانشمندان گردیده است.

(۱) گذشته از مقدمه بسیار نفیس حدائق السحر (۷۳ صفحه) که دانشمند محترم آقای اقبال نگاشته‌اند، به هفت اقلیم ص ۴۸۳، تذکره دولتشاه سمرقندی ص ۵۲ - ۶۰ مجمع الفصحا ج ۱ ص ۲۲۲، معجم المطبوعات ص ۱۹۲۱، تاریخ کزیده ص ۶۵۰ و آشکده آذر ص ۳۱۵ و معجم الادباج ص ۹۱ - ۹۵ مراجعه شود.

(۲) در تولد و وفات این شاعر نیز اختلاف میباشد، آقای اقبال با ادله ای تولد وی را میان این دو سال و وفات او را سال ۵۷۳ ترجیح داده‌اند.

از آثار رشید آنچه باقی مانده یکی همین کتابست که بفارسی است ولی گذشته از شواهد فارسی که در آنست بنظم و ثر عربی در آن نیز استشهاد گردیده و دیگری شرح صد کلمه از کلمات قصار حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بنظم فارسی و ثر عربی و فارسی بنام «مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب» است که در اروپا چاپ شده (۱) و رسائل عربی اوست که بسال ۱۳۱۵ در مصر چاپ گردیده است .
آغاز: بسم الله الحمد لله علی ما افاض چنین گوید مؤلف کتاب کی روزی الخ .
(۰۷۷)

این نسخه را محمد حسین بخت خوب بسال ۱۲۶۷ برای پیش کش
حدائق السحر به اعتضاد السلطنه نوشته و تزو ک تیموری را نیز برای همین مقصد بسال ۱۲۶۸ بهمین خط نوشته و پیش از این نسخه گذارده شده است .
جلد تیماجی . کاغذ تزو ک سمرقندی و حدائق السحر فرنگی . واقف سه سالار . قطع وزیری .
شماره اوراق کلیه (۱۹۱) . این نسخه (۹۰) . صفحه ای (۱۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) .
عرض (۱۴ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۵۰۲) .

[۴۶۳] عروض وقافیه و حمیدی تبریزی (عربی)

و حمیدی چنانکه معاصر وی سام میرزا در تحفه سامی (ص ۴۱۰-۴۱۱ نسخه خطی این کتابخانه) نگاشته از یاوه گویان قم بوده و تازنده بود با حیرتی معارضه داشته و یکدیگر را هجوهای رکیک میکردند .
و صاحب خلاصه الاشعار که از عبارات وی برمی آید او را ندیده ولی بدیدار آنانکه او را دیده اند موفق گردیده (۲) ، درباره وی گوید : « اصل وی از تبریز است اما در قم ساکن بوده و بیشتر مردم او را قمی میدانند رساله ای در عروض وقافیه نوشته ، در اکثر بلاد عراق و آذربایجان مشهور است » و بعضی از ابیات او در این رساله جهت مثال مذکور و در دو مأخذ تصریح شده که بطمع بگیلان رفت و بسال ۹۴۲ جرحه مرگت را در آنجا نوشید .

- (۱) حاجی خلیفه گوید (ص ۱۵۶ ج ۱) : محمد بن محمد شهیر به و طواط متوفی بسال ۵۵۲ صد کلمه از کلمات قصار هر یک از خلفای چهارگانه را شرح نموده و برای آنها نامی مخصوص گذارده و همه آنها را در مجلدی دیده ام و بترتیب نام هر یک آنها اینست :
تحفة الصدیق ، فصل الخطاب ، انیس اللفان و ۴ - مطلوب کل طالب .
(۲) به ص ۳۹۳ و ۳۹۴ دانشمندان آذربایجان نگاه کنید .

واشعاری بنام شهر انگیز در مدح تبریز و تبریزیان گفته و چند بیت از آن در تحفه سامی ضبط و در دانشمندان آذربایجان از آنجا نقل گردیده و در تحفه مطلع دو غزل وی نیز نقل گردیده است.

آقای تربیت در دانشمندان آذربایجان ص ۳۹۳ و ۳۹۴ نیز این مؤلف را بنام وحیدی تبریزی نام برده و گویند که نام این رساله عروض و قافیه وی «مختصر وحیدی» میباشد و کتابی در لغت پارسی بنام «مفتاح البدائع» تألیف نموده و دیوانی دارد که نسخه آن در کتابخانه اسعد پاشا در اسلامبول هست.

در مقدمه نسخه زیرین نویسنده آن نگاشته:

بسمله شکر و سپاس واجب التعظیمی را که بتشریف نطق انسا نرا مشرف ساخت و کلام موزون و علم اوزان موهبت فرمود و درود فراوان بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اولاده این مختصریست از منشآت وحید (۱) تبریزی در علم عروض و قافیه و صنایع شعری که از برای برادرزاده خود تألیف کرده تا بدین مقدمه در اوزان مدخل کند و حدود قافیه و صنایع شعرا بدانند و این را «جمع مختصر» نام نهاد و بالله التوفیق اکنون بدانکه شعر کلامیست موزون الخ.

و این قسمت در نسخه دیگری از این رساله که در ص ۷-۳۲ و ۴۵-۵۱ مجموعه شماره

(۲۶۸) این کتابخانه که در ص ۴۹ از آن معرفی میشود، نیست و بدینگونه شروع میشود:

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله الطاهرین اما بعد برضا میر ارباب فصاحت و بلاغت و عندلیبان گلشن سخنوری و داستان سرایان داستانهای زبان آوری که انتظام نظم کلام بترکیب حروف سنجیده اند [مخفی] و پوشیده نماند، آنچه باوزان در آید آنرا نظم خوانند و آنچه در اوزان در نیاید آنرا نثر نامند بدانکه شعر کلامیست موزون الخ.

این کتاب در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد.

(۱۰۷۸)

این نسخه بدون تاریخ و نام کاتب بخط نسخ نوشته شده و پیوسته به عروض و قافیه

نسخه ای از کتاب «حدائق الحقائق» است که در ص ۳۹ معرفی

وحیدی گردید، صورت شجره اخرب از آخر عروض و ۳۳ بیت از

اول قافیه این نسخه افتاده، خصوصیات دیگر آن بصفحه نامبرده بالا و یا بشماره

(۲۶۸) قفسه مدرسه صدر مراجعه گردد.

(۱) در نسخه وحید بدون یاء نسبت ضبط گردیده در کشف الظنون هم (ج ۲ ص ۴۷۹)

نیز چنین است ولی در تحفه سامی و دانشمندان با یاء است.

(۱۰۷۹)

عروض و قافیه

وحیدی

این نسخه از این کتاب در ص ۷-۳۲ و ۴۵-۵۱ مجموعه ای که
بسال ۱۲۴۱ نوشته شده موجود و این مجموعه بشماره (۳۸۶)
در این کتابخانه ثبت و در ص ۴۹-۴۵۰ معرفی از آن میگردد.

[۴۶۴] عروض محمد مؤمن حسینی (فارسی)

این رساله بنابر تصریح در ابتداء آن تألیف محمد مؤمن بن علی حسینی و موشح
بنام محمد قلی، قطب شاه میباشد که فرمانفرمای مملکت دکن و معاصر با اکبر شاه
بوده و در آخر آن سال تألیف سنه ۱۰۰۷ معین گردیده، با تفحص در کتب سیرو فهرستها
بشرح حال مؤلف و نسخه دیگری از این مؤلفه دست نیافتیم، از مطالعه این نسخه
و مقدمه تعلیق ای که بنام « لعل قطبی » معاصر وی نصیرای همدانی بر آن نوشته
بدست میآید که از دانشمندان قرن دهم و اوائل قرن یازدهم هجری بوده و گذشته از مراتب
عالیه علمیّه مقام رسمی دولتی داشته و تا سال ۱۰۲۱ در قید حیات بوده است.
در آتشکده آذر (ص ۱۵۹) گوید: میر محمد مؤمن از سادات و اکابر علماء
استرآباد بوده و مدتی معلّمی حیدر میرزای صفوی را نموده و در آخر عمر
به هندوستان رفته (در تاریخ عالم آرا ج ۱ است که تا این سال ۱۰۲۵ - ۱۰۲۶)
زنده است - مؤلف از اوست:

ایکه گفתי عشق را درمان بهجران کرده اند

کاش میگفתי که هجرانرا چه درمان کرده اند

نگارنده احتمال قوی میدهد که مؤلف این کتاب همین محمد مؤمن است.
این مؤلفه در یک مقدمه و دو فصل و خاتمه ای بدین تفصیل تألیف گردیده:
مقدمه در بیان فائده ای چند (۱۲ فائده است) که بجهت دانستن این فن معرفت
بعضی از این فوائد ضروری و بعضی ناصر و معین است. فصل اول در بیان بعضی از
بحرهای شعر که بطبایع سلیمه و اذهان مستقیمه قرب و نزدیکی آن بیشتر است
و ازین جهت اشعار شعرای مشهور مقصور بر همان بلکه بر بعضی از آن بحور است.
فصل دوم: در بعضی از بحور که نه بر منهای مذکور است. خاتمه: در بیان بعضی
از اصطلاحات و مقررات اهل این فن. و در حدود (۱۵۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله بعد حمد و سپاس بقیاس و صلوة و درود نا محدود چنین گوید راقم این سطور الخ.

(۱۰۸۰)

عروض

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده، نویسنده خود و سال نگارش را معین ننموده، ظاهراً از خطوط قرن محمد مؤمن حسینی یازدهم هجری میباشد، پشت صفحه نخستین یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند و بجای آن یادداشت اعتضاد السلطنه بسال ۱۲۸۵ نوشته شده و در ابتداء آن کلمه «عیون الشرف» نوشته شده و بدین نام در همین صفحه بر این کتابخانه وقف گردیده، در خود کتاب و تعلیق بر آن (لعل قطبی) که ضمیمه این نسخه است این نام نیست و ندانم از کجا پیدا شده است و ضمیمه را جدا گانه معرفی خواهم نمود. جلد تیماجی دور گرفته. کاغذ حنائی. واقف سیه سالار. قطع ربعی. شماره اوراق کلیه (۱۵۵). این نسخه (۶۹). صفحه ای (۱۴) سطر. طول $(20\frac{1}{4}$ سانتیمتر). عرض (۱۱ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۸۷).

[۴۶۵] لعل قطبی = حاشیه بر عروض محمد مؤمن (فارسی)

این کتاب حاشیه و تعلیق ای بر عروض محمد مؤمن حسینی میباشد که در صفحه گذشته معرفی از آن گردید، و خود مؤلف آنرا «لعل قطبی» نامیده و چون اصل کتاب موشح باسم محمد قلی قطب شاه (۱) است، مؤلف این کتاب ضمیر ای همدانی (محمد الشهیر بنصیر الهمدانی) است که از این مؤلفه و نامه ای که در طلب اسطرلاب (۲) به دانشمندی نوشته و مثنوی وی (۳) معلوم میشود از دانشمندان و شعرا و ریاضی دانهای اوائل قرن یازدهم هجری بوده و نثر وی چون نظمش منظم

(۱) شرح حالی از محمد قلی قطب شاه اینک بدست نیاوردم، فقط در تذکره خوشکوا ایشانرا معاصر اکبر شاه معروف و فرمانفرمای دکن معرفی نموده و دو بیت از وی نقل کرده و از این مؤلفه معلوم میشود تا سال ۱۰۲۱ که سال تالیف آن میباشد در حیات بوده و فرمانفرمائی داشته است. (۲) نسخه ای از این نامه درص ۲۵۲ - ۲۵۳ مجموعه شماره (۲۹۱۳) این کتابخانه موجود و بسیار استادانه نگارش یافته است.

(۳) نسخه ای از این مثنوی که آغاز آن اینست: (کیم دیوانه از خود هراسان.) در کتابخانه مجلس در مجموعه ایست که در ج ۱ فهرست خطی زیر شماره (۴۴۲) از آن معرفی گردیده است.

ومتین و امامی مذهب بوده و گذشته از اینکه بشرح و بسط مطالب مختصره مؤلفه نام برده پرداخته، قواعد و مطالب زیادی از خود در این اثر بیادگار گذارده و مدعی شده که در جای دیگر این مطالب یافت نخواهد شد و انصاف توان داد که رساله و مؤلفه ای جامع است و چنانکه در آخر آن تصریح گردیده تألیف آن بسال ۱۰۲۱ (۱) خاتمه یافته و تألیف آن هنگامی بوده که جمعی عروض محمد مؤمن را پیش وی میخوانده اند و مؤلف آن در قید حیات بوده و در دیباچه باشرح و بسطی با تجلیل زیاد از ایشان یاد کرده و تمام این تعلیقه در حدود (۲۰۰۰) بیت کتابت دارد.

درص ۱۶۶-۱۶۷ تذکره نصر آبادی است که نصیرای همدانی بسال ۱۰۳۰ مرده و دیوان وی موافق نامهای الهی هزار و یک بیت است.

آغاز: بسمله گوهری غریب بدیع که بدست یاری غواص فکر سریع از بحر ضمیر کاملان اقلیم معنی متواتر مکشوف گردد سپاس صانع بی ابتداست الخ.

(۱۰۸۱)

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده و بآخرین عبارت مؤلف آنرا خاتمه داده و ظاهراً از خطوط اوائل قرن یازدهم هجری است، برکنار آخرین صفحه یادداشتی بدون تاریخ نوشته شده و ضمیمه کتاب شماره (۲۸۷) این کتابخانه است که در صفحه ۴۴۳ زیر شماره (۱۰۸۰) معرفی گردید.

لعل قطبی

[۴۶۶ - ۴۷۷] مجموعه عروض و غیره (عربی و فارسی)

- ۱ - عروض نجاتی ۲ - عراضة العروضیین ۳ - مصادر مخالف قیاس
- ۴ - عروض وحیدی ۵ - قصیده همای تبریزی در مدح حضرت ختمی مرتبت ص
- ۶ - قصیده حرباویه ۷ - سلوة الشیعه ۸ - قصیده از بدرالدین خبوشانی ۹ - ایض قصیده ای
- از همو ۱۰ - بدایع الاسحار ۱۱ - عروض اندلسی ۱۲ - القاب العروض و دوائر پنجگانه آن.
- ۱ - محمود بن عمر نجاتی بخواش محمد بن علی مشهدی معروف به سیواک

(۱) عین عبارت آخر رساله که حاکی از سال تألیف میباشد اینست: فارغ شد کلك جواهر سلك از گردآوری این در عزیز در تاریخ روز سه شنبه دوم عشر سیوم ماه اول از سال اول از عشر سیوم از مائه اول از الف دوم من الهجرة النبویه المصطفویه علی الهاجر و آله الف الف صلوة و سلام و تحیه.

مختصری بفارسی در عروض و قافیه نوشته و آنرا « الکافیة فی العروض و [الصنعة القافیة] » نام نهاده و مثالهای آنرا از اشعار پارسی آورده و در آن از متاخرین نام جمال الدین محمد عبدالرزاق اصفهانی و شعری از وی و نام یوسف عروضی نیشابوری دیده میشود و از هر دو بعنوان استاذ یاد کرده و در مقدمه خود تصریح نموده که برای شناسائی صنایع شعریه از کتاب حدائق السحر انتخابی نموده است.

در کتب رجال و تذکره نام و نشانی از نجاتی نیافتم جز اینکه در ص ۱۸۸ ج ۱ کشف الظنون زیر عنوان بدائع الاسحار نوشته شده که محمود بن عمر نجاتی نیشابوری آنرا شرحی فارسی نموده و به غیاث الدین وزیر اهداء کرده است و در حاشیه ص ۲۳۰ شماره ۳ مجله مهر سال پنجم (مرداد ۳۱۶) آقای تربیت نگاشته اند که « بساتین الفضلاء و ریاحین العقلا » در شرح تاریخ عتبی تألیف حمیدالدین ابی عبدالله محمود بن عمر النجاتی النیشابوری است که در سنه ۷۰۹ در تبریز خاتمه یافته است. و در اصل ص ۲۳۰ مجله نام برده عبارتی عربی از بساتین نقل نموده و می‌رساند که آن شرح بعربی و نسخه آنرا آقای تربیت در دست داشته اند.

و بقرینه گذشته و اینکه نسخه این عروض بسال ۷۳۸ نوشته شده و نویسنده پشت صفحه نخستین گوید: عروض نجاتی نیشابوری اصلح الله احواله و حقق آماله. بایستی تا اواخر نیمه اول قرن هشتم در قید حیات و زندگانی بوده باشد و این رساله در حدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد و نام این کتاب در کشف الظنون نیست.

این نسخه را در ۱۴ ورق محمد بن یوسف ابی عقیل بیهقی و حیدری بسال ۷۳۸ بخط نسخ خوب نوشته و بیهقی مذکور در حاشیه صفحات تعلیقاتی بر آن نگاشته و بسال ۷۳۹ آنرا مقابله نموده است.

آغاز: بسمله ربّ تمّم بالخیر الحمد لله کما هو امله والصلوة والسلام علی نبیه محمد و آله چنین گوید محرر این اوراق نجاتی الخ.

۲ - عراضة العروضیین تألیف ابوالفضل قرشی (محمد بن خالد) این رساله نیز بفارسی و مؤلف خود آنرا بدین نام نامیده و در آن گذشته از ابیات فارسی انوری و فردوس و خاقانی و غیره با اشعار عربی استشهاد نموده و در آن آورده که استاذ

کامل فاضل یوسف عروضی نيسابوری قدس الله روحه این شانزده بحر را در پنج دائره وضع کرده است و آن پنج دائره را هم در آخر رساله خویش رسم نموده ، از طرز انشاء و اینکه نویسنده که همان نویسنده پیشین میباشد پس از ذکر نام جمله نور مضجعه نگاشته بنا بر اینها مسلماً قرشی مؤلف در این سال (۷۳۸) زنده نبوده است .

این رساله در حدود (۵۵۰) بیت کتابت دارد و این مجموعه از ص ۲۸ - ۶۹ شامل آنست و در کشف الظنون نام آن نیست .

آغاز : بسملة الحمد لله چنین گوید محمد بن خالد قرشی . . .
بذل ان اسعدك الله کی عروض الخ .

۳ - مصادر مخالف قیاس را ابوعلی طبری در نه بیت عربی جمع نموده ، در حاشیه و پشت این ایات ترجمه فارسی مصادر و تعیین ابواب آنها نوشته شده و بخط نویسنده دو رساله پیش است و صفحه ۷۰ و ۷۱ مجموعه شامل آنست .

آغاز : شفاعة رجعی شروع ظعن ذکرى مال لمعان معذره .

۴ - عروض وحیدی بیهقی چنانکه در ابتداء رساله تصریح شده مؤلف آن محمد بن یوسف بن محمد بن یوسف ابی عقیل نوقارزی بیهقی ملقب به وحیدی میباشد و این شخص نویسنده سه رساله پیشین میباشد و در این رساله مکرر از رساله عروض ادیب صابرو اشعار وی و دیگر شعرا (در ص ۹۳ دو بیت از خواجه نصیرالدین طوسی متوفی بسال ۶۷۲ دارد) استشهاد گردیده و در آخر آن تصریح نموده که بسال ۷۳۵ تألیف آن خاتمه یافته است .

این رساله بفارسی و در حدود (۴۰۰) بیت کتابت دارد ، بخط مؤلف میباشد و صفحه ۷۲ - ۹۶ مجموعه شامل آنست .

آغاز : بسملة الحمد لله رب العالمين والسلام على سيد المرسلين محمد وآله الطيبين الطاهرين چنین گوید مقرر این مقاله و محرر این رساله محمد بن یوسف الملّقب بالوحیدی الخ .

۵ - قصیده ای در مدح حضرت خیر البشر محمد مصطفی ص از همام الدین تبریزی متوفی بسال ۷۱۳ یا ۷۱۴ که مشتمل بر ۲۳ شعر فارسی و ۸ بیت عربی

۱۰ - ص ۱۱۶ این مجموعه شش بیت از قصیده بدایع الاسحار را که بخط نسخ خوب عبدالله بن الحسن بن عبدالجبار بسال ۷۴۰ نوشته شامل است و قسمت اول این قصیده افتاده و « بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار » که از مشاهیر قصائد فارسی و مشتمل بر صنایع بدیعیه میباشد، منشی آن جمال الدین محمد بن ابی بکر قوامی مطرزی میباشد و نجاتی چنانکه گفته شد بر آن شرحی بفارسی نوشته است.

۱۱ - عروض اندلسی این کتاب عبری و مؤلف آن ابو عبدالله محمد بن انصاری اندلسی معروف به ابی الجیش میباشد و مؤلف کشف الظنون در ص ۱۱۲ و ۱۱۳ ج ۲ زیر عنوان « عروض اندلسی » آنرا نام برده و چند شرحیکه بر آن نوشته شده تذکر داده و قسمتی از مقدمه این کتاب را هم نقل نموده و این عروض در ص ۱۱۷-۱۲۹ این مجموعه میباشد و نویسنده آن بیهقی و حیدی مذکور در ماه صفر سال ۷۴۰ میباشد و در ماه رمضان همین سال در بحر آباد جوین شرحی زیر همین رساله نوشته که مدتی چند در این کتاب بدقت مطالعه میکردم تا اینکه طریقه تحلیل و استخراج رموز و کشف اسرار و گنجینههای آنرا بدست آورده و درر شاهوار آنرا بیرون آوردم و در آخر گوید: والسلام علی محمد و آله خیر الانام و الفراغ من التصفح الخ. و این عروض در حدود (۲۰۰) بیت کتابت دارد.

۱۲ - پس از اتمام شرح بالا از بیهقی زیر عنوان القاب العروض ۴۵ نام با شرح مختصر آنها در ص ۱۳۰ و ۱۳۱ و نیز در ص ۱۳۲-۱۳۶ صورت پنج دایره عروضی که بگفته بیهقی مذکور در عروض خویش تألیف یوسف عروضی میباشد و شانزده بحر علم عروض را در پنج دایره وضع نموده و آخر عروض خود (بیهقی) آورده است و در اینجا همان دوائر ولی بزرگتر با شرح و بسط بیشتری ترسیم گردیده و در ص ۱۳۷ مجموعه مطالب متفرقه عروضی و ترجمه فارسی چند لغت عربی نگاشته شده و با مقابله نسخ پیش مسلم شد که خط بیهقی مذکور میباشد و ظاهر اینست که اینها نیز از انشآت اوست. (۱۰۸۲ تا ۱۰۹۳)

این نسخه چنانکه بیان گردید شامل دوازده نسخه میباشد، مجموعاً و قسمتهائی از آن افتاده و از سال ۷۳۵ تا ۷۴۰ بتدریج نگارش یافته و کاتب آن فقط در یکجا عبدالله بن عبدالجلیل بوده عروضی و غیره

و باقی بخط وحیدی بیهقی است که مؤلف یکی دو نسخه آن میباشد، رطوبت در برگها اثر نموده و اندکی از عبارات را محو کرده و پشت صفحه اول بخط بیهقی ابیاتی چند نگاشته شده است.

جلد تیماج. کاغذ حنائی. واقف حاج میرزا محمد تقی طهرانی (جارالهی) وصی آقامیرزا علی محمد حکمی اصفهانی (از ترکیه وی). قطع ربعی. شماره اوراق (۶۹). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۱۶ سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر). شماره (۳۱۳) قفسه مدرسه صدر.

[۴۷۸-۴۸۰] مجموعه عروض وقافیه و غیره (فارسی و عربی)

قافیه جامی - عروض وقافیه وحیدی تبریزی - تحفه الشعراء - قسمتی از کتابی در اصول فقه.

۱ - قافیه جامی، عبدالرحمن جامی که درص ۳۵۷-۳۵۹ مختصری در شرح حال و مؤلفات ایشان نگاشتیم، این رساله را در قافیه نگاشته اند و بسال ۱۸۷۲ م. در پاریس بضمیمه عروض سیفی چاپ گردیده و در حدود (۱۶۰) بیت کتابت دارد و این مجموعه از ص ۱ تا ۷ شامل آنست.

آغاز: بسمله بعد از تمین بموزون کلامیکه قافیه سنجان انجمن فصاحت بدان تکلم کنند الخ.

۲ - عروض وقافیه وحیدی تبریزی است که درص ۴۴۰-۴۴۱ معرفی گردید و چنانکه گفته شد این نسخه دارای دیباچه مختصری میباشد و صفحه ۷-۳۲ این مجموعه شامل عروض و صفحه ۴۵ - ۵۱ دربردارنده قافیه آنست.

۳ - تحفه الشعراء این رساله شرح ابیاتی است که در علم عروض انشاء گردیده و در آخر منشی خود را جوهری معرفی کرده است: جوهری دریای معنی سفته است - شانزده بیت آخرینش گفته است. و در حرف جیم تذکره خوشگو زیر نام: جوهری سمرقندی نوشته شده: «از شعرای امیرعلیشیر نوائی بوده عروض وقافیه را نیکو میدانست از اوست: «شور پروانه ز بلبل طلبی شرمت باد - آتش از دور بهشت است تماشائی را». شارح در ابتداء کتاب از صاحب ابیات نام نبرده فقط گوید: یکی از فضلاء و علماء عصر بروایت مسجله چند بیتی در بیان القاب علل

که در فن عروض بود الخ. بگمان نزدیک یقین این ابیات از همین جوهری سمرقندی است و شارح بنا بر تصریح خود صفی الدین علاء بن صفی الدین علی بسطامی میباشد و دیباچه را بنام شمس الدین علی که حاکم و زمامدار بسطام بوده موشح کرده است و ظاهر اینست که شارح از اهل سنت و در اواخر قرن نهم زندگانی میکرده است

این رساله در حدود (۴۰۰) بیت و ص ۳۳-۴۵ این مجموعه شامل آن میباشد. ۴ - قسمتی از کتابی در اصول فقه است و این قسمت در بحث اصالة حجیت ظن و ظاهراً انشاء یکی از شاگردان شریف العلماء رحمه الله میباشد و در حدود (۷۰۰) بیت کتابت دارد و از صفحه ۵۴ - ۶۹ مجموعه را اشغال نموده است.

(۱۰۹۴-۱۰۹۶)

این مجموعه شامل چهار قسمت مذکور میباشد و همه را یک نفر **مجموعه**
بسال ۱۲۴۱ بخط نستعلیق نوشته و بر صفحه ۵۲ اشعاری در **عروض و غیره**
اختیارات نجومی و بر صفحه ۵۳ مطالب متفرقه ای نگارش یافته و پشت صفحه اول مطالبی از کتاب عروضی میباشد که پیش ازین ضمیمه این نسخه بوده است.

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۳۵) . صفحه ای (۲۲ و ۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۸۶) .

[۴۸۱] مطلع (فارسی)

این کتاب تألیف رضی الدین محمد بن محمد شفیع میباشد که بتصریح خواهرزاده ایشان محمد شفیع طباطبائی که نویسنده نسخه زیرین میباشد، از مستوفیان خاصه بوده و از عبارات مذکور در دیباچه کتاب نیز مسلم میشود که مؤلف از مستوفیان توانای قرن یازدهم و امامی مذهبی بوده و باقرینه سال تألیف بدست میآید که در دربار شاه عباس ثانی که از سال ۱۰۵۲ تا ۱۰۷۷ سلطنت داشته، مستوفی بوده است.

مؤلف آنرا به دو مصراع تقسیم و هر یک از آنها را به چهار رکن تقسیم نموده و عین عبارات کتاب راجع به این تقسیم بدین تفصیل است :

مصراع اول: متضمن عروض وقوافی براسلوب ارباب عروض و وزن مشتمل بر چهار رکن هر رکنی از ارکانش محتوی برسه حرف و هر حرفی راجح روح پرور معانی را ظرف .
رکن اول: در تعریف شعر و تفصیل اقسام آن و حد عروض و وزن و تعداد اسباب و اوتاد و شرح حروف و حرکات معین برسه حرف . **رکن دوم:** در حد تقطیع و بیان ازاحیف و تعداد فروعی که از استعمال ازاحیف متولد کردند مقرر برسه حرف . **رکن سیم:** در شرح بحوریکه از ترکیب ارکان منبعت کردند و ثبت دوائر و فلك بحور و تفصیل بحور اصلی و فروعی معین برسه حرف . **رکن چهارم:** محتوی بر علم قوافی مشتمل برسه حرف .

مصراع دوم: در صنایع و بدایع . **رکن اول:** در بیان آنچه بفن معانی و بیان اختصاص دارد . **رکن ثانی:** در صنایع معنوی که کلام بلاغت کیشان از فن بدیعش می‌شمارند . **رکن ثالث:** در ذکر صنایع مخصوصه بفن بدیع . **رکن رابع:** در ذکر سائر آنچه ضرور است در درانام این بنای رفیع .

این کتاب بتصریح مؤلف در آخر آن بسال ۱۰۶۳ تألیف گردیده و در این موضوع مؤلفه ای جامع و در حدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله ظلماء کامل غبار کلمات فصاحت سمات که در معادن خواطر خورشید نظائر الخ .

(۱۰۹۷)

این نسخه را بسال ۱۱۰۶ بخط شکسته نستعلیق محمد شفیع طباطبائی نوشته و در حاشیه برخی از صفحات تعلیقاتی در

مطلع

توضیح مطالب از قاموس و صحاح و بدون امضاء موجود است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۴۸) .

صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه

(۲۸۸) .



اشعار و تذکرها و دیوانها

[۴۸۲] آتشکده آذر (فارسی)

آتشکده آذر یکی از تذکرها و مؤلف‌های مشهور و مؤلف آن حاج لطفعلی بیگدلی شاملو (۱) متخلص به آذر و پسر آقاخان است، متولد بسال ۱۱۳۴ و متوفی بسال ۱۱۹۵ میباشد (۲)، مؤلف آنرا **آتشکده** نامیده و در آن از اشعار پیشینیان و معاصرین انتخابی بسلیقه خویش کرده و مختصری از شرح حال آنها را هم بیان نموده و در آخر آن شرح حال مختصری باپاره ای از اشعار خود را گذارده و مخصوصاً از «یوسف و زلیخا» (۳) (بنقل الذریعه از «تحفة العالم» سید عبداللطیف تستری مشتمل بر دوازده هزار بیت است) انشائی خود بخشی زیاد نقل نموده و این تذکره را بدو **مجموعه** تقسیم نموده. **مجموعه اول**: در ذکر اطوار و اشعار شعرای متقدمین مشتمل بر یک **شعله**: (در ذکر اشعار شاهان و شاهزادگان و امرای که منسوب بولایتی نیستند) و **سه اخگر**: (در ذکر شعرای ایران و توران و هندوستان و هراخگری

(۱) بنا بر تصریح خود در همین آتشکده بیگدلی‌ها طایفه ای از ترکان هستند که بایران کوچ داده شده اند و قسمتی از آنها را بشام برده اند و امیر تیمور آنها را بایران آورده و بمناسبت بودنشان در شام بنام شاملو نیز خوانده میشوند.

(۲) شرح حال این مؤلف با مراجعه به آتشکده آذر و ص ۷۳ ج ۲ مجمع الفصحی و ص ۴۱ ج ۱ الذریعه الی تصانیف الشیعه نوشته شده و خود وی گوید که در فتنه افغان متولد شده و از اصفهان با خویشان بقم هجرت کردیم و در ابتداء سلطنت نادرشاه پدرم بحکومت لار و بنادر خلیج فارس منصوب گردید، باوی بشیر از رستم وی پس از دو سال بدرود زندگانی گفت الخ.

(۳) تاریخ اتمام یوسف و زلیخا را در آخر کتاب بسال ۱۱۷۶ معین نموده است.

بچند شماره که اسم ولایت اقتضا کند تقسیم شده .) و يك فروغ : (در حالات و مقالات زنان دانشمندان دیار .) و مجمر دوم : در بیان حالات و خیالات شعرای معاصرین مشتمل بر دو پرتو اول در افکار یاران معاصر و پرتو دوم در حالات و آثاری از مؤلف . و در الذریعه است که « دفتر نه آسمان » را که مخصوص به شعرای معاصر خود اوست و دیوان شعریکه در حدود ده هزار بیت کتابت دارد نیز از مؤلفات آذر است و خود وی در زیر شرح حالش گوید که دیوان شعرم که هفت هزار بیت بوده در نهب و غارت اصفهان از میان رفت و مدتی طبعم گویا نشده و در انجمن خاقان است که بطرز بوستان شیخ سعدی کتابی پرداخته که معروف به « گنجینه الحق » میباشد و شامل نصایح و حکایاتی است .

این تذکره در حدود (۲۲۰۰۰) بیت کتابت دارد ، تألیف آن پیش از سال ۱۱۸۵ بوده چرا که وفات اسحق بیک متخلص به عذری که تذکره اسحق را از اشعار نقل شده در آتشکده ترتیب داده بدین سال بوده است ولی مسلماً مؤلف تا آخر عمر بر آن اضافاتی نموده چرا که وفات آنها نیکه پس از اسحق بیک بوده چون عبدالمجید درویش خطاط معروف متوفی بسال ۱۱۹۰ و دیگران در آتشکده درج گردیده و بسال ۱۲۹۹ در بمبئی چاپ سنگی شده است .

آغاز : بسمله در طوف حرم دیدم دی مغبچه ای میگفت

این خانه بدین خوبی آتشکده بایستی

فروغ آتشکده دل و زبانه اخگر زبان سپاس بی قیاس قدیمی است الخ .

(۱۰۹۸)

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب در متن و حاشیه نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، مرحوم اعتضاد السلطنه پشت صفحه نخستین نوشته اند « از خطوط خوب میرزا کوچک اصفهانی است که از شاگردان معتبر درویش عبدالمجید علیه الرحمه بوده و این کتاب داخل قطعات است الخ » . و میدانیم که درویش (عبدالمجید) استاد معروف خط شکسته بسال ۱۱۹۰ وفات یافته است بنابراین نگارش این نسخه در اواخر قرن

آتشکده آذر

دوازدهم یا اوائل سیزدهم بوده ، سرلوحی بسیار زیبا دارد و اطراف صفحه اول و دوم نسخه باظرافت تمام تذهیب و نقاشی شده و صفحات مجدول بطلا و عناوین را باشجر ف نگاشته است .

جلد ساغری ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۲۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۸ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۲۶) .

(۱۰۹۹)

آتشکده آذر این نسخه نیز بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده خود را علی اصغر معرفی کرده و سال نگارش را چنین نوشته (۱۲۷) . از آثار و علائم ظاهر است که صفر در مرتبه عشرات را نگذاشته نه صفر در مرتبه آحاد را بنابراین در سال ۱۲۰۷ نگارش یافته ، عناوین مطالب برخی باطلا و پارسی باشجر ف نگاشته شده ، دارای یک سرلوح زیبا میباشد ، اطراف دو صفحه نخستین و میان سطرهای آن دو تذهیب و نقاشی شده و عناوین مطالب و اشعار در وسط سرسوره هائی نوشته شده و تمام صفحات مجدول بطلا است .

جلد روغنی بسیار ظریف و درو ، یک طرف شامل تصویر حضرت مریم و حضرت زکریا و حضرت عیسی علیه السلام هنگام ولادت و پس از آن و بعضی از یاران و دیگران و تصویر کلیسا و طرف داخل حضرت مریم و حضرت عیسی علیهما السلام در وسط و اطراف آن نقاشیهای ظریف میباشد . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۸۶) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۶۷۴) .

(۱۱۰۰)

آتشکده آذر این نسخه نیز بخط شکسته نستعلیق نگاشته شده ، نویسنده خود را محمد رضا کاتب اصفهانی معرفی نموده ، ماه و روز نگارش را نوشته ولی سال را معین ننموده ، ولی مسلماً در نیمه اول قرن سیزدهم بوده ، بسال ۱۲۷۹ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت صفحه نخستین یادداشت گردیده و در اینجا تذکره داده شده که دارای (۸) صفحه صورت است ، اما با تفحص کامل بیش از هفت (۷) صورت ندارد ، در حاشیه برگ (۶۹) اعتضاد السلطنه یادداشتی بخط خویش مبنی بر اینکه در کتاب رجال و بلدان که در بلاو فرانسوی

بفرانسه تألیف نموده در شرح حال خواجوی کرمانی گوید: « لقب وی ملک الفضلا بوده و چون اشعارش آبدار و سلیس بوده مردم وی را نخلبدالشعرا میگفته اند. و نیز گوید صاحب تذکره هفت اقلیم گوید: چون در اشعار خود همه تلاش الفاظ غیر متعارفه کرده است بدانجهت ویرا نخلبدالشعرا گفته اند ».

اسامی شعرا گذشته از اینکه در متن نوشته شده در حاشیه بر روی برگهائی طلائی با شنجرف نیز نگاشته شده و دارای يك سرلوح است و اطراف دو صفحه اول تذهیب و نقاشی برگ موی گردیده و تمام صفحات مجدول بطلاست.

جلد روغنی دوروبك طرف كل و بونه و بابل و در اطراف روی دو جلد غزل دویارزبرك و از باده کهن دومنی، خواجه حافظ بخط نستعلیق خوب نوشته شده و در طرف درون یکی تصویر بستکه شاید از بوسف وزلیخا باشد و دوزن بالا و پائین این تصویر نیز ترسیم شده و درون دیگری در وسط تصویر لیلی و مجنون و نیز تصویر دوزن بالا و پائین آنست. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۶۳) صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۹ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر). عرض (۲۰ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۶۷۶).

(۱۱۰۱)

این نسخه نیز بخط شکسته نستعلیق و بسال ۱۲۲۹ نوشته شده، نویسنده از عباراتی که در آخر کتاب نوشته مردی ادیب بوده ولی نام خود را تصریح ننموده و شرحی که در بیان علت نگارش این کتاب بعباراتی ادیبانه مینوشته بانجام نرسیده، حرکت دست وی در نگارش آن بسکون مبدل گردیده، پس از نام ابوالقاسم هجری و شرح حال مختصر و آثار منتخبه از او که آخرین کس از معاصرین مؤلف میباشد، نویسنده نسخه بشرح حال محمد صادق متخلص به زری و اخیراً به زیور که در هنگام نگارش نسخه ۱۸ سال داشته بانقل قصائد و مقطعات و غزلیات و رباعیاتی از او در ص ۵۸۶ تا ۶۱۱ نسخه پرداخته و بنابر آنچه گذشت تولد این محمد صادق ۱۶ سال پس از فوت آذر مؤلف آتشکده بوده و کاتب الحاق نموده است.

در حاشیه ص ۱۶۶ مقابل نام خواجوا اعتضاد السلطنه عین یادداشت نام برده در اول این صفحه را نوشته اند، دارای يك سرلوح و چهارده مجلس نقاشی میباشد،

کنار دو برگ نخستین تذهیب گردیده ، و میان سطر های آن طلا اندازی شده و تمام صفحات مجدول بطلا و عناوین با شنجرف نگاشته شده است .
جلد روغنی دورو ، برون یکی حرکت فتحه امیر شاه قاجار برای شکار نقاشی شده و برون دیگر جلد حالت شکار او را نشان داده و درون جلد اول شیرین و فرهاد را رسم نموده و درون دیگری ملاقات فرهاد شیرین را در هنگام شستشو نشان داده و برون جلد محتاج باصلاح است .
کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۴۰) . صفحه ای (۱۹)
سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ ۱/۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۶۸۲) .

[۴۸۳] الایات الحسان المجردة من (عربی)

وفیات الاعیان

وفیات الاعیان تألیف ابن خلیکان و شامل شرح حال جمعی از دانشمندان تا قرن هفتم هجری میباشد و چنانکه دیده اید یکی از مأخذ مطالب این فهرست میباشد ، مؤلف در ذیل نام بعضی از آنها تئیکه بشرح حال و معرفی آنها پرداخته ایات و اشعاری از منشآت ایشان را آورده ، دانشمندی که از خود نام نبرده (بنابر تصریح در مقدمه) بنا برخواست مصطفی آغا پسر قاسم آغا (۱) نام از اشعار مذکور (بترتیب وقوع آن در وفیات) انتخابی نمود و خاتمه آنرا دوییت از امام شافعی که در ذیل شرح حال ابو موسی یونس بن عبدالاعلی در وفیات میباشد قرار داده است و در حدود (۶۴۰۰) بیت شعر میباشد و نامی صریحاً برای این مجموعه نگذاشته ، ولی از عبارت مذکور در انجام نسخه که زیر این سطر ها نقل میشود نام کتاب برمی آید ، از اینرو بدان نام معرفی گردید ، بنام « اشعار وفیات الاعیان » داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و بهمین نام بر این کتابخانه وقف گردیده و یادداشت این دو موضوع پشت صفحه نخستین نگاشته شده و تا کنون در کتابی نام جامع آنرا نیافته ام ، بقرینه اینکه کتاب را به شعر امام شافعی خاتمه داده احتمال دارد که شافعی مذهب بوده است .

(۱) با مراجعه به دانشمندان آذربایجان و قاموس اعلام ترکی و روضات و هفت اقلیم و شقائق نعمانیة والعقد المنظوم بنام ابن یسر و پدر بر نخوردم و زمان و دوره آنها را هم ندانستم .

آغاز: بسمله حمداً لمن شرح لمن تجلی بالبلاغة صدرأ و منح اهل الفصاحة عز الخ .
 ما حكّ جلدك مثل ظفرك فتسول انت جميع امرك
 و اذا قصدت لحاجة فاقصد لمعترف بقدرک .
 انجام:

(۱۱۰۲)

الایات الحسان این نسخه بخط نسخ سال ۱۲۵۲ نوشته شده ، نویسنده نام خود را معین ناموده و جای بعضی از موارد که بایستی با سرخی نوشته شود سفید مانده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۰۰) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) عرض (۱۸ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۳۱۴) .

[۴۸۴] الاسعاف (عربی)

این کتاب که مؤلف آن خضر بن عطاء الله موصلی متوفی سال ۱۰۰۷ می باشد ، شرح ایات استشهاد شده در تفسیر کشاف و تفسیر قاضی بیضاوی است (۱) و مؤلف آنرا « الاسعاف فی شرح ایات القاضی و الکشاف » نامیده و یکی از گنجینه های ادبی و کتابهای پربها می باشد و بدبختانه تا کنون چاپ نشده است .

تألیف آن چنانکه در مقدمه آن و سلافة العصر (۲) و قاموس الاعلام ترکی (۳) ثبت شده بنام ابوعلی حسن (۴) بن ابی بنی برکات که شریف مکه معظمه بوده ، سال ۱۰۰۳ (۵) انجام یافته و صاحب سلافة بعبارة ای که ترجمه مختصری از آنها درج میگردد این کتاب را ستوده :

« این مؤلفه کتابی است که دیده روزگار به مانند آن روشن نکر دیده و گلستانی مانند گلها و شکوفه های الفاظ و میوه های معانی آن بار نداشته و نخواهد داشت » .

(۱) از این دو تفسیر درص ۹۰-۹۴ و ۱۵۸-۱۶۷ ج ۱ معرفی کرده ایم .

(۲) ص ۳۸۵-۳۸۸ چاپ اول مصر مراجعه شود .

(۳) ج ۳ ص ۲۰۴۸ مراجعه گردد .

(۴) در قاموس الاعلام حسین بن ابی بنی چنانکه در مقدمه این کتاب و سلافة ثبت گردیده حسن بن ابی بنی صحیح است .

(۵) مؤلف خود جمله : قد انتهى کتابی را که سال ۱۰۰۳ را معین مینماید ساده تاریخ ختم کتاب معین نموده است .

مؤلف ابیات دو تفسیر نام برده را موافق ترتیبیکه در دو تفسیر مذکور میباشند
(از سورة حمد تا سورة ناس) ذکر و بشرح آنها پرداخته و خود در طرز این
کتاب گوید :

« در این شرح چند چیز را کردن گرفته ام، نخست آنکه هر بیت که فقط صاحب کشف آنرا
استشهاد نموده به سرخی و آنچه را فقط بیضاوی شاهد آورده به زردی و آنچه هر دو بدانها
استشهاد کرده اند به رنگ سبز نویسم تا از یکدگر ممتاز باشند و چون بیتی را ذکر نمایم
اول محل شاهد را بیان پس از آن لغات و اعراب و آنچه متعلق باین دوازده قواعد ادبی و قواعد
عروض و قافیه میباشد بابیانی شافی و کافی ذکر و بعد از اینها گوینده بیت را نام برده و تتمه
آنرا هم نقل مینمایم و بشرح حال گوینده و سبب انشاء آن با عبارانی مختصر و لطیف پردازم».
مؤلف این گنجینه ادب را بهمین نحو که امید داشته و ملتزم شده باندازه ای که
مقام و موقع اجازه داده توفیق بر تألیف یافته و بشرح و بسط پرداخته و در حدود
(۳۲۰۰۰) بیت کتابت این شرح است.

خضر بن عطاء الله موصلی بشهادت این کتاب از علماء امامیه بوده و بتصریح
مؤلف قاموس الاعلام (ترکی) ارجوزه ای هم در فضائل اهل بیت علیهم السلام
تألیف نموده ولی نام این ارجوزه و این شرح (الاسعاف) در کشف الظنون نیست (۱)
و در سلافة العصر مقامات علمی و دینی و اخلاقی این مؤلف ثبت گردیده و در آنجاست
که شریف مکه حسن بن ابی علی بن برکات جائزه تألیف «الاسعاف» را هزار اشرفی
(دینار) بدو داد و به او بمنتهی درجه آرزویش اقبال و توجه نمود و تا در مکه معظمه
بود مورد عنایت و لطف بود، وزیر شریف تقی معروف به ابن عتیق که مردی
ظالم و بی باک بود خضر را خواست و او را بشهادت مطلبی باطل و دروغ، برای بردن
مالی بدون حق و ادار نمود، خضر از این کار خودداری کرد، وزیر کینه او را بدل گرفت
و در برد گوئی وی خود داری نداشت، بدین پایه که ویرا نصرانی لقب داد و پیش
شریف او را متهم کرد و فرمان بیرون کردن او را از مکه گرفت و بدون تأخیر
همانوقت که اجازه گرفت (سال ۱۰۰۷) او را بیرون فرستاد، شیخ خضر هم رو بمدينه
طیبه آورد هنوز از مکه دو منزل دور نشده بود که وزیر فرمان داد بخانه وی ریختند

(۱) فقط درص ۳۱۴ ج ۲ گوید: و شرح شواهد الکشف فی مجلدات الخضر بن محمد الموصلی
نزول مکه المکرمه ذکره الشهاب.

و آنچه نفائس داشت خود برداشت و بقیه را چون اموال مردگان حراج کردند
این خبر که بخضر رسید هماندم جان بجان آفرین داد.

آغاز: بسم الله يا كشاف صباة الاوهام بشموس شواهد العلوم الخ.

(۱۱۰۳)

الاسعاف

این نسخه را بخط نسخ محمد حسین نیریزی بسال ۱۲۷۷ (۱)
نوشته و شامل تمام کتابست، اوراقی جدول کشیده پیش از
کتاب گذارده اند که اسامی شعرای مذکور در این نسخه در آنها ثبت شود ولی
توفیق بر این کار حاصل نگردیده و بریکی از برگهای ننوشته ای که آخر کتاب بوده
عبدالله منشی طبری اسامی جمعی از شعرائیکه شرح حالشان در این کتابست با قید
صفحه آنها بسال ۱۲۷۸ ثبت کرده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی بزرك. شماره اوراق (۵۳۶).
صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۳۵ سانتیمتر). عرض (۲۱ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه
(۳۳۱۸).

[۴۸۵] انجمن خاقان (فارسی)

این کتاب یکی از تذکره های کاملی است که در زمان فتحعلیشاه قاجار نوشته
شده و مؤلف آن راوی گروسی بایندری است (محمد ملقب به فاضل و متخلص به
راوی متولد در گروس از توابع همدان و از طائفه بایندری تر کمان متولد بسال
۱۱۹۸ و متوفی بسال ۱۲۵۳) (۲) چنانکه خود وی در آخر همین کتاب گفته شانزده

(۱) نویسنده نسخه این کتابخانه و نسخه کتابخانه معارف (کتابخانه ملی): بنا بر تصریح در
آخر و شهادت سبک هر دو یکنفر است ولی نسخه آن کتابخانه از لحاظ جدول کشی و ترتیب
کامل تر از نسخه این کتابخانه است و آن نسخه بسال ۱۲۷۴ خاتمه یافته و کاتب در آخر نسخه متعلق
به این کتابخانه دو غلط در آخر نوشته یکی اینکه سال اتمام را که ۱۰۰۳ بوده سبع و ثمانون ماه بعد
الف (کذا) و سال نگارش نسخه را: سبع و سبعون بعد الف نوشته و مسلما هر دو غلط و
در سال ۱۲۷۷ نوشته شده و بسال ۱۰۰۳ تالیف گردیده است و در اصل کتاب هم سقط و غلط دارد.
(۲) این شرح بامراجعه بخاتمه خود کتاب و ج ۹ روضة الصفا و مجمع الفصحا ج ۲ (ص ۱۴۲) و الذریعه
ج ۲ ص ۳۶۵ نگاشته شد و تاریخ فوت نام برده از مجمع الفصحا و روضة الصفا نقل گردیده
ولی مولف الذریعه در حدود سال ۱۲۶۰ نقل کرده اند.

سال داشته که پدرش بدرودزندگانی گفته او نیز در آن سال گروس را بدرود کرده و در شهرهای ایران گردش نموده و در هنگام پادشاهی فتحعلیشاه بطهران آمده، بوسیله ملك الشعرا فتحعلیخان صبا حضور پادشاه چنین معرفی گردیده که جوانی است راوی اشعار دانشمندان و او را جا حظ عجم توان دانست و دارای استعداد و لیاقت است. اجازه باریافتن یافته و مورد لطف و مرحمت گشته و بروایت اشعار (بگفته صاحب مجمع الفصحا: راوی مدائح خاقانی شده) اختصاص یافت و در سلك غلامان دربار منسلک و در حضر و سفر ملازم بوده و مأمور به تکمیل تحصیلات ادبیه گردیده و بسال ۱۲۳۴ بنگارش این تذکره مشغول و بگفته خود در پنج ماه آنرا تمام نموده و پس از فتحعلیشاه قاجار خانه نشین گردید و آقا محمد شاه ماهیانه ای بدو می‌رسانید. مؤلف خود این تذکره را که در حدود (۱۱۰۰۰) بیت کتابت دارد

«انجمن خاقان» نام گذارده و دارای مقدمه و چهارانجمن و خاتمه ای بدین تفصیل میباشد: مقدمه در ذکر شمه ای از آثار شهریار گردون اقتدار. **انجمن اول:** در شرح حال فتحعلیشاه و اجداد وی و ایل قاجار و شمه ای از اشعار و آثار وی و شماره کتب نفیسه دربار ایران و بیان چیزهای نفیس و گرانبها. **انجمن دوم:** در خلاصه احوال و افکار ملکزادگان و معدودی از نوینان (۱) عظام این سلسله و بعضی از بزرگان سلسله قاجار (در این انجمن شرح حال ۱۶ نفر و منتخباتی از اشعار آنان درج شده). **انجمن سوم:** در شرح حال و منتخبی از اشعار شعرائیکه به دربار این پادشاه بار یافته اند (در این انجمن نام ۴۳ نفر و اشعاری از آنها درج شده و درباره ملك الشعرا فتحعلیخان صبا که ولی النعمه وی بوده شرحی مبسوط نگاشته است). **انجمن چهارم:** در ذکر نام شعرای شهرهای ایران که معاصر یا نزدیک بعصر مؤلف بوده اند (در این انجمن بشرح حال ۱۱۹ (۲) نفر شاعر

(۱) نوینان: نوین باثانی مجهول بر وزن موین بمعنی اول نویان است که پادشاه زاده باشد و ملوک و سلاطین را که خویش و قوم و قرابت باشد نیز بدین نام خوانند (برهان قاطع).
(۲) در الذریعه نوشته شده که این تذکره شامل حال پنجاه و پنج نفر از معاصرین مؤلف میباشد در صورتیکه از نقل شماره های بالا بدست آمد که با اضافه شرح حال پادشاه و مؤلف این تذکره شامل شرح حال و آثار ۱۷۸ شاعر است.

و نقل آثاری از آنها پرداخته (). خاتمه در شرح مختصری از حالات مؤلف و ۲۷ بیت از اشعار اوست .

آغاز . بسمله زیب انجمن خاقان که زینت بزم زمان باد، نام بدیعی است جلّ شأنه الخ .

(۱۱۰۴)

انجمن خاقان این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۳۶ نگارش یافته ، دو صفحه نخستین تذهیب شده و نیز آغاز هر انجمن سر لوح و تذهیبی موجود و پیش از آن نام های آنانکه در آن انجمن نام برده میشوند در جدولهایی باشنجر ف نوشته شده و در حاشیه صفحه ای که شامل پاره ای از شرح حال و آثار سلیمان بید گلی کاشانی متخلص به صباحی میباشد بسال ۱۲۸۳ اعتضاد السلطنه بخط خود یادداشتی مبنی بر اینکه آنچه صاحب این تذکره و سحاب در تاریخ خود درباره سال وفات این مرد نوشته اند (سال ۱۲۰۷) درست نیست چرا که وی در قصیده ای که در خود این کتاب هم ثبت شده فتحعلیشاه را با تصریح بشاهی وی مدح نموده و جلوس این پادشاه بسال ۱۲۱۲ بوده و اگر بگوئیم در زمان حیات آغا محمد خان ویرا با خطاب شاهی مدح نموده زیاد مستبعد است . جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۶۴) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول ($۳۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض ($۲۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۹۵) .

[۴۸۶] تحفه سامی (فارسی)

سام میرزا پسر شاه اسمعیل و برادر شاه طهماسب صفوی میباشد (متولد بسال ۹۲۳ و متوفی بسال ۹۷۵) (۱) ، شاهزاده ای دانشمند و دانش دوست بوده ، طبعی لطیف داشته ، حکومت قندهار یافته و بر برادرها خروج نموده و بخشیده شده ، بار آخر که خروج نمود در قلعه قهقهه زندانی شد و در آنجا با اولاد خویش بسر میبرد در سال مذکور در هنگامیکه باد و پسر القاص میرزا (سلطان احمد و سلطان فرخ) در آن قلعه نشسته بودند در اثر زمین لرزه بسیار سخت منزل بر سر ایشان فرود آمد و روحشان از بدن پرواز نمود .

بسال ۹۵۷ تذکرة ای بنام « تحفه سامی » (در دیباچه ادبیانه آن که حاکی از قدرت کامل برثر نویسی وی میباشد بدین تسمیه تصریح شده) تألیف نمود و آنرا بر هفت صحیفه قسمت نموده :

صحیفه اول : در ذکر شمه ای از احوال شاه اسمعیل و اولاد و احفاد او و پادشاهان معاصروی . **صحیفه دوم :** در ذکر سادات عظام و علمای افادت اعلام (در این فصل سادات از علما معاصر نامبرده شده اند) . **صحیفه سوم :** در ذکر علماء اگر چه شاعر هم نبوده اند . **صحیفه چهارم :** در ذکر وزراء مکرم و سائر ارباب قلم . **صحیفه پنجم :** در ذکر شاعران مقرر و فصیحی بلاغت گستر (در این فصل از عبدالرحمن جامی متوفی بسال ۸۹۸ که درک حیات شاه اسمعیل را کرده شروع و معاصرین خود را نام برده است) . **صحیفه ششم :** در ذکر طبقه ترکان و شعرای مقرر ایشان (در این فصل از امیر علیشیر نوائی متوفی بسال ۹۰۶ شروع نموده) . **صحیفه هفتم :** در طرفه گویان مقبول الکلام و ایراد سائر عوام (در این صحیفه کارگران و خنیاگران و دیگران از معاصرین خود را که گاهی بیتی گفته اند نام برده است) .

چنانکه در دانشمندان آذربایجان (ص ۱۷۷) بنقل از « احسن التواریخ » و « تکملة الاخبار » نقل گردیده این تذکره شامل ترجمه احوال ۶۶۶ نفر از شعرای معاصر مؤلف میباشد و دیوانی هم نزدیک به شش هزار بیت از ایشان دیده شده است . این تذکره را آقای وحید دستگردی مدیر و مؤسس مجله ارمان بسال ۱۳۱۵ خورشیدی در طهران چاپ کرده اند .

آغاز : بسملة الله الحمد قبل كل كلام
بصفات الجلال والاکرام
حمد او تاج تارك سخن است
صدر هر نامه نو و کهن است .

(۱۱۰۵)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده از خود
وسال نگارش در آخر این نسخه نام نبرده ولی همین نویسنده
« شبستان خیال » فتاحی را (در فصل ادبیات از آن معرفی میشود) بسال ۹۸۳ در

تحفه سامی

ماه صفر المظفر نوشته و پیش از این تذکره در یک جلد گذارده شده و جای هیچگونه تردیدی نیست در اینکه تحفه نیز خط نویسنده نام برده است، دارای يك سر لوح كوچك زیبا و صفحات مجدول بطلا و لاجورد و عناوین باشنجر ف می باشد و زیر آخرین سطر نسخه آثار نحو جمله ایست.

جلد چرمی ضربی. کاغذ خان بالغ. واقف سپهسالار. قطع وزیری كوچك. شماره اوراق دو كتاب (۲۶۱). تحفه سامی (۱۷۴). صفحه ای (۱۵). سطر. طول (۲۲ سا نتیمتر). عرض (۱۴ سا نتیمتر). شماره کتابخانه (۲۷۲۱).

[۴۸۷] تحفه العراقین (فارسی)

این مثنوی یکی از منشآت خاقانی شیروانی شاعر شهیر می باشد، کمتر کسی است که اندك سروکار به ادب و ادبیات داشته باشد و بخوبی این حکیم دانشمند و شاعر سخن سنج را نشناسد، قصیده ای که در اثر تأثر از مشاهده آثار مدائن و اظهار روح ایرانی خویش انشا نموده (۱) هر كودك دبستانی آنرا بخاطر سپرده و بدین اثر او را می شناسد، عرفا و دانشمندان او را بدیوان قصائد و غزلیات و تحفه العراقین می شناسند و اطلاع بر لغت فارسی و عربی و مباحث فلسفی و طبیبی و ملل و نحل (۲) و فنون ادب و قدرت طبع وی از اشعار او بخوبی ظاهر و هویداست.

هر کس که تذکره ای نوشته در خور فهم خویش در باره این دانشمند چیزی نگاشته و بنابر اطلاعی که اینك نگارنده یافته نزدیکترین آنها عصر و زمان وی عوفی در لباب الالباب (ج ۲ ص ۲۲۱) و پس از آن قزوینی در آثار البلاد و ذیل شروان و حمد الله مستوفی در تاریخ گزیده (ص ۶۳۵ نسخه کهنه این کتابخانه) و دولت شاه سمرقندی در طبقه دوم از تذکره خود (ص ۵۱ - ۵۴ نسخه خطی این کتابخانه) و جامی در نفحات الانس و امین احمد رازی در هفت اقلیم (ص ۱۰۵۸ - ۱۰۷۳ نسخه خطی این کتابخانه)

(۱) مطلع این قصیده اینست:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان ابوان مدائن را آئینه عبرت دان

(۲) در قصیده ای که مطلع آن اینست:

فلک کج و تراست از خط ترسا مرا دارد مسلسل راهب آسا

بسیاری از اصطلاحات نصارا را ذکر نموده و بسیار خوب سروده و بر آن شرح نوشته شده و از سائر اشعار وی اطلاعات دینی او بخوبی ظاهر است.

و قاضی شوشتری در مجالس المؤمنین (مجلس ۱۲ ص ۵۰۸) و آذر در آتشکده (ص ۳۹) و هدایت در مجمع الفصحا (ج ۱ ص ۲۰۰) و آقای تربیت در مجله گنجیه فنون (شماره دوم سال ۱۳۴۱) و در دانشمندان آذربایجان (ص ۱۲۹-۱۳۲) و آقای محمد علی ناصح کارمند کنونی وزارت فرهنگ در مقاله مفصلی و آقای میرزا محمدخان قزوینی در حواشی چهارمقاله عروضی (ص ۱۵۱) و آقای بدیع الزمان در سخن و سخنوران (بخش اول از جلد دوم ص ۳۰۰-۴۰۳) و در سال گذشته نیز آقای تربیت در مجله مهر (شماره ۷ سال پنجم، آذرماه ۱۳۱۶ ص ۶۵۶-۶۶۱) در زیر عنوان «مثنوی و مثنوی گویان» آخرین کس اند که در باره این شاعر بزرگ شرح نگاشته اند. اینک نگارنده مختصری درباره این دانشمند بزرگ در خور لیاقت و استعداد خویش مینگارد:

خاقانی چنانکه خود در همین کتاب (تحفة العراقین) تذکره داده بدیل (۱) نام داشته و پدر وی چنانکه خود تصریح نموده شیخ علی نجار شروانی است (در اواخر تحفه گوید «از سر خلا یقم سبک بار - بر مائده علی نجار» و پس از چند بیت گوید: آیا پدری بود بدین سان - کز بهر جگر فدا کند جان). و بر حسب تحقیق تولد وی بدست نیامده ولی مسلماً در اوائل قرن ششم بوده و در سال وفات وی اقوال زیاد است (۵۳۲ و ۵۷۴ و ۵۸۱ و ۵۸۲ و ۵۹۵) محققین سال ۵۹۵ را ترجیح داده اند، در این موضوع بماند نام برده بالا مراجعه شود که هر یک سالی را معین کرده اند. و نیز بنا بر تصریح تذکره نویسان و اشاره خود در دیباچه تحفه، بیش از آنکه خاقانی

(۱) خود در اوائل مقاله پنجم گوید:

پس من نه بدیل بوالعالم

ور جز در تست سجده جا یم

و نیز در جای دیگر گوید:

از آن سبب پدرم نام من بدیل نهاد

بدل من آهدم اندر جهان سنائی را

در سخن و سخنوران مصرع دوم: بدان دلیل پدر نام من بدیل نهاد. ثبت شده، جامی و امین احمد رازی نیز خاقانی را بنام بدیل معرفی کرده اند ولی بعضی او را ابراهیم و پاره ای عثمان نامیده و دسته ای جمع میان بدیل و ابراهیم کرده اند.

تخلص کند حقاقتی تخلص میکرده و چون بوسیله پدرزن خویش ابوالعلاء گنجه‌ای (۱) بخدمت خاقان منوچهر شروانشاه (۲) پیوسته خاقانی تخلص نموده (۳) و سالها در این دربار بمدّاحی اشتغال داشته و چون از این کار خسته شد و روح عرفانی بروی چیره گردید، پروانه گوشه نشینی و پرداختن بخویشتن خواست، پادشاه نپذیرفت. از شروان به بیلقان فرار کرد، چاکران پادشاه او را گرفته و بآستان آوردند، خاقان او را در قلعه شایران زندانی نمود، هفت ماه در آنجا بسر برد، چون از زندان درآمد رو به کعبه نمود. مادرش عیسوی مذهب بوده و اسلام (۴) اختیار کرده، خاقانی در اواخر تحفه اطلاعات سودمندی از خانواده خویش بدست میدهد و در اینجا است که عمویم مرا **حسن العجم** لقب داده و در اواخر تحفه زیر عنوان تشکر از الطاف عموی خویش گوید:

چون دید که در سخن تمامم حسان عجم نهاد نام.

معاصرین وی و عموم تذکره نویسان او را به لقب افضل الدین ستوده و نام برده اند و در زمان خویش شهرت زیاد یافته و معاصرین بروی حسد ها برده و او را بزحمت و رنج فکری و جسمی انداخته اند.

باین خصوصیات استادی وی پیش همه مسلّم و سبک او ممتاز و تا ادب و ادبیات در جهانست وی چنانکه خود گفته پادشاه سخن است.

(۱) این شاعر نیز از مشاهیر شعرای قرن ششم هجری میباشد و چنانچه در ص ۳۳۹ بخش اول ج ۲ سخن و سخنوران نوشته شده سال ۵۵۴ وفات یافته است.

(۲) راجع به نسب این پادشاه که بعقیده بعضی از مورخین به بهرام چوبینه میرسد و برخی او را از اولاد انوشیروان میدانند، در هفت اقلیم شرحی نگارش یافته، و پدران او را تا انوشیروان نام برده و گوید دوازده نفر از اولاد وی نیز در آنجا سلطنت کرده اند و نام آنها را نیز برده است.

(۳) چنانکه از قطعه ابوالعلاء در هجو و شکایت خاقانی برمیاید این تخلص را از به خاقانی داده:

چو شاعر شدی نزد خاقانت بردم لقب نیز خاقانیت بر نهادم
و در هفت اقلیم و تذکره دولتشاه ز بر شرح حال ابوالعلاء گوید در هجو خاقانی گفته:

تو ای افضل الدین اگر راست گوئی بجان عزیزت که از تو نه شادم

دروگر یسر بود نامت بشروان بخاقانیت من لقب بر نهادم

(۴) در اواخر تحفه در مدح و تمایز مادر خود گوید:

بس کرده گزین بعقل و الهام بر کیش کشیش دین اسلام

از آثار وی دیوان قصائد و غزلیات اوست که در حدود بیست و دو هزار بیت (۲۲۰۰۰) در آنست و دیگری همین مثنوی است که بنام « تحفة العراقین » مشهور میباشد و مثنوی دیگری بنام ختم الغرائب دارد که از آن معرفی میشود و مکاتیبی از او در دست است. (چند مکتوب ضمیمه شماره ۶۰۰ کتابخانه میباشد و برخی در مجله ارمغان چاپ گردیده).

تحفة العراقین بوزن مثنوی ساخته شده، و چنانکه از خود کتاب و قرائن خارجی بدست میآید (۱) بسال ۵۵۱ انشاء گردیده و مسلماً خاقانی در سفری که از راه همدان به حجاز رفته در موصل بسرودن آن پرداخته و خود گوید چهل روز (۲) نظم آن طول کشیده و آنرا به شش مقاله (هر یک بنامی) بدین تفصیل مرتب نموده: ۱ - عرائس الفکر و مجالس الان کر . ۲ - معراج العقول و منهاج الفحول . ۳ - سبحة الاوتاد، در وصف بلاد عراق و همدان و بغداد و وصف مردمان بزرگ و دانشمند این شهرها . ۴ - شواردا لاوراد و خزانه الاوتاد، در شرح کوفه و مکه معظمه و غیر اینها . ۵ - هدیة المهدی الی الیهادی در وصف مدینه طیبه و نعت حضرت رسول ص ۶۴ - (بدون نام است) در مدح شام و موصل و مدح جمال الدین وزیر و در این مقاله نیز بمدح جمعی از دانشمندان پرداخته و از خاندان خویش اطلاعاتی سودمند بدست میدهد و در ابتداء هر یک از مقالات مقاله ای در وصف آفتاب انشا نموده و روح تصوّف خود را هم در تمام این مقالات جاداده ولی چنانکه امید بلکه گمان داشته (۳) بسنائی و شاید چند مرحله پائین تر هم نرسیده است .

خاقانی در مقدمه این تحفه دیباچه ای به نثر با کمال قدرت ادبی انشاء نموده و ابیات تحفه در حدود (۳۲۷۱) شعر میباشد و بسال ۱۸۵۵ م در هندوستان چاپ شده است .

آغاز : بسملة خیر ما اعتصم المرء بحباله کلمة العجز لقصور باله اما بعد

این تحفه تذکرة ایست بل تبصرة عقلاء عهد ازین بحنون الهی
مائیم نظارگان غمناک زین حقّه سبز و مهره خاک الخ .

(۱) به متن و حاشیه ص ۳۲۷ بخش اول جلد دوم سخن و سخنوران مراجعه گردد .
(۲) در اواخر تحفه گوید : من اینهمه گوهر از سر کلک راندم بیچهل صباح از کلک .
(۳) این بیت خاقانی این آرزو را میرساند :
بدل من آمدم اندر جهان سنائی را از آن سبب پدرم نام من بدیل نهاد .

انجام: این دعوات را بگاه تهلیل آمین آمین کناد جبریل .

(۱۱۰۶)

تحفة العراقین این نسخه درابتداء دیوان خاقانی گذارده شده ، بسال ۱۰۱۳ بخط نستعلیق خوب نگارش یافته ، نویسنده نام خود را رقم نموده ، در ابتداء دیباچه سرلوح زیبایی است ولی قسمتی از آن ضایع گردیده و نیز در ابتداء مقاله اولی سرلوح ظریفی میباشد و دیوان خاقانی را ضمیمه دارد و آن نیز دارای دوسرلوح میباشد و خصوصیات آن پس از این نگاشته خواهد شد ، پشت برگ نخستین یادگار های بچه گانه و غیره است ، برگ هائی از اول و برگ آخر تحفه و صالی شده و اوراق آن مجدول بطلا و زنگار و شنجراف است . جلد روغنی کل و بوته دور و مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق کلیه (۲۸۴) این نسخه (۶۲) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول ($۲۴\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض ($۱۵\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . ضمیمه شماره کتابخانه (۴۱۰) .

(۱۱۰۷)

تحفة العراقین این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب محمد مسیح ابن مولانا نویدی شیرازی بسال ۱۰۶۳ نوشته و همین نویسنده « لیلی و مجنون » مکتبی را که در همین فصل معرفی خواهیم نمود ، نوشته و بدین نسخه پیوسته است ، درابتداء دیباچه و اصل تحفه هر یک سرلوحی زیبا ترسیم گردیده و اطراف صفحه سرلوح دار و صفحه مقابل نیز تذهیب ظریفی شده ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد و عناوین مطالب باطلا نگارش یافته و پشت برگ نخستین و برگیکه پیش از آنست دو یادداشت بخط شاهزاده فرهاد میرزا بامهر و امضاء وی موجود است . جلد روغنی ظریف و در دو طرف خارج آن ترسیم لیلی مجنون و دو طرف داخل کل و بوته است . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شماره اوراق کلیه (۱۷۱) این نسخه (۱۰۴) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۱۶ سانتیمتر) . عرض (۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۶۳) .

(۱۱۰۸)

تحفة العراقین این نسخه را بسال ۱۰۳۲ قادرك آقا بیوری (کناد) بخط شکسته نستعلیق نوشته ، دیباچه و ۸۵ بیت از ابتداء آن افتاده ،

نویسنده عناوین را انگاشته، حواشی نسخه آب دیده ولی خطوط آن چندان از میان نرفته، یکی دو برگ آن وصال گردیده، پشت آخرین ورق ابن اولغ خان بك محمد ابراهیم طسوجی که بقرینه تاریخ مهر اسم وی (۱۱۱۶) از دانشمندان قرن دوازدهم هجری بوده، مالکیت خود را یادداشت نموده و نویسنده دیگری قسمتی از عوامل جرجانی منظوم را پس از ختم کتاب نوشته است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۹۰). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۱۸ سانتیمتر). عرض (۱۰ سانتیمتر) شماره کتا بخانه (۲۶۷).

(۱۱۰۹)

تحفة العراقین این نسخه را بخط شکسته نستعلیق محمد بن عبدالله آشتیانی بسال ۱۲۳۷ نوشته و پس از آن شروع بنوشتن «عبرت نامه». فتحعلیخان صبا نموده (در همین فصل از آن معرفی خواهد شد) و برگار آخرین ورق تحفه و چندین ورق ننوشته پس از آن و اوراق آخر عبرت نامه ابیات و مطالبی بسال ۱۲۹۲ نگارش یافته و ظاهراً نویسنده آنها اعتضاد السلطنه است.

صفحات نسخه مجدول بطلا و لاجورد و شنجراف و دارای يك سر لوح در ابتداء دیباچه میباشد و عناوین را با شنجراف نوشته است.

جلد تیماجی ضربی. کاغذ ترمه. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره کلمه اوراق (۹۶). این نسخه (۸۳). صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۳ سانتیمتر). عرض (۱۳ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). شماره کتا بخانه (۴۱۱).

(۱۱۱۰)

تحفة العراقین این نسخه بخط نستعلیق در متن و حاشیه نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، ظاهراً خط اوائل قرن سیزدهم هجری است، مقاله ای بوزن مثنوی و بنام «ختم الغرائب» همین نویسنده نوشته و آنرا ضمیمه تحفه قرار داده و درص ۵۰۳ و ۵۰۲ از آن معرفی میشود، پشت صفحه نخستین بخط شکسته نستعلیق شرح حالی از خاقانی نگارش یافته اطراف دو صفحه اول نسخه بازنگار نقاشی شده و عناوین را با جوهر قرمز نوشته است.

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق کلیه (۱۰۵)
این نسخه (۸۸) . صفحه ای (۱۰) سطر . طول ($۲۰\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) .
شماره کتابخانه (۲۷۲) .

(۱۱۱۱)

تحفة العراقین این نسخه بدون تاریخ و نام نویسنده است ، دیباچه و ۳۵ بیت
از ابتداء نسخه افتاده و آغاز کنونی آن اینست :

ز ریاشی و ناگشاده گنجی - تب داری و نا کشیده رنجی . فقط چند عنصران و ائیل نسخه با برخی
نوشته شده و بر ورقیکه پیش از برگ نخستین نسخه است ، یادداشت شده که بسال
۱۲۸۱ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده ، اصل نسخه ظاهراً در قرن یازدهم
هجری نگارش یافته ، برخی از اوراق و صالی شده و در تمام آنها آثار موربانه است .
جلد مقوایی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۳۳) .
صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض ($۱۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه
(۲۶۸) .

[۴۸۸] تذکره اسحق (فارسی)

اسحق بیک ، برادر کوچکتر حاج لطفعلی آذربیکدلی شاملو ، مؤلف آتشکده بوده و در
جوانی در گذشته ، در غزل سرائی سلیقه خوبی داشته و عذری تخلص میجسته و بسال
۱۱۸۵ وفات یافته ، راوی گروسی که نزدیک بعصروی بوده در انجمن چهارم از
انجمن خاقان زیر عنوان عذری ایشان را نام برده و گوید : « گویند آدمی منش
و سلیم النفس صبیح الوجه کریم الطبع بوده وقتی یکی از اصدقای او را
بولایت خود اندر ، ادراک صحبت کردم ، گفתי بروز تشییعش که از خاص و عام
پیرامن تابوت را ازدحامی بود ، مرا باحضرت آذر ضیق مرقرب معبر داد ، شنیدم
که با این خفیف و حنین حزین این شعر برادر را که در قافیه لازم مذکور است
همیخواند فرد کد امین ماه را یارب درین محمل بود منزل

که محمل میرود از شهر و شهری از پی محمل !

رحمة الله علیهم جميعاً جناب صباحی تاریخ وفاتش را گفت :

بادا در بهشت جاودان اسحاق بیک . = ۱۱۸۵ (۱) .

آذر پیش از راوی نیز در آتشکده عذری را نام برده و ۴۶ بیت از او را هم انتخاب نموده و راوی ۲۵ بیت و هدایت در مجمع الفصحا ۱۸ بیت از منتخب آذرا در تذکره خویش (آتشکده) نقل نموده اند.

راوی و هدایت در دو کتاب خود نگاشته اند که اسحق بیک اشعار آتشکده را بترتیب قافیه آنها فقط با ذکر نام شاعر بدون شرح حال آنها مرتب نموده (مراد همین تذکره است) و تذکره ای ساخته است.

اسحق بیک این تذکره را چهار بخش نموده: ۱ - قصائد . ۲ - مقطعات . ۳ - غزلیات . ۴ - رباعیات . و در هر یک از بخشها ایسات شعرای نام برده در آتشکده را با مراعات حروف اواخر آنها بترتیب حروف تهجی (از الف تا یاء) مرتب نموده و تقریباً در این تذکره (۷۲۰۰) بیت شعر وجود دارد و بادقتیکه نگارنده نمود بسیار کم اتفاق افتاده که شعری از آتشکده در این تذکره نباشد و برای اعتماد باینکه این تذکره مرتب شده از اشعار آتشکده میباشد اشعار منتخبه از حافظ شیرازی را از آن تذکره در این تذکره اسحق جستجو کرده بدون نقص یافتیم.

آغاز: بسمله عاشق اصفهانی:

تاجر عشقم بکف مایه سودم وفا تا که شود مشتری تاچه دهد در بها

انجام: مهستی گنجۀ:

آنی که بهیچ کس تو چیزی ندهی صد چوب مغول خوری مویزی ندهی
سنگی که از آن روغن کنجد گیرند گر بر شکمت نهند تیزی ندهی.

(۱۱۱۲)

تذکره اسحق این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، سال ۱۲۷۴ وارد کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده، از طرز خط و تذهیب دوسر لوح زیبایی که در ابتداء تذکره و آغاز بخش غزلیات میباشد، احتمال قوی میدهم که در اوائل نیمه دوم قرن سیزدهم هجری برای کتابخانه همین شاهزاده نگاشته شده و اطراف دو صفحه

اول نسخه و اول بخش غزلیات تذهیب برگ موی گردیده و تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد است.

جلد تیماجی مذهب . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۳۲) .
صفحه‌ای (۱۷) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۱۶) .
(۱۱۱۳)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، پیش از شروع بنگارش تذکره ساقی نامه (مثنوی) انشائی فتحعلیشاه را (۹۶ بیت) که آغاز آن :

چمن تازه شد باز چون روی یار بده ساقی آن باده خوش گوار
و آخر آن این بیت میباشد :

(زجان و دلت هست خاقان غلام سخن ختم کردم بدین و السلام)
نویسنده تذکره نوشته و پس از این دیگری چهار بیت از منوچهری نگاشته ، پشت صفحه نخستین تذکره دخول این نسخه به کتابخانه یکی از شاهزادگان (نام او را نبرده است) بسال ۱۲۲۷ یادداشت گردیده ، و در حاشیه بسیاری از صفحات اشعاری از آزاد کشمیری و میرزا اسمعیل خان متخلص به خرسند شیرازی و ولی محمد برزا متخلص به خسته و محمدعلی خان متخلص به مهر که ظاهراً بخط خود آنهاست نوشته شده و گوشه اوراق نسخه سوخته و وصال گردیده و پشت صفحه نخستین نسخه نیز بسال ۱۲۵۷ که تاریخ ورود آن به کتابخانه یکی دیگر از شاهزادگان (نام وی و مهر او را نگو کرده اند) را می‌رساند ، نگاشته شده و از بخش رباعیات قسمتی از ردیف الف و قسمتی از ردیف حرف یاء و تمام قسمتهای حرف باء تا حرف هاء افتاده است .

جلد تیماج . کاغذ آبی رنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۵۲) .
صفحه‌ای (۱۳) سطر . طول ($۲۱\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۲۳) .

(۱۱۱۴)

این نسخه بسال ۱۲۲۷ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، بر ورقیکه پس از آخرین صفحه تذکره میباشد نویسنده خود را تذکره اسحق

عبدالمحمد همدانی معرفی کرده و گوید که این تذکره را بخواست شاهزاده شیخعلی میرزا در هنگام حکومت ملایر ایشان در سال نامبرده بالا نوشته و قسمتی از برگ نخستین پاره شده و برگ دوم و صالی گردیده است .
جلد تیماجی . کاغذ فرنگی آبی رنگ . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۸۹) .
صفحه ای (۱۹) سطر . طول ($33\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۳۲) .

[۴۸۹] تذکره حسن چلبی = تذکره قتالی زاده (ترکی)

مؤلف این تذکره حسن چلبی مشهور به قتالی زاده است (حسن بن علی بن امرالله متوفی بسال ۱۰۱۲) (۱) که از ادبا و شعرای قرن دهم هجری بوده و این مؤلفه بهترین گواه بر علو مقام ادبی اوست ، حاجی خلیفه گوید : در این تذکره آنچه دیگران در تذکره های خویش نوشته اند با انداختن زوائد آنها و اضافه لطائف و فوائدی ، با انشائی لطیف تألیف گردیده و بهتر از همه شده . مؤلف فهرست کتابخانه خدیویه عین عبارت کشف الظنون را در معرفی این تذکره نقل نموده و آغاز آنرا که در کشف الظنون نیست ذکر کرده است .

در آخر مقدمه این تذکره (برگ ۲۵ نسخه زیرین) مؤلف گوید این تذکره را بدین ترتیب مرتب کرده ام : **فصل اول** در بیان حالات پادشاهان گذشته (از سلطان مراد بن سلطان محمد ۸۲۵ - ۸۵۵ شروع نمود) . **فصل دوم** در اوصاف شاهزادگان . **فصل سوم** در شرح حال علما و شعرا بترتیب حروف تهجی .

و مقدمه ای در معرفی از خود و این کتاب و پادشاه عصر (سلطان مراد ثالث) با کمال قدرت ادبی (بشهادت دانشمندان ترک نژاد) در ۲۰۰۰ بیت پیش از شروع به فصل نخستین ، حاوی ابیاتی بحر بی و ترکی از خود و دیگران انشاء نموده و تمام این تذکره در

(۱) مؤلف فهرست کتب ترکی کتابخانه خدیویه (ص ۱۸۱) نام ابن مؤلف و پدر و جد او را بدینگونه که نقل نمودیم با تصریح شهرت وی به قتالی زاده و سال وفات وی ضبط نموده و چهار نسخه که بسال ۱۰۱۰ و ۱۰۱۲ و ۱۰۱۳ و ۱۰۸۷ نوشته شده اند در آن کتابخانه نشان داده شده ولی چنانکه می بینید نسخه این کتابخانه کهنه تر از آنهاست و در قاموس الاعلام ترکی (ج ۳ ص ۱۹۵۰) مؤلف را فقط بنام حسن چلبی معرفی و سال وفات وی را ۱۰۱۳ نوشته و در کشف الظنون (ج ۱ ص ۲۷۵) نام و شهرت وی نوشته شده و سال وفات او را نیز ۱۰۱۲ معین کرده است .

حدود (۲۸۵۰۰) بیت کتابت دارد و چنانکه در آخر آن تصریح شده بسال ۹۹۴ تألیف این تذکره خاتمه یافته است.

آغاز: سرنامہ صحائف انّ هذه تذکرة که مفتاح خزائن تبصره در الخ.

(۱۱۱۵)

تذکره

این نسخه را بخط نستعلیق، اولان رمضان نام بسال ۱۰۰۲

نوشته، دارای یک سرلوح ظریفی است که در میان ترنج آن

حسن چلبی

تذکرة الشعر الحسن چاپی قتالی زاده نگارش یافته، برگ

نخستین و چندین برگ از اواخر و صالی شده، کنار بسیاری از اوراق آبدیده و مجدول

بطلاست، عناوین و اسامی اشخاص با طلا نگاشته شده، پشت نخستین برگ

یادداشت‌هایی است و بخشی از یکی از آنها را محو کرده‌اند.

جلد تیماجی. کاغذ دولت آبادی. واقف سیهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۳۴۴).

صفحه‌ای (۲۱) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۲ ۱/۲ سانتیمتر). شماره کتابخانه

(۲۷۲۰).

[۴۹۰] تذکرة خوشگو = سفینه خوشگو (فارسی)

این تذکره چنانکه جامع و مرتب کننده اخیر آن درّی شوشتری تصریح نموده و از

خود آن نیز برمی آید سفینه نام داشته و قسمت دوم از چهار قسم تذکره‌ای بوده که مؤلف

آن شاعری خوشگو تخلص، شاگرد میرزا محمد افضل متخلص به سرخوش (متولد

بسال ۱۰۵۰ و متوفی بسال ۱۱۲۶) بوده و ابن تخلص را ایشان بوی داده و آنرا

در عصر محمدشاه هندی (مغلوب نادرشاه) در هندوستان تألیف نموده و در همان هنگام

بدست قشون نادرشاه افشار افتاده و نصیب یکی از بختیارها گردیده و بسال ۱۲۲۸

که در اثر باران سیلی بزرگ در کوه‌های بختیاری جاری و بسیاری از خاندانها را

بی‌خانمان کرده، در شوشتر این کتاب روی اسبابهائی که سیل با خود می‌آورده جای

گرفته و بدست یکی از اهالی آنجا رسیده، بالاخره بدست درّی رسید و بر حسب

خواست مرحوم سید محمد بن سید عبدالکریم موسوی که از تعبیرهای درّی معلوم

میشود از علمای بزرگ آن شهر بوده و در هنگام ترتیب و تنظیم این نسخه (سال ۱۲۴۰)

زندگانی را بدرود کرده بود، نخستین بار بجمع و ترتیب آن پرداخته و بار دوم بفرمان علیقلی خان گروسی که حاکم خوزستان گردیده مشغول تهیه فهرست و مقدمه‌ای بر آن شده ولی بواسطه فوت شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه (۱۲۳۷) این کار بانجام نرسید، بسال ۱۲۴۰ حکومت خوزستان بشاهزاده محمد حسین میرزا (حشمةالدوله) پسر دولت‌شاه بر گزار و شوشتر را محل اقامت خویش قرار داد و در آنجا بجمع آوری اشعار و بحث در آنها مشغول گردید، میرزا اسمعیل خان و میرزا احمد خان که از سادات بزرگوار و در خدمت شاهزاده خدمت گذار بودند، نسخه اصل آب آورد این تذکره را خدمت شاهزاده برده و داستان آنرا معروض داشتند، پسند خاطر گشت و گفت: دور از مرو تست که چنین کتابی را بچنین وضع گذاریم الخ. آن دو عالیجناب درّی را معرفی کامل کردند بحدّی که فرمودند گذشته از وضع فهرست و ترتیب و تنظیم آن بایستی تصرفهائیکه لازم بدانند نیز در آن بنمایند و آنرا بنام ما مطرز و موشح گردانند.

تصرفهائیکه درّی در تذکره نموده چنانست که بخوبی در همه جا از اصل ممتاز است و در این مجلد از تذکره نام (۷۷۰) شاعر مرتب بحروف تهجی از الف تا یا ثبت گردیده و فهرست هر يك نوع از حروف پیش از آن گذارده شده و این تذکره شامل شرح حال و آثار شعرای گذشته و معاصر میباشد و در حدود (۱۳۵۰۰) بیت کتابت آنست.

آغاز: بسمله - در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است - صراحی می نابد و سفینه غزل است، کشتی حیات را ناخدا حمد خدائست که بنی نوع انسان را الخ.

(۱۱۱۶)

تذکره خوشگو این نسخه بخط نسخ نوشته شده، از شرحیکه یوسف نام منظر تخلص در حاشیه آخرین صفحه نسخه بسال ۱۲۴۴ نوشته بدست می آید که درّی تا آن زمان زندگانی مینموده و این نسخه متعلق بخود وی بوده، در حاشیه بعضی صفحات مطالبی بخط درّی جامع و مرتب کننده تذکره است و در صفحه ای که شامل شرح حال نویدی شیرازی است تصریح باسم خود کرده و مطالب

هم گواه است، در صفحه ای که شرح حال امیر ابو تراب رازی میباشد میرزا محمد حسن بروجردی شرحی بخط خویش در بیان احوال میرزا اشراق، اشراق تخلص و نیز در حاشیه صفحه ای که حرف بیبا با آخر رسیده و شرح حال میرزا تنها در آن شروع شده همو شرحی راجع به احوال بیدل (میرزا حسن بروجردی) بر حسب خواهش درّی در شوال سال ۱۲۴۳ در شوشتر نوشته و پاره ای از برگهای نسخه حواشی آنها و صالی گردیده است.

مخطوط تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۳۲۳). صفحه ای (۲۰) سطر. طول (۲۹ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۷۲۴).

[۴۹۱] تذکره دولتشاه سمرقندی (فارسی)

دولتشاه بن علاء الدین بختشاه سمرقندی که از ادباء قرن نهم هجری بوده (۸۴۲-۹۰۰) (۱) بسال ۸۹۲ تذکره ای مشتمل بر شرح حال جمعی از دانشمندان عرب و عجم گذشته و معاصر، با انتخابی از اشعار آنها و بسیاری از وقایع تاریخی زمان هریک، پرداخته و چنانکه در دیباچه کتاب نگاشته تصور نموده که پیش از وی کس بدین کار مبادرت ننموده و او مبدع چنین تألیفی بوده، در صورتیکه لباب الالباب عوفی تقریباً سیصد سال پیش از وی در این فن تألیف شده است و نیز در دیباچه چندین بار تصریح نموده که در هنگام این تألیف پنجاه سال داشته (۲) و از آثار نظمی خویش بمناسبت ابیاتی آورده و پدران خود را هم به مقام ادب ستوده و این تألیف را بنام امیر کبیر امیرعلیشیرنوائی همان وزیر دانشمند دانش پژوه

- (۱) در تحفه سامی و هفت اقلیم که نزدیک ترین تذکره بزمان دولتشاه میباشد و آتشکده آذر و مجمع الفصحا شرح حالی از دولتشاه نیست، فقط در مجلس النفاث امیرعلیشیرمختصری مذکور و از آنجا بدست می آید که پیش از وفات امیرسند کور (بسال ۹۰۶ مرده) جهان را بدرد گفته و ربو درص ۳۶۴ ج ۲ فهرست موزه بریتانیا است بنقل از «مرآت الصفاء» وفات دولتشاه را بسال (۹۰۰) ضبط کرده و درص ۲۱۸۲ ج ۳ قاموس الاعلام ترکی از دولتشاه معرفی شده ولی تاریخ تألیف تذکره را بسال ۹۹۵ معین نموده و مسلماً غلط است و در شماره شعرای آن هم اشتباهی است.
- (۲) بنا بر این و تصریح در آخر تذکره که بسال ۸۹۲ تألیف آن خاتمه یافته و شهادت مندرجات مقدمه که پس از اتمام نگارش یافته، مؤلف بسال ۸۴۲ متولد شده است.

موشح نموده و امیر مذکور در مجالس النفائس خویش دولت‌شاه را نام برده و اورا ستوده و از مندرجات تذکره دولت‌شاه معلوم میشود که مؤلف بعرفان و عرفا علاقه داشته است. این تذکره به يك مقدمه و هفت طبقه و خاتمه ای تقسیم گردیده و شامل شرح حال ۱۵۰ نفر میباشد، در مقدمه چند نفر از معارف شعرای عرب را معرفی و در طبقات هفتگانه، از شعرای گذشته و در خاتمه چند تن از شعرای معاصر خود را نام برده و تذکره را بمختصری از تاریخ سلطان حسین میرزا بایقرا ختم نموده و این تذکره نخستین بار بسال ۱۳۰۵ در هندوستان و بسال ۱۳۱۸ با تصحیح و مقدمه فارسی و انگلیسی مستشرق شهیر آدوارد برون انگلیسی در اروپا چاپ شده و چنانکه در قاموس الاعلام ترکی و مقدمه برون نوشته شده در سفینه الشعراء ترکی که بسال ۱۲۹۵ در اسلامبول چاپ شده بسیاری از مطالب این کتاب بترکی نقل گردیده است.

آغاز: بسمله تحمیدیکه شاهباز بلند پرواز اندیشه بساحت و فضای آن نتواند رسید الخ.

(۱۱۱۷)

تذکره دولت‌شاه این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۱۰۴۲ دوست علی بن قنبر نوشته، در حدود ۲۵ بیت از ابتداء آن افتاده و نخستین سطر آن اینست: و غفران از دل و جان روشن راویان ایمان

سمرقندی نثار روضه منور الخ. عناوین کتاب با شنجرف نوشته شده، چند برگ از اوّل و برگ آخر و صالی گردیده و برگ آخر یادداشت‌هایی مورخ بسالهای اخیر قرن یازدهم و بدون تاریخ میباشد.

جلد تیماجی. کاغذ چهار بغل اصفهانی. واقف سپهسالار. قطع خشتی بزرگ. شماره اوراق (۱۳۹). صفحه‌ای (۱۶) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۷۲۷).

(۱۱۱۸)

تذکره دولت‌شاه این نسخه کامل ولی دوسه از آخر سطر آن نگارش نیافته، بخط نستعلیق نوشته شده، ظاهر از خطوط واسطه قرن سیزدهم هجری

سمرقندی میباشد، سال ۱۲۸۳ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده

و عناوین را با جوهر قرمز نگاشته اند .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار ، قطع وزیری . شماره اوراق (۱۹۱) . صفحه ای (۱۸) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض ($۱۷ \frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۲۵) .

(۱۱۱۹)

تذکره دولتشاه این نسخه از اول و آخر افتاده دارد ، ظاهراً از خطوط قرن

دهم هجری و نو بسنده آن هندی است ، آغاز نسخه بخشی از

سمرقندی

شرح حال خاقانی شروانی و انجام آن پاره ای از حالات سید

ذوالفقار میباشد ، بسیاری از برگهای آن نیازمند وصالی و برخی در حواشی آن

اشعار و مطالبی بدون تاریخ نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ آبی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۲۴) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۱۷) .

(۱۱۲۰)

تذکره دولتشاه نسخه ای از این تذکره ضمیمه (جزء ۱۱) مجموعه شماره

(۲۹۱۴) این کتابخانه میباشد که بسال ۱۳۳۴ نوشته شده ،

سمرقندی

خصوصیات دیگر نسخه زیر معرفی آن مجموعه می آید .

[۴۹۲] تذکره السلاطین = بزم خاقان (فارسی)

جامع این تذکره چنانکه خود تصریح نموده سلطان محمد پسر فتحعلیشاه

قاجار میباشد که ملقب به سیف الدوله و متخلص به سلطان بوده و بسال ۱۲۲۸ (۱)

متولد شده و در سال ۱۲۴۰ بحکومت و فرمانفرمائی عراق منصوب و ده سال در

اصفهان اقامت گزیده و بادانشمندان شهر آنجا معاشرت نموده و از خرمن هریک

(۱) در ناسخ التواریخ (آخر جلد اول قاجاریه) زیر عنوان یسر سی و هشتم فتحعلیشاه گوید :

سلطان محمد ملقب به سیف الدوله در شب پنجشنبه بیست و ششم جمادی الاولی سال هزار و دو بیست

بیست و هشت تولد یافته و او را فرزند نباشد . و درص ۳۱ - ۳۴ ج ۱ مجمع الفصحا معرفی

نسبتاً کاملی از این شاهزاده شده و چنان بدست می آید که در هنگام نگارش این تذکره زنده بوده

و تولد او را بسال ۱۱۲۷ ضبط کرده و مطالب بالا از آنجا نقل شده و در این کتاب

(مجمع الفصحا) ۱۳۷ بیت از اشعار مختلفه شاهزاده ثبت گردیده است .

خوشه چینی نموده و پس از وفات فتحعلیشاه بطهران آمده و مقام میرپنجه ای یافته و بسال ۱۲۷۹ بسعادت تشریف به مکه معظمه و سیروسیاحت قسمتی از جهان نائل آمده و مسلماً یکی دو سال پس از این زندگانی مینموده و از بیانات صاحب مجمع الفصحا برمی آید که تاهنگام تألیف این تذکره بزرگ (بسال ۱۲۸۸ خاتمه یافته) در حیات بوده و هدایت مؤلف مذکور گوید از مؤلفات او **ملوک الکلام** شامل نظم و نثر عربی و فارسی در علوم مختلفه و **تحفة الحرمین** و **سیف الرسائل** از مثنویات اوست و نامی از این تذکره وی در آنجا نیست.

چنانکه در دیباچه این تذکره تصریح کرده نام آنرا «تذکره السلاطین» گذارده (۱) و بسال ۱۲۴۵ (۲) در اصفهان تألیف گردیده و بریک مقدمه و سه باب بدین تفصیل تقسیم شده است: مقدمه در وصف سرتاپای محبوب (این مقدمه **انیس العشاق** شرف رامی است و مؤلف ابداً اشاره ای باین کتاب و مؤلف آن ننموده است). باب اول در اسامی شاهان و شاهزادگان و اشعاری از ایشان. باب دوم در مختصری از شرح حالات فتحعلیشاه و اشعاری از او. باب سوم در شرح حال و اشعار مؤلف. نسخه زیرین باب سوم را ندارد و باقی آن در حدود (۱۶۰۰) بیت کتابت دارد. **آغاز:** بسمله: حمد و ثنای افزون از حد شکر و سپاس بیرون از عدد پادشاهیرا سزا است الخ.

(۱) نسخه دیگری که از این تذکره در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است در مقدمه بجای «تذکره السلاطین» که در این نسخه است «بزم خاقان» نوشته شده و عین این کتابست جز اینکه تقسیمات آن برخلاف آنچه در این نسخه تعیین شده، میباشد باین معنی که مقدمه را (چنانکه **انیس العشاق** تقسیم شده) در بیست مجلس مرتب نموده و مطالب کتاب را در پنج انجمن بدین تفصیل: انجمن اول در بعضی از اشعار و حالات سلاطین و پادشاه زادگان پیشین دوم: در مناقب پادشاه عصر (فتحعلیشاه) و اشعاری از او. سوم: در اشعار و حالات شاهزادگان. چهارم: در اشعار و احوال میرزادگان. انجمن پنجم: در ذکر اشعار و حالات مؤلف و این نسخه فقط شرح حال مؤلف را بدون اشعار او داراست.

(۲) در نسخه مجلس سال تألیف چفین ثبت گردیده ولی نسخه این کتابخانه ۱۲۵۰ و چهل و پنج هر دو قسم نوشته شده است.

(۱۱۲۱)

تذکره السلاطین این نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب نوشته شده ، دارای

یک سر لوح خیلی زیبا میباشد ، میان سطر های دو صفحه

نخستین طلا اندازی شده و حواشی این دو نقاشی و تذهیب

گردیده ، عناوین دیباچه و مقدمه و باب اول باطلا نگارش

یافته ، تمام صفحات آنقسمت نیز مجدول بطلاست ، باب دوم ناتمام مانده ولی

نویسنده ای ، دزد ، یک بیت بعنوان اینکه تتمه اشعار پیش است در آخر نوشته و پس

از آن تمام شدن تذکره را بسال ۱۲۲۲ ، بنحویکه تصور شود نویسنده اصل نسخه

نوشته ، نگاشته ولی گذشته از اینکه مسلماً این خط ، از غیر از نویسنده نسخه است

تاریخ تألیف کتاب چنانکه در دیباچه تصریح شده بسال ۱۲۵۰ یا ۱۲۴۵ میباشد و چنانکه

گذشت تولد مؤلف بسال ۱۲۲۸ بوده ، این دزد را ثابت میکند و از اینکه از اول

باب دوم صفحات جدول کشی نشده و عنوان باب و اسم پادشاه و تخلص ویرا که در

اوائل کتاب باطلا می نوشت ، دیگر ننوشته ، معلوم میشود که در همان سال ۱۲۵۰

که فتحعلیشاه زندگانی را بدرود گفته این نسخه را می نوشته اند و چون مؤلف

در همان وقت بطهران آمده نسخه این تذکره ناتمام را همراه آورده و دیگر موفق

باتمام آن نگردیده ، پشت نسخه بنام انیس العشاق و تذکره السلاطین از رشید

وطواط بسال ۱۲۸۵ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و بهمین نام بر این

کتابخانه وقف گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ ترمه . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۹) . صفحه ای

(۱۵) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۳۱) .

[۴۹۳] تذکره نصرت = خلاصه لطائف الخیال (فارسی)

امیر محمد صالح نواب رضوی پسر میرزا محسن نواب میباشد که بنابر تحقیق مرحوم

آقا محمد باقر مدرس رضوی در کتاب « شجره طیبه » (۱) ، بانی مدرسه صالحیه (بسال

(۱) این کتاب در معرفی افرادی از سادات رضوی خصوصاً آنهاییکه در شهر مشهد مقدس بوده اند ،

میباشند و نسخه منحصراً بر دآن نزد سر دانشمند مؤلف آقای محمد تقی (مدرس رضوی) میباشد و ماخذ

نگارش این شرح بوده است .

(۱۰۸۶) است که اینک مشهور به مدرسه نواب و درب آن مقابل ضریح مبارک حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه و علی آبائه و ابناءه الکرام آلاف التحیه و الثناء در صحن قدیم باز میشود و نیز بانی مصلاهی ارض اقدس رضوی (بسال ۱۰۷۸) است که بیرون دروازه پائین خیابان واقع گردیده و بر کتیبه آن مدرسه، بانی را بشر، میرزا صالح و بنظم میرزا ابو صالح معرفی نموده و در کتاب نام برده است که به لقب صدر الممالک مشتهر و مصدر خیرات و مبرات بود و گذشته از املاک بسیار برای مصارف آن مدرسه، کتابهای زیادی بر طلاب آن وقف نمود و رساله‌ای شامل رباعیاتی از شعرای متقدمین و متأخرین بترتیب قوافی موافق ترتیب حروف تهجی مرتب و هر رباعی را بنام گوینده آن ثبت نموده و آنرا «دقائق الخیال» نامیده و گذشته از آثار گذشته اییاتی لطیف از این سید جلیل بیادگار مانده است.

در مقدمه کتابی که **لطائف الخیال** نامیده شده و شامل انتخابی از اشعار متقدمین و متأخرین نیز بترتیب قوافی بر ترتیب حروف تهجی میباشد، منشی آن محمد نصیر متخلص بنصرت نوشته که این انتخاب از امیر محمد صالح رضوی است. و چون این مقدمه دارای صنعتی ظریف میباشد، بخشی از آنرا در اینجا می آوریم:

اعنی جناب مقدس القاب خلف الصدق دودمان مصطفوی و سلاله امجاد خاندان مرتضوی امیر محمد صالح الرضوی ادام الله تعالی ظلال اقباله الی یوم الدین با وجود کثرت مشاغل دنیوی و صرف همت عالی نهمت بکسب معارف حقه اخروی در فواصل اوقات بقدر انتهاز فرصت از هر گلشنی کلی شکفته و از هر مرغزاری سنبلی تازه رسته و از هر نهالی ثمر نارس حالی فراهم آورده کلدسته بسته بودند بخاطر دقائق ذخائر خدام و الامقام معزی الیه رسید که آن کلدسته های رنگین را که هر برک گلش آئینه بدن نمای صورت احوال انیسی و هر شاخ سنبلیش نمودار رشته مواصلت صحبت جلیسی است یکجا جمع و ترتیبی خاص که هر آینه باعث تسهیل شناختن مقام هر یک از آنها تواند بود مرتب و **بـلطائف الخیال** ملقب سازند لهذا جهت تبیین این مرام حسب الاشارة خدام و الامقام معزی الیه این فقیر حقیر بی بضاعت ابن محمد جعفر البصری محمد نصیر متخلص بنصرت این شکسته بسته را که بطریق براعت استهلال محتوی است براسامی و تخلصات شعرائی که در این مجموعه انراج یافته مقدمه بیان ترتیب آن نموده بمضمون الاطاعة فوق الادب بقدیم جرات و جسارت بساط بیمای ابن گلشن نشاط و سرور رشد امید از لطایف ارباب استعداد آنکه باستین کزک اصلاح غبار ذلت و فساد از چهره مقاصد آن پاک و منظور نظر عنایت اثر میساخته باشند والله الموفق للصواب.

نصرت که خود از شعرای معاصر مؤلف بوده و ابیات زیادی از وی در لطائف‌الخیال مندرج است پس از مقدمه دو فهرست برای بدست دادن شعرائیکه در این کتاب از آنها شعر نقل گردیده ترتیب داده یکی مبنی بر نام آنها بترتیب حروف تهجی و در ذیل نام هریک تخلص او را نیز ثبت نموده و دیگری مبنی بر تخلص آنها باز کر نام آنها بطرز فهرست اول.

تا کنون بر نسخه کامل لطائف‌الخیال دست نیافته ام، از آثاریکه بر نسخه ناقص کتابخانه مجلس شورای ملی میباشد، بدست می آید که این کتاب در حدود (۲۶۰۰۰) بیت بوده است و از مقدمه نسخه ایکه در کتابخانه ملی ملک (در طهران است) موجود است معلوم میشود که همان نصرت نام برده باختصار لطائف‌الخیال پرداخته و آنرا «خلاصه لطائف‌الخیال» نامیده است و گذشته از این دور ساله دیگر نیز موافق قوافی حروف تهجی از لطائف‌الخیال انتخاب نموده و دیباچه کوچکی بر آن نگاشته:

۱ - در اشعاریکه دارای مصرعهای نفیس میباشد و گفتن مانند آنها مشکل و دارای معانی بلند است. ۲ - ابیاتی که دارای معانی لطیف و مشکل میباشد.

نسخه کتابخانه ملی ملک گذشته از مقدمه نثری نصرت و دو فهرست نام برده دارای مقدمه ای منظوم از شاعر **خالص** تخلص میباشد که در آن تعریف و تمجید زیاد از این انتخاب شده و تاریخ انتخاب را هم که بسال ۱۱۰۴ بوده و میرساند که امیر محمد صالح تا آن هنگام زنده بوده دارد و در آخر آنست:

نسخه با کمال رنگینی	تحفه ابن چنین که می بینی
سعی بنمود میرزا صالح	جمع فرمود میرزا صالح
آنکه او را بوصف حاجت نیست	هیچ وصفی به از سیادت نیست
خالص ابن تحفه تمام عیار	هست مجموعه بهشت و بهار
خواهی از زین کتاب تاریخش	شد گل انتخاب تاریخش

این انتخاب یا خلاصه لطائف‌الخیال بر حسب شماره ایکه نگارنده نموده در حدود (۱۰۰۰۰) بیت میباشد و مانند لطائف‌الخیال گوینده هریک از ابیات در مقابل آنها معین گردیده است.

نسخه این کتابخانه که زیر این سطرها خصوصیات آنرا خواهیم نگاشت قسمتی

از همین خلاصه میباشد جز اینکه مقدمه مختصر نثری و دیباچه منظوم نام برده بالا را ندارد و اوائل آنها با اوائل نسخه کتابخانه ملک اختلاف دارد ولی مسلماً همین خلاصه است و چنانکه از آثار نسخه کتابخانه ملک بدست می آید نسخه اصل خلاصه میباشد و جامع خود در آن تجدید نظر کرده است.

آغاز: این نسخه پس از مقدمه مفصل و دو فهرست نام برده اینست: **خالصا (۱)**
ای شده نام تو زیب هر کتاب گویم از حسن تو دارد هر که تاب

(۱۱۲۲)

تذکره نصرت این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، مسلماً در اوائل قرن دوازدهم هجری نگاشته شده، نام شعرا با لا جورد و شنجرف نوشته شده و صفحات مجدول بطلا و لا جورد و شنجرف و زنگار است، اوراق فهرست پیش و پس گذارده شده و اوراق نسخه متن و حاشیه میباشد، دوسر لوح یکی در ابتداء مقدمه و دیگری در آغاز کتاب میباشد و حاشیه دو صفحه اول کتاب تذهیب و نقاشی شده، دارای مقدمه و دیباچه مفصل نصرت و دو فهرست نام برده است، پشت ورق نخستین نسخه یادداشتی بتاریخ ۱۱۲۸ موجود و بنام «تذکره نصرت» بر این کتابخانه وقف گردیده و در اینجا یادداشت دیگری بوده آنرا محو کرده اند.

جلد تیماجی نیم ضربی. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۳۴۷). صفحه ای (۱۱۰ و ۱۱۱) سطر. طول (۳۱ سانتیمتر). عرض (۱۹ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۷۳۰).

[۴۹۴] **تذکره هفت اقلیم = هفت اقلیم (فارسی)**

این کتاب یکی از تذکره های بزرگ و کتابهای نفیس فارسی است که گذشته از شرح حال و آثار شعری ۱۴۵۰ نفر از دانشمندان جهان شامل اطلاعات سودمند

(۱) الف در خالصا چون الف در شفیعاً و صائباً و رفیعاً برای تعظیم و تکریم میباشد و در فهرست لطائف الخیال دو نفر بتخلص خالص نام برده شده: ۱- خالص استرآبادی که نام وی نجیبا بوده و ۲- خالص مشهدی که نام وی محمد رضا و او را ناظر و ذورات معرفی کرده و ظاهر آنرا اینجا دومی مراد است.

تاریخی و جغرافیائی موافق تقسیمات جغرافی نویس های پیشین (مراد تقسیم بندی شهرها به اقلیم های هفتگانه است) میباشد.

مؤلف آن امین احمد رازی در مقدمه گویند که بر حسب میل خویشتن و اظهار دوستان بنقل آثار نظم و نثر دانشمندان مبادرت نموده، در مدت شش سال از خرمن هر کس دانه ای چیده و آنها را در یکجا گرد کرده و این بیت را در وصف آن در دیباچه مندرج ساخته: بدانی چو نیکو دراو بنگری * که جان کنده ام تا توجان پروری. و پس از این گویند:

«اگر چه نظار گیان از گل زمین آن بوستان دماغ جان را معطر و منور میگردانند اما از لذات ثقل آن ثمرات بنا بر افزونی عبارات و زیادتى کتابت بی منفعت و محروم می مانند لاجرم بخاطر رسید که از هر خرمن آن دانه و از هر کیلش پیمانه جمع سازد، کتابی علیحده تصنیف نماید تا هر کس را از نقل و مطالعه آن حظی وافر و نفعی متکثر باشد.....»

و چون ما حاصل این تذکره ذکر هفت اقلیم است هر آینه این نسخه را موسوم به هفت اقلیم گردانید تا اسمی بامسمی باشد و تاریخش از این رباعی که بکفر کراست معلوم میشود رباعی:

این نسخه که هست همچو فردوس نکو تا مو نشوی در او نه بشکافی مو

گر از تو کسی سؤال تاریخ کند تصنیف امین احمد رازی گو

بنابر این اتمام این تذکره بسال ۱۰۰۲ بوده و کلمه گو را نبایستی در حساب

آورد، چرا که گذشته از حکم ذوق سلیم وجود نسخه زیرین که بسال ۱۰۲۵

نگاشته خود بهترین مؤید است و دانشمند فرزانه شادروان ادوارد برون (حاشیه

ص ۲۹۷ ترجمه تاریخ ادبیات چاپ تهران دیده شود) و مؤلف فهرست آصفیه کلمه

گورا را در حساب آورده و بدین سبب تاریخ تالیف را بسال ۱۰۲۸ گفته اند.

بدبختانه تا کنون از وجود نسخه اولی این تذکره و شرح حال و آثار دیگر

مؤلف این کتاب (امین احمد) اطلاعی بدست نیاورده ام و نمیدانم تا چه سالی زنده

بوده و از دانستن تاریخ این تألیف معلوم شد که در اوائل قرن یازدهم هجری

زندگانی مینموده.

خوشبختانه خود مؤلف در این مؤلفه (از ص ۹۰۰ تا ۹۱۰ نسخه کامل این

کتابخانه) در میان دانشمندان شهر ری گروهی از خویشان خویش را نام برده و

از آثار شعری آنها هم اندکی آورده است، پدر خود را خواجه میرزا احمد معرفی

نموده (بنابراین نام خود مؤلف **امین** بوده و چنانکه در زبان فارسی معمول است کلمه ابن میان نام پدر و پسر نگاشته و تلفظ نمیشود و بجای آن حرف آخر نام پسر را با کسره میخوانند نه اینکه نام وی مرکب از امین و احمد باشد) و از عبارات وی استفاده میشود که در زمان سلطنت سلطان محمد پسر شاه طهماسب (از سال ۹۸۶ تا ۹۹۶ سلطنت داشته) جهان را بدرود گفته و در زمان شاه طهماسب (۹۳۰ - ۹۸۵) مورد مرحمت وی بوده و در زمان هردو پادشاه کلانتری (حکومت) شهر ری و تصدی املاک خالصه را داشته و مردی کریم و خیرخواه و مهمان نواز بوده و در ایجاد کاریزها و باغها دارای میلی زیاد و گذشته از مقام رسمی، بازرگانی باجرأت و حوصله بوده است و عموی وی خواجه محمد شریف است که بسال ۹۸۴ وفات یافته و **هجری** تخلص داشته و در خراسان چند سال بوزارت **تاتارسلطان** و اعقاب او اشتغال داشته و پس از آنها مورد نظر شاه طهماسب قرار گرفته و هفت سال وزارت یزد و ابرقو و بیابانک را دارا و چون در انجام این خدمت امتحان خوبی داده مورد عنایت پادشاه شده و دارای وزارت اصفهان شد و در همین مقام بمقام ابدی شتافت (ص ۹۰۰ - ۹۰۲ نسخه کامل همین کتاب از نسخ این کتابخانه دیده شود).

جای بسی تأسف است که تاکنون این تذکره که شامل مطالب خوب و اشعار دلکش (در ۳۰۰۰ بیت) میباشد چاپ نشده ولی از آغاز این کتاب تا شرح حال شیخ امین الدین که از علماء کازرون و جزء اقلیم سوم میباشد (در ۲۰۸ ص در دو مجلد) در هندوستان بسال ۱۹۱۸ م چاپ شده و نسخه چاپی آن در کتابخانه مجلس موجود است و امید است که در این عصر درخشان که نهضت معارفی ایران شروع شده این گنجینه گرانبها چاپ و منتشر گردد .

آغاز: بسمله خرد هر کجا گنجی آرد پدید بنام خدا سازد آنرا کلید
حمد مر خدای را جل جلاله که عندلیب زبان در قفس دهان بذکر او رطب اللسان است الخ .

(۱۱۲۳)

تذکره

هفت اقلیم

این نسخه را بسال ۱۰۲۵ سیر کمال نهرندی در هندوستان نوشته ، بر گهائی از نسخه افتاده و (ظاهراً) در اواسط قرن دوازدهم هجری نگاشته شده ، در صحافی اخیر که در تحت نظر نگارنده انجام یافت بر گهای جدول داری برای نوشتن فهرست دانشمندان نام برده در این کتاب تهیه شده امید است که توفیق بر اتمام نگارش آن را دریابم ، در حاشیه و بر کنار صفحه نخستین نسخه دو یادداشت است یکی بتاریخ ۱۲۵۴ و دیگری بسال ۱۲۸۶ و در ذیل دو می مهر مجدالدوله زده شده و در این یادداشت نویسنده یادداشت اول ، مرحوم رکن الدوله معرفی گردیده است و بر کنار برگ دوم یادداشت اعتضاد السلطنه بسال ۱۲۹۲ و صورت وقف آن از طرف مرحوم سپهسالار بسال ۱۲۹۷ نگارش یافته ، پشت برگ نخستین و بر برگیکه پیش از آنست نیز یادداشتهائی است ، اوراق مجدول به لاجورد و شنجرف و زنگار ، عناوین نیز باشنجرف میباشد و بسیاری از آنها وصالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق با فهرست (۶۶۹) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول ($۲۸\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۳۳) .

(۱۱۲۴)

تذکره

هفت اقلیم

این نسخه که شامل سه اقلیم از هفت اقلیم میباشد بسال ۱۰۷۱ در شهر کشمیر بخط نستعلیق نوشته شده ، در حاشیه آخرین صفحه بسال ۱۲۰۳ مقابله آن یادداشت شده ، پیش از شروع بکتاب فهرست رجال و شهرهای سه اقلیم را بخط شکسته نستعلیق نظام الدین محمد نام نوشته ، سرلوحی ظریف داشته ولی اندکی محو شده ، مجدول بطلا و لاجورد و زنگار ، اوراق متن و حاشیه میباشد ، عناوین باشنجرف و دو برگ از اول و یک برگ آخر وصالی شده است .

جلد ساغری ضربی دورو . کاغذ کشمیری . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۲۰) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۳ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۷۲۸) .

(۱۱۲۵)

تذکره

هفت اقلیم

این نسخه را اشخاص مختلف بخط نستعلیق نوشته اند ، تاریخ ندارد ، ظاهر اینستکه در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، اوراق آن پیش و پس گردیده ، و اوراقی از آن افتاده (شاید ده پانزده برگ) و برخی از آنها وصال شده و صفحه نخستین کنونی آن در معرفی از تفرش استکه از اقلیم چهارم میباشد و بدین سطر آغاز گردیده : از چشمه و کاریز است و همه وقت در آن ولایت ارزانی بود و از میوه و انگور و امرود و شفتالو خوب میشود الخ .

و برگ آخر نسخه در معرفی شهر دکن (از اقلیم دوم است) و پادشاهان آنجا میباشد و آخرین سطر آن اینست :

اهل حرمش بدست مردم دکن گرفتار گردید سوار کرده بمندو فرستاد و در سال هشتصد و سی و هشت مرضی بر ذات سلطان طاری گردید که بعزم درست و نیت صادق از جمیع .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۲۴) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۳۲ سانتیمتر) . عرض (۱۹ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۳۴) .

[۴۹۵] جام جم (فارسی)

این کتاب یکی از مثنویهای مشهور و ناظم آن اوحدی مراغی اصفهانی است [چنانکه بر لوح مزار وی ثبت گردیده پدر اوحدی حسین نام داشته و نام خود ایشان بدست نیامده (آقای تربیت اوحدی را بلقب رکن الدین معرفی کرده اند) و بمناسبت ارادت به اوحدالدین کرمانی (۱) که از مشایخ معروف طریقت و مؤلف

(۱) آقای تربیت دردانشمندان آذربایجان (ص ۵۵) و آقای اقبال آشتیانی در تاریخ مفصل ایران (تاریخ مغول) وفات ایشانرا بسال ۶۳۶ ضبط کرده اند و در مجمع الفصحا (ص ۹۴) بسال ۵۶۲ ثبت گردیده و در هفت اقلیم و کشف الظنون و نفحات الانس و تاریخ گزیده و آتشکده سال وفات اوحدالدین کرمانی معین نگریده است .

« مصباح الارواح » (۱) میباشد، او حدی تخلص میجسته و بهمین تخلص اشتهار یافته (آقای تربیت از صحف ابراهیم نقل کرده اند که پیش از اینکه او حدی تخلص گیرد « صافی » تخلص میگرفته است) . و چنانکه از این کتاب جام جم بدست میآید بسال ۶۷۲ یا ۶۷۳ (۲) متولد شده و بسال ۷۳۷ (۳) در مراغه که مولودی بوده وفات یافته است [(۴) او حدی از مشاهیر شعر او عرفا و کتاب جام جم وی بهترین معرف مقام و مرتبه اوست و از ابیات جام جم (۵) بر تشیع او میتوان گواه گرفت .

گذشته از جام جم او حدی را دیوانی که تقریباً شامل ۱۵۰۰۰ (۶) بیت قصیده و غزل میباشد ، بیادگار مانده و جامی درباره آن گوید : ویرا دیوان شعر است در غایت لطافت و عذوبت . و شهادت کسی چون جامی آشکار است که تا چه حد ارزش دارد .

و کتابی بنام « منطق العشاق » که نیز از آن « ده نامه » تعبیر میشود و آنرا بنام خواجه ضیاء الدین یوسف بن خواجه اصیل الدین بن خواجه نصیر الدین طوسی بسال ۷۰۶ (۷) پرداخته و موشح نموده تألیف و جامی گوید : صاحب ترجیعات مشتمل

(۱) در هفت اقلیم (ص ۲۲۰) و کشف الظنون (ج ۲ ص ۴۴۶) و نفحات الانس (ص ۶۹۳) و تذکره آشکده (ص ۱۲۳) این کتاب بدین نام نامیده شده و در کتاب اول و سوم و چهارم ابیاتی از آن نقل گردیده و آقای وحید دستگردی در مقدمه جام جم که بهمت ایشان چاپ گردیده نوشته اند نسخه آن در دست نیست .

(۲) در جام جم که بنا بر تصریح خود بسال ۷۳۲ (در بعضی از نسخه ها ۷۳۳) تألیف گردیده (چون ز تاریخ بر گرفتم فال هفتصد رفته بود و سی و دو سال) سه سال) گوید : (اوحدی شصت سال سختی دید تا شبی روی نیک بختی دید)

بنابر این ۶۰-۷۳۲ یا ۷۳۳=۶۷۲ یا ۶۷۳ .

(۳) این تاریخ را حاجی خلیفه درص ۳۵۷ ج ۱ و جامی در نفحات از نقش بر قبر وی در مراغه نقل نموده و آقای وحید نیز عین عبارات سنگ قبر را در مقدمه جام جم نقل کرده اند و در تذکره دولتشاه و صاحب هفت اقلیم ندانسته بتقلید وی و کشف الظنون درص ۴۹۶ و ۵۰۰ ج ۱ وفات اوحدی را بسال ۶۹۷ نوشته اند و مسلماً غلط است .

(۴) شرح حال اوحدی مراغی را در نفحات جامی (نسخه خطی مدرسه) و هفت اقلیم (ص ۷۲۳-۷۲۸) و تذکره دولتشاه (ص ۱۲۹-۱۳۲) و کشف الظنون در صفحات نام برده و مجمع الفصحا درج ۱ ص ۹۴ و آشکده ص ۵۶ و دانشمندان آذربایجان ص ۵۵-۵۶ نگاه کنید که مأخذ نگارش این شرح میباشد . (بقیه در صفحه ۴۸۸)

بر حقائق است و دولت‌شاه گفته: : ترجیع او در میان موحدان شهرتی عظیم دارد .
جام جم از مثنوی های مشهور و شامل بسیاری از مطالب اخلاقی و اجتماعی
 و عرفانی میباشد و در حدود (۴۵۰۰) بیت شعر است، در تذکره دولت‌شاه مسطور است
 که یکماه از نظم آن نگذشته که مستعدان چهارصد نسخه از روی آن برداشتند .
 آقای وحید دستگردی مدیر و نویسنده مجله ارمان بسال ۱۳۰۷ خورشیدی
 هجری در طهران این کتاب را بامقدمه مختصری چاپ کرده اند .
آغاز: بسمله قل هو الله لمرء قد قال من له الحمد دائماً متوال .

(۱۱۲۶)

جام جم این نسخه را بخط نستعلیق خوب محمود کاتب بسال ۱۰۱۳
 نوشته ، از یادداشتهائی که پشت نخستین برگ نسخه میباشد

(بقیه حاشیه صفحه قبل)

- (۵) در اوائل جام جم در بحث خطاب به پیغمبر صلی اله علیه وآله که آغاز آن اینست :
- | | |
|------------------------|------------------------------------|
| (ای بهر تو آسمان بلند | یاد من کن چو میدهم سو گند) گوید : |
| بحديث حيوۃ پیوندت | بجگر گوشگان دل بندت |
| شهیدان کر بلا ز فسوس | بستم کشتگان مشهد طوس |
| بچهل مرد و چار مردانه | بدو هم خابه و دو هم خانه |
- (۶) شماره ابیات دیوان اوحدی را هدایت در مجمع الفصحا گوید شش هفت هزار بیت از قصیده و غزل و قطعه و رباعیات دیده شده و حاجی خلیفه (ص ۵۰۵ ج ۱ ظنون) و آقای وحید دستگردی در مقدمه جام جم نه هزار و دولت‌شاه ده هزار بیت و آقای تربیت در دانشمندان آذربایجان پانزده هزار بیت ضبط کرده اند ، نگارنده دو نسخه از دیوان وی را در کتابخانه مجلس شورای ملی دیده ام که هریک دارای ۷۰۰۰ هفت هزار بیت بیشتر نیست .
- (۷) این بیت را از انجام منطق العشاق یا ده نامه آقای تربیت و آقای دستگردی نقل کرده اند :
- بسال ذال وواو از سال هجرت پایان بردم این در حال هجرت .
- و آقای تربیت آغاز این کتاب را این بیت نقل نموده اند :
- | | |
|--|----------------------------|
| بنام آنکه ما را نام بخشید | زبان را در فصاحت کام بخشید |
| و آقای وحید این چند بیت را از اول آن کتاب در مقدمه آورده اند : | |
| وجیه دولت و دین شاه یوسف | که دارد رتبت پنجاه یوسف |
| نصیرالدین طوسی را نبیره | که عقل از فطنت او گشت خیره |
| زمین را از شکوهش زیب و زین است | سرور خلق و سر الوالدین است |
- و انجام آنرا این بیت معین کرده اند :
- | | |
|--|--|
| چو دیدم در سخن خیر الکلامش | نهادم منطق العشاق نامش |
| و حاجی خلیفه فقط در حرف دال بنام ده نامه | این کتاب را نام برده و همه گفته اند که این |
- کتاب يك هزار بیت است .

بدست می آید که از کتب پادشاهان صفویه بوده، يك سر لوح ظریف در آغاز کتاب میباشد و میان سطرهای دو صفحه نخستین تذهیب گردیده و تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد است.

جلد ساغری ضربی طلا پوش و طرف داخل سوخته. کاغذ کشمیری. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۳۱). صفحه ای (۱۸) سطر. طول (۱۷ سانتیمتر). عرض (۸ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۳۹).

[۴۹۶] جنات الوصال (عربی)

این کتاب یکی از مشنوی های عرفانی و شامل مطالبی آسمانی است و ناظم آن نور علیشاه عارف مشهور است (محمد علی بن میرزا عبدالحسین بن محمد علی رقی طبسی متوفی بسال ۱۲۱۲) (۱) که شهرت بی نهایت دارد و از بزرگان سلسله صوفیه نعمت اللهی است و طبع و قادی در انشاء نظم و نثر بسی توانا بوده، پدرش میرزا عبدالحسین ملقب به فیضعلیشاه و جدش محمد علی امام جمعه تون (فردوس کنونی) بوده، پدر برای تحصیل علوم شرعیّه باصفهان آمده و نورعلیشاه در این شهر بدین جهان پای گذارده، بگفته صاحب طرائق: «فرزند را پس از سن بلوغ و اکمال فنون و علوم بشرف حضور سید (مرادش از سید سید معصوم علیشاه است) مشرف ساخت و در مقام طریقت والد و ولد برادر و همقدم یکدیگر شدند، والد و مولود گشته در طریق یکدیگر را هم برادر هم رفیق».

نورعلیشاه در هر شهر و دیار که قدم میگذاشت هنگامه ها بر میخواست دسته ای بر او و گروهی برای او قیام مینمودند، از آثار وی: دیوان غزلیات و قصائد و مقطعات (در این فصل از آن معرفی میشود)، رساله در اصول و فروع (۲) **جامع الاسرار** نظیر گلستان (۳)، تفسیر سوره مبارکه بقره منظوماً (۴)، **روضه الشهداء** منظوم در احوال حضرت امام حسین ع، ترجمه و شرح خطبة البیان (۵)، رساله در

(۱) در طرائق الحقایق ج ۳ ص ۸۹ نگارش یافته: و در اینجا است که تاریخ وفات او را که در موصل اتفاق افتاده کلمه غریب یافته اند و نزدیک قبر یونس پیغمبر ع دفن گردیده و در تذکره دلگشا و بستان السباحة از این عارف دانشمند نام برده شده و معرفی گردیده است.

(۲ و ۳ و ۴ و ۵) نسخه ای از اینها در نسخه شماره (۱۷۸) این کتابخانه موجود است و شماره ۲ نیز در کتابخانه مجلس بنام رساله در عشق میباشد (ص ۲۱۶ ج ۱ بفرست کتب خطی مجلس مراجعه شود).

پند و موعظه، (۱) نظم کبری منطق (۲)، مشکوة النجات (در رساله اصول و فروع از آن نام برده و چنین می نماید که در فروع است).

نورعلیشاه بناداشته که این مثنوی را در هشت مجلد بشماره درهای بهشت تألیف نماید و بهمین مناسبت نام آن را اجنات الوصال گذارده ولی توفیق بر اتمام آن را نیافته و چنانکه در ص ۹۱ ج ۳ طرائق است از مجلد سوم بخشی بیشتر را انشاء نموده و رونق علیشاه (بسال ۱۲۲۵ وفات یافته است ص ۹۲ ج ۳ طرائق) که از خلفای ایشان بوده دو مجلد زیاده بر آن افزوده (۳) و نظام علیشاه که از خلفای مجذوب علیشاه بوده يك جلد دیگر بر آن افزوده است و در آخر مجلد دوم تصریح شده که در بغداد (دارالسلام) تألیف آن انجام یافته است.

و نیز صاحب طرائق در ص ۱۱۹ ج ۳ بنقل از بستان السیاحه گوید:

«عارف معارف دین و سالک مسالك یقین مولی احمد بن الحاج عبدالواحد الکرمانی الملقب بنظامعلیشاه که از خاندان فضل و کمال و از کبرای اصحاب وجد و حال بود آخر الامر در سنه هزار و دوست و چهل و دو (۴) داعی حق را اجابت فرمود و طبع گرامیش موزون بود بگفتن

- (۱) نسخه ای از این رساله ضمیمه دیوان وی در کتابخانه مجلس موجود است.
- (۲) بسال ۱۲۷۰ در طهران چاپ شده و پس از آن کتاب صغری در منطق و افاداتی از آقا علی حکیم در منطق و فلسفه است و نسخه آن بشماره ۲۰۳۷ در این کتابخانه میباشد.
- (۳) از نسخه شماره ۱۷۹ این کتابخانه که زیر شماره ۱۱۲۷ از آن معرفی میشود و شامل پنج دفتر یا مجلد از اجنات الوصال میباشد قسمتی ناقص است و در آخر مجلد پنجم از نسخه کتابخانه مجلس ایباتی است که صریح است از غیر از رونق علیشاه میباشد و آن اینست: بعد شه نورعلی سلطان دین - آمده رونق علی شه جانشین - آنکه مرآت خدا بینان بود - آنکه رونق بخش بزم جان بود - آنکه آمد شیخ راه این فقیر - آنکه گشتم در ره حق دستگیر - نام پاکش بد محمد با حسین - عاشقان را خاک راهش کحل عین - بنا بر این بدست می آید که رونق علیشاه نیز مجلد پنجم را تمام نکرده و بدرود زندگانی گفته و بقیه این مجلد را نظامعلیشاه تمام کرده است و این مجلد شامل شرح حال و مقامات ائمه طاهرین علیهم صلوات الله و الملائکه اجمعین میباشد.
- (۴) صاحب طرائق در ص ۱۲۰ ج ۳ نقل نموده که بر قبر وی که در تکیه مشتاقیه کرمان است این بیت نوشته شده:

یکی مصرع از بهر تاریخ گفت بجان از علی دیده احمد نظام = ۱۲۴۰ و رضا قلی هدایت صاحب ریاض العارفین نیز وفات ویرا بدین سال ثبت کرده است.

مثنوی رغبت مینمود تا آنکه دو مجلد مثنوی جنات الوصال (۱) را بانجام رسانیده .
و نیز صاحب طرائق از اصول الفصول نقل نموده : « در نظر داشت که بر مثنوی
جنات الوصال که مرحوم نورعلیشاه و رونق علیشاه بانجام رسانیده اند بیفزاید
تابهشت بهشت برسد » .

نگارنده در جائی ندید که از مجلد سوم چند بیت انشاء نورعلیشاه می باشد ولی
پس از مطالعه و مراجعه و مقایسه ابیات بایکدیگر بر آن شد که ۴۲۲ بیت از ابتداء
مجلد سوم را نورعلیشاه گفته و رونق علیشاه متوفی بسال ۱۲۲۵ آنرا تکمیل (۲) و مجلد
چهارم و پنجم را نیز او ساخته است و دو نسخه زیر شامل آنهاست و مجلد ششم
و هفتم را نظامعلیشاه انشاء نموده در کتابخانه مجلس موجود است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم افتتاح کنز اسماء عظیم .

(۱۱۲۷)

جنات الوصال این نسخه را بخط نستعلیق خوب بسال ۲۷۶؛ صفا نام شاعر
نوشته و در آخر هر يك از مجلدات اتمام را بایستی ادا نموده
وسال نگارش فقط در آخر مجلد سوم نگاشته شده و دارای پنج سرلوح بطرزهای

(۱) نسخه جنات الوصال که شامل دو مجلد نیز می باشد در کتابخانه مجلس موجود و مجلد ششم در شرح
و ترجمه مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه منسوب بحضرت جعفر صادق امام ششم علیه السلام در صد
لعه می باشد و در مجلد هفتم بمدح فتحعلیشاه قاجار و ابراهیم خان حاکم کرمان پرداخته و در بیت ۲۸۰
ج ۷ گوید : در سنه تاریخ آتیه بخیر کش بود هر سال آتیه بخیر غرقه امن و امان زان یاقتم
جانب باغ جنان بشتافتم و بر کلمه سنه شماره ۱۲۲۸ نوشته شده و جمله آتیه بخیر همین سال را
(۱۲۲۸) معین مینماید بنا بر این تاریخ نظم این مجلد در این سال بوده و از عبارات بستان السیاحه
بدست می آید که ابراهیم خان او را از کرمان دور کرده بوده و پس از مرگ وی باز بکرمان آمده است .
(۲) نگارنده این بیت (گفت ای یاران مرا یاری کنید میل جانم جانب باری کنید)
را که شعر ۴۳۰ از مجلد سوم می باشد از نورعلیشاه و آغاز شعر رونق علیشاه را این بیت :
(هر چه کردم سیر در وادی میل هر طرف بود از هوا و میل سیل)

تصور میکند و در آخر مجلد سوم ساقی نامه ایست و در مجلد چهارم این دوبیت
(جنت سوم چو آمد زوبه با صفا و با بها و با ضیا چند بیتی چونکه آمد در مقال
خوش روان شد سوی جنات الوصال) که نیز مؤید نقص مجلد سوم و عدم اتمام آن می باشد
موجود است .

اکنوناگون میباشد ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد و ابیاتیکه عناوین مطالب را حاکی است باسرخى نوشته شده ، مجلد پنجم افتاده دارد و ظاهراً يك برگ بیشتر نباشد و آخرین شعر نسخه اینست :

چونکه بنمودند غصب حقشان این عداوت شد پدید اندر میان
جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۰۸) صفحه ای (۳۵) سطر در متن و حاشیه . طول ($18 \frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض ($29 \frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۷۹) .

(۱۱۲۸)

جنات الوصال این نسخه شامل چهار جنت از جنات الوصال و آثار دیگری از نورعلیشاه میباشد و در جای دگر از آنها معرفی خواهد شد ، بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده و کتابت آن ناقص مانده ، بسال ۱۲۸۰ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت برگ نخستین یاد داشت گردیده .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق کلیه (۴۲۷) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول ($15 \frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض ($22 \frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۷۸) .

(۱۱۲۹)

جنات الوصال این نسخه شامل دو مجلد اول و قسمتی از مجلد سوم میباشد ، نام نویسنده و تاریخ نگارش نداشته ، ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم نوشته شده ، پیش نگارنده شامل تا آخرین بیت انشائی نورعلیشاه است ، پیش از این کتاب رساله ای عرفانی است (تصور میکنم ترجمه ای از جوك باشد و در مجلد بعد این فهرست معرفی خواهد گردید) و این دو نسخه بسال ۱۲۹۲ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده و پشت برگ نخستین یاد داشت شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق کلیه (۱۵۳) . این نسخه (۱۰۲) . صفحه ای (۲۹) سطر . در متن حاشیه . طول ($21 \frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض ($14 \frac{2}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۷۶) .

[۴۹۷] حقیقة الحقیقه (فارسی)

این کتاب یکی از مثنویهای مشهور و از آثار گرانبهای حکیم سنائی (ابوالمجد مجدود (۱) بن آدم غزنوی متولد بسال ۴۶۴ (۲) و متوفی بسال ۵۲۵ (۳)) (۴) است که نیز از مشاهیر شعرا و عرفا میباشد و مندرجات این کتاب مقام و مرتبه ویرا چون

(۱) در نسخ هفت اقلیم نام سنائی مجدالدین ثبت شده در صورتیکه در تمام دیوان و آثار او این نام یالقب برای وی دیده نشده و تذکره نویسان به تبع خود وی و معاصرین او را مجدود معرفی کرده اند بنابراین نام مجدالدین برای او مسلماً غلط خواهد بود .

(۲) تاریخ تولد سنائی را تا کنون کسی تعیین نکرده ، نگارنده تاریخ مذکور بالا را از این بیت سنائی : عمر دادم بجملگی برباد بر من آمد ز شصت صد بیداد

که در اوائل باب غفلة (پنجم ، حقیقه ، نسخه چاپی) زیر عنوان فی تبدیل الحال بعد الکمال میباشد استفاده نموده چرا که میدانیم سنائی بسال ۵۲۴ مشغول بنظم حقیقه بوده و بنابراین تصریح در این بیت در این هنگام شصت سال داشته (۶۰ - ۵۲۴ = ۴۶۴) بنا بر این بسال ۴۶۴ متولد گردیده است .

تذکری که در اینجالزوم دارد اینست که در بعضی از نسخه های خطی و نسخه چاپی حقیقه بجای **شصت** کلمه **شیب** نگارش یافته ولی مسلماً این کلمه اخیر مصحف شصت میباشد چرا که بیت دیگری از سنائی که در آغاز همین مبحث میباشد گذشته از اینکه در نسخ کهنه و صحیح حقیقه صریحاً شصت نوشته شده ، نیز شصت سالگی ویرامعین میکنند و آن اینست : شیریک سالگیم کرد اثر * پس چل سال گرد عارض و سر . و مراد شاعر اینست که یکسال شیر سفیدیکه خورده ام موی سیاهییکه از بیست سالگی در اطراف صورت داشتم چون رنگ خود سفید کرده است .

(۳) در سال وفات این شاعر شهر چندین قول است (۵۲۵ و ۵۴۵ و ۵۷۶ و ۵۹۰) ، متبعین و دانشمندان ، بیشتر همین سال (۵۲۵) را که نگارنده مقدمه ، حقیقه و مرتب کننده آن محمد بن علی الرقا معاصر وی (بامر پادشاه عصر بهرام شاه بن مسعود) تعیین نموده سال مرگ سنائی میدانند و علامه نجریر آقای قزوینی در متن و حاشیه خاتم الطبع تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی (ص ۶۳۵ ج ۵) در این باب شرحی نگاشته و اختلافات و دلیل تأیید این تاریخ را هم تذکر داده اند (۴) شرح حال سنائی را در تاریخ گزیده (ورق ۲۹۴ و ۳۱۹ نسخه مدرسه) ، تذکره دولتشاه سمرقندی (ص ۶۲ - ۶۴ نسخه مدرسه) ، نفحات الانس (ص ۷۰۶ - ۷۰۷ نسخه مدرسه) ، هفت اقلیم (ص ۲۵۳ نسخه مدرسه) مجالس المؤمنین ص ۲۸۸ - ۲۹۶ (در مجلس ششم) ، حبیب السیر ص ۳۳ - ۳۴ جزء چهارم از مجلد دوم چاپ هند ، کشف الظنون ج ۱ ص ۴۲۷ - ۴۲۸ ، آشکده آذر ، مجمع الفصحا ، ج ۱ ص ۲۵۴ - ۲۷۴ ، ریاض العارفین ص ۱۹۶ - ۲۱۰ ، سخن و سخنوران ج ۱ ص ۲۶۷ - ۳۲۷ و مقاله مفصل دانشمند معاصر آقای تربیت بنام مثنوی و مثنوی گویان ایران (ص ۵۴۱ - ۵۴۴ شماره ششم سال پنجم مجله مهر (سال ۱۳۱۶ شمسی) نگاه کنید که مأخذ این نگارش میباشد .

آفتاب جهان‌تاب بر عالمیان آشکار نموده و هر کس بقدر لیاقت و استعداد خویش از آن بهره‌ور میگردد ،

عارف شهیر مولانا جلال‌الدین رومی با آن مقام و مرتبه که در عرفان دارد خود را تابع و پیرو سنائی خوانده (عطار روح بود و سنائی دو چشم او مالزپی سنائی و عطار آمدیم) و مثنوی بی مانند خویش را بواسطه آوردن و عنوان قرار دادن ایباتی از سنائی در آن ، در حقیقت شرح بیانات ایشان معرفی نموده است .

سنائی در اوان جوانی بمداحی و هجو گوئی و غزلسرائی که لازمه این بخش از زندگانی و نا آزمودگی میباشد میپرداخته ولی نور عرفان چنانکه از آثار وی هویدا است در اواخر عمر بردل وی تابیده و او را زنده جاوید ساخته است .

از آثار این حکیم یکی دیوان قصائد و غزلیات است (در زیر عنوان دیوان سنائی معرفی میشود) و دیگری این مثنوی که « حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه » (۱) نامیده شده و دیگر « طریق التحقیق » (۲) و رساله « سیر العباد الی المعاد » (۳) ، عشق نامه ، حکایت بهروز و بهرام (۴) غریبانه و عقل نامه (۵) و کار نامه

(۱) در خود کتاب تصریحی از مؤلف در تسمیه این کتاب بدین نام نیافتم ولی در نزد دانشمندان بدین نام معروف و نیز آنرا « فخری نامه » میگویند و محمد بن علی الرقا در ص ۹ مقدمه حدیقه (نسخه چاپ هند) این کتاب را بدین دو نام معرفی کرده است .

(۲) طریق التحقیق بنا بر تحقیق آقای تربیت (در مقاله مجله مهر) موسوم به زاد السالکین میباشد و بسال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۸ در طهران و بمبئی چاپ شده و آقای قزوینی بیت آخرین کتاب را که درباره‌ای از نسخ موجود و سال ۵۲۸ را معین مینماید محرف یا مجعول دانسته و دلیلی بر صحت آن نیافته اند .

(۳) این کتاب نظیر حدیقه میباشد و هدایت در ج ۱ مجمع الفصحا ص ۲۶۲ - ۲۷۴ تمام آنرا درج و مسلماً بر حسب شماره دقیق هفتصد (۷۰۰) بیت است با مقدمه‌ای بقلم دانشمند محترم آقای سعید نفیسی بهمت کوهی کرمانی بسال ۱۳۱۶ نیز در طهران جداگانه چاپ شده ، در این نسخه شماره ایات ۷۷۵ میباشد . و بنام کنز الرموز نیز نامیده میشود و در هفت اقلیم کنز الرموز از مؤلفات سنائی شمرده شده ولی از سیر العباد الی المعاد نامی نبرده و اتحاد این دو نام را هم تذکر نداده است .

(۴) آقای تربیت در شماره ۶ مجله مهر سال پنجم (ص ۵۴۳) چند بیت از این مثنوی را نقل کرده اند .

(۵) نسخه ای از این کتاب در حرف عین همین فصل معرفی خواهد شد .

بلخ است (۱) و نیز از آثار نثری این حکیم مقدمه‌ایست که بر دیوان خود نوشته و فهرست مطالب مندرجه در آنرا آخر آن گذارده و نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملّی ملک در طهران موجود و نگارنده آنرا دیده و ظاهراً خیلی نزدیک بزمان سنائی آن نسخه نگارش یافته است.

و دیگر مکتوبیست که به بهرامشاه نوشته و از علمای غزنین شکایت نموده که نفهمیده این کتاب او را برخلاف دین دانسته، چرا که علی بن ابن ابی طالب ع را بر دیگر اصحاب ترجیح داده و دشمنان خاندان رسالت ص را بدگوئی نموده و از این پادشاه استدعای عدل و توجه کرده و دو نسخه (شماره ۳۴۵ و ۱۹۶) این کتابخانه آنرا شامل می‌باشد و دیگر از آثار نثری وی دیباچه حدیقه است که بنا بر تصریح محمد بن علی الرّقا سنائی در بامداد روز یکشنبه ۱۱ شعبان سال ۵۲۵ که پس از نماز شام آن روز رحلت نمود آنرا انشاء و ابوالفتح فضل الله بن طاهر حسینی آنرا املاء نموده است.

جای تردید و شک نیست که تمام این دیباچه و مقدمه حدیقه انشاء سنائی نیست چرا که گذشته از طرز مطالب و معانی آن که خود شاهد بزرگی بر مدعی می‌باشد در سطر ۶ از ص ۶ و ص ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ (نسخه چاپی) محمد بن علی الرّقا تصریح نموده که وی منشی آنست، نگارنده بر اینست که از آغاز دیباچه تا اینجا که گوید: روزی من که محمد بن علی الرّقا. انشاء سنائی و املاء سیّد مذکور است.

از قطعه‌ای که در دیوان سنائی موجود است، بدست می‌آید که در زمان حیات مسعود سعد سلمان متوفی بسال ۵۱۵ (۲) سنائی بجمع و ترتیب دیوان وی مبادرت نموده و از اینکه در اثر غفلت اشعاری از دیگران را نیز در آن دیوان آورده

(۱) آقای تربیت این منظومه را مطایبه‌نامه سنائی معرفی کرده و گوید شبیه بمنظومه مسعود سعد در همین موضوع می‌باشد ولی کمی بیشتر از آن که همه در وصف درباریان سلطان مسعود ثالث گفته شده است.

(۲) آقای قزوینی وفات این شاعر را در حواشی چهار مقاله نظامی عروضی (ص ۱۴۵) محققاً در این سال دانسته و گویند رساله‌ای در شرح حال این شاعر تألیف و ادوارد برون آنرا بانگلیسی ترجمه و بسال ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶ در مجله انجمن همایونی آسیائی منتشر کرده است.

پوزش خواسته و آقای قزوینی در حواشی چهارمقاله (ص ۱۴۲ - ۱۵۰) این کار سنائی را تذکر داده اند.

سنائی حقیقه الحقیقه را که شامل اشعار توحیدی و عرفانی و اخلاقی است و بنابر تعیین محمد بن علی الرقا در مقدمه حقیقه و تصریح خود وی شماره ابیات آن دو هزار (۱) میباشد، بسال ۵۲۵ بآخر رسانید و انشاء آن ۱۳ ماه (۲) طول کشیده و در ده (۳) باب گذارده است.

نسخه چاپی حقیقه با چهار نسخه خطی از آن که در دست نگارنده است در تنظیم ابواب بایکدیگر مخالف و نگارنده نمیتواند یکی از آنها را ترجیح دهد و آنرا اصل قرار دهد، در آخر مقدمه نفیسیکه نسخه مجلس شورای ملی دارد و غیر از مقدمه محمد بن علی الرقا میباشد (۴) و در فهرست آنجا خصوصیات آن نگارش خواهد یافت و ظاهر آن نسخه در قرن نهم هجری نگاشته شده و در حاشیه برگ ۴ نسخه این کتابخانه که بسال ۹۲۰ نوشته شده فهرست ابواب حقیقه بدینگونه که زیر این سطرهای آوریم تعیین گردیده، ابیاتی در حقیقه موجود که دلیل بر موافقت این ترتیب با خیال ناظم آنست و خود این ابیات می‌رساند که از سنائی میباشد:

باب اول بیان تحمید است محض تنزید و صرف توحید است

(۱) در ذیل باب دهم در معرفی از کتاب گوید:

عدد بیت ده هزار آمد

آنچه زین نظم در شمار آمد

(۲) در آخر حقیقه است:

که در آذر فکندم آن را پی

شد تمام این کتاب در مه دی

پانصد و بیست و پنج گشته تمام

پانصد و بیست و چار رفته زعام

(۳) حاجی خلیفه در ص ۴۲۷ ج ۱ کشف این کتاب را شامل بیست باب معرفی و انشاء آن را بسال ۵۲۴ معین نموده و مؤلف فهرست کتابخانه معارف در ص ۱۵۰ ج ۱ عیناً اشتباه مذکور را نقل کرده اند.

(۴) بعضی تصور کرده اند که مقدمه نثری موجود در نسخه چاپی هند املاء خود ثنائی میباشد در صورتیکه نگارنده آن محمد بن علی الرقا در چند جای از مقدمه تصریح بنام خود کرده و گذشته از این طرز انشاء آن بخوبی می‌رساند که منشی آن غیر از سنائی ناظم کتابست و در این موضوع شرحی در ص ۴۹۵ نگاشته شد.

باب ثانی ثنا و نعت رسول (۱)	و آن بهر چار یار گشته قبول
باب ثالث (۲) ز عقل گویم من	ز آنکه گنجدر در و بحال سخن
باب رابع (۳) ز علم و خواندن علم	گفت خواهم ز روی دانش و حلم
باب خامس (۴) ز عشق و تعبیرش	کز کجا تا کجا است تأثیرش
باب سادس (۵) ز غفلت و نسیان	گر چه مستولیت بر انسان
باب سابع (۶) ز حال دشمن و دوست	که بیابنی هر آنچه سیرت اوست
باب ثامن (۷) ز گشت افلاک است	که چنین جایز است و ناپاک است
باب تاسع (۸) ثنای شاه جهان	آنکه دشمن ز تیغ اوست نهان
باب عاشر (۹) صفات این تصنیف	که نه بینی دیگر چنین تألیف

(۱) در نسخه مجلس و نسخه شماره (۳۴۷) این کتابخانه باب دوم در اوصاف قرآن معرفی گردیده در صورتیکه در آخرین باب این بیت: (چون بگفتی ثنای حق زاول پس بگو نعت احمد مرسل) است که خود مؤید اتمام باب اول میباشد و در این باب پس از نعت و ثنای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بمدح و ثنای خلفای چهار گانه (رض) و حسنین علیهما السلام و امام شافعی و ابوحنیفه (رض) و برخی دیگر از اصحاب پرداخته و در عین حال که از اظهار عقائد مذهبی خویش تقیه نمیکرده مطالبیکه موافق عقیده امامیه میباشد مندرج ساخته و پایست بودن خود را بآنها آشکار نموده است.

(۲) نسخه چاپ هند و شماره (۳۴۵) این کتابخانه موافق این تقسیم و در نسخه (۳۴۷) این کتابخانه باب ۵ و در نسخه خطی مجلس باب چهارم در عقل است.

(۳) نسخه چاپ هند و شماره (۳۴۵) این کتابخانه موافق این تقسیم در علم میباشد ولی نسخه مجلس بعثت مذکور علم را در باب پنجم ذکر نموده و در نسخه شماره (۳۴۷) این باب چهارم را در مدح بهرامشاه که موافق تقسیم بالا باب نهم میباشد قرار داده است.

(۴) در نسخه شماره (۳۴۷) این کتابخانه باب هفتم در عشق و صفت روح و درجات قلب معرفی گردیده و در نسخه چاپی باب ۸ در این موضوع میباشد و در نسخه مجلس بخشی از این باب در آخر باب اول نگارش یافته است.

(۵) در نسخه چاپی و شماره (۳۴۵) این کتابخانه این موضوع در باب پنجم و در نسخه شماره (۳۴۷) این کتابخانه در باب هشتم و در نسخه مجلس در باب ۶ گذارده شده و این دو نسخه ابیات زیادی که در آن دو نسخه در آخر باب علم گذارده شده در آغاز این باب دارد.

(۶) در نسخه چاپی این باب در حکم و امثال و زیر عنوان باب هفتم ثبت شده و در نسخه شماره (۳۴۵) این کتابخانه نیز چون نسخه چاپی پس از باب نسیان است ولی در نسخه شماره (۳۴۷) (بقیه حاشیه در صفحه ۴۹۸)

چنانکه از مکتوب حکیم سنائی به بهرامشاه غزنوی و مکتوب منظمی که به برهان الدین به بغداد نوشته و راجع باین کتاب و صحت مندرجات آن استفتاء کرده و آنچه محمد بن علی الرقا در مقدمه حدیقه نگاشته ، برمی آید ، پس از اتمام حدیقه و اطلاع جمعی بر مندرجات آن (تصور میکنم که اطباء و منجمین و علماء که در دربار بوده و بیانات سنائی را در باب نهم در ذیل ثنای شاه مخالف منافع خود دیده ، تمایل به تشییع و علاقمندی سنائی را بخاندان حضرت پیغمبر صم که از اشعار حدیقه آشکار است بهانه نموده و خواسته اند که او را آزار کنند ، مکتوب و منظومه وی به بهرامشاه و برهان الدین کاملاً صریح در این مطلب میباشد) ناچار شده که نظر پادشاه و رئیس علماء اسلام (در آن دوره) را بخود جلب نماید ، نسخه ای از حدیقه را پاکنویس و به بغداد پیش ابوالحسن علی بن ناصر غزنوی (برهان الدین) مشهور به بریان فرستاد تا فتوی بر صحت مندرجات آن دهد .

نگارنده از مقدمه محمد بن علی الرقا استفاده میکند که در همین روزها که سنائی این کار را انجام داد و نسخه را به بغداد فرستاد تب کرده و از این جهان (تقریباً ۷ ماه پس از انجام تألیف کتاب) بسر ای باقی شتافت و در این مقدمه است که بامر بهرامشاه رقا از روی مسوده ها بجمع و ترتیب حدیقه پرداخته است .

(بقیه حاشیه از صفحه ۴۹۷)

این کتابخانه و نسخه کتابخانه مجلس این موضوع بعنوان باب ذکر نشده و در آخر باب افلاک (نسخه مجلس و نهم نسخه شماره (۳۴۷) این کتابخانه) گذارده شده و نیز تمام آن ابیات نیست . (۷) در نسخه چاپی و شماره (۳۴۵) این کتابخانه در این موضوع میباشد و در نسخه مجلس باب افلاک چنانست که در شماره (۶) گفته شد .

(۸) در نسخه چاپی باب دهم و در نسخه شماره (۳۴۵) این کتابخانه باب نهم و در نسخه شماره (۳۴۷) باب چهارم و در نسخه مجلس باب هشتم در این موضوع معین گردیده و در این باب گذشته از مدح پادشاه و نصائح و اندرزهای سودمند بمدح و ثنای دولتشاه پسر بهرامشاه و صدور و امراء و بعضی از علماء و وعاظ پرداخته و برخی از عالم نماها و شعرا و منجمین و اطباء دروغی را هم مذمت و سرزنش و هجا کرده است .

(۹) در نسخه چاپی این موضوع در باب نهم و در نسخه شماره (۳۴۷) با قسمتی از موضوع باب نهم (هجا شعرا و اطباء و منجمین) بعنوان باب دهم و در نسخه مجلس همین قسمت (معرفی از کتاب) بنام باب دهم معرفی گردیده است .

سنائی خود از حدیقه انتخابی کرده و مجدداً بر حسب خواست دوستان از آن انتخابی دیگر نموده و این منتخب دوم بشماره نامهای الهی ۱۰۰۱ بیت میباشد و شاید مراد حضرت مولوی از الهی نامه سنائی همین منتخب باشد و بنابر تصریح خود وی در ماه مرداد که بر حسب احتمال همان ماه آخر عمر وی بوده این انتخاب بانجام رسیده و بسال ۱۳۱۶ قمری علینقی ملقب به مؤتمن دیوان این منتخب را بنام جعلی «لطیفه العرفان» که بسلیقه خویش بر آن گذارده در طهران چاپ نموده و دیباچه نثری بر آن نگاشته است.

تمام حدیقه بسال ۱۲۷۵ در بمبئی و باب اول آن بسال ۱۹۱۰ م با ترجمه انگلیسی آن بقلم : Magor. g. Stephenson. در کلکته چاپ گردیده است.

آغاز: بسمله ای درون پرور برون آرای ❀ ای خرد بخش بی خرد بخشای الخ.

(۱۱۳۰)

این نسخه را بخط نستعلیق خالص بن کمال الدین بن محمود کرمانی حدیقه الحقیقه
بسال ۹۲۰ نگاشته ، نویسنده ای در حاشیه ص ۷۲۶ - ۷۴۱

شرح حال سنائی را از تذکره دولتشاه سمرقندی و در حاشیه ص ۷۴۶ تا آخر عقل نامه سنائی را که در همین فصل از آن معرفی خواهد شد نوشته ، پشت صفحه نخستین و چند برگیکه پیش از آنست ایاتی از سنائی و غیره و یادداشتهائی از مالکین سابق نسخه بفارسی و عربی و ترکی نگارش یافته و صفحات مجدول بطلا و عناوین باشنجرف و دارای يك سر لوح طلائی است .

جلد تیما جی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۳۷۹) .
صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض ($۱۲\frac{۲}{۳}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۴۷) .

(۱۱۳۱)

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب بخواست خواجه بیک حدیقه الحقیقه
در شهر هرات ، عبد الرشید دیلمی بسال ۱۰۱۷ نوشته

و از خطوط ممتاز میباشد ، میان دو سطر آخر چند کلمه ای را محو کرده اند ، مکتوب سنائی به بهرام شاه در آخر نسخه نگاشته شده ، تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد و غیره میباشد و میان سطرها طلائندازی شده و عناوین مطالب بامر کبهای

گوناگون بر سر سوره هائی طلائی نگارش یافته و در ابتداء نسخه سر لوح ظریف کوچکی است .

تمام بر گها متن و حاشیه میباشد و بسیاری از آنها جابجا شده و پا صفحه ها هم اگر چه مطابق میباشد نظم و ترتیب آن درست نیست و نیازمند ترتیب و تنظیم درستی است .

جلد ساغری . کاغذ متن خان بالغ حاشیه ترمه . وائف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۴۱۹) صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۹۶) .

(۱۱۳۲)

حديقة الحقيقة این نسخه نیز بخط نستعلیق نوشته شده ، بر گهائی از آن نونویس میباشد ، طرز نگارش حکم میکند که نویسنده آن هندی و در اواخر قرن نهم نگارش یافته ، عناوین ابواب و مطالب در چندین جا غلط نوشته شده و طرز تنظیم آن تقریباً بانسخه چاپ بمبئی مطابق ، مکتوب سنائی به بهرامشاه نیز در آخر نسخه میباشد و بالای صفحه نخستین **رضی** کتابدار شاهزاده بهمن میرزا پسر نائب السلطنه ، عباس میرزا ، بودن آنرا در کتابخانه این شاهزاده بسال ۱۲۴۸ یادداشت کرده است .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۷۲) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۳ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۴ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۴۵) .

[۴۹۸] **حلبة الکمیت** (عربی)

مؤلف این کتاب **نواجی** است که در ص ۷۲ - ۷۴ بشرح حال و مؤلفات ایشان پرداخته ایم .

حلبة الکمیت (۱) چنانکه در مقدمه آن مؤلف تذکره داده بنابخواست کسیکه

(۱) حلبه را (باحاء خطی و باء ابجد) در قاموس دسته ای از اسبهای حاضر برای مسابقه معین نموده و عبارت آن اینست :

الحلبة بالفتح الدفعة من الخيل في الرهان وخيل مجتمع للسباق . و کمیت اسب سرخ رنگ را گویند که مائل بسیاهی باشد و مؤلف خود در اوائل باب اول در ذیل بیتیکه لفظ کمیت در آنست گویند (بقیه حاشیه در صفحه ۵۰۱)

مخالفت وی او را میسر نبوده تألیف گردیده و شامل بیست و پنج باب و خاتمه‌ای بتفصیل زیرین بشر و نظم میباشد :

باب اول - درنامه‌های شراب . ۲ - در وصف شراب و نخستین کس که آنرا درست کرده و موجب ساختن آن . ۳ - در طبایع و خواص آن . ۴ - در استعمال آن موافق رأی حکما . ۵ - در آنچه براستعمال کننده آنست از حقوق منادمة و ادب ندیم . ۶ - درندمائی که مؤلف آنها را می‌پسندد و مختصری از لطیفه‌گوئی‌های آنها . ۷ - در احسان به ندما و جائزه‌ها و صله‌های آنها . ۸ - در اشعار نیکو و افکار بلند ندما . ۹ - در آنهائی که بآشامیدن شراب اصرار دارند . ۱۰ - در تشر و نظم هائیکه ادبا درخواستن شراب انشاء کرده اند . ۱۱ - در وصفهائیکه از آن باعتبار نصیح و بلیغ و تشبیه‌های تازه و خوب گردیده . ۱۲ - در وصف ساقی و ادب او . ۱۳ - در وصف مجلس بزم و آلات و ادوات آن . ۱۴ - در وصف نواها و آلات و ادوات آن . ۱۵ - در وصف شمع و فانوس و اقسام چراغها . ۱۶ - در وصف مجلس انس پس از اتمام و ترتیب و انتظام آن و ملحقات بآن . ۱۷ - در وصف هر یک از اقسام گلها و ریاحین و میوه‌ها . ۱۸ - در وصف عمومی از آنها و بحث در اطراف بهار . ۱۹ - در وصف جوی‌ها و گودالهای آب و چرخهای چاه و استخرها و فواره‌ها . ۲۰ - در وصف رود نیل مصر و گردش گاههای آن بنظم و تثر . ۲۱ - در مناظر طبیعی شهرها . ۲۲ - در نسیم و لطافت آن . ۲۳ - در آواز کبوترها و کبوتران چاپار . ۲۴ - در وصف ابر و رعد و برق و آفتاب و ماه و ستاره و بامداد و جزاینها . ۲۵ - در اشعار مطوّله در اوصاف گلها و بهار و غیر از اینها .

خاتمه در توبه و اخلاص و مذمت شراب و دور کردن طبایع از آن .

این کتاب در حدود (۱۰۰۰۰) بیت کتّابت دارد و بسال ۸۲۴ تألیف آن بآخِر

رسیده و ابن حجه حموئی (تقی الدّین) بر آن تقریظی نوشته و دوبار بسال ۱۲۷۶

(بقیه حاشیه از صفحه ۵۰۰)

در لفظ کمیت اینجا توریه است و از همینجا نام کتاب را حلبة الکمیت گذارده ام چرا که میدان مسابقه ای (اسپرس) برای شعرای رشید است (لما کان مضماراً لفحول الشعراء و مجری سوابق افکارهم فی التشابیه الخمریه) و در شدرات و کشف الظنون نوشته شده که مؤلف نام این کتاب را «الجبور و السرور فی وصف الخمر» گذارد، دوستان را این نام خوش نیامد و گویند که مؤلف دچار مرض و محنت گردید از ایشرو نام آنرا برگردانید و بدین نام نامید ؟ !

و در کشف الظنون از الضوء اللامع نقل گردیده که در اثر این تألیف یکی از شعرا زنده و مرده وی را هجا نمود و نام آنرا «قیح الاهی فی النواجی» گذارد و هنگامیکه نواجی در بازار کتاب فروشها نشسته بود بدست یکی از دلالهائی کتاب داد بر همه عرضه داشت تا به نواجی رسید در آن مطالعه نمود و خواست که آنرا نگاهدارد صاحب آن از دلال آنرا بازخواست و نزدیک بود از این پیش آمد نواجی هلاک شود .

و ۱۲۹۹ چاپ گردیده و از لحاظ ادبیّت مجموعه ای نفیس است .
آغاز: بسملة الحمد لله الذی ادار کؤس الادب علی اهل الادب الخ .

(۱۱۳۳)

این نسخه را بسال ۱۰۷۹ بخط نسخ علی یحیی علی (کذا) حدید
حلیة الکمیت حسینی نوشته و تقریظ نامبرده پشت آخرین صفحه نسخه میباشد
 و چند برگ اول نسخه و صالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۱۶) . صفحه ای
 (۲۵) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۴-۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۸۹۰) .

(۱۱۳۴)

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نام خود و
حلیة الکمیت سال نگارش را ننگاشته از طرز خط و کاغذ مسلم است که در

اواخر قرن سیزدهم نگارش یافته و صفحات مجدول بطلا و لاجورد است .
 جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۹۳) . صفحه ای
 (۲۲) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۸۹۱) .

[۴۹۹] **ختم الغرائب** (فارسی)

حکیم خاقانی شروانی که درص - ۴۶ - ۴۶۶ بمعرفی وی و آثارش پرداخته ایم ،
 بنا بر نسبت دادن نویسنده نسخه زیرین منظومه ای بوزن مثنوی بنام **ختم الغرائب**
 انشا نموده و جز نسخه زیرین و نسبت دادن نویسنده آن با جستجوی زیاد در
 کتب سیر و تذکره ها و فهرستها چنین نسبت و آثاری از نسخه ای از آن نیافتم
 جز اینکه مجموعه ای که بسال ۱۰۳۵ نگارش یافته در این کتابخانه زیر شماره (۶۰۰)
 موجود است و بمناسبت اینکه در ابتداء آن دیباچه تحفة العراقین را کاتب بنام
دیباچه ختم الغرائب معرفی نموده در دفاتر مدرسه بنام ختم الغرائب ثبت و بهمین
 نام وقف گردیده است و مسلماً این نام بغلط بر این نسخه گذارده شده و باتتبعیکه
 در این موضوع نگارنده نموده تحفة العراقین بدین نام (ختم الغرائب) نامیده نشده
 و این جمله غلط احتمال را قوی میکند که خاقانی بدین نام اثری داشته و گذشته

از این راه طرز فکر و انشاء این منظومه که در تقلید حدیقه سنائی میباشد. صحت انتساب آنرا بخاقانی تأیید میکند :

برای اثبات مدعی چند بیت از آنرا در اینجا می آوریم :

فی حدوث العالم

اینها همه محدث اند و مجبور	در قبضه قهر اسیر و مقهور
خلاق همه یکی قدیم است	رزاق همه یکی عظیمست
جبار مهیم روان بخش	قهار قدیم ذات جان بخش
معبود جهان خدای بی عیب	بل جاعل عین و خالق غیب
از علت ناقص است صنعت (کذا)	پس مردم کاملست عایت (کذا)
تا کاملکی که آرد از خاک	زینگونه هزار آدم پاک
سبحان الله چه جای این است	کو ایزد ایزد آفرین است
گر ایزد نافریده بودی	کی آدم بر گزیده بودی
کسر دست تو را خدای عالم	در عالم کدخدای آدم
نه خانه نه کدخدای ماند	کد نیست شود خدای ماند
چون خانه کدخدای دیدی	کد نیست شد و خدای دیدی
چون خانه و کدخدای خود نیست	در خانه بجز خدای خود نیست

بدبختانه فقط قسمتی از این مثنوی به نسخه ای از تحفة العراقین (درص ۴۶۸ از این نسخه زیر شماره ۱۱۱۰ معرفی گردیده) پیوسته و (۶۴۴) بیت بیشتر نیست.

آغاز: بسمله بر کره خاک تنگ میدان کم باش چو گوی اسیر چو گان.
انجام نسخه: آب از تشنگی روانست و ر گرسنه شفات نانست
از پاصفحه آخرین صفحه معلوم میشود که در این نسخه بر گهای دیگری بوده و از میان رفته است.

(۱۱۳۵)

ختم الغرائب این نسخه پیوسته به کتاب شماره (۲۷۲) کتابخانه میباشد که ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم هجری نوشته شده و در ص ۴۶۸ و ۴۶۹ زیر شماره (۱۱۱۰) آنرا معرفی کرده ایم، خصوصیات دیگر را بآن صفحه مراجعه فرمائید.

[۵۰۰] خریدة القصر و جریدة اهل العصر (عربی)

مؤلف این کتاب عماد کاتب اصفهانی است (ابو عبدالله عمادالدین محمد بن محمد بن حامد بن محمد ۵۱۹ - ۵۹۷) (۱) که از مشاهیر ادباء نامدار و وزرای و اعتبار و در فقه شافعی صاحب اجازه بوده و در علوم ادبیّه و خلاف دستی قوی یافته ، تولّد وی در اصفهان شده و در بغداد کسب کمال نموده و در دمشق مورد توجه و عنایت نورالدین قرار گرفته و او را برسالت به بغداد پیمیش المستنجد فرستاده و چون بدمشق برگشته تدریس مدرسه ای که بنام خود او (مدرسه عمادیّه) مشهور میباشد بوی داده شد و پس از آن عماد را در محفل اشراف دیوانیان و وزراء وارد نمود و پس از نورالدین اسمعیل پسر وی بجای پدر نشست رقبای پادشاه را بدو بدگمان کردند عماد ناچار شد ، همه مقاماتی که داشت ترك کرد و روی ببغداد آورد چون بموصل رسید در آنجا ناخوش شد در همین ایام شنید که صلاح الدین پادشاه مصر برای تسخیر دمشق حرکت نموده ، عماد از رفتن به بغداد منصرف شد و بطرف دمشق برگشت ، در ماه شعبان سال ۵۷۰ در هنگامیکه سلطان صلاح الدین در حلب بوده و قلعه حصص را تصرف کرده پیدایش نزدیک شد و قصیده ای طولانی انشا و بعرض رسانید ، مورد عنایت و قبول گردید و در حضر و سفر ملازم و مدّاح شد و بالاخره پس از نزدیک شدن زیاد به این پادشاه مقام وزارت یافت و تا آخر زندگانی صلاح الدین خوشی و عظمت عمادالدین هم بآخر رسید و ابن خلکان گفته « پس از مرگ وی دری را بر خود بازنید و گوشه خانه نشست و بتألیف و تصنیف مؤلفات ممتاز پرداخت » و از مؤلفات اوست : البرق الشامی (این کتاب بنا بر معرفی ابن خلکان ، در تاریخ و هفت مجلد است و در ابتداء شرح حال مؤلف و کیفیت حالات وی و انتقال خود را از عراق بشام تا اواخر زندگانی و ادبار روزگار بوی پس از صلاح الدین مندرج ساخته و از کتب تواریخ مفصله است) ، دیوان رسائل فارسی ، دیوان رسائل عربی دیوان شعر در چهار مجلد ، دیوان دوبیتی (رباعی) ،

(۱) و نیات الاعیان ج ۲ ص ۷۴ - ۷۶ ، شذرات الذهب ج ۴ ص ۳۳۲ - ۳۳۳ معجم المطبوعات ص ۱۳۷۵ مأخذ نگارش این مطالب است .

نصرة الفتره و عصرة القطره (۱) (در اخبار و تاريخ سلجوقيان ميباشد و مختصر آن بنام زبدة النصرة و نخبه العصر در ليدن بسال ۱۸۸۹ م چاپ شده و حاجى خليفه در ج ۲ كشف ص ۷ و ص ۶۰۲ اين مختصر را نيز تأليف خود عماد الدين كاتب معرفى نموده و در مصر بسال ۱۳۱۸ بنام تاريخ دولة آل السلجوق تأليف عماد الكاتب اختصار شيخ امام فتح بن على بن محمد بندارى اصفهاني چاپ شده است) ، الفتح القدسى فى الفتح القدسى (ابن خلکان در وفيات الاعيان نام اين کتاب بدینگونه که نقل شد ثبت گردیده و گوید که در دو مجلد و شامل شرح فتح بيت المقدس ميباشد و حاجى خليفه در ص ۲۱۹ ج ۲ كشف گوید: «القدح القسى فى فتح القدسى در دو مجلد تأليف عماد كاتب ... ميباشد و در خطبه آن مدح ناصر الدين احمد بن المستضىء بالله عباسى و صلاح الدين يوسف را نموده و اين نام بر پشت نسخه نوشته شده ليکن خودوى گفته که آنرا الفتح القدسى ناميدم و بر قاضى فاضل آنرا عرضه داشتم مرا گفت آنرا «الفيح القسى فى الفتح القدسى» نام گذار .

و ديگر از مؤلفات وى خريدة القصر و جريدة اهل العصر است .

اين کتاب که مؤلف آنرا خريدة القصر و جريدة اهل العصر ناميده يکى از مشهور و شامل شرح حال و آثار ادبا و شعرای قرن ششم هجرى (از سال ۵۰۰ تا ۵۷۲) (۲) که مؤلف آنها را دیده و يا بيک واسطه از آنها شعر بليغ و يا نثر سليس شنیده) ميباشد و مؤلف در حقيقت آنرا ذيل «زينة الدهر و عصرة اهل العصر» تأليف ابى المعالى سعد بن على و راق خطيرى متوفى بسال ۵۶۸ که آن نيز ذيل بر دمية القصر

(۱) در وفيات الاعيان نام اين کتاب بدین املاء و در كشف الظنون فتره و قتره با تاء و در معجم المطبوعات فتره و قطره ضبط گردیده و اين آخير صحيح بنظر مى آيد .

(۲) ابن خلکان تصريح نموده که اين کتاب شرح حال دانشمندانى است که در سالهاى ۵۰۰ تا ۵۷۲ وفات يافته و يا در قيد زندگاني بوده اند ، مراجعه به نسخه اين کتابخانه هم مؤيد ايشانست و از عبارت زيرين که در ذيل معرفى و شرح حال ابو المحاسن شنجى نوشته معلوم ميشود که تأليف اين کتاب هم بسال ۵۷۲ بوده و آن جمله ايشست : و سمعت الان فى سنة اثنين وسبعين انة موسوم بالعلّله الخ . مؤلف كشف الظنون در ص ۴۶۱ ج ۱ گوید تا سال ۵۹۲ اثنین و تسمين و خمسه را در اين کتاب ثبت نموده ولى چنانکه دانستيم جلد اول را مسلماً در سال ۵۷۲ مینوشته و مکرر تصريح بسالهای پيش از سال مذکور (۵۷۲) را در اين مجلد کرده است .

و عصره اهل العصر (۱) باخرزی متوفی بسال ۴۶۱ که این نیز ذیل **یتیمه الدهر** ثعالبی متوفی بسال ۴۲۹ یا ۴۳۰ می باشد، قرار داده و **یتیمه الدهر ذیل البارع** تألیف هارون بن علی منجم متوفی بسال ۲۸۸ می باشد و این کتاب اخیر، نخستین مؤلفه بدین طرز است که نسخه ای از آثار نظم و نثری گروهی در آن گرد شده و نویسندگان و مؤلفین نام برده بالا مؤلفات خود را بتقلید وی ساخته اند. و نیز بر خریدة القصر ذیل هائی نوشته شده است. چنانکه ابن خلکان تصریح نموده مؤلف خود نخستین کس می باشد که بنام «السیل علی الذیل» (۲) بر خریدة القصر ذیلی نگاشته و ما در ذیل معرفی از «سلافة العصر» از آنانکه بر این کتاب ذیلی نگاشته اند و از آن مؤلفات نام خواهیم برد.

خریده القصر چنانکه ابن خلکان و پس از وی حاجی خلیفه گفته اند در ده مجلد تألیف گردیده و صاحب شذرات الذهب (ج ۴ ص ۳۳۳) گوید که چون عماد کاتب این کتاب را در هشت مجلد تألیف نمود آنرا پیش قاضی فاضل (عبدالرحیم بن علی بن حسن لخمی میسانی عسقلانی مصری ۵۲۹-۵۹۶) (۳) فرستاد قاضی بدان وقتی نگذارد و گفت دو جلد دیگر آن کجاست چرا که مؤلف، آنرا **خری ده** نامیده و باین تعبیر کتاب را و آنانکه در وی نام برده شده اند تحقیق کرده است.

بنابر اینکه این داستان راست باشد این کتاب در هشت مجلد تألیف گردیده و چون تا اینجا که نگارنده تحقیق کرده ام نسخه کاملی از آن در دست نیست نمیتوان تقسیمات آنرا از روی قطع و یقین تعیین نمود ولی از اینکه «عود الشهاب» که مختصر خریدة القصر می باشد و زیر این سطرها مختصراً بمعرفی آن خواهیم

(۱) حاجی خلیفه در ص ۴۶۰ ج ۱ کشف الظنون مدعی شده که خریدة القصر ذیل بر «زینة الدهر فی عصره اهل العصر» تألیف ابی المعالی سعد بن علی وراق الخطیری متوفی بسال ۵۶۸ (نام مفصل کتاب و مؤلف و تاریخ فوت او را در ص ۱۷ ج ۲ معین کرده و در ص ۴۶۰ مختصراً آنرا نام برده است) می باشد که آن ذیل بر دمیة القصر و آن ذیل **یتیمه الدهر** و این ذیل **البارع** تألیف هارون منجم است ولی مؤلف در مقدمه **زینة الدهر** را نام نبرده و اشکال مؤلف فهرست دارالکتب وارد نیست. (۲) ابن خلکان گوید: شنیده بودم که این کتاب را عمادالدین ذیل بر کتاب «الذیل» تألیف ابن السمعانی که ذیل تاریخ بغداد خطیب می باشد، تألیف نموده ولی چون آنرا دیدم دانستم که ذیل بر کتاب خریدة القصر خود مؤلف است.

(۳) شرح حال این دانشمند را در ص ۳۲۴ - ۳۲۷ ج ۴ شذرات نگاه کنید.

پرداخت، شامل چهار قسمت میباشد و در مقدمه خریده مؤلف گفته که آنرا به اقسامی چند تقسیم نموده ام: (وقد قسمت هذا الكتاب اقساماً) و قسم اول در فضلاء بغداد و نواحی آن میباشد، چرا که که آن شهر مرکز و دار الخلافه است (و بهمین مناسبت در ابتداء آن بشرح حال و آثار چند تن از خلفاء عباسی که معاصرویان نزدیک بعضر مؤلف بوده اند مبادرت گردیده). و چنانکه از نسخه این کتابخانه برمی آید قسم اول در دو جزء بوده و جزء اول از قسم اول در اواسط شرح حال و آثار ابو عبدالله البارع بن الدباس النحوی بآخر میرسد و اول جزء دوم قصیده ضادیه البارع نحوی مبداء کور میباشد. ظاهراً اینست که هر یک از اقسام چهارگانه را به دو جزء تقسیم نموده، بنابراین تمام کتاب در هشت جزء خواهد بود و این موافق آنست که صاحب کشف الظنون و شذرات الذهب تعیین کرده اند.

علی بن محمد معروف به رضائی رومی متوفی بسال ۱۰۳۹ خریده القصر را مختصر نموده و بنام عودالشباب معروف میباشد و حاجی خلیفه در ص ج ۲ کشف زیر عنوان عودالشباب گوید که بنابر تسمیه خود وی این مختصر خریده «الشهاب بطردالذباب» نام دارد و آغاز آن اینست: الحمد لله الذي حمده عنوان كل جريدة الخ.

دو نسخه از عودالشباب در کتابخانه برلن موجود و درص ۴۸۹ - ۴۹۱ ج ۶ فهرست کتب عربی آن کتابخانه معرفی کامل از آن گردیده و فهرست اقسام و ابواب آنرا مفصلاً معین کرده اند و ما مختصری از آنرا در اینجا می آوریم:

قسم اول: در فضلاء بغداد و توابع آن (در ۱۲ باب). قسم دوم: در فضلاء عجم و فرس (در ۲ باب). قسم سوم: در فضلاء معاصر و نزدیک بزمان مؤلف در دمشق (در ۵ باب). قسم چهارم: در فضلاء مصر و توابع آن و بلاد مغرب (در ۱۰ باب).

بنابر این عودالشباب در ۲۹ باب میباشد و چون این کتاب مختصر خریده القصر است بایستی ابواب خریده القصر نیز ۲۹ بوده باشد.

چنانکه بالای این سطرها نگاشتیم نسخه کاملی از خریده القصر در دست نیست

و چنانکه از مندرجات ص ۹۳ ج ۳ فهرست دارالکتب العربیّه بدست می آید نسخه آن کتابخانه عکس نسخه ایستکه در کتابخانه اهلّیه پاریس وجود دارد و فهرست آن اجزاء را از آنجا نقل کردن کمکی به شناختن تقسیمات کتاب و مندرجات آن مینماید و آن اینست :

(نسخه عکسی دارالکتب شش جزء و در شش مجلد است)

مجلد اول شامل محاسن شعراء عراق : بغداد ، واسط و بصره میباشد و در شرح حال حریری صاحب مقامات بآخر میرسد (از این عبارت معلوم میشود که از آخر این مجلد نقص دارد) .

مجلد دیگر شامل محاسن شعراء مصر میباشد و از اول افتاده دارد .

دو مجلد دیگر که پشت سر یکدیگر میباشند شامل محاسن شعراء شام و فلسطین و موصل و حجاز و یمن است و در آخر آنها اتمام قسم سوم کتاب یادداشت گردیده (از فهرست عود الشبّاب نیز استفاده شد که قسم سوم شامل محاسن شعراء شام است) .

دو مجلد دیگر که اول آنها نوشته شده : « **الباب الاول من القسم الثانی من القسم الرابع** » در محاسن شعراء جزیره صقلیّه استکه جزء مغرب (اندلس) میباشد و در محاسن شعراء مغرب نزدیک : (قیروان و افریقا) و گروهی از اهالی مغرب استکه بشام آمده اند و گروهی از ایشان را اسمعانی در ذیل اصحاب حدیث نام برده و دسته ای از آنها که بمصر وارد شده اند و ذکر اعیان مغرب اقصی و اندلس و شعرائیکه در کتاب فتح بن خاقان (قلائد العقیان) نام برده شده اند و غیر از اینها .

و در فهرست نام برده این دو مجلد اخیر را بنام : **المجلد الحادی عشر والثانی عشر وهو آخر الكتاب** معرفی کرده و ظاهر اینستکه این عبارت عین آنستکه بر نسخه اصل موجود در کتابخانه پاریس نوشته شده و با آنچه پیش گذشت این تعبیر را نمیتوان درست دانست .

آغاز : بسملة (۱) الحمد لله مودع ارواح المعانی اشباح الالفاظ الخ .

(۱) در نسخه این کتابخانه پس از بسملة است : قال الشيخ الامام العالم الفاضل الرئيس الاوحد الامجد صدر الشام والعراق ذو البلاغتين عماد الدين محمد بن محمد بن حامد الاصفهاني الكاتب رحمه الله تعالى ، الحمد لله مودع ارواح الخ .

(۱۱۳۶)

خریده القصر این نسخه شامل قسم اول کتاب (در نحاسن شعراء بغداد و نواحی آن) بوده، بر گهائی از میان و آخر آن افتاده، در جاهای افتاده دار بر گهای ننوشته ای گذارده شده، از طرز کتابت و کاغذ احتمال میدهم که در قرن نهم هجری نگارش یافته، پشت صفحه نخستین یادداشتهائی از مالکین پیشین نسخه موجود و پیش ترین تاریخی که ثبت گردیده بسال ۱۰۹۹ بوده و از یادداشت دیگر یکه بسال ۱۱۳۲ مرقوم گردیده معلوم میشود که در آنسال این نسخه در دمشق بوده و اوراق نسخه آب دیده ولی خطوط آن محو نگردیده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۴۸) . (۱۲) ورق ننوشته است . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۰ - $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۴ - $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۸۳) .

[۵۰۱] **خمسہ حسینی = اشتر نامه و و اقم و عذرا** (فارسی)

این مثنوی از آثار حسینی است (حاج محمد حسین بن محمد حسن مجتهد ۱۱۸۴ (۱) - ۱۲۴۹ (۲) که اصل ایشان از قزوین ولی در کربلاء معلی متولد شده و چون پدر (۳) ایشان در شیراز رحل اقامت انداخته و به بحث و تحقیق اشتغال

(۱) در مآخذیکه برای نگارش این شرح در دست نگارنده بود تصریحی برای سال تولد حسینی نیافتم ولی در آلهی نامه (۱۰۰ بیت باخر مانده) که بسال ۱۲۲۹ منظوم گردیده گوید :

چل و پنجسالت بیاطل گذشت بیاطل پی خدمت دل گذشت

بنا بر این تولد وی بسال ۱۱۴۸ بوده است .

(۲) بامراجعہ به مقدمہ خسہ حسینی چاپ شده که نگارش خلیفه و برادر زاده ایشان آقای حاج میرزا عبدالحسین ذوالریاسیتن قطب کنونی سلسله نعمت اللهی دام عمره میباشد و طرائق الحقائق ج ۳ ص ۱۶۰ و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۹۵ - ۹۸ این شرح نگاشته شده است .

(۳) در ص ۵۶۱ ج ۱ این فهرست شرح حال مختصری از حاج محمد حسن اصولی پدر حسینی را بمناسبت یکی از مؤلفات وی نگاشته ام و در آنجا بتقلید صاحب روضات وفات ایشان بسال ۱۲۳۰ (و کانت وفاته فی العشر الثالث من هذه المائه) ثبت گردیده ولی آقای ذوالریاستین در مقدمه خسہ حسینی و مرحوم نائب الصدر در ص ۱۵۳ ج ۳ طرائق الحقائق وفات اصولی را بسال ۱۲۴۰ ثبت نموده اند و چون این دو نویسنده از خویشان و نزدیکان آن مرحوم میباشند و گفته اند « اهل البیت ادری بما فی البیت » قول ایشان متبع است بنا بر این آن تاریخ مستفاد از روضات غلط و بایستی اصلاح شود و تذکر دیگر اینکه غلط در صفحه گذاری روضات موجب شده که در ص ۵۶۱ ج ۱ فهرست بجای ص ۱۸۰ ص ۱۰۸ ثبت گردد، بایستی این غلط نیز اصلاح شود .

یافت و آنجا را وطن ساخت ، خانواده را از عراق عرب خواست ، این فرزند نیز بشیراز آمد و بابه‌ها نیکه از معلومات معقولی و منقولی داشت بسیر و سلوک راغب گشت و در طلب کاملی که او را دستگیر شود این طرف و آن طرف و باین دیار و آن دیار رفت ، دستش بدامن بزرگی که او را دستگیر شود ، نرسید ، بشیراز باز گشت ، در این هنگام حاج میرزا ابوالقاسم متخلص به سکوت او را ارشاد و دستگیری نمود . پس از وفات پدر که در شیراز عالم و مقتدا بود ، رئیس اهل شریعت و طریقت گشت و ذوالریاستین حقیقی گردید .

افکاری بلند و قریحه ای سرشار داشته و بنظم قصائد و مثنویها میپرداخته و **حسینی (۱)** تخلص میجسته و خمره وی که شامل مطالب عرفانی میباشد عبارت است از : الهی نامه ، اشتر نامه ، مهر و ماه ، وامق و عذرا و **وصف الحال** و شرحی بفارسی بردیباچه دفاتر ششگانه مثنوی مولوی رومی (۲) نگاشته است .

از این خمره اشتر نامه ، وامق و عذرا و مهر و ماه آن از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۸ در شیراز چاپ شده و در حدود ۲۰۰۰ بیت است . و نسخه ای از الهی نامه (۳) و وصف الحال که تا کنون چاپ نشده در کتابخانه آقای ذوالریاستین (حاج میرزا عبدالحسین) موجود و در حدود ۹۲۰۰ و ۷۰۰۰ بیت شعر دارند .

در **جمع الفصحا** از هریک از این خمره انتخابی گردیده و مؤلف ملاقات خود را با حسینی تذکر داده و گوید قصائد و غزلیاتش مفقود گردیده است .

آغاز : اشتر نامه : **بسم الله الرحمن الرحيم** قادر غفار و قدیم و قدیم . تا که نشان از دل و از دلبر است نام خدا زینت هر دفتر است .

(۱) این خانواده انتساب بحضرت امام حسین علیه السلام ندارند و تخلص حسینی بمناسبت نام ناظم است که محمد حسین بوده .

(۲) شرح دفاتر ششگانه مثنوی پیش از خمره چاپی پس از مقدمه آن چاپ گردیده است .

(۳) در آخر الهی نامه گوید : ز تاریخ اگر بایدت یادگار بگوشت حسنینم بدار القرار و این مصرع اخیر سال ۱۲۲۹ را معین میکند در صورتیکه کلمه بگورا نیز حساب کنیم چرا که اگر آنرا در حساب بیاوریم سال ۱۲۰۱ بدست می آید و میدانیم که در این سال پدر حسینی از عراق به ایران نیامده بوده و اشعار الهی نامه در وصف میرزا ابوالقاسم سکوت بهترین شاهد است که پس از آمدن به شیراز و تشریف خدمت مرشد منظوم گردیده است .

آغاز البهی نامه : بنام خداوند بالا و پست که مخمور اویندهشیار و مست .
 « وامق و عذرا : ای بنام افتتاح نامها ای بیادت گرمی هنگامها .
 « مهر و ماه : خداوند ادلی ده سوز در سوز بطور عشق بازی آتش افروز .
 « وصف الحال : لله الحمد خالق المتعال بر خلائق رؤوف در همه حال .

(۱۱۳۷)

(خمسہ حسینی) این نسخه بخط نسخ بدون تاریخ و نام نگارنده نگارش یافته ،
 ظاهر آ در نیمه اول قرن سیزدهم هجری نوشته شده ، بسال
 ۱۲۹۵ بنام دیوان شاه نعمت اللہ ولی داخل کتابخانه اعضاء السلطنه
 شده و بهمین نام وقف بر این کتابخانه و در دفاتر ثبت شده
 و پشت صفحه نخستین یادداشت گردیده و مسلماً وامق و عذرا و اشتر نامه حسینی است
 ولی در حدود ۱۰۰۰ بیت از اول اشتر نامه ص ۱۸۰ - ۲۰۲ خمسہ چاپی از سطر ۵
 و در حدود ۱۳۰ بیت از آخر اشتر نامه موافق نسخه چاپی (ص ۲۶۳ سطر ۱۸ تا آخر
 کتاب) افتاده دارد و پس از آخرین بیت نسخه (صدره اگر طی کنی این مرحله ✱
 باز بجوئی پی این قافله) مناجات نامه ای که آغاز آن : الہی برندان دردی کشت ✱
 کہ مستند از بادہ بی غشت . و انجام آن : دہد تاتن من ز در ماند کی ✱ بدر خواند کی
 یاز در راند کی . میباشد موجود و مسلماً نیز از حسینی میباشد .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپہ سالار . قطع وزیری کوچک . شمارہ اوراق (۱۸۷) .
 صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۰ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شمارہ
 کتابخانه (۳۸۵) .

(۱۱۳۸)

(خمسہ حسینی) این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۳۲ نوشته شده ،
 اشتر نامه آن عیناً نسخه پیشین از اول و آخر ناقص و پس از
 آن مناجات نامه نام برده موجود و مسلماً نسخه بالارا از روی
 این نسخه نوشته اند ، برگ نخستین نسخه کہ شامل هشت (۸)
 بیت از وامق و عذرا بوده بواسطه داشتن سر لوح برداشته شده ، در اول اشتر نامه

سرلوح مختصر زیبائی مییابد، اطراف صفحه نخستین فعلی و دو صفحه اول
اشتر نامه نقاشی شده، تمام برگها مجدول به اکلیل و لاجورد و پشت آخرین برگ
این نسخه را بنام و امق و عذرا معرفی و سال ۱۲۸۴ در ذیل آن ثبت گردیده است.
جلد میشن. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۸۹). صفحه ای
(۱۵) سطر. طول (۱۵ سانتیمتر). عرض ($9\frac{1}{4}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۳۶).

[۵۰۲] **خمسه خواجو** (فارسی)

کمال الدین ابوالعطا محمود بن علی کرمانی متخلص به **خواجو** (۱) (۶۸۹-
۷۵۳) از اکابر شعرا و سخن سنجان زبان فارسی بوده و چنانکه خود در اواخر
«گل و نوروز» معین نموده در ۲۰ ذیحجه سال ۶۸۹ (۲) در کرمان متولد شده

(۱) تاریخ گزیده که در حدود سال ۷۳۰ تألیف گردیده و بنا بر این مؤلف آن معاصر خواجو
بوده در فصل ششم از باب پنجم (۸۱۸ چاپ عکسی) در زیر عنوان مشاهیر شعرای فارسی گوید:
خواجو کرمانی شعر نیک دارد ~~منها~~ نی زدود دل پر آتش ما می نالد ☞ تو مپندار که از باد هوا مینالد
الخ. و از آثار و حالات او چیزی بدست نداده و در هفت اقلیم (ص ۲۲۶ مدرسه) و مجالس المؤمنین
(ص ۵۱۹ - ۵۲۳) و تاریخ مفصل ایران (قسمت مغول) آقای اقبال ص ۵۴۸ - ۵۴۹ و مقدمه
دیوان خواجو (صنایع الکمال) و مقدمه روضه الانوار بقلم آقای حسین مسرور و شمع انجمن ص ۱۳۹
و هفت آسمان ص ۷۶ و تذکره دولتشاه و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۱۵ و ریاض العارفین ص ۷۲ و
طرائق الحقائق ج ۳ ص ۲۹۲ و فهرست کتب خطی مجلس تألیف مرحوم اعتصام ص ۲۳۲ و ۲۴۷
مقدمه آقای سعید نفیسی بر منتخبات اشعار خواجو (کوهی کرمانی بسال ۱۲۰۷ ش منتشر کرده)
و خمسه خواجو مأخذ نگارنده بوده اند.

(۲) خواجو در اواخر گل و نوروز تولد خود را چنین معین نموده:

شب روز الف از مه شده کاف	فکنده آهوی شب ناله از ناف
رسیده ماه ذوالحجه بعشرین	بیام آورده گردون خشت زرین
زه جرت ششصد و هشتاد و نه سال	شده پنجاه روز از ماه شوال
من از کتم عدم برداشتم راه	سمن زار وجودم شد چرا گاه

بنابر این تصریح و اینکه در ابیات دیگر میان دو بیت اخیر این سال را مطابق ۱۶۱۰ رومی
و ۶۵۹ یزد جردی و ۲۱۲ مطابق زیج ملکشاهی دانسته مسلماً تولد وی بسال ۶۸۹ و در ماه
ذیحجه بوده نه در پنجم ماه شوال و سال ۶۷۹ که در فهرست ریو ثبت گردیده و مراد از پنجاه
روز از ماه شوال گذشته باقرینه بیت سابق و طرز تعبیر نیز ۲۰ ذیحجه خواهد بود نه پنجم شوال.
و بر حسب توجه دانشمند محترم آقای جلال همائی استاد دانشگاه طهران این سنوات مطابق ۱۶۰۲
رومی است و نویسندگان **دو** را **۵۵** نوشته اند.

(در گاهنامه طهران سال ۱۳۰۸ تألیف سید جلال الدین طهرانی در ص ۶۷ - ۸۰ در بیان
مبدء این تواریخ شرحی سودمند نگارش یافته است).

و در آن شهر بکسب کمال اشتغال ورزیده و مداحی تاج الدین عراقی (احمد بن محمد بن علی) وزیر امیر مبارالدین مظفری را نموده و مثنوی «گل و نوروز» را بنام وی ساخته و در باره وی قصائد و مدائح انشا نموده و این وزیر نسبت بوی عنایت و توجه زیاد داشته و گروهی از نویسندگان را بجمع و تدوین دیوان وی و ادار کرده و مجموعه ای که شامل ۲۵۰۰۰ بیت (۱) گردیده از آثار او مرتب و آنرا صنایع الکمال نامیده اند و در آخر دیباچه این دیوان تذکره داده شده که آنچه پس از این طبع و قادی طراوش نماید بنام بدایع الجمال (۲) نامیده خواهد شد. در اواخر عمر خواجه بشیر از آمده و در دربار شیخ ابواسحق انجو بار یافته و بمداحی مشغول و کتابهای را بنام این پادشاه موشح نموده و گویند که در جشن ختان علی سهل بن شاه ابواسحق قصیده ای گفته پادشاه طبقی پراز زر بوی بخشید از مشاهده آن نعمت فراوان در هماندم جان تسلیم نمود (۳).

خواجه حافظ از معاصرین وی بوده و در اشعار متابعت از خواجه مینموده و او را باستانی می ستوده و دیوان این دو شاعر در الفاظ و معانی و افکار بایکدگر بسیار نزدیک است.

(۱) در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی از این دیوان و نسخی از آن که در دست می باشد معرفی خواهد شد و این شماره در مقدمه نسخه مجلس است بدانجا مراجعه گردد.

(۲) بدین نام در آخر دیباچه دیوان اول خواجه (نسخه مجلس شورای ملی) تصریح گردیده ولی، در کشف الظنون نامبرده نشده، بخشی از آن در کلیات خواجه کتابخانه ملی ملک موجود و نسخه کامل آن را تا کنون سراغ نیافته ام.

(۳) در سال مرگ این شاعر بزرگ میان تذکره نویسان اختلاف است، دولتشاه و صاحب طرائق و مجالس المؤمنین بسال ۶۴۲ نوشته اند و بطلان این قول را مسلم بودن تاریخ تألیف و انشاء منظومه های وی تأیید مینماید و هدایت در مجمع الفصحا سال ۵۰۳ و در ریاض العارفین ۸۴۲ نوشته و مرحوم اعتصام و آقای اقبال و مولوی آغا احمد علی احمد در کتاب هفت آسمان (در این کتاب نوشته شده که در ریاض الشعرا سال ۸۴۲ و در مرآت العالم سال ۷۴۲ وفات خواجه دانسته شده) و در شمع انجمن و فهرست ریوس ۶۲۰ ج ۲ سال ۷۵۳ نوشته اند و ما این قول را نزدیک بصواب میدانیم و مردن وی از شادی صله زیاد در شمع انجمن مذکور است.

خواجورا نخلبند شعرا (۱) و ملك الفضلا میگویند و آثار او که اینک در دست می باشد عبارت از سام نامه (۲) و کلیات (دو نسخه از آن در کتابخانه ملی ملك موجود یکی از آنها بسال ۷۵۰ در زمان حیاة خواجو نوشته شده ، مندرجات آن در فهرست مجلس نوشته میشود) اوست .

خواجو پس از امیر خسرو بتقلید نظامی پنج مثنوی بیحرهای مختلف نظیر خمسه نظامی انشا نموده و هر يك را بنامی نامیده و نیز مدوح وی در هر يك از کتب پنجگانه یکی از بزرگان بوده و ما یکایک آنها را بترتیب سال انشاء در اینجا می آوریم :

۱ - همای و همایون، این کتاب را چنانکه خود تصریح نموده در بغداد انشا و تقریباً شامل (۳۲۰۳) بیت میباشد و بسال ۷۳۲ (کنم بذل بر هر که دارد هوس) که تاریخ این نامه بذل است و بس (بانجام رسیده و در مقدمه آن ابوسعید بهادر خان و خواجه غیاث الدین محمد وزیر رادمح گفته و در خاتمه آن از تاج الدین عراقی تشکر نموده که این مؤلفه را در هنگامیکه خدمت پادشاه مشرف میشده بعرض رسانیده و در این هنگام خواجو در کرمان بوده است .

همای و همایون بسال ۱۲۸۹ در هندوستان چاپ گردیده و آغاز آن اینست :
بنام خداوند بالا و پست ☆ که از هستیش هست شد هر چه هست .

۲ - گل و نورو، این کتاب را در معاشقه نورو پسر پادشاه خراسان با گل دختر پادشاه روم بوزن خسرو شیرین نظامی بسال ۷۴۲ (بروز جیم و از مه دال رفته) ز هجرت باو میم و ذال رفته (انشا و بنام تاج الدین عراقی موشح کرده و در حدود (۲۶۱۵) بیت میباشد و آغاز آن اینست :

(۱) در ص ۴۵۵ این فهرست در این موضوع یادداشتی است دیده شود ، خواجو در غزلیکه در وصف حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام سروده و این بیت از آنست : (وصی نفس محمد علی است آنکه بشیخ - جواهر از کمر تو آمان فرو ریزد .) از خود نخلبند تعبیر کرده ؛
چون نخلبند گل مدحتت شود خواجو
بسا که گل بریاض جنان فرو ریزد .

(۲) نسخه ای از این کتاب که از اول و آخر ناقص میباشد در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود و در ص ۲۳۲ فهرست کتب خطی آنجا مرحوم اعتصام شرحی در معرفی از آن نوشته اند و گذشته از اینکه سبک آن حاکم بر اینست که انشاء خواجو میباشد در زیر عنوان رفتن سام بشکار و دیدن پسر عم خود تخلص خواجو دیده شد و باهمای و همایون نامه خواجو هرگز اشتباه نخواهد شد و در اوائل کتاب که میخواهد شروع بمطلب نماید گوید :

نه اکنون که دور سپهری گذشت
سه ده سال از عمر من در نوشت .
بنابر این نظم این کتاب بسال ۷۱۹ بوده است .

بنام نقش بند صفحه خاك عذار افروز مه رویان افلاك

۳ - روضة الانوار، برابر مخزن الاسرار در بیست مقاله مرتب گردیده و شامل مطالبی عرفانی میباشد، بنام شمس الدین محمد بن صائن وزیر شاه شیخ ابواسحق بسال ۷۴۳ برشته نظم کشیده شده و در تاریخ وی گوید: جیم زیادت شده بر میم و ذال * و آمده چون عین منعل هلال. بسال ۱۳۰۶ خورشیدی در طهران چاپ شده و در حدود (۲۲۰۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست:

زینت الروضة فی الاول * باسم اله الصمد المفضل.

۴ - کمال نامه، نیز مثنوی عرفانی و نظیر هفت پیکر نظامی انشا و بنام شاه شیخ ابواسحق موشح گردیده و در تاریخ او گوید: شد بتاریخ هفتصد و چل و چار * کار این نقش آذری چون نگار. و در حدود (۱۸۷۹) بیت میباشد و آغاز آن اینست:

بسم من لا اله الا الله صیغ لفظی وزین معناه

۵ - کهر نامه، این کتاب اصولاً بوزن مثنوی میباشد ولی در آن غزلهایی را مندرج و بنام بهاء الدین وزیر (محمود بن عزالدین یوسف) که از نواده های خواجه نظام الملک طوسی بوده موشح ساخته و بیشتر مطالب آن در مدح اجداد بهاء الدین مذکور میباشد و در تاریخ انجام آن گوید:

مه تیر و ز مه يك نیم رفته ز هجرت ذال و واو و میم رفته

(۷۴۶) و شماره ایات آن را موافق اسم نظام الملک باستثنای حرف نون و لام (۱۰۳۱) دانسته

حسابی از نظام الملک بر ساز و ز آن مجموع لام و نون بینداز

و بر حسب شماره دقیق نگارنده نسخه ذیل (۱۰۰۹) بیت میباشد و آغاز آن اینست:

بنام نام دار نام داران گدای در که او شهر یاران

خواجو در یکی از مسافرتها خدمت شیخ علاء الدوله سمنانی متوفی بسال ۷۳۶

رسیده و در تحت تربیت ایشان در آمده و از آنوقت اثر عرفان در آثارش پدیدار گشته و روح دیگری یافته است.

خمسه خواجواز کتابهای پربها و دارای وقع و اهمیت میباشد و در حدود (۱۰۹۰۶)

بیت شعر میباشد و جز همای و همایون و روضة الانوار آن، تا کنون چاپ نگردیده

و ترتیب آن بر حسب سال انشاء چنانست که بالای این سطرها آورده‌ام ولی نسخه‌های
خمس را که نگارنده دیده ، هر يك بطرزی جز این ترتیب منظم گردیده اند .

(۱۱۳۹)

خمس این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب مرشد کاتب شیرازی
بسال ۹۵۳ نوشته ، دو صفحه نخستین که شامل چند بیت از
خواجوی کرمانی روضه الانوار میباشد ظلاً اندازی و نقاشی زیبایی گردیده ،
چهار سر لوح ظریف که هر يك بطرزی خاص ترسیم گردیده در ابتدای کتابهای
دیگر خمس میباشد و ترتیب این نسخه اینست : ۱ - روضه الانوار . ۲ - کهر نامه .
۳ - کمال نامه . ۴ - همای و همایون . ۵ - گل و نوروز .

عناوین مطالب بالا جورد و صفحات مجدول بطلا و لاجورد میباشد و مهر اسمی
که در چند جای نسخه بوده محو گردیده و پشت صفحه نخستین یادداشت
اعتضاد السلطنه مبنی بر اسامی کتابهای خمس و دخول آن در کتابخانه ایشان ثبت
گردیده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۲۶)
صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض ($۱۷\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۴۱۵)

[۵۰۳] خمس دهلوی (امیر خسرو) = (فارسی)

[هشت بهشت]

امیر خسرو دهلوی بنابر تصریح در تاریخ فرشته نام وی ابوالحسن بوده ولی
تا حدیکه نگارنده آثار ویرا مطالعه نموده ، تصریح بدین نام از خود وی نیافته ام ،
پدر او امیر سیف الدین محمود از امیرزاده های هزاره بلخ میباشد ، در فتنه مغول
بهند رفته و در آنجا نیز مقام امارت و ریاست یافته و امیر خسرو در قصبه مؤمن آباد
هند که به بیتالی شهرت یافته بسال ۶۵۱ (۱) متولد شده و تاهفت سال در دامن پدر

(۱) در تذکره دولتشاه سمرقندی است که سال عمر او معلوم نیست ولی در تاریخ فرشته گوید هفتاد و
چهار سال عمر نموده بنا بر این بسال ۶۵۱ متولد شده و در تأیید این قول خود امیر خسرو در
دیباچه غرة الکمال گوید : بتاریخ سنه خمس و ثمانین و ستمائه که سی و چهار ساله بودم الخ . و نیز
در آینه اسکندری که بنص خود وی بسال ۶۹۹ گفته شده گوید :

به پنجاه نزدیکم آمد جهان * هنوزم نشد تو به زین تر جان .

تربیت گردیده و چنانکه دردِ بیاچه غرة الکمال یاد آور شده در این سن از این نعمت محروم شده است .

پس از پدر برادران وی تاج الدین زاهد و علاء الدین علی شاه در تربیت تعلیم وی کوشیده و او را تربیت علمی و عملی کردند در دیباچه غرة الکمال (ص ۷۰-۸۰ نسخه کتابخانه) که سومین دیوان این شاعر است اطلاعات سودمندی از تاریخ حیوة و زندگانی امیر خسرو و سلاطین معاصر و ممدوح وی و استادان و مریدان او دیده میشود و چنانکه در تمام مآخذ ثبت گردید بسال ۷۲۵ در شب جمعه ۲۹ ذی قعدة الحرام که ششماه پس از مرگ مراد و مرشد وی نظام الدین اولیا باشد بسر ای جاودانی شتافته و در جوار نظام الدین اولیا دفن گردید .

این شاعر در تمام آثار خود خسرو تخلص دارد ، گویند روزی بحضرت نظام اولیا عرضه داشت که خسرو نام بزرگانست خوش ندارم در آن سرا بدین نام نامیده شوم ، نامیکه صلاح میدانید بر این بنده گذارید ایشانهم وعده دادند که در هنگام مناسبی نامی تقاضا میکنم . پس از چندی ویرا محمد کاسه لیس خطاب فرمود و از آثار امیر خسرو برمی آید که مراد او را قرء الله نیز خطاب کرده و به این عنایت افتخار دارد .

امیر خسرو با شیخ سعدی معاصر بوده و شیخ آذری نوشته که شیخ در پیری برای دیدار امیر خسرو بهند رفته و از آثار امیر برمی آید که ویرا بسعدی اعتقادی تمام بوده ، در قرآن سعدین گوید: نوبت سعدی که مبادا کهن ☆ شرمنداری که بگوئی سخن . و در جای دیگر گوید: خسرو سر مست اندر عاشقی معنی بریخت ☆ شیر از خمخانه مستی که در شیراز بود . و نیز از او ست : جلد سختم دارد شیراز شیرازی .

گویند امیر خسرو نود و نه کتاب تألیف نموده و از وی نقل کرده اند که اشعار او از پانصد هزار کمتر و از چهار صد هزار بیشتر است ، سلطان سعید بایسنقر متوفی بسال ۸۳۸ (ص ۱۳۱ جزء سیم از جلد سیم حبیب السیر) را ارادت بی زیاد نسبت باین شاعر بوده و خسته او را بر نظامی ترجیح میداده ، چنانکه البغ بیک متولد بسال ۷۹۶ و متوفی بسال ۸۵۳ (ص ۱۵۱ جزء سیم از جلد سیم حبیب السیر) را عقیده ای کامل نسبت به نظامی بوده و میان این دو بر سر این دو عقیده هماره مشاجره بوده و بهمین مناسبت بایسنقر بجمع اشعار امیر پرداخته و یکصد و بیست هزار بیت

جمع کرده پس از آن دوهزار بیت از غزلیات خسرو را درجائی یافتند که در دیوانهای وی نبود، از آن پس دانستند که جمع آوردن اشعار او متعذر است.

امیر خسرو پنج دیوان برای خود مرتب نموده و از همه آنها هم انتخابی کرده و مجلّدی ساخته، در همین فصل زیر عنوان دیوان امیر خسرو از آنها معرفی خواهد شد و آثار دیگر وی عبارتند از: تاریخ دهلی، خزائن الفتوح (در تاریخ سلطنت علاء الدین محمد شاه خلجی (۶۹۵-۷۱۰) از سال جلوس تا سال ۷۱۱ و آنرا «تاریخ علائی» نیز گویند)، قانون استیفا، رساله در موسیقی و پنج رساله بنام اعجاز خسروی که بسال ۱۸۷۶ م در دو مجلد در هند چاپ گردیده و همه اینها بشر می باشد و آثار منظوم او عبارتند از: خمسه بتقلید نظامی، قران سعدین (در همین فصل آنرا معرفی خواهم نمود)، نه سپهر (در فهرست کتب خطی مجلس ج ۱ ص ۲۶۸ معرفی شده)، تعلق نامه (در سه هزار بیت)، عشقیه یا عشیقه (در چهار هزار بیت و مسلماً غیر از قران سعدین می باشد و در کتابخانه آصفیه موجود است ص ۱۴۸۸ ج ۲)، اشک و آه (مثنوی است و در آصفیه موجود است ص ۱۴۸۶ ج ۲)، دول رانی خضر خانی (در فهرست مجلس معرفی میشود)، لالی عمان موسوم به جواهر خسروی بزبان اردو می باشد و بسال ۱۳۳۶ چاپ شده (ص ۶۳۶ ج ۳ فهرست آصفیه) و غیر از اینها.

در اینجا بترتیب سال انشاء هر یک از کتابهای پنجگانه این خمسه را معرفی مینمائیم:

۱ - مطلع الانوار، این کتاب را نظیر غزن الاسرار در نیست مقاله تنظیم نموده و خود شماره ایات آنرا ۳۳۱۰ و انشاء را بسال ۶۹۷ معین نموده و مولوی محمد ابوالحسن که از ادباء اوائل قرن چهاردهم هجری در هندوستان بوده شرح و حاشیه ای در توضیح مطالب کتاب نوشته و با این حواشی بسال ۱۳۰۲ در هند چاپ گردیده است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم ☆ خطبه قدس است بملك قدیم.

۲ - شیرین و خسرو، در مقابل خسرو شیرین نظامی است و دومین مثنوی

امیر خسرو میباشد و شماره ابیات آنرا در آخر کتاب ۴۱۲۴ و سال انشاء آنرا ۶۹۸ معین نمود.

آغاز: خداوندا دلم را چشم بگشای ☆ به معراج یقینم راه بنمای.
 ۳ - مجنون و لیلی، این مثنوی را در داستان مجنون و لیلی انشاء و نام آنرا چنانکه خود گفته بعکس اول (یعنی لیلی مجنون نظامی) گذارده (نامش که ز غیب شده سلسل ☆ مجنون لیلی بعکس اول) و شماره ابیات آنرا در آخر کتاب ۲۶۶۰ و سال انشاء را ۶۹۸ ثبت نموده و در فهرست ریو تذکر داده شده که سال ۱۲۴۴ در کلکته و سال ۱۲۸۶ در لکناهو چاپ شده است.

آغاز: ای داده بدل خزینه راز ☆ عقل از تو شده خزینه پرداز.
 ۴ - آئینه اسکندری، این مثنوی را چون اسکندر نامه نظامی ساخته و شماره ابیات آنرا خود در آخر تصریح نموده و بر حسب شماره دقیقه که این نگارنده نموده ۴۲۳۵ بیت میباشد و بر حسب تصریح خود مؤلف بسال ۶۹۹ انشاء آن خاتمه یافته است.

آغاز: جهان پادشاهها خدائی تراست ☆ ازل تا ابد پادشاهی تراست.
 ۵ - هشت بهشت، این کتاب را امیر خسرو در اوصاف بهرام گور برابر هفت گنبد نظامی ساخته و نیز بر حسب تصریح خود وی در آخر کتاب بسال ۷۰۱ انشاء آن باخر رسیده و شماره ابیات آن ۳۳۵۰ میباشد و پس از حمد و ثنای الهی و نعت حضرت رسالت پناهی صم بمدح نظام اولیا و بعد از آن بمدح علاءالدین محمد شاه پرداخته است.

آغاز: ای گشاینده خزائن جود ☆ نقش پیوند کارگاه وجود.

امیر خسرو در اواخر این کتاب که مثنوی پنجم وی میباشد گوید:

شکر حق را که از خزانه غیب ریخت چندان جواهرم از جیب
 که از آن نقد قیمتی سه سال کردم این پنج گنج مالا مال.
 چنانکه دیدیم مطلع الانوار را بسال ۶۹۷ و هشت بهشت را بسال ۷۰۱ باخر
 رسانیده و باتصریح باینکه در سه سال این خمسه را بپایان رسانیده جمع میان این

دو قول اینست که در آخر سال ۹۷۶ شروع و اول سال ۷۰۱ باخر رسانده و سه سال میان این دو سال را مشغول نظم این پنج کتاب بوده و بنابر محاسبه بالا تمام آن ۱۷۵۷۹ بیت میباشد.

(۱۱۴۰)

هشت بهشت این نسخه را یکی از اساتید خط نستعلیق نوشته ، از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهر آن در اواخر قرن دهم نگاشته شده، دارای يك سر لوح زیبا و هفت مجلس نقاشی ظریف چینی میباشد، تمام صفحات متن و حاشیه و اوراق حاشیه برنگهای مختلف و زرافشان و برگها مجدول بطلا و غیره و عناوین مطالب بر قسمتهاًیکه از طلا پوشیده شده با سفیداب نگارش یافته، بسال ۱۲۷۰ بنام « بهرامیّه امیر خسرو دهلوی » داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت برگ نخستین که نیز وقفنامه آن نگارش یافته یادداشت شده، در اینجا و بر برگیکه پیش از آنست یادداشت هائی بوده محو کرده اند، چند جای نسخه در اثر آب دهان ضایع و مرکب سطرهای دو صفحه اول آن بخودی خود محوشده و آثار کمی از آن مانده و باوجود این از نسخ بسیار نفیس شمرده میشود.

جلد تیماجی مذهب . کاغذ متن خان بالغ حواشی الوان فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۲۶) . صفحه ای (۱۳) سطر . طول (۲۵ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۷۴) .

[۵۰۴] **خمسّه فیضی = نلدمن و مرگزادوار** (فارسی)

ابوالفیض بن شیخ مبارک ناگوری از شعرای نامدار و دانشمندان و لاتبار میباشد، چنانکه خود در اواخر نلدمن گوید (۱) بسال ۹۵۴ متولد شده و پیش پدر چندسالی درس خوانده و بشهادت آثار وی و نگارش تذکره نویسان در علوم تفسیر و لغت و ریاضی و طب و تاریخ و معما و عروض و قافیه و خط و انشاء و غیره (۲) مهارت

(۱) شد مهدمن این بلند طارم ☉ در نهصد و پنجه چهارم .

(۲) نیز در اواخر نلدمن گوید : از درك ریاضی و طبیعی ☉ شد طبع حدیقه ربیعی ☉ نه طاق رصد نظاره کردم ☉ تقویم و مه ستاره کردم ☉ خط بصرم بظل ممدود ☉ نه دائره راست قصر و صعود ☉ در هفت مطب نشست دارم ☉ تشریح نالك بدست دارم ☉ سبابه کلکم از خط ژرف ☉ شد نبض شناس معنی حرف .

یافته و بسال ۹۷۴ ملک الشعرای اکبر شاه گردیده و گذشته از این مقام، مرتبه امیری یافته و خود در اواخر نلدمن گوید: (هم با امر انظیر گشتم ☆ هم بر شعر امیر گشتم). و چنانکه از خاتمه مرکز ادوار که برادر فیضی ابوالفضل مؤلف تاریخ اکبری نوشته و نگارش بدوانی که نیز با وی معاصر و نسبت بوی بی عقیده بوده و نیز از ضبط دیگران بدست می‌آید در دهم صفر سال ۱۰۰۴ جهانرا بدروود گفته است.

در هفت آسمان مؤلفه بسال ۱۲۸۵ در کلکته، مؤلف آن، احمد علی احمد، اگوید صدویک کتاب تألیف کرد. نگارنده تا کنون جز **سواطع الالهام** (۱) که تفسیر بی نقطه بر تمام قرآن کریم میباشد و راستی مؤلف قدرت ادبی و اطلاع کامل خود را بر لغت و توانائی زیاد بر انشاء را بواسطه تألیف آن نشان داده و **موارد الکلام** که نیز بزبان عربی و از حروف بی نقطه ترکیب یافته و **لیلادقی** (۲) و دیوان شعر (۳) و دو ترجمه فارسی از دو متن هندی (۴) و این دو قسمت از خمسه‌ای که بتقلید نظامی انشاء نموده بر نام مؤلفات وی دست نیافته ام.

- (۱) بسال ۱۳۰۶ در هندوستان چاپ گردیده و نسخه آن در مجلس شورای ملی موجود است.
- (۲) درس ۸۲۰ ج ۱ فهرست آصفیه در ذیل کتب ریاضی فارسی این کتاب نام برده شده و گوید بسال ۱۲۷۱ چاپ شده است.
- (۳) از دیباچه دیوان فیضی که خود وی نگاشته و نسخه ای از آن در اوائل مجموعه خطی شماره ۶۲۱ کتابخانه مجلس موجود و بسال ۱۰۸۶ نگارش یافته بدست می‌آید که این دیوان از منتخبی از اقسام اشعار تشکیل یافته و نه هزار و کسری بیت میباشد و از قرینه نسخه ای که در کتابخانه موزه بریتانیا موجود و شرح آن در ص ۶۷۰ و ۶۷۱ ج ۲ فهرست ریو نگاشته شده و شامل قصائد و ماده تاریخها و ترکیب بند و غزلیها و قطعات و رباعیها و نلدمن و مرکز ادوار و غیره میباشد و در هفت آسمان بنقل از بدوانی است که دیوان و مثنوی او از بیست هزار بیت زیاده است و نیز از خاتمه مرکز ادوار که بقلم برادر فیضی (ابوالفضل) میباشد نقل نموده که از شعر پیشین پنجاه هزار بیت از صفحه هستی سترده و بسال چهل و دوم آلهی (چنانکه در تاریخ اکبری مفصلاً نگاشته شده سال جلوس اکبر شاه که نزدیک فروردین ماه بوده مبدء تاریخی بنام آلهی قرار داده شده و چهل و دومین سال آلهی مطابق سال ۱۰۰۶ هجری است) این برادر بر آن شده که برادرزادگان خویش را در یکجا گرد آورد و پنجاه هزار بیت از ثر و نظم وی جمع گردید (در ص ۲۹۴ ج ۲ فهرست آصفیه نسخه ای چاپی از دیوان فیضی نشان داده شده و در ص ۳۰۲ نسخه ای بنام کلیات فیضی که بسال ۱۰۳۴ نوشته شده و در ص ۷۳۰ ج ۱ آن فهرست، غزلیات فیضی که بسال ۱۲۱۷ نوشته شده و در ص ۷۴۸ ج ۱ نسخه ای بنام «متفرق اشعار فیضی» که نیز بسال ۱۲۱۷ نوشته شده، نشان داده شده است).
- (۴) در تذکره علماء هند نیز نام این دو کتاب برده شده است.

ابوالفیض در آغاز شاعری **فیضی** تخلص میکرد ولی در اواخر تخلص خود را **فیاضی** قرار داده (۱) و در پایان نلدمن خود بدین موضوع تصریح نموده :

زین پیش که سکه ام سخن بود فیضی رقم نگین من بود
اکنون که شدم بعشق مرتاض فیاضیم از محیط فیاض .

از مطالعه اشعار فیضی و نگارش مورخین و تذکره نویسان معلوم شد که اکبر شاه در سال ۹۹۳ ویرا بنظم خمه ای بسبک نظامی مأمور فرمود وی از همان هنگام شروع در طرح ریزی هر پنج کتاب نمود و از هر يك بخشی انشا کرد و آنها را : مرکزادوار، سلیمان و بلقیس، نلدمن، هفت کشور و اکبر نامه (بدین ترتیب موافق پنج گنج نظامی) نام گذارد ولی تا سال ۱۰۰۳ هجری از آنها بانجام نرسید در این سال امر اکید بر انجام آن صادر و مقرر گردید که اول نلدمن را که از داستانهای قدیم هندی و عشق بازی فل نام با دمن را شامل است بآخر رساند وی امثال امر نمود و در مدت چهار ماه این کتاب را در ۴۲۰ بیت بانجام رسانید و خود در تاریخ انجام آن گوید :

این جاوهار گوهر ناب * کانگیخته ام بآتشین آب * پذیر که آب گوهر تست *

از بهر نثار افسر تست * گریشتی نثار کردم * نی کسر در او شمار کردم *

سی و نهم از جلوس شاهی * تاریخ مجدد الهی * چون سال عرب شمار کردم *

الف و سه الف نگار کردم * اکنون که جل و نهم درین دیر *

هفتاد و دو (سه) شعبه کرده ام سیر .

درص ۱۴۹۲ ج ۲ فهرست آصفیه ثبت گردیده که نلدمن چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله ای در تك و پوی توز آغاز * عنقای نظر بلند پرواز .

(۱) تاریخ این تغییر تخلص مسلماً معلوم نیست در هفت آسمان از مرآت العالم و بدوانی نقل نموده که سالها فیضی تخلص میکرد و در اواخر فیاضی تخلص نمود ولی سازگار نیامد و بعد از يك دوماه رخت حیات از این عالم بر بست و این قول گذشته از اینکه گوینده آن بدوانی معاصر وی بوده قرینه دیگر دارد که امین احمد رازی در هفت اقلیم که سال ۱۰۰۲ تألیف گردیده فقط او را فیضی نامیده است و نیز در هفت آسمان از مرآت العالم نقل شده : در آخر بواسطه موافقت وزن کلمه علامی که خطاب شیخ ابوالفضل برادرش بود فیاضی تخلص کرد .

در هنگام مراجعه بدیوان فیضی یا فیاضی نگارنده بدین دو بیت بر خورد :

شنیدم درخراسان فیضی بود * که گفتی بلبل این بوستانم * اگر او بود بلبل درخراسان *

کنون من طوطی هندوستانم . بدین دلیل علت تغییر دادن تخلص را این اشترک میداند و بنا بر این در سال ۱۰۰۳ که نلدمن را بآخر رسانیده این تغییر را هم داده است .

۲ - مرکز ادوار چنانکه دانستیم فیضی بدواً بنظم این کتاب شروع کرده ولی حسب الامر نلدمن را پیش از آن باخر رسانیده و ظاهراً این کتاب را تمام نکرده عمرش تمام گشت و برادر وی در تاریخ اکبری تصریح نموده که مأمور بود مرکز ادوار را در سه هزار بیت بانجام رساند ، نسخه ای که از این کتاب در دست نگارنده است در حدود (۱۶۶۲) بیت دارد و در زیر عنوان : **پیرایه آغاز** گوید :

چون شود این پنج گهر تابناک غوطه خورد پنجه قلم بخواک
آنکه چنین جنبش پرکار داد نام و را مرکز ادوار داد .
و ریو دو بیت زیرین را که سال تألیف و عمر ناظم را میرساند از این کتاب نقل نموده :

این می بیخش که کشیدم بغور دور نخستین بود از پنج دور
شوق کزین نامه پروبال داشت عقل کمال چهل سال داشت .
آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم ☆ گنج ازل راست طلسم قدیم (۱)
باتفحص وجستجو از سه کتاب دیگر این خسته آثاری بدست نیاوردم قطعاً
در کلیات فیضی که نشان داده شد بخشهایی از آنها را خواهیم یافت .

معاصرین فیضی باوی میانه خوبی نداشته و بدینجهت او را بی دین معرفی کرده و ماده تاریخهای بدی برای مرگ او ساخته اند ولی از مراجعه بتفسیر فیضی و مطالعه این دو مثنوی و قسمتی از دیوان وی و دیباچه آن که در دست نگارنده است جز فضل و دانش و طبع روان نقصی در او نمی یابم و از این آثار اگر

اَنْ آثَارَنَا تَدُلُّ عَلَیْنَا ☆ فَانْظُرُوا بَعْدَنَا اِلَى الْآثَارِ

درست باشد اعتقاد وی بمبدء و معاد ظاهر و بی عقیدگی از آن بر نمی آید .

(۱) فیضی دیباچه دیوان خود را به سه بیت از مرکز ادوار افتتاح نموده و پس از آن گوید :
وصلی الله علیه وآله و عترته و مدارج مرقات علمه و جواهر مرادات فطرته این ذره چندبست از ریک
بیابان خیال که سراب جهان معنیست چون بادیه پیمایان تشنه لب و آبله پایان سبحان الله
کجا پایه من هندوستانی با اینهمه کجمنج زبانی لاف پهلوانی و پهلوی دانی همانا سحر جادو گران
هند تواند و این رطب و یابس که بر طبق عرض نهاده ام نه هزار و کسریست نمونه ای از
اقسام شعر من الخ .

علاقه مندی فیضی را به سگ بعضی از تذکره نویسان تذکر داده اند (این هم که امروز می بینیم از علائم و آثار تجدد است و تنگی ندارد) و گویند روزی عرفی شاعر شیرازی بر فیضی وارد شد دید سگ بچگانی چند در اطراف وی گرد آمده اند از روی شوخی گفت : مخدوم زادگان چه نام دارند . فیضی جواب داد : عرفی . عرفی گفت : مبارك باشد . و این جواب با بودن مبارك نام پدر فیضی لطفی دارد و این بیانات عرفی موجب تألم فیضی گردید .

(۱۱۴۱)

خمسه فیضی

یا

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهراً نویسنده هندی و در اوائل قرن یازدهم هجری نگاشته شده ، یادداشت هائی بسال ۱۱۶۲ و ۱۱۷۱ و نلدمن و مرکزادوار ۱۱۷۲ پشت هر يك از بخشهای آن دیده میشود ، پیش از این دو مثنوی ، بخشی از قطعات و ماده تاریخ ها و رباعیات فیضی میباشد که زیر عنوان دیوان فیضی معرفی خواهد شد .

جلد تیماج . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق کلیه (۲۱۲)
این دو نسخه (۱۶۳) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول ($18\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر)
شماره کتابخانه (۳۲۰) .

[۵۰۵] خمسہ نظامی (فارسی)

این کتاب که چون ناظم آن در کمال شهرت میباشد از آثار بزرگ استاد عالی مقام امام و پیشوای مثنوی گوین نظامی گنجوی است (۱) (ابو محمد (۲)

(۱) گویند نظامی گنجوی اصلاً از قریه تا از توابع تفرش از محال قم میباشد و ابیاتی در این باب در برخی از نسخ خطی و چاپی نظامی دیده میشود و شهرت وی به گنجی است ، بعضی تصور کرده اند که لقب وی نظام الدین بوده و بهمین مناسبت نظامی تخلص میگرفته ولی نگارنده دلیلی بر این مدعی از ابیات خمسہ نیافت و حاجی خلیفه درس ۴۷۵ ج ۲ لقب وی را جمال الدین معین نموده و در این باب منفرّد است .

(۲) ابیاتی چند دال بر اینکه نظامی فرزندی بنام محمد داشته در خمسہ موجود و نزدیکترین کس که او را ابو محمد نظامی معرفی نموده قزوینی در آثار البلاذستکه بسال ۶۷۴ تألیف گردیده و در (بقیه حاشیه ۲ و ۳ در صفحه ۵۲۵)

ویس (۱) بن یوسف (۲) بن زکی (۳) بن مؤیدمطری (که از شعر او حکمای نیمه دوم قرن ششم هجری بوده و مسلماً پس از سال ۶۰۷ (۴) وفات یافته و در فن مثنوی کس بیایه

(بقیه حاشیه از صفحه ۵۲۴)

ذیل **جنزه** که معرب گنجه میباشد (در اقلیم پنجم ص ۳۰۴ نسخه خطی این کتابخانه) فقط ویرا بدین نام نامیده و ستوده است.

(۱) نظامی خود در لیلی مجنون در آخر مدح و ستایش شروانشاه (ص ۳۵ چاپ آقای وحید) گوید:

یا رب تو مرا که **ویس** نامم
در عشق محمدی تمامم
زان شه که محمدی جالست
روزیم کن آنچه در خیالست

و در چند نسخه **کاویس** نامم نوشته شده ولی در نسخ کهنه که **ویس** نوشته شده و جای تعجب است که دانشمند محترم آقای وحید هم کاویس ضبط کرده اند و در حاشیه نوشته اند «یعنی من که در عشق محمد اویس وار مشهور شده ام» اگر با دقت نظر کنیم خواهیم دید که بیان ایشان اجتهاد مقابل نص است و نظامی صریحاً گفته نام ویس است اگر میخواست بگوید مانند اویس عشق دارم کسیکه اینگونه مطالب دقیق و رقیق را برشته نظم کشیده توانا بود این معنی را هم بدان گونه بیان کند که معنی دیگر از آن استفاده نشود.

نظامی در تذکره دولتشاه سمرقندی نظام الدین ابو محمد بن یوسف (در ص ۱۲۸ چاپ اروپا) «ابی یوسف» میباشد ولی در نسخه خطی کتابخانه یوسف است) بن مؤید. و دکتر اسپرنگر نظام الدین احمد بن یوسف. و در کشف الظنون جلال الدین یوسف بن مؤید. و هدایت ابو محمد احمد الیاس بن ابی یوسف بن مؤید. و آقای تربیت ابو محمد نظام الدین الیاس بن یوسف بن مؤید. معرفی گردیده و در اشعار نظامی اشاره ای بنام **الیاس** نیز شده است.

(۲) نظامی خود در لیلی مجنون (ص ۴۸ چاپ وحید) گوید:

گر شد پدرم به نسبت (سنت) جد یوسف پسر زکی مؤید

بنا بر این پدر وی یوسف و پدر پدر او زکی نام داشته و از این بیت استفاده میشود که **یوسف** بنام جد خود یعنی **مؤید** معروف بوده، چنانکه ابن سینا، شیخ الرئیس بنام جدش **سینا** به ابو علی **ابن سینا** مشهور گردیده و نظائر بسیار دارد، پس باید کلمه را نسبت خواند و سنت نسخه بدل معنی ندارد.

(۳) از تاریخ انشاء و نظم چند کتاب از خمه که مسلماً آن تواریخ از خود نظامی میباشد و قرائن حاکم است که الحاقی نیست و ما آنها را نقل میکنیم و دانستن زمان ممدوحین وی در این کتاب زمان و عصر او بخوبی واضح و هویداست.

(۴) قزوینی در آثار البلاد و وفات نظامی را در حدود ۵۹۰ نوشته و دولتشاه سمرقندی در تذکره خود بسال ۵۷۶ و هدایت نیز مرگ نظامی را در همین تاریخ نوشته و مؤلف هفت آسمان از تقی الدین کاشی سال ۶۰۶ و از مخبر الواصلین سال ۶۰۲ را وفات نظامی نقل نموده و حاجی خلیفه در ص ۵۲۴ ج ۱ بسال ۵۷۶ و در ص ۴۶۲ و ۴۷۵ ج ۱ بسال ۵۹۶ و در ص ۲۰۳ ج ۱ ظنون بسال ۵۹۹ نوشته و آقای تربیت در دانشمندان آذربایجان (ص ۳۸۱ ۳۸۵) بتقل از نتائج الافکار و صبح صادق وفات نظامی را بسال ۶۰۲ نوشته اند

بطلان وفات نظامی پیش از سال ۵۷۹ را تاریخ انشاء مثنویات وی که در برخی مسلمات

(بقیه حاشیه در صفحه ۵۲۶)

وی نرسیده و او را در تشبیه و استعاره و تمثیل و خلق الفاظ و معانی دست بزرگی است.

(بقیه حاشیه از صفحه ۵۲۵)

خود نظامی بدانها تصریح نموده و بعضی هم از تاریخ و زمان ممدوحین وی بدست می آید ، بخوبی واضح و محتاج باقامه دلیل و برهان نیست و نیز بطلان تعیین سال ۶۰۲ و ۶۰۶ را هم انشاء اقبال نامه وی که بنام عزالدین مسعود پادشاه موصل انشاء گردیده ثابت میکند [در اقبال نامه است :

سر سر فرازان و گردنکشان ملک عزدین قاهر شه نشان
طرف دار موصل بفرزانگی قدس خان شاهان بفرزانگی
و در آخر کتاب گوید :

چو نام شهنش نام مسعود باد وزین داستان شاه محمود باد

و بنا بر ضبط در شذرات الذهب (ج ۵ ص ۶۲) عزالدین ابوالفتح مسعود بن سلطان نورالدین ارسلان شاه بن مسعود صاحب موصل بسال ۵۹۰ متولد شد و پس از پدر در ۱۷ سالگی بسلطنت رسید و گویند در ربیع الاول سال ۶۱۵ وفات یافت و چون پادشاهی عادل و خوش قیافه و سخی بود مرگ وی بر رعیت گران آمد .

و در این کتاب اشاره به کشته شدن نورالدین ارسلان نموده (در ابتداء اقبال نامه است :
چو شاه ارسلان رفت و در خون بخت سخن چون توان اندرین حال گفت
بطغرای دولت چو طغرل تکین ابوالفتح مسعود بن نور دین
و میدانیم این پادشاه بسال ۶۰۷ کشته شده ، بنابراین انشاء اقبال نامه میان سال ۶۰۷ و ۶۱۵ بوده و شاید در میان همین دو سال نظامی نیز وفات یافته باشد .
در اواخر اقبال نامه است :

بشخصت آمد اندازه کار من بگشت از خود اندازه حال من

بنابر این ناظم ۶۰ ساله بوده که این کتاب را بآخر رسانیده و در تمام نسخ خطی و چاپی چند صفحه پیش از این بیت در زیر عنوان «انجامش کار نظامی» این چند بیت میباشد :
نظامی چو این داستان شد تمام بعزم شدن تیز برداشت گام
نه بس روزگاری برین برگذشت که تاریخ عمرم ورق در نوشت
فزون شش ماه آمد ز شصت و سه سال که بر عزم ره بر دهل زد دوال

و چون بیت بالا که در آخر نسخه است صریح در شصت سالگی شاعر میباشد و طرز انشاء چند بیت پیش حاکی است که از دیگری میباشد و خواسته وفات شاعر را در نیمه سال شصت و چهارمین معین نماید نگارنده تصور میکند که این چند بیت از دیگری است و از خود نظامی نیست و صاحب هفت آسمان عمر نظامی را از دکنتر اسپرنگر شصت و سه سال و شش ماه و از مفتاح التواریخ ۸۴ سال نقل کرده است .

از اینکه در اوائل شرفنامه (ص ۳۶ چاپ وحید) که بر حسب ضبط در بعضی از نسخ خطی و چاپی بسال ۵۹۷ انشاء گردیده گوید :

چو تاریخ پنجه برآمد بسال دگر گونه شد بر شتابنده حال

و در اقبال نامه خود را شصت ساله معرفی نموده ، معلوم میشود که انشاء این کتاب اخیر بسال ۶۰۷ بوده و اگر وفات او را در شصت و سه سال و شش ماهه ای بدانیم وفات او بسال ۶۱۱ خواهد بود و تولد او بسال ۵۴۷ بوده است .

معرفی از چنین دانشمندی در خور هر کس نیست، بهتر آنست در اینجا شرحی که عوفی معاصر وی چند سالی پس از این حکیم سخنور در لباب الالباب (ص ۳۹۶ ج ۲ چاپ اروپا) نوشته عیناً نقل نمائیم:

« نظامی گنجۀ که گنج فضائل را بدست بیان بریاشید و خزانه لطائف را بفرق جهانیان تبار کرد ابرار لطائفی که وراء استار مخزن اسرار و متواری اند اگر رخ بنمایند دلہاء عشاق بر بایند و تنگ چشمان معانی که در تر کستان نظم مجنون و لیلی اندا گر پرده از رخ بر اندازند عقول عقلاء روزگار را شکار کنند چون در شیرین سخنی بر سریر فضل خسرو بود قصه خسرو و شیرین چنان نظم کرد که روان عنصری تلخ کام شد و چون مالک ممالک بلاغت بود قصه مسکندر چون آئینه در چشم سامعان نمود خطبه و سکه فضائلش (کذا والظاهر فضائل) بنام او ختم شد و جز این مثنویات از وی شعر کم روایت کرده اند (۱) در نيسابور از بزرگی شنیدم که از وی نقل کرد الخ. (پس ازین ۱۵ بیت شعر از نظامی نقل نموده و از سال تولد و مرگ وی نامی نبرده و چنانکه دیده میشود گویا از کتاب هفت پیکر وی بی خبر بوده که در شرح بالا اشاره ای بدان نکرده در صورتیکه بچهار مثنوی دیگر او اشاره ای کرده است).

چنانکه زیر این سطرها نگارش خواهد یافت هر يك از این کتابهای پنجگانه را که سالها (۲) پس از مرگ نظامی از یکد گردور و جدا بود و اینک برادر وارپهلوی یکد گرد قرار گرفته و بنام «خمس» نامیده شده، بنام پادشاهی موشح نموده و همه آنها موافق شماره زیرین که زیر هر يك از کتابهای پنجگانه نگاشته میشود در حدود (۲۶۰۰۰) بیت شعر میباشد ولی تذکره نویسان شماره ایات آنرا (۲۵۰۰۰) معین کرده اند.

۱ - مخزن الاسرار، این کتاب بنام بهرامشاه بن داود رومی، موشح گردیده و در حدود (۲۲۰۲) بیت میباشد و در بدست مقاله مرتب شده و شامل نصائح و حکم و امثال و مواعظ میباشد، تاریخ نظم آنرا در آخر نسخه چاپ سال ۱۹۰۸ م.

(۱) از این بیان عوفی معلوم میشود که در آنوقت اشعار دیوان نظامی زیاد شیوع و انتشار نداشته ولی در آخر این قرن قزوینی در آثار البلاد (مؤلفه سال ۶۷۴) وجود دیوانی از نظامی و خوبی او را تصریح نموده و دولت شاه سمرقندی شماره ایات دیوان او را بیست هزار ثبت نموده و جامی در بهارستان گوید که جزخسه شعر از نظامی کم نقل کرده اند، در هفت اقلیم از دیوان وی ۷۹ بیت نقل گردیده و آقای وحید اینک مشغول چاپ دیوان غزلیات و قصائد و اشعار دیگر نظامی اند.

(۲) از مطالب مندرجه در آثار البلاد قزوینی معلوم میشود که تاهنگام تألیف آن کتاب (سال ۶۷۴) این پنج گنج نظامی در يك مجلد نبوده است.

هند ۵۸۲ و چاپ آقای وحید ۵۷۲ و آقای تربیت بسال ۵۵۹ معین نموده اند ولی در نسخ کهنه خطی تاریخ وجود ندارد و ظاهر آ این تاریخها الحاقی و از خود نظامی نیست . بر غزن الاسرار شرو حی نوشته شده : ۱ شرح محمد بن قوام بن رستم بلخی (در کتابخانه مجلس موجود و در فهرست آنجا معرفی کامل میشود) .

۲ - شرح ابراهیم تتوی . ۳ - شرح امان الله (این دو شرح را مؤلف هفت آسمان در کتابخانه دهلی نشان داده و در کتابخانه آصفیه دکن از شرح تتوی نسخه ای که بسال ۱۰۶۸ نوشته شده نیز موجود است ، ص ۱۴۸۲ ج ۲ فهرست آصفیه) . ۴ - شرح محمد رضا که در حاشیه نسخه چاپ سال ۱۹۰۸ م در هند چاپ شده و ۵ - شرحیکه بدون نام مؤلف در مقدمه شرح بلخی اشاره شده است .
آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم هست کلید در گنج حکیم .

۲ - خسرو شیرین ، این کتاب را که از شاهکارهای نظامی باید شمرد و در آن داد قدرت و ادبیت داده شده بنام طغرل بن ارسلان شاه سلجوقی که از سال ۵۷۱ (۱) تا ۵۹۰ سلطنت داشته موشح گردیده و پس از مدح وی به مدح اتابک محمد جهان پهلوان پرداخته و کنیه او را ابو جعفر معین نموده و در تواریخ ثبت است که در زمان طغرل رشته کارها در دست وی بوده و چون بسال ۵۷۱ وفات یافت برادر وی قزل ارسلان جای او را گرفت و او نیز بسال ۵۸۷ در رختخواب کشته شد و شروع بنظم این کتاب را سال جلوس طغرل (ص ۱۵ چاپ و حیدریده شود) و انجام آن را بسال ۵۷۶ معین نموده و بر حسب شماره دقیق در حدود (۴۹۱۴) بیت شعر میباشد و خواهر دانشمند نگارنده (رضیه - حدائق) این کتاب را بنام « افسانه شیرین » نشر کرده اند .
۳ - لیلی مجنون ، این داستان از حکایت های عاشقی اعراب میباشد و در ایران پس از نفوذ آنها انتشار یافته و نظامی چنانکه در ابتداء این کتاب تصریح نموده ، انشاء و نظم آن بر حسب امر کتبی شروانشاه اخستان بن منوچهر (جلال الدین ابوالمظفر) (۲)

(۱) در روضه الصفا (ج ۴) مرگ ارسلان بن طغرل بسال ۵۷۱ ثبت گردیده و در شذرات الذهب (ج ۴ ص ۲۴۴) بسال ۵۷۳ ضبط شده است .

(۲) در ص ۲۳۲ ج ۲ سخن و سخنوران وفات وی میان سال ۵۹۰ و ۵۹۷ معین گردیده است .

بوده و نیز خود وی شماره ایات آنرا بیش از چهار هزار و سال نظم را بسال ۵۸۴ (۱) معین نموده و بر حسب شماره دقیق نگارنده در حدود (۴۴۵۰) بیت است.

آغاز: ای نام تو بهترین سر آغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

۴ - هفت پیکر این کتاب در شرح حالات رزمی و بزمی بهرام گور میباشد و بنام علاءالدین گرپ ارسلان (۲) پادشاه مراغه موشح گردیده و چنانکه در آن کتاب تصریح شده بسال ۵۹۳ بانجام رسیده

(از پس پانصد و نود سه فزان گفتیم این نامه را چو ناموران)

و شماره ایات آن با محاسبه دقیق در حدود (۴۵۷۷) شعر میباشد.

آغاز: ای جهان دیده بود خویش از تو هیچ بودی نبوده پیش از تو

۵ - اسکندرنامه این کتاب در داستان اسکندر و دوجزء میباشد، بخش اول را چنانکه در اوائل کتابست شرفنامه نامیده (از آن خسروی می که در جام اوست) شرف نامه خسروان نام اوست. و نیز گوید: شرف نامه را فرخ آوازه کرد حدیث کهن را بدو تازه کرد و آنرا به اتابک نصره الدین ابوبکر پسر محمد جهان پهلوان تقدیم داشته و درج ۴ روضه الصفا در آخر سلاجقه روم این اتابک را معرفی نموده و گوید پس از عمومی خویش قزل ارسلان (در ص ۲۸۹ ج ۴ شذرات نوشته شده

(۱) این چهار هزار بیت و اکثر

شد گفته بچار ماه و کمتر

آراسته شد به بهترین حال

در سلخ رجب به ث و ف دال

تاریخ عیان که داشت با خود

هشتاد و چهار بعد پانصد

(۲) از این بیت

رستمی کز فلک سواری رخس

هم بزرگ است و هم بزرگی بخش

که در ذیل دعای پادشاه و زیر نام گرپ ارسلان در ابتداء کتاب میباشد (ص ۲۲ چاپ

وحید) و این بیت:

نامه بر مرغ نامه بر بستم

تا رساند بشاه من رستم

کدر اواخر کتابست (ص ۳۶۶ چاپ وحید) معلوم میشود که نام گرپ ارسلان رستم بوده، تا کنون بتاریخ حیوة وی دست نیافته ام فقط در دانشمندان آذربایجان نوشته که هفت پیکر را به علاءالدین گرپ ارسلان فرمانفرمای مراغه تقدیم داشته و آقای وحید در ص ج مقدمه هفت پیکر نوشته اند که نامه هفت پیکر را حکیم نظامی بنام سلطان علاءالدین گرپ ارسلان اقسنقری منظوم داشته و اقسنقر غلام سلطان ملکشاه سلجوقی بوده و نه تن از فرزندانش در حدود موصل و شامات حکمرانی کرده اند.

که بسال ۵۸۷ در رختخواب خود کشته شد) بیست سال بحکومت اران و آذربایجان قیام نمود و در سنه ۶۰۷ در گذشت انتهى .

آغاز شرفنامه : خدایا جهان پادشاهی تراست ز ما خدمت آید خدائی تراست .
در آخر بعضی از نسخ خطی و نسخ چاپی (جز چاپ هند) این دو بیت :
(بتاریخ پانصد نود هفت سال که خواننده را زو نگیرد ملال
نوشتم من این نامه را در جهان که تادور آخربود جاودان)
که سال نظم را معین میکند موجود و در او آخر شرفنامه ناتمام بودن آنرا نیز تذکر داده (چو از نیمه نامه پرداختم سریری ببالین او ساختم) .

و بخش دوم به اقبال نامه و خرد نامه مشهور گردیده ، تسمیه آن بخرد نامه ظاهر است اینست که بیت اول از خرد صحبت داشته ولی اقبال نامه بودن آن ناشی از بیانی است که در آخر این کتاب در ذیل مدح عزالدین ابوالفتح مسعود بن نورالدین ارسلان شاه (بنوبت که شه دو هندوی بام یکی مقبل و دیگر اقبال نام فرستاده ام هر دورا نزد شاه که یاقوت را درج دارد نگاه) ولی چنانکه دانستیم بخش اول را خود شرفنامه نام گذارده و مکرر از آن بدین نام تعبیر نموده از جمله در همین بخش دوم گوید : شرف نامه را تازه کردم نورد سپید آب را ساختم لاجورد
و چنانکه پیش از این در حاشیه گفته شد تاریخ انشاء این بخش دوم میان سال ۶۰۷ (۱) و ۶۱۵ بوده و بر حسب شماره دقیق در حدود (۳۴۸۸) بیت است .

آغاز اقبال نامه : خرد هر کجا گنجی آرد پدید ز نام خدا سازد آنرا کلید .

(۱) از این که دانستیم شرفنامه را بسال ۵۹۷ انشاء نموده و در آنجا پنجاه سالگی خود را تذکر داده و در او آخر اقبال نامه شصت سالگی خود را اعلام نموده معلوم میشود که انشاء این کتاب بسال ۶۰۷ که سال اول سلطنت ابوالفتح عزالدین مسعود بن نورالدین ارسلان بوده بانجام رسیده و بودن این دو بیت : چو شاه ارسلان رفت و در خون بغفت سخن چون توان اندرین حال گفت
مگرد دولت شه کند یارئی در آرد بمن تازه گفتارئی . نیز مؤید است که در همان سال ۶۰۷ شروع بنظم شده که مردن پدر پادشاه را مانع از بکار انداختن قریحه و طبع خویش معرفی نموده و بیداست که میخواست بدین وسیله خود را به این پادشاه معرفی نماید و از عماد خویی که گاهی از او به نام نظام الملک ثانی معرفی میکند و بیداست که وزیر عزالدین بوده مدح کرده و از آنهاست :
(عماد خوی آن خواجه ارجند که شد قدر قائل بدو سر بلند) .

سخن بدینجا که رسید بران شدم که چند کلمه دیگر در اطراف این دانشمند
بزرگوار بیان نمایم :

از جمله غلطها یکی نسبت کتاب ویس و رامین به نظامی گنجوی میباشد و
این قول را پیش از دولتشاه سمرقندی از کسی سراغ ندارم و این شخص هم در
ذیل نظامی عروضی آنرا بتردید نسبت بوی یا گنجوی داده و در ذیل گنجوی جزماً
گوید این کتاب تألیف اوست و مدرکی برای گفتار خویش و این نسبت اظهار
نموده بلکه آنچه را هم مؤید این نسبت ذکر نموده اشکال دارد و در سخن و
سخنوران راجع به رد این نسبت شرحی نگارش یافته ، معاصر دولتشاه جامی در
بهارستان فخرالدین گرکانی را نام برده و کتاب ویس و رامین تألیف ویرا
ستوده و گوید در این روزگار مهجور و نایاب است و چند بیت از آنرا هم در
آنجا نقل کرده .

قزوینی در آثار البلاد که در اواخر قرنیکه در اوائل آن نظامی وفات یافته
تألیف گردیده در ذیل جرجان فخرالدین را نام برده و این کتاب را بوی نسبت
داده و گوید: نظامی گنجوی خسرو شیرین خود را بتقلید وی انشاء کرده .

حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده نیز فخرالدین جرجانی و این کتاب اورا نام برده است و
گذشته از آنچه گفته شد طرز فکر و روحیه این دو کتاب با یکدیگر مخالف
باین معنی که ویس و رامین داستان عشقی است که در آن چندان عفت و املحوظ نداشته
ولی نظامی داستان خسرو شیرین را با کمال عفت و پاکدامنی آغاز و بانجام میرساند .
نظامی چنانکه همه تذکره نویسان اشاره کرده اند در سیر و سلوک بوده و صاحب
مجمع الفصحا نوشته که مرید اخی فرج زنجانی است .

حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (فصل شعرای فارسی زبان) گوید: نظامی
عروضی معاصر نظامی گنجهای بوده و پیش از معرفی از عروضی گنجهای را معرفی
کرده و کتابی بنام حدیقه نیز بدو نسبت داده و ظاهراً بلکه مسلماً این نسبت
غلط محض است و پس از عروضی عنوان نظامی دیگریراهم نوشته ولی در نسخه
کهن سالیکه در این کتابخانه میباشد و بنظر این نگارنده پس از وفات مؤلف از

روی نسخه خود وی که هنوز ناتمام بوده نگاشته شده و بسیاری از موارد را که تحقیق می‌خواسته نوشته گذارده و در حاشیه آن مقابله و تصحیح شدن آن تصریح گردیده بجای آن کلمات نوشته نشده نقطه گذاری شده از آن جمله یکی جای نام نظامی کنجه ایست و دیگری نام و نشان از نظامی سوم میباشد.

حمد الله مستوفی تصور نموده که مراد از نظامی عروضی از آن شعر که در مجلس یزم ملک الجبال (قطب الدین محمد) انشاء نموده (در جهان سه نظامیم ای شاه) یکی نظامی کنجوی است و بهمین دلیل ویرا معاصر عروضی دانسته و دیگری راهم تاهنگام تألیف تاریخ گزیده بدست نیآورده در صورتیکه این اندیشه نا درست میباشد چرا که عروضی خود تصریح نموده (ص ۵۲ چاپ اروپا) که این سه نظامی یکی نیشابوری است که او را نظامی اثیری گویند و دیگری سمرقندی است که او را نظامی منیری گویند و در شعر خود هم تصریح نموده که این دو در مرو پیش پادشاه اند و کسی نظامی کنجه را در مرو نیافته و در آن روز گار اگر نظامی کنجوی هم بعد شاعری رسیده بوده ابداً شهرتی نداشته و نظامی عروضی او را نمیشناخته والا میگفت چهار نظامی در این عصریم (۱).

پنج گنج یا خمسة نظامی مکرر در ایران و هندوستان و اسلامبول و اروپا تمام یا بعضی از آنها چاپ گردیده و انتخاباتی از آن گردیده است.

(۱۱۴۲)

این نسخه را که از نسخ نفیسه و گرانهای بی مانند میباشد، **خمس نظامی** بسال ۹۵۶ مرشد (۲) کاتب شیرازی بخط نستعلیق خوب نوشته،

(۱) مأخذ نگارش این شرح راجع به نظامی گذشته از مندرجات خمسة، کتابهای زیرین است: چهار مقاله نظامی عروضی ص ۵۲ متن و ۱۹۲ حاشیه (چاپ اروپا)، لباب الالباب عوفی ص ۳۹۷-۳۹۶ ج ۲، آثار البلاد و زوینی ص ۳۰۵ (نسخه خطی این کتابخانه)، تاریخ گزیده فصل شعرای فارسی زبان، تذکره دولتشاه سمرقندی ص ۱۲۸-۱۳۱ (چاپ اروپا)، بهارستان امی (آخر روضه هفتم) نفحات الانس، آتشکده آذر ص ۲۴۴-۲۴۵، هفت آسمان ص ۵۳-۶۳، مجمع الفصحا ج ۱ ص ۶۳۷-۶۵۴، طرائق الحقائق ج ۲ ص ۲۷۹، قاموس الاعلام ترکی ص ۴۵۸۹ ج ۶ سخن و سخنوران ج ۱ ص ۹۰۸

(۲) بی انصافی نام نویسنده را که مرشد بوده محو کرده ولی از اثر آن این نام بدست می آید و پس (بقیه حاشیه در صفحه ۵۳۳)

خاور شناسانیکه باین کتابخانه آمده و آنرا دیده‌اند هر يك بهای زیادی برای آن معین نموده که اظهار آن سودی ندارد، دارای سی مجلس بسیار ظریف نقاشی و صورت‌سازی میباشد، اگر نویسنده توانائی که از صنعت نقاشی هم‌بهرور باشد بخواهد در اطراف خصوصیات مزایای هر يك از مجالس آن مختصری بنویسد، بایستی مطولی انشاء نماید، اگر ایرانی هیچگونه دلیل و برهانی بر لیاقت و شایستگی زیاد خود نداشت جز سلیقه و صنایعیکه در این نسخه بکار برده از مینا کاریها و جدول کشی ها و طلا اندازها و نقاشی ها و ترنجها و رنگ آمیزی های مجالس و طرز نقاشی هر يك از آنها که بخودی خود بانگاه کننده صحبت مینمایند، نیازمند بگواه دیگر نبود، نگارنده معترف است که در معرفی از چنین نسخه‌ایکه چشم بیننده را خیره و عقول متفکرین را حیران مینماید، ناتوان، چرا که بنابر اصطلاح دانشمندان حسن و زیبایی را آدمی، می‌یابد ولی نمیتواند آنرا بزبان در آورد (یدرک و لایوصف) و بقول یکی از یاران: چه گویمت تو که نادیده‌ای بیا و ببین.

گذشته از مجلس نقاشی که هر يك بطول و عرض صفحه کتاب میباشد پیش از شروع بکتاب دو صفحه مینا کاری ظریف میباشد که در وسط آنها مرغهای ماهی خوار چندی بشکلهای گوناگون رسم شده و در میان این مرغها در هر صفحه ترنجی است که در میان آن که از لاجورد پوشیده شده این رباعی:

کنجینه کشای کنجه، آن مؤید راد
کآمد ز ازل سخن و رانرا استاد

بقیه حاشیه از صفحه ۵۴۲

از کلمه شیرازی شهرت خود را تذکر داده بوده همان بی وجدان نیز محو کرده است، نسخه‌ای از خمه خواجه که سال ۹۵۳ همین نویسنده نوشته در این کتابخانه موجود و زیر شماره (۱۱۳۹) در ص ۵۱۶ معرفی گردیده، در ص ۶۱ تحفه سامی در صفحه چهارم (چاپ آقای وحید) زیر نام **خواجه مرشد** گوید: پسر خواجه میرک شیرازیست که سالها صاحب توجیه دفتر اعلی بود، علم سیاق را با صورت خط نستعلیق جمع کرده، لوند و لا ابالی واقع شده طبعش در شعر خوبست این مطلع ازوست: پهلوی سگ تو جاست مارا جائی به ازین کجاست مارا. بقرینه اینکه مرشد شیرازی نسخه خمه خواجه را نوشته و خط آن نسخه با این نسخه شباهت کامل دارد (اگرچه این نسخه را بهتر نوشته) و مطابقت زمان خواجه مرشد با زمان نگارش این نسخه بایستی نویسنده همو باشد و در آخر این نسخه است:

درین کتابت من گر نظر کنی روزی بگو که کاتب این خط غریق غفران باد.

دریای معانی از گهر ~~کرد~~ تهی روزی که بنای پنج گنجینه نهاد.
 و برترین دیگر نیز این رباعی :
 خسه که به غزنش بود زیب تمام از خسرو شیرینش فزودست نظام
 لیلی مجنون و هفت پیکر ز عقب تاریخ سکندرش دهد ختم کلام .
 بخط ثلث نگارش یافته و تمام دو صفحه اول نسخه که هر يك شش بیت از غزن الاسرار
 را شامل میباشد ، با کمال ظرافت نقاشی و مینا کاری گردیده ، میان سطر های
 دو صفحه بعد از این دو صفحه و هر صفحه ای که مقابل یکی از مجالس نقاشی میباشد
 و دو صفحه اول هر يك از کتابهای خسرو شیرین تا اقبال نامه که نیز دارای سرلوح
 های (پنج سرلوح) زیبایی است ، طلا اندازی و نقاشی شده و دو صفحه آخر نسخه
 بطرز جالب توجه و نظر مینا کاری و طلا اندازی و نقاشی گردیده و گذشته از اینها
 دو صفحه آخر خسرو شیرین و يك ورق از میان لیلی و مجنون و دو صفحه آخر آن
 و دو صفحه آخر هفت پیکر مینا کاریهای ظریف دارد .
 تمام صفحات با کمال استادی و مهارت متن و حاشیه گردیده و بجدول بطلا
 و لاجورد و شنجرف و غیره میباشد ، عناوین مطالب کتابهای پنجگانه بر سر سوره
 هائیکه از طلا پوشیده شده با سفید آب نگارش یافته و اطراف آن نگارش هم بر ک
 و گل نقاشی شده است .

بر حسب یادداشتی که پشت نخستین برگ نسخه گردیده سال ۱۲۸۴
 مرحوم اعتضاد السلطنه مالک این نسخه بوده و دیگری سال ۱۲۹۲ نوشته :
 در این کتاب سی و يك صفحه مجلس سازی شده . ولی با شماره دقیق مکرر اینجانب
 سی مجلس بیشتر ندارد و در دفاتر کهنه کتابخانه هم سی مجلس قید گردیده است .
 دو یادداشت دیگر در این صفحه بوده آنها را محو کرده اند ، بوسائل دقیق شاید
 بتوان از آثار آن بدست آورد که موضوع نگارش چه بوده است و وقف نامه نسخه
 در حاشیه صفحه سوم غزن الاسرار نوشته شده است .

جلد سوخته دورو بسیار اعلی . کاغذ متن خان بالغ حاشیه بخارائی . واقف سپهسالار قطع
 خشتی . شماره اوراق (۴۱۲) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول ($۳۳ \frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) .
 عرض (۲۰ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۰۰) .

(۱۱۴۳)

خمسہ نظامی این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب (۱) شیرازی
 بسال احد (۲) تسعمائیه نوشته ، پیش از شروع نگارش
 کتاب دو مجلس نقاشی که هر يك تمام صفحه را شامل میباشد ، موجود و اندکی
 ریختگی دارد ، سی و پنج مجلس نقاشی چینی ظریف دارد که هر يك نصف صفحه
 را فرا گرفته و بخوبی ظاهر و هویداست که در اوائل عصر صفوی کشیده شده
 و برخی از آنها کمال نفاست را دارد ، بر چند مجلس نقاشی آن جمله : **السلطان**
العاذل . نوشته شده و یکی از آنها را که در خسرو شیرین است اندکی دست زده شده
 و قسمتی از آنرا محو کرده اند ، اطراف دو صفحه نخستین کتاب که هر يك هفت بیت
 در آن نوشته شده ، با کمال لطافت و ظرافت نقاشی شده ، دارای پنج سر لوح
 زیباست که بسیار بایکدیگر شبیه اند و نام کتاب های پنجگانه با سفیداب بر آن
 نگاشته شده ، پشت صفحه اول نسخه ترنجی ظریف میباشد که وسط آن از طلا
 پوشیده شده و باسفید آب این بیت بر آن نگارش یافته :

طبع نظامی و دلش را ستند عالم از آن راستی آراستند .

تمام صفحات جدول بطلا و لاجورد و همه عناوین باطلا نوشته شده است
 جلد تیماجی مذهب . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۰۶) .
 صفحه ای (۲۱) سطر . طول ($۳۳ \frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۷۵) .

(۱۱۴۴)

خمسہ نظامی این نسخه بخط نستعلیق خوب نگارش یافته ، دست حوادث
 بر گهای آنرا ضایع و قسمتی از ایات آنرا هم از میان برده ،
 در حاشیه آخرین صفحه محمد علی بن محمد رضی بسال ۱۲۲۱ نوشته : بسعی میرزا

(۱) باز هم بی وجدانی نام نویسنده و بخشی از تاریخ کتابت را محو کرده ولی احتمال قوی دارد
 که نویسنده همان مرشد بن میرک شیرازی باشد و بقرین اینکه شاه طهماسب **عادل** تخلص میکرد
 و بر مجالس چندی از آن جمله « السلطان العادل » نگارش یافته بایستی برای آن پادشاه نگارش یافته
 باشد ولی خط آن پیاپی نسخه پیشین نمیرسد .

(۲) میان این دو کلمه نیز محو گردیده و بایستی **و دلشین** یا **واردین** باشد .

محمد هادی طبیب پسر میرزا ابوالفضل طبیب این نسخه که در اثر موریا نه منهدم و اوراق شده بود اتمام و اختتام پذیرفت .

راستی بحدی خوب و صالی و ابیات آن تکمیل شده که فقط با دقت توان آنها را از اصل تمیز داد ، در آخر هفت پیکر تاریخ اتمام نگارش نسخه ذیقعه سنه ۹۹۷ نوشته شده و قسمتی از عبارات بالای تاریخ محو گردیده ، کتابهای آن بترتیب معمولی نیست و بدینگونه در این مجلد گذارده شده : غزن الاسرار ، لیلی و مجنون ، هفت گنبد ، خسرو شیرین ، اسکندرنامه (شرف نامه و اقبال نامه) ، کتاب اول و دوم و چهارم دارای سر سورة ظریفی است که مسلماً از نقاشیهای قرن دهم میباشد و در آغاز کتاب سوم و پنجم در هنگام صحافی مذکور تذهیب مختصری شده ، اشعار در متن و حاشیه نوشته شده و عموماً عناوین مطالب نگارش نیافته ، بسال ۱۳۵۶ نیز در این کتابخانه صحافی گردیده و صفحات آن مجدول است . جلد تیماجی . کاغذ متن خان بالغ ، حاشیه فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۷۶) . صفحه ای (۳۴ بیت در متن ۱۹ در حاشیه) . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ ۱/۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۵۵) .

(۱۱۴۵)

خمس نظامی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش اثری نگذاشته ، ظاهر آدر قرن یازدهم هجری نگاشته شده ، پنج سرلوح دارد ، اول و آخر آنها تاز و ظاهر آ از کارهای قرن سیزدهم هجری میباشد ولی سه سرلوح دیگر از همان قرن یازدهم و بسبک هندی است ، عناوین باشنجر ف و صفحات مجدول بطلاست .

جلد ساغری مذهب . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۳۰۵) صفحه ای (متن ۲۰ حاشیه ۲۹ بیت شعر) . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۷۱) .

(۱۱۴۶)

خمس نظامی این نسخه را بخط شکسته نستعلیق محمد رضا بن حاج بیگلر بسال ۱۲۶۲ در قزوین (در آخر خسرو شیرین و لیلی مجنون

و اقبال نامه تصریح باین مطالب شده) بانجام رسانیده، ابیات الحاقی در آن زیاد دیده میشود، در متن و حاشیه نوشته شده و صفحات مجدول به جوهر سرخ و آبی است، پس از دخول در این کتابخانه پسر کتابدار آن هنگام پشت صفحه نخستین یادداشتی بسال ۱۳۱۲ نوشته است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحاسی . شماره اوراق (۳۷۴) . صفحه ای (در متن ۲۰ در حاشیه ۱۸) بیت . طول (۳۲ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۵۶) .
(۱۱۴۷)

این نسخه بخط نستعلیق خوب ظاهر آ در اوائل قرن سیزدهم
خمسہ نظامی هجری نگارش یافته، مخزن الاسرار رادر صحافی، آخر کتاب
 قرار داده اند از آخر خسرو شیرین واسکندر نامه هر يك در حدود ۴۰۰ بیت افتاده و
 آخرین بیت از خسرو شیرین اینست :

پس آنکه کردشان در پهلوی یاد که احسنت ای جهان پهلودوهمزاد
 و آخرین بیت از شرفنامه این :

کس از خاصگان پیش دارا نماند از او در دل کس مدارا نماند
 (در این نسخه این بیت چنین ضبط گردیده و در نسخ دیگر بطرز دیگری است) ،
 لیلی و مجنون و هفت پیکر را هم بدون نقص دارد ولی اقبال نامه اصلاً در این نسخه
 نیست ، میان صفحات قسمتهای چندی برای ترسیم مجالس نقاشی باز گذارده شده ولی
 توفیق کشیدن را نیافته اند .

بنام منتخبی از خمسہ نظامی وقف گردیده و بهمین نام در دفاتر کتابخانه ثبت شده
 ولی مسلماً منتخب نیست و خمسہ ای ناقص میباشد . بسال ۱۲۴۱ متعلق به محمد محسن
 نام موسوی بوده و پشت صفحه نخستین بخط خود یادداشت کرده و مهر اسم وی
 در چندین صفحه زده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۲۴) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۷۳) .

(۱۱۴۸)

خمسۀ نظامی
(هفت پیکر) این نسخه فقط هفت پیکر از خمسۀ نظامی میباشد ، برگ آخر آن که شامل ۴۱ بیت بوده افتاده و آخرین بیت نسخه اینست :
 تا در آری بحسن او نظری جلوۀ دادمش بهر هنری .
 نویسنده آن ظاهر آ هندی و در اواخر قرن نهم هجری بوده ، در آغاز نسخه سرلوحی بسبک هندی است که باسفید آب نام کتاب بر وسط آن نگاشته شده ، و میان سطرهای دو صفحه اول نسخه طلائع اندازی شده و همه عناوین مطالب بر سر سوره هائیکه از طلا پوشیده شده نیز باسفید آب نگارش یافته و تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد و غیره است ، پشت صفحه اول یادداشتی بوده نحو گردیده و یادداشت اعتضاد السلطنه مورخ بسال ۱۲۹۱ نیز در اینجاست .

جلد ضربی و سوخته (مستعمل دور گرفته) . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۱۳۰) . صفحه ای (۱۴) بیت در متن و ۵ در حاشیه . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۷۲) .

[۵۰۶] خمسۀ نوائی (ترکی)

امیر علی شیر نوائی (علی شیر بن کجکنه) (در خوشگو ثبت شده) (۸۴۴-۹۰۶) (۱) از مشاهیر درباریان سلطان حسین میرزای بایقرا میباشد و بنابر نوشته وی در مجالس العشاق از روزگار بچگی در مکتب باوی دوستی و مودت داشته ، چون بسلطنت رسید او را از ماوراءالنهر که مسکن امیر شده بود به راه خواست و کارهای بزرگی را بتدریج بوی بر گذار فرمود .

(۱) دولتشاه در زمان خود امیر در آخر تذکره خویش شرحی از حالات او را نگاشته و سلطان حسین بایقرا در مجلس ۷۴ مجالس العشاق پس از مرگ وی باتجلیلی زیاد او را معرفی کرده و گوید بسال ۹۰۶ وفات یافت و سام میرزا در تحفه سامی شرحی نیکو در حالات و آثار و مؤلفات امیر نگارش داده ، و تصریح کرده که تولد وی بسال ۸۴۴ بوده و گوید مولانا صاحب دارا قصیده ای در مرثیۀ امیر گفته که یکی از مصرعهای آن سال تولد را میرساند و دیگری سال وفات را چند بیت از آن را هم نقل نموده و مطلع آن اینست :

ای فلک بیداد و بی رحمی بدینسان کرده ای
 ای اجل ملک جهانرا باز ویران کرده ای
 ولی چنانکه دیده میشود مصرع دوم سال ۹۰۶ را که مسلماً امیر در آن سال وفات یافته نمیرساند
 و دیگر ابیات هم که محاسبه شد درست در نمی آیند این اختلاف شاید در اثر تحریف یا تصحیف ابیات باشد .

مقام فضل و دانش و علم دوستی امیرعلیشیر بپایه ایست که هر کس در این موضوع چیزی نگارش دهد چنانست که بخواهد آفتاب را بشناساند، بنابراین جز توضیح واضح چیز دیگر نخواهد بود، در این مؤلفه ناچیز و فهرست های دیگر (۱) و کتب سیر و تواریخ بسیاری از مؤلفات که در عصر و زمان و تشویق و ترغیب این راد مرد بزرگ تألیف شده، معرفی گردیده و خواهد گردید و نیز مؤلفین و شعراء و علماء نامداریکه از یمن تربیت این بزرگ، عالم علم و ادب را روشن کرده، مستقلاً یا بمناسبت در اینجا نام برده شده و میشوند، این امیر دانشمند، پس از انجام وظائف اجتماعی بمطالعه و تألیف کتب زیادی پرداخته، و بزبان ترکی و فارسی اشعاری انشاء نموده و تخلص وی در ترکی نوائی و در فارسی فانی میباشد و کتابهائی تألیف نموده، و چهار دیوان ترکی (۱- غرائب الصغر ۲- نوادر الشباب ۳- بدائع الوسط ۴- فوائد الکبر) و یک دیوان فارسی دارد (نسخه ای از این دیوان در کتابخانه مجلس موجود خصوصیات آنرا بفهرست آنجا تألیف نگارنده مراجعه نمایید) و مؤلفات دیگر چون: خمسة المتحیرین، اربعین منظوم، قصه شیخ صنعان، منشآت، تاریخ ملوک عجم (۲) بترکی، مفردات در فن معما و عروض بترکی، محبوب القلوب، تاریخ انبیا، فارسی نثر الالائی (۳)، خمسة ای در تقلید نظامی بترکی (همین کتاب)، نسائم المحبه و غیر از اینها از قلم توانایش ریخته شده است.

(۱) در صفحات ۴۰ و ۱۳۹ و ۳۲۲ و ۳۳۲ و ۳۶۰ و ۳۷۰ و ۳۷۳ ج ۱ فهرست کتب خطی مجلس کتابهائی است که بنام امیرعلیشیر تألیف گردیده است.

(۲) امیرعلیشیر در ابتداء سد سکندری پس از حمد خدا و نعت رسول ص و تعریف نظامی و جامی و سلطان حسین میرزا و فرزندی بدیع الزمان تاریخ ایران را مختصراً در چهار طبقه (۱- پیشدادیان ۲- کیان ۳- اشکانیان ۴- ساسانیان) بنظم درآورده و مسلماً تألیف تاریخ ملوک عجم که در سیره وی نوشته اند غیر از این میباشد که پیش از داستان اسکندر در این کتاب گذارده، چرا که میرزا مهدیخان در مقدمه سنکلاخ این کتاب را در ذیل مؤلفات نثری امیرعلیشیر معرفی کرده است.

(۳) در نسخه خطی تحفه سامی متعلق باین کتابخانه و نسخه چاپ آقای وحید «نظم الجواهر» و فارسی نثر الالائی بدون واو عطف و چنان نوشته شده که تصور میشود فارسی صفت نظم الجواهر است و نگارنده درص ۱۰۳ زیر معرفی از نثر الالائی تذکر داده ام که نظم الجواهر ترجمه ترکی نثر الالائی میباشد بنا بر این ترجمه فارسی نثر الالائی نیز از امیر است و در آن صفحه متوجه این معنی نگردیده بودم و تصور شده بود که بنام نثر الالائی امیر کتابی داشته است.

بنابر ادعای دولت‌شاه در تذکره خویش پیش از این امیر کسی بانشاء خمسة ای بترکی (۱) در جواب نظامی مبادرت ننموده و کتابهای این خمسة عبارتند از :

۱ - حیرت‌الابرار . ۲ - لیلی و مجنون . ۳ - شیرین و فرهاد . ۴ - سبعة سیاره . ۵ - سد سکندری . و خود امیر تاریخ انجام حیرت‌الابرار را بسال ۸۸۸ و سبعة سیاره و فرهاد و شیرین را بسال ۸۸۹ معین کرده و بر حسب شماره این جانب در حدود (۲۵۸۰۲) بیت اشعار این خمسة میباشد و تذکره نویسان و دانشمندان ترك نژاد از لطافت مضامین این کتاب در حیرت و در مقابل آن خاضع اند و تاکنون چاپ نگردیده است .

آغاز حیرت‌الابرار: بسم الله الرحمن الرحيم رشته غه چکستی پنجه در یتیم در (۳۹۸۴) بیت .

آغاز لیلی و مجنون: ای یخشی آتینک ییله تر آغاز انجام میغه کم تیارهر آغاز در (۳۶۵۰) بیت .

آغاز فرهاد و شیرین: بحمدك فتح ابواب المعانی نصیب ایت کونکولوما فتح اولماغ آنی در (۵۸۱۶) بیت .

آغاز سبعة سیاره: ای سپاسینک دیما کدمل انلی لال ایلکاتیل سپندین اولدی بیلکامقال در (۵۰۰۰) بیت .

آغاز سد سکندری: خدایا مسلم خدا لیق سنکا براوشه که دابی کدالیق سنکا در (۷۳۵۲) بیت .

(۱۱۴۹)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهراً در اوائل قرن دهم نگاشته شده ،

خمسه نوائی

(۱) جامی در آخر روضه هفتم از بهارستان که بذکر و وصف و ستایش امیر پرداخته در وصف خمسة وی گوید: مثنویات که در مقابل خمسة نظامی وقوع یافته سه هزار نزدیک (مسلماً این شماره غلط نساخ است و شاید سی هزار و تعیین تقریبی نه تحقیقی بوده است) همانا بآن زبان یش از وی به از وی پیش از وی کسی شعر نگفته است . و نیز گوید که بهر دو نوع فارسی و ترکی شعر میگفته ولی میل طبع وی بترکی از فارسی بیشتر است و غزلیات از ده هزار زیادت خواهد بود .

برگ نخستین و یک برگ از اواخر نسخه نو نویسی میباشد، در آخر فرهاد و شیرین مهر گردیکه بدین سجع میباشد: (محترمه سلطان بیگم بنت السلطان الغازی سلیمان.) و اطراف آن در دوازده کنگره دوازده اسم از اسماء الله نوشته شده و میرساند که نسخه متعلق بکتابخانه دختر سلطان سلیمان بن سلطان سلیم (۹۲۶ - ۹۷۴) عثمانی بوده موجود و بر مجلدات دیگر این کتاب هم همین مهر بوده ولی آنها را کرده اند.

برخی از برگهای نسخه و صالی گردیده و عناوین مطالب باشجرف نگاشته نحو شده است.

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی بزرگ . شماره برگها (۳۲۵) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول ($۲۴\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۶۹) .

(۱۱۵۰)

خمسه نوائی این نسخه را بسال ۱۰۱۲ و ۱۰۶۵ و ۱۰۷۷ (در آخر کتاب این تاریخ اخیر است) بخط نستعلیق نوشته اند، در آخر سبعة سیاره نویسنده ای که ظاهر آن نیز نویسنده همه پنج کتاب میباشد خود را **اصالحی خراسانی** معرفی نموده و در اینجا مهر بادامی که بدین سجع میباشد زده شده : غلام شاه عباس است مرجان. و میرساند که متعلق بیکی از امراء آن عصر که **مرجان** نام داشته بوده است. عناوین مطالب باشجرف میباشد.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۷۴) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول ($۳۲\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۶۶) .

(۱۱۵۱)

خمسه نوائی این نسخه که در این کتابخانه بنام « اشعار ترکی » معرفی شده، « سدسکندری » یا پنجمین کتاب خمسه نوائی است ولی ۱۸۰ بیت (**سدسکندری**) از اول و ۲۷۸ بیت از آخر آن افتاده، ظاهر آن در قرن دهم هجری نگارش یافته و برگهایی از آن و صالی شده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی بزرگ . شماره اوراق (۹۸) . صفحه ای (۱۸) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض ($۱۸\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۷۲) .

[۵۰۷] **خمسہ ہاتفی** (فارسی)

(لیلی و مجنون ، ہفت منظر ، تمر نامہ یا ظفر نامہ ہاتفی)

یکی از شعرائیکہ خمسہ نظامی را جواب گفته اند ہاتفی است (ملا عبد اللہ ہاتفی
خوشانی جامی متوفی بسال ۹۲۷) (۱) کہ از نزدیکان (۲) عبدالرحمن جامی بودہ
و گویند مبادرت باین کار را از جامی اجازہ گرفته ، وی برای امتحان قدرت
طبع وی جواب گفتن شعر فردوسی : درختیکہ تلخ است ویرا سرشت الخ . را
از او خواست ، ہاتفی گفت :

اگر بیضہ زاغ ظلمت سرشت	نہی زیر طاوس باغ بہشت
دہی آتش از چشمہ سلسبیل	در آن بیضہ دم دردمد جبرئیل
بہنگام آن بیضہ پروردش	ز انسجیر جنت دہی ارزش
شود عاقبت بیضہ زاغ زاغ	اکشد رنج بیہودہ طاوس باغ .

جامی طبع او را شایستہ این کار دید و بدو اجازہ داد و مشہور است کہ بوی گفته
است بد نگفتی ای ولی چہار جا تخم گذار دہی ، ہاتفی استدعا نمود کہ افتتاح
لیلی و مجنون را جامی نماید وی این درخواست را اجابت نمود بنابراین بیت نخستین
از جامی است .

از خمسہ ہاتفی فقط این چہار کتاب انشاء گردیدہ : (لیلی مجنون ، شیرین

(۱) در حبیب السیر جزء سیم از جلد سیم ص ۳۴۶ ، تحفہ سامی ص ۹۴-۹۷ چاپ وحید ، ہفت اقلیم
ص ۵۷۲ ، تذکرہ خوشگو ، ترجمہ تاریخ ادبیات ادوارد برون ص ۱۵۲-۱۵۳ ، ہاتفی نام بردہ شدہ
و مراجعہ کردید و در حبیب السیر است کہ در ماہ محرم وفات یافتہ و در تاریخ فوت او حبیب اللہ معرفت گوید :
تاریخ فوت او طلبیدم ز عقل گفت

و جملہ جامی ثانی را نیز مادہ تاریخ وفات وی یافتہ اند .

(۲) در اوائل ہفت منظر گوید :

یا زیاران پاک کیش توام
خاک این درگہست تاج سرم
دہیم در جوار خویش بار

نیست این دعوی کہ خویش توام
عمرها شد کہ از سگان درم
دارم امید آنکہ آخر کار

وخسرو، هفت منظر و تمرنامه یاظفرنامه (۱) و از کتاب پنجم وی نامی درجائی و اثری در کتابی نیست، شاید توفیق بمبادرت جواب مخزن الاسرار را نیافته باشد، سام میرزا در تحفه سامی گوید بسال ۹۱۷ که شاه اسمعیل پس از فتح بلاد خراسان متوجه عراق بودند در حوالی قصبه خرچردجام جهت زیارت تربت شاه قاسم انوارنزل فرموده بودند، بر سبیل گشت بدر باغ هاتفی رسیدند مولانا خبردار شد و باستقبال شتافت، مورد عنایت واقع شد و طالب چند بیت از اشعار او شدند مطلوب شد و مورد تحسین واقع گردید و مأمور به نظم فتوحات شاهی شد، در حدود هزار بیت از آنرا بنظم آورد اما توفیق اتمام نیافت و چند بیت از این مثنوی نیز در تحفه سامی نقل گردیده است.

گذشته از این پنج مثنوی آثار دیگری از هاتفی در دست نیست و تذکره نویسان تذکر نداده اند که جز مثنوی هم شعر داشته ولی دیوان قصائد و غزلیات داشته و خود وی در تمرنامه پیش از شروع بداستان گوید:

نگوئی همی در فن مثنوی	سخن را دهم زینت خسروی
بهر شیوه گیر نظم کردم علم	ستانم ز دست عطارد قلم
بلند آستانی اگر همچو میخ	بدامن گهر ریزدم بی دریغ
دهم در قصائد بدانسان ندا	که خاقانی آنجا کند جان فدا
بجلوه در آید گر آن دلفریب	که ازدل برد هوش از جان شکیب
طریق غزل را بداند که چیست	اقدامست خسرو حسن نیز کیست

(۱) در آخر تمرنامه گوید:

من آنروز که طبع گنجینه سنج	نشستم بصرافسی پنج گنج
گرفتم ز لیلی و مجنون نخست	وزان صورت دعویم شد درست
شد آن نقش فرخ چو گیتی پسند	ز شیرین و خسرو شدم بهره مند
چو آن گلستان را بیاراستم	از آن خوشتر آمد که میخواستم
چو باز آمدم زان همایون سفر	سوی هفت منظر فکندم نظر
تماشا گهی کردم آراسته	که شد چرخ از رشک آن کاسته
شدم چون ز افسانه گفتن خموش	هوای سکندر ز دل برد هوش



شدند آن حریفان فرخنده رای
و خود در اینجا تصریح نموده که عین ظفر نامه شرف الدین علی یزدی را که تاریخ صحیح است نه
افسانه و خیالی بنظم کشیده.

بود بحروکان سخن ملک من درو لعل ریزد سرکلك من
 یکی از مختصات هاتفی اینست که در این کتابهای چهار گانه خویش بمدح کشی نپرداخته
 و اشاره ای بزمان و عصر خود نکرده و تاریخ نظم هیچیک از کتابهای چهار گانه را
 معین ننموده و پس از حمد و ثناء و نعت و بیان معراج حضرت رسالت پناه ص م و منقبت
 حضرت مولی علی بن ابی طالب ع شروع بمطلب نموده ، در تحفه سامی است که
 تمر نامه را در چل سال بنظم آورد ، و در کشف الظنون نیز همین مطلب نگارش
 یافته ولی این قول را نگارنده از قرائن موجوده در کتاب منکر است ، ارادت خود را
 به سید قاسم انوار در لیلی و مجنون تصریح نموده و این مثنویات را از برکات آن
 مرشد کامل دانسته و در همین کتاب تشیع خود را اظهار داشته و در اینجاست :
 یارب که کنی خجسته نامم در دین دوازده امام
 بخشای بهاتفی ز کوثر يك جرعه بحق آل حیدر
 گردد چو زبان بگفت گویم مداح علی و آل اویم .
 آغاز لیلی و مجنون : این نامه که خامه کرد بنیاد توفیق قبول روزیش باد
 (در حدود ۲۰۰۰ بیت است) (۱) .

آغاز شیرین و خسرو : خداوندا بعشقم زندگی ده بفرقم تاج عزّ بندگی ده
 (در حدود ۱۷۰۰ بیت است) (۲) .
 آغاز هفت منظر : ای نگارنده ضحیفه غیب نام تو صدر صفحه لاریب
 (در حدود ۲۴۶۶ بیت است) .
 آغاز تمر نامه : بنام خدائی که فکر خرد نیارد که تاکنه او پی برد
 (در حدود ۴۶۵۶ بیت است) (۳) .

(۱) لیلی مجنون هاتفی بسال ۱۷۸۸ م در کلکته چاپ شده .
 (۲) نسخه شیرین خسرو هاتفی زیر شماره ۳۳۲ در کتابخانه مجلس شورای ملی بنام خسرو شیرین
 هاتفی موجود در صورتیکه خود این کتاب را شیرین و خسرو نام گذارده .
 (۳) تمر نامه بسال ۱۸۶۹ م در لکنه و چاپ شده و بر حسب تصریح ناظم عین ظفر نامه تیموری است .

(۱۱۵۲)

خمسہ ہاتفی

این نسخه بخط نستعلیق خوب (ظاہراً در اواسط قرن دہم
ہجری) نوشتہ شدہ ، نویسنده از خود و سال نگارش نام
نبرده ، دو صفحہ نخستین لیلی بخون نقاشی و میناکاری و تذهیب
ظریفی گردیدہ ، در ابتداء دو کتاب دیگر دوسر لوح ظریف
کوچک میباشد ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد است ، پشت برگ نخستین مرحوم
رضاقلیخان ہدایت شرحی در معرفی از نسخہ و مؤلف آن بسال ۱۲۸۳ در تبریز
نوشتہ و یادداشت ورود بکتابخانہ اعتضاد السلطنہ نیز در ہمین صفحہ است .
در آخر نسخہ آثار محو چندین سطر وجود دارد .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپہسالار . قطع وزیری کوچک . شمارہ اوراق (۳۱۴) .
صفحہ ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۲ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شمارہ کتابخانہ (۲۸۰) .

(۱۱۵۳)

خمسہ ہاتفی

این نسخہ نیز بخط نستعلیق خوب (ظاہراً در اواسط قرن
دہم ہجری) نوشتہ شدہ ، دارای یک سرلوح زیباست ،
صفحات مجدول بطلا و لاجورد ، عناوین باشنجرف میباشد ،
بخشی از ورق نخستین پارہ و وصالی گردیدہ ، سطرہائی از صفحہ دوم محو شدہ ،
۱۳۲ بیت از آخر کتاب افتادہ و آخرین بیت نسخہ کہ جملہ ای از اول مصرع دوم
آن نیز محو گردیدہ اینست :

ستایند در پیشگہ بندہ وار ی خداوند گار

جلد تیماجی . کاغذ خان بالغ . واقف سپہسالار . قطع وزیری کوچک . شمارہ اوراق (۱۳۱) .
صفحہ ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارہ کتابخانہ (۳۹۴) .

(۱۱۵۴)

خمسہ ہاتفی

این نسخہ را بسال ۹۸۰ زین العباد شریف بخط نستعلیق
نوشتہ ، بسال ۱۰۳۵ ادریس ابن حاج سلیمان مشہور بہ
ابن البہلوان آنرا خریدہ و در آخر نسخہ خود یادداشت کردہ ،
دوبرگ از ابتداء نسخہ کہ شامل ۵۰ بیت بودہ افتادہ و نخستین بیت موجود اینست :

مغنی بیاران نو آئین نوا . دل درد مند مراده نوا .

و عناوین باسرخ نویخته شده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۹۷) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۵۰۱) .

[۵۰۸] دیوان ابن التعاویذی (عربی)

ابن التعاویذی (۱) (ابو الفتح محمد بن عبیدالله (۲) بن عبدالله ۵۱۹ - $\frac{583}{584}$) (۳) از

نویسندگان و شعرای قرن ششم هجری بوده و معاصر وی عماد کاتب اصفهانی در جلد اول خریدة القصر زیر عنوان : مناقب برخی از معاصرین . او را با تجلیلی زیاد نام برده و اشعاری که بسال ۵۶۱ ازوشنیده در این کتاب آورده و نیز کاغذیکه با کمال بلاغت و فصاحت از بغداد بشام فرستاده و ازو پوستینی خواسته (۴) در اینجا است .

در دیوان مقاطعات بغداد نویسنده بوده ، ابن خلکان مینویسد تا حدیکه من میدانم تا دو یست سال پیش ازوی کسیکه مانند وی فصیح و بلیغ باشد وجود نداشته ، و بسال ۵۷۹ که شصت سال از عمر وی گذشته بود از هر دو چشم نابینا شده و در رثاء چشم خویش و تأسف از رفتن جوانی اشعاری فصیح دارد .

پیش از این مصیبت بجمع دیوان خود مبادرت کرده و آنرا بچهار فصل بدین تفصیل که زیر این سطر ها نگارش مییابد منقسم نموده و دیباچه ای ظریف و زیبا بنشر بر آن نگاشته و آنچه پس از این ترتیب از سنخ هر يك از فصول ، انشاء نموده بنام زیادات بر آن اضافه کرده و از این رو در پاره ای از نسخ دیوان اینگونه اشعار نیست و فصول چهار گانه این دیوان اینست : فصل اول در مدح خلفاء عباسی است

(۱) تعویذ دعا و طلسم نویسی است ، گویا جد این شاعر دارای این پیشه بوده و از این جهت بدان مشهور شده و این شاعر بدان نسبت داده شده است .

(۲) در نسخه خطی خریدة القصر این کتابخانه و شذرات الذهب پدر این شاعر عبدالله ولی در وفیات الاعیان و معجم المطبوعات عبیدالله ثبت گردیده است .

(۳) خریدة القصر (نسخه خطی این کتابخانه) ورق ۱۴۸-۱۵۲ ، وفیات الاعیان ج ۲ ص ۱۹-۲۲ معجم المطبوعات ص ۵۱ مراجعه شود .

(۴) در وفیات الاعیان ، این کاغذ از خریدة القصر نقل گردیده است .

و ابتداء بقصیده ای نموده که در مدح الناصر لدین الله عباسی در سال ۵۷۵ در هنگام خلافت وی انشاء گردیده . **فصل دوم** در مدائح وزراء و بزرگان و امثال و اقربان و دیگر از معاصرین . **فصل سوم** در مدائح بنی المظفر میباشد که شاعر خود وجد مادریش **ابو محمد بن التعاویذی** (بنابر تصریح خود وی) در تحت تربیت این خاندان بوده و از نوال احسان آنها روزگار میگذرانیده و بمدح و ثنای ایشان مشغول بوده اند . **فصل چهارم** در اقسام شعر از قبیل مرثیه و غزل و هجا و نصایح و قصاید و مقطعات و غیر از اینهاست .

این دیوان بسال ۱۹۰۳ در بیروت تحت نظر مر کلیوت مستشرق چاپ شده ولی ترتیب آن موافق تقسیمیکه شاعر خود نموده نیست و تمام اشعار را موافق حروف قوافی آنها از الف تا یاء مرتب نموده است .

آغاز : خطبه بسمله قال ابو الفتح . . . اما بعد حمد الله على نعمائه السابقه الخ .
آغاز دیوان موافق نسخه اصل :

طاف يسعى بها على الجلاس كقضيبي الاراكة المياس (۱) الخ .

(۱۱۵۵)

دیوان ابن التعاویذی این نسخه ظاهراً در اواخر قرن هفتم نگاش یافته ، اوراقی از اول و آخر آن افتاده ۶۰ برگ آخر آن نو نویس و ظاهراً از خطوط اوائل قرن سیزدهم هجری و نویسنده آن سید عمران بن سید عزیز میباشد ، این نویسنده در تمام بودن دیوان تردید کرده ، اشعار این قسمت اخیر موافق تقسیم مذکور بالا از فصل چهارم میباشد ولی شاید تمام آن فصل را شامل نباشد و گذشته از این احتمال دارد از میان فصول پیشین هم اوراقی افتاده باشد و این نسخه موافق همان ترتیبی است که ناظم خود دیوان را بدانگونه ترتیب داده و شامل اشعاریکه پس از کوری انشاء نموده نیز میباشد و این نسخه بنام «دیوان ابن التعاویذی و قصائد بعضی از شعراء عرب و تذکره الشعراء» داخل کتابخانه گردیده

(۱) این آغاز قصیده ایست که در ابتداء خلافت الناصر لدین الله در آخر سال ۵۷۵ انشا نموده است .

و بر کنار نخستین برگ یادداشت گردیده ولی مسلماً شامل غیر از دیوان نام برده نیست.

از مقدمه نثری شاعر بخشی (ظاهر آيك صفحه) افتاده و نخستین سطر آن اینست: *الاسن المتناسیه وعطفت علیها القلوب القاسیه وشملى من برها المتواتر الخ*. و قسمتی از اشعار اصل نسخه در اثر پوسیدگی اوراق از میان رفته و وصالی گردیده است.

جلد تیماجی . کاغذ حنائی و فرنگی . واقف سیهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۴۳) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۱۹) .

[۵۰۹] دیوان ابن خفاجه (عربی)

ابن خفاجه (ابو اسحق ابراهیم بن ابی الفتح بن عبدالله بن خفاجه ۴۵۰-۵۳۳) (۱) از شعرای اندلس میباشد ، فتح بن خاقان گوید : در عید فطر سال ۵۱۰ او را در شاطیبه دیده ام و از آثار او نقلهایی نموده ، دیوانی بسیار نیکو دارد ، در جزیره شقر که از توابع بلنسیه است متولد شده و از پادشاهان معاصر خویش که از دریای بی پایان آنها ادبا بهره مند میشدند هرگز چیزی نخواست و ابن خلکان گوید : شقر بضم شین و سکون قاف وراء مهمله شهر کوچکی است میان شاطیبه و بلنسیه و آنرا بدین سبب جزیره گویند که اطراف آنرا آب فرا گرفته و بلنسیه بفتح باء موحد و فتح لام و سکون نون و کسر سین مهمله و فتح یاء حطی است و اندلس بفتح همزه و سکون نون و فتح دال و ضم لام و سین مهمله و این (اندلس) جزیره ایست که متصل است به **بر الطویل** و بر طویل چسبیده به قسطنطنیه بزرگ است و او را جزیره گویند چرا که دریا از اطراف بر آن احاطه دارد مگر طرف شمال و مثلث شکل است و رکن شرقی آن متصل بکوهی است که راه فرنگ از آنجاست و هر گاه نبود دو دریا بیک دیگر متصل میشدند . و گویند نخستین کس که اینجا را آباد کرده اندلس بن نوح علیه السلام بوده است (تمام شد بیانات ابن خلکان) .

(۱) وفيات الاعیان ج ۱ ص ۱۴ ، فائد العیان ص ۲۳۰-۲۴۱ معجم البلدان ج ۱ ص ۳۷۵-۳۸۸ و معجم المطبوعات ص ۹۵ مراجعه شده است .

(اندلس جزء کشور اسپانیا میباشد و کوه نام برده « پیرنه » است که میان فرانسه و اسپانیا میباشد) .

ابن خفاجه در مقدمه ادبیانه ای که خود بر این دیوان نوشته گوید : در آغاز جوانی عشقی بخواندن دیوان سید رضی موسوی و مهیار دیلمی و عبدالمحسن صوری داشتم و از مطالعه آنها رفتی که مناسب روزگار جوانی بود نصیب گردید ، در اقدای ایشان بنظم اشعار مشغول شدم ، چون روزگار جوانی سپری شد و صبح پیری دمید از این کار دست کشیده و روزگار درازی بگفتن شعر مبادرت نمودم ، در این روزگار که عمرم نزدیک بتمامی بود امیر اجل ابواسحق زمامدار جزیره اندلس گردید و مقرر شد برای تهنیت امارت شرفیاب حضورش گردم ، الطاف و مرحام و عطایا و احسان پیایی امیر مذکور طبع خمول و افسرده ام را بانشاء نظم و نشر و ادا نمود ،

دوستان گردآوری آثارم را خواستار شدند با آنکه پیری مانع بزرگی بود و بسیاری از گفته های پیشینم پوسید و برخی فقط جز در سینه های اشخاص یافت نمیشد ، چون آنها را بررسی کردم پاره ای را شایسته محو و برخی را با اندک اصلاح و تصرفی لایق اثبات یافتم ، برای آنکه مطالعه کننده از يك نواخت بودن آن خسته نشود قسمتهای نثری را که آثارم همراه داشت در اینجا نیز گذاردم الخ » .

در این دیوان چند تاریخ یافت میشود که نزدیکترین آنها بماء، سنه ۵۱۴ را که شاعر در آن هنگام ۶۴ سال داشته معین نموده و گذشته از مکاتیب و عناوین مطالب و مقدمات آنها شامل قصائد و غزلیات و مرثی و غیره میباشد و ترتیب صحیحی ندارد ، در مقدمه وعده داده اگر عمر بپایان نرسد خود وی این دیوان را بترتیب قوافی مرتب نماید ولی معلوم نیست که موفق شده یانه .

این دیوان بسال ۱۲۸۶ در چاپخانه جمعیة المعارف در مصر چاپ شده و در حدود (۳۷۰۰) بیت از نظم و نثر است .

آغاز : بسملة قال الوزير (۱) ابواسحق ابراهیم بن ابی الفتح بن خفاجه

(۱) در اول و آخر این نسخه ویرا بعنوان وزیر نام برده ولی در مآخذ نام برده این مقام برای وی تذکر داده نشده است .

الحمد لله الذي عمّ بفضلته ومنّ بعد وفتق اللسان برحمته الخ .

(۱۱۵۶)

دیوان ابن خفاجه
این نسخه بخط نسخ (ظاهراً در قرن نهم) نوشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده و باین جمله ختم میشود: کمل شعر الوزير الفقيه الجليل ابي اسحاق ابن ابراهيم بن ابي الفتح بن خفاجه اعزّه الله وذلك في اليوم السابع عشر من شهر شعبان المكرم عام ست وتسعين وخمسائة رحمه الله تعالى آمين .

ولی نگارنده تصور میکند که این تاریخ کتابت نسخه نیست و این تاریخ ظاهراً آخر نسخه ای بوده که این نسخه را از روی آن نوشته اند و طرز نگارش نوع و کاغذ او این احتمال را مؤید است .

گذشته از یادداشت اعتضاد السلطنه که سال ۱۲۸۵ نوشته شده و وقفنامه کتاب بر ورقیکه پیش از برگ نخستین نسخه میباشد این دو یادداشت نوشته شده من کتب الفقير الحاج محمد سنان سنة ۱۱۹۷، ثم للمفقر ولده احمد وهبي غفر الله لهما . و پشت برگ نخستین یادداشت تملك درویش يوسف سنان بی تاریخ وجود دارد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری باریک . شماره اوراق (۷۷) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۱ $\frac{1}{3}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۵۲) .

[۵۱۰] دیوان ابن فارض (عربی)

ابن فارض (شرف الدین ابوالقاسم عمر بن ابي الحسن علی بن مرشد بن علی الجموی المصری ۵۷۶هـ (۱) - ۶۳۲هـ (۲)) (۳) از مشاهیر شعرا و معاریف صوفیه است

(۱) در مآخذ نام برده زیر این سطر تولد وی در این سال ثبت شده ولی در مقدمه دیوان (هر دو نسخه این کتابخانه) سال ۵۷۷ نوشته شده است .

(۲) گذشته از مقدمه این دیوان (عنوان دیوان) که سبط وی نوشته و مفصلترین شرح حال ابن فارض میباشد ، این شرح با مراجعه به وفیات الاعیان ج ۱ ص ۳۸۳ ، مجالس المؤمنین ص ۲۷۸-۲۷۹ ، کشف الظنون ج ۱ ص ۴۹۹ ، شذرات الذهب ج ۵ ص ۱۴۹ - ۱۵۳ ، روضات ص ۵۰۵ و ۵۰۶ معجم المطبوعات ص ۲۰۰ و ۲۰۱ نگارش یافته است .

(۳) ابن خلکان گوید پدر این دانشمند در محضر حاکم ، حقوق زنانرا بر مردان معین مینمود بدین جهت مشهور به **فارض** گشت و این پسر نیز به ابن فارض مشهور گردید .

دیوان وی بهترین گواه بر مراتب فضل و ادب و سیر و سلوک او میباشد، تائیه وی بسیار مشهور میباشد و شروح زیاد بر آن نوشته شده، این قصیده موجب شد که جمعی ظاهر بینان در عقائد وی شبهه ناک شوند و بعضی بی‌باکانه او را تکفیر و تفسیق کردند ولی گروهی در این قصیده بادقت و امعان نظر نگاه کردند و بیشتر بوی گرویدند و برخی هم میانه را گرفته و در نفی و اثبات وی چیزی نگاشتند و چنانکه از اشعار او استفاده میشود امامی مذهب بوده و قاضی در مجالس او را بدین وصف معرفی کرده است.

سبط ایشان که علی نام داشته مقدمه‌ای بر دیوان ابن فارض بنام «عنوان الدیوان» نوشته و در آن بشرح حال و مقامات جدّ خویش پرداخته و چند مکاشفه او را نقل نموده و از تاریخیکه در این مقدمه بمناسبت یاد شده معلوم میشود که انشاء آن مقدمه پس از سال ۷۱۰ بود و در اینجاست که نسخه بردارندگان از دیوان تصحیف و تحریفهای زیاد کرده اند و من این دیوان را از روی نسخه ای که بخط ابن فارض پیش خودم بود و نزد پدرم شیخ کمال الدین محمد آنرا یاد گرفته و با کمال دقت در تصحیح و یاد گرفتن مطالب آن کوشش نمودم و ایشان از پدرش این دیوان را (مگر یک قصیده که در مکه انشاء فرموده) شنیده و بر وی خوانده بود و این دیوان را خود وی (ابن فارض) پس از ایام تجرید خویش در مصر مرتّب کرده است.

شیخ بهائی ره در جلد سوم کشکول تائیه ای بنام تائیه صغری از ابن فارض نقل نموده است.

بر این دیوان شروح چندی نوشته شده و بعضی از آنها چاپ شده و در این کتابخانه شرحی است که معرفی از آن خواهد شد و خود این دیوان مکرّر در مصر و بیروت و اروپا با ترجمه لاتینی و آلمانی چاپ گردیده است.

آغاز مقدمه (عنوان الدیوان): بسم الله الحمد لله الذی اختص حبیبه الاسنی بمقام قاب قوسین او ادنی الخ.

آغاز دیوان: سائق الاطمان یطوی البید طی منعماً عرج علی کتبان طی.

(۱۱۵۷)

دیوان

ابن فارض

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۵۹ غلوق بن عبدالله بن سلام نوشته ، پس از اتمام نیز همین نویسنده دو قصیده که نیزبوی نسبت داده شده نگاشته و پشت صفحه نخستین مهر معتمدالدوله که مسلماً از فرهاد میرزانیست زده شده و مقدمه ای را که سبط وی نگاشته شامل میباشد . جلد تیماجی . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره برگها (۱۱۹) . صفحه ای (۱۳) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۲ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۲) .

(۱۱۵۸)

دیوان

ابن فارض

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۷۴ طاهای بن خزام نوشته ، چهارده بیت در آخر از نسخه بالا بیشتر دارد و مقدمه نام برده را نیز داراست ، پشت صفحه نخستین یادداشت هایی میباشد و نیز پشت آخرین صفحه یادداشتی شیرین مبنی بر رهن کتابهایی چند، بیهای بسیار کمی است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی کوچک . شماره اوراق (۱۰۵) صفحه ای (۱۳) سطر . طول (۲۰ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۴ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۰) .

[۵۱۱] دیوان ابو تمام طائی (عربی)

ابو تمام طائی (۱) (حبیب بن اوس بن الحرث الطائی ۱۹۰ (۲) - ۲۳۱ (۲)) از مشاهیر شعرای عرب میباشد از قبیله طی ابو تمام در شعر و حاتم طائی در سخا و داود بن نصیر طائی در زهد شهره آفاق میباشد ، قاضی نور الله در مجالس المؤمنین ، از کتب رجال شیعه و « کتاب الحیوان » جاحظ تشیع ویران نقل نموده و گوید قصیده ای در مدح ائمه شیعه علیه السلام از حضرت علی بن ابی طالب ع تا حضرت ابو جعفر محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام

(۱) وفيات الاعیان ج ۱ ص ۱۲۱-۱۲۳ ، شذرات الذهب ج ۲ ص ۷۲-۷۴ ، مجالس المؤمنین ص ۴۷۸-۴۷۹ ، کشف الظنون ج ۱ ص ۵۰۱ و معجم المطبوعات ص ۲۹۶ و ۲۹۷ ، در هنگام نوشتن این شرح مراجعه گردیده است .

(۲) ابن خلکان تولد ویرا گذشته از سال مذکور بسال ۱۸۸ و ۱۷۲ و ۱۹۲ نیز نقل نموده است .

(۳) ابن خلکان وفات ویرا گذشته از سال مذکور بسال ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۲ نیز نقل نموده است .

که امام زمان وی بوده انشاء نموده ، در شذرات الذهب شرح مفصّلی در شرح حال و معرفی مقامات علمی و ادبی ابوتمام و مقایسه او با متنبی و بحتری بنقل از المثل السائر و بیانات ابن الاهدل نگارش یافته ، برای شناختن این شاعر مطالعه آن بسیار سودمند و ابن خلّکان در باره وی پیش از صاحب شذرات شرحی مفصّل نگاشته ، گویند که چهارده هزار از جوزه غیر از قصائد و قطعات در حافظه خویش جا داده و در آغاز جوانی در یکی از مساجد شام سقائی مینموده و پدرش نصرانی بوده است .

از ابوتمام چهار کتاب بیاد کارمانده که هر يك شامل نقایسی میباشد : ۱ - دیوان حماسه (در همین فصل زیر یکی از شروح آن (شرح ابن فارس) معرفی خواهد شد) ، ۲ - فحول الشعر (در این کتاب جمعی از شعراء جاهلیّین و مخضرمین (۱) و اسلامیین را ذکر نموده) ، ۳ - الاختیارات من شعر الشعراء و ۴ - دیوان اشعار خود وی .

ابوتمام دیوان خود را جمع نکرده و پس از وی دو نفر بدین کار مبادرت کرده اند : ۱ - ابوبکر صولی (ابوبکر محمد بن یحیی بن عبدالله معروف بشطرنجی مؤلف « ادب الکتاب » متوفی بسال ۳۳۵ یا ۳۳۶ (۲) .

۲ - علی بن حمزه اصفهانی (۳) است و اوّلی آنرا در هشت باب (۴) بتفصیل زیرین بترتیب حروف تهجی موافق قوای اشعار مرتب نموده :

- (۱) مخضرمین شعرائی را گویند که درك زمان جاهلیت و اسلام را کرده اند .
- (۲) این تاریخ از ص ۱۲۱۸ معجم المطبوعات نقل گردیده است .
- (۳) در کتب سیر و رجال بشرح حال و زمان این دانشمند دست نیافتم فقط در ص ۴۸۰ روضات در ذیل ابونعیم بصری (علی بن حمزه) گوید: و این شخص غیر از علی بن حمزه بن عماره بن حمزه اصفهانی است که صفدی او را نام برده و گوید از ادباء مشهور و مؤلف « کتاب الشعر » و « فقر البلاء » و « قلائد الشرف » میباشد . و در کشف الظنون این سه کتاب نام برده نشده است .
- (۴) در وفيات الاعیان و کشف الظنون مذکور است که ابوبکر صولی این دیوان را مرتب بترتیب حروف نموده و علی بن حمزه اصفهانی آنرا بحروف مرتب نکرده ولی به انواع تقسیم کرده ولی در ابتداء ابواب نسخه این کتابخانه که مرتب به انواع هشتگانه موافق تقسیم بالا میباشد تصریح گردیده که ابوبکر صولی مرتب این دیوان بدین ابواب میباشد بنابر این وجه جمع میان دو اینست که گوئیم ابوبکر صولی آنرا مرتب با ابواب مرتبه بحروف چنانکه نسخه این کتابخانه است نموده ولی علی بن حمزه مرتب با انواع و ابواب کرده و ترتیب قوافی را موافق ترتیب حروف تهجی منظور نداشته و اختلاف تنظیم مطالب ابواب در نسخه چاپی با آنچه پشت صفحه نخستین آن تذکر داده شده و نسخه این کتابخانه ، مؤید مرتب بودن هر دو به انواع است .

۱ - مدیح . ۲ - هجا . ۳ - مرثی . ۴ - غزل . ۵ - معانیات . ۶ - اوصاف .
 ۷ - افتخارات . ۸ - زهد . (این ترتیب موافق نسخه زیرین است) .
 این دیوان را شرواحی چند مییابد که در کشف الظنون زیر نام این دیوان نام برده
 شده اند و ابو العلاء معری از آن انتخابی نموده و آنرا « ذکر حبیب » نام نهاده و اصل
 دیوان مکرر در بیروت و مصر چاپ گردیده و باب اول آن تقریباً دو ثلث تمام دیوان است .
 آغاز : بسمله (۱) یا موضع الشدنیة الوجناء و مصارع الادلاج و الاسراء

(۱۱۵۹)

دیوان این نسخه را بخط نسخ اسمعیل بن حسن دزفولی بسال ۱۲۷۱
 نوشته ، و عناوین با شنجرف مییابد ، در ابتداء هر قسمتی از
 ابوتمام طائی اقسام ابواب ، ابوبکر صولی نگاشته که این قصیده یا قطعه در
 چه موضع و موضوع انشاء گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۹۵) . صفحه ای
 (۱۴) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ $\frac{۱}{۳}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۴۳) .

[۵۱۲] دیوان ادیب صابر (فارسی)

ادیب صابر (۲) ، شهاب الدین (۳) صابر بن اسمعیل ترمذی متوفی بسال ۵۴۶ یا ۵۴۷ (۴)
 مییابد که از مشاهیر شعرای فارسی زبان بوده و از اشعار وی فضائل و کمالات او
 ظاهر و هویدا است ، به دیوانهای شعرای عرب بسیار نگاه مینموده و بدانها اشاره
 و تصریح کرده و از آنها استفاده نموده ، معاصر رشید و طواط ، خاقانی ، امیر معزی ،

(۱) پیش از شروع به این بیت پس از بسمله گوید : قال ابوتمام حبیب بن اوس الطائی یمدح خالد بن
 یزید الشیبانی و هذا علی الترتیب الذی رتبہ ابوبکر الصولی و شرحه و جعله ثمانیة اصناف .

(۲) اگرچه تخلص شاعر صابر مییابد ولی چون مشهور با دیب صابر مییابد بدین نام معرفی گردید
 و شرح حال ایشان در لباب الالباب (ج ۲ ص ۱۱۷ - ۱۲۵) تاریخ گزیده ص ۶۳۰ ، تذکره
 دولتشاه (چاپی) ص ۹۲-۹۳ ، هفت اقلیم ص ۴۹۶-۵۰۰ ، مجمع الفصحا ، ج ۱ ص ۳۱۴-۳۲۵ ،
 طرائق الحقائق ج ۲ ص ۳۶۵ و سخن و سخنوران ج ۱ ص ۲۵۰-۲۶۰ مختصر او مفصلاً ذکر شده است .

(۳) لقب مشهور ادیب **شهاب الدین** مییابد ولی در مقدمه نسخه این کتابخانه و یکی از نسخ
 کتابخانه مجلس که نویسنده آن شناخته نشد بنقل از تاریخ غزالی شرح حال ادیب نوشته شده و در
 اینجا لقب وی جلال الدین ضبط گردیده و در ماخذ دیگر شهاب الدین است .

(۴) در تذکره دولتشاه و مجمع الفصحا و سخنوران وفات ادیب بسال ۵۴۶ و در هفت اقلیم بسال ۵۴۷
 ثبت گردیده است .

نظامی عروضی ، مسعود سعد سلمان و معاصرین اینها بوده و مرّبی وی ابوالقاسم
محمدالدین علی بن جعفر بن حسین قدامه موسوی بوده که او را رئیس خراسان
مینوشته اند و ادیب بدین نام و کنیه و لقب از وی نام برده :

حمایت و کشف دین محمد محمدالدین ز شرم عادت او دین محمد را مأمن
جلال آل پیمبر علی بن جعفر که ذات کامل او چون علی است در هر فن
.....
ابو القاسم علی تاج المعالی که چرخ فضل و خورشید و تبار است
و در غزلی است

ابرسخی حدیث و حکایت به بحر و بر از مجلس رئیس خراسان کند همی ،
نزد سلطان سنجر (۵۱۱ - ۵۵۲) تقرب و احترام داشته ، گویند صابر
را بنام رسالت پیش اتسز خوارزمشاه (۵۲۱ - ۵۵۱) فرستاد ، اتسز او را در
خوارزم نگاه داشت ، چون ادیب صابر مستحضر گردید که برای کشتن سنجر دو
نفر را اتسز بمر و فرستاد ، سنجر را آگاهی داد ، بدین واسطه از کشتن رهائی
یافت و آن دو نفر را کشت ، اتسز چون بدین کار ادیب آگاهی یافت فرمان داد
تا او را در شب بجیحون انداخته و غرق کردند .

تخلص ادیب چون نامش صابر میباشد (و گرچه در حوادث صبر بهتر ✱
نیم بی تو چون نام خویش صابر) ولی عموماً در قصائد و غزلیات تخلص خود را
نیاورده و بیشتر از اشعار وی در مدح ابوالقاسم موسوی و محمد بن طاهر الحسینی
(اجل محمد بن طاهر الحسینی کوست بحسن و حمد و جلالت زمانه را منهاج)
بوده و بعدی در اظهارات انتسابات این دو بزرگ بحضرت حیدر کرار (۱) علیه السلام

(۱) در مسند سیادت و در محفل هنر گوئی درست حیدر کرار دیگری
خیبر علی گرفت و گرفتند دشمنان خواری زعز تو چو جهودان خیبری

.....
خداوندی که اندر علم و در حلم ز حیدر از پیمبر یادگار است
و نیز این ابیات دالّ بر تشیع ادیب است :
مهدی بود که دفع کند ظلم را بعدل مهدی توئی بدین صفت اندر دیار خویش
و در یکی از ترکیب بندها است :

هم مصطفی نسب بود و مرتضی حسب جز مرتضی حسب نبود مصطفی نسب
و نیز در ترکیب بند دیگری است : ای رفعت و علو علی مرتضی تو را علم و وفا و فضل علی الرضا تو را .

بی اختیار بوده که بدین سبب توان جزم داشت که امامی مذهب بوده و در این بیت هم تصریح به تشیع خویش نموده :

ز روز کار بدردم زدوستان محروم چو مرتضی بامامت چو فاطمه ز فداك (۱)

از آنکه معتقد مرتضی و فاطمه ام کزین حصول درج باشد و خلاص درك
چندین مدیحه درباره اتسار خوارزمشاه دارد و سلطان سنجر را هم مدح گفته
و قصیده ای غرا در ستایش وی سروده و از اینکه سنجر خود را برادر مرشد و مقتدای
ادیب (ابوالقاسم علی بن جعفر) خوانده او را تحسین و تمجید کرده است .

در مقدمه نسخه زیرین تذکر داده که ادیب صابر را دیوان بزرگی است و این
قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات افتاد (ظاهراً کلمه بدست از قلم نویسنده
افتاده است) و بر حسب شماره نگارنده نسخه این کتابخانه در حدود (۵۲۰۰)
بیت شعر میباشد در لباب الالباب (۹۴) و در هفت اقلیم (۵۶) و در مجمع الفصحاء
(۷۰۰) و در سخن و سخنوران (۱۷۲) بیت (بعضی ابیات هم در چند کتاب تکرار
شده) از این ادیب انتخاب و چاپ گردیده است .

قصائد ادیب صابر موافق قوافی مرتب بحروف تهجی میباشد ولی غزلیات
و قطعات و رباعیات وی مرتب نیست ، نسخه ای که از این دیوان سردار معظم
خراسانی (خصوصیات آن در فهرست کتابخانه مجلس نگارش خواهد یافت) تهیه
نموده شامل ۵۳۳۴ بیت و تمام مباحث آن مرتب بحروف تهجی موافق قوافی است
و نسخه دیگر آن کتابخانه که ۵۲ سال پیش تر از آن نوشته شده شامل ۴۹۱۴
بیت میباشد .

آغاز : (۲) نوبهار بدیع بی همتا همتی بذل کرد در صحرا

- (۱) در ص ۱۲۳ ج ۲ لباب کلمه امامت در این بیت خلافت میباشد ولی در نسخ خطی امامت است .
(۲) بسملة ملك الشعرا جلال الدین ادیب صابر شاعری است مشهور ، از افاضل شهر ترمذ و در تاریخ
غزالی خواندم که چون الخ .

(۱۱۶۰)

دیوان

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۶۰ (۱) نوشته شده ، پیش
از شروع بنوشتن دیوان ، شرح حال مختصری از ادیب که
آغاز آن در حاشیه صفحه پیشین نقل گردید ، (در ۱۴ بیت)

ادیب صابر

نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۱۸۷) .
صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۸) .

[۵۱۳] دیوان ازرقی (فارسی)

ابوبکر بن اسمعیل و راق هروی متخلص به ازرقی (۲) یکی از شعرای مشهور
ایران میباشد ، حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده لقب او را افضل الدین و هدایت
در جمع الفصحاء زین الدین ثبت کرده اند و عوفی و امین احمد رازی او را بدین
عنوان : الاجل الحکیم شرف الزمان ابوالمحاسن الازرقی الهروی معرفی نموده و او
را از خصوصان طغان شاه خوانده و زمان او را بر معزی سابق دانسته و گویند :
« دیوان او خود بتمامت غریب و عجیب است و تشبیهات و نوادر او دل فریب »
گذشته از دیوان دو کتاب منظوم دیگر به ازرقی نسبت داده شده یکی الفیه
و شلفیه (۳) و دیگری سند باد میباشد (۴) و خود بدین مؤلفه خویش در این بیت
(هر که بیند شهریارا پند های سند باد نیک داند کاندراودشوار باشد شاعری)

(۱) تاریخ نگارش این نسخه مسلماً در این سال میباشد و نویسنده بعبارت عربی غلط نوشته و سال
دیگر از آن استفاده میشود .

(۲) از این شاعر درص ۸۶-۱۰۴ ج ۲ باب الباب و ۳۱۸ و ۳۱۹ (حواشی) آن و ص ۴۳ و ۴۴ چهار
مقاله و ۱۷۱-۱۷۸ (حواشی آن) و تاریخ گزیده ص ۸۱۴ (عکسی) و ص ۱۳۹ ج ۱ مجمع الفصحا
و ص ۵۳۶-۵۴۲ هفت اقلیم معرفی گردید و در نگارش این شرح بدانها مراجعه شده است .

(۳) الفیه و شلفیه و سند باد گویند دو کتاب از کتابهای باستانی میباشد درص ۸۱۱ و ۸۴۴ تاریخ
گزیده (چاپ عکسی) نیز از سند باد و ترجمه ترکی آن یاد شده و آقای قزوینی در معرفی از آنها
و ترجمه های ثری و نظمی که از این دو گردیده درص ۳۱۸ و ۳۱۹ جلد اول باب الالباب (قسمت
حواشی) و در ص ۱۷۱-۱۷۴ چهار مقاله نظامی عروضی (در تعلیقات) شرح مفصل و مفیدی
نگاشته اند .

اشاره نموده است وفات ازرقی در مجمع الفصحا بسال ۵۲۶ و در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۱ خطی) سال ۵۲۶ یا ۵۲۷ ضبط گردیده ولی علامه تحریر آقای قزوینی در حواشی چهارمقاله وفات ازرقی را پیش از سال ۴۶۵ که سال جلوس ملکشاه است دانسته اند و در اینجا نیز تذکره داده اند که طغانشاه ابن ارسلان از طرف الب ارسلان حاکم هرات بوده ولی کاملاً مجهول است و بعضی که بمدوح ویرا طغانشاه ابن مؤید دانسته و بهمین جهت بیت اورا که شامل مدح آن پادشاه بوده بنام این پادشاه کرده اند راه غلط پیموده اند و این پادشاه اخیر از سال ۵۶۹ تا ۵۸۱ سلطنت داشته و پدر ازرقی اسماعیل وراق است که فردوسی را در هنگام فرار از سلطان محمودش ماه جای داده و بر حسب عادت مشکل است پسر او تا زمان این طغانشاه زندگانی کرده باشد. دیوان ازرقی که شامل قصائد و رباعیات میباشد، موافق نسخه ای که در کتابخانه مجلس موجود است در حدود (۲۴۰۶) بیت شعر (قصائد و ۲۱ قطعه شامل ۱۵۲ بیت و ۷۷ رباعی) میباشد، ۷۶۲ بیت از آن در مجمع الفصحا و ۲۲۴ بیت در لباب الالباب چاپ گردیده ولی تمام آن تا کنون چاپ نگردیده است.

آغاز: بسمله، چه جرمست این که هر ساعت ز موج نیلگون دریا

زمین را سایبان بندد به پیش گنبد خضرا الخ.

(۱۱۶۱)

این نسخه فقط شامل قصائد ازرقی میباشد و ۱۷۹۵ بیت میباشد، بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۶۱ نوشته شده و در حاشیه صفحات ازرقی هروی معانی برخی ازواژه های مشکل آن یاد داشت گردیده است.

جلد مقوایی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچک. شماره اوراق (۵۵). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۴ سانتیمتر). عرض (۱۵ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۷۶).

[۵۱۴] دیوان اسیری (فارسی)

شیخ شمس الدین محمد بن یحیی (۱) بن علی لاهیجی متوفی بسال ۹۱۲ (۲) که یکی از خلفای سید محمد نور بخش (۷۹۵-۸۶۹) (۳) مؤسس سلسله نور بخشیه است که

(۱) درس ۹۵۹ هفت اقلیم در ذیل لاهیجان زیر عنوان قاضی یحیی گوید: «برادر قاضی عبدالله (بقیه در صفحه ۵۵۹)»

شرح گلشن راز و مثنوی اسرار الشهود وی (در همین فصل از این دو کتاب معرفی میشود) حاکی از مراتب فضل و کمال علم و ادب و عرفان ایشان میباشد، پس از مراد خویش در شیراز رحل اقامت انداخته و بدستگیری مشغول و خانقاهی بنام نوریه ساخت و در همانجا بنحاک سپرده شد.

گذشته از ادله ای که قاضی نورالله بر تشیع وی نقل کرده در دیوان وی ابیات زیادی میباشد و از آنها این بیت: (مرتضی آن منبع صدق و صفاست آن وصی و جانشین مصطفی) صریح در تشیع اوست.

دیوان لاهیجی (اسیری) شامل غزلیات و رباعیات است که بترتیب قوافی مرتب بحروف تهجی بوده و غزلیات نسخه این کتابخانه اوراق آن جابجا گردیده چند ورقی هم از آن افتاده و تمام دیوان موافق نسخه ای که در یکی از مجموعات کتابخانه مجلس موجود است در حدود (۴۳۹۰) بیت میباشد و نسخه این کتابخانه در حدود (۳۰۰۰) بیت است و قاضی نورالله گفته اند که «دیوان او مشهور و شطری از اشعار ایشان در شرح گلشن راز موجود است».

در آخر نسخه (دیوان) این کتابخانه دو رساله کوچک که یکی در شرح این رباعی: از پنجه پنج ششدرشش بدر آی وز کش مکش سپهر سرکش بدر آی خواهی که چش ذوق خوشیهای عدم از ناخوشی وجود خوش خوش بدر آی. و آغاز آن اینست: بسم الله... حمد و سپاس و ثنای بقیاس حضرت واجب الوجودی را که اعیان ممکنات الخ (در ۷۷ بیت)

و دیگری که ناقص است و از آن ۸۹ بیت مانده در شرح این بیت است: ز دریای شهادت چون نهنگ لا بر آرد هو تیمم فرض گردد نوح را در وقت طوفانش (نسخه کامل این رساله در کتابخانه مجلس موجود است)

(بقیه حاشیه از صفحه ۵۵۸)

یقینی (پیش از این یقینی را نام برده و گوید از جانب پدر بسلسله نوربخشیه می پیوسته) است و گذشته از شاعری بزی اهل تصوف درآمد و ریاضات زیاد کشید. و ظاهر این قاضی پدر اسیری است (۲) شرح حال این مرد را درص ۳۱۶ و ۳۱۹ مجالس المؤمنین و درص ۱۴۳ ج ۲ طرائق و ص ۴۰ ریاض العارفین (چاپ اول) و مختصری درص دانشمندان آذربایجان نگاه کنید.

(۳) از ص ۳۰ ج ۳ طرائق و ص ۳۱۲ و ۳۱۵ مجالس المؤمنین که شامل شرح حال آنجناب میباشد این تاریخ نقل گردیده.

و آغاز آن اینست بسمله حمد و سپاس بیکد بر حضرت احد صمد و درود و ثنای بی عدد بر پیغمبر ما محمد ص متواتر و متوالیاً الی الابد الخ . و در مجموعه کتابخانه مجلس رساله ای (در حدود ۱۲۰ بیت) در شرح دوبیت از مولوی : چونکه بی رنگی اسیر رنگ شد الخ بفارسی موجود و آغاز آن اینست : بسمله الحمد لله الذی کان احادیته الخ .

گذشته از طرز عبارت این رساله و تصریح بر ارادت به سید محمد نور بخش در آن ، که دلیل بر نسبت به اسیریست ، بر نسخه مجلس صریحاً این دور ساله به اسیری نسبت داده شده است .

(۱۱۶۲)

دیوان اسیری این نسخه بخط نستعلیق (در اوائل قرن یازدهم هجری نوشته شده) در آخر مثنوی اسرار الشهود تاریخ اتمام سال ۱۱۸۲ یادداشت گردیده ولی این تاریخ اصل کتاب نیست بلکه هنگام تکمیل نقص و افتاد های آن کتاب میباشد و طرز کاغذ و نگارش مؤید است (، مثنوی اسیری که آنرا « اسرار الشهود » نامیده و در همین فصل از آن نام خواهیم برد پیش از غزلیات گذارده شده و دو رساله که در معنی یک رباعی و یک بیت میباشد و مختصر معرفی از آن گردید پس از رباعیات اسیری است ، اوراق غزلیات جابجاشده و برخی از آنها افتاده و دو مکتوب دوستانه در حاشیه چند صفحه آن نگارش یافته و رساله دوم ناقص و آخرین سطر آن اینست : محرم سرادقات حضرت الهی خواهد بود بیت :
ز من جان پدر این پند بپذیر برود امان صاحب دولتی گیر
که قطره تا صدف را در نیابد نگردد گوهر و روشن نتابد .

آغاز نسخه : ای اسیری چون گرفتارش شدی دائماً خون دل از دیده بیار
انجام نسخه : مامست شراب وصل یاریم از هر دو جهان خبر نداریم .
پشت صفحه نخستین رساله اول ، کلی بامداد ترسیم شده و ظاهراً اثر فضلعلی قاجار است که در آخر اسرار الشهود نیز کلی بسال ۱۲۲۳ ترسیم کرده و در آنجا رقم کرده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق کلیه (۱۸۹) دیوان (۹۱) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول ($۱۹\frac{۱}{۳}$ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۴۶) .

[۵۱۵] دیوان اظهري (فارسی)

اظهري يکي از شعراي بسيار عاليه جناب عصر صفوي ميباشد ، در کتب تذکره وسائر مآخذ که در دست نگارنده ميباشد نام و اثری از وی نیافته ام ، در آخر این دیوان خود تصریح نموده که نامش بوداق بوده (در یکی از ابیات دیوان نیز تصریح باین نام کرده) و تولدش را بسال ۹۹۱ اشاره نموده قصائد، و غزلیات و مقطعات و مثنوی و رباعیات وی هر يك دارای روحی لطیف و عباراتی دلنشین ميباشد و در ابتداء دیوان بسال ۱۰۳۰ دیباچه ای بنثر ، چون آب زلال انشا نموده و در آغاز غزلیات نیز دیباچه دیگری دارد و از مندرجات در متن و حواشی نسخه زیرین که نخستین نسخه دیوان این شاعر ميباشد بدست می آید که تا سال ۱۰۶۱ زنده بوده و پس از این سال که شاعر هفتاد سال داشته از او خبری ندارم و اشعاریکه در حاشیه صفحات از انواع نام برده بالا نوشته شده، پس از اتمام نسخه ميباشد که بسال ۱۰۵۴ نگارش یافته است .

اظهري از اینکه دیگری در اصفهان تخلص ویرا برداشته شکایت نموده و گوید:
 قریب پنجه سال است کین تخلص من به اظهري شده در روزگار افسانه
 ز حال غره بی دانشی ابوجهلی که در فرائض اسلام هست بیگانه
 بخود تخلص من بسته از تهی مغزی که تابگویند او نیز هست فرزانه الخ
 و در این دیوان نظمى بتاریخ سال ۱۰۱۲ که شاعر ۲۱ سال داشته وجود دارد، و در این دوبیت تصریح نموده که اصلش از شیراز است:

گر نیم یونانی اما اصلم از شیراز بس کو حکیمی تا ز فضلم مایه حکمت برد
 شد من اجم منقلب با آنکه در این روزگار ارطیون طبعم از يك نسخه صد جان پرورد
 برای هر يك از قصائد خویش نامی بدین گونه گذارده ، وردالابرار ، ضیاء القلوب ،
 منتخب النفائس ، تحفة الخیال ، امواج العباد ، فخر السالکین ، افتخار الملوك ،
 تحفة الاغنیاء و انوار العیون .

و چون نام و آثاری از این شاعر در تذکره ای نیست خواستم از اشعار وی انتخابی نموده و نمونه ای از آثار این شاعر را بنظر خوانندگان گرام برساند، بهر

قسم از اقسام اشعاروی توجه نموده نقل آنرا ترجیح بلا مرجح یافته برای رفع تردید
بخود دیوان تفأل زدم

این قصیده که آنرا «سوداء الضمیر» نامیده آشکارا شد :

هر چند که شایسته شمشیر بلایم
در پای میفکن که گرانمایه متاعم
بر تخت فراغت گهر افسر شاهم
در زیر لب خسته دلان نکته مهرم
چون كلك قضا چهره گل گشت نگارم
در محفل نازك بدانان نو گل حسنم
ذوق دل اطفال گلستان چو نسیم
در ناصیه کینه و ران عقده گذارم
در زیب گلستان گهر آمیز مسایم
چون یاد رخ شمع و شان شعله فروزم
چون پیک غم ماه رخان سینه نوردم
افلاك برد فیض ز سیاره فکرم
طوطی رود از هوش ز شیرینی نطقم
طاوس ارم بر تن خود جامه زند چاک
از بال طبیعت بودم جلوه که آن موج
آندم که باقلیم تخیل فتم سیر
بر خاك فتادست ازان پرتو خورشید
ای چرخ نگوئی که به آن گرمی بازار
یکبار بنه گوش رضا بر سخن من
از سستی آیین تو شد ورنه نمودی
من تا بدم مرگ برای تو دویدم
ای سنگدل آخر چو توئی راجه سرایت
ما و سیر اندازی رزم توازین پس

یکباره مدارای فلک این ظلم روایم
در دام میازار که فرخنده همایم
در کنج قناعت دُرِ گوش گدایم
بر لوح دل سیمبران حرف وفایم
چون باد سحر طره شبرنگ گشایم
بر مشهد خونین کفنان مهر گیایم
رنك رخ گلزار نکوئی چو حبابم
از آینه تیره دلان زنگ زدایم
در بزم ریاحین طرب انگیز صبايم
چون درد دل غمزدگان ناله فزایم
چون دست دل درد کشان جیب گشایم
خورشید کشد شرم ز آئینه رایم
بلبل فتد از ناله ز گلبانگ نوایم
از غیرت این خرقة صد رنگ نمایم
کز جان ملایك نرود ذوق هوایم
چون سایه دَوَد روح عطارد ز ققایم
تا عارض خود سوده کند در ته پایم
با این گهر طبع چه دادی به بهایم
بی مصلحتی نیست اگر هرزه سرایم
گنج دو جهان بخشش ایام ندایم
هرگز تو نرفتی سر موئی برضایم
گیرم که اثر سرزند از جیب دعایم
تدبیر دگر نیست تو دانی و خدایم

قصائد وی مرتباً در توحید و نعمت پیغمبر اکرم ص ۴ و مناقب ائمه اثنی عشره و مدح

شاه عباس کبیر و شاه صفی و شاه عباس ثانی و امراء آن عصر و دیگر مطالب عرفانی
و وصف فصول و غیره است .

و در این دیوان ماده تاریخهای زیاد موجود و از اشعار وی برمی آید که تا آخر عمر جوانی را ترك نگفته و خود مکرر اظهار خجلت نموده ، از آنهاست :

کار تو اظهري همه لهو و لعب بود آسوده دل ز زلف پریشان نمیشوی
 مویت سفید گشت ازین کار های بد رویت سیاه باد پشیمان نمیشوی
 برای اینکه نمونه ای از نثر این شاعر را هم نشان داده باشیم بنقل این بخش که در آخر دیوان (نسخه زیرین) نوشته مبادرت گردید :

« ناظمه و کاتبه العبد العاصی بوداق اظهري

خود بعصیان خود از شرم گواهی دارم تکیه بر مرحمت عفو الهی دارم
 لله الحمد که در سن شصت و سه سالگی بهوا داری عینک که معاون دیده روزگار دیدگانست
 بترتیب و تحریر این نسخه مبادرت نمود و آنچه از حوادث دوران و تطاول زمان از حمله دوشیزگان
 طبیعت بازمانده بود بقلم شکسته رقم خود بصورت ترقیم در آورد و بعضی اشعار مقطعات و مثنویات
 و غیره که زیاده از ترهات نسخه مرقومه به کسوت رسوائی ملبس و عبارات هذیان ملوث بود و
 موافق گفتگوی این سن و نوشتن این روزگار نبود از دیوان اخراج نمود با وجود مهر پدر
 فرزندی طبیعت لائق ندانست و بجهة اضافه و نقصان کلك کاتبان بنوشتن ایشان قائل نشده مابقی
 ذخیره مردم دیده را بدین صحیفه مصروف ساخت فرموده قدوة المحققین مصلح الدین سعدی شیراز
 را بکار آورد

کهن جامه خویش پیراستن به از جامه عاریت خواستن

چون بیعضی ترددات و اشغال اشتغال داشت اگر سهوی و خطائی بدین جهت رو داده باشد
 ببلان گلشن بلاغت و طوطیان شکرستان فصاحت بنکته عیب او مترنم و مترنم نگردند و بدین
 عجز عذر خواهی معذور فرمایند در مقام زکم قرا باغ بتاریخ هفتم شهر ربیع الاول سنه
 پیچی این ۱۰۵۴ قلمی شد .

این دیوان در حدود (۱۱۰۰۰) بیت شعر میباشد و تا کنون نسخه دیگری از آنرا در کتابخانه ای سراغ نیافته ام .

آغاز: بسمله ای زیور رخساره جان از کرمات سرمایه گردش زبان از کرمات
 آرایش دیوان بیان از کرمات احیای زمین و آسمان از کرمات

از افتتاح ابواب خزائن سخن بمفتاح دلگشای ثنای یگانه که شیراز بند
 مجموعه کاینات و چمن پیرای سرابستان حیاتست و انجلای ابصار شواهد معانی بمصباح
 جهان آرای انوار عنایت الخ .

(۱۱۶۳)

این نسخه بخط نستعلیق خوب **اظهری** شاعر و منشی آنست
دیوان اظهری و گذشته از تصریح در آخر دیوان (۷ برگ با آخر نسخه مانده)
 طرز نگارش و اشعاری که پس از این تاریخ اشاء گردیده و در حاشیه نگارش یافته
 و تصریح در چندین جای از عناوین مطالب به اینکه: بنده اظهری در جواب این
 قطعه گفته ام. و نظائر اینها، مؤید این ادعاست، میان برگ اول و دوم کنونی
 نسخه، برگهائی افتاده و کنار بعضی از اوراق کسه بقرینه اوراق بعد معلوم میشود
 بر آنها نیز ابیاتی بوده پاره شده و وصالی گردیده و قسمت بیشتر از برگ آخر
 پاره شده و از میان رفته است، ۷ برگ آخر نسخه رباعیاتی است که پس از تنظیم
 دیوان در مسودات مؤلف یافت شده و پیش از نگارش آنها خود وی نیز نوشته اند:
 «بعد از تحریر نسخه بعضی رباعیات که در میان سیاهیهای اشعار پیدا شد و صورت
 تنظیم یافت همچنین مرقوم شد.»

جلد مرغش. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۳۴۳) صفحه ای
 (۱۵) سطر. طول (۲۴ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۷۷).

[۵۱۶] دیوان انوری (فارسی)

انوری (اوحدالدین محمد بن محمد (۱) ابیوردی (۲) خاورانی متوفی بسال
 ۵۸۳ (۳) (۴) از شعرای قصیده سرا و غزل گوی قرن ششم هجری میباشد، قصائد

(۱) عوفی نام وی و پدرش را محمد ثبت نموده ولی صاحب مجمع الفصحا بنام علی بن اسحق معرفی
 کرده و خود وی جد خود را اسحق نامیده

زنده اسلاف تو بتو جو بمن جدم اسحق و جدت اسمعیل است

(۲) ابیورد یا **باورد** شهری است از خراسان میان سرخس و نسا (معجم البلدان ج ۱ ص
 ۴۸۰) میباشد، در تذکره دولتشاه و مجمع الفصحا و سخن و سخنوران انوری ابیوردی و در
 آثار البلاد و تاریخ گزیده و هفت اقلیم خاورانی (و گویند که خاوران ناحیه ایست از خراسان)
 معرفی گردیده است.

(۳) در تذکره دولتشاه وفات انوری بسال ۵۴۷ و در هفت اقلیم بسال ۵۸۳ و در مجمع الفصحا بسال
 ۵۷۵ ثبت گردیده و چون در تاریخ گزیده و هفت اقلیم قران کواکب سیاره بسال ۵۸۱ و در کامل
 التواریخ در ذیل حوادث سال ۵۸۲ ثبت گردیده بنا بر این و شهرت نسبت این استخراج نجومی
 بانوری و شهادت اشارات تاریخی در اشعار انوری که مسلماً پس از سال ۵۴۷ بوده تاریخ آخر که
 (بقیه حاشیه در صفحه ۵۶۵)

و مقطعات وی بسیار مشهور و گذشته از نگارش تذکره نویسان از اشعار وی ظاهر و هویداست که سالها در راه کسب فضائل و علوم معقول و منقول رنج برده و در نجوم و هندسه و حساب دستی قوی داشته و دولت‌شاه گوید چند رساله در نجوم نوشته (۱) و معاصر سلطان سنجر سلجوقی بوده و بمداحی وی و وزراء و امراء او پرداخته و زبانش بهجو باز بوده و حتی گفته اند که انوری خود و مادرش را نیز هجا گفته و بهمین جهت بدزبانی بلخیان قصد آزارش کرده و قاضی حمیدالدین صاحب مقامات اورا نجات داده (۲) و بدین سبب حمیدالدین را مدح ها کرده است

در نخستین نسخه ذیل که نسخه ای کهن سال از دیوان انوری میباشد پیش از مثنوی در هجو قاضی عم زاده بلخی، شرحی نوشته و ظاهر آن نویسنده این شرح معاصر شاعر بوده و چون شامل بخشی از شرح حال انوری است در اینجا عیناً آورده میشود:

« حکیم او حدالدین انوری در انج (کذا) هنوز در او ان شباب بود و اکتساب علم و حکمت میکرد پدر او و حمیدالدین محمد بجوار رحمت حق پیوست و مال و اسباب بسیار گذاشت ، انوری دست بدان مال دراز کرد و بای در خرابات نهاد و بمدت اندک آن میراث بشراب و شاهد آخر رسانید چون مفلس شد هیچ نماند شعر و شیوه مدح بگزید و بوقت حاجت قصیده میگفت و بدان روزگار نامرادی بسر میبرد ناگاه تاج الدین (در نسخه دیگر - تاج الدین عم زاده بلخی) او را تشنیع

(بقیه حاشیه از صفحه ۵۶۴)

قول صاحب هفت اقلیم باشد بر اقوال دیگر ترجیح دارد و حمد الله مستوفی در تاریخ گزیده (ص ۴۷۴) عکسی و نزهت القلوب محاسبه انوری و اثر قران را درست دانسته و گوید این سال مطابق با سالی است که جنگیز خان به سرداری برقرار و شروع به پیشرفت در خرابی جهان نموده است . (نه تولد وی که بعضی نوشته اند)

(۴) لباب الالباب ج ۲ ص ۱۲۵-۱۳۸ ، حواشی ج ۱ لباب الالباب از آقای قزوینی ص ۳۴۳ ، آثار البلاد در ذیل خاوران (ص ۲۰۷ نسخه مدرسه) ، تاریخ گزیده ص ۴۷۴ ، ۴۸۸ ، ۸۱۳ و ۸۱۵ ، تذکره دولت‌شاه سمرقندی ص ۸۳-۸۶ ، هفت اقلیم ص ۲۴۹-۲۵۲ ، مجمع الفصحا ج ۱ ص ۱۵۲-۱۶۷ و سخن و سخنوران ج ۱ ص ۳۵۶-۳۸۶ مختصراً و مفصلاً از انوری بحث کرده اند و این شرح با مراجعه بآنها نگارش یافت .

(۱) تا کنون به نسخه ای از این رسائل دست نیافته ام .

(۲) در ص ۶۵ همین مجلد از فهرست در ذیل معرفی از حمیدالدین بلخی نگاهداری او از انوری را در اثر عدم وقوع اثر قران دانسته ام و این غلط است و علت این بود که بلخیها چون شنیده بودند انوری آنها را هجا گفته در غضب شده و در خیال آزار وی بوده اند .

کرده و بی رمئیت (کذا) معائب او را (بروی او - در نسخه دیگر) گفتن گرفت انوری را این نوع دشوار نمود و بر بدیهه آغاز نهاد و آن اینست «
دیوان انوری که در حدود (۱۰۰۰۰) بیت شعر دارد و بسال ۱۲۶۶ در تبریز چاپ گردیده و چون مشتمل بر اصطلاحات حکمی و فلسفی و ریاضی و نجومی میباشد و فهمیدن آنها مشکل بوده بعضی بحل مشکلات وی پرداخته اند و در این فصل دو شرح آنرا معرفی خواهم نمود .
آغاز هر يك از نسخ را در جای خود نقل مینمائیم .

(۱۱۶۴)

دیوان انوری این نسخه ایست کهنه و شاید از خطوط اوائل قرن هفتم هجری باشد ، صفحه نخستین و اوراقی از آخر کتاب افتاده ، چند بیت صفحه نخستین را بر ورقی نوشته و به نسخه پیوسته اند ، شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و مثنوی هجو قاضی بلخ (۱۶۲ بیت) و رباعیات (۳۰۵ رباعی) میباشد ، اطراف صفحه دوم تذهیب و نقاشی کهنه ایست و این برگ و صالی شده و نسخه در حدود (۱۳۱۰۰) بیت دارد و بقصیده ای شروع شده که آغاز آن اینست :
مقدری نه بآلت بقدره مطلق
کند بشکل بخاری چو گنبد ازرق .
جلد میشن دور گرفته . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۵۹) .
صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض ($۱۶\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۰۹) .

(۱۱۶۵)

دیوان انوری این نسخه بخط نستعلیق خوب ظاهر آ در قرن یازدهم هجری نوشته شده ، سه سرلوح زیبا دارد و صفحه ایکه شامل آنست و دیگری که مقابل آن میباشد تذهیب و نقاشی گردیده ، سرلوح اول پس از نوشتن نسخه بصفحه اول پیوسته شده و گذشته از اینکه بر آن نوشته شده : مقطعات مولانا انوری برگ اول و برگ شامل مقطعات گواهی میدهند که سرلوح های آنها جابجا شده ، تمام فاصله های میان دو قصیده یا قطعه یا غزل یا رباعی تذهیب و نقاشی شده و صفحات مجدول بطلا و زنگار و شنگرف میباشد و اوراق متن و حاشیه است و از آخر نسخه اوراقی افتاده و مطلع اولین قصیده اینست :

ای قاعده تازه زدست تو کرم را
وی مرتبه تو ز بنان تسو قلم را
و شعر آخر نسخه اینست:

ای محنت هجر بر دلم سرنائی
وی دولت وصل از درم درنائی
در پشت جلد دست چپ شرحی بسال ۱۲۵۷ بخط شکسته نستعلیق خوب
در معرفی از نسخه نگارش یافته و نسخه نفیسی است عبارت نثری که در نسخه کهن
سال موجود است و بالای این سطرها در ص ۵۱۵ و ۵۶۶ نقل گردیده با تصحیف
واسقاط برخی از کلمات در این نسخه نیز نگاشته شده و این نسخه در حدود (۱۱۳۵۰)
بیت را شامل است.

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ متن خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق
(۲۲۷) . صفحه ای (۲۶) بیت در متن و حاشیه . طول $(۲۴\frac{۱}{۴})$ سانتیمتر . عرض (۱۵) سانتیمتر
شماره کتابخانه (۲۱۱) .

(۱۱۶۶)

این نسخه را بسال ۱۰۰۵ علیجان بن حمید علی بخط نستعلیق
نوشته ، دارای دو سر لوح کوچک (یکی در اول نسخه
و دیگری در اول بخش غزلیات) میباشد و در ابتداء مقطعات و رباعیات سرسوره های
مینا کاری ظریفی است ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد و عناوین باشنجر ف است ،
پشت صفحه نخستین جلال الدین محمد منجم مالک بودن خود را تذکر داده ، در
حواشی چند صفحه از صفحاتیکه شامل مقطعات میباشد، ابیاتی از منجم مذکور بخطوی
نوشته شده ، تمام اوراق با کمال استادی متن و حاشیه گردیده و این نسخه در حدود
(۱۴۰۰۰) بیت شعر دارد و آغاز آن اینست:

صبا بسبزه بیار است داردنی را
نمونه گشت زمین مرغزار عقبی را
جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۳۴۲) .
صفحه ای (۳۱) سطر . طول $(۲۴\frac{۱}{۴})$ سانتیمتر . عرض (۱۳) سانتیمتر . شماره کتابخانه
(۲۱۲) .

(۱۱۶۷)

این نسخه بخط نستعلیق نویسنده بدخطی که از خود و سال کتابت
نام نبرده ، نگارش یافته (ظاهراً در قرن دهم نوشته شده) ، دو برگ
دیوان انوری

از اول نسخه افتاده بوده اخیراً نگاشته اند ، بر گهائی هم از میان نسخه افتاده و برخی از آنها هم جابجا شده ، قصائد و غزلیات آن مرتب بحروف تهجی بر حسب ردیف ها و شامل مقطعات و رباعیات نیز میباشد ، در حدود (۷۹۰۰) بیت شعراست ، بعضی از صفحات آن بجدول سرخی و زنگار گردیده و بیت اول آن اینست :

باز این چه جوانی و جمال است جهانرا وین حال که نو گشت زمین را و زمان را
جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۱۹۴) .
صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۰۷) .
(۱۱۶۸)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده از خود دیوان انوری
و سال نگارش نام نبرده ، ظاهراً در اوائل قرن یازدهم هجری
نگاشته شده ، شامل قصائد و مقطعات و رباعیات و غزلیات میباشد و در حدود
(۸۲۰۰) بیت دارد و بدین بیت شروع شده است :

ای ملک تورا عرصه عالم سر کوئی با حجت عدل توستم بیهده گوئی .
یک سر لوح کوچک ظریف دارد و صفحات بجدول بطلاست .

جلد ساغری نیم ضربی . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق
(۲۳۲) . صفحه ای (۱۸) سطر . طول (۲۳ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره
کتابخانه (۲۱۰) .

(۱۱۶۹)

این نسخه را بسال ۱۲۳۰ محمد رضی بن محمد رحیم آشتیانی
قلمی بخط شکسته نستعلیق نوشته و شامل قصائد و مقطعات

و مشوی هجو قاضی و غزلیات و رباعیات میباشد ، در متن و حاشیه نوشته شده و در
حدود (۱۲۰۰۰) بیت شعر است و نخستین بیت آن اینست :

مقدری نه بآلت بقدرت مطلق کند ز شکل بخاری چو گنبد ازرق .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۳۸) . صفحه ای
(۱۸) سطر در متن (۸) در حاشیه . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۶ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره
کتابخانه (۲۰۸) .

(۱۱۷۰)

دیوان انوری

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده (ظاهرآ در اوائل قرن سیزدهم) ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، شامل قصائد و مقطعات و غزلیات و در حدود (۹۸۵۰) بیت میباشد و بدین شعر شروع گردیده: صبا بسبزه بیمار است دار دنیی را
نمونه گشت زمین مرغزار عقبی را
یک سر لوح در اول کتاب موجود ، صفحات مجدول به ا کلیل میباشد ، وقفنامه مدرس را که پشت صفحه نخستین بوده نحو کرده اند ، یادداشتی مورخ بسال ۱۲۳۰ محمد حسین طباطبائی نائینی در این صفحه نوشته و بر این صفحه و بر کت پیش از آن بسال ۱۳۱۵ نیز یادداشتی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۱۴) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۱۳) .

(۱۱۷۱)

دیوان انوری

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، (ظاهرآ در قرن سیزدهم) ، شرح حال انوری از تذکره آشکده در دو صفحه پیش از دیوان نقل گردیده و شامل قصائد و مقطعات مثنوی و رباعیات میباشد و در حدود (۱۲۴۰۰) بیت شعر دارد و بدین بیت شروع شده: باز این چه جوانی و جمال است جهان را
وین حال که نو گشت زمین را و زمان را
و بر کت نخستین و صالی گردیده است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۲۵۷) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۰ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۲ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۰۵) .

[۵۱۷] دیوان اهلی خراسانی (فارسی)

اهلی خراسانی از اهالی ترشیز و معاصر اهلی شیرازی است و بنابر تصریح ادوارد برون (۱) بسال ۹۳۶ در تبریز وفات یافته مردی عاشق پیشه و عاشق فریدون حسین میرزا (۲) پسر سلطان حسین بایقرا گردید و در عشق وی از پا در افتاده و مجنون وار

(۱) ترجمه . ج ۴ تاریخ ادبیات ص ۱۵۵-۱۵۶ .

(۲) در ص ۱۳ و ۱۴ تحفه سامی چاپی معرفی گردیده و گوید بسال ۹۲۵ در جنک با ازبکها کشته شده است .

موی شولیده بر سر گذاشته غزلیات زیاد انشاء نمود و این مطلع یکی از آنها است:

موی ژولیده که بر سر من ابتر دارم سایه دولت عشق است که بر سر دارم

شاهزاده از این دل بستگی آگاهی یافت و بر خلاف سیره دیرینه دلبران، دوستدار را دلجوئیها مینمود پس از انقراض آن دودمان بتبریز رفته و تا آخر عمر در آنجا گذرانید، در شمع انجمن شماره ایات وی بیست هزار معین گردیده و معاصروی سام میرزا در تحفه سامی (۱) و امین احمد رازی در هفت اقلیم (۲) و خوشگو در تذکره (۳) خود ایاتی از غزلهای وی نقل کرده اند و جز غزل ساقی نامه، آثار شعری دیگری از او ننشیده و در جائی ندیده ام و این دیوان وی همه غزلیات و ساقی نامه ای در مدح ائمه اثنی عشر شیعه علیهم السلام در ۸۵ بیت است که صریح در تشیع وی میباشد (۴) و غزلیات آن که بحسب ردیف ها مرتب بحروف تهجی است بنا بر شماره (۳۱۴۸) بیت شعر است.

آغاز: دو چشم فرش آن منزل که سازد (سازی) جلوه گاه آنجا

بهر جا پانهی خواهم که گردم خاک راه آنجا

چو خوش بزمیست رنگین صحبت جانان چه سود اما

که نتوان شد سفید از شومی بخت سیاه آنجا (۵)

(۱) در ص ۱۰۷ تحفه سامی چاپی معرفی از اهلی ترشیزی خراسانی شده و چندین بیت از چندین غزل او را هم نقل نموده است.

(۲) در ص ۶۵۶ نسخه خطی کامل این مدرسه نام برده شده و چند بیت از او را هم آورده است.

(۳) صاحب این تذکره در حرف همزه دو اهلی را نام برده یکی **اهلی نوائی** و گوید بسال ۹۰۲ بدرود زندگانی گفته و دیگری اهلی شیرازی و گوید این همان اهلی ترشیزی است و حالات این دو را با یکدیگر مخلوط و ایاتی از این دو نقل نموده و تصور نموده که دو نفر متخلص به اهلی آنهم در یک عصر نمیشود در صورتیکه معاصرین این دو هریک را با خصوصیات مختصه بخود معرفی کرده اند.

(۴) این بیت از ساقی نامه اهلی خراسانی:

الهی توئی واقف از حال من
بحق محمد رسول انام
علی ولی سرور اولیا
باعزاز سلطان دنیا و دین

عیان است پیش تو احوال من
علیه الصلوة و علیه السلام
محیط کرم گوهر لا فقی
علی الرضا کعبه هشتمین

(بقیه حاشیه در صفحه ۵۷۱)

(۱۱۷۲)

دیوان

این نسخه در مجموعه ایست که شامل پنج دیوان و بخط نستعلیق میباشد: ۱- دیوان کاتبی، ۲- دیوان شاهی، ۳- دیوان همایون، ۴- دیوان اهلی خراسانی و ۵- دیوان لسانی. و همه آنها را در این فصل معرفی کامل خواهم نمود و این دیوان از ص ۲۶۱-۴۰۰ مجموعه را شامل میباشد و در ابتدای هر يك از دیوانهای پنجگانه يك سرلوح بسیار ظریف است و میان سطرهای صفحه سرلوح دار و صفحه مقابل آن طلااندازی و نقاشی ظریف شده و کاتب در هیچ جا از خود و سال کتابت نام نبرده و ظاهراً در نیمه اول قرن دهم هجری نگارش یافته و تمام صفحات مجدول و در اثر همین کار بسیار از آنها بریده شده است.

جلد میشن . کاغذ بخارائی . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۴۷) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۲ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۹) .

[۵۱۸] دیوان بیدل (فارسی)

میرزا عبدالقادر متخلص به بیدل از شعرا و مربیان قرن یازدهم و دوازدهم هجری و پسر میرزا عبدالخالق میباشد، بسال ۱۰۵۴ متولد و بسال ۱۱۳۰ (۱) وفات یافته، در سرودن انواع اشعار طبع وی توانا و در انشاء نظم برنا بود، در سیر و سلوک و عرفان قدمها زده و مراتبی یافته، کلیات وی که شامل قصائد و غزلیات و مثنویات و رباعیات و ترکیب بند و نثرهای متعدد چون نکات و مراسلات و غیره

(بقیه حاشیه از صفحه ۵۷۰)

بمهدی هادی امام انام که یابد ازو ملک و ملت نظام

(۵) در تحفه سامی گوید: روزی شاهزاده بیای فرموده و میرزا بخت نام غلام سیاهپرا بر در باغ گذاشته تا کس را آنجا نگذارد، مولانا بامید دیدار بدر باغ شتافته موکل مذکور مانع دخول شده مولانا در بدیهه غزلی گفته که این دو بیت از آنست (همین دوبیت را که اول غزل این دیوانست نقل نموده) در کاغذ نوشته و در میان موم یاسیب کرد و از ممر آب باندرون فرستاد، بعد از اطلاع میرزا او را طلب کرده و در لطف برویش گشاد. (ای کاش همه معشوقها این رویه پسنیدیده را داشتند تا این بلبان در مقابل گل رویشان هزار دستان خوانند.)

(۱) در مقدمه کلیات چاپی وفات بیدل بسال ۱۱۳۳ و در تذکره خوشگو بسال ۱۱۳۰ ضبط گردیده و چون خوشگو معاصر و مستفید از بیدل بوده قول او مقدم است.

و در حدود (۷۲۰۰۰) بیت کتابت دارد بسال ۱۲۹۹ در هند چاپ گردیده و در مقدمه آن شرح حال بیدل نگارش یافته و خوشگو در تذکره خویش در اوائل حرف باء شرح بسیار مفصّلی در بیان حالات و نمونه‌ای از آثار وی نگاشته و شاگردی و ملازمت خود را در مجلس افاده ایشان صریحاً اظهار نموده و اصل این جناب را مغولی و تورانی و موطن ایشانرا اکبر آباد معین کرده و در مقدمه کلیات وفات بیدل در دهلی ثبت گردیده است.

نسخه زیرین بر حسب شماره تقریباً شامل ۱۶۰۰۰ بیت میباشد و غزلیات بیدل را مرتب بحروف تهجی از الف تا یاء و مثنوی مختصری بنام «قسم نامه» و چندین رباعی را نیز در بر دارد.

آغاز: بسمله

باوج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا

سرموئی گر اینجا خم شوی بشکن کلاه آنجا

(۱۱۷۳)

دیوان بیدل این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده و بیشتر کلمات را بی نقطه نگاشته، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، از قرائن احتمال قوی دارد که برای خود مؤلف نوشته شده و اضافاتی که در حواشی نگاشته شده بخط بیدل باشد و در حاشیه برگ ۲۳۵-۲۸۷ «نکات بیدل» که یکی از منشآت نثری وی میباشد کاتب نسخه بخط نستعلیق نوشته، و بر سه برگگی که در آخر نسخه ننوشته بوده يك دو مکتوب و مطالب متفرقه نظم و نثر موجود که ظاهراً نیز بخط بیدل و انشاء اوست و در بعضی از جاها کلمه بلغ که حاکی از مقابله گردیدن نسخه است دیده میشود.

جلد روغنی گل و بوته ظریف کار هند. کاغذ کشمیری. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچک. شماره اوراق (۴۰۷). صفحه‌ای (۱۷) سطر. طول (۲۳ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر). عرض (۱۳ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۴۰۳).

[۵۱۹] دیوان (کلیات) تأثیر (فارسی)

میرزا محسن (۱) تأثیر تخلص از تبریزیهای متولد شده در اصفهانست که شاه عباس خانواده آنها را باصفهان آورده و چنانکه از این رباعی وی :

(در پنجه و پنج عمر در باختنی يك گوهرم افتاد و نشد ساختنی
تاریخ بجا خالی دندان آمد انداختنی یکی ز انداختنی)

بدست می آید ، سال ۱۰۶۰ متولد شده و بنا بر تصریح در تذکرة خوشگوبسال ۱۱۲۹ وفات یافته .

این شاعر چنانکه از مندرجات این دیوان ظاهر است چندی از مستوفیان دربار صفوی و هنگامی رئیس يك قسمت از تحویل خانه بوده و چند سال وزیر یزد گردیده و در سال ۱۱۲۰ چنانکه خود در این قطعه تصریح کرده :

چون خلاص از عمل یزد شدم گشتم آسوده فقام به بهشت
پی تاریخ یکی ز اهل سخن قلم آورد و تخلص بنوشت

از این مقام معزول و در تذکرة المعاصرین است « در آخر عمر مدتی دست از مهمات دنیا بازداشت بعزت و احترام در اصفهان معتكف منزل خویش بود تا بجوار ملك علام رحلت نمود » .

این دیوان شامل ۱ - قصائد در توحید و مناقب پیغمبر اکرم و ائمه مکرّم علیهم صلوٰة الله و مرثیه حضرت سید الشهداء ۴ و مدح شاه سلیمان و تاریخ ورود عبدالعزیز پادشاه بخارا به ایران و ورود محمدخان وزیر سابق و وزارت و حیدوتر کیب بندی بنام « رموز العاشقین » مزیل به منقبت حضرت امام زمان علیه السلام و تمام اینها بر حسب شماره دقیق (۱۶۰۰) بیت است . ۲ - مقطعات و تواریخ در ۲۱۶ بیت . ۳ - مثنوی در بیان معراج حضرت پیغمبر ص بیحرتقارب در (۴۳۹) بیت و بنام « منهاج المعراج » میباشد

آغاز : ستایش همان حد فرزانه ایست که از سبحه اش نه فلك دانه ایست .

(۱) تأثیر در آخر غزای بنام خود تصریح نموده و گوید :

چند به بستر افکنی محسن مستمند خود هیچ حذر نمیکنی از دم واپسین او

و آقای تربیت هم در دانشمندان آذربایجان (ص ۷۷-۸۱) که شرح مفصلی در معرفی از این شاعر و آثار وی نگاشته اند نیز نام ویرا محسن ثبت نموده ، در تذکرة خوشگو بنام محمد محسن و در تاریخ یزدآیتی محمد حسن ثبت گردیده است .

- ۴ - مثنوی بیجر غزن الاسرار بنام « جهان نما » در (۶۸۹) بیت
 آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم
 نیزه خطیست بقصد غنیم
- ۵ - « دعوة العاشقین » بیجر خسرو شیرین در (۲۶۷) بیت
 آغاز: بیا ای بلبل فرخ پرو بال
 کسه از گل گشته شوریده احوال
- ۶ - مثنوی در تعریف باغات و عمارات قصر سعادت آباد اصفهان بنام
 گلزار سعادت » در (۵۲۷) بیت
 آغاز: بسر دارد هوای خامه دولت
 ز وصف گلشن باغ سعادت
- ۷ - مثنوی در مقابل هفت پیکر بنام « ثمرة الحجاب » در (۱۴۸) بیت
 آغاز: شبی از همدمان ایمانی
 محفلی گرم بود روحانی
- ۸ - مثنوی برای مقدمه رساله در معما در (۲۴) بیت
 آغاز: بنام آنکه در اجمال و تفصیل
 خرد ها رفت از کنهش بتحلیل
- ۹ - مثنوی در وصف تفت یزد و شکر گذاری از وزارت یزد و ثنای پادشاه بنام
 « حسن اتفاق » در (۲۸۵) بیت
 آغاز: تفتست و فرشته بلبل او
 چون آتش تفته هر گل او
- ۱۰ - مثنوی در راستی و درستی و اخلاق بنام « میمنت نامه » در (۲۹۳) بیت
 آغاز: بنام خداوند فرد قدیم
 که بنموده مارا ره مستقیم
- ۱۱ - غزلیات مرتب بحروف تهجی موافق ردیف ها در (۱۰۲۴۰) بیت
 آغاز: ای در کف حمد تو سر رشته عنوانها
 دارند سرافرازی از نام تودیوانها
- ۱۲ - فردها و ابیات متفرقه مرتب بحروف تهجی موافق ردیف هادر (۱۰۰۰) بیت.
- ۱۳ - رباعیات (۱۳۰ رباعی) .
- ۱۴ - قصائد و غزلیات و قطعات که بترکی انشاء کرده در (۴۴۷) بیت .
- بنابر تعیین تحقیقی بالا این دیوان یا کلیات شامل (۱۶۴۳۵) بیت میباشد ولی از خلاصه الافکار، آقای تربیت نقل کرده اند که دیوانش ده هزار بیت خواهد بود و بنابر شماره بالا مرادش فقط غزلیات بود و داست و خوشگو نوشته که تأثیر دیوان خود را خدمت حکیم الممالک شیخ حسین شهرت بهند فرستاد و منظور نظر همه شعرا گردید و منهم از آن بهره ها گرفتیم .

(۱۱۷۴)

دیوان تاثیر این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، از قرائن بدست می آید که در زمان حیات شاعر نوشته شده و بنظر او رسیده و در چند جا کلمه بلغ دیده میشود و از حاشیه ای که نویسنده در کنار صفحه اول اشعار ترکی نوشته اند این احتمال تأیید میشود ، برگ اول نسخه را چون سرلوح داشته بریده و برده اند و بهمین صورت وقف گردیده ، سه سرلوح مذهب در اوائل قسمت ۲ و ۵ و ۱۱ موجود و صفحات مجدول بطلا میباشد و پاره ای از اوراق و صالی گردیده است . جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۴۵۵) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض ($۱۵\frac{۱}{۳}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۸۳) .

[۵۲۰] دیوان ثنائی (فارسی)

خواجه حسین متخلص به ثنائی (۱) پسر غیاث الدین محمد مشهدیست و از شعرای اواخر قرن دهم هجری و مداح ائمه اثنی عشر علیهم السلام میباشد و بنا بر ضبط در تذکره خوشگو بسال ۹۹۶ در لاهور بسرای آخرت شتافته و خالو زاده وی میر محمد باقر بن میر عرب شاه مشهدی جنازه او را بمشهد برده و در آن آستان مقدس دفن نموده ، بعضی از شعرای معاصر ، او را خاقانی وقت و حسان زمان یاد میکنند اگر چه بعضی از شعرای وقت چون میرزا قلی میلی (۲) و ولی دشت بیاضی با وی می پیچیدند و او را به خامی طبع و نقصان فطرت منسوب می ساختند و مباحثه ایشان مشهور است ، درج ۱ تاریخ عالم آرای عباسی نام برده شده و درباره وی گوید : شاعر قصیده گوئیست معانی بلند دارد و اما در شعر قصیده پیچیده میگوید که طبع اکثر سخن سنجان روزگار از درك معنی آن قاصر است . و آذر در آتشکده در باره ثنائی گوید : دیوانش ملاحظه شد بزعم فقیر یا کسی فهم معنی کلام ایشان ندارد یا کلام ایشان معنی ندارد . (۳)

(۱) در تذکره خوشگو شاعر را که نیز متخلص به ثنائی و معاصر اکبر شاه بوده نام برده شده و از او سه بیت نقل نموده است .

(۲) میرزا قلی میلی در تذکره خوشگو معرفی شده و گوید بسال ۹۸۴ میل گل کشت عالم بالانمود .

(۳) آتشکده آذر س ۹۰ چاپی

در تذکره حسینی است که با فیضی و عرفی مشاعره نموده و از پهلوانان
 عرصه سخنوری است و دیوانش تخمیناً پنجهزار (۱) بیت بوده است .
 در مقدمه دیوان دیباچه ای به نثر خود وی نگاشته و بنام و نسب و تخلص و
 وطن خویش تصریح نموده و خود را ندیم (همزبان) ابراهیم میرزای صفوی
 حاکم خراسان معرفی و در مدح و ثنای وی قصائد و اشعار متعدد دارد و دیوان او
 مرکب از قصائد و غزلیات و قطعات و رباعیات و ساقی نامه است .
آغاز دیباچه : حمدی که متکلمان سخن گذار فصاحت شعار و نادره گویان
 بلاغت دثار الخ .

آغاز دیوان :

در روش حسن و ناز هست کسی خوش نما

غمزه بطرز ستم عشوه برنگ جفا .

(۱۱۷۵)

دیوان
ثنائی مشهدی
 این نسخه را بسال ۱۰۱۴ محمد حسین مشهدی بخط نستعلیق
 نوشته ، در ابتداء قصائد و قطعات و غیره باز گذارده شده
 که تاریخ انشاء و مورد آن که در دیباچه تذکر داده شده
 نگارش شود ، «دیوان ولی دشت بیاضی» که در همین فصل معرفی خواهد شد بخط
 همین نویسنده بسال ۱۰۲۵ نوشته شده و پیوسته به این دیوانست ، پشت صفحه
 نخستین نسخه و در آخر دیوان ولی یادداشتهائی گردیده است .
 جلد میشن . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق دونسخه (۲۳۳) .
 این دیوان (۱۱۰) . صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) .
 شماره کتابخانه (۲۸۴) .

(۱۱۷۶)

دیوان
ثنائی مشهدی
 این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، دیوان نظام استرآبادی
 (قصائد) پیوسته بآنست ، پشت صفحه نخستین محمد شریف
 ابن صفی قلی تملک خویش را یادداشت نموده و در یادداشت

(۱) نسخه اول دیوان نام برده در این فهرست شامل ۲۸۵۸ بیت و نسخه دوم شامل ۳۱۴۲ بیت است .

دیگر تولد خود را بسال ۱۰۵۱ در ماه ربیع الاول نیز ذکر نموده بنابراین و شهادت کاغذ و مرکب بایستی نسخه در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته باشد، دیباچه‌ایکه خود ثنائی بر این دیوان نوشته (در پنج ورق) این نسخه شامل، سه برگ اول نسخه و صالی شده و از آخر آن اوراقی افتاده و آثار آبدیدگی در برگها ظاهر ولی خطوط آن ضایع نگردیده است.

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق کلیه (۱۵۹). این دیوان (۱۰۵). صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۲ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۷۵).

[۵۲۱] دیوان جامی (فارسی)

عبدالرحمن جامی از مشاهیر علما و شعرا و متصوفه نقشبندیّه است و در ص ۳۵۹-۳۵۷ شرح حال و مؤلفاتی از ایشان را نگاشته ایم، خود وی در مقدمه نفیس این دیوان نگاشته که پیش از این دیوان خود را بر نهج ترتیب حروف تهجی مرتب کرده بودم و اکنون بر آن شدم که آنرا بترتیبی که شایسته است مرتب نمایم و قصائد را بدین ترتیب: حمد و ثناء الهی، نعت حضرت رسالت پناهی ص و حضرت مولی الموالی ع و ائمه هدی ع، مدح پادشاه عصر (سلطان حسین)، نصائح و مواعظ بدون رعایت قوافی منظم نموده و در تاریخ این ترتیب گوید:

« و شروع در این ترتیب در تاریخی بود که واقفان قواعد معما از این رباعی

استخراج توانند نمود:

رباعی

بادل کفتم کای بصفای گشته سمر هستی صدف پر از گهر چیست خبر
از گوهر سال نظم این عقد درر بر روی صدف نهاد یکدانه گهر
بنابر این بسال ۸۸۴ که چهارده سال پیش از مرگ وی باشد این کار انجام یافته است.

این دیوان جامی گذشته از قصائد شامل غزلیات مرتبه بحر و تهجی بر حسب قوافی و مقطعات و رباعیات میباشد و در حدود (۸۷۵۰) بیت شعر دارد و قطعاً پس از این تاریخ هم شاعر بیکار ننشسته و از اینگونه اشعار سروده و در ذیل «هفت اورنگ» در این باب سخنی خواهیم راند.

آغاز دیباچه : بسم الله الرحمن الرحيم هست صلاى سر خوان کریم
 خوان کرم کرده کریم آشکار گویید بسم الله دستى بیار
 پا کا پرورد گاری که زبان سخن گذار در دهان سخن وران شیرین کار شکر
 گفتار الخ.

آغاز غزلیات : بسم الله الرحمن الرحيم اعظم اسماء علیم حکیم
 محترمان حرم انس را تازه حدیثیست ز عهد قدیم
 یامن بداجمالک فی کلّ ما بدا
 بادا هزار روح مقدس تر افدا
 (۱۱۷۷)

دیوان جامی این نسخه بخط نستعلیق خوب نگارش یافته ، شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات است ، اطراف دو صفحه نخستین تذهیب و مینا کاری و نقاشی بسیار ظریف گردیده و آیات کریمه ای که در دیباچه بآنها تمثیل بسته باطلا نگارش یافته ، ایاتی از قصائد و یک برگ از غزلیات و هشت رباعی از آخر آن افتاده ، چهار برگ از قصائد در ردیف الف از غزلیات صحافی شده ، و در اول غزلیات سرلوح ظریفی دارد ، پشت برگ اول ترنجی مینا شده و مذهب میباشد و این برگ و صالی گردیده ، و پیش از شروع به دیباچه دو صفحه نقاشی چینی بسیار ظریف که مجلس بزم سلطان را مجسم مینماید و هر یک تمام صفحه را گرفته موجود ، طرز خط و تذهیب و نقاشی حاکم است که نسخه در اواخر قرن نهم و شاید در زمان خود جامی و برای سلطان حسین میرزا نگارش یافته ایاتی که از قصیده اول دیوان افتاده در حاشیه آخرین برگ دیباچه نوشته شده و تمام برگها مجدول بطلاست .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۵۶) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۵ ۱/۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۳۴) .

(۱۱۷۸)

دیوان جامی این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۹۵۹ مقصود تربتی نوشته و شامل غزلیات و مقطعات و رباعیات ، برگ اول دارای

سرارح ظریف و صفحات مجدول بطلا و لاجورد ، پشت برگ اوّل و آخر یادداشت‌هایی موجود و برخی از اوراق و صالّی گردیده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ بخارانی . واقف سپهسالار ، قطع وزیری . شماره اوراق (۲۶۱) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول ($24\frac{1}{2}$ سانتیمتر) . عرض ($15\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۳۳) .

(۱۱۷۹)

دیوان جامی این نسخه را میر (۱) علی کاتب مشهور ، بخط نستعلیق بسیار خوب بسال ۹۳۵ در بخارا نوشته و شامل ترکیب بند جامی (ترکیب بند) است که آغاز آن اینست :

صبحدم باده شبانه زدیم ساغر عیش جاودانه زدیم
و از نسخ بسیار نفیس کتابخانه شمرده میشود و نگارش این ترکیب بند که هشتاد و هفت بیت میباشد بامر کب و طلا و سفید آب و مرکب الوان گردیده و سرلوح بسیار ظریف کوچکی دارد ، پشت برگیکه پیش از برگ نخستین است یادداشت‌هایی بوده محو گردیده و آثار آن می‌رساند که در کتابخانه سلاطین صفویه بوده و از یادداشت‌های پشت آخرین صفحه استفاده میشود که چندبهم این نسخه درهند بوده و در آن هنگام دو مجلس نقاشی هم در جلو آن بوده و لیکن اکنون نیست مهر های مختلف هم در اول و آخر کتاب بوده محو گردیده يك برگ که گلهائی بر آن رسم شده و يك برگ زرافشان در اول و آخر نسخه است .

جلد روغنی دورو و مینا کاری . کاغذ متین الوان حاشیه افشان . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۶) . صفحه‌ای (۶) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۴۸) .

[۵۲۲] دیوان حافظ شیرازی (فارسی)

شمس‌الدین محمد بن کمال‌الدین متخلص به حافظ و مشهور به خواجه مطلق (در زبان ادبا) و خواجه حافظ ، از مشاهیر شعرا و معاریف سخنوران ایران میباشد ، از آثار موجوده او کمال‌نمسانی و اطلاعات حکمی و عرفانی وی هویدا و نابرتصریح

(۱) در آخر صفحه نویسنده رقم نموده و پیش از نام وی (علی) کلمه‌ای بوده محو گردیده پشت ورق اول و آخر تصریح گردیده که خط استاد خط میرعلی است . و میر علی هروی در سنگلاخ و خط و خطاطان ص ۱۷۷ معرفی شده .

خود وی قرآن کریم را با چهارده قرائت در حفظ داشته و آنچه نصیبش گردیده همه را از دولت قرآن دانسته و بدین مناسبت تخلص خود را حافظ قرار داده و مدّعی شده که چون وی کسی لطائف حکمی را بانکات قرآنی جمع ننموده ، خداوندگار نگارنده حضرت آقای حاج شیخ یوسف حدائق ادام الله ظلّه العالی که شصت سال از شخصیت و شش سال عمر خویش را در تعلّم و تعلیم اخبار مأثورّه از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و تفسیر قرآن کریم و فقه و اصول و حکمت صرف نموده و با اصول و مبانی و آثار عرفا همواره سروکار داشته چندیست که بمطالعه این دیوان اشتغال و ادّعای این بزرگ را تصدیق و طالبین را بشرح ابیات و مقالات این لسان الغیب و تطبیق آنها با آیات و اخبار و قواعد حکمی مستفید میفرمایند .

بنابر مقدمه ای که معاصروی محمد گل اندام که از نگارش وی ظاهرست در مجلس درس قوام الدّین عبدالله با خواجه شریک در استفاده بوده ، خواجه بنظم و ترتیب اشعار خود پرداخته و استاد مکرر دستور فرموده که گل اندام بدین کار مبادرت نماید ولی تاپس از مرگ استاد و خواجه موفق بدین کار نگردیده و پس از آن بجمع و ترتیب آن پرداخته عین عبارت مقدمه اینست : « محافظت درس قرآن و ملازمت شغل سلطان و تحشیه کشاف و مصباح و مطالعة مطالع و مفتاح (۱) و تحصیل قوانین ادب و تحسین دوانین عرب از جمع ابیات و غزلیاتش مانع آمدی و از تدوین و اثبات ابیاتش و از غشتی الخ »

بنابر این نسبت تألیف تفسیری بخواجه درست خواهد بود ولی بدبختانه تاکنون نسخه ای از آن بدست نیامده است و از جمله : « ملازمت شغل سلطان » که در مقدمه است معلوم میشود که در دستگاه شیخ ابواسحق و آل مظفر مقام دبیری داشته و نگارنده مجموعه ای که شامل چند رساله و چندین مکتوب مرکب از نظم و نثر میباشد و بسال ۷۸۶ نگاشته شده در کتب خطی مجلس شورای ملی ایران یافته و باادله ای که در فهرست آنجا خواهد نوشت آنرا از خواجه میداند ، و مؤید کامل بر صحت

(۱) مفتاح تألیف سکاکی متوفی بسال ۶۲۶ و بنام مطالع کتابهای بسیار است و درص ۴۵۲-۴۵۴ ج ۲ کشف الظنون نام برده شده اند ظاهراً مراد مطالع الانوار سراج الدین ارموی متوفی بسال ۶۸۹ میباشد که در حکمت و منطق میباشد .

قول گل اندام خواهد بود .

تولد خواجه مسلماً بسال ۷۲۸ بوده چرا که در کاغذیکه پیدایش شاه هند نوشته و معذرت از رفتن خود خواسته شمار عمر خود را پنجاه و پنج معین نموده و مرحوم فرصت الدوله در « دریای کبیر » دعوت شاه محمود بهمنی پادشاه دکن را از خواجه و قصد رفتن و عدم موفقیت او را بسال ۷۸۳ معین نموده (این قسمت را شاعر شهیر و دانشمند نحری و خطاط کم نظیر معاصر محمد حسینی متخلص به قدسی که از شعرای معمر و بزرگوار کنونی شیراز اند از کتاب مذکور در مقدمه دیوان حافظ که بخط ایشان در بمبئی چاپ گردیده نگاشته اند) و سال وفات ایشان را شعرا « خاك مصلی » که سال ۷۹۱ را می‌رساند یافته اند ولی جامی در نفحات الانس و سلطان حسین بایقرا در مجالس و هدایت در ریاض العارفین بسال ۷۹۲ نوشته اند و این اختلاف ناشی از اینست که قطعه ایراکه گل اندام در اواخر مقدمه خود بر دیوان نوشته :

(بسال ذال و صاد و حرف اول
بسوی جنت اعلی روان شد
بخاك پاك او چون بر گذشتم
نگه کردم صفا و نور مرقد)
و برخی آنرا بسال با و صاد و ذال ابجد ثبت کرده اند ، بنابراین ۷۹۲ میشود چنانکه
بنابر روایت اول ۷۹۱ خواهد بود و مرحوم اعتصام در ص ۲۱۳ فهرست کتب
خطی مجلس بنقل از تذکره نویسان سال ۷۹۴ و ۷۹۵ را نیز در وفات خواجه نقل
کرده اند ولی در مآخذیکه (۱) نگارنده در این هنگام بآنها مراجعه نموده این
دو سال اخیر ثبت نگردیده است .

معاصرین خواجه شاه داعی الله ، شاه نعمت الله ، سید ابوالوفا ، شیخ علی کلا ،
شیخ زین الدین خوافی ، کمال خجندی و شاه ابو اسحق و شاه منصور و شاه شجاع
و شاه محمود پادشاه دکن بوده و در دیوان وی بنام بعضی از ایشان اشعار و
مدایحی ثبت گردیده است .

(۱) تذکره دولتشاه سمرقندی چاپ اروپا ص ۳۰۲-۳۰۸ ، نفحات الانس خطی کتابخانه ص ۷۲۵ مجالس-
العشاق مجلس چهلیم ، مجالس المؤمنین ص ۳۰۳-۳۰۴ ، هفت اقلیم ص ۱۸۰-۱۸۳ ، ریاض العارفین (چاپ
اول) ص ۱۶۷-۱۸۵ ، مجمع الفصحا ج ۲ ص ۱۱-۱۴ ، فارسنامه ناصری ص ۱۴۴ و ۱۴۵ گفتار دوم ،
آثار عجم فرصت الدوله ص ۱۶۹-۱۷۳ ، طرائق الحقائق ص ۳۰۵-۳۰۷ ج ۲ ، مقدمه دیوان
چاپ قدسی و مقدمه چاپ آقای پژمان .

اشعار خواجه از همان عصر و او انشاء مطلوب عام و خاص گردیده و خواجه را هم شهره آفاق کرده ، گروهی از معاصرین هم به وی رشک برده و خود وی در مقطع غزلی گفته :
 حسد چه میبری ای سست نظم بر حافظ قبول خاطر و لطف سخن خدا داد است
 و همین مطلوبیت و زیادی نسخه برداشتن از آن باعث تحریف و تصحیف بسیار در آن گردیده و اشعار دیگران هم که اندک شباهتی با اشعار حافظ داشته (در بعضی از موارد هم بسیار مبائن با سبک و روش اوست) در دیوان او داخل شده و تشخیص آن بسیار کاری دشوار و جز ادیب بارع و سخن شناس ماهر نمیتواند غث را از سمین و اصل را از بدل تشخیص دهد ، خوشبختانه در این عصر فرخنده جناب آقای محمد علی فروغی (ذکاء المملک) که آثار فلسفی و ادبی ایشان چون آفتاب درخشنده در آسمان ، بدانشمندان ایران جان بخش میکند انتخاییکه در مدت سی سال از دیوان حافظ نموده و ذوق سلیم ایشان حاکم بر صحت نسبت آنها بدان شاعر آسمانی بوده ، چاپ و نشر داده اند .

محمد مؤمن در فائده چهارم از مقدمه عروض خود گوید : مجموع اشعار که از خواجه بنظر رسیده در بیست و سه بحر زیاده نیست .

خواجه اگرچه در فن غزل مهارت کامل داشته ولی قصائد و مقطعات و رباعیات و غمسات و ترجیع بند و ساقی نامه (مثنوی) و غیره نیز دارد . و دیوان وی مکرر چاپ شده و بزبانهای زنده ترجمه گردیده و چندین شرح (۱) بر آن نگارش یافته است .
 (۱۱۸۰)

دیوان این نسخه را منعم الدین اوحدی شیرازی که مشهور به صحیح نویسی میباشد ، بخط نستعلیق خوب بسال ۹۱۷ نوشته ، حافظ شیرازی اطراف دو صفحه نخستین با بهترین طرز نقاشی و تذهیب و مینا کاری شده ، در فاصله غزلیات و قصائد و مقطعات و رباعیات و ساقی نامه ها ۲۷۰ رباعی از خیام را که تناسب معنوی با مطالب حافظ داشته باطلا نوشته و خود دیوان در حدود (۹۴۵۰) بیت است .

پنج مجلس نقاشی دارد (یکی از آنها چینی و ظریف است) که مطالب و معانی (۱) دوشرح از دیوان حافظ در کتابخانه مجلس موجود و در فهرست آنجا معرفی خواهد شد .

پنج غزل را که در ذیل آنها کشیده شده اند بحسب مینمایند، نسخه در قرن دوازدهم متعلق بدانشمندانی ترك نژاد بوده و یادداشتها و مهرهای اسم آنها پشت صفحه نخستین و اطراف صفحات دیده میشود.

جلد تیماجی ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۲۲۷) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض ($۱۰\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۹۹) .

(۱۱۸۱)

دیوان حافظ
و دیوان

این نسخه بسال ۱۰۰۵ بامر علی بن نظام در شهر لار (از توابع فارس است) بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده صفحه دست راست را اشعار حافظ (در حدود ۵۰۰۰ بیت است) و دست چپ را دیوان قاسم انوار (قاسمی) (نیز در همان

حدود از ایات است) نوشته و تا پنج برگ باخر مانده همین کار را کرده و چون دیوان خواجه باخر رسیده تمام پنج ورق را از اشعار قاسمی پر کرده و ملتزم شده که در آخر صفحه غزل هر يك را تمام کند ، دو صفحه اول هر يك دارای سرلوحی زیبا و اطراف آنها تذهیب و نقاشی گردیده و میان سطرهای آنها طلا اندازی و نقاشی شده ، چندین براگ از اول و آخر و صالی شده و نام کاتب از میان رفته است .

جلد تیماجی . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۱۰) صفحه ای (۲۰) سطر . طول ($۲۸\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض ($۱۴\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۰۲) .

(۱۱۸۲)

دیوان
حافظ شیرازی

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب عرشاه بن محمد حسینی الاستادی (کذا) بسال ۱۰۴۷ نوشته ، در آغاز دیباچه و قصائد و غزلیات هر يك يك سرلوح زیباست و اطراف دو صفحه اول هر کدام تذهیب برگ موی اعلا گردیده و میان سطرهای آنها طلا اندازی شده و ابتداء غزلها نیز تذهیب گردیده و صفحات مجدول بطلا و لاجورد و زنگار میباشد ، شماره غزلیات این نسخه از دو نسخه پیشین کمتر و در حدود (۴۱۵۰) بیت میباشد ، چند برگ از آخر نسخه با کمال مهارت و استادی و صالی

شده ، دو برگ از دیباچه میان قصائد صحافی شده ، پشت صفحه اول نسخه و آخر صفحه آخر یادداشت‌هایی بوده نحو گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۷۳) . صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۳ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۱۴) .

(۱۱۸۳)

دیوان این نسخه بخط نستعلیق (خوب ظاهراً در قرن دهم)
نوشته شده ، مالك نسخه در مقابل بسیاری از غزلها تاریخ
حافظ شیرازی تفأل و قصد خود را ذکر نموده و قدیمترین تاریخیکه در آن

واضح است بسال ۱۰۸۸ و در مقابل این غزل است : دیدم بخواب خوش که بدستم
پیاله بود الخ . اوراقی از اول و آخر آن افتاده ، صفحه اول و آخر نسخه ننویس
و بخشی از دیباچه محمد گل اندام و رباعیات بر این دو نگارش یافته ، پاره ای از
برگها و صالی شده ، برخی هم نیازمند میباشد ، پیش از شروع بغزلیات قصائد و
ترکیب بند و خمس حافظ نوشته شده و در اول غزلیات سرلوحی موجود و اطراف
و میان سطرهای دو صفحه اول غزلیات تذهیب گردیده ، ابیات افتاده و نسخه بدل‌هایی
در حاشیه نگارش یافته و در حدود (۷۱۵۰) بیت است .

جلد روغنی گل و بوته و طرف داخل نرگس . کاغذ حنائی . واقف سیه سالار . قطع وزیری کوچک .
شماره اوراق (۲۲۷) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۲ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) .
شماره کتابخانه (۴۱۳) .

(۱۱۸۴)

دیوان این نسخه را بخط نستعلیق نوشته اند ، نویسنده از خود و سال
حافظ شیرازی نگارش نام نبرده ، ظاهراً در نیمه اول قرن سیزدهم نگاشته
شده ، شامل غزلیات و مقطعات و ساقی نامه ها و رباعیات است
و در حدود (۴۷۰۰) بیت میباشد ، يك سرلوح دارد و تمام صفحات بجدول بطلا
و لاجورد است بسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت صفحه
نخستین یادداشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شماره اوراق (۱۹۸) . صفحه ای (۱۴) سطر . طول ($۱۳\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۹۸) .

[۵۲۳] دیوان حسان بن ثابت (عربی)

حسان بن ثابت بن المنذر بن حزام انصاری مدنی متوفی بسال ۵۴ (۱) شاعر و مداح حضرت محمد بن عبدالله پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله میباشد ، مورخین اتفاق دارند که یکصد و بیست سال چون پدران خویش زندگانی نمود ، نیمی از آنرا در جاهلیت گذرانیده بود و نیم دیگر را در اسلام پدایان رساند ، نابغه جعدی و اعشی را دریافته و شعر خود را بآنها عرضه داشته و هر دو اعتراف بخوبی آن نموده اند . گویند که چند نفر از قریش چون ابن الزبیری ، ابی سفیان ، نوفل بن حرث ، عمرو بن العاص و ضرار بن الخطاب پیغمبر اکرم را هجا میگفتند ، حسان مقابله به مثل نمود و آنها را هجاها گفت (در دیوان وی بسیار هجای این اشخاص دیده میشود) ، آنها پس از این ترك هجا کردند و این چند بیت از قصیده ایست که در فتح مکه و هجاء کفار سروده است :

فَأَنْتَ جَوْفُ نَخْبِ هَوَاءٍ	الْأَبْلَغُ أَبَاسُفَيَّانِ عُنَى
وَعَبْدُ الدَّارِ سَادَتُهَا الْأِمَاءِ	بِأَنَّ سَيُوفَنَا تَرَكَتْكَ عَبْدًا
وَعِنْدَ اللَّهِ فِي ذَاكَ الْجَزَاءِ	هَجَوْتُ مُحَمَّدًا ۖ فَأَجَبْتُ عَنْهُ
فَنَشَرُّ كَمَا إِنْخِرَ كَمَا الْفِدَاءِ	اتَّهَجَوْهُ وَلَسْتُ لَهُ بِكُفْوٍ

در دیوان وی مدائح و هجاها و مرثیاتی ثبت شده ، صاحب روضات از شیخ مفید نقل نموده که حسان پس از پیغمبر ص از حضرت علی بن ابی طالب بسیار انحراف داشت و از تابعین عثمان بن عفان بود و مردم را از آن حضرت برمی گردانید و بمعایه میخواند . در دیوان وی رثاهای متعدد درباره خلیفه سوم دیده میشود اگر چه تصریحی

(۱) در معجم المطبوعات ص ۷۵۲ بنقل از آغانی و خزانه الادب و جمهره وفات حسان بسال ۵۴ ثبت گردیده و در شذرات الذهب (ج ۱ ص ۶۰) و روضات الجنات (ص ۳۹ ج ۲) نیز در همین سال ضبط گردیده ولی در این کتاب اخیر گوید که وفات ویرا بسال ۴۰ نیز نوشته اند .

بر آن معنی که نقل کردید در مطالعه مختصر خویش نیافتم ولی توجه کامل و اعتقاد زیاد وی از رثاهای متعدد بخوبی واضح و آشکار است .
این دیوان شامل از اقسام شعر مذکور میباشد و مکرر در اروپا و تونس و بمبئی و مصر و لاهور چاپ گردیده است .

آغاز: قال حسان رضی الله عنه يوم فتح مکه

عَفَّتْ ذَاتُ الْأَصَابِعِ فَأَلْجَؤُا إِلَيَّ عَذْرَاءَ مَفْرُئِهَا خَلَاءَ

(۱۱۸۵)

این نسخه بخط نستعلیق خوب بدون تاریخ نگارش یافته ،
پشت صفحه نخستین بسال ۱۲۸۴ و رود آن به کتابخانه
حسان بن ثابت اعتضاد السلطنه یادداشت شده ، از طرز کتابت و کاغذ بایستی
در همین سال یا کمی پیش از آن نگاشته شده باشد ، در حاشیه برخی از صفحات معانی
بعضی از لغات مشکله اشعار از کتب لغت نقل گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۹۰) .
صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۴۶) .

[۵۲۴] دیوان حسن دهلوی (فارسی)

نجم الدین حسن بن علی سنجری دهلوی معاصر با امیر خسرو دهلوی است و هر دو
دست ارادت به نظام الدین اولیا داده اند ، در شرح حال این دو شاعر سخن سنج
مذکور است که روزی امیر خسرو با نظام الدین اولیا میگذشت بر درب دکان نانوائی
حسن را دید که در منتهی درجه لطافت و حسن صورت نشسته و نان میفروشد ، پیش رفت
و پرسید نان چگونه میفروشی حسن گفت : نان در ترازو میکنم و اهل سودا را می فرمائیم
تا مقابل آن زر می نهند هر گاه زر گران تر می آید مشتری را روان میکنیم خواه
خسرو گفت اگر خریدار مفلس باشد مصلحت چیست گفت درد و نیاز را بوجه
برمیگیریم خسرو از این گونه سخنان موزون حسن حیران بماند و کیفیت بشیخ
عرضه کرد . خواهج حسن را درد طلب دامن گیر شد و بخانقاه شیخ در آمده تراک
دکان داری نمود ، آتش عشق حسن در امیر خسرو شعله ور گردید ، حسن نیز او را

دوست داشت چون دومیغز در یک پوست و یک جان در دو قالب شدند ، داستان عشق آنها زبان زد مردم گردید ، بگوش پادشاه زمان علاءالدین فیروزشاه رسید ، حسن را که مقام ملازمت پیدا کرده بود از رفتن بخانه امیر خسرو بازداشت ، ولی سودی نه بخشید و باز با خسرو آمد و شد داشت و شهرت این عاشقی روز افزون میگشت پادشاه روزی برای نافرمانی بردست حسن تازیانه زد ، پس از آن از همان راه بخانه امیر خسرو در آمد ، چون این خبر پادشاه رسید عشق مجازی را بزیور حقیقت آراسته یافت خسرو را طلبید و حسن را نیز بحضور خواست و تحقیق نمود که عشق آنها شایه هوا و هوس دارد یا از این نقص بری است از بوته امتحان چون ز رخالص و ناب پاك بدر آمدند باوجود این از خسرو برهان و دلیل خواست ، گفت دوئی از میان ما برخواسته و دست از آستین بیرون آورده که « گواه عاشق صادق در آستین باشد » و نمود که اثر تازیانه که بر بدن حسن زده شده بر بدن وی ظاهر گردیده و این رباعی از شیخ عراقی خواند :

عشق آمد و شد چو خونم اندر رک و پوست تا کرد زمن تهی و پر کرد ز دوست
اجزای وجودم همگی دوست گرفت نامیست زمن بر من و باقی همه اوست
در تذکره دولت شاه (ص ۲۴۷-۲۴۹) و مجالس العشاق (مجلس ۳۴) و مجمع الفصحا (ج ۱ ص ۱۹۶-۱۹۷) و تذکره خوشگو و هفت اقلیم ص ۳۰۰-۳۰۲ که در هنگام نگارش این شرح مراجعه گردیده از تاریخ حیات و زمان مرگ و دیوان وی معرفی نشده ، در تاریخ مفصل ایران آقای اقبال شرحی در باره این شاعر عارف نوشته و مرگ او را بسال ۷۲۷ در دولت آباد هند معین نموده و در هفت اقلیم وفات او در دیوگیر ثبت شده است نسخه این کتابخانه در حدود (۶۴۰۰) بیت شعر و شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و چند مشوی و رباعیات این شاعر میباشد و قصائد و غزلیات در مدح سلطان علاءالدین محمد بسیار دارد و در غزلی علاقه خود را باهل بیت پیغمبر اکرم ص آشکار کرده و گوید:

کوبنده محمد و آل محمد است

آزاد شد دل حسن از بند هر غمی

درباره خط خوب خود گوید :

بنده حسن ز خط خوشش نسخه کند هر که که عرضه داشت کند پادشاه را .
حسن دهلوی را سعدی هندوستان گویند و خود وی هم خواسته که چنین باشد
و در مقطع غزلی گوید :

از نظم حسن نوشد دیباچه عشق آری جلد سخنش دارد شیرازه شیرازی .
و چنانکه در ص ۵۱۷ نقل گردید امیر خسرو هم نظیر این بیت را درباره خود
گفته بود .

آغاز : ای حاکم جهان و جهان داور حکیم محدث همه بدایع و تومیدع قدیم .
(۱۱۸۶)

دیوان این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، برگ آخر نسخه
که ظاهراً شامل تاریخ نگارش و نام نویسنده بوده برداشته اند ،
حسن دهلوی پشت صفحه نخستین یادداشت‌هایی با تاریخ می‌باشد که بیشتر از
همه آنها آنست که بسال ۱۰۵ (کذا) که ظاهراً مراد از آن ۱۰۰۵ بوده نگاشته
شده و تصور میکنم که از خطوط اوایل قرن دهم هجری باشد ، دو صفحه اول کتاب
آذنیب و نقاشی بسیار ظریفی دارد و صفحات نسخه مجدول بطلاست .
جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۲۶۸) .
صفحه ای (۱۴) سطر . طول ($۲۲ \frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه
(۱۹۰) .

[۵۲۵] دیوان حسن غزنوی (فارسی)

سید حسن بن ناصر علوی ملقب به اشرف الدین از شعرا و عرفای عصر بهرامشاه
غزنوی و معاصر حکیم سنائی بوده و در مقام سیروس و سلوک مقاماتی یافته ، پادشاه هم
نسبت بوی لطف و محبت داشته ، چون دید که پای منبر ارشاد و افاده وی هر روز
در حدود هفتاد هزار کس می‌نشیند و بیشتر آنها از مریدان و پیروان وی اند صلاح
کشورداری خود ندید که در غزنین باشد ، سید هم چون این معنی را دریافت بعزم
زیارت کعبه از آنجا رخت بر بست ، چون بمدینه طیبه رسید ترجیع بندی در نعت

حضرت رسالت صم انشاء و این يك بيت را در تاريخ گزيده حمدالله مستوفی از آن نقل نموده :

لاف فرزندى نيارم ز ددريں حضرت ولى خدمتى گفتم ز حضرت خلعتى بيرون فرست.
ديوان وي شامل مدائح بسيار از بهرامشاه ميباشد و در قصيده ايکه اين بيت مطلع آنست :

چون ز غزنين کردم آهنگ ره هندوستان

از سپاه روم و خيل زنگ مى بستد جهان
تشریح نموده که در اين سفر بهرامشاه نيز باو در يك کشتى بوده و او را مدح بسيار نموده و گوید :

اينچنين راهى مرا خوشتر ز بر گشتن بود

در پناه رايه منصور سلطان جهان

هدايت در رياض العارفين (ص ۱۸۵-۱۸۶) که معرفى از اين عارف شاعر نموده وفات ويرا بسال ۵۳۵ پس از بر گشتن از حج و تکریماتی که از طرف سلاطين عصر نسبت بوى شده در جوين اسفرائين ثبت نموده و همودر ص ۲۹۲ ج ۱ جمع الفصحا که دوباره بمعرفى وي پرداخته گوید بسال ۵۶۵ وفات يافته و ديوانش پنجهزار بيت است و در حاشیه ص ۲۲۰ ج ۲ سخن و سخنوران وفات سيد حسن غزنوى مطابق جمع الفصحا ثبت گردیده و بطلان قول اول را اين بيت که در ص ۴ نسخه زيرين ديوان اوست ثابت ميكند :

از بعد پانصد و چهل و پنج گوييا در من نگر که معجزه جد خود منم
و در آتشکده چاپى (ص ۱۰۶) وهفت اقليم ص ۲۶۱-۲۶۶ و تذکره دولتشاه ص ۱۰۴-۱۰۶ تاريخ وفات وي ثبت نگردیده است .

(۱۱۸۷)

ديوان
حسن غزنوى
اين نسخه بخط نستعليق بدون تاريخ نوشته شده ، نويسنده از خود نام نبرده ، ظاهراً از خطوط نيمه اول قرن سيزدهم هجرى است ، ديوان مختارى بدین نسخه پيوسته است و در

همین فصل معرفی خواهد شد، و این دیوان که بدین بیت شروع شد:

داند جهان که قره عین پیمبرم شایسته میوه دل زهرا و حیدرم
بر حسب شماره دقیق (۱۲۸۰) بیت از قصیده و غزل و ترجیع بند میباشد و بسال ۱۲۶۱
داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده است.

جلد تیماج . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق دودیوان (۱۱۸) . این
نسخه (۳۷) . صفحه (۱۹) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۸۵) .

[۵۲۶] دیوان خاقانی شروانی (فارسی)

خاقانی را در ص ۴۶۳ - ۴۶۶ معرفی کرده ایم، دیوان وی شامل قصائد و غزلیات و
مقطعات و رباعیات میباشد چنانکه در ص ۴۶۶ نقل گردیده شماره ابیات دیوان ویرا
(۲۲۰۰۰) نوشته اند، دیوان وی بنام کلیات سه بار که آخرین آنها بسال ۱۳۲۵ بوده در هند
چاپ گردیده و شامل (۲۲۰۰۰) بیت عربی و فارسی میباشد، در سخن و سخنوران
(بخش اول از جلد دوم ح ص ۳۲۲) تذکر داده شده که در نسخه چاپ هند اشعار
دیگران نیز مندرج گردیده و نیز بسال ۱۳۱۷ خورشیدی بتصحیح دانشمند معاصر
آقای عبدالسولی استاد ادبیات دانشگاه دیوانی از خاقانی در حدود (۱۷۰۰۰) بیت
در طهران چاپ ممتازی گردیده است.

در اشعار خاقانی مشکلاتی از حیث لغت و معنی وجود دارد دانشمندی بشرح
آنها پرداخته اند و در این فصل و در فهرست کتابخانه مجلس چند شرح بر این دیوان
را معرفی خواهیم نمود.

آغاز:

دل من پیر تعلیم است و من طفل زبان دانش دم تسلیم سر عشق و سر زانو دبستانش
نه مردی این دبستانست مرکز جنبش دردی بهر دم چارطوفانیست در بنیادارگانش (۱)

(۱۱۸۸)

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۰۲ نوشته شده،

دیوان

نویسنده از خود نام نبرده، بر گهائی از اول آن افتاده،

خاقانی شروانی

برخی از برگهای کنونی در اول نسخه نویس و پاره ای از

(۱) در نسخه این کتابخانه بیت دوم بدین نحو نوشته شده و نویسنده در تصحیف و تحریف آن
اعجاز کرده است.

بر گها و صالی شده ، بر حواشی نیمه اول بر گهای دیوان تعلیقات و حواشی نگاشته شده ، بر برگ نوشته‌ای که پیش از نسخه بوده و وقفنامه مدرسه بر آن نوشته شده یادداشتی بوده محور دیده و بر حسب شماره دقیق در این نسخه از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات در حدود (۱۴۲۰۰) بیت میباشد و ایاتی چند از معاصرین که موجب انشاء قصائد یا قطعه هائی بوده نیز در این نسخه از دیوان وجود دارد .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۵۹) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول ($۲۷\frac{۱}{۳}$ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۳) .

(۱۱۸۹)

این نسخه بخط دستعلیق خوب بسال ۱۰۱۳ نوشته شده پیش از شروع به نگارش دیوان ، تحفة العراقین خاقانی نوشته شده و خصوصیات آن در ص ۶۷ گذشت ، این دیوان شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و در حدود (۱۳۷۵۰) بیت میباشد ، دو سر لوح زیبا یکی در ابتداء قصائد و دیگری در آغاز غزلیات دارد نسخه زیر شماره (۴۱۰) در کتابخانه ثبت گردیده و در ص ۶۷ خصوصیات دیگر آن زیر معرفی تحفة العراقین زیر شماره (۱۱۰۶) نگاشته شده است .

[۵۲۷] دیوان امیر خسرو دهلوی = تحفة الصغر (فارسی)

شرح حال و آثار امیر خسرو دهلوی را در ص ۵۱۶-۵۲۰ نگاشته‌ام و در آنجا تذکر داده شد که چهار دیوان داشته ، نسخه های زیرین « تحفة الصغر » یا نخستین دیوان وی میباشد و در حدود (۱۴۰۰۰) بیت از غزل (مرتب بحروف تهجی بحسب ردیف ها میباشد) و قطعه و رباعی میباشد و خود بر آن دیباچه ای نیز نگاشته ولی نسخ این کتابخانه فاقد آنست .

آغاز: حمد رانم بر زبان لله رب العالمین

آنك جان بخشید در قرآن هدی للمتقین الخ.

(۱۱۹۰)

دیوان

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، در میان اوراق
غزلیات ردیف و او یک صفحه مجلس نقاشی چینی بسیار ظریف
امیر خسرو دهلوی که مجلس بزم پادشاه و رقص دائره ای را مجسم مینماید و از
تحفة الصغر بالا تا پائین صفحه را فرا گرفته موجود و در قسمت بالای

آن، این جمله بخط ثلث بسیار خوب نگارش یافته:

بشارة السلطان الاعظم والخاقان المعظم ابوالغازی سلطان حسین بهادر خلد
ملکه فی شهور سنة ست و ثمانین و ثمان مائه .

دو صفحه نخستین نسخه دارای دوسر لوح و اطراف آن تذهیب و نقاشی های
بسیار ممتاز و مینا کاریهای ظریف گردیده ، دست حوادث چون بسیاری از صفحات
این دو صفحه را ناقص کرده ولی با کمال مهارت و استادی و صالی گردیده و با
دقت کامل تشخیص داده میشود ، عناوین غزلها و قطعات با لاجورد و طلا
نوشته شده و ظاهراً نگارش آن بسال ۸۸۶ که تاریخ مجلس نقاشی مذکور میباشد،
بوده است .

چند غزل اول سائر نسخ در این نسخه نیست و بدین بیت شروع گردیده :

ای بدر ماندگی پناه همه رحمت تست عذر خواه همه

از رباعیات هم بخشی افتاده و آخرین رباعی که در آخر نسخه کنونی میباشد
کلماتی از آن محو شده و نواقص آن درست تکمیل نشده و در نسخه زیرین صحیح
آن نگاشته شده ، تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد و اطراف عناوین غزلیات
و غیره تذهیب گردیده و بسیاری از صفحات و صالی گردیده است .

جلد روغنی گل و بوته دورو . کاغذ خان بالغ . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق
(۴۴۲) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه
(۴۶۱) .

(۱۱۹۱)

دیوان
امیر خسرو دهلوی
این نسخه در اوایل قرن نهم هجری بخط نستعلیق خوب نوشته شده، از شماره سال تاریخ ۸۹ باقی مانده و آحاد آن محو گردیده، برگ نخستین نو نویس و پاره از برگها و صالی گردیده رطوبت تحفه الصغر بعضی از سطرها را خراب نموده و شامل غزلیات و مقطعات و رباعیات و فردهاست، دیباچه نثری را نیز ندارد، عناوین بالا جور و طلا نوشته شده و صفحات مجدول بطلاست.

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سیه سالار . قطع وزیری کوچک . شماره برگها (۳۶۰) . صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۲۲ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۴ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۷۱) .

(۱۱۹۲)

دیوان
امیر خسرو دهلوی
این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، اطراف دو صفحه نخستین باطرزی خوش و ظریف تذهیب و نقاشی و مینا کاری گردیده و میان سطرها طلا اندازی شده، اطراف چند صفحه در اوایل نسخه تذهیب گردیده، صفحات مجدول بطلا و عناوین نیز باطلاست، برگهایی از آخر نسخه افتاده و بعضی از اوراق هم و صالی گردیده و ظاهراً در اوایل قرن دهم هجری نگارش یافته است.

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۵۳۱) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۴ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۶۸) .

[۵۲۸] دیوان امیر خسرو = غرة الکمال (فارسی)

غرة الکمال سومین دیوان امیر خسرو دهلوی است که در ص ۵۱۶ - ۵۲۰ بشرح حال او پرداخته ایم، چنانکه خود در دیباچه این دیوان نوشته اشعاری که از سال ۶۸۵-۶۹۳ که از سال ۳۴ تا ۴۰ (۱) عمر خود سروده در يك مجلد گذارده

(۱) تاریخ سنه خمس و ثمانین و ستمائه که سی و چهار سال بودم که تا غایت شهور سنه ثلث و تسعین و ستمائه که چهل سال شدم هر نقدی که محرران در دیوان کارخانه خرج شود انشاء الله درین دیوان کارخانه خرج شود آنانکه طغرای بی مثال دارد اگر بیشتر توقعات کالبدیست (عین عبارات ورق ۳۶ نسخه است و چنانکه دیده میشود اغلاطی در تاریخ مذکور و عبارات یافت میشود) .

و آنرا «غرة الکمال» نام نهاده چنانکه دو دیوان انشائی پیش از این را «تحفة الصغر» و «وسط الحیات» نامیده است این دیوان شامل چند بخش میباشد که زیر این سطر نگاشته میشود:

۱ - دیباچه ای بشر و نظم که در آن ابیات عربی امیر خسرو دیده میشود و خود اعتراف نموده که از عهده شعر عربی گفتن بر نیامده و معذرت خواسته است و اطلاعات سودمندی از حالات خود و خانواده اش در اینجا یافت میشود و این بخش در چهل برگ در متن و حاشیه نوشته شده و در حدود (۱۹۰۰) بیت میشود.

۲ - قصائد و چند قطعه است که از برگ ۴۱ تا ۱۰۶ را شامل و در حدود (۳۷۰۰) بیت است.

۳ - قطعات شامل مطالب توحیدی و نعت و منقبت و عرفان و تصوّف و غیره از برگ ۱۰۶ تا ۱۱۵ در حدود (۵۰۰) بیت.

۴ - در متفرقات از قبیل هزل و ذم و استهزاء و مطایبات و شکایات و غیره از برگ ۱۱۵ تا ۱۱۸ در حدود (۱۷۰) بیت.

۵ - فتحنامه یا «مفتاح الفتوح» که به وزن مثنوی و بسال ۶۹۰ انشاء آن خاتمه یافته از ص ۱۱۸ تا ۱۳۲ و در حدود (۸۰۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست:
سخن بر نام شاهی کردم آغاز
که بر شاهان در دولت کند باز

۶ - نامه ایست که به برادر خود تاج الدین زاهد نیز بوزن مثنوی انشا و از برگ ۱۳۳ تا ۱۳۷ را فرا گرفته و در حدود (۲۵۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست:

عنوان این نامه که جان در و سرشتم
هر حرف بخون دل نبشتم
در خدمت مکرم گرامی
زاهد بهمه هنر تمامی.

توحید سر نامه بنام ایزد پاک
کلورد پدیدم مردم از خاک.
آغاز نامه بخودم برادر گرامی
چون خود بهمه هنر تمامی

۷ - چند مثنوی کوچک در وصف اسب و عمارات شاهی است در (۲۳۰) بیت از برگ ۱۳۷ تا ۱۴۳.

۸ - مثنوی بنام « بازنامه » است که در برگ ۱۴۲ تا ۱۴۸ نسخه نوشته شده و در آن بمدح و اندرز پادشاه وقت پرداخته و در حدود (۲۲۰) بیت میباشد .
 ۹ - غزلیات است که از برگ ۱۴۷ تا ۱۸۰ میباشد و در حدود (۱۸۵۰) بیت میباشد و مرتب بترتیب حروف تهجی بر حسب ردیفها نیست و بدین بیت شروع میشود :

ای ز خیال ما برون در تو خیال کی رسد با صفت تو عقل را لاف کمال کی رسد
 ۱۰ - رباعیات امیر خسرو است و چند ورق آخر نسخه جای آن پیشتر است و از میان رباعیات يك يا چند برگ افتاده و این بخش از برگ ۱۸۰ تا ۱۹۳ نسخه میباشد و در حدود (۲۸۰) بیت است .
 و بنا بر محاسبه نام برده این دیوان در حدود (۱۰۰۰۰) بیت میباشد .

(۱۱۹۳)

این نسخه بدون تاریخ و نام نویسنده بخط نستعلیق خوب
 نوشته شده ، از اسلوب آن بدست می آید که نویسنده آن
 هندی و يك سرلوح ظریف بسبك هندی دارد ، ظاهراً در
 قرن نهم هجری نگارش یافته ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد
 و عنابرین باشنجرف نگارش یافته بدبختانه اغلاط زیاد دارد و برخی از برگها و صالی
 گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۹۳) . صفحه ای
 (۱۷) سطر در متن ۲۶ در حاشیه . طول ($28\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شماره
 کتابخانه (۱۷۰) .

[۵۲۹] دیوان داود (فارسی)

محمد داود فرزند میرزا عبدالله است که از اجله سادات عالی درجات اصفهان
 بوده و عشق (۱) تخلص میکرد . چنانکه خود محمد داود در قطعه ای از قطعه های این

(۱) در این بیت :

(زاده عشق مصرعی خواند برسم تعمیه قصر جهان نما شده آئینه جهان نما)
 که در آخر قطعه ایست اشاره به تخلص پدر کرده است .

دیوان تصریح نموده بسال ۱۰۶۵ در اصفهان متولد شده، و از مثنوی وی که در شرح مسافرت بخراسان بعنوان توالیت آن آستان سروده شده و در این دیوان موجود است مسلم میشود که این مقام را دارا شده و در ص ۳۳۷ ج ۲ مطلع الشمس نوشته شده که بسال ۱۱۰۹ دارای این مقام گردیده و در آتشکده آذر (ص ۱۸۰) ثبت شده که در همانجا وفات یافته ولی در این دو مأخذ که نام و نشانی از این شاعر یافتیم معلوم نشد که تا چه سال در اینجهان بوده ولی از قطعه‌ای که در تاریخ فوت میرزا محسن نام سروده و جمله «آه از تأثیر آه» را که سال ۱۱۳۱ معین میکند ماده تاریخ وفات وی یافته بدست آمد که ۶۶ سال مسلماً در این جهان بوده و در حاشیه ص ۱۵۵ نسخه تذکره دولتشاه شماره ۲۷۲۷ این کتابخانه این ماده تاریخ موجود: ذیحجه فغان (۱۱۳۱) بود و محرم (۱۱۳۲) افغان. به این شاعر متولی مشهد نسبت داده شده است. و پس از این معلوم نیست که چند سال زندگانی کرده و چنانکه خود و دیباچه نویسنده دیوانش تصریح کرده‌اند نام وی **محمد داود** (۱) است.

محمد رضی بن محمد شفیع (در یکی از ایات مثنوی موسوم به «نمکدان دین» که در وصف مجلس خصوصی شاه سلطان حسین و افراد این محفل میباشد از میرزا رضی نام برده و گوید: گرمی هنگامه بزم شهی بود در حضرت میرزا رضی) بر حسب خواست شاعر دیباچه‌ای با کمال پیچیدگی که اسامی بسیاری از شعرای پیشین تا معاصرین در آن گنجانیده شده بر این دیوان نگاشته و در آن اشاره بلکه تصریح گردیده که این دیوان شامل قصائد و غزلیات و مثنوی‌ها و مقطعات و ترکیب‌بند و ترجیع‌ها و رباعیات میباشد و تاریخ این نگارش را در آخر چنین نگاشته:

«در صفحه روزی که راقم دیوان روزگار بقلم زرین خورشید در ورق اول جزو چهارم مجلد دهم دفتر اول کتاب دویم زمانه سطر چهاردهم را می‌نگاشت صورت تسوید یافت». بنا بر این صبح چهاردهم محرم سال ۱۰۹۴ به انشاء این دیباچه مبادرت نموده و بنا بر دانستن سال تولد وی و این تاریخ، شاعر در این سال ۲۹ سال داشته و مندرجات دیوان که حاکی از موی سفید و پیری و ناتوانی شاعر میباشد و ماده تاریخهای متعدده که همه از سال هزار و صد بالاتر است و مثنوی

(۱) بیت اول قطعه اینست: طالع بنده سرگشته محمد داود عاصی رو سیه قابل عفو و غفران

مسافرت نامه وی به خراسان که بنابر ضبط در مطلع الشمس بسال ۱۱۰۹ بوده منافات با این تاریخ دارد بنابراین یا این عبارات معنی دیگری را می‌رساند که فهم نگارنده بدان نرسیده و یا اینکه در ایام جوانی و آغاز شاعری که شاعر شور جوانی و انتساب به سلاطین صفویه هم داشته محمد رضی را وادار بر دیباچه نویسی کرده و آنچه پس از آن بر دیوان اضافه شده نیز بران دیوان پیشین افزوده است

و از این بیت : «بود بیزم شه خورشیدشان بنده بیقدر هم از حاضران» که در مثنوی «نمکدان دین» می‌باشد معلوم می‌شود که از مقربان پادشاه بوده، آذر در آتشکده هجوملیحی از وی کرده و گوید : «در اکثر اوقات بصحبت فضلالی شعرا مشغول و خود نیز صاحب دیوان بوده دیوانش مطالعه شد این يك شعر از تمامی دیوان وی انتخاب گشت و باسم تخلص می‌کند ازوست :

نگوید آنکه بداند چگوید آنکه نداند بحیرتم که سراغ وصال از که بگیرم
و این شعر نیز از قصیده اوست که در مذمت دنیا گفته بد نگفته :
دارد برخ این دخترک از پاره دلها بزرگ

اشک یتیمان زرک خون شهیدانش حنا (۱)

شماره ابیات این دیوان موافق مندرجات نسخه زیرین در حدود (۸۰۰۰) بیت است .

آغاز دیباچه : لوامع حد و ثنائی که چون کوکبه تابشیر در مطلع بندگی
ظهور نماید الخ .

آغاز غزلیات :

نیست با عفو تو پرواز کند کردنها مدّ غفران تو گردیده رک کردنها

(۱۱۹۴)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، از طرز نگارش و اینکه در برخی از جاها بخشهائی ننوشته و بخش بعد را

دیوان داود

(۱) بیت اول را در دیوانش پیدا نکردم و بیت دوم از قصیده ایست که ۱۹۵ بیت می‌باشد و مطلع آن اینست :

شد مویر خسارت سفید ای خواجه میدانی چرا یعنی که باید رو نهی زین جاده تا شهر فنا

نگاشته اند استفاده میشود که از روی نسخه اصل که هنوز کامل نشده نوشته شده و پس از دیباچه شامل چند قصیده، غزلیات مرتب بحروف تہجی بر حسب ردیفها، مثنوی مسافرت نامه از اصفهان تا مشهد مقدس (این مثنوی گذشته از اینکه ابیاتی لطیف دارد نام يك بیک منازل میان این دو شهر نامی ایران را در آن زمان معین مینماید و بسیاری از امثال را در آن مندرج ساخته)، زبور العاشقین این نیز مثنوی است و شامل تعریف سر تاپای محبوب میباشد و خود وی در انجام آن گوید: چو تعریف سراپا یافت اتمام زبور العاشقینش ساختم نام)، مقطعات در تاریخ بناهای شاهی و وفیات اشخاص، مثنوی «نمکدان دین» در بیان مجلس خاص پادشاه و افراد آن و نقل مطالب دینی که در آن مجلس گردیده است، ترجیع بند و ترکیب بند (فقط این قسمت به ترکیبی است).

دارای هفت سرلوح زیباست و اطراف صفحه ایکه سرلوح نخستین میباشد و صفحه مقابل آن تذهیب و نقاشی شده و تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد میباشد. جلد میشن ضربی. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره برگها (۳۱۹). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۴ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۵۶).

[۵۳۰] دیوان ذوالرّمه (عربی)

ابوالحرث (۱) غیلان بن عقبه بن مسعود بن حارثه بن عمر بن ربیعہ عدوی (۷۷-۱۱۷) (۲) مشهو به ذوالرّمه (۳) از مشاهیر شعرای عرب بوده و گویند وی شاعرترین عرب میباشد و شعر به امرؤ القیس آغاز و به ذوالرّمه بانجام رسیده است درص ۱۷۸ فهرست ابن الندیم کتابی بنام «اخبار ذی الرّمه» به هارون بن موسی بن

(۱) در فهرست دارالکتب کنیه ذوالرّمه ابوالحرث ضبط گردیده در صورتیکه در تمام مآخذ ابوالحرث ثبت شده است.

(۲) درص ۴۰۴-۴۰۶ ج ۱ و فیات الاعیان و ص ۱۷۱ ج ۳ روضات و ص ۹۱۳ معجم المطبوعات ازین شاعر معرفی گردیده و سال تولّد و وفات بدین گونه که در اینجا ست ثبت گردیده است.

(۳) در روضات بنقل از شرح شواهد سیوطی نگارش یافته که این شاعر را بمناسبت اینکّه روزی بندی بردوش داشت و زن خود را که میّه نام داشته و از او آب خواسته آب داده و بدو گفته: **اشرب یا ذالرّمه** این لقب داده شد و برخی گویند بمناسبت این مصرعوی **اشعث باقی رمة التقلید** او را ذوالرّمه گفته اند و رّمه بضم اول و تشدید و تخفیف دوم ضبط گردیده است.

عبدالمملک که یکی از رواة و جامعین اخبار بوده و از آنهائی است که ابن ندیم بدون واسطه رسائل او را نقل نموده ، نسبت داده شده است .

اصمعی گفته که ذوالرّمه به تشنگی جان داد و آخرین حرفی که زد این بیت بود :

يَا مُخْرِجَ الرُّوحِ مِنْ نَفْسِي إِذَا احْتَضَرْتُ

وَفَارِجَ الْكَرْبِ زُخْرٍ حَنِى مِنَ النَّارِ

پشت نسخه زیرین زیر عنوان **الجزء الثاني من شعر ذی الرّمه (۱)** نوشته شده

عن **الاصمعی** و در ذیل ابیات بشرح لغات و توضیح مطالب و مراد آنها پرداخته شده و بدین سبب آنرا شرح این دیوان توان خواند ولی در فهرست ابن الندیم (ص ۸۲) و بغیة الوعاة (ذیل عبدالمملک) که بشرح حال اصمعی و ذکر آثار او پرداخته شده ، شرح یا توضیح مشکلات این دیوان بدو نسبت داده نشده و این دیوان بسال ۱۹۱۹ م. در لندن در چاپخانه دانشگاه کمبریج چاپ گردیده است .

نسخه زیرین زیر ابیات کلمات مشکلة آنها شرح و بیان گردیده و چنانکه از مطالب مندرجه در فهرست دارالکتب العربیه (ج ۳ ص ۱۲۹) برمیآید نسخه چاپی هم با این تقیدات است و استاد کارلیل انگلیسی حواشی بر متن و این تعلیقات و مقدمه ای بر این دیوان به انگلیسی نگاشته و در همین صفحه تذکر داده شده که یکی از دو نسخه خطی آن کتابخانه شامل قسمتهائی است که مانند شرح میباشد و منشی آنها ابو الفتح حسین بن علی بن ابی منصور عائدی (۲) است .

نسخه زیرین بخش دوم از این دیوان میباشد و با تعلیقات در حدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد و بدین بیت شروع شده و بیان عائدی (ظاهراً) که در ذیل آن نگارش یافته اینست :

آغاز : بِسْمِ اللَّهِ عَوْنُكَ اللَّهُمَّ وَقَالَ ذُو الرَّمْهَ اَيْضاً :

أَمِنْ دَمَنَةٍ جَرَّتْ بِهَا ذَيْلُهَا الصَّبَا لَصِيدَاءَ مَهَلًا مَاءَ عَيْنِكَ سَافِحَ

(۱) پس ازین کلمه بوده زیروصله رفته و محو گردیده است .

(۲) در وفیات الاعیان و شذرات الذهب و بغیة الوعاة و روضات بنام وزمان و شرح حال این دانشمند دست نیافته ام ، وجود تعلیقات در این نسخه ثابت میکند که پیش از قرن هفتم بر آن نگاشته شده است .

يُرِيدُ مَاءَ عَيْنِكَ سَافِحَ اِي سَائِلٍ مِنْ اَجْلِ دَمْنَةٍ لِيَصِيدَ آءُ ثُمَّ قَالَ مَهْلًا اَي
كُفِّ وَ ذِيلِ الرِّيحِ مَاءِ خَيْرِهَا .

(۱۱۹۵)

دیوان ذوالرّمه این نسخه بخط نسخ خوب نگارش یافته ، پشت صفحه نخستین نوشته شده : کتبه جعفر بن شمس الخلافه . (۱) و

در همین صفحه محمد مهدی عبدالرب آبادی که از دانشمندان قرن سیزدهم هجری و یکی از مؤلفین نامه دانشوران بوده شرحی در معرفی از نویسندگان نام برده ، بنقل از وفيات الاعیان نوشته و یکی از مالکین نسخه تملك خود را بسال ششصد و هشتاد و اندی (مرتبه آحاد تاریخ سوراخ شده و بجای آن وصله زده شده است) نوشته و یادداشتهای دیگری نیز در این صفحه موجود است .

جلد چرمی ضربی بسیار ظریف . کاغذ حنائی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۴۶) . صفحه ای (۱۵) سطر . (طول $۲۳\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض ($۱۷\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۳۳۷) .

[۵۳۱] دیوان رشید و طواط (فارسی)

رشید و طواط در ص ۳۳۹ - ۴۴۰ معرفی کرده ام و این دیوان شامل قصیده و غزل و قطعه و ترکیب بند و رباعی اوست نسخه زیرین در حدود (۵۳۰۰) بیت میباشد و بیت هائی عربی از رشید در این دیوان هست و از ابتدا قصیده ای که در برگ هفتم نوشته شده (۲۷) بیت افتاده و از حسن اتفاق ابیات در ص ۲۲۳ ج ۱ مجمع الفصحا آن ابیات چاپ شده است .

آغاز : ای جاه تو افروخته اعلام کبریا صافیست اعتقاد تو از کبر و از ریا

(۱۱۹۶)

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده

دیوان

از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهر آ در قرن دوازدهم نگارش

رشید و طواط

یافته ، صفحات مجدول به اکلیل و عناوین باشعرف است .

(۱) در ص ۱۱۳ - ۳۱۴ ج ۱ وفيات الاعیان گویدوی از دانشمندان خوش خط بود و کتابهای بسیار نوشته و چون خوب و صحیح مینوشته مرغوب است و دیوانی لطیف دارد بسال ۵۴۳ متولد و سال ۶۲۲ وفات یافته است .

جلد مقوایی ، کاغذ ترمه . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۶۵) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول ($۱۹\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض ($۱۱\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۴۲) .

[۵۳۲] دیوان سید رضی (عربی)

درص ۱۴۹-۱۵۵ بشرح حال ومؤلفات سید رضی جامع نهج البلاغه پرداخته شد و در حاشیه ص ۱۵۳ از ابن خلکان نقل گردید که جمعی بجمع دیوان سید رضی مبادرت کرده اند و بهتر از همه آنست که ابوالحکیم خیری فارسی متوفی بسال ۷۶۴ (۱) (در چهار مجلد) گردآورده است .

درص ۵۱۳ ج ۱ کشف الظنون نگارش یافته که یکی از ادبا دیوان سید رضی را مختصر نموده و آنرا « انشراح الصدر » نامیده است .

این دیوان بسال ۱۳۰۶ در بمبئی و بسال ۱۳۰۷ در بیروت در دو جلد چاپ گردیده و در حاشیه ص ۱۵۳ و ۱۵۴ راجع باین دیوان مطالبی است .

آغاز:

(۱۱۹۷)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهر آ در قرن سیزدهم نگاشته شده ، مرتب بترتیب حروف هجا بر حسب ردیف های ابیات میباشد و در آغاز آن بنام « جزء اول از دیوان » نویسنده نسخه آنرا معرفی کرده و تاقوافی حرف عین را شامل و بدین بیت نگارش نسخه خاتمه می یابد :

يُهَابُ وَيُرْجِي لِرَيْمِ الزَّوْمَانِ كَالنَّصْلِ رَاقٍ عِيُونًا وَرَاعَا

جلد روغنی گل و بوته و از طرف درون زر گس (نیازمند تعمیر است) . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۰۰) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۴۷) .

(۱) در حاشیه ص ۱۵۳ و ۱۵۴ معرفی از این دانشمند گردیده است .

(۲) بحاشیه ص ۱۵۴ مراجعه گردد .

[۵۳] دیوان رودکی (فارسی)

رودکی از مشاهیر شعرای بزرگ ایران و به زیادی اشعار مشهور، رشیدی شاعر گوید اشعار او را شماره کردم يك ميليون و سیصد هزار بشمار آمد :

« گرسری یابد بعالم کس بنیکو شاعری رودکی را بر سر آن شاعران زبید سری شعر او را من شمردم سیزده ره صد هزار هم فزون آید اگر چونان که باید بشمری » ولی بدبختانه از آنهمه اشعار جز اندکی در دست مانست در تاریخ گزیده مؤلفه در حدود سال ۷۳۰ نوشته شده که اشعار بسیار داشته و اما اندکی مشهور است ولی اهمیت و مقام شعری رودکی را از بیانات شعرای مشهور معاصر و متأخر او میتوان دریافت :

دقیقی گوید :

کرا رودکی گفته باشد مدیح امام فنون سخن بود ور
دقیقی مدیح آورد نزد او چو خرما بود برده سوی هجر
سوزنی گوید :

رودکی واریکی بیت زمن بشنودست بلغمی وار بدوده صلتتم فرمودست
عنصری گوید :

غزل رودکی وار نیکو بود غزلها من رودکی وار نیست
اگرچه بگویشم بیاریک وهم بدین پرده اندر مرا بار نیست
نظامی عروضی گوید :

ای آنکه طعن کردی در شعر رودکی

این طعن کردن تو ز جهلست و کودکیست

کآن کس که شعر داند داند که در جهان

صاحب قران شاعری استاد رودکیست

از عبارت عوفی که در ده دوم قرن هفتم هجری تألیف شده استفاده میشود که در آن زمان اشعار وی زیاد مشهور و دیوانش در دست بوده است .

بر حسب تحقیق آقای نفیسی اینک در حدود ۸۴۰ بیت از رودکی بدین تفصیل :

قصائد و مقطعات ۳۶۲ بیت ، رباعیات ۶۴ ، ایات پراکنده از قصائد و غیره ۲۲۴ ، مثنوی ۱۴۵ بدست آمده و دیوانی شامل ۱۱۵۴ بیت بسال ۱۳۱۵ هجری قمری بنام رودکی در طهران چاپ گردیده که بر حسب تحقیق دانشمند بزرگوار آقای دهخدا و یادداشت در حواشی نسخه ای از آن که اینک در دست نگارنده میباشد کمتر از نصف این ابیات در کتب بیهقی و غیره به رودکی نسبت داده شده است .

از ابیات مسلمة رودکی نام و کنیه و لقب وی بدست نمی آید و عوفی که نزدیکترین تذکره نویسان به او بوده وی را زیر عنوان ابو عبدالله جعفر محمدالرودکی السمرقندی : معرفی و گوید او را **سلطان شعرا** گفتندی و در تأیید خویش از معروف بلخی این بیت را نقل نموده :

از رودکی شنیدم سلطان شاعران
کاندر جهان بکس مگرو جز بفاطمی
و در چهارمقاله نظامی عروضی (ص ۳۱ و ۳۲ و ۳۳) که در حدود سال ۵۵۰ تألیف گردیده بعنوان رودکی و ابو عبدالله الرودکی نامیده شده و سمعانی (۵۰۶-۵۶۲) در الانساب او را بدینگونه : ابو عبدالله جعفر بن محمد بن حکیم بن عبدالرحمن بن آدم الرودکی الشاعر السمرقندی نام برده و گوید دیوان او در ایران موجود و رواج میباشد و وفات او بسال ۵۲۹ (۱) بوده و بلعمی وزیر گوید که مانند رودکی را در عرب و عجم نظیری نیست .

در تواریخ ثبت گردیده که رودکی بفرمان نصر بن احمد سامانی کليلة و دمنه را بنظم در آورده ولی بدبختانه جزایاتی چند از آن که در فرهنگ های فارسی باستشهاد آورده شده از آن اثری نیست آقای نفیسی در « احوال و اشعار رودکی » بر حسب محاسبه ای احتمال داده اند که این کتاب در حدود هجده هزار بیت بوده است . رودک که رودکی بدانجا منسوب است در معجم البلدان (ص ۸۳۳ ج ۲) بضم

(۱) در تاریخ وفات رودکی اقوال چندیست سال ۳۲۹ را سمعانی و شیخ منینی اختیار و تردید میان ۳۲۹ و ۳۳۰ قول صاحب سخن و سخنوران و سال ۳۰۴ در مجمع الفصحا و در هفت آسمان از مفتاح التواریخ سال ۳۴۳ نقل گردیده و گوید که در سلم السموات است که نظم کليلة را بسال ۳۲۰ نموده و از والہ داغستانی نقل نموده : کتابی را بسال ۳۳۰ تمام کرده . و شاید مراد والہ داغستانی همان کليلة و دمنه باشد و در مقدمه دیوان چاپ طهران سال ۳۴۳ ترجیح داده شده است .

اول و سکون دوم و ذال معجمه مفتوحه و آخر آن کاف ثبت گردیده و گوید از دهات
سمرقند است .

در لباب الالباب با کاف فارسی تشکیل گردیده و دلیل آنرا ندانستم .

آقای سعید نفسی بسال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ خورشیدی کتابی در ۷۸۸ صفحه بنام
« احوال و اشعار رودکی » بامراجعه به ۷۱ کتاب تألیف و در اطراف این شاعر مفصلاً
بحث نموده اند و گذشته از مراجعه به این کتاب لباب الالباب ج ۲ ص ۶-۹ و حواشی
آقای قزوینی برج ۱ لباب ص ۲۹۱ و چهارمقاله نظامی ص ۳۱-۳۳ و حواشی و تعلیقات
آن (ص ۱۲۵ و ۱۲۶) و تاریخ گزیده (ورق ۳۱۸ نسخه مدرسه) و تذکره دولتشاه
(ص ۳۱-۳۳ چاپی و هفت اقلیم ص ۱۱۱۵-۱۱۲۲ و آتشکده آذر ص ۳۳۵-۳۳۶
و مجمع الفصاح ج ۱ ص ۲۳۶-۲۴۰ و هفت آسمان ص ۶-۱۳ و سخن و سخنوران
ج ۱ ص ۳-۱۰ مراجعه گردیده است .

(۱۱۹۸)

این نسخه را در ۳ رمضان المبارک بسال ۱۲۸۳ بخط شکسته
دیوان رودکی نستعلیق خوب نوشته اند، در محرم الحرام ۱۲۸۴ داخل کتابخانه

اعتضاد السلطنه گردیده و پشت صفحه نخستین یاد داشت شده، ترتیب آن
چون دیوان چاپ سال ۱۳۱۵ میباشد ولی شماره ابیات این نسخه ۸۰۴ و ابیاتی چند
در اینجا است که در آن نسخه نیست و آن نسخه در حدود نصف این دیوان ابیات
بیشتر دارد که برخی از آنها از قطران و دیگر شاعران میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۹) . صفحه ای (۱۵)
سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۸۶) .

[۵۳۴] دیوان سحاب (فارسی)

سید محمد حسینی متخلص به سحاب متوفی بسال ۱۲۲۲ (۱) پسر سید احمد

ها توف اصفهانی است که از مشاهیر شعرای متأخر بوده و در این فصل بمعرفی ایشان

(۱) شرح حال این شاعر در انجمن سیم انجمن خاقان و ص ۲۰۷ - ۲۱۲ ج ۲ مجمع الفصحا درج
گردیده است .

خواهیم پرداخت، سحاب پیش پدر بتحصيل کمالات اشتغال داشته و از فن عروض و قوافی و شعر خصوصاً بهره‌ای یافته و از فن طب که پدر وی بدان مشهور و معروف بوده نیز بهره‌ای داشته، در اوائل جوانی بمقتضیات آن میپرداخته، در اواسط عمر بمکّه معظمه و مدینه طیبّه مشرف گردیده و پس از برگشتن از آن آستان مقدس بمعرفی فتحعلی خان صبا ملك الشعرا قصائد و غزلیات وی بنظر پادشاه وقت فتحعلیشاه قاجار رسید مورد قبول یافت و ملقب به مجتهد الشعراء گردید و به مقام داروغگی دفتر خانه سرافراز گردیده و پس از ملك الشعراء صبا کس بیایه و منزلت وی نبوده، در اواخر عمر از کارهای جوانی پشیمان شده و در انجام طاعات و عبادات سعی گشته و پس از مرگ جسد او را به نجف اشرف برده‌اند.

مشغول نوشتن تذکره شعرا بنام «رشحات سحاب» بوده ولی بآخر نرسانده رشته زندگانش بآخر رسید، رساله‌ای بنام «سحاب البكاء» در مرثی و جنگهای حضرت سیدالشهداء ع بنظم و نشر تألیف و راوی گروسی شهادت داده که پاکیزه انشا گردیده و دیوان شعر وی در میان خاص و عام شهرت کامل دارد.

شماره ابیات سحاب را راوی در انجمن خاقان در حدود هشت هزار بیت و هدایت در مجمع الفصحای قریب پنجهزار بیت دانسته‌اند و دو نسخه زیرین که نظیر یکدیگر اند هر يك شامل در حدود (۴۰۰) بیت میباشد و ۲۰۰ بیت از اشعار سحاب در مجمع الفصحای چاپ گردیده است.

آغاز:

زهی طغرای نام نامیت عنوان دیوانها نیابد زیب بی نام همایون تو عنوانها

(۱۱۹۹)

این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۳۰ نوشته شده، دیوان سحاب دیوان هاتف را که در همین فصل از آن معرفتی خواهد شد همین نویسنده بسال ۱۲۳۱ نوشته و پیوسته بدین نسخه میباشد، در آخر این نسخه اخیر کلمه ضیائی نوشته شده و ظاهر آن نویسنده دو نسخه بوده است.

جلد مرغش . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق کلیه (۲۰۵) . این نسخه (۱۵۱) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتبخانه (۲۶۱) . (۱۲۰۰)

این نسخه بسال ۱۲۴۷ بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده دیوان سحاب از خود نام برده و چون نسخه پیشین شامل غزلیات و قصائد و قطعات میباشد و صفحه نخستین مختصر تذهیبی دارد و صفحات مجداول به اکلیل و پشت صفحه نخستین کلمات بچگانه نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی آبی رنگ . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره برگها (۱۸۳) صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) عرض (۱۴ $\frac{1}{5}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۹۲) .

[۵۳۵] دیوان سلمان ساوجبلی (فارسی)

جمال الدین سلمان بن علاء الدین محمد ساوجبلی (۱) از شعرای مشهور قرن هشتم هجری است (۲) و بنام تخلص میکند ، مداح شیخ حسن ایلمکانی و پسر و زنش سلطان اویس و دلشاد خاتون و مداح سلطان حسین (۳) و علاء الدین علی (۴) و شاه محمود (۵)

(۱) تذکره دولتشاه ص ۲۵۸ - ۲۶۳ چاپی ، هفت اقلیم ص ۸۱۷ - ۸۲۰ ، مجالس المؤمنین ص ۵۲۳ - ۵۲۵ ، آتشکده آذر ص ۲۲۳ - ۲۲۶ چاپی و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۱۹ - ۲۰ مراجعه شده است .

(۲) هدایت وفات وی را بسال ۶۶۹ دولتشاه بسال ۷۶۹ ثبت کرده اند و در دیگر مآخذ نام برده تاریخ نگارش نیافته ولی مسلماً این دو تاریخ غلط است و در دیوان وی تاریخ سال ۷۷۵ موجود است :

بسال هفصد و هفتاد و پنج گشت خراب
باب خطه بغداد خاک بر سر آب
و گذشته از این مرثیه سلطان اویس متوفی بسال ۷۷۶ در دیوان وی نیز بدین مطلع ثبت است :
ای سپهر آهسته رو کاری نه آسان کرده
ملک ایران را بمرگ شاه ویران کرده .
بنابر این و مندرجات دیگر دیوان وی ثابت میشود که تا مقداری پس از این تاریخ (۷۷۶) زندگانی میکرد و شاید اصل دو تاریخ نام برده ۷۷۹ بوده و نویسندگان غلط نوشته و نقل کرده اند و در آخر بحث راجع بسلمان در تذکره دولتشاه وجود وی در هنگام مرگ سلطان اویس تصریح گردیده است .
(۳) در دیوانست :

باد باقی بر سریر سلطنت سلطان حسین
آن که او آمد سواد مملکت را نورعین .
(۴) نیز در آنجاست :
خسرو عادل علاء الدین والدینا علی
ای که گردن طوق امرت عقد کردن کرده است .
(۵) این بیت در مدح اوست :
قطب دین شاه فلک مرته محمود که اوست
همه سیرت محمود محامد مذکور .

و امرای معاصر خویش بوده ، دولت‌شاه سمرقندی از علاءالدوله سمنانی نقل نموده که گوید « همچون انار سمنان و شعر سلمان در هیچ جا نیست » ، از اشعار خواجه سلمان محبت اهل بیت کاملاً ظاهر و هویداست و برخی از آنها در مجالس المؤمنین نقل گردیده ، گذشته از دیوان قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و ترکیب و ترجیع بند دو مثنوی بنام « جمشید و خورشید » و « فراق نامه » از سلمان بیادگار مانده و نسخه ای از این دو مثنوی در کتابخانه مجلس موجود و در فهرست آنجا معرفی خواهیم گردید .

سلطان اویس نسبت بوی محبت زیاد داشت و از یمن تربیت این شاه و مادر و پدرش شهره آفاق گردید و در اواخر عمر از خدمت کناره گرفته و از پادشاه دهی که ایرن نام داشت و در حوالی ری بود درخواست کرد پادشاه بر کنار عریضه وی این بیت را نوشت :

ده ایرن که از حدود ری است بدهیدش که التماس وی است .

(۱۲۰۱)

دیوان این نسخه بخط نستعلیق ظاهر آ در قرن نهم نوشته شده ، شامل قصائد و مقطعات و غزلیات و رباعیات و ترکیب بند و ترجیع سلمان ساوجی بند میباشد و در حدود (۱۱۵۰۰) بیت است ، پاره ای از برگها و صالی گردیده و اوراقی از اول و آخر آن افتاده و نخستین بیت نسخه اینست :

از طبع تو زاده است دریا وز نسبت تست گوهرش پاك .

و آخرین بیت نسخه اینست :

در راه هوا بسر همی پوید شمع پروانه هم از حسن تو میجوید شمع .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۲۹۵) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض ($14\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۸) .

(۱۲۰۲)

دیوان این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، برگهائی از آخر آن افتاده ، ظاهر آ در قرن دهم نگارش یافته و شامل اقسام اشعار نام سلمان ساوجی برده در شماره پیش میباشد ، و در حدود (۶۹۰۰) بیت است .

بر گهائی از آن و صالی گردیده و بدین بیت شروع شده :
 آسمان ساخت در آفاق یکی سورچه سور که از آن سور شد اطراف ممالك مسرور .
 و آخرین بیت نسخه اینست :
 خواهم شبکی چنانکه تو دانی و من بزمی که در آن بزم تو وامانی و من .
 در اول نسخه پیدمانی ظریفی میباشد ولی اندکی محوشدگی دارد و پشت صفحه
 نخستین ابیاتی نگارش یافته است .

جلد میشن مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۴۰)
 صفحه ای (۱۵) سطر . طول ($۲۴\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۳) .

[۵۳۶] دیوان سنائی (فارسی)

حکیم سنائی را در ص ۴۹۲ - ۴۹۹ مفصلاً معرفی کرده ام ، این دیوان که
 شامل قصائد و غزلیات و قطعات و رباعیات میباشد و در حدود (۷۵۰۰) بیت میباشد
 از آثار آن حکیم بزرگ و شاعر عالی مقام است ، قصائد و غزلیات آن بر حسب قوافی
 مرتب بحروف تهجی است ، سنائی بر این دیوان مقدمه ای بنثر نوشته و فهرست
 قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات آنرا نیز در آخر آن دیباچه مندرج ساخته
 و نسخه از این دیوان که شامل این دیباچه نفیس میباشد در کتابخانه ملی ملک در
 طهران موجود ، طرز خط و کاغذ حاکم است که نزدیک بعصر سنائی نگارش
 یافته است .

این دیوان بسال ۱۲۷۴ در طهران چاپ گردیده .

(۱۲۰۳)

این نسخه بخط نستعلیق ظاهر آ در قرن دوازدهم هجری نوشته
 دیوان سنائی شده ، از خط برمی آید که دو نفر آنرا نگاشته اند ، بسال ۱۲۷۹
 داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده ، يك برک از اول و يك برک از آخر آن افتاده
 و بیت نخستین کنونی این :

مر زمین و آسمانرا نیست جز تو خالق خلق مخلوقند و تو خالق و هم لایخلقون

و دو بیت آخر نسخه اینست :

ای قامت سرو گشته کوتاه بتو در شب مرو ای خجل شده ماه بتو

گر رنج رسد مباد ناگاه بتو آن رنج بمن رسد پس آنگاه بتو

جلد میشن دور گرفته . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۲۵۶) .
صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۴۶) .

[۵۳۷] دیوان سوزنی (فارسی)

حکیم سوزنی از مشاهیر شعرای قرن ششم هجری بوده و قصائد غرا دارد ،
نصف دیوان وی مشتمل بر اهاجی رکیکه میباشد ، ولی در اواخر عمر پشیمان شده
و توبه نموده و در قصیده ای که بدین مطلع است :

ای خداوندی که اکرام تو جاه آورده ام زانکه تو دستم گرفتی پایگاه آورده ام
گوید :

پنج ره روزی بدر که خواندیم پنجاه سال

رو بسوی در که تو گاه گاه آورده ام

توبه کردم توبه کردم فضل کن رحمت نمای

چون بدر گاه تو خود را در پناه آورده ام

بنابر این در ۶۵ سالگی توبه نموده و در اشعار خود مکرر به هفتاد سالگی (۱) و
به هشتاد سالگی خود تصریح نموده گذشته از اینکه در بسیاری از ابیات اشاره
به پیری و موی سفید خود کرده است .

نام سوزنی چنانکه از این بیت وی :

(نام من مسعود و القابم بخوانی سوزنی نیک نامستم گنه کارم پناه آورده ام) .

که در قصیده توحیدی او میباشد مسعود (۲) پدر او بنا بر ضبط در تاریخ گزیده

(۱) هفتاد ساله گشتی توحید وزهد گوی کم خای ژاژ ویش مدو چون خران عنک

و نیز گوید : در باغ عمر سوزنی ای صدر روزبه هفتاد شد خزان و تموز و دی و بهار

(۲) در تاریخ گزیده (ص ۸۲۰ چاپی) سوزنی بنام ابوبکر بدون نام پدر ولی در نسخه کهن سال این

کتابخانه و نسخه خطی مجلس ابوبکر بن السلانی معرفی شده و در لباب الالباب (ص ۱۹۱-۱۹۸ ج ۲)

وهفت اقلیم (ص ۱۱۵۸) بنام محمد بن علی و آذر اورا (ص ۳۴۸) شمس الدین محمد و از اولاد های

(بقیه حاشیه در صفحه ۶۸۰)

اسلانی است و بمدوحین او طمغاج خان مسعود (۱) بن حسین و وزراء او [ویژه
سعد الملك مسعود بن اسعد (۲)] و سلطان سنجر سلجوقی و طغان شاه (۳) و افتخار الدین
وحید الدین جوهری مستوفی (۴) و غیر از اینهاست .

(بقیه حاشیه از صفحه ۶۰۷)

سلمان فارسی دانسته خود وی نیز باین انتساب تصریح کرده و گوید :
اگر به نسبت سلمانیم ز روی پدر که تا بسیرت سلمان شوم دعائی گوی
و در جای دیگر گوید :

بزهده سلمان اندر رسان مرا ملکا چو یافتم ز پدر کز نژاد سلمانم
(۱) عوفی در ص ۴۲ ج ۱ طمغاج خان را جلال الدین ابراهیم بن حسین معرفی نموده و عین این شرح را
که عوفی نوشته در هفت اقلیم می بینم ولی سوزنی مکرر نام طمغاج خان را مسعود و پدرش را حسین
گفته از آنهاست :

قلج طمغاج خان مسعود شاهنشاه مشرق را ،
طمغاج خان اعظم مسعود رکن دین ، قلج طمغاج خان مسعود رکن الدین والدینیا ،
شهنشاه مسعود ابن الحسین ،

خدایگانا بخت کسی که نام تو گفت شود چونام تو مسعود هم در آن گفتن
شاه جهان رکن الدین و دنیا (کذا) مسعود . و غیر از اینهاست .

آقای قزوینی در حواشی اباب الباب (ص ۳۰۰-۳۰۱) گویند : قلج طمغاج خان ماقبل آخرین
از ملوک خانیه ماوراءالنهر است که ایشان را خاقانیه و ایلک خانیه و آل افراسیاب نیز گویند و مدت
سلطنت ایشان در ماوراءالنهر بعد از سامانیه و قبل از مغول قریب ۲۳۰ سال است از حدود سنه ۳۸۰
تا سنه ۶۰۹ و وفات قلج طمغاج خان در حدود ۶۰۰ بوده است .

(۲) در قصیده ای که مطلع آن اینست .
رسید ماه محرم بسال پانصد و شصت
گوید : سر وزیران صدر بزرگ سعد الملك
و در جای دیگر گوید :

وزیر شاه سعد الملك مسعود بن اسعد را
(۳) در دیوان سوزنی در دوجا نام طغان خان را یافته ام یکی :

تبغ قدر طغان خان راست منتقم
کش در دماغ و سوسه انتقام تست

شه انجم به پیروزی شهنشاه
محول شد برین پیروزه خرگاه

طغان خاقان سر شاهان مغرب
خداوند نگین و خطبه و گاه

آقای قزوینی در ص ۳۶۱ ج ۱ اباب (بخش حواشی) سلطنت طغانشاه بن مؤید را از سال
۵۶۹ - ۵۸۱ دانسته اند و در ص ۱۵۲ - ۱۵۳ ج ۱۱ کامل التواریخ بسال ۵۶۸ - ۵۸۲
نوشته شده است .

دولتشاه سمرقندی و تقی‌الدین کاشی (۱) و آذر وفات سوزنی را بسال ۵۶۹ نقل کرده‌اند و در تاریخ گزیده سوزنی را از کلاش توابع سمرقند شناسانده و آذر گوید عمر او از هشتاد گذشته بود و چنانکه گفتیم خود وی هشتاد سالگی خود را یاد نموده بنابراین پیش از سال ۴۸۹ متولد شده است.

دیوان حکیم سوزنی را آذر قریب ده هزار بیت و صاحب مجمع الفصحا (ج ۱ ص ۲۴۹ - ۲۵۲) دوازده هزار بیت دانسته و نسخه زیرین در حدود (۸۲۰۰) بیت است.

آغاز:

در هر گناه سخره دیوم بخیر خیر یارب مرا خلاص ده از دیو سخره گیر
(۱۲۰۴)

دیوان سوزنی این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۳۳ نوشته شده، پیش از شروع بنگارش نسخه دو مجلس نقاشی ظریف که مجلس بزم شاه عباس را مجسم مینماید موجود و در آخر نسخه هم شکار گاه شاه عباس و هنگام شکار در دو صفحه بوده، پیش از ورود نسخه به کتابخانه اعتضاد السلطنه يك صفحه آن برداشته شده، اطراف این سه مجلس صورت سازی که تمام صفحه را فرا گرفته تذهیب بسیار ظریف و نقاشی ممتاز گردیده، دارای سه سرلوح بسیار زیباست، اطراف صفحه‌ای که سرلوح دارد دو صفحه مقابل آن نقاشی بسیار ظریفی گردیده و نسخه سه بخش است: ۱ - مدائح . ۲ - هجویات . ۳ - رباعیات . تمام بر گها متن و حاشیه و مجدول بطلا و لاجورد و شنجرف و غیره و زرافشان و اطراف مطالع آن و میان مصرعها تذهیب ظریف گردیده و از قرائن موجوده در نسخه بدست می آید که مخصوص کتابخانه شاه عباس تهیه شده و چند یادداشت از اشخاص پشت بر گ نخستین نسخه است.

جلد ساغری ضربی مینا شده و طرف اندرون سوخته . کاغذ متن خان بالغ حاشیه بخارائی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۸۵) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۱) $\frac{۱}{۲}$ ۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۱۸) .

[۵۳۸] دیوان سیف اسفرنگ (فارسی)

سیف الدین اعرج اسفرنگی (اسفرنگ که آنرا اسفره نیز گویند بنا بر نوشته یاقوت در معجم البلدان (ج ۱ ص ۲۴۸) از توابع سغد سمرقند است و امین احمد نوشته که تا مرغان نه فرسنگ است) از شعرای قصیده سرای قرن هفتم هجری است و چنانکه خود وی تصریح نموده (۱) بسال ۵۸۱ متولد شده و درمآخذ نگارش این مختصر (۲) هشتاد و پنج سال عمر برای وی معین گردیده بنابراین بسال ۶۶۶ (۳) وفات یافته در شمع انجمن نوشته که صدسال عمر کرد و بسال ۶۵۲ وفات یافت. و بطلان این قول واضح است.

این دیوان شامل مدائح خوارزمشاهیان از سلطان علاءالدین محمد (۴) بن تکش بن

(۱) در ورق ۳۰۲ نسخه شماره (۲۸۲) این کتابخانه است :

مرا مادر پس از تاریخ هجرت	بسال پانصد و هشتاد و یک زاد
نهال عمر من هفتاد و نه سال	چو طوبی هر زمانی نوبری داد
اگر فرزند جسمانی نبودم	که گیرد درجهان از نام من یاد
مرا فرزند روحانی بسی هست	که جان غمرده زیشان شود شاد
تن من گر بمیرد تا قیامت	بقای جان فرزندان من باد

(۲) تذکره دولتشاه ص ۱۲۶-۱۲۸ هفت اقلیم ۱۲۰۵-۱۲۰۹ ، آتشکده آذر ص ۲۳۲-۲۳۳
مجمع الفصحا ج ۱ ص ۲۵۲-۲۵۴ ، مقدمه دیوان سیف (اولین نسخه این فهرست) از هدایت شمع انجمن ص ۲۱۳ و تاریخ مفصل ایران (مغول) آقای اقبال ص ۵۳۴ . شامل شرح حال این شاعر میباشند.
(۳) در آتشکده (فقط در نسخه خطی شماره ۲۶۸۲) این کتابخانه تاریخ فوت را دارد و در نسخ دیگر خطی و نسخه چاپی سال وفات نوشته نشده است) و تاریخ ایران (مغول) وفات سیف الدین بسال ۶۶۶ ثبت گردیده و در مقدمه این دیوان و مجمع الفصحا هدایت با اینکه عمر او را ۸۵ سال تصریح نموده و خود او تولدش را نیز بسال ۵۸۱ نقل نموده ، گوید بسال ۶۷۲ وفات یافته و این مسلماً اشتباه است .

(۴) سلطان محمد بن تکش بن ایل ارسلان که پیش از سلطنت ملقب به قطب الدین بوده و پس از آن علاءالدین گردید از سال ۵۹۶ تا ۶۱۷ چنانکه در ص ۱۷۷ جزء چهارم جلد دوم حبیب السیر و تاریخ گزیده ۴۹۴-۴۹۸ عکسی ص ۸-۹ تاریخ مغول آقای اقبال تصریح گردیده ، سلطنت داشته و بواسطه فتح های پی در پی او را سنجر و اسکندر ثانی خوانده اند و اینکه در تمام مآخذ نام برده وی را مداح ایل ارسلان (متوفی بسال ۵۵۸ بنابر ضبط تاریخ گزیده ص ۹۲ و بسال ۵۶۷ بنابر قول حبیب السیر و بسال ۵۶۸ بنا بر نوشته تاریخ ابوالفدا) معرفی کرده و نوشته اند که بامر آن پادشاه قصیده ای از خاقانی را جواب گفت ، مسلماً اشتباه است چرا که بنابر تصریح خود وی سیف الدین ۲۳ سال یا ۱۳ سال پس از مرگ آن پادشاه متولد شده و در دیوان وی نامی از او و حتی از پدرش تکش که از سال ۵۶۸ تا ۵۵۸ سلطنت داشته نیست .

الب ارسالان (۵۹۶-۶۱۷) که او را سلطان سنجر و اسکندر ثانی خوانده اند تا سلطان جلال الدین آخرین پادشاه این دودمان و درباریان و دانشمندان این عصر و سلطان تاج الدین محمود پادشاه کرمان (۱) و امیر عمید قطب الدین حبش که از امراء مغول و از طرف جغتای و جانشینان او اداره ماوراءالنهر بدو بر گذار بوده و غزلیات و مقطعات و رباعیات و ترکیب بند و غیره مییابد و دولت شاه شماره ایات آنرا دوازده هزار و هدایت ده هزار معین نموده اند و نخستین نسخه زیرین تقریباً شامل ۱۱۰۰۰ بیت مییابد با اینکه بر گهائی هم از آن افتاده و ابیاتی در نسخ دیگر از این دیوان یافت میشود که در این نسخه نیست.

سیف الدین بیشتر بطرز خاقانی و ظهیر فاریابی راغب بوده و اشعار حماسی زیاد دارد در تمام دیوان او تخلصی نیست و از طرفداران و دوستان اهل بیت پیغمبر اکرم ص بوده و در این باب ابیاتی چند در این دیوان موجود است و از آنهاست:

تو دانی که بر اهل دین سخت باشد بجای علی دیدن آل مروان
زانکه در باب امامت ز پیمبر بیقین هست بر جمله اولاد علی نص علی

آغاز: (۲)

(۱۲۰۵)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، بر گهائی از اول و میان دیوان و آخر آن افتاده، بسال ۱۲۷۳ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و بر کنار برگ ۱۱ یادداشت شده، پس از آن بدست رضاقلیخان سیف اسفرنگ هدایت داده شده، بخط خود شرح حال سیف الدین را در پنجاه بیت در دو صفحه نوشته و اول کتاب گذارده و یک صفحه هم پس از آن ابیاتی از سیف الدین نوشته

(۱) در این دیوان قصائدی چند در مدح این پادشاه دیده میشود از آنهاست:

تاج دین محمود شاه سندیو کرمان آنکه هست ملک و ملت را معین و دین و دولت را نصیر
و در جای دیگر از توقف سمرقند که موطن وی بوده و بسیار از آن نام برده قصد کرمان کرده و گوید:

من و خدمت شاه کرمان ازین پس
که شب گاه کاشان نیز زد بگاهی

(کاشان یکی از شهرهای اسفرنگ است.)

(۲) دو نسخه این کتابخانه و نسخه کتابخانه مجلس هر یک بطرزی غیر از طرز دیگری تنظیم شده و هر یک بقصیده ای شروع گردیده است.

شده و متصل به ابیات صفحه کهنه گردیده و برگ ۱۹۵ و چند بیت آخر نسخه (برگ ۷۳۸) نیز بخط هدایت است برگ ۱۰ و ۱۰۷ و ۱۳۹ و ۲۴۱ کنونی نسخه ننوشته است. کتابت نسخه بشهادت کاغذ و مرکب در قرن دهم بوده و در اواخر سیزدهم هدایت (پس از تألیف مجمع الفصحا) در این نسخه نظر و آنرا تکمیل کرده است. جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع وزیری کوچک. شماره برگها ۳۷۸. صفحه ای (۱۵) سطر. طول $(\frac{1}{4} \times 20)$ سانتیمتر عرض (۱۲) سانتیمتر. شماره کتابخانه (۲۸۲). (۱۲۰۶)

دیوان سیف
این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، برگ اول و بخشی از آخر آن افتاده، ظاهراً در قرن یازدهم نگارش یافته، بسال ۱۲۶۱ داخل کتابخانه اعتضادیه شده، میان سطرهای نخستین صفحه کنونی طلاندازی شده و تمام صفحات مجدول بطلا و زنگار و لاجورد می باشد و بیت نخستین نسخه اینست:

عندلیب خوش نوایم گر جهان سردی کند

لوح اسرار معانی بس بود گلزار من
و چنانکه از هفت اقلیم بدست می آید هشت بیت پیش از این بوده و مطلع این قصیده اینست:

شب چو بر دارد نقاب از هودج اسرار من

خفته گیرد صبح را راه دل بیدار من

و آخر نسخه این رباعی است:

پیوسته در پی آنم که بمانم از خود
خود را بحیل باز رهانم از خود
از چشم خیال خویشتم بینی خویش
چون مردمك دیده نهانم از خود
جلد تیماجی. کاغذ بخارائی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۵۵). صفحه ای (۱۷) سطر. طول $(\frac{1}{4} \times 24)$ سانتیمتر. عرض (۱۴) سانتیمتر. شماره کتابخانه (۲۸۱).

[۵۳۹] دیوان شادان (فارسی)

مهر اج (۱) شادان تخلص که گذشته از تصریح نویسنده نسخه در اول دیوان از

(۱) درس ۴ دیوانست: از طفیل جناب اقدس او گشته مشهور نام من مهر اج.

اشعار او بر می آید که وزیر (۱) یکی از پادشاهان هند که از او شاه اسکندر تعبیر میکند و ظاهر آ نام وی **مهاراجه چندولعل** بوده غزلیات و ترکیب بند و غیره در حدود (۲۰۰۰) بیت انشاء نموده که از نقل ابیاتی از آن پایه شاعری او بدست می آید، در غزلیات بیشتر معاشقه او با خالق است و با مخلوق سروکاری ندارد و میخواست که قدم دروادی عرفان گذارده باشد و در یکی از رباعیات خود گوید :

شادان تو محقق می عرفان خور .

در کتب رجال و سیرنامی و آثاری از شادان نیافتم از ماده تاریخی که برای تعمیر پل ساخته وزیر این سطر نگاشته میشود معلوم میگردد که در نیمه اول قرن سیزدهم زندگانی مینموده و آن اینست :

بعهد شاه اسکندر بشد تعمیر پل یکسر

ز سعی راجه چند و لعل از سابق بود بهتر

بشادان شد ندا جای غریبی بهر تاریخش

ز سیل اینک بود محفوظ چون اندر صدف گوهر

و جای غریبی سال ۱۲۳۶ را میسراند .

و در این دیوان بمدح حضرت پیغمبر ص و حضرت علی بن ابیطالب ع پرداخته

و از آنها این دوبیت است :

از طفیلش باو شده معراج

سرور کائنات فخر رسل

مقتدا گشته از علو مزاج

هم ز فضلش علی عالیقدر

آغاز : بسمله

شرط غلامی بود بندگی باوفا

ناصیه خود ز عجز بر در جانان بسا

(۱۲۰۷)

این نسخه را بخط نستعلیق خوب نوشته اند (ظاهر آ در زمان خود شاعر و برای پادشاه تهیه شده باشد) ، عناوین با طلا و

دیوان شادان

(۱) در حاشیه ص ۴ گوید :

گفت امروز بشادان که وزارت فرما

تا بصد سال ز الطاف شه اسکندر

و در عنوان صفحه نخستین دیوانست : دیوان وزیر ارسطو دبیر مهاراج راجه چندولعل بهادر .

و حواشی و میان سطرهای دو صفحه اول نسخه تذهیب گردیده، و تمام صفحات مجدول بطلاست، بسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ ترمه. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۴۳). صفحه ای در متن و حاشیه (۳۶) بیت. طول (۲۹ سانتیمتر). عرض (۱۸ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۸۹).

[۵۴۰] دیوان شاهی سبزواری (فارسی)

امیر شاهی (آقاملك (۱) بن جمال الدین فیروز کوهی متوفی بسال ۸۵۷ (۲) از اولاد سربداران میباشد، پس از آنکه سربداران را شاهزاده بایسنقر بر انداخت امیر شاهی بمنادمت بایسنقر رسید و املاك آنها را که ضبط کرده بودند بدو برگردانند، پس از چندی ترك ملازمت نمود و در سبزواری بترتیب و نظم املاك خود پرداخت و در هنگامیکه از هفتاد سال بیشتر داشت در استر آباد وفات یافت و جسد او را به سبزواری آورده در خانقاهی که از بناهای اجداد او در بیرون دروازه بود ب خاک سپردند.

دیوان شاهی را امین احمد رازی هزار بیت دانسته و نسخ این کتابخانه کمتر از این اندازه را شامل میباشند، دولت شاه گوید: « فضلا متفقند که شور خسروی و لطافت حسن و نازکیهای کمال و صفای سخن **خواجه** در کلام امیر شاهی جمع است. و در تذکره خود غزلی که در دیوان او نیست و آنرا از غزلیات جدید او معرفی کرده نقل نموده و راستی اشعار او لطافت و صفا دارد و **شاهی** تخلص او میباشد و این دیوان شامل غزلیات و قطعات و رباعیات است.

آغاز: ای نقش بسته نام خطت با سرشت ما این حرف شد ز روز ازل سر نوشت ما

(۱۲۰۸)

این نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب و از خطوط ممتاز میر علی هروی (۳) و دارای يك سر لوح بسیار ظریف و در ابتداء هر غزل و قطعه سر سوره های مینا شده میباشد، صفحات مجدول،

دیوان شاهی

سبزواری

(۱) نام امیر شاهی در آتشکده آذر ملك و در نسخه خطی تذکره دولت شاه متملك بن ملك جمال الدین ضبط گردیده است.

اوراق متن و حاشیه گردیده و حواشی زرافشان شده و موریانه برخی از اوراق را سوراخ کرده و بعضی از میناهای سرسوره ها هم ریخته است.

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۴۳) صفحه (۱۰) سطر . طول (۲۰ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۴ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۲۱) .

(۱۲۰۹)

دیوان شاهی

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده

از خود و سال نگارش نام نبرده ، پشت صفحه نخستین و جلد

کتاب بنام خط میر علی معرفی شده ، بی شباهت بخط نسخه

سبزواری

پیشین نیست ولی بآن استحکام و ظرافت هم نیست اگر این نسبت درست باشد از خطوط

متوسط میر علی است ، دارای يك سرلوح زیباست و اوائل غزلیات و قطعه ها

سرسوره های مینائی ظریف دارد و صفحات متن و حاشیه و مجدول بطلا و لاجورد

و غیره است .

جلد روغنی گل و بوته دورو . کاغذ متن خان بالغ و حاشیه افشان زده . واقف سپهسالار . قطع

ربعی . شماره اوراق (۵۱) . صفحه ای (۹) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۳ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) .

شماره کتابخانه (۴۵۷) .

(۱۲۱۰)

دیوان شاهی

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب بسال ۹۸۳ نوشته شده

نویسنده نامی از خود نبرده ، شاید که آنرا که خط میر عماد

خطاط معروف بدانیم ، بر گها آبدیده و برخی و صالی شده ،

سبزواری

يك سرلوح كوچك دارد و صفحات مجدول بطلا و لاجورد و غیره است .

جلد ساغری ضربی . کاغذ متن خان بالغ و حواشی الوان . واقف سپهسالار . قطع وزیری كوچك .

شماره اوراق (۴۱) . صفحه ای (۱۰) سطر . طول (۲۱ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) .

شماره کتابخانه (۳۸۸) .

(بقیه حاشیه از صفحه ۶۱۶)

(۲) امیر شاهی در تذکرة دولتشاه و ص ۶۴۲ - ۶۴۳ هفت اقلیم و ص ۸۴ آتشکده معرفی و

بدانها مراجعه شده است .

(۳) میر علی از مشاهیر نستعلیق نویسان میباشد و در امتحان الفضل (سنگلاخ) ج ۱ شرح حال

مفصل ایشان مندرج و در آنجاست که بسال ۹۷۶ وفات یافته است .

(۱۲۱۱)

دیوان شاهی

این نسخه بخط نستعلیق (ظاهرأ در قرن دهم هجری) نوشته

شده، دارای يك سرلوح زیباست، صفحات مجدول به رنگهای

گوناگون میباشد، با چهار دیوان دیگر در يك مجلد است که

بشماره (۲۷۹) در کتابخانه ثبت گردیده، خصوصیات دیگر آنرا در ص ۵۷۱

نگاشته ام.

[۵۴۱] دیوان شریف (فارسی)

شریف تبریزی (۱) از شعرای معروف آذربایجان و در زمان شاه طهماسب

صفوی میزیسته، سام میرزا گوید بسال ۹۵۶ به اردبیل آمد و در مرض وباء که

در آنجا واقع شد از پای درآمد، شاگرد لسانی شیرازی بوده گویند کتابی بنام

سهو اللسان (۲) در ایاتیکه از لسانی بنظر او بی معنی رسیده و یا خود از زبان لسانی ساخته،

نوشته و پس از آن از استاد عذر خواسته، آذر گوید تخلص باسم میکند و در دیگر

مآخذ کبری از نام وی و پدرش نیست، در هفت اقلیم تر کیب بندی که در هجو غیاث کهره

که از مستوفیان شاهی بوده مندرج و قصیده ای که پس از تر کیب بند نام برده در مدح

غیاث مذکور نشان نموده و چندین بیت از غزلیات او نیز در این تذکره موجود است.

در دانشمندان آذربایجان شرح مفصلی در شرح حال شریف نگارش یافته

و در آنجا نیز از دیوان وی چند بیت انتخاب گردیده و در آنجاست که دیوان

غزلیات او را مؤلف آن کتاب دارند و تقریباً ۱۲۰۰ بیت میباشد و دیوان قصائد

و اشعار او مشهور است.

آغاز: ای نخل تمنا قدر عنای تو مارا از پای در آورد تمناي تو مارا

(۱) در تحفه سامی ص ۱۲۱ چاپی هفت اقلیم ص ۱۲۰۸-۱۰۳۱، تذکره خوشگو، آتشکده آذر ص ۳۳-۳۴ و دانشمندان آذربایجان ص ۱۹۲-۱۹۷ از این شاعر و قدرت بیان او معرفی گردیده و هر يك ابیاتی از او انتخاب کرده اند.

(۲) در دانشمندان آذربایجان درباره این کتاب وردهائیکه بر آن نوشته شده شرحی سودمند نگارش یافته است.

(۱۲۱۲)

دیوان شریف این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب زینب دختر مقصود علی نوشته ، تاریخ ندارد ولی نسخه گواهی میدهد که در اواخر قرن دهم نگارش یافته ، سرلوح ظریفی دارد ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد میباشد ، سلیمان بن محمد خان قاجار پشت صفحه نخستین تملك خود را یادداشت و پس از آن یادداشتی مورخ سال ۱۲۸۵ از طرف اعتضاد السلطنه و پس از آن وقفنامه نسخه نگاشته شده و مهریکه در پایان آخرین صفحه بوده نحو گردیده است .

جلد روغنی دورو گل و بوته دار و تصویر حیوانات برجسته . کاغذ کشمیری رنگارنگ . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۴۴) . صفحه ای (۱۱ و ۱۰) بیت . طول ($۲۰ \frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۰۷) .

[۵۴۲] دیوان شهاب اصفهانی (فارسی)

میرزا نصرالله اصفهانی شهاب تخلص از شعرای نامدار میباشد ، سال ۱۲۵۴ بطهران آمده ، مورد لطف و عنایت حاجی میرزا آقاسی ایروانی صدراعظم وقت گردید و ملقب به **تاج الشعرا** شد ، در زمان ناصرالدین شاه تهنیت ها گفته و انعامها گرفته و مأمور نظم مرثیاتی حضرت سیدالشهدا ع گردیده و انجام داده و هدایت گوید (۱) : « از شعرای معین کثیرالفضل بدیع النظم ایندولت همایونست ، اشعار بسیار بوزن تقارب و قطعات و قصائد منظوم نموده که همه در نهایت متانت است و کمال رزانت اگر چه دیوانش حاضر نیست این اشعارش در این کتاب مرقوم میشود (در حدود ۳۰۰ بیت از قصائد و مسمطات وی را نقل نموده) » .

آغاز :

ای نام همایونت دیباچه دیوانها بی نام تو نامی نیست نه نامه نه عنوانها (۲)

(۱) در ص ۲۱۹ - ۲۲۴ ج ۲ مجمع الفصحا معرفی مختصری از این شاعر گردیده و جل نقل شده مختصری از عبارات آن کتاب است و در ص ۲۴۴ - ۳۲۴ گنج شایگان شرح حال مفصل و انتخاب زیادی نیز از اشعار او شده است .

(۲) این آغاز نسخه این کتابخانه است که شامل قسمتی از قصائد شهاب میباشد و دیوان کامل او را تا کنون بدست نیاورده ام .

(۱۲۱۳)

دیوان

شهاب اصفهانی

این نسخه بسال ۱۲۷۲ بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، شامل قصائدیست که شهاب در مدح صدراعظم نظام‌الملک (۱) سروده و مرتب بترتیب حروف تہجی از الف تا یاء بر حسب قوافی میباشد و پیش از شروع بقصائد در مدح صدر اعظم سه قصیده در توحید و نعت که نیز مذیل بمدح پادشاه و صدراعظم میباشد گذارده شده و این دیوان قصائد در حدود (۸۰۰۰) بیت است و طرز تذهیب و جدول کشی‌ها و اینسکه نام پادشاه عصر و صدراعظم در هر بیت که بوده باطلا نوشته شده حاکی است که نسخه برای صدراعظم مذکور تهیه شده و اعتضاد السلطنه پشت صفحه نخستین یادداشت نموده که از ورثه میرزا داود خان پسر میرزا آقاخان صدراعظم نوری خریداری شده و این نیز مؤید احتمال مذکور است ، دارای یک سر لوح ظریف میباشد و حواشی دو صفحه نخستین تذهیب گردیده و تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد و شنجرف است . جلد روغنی گل و بوته یک رو . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۳۹) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول ($24\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض ($15\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۵۷) .

[۵۴۳] دیوان سید صالح قزوینی = الدرر الغرویہ (عربی)

ناظم و شاعر این دیوان چنانکه در مقدمه تصریح شده سید صالح بن سید مهدی بن رضا حسینی قزوینی است که از شعرای قرن سیزدهم هجری و در نجف اشرف متوطن بوده در کتب سیر و رجال بنام این دانشمند برنخورده ام ، جز در ص ۶۵ ج ۲ احسن الودیعہ در ذیل شاگردان شیخ عبدالحسین طریحی (۱۲۳۵-۱۲۹۲) گوید : نزد این جناب گروهی از اهل ادب و کمال استفاده کرده اند از آنها سید صالح قزوینی متوفی بسال ۱۲۹۷ (چنین شنیده شده) میباشد . و جز این چند کلمه درباره وی چیزی در این کتاب نگارش نیافته است .

این دیوان که آنرا «الدرر الغروی» فی العترة المصطفویة نامیده شامل چهارده قصیده در مداح و مناقب و رثاء حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت فاطمه زهرا ع و حضرت امیر المؤمنین علی و یازده فرزندش علیهم صلوات الله در (۳۰۰۰) بیت میباشد و مقدمه ای مرکب از نثر و نظم بر آن نگاشته و این سه بیت را برای نشان دادن قریحه و نمودار اشعار وی در اینجا می آورم:

والله جاد علیکم متفضلاً
وَلَطَالَ مَا أَوْصَى بِحِفْظٍ وَلَائِهِ
يَا مَنْ تُسَبِّحُ بِاسْمِهِ الْأَمْلاكُ فِي
بَوْلِيهِ وَهُوَ الْجَوَادُ الْمَوْسِعُ
خَيْرُ الْأَنَامِ فَخَالَفُوهُ وَضَيَّعُوا
أَفْلَاكِهَا وَإِذَا دَعَاها تُسْرِعُ

(۱۲۱۴)

دیوان سید صالح این نسخه را بسال ۱۲۶۸ (۱) بخط نسخ خوب ناجی بن محمد قفطانی نوشته ، قصیده دیگری (۴۹ بیت) که ناظم این کتاب در هنگام مسافرت شیخ مشکور بآستان حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بسال ۱۲۶۹ انشاء نموده بر دو صفحه ای که پیش از دیوان ننوشته بوده نیز همین نویسنده نوشته ، ۱۵ سرلوح زیبا که طرز هر یک با دیگری مخالف در ابتداء مقدمه و چهارده قصیده گذارده شده و حواشی صفحه سرلوح دار و صفحه مقابل آن تذهیب و نقاشی گردیده و پشت نخستین صفحه بسال ۱۲۹۷ یادداشت اعتضاد السلطنه و وقفنامه نسخه موجود و تمام صفحات مجدول بطلا و عناوین قصائد با جوهر قرمز نوشته شده است .

جلد روغنی گل و بوته دورو . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۱۲۵) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض ($۱۴ \frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۳۹) .

(۱) نویسنده در آخر نسخه نوشته : تاسع ذی الحجه من السنة الثامنة من المائة الثالثة من الالف الثاني من الهجرة النبويه ص . و تاریخ قصیده ای که بخط همین نویسنده و شهادت مرکب و طرز نگارش نزدیک بزمان نگارش اصل نسخه است پیش از مقدمه کتاب بسال ۱۲۶۹ نوشته شده بنابر این جمله من العشر السابع از عبارت آخر نسخه مسلماً افتاده است .

[۵۴۴] دیوان صائب (فارسی)

میرزا محمد علی ابن میرزا عبدالرحیم تبریزی متخلص به صائب متولد به سال ۱۰۱۶ و متوفی بسال ۱۰۸۱ (۱) یکی از سخن سرایان معروف قرن یازدهم هجری است ، اشعار وی در هندوستان و عثمانی (ترکیه کنونی) بیشتر از وطن خویش شهرت دارد ، اگرچه آرزوی این را داشته که چون سعدی باشد چنانکه خود گفته :

صائب از خاک پاک تبریز است همت سعدی گراز گل شیراز
شماره اشعار او را دویست هزار بیت نوشته اند و گویند هفت دفتر و دیوان ترتیب داده و فتح نامه قندهار وی که بوزن مثنوی است ۱۳۵ (۲) بیت میباشد و گذشته از این قصیده ای در همان هنگام فتح (شاه عباس ثانی فاتح است) سروده و این بیت از آن تاریخ فتح را میرساند : (از دل زدود زنگ الم فتح قندهار = ۱۰۵۹) و مثنوی در معاشقه محمود و ایاز دارد ، مجموعه از انتخاب اشعار خود و شعرای معاصر و پیشین در حدود ۲۵۰۰۰ بیت ترتیب داده که بگفته شبلی نعمان اینک در حیدرآباد دکن موجود است و خوشگو دیدن آنرا در تذکره خود تذکر داده .
صائب در فن غزل سرائی از دیگر فنون شعر برتری دارد و از اشعار خود انتخاباتی نموده و هر یک را نامی گذارده : ۱ - واجب الحفظ نخبه ای از مطالع غزلیات اوست و نسخه از آن پیوسته به نسخه زیرین میباشد و با دقت و مراجعه این نگارنده معلوم شد که این انتخاب از غزلیات غیر این دیوان حاضر اوست و شامل ۳۹۰ بیت مطلع است . ۲ - مرآت الخیال در وصف اوصاف سرتاپای محبوب است و نسخی از آن در مجموعهات این کتابخانه و کتابخانه مجلس میباشد . ۳ - آرایش نگار مشتمل بر ابیاتی است که در آنها آینه و شانه آورده شده . ۴ - میخانه ابیات راجعه به می و میخانه را از اشعار خود گرد آورده و بدین نام نامیده است .

(۱) این تاریخ وفات دو ماده تاریخ که در دانشمندان آذربایجان نقل گردیده مؤید دارد و در ص ۱۷۶-۱۸۱ ترجمه ادبیات ادوار برون ۱۰۸۰ و ۱۰۸۱ و ۱۰۸۸ نوشته شده و غیر از این دو کتاب تذکره خوشگو و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۲۳ و ۲۴ و آتشکده ص ۳۴ و ۳۵ در هنگام نگارش این شرح دیده شده است .

(۲) در تذکره خوشگو شماره ادبیات این فتنه نامه ۱۳۵ بیت و در دانشمندان آذربایجان صد و سی و پنجهزار ضبط گردیده است .

۵ - متفرقات زیر این عنوان در حدود ۲۳۰۰ بیت از اشعار خویش انتخاب نموده و نسخه‌ای از آن پیوسته به نسخه زیرین دیوان اوست و با مراجعه و دقت معلوم شد که اینها را نیز از دیوان دیگر خود انتخاب کرده است.

از سال ۱۲۶۴ تا کنون در حدود ۴۰۰۰ بیت از صائب در هندوستان چاپ شده و منتخبی از اشعار او در این اوایل در طهران و اسلامبول نیز چاپ رسیده و نگارنده نسخه‌ای از دیوان صائب را که خط آن عیناً نسخه زیرین و بسیار شبیه نمونه‌ایست که از خط صائب در تاریخ ادبیات برون و دانشمندان آذربایجان گراور شده، در کتابخانه دانشمند محترم آقای محمد جواد ارگانی نماینده خوزستان در مجلس شورای ملی ایران دیده و در حدود (۸۵۰۰۰) بیت میباشد.

دانشمند محترم آقای تربیت شرح حال مفصلی از صائب درص ۲۱۷ - ۲۲۶ دانشمندان آذربایجان (با گراور نمونه خط وی) نگاشته اند و یکی از مآخذ نگارنده در نگارش این شرح بوده و ۲۵ کتاب را برای مراجعه بشرح حال این شاعر نشان داده اند. این دیوان که زیر این سطرها خصوصیات آن نگاشته میشود جز ضمائم آن در حدود (۱۷۰۰۰) و با آنها تقریباً (۱۹۶۹۰) بیت است.

آغاز:

اگر نه مدد بسم الله بودی تاج عنوانها نگشتی تا قیامت نو خط شیراز دیوانها (۱)

(۱۲۱۵)

دیوان

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده، بسیار

شبیه خط صائب نگارش یافته ولی غزلهایی که در حاشیه برگ

صائب تبریزی هفتم و دیگر بر گهای نسخه زیر عنوان: لراقمه صائب نگارش

یافته و عیناً نمونه ایست که از خط صائب گراور شده ثابت میکند که اصل دیوان

خط شاعر نیست و میدانیم که عارف تبریزی اصفهانی نویسنده دیوان صائب بوده

و مسلماً این نسخه خط اوست

(۱) خوشگو در تذکره خود گوید: این بیت آغاز یکی از دیوانهای صائب است و شماره ابیات صائب را سیصد هزار نوشته و از نصر آبادی یکصد و بیست هزار نقل نموده و نیز گوید که فقط دوازده قصیده يك مثنوی در فتح نامه قندهار دارد و باقی اشعار او غزلیات است و در دانشمندان غزلیات ترکی بوی نسبت داده شده و قول بیشتر از يك لك (صد هزار) در شماره ابیات صائب از حسینی نقل گردیده است.

و پس از اتمام غزلیات که موافق قوافی از الف تا یا مرتب، گردیده، واجب الحفظ و متفرقات اشعار صائب که معرفی از آن دو گردید نگارش یافته، نسخه بدست بچه افتاده و در آخر هر بخشی کلماتی نوشته از آن جمله مکرر سنه ۱۲۲۲ و ۱۲۳۵ رارقم نموده و طرز خط و مرکب این یادداشتها در اینکه نسخه از نظر خود شاعر گذشته و حواشی آن بخط اوست، تردیدی ایجاد نمیکند.

یادداشتهاییکه بسال ۱۱۱۷ و ۱۲۱۴ نوشته شده اند پشت برگ آخر نسخه موجود و چندین برگ از اول و آخر و صالی گردیده و بسال ۱۲۸۵ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت برگ اول یادداشت شده است.

جلد تیماجی مذهب . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۴۲۵) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۴ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۷) .

[۵۴۵] دیوان صاحب علی آبادی (فارسی)

میرزا محمد تقی ابن میرزا زکی مازندرانی متوفی بسال ۱۲۵۶ (۱) از درباریان فتحعلیشاه قاجار بوده، در قصائد و غزلیات گاهی صاحب و هنگامی دیوان تخلص میکرده، در اوائل جوانی ده سال وزارت عبدالله میرزا حاکم و فرمانفرمای خمسه و سهرورد و سجاس را داشته بسال ۱۲۳۴ بطهران احضار گردیده و مقام منشی الممالکی را پادشاه عصر بوی بر گذار نمود، در شیراز رضاقلیخان هدایت را دیده و میخواست او را بطهران آورد بعللی معذرت خواسته، قصائد غرا و غزلیات شیوا دارد، راوی گروسی ۵۵ بیت از چند قصیده وی در مؤلفه خود نقل و هدایت در حدود ۱۰۰۰ بیت از قصائد وی که در نعت حضرت پیغمبر ص و حضرت علی بن ابی طالب و پادشاهان معاصر و امرا میباشند و از رباعیات او انتخاب و در مجمع الفصحای چاپ کرده است.

دیوان صاحب شامل قصائد و قطعات و غزلیات و رباعیات و مشوایات میباشد و با شماره دقیق نسخ زیرین در حدود (۵۵۰۰) بیت است، ماده تاریخهاییکه بسال ۱۲۵۵ گفته در اینجاموجود و پیش از شروع به اشعار منشآت نثری صاحب دیوان که عبارت

(۱) انجمن سوم انجمن خاقان و ص ۲۹۸-۳۱۶ ج ۲ مجمع الفصحای مراجعه گردیده است.

از شرح حالی از فتحعلیشاه واجداد وی و طائفه قاجار بانشاء فتحعلیشاه و قلم صاحب
و حکایاتی بطرز کلدستان و مراسلات دوستانه و قبالة نکاح اردشیر میرزا و غیر از
اینهاست و این بخش در حدود (۱۰۰۰) بیت میشود.

این شاعر همت و هوس این را داشته که سعدی ثانی باشد و تاحدی هم شایستگی
آنها دارد ولی همه گویند سخن گفته سعدی دگر است و در این معنی گوید:

باقبال دارای یزدان پرست	به نظم و به نثر آمدم چیر دست
چنین ساحری شیخ شیراز کرد	که بانظم خوش نثر انباز کرد
بدوران صاحبقران آن منم	که گویم درین هر دو فن يك فتم

آغاز:

کراشاید ثنازان پس که زبید آل یاسین را جهان بجدو تمکین آسمان دانش و دین را

(۱۲۱۶)

دیوان صاحب
این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، ۲۳ برگ از اول
آن شامل نثریات علی آبادی است، نویسنده از خود و سال
نگارش نام نبرده مسلماً در نیمه دوم قرن سیزدهم نگارش
یافته و عناوین باشعجرف نگاشته شده و یادداشتی پشت صفحه نخستین بوده محو
گردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۱۹۱). صفحه ای
(۱۷) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۵۹).

(۱۲۱۷)

دیوان صاحب
این نسخه نیز بخط نستعلیق بدون ذکر نام نویسنده و سال
نگارش نوشته شده، بسال ۱۲۶۱ داخل کتابخانه اعتضادیه
شده و پشت نخستین صفحه یادداشت گردیده، بخشی از نثریات
در آخر نسخه میباشد و شرح حال فتحعلیشاه را که به انشاء خود وی نگاشته و در نسخه
پیشین نیست در آغاز نسخه موجود و بخشی از نثریات نسخه بالا را ندارد.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۱۸۲). صفحه ای
(۱۵) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۴ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۶۰).

[۵۴۶] دیوان صبا (فارسی)

فتحعلی خان ملك الشعرا متخلص به صبا از مشاهیر شعرای قرن سیزدهم هجری میباشد ، گذشته از مقام ملك الشعرائی چندی حکومت کاشان که وطن اصلی وی بوده و حکومت قم و مقام احتساب الممالکی را دارا بوده ، وقایع سلطنت فتحعلیشاه قاجار و مختصری از تاریخ نیاکان او را بنام «شاهنشاه نامه» در چهل هزار بیت در مدت سه سال برشته نظم آورده و **راوی گروسی** شرحی در ترجیح این کتاب بر شاهنامه فردوسی نوشته و گوید در جوانی مثنوی **لیلی و مجنون** گفته که در میان است و هفت پیکری که در یکی از سفرها از میان رفته و **خداوند نامه** که شامل اخبار صحیحه در معجزات احمدی و غزوات حیدری است و در حدود سی هزار بیت میباشد و آنرا در مدت سه سال بانجام رسانیده و مثنوی **عبرت نامه** و دیوان قصائد و مقطعات و رباعیات و غیره از آثار آن جناب بیادگار مانده و بنا بر ضبط در مجمع الفصحا بسال ۱۲۳۸ چهارا را بدرود گفته و «کلامش فصیح و مطبوع و زیبا و ممتین است ، اشعارش بلیغ و جزیل و مصنوع و رنگین ، کمال قدرت را داشته و از نو تخم سخن را درین روزگار او کاشته ، تجدید شیوه و قانون استادان قدیم را کرده » .

نسخه زیرین از دیوان او شامل در حدود (۱۲۰۰۰) بیت میباشد و هدایت گذشته از مثنویهای وی پانزده هزار بیت شعر بوی نسبت داده است .

آغاز:

تعالی الله خداوند جهاندار جهان آرا

کزو شد آشکارا گل ز خار و گوهر از خارا

(۱۲۱۸)

دیوان صبا این نسخه شامل قصائد و غزلیات و رباعیات و مثنویات پندنامه و خلاصه الاحکام و عبرت نامه صبا میباشد و ظاهراً در زمان خود شاعر نگارش یافته نام نویسنده و سال نگارش نوشته نشده و بر صفحه نخستین نویسنده ای آنرا «خداوند نامه» معرفی کرده ولی مسلماً آن کتاب نیست .

جلد روغنی گل و بوته دار و طرف داخل نر گس . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی .
شمارهٔ اوراق (۳۹۱) صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول ($۲۷\frac{۱}{۳}$ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) .
شمارهٔ کتابخانه (۴۰۴) .

[۵۴۷] دیوان صهبا (فارسی)

صهبا محمد تقی (آقائی) بن ملایدالله از معاصرین آذر وهر دو در تحت تربیت
سید علی مشتاق بوده و شاگردی او را داشته‌اند ، این تخلص را هم استاد بوی داده ،
اجداد صهبا از دماوند بقم مهاجرت کرده و صهبا در این شهر متولد و نشو و نما
یافته در اواخر عمر باصفهان رفته و بیست سال در آنجا بوده و بسال ۱۱۹۱ در
شیراز وفات یافته و بیشتر بغزل سرائی و رباعی گوئی مایل بوده و در انجمن خاقان
است که «دوسه هزار بیت شعر گفته و در شاعری نیز (کذا فی النسخ) بطرز خوش
میسروده» و هدایت نوشته‌اند که سه هزار بیت دیوان شعر جمع کرده و شاعری غزل
سرای بوده است .

نسخهٔ زیرین شامل غزلیات (۱۰۵۰ بیت) و رباعیات (۱۶۰ رباعی) میباشد
بنابر این در حدود ۱۴۰۰ بیت است .

آغاز:

نه تنها روشن است از پرتو روی تو محفلها

کزین شمع است روشن بزم جانها محفل دلها

(۱۲۱۹)

نسخهٔ این دیوان و دیوان هاتف و دیوان عبدالمجید درویش
را که با یکدیگر پیوسته‌اند بخط شکسته نستعلیق خوب

دیوان صهبا

محمد رفیع بن محمد صادق شیرازی بسال ۱۲۳۱ نوشته و در آخر دیوان هاتف بدین
تاریخ تصریح کرده ، در ابتداء هر يك از دیوانها سرلوحی ظریف میباشد و میان
سطرهای دو صفحه اول هر يك طلائاندازی شده و صفحات مجدول به اکلیل است .
برگ ۳۹ - ۸۸ شامل این دیوان میباشد .

جلد روغنی گل و بلبل و طرف درون نر گس . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی نازک .
شمارهٔ اوراق کلیه (۱۳۰) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول ($۲۰\frac{۱}{۳}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳
سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۴۰۱) .

(۱) شرح حال و معرفی از صهبا بامر اجمعهٔ ص ۴۱۱-۴۱۲ آتشکده آذر انجمن پنجم انجمن خاقان و
ص ۳۳۰ ج ۲ مجمع الفصحی و بعضی از ابیات وی خود وی نگارش یافته است .

[۵۴۸] دیوان طالب آملی (فارسی)

طالب آملی (۱) از شعرای مازندران است که به هندوستان رفته و در آنجا بسال ۱۰۲۸ بمقام ملك الشعرائی شاه جهان رسیده و در عنفوان جوانی بسال ۱۰۳۶ وفات یافته است.

مدعی است که در علوم هندسه و منطق و هیئت و حکمت و عرفان و خط و شعر سرآمد زمان میباشد، و در شعر سبکی مخصوص بخود دارد و در هند بسیار مطلوب شده ولی در ایران چندان پسند نیامده و بهمین سبب در اشعار بسیار خود را سیاه بخت خوانده و رخت خویش به هندوستان کشیده و گوید:

هندو نبرد تحفه کسی - جانب هند بخت سیه خویش بایران بگذار
بزرگتر نسخه‌ای از دیوان طالب را که نگارنده دیده و متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملی است شامل (۱۷۰۰۰) بیت از قصیده و قطعه و غزل و رباعی و مثنوی است.

آغاز: غزلیات

خدایا بر سر ناز آر با ما کج کلاه‌انرا بسحر غمزه بر ما فتنه کن جادو نگاهانرا
(۱۲۲۰)

دیوان

طالب آملی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نامی نبرده، ظاهراً در نیمه اول قرن یازدهم نگاشته شده، شامل غزلیات و مقطعات و یک مثنوی و رباعیات میباشد و در حدود (۳۵۰۰) بیت میباشد. در ابتداء هر یک از بخشها بر مربعی که از طلا پوشیده شده نام موضوع آن بخش نگارش یافته است.

جلد تیماجی. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع بغلی. شماره اوراق (۱۵۲) صفحه ای (۱۴) سطر. طول (۱۶ سانتیمتر). عرض (۹ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۳۷).

(۱) در عنوان نسخه زیرین تصریح شده که طالب آملی است و در آخر نسخه‌ای (بسال ۱۰۴۲ نوشته) از دیوان طالب متعلق بکتابخانه مجلس محمد طالب ثبت شده و آذر در ص ۱۷۰-۱۷۱ آنشکده او را از شعرای آمل مازندران معرفی کرده و ص ۳۷۲-۳۷۴ شمع انجمن ولی در ترجمه ادبیات ادوارد برون (ج ۴ ص ۱۶۹-۱۷۱) عاملی (باعین مهمله که منسوب به عامل شام میباشد) ثبت گردیده است.

[۵۴۹] دیوان طوفان هزار جریمی (فارسی)

طوفان هزار جریمی (۱) نامش میرزا طیب و از اهالی مازندران متوفی بسال ۱۱۹۰ (۲) میباشد ، معاصر آذر مؤلف آتشکده بوده و در باره وی گوید « جوانی غیور باستغنائی طبع و شکفتگی خاطر مشهور مکرر ملاقاتش اتفاق افتاد » ، این مؤلف و هدایت هر دو تذکر داده اند که آهاجی رکیکه گفته ولی در آخر عمر توبه نمود و در نجف اشرف مجاور و در همانجا بسر ای آخرت شتافت و آذر در تاریخ وفات او يك رباعی گفته و این مصراع آن (طوفان در دریای نجف شد ز صفا) تاریخ وفات او را می رساند .

هدایت نوشته اند که دیوان او شامل هفت هزار بیت و بیشتر آن غزلیات میباشد عبدالله نامی که از دوستان معاصر طوفان در نجف اشرف بوده مقدمه ای بر دیوان او نوشته و در آنجا پس از معرفی و شرح حال مختصری از مؤلف تذکر داده که طوفان امید این داشت که دیوان متفرق وی جمع گردد بوی گفتم کسی در این روزگار که بازار علم و ادب نارواست بدینکار مبادرت نخواهد نمود بهتر آنست که خود این کار را انجام دهی ، بنا بر این در او اخر ماه شوال سال ۱۱۷۵ بجمع آنها پرداخت و نیز گوید : « این دیوان شامل قصائد و غزلیات و مثنوی و رباعیات و شکرپاره و جنگ نامه و هجویات بنوعی که متقدمین ترتیب بنا نهاده اند اقتدا بایشان نمود و چون تمام کلیات او هنوز بزیور جمع آوری مزین نگشته بود بتوضیح بعضی مراتب از فهرست نپرداخت » و در این مقدمه مراسله ای که میرزا مهدیخان منشی نادرشاه بوی نوشته و نظم او را ستوده مندرج گردیده است .

نسخه زیرین در حدود ۳۳۰۰ بیت میباشد .

آغاز دیباچه : بسمله جواهر حمدی که صیرفیان بازار نقود معانی و ناظران سلسله

عقود و لآلی الخ .

- (۱) در دیباچه نسخه زیرین هزار جریم را از توابع استرآباد معرفی کرده ولی اینک از توابع مازندران میباشد و شاید که سهو قلم دیباچه نویس باشد و یا پیش از این جزء آنجا بوده است .
(۲) در ص ۴۱۳ آتشکده آذر و انجمن خاقان و ص ۳۴۱-۳۴۳ ج ۲ مجمع الفصحا شرح حال طوفان نگارش یافته و انتخابی از ابیات وی گردیده است .

آغاز دیوان: بسمله چه من دستیاری نباشد قلم را عطار دچه داند سیاق رقم را

(۱۲۲۱)

دیوان طوفان این نسخه که شامل قصائد و مثنویات و غزلیات و رباعیات

و قطعات میباشد، بخط نستعلیق خوب ظاهراً در اوائل قرن

هزار جریبی سیزدهم نوشته شده، در ابتداء دیباچه سرلوحی دارد و در

آغاز دیوان سرسوره ای میباشد. صفحات مجدول به اکیل و زنگار گردیده، بسال

۱۲۶۱ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت صفحه نخستین یادداشت گردیده است.

جلد روغنی گل و بوته دورو. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۷۰).

صفحه ای ۱۴ سطر در متن و ۱۲ بیت در حاشیه. طول (۲۴ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). عرض (۱۶ سانتیمتر).

شماره کتابخانه (۲۷۴۳).

[۵۵۰] دیوان (کلیات) ظهوری (فارسی)

نورالدین محمد (۱) ظهوری تخلص بگفته آذرونقل متأخرین از او ترشیزی است

ولی امین احمد او را در هفت اقلیم از دانشمندان شهر تربت شمرده و در باره وی

گوید: «باوصاف حمیده و اطوار پسندیده موصوف بوده، بغایت نیکو ذات و خوش

اخلاق است، پیوسته شیوه اش اینکه کار فقیری بسازد و همواره خواهشش اینکه

مراد درویشی بر آرد الخ» و چند بیت از او نقل کرده، ادوارد برون در تاریخ ادبیات

خود گوید: «ظهوری ترشیزی بسال ۱۰۳۴ با پدرزنش ملک قمی که نیز از شعر است

در شورشی که در دکن واقع شد کشته شده اند و ظهوری را از نثر نویسان معتبر

و خوش سلیقه میدانند الخ».

ساقی نامه ظهوری بسیار مشهور و در حدود (۴۱۰۰) بیت میباشد ولی با این

اشتهار آذرا و را چندان نپسندیده و دیوان او شامل قصائد و غزلیات و رباعیات است

و از آثار نثری وی سه دیباچه است که بنام: ۱ - خوان خلیل. ۲ - دیباچه نورس

۳ - گلزار ابراهیم مشهور میباشد و نسخه زیرین شامل آنهاست و مکاتیب و منشآت از ظهوری

(۱) در هفت اقلیم ص ۵۷۵ و ۵۷۶ و تشکده آذر ص ۷۳ و ۷۵ و ترجمه تاریخ ادبیات برون ج ۴

ص ۱۶۹ فقط بنام ظهوری معرفی گردیده ولی مرحوم اعتصام در فهرست کتب خطی مجلس ص ۱۶۴

و ۲۴۶ و ۲۴۷ نام ظهوری را نورالدین محمد معرفی کرده است.

نیز در دست است ۱ - مکتوبیکه به فیضی (۱۰۰۴ مرده) نوشته و دیگری در شکوه از اهل کرم و این هر دو نیز پیش از دیوان وی (نسخه زیرین) نگارش یافته و پنج مکتوب او با سه دیباچه‌های نام برده در زیر شماره ۲۸۸ در کتابخانه مجلس موجود است. دیوان قصائد و غزلیات ظهوری موافق نسخه زیرین در حدود (۱۰۴۰۰) بیت میباشد و با ساقی نامه (۱۴۵۰۰) بیت خواهد بود و در این دیوان مدح و ثنای ائمه اثنی عشر علیهم السلام و عادلشاه ابیات بسیاری است.

آغاز غزلیات :

آنکه خواهد داشت فر در حمتش دیوان ما گشته و صفش آفتاب مطلع دیوان ما

(۱۲۲۲)

دیوان این نسخه بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، نامی از نویسنده و سال نگارش در نسخه نیست ، در عبارات دیباچه‌های سه گانه : ظهوری ترشیزی (دیباچه نورس - خوان خلیل - گلزار ابراهیم) و بعضی از ابیات دیوان اصلاحی بقلم غیر از نویسنده نسخه دیده میشود شاید بنظر خود ظهوری رسیده و با اصلاح آن پرداخته ، کهنه بودن نسخه این احتمال را تأیید مینماید و گذشته از دیباچه‌های نام برده و دو مکتوب مذکور شامل ساقی نامه و قصائد (غیر مرتب است) و غزلیات و یک صفحه شامل چند رباعی از شاعر میباشد و اسلوب خط هندی است و در اثر صحافی ابیاتی از آن از میان رفته و چند برگ آنهم و صالی شده است . جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع خشتی نازک . شماره اوراق (۲۹۲) . صفحه ای (۲۸) بیت در متن و حاشیه . (طول ۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۸۲) .

[۵۵۱] دیوان ظهیر فاریابی (فارسی)

ظهیر فاریابی (ظهیرالدین طاهر بن محمد الفاریابی (۱) متخلص به ظهیر متوفی

(۱) فاریاب چنانکه در ص ۸۴۰ ج ۳ معجم البلدان ثبت شده بکسر راه و یاء حطی و در آخر آن باء است و از شهرهای خراسان در نزدیکی جوزجان و نزدیک بلخ میباشد و از آنجا تا بلخ شش روز راه و از فاراب تا طالقان سه روز راه است و ظهیرالدین بدانجا منسوب میباشد و فاراب که حکیم معروف ابونصر از آنجا است نیز در ص ۸۳۳ ج ۳ معجم معرفی گردیده و گوید آنطرف سیحون در اواسط بلاد ترک واقع و از شاش دورتر است و جوهری و ابوابراهم صاحب دیوان الادب از آنجا میباشند .

بسال ۵۹۸هـ (۱) از مشاهیر شعرای قرن ششم هجری میباشد، بمداحی سلاطین معاصر خود: طغانشاه پادشاه نیشابور و اتابك قزل ارسلان و ابوبکر و نصره الدین و پدر او محمد بن ایلدگز پرداخته و معاصر خاقانی و جمال الدین اصفهانی و شرف الدین شفروه بوده و به نیشابور و اصفهان و آذربایجان مسافرت نموده و در هر هنگام طبع آزمائی کرده، گروهی وی را بر انوری ترجیح داده، برخی از امامی هروی (۲) درباره وی استفتاء کرده اند سؤال و جواب ایشان اینست:

ای عالم زمانه که بر آسمان فضل	ماه خجسته پیکر خورشید منظری
قومی ز ناقدان سخن گفته ظهیر	ترجیح می نهند بر اشعار انوری
قوم دگر برین سخن انکار میکنند	فی الجملة در محل نزاعند و داوری
ترجیح یکطرف تو بدیشان نما که هست	زیر نگین حکم تو ملک سخن وری

امامی در جواب گوید:

ای سالک مسائل فکرت درین سؤال	معذور نیستی بحقیقت چو بنگری
تمیز را ز بعد تناسب درین دو طور	هیچ احتیاج نیست بدین شرح پروری
کین معجزست و آن سحر، این نور و آن چراغ	
این ماه و آن ستاره، این حور و آن پری	

و دیگری (۳) گفته:

هر مبتدی که بدهد ترجیح میدهد	شعر ظهیر بر سخن پاک انوری
ماند بدان گروه که نشناختند باز	اعجاز موسوی را از سحر سامری

دولتشاه گوید درباره دیوان ظهیر فضلا گفته اند:

دیوان ظهیر فاریابی در کعبه بدزد اگر بیابی

(۱) تاریخ گزیده در فصل شعرای فارسی زبان برگ ۳۲۰ (نسخه خطی)، تذکره دولتشاه ص ۱۰۹-۱۱۴، هفت اقلیم در ذیل شهر چیچکتو در اقلیم چهارم ص ۴۹۰-۴۹۳، آتشکده آذر ص ۳۲۷ مجمع الفصحا ج ۱ ص ۳۳۰-۳۳۶ و در هفت اقلیم وفات وی بسال ۵۹۲ میباشد.

(۲) در هفت اقلیم امامی نوشته شده ولی در تذکره دولتشاه مجد الدین همگراست و این ابیات در هفت اقلیم نقل گردیده است.

(۳) دولتشاه گوید این داوری را پیش مجد همگر شیرازی برده اند بنابراین شاید این دو بیت را که گوینده آن معین نگردیده از او باشد.

هدایت گوید این بیت که در ضمن شرح حال ظهیر نویسند از قطعه یکی از متأخرین است که در هجو عبدالرحمن جامی معاصر خود گفته و ابیات دیگر او را هم نقل نموده است.

از مقدمه نثری که نخستین نسخه زیرین دارد معلوم میشود که نویسنده آن که از خود نام نبرده، شاعری معاصر ظهیر بوده، شهرت او را شنیده، از وطن خود بقصد دیدار این استاد حرکت کرده، چون بآذربایجان رسیده استاد را در این جهان نیافته، بران شده که آثار او را جمع آوری کند، چون این کار را بانجام رسانید گوید بران شدم که آنرا تقدیم بصاحب هنری نمایم که شایسته این درهای یتیم باشد در اکناف و اطراف هر چه نظر انداختم کسی را شایسته ندیدم تا اینجا که میگوید:

« تا عاقبت عزم کرد که این دفتر که مستودع چندین گهرست و مستجمع چندین درر بتزانۀ صدر روزگار صاحب مطلق ولی الانعام بحق عالم عادل مؤید مظفر منصور مجدد الدولة والدین عماد الاسلام والمسلمین اختیار الملوك والسلطانين ملك الصدور في العالمين كهف ائمة المهتدين نظام الملوك باسط العدل والتعم ناسر الجود والكرم قاصم الاعادی قاسم الايادی ملاذ الفقراء والزهاد وملجاء العلماء والعباد حميد الاخلاق كريم الاغراق ملك رؤساء الافاق مد الله ظلاله وضاعف اقباله فرستد چه جوهر را جوهری داند و گوهر را گوهری شناسد -

قدر سخن در زمانه طبع تو داند قیمت در ثمین بنزد کرامت.

هدایت نوشته اند که دیوان ظهیر تخمیناً چهار هزار بیت میباشد و کهنه ترین نسخ درین کتابخانه و بزرگترین آنها دارای ۳۵۰۰ بیت از قصائد فارسی و عربی و قطعه و غزل و ترکیب بند و رباعی میباشد و این دو بیت عربی از او در تاریخ گزیده نقل گردیده:

أَعْرِفِ الْفَرَقَ بَيْنَ دَالٍ وَذال وهي اصل فن الفارسي معظم
كل ما قبل سُكُونٍ بلا وای فذال فما سواه معجم

آغاز:

چو زهره وقت صبح از افق بسازد چنگ زمانه تیز کند ناله مرا آهنگ (۱)

(۱) این آغاز دیوانی است که در اول بار گردآوری شده ولی دیگری قصائد و غزلیات آنرا موافق حروف او آخر مرتب نموده و نسخه این کتابخانه موافق این ترتیب اخیر است.

(۱۲۲۳)

دیوان
ظهیر فاریابی
این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۸۹۵ نوشته اند ، نویسنده
از خود نام نبرده ولی خط نسخه بسیار شبیه بخط منعم الدین
اوحدی شیرازی نویسنده دیوان حافظ بسال ۹۱۷ میباشد که
درص ۵۸۲ و ۵۸۳ خصوصیات آن نگارش یافت ، دیباچه جامع را فقط این نسخه داراست
و درابتداء آن سر لوح ظریفی میباشد ، درابتداء قصائد سرسوره ایست که وسط آن
از طلا پوشیده شده و بر آن باسفید آب « دیوان ظهیر فاریابی » نوشته شده و تمام
صفحات بخدول بطلا و لاجورد است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سیه سالار . قطع ربعی بزرگ . شماره اوراق (۱۷۳) .
صفحه ای (۱۲) سطر . طول ($۲۰\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۷۸) .

(۱۲۲۴)

دیوان
ظهیر فاریابی
این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده (ظاهر آدر نیمه اول قرن سیزدهم)
طرز آن چون نسخه پیشین است ولی دیباچه را ندارد ، نویسنده
از خود و سال نگارش نام نبرده ، نویسنده دیگری انیس العشاق
شرف را نیز بخط نستعلیق نوشته و بدان پیوسته است و این دو کتاب بسال ۱۲۸۰
داخل کتابخانه اعتضادیه شده ، از انیس العشاق در فصل ادبیات معرفی خواهد شد
و این نسخه از دیوان ظهیر در حدود (۲۵۰۰) بیت شعر است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری کوچک . شماره برگها (۱۲۵) .
ضمیمه (۴۷) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض ($۱۳\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره
کتابخانه (۳۸۱) .

(۱۲۲۵)

دیوان
ظهیر فاریابی
این نسخه را بخط نستعلیق حسین بن عیسی حسینی تفرشی
بسال ۱۲۵۷ نوشته ، قصائد آن مرتب بترتیب حروف آخر آنها
بر حسب ترتیب حروف هجا میباشد و آغاز این نسخه آن اینست :
سفر گزیدم و بشکست عهد قربی را مگر بحیله به بینم جمال سلمی را

و در حدود (۳۵۰۰) بیت را شامل است، پشت صفحه نخستین یادداشتی بوده نحو گردیده است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع وزیری کوچک. شماره اوراق (۱۱۷). صفحه ای (۱۶) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۷۹).

(۱۲۲۶)

دیوان این نسخه ظاهرأ در قرن دوازدهم نگاشته شده، اوراقی از اول و آخر آن افتاده، نویسنده ای بر چند برگ چندین قصیده ظهیر را نوشته به اول نسخه پیوسته و ابیاتی چند هم در آخر آن نوشته و طرز اصل نسخه چون نسخه اصلی غیر مرتب است ولی اینک آغاز آن موافق دیوان مرتب شده ظهیر میباشد.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع ربعی بزرگ. شماره اوراق (۱۲۰). صفحه ای (۱۴) سطر. طول (۱۹ سانتیمتر). عرض (۹ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۸۰).

[۵۵۲] دیوان عبدالمجید درویش (فارسی)

عبدالمجید مشهور به درویش از خطاطین معروف میباشد و خط شکسته را بپایه ای رسانیده که تا کنون کسی بدان نتوانست رسید و رونق خط شفیعاً و میرزا حسن را که در باره آنها گفته اند **اثان الاثالث لهما** برانداخته، حاجب شیرازی درباره وی گفته:

«ای گشته مثل بخوش نویسی ز نخست
مفتاح خزائن هنر خامه تست
تا کرده خدا لوح قلم را ایجاد
ننوشت کسی شکسته را چون تو درست»
در اشعار مجید تخلص دارد، راوی گروسی شماره ابیات دیوان او را هزار و پانصد بیت ضبط کرده و نسخه زیرین در حدود (۱۲۳۰) بیت را شامل میباشد، بسال ۱۱۸۵ وفات یافته و آذر، شده **ایوان جنان منزل درویش** مجید را ماده تاریخ وی یافته و چند شعر از دیوان وی انتخاب نموده و هدایت و راوی نیز چند بیت از او در کتاب خود آورده اند (۱).

(۱) آتشکده آذر ص ۴۲۴، انجمن خاقان در انجمن چهارم و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۴۴۵ دیده شود.

آغاز:

نمود باورت ای آنکه (کذا) زخم کاری ما کنوت بیابتماشای جان سپاری ما
شب فراق روا نیست منع زاری ما چرا که زاری ما نیست اختیاری ما.
(۱۲۲۷)

دیوان عبدالمجید این نسخه را بخط شکسته نستعلیق محمد رفیع بن محمد صادق
شیرازی بسال ۱۲۲۱ نوشته و بادیوان صهبا و دیوان هاتف

درویش به شماره (۴۰۱) در این کتابخانه ثبت گردیده (برگ ۸۹-۱۳۰)
خصوصیات دیگر آن درص ۶۲۷ نگاشته شد.

[۵۵۳] دیوان عبدالواسع جبلی (فارسی)

عبدالواسع جبلی تخلص از شعرای مشهور قرن ششم هجری می باشد (۱) بنابر ضبط
در هفت اقلیم لقب وی بدیع الزمان بوده و هدایت پدران او را عبدالجامع بن عمران بن
ربیع نامیده و گوید جبلی بسال ۵۵۵ جهانرا بدروود گفته و خودوی بسیادت و انتساب
خویش بحضرت پیغمبر اکرم ص اشاره نموده:

نکرد باید بامن بقصد جباری که من ز نسل رسول خدای جبارم
در تاریخ گزیده آمده که عبدالواسع جوانی برزگر بوده، روزی سلطان سنجر
گذرش بر پنبه زاری افتاده که عبدالواسع در آن بود و بدین بیت مترنم:
اشتر دراز گردنا دانم چه خواهی گردنا

کردن درازی می کنی پنبه بخواهی خوردنا
سلطان دراو بوی لطف یافت او را ملازم کرد و تربیت کرد و تا بدان مرتبه
رسید که طرز شعر او تا غایت چون او نگفته اند.

آقای بدیع الزمان در سخن و سخنوران این قول را بالاستدلال و شواهد تاریخی
رد کرده اند.

در اشعار جبلی جنبه حسن الفاظ و صنایع بدیعیّه زیاد مراعت گردیده و باوجود
این تقیّد لطافت خود را از دست نداده و سلطان سنجر ۵۱۱ - ۵۵۲ و بهرامشاه بن

(۱) لباب الالباب ج ۱ ص ۱۰۸-۱۰۹، تاریخ گزیده ص ۶۴۰-۶۴۱ (نسخه خطی)، تذکره
دولتشاه ص ۷۳-۷۶، هفت اقلیم ۵۲۰-۵۲۳، مجمع الفصاحا ج ۱ ص ۱۸۵-۱۹۲ و سخن و سخنوران
ج ۱ ص ۳۲۷-۳۳۴ مراجعه گردیده است.

مسعود غزنوی ۵۱۲-۵۴۴ (در تاریخ سلطنت این پادشاه دولت‌شاه و حمدالله و بدیع الزمان اختلاف دارند) و ارسلان‌شاه بن کرمانشاه از سلاجقه کرمان ۴۹۴-۵۳۶ را مدح گفته و این بیت عبدالواسع زبان زد همه است :

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا وزهر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا
و بدین مناسبت تخلص خود را جبلی قرار داده که از اهالی غرjestان میباشد
که از طرف مغرب بهرات و از مشرق بغور و از جنوب به غزنه و از شمال بمر و محدود
میگردد و غرج بمعنی کوه و غرjestان کوهستانست .

نسخه زیرین که شامل قصائد و مقطعات و غزلیات جبلی است در حدود (۴۷۰۰)
بیت میباشد .

آغاز :

که دارد چون تو معشوق و نگار و چابک و دلبر

بنفشه زلف و نرگس چشم و لاله روی و سرین بر

(۱۲۲۸)

دیوان

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، آخر آن افتاده ،

ظاهر آن در اوائل قرن دهم هجری نگارش یافته ، يك سرلوحی

عبدالواسع جبلی ظریف که باسفیداب بر قسمت طلائی وسط آن نوشته شده :

(دیوان افصح المتکلمین عبدالواسع جبلی) در آغاز نسخه میباشد و صفحات بجدول

بطلا و لا جور است و آخرین بیت نسخه کامل اینست :

فخر دارد بر همه سادات کیمی از شرف فضل دارد بر همه اشراف عالم در محل

چندین برگ از اول و آخر نسخه و صالی گردیده و پشت برگ اول یادداشت‌هایی

باتاریخ و بی تاریخ وجود دارد .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۱۵۱) .

صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۹۳) .

[۵۵۴] دیوان (کلیات) عرفی (فارسی)

سید محمد ابن خواجه زین الدین علی بن جمال الدین شیرازی متخلص به

عرفی از مشاهیر شعرای قرن دهم هجری بوده (متولد بسال ۹۶۳ متوفی بسال ۹۹۹ (۱)) پدرش مقام داروغه گی شیراز را داشته، عرفی پس از اینکه بسن رشد رسید و کسب فضائل نمود علم شاعری برافراخت و بامعاصرین خود چون غیرقی شیرازی و دیگر پهلوانان، سخن پردازیها و کشتی گیریها کرده و همه ازو حساب میبرده اند، چون آوازه شعر دوستی و شاعر پروری خان خان سپهسالار (عبدالرحیم) را شنید رو بهند آورد و بوسیله حکیم ابوالفتح کیلانی که او را نیز مدائح بسیار گفته به خان مذکور شناسانده شد و بدان آستان راه یافت و منظور نظر او گردید و کار او در دوستی خان خانان بجائی رسید که در هنگام ملازمت از آداب و رسومیکه بجای سلام هندیان و دیگران بجا می‌آوردند معاف گردید، داستان ملاقات و جواب و سؤال بافیضی شاعر هندی را درص ۵۲۴ نگاشتیم.

عرفی بسال ۹۹۶ نخستین دیوان خود را مرتب نموده و مصراع: **اول دیوان عرفی شیرازی** تاریخ این جمع را می‌رساند و گذشته ازین صنعتی که در آن بکار برده اینست: بشماره حروف آحاد این مصراع (۲۷) قصائد و عشرات آن (۲۷۰) غزل و مآت آن (۷۰۰) رباعی و مقطعات در آنست.

عبدالباقی نهاوندی در مقدمه دیوان کامل عرفی که شامل چهارده هزار بیت میباشد و در کتابخانه مجلس موجود است گوید:

«چون عرفی دچار ناخوشی اسهال شد و خود را نزدیک به بدرود کردن جهان دید مسودات اشعار خود را بکتابخانه خان خانان فرستاد، چون از جهان رفت خان خان هم محمد قاسم ابن خواجه محمد علی اصفهانی مشهور و متخلص به **سراجا** را که از شعرا و دانشمندان و سر حلقه مستعدان بود مأمور جمع و ترتیب و تدوین اشعار عرفی فرمود، سراجا یکسال و نیم پس از مشقت بسیار این دیوان که شامل قصائد و غزلیات و ترکیب و ترجیع بند و قطعه و رباعی و مثنوی میباشد ترتیب داد و نویسنده مقدمه گوید درپاره‌ای از اوقات در هنگام جمع این دیوان حضور داشتم و میدیدم که بیرون آوردن و مرتب کردن آنها از مسودات عرفی تاچه

(۱) تذکره خوشگو حرف عین و مقدمه نسخه دیوان متعلق بمجلس شورای ملی بقلم عبدالباقی نهاوندی معاصر عرفی و ص ۲۰۰-۲۰۵ هفت اقلیم و ص ۲۴-۲۵ ج ۲ مجمع الفصحا مراجعه شده است.

حد زحمت داشت در آخر مقدمه قطعه ای که سراجا در تاریخ این جمع و ترتیب انشاء نموده، گذارده شده و بیت آخر آن که سال نظم را میرساند اینست:

از خرد خواستم چو تاریخش گفت قر قیب داده تا دانی = ۱۰۲۶

طبع عرفی در انشاء قصائد و غزلیات ید بیدضاء داشته و دو مثنوی که برابر غزن الاسرار (مجمع الابرار) و خسرو شیرین نظامی ساخته بسیار سلیس و متین میباشد و اول دیوان وی با مجمع الابرار که در حدود ۵۶۰۰ بیت میباشد دوبار (بسال ۱۳۰۸ و ۱۳۳۳) در بمبئی و کانپور هندوستان چاپ گردیده ولی تمام دیوان او چاپ نشده و رساله نفیسه وی که در عرفان (در ۲۵۰ بیت) نوشته قدرت کامل نثر نویسی ویرا نیز میرساند: و آغاز آن اینست: بسمله حمدیکه از غایت شایستگی منزله از شایمة تعیین و تخصیص آمده الخ.

عرفی در قصیده ای که خود آنرا «ترجمة الشوق» نامیده اظهار نموده:

بکاوش مژه از گور تا نجف بروم اگر بهند بخاکم کنند یا بتنار

پس از سی سال از وفات عرفی بسال ۱۰۲۸ استخوانهای او بوسیله درویشی بنجف فرستاده شد، دو سال هم در بین راه استخوانها در مشهد مقدس حضرت رضاء بود، چون بنجف رسید در بیرون دروازه بجائی که آنرا بحیره گویند دفن نمودند و رونقی همدانی قطعه ای در تاریخ آن گفت و ماده تاریخ آن اینست:

رقم زد از پی تاریخ رونقی کلکم بکاوش مژه از هند تا نجف آمد

(در دو نسخه از تذکره خوشگو در مصرع ماده تاریخ «از گور» نوشته شده

و بر حسب محاسبه مسلماً غلط و صحیح «از هند» میباشد)

(۱۲۲۹)

دیوان این نسخه از دیوان بدون تاریخ نوشته شده، پشت صفحه

نخستین تاریخ هائی دارد که از همه پیشتر بسال ۱۰۷۷ میباشد

عرفی شیرازی که نسخه در این تاریخ از کتابخانه دولتی بیرون آورده

شده و مسلماً خود دیوان در نیمه اول قرن یازدهم نگارش یافته و گذشته از مندرجات

«اول دیوان عرفی» «رساله نفیسه عرفی» و مجمع الابرار و بخشی از «خسرو شیرین» عرفی

(در حدود ۳۰۰ بیت) و قصائد و غزلیات چندی را شامل و گذشته از رساله نفیسه در حدود ۶۵۰۰ بیت شعر میباشد.

از یادداشت‌های پشت صفحه اول و آشنائی بخطوط کتابدارهای دربار صفوی معلوم میشود که نسخه متعلق به آن کتابخانه بوده، چهار سر لوح بسیار ظریف که طرز آنها مختلف و چون خط کتاب از آثار هندی میباشد در آغاز رساله نفیسه، قصائد و مقطعات، غزلیات، و مجمع الابرار رسم گردیده و میان سطرهای آنصفحه و صفحه مقابل آن طلا اندازی و نقاشی گردیده است.

جلد سوخته معرق طلا پوش بسیار ظریف. کاغذ کشمیری. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۶۲). صفحه‌ای (۱۵) سطر. طول (۲۶ سانتیمتر). عرض (۱۵ $\frac{۲}{۱}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹۷).

(۱۲۳۰)

دیوان

این نسخه را محمد سعید بسال ۱۰۵۹ بخط نستعلیق خوب نوشته طرز مندرجات آن با نسخه پیشین مخالف ولی از لحاظ معنی شبیه آنست (رساله نفیسه، مجمع الابرار، خسرو شیرین، قصائد و مقطعات، غزلیات، و رباعیات) شش سر لوح ظریف که قسمت بالائی آنها نوساز میباشد در ابتدای شش بخش نام برده میباشد و میان ابیات دو صفحه نخستین هر يك با طلا نقاشی شده و نیز میان ابیات تمام صفحات و فواصل قصائد و غزلیات و غیره تذهیب گردیده، تمام برگها با کمال استادی متن و حاشیه گردیده در پایان آخرین صفحه ظاهر آ یادداشتی بوده محو گردیده و یادداشت دیگری جای آن نگارش یافته و جز رساله نام برده شامل در حدود ۶۳۵۰ بیت است.

جلد تیماجی ضربی. کاغذ متن خان بالغ حاشیه فرنگی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۱۱). صفحه‌ای (۱۶) سطر. طول (۲۵ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر). عرض (۱۵ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹۸).

(۱۲۳۱)

دیوان

این نسخه بخشی از اول آن افتاده و بیت نخستین آن که عرفی شیرازی از ردیف دال غزلیات میباشد اینست:

و بر گهائی میان برگ اول و دوم آن افتاده ، این قسمت موجود که شامل بخشی از غزلیات و قصائد و مقطعات و رباعیات میباشد در حدود ۴۲۰۰ بیت میباشد و اشعاری که عرفی پس از دیوان اول خود ، سروده در این نسخه موجود و از آنها این قطعه است .

یکتا گهر محیط اخلاص از بحر محیط پادشا زاد
تاریخ تولدش چه پرسی « آرایش روزگار مازاد »

و این مصراع چهارم موافق حساب ابجد سال ۹۹۹ را معین میکند ، بر گهائی از نسخه و صالی شده و ابیاتی هم در حواشی نگارش یافته و اگر در زمان حیات شاعر نگاشته نشده باشد مسلماً در سال های اوائل قرن یازدهم هجری نگارش یافته است . جلد تیماجی . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۱۴۲) . صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۶) .
(۱۲۳۲)

دیوان این نسخه فقط مجمع الابرار و خسرو شیرین عرفی میباشد بخط
عرفی شیرازی نستعلیق بسیار خوب نورالدین محمد لاهیجی بسال ۱۰۱۴ نگارش یافته ، در آغاز هر يك از دو کتاب يك سر لوح زیبارسم شده ، چهار مجلس صورت سازی بسیار قشنگ که هر يك نصف صفحه را فرا گرفته دارا ، برخی از صفحات مختصر و صالی شده و بنام « منظومه نورالدین لاهیجی » داخل کتابخانه اعتضادیه و این کتابخانه گردیده و مسلماً غلط است .

جلد روغنی دورو ، درون مجلس حضرت یوسف م و زلیخا و زنان مصر و کارد و ترنج و برون آن گل و بلبل . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۶۷) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۹ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۶۲) .

[۵۵۵] دیوان علی نقی (فارسی)

زین الدین شیخ علی نقی کمره ای متولد بسال ۹۵۸ (۱) و متوفی بسال

(۱) در اواخر بخش قصائد و مقطعات در تاریخ ولادت خود از زبان پدر گوید :
فرزند علی نقی گزین در ثمین آمد بوجود و حظاً وافر یقین
از دانش و دین و دولتش هست که هست تاریخ « امام دانش و دولت و دین » .

۱۰۶۰ (۱) از علمای امامیه قرن دهم و یازدهم هجری میباشد و مؤلفاتی در فقه و حکمت و کلام و اخبار دارند و در ص ۳۰۴-۳۰۶ و ص ۳۴۷-۳۵۰ ج ۱ فهرست دو مؤلفه ایشان را معرفی کامل کرده ام.

این عالم چندی قاضی شیراز بوده و بهمین جهت صاحب امل الامل (ج ۲ ص ۵۶) ایشان را شیرازی معرفی کرده و پس از آن شیخ الاسلام اصفهان گردیده و کتاب مفصلیکه در ردّ بر نوح آفندی در مبحث امامت بفارسی نوشته اخیراً داخل در این کتابخانه گردیده و در مجلد بعد معرفی خواهد گردید.

این عالم نقی تخلص است و دیوان وی شامل غزلیات، رباعیات، قصائد، مقطعات، معنیات، ترکیب بند، مرثی و تاریخ هاست و نسخه زیرین در حدود (۵۳۰۰) بیت شعر میباشد.

آغاز (غزلیات):

ای نام همایونت طغراچه فرمانها خورشید صفت طالع از مطلع دیوانها
آغاز (قصائد):

چو خفتگان لحد را صباح روز نشور ز خواب مرگ جهان دهنیب نفخه صور.

(۱۲۳۳)

دیوان این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب محمد جعفر بن عنایت الله شیرازی بسال ۱۰۴۹ نوشته، دوسر لوح بسیار ظریف در آغاز علی نقی کمره ای قصائد و غزلیات میباشد و میان سطرهای دو صفحه اول آنها طلا اندازی و نقاشی گردیده و صفحات مجدول بطلا و لاجورد میباشد، حاشیه برگ اول و آخر و صالی گردیده است.

جلد ساغری ضربی و سوخته. کاغذ خان بالغ. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۱۷). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۵ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). عرض (۱۴ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۸۴).

(۱) در ص ۴۰۹-۴۱۱ روضات شرح حال این عالم جلیل مفصلاً نگارش یافته و در ص ۲۱۳-۲۱۴ آتشکده آذر و ص ۴۹-۵۰ ج ۲ مجمع الفصحا مختصر معرفی از مقام شاعری و غزل سرایی ایشان شده است.

[۵۵۶] دیوان عماد فقیه کرمانی (فارسی)

عماد فقیه چنانکه در آخر نخستین نسخه زیر تصریح گردیده علی نام و عماد الدین لقب داشته ، تخلص او عماد است از عرفا و علمای معاصر آل مظفر میباشد در کرمان که وطن او بوده خانقاهی داشته و بسال ۷۷۳ (۱) در همانجا وفات یافته است ، داستان گریه وی مشهور و معارضه خواجه حافظ در اشعار با صوفی ظاهر آباوی بوده و تصور میکنم که عبید زاکانی هم موش و گریه خود را در اشاره بکار همین عماد ساخته باشد ، دولت شاه در تذکره خود از جواهر الاسرار شیخ آذری نقل نموده : « فضلا بر آنند که در سخن متقدمان و متأخران احیاناً حشوی واقع شده الا سخن خواجه فقیه کرمانی که اکابر اتفاق کرده اند که در آن سخن اصلاً فتوری واقع نیست نه در لفظ و نه در معنی » . و با چنین شهادتی نیازمندی دیگر بر معرفی ندارد و این دیوان وی که شامل دو قصیده در توحید و نعت و غزلیات و مقطعات و رباعیات و فردهای شیوا میباشد در حدود (۵۰۰۰) بیت است .

آغاز :

ای هر دم از عطای تو کامی دگر مرا وز شکر نعمت تو دهن پر شکر مرا .

(۱۲۳۴)

دیوان این نسخه در زمان حیات شاعر بسال ۷۶۳ بخط نسخ خوب
نوشته شده ، مرتب بترتیبی نیست ، در اینجا عین عبارت
عماد فقیه نویسنده که در آخر نسخه نوشته نقل می نمائیم :

تمت کتابه الغزلیات المجهه و عه فی هذا المجلد من مقولات شیخ الاسلام
الاعظم قدوة اکابر مشایخ العالم مرشد اعظم السلاطین عماد الملة و الشریعة
والدین علی الفقیه ادام الله میامین . انفاسه الشریفه باشارة الصاحب الاعظم
سلطان الحاج و الحرمین افتخار اکابر الخاققین جمال الدولة والدین مقبول

(۱) تذکره دولت شاه ص ۲۵۴-۲۵۶ چاپی ، هفت اقلیم ص ۲۲۷-۲۲۹ و آتشکده آذر ص ۱۲۵

مراجعه شده است .

اکابر السلاطین رشید زید قدره و عز نصره علی ید العبد الضعیف جنید بن
عوض سالار اصلح الله شأنه فی سبع الاول سنة ثلث وستین و سبعمائنه .
و در حاشیه همین صفحه انتقال آن بسال ۷۶۴ بدیگری یادداشت گردیده و دو
صفحه نخستین دارای دو مربع مستطیل (پیشانی) مذّهب و نقاشی شده ظریف از همان
قرن هشتم و هنگام کتابت نسخه میباشد و تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد است
پشت صفحه نخستین یادداشتهائی موجود و یادداشتی را از آنجا محو کرده اند .
جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۸۷) .
صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۲۳ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۸۲) .
(۱۲۳۵)

دیوان

عماد فقیه

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب بسال ۹۸۱ محب الله بن
حسن نوشته و غزلیات آن بر حسب ردیف ها مرتب بترتیب
حروف تهجی میباشد ، سرلوح کوچک ظریفی در اول دارد
و مندرجات آن عیناً نسخه پیشین ولی مرتب بحروف تهجی بر حسب قوافی است و صفحات
مجدول بطلا و زنگار و شنجرف گردیده و تتمه غزلیات و تمام مقطعات و رباعیات و فردها
در حاشیه بر گهای نیمه اول نسخه نگارش یافته و پشت صفحه اول و آخر یادداشتهائی
میباشد و برخی هم محو گردیده و برخی از برگها و صالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۵۶) صفحه ای (۱۲) سطر
در متن (۹) در حاشیه . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۸۱) .

[۵۵۷] دیوان عنصری (فارسی)

عنصری ، ابوالقاسم حسن بن احمد بلخی متوفی بسال ۴۳۱ (۱) میباشد ، در کوچکی
سایه پدر و مادر از سرش کوتاه شد ، دزدان سرمایه او را در سفری از کفش ربودند ،
بتحصيل سرمایه معنوی پرداخت ، از فضایل نامدار شد و مملک الشعراى سلطان محمود
غزنوی گردید و در آن عصر بر چهار صد شاعر مبرز دربار محمودی چون فردوسی

(۱) لباب الالباب ج ۲ ص ۲۹-۳۲ ، تذکره دولت شاه ص ۴۴-۴۷ چاپی ، هفت اقلیم ص ۴۴۷-۴۸۱ ،
آتشکده آذر ص ۳۱۹-۳۲۱ ، مجمع الفصحا ج ۱ ص ۳۵۵-۳۶۷ و سخن و سخنوران ج ۱ ص
۹۸-۱۰۷ مراجعه گردیده است .

و عسجانی و غصائری و منجیک و اسدی طوسی و منوچهری و زینتی سکزی و ابوحنیفه اسکافی و راشدی و ابوالفرج سکزی و غیر از اینها امیر بوده و برتری داشته و از راه مدح و ثنای پادشاه تمول و دارائی بی نهایت یافته و سلطنت سلطان مسعود بن محمود را ده سال درك کرد و با عزت در اثر حسن خلق و کرامت زندگانی نمود و پیش پادشاه و مردم معزو و محترم بود، گویند سی هزار بیت انشا نموده ولی اشعار او در دست نیست، بزرگترین نسخه ای که نگارند دیده متعلق به کتابخانه مجلس میباشد که در حدود ۵۰۰ بیت است و هدایت دیوان سه هزار بیتی آنرا پیش خود داشته عنصری گذشته از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات چند مثنوی بنام و امق و عذرا، «شاد بهر و عین الحیوة»، «سرخ بت و خنگ بت» نسبت میدهند ولی نسخه آنها در دست نیست، آقای تربیت در ص ۳۱۹ شماره ۴ مجله مهر سال پنجم (۱۳۱۶ خورشیدی) نوشته اند که ابیاتی از مثنویات عنصری را از جاهای مختلف گرد آورده اند و از عبارت عوفی در ذیل شرح حال نظامی (۱) نگارنده استفاده میکند که او را کتابی بنام خسرو شیرین و یا بدان وزن و بحر بوده ولی بدین نام کتابی بدو نسبت نداده اند.

(۱۲۳۶)

دیوان عنصری
این نسخه بخط نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده، بسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضادیه گردیده، ظاهراً چند سالی پیش از این تاریخ نوشته شده، دیوان منوچهری بخط همان نویسنده بدان پیوسته میباشد و اعتضاد السلطنه در حاشیه بعضی از صفحات دیوان دوم یادداشت هائی بسال ۱۲۸۳ نموده و این نسخه از دیوان عنصری که شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیاتی چند میباشد در حدود (۲۰۰۰) بیت است.

جلد تیماجی نیم ضربی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی باریک. شماره اوراق کلیه (۱۵۴). این دیوان (۷۵). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۱ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). عرض (۱۳ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۸۹).

(۱) عبارت لباب اینست: «قصه خسرو شیرین چنان نظم کرد که روان عنصری تلخ کام شد».

[۵۵۸ و ۵۵۹] دیوان فضولی بنگ و باده (ترکی)

محمد بن سلیمان بغدادی متوفی بسال ۹۷۱ (۱) متخلص به فضولی از مشاهیر شعرای قرن دهم هجری بوده ، بحر بی و ترکی و فارسی شعر میسروده و مثنوی « بنگ و باده » وی که بترکی و در معارضه این دو بر اندازند اساس آدمیت و عفت در (۳۵۰) بیت میباشد نیز از آثار اوست ، در هفت اقلیم و آتشکده آذر چند بیت فارسی از او نقل گردیده و ما برای نشان دادن طرز فکر و طبع وی آنها و چند بیتیکه در دیباچه این دیوان گذارده در اینجا می آوریم :

آسوده کربلا بهر حال که هست	گر خاک شود نمیشود قدرش پست
بر میدارند و سبجه اش میسازند	میگردانندش از شرف دست بدست
تا در دلت اندیشه بیداد نیاید	هر گز زمن دلشده ات یاد نیاید
یار مارا به ازین زارو حزین میخواهد	به ازین چیست که مارا به ازین میخواهد
ز بیم دشمنیم ای رقیب ایمن باش	که مهر او بدلم جای کین کس نگذاشت
طیب عشق علاجی بغیر مرگ نکرد	ولی کشنده تر از مرگ بود در مانش
اگر عمر ها مردم بد سرشت	بود همدم حوریان بهشت
در آن محفل پر صفا روز و شب	ز جبرئیل خواند فنون ادب
بآن اعتقاد سرانجام کار	نگردد ازو جز بدی آشکار
اگر سالها گوهر تابناک	فتد خوار و بیقدر بر روی خاک
بر آنم که کمتر نشیند غبار	ز خاکش بر آئینه اعتبار
چو از خاک خیزد همان گوهر است	شهانرا برازنده افسر است .

فضولی دیباچه ای بترکی بر این دیوان نوشته و خود دیوان که شامل غزلیات و قطعات و غمسات و رباعیات میباشد در حدود (۳۱۵۰) بیت میباشد و بسال ۱۲۶۶ در تبریز و نیز در تاشکند چاپ گردیده است .

(۱) در ص ۲۰۳ و ۵۱۸ ج ۱ کشف الظنون و ص ۹۳ هفت اقلیم و ص ۱۷۳ آتشکده مراجعه گردیده است .

علاقمندی فضولی باهل بیت و تشیع وی از آثارش ظاهر و گذشته از
قصائدی که در مدح حضرت مولی علی بن ابی طالب علیه السلام دارد در اوائل
بنگ و باده (نسخه دوم این فهرست) گوید:

اولدر آئینه درار صورت حق	نه وصی نفس مصطفی مطلق
ناظم شرع ساقی کوثر	باب شبیرو والد شبیر
ربنا لا تعسر و اولسی	ربنا شربت بکف علی
یار سلمان و خواجه قنبر	والی روضه ساقی کوثر

آغاز (دیباچه): بسمله حمد یبجد اول متکام نطق آفرینه که سفینه امید سکان
بحار بحور نظمی الخ.

آغاز (دیوان):

قدانارالعشق للعشاق منهاج الهدی سالک راه حقیقت عشقه ایلر اقتدا .

آغاز (بنگ و باده): ای ویون بزم کایناته نسق برافن جام عشق نشاء حق .

(۱۲۳۷ و ۱۲۳۸)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، از طرز نگارش

و تذهیب احتمال می‌دهم که در قرن دهم و زمان حیات فضولی

نگاشته شده باشد ، سه سرلوح ظریف که طرز آنها بایکدگر

مختلف می‌باشد در اول دیباچه و دیوان و بنگ و باده می‌باشد ،

دیوان فضولی

و

بنگ و باده

میان سطرهای دو صفحه اول دیباچه و دیوان طلا اندازی شده و تمام صفحات باطلا

و غیره جدول کشی شده و تذهیب و نقاشی گردیده ، و مهرهائی پشت صفحه نخستین

بوده محو کرده اند ، بامقابله به نسخه دیگر معلوم شد که دو برگ از آخر نسخه هم

برداشته شده و برخی از اوراق و صالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۵۱) . صفحه ای

(۱۲) سطر . طول (۲۶ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۷) .

(۱۲۳۹ و ۱۲۴۰)

این نسخه را بسال ۱۰۶۹ بر حسب امر زال بیک یوزباشی ،

رجب بن محب علی شاملو بخط نستعلیق نوشته و شامل قصیده‌ای

در مدح حضرت مولی امیرالمؤمنین علی علیه السلام و قصائد

دیوان فضولی

و بنگ و باده

دیگر میباشد و بنگ و باده آن تمام است، دوسر لوح زیبا در اول دیباچه دیوان و بنگ و باده دارد، دو صفحه نخستین دیوان اطراف آن تذهیب و نقاشی گردیده در پایان صفحه آخر و پشت آخرین برگ یاد داشتهائی شده و برگ نخستین مختصر و صالی گردیده و مهر زال بیک در چند جا زده شده است.

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۱۴۲) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۰۵) .
(۱۲۴۱)

دیوان فضولی این نسخه بخط نستعلیق خوب (ظاهر آ در قرن یازدهم) نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، دیباچه در اواخر کتاب ولی ناقص و برگهای آن متفرق صحافی شده و چند صفحه دیوان هم نو نویس میباشد، برگ اول که شامل غزل نخستین بوده و اوراقی از آخر نسخه افتاده، عناوین غزلها و سر فصل ردیف ها باطلا نوشته شده است.

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۱۱۳) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۰۶) .
(۱۲۴۲)

دیوان فضولی این نسخه بخط نستعلیق (ظاهر آ در قرن دهم) نوشته شده، شامل غزلیات و رباعیات فضولی میباشد، دو ورق از دیباچه آن افتاده و بر ورق اولیه کنونی یاد داشتهائی بسال های مختلف نگاشته شده که پیشترین آنها بسال ۱۱۹۸ بوده است.

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۸۵) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۴ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره اوراق (۳۰۸) .

[۵۶۰] **دیوان فغانی شیرازی** (فارسی)

شاعر شیرین سخن بابا فغانی شیرازی متوفی بسال ۹۲۵ (۱) مردی صاحب ذوق و شاعری ظریف بوده، ظاهر آ در شیراز شغل چاقو سازی داشته و در آن هنگام

(۱) تحفه سامی ص ۱۰۲ - ۱۰۳ چاپی، مجالس المؤمنین ص ۵۳۹ - ۵۴۰ و هفت اقلیم ص ۱۸۷ - ۱۹۰ مراجعه شده.

سکاکی تخلص داشته ، چون صیت شعر دوستی و شاعر پروری سلطان یعقوب از تبریز بلند شد ، فغانی بدانجا رفته و سالها در آن خطه مانده و خوش بوده و چو بر بواسطه مرگ آن پادشاه آن رشته ذوق و معرفت پاشیده شد بشیراز برگشته ، پس از چندی بخراسان رفته و در اواخر عمر از شرب باده و گذرانیدن عمر بدانگونه که رویه وی بود پشیمان شده و توبه نموده و این حالات وی از آثار وی هویدا و در مدح حضرت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه التحیه و الثناء قصائدی انشاء و بیشتر از اشعار او غزل و گاهی قصیده و قطعه و رباعی و ترجیع بند نیز ساخته است و روش فغانی در نظم معانی و تلفیق الفاظ روشی خاص میباشد و غزل بلکه بیتی از دیوان او نیست که سوز و گداز عاشقی نداشته باشد .

دیوان وی بسال ۱۳۱۵ خورشیدی بتصحیح جوان دانشمند آقای سهیلی خونساری و مقدمه ای در شرح حال وی در طهران چاپ گردیده و شامل غزلیات (۵۸۲ غزل) و غیره میباشد و در حدود (۴۰۰۰) بیت شعر است .

آغاز: ای سرنامه نام تو عقل گره گشایرا ذکر تو مطلع غزل طبع سخن سرایرا
(۱۲۴۳)

دیوان این نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب عبدالرشید (۱) بدون تاریخ نوشته شده ، شامل غزلیات و مقطعات و رباعیات فغانی شیرازی میباشد و در حدود (۳۸۰۰) بیت شعر است ، غزلیات تمام و ابیاتی از غزلهای نسخه چاپی بیشتر دارد ، سرلوحی کهنه و ظریف دارد و پشت صفحه نخستین اعتضاد السلطنه در معرفی نسخه و نویسنده آن و سال دخول آن بکتابخانه ایشان شرحی نگاشته اند ، صفحات مجدول و تمام اوراق متن و حاشیه است . جلد میشن ضربی طلاپوش . کاغذ متن خان بالغ حاشیه فرنگی آبی رنگ . واقف سه سالار . قطع

(۱) نویسنده در آخر نسخه فقط عبدالرشید امضاء کرده و اعتضاد السلطنه اورادیل می معرفی کرده و در صفحه ۱۹۵ پیدایش خط و خطاطان قطعه ای بخط این نویسنده گراور شده و درص ۱۹۴ گوید بشرح حال وی دست نیافتم .

در تندکره الخطاطین (اواخر ج ۱) گوید : میرزا رشیدخواهرزاده میرعماد مالک افسر و دیهم سلطنت ممالک خط گشت و بسال ۱۰۴۸ در کشمیر وفات یافت . (بایستی مراد همین عبدالرشید باشد) .

وزیری . شماره برگها (۱۷۶) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۶ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۱) .

(۱۲۴۴)

دیوان

فغانی شیرازی

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب میر حسین صفوی بن تاریخ نوشته ، ظاهرآ در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، چنانکه در دیباچه نسخه نوشته شده انتخابی از دیوان فغانی میباشد که باشاره امیرخان (۱) نام گردیده و در آخر دیباچه مختصر قطعه ای در مدح امیرخان مذکور گذارده شده بیت آخر آن که اندکی کلمات آن محو گردیده چنین خوانده میشود :

رسد ای کاش به رازی شرف تربیتت که بود بند گیت دولت فرخنده مال
بنابر اینکه کلمه در مصراع اول رازی باشد بایستی مقدمه نویس و انتخاب کننده
رازی شاعر باشد و این دیوان منتخب در حدود (۱۸۰۰) بیت میباشد و پیش از
شروع بغزلیات دو صفحه اول نسخه نقاشی بسیار ظریف شده و در میان ترنجی که
در میان صفحه است چند سطری از دیباچه نوشته شده و پس از دیباچه و قطعه نام
برده ، ترجیع بند چاپ شده در دیوان و قصیده ای بر دیف آفتاب نیز در مدح
حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام که مطلع آن اینست :

ای صورت بدیع تو را مظهر آفتاب آئینه ایست روی ترا در خور آفتاب
نیز گذارده شده ، در ابتداء دیوان سر لوح ظریفی میباشد و میان سطرهای دو صفحه
اول آن طلا اندازی شده ، فواصل غزلها تذهیب گردیده و حواشی بیشتر از اوراق
باطلا نقاشی گل و برگ و مرغ و آهو و غیره گردیده و صفحات مجدول بطلا و لاجورد و
پشت آخرین صفحه دخول آن بکتابخانه محمود میرزا بسال ۱۲۴۲ بخط نستعلیق
خیلی خوب یادداشت گردیده و در پایان آخرین صفحه محمد اسمعیل نام (ظاهرآ کتابدار
شاهزاده بوده) نوشته که بسال نام برده ضبط کتابخانه گردیده و برخی از اوراق حواشی
آنها و صالی شده است و پشت صفحه نخستین یادداشتی بنقل از علیقلیخان واله راجع به

(۱) با جستجو بشرح حال و محل و مکان و مقام این شخص دست نیافیم .

فغانی نقل گردیده و هم در اینجاست که بسال ۱۱۶۰ داخل در عرض شد .
جلدها روغنی گل و بوته دار دورو . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره
برگها (۹۳) . صفحه‌ای (۱۲) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره
کتابخانه (۲۷۴۱) .

[۵۶۱] دیوان فیض (فارسی)

ملا محسن فیض کاشانی ره (محمد بن مرتضی بن شاه محمود ۱۰۰۷-۱۰۹۱) یکی
از معارف علما و عرفای قرن یازدهم هجری بوده و مؤلفات مهمی در فنون فقه
و اخبار و عرفان و غیره از ایشان بفارسی و عربی بیادگار مانده و ما درص ۲۴ و ص
۵۴۹ - ۵۵۱ ج ۱ فهرست بمعرفی ایشان پرداخته ایم و در صفحات ۲۴ و ۸۰ و ۱۳۴
و ۳۲۳ و ۳۳۱ و ۳۳۳ و ۳۳۵ و ۳۵۱ و ۵۲۵ و ۵۴۹ آن مجلد ده مؤلفه ایشان را معرفی
کرده ایم و در اشعار فیض تخلص دارد و دو نسخه زیرین شامل قصائد و مثنویها
و غزلیات و رباعیات عالمانه و عارفانه ایشان میباشد و چنانکه از آخر نخستین نسخه
معلوم میشود جمع و ترتیب دیوان غزلیات فیض بسال ۱۱۰۲ یعنی ۱۱ سال پس از
مرگ وی انجام گرفته است .

آغاز غزلیات : ای در هوای وصل تو ، جانها گشوده بالها

تو در دل ما بوده ، در جستجوها سالها

(۱۲۴۵)

این نسخه مشتمل بر چند قصیده و چندین مثنوی از فیض کاشانی
میباشد ، بخط نستعلیق ظاهراً در قرن دوازدهم نوشته شده ،
فیض کاشانی بسال ۱۲۷۷ در دست رضا قلیخان هدایت بوده و پشت
بر کیکه پیش از برگ نخستین بوده یادداشت نموده و یکی از مثنویها را خود
فیض «آب زال» نامیده و دیباچه مختصری بنظم بر آن نگاشته و آنرا به دو جرعه
تقسیم کرده اول در خطاب به حضرت حق و دوم در خطاب بنفس و این نسخه از
دیوان شامل (۱۳۵۰) بیت شعر میباشد و بدین شعر شروع گردیده :
کتاب آفرینش را بچشم سراگر خوانی به بینی حق تعالی را در این آیات نورانی

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شماره اوراق (۷۰) . صفحه ای (۱۰) سطر . طول (۱۵ سانتیمتر) . عرض ($10\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۱) .

(۱۲۴۶)

دیوان

این نسخه شامل غزلیات مرتبه بحروف تهجی بر حسب ردیفها و رباعیات در حدود ۲۷۰۰ بیت شعر از فیض میباشد ، بسال

فیض کاشانی

۱۲۳۲ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، يك مثنوی که ظاهراً نیز از فیض میباشد در حواشی اوراقی از آخر این دیوان وی همین نویسنده نگاشته و «فرهاد و شیرین و حشی» که پس از این از آن معرفی خواهد شد نیز همین نویسنده نوشته و بدین دیوان پیوسته است .

دو سر لوح زیبا در اول دیوان و فرهاد و شیرین میباشد و اطراف دو صفحه اول هر يك از دو نسخه و میان سطرهای دو صفحه اول آنها تذهیب و طلا اندازی گردیده و تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد است .

جلد وسط ترمه دور تیماج . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شماره اوراق دو نسخه (۱۳۴) . اوراق دیوان (۹۶) . صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۱۵ سانتیمتر) . عرض ($9\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۲۲) .

[۵۶۲] دیوان فیضی (فارسی)

ناظم این اشعار ابوالفیض فیضی فیاضی است که در ص ۵۲۰-۵۲۴ زیر شماره [۵۰۴] شرح حال ویرا نگاشته ایم و نیز در آنجا از شماره ایات دیوان فیضی که خود ترتیب داده و ظاهراً این بخش از آن دیوان میباشد نام برده ام و این بخش در حدود (۱۱۲۰) بیت میباشد و در صفحه نامبرده بالا اطلاعات زیادی راجع به دیوان و اشعار فیضی داده شده است .

آغاز (این بخش) :

بوستان خیال فیضی را	از نم فیض تازه و تر بین
هر چه بینی بلند و پست درو	همه بالاتر و فروتر بین
نخلها تا فلک کشیده نگر	سبزها با زمین برابر بین

(۱۲۴۷)

دیوان

این نسخه شامل قطعات و ماده تاریخها و رباعیات فیضی است

چنانکه در ص ۵۲۴ زیر عنوان خمسه فیضی که پیوسته به این

نسخه میباشد نگارش یافت، در اوائل قرن یازدهم نگارش

فیضی

یافته، خصوصیات دیگر نسخه را در آن صفحه زیر شماره (۱۱۴۱) نگاه کنید و شماره

این کتاب در این کتابخانه (۳۲۰) است.

[۵۶۳] دیوان (یا کلیات) قاسمی یا قاسم انوار (فارسی)

علی بن نصیر بن هارون بن ابی القاسم حسینی مشهور به قاسمی (۱) و ملقب به

معین الدین (۲) و متخلص به قاسم و قاسمی از مشاهیر شعرا و عرفای ایران میباشد،

در بدو سلوک دست ارادت به شیخ صفی الدین اردبیلی داده و پس از آن به صحبت

شیخ صدرالدین علی یمنی رسیده و چنانکه قاضی نورالله نوشته در اثر اینکه در

خواب دیده نور قسمت میکند شیخ صدرالدین او را قاسم انوار نامیده و بدین نام

مشهور گشت، پس از تکمیل کمالات صوری و معنوی از آذربایجان به گیلان و

از آنجا به خراسان رفته و در هرات رحل اقامت انداخته و مردم نسبت بوی ارادت

ورزیده اند، شاهرخ صلاح پادشاهی را در این دید که سید با این مطلوبیت و محبوبیت

در آن شهر نماند، سید انوار از آنجا بسمرقند رفت و الغ بیک نسبت بوی کمال

همراهی را نشان داد، پس از چند سالی دوباره به هرات برگشته و از آنجا به

خرجرج دام رهسپار گردید و در آنجا بسال ۸۳۷ بسرای جاویدان شتافت و در همان

باغی که منزل داشت به خاک سپرده شد و امیر نافذ الامر امیر علی شیرنوائی در اواخر

قرن نهم عمارتی زیبا بر سر قبر وی بنا نموده و دولت شاه گوید «گردون بهزار چشم

بزبائی آن ندیده است» هدایت تولد این عارف را بسال ۷۷ و عمر او را نود سال

(۱) دانشمندان آذربایجان ص ۳۰۴، تذکره دولتشاه ص ۳۴۶-۳۵۲، مجمع الفصحا ج ۲ ص ۲۷-۲۸

و مجالس المؤمنین ص ۳۷۳-۳۷۵ مراجعه گردیده است.

(۲) در دانشمندان و مجالس المؤمنین لقب وی معین الدین ولی در تذکره دولتشاه صفی الدین ثبت

گردیده و در مقدمه انیس العارفین قاسم انوار خود را حسینی و مشهور به قاسمی معرفی کرده است.

نوشته ولی با تعیین سال تولد و وفات که عین آنرا نقل نمودیم هشتاد سال میشود نه نود سال و دولت‌شاه وفات او را بسال ۸۳۵ ثبت کرده است .
کلیات یا دیوان قاسم انوار عبارتست از دیوان غزلیات و رباعیات و قطعات و مثنوی « انیس العارفين » و تذکرة الاولیا یا « مقامات العارفين » .

چنانکه در تذکرة ها نوشته شده این شاعر عارف نسبت به خواجه حافظ کمال ارادت داشته و همواره دیوان او را نزد خود داشته و به آن مراجعه مینموده و بیشتر غزلیات وی موافق غزلیات خواجه از حیث معنی و وزن و بحر میباشد و صاحب ذوقی دیوان غزلیات این دو شاعر را در يك مجلد گذارده باین معنی که صفحه راست را باشعار حافظ و چپ را باشعار قاسم انوار اختصاص داده و تا بآخر پیش رفته است خصوصیات آن زیر دومین نسخه زیر و درص ۵۸۳ مراجعه شود .

مثنوی انیس العارفين را به مقدمه نثری مختصر شروع نموده و در حدود (۶۰۰) بیت شعر میباشد و آغاز آن اینست :

بسمله منت خدایرا جلّت عظمته و علت کلمته که بشعشعة انوار اسرار
شموس ارواح

یا مغیث المذنبین معطی السّوال یا انیس العارفين یا ذا الجلال
و تسمیه این مثنوی بدین نام ظاهراً مصرع اخیر این بیت میباشد و در مقدمه و خاتمه و جای دیگر از کتاب اثر دیگری را این نام نیافتیم .

« مقامات العارفين » یا « تذکرة الاولیا » نیز به مقدمه كوچك نثری شروع شده و ۱۰۷ بیت شعر میباشد و خود در این مثنوی گوید :

بشنو ای طالب ره توفیق	در طریق خدا علی التحقیق
صد مقامست پیش اهل مزید	اولش یقظه آخرش توحید
گرچه زین بیشتر توان گفتن	در معنی بصد بیان سفتن
لیك این صد بود اصول همه	سالکاف را بود وصول همه
هست این صد مقام برده قسم	هرده از هم تمیز کرده باسم
آغاز : (مقامات العارفين) برادر عزیز را سعادت ابدی مساعد باد و بر صفا و لقانا	

رسیده از دنیایم و ادبالبی و آله الامجاد روزی چندست که سلطان جمال معشوق حقیقی
از افق دل باتو رمزی بگویم .

الای شاه باز ملک لاهوت
مقید مانده در دام ناسوت
دیوان غزلیات و رباعیات و مقطعات و غیره انوار در حدود (۶۰۰) بیت میباشد .
آغاز : من بیچاره سودا زده سرگردانم

که باوصاف خداوند سخن چون رانم

(۱۲۴۸)

دیوان

این نسخه از دیوان که گذشته از غزلیات و مقطعات و رباعیات

شامل دو مثنوی « مقامات العارفین » و « انیس العارفین » میباشد

در حاشیه دیوان کمال خجندی از اول تا آخر نوشته شده

(مقامات العارفین ۲۷ برگ با آخر مانده شروع و ۲۰ برگ مانده خاتمه می یابد و بخش

اول آنهم مکرر نوشته شده و انیس العارفین از ۲۰ برگ با آخر مانده تا صفحه آخر

دیوان نگاشته شده و حواشی آخرین صفحه که شامل اواخر این مثنوی اخیر بوده

اندکی محو گردیده است) نویسنده دیوان خود را علی دامغانی و سال نگارش را

۸۲۱ معین نموده و بخط نستعلیق خوب میباشد ، در کتابخانه زیر شماره (۲۶۶)

ثبت گردیده و خصوصیات دیگر آنرا زیر عنوان دیوان کمال خجندی ذکر

خواهم نمود .

(۱۲۴۹)

دیوان

این نسخه که بسال ۱۰۰۵ نوشته شده ، شامل غزلیات و مقطعات

و رباعیات قاسم انوار میباشد و نویسنده نسخه ملتزم شده که

صفحه راست را شامل غزلیات و مقطعات و رباعیات حافظ

قرار دهد و صفحه چپ را از قاسم انوار و تا آخر پیش رفته و شش ورق با آخر مانده

دیوان حافظ با آخر رسیده و این دیوان در حدود ۵۳۰۰ بیت است ، و در آنجا سال

نگارش موجود و تمام این اوراق آخر شامل اشعار قاسم انوار است هر دو نسخه در

کتابخانه زیر شماره (۲۰۲) ثبت گردیده و در ص ۵۸۳ خصوصیات دیگر آنرا

نگاشته ام .

[٥٦٤] ديوان قطب الدين حيدر (فارسی)

در کتب تراجم و تذکرة ها قطب الدين حيدر و يا شاعر حيدر تخلص نيافته
جز در تذکرة هفت اقليم در ذيل شهر تربت (ص ٥٧٤) که ظاهرأ قطب الدين
حيدر را که معرفي نموده صاحب همين ديوانست و عين عبارات آن کتاب اينست:
« شيخ قطب الدين حيدر قطب وقت بوده و حيدريان بوي منسوب اند ، ابدال سنجان شاه سنجان
(درص ٧٥ جزء ٣ جلد ٣ حبيب السیروفات ابدال سنجان ، رکن الدين محمود بسال ٥٩٧ ثبت است)
اين رباعي در حق وی انشاء نموده :

رندی دیدم نشسته بر خشک زمین نه کفر و نه اسلام و نه دنیا و نه دین

نه حق نه حقیقت نه طریقت نه مجاز اندر دو جهان کرا بود زهره این

در تاریخ مبارکشاهی آمده که وی را **شاء ابدالان** می گفته اند و مظهر آثار غریبه و امور عجیبه
بوده چنانکه در تابستان به آتش در می آمده و زمستان در میان برف می نشسته و گاه گاه ویرا در بالای
قبة یا شاخ درختی میدیده اند که صعود طیور بر آن مشکل بوده

فراز و شیب ره از ره روان گرم می رس که پیش مرغ هوا کوه و دشت یکسان است

از شیخ نظام اولیا نقل است که شیخ حيدر با یاران خود می گفته که ای عزیزان از مغل بگیریزید
که با چنگیز خان درویشی است از درویشان خدای که مرا با او مقاومت نیست و این مغلان به حمایت آن
درویش بسیاری از ولایات را خواهند گرفت و چون این سخن بگفت در ششصد و هیجده (١) ناپدید گشت .

این شاعر در غزل سرائی طبعی غرا داشته و حيدر تخلص دارد ، برای نمودار
یکی از غزلیات او را در اینجا می آوریم :

کنون که شاهد بستان ز رخ گشود نقاب

بیاو جلوۀ باغ بهار را دریاب

شکفت باغ چونر گس تو مست خواب غرور

گذشت عمر بغفلت شبی بر آ از خواب

چنانکه موسم گل يك دو روز مغتتم است

غنیمت است جوانی و روزگار شباب

مدار در چمن از می قدح چو لاله تهی

که بهر داغ دل آمد درین جهان خراب

(١) در ص ٧٦ جزء ٣ جلد ٣ حبيب السیروفات قطب الدين حيدر بدین سال ثبت گردیده است .

اساس هستی حیدر بهی خراب اولی که این خرابه ندارد بنامگر بر آب خراب
این دیوان که بترتیب حروف تهجی موافق ردیف های غزلیات مرتب گردیده
در حدود ۲۷۰ بیت شعر میباشد .

آغاز: بیارب یاربم تاروز بی ماه رخت شبها

شب و روز از خدا وصل تومیخواهم بیاربها

(۱۲۵۰)

دیوان این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، برگ آخرافتاده،
ظاهراً از خطوط اوائل قرن دهم هجری میباشد، چندین
قطب الدین حیدر برگ از اول نسخه هم پاره شده و وصالی گردیده، یادداشت‌هایی
که پشت صفحه نخستین بوده محو گردیده، شاهزاده اعتضاد السلطنه بنام دیوان
قطب الدین حیدر آنرا معرفی نموده و بهمین نام وقف گردیده، یک سر لوح بسیار
ظریف در اول نسخه میباشد و تمام صفحات تذهیب و نقاشی و جدول کشی بسیار ممتاز
گردیده است .

جلد تیماجی ظریف طلائی . کاغذ مقن خان بالغ حاشیه بخارائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی .
شماره اوراق (۳۱) . صفحه ای (۹) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۱ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) .
شماره کتابخانه (۲۴۸) .

[۵۶۵] دیوان قطران تبریزی (فارسی)

حکیم قطران از شعرای قصیده سرای معروف قرن پنجم هجری میباشد، هدایت
وفات او را بسال ۴۶۵ ثبت نموده و شواهد تاریخی بر وجود او تا اینسال موجود،
نام او را تذکره نویسان از عوفی تا کنون (۱) کسی ثبت ننموده شاید قطران تخلص
و نام وی بوده، پدر او را در هفت اقلیم منصور و او را اجلی معرفی، ناصر خسرو او را
در تبریز ملاقات (۲) و گوید که دیوان منجیک و دقایق را پیش من آورد و خواند
و مشکلات آنهارا حل نمود و زبان فارسی نیکو نمیدانست و اشعار خود بر من خواند .

(۱) لباب الالباب ج ۲ ص ۲۱۴ ، تذکره دولتشاه ص ۶۷-۶۹ چاپی ، هفت اقلیم ص ۱۰۱۷ -
۱۰۲۱ ، آتشکده آذر ص ۳۶-۳۷ ، مجمع الفصحا ج ۱ ص ۴۶۶-۴۷۶ ، سخن و سخنوران
ص ۱۳۰-۱۶۰ بخش اول ج ۲ و دانشمندان آذربایجان ص ۳۰۷-۳۰۹ .
(۲) ص ۸ سفرنامه ناصر خسرو چاپ برلن .

بهر حال قطران شاعری قصیده سرا و دارای صنایع لفظی و لطائف معنویست و دیوان وی گذشته از قصائد شامل ترکیب بند و تغزلات میباشد و آقای تربیت در دانشمندان نگاشته اند که دیوان او را تا دوازده هزار بیت دیده ام و هدایت از هشت هزار تاده هزار و دولتشاه قطران صاحب ترکیب بند ذوقافیتین را که نزد سائر تذکره نویسان تبریزی است ترمذی و استاد انوری معرفی کرده و آذرهم در آتشکده اشاره باین اختلاف کرده و تبریزی بودن او را ترجیح داده و برخی تصور کرده اند که دو نفر شاعر قطران نام و تخلص بوده یکی ترمذی و دیگری تبریزی و بگفته امین احمد قطران تبریزی چند مثنوی نیز انشا نموده و یکی از آنها « قوس نامه » میباشد که بنام امیر محمد بن امیر قماج والی بلخ انشا کرده است .

نسخه ای از دیوان قطران که شامل ده هزار بیت میباشد جناب آقای تقوی رئیس محترم این دانشکده مرتب فرموده و در کتابخانه شخصی ایشان موجود و تذکر دیگر که سابقین نیز نگاشته اند اینکه اشعار قطران بارود کی بسیار شبیه و دیوانیکه بنام رود کی بسال ۱۳۱۵ در طهران چاپ شده بیشتر آن از قطران میباشد . نسخه زیرین در حدود ۳۰۰۰ بیت میباشد و آغاز آن اینست :

تابوشید بلؤلوی ثمین باغ سمن بگل سرخ بیاقوت بیار است چمن .

(۱۲۵۱)

دیوان این نسخه را بسال ۱۲۵۰ محمد علی ابن حاجی محمد باقر تنکابنی بر حسب امر محمد محسن میرزا در شهر زنجان بخط نستعلیق نوشته و شاهزاده پشت صفحه نخستین نویسنده را ملاّ باشی خود معرفی کرده و مهر خود را هم زیر این یادداشت زد ولی اندکی نحو گردیده و بسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و برخی از ابیات آن تصحیح گردیده و از ترکیب بند مشهور بخشی را بیشتر ندارد و اوراق ننوشته ای بجای آن گذارده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۱۰۴) .
صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۲۱ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۵۰) .

[۵۶۶] دیوان کاتبی (فارسی)

محمد بن عبد الله متخلص به کاتبی (۱) از ترشیز خراسان میباشد و چون به نیشابور آمده و در خط شاگردی نسیمی را کرده مشهور به نیشابوری شده ، چندی ملازم بایسنقر بن شاهرخ را نموده و قصیده ردیف نرگس را حسب الامر وی تتبع نموده ولی چنانکه باید در اثر حسد معاصرین مورد قبول نیافته و کار باستهزا کشیده ، پس از آن از خدمت استعفا کرده و رو به شروان کرده ، و امیر ابراهیم که مربای بتربیت دانشمندان بوده او را پذیرائی کرده ، کاتبی قصیده ای بر ردیف گل در مدح وی ساخته و انعام بسیار یافته و در هنگام مراجعت بمرض طاعون در استرآباد در گذشته و صاحب مجمع الفصحا وفات او را سال ۸۳۸ ثبت نموده و گوید دو مثنوی یکی بنام « مجمع البحرین » و دیگری بنام « محب و محبوب » دارد و همین مجمع البحرین وی میباشد که ذوقافیتین است و اهلی شیرازی « سحر حلال » خود را در مقابل آن ساخته است .

آغاز : آفاق پر صداست ز کوه گناه ما کوه گناه چند بود سنگ راه ما .

(۱۲۵۲)

دیوان این نسخه در ابتداء نسخه شماره (۲۷۹) این کتابخانه میباشد (ص ۱ - ۹۵) ، و خصوصیات دیگر آن در ص ۵۷۱ زیر کاتبی نیشابوری شماره (۱۱۷۲) نگارش یافت ، شامل غزلیات مرتب بحروف تهجی و مقطعات و رباعیاتی چند است و تمام آن در حدود ۱۰۰۰ بیت شعر است .

[۵۶۷] دیوان کلیم کاشانی (فارسی)

ابوطالب کلیم از شعرای قرن یازدهم هجری بوده ، باصائب تبریزی و میر معصوم کمال الفت و دوستی داشته ، و صائب در این معنی که دوستی و صمیمیت سه نفر گوینده معاصر باشد با اظهار تعجب از این توافق گفته :

(۱) هفت اقلیم ص ۶۲۸-۶۳۱ ، آتشکده آذر ص ۷۵ و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۲۸-۲۹ مراجعه

شده است .

بغیر صائب و معصوم نکته سنج و کلیم
و چنانکه خود کلیم تصریح کرده
(در دامن الوند اگر غنچه شود گل ز نهار مگوئید کلیم از همدانیست)
اصلاً همدانی است ولی در کاشان تربیت شده از اینرو کاشانی مشهور گردید و چنانکه
خوشگو در تذکره خود گفته « ظفر نامه شاه جهانی » نظم اوست .

ادوارد برون در تاریخ ادبیات خود (ص ۱۷۳ - ۱۷۵ ترجمه ج ۴) وفات
کلیم را بسال ۱۰۶۱ مطابق ۱۶۵۱ م معین نموده و همین تاریخ را خوشگو در سفینه
خود ذکر نموده و در بعضی از تذکره هاست که کلیم مقام ملك الشعرائی شاه جهان را
یافته و چنانکه از چند قطعه انشائی وی که در دیوان او موجود است برمی آید چندی
باتهام جاسوسی در قلعه شاهدرک زندانی بوده و اشعار او قصیده و ترکیب بند و
ترجیع بند و غزل و قطعه و رباعی است و محبت اهل بیت علیهم السلام از آنها ظاهر و این
نسخه از دیوان او که زیر این سطرها معرفی میشود در حدود ۸۰۰ بیت از اشعار او را
شامل میباشد و خوشگو کلیات کلیم را (بامثنویات او) سی هزار بیت (۳۰۰۰۰) معین
نموده است .

(۱۲۵۳)

دیوان
کلیم کاشانی
این نسخه ظاهر آ در زمان خود کلیم نوشته شده ، بر کنار بخش
غزلیات ، غزلیاتی در زیر عنوان راقمه کلیم که میرساند بخط خود
شاعر میباشد نوشته شده و باخط اصل نسخه مغایرت دارد ،
بر گهائی از اول دیوان که شامل بخشی از قصائد بوده و بر گهائی از آخر که شامل برخی
از رباعیات بوده ، افتاده و نخستین بیت صفحه اول نسخه اینست :

زبس که شوق ثنائش بحرفم آوردست زبان من چو جرس بی غطابی گویاست
چند برگ کاغذ جدول کشی شده ننوشته در اول و آخر دیوان گذارده شده
و بر صفحه اول آنها سر لوحی کشیده شده ولی بی اهمیت میباشد و پشت این صفحه
یادداشت اعتضاد السلطنه بسال ۱۲۸۹ نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۲۵۶) .
صفحه ای (۱۷) بیت . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۴۷) .

[۵۶۸] دیوان کمال الدین اصفهانی (فارسی)

کمال الدین اسمعیل پسر جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی از مشاهیر سخن سرایان قرن ششم و اوائل هفتم هجری می باشد ، بمداحی خوارزمشاهیان و صاعدیّه (۱) که مرثی این شاعر بوده اند و ملک نصره الدین و رشید الدین و شهاب الدین و فخر الدین احمد و صدر الدین عمر خجندی (که از همه صدر تعبیر کرده) و عمید الدین فارسی پرداخته ، چون در شعر و شاعری مرتبه ای عالی یافت او را « خلاق المعانی » لقب دادند ، بر خلاف دانشمندان ثروتی بسزا داشته و ظاهراً پدر یا جدش از زرگری و کسب در طریق تحصیل علوم و فضائل پانهاده و در عالم علم و ادب زرافشان شده و در او آخر عمر دست ارادت بشهاب الدین سهروردی داده (۲) و بسال ۶۳۵ در اصفهان مغولان او را شهید کرده اند (۳) .

عمر کمال الدین را از روی تحقیق بدست نیاوردم ولی در یکی از قصائد که شکایت از پیری کرده گوید :

در یسغ و غم که پس از شصت و اند سال ز عمر بنا گهان بسفر میروم نه برگ و نه ساز

(۱) در دیوان کمال الدین مدائجی بسیار از صاعدیّه موجود و تاریخ یکی از قصائد که در مدح رکن الدین صاعدی می باشد و از او صدر تعبیر شده و بدین مطلع می باشد :

خفته بیدار بودم دوش کز دار السلام مسرع باد صبا آورد سوی من پیام .

اینست : بر تو میمون باد این تحویل فرخ کاو فتاد در سنه خمس ثمانین غره ماه صیام و همین رکن الدین مسعود صاعدی را مرثی متعددی گفته و در دیوان وی موجود است . و ابوالعلاء صاعدی را نیز بقصیده ای مدح نموده است .

(۲) در قصیده ای که بدین مطلع می باشد :

دلا بکوش که باقی عمر دریابی که عمر باقی ازین عمر به گذریابی .

علاقمندی خود را به سیر و سلوک و تهذب و تربیت نفس بیان و بمدح شیخ سهروردی پرداخته و گوید :

ازین بزرگان امروز در زمانه یکست که مثل او نه هانا ببحرو دریابی

شهاب دین عمر سهروردی آن ره رو که از مسالك او دیو بر خذر یابی

و از ابیات آخر قصیده معلوم میشود که خدمت شیخ مشرف نشده و از دور مشتاق گردیده است .

(۳) تاریخ گزیده (ورق ۳۲۲ نسخه کهنه خطی) ، تذکره دولتشاه ۱۸۴-۱۵۴ چاپی هفت اقلیم

ص ۷۱۰ - ۷۲۰ ، آتشکده آذر ص ۱۹۱ - ۲۰۱ و مجمع الفصحا ج ۱ ص ۴۸۹ - ۴۹۴ مراجعه

شده فقط در تذکره دولتشاه تصریح بسال وفات وی شده است .

و شاید در همین دهه هفتم جهانرا بدروود گفته باشد .

دیوان کمال الدین مشتمل بر قصائد و مقطعات و غزلیات و رباعیات و چند مثنوی میباشد و اشعار آن بسیار لطیف و سهل و ممتنع است ، هدایت شمارهٔ ابیات این دیوان را ده پانزده هزار نوشته و نسخهٔ کامل زیرین در حدود (۱۳۰۰۰) سیزده هزار بیت میباشد و در قصائد و دیگر اقسام شعر به تخلص وی بر نخورده و ظاهراً در اشعار تخلص نداشته و در یک بیت تمام نام (یا لقب) وی (۱) موجود است و حمد الله مستوفی گفته که رسائل بکمال دارد و از آنها « رساله قوسیه » است ولی نگارنده تابحال به نسخه ای از آن دست نیافته و از مکتوبی که در آخر دومین نسخه دیوان وی از این فهرست میباشد قدرت نشر نویسی وی آشکار است .
در فهرست کتابخانه ملی تربیت تبریز نسخه ای از دیوان کمال اسماعیل که در هند چاپ شده موجود است .

آغاز: تبارك الله از آن جنبش نسیم صبا

که لطف صنعت او از کجاست تا بکجا .

(۱۲۵۴)

دیوان کمال الدین این نسخه را بخط نستعلیق خوب هدایت الدین شکر الله ایموری بسال ۱۰۷۱ نوشته ، پشت صفحهٔ نخستین و بر کنار آخرین صفحه یادداشت‌هایی بوده محو گردیده ، سرلوحی در اول نسخه دارد ولی ظاهراً پس از یک قرن از نگارش نسخه یا بیشتر رسم گردیده ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد و شنجرف و عناوین نیز با شنجرف نگارش یافته است .
جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شمارهٔ اوراق (۲۷۸) . صفحه ای (۲۵) بیت . طول (۲۵ سانتیمتر) عرض (۱۵ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۲۶۲) .

(۱۲۵۵)

دیوان کمال الدین این نسخه از اوّل و آخر افتاده دارد ، بخط نستعلیق نوشته شده ، ظاهراً خط او آخر قرن نهم است ، اقسام اشعار از یکدگر ممتاز نیست و ترتیبی در ذکر ندارد بهر نحو که شده نقل گردیده ،

اصفهانی

(۱) کمال الدین که چرخ پیر نارد جوانی چون تودر انواع کامل

در آخر مکتوبی از شاعر نیز نگارش یافته ولی از آخر آن افتاده ، بر حسب محاسبه نگارنده در حدود ۱۲۸۰۰ بیت شعر میباشد و دو بیت اول نسخه اینست :

دست از طلب بدار گرت بر گئ این رهست کانرا که راه توشه نه فقر است بینواست
نه فقر صورتی که بود همعنان کفر بل فقر معنوی که بدو فخر انیاست .
جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۴۱۵) .
صفحه ای (۱۷) بیت . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۶۵) .

(۱۲۵۶)

دیوان کمال الدین از این نسخه نیز اول و آخر افتاده و چون نسخه پیشین بی ترتیب

نگارش یافته و ظاهراً در قرن دهم نوشته شده و بر حسب شماره

اصفهانی

نگارنده در حدود ۵۰۰۰ بیت میباشد و بیت اول نسخه اینست :

دردمندان غمت را دریابان بسلا مرغ شوقت مغز خورده استخوان انداخته .

بر بر گئ نوشته ای که در اول نسخه بوده نگارنده مطلع این قصیده را از روی

نسخه دیگر این کتابخانه نقل و تذکر داده ام که در توحید باری تعالی است و بعضی

از بر گهای نسخه و صالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری باریک . شماره اوراق (۱۵۱) .
صفحه ای (۱۸) بیت . طول ($۲۴\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۶۳) .

[۵۶۹] دیوان کمال خجندی (فارسی)

کمال الدین خجندی از معاریف عرفا و سالکین و شعرای این سرزمین میباشد ،

در آتشکده و مجمع الفصحا نام وی مسعود ثبت گردیده ولی در مآخذ دیگر نام وی

ذکر نگردیده وفات او در نفحات (ص ۷۲۳-۷۲۴ خطی) و هفت اقلیم (ص ۱۲۱۰)

بسال ۸۰۳ و در مجالس العشاق (مجلس ۴۴) بسال ۸۰۸ و دولت شاه (ص ۳۲۵-۳۳۱)

و آتشکده (ص ۳۴۶-۳۴۷) و مجمع الفصحا (ج ۲ ص ۲۹) بسال ۷۹۲ نوشته اند

و این تاریخ اخیر مسلماً غلط است چرا که در مقدمه دیوان وی که یکی از معاصرین

خجندی نوشته تصریح کرده که بسال ۷۹۸ از شهر سرای و دشت قپچاق به تبریز

بر گشته و سابقین بر دولت شاه و آذروهدایت هم بسال ۸۰۳ و ۸۰۸ نوشته اند و بایستی

یکی از این دو قول صحیح باشد .

در مقدمه این دیوان مقام عرفان و ارشاد خجندی و علاقمندی مریدان بآثار وی تذکر داده شده و جامع گوید که این دیوان وی شامل اشعار و غزلیاتی است که پیش از رفتن از تبریز و در هنگام هجران از این شهر سروده‌اند و اینکه که مراجعت کرده‌اند برای استفاده علاقمندان مرتب گردید.

سلاطین وقت نسبت به شیخ کمال توجه داشته و سلطان حسین بن سلطان اویس ایلکانی برای وی خانقاهی ساخته و امیرانشاه بن امیر تیمور که از طرف پدر یازده سال حکومت آذربایجان را داشته نیز نسبت به شیخ اظهار اخلاص میکرده و روزی کسان پادشاه بیاغ او رفته و میوه‌هایی از آن گرفته و در عوض امیرانشاه ده هزار دینار قرض شیخ را همانجا بداد.

خواجه حافظ و شیخ یکدگر رانیده دوستدار هم شده و غزل رد و بدل میکرده‌اند و غزلیکه شیخ کمال خدمت خواجه فرستاده بدین مطلع بود:

یار گفت از غیر ما پوشان نظر گفتم بچشم و انگهی وز دیده در مامی نگر گفتم بچشم.
و دولت‌شاه نقل نمود که: «گویند خواجه چون این مصرع را
(تشنه‌گانرا مژده از ما بیر گفتم بچشم). از این غزل دید رفتی و حالتی کرد و
گفت مشرب این بزرگوار بسیار عالیست و سخن او صافی.

امین احمد گوید: عارفان که بصحبت شیخ کمال و خواجه حافظ رسیده‌اند گفته‌اند که صحبت شیخ کمال به از شعرش بوده و شعر حافظ به از صحبتش.

شیخ کمال را در اثر اینکه اشعار وی بسبک و روش حسن دهلوی به بحرهای سبک و ردیف و قافیه‌های غریب که سهل و ممتنع است «دزد حسن» گفته‌اند و از این بیت:

کس بر سر هیچ رخنه نگرفت مرا معلوم همی شود که دزد حسنم
که امین احمد نقل نموده و ظاهراً از خود کمال الدین میباشد، بدست می‌آید که در زمان خود وی این شهرت بوده و این بیت را در تعریض به گویندگان و نسبت دهند گان گفته است.

از خصوصیات خجندی اینست که بمدح معاصرین نپرداخته و با آنهمه مرجعیت

که داشته پس از مرگ در مسکن او جز بوریائی و خشتی که زیر سر داشته چیزی نبوده است.

چنانکه گفته شد این دیوان شیخ کمال پس از سال ۷۹۸ مرتب گردیده و شامل غزلیات مرتبه بحر و فیهجی بر حسب ردیف ها میباشد و در حدود (۳۴۰۰) بیت است و تخلص وی در تمام غزلیات **کمال** میباشد و وفات وی بنا بر تصریح تذکره نویسان پیش از آذروهدایت در تبریز است و این دو در دارالعباد یزد نوشته اند.

آغاز: افتتاح سخن آن به که کند اهل کمال بشای ملک الملک خدای متعال.

(۱۲۵۷)

دیوان این نسخه بسال ۸۲۱ بخط نستعلیق نوشته شده و بخشی از مقدمه ای که بر آن نوشته شده در سه برگ پس از سه برگ **کمال خجندی** اول نسخه میباشد و میان برگ اول و دوم کنونی هم افتاده دارد، چنانکه در ص ۶۵۵ گذشت دیوان قصائد و غزلیات قاسمی تبریزی در حاشیه این نسخه نگارش یافته و خصوصیات دیگر آن نسخه را در آن صفحه یاد نمودیم.

جلد روغنی گل و برگ یک رو است ابیاتی در اطراف آن نوشته شده و میرساند که پیش از این کتاب جلد قرآن بوده. کاعذ خنائی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۴۳). صفحه ای (۱۴) بیت در متن و ۱۴ در حاشیه. طول (۱۶ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). عرض (۱۰ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۶۶).

(۱۲۵۸)

دیوان این نسخه بسال ۸۵۹ بخط نستعلیق **محمد جامی** نوشته، شامل غزلیات و رباعیات و قطعات و فردهای کمال میباشد و در حدود ۲۸۵۰ بیت است، یک پیشانی مذهبی است که بسم الله با خط کوفی بر آن نوشته شده در آغاز نسخه و پشت صفحه نخستین بر ترنج ظریف مذهبی این عبارت بخط ثلث نوشته شده: برسم خزانه الکتب السلطان الاعظم ابو القاسم بابر بهادر خان خلد الله ملکه و سلطانه بسعی العبد الضعیف شیخ حاجی حسن حادار (کذا) وجود دارد و این نسخه گذشته از قدمت و خط و تذهیب از این لحاظ نفاست دارد.

جلد تیماجی دور گرفته . کاغذ دولت آبادی . واقف سیهسالار . قطع خشتی کوچک شماره اوراق (۲۶۸) . صفحه ای (۱۱) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۶۴) .

[۵۷۰] دیوان لسانی شیرازی (فارسی)

لسانی از شعرای قرن دهم هجری میباشد (۱) در تذکره ها بهمین تخلص معرفی گردیده و از نام اصلی وی چیزی نگاشته اند ، معاصروى سام میرزا در تحفه سامی گوید : من با او صحبت داشتم و شعر او بسیار خوانده ام ، وفات او در تبریز بسال ۹۴۱ واقع شد و در سرخاب مدفون است صاحب هفت اقلیم نیز همین تاریخ را سال وفات او دانسته ، ادوارد برون (ص ۱۵۷ ترجمه) در ج ۴ تاریخ ادبیات خود وفات ویرا بسال ۹۴۰ نگاشته ، دیوان او را صاحب مجالس المؤمنین گوید صد هزار بیت از قول معتمدین و ثقات نقل نموده و آذر نزدیک دوازده هزار نوشته و چنانکه دیگران نیز نوشته اند شعر خوب کم دارد و نسخه زیرین در حدود (۱۰۰۰) بیت از غزلیات اوست که مرتب بترتیب حروف تهجی بر حسب ترتیب قوافی است و در مجالس المؤمنین قصیده ای از او که در مدح حضرت مولی الموالی علی علیه السلام انشا نموده ضبط است .

شریف تبریزی (۲) که از شاگردان وی بوده چنانکه خود وی پیش سام میرزا اعتراف کرده و او در تحفه سامی نوشته به تحریک بعضی که خود را ظریف میدانسته اند و مغرض بوده اند اشعاری بی معنی به لسانی نسبت داده و آنها را « سهو اللسان » نامیده و دیگری از شاگردان لسانی برد او پرداخته است .

آغاز: زهی عشقت بیاد بی نیازی داد خرمنها

خم فترک شوقت سر کشان از طوق گردنها.

(۱) شرح حال لسانی را معاصروى سام میرزا در تحفه سامی ص ۱۰۴ چاپی ، هفت اقلیم ص ۱۸۶ - ۱۸۷ ، مجالس المؤمنین ص ۵۴۱ - ۵۴۲ ، آتشکده آذر ص ۳۰۷ تذکره خوشگو اول حرف لام و ترجمه ج ۴ ادبیات برون ص ۱۵۷ نوشته اند و در هنگام نگارش مراجعه شده است .
(۲) در ص ۶۱۸ این فهرست معرفی از این شاعر گردیده است .

(۱۲۵۹)

دیوان این نسخه از دیوان درص ۴۰۳ - ۵۰۷ نسخه شماره (۲۷۹) کتابخانه میباشد ، شامل غزلیات و قطعاتی از لسانی است ،
لسانی شیرازی خصوصیات دیگر آنرا در ص ۵۷۱ زیر شماره (۱۱۷۲) نگاشته شده مراجعه نمایند .

[۵۷۱] دیوان لطفی (ترکی)

این دیوان که خصوصیات آن زیر این سطرها نگارش خواهد یافت غزلیات ترکی لطفی میباشد ، در کتب تذکره بشرح حال و آثار این شاعر دست نیافتیم ، از قصیده ای که پس از حمد و ثنای الهی و نعت حضرت رسالت پناهی در مدح شاهرخ پسر امیر تیمور گورگان (۱) سروده زمان و عصر او معلوم شد و در این قصیده به مرض شاهرخ و بهبودی او و شکر این نعمت از طرف خود و عموم مردم ، اشاره نموده و اظهار داشته که محمد جوکی میرزا و میرزا عبداللطیف و علاءالدوله (۲) از این کسالت بی نهایت متألم و متأثر بوده اند .

درص ۴۵ ج ۳ طرائق الحقائق گوید :

« مولانا لطفی از سخنوران روزگار و در نظم اشعار فارسی و ترکی با اقتدار درس نود و نه سالگی قصیده ردیف آفتاب را در سلك نظم کشیده و مطلعش اینست :
ای ز زلف شب مثالت سایه پرور آفتاب شام زلفت را بجای ماه در بر آفتاب .
و مولانا در جوانی نخست بتحصیل علوم قیام نمود بعد از آن روی سلوك بطریق درویشان در آورد و در آن روش ثابت قدم میبود تا وقتی که از این عالم رحلت

(۱) شاهرخ پسر امیر تیمور گورگان بوده و ۷۸ سال زندگانی کرده و ۴۲ سال سلطنت نموده و بسال ۸۵۰ در شهر ری بدان سرای رهسپار شده و این دو بیت راجع به تاریخ مختصر حیات او در جلد ششم روضة الصفا مندرج است :

در مقصد و هفتاد و دو آمد بظهور

سلطان جهان شاهرخ آن مظهر نور

در هشتصد و پنجاه شد از دار غرور .

در هشتصد و هشت شد بشاهی مشهور

(۲) محمد جوکی پسر شاهرخ بوده که در زمان حیات وی بدرود زندگانی گفته و عبداللطیف

پسر الخ بیک بن شاهرخ و علاءالدوله پسر بایسنقر بن شاهرخ بوده اند .

نمود و در آخر زندگانی این مطلع را منظوم ساخته بنزد مولانا عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸) فرستاد که غزلی نماید و در دیوان خویش ثبت کند و چنین نمود:

گر کار دل عاشق با کافر چین افتد به زانکه بید خوئی بیمهر چنین افتد

احتمال قوی و ظن نزدیک به یقین دارم که لطفی صاحب دیوان زیرین همین لطفی صاحب قصیده و این بیت میباشد.

این دیوان غزلیات و رباعیات در حدود (۱۶۰۰) بیت میباشد.

آغاز: ای یکی جهان بیولیکینک اثباتیغه گویا

ذرات جهان مظهر یداکون کبی پیدا.

(۱۲۶۰)

این نسخه که شامل غزلیات مرتبه بترتیب حروف تهجی بر حسب قوافی میباشد و پس از آن رباعیات ترکی لطفی را دارد بسال ۱۲۷۵ بخط نستعلیق خوب نوشته شده، دارای یک سر لوح میباشد و حواشی و میان سطرهای دو صفحه اول دیوان تذهیب و نقاشی و طلااندازی گردیده و تمام صفحات مجدول بطلا و زنگار است.

در آخر نسخه آثار محو چند سطر که ظاهراً مشتمل بر نام کسی بوده که نسخه برای وی نگارش یافته موجود و شامل سه برگ نوشته مجدول میباشد.

جلد ساغری نیم ضربی طلاپوش، کاغذ فرنگی، واقف سپهسالار، قطع وزیری کوچک، شماره اوراق (۶۱)، صفحه ای (۱۴۱۳) بیت، طول (۲۲ سانتیمتر)، عرض (۱۴ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر)، شماره کتابخانه (۱۷۴).

۵۷۲ [دیوان متنبی (عربی)

ابوالطیب متنبی (احمد بن حسین بن حسن بن عبدالصمد جعفی کندی کوفی ۳۰۳-۳۵۴ (۱)) از مشاهیر شعرا میباشد که در آسمان ادب چون آفتاب تابنده و در جهان دانش تاابد پاینده است، در وجه تسمیه وی به متنبی گویند ادعای پیغمبری

(۱) معجم المطبوعات ص ۱۶۱۵-۱۶۱۷، ابن خلکان ج ۱ ص ۳۶-۳۸، شذرات الذهب ج ۳ ص ۱۳-۱۶، مجالس المؤمنین ص ۴۷۲-۴۷۴ و روضات الجنات ص ۶۱-۶۴ ج ۱ مراجعه شده است.

کرده و حاکم حص که لؤلؤ نام داشته بر او تاخته و تابعینش را متفرق کرده و خود او را چندی زندانی نموده و پس از توبه دادن رها کرده است.

گویند پدر متنبی مردی سقا بود که با شتر خویش مردمان بغداد را آب می آورده و ابوالطیب در محله کنده آن شهر باین جهان پاگذارده ، از آنجا با پدر بشام آمده و به تحصیل علوم پرداخته ، حافظه ای غرا داشته ، در شعر و شاعری درجه ای عالی یافته ، برخی او را بر ابی تمام و پاره ای ابو تمام را بروی ترجیح میدهند ، مداح سیف الدوله آل حمدان و عضد الدوله دیلمی و کافور اخیسیدی بوده و از ایشان جائزه ها گرفته در هنگامیکه از فارس به بغداد می آمده خود و فرزند و همراهانش را در راه کشته اند دیوان متنبی بیش از چهل شرح شده و تا کنون چهار یا پانزده بار در شهرهای هندوستان و مصر و بیروت و اروپا چاپ گردیده و در ص ۵۲۰ - ۵۲۲ ج ۱ کشف الظنون و ص ۶۱-۶۴ روضات گروهی که بشرح این دیوان پرداخته اند نام برده شده و چنانکه در معجم المطبوعات تذکر داده شده چاپ سال ۱۲۶۱ کلکته دیوان متنبی شامل شرح فارسی آن میباشد.

آغاز:

أَمِنْ أَرْدِيَارِكْ فِي الدَّجِي الرُّقْبَاءِ إِذْ حَيْثُ كُنْتِ مِنَ الظُّلَامِ ضِيَاءُ.

(۱۲۶۱)

دیوان متنبی خط نیمه نخستین این نسخه ظاهر آ از قرن دهم و نیمه دوم ظاهر آ در قرن دوازدهم نوشته شده ، تقریباً شامل ۴۱۵۰ بیت شعر میباشد ، پشت صفحه نخستین دو یادداشت که یکی بتاریخ ۱۱۱۷ و دیگری ۱۱۳۴ نوشته شده ، موجود و بر گت اول دیوان نیازمند و صالی و تمام دیوان مرتب بترتیب قوافی موافق حروف تهجی میباشد ، پشت صفحه اول و آخر یادداشتهائی موجود و عناوین نیمه اول باشنجر ف است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی و فرنکی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۸۳) .
صفحه ای (۱۵) بیت . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۳۲۵) .

[۵۷۳] دیوان مجدالدین ساوجی (فارسی)

حاج میرزا ابوالفضل مجدالدین (محمد بن فضل الله ۱۲۴۷-۱۳۱۲ (۱) (۲) از شعرا و دانشمندان قرن سیزدهم و اوائل چهاردهم هجری بوده و بشهادت معاصرین در تحصیل علوم و فضائل جدی وافی و سعی کافی داشته و گذشته از فضائل ادبی و علمی طبیعی ماهر و لایق و شایسته بوده و بنابر تصریح در المآثر و الآثار در تألیف نامه دانشوران شریک بوده و بسیاری از مطالب آن کتاب ترجمه و انشاء این دانشور میباشد، در نوشتن خطوط نستعلیق و شکسته و نسخ و ثلث چون پدر خویش (۳) مهارت داشته و کتیبه های عمارات سلطنتی آن عصر بیشتر بخط این دانشمند نگارش یافته است.

هدایت درباره وی نوشته اند « گاهی بنظم غزل و قصیده رغبتی مینماید » و در حدود ۱۵۸ بیت انشائی اورا از غزلیات و مسمطات و غیره نقل و در گنج شایگان چهار قصیده از او که در مدح صدر اعظم انشاء نموده و ۱۵۹ بیت میباشد درج شده و یک غزل در طرائق از او نقل شده و با این غزلیات که نسخه زیر شامل است در حدود (۵۰۸) بیت از او سراغ دارم و نمیدانم آیا دیگر آثار نظم و نثری وی در کجا وجود دارد و در اشعار « مجدالدین » تخلص میکرده است.

(۱۲۶۲)

دیوان این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب خود شاعر نوشته شده و در آخر بخط شکسته این معنی را تصریح نموده و بسال ۱۲۷۴ نگاشته مجدالدین ساوجی شده، شامل ۱۶ غزل میباشد که همه را بنام پادشاه عصر موشح

(۱) مؤلف طرائق الحقائق در ذیل شرح حال وی گوید: در ماه رمضان المبارک سال هزار و سیصد و دوازده در منزل فقیر چند شبی بماند و در ضمن صحبت گفت ای فلانی شصت و پنج سال عمر منست بعد از این ماه طولی نکشد که مرا اجل محتوم برسد و میخواهم بکوه شهر بانو دفن شوم و علی الجملة چنین شد و وارث درسره زار معروف بقبر آقا (مدفن حاج میرزا زین العابدین) امام جمعه طهران (در جنوب طهرانست) کالبدش را بخاک سپردند رحمه الله علیه.

(۲) درس ۶۸-۶۹ و ۵۰۹-۵۱۸ گنج شایگان، مجمع الفصحا ج ۲ ص ۴۳۰-۴۳۲، المآثر و الآثار ص ۲۰۲ و طرائق الحقائق ج ۳ ص ۲۷۴ شرح حال و آثاری از این دانشمند موجود است.

(۳) حاج میرزا فضل الله ساوجی از فضیلتی طهران بوده و خط ثلث و نسخ و نستعلیق را بسیار خوب مینوشت و در معرفت احوال خطاطین یگانه عصر بوده و بسال ۱۲۷۵ وفات یافته است.

نموده و ۱۸۶ بیت میباشد و آغاز آن اینست :

بامابتاهل ز سر این پس عتابرا بر عاشقان نخواه ز هجران عذابرا
دارای يك سر لوح زیباست و میان سطر های تمام صفحات طلا اندازی شده
و فاصله غزلیات تذهیب ظریفی گردیده و پشت صفحه نخستین دخول آن بکتابخانه
اعتضادیه بسال ۱۲۹۳ یادداشت شده است .

جلد تیماجی . کاغذ متن خان بالغ و حاشیه الوان . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره برگها
(۸) . صفحه ای (۱۴) بیت . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۶۶) .

[۵۷۴] دیوان مجمر (فارسی)

سید حسین طباطبائی زواری متخلص به **مجمر** از شعرای معاصر فتحعلیشاه
قاجار میباشد ، راوی گروسی در انجمن سوم انجمن خاقان او را نام برده و گوید :
بسال ۱۲۱۸ که برای انجام مهمی باصفهان رفته بودم در مجلس صاحب کافی معتمدالدوله
این سید جلیل را ملاقات و در همان مجلس عقد الفت چنان استحکام یافت که
کسستن نپذیرد و بکرات در حجره مدرسه **کاسه گران** که منزل سید بود دریافت
فیض صحبت کرده از اخلاق مهذب و اوراق مذّهب (پیش از این هم تصریح کرده
که گاهی بشغل تذهیب مشغولی داشت) ایشان دل و دیده را مسرت میداد .
راوی تصریح نموده که معتمدالدوله برسم منادمت این سید جلیل را باخود
بطهران و از آنجا به ایروان که در آن هنگام پادشاه در آنجا بود ، برد و بوسیله
ملك الشعر ابیپیشگاه پادشاه معرفی شد و مورد تفقد گردید و لقب مجتهدالشعرائی
یافت و بمنادمت شاهزاده حسنعلی میرزا برقرار و در عین جوانی بسال ۱۲۲۵ جهانرا
وداع گفت و در خاک پاک قم دفن گردید و دیوان وی در حدود پنج شش هزار بیت
است و ۵۹۰ بیت از قصائد و غزلیات و ترکیب بند او را انتخاب و در این کتاب
جا داده است .

در ص ۴۶۵ ج ۲ مجمع الفصحا نیز مختصری از شرح حال مجمر نگارش یافته
و ۳۹۵ بیت از دیوان او انتخاب گردیده و ص ۴۶۵ - ۴۷۳ شامل این منتخبات
است .

در مقدمه دیوان مجمر که بسال ۱۳۱۲ در طهران چاپ سنگی شده مرحوم میرزای جلوه که از حکمای اوائل قرن چهاردهم هجری بوده اند شرح حال مختصری از مجمر نوشته اند و در آنجا است که بایشان نسبت داشته و تقریباً ۳۵ سال زندگانی کرده بنابراین تولد وی بسال ۱۱۹۰ بوده است .
پیش از دیوان مجمر حکایاتی بطرز گلستان شیخ بنظم و نثر از مجمر چاپ گردیده است .

(۱۲۶۳)

این نسخه بخط شکسته نستعلیق (ظاهر آذرروز گارزندگانی دیوان مجمر شاعر نوشته شده) نگارش یافته ، بخشی از اول و وسط و آخر نسخه افتاده و کاغذهای ننوشته بجای آنها گذارده شده و بیت نخستین صفحه اینست :
یکی بدل همه تابش ز روی او منگر که سنك خاره شد از مهر گوهر لالا .
و آخرین بیت نسخه اینست :
چه خصمی باشدت ای عشق با عقل کزین سر چون شدی در آن سری تو .
و باقیی که دارد شامل ۳۹۰۰ بیت شعر میباشد و بسال ۱۲۸۳ داخل کتابخانه اعتضادالسلطنه شده و برکنار صفحه نخستین یادداشت گردیده است .

جلد تیماجی وسط پارچه . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۱۵۰) . صفحه ای (۱۳) بیت . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۳) .

[۵۷۵] دیوان مختاری (فارسی)

عثمان بن محمد غزنوی از شعرای قرن ششم هجری (۱) بوده ، چندی در کرمان (۲) متوطن ، بنام تخلص میکرده و پس از آن مختاری تخلص شده و در دیوان او بهر دو تخلص اشعاری موجود است .

(۱) هدایت وفات مختاری را بسال ۵۴۴ و آقای قزوینی بسال ۵۴۴ یا ۵۵۴ ثبت کرده اند و شرح حال و آثار این شاعر درص ۵۹۸-۶۰۷ ج ۱ مجمع الفصحا ، هفت اقلیم ص ۲۶۶-۲۷۱ ، آشکده آذر ص ۱۱۸-۱۲۱ ، حواشی چهارمقاله ص ۱۵۰-۱۵۱ نگارش یافته و مراجعه شده است .
(۲) در دیوان مختاری است :

نزدیک خردمندان نیکو بود ای عثمان
توساخته در کرمان من سوخته در غزنین

معاصر امیر معزی و مسعود سعد سلمان و سنائی بوده و مداحی سلطان معزالدین ارسلان از سلاجقه کرمان (۴۹۴ - ۵۳۶) و ابوالملوک ارسلان بن مسعود غزنوی که از سال ۵۰۹ تا ۵۱۱ سلطنت داشته و عضدالدوله (۱) و علاءالدوله محمدخان (۲) و بهرامشاه غزنوی (از سال ۵۱۱ - ۵۵۲ سلطنت داشته) و طغانشاه (۳) را کرده است. دیوان مختاری شامل قصائد و ترکیب و ترجیع بند و غزلیات و رباعیات و مثنوی (۴) میباشد و هدایت شماره ابیات آن را در حدود ۸۰۰۰ هشت هزار معین نموده و نسخه‌ای

(۱) در دیوان مختاری قصائد و ابیاتی در مدح عضدالدوله موجود، هدایت این ممدوح را عضدالدوله دیلمی دانسته و این سهوی ظاهر است چرا که وی سال ۳۷۲ وفات یافته و شاعر که در اواخر نیمه اول قرن ششم زندگانی را بدرود گفته نمیشود مداح این پادشاه باشد و علامه مفضل آقای قزوینی در حواشی چهارمقاله (ص ۱۵۱) نوشته‌اند «معلوم نشد عضدالدوله کیست» نگارنده احتمال قوی میدهد که این ممدوح عضدالدوله شیرزاد ابن مسعود غزنوی است که سال ۵۰۸ - ۵۰۹ (یکسال) پس از پدر سلطنت کرده و مختاری از او «فنا خسرو» تعبیر کرده و چنانکه آقای قزوینی تصور کرده‌اند این تصرف (این شاه را فنا خسرو خواندن) از هدایت نیست و این چند بیت از دیوان او در این موضوع است.

شاهی که جهان را براو هیچ خطر نیست	شاهنشاه نوین عضدالدوله عالی
رخ سوی سرای عضد دولت و دین کرد	گفتم که بهای تو بشعر از که ستانم
شاهنشاه بی مثل فنا خسرو غازیست	گوئی خرد و نقش و نجوم و نلک و طبع

(۲) مختاری گوید:

تا جهان باشد محمد خان علاءالدوله باد بزخواه و باده نوش و رزنجوی و فتحیاب
و آقای قزوینی ارسلان خان محمد بن سلیمان بن داود بغراخان ابن ابراهیم طغاج خان بن ایلک نصر ارسلان بن علی بن موسی بن سق از ملوک ترک خاتیه ماوراءالنهر را که از سال ۴۹۵ - ۵۲۴ سلطنت کرده از ممدوحین مختاری معرفی کرده‌اند.

(۳) در نسخه‌ای از دیوان مختاری که در مجلس شورای ملی میباشد چند قصیده در مدح طغانشاه موجود و این دوبیت از قصائد اوست:

ملک بوالفوارس طغانشاه صفدر	سخی شمس دولت گزین کهف ملت
----------------------------	---------------------------

مبارک کهف امت را طغانشاه است مفخر	خجسته شمس دولت را همایون زین ملت را
-----------------------------------	-------------------------------------

(۴) در این مثنوی گوید:

ارسلان شاه پادشاه زمین	پیش تخت معز دولت و دین
------------------------	------------------------

بر دلم آفتی بتفت رسید	سال من چون بسی وهفت رسید
-----------------------	--------------------------

و میدانم که معزالدین لقب ارسلان بن کرمانشاهان سلجوقی است (۴۹۴ - ۵۳۶).

از آن کیه ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد و در کتابخانه مجلس موجود است در حدود ۷۵۰۰ بیت را شامل و از اول آنهم اوراقی افتاده است.

آغاز: ترابشارت بادای ولایت کرمان بفتح نامه شاه از دیار هندوستان (۱)

(۱۲۶۴)

دیوان این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده و پیوسته به «دیوان سید حسن غزنوی» میباشد، در کتابخانه هر دو دیوان زیر شماره مختاری غزنوی (۱۸۵) ثبت گردیده و در ص ۵۸۹ و ۵۹۰ زیر شماره (۱۱۸۷) معرفی خصوصیات دیگر آن گردیده و در حدود (۳۰۰۰) بیت میباشد و بقصیده‌ای که بدین مطلع است شروع شده:

بر اختیار بندگی مالک الرقاب
نصر من الله آمد فال من از کتاب.

(۱۲۶۵)

دیوان این نسخه بخط نستعلیق (ظاهراً در قرن دهم هجری) نگارش یافته، از اول و آخر آن اوراقی افتاده، صفحه نخستین بدین مختاری غزنوی بیت شروع گردیده:

صد سال در عجم درو، صد سال در عرب
صد جشن مهرگان کن و، صد جشن نوبهار
انجام نسخه این بیت است:

سر فکنده چراست پیش برش
اگر او را نه از برش سر شد
در حاشیه برگ ۵۱ بسال ۱۲۷۴ محسن بن عبدالله بن فتحعلیشاه شرحی در تصحیح یکی از ابیات نسخه نوشته و تملک و مطالعه نسخه و زیادی اغلاط آنرا اظهار داشته و این نسخه در حدود (۳۶۰۰) بیت میباشد و چند برگ نوشته در اول و آخر آنست. جلد تیماج. کاغذ کاهی. واقف سیه سالار. قطع خشتی باریک. شماره اوراق (۱۰۹) صفحه‌ای (۱۷) بیت. طول (۲۰۱ سانتیمتر). عرض (۱۲ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۷۴).

(۱) درس ۲۶۷ هفت اقلیم نگارش یافته که مطلع دیوان مختاری قصیده‌ایست که در مدح سلطان ارسلان بن مسعود گفته و ۱۱ بیت از آنرا نقل نموده و این بیت مطلع آن قصیده است.

[۵۷۶] دیوان مخمور (فارسی)

مخمور تخلص شاعری از شعرای قرن سیزدهم هجری میباشد (۱)، در کتب تذکره های این عصر بنام و آثار او دست نیافتیم، از قصیده ای که در شکر گذاری از حکومت اسدالله خان بر تویسرکان و ملایر انشاء نموده و در ورق ۶ نسخه میباشد استفاده میشود که ملائری یا تویسرکانی است، آثار زیرین چند قصیده ایست که در مدح شاهزاده اعتضاد السلطنه گفته و تخلص مخمور در همه آنها موجود، و ۲۵۰ بیت میباشد، برای نشان دادن طرز فکر و طبع وی چند بیت از اول و آخر نسخه را در اینجا می آورم:

آغاز:

بردت ایدوست روی اضطرار آورده ام
 فقر و مسکینی و عجز و انکسار آورده ام
 لنگ لنگان دست بسته دل شکسته سرنگون
 چشم خونین جان غمگین جسم زار آورده ام
 آه حیرت اشک حسرت تاب محنت سوز غم
 سینه غزون درونی سوگوار آورده ام

انجام:

گزین سپس پس مدح علی و آل علی
 بود بود همه تا دل بسینه تنگم
 بود دعای شه و پادشاه تبیانم
 بود بود همه تا جان بجسم نالانم
 مدائح علی و آل او انیس دلم
 دعای پادشه و شاه مونس جانم

(۱۲۶۶)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، بسال ۱۲۹۳ داخل کتابخانه

دیوان مخمور

(۱) درس ۳۳۹-۳۴۰ دانشمندان آذربایجان میرزا لطف الدین شکرالله تبریزی (۱۰۹۵-۱۱۶۴)

مخمور تخلص از شعرای قرن دوازدهم نام برده شده و این دوبیت را از او نقل کرده اند:
 تعجب نیست بد طینت اگر حاجت روا گردد
 زدونان کی بخود درماندگان را کار بگشاید
 که زخم کهنه را خاکستر عقرب دوا گردد
 گره امکان ندارد باز با انگشت پا گردد.

اعتضاد السلطنه گردیده و پشت صفحه نخستین یادداشت شده است .
جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۱۰) . صفحه ای
(۱۵) بیت . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۵۱) .

[۵۷۷] دیوان مسعود سعد سلمان (فارسی)

مسعود بن سعد بن سلمان که بنابر روش پارسی مسعود سعد سلمان خوانده میشود
از مشاهیر شعرای فارسی زبانست ، در دربار غزنویان مقام امارت و فرمانفرمائی داشته ،
بکسب کمال و فضائل پرداخته و در لباب استکه (ج ۲ ص ۳۳) از شاهنامه فردوسی
انتخابی کرده و چنانکه از ابیات موجوده در دیوان وی معلوم میشود در نظم و نثر
پارسی و تازی دستی قوی داشته و مکرر بدان تصریح کرده (۱) ولی از آثار نثری وی
چیزی در دست نیست و در این دوزبان ناطق و مترجم بوده (۲) در خطاب به ثقة الملك
طاهر بن علی گوید :

هیچکس راهست انصاف ده ای حاکم حق

این زبان و قلم و فکر و خاطر که مراست

از بزرگان هنرور همه انواع منم

گرچه امروز مرا نام ز جمع شعر است

امیر خسرو دهلوی در مقدمه غرة الکمال که سومین دیوان وی است افتخار نموده

که جز من کسی را سه دیوان نیست و مسعود سعد سلمان که سه دیوان داشت یکی

پارسی و دیگری عربی و سومی هندوی بود و از آن من همه پارسی است

از دو دیوان دیگر مسعود سعد سلمان نگارنده تا کنون خبری نیافته است .

بیش از سی سال پیش علامه بزرگوار آقای قزوینی [گذشته از آنچه در

(۱) از آنجمله است :

بنظم و نثر ندارد چو من کس استقلال

مرا سزااست که امروز نظم و نثر مراست

که نظم و نثر مراست و طبع من دریاست

نباشد چون من از چیره زبانی

بگردونم رسیده کامرانی

ز من خواهد زمانه ترجمانی

روان رودکی و ابن هانسی

مرا بدان تو که در پارسی و در تازی

بنظم و نثر کسی را گر افتخار بود

بهیچ وقت مرا نظم و نثر کم نشود

(۲) منم کاندل عرب و اندر عجم کس

بدین هردو زبان در هردو میدان

گرافند مشکلی در نظم و در نثر

سجود آرد به پیش خاطر من

حواشی چهارمقاله (۱۷۸-۱۸۲) دربارهٔ این شاعر شهیر نگاشته‌اند [مقاله‌ای در شرح حال مسعود سعد مرقوم و شادروان ادوارد برون خاورشناس مشهور انگلیسی آنرا به انگلیسی ترجمه و بسال ۱۹۰۵ م در مجله آسیائی درج و بسال ۱۹۰۶ م نیز آن ترجمه را جداگانه منتشر کرده است و بسال ۱۳۱۷ خورشیدی جوان دانش پژوه آقای سهیلی خونساری بنام «حصارنای» شرح حال مفصلی از این شاعر با ذکر معاصرین و ممدوحین و قصائد حبسیات وی تألیف و منتشر کرده‌اند و این سه نگارش ما را بی‌نیاز از بحث در حالات وی مینماید.

مسعود سعد سلمان گاهی از خود در اشعار بهمین سه جمله و گاهی مسعود سعد و هنگامی مسعود تنها تعبیر نموده و آقای سهیلی تولد وی را در حدود سال ۴۳۵ دانسته‌اند و وفات او را صاحبان تذکره‌ها بسال ۵۱۵ و ۵۲۵ ثبت نموده‌اند و برخی سال ۵۱۵ را که شاعر هشتاد سال داشته ترجیح داده‌اند، در مقدار حبس مسعود سعد هم اختلاف است در یکی از اشعار خود وی نوزده سال آن تصریح شده

(مر ترا هیچ باك نامد از آنك
نوزده سال بوده ام بندی)

تاسی سال هم نوشته‌اند، بیشتر از ربع اشعار دیوان وی ظاهراً در زمان ابوالملوک ارسلان بن مسعود غزنوی می‌باشد که بنابر تصریح خود مسعود سعد بسال ۵۰۹ بسلطنت نشسته و بنابر ضبط مورخین بسال ۵۱۱ بدان سراسر شتافته.

حکیم سنائی بجمع و ترتیب دیوان مسعود سعد سلمان در زمان حیوة وی پرداخته و ثقة‌الملک طاهر بن علی بدو تذکر داده که اشعاری از دیگران را نیز در دیوان وی گذارده و سنائی در ضمن قطعه‌ای که خطاب به مسعود سعد می‌باشد از این غفلت عذرخواهی نموده و (در ص ۱۴۹ حواشی چهارمقاله این قطعه نقل گردیده) و مندرجات این دیوان عبارتست از:

۱ - قصائد و مقطعات بترتیب حروف تهجی بر حسب قوافی ۲ - مثنوی در

وصف امرا و درباریان و حواشی سلطان مسعود ۳ - ایضاً مقطعات در مدائح

ومراثی و حماسه و غیره، ۴ - غزلیات بنام دوازده ماه شمسی سی روز هر ماه بنابر نامهای هر یک از آنها پیش ایرانیان قدیم و هفت روز هفته و غزلیات مرتبه بحر و فتهجی ۵ - رباعیات .

این دیوان بسال ۱۲۹۶ از روی نسخه نفیسی که در کتابخانه اعتضاد السلطنه بوده و از قرائن پیدا است که غیر از این نسخه زیرین بوده در طهران چاپ شده است .

(۱۲۶۷)

دیوان مسعود
این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود
وسال نگارش نام نبرده، ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم نوشته
سعد سلمان
شده، بسال ۱۲۷۲ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت صفحه
نخستین یادداشت گردیده و در حدود ۱۴۰۰ بیت شعر میباشد .

جلد میشن ضربی طلاپوش . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع فرنگی . شماره اوراق (۲۷۵) .
صفحه ای (۲۸) بیت در متن و حاشیه . طول (۳۰ - ۱/۴ سانتیمتر) . عرض (۱۹ - ۱/۴ سانتیمتر) . شماره
کتابخانه (۳۰۲) .

(۱۲۶۸)

دیوان مسعود
این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۵۷ نوشته شده، ۲۲۲ بیت
از اول آن افتاده و نخستین بیت موجود آن اینست :
سعد سلمان
کسی که اشهد ان لا اله الا الله نگوید اورا سر کن بتیغ تیز جدا
و در رباعیات و قصائد و غیره در حدود ۱۰۰۰ بیت از نسخه پیشین بیشتر دارد،
در آخر آن چند بیت زیرین می رساند که این نسخه را از روی نسخه ای که بسال
۱۰۲۱ نگارش یافته نویسانده اند :

این نسخه که بر عروس اشعار	پیرایه از جمال بفرود
اشعار بدیع پایدارش	ز آئینه طبع زنگ بزدود
از رشك معانی بلندش	روح فصحا هنوز ناسود
معنیش بزیر لفظ حوری	کز طرف عذار زلف بنمود
تاریخ طلب نمودم از عقل	گفتا «سخنان نیک مسعود»

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۳۸۵) .
صفحه ای (۲۱) بیت . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۴ - ۲/۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۹) .

[۵۷۸] دیوان مشتاق (فارسی)

سید علی حسینی اصفهانی مشتاق تخلص از شعرای قرن دوازدهم هجری بوده و شعرای معروف معاصروی چون آذرو عاشق و هاتف و صهبا باستادی وی معترف اند، بیشتر به غزل سرائی و رباعی سازی رغبت داشته، آذر گوید « پس از مرگت سید مرحوم بر فاقتهاتف و صهبا دیوان اذکار او را مرتب ساخته » و راوی گروسی گوید « قریب به شش هزار بیت دیوان مرتب داشته اند مکرر بنظر رسیده (۱) در سنه یک هزار و یکصد و هفتاد و یک از شهر اصفهان بروضه رضوان رفت و مصراع این بیت، در تاریخ وفات اوست :

بهر تباریخ او نوشت رفیق جای مشتاق در جنان بادا = ۱۱۷۱.

(۱۲۶۹)

دیوان این نسخه را بسال ۱۲۰۱ محمد هادی قزوینی بخط نستعلیق نوشته و شامل غزلیات مشتاق میباشد، پس از غزلیات قصیده‌ای مشتاق اصفهانی و چند غزل دیگر و ترجیع بند شاعر را دیگری بخط شکسته نستعلیق نوشته است و تمام این نسخه از دیوان در حدود ۳۰۰ بیت میباشد.

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع بیاضی . شماره اوراق (۹۱) . صفحه ای (۱۷) . بیت . طول ($۲۲\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۵۴) .

(۱۲۷۰)

دیوان این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۳۵ نوشته شده، شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و ترجیع و ترکیب بند مشتاق اصفهانی و رباعیات مشتاق میباشد و در حدود ۳۳۰ بیت است.

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۱۲۸) . صفحه ای (۱۳) . بیت . طول ($۲۱\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . عرض ($۱۳\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۵۵) .

(۱) در ص ۴۲۵-۴۲۸ آتشکده ۱۳۱ بیت انتخاب و چاپ گردیده و ۶۶ بیت در انجمن خاقان یز انتخاب گردیده است .

[۵۷۹] دیوان امیر معزی (فارسی)

امیر معزی از معاریف شعرای قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری میباشد، در آتشکده آذر و مجمع الفصحا نام او محمد و پدرش عبدالملك معرفی گردیده و چنانکه از مندرجات چهارمقاله معلوم میشود پدر معزی برهانی تخلص بوده است و خود وی مداح سلطان سنجر سلجوقی بوده و چون لقب وی معزالدين بوده شاعر را معزی تخلص داد، ملك الشعرای سنجر شد و در حدود دویست شاعر در زیر دست وی بوده و نسبت به همه انواع مهربانی میکرده و در هنگام های مناسب آثار آنانرا بعرض میرسانیده و صله های خوب برای آنان میگرفته بدینجهت محبوب همه آنها بوده است.

وفات امیر معزی را بیشتر از تذکرة نویسان (۱) بسال ۵۴۲ ضبط کرده اند و استاد بزرگوار آقای قزوینی در حواشی چهارمقاله آنها را متابعت نموده ولی در حواشی خاتمة الطبع تفسیر ابوالفتوح (ص ۶۳۵ ج ۵) از این عقیده برگشته و گویند:

« و آن اینست که تاریخ ۵۴۲ در خصوص وفات معزی بکلی غلط مشهور است و ظاهراً ابتدا از تقی کاشی ناشی شده است و قبل از او تا آنجا که راقم سطور اطلاع دارم هیچ يك از ارباب تذکرة متعرض تاریخ وفات معزی نشده اند و چنانکه دوست فاضل من آقای اقبال آشتیانی در رساله نفیسی که همین اواخر در خصوص شرح حال و ممدوحین و معاصرین او تألیف نموده اند بدلائل متقنه ثابت کرده اند وفات معزی بنحو قطع و یقین مؤخر از سنه پانصد و بیست نمیتواند باشد و در دیوان او مدح هیچیک از ملوک و امرای آن عهد یا اشاره و تلویحی بهیچ واقعه از وقایع تاریخی آن عهد بعد از تاریخ مزبور بوجه من الوجوه یافت نمیشود و چون از طرف دیگر پیاره از وقایع تاریخی تا حدود ۵۱۸ در دیوان او اشاراتی یافت میشود پس وفات او بظن نزدیک بیقین در حدود ۵۱۸ - ۵۲۰ بوده است. »

(۱) مجمع الفصحا ج ۱ ص ۵۷۰ - ۵۹۳، آتشکده آذر ص ۳۵۰ - ۳۵۸، تاریخ گزیده ص ۸۲۵ عکسی، تذکرة دواتشاهی ص ۵۷ - ۶۰ و هفت اقلیم ص ۶۲۲ - ۶۲۵.

معاصرین و متأخرین ، به استادی امیر معزی اعتراف داشته و سنائی او را مرثیه گفته و انوری و مختاری ابیاتی از او را تضمین کرده اند و همه اعتراف به استادی و فصاحت او دارند و آثار وی شاهی بزرگ بر مقام استادی وی میباشد .

دیوان امیر معزی تا کنون چاپ نشده و مرتب بترتیب حروف تهجی است و امین احمد رازی گوید دیوان او پانزده هزار بیت میباشد و نگارنده بزرگترین نسخه ای از آنرا که دیده در کتابخانه مجلس و در حدود (۱۳۳۰) بیت است .

آغاز : ستاره سجده برد طلعت منیرتورا زمانه بوسه دهد پایه سریرتورا .

(۱۲۷۱)

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خوب محمد هادی ابن حاجی عبدالله آشتیانی بسال ۱۲۵۲ نوشته ، شامل قصائد و مقطعات و چند ترجیع و ترکیب بند میباشد و در حدود (۸۴۰۰) بیت است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۱۸۵) . صفحه ای (۲۳) بیت . طول ($۲۱\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۹۴) .

(۱۲۷۲)

این نسخه را بخط نستعلیق اسدالله بن میرزا خلیل بسال ۱۲۶۶ نوشته ، نظیر نسخه پیش است مرتب بترتیب حروف تهجی است و ترجیع و ترکیب بند آخر آن نسخه و قصائد و مقطعات آنرا این نسخه ندارد ، برگ نخستین به جلد چسبانیده شده و بر حسب شماره (۵۰۰۰) بیت در این نسخه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۱۷۳) . صفحه ای (۱۵) بیت . طول ($۲۱\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۹۵) .

[۵۸۰] دیوان مغربی (فارسی و عربی)

محمد بن عزالدین بن عادل بن یوسف تبریزی مشهور به محمد شیرین و متخلص به

مغربی متولد سال ۷۴۶ و متوفی سال ۸۰۹ (۱) از مشاهیر شعرا و صوفیه میباشد ،
مرید شیخ اسمعیل سیسی است که وی مرید شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفرائنی است
و گویند که در یکی از مسافرتها از دست یکی از مشایخ که نسبت وی بشیخ محی الدین
عربی ره میرسیده خرقة پوشیده است .

در نفعات الانس معاصر بودن مغربی باشیخ کمال خجندی تصریح شده و حکایتی
از معاشرت این دو در آنجا مندرج و غزلی از مغربی نیز نقل گردیده که با اندک تغییری
در یکی از مصرعهای آن در دیوان او (نسخه زیرین) موجود است .

گذشته از دیوان شعر مغربی را آثار زیرین بیادگار ماند : اسرار فاتحه ،
نزهة الساسانیه ، جام جهان نما و « درر الفرید فی معرفة التوحید » درسه اصل توحید
و افعال و صفات خدا بزبان پارسی است که آغاز آن اینست : سبحان ربك رب العزة
عما یصفون .

دیوان مغربی شامل اشعار عربی و فارسی میباشد و آقای تربیت تذکره داده اند
که بخش فارسی آن مکرر در ایران و هندوستان چاپ گردیده است .

آغاز : خورشید رخت چو گشت پیدا ذرات دو کون شد هویدا (۲) .

(۱۲۷۳)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، ظاهراً از خطوط اوائل
قرن نهم هجری میباشد ، مرتب بترتیب قوافی از الف تا یا میباشد
و پیش از شروع با اشعار پارسی اشعار عربی مغربی نگارش یافته و پس از قوافی یاء
ترجیع بندی از مغربی و پس از آن ترجیع بندی از خواجو نگارش یافته و پس از
این بخش رباعیاتی که ظاهراً از مغربی است نوشته شده و در حاشیه اوراق غزلهایی
نگارش یافته و از اول نسخه اوراق افتاده و بیت نخستین صفحه موجود نیست :

کله اذ کره من ظللی اوربوع اومعان کله ا

(۱) نفعات الانس ص ۷۲۴-۷۲۵ نسخه خطی این کتابخانه ، دانشمندان آذربایجان ص ۳۵۱-۳۵۱
و آتشکده ص ۳۸ مراجعه شده است .

میان ترجیع بند مغربی برگی نیز افتاده و بجای آن برگ نوشته‌ای اخیراً گذارده اند، تمام این نسخه در حدود (۲۸۰۰) بیت میباشد که در حدود (۲۳۴) بیت آن عربی است.

جلد تیماجی ظریف . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۰۱) .
صفحه ای (۱۴) بیت . طول (۱۸ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۱ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۸۵) .

[۵۸۱] دیوان ملک قمی (فارسی)

ملک قمی از معاصرین امین احمد رازی بوده ، وی با احترامی زیاد در هفت اقلیم اورا زیر عنوان : مولانا ملک نام برده و گوید :

« در او ان جوانی غبار حرص از رخساره خاطر و لوح پیشانی بآب بی تعلقی شسته و گرد از چهره صفحه بدستار چه نیاز رفته امروز در ملک دکن ، ملک فلک ریاضت و ملک ملک قناعت است نظم :

دارد بجعد طره خوبان مشابعت کاندرش کسته گی بودش قیمت و بها
و با این نسبت در فضیلت شاعری بخشی تمام و نصیبی وافر دارد و شعرش عموماً در جودت چون صورت شاهدان آراسته و چون معانی خردمندان پیراسته است آنچه نوشته میشود فصلی از آن کتاب وسطری از آن باب است الخ »
امین احمد ایبانی از غزلیات و رباعیات و مثنوی « ساقی نامه » ملک انتخاب ، ایات غزلیات منتخبه اورا در نسخه زیرین یافتیم و آذر در آتشکده (ص ۲۴۱) نیز ذیل شهرقم این ملک را نام برده و گوید دیوانش ملاحظه شد و بعد از زحمت بسیار این چند بیت (۸ بیت) از دیوانش پیدا کرده در اینجا ثبت شد .

نگارنده معتقد است که هر دو نویسنده جنبه افراط و تفریط را درباره این شاعر اختیار کرده اند، اشعار ملک نه آن اندازه ستایش امین احمد رازی را در خور و نه این قدر سرزنش را شایسته است ، مضامین لطیف در میان غزلیات او یافت میشود و بنابر نگارش امین احمد در سال ۱۰۰۲ که هفت اقلیم تألیف شده ملک درد کن متوطن بوده و مقام و مرتبه ارشاد و عرفان داشته است .

نسخه زیرین که فقط شامل غزلیات ملک و مرتب بترتیب حروف تہجی بر حسب قوافی میباشد در حدود (۷۱۰۰) بیت است -

آغاز: ای ز نامت تاج گوهر بر سر دیوان ما

از نشانت بی نشانی سر خط عرفان ما

(۱۲۷۴)

دیوان

این نسخه بخط نستعلیق ظاهراً در اوائل قرن یازدهم هجری

نگارش یافته، پشت نسخه از طرف اعتضاد السلطنه و سپهسالار

ملک قمی

بنام «دیوان ملک کاشانی» معرفی و وقف گردیده، حواشی

بر گها بطرزی زیبارنگ آمیزی گردیده و حواشی برخی از اوراق و صالی شده است.

جلد روغنی گل و بوته دارد داخل نرگس. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع خشتی باریک.

شماره اوراق (۲۱۶) صفحه ای (۱۷) بیت. طول (۲۱ سانتیمتر). عرض (۱۱ ۱/۴ سانتیمتر).

شماره کتابخانه (۲۶۸۱).

[۵۸۲] دیوان منوچهری دامغانی (فارسی)

منوچهری دامغانی از شعرای مشهور قرن پنجم میباشد (۱)، صاحب مجمع الفصحا

نام و کنیه اورا ابو النجم احمد ضبط نموده، دولت شاه سمرقندی اورا بلخی دانسته

ولی خود وی صریحاً خود را دامغانی شناسانیده

(سوی تاج عمرانیان هم بدینسان پیامد منوچهری دامغانی)

در مناسبت تخلص وی به منوچهری گویند چون خدمت فلك المعالی

منوچهر بن قابوس و شمگیر را کزید بدین تخلص خود را معرفی کرد و چون

بسال ۴۱۱ منوچهر وفات یافت گرگانرا ترك گفت و بغزنین رفت و قصیده ای

در مدح عنصری ملك الشعرا انشا و خود را بدینوسیله در عداد شعرای سلطان

محمد غزنوی در آورد و گویند بر همه جز عنصری مقدم میشسته، و در مجمع الفصحا

وفات وی بسال ۴۳۲ ضبط گردیده است، دولت شاه سمرقندی گوید «دیوان وی

در ایران زمین معروف و مشهور است» و امین احمد رازی گوید: «دیوانش امروز

متداول است».

(۱) شرح حال منوچهری در ص ۴۰-۴۲ تذکره دولتشاه، هفت اقلیم ۶۷۷-۶۸۸، آتشکده آذر ص ۳۲۱-۳۲۲، مجمع الفصحا ج ۱ ص ۵۴۲ و ۵۷۰ و مقدمه دیوان بقلم هدایت مراجعه شده است.

هدایت گوید شنیده‌ام که سی هزار بیت شعر داشته ولی جز سه هزار از آنرا (از قصائد و مقطعات و مسمطات و رباعیات و غزل) بدست نیاورده و دیوانیکه از منوچهری اینک متداول و نسخ خطی و چاپی آن در دست رس میباشد همان گرد آورده و ترتیب داده هدایت میباشد و در این دیوان قصائدی از دیگران نیز مندرج از آنجمله قصیده ایستکه نیز در لغز شمع و مدح وزیر بدین مطلع:

(چيست آنشخص چوزرين سرو چون سيمين بدن

خويشتن سوزان و گريان و گدازان همچو من)

موجود و خود هدایت در حاشیه ص ۴۵۶ ج ۱ جمع الفصحا چنین نوشته:

این قصیده بدان ماند که از رافعی نیشابوری است چه لغز شمع بیک وزن و قافیه از بیک شاعر عجیب نماید. و در حاشیه نسخه ای از دیوان منوچهری که در کتابخانه مجلس موجود است با ادله ای قصیده ای که بدین مطلع میباشد:

ای پیکر منور محرور خوی چکان ثعبان آتشین دم روئینه استخوان

از خواجو دانسته شده و در ص ۲۰۰-۲۶۰ تذکره کاظم (نسخه کتابخانه مجلس) اشعاری از منوچهری میباشد که در این نسخه از دیوان او نیست. منوچهری مخصوصاً در انشاء مسمط دستی قوی داشته و مضامین بسیار عالی در آن بکار برده است.

دیوان منوچهری گرد آورده هدایت دوبار بسال ۱۲۸۵ و بی تاریخ در طهران و بسال ۱۸۸۶ م در پاریس چاپ شده و در حجم الفصحا در حدود ۱۷۰۰ بیت از منوچهری انتخاب شده است.

(۱۲۷۵)

دیوان این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نامی نبرده، بسال ۱۲۹۵ داخل کتابخانه منوچهری دامغانی اعتضاد السلطنه شده و نگارش آن ظاهراً ده پانزده سال پیش از تاریخ مذکور میباشد و همان دیوان گرد آورده هدایت است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی آبی رنگ. واقف سپهسالار. قطع خشتی باریک. شماره اوراق (۸۵). صفحه ای (۱۴) بیت. طول (۲۱ سانتیمتر). عرض (۱۴ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۹۱).

(۱۲۷۶)

این نسخه پیوسته بدیوان عنصری و هردو زیر شماره (۳۸۹) دیوان
در این کتابخانه ثبت گردیده اند ، و این نسخه نیز همان گرد
منوچهری دامغانی آورده هدایت مییابد ، تاریخ نگارش ندارد و خصوصیات
دیگر نسخه در ص ۶۴۵ زیر شماره (۱۲۳۶) نگارش یافت .

[۵۸۳] دیوان ناصر خسرو (فارسی)

حکیم ناصر خسرو (ابوالمعین ، ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی بلخی متولد
بسال ۳۹۴ و متوفی بسال ۴۶۰ یا ۴۸۱) از مشاهیر دانشمندان قرن پنجم هجری
بوده و در نشر و نظم پارسی و تازی دستی قوی داشته و رسائل و سفرنامه و دیوان وی
که بیادگار مانده برهانی قاطع بر مراتب فضل و علو مقام روحی وی مییابد ، نسبت
به اهل بیت حضرت رسالت پناهی ص کمال ارادت و علاقه داشته و خود را بدو معنی
فاطمی معرفی کرده ، درباره آثار و شرح حال این عالم بزرگ و شاعر شهیر فحول
و بزرگان متقدم و متأخر مختصراً و مفصلاً قلم فرسائی ها کرده اند ، متأخر از همه ،
دانشمند بزرگوار و عالم عالیمقدار آقای آقا سید حسن تقی زاده وزیر سابق مالیه
ایران و آزادی خواه مشهور مییابند که با مراجعه بهمۀ آن مأخذ از روی دیوان
و آثار این حکیم با تتبع بسیار عالمانه و دقیق تقریباً در ۲۵۰۰ بیت مشتمل بر :
۱ - اسم و رسم و حسب و نسب ناصر ، ۲ - روزگار جوانی و تحصیلات علمی و مسافرت
های او ، ۳ - مبدء انقلاب و آغاز تحول در زندگی وی ، ۴ - عودت بوطن و افراشتن
علم دعوت ، ۵ - تبعید از وطن و آوارگی او ، ۶ - عقاید و اخلاق ناصر ، ۷ - شمایل
شخصی و خانواده وی ، ۸ - وفات و قبر او ، ۹ - عقائد او ، ۱۰ - مؤلفات وی
و ۱۱ - مأخذ فارسی و عربی و اروپائی این نگارش ، بسال ۱۳۰۵ خورشیدی مرقوم
و جلوه دیوان این حکیم که در طهران چاپ گردیده گذارده شده است و طالب
شناسائی این حکیم را بهترین راهنماست .

از آثار ناصر خسرو یکی سفرنامه است که بسال ۱۸۸۱ م در پاریس و بسال

۱۳۱۴ در طهران و بسال ۱۳۴۰ در برلن چاپ شده و دیگری زادالمسافرین (آقای تقی زاده معتقد اند که نام اصل کتاب « زادالمسافر » است) میباشد که موافق عقاید اسمعیلیّه از روی قواعد حکمی و فلسفی تألیف شده و بسال ۱۳۴۰ نیز در برلن چاپ گردیده و دیگری منظومه « روشنائی نامه » و « سعادت نامه » و « وجه دین » و غیر از اینهاست (۱).

ناصر خسرو « حجت » تخلص میکرده و تا کنون اشعار عربی و غزلیات وی یافت نشده و جامع ترین دیوانهای این شاعر نسخه ایست که جناب آقای حاج سید نصرالله تقوی رئیس محترم این دانشکده و رئیس دیوان کشور (دیوان عالی تمیز) بسال ۱۳۳۹ مشتمل بر (۱۱۰۴۷) بیت گرد آورده (آقای تقی زاده تذکر داده اند جزایاتی که در این دیوان ضبط گردیده اشعاری از ناصر خسرو در دست هست) و بایست نسخه مقابله و تصحیح فرموده اند و همین نسخه است که مأخذ چاپ اخیر این دیوان بوده و دیوان ناصر پیش از این سه بار: نخست در تبریز و بسال ۱۳۱۴ قمری در تهران و بی تاریخ در هندوستان (ظاهراً) چاپ شده. ولی هر يك از آنها در حدود نصف این دیوان اخیر از حیث ابیات میباشد.

این دیوان جامع با مقدمه آقای تقی زاده و آقای مینوی و تعلیقات و حواشی فاضلانه و محققانه آقای علی اکبر دهخدا، به ضمیمه روشنائی نامه و سعادت نامه و رساله حکیم ناصر خسرو به نثر در جواب نود و نه سؤال فلسفی و منطقی و طبیعی و لغوی و دینی و تأویلی و غیره بسال ۱۳۰۴ - ۱۳۰۶ خورشیدی در تهران چاپ گردیده است.

(۱۲۷۷)

این نسخه را بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۵۸ یعقوب بن ابوالحسن دیوان در آشتیان نوشته، رساله ای که در شرح حالات ناصر خسرو ناصر خسرو و علوی میباشد و انشاء این رساله یا اصل عربی آن بخود وی نسبت

(۱) راجع به این مؤلفات و معرفی از مندرجات آنها و مؤلفات دیگر این حکیم به مقدمه آقای تقی زاده بر دیوان ناصر خسرو چاپ طهران ص ۳ - ۳ ب - ۳ ج مراجعه شود.

داده شده درشش برگ نیز همین نویسنده نوشته و در ابتداء این دیوان گذارده شده، مصرعها و کلمات برخی از ابیات قصائد در اثر اینکه در نسخه ای که اصل نگارش بوده نداشته و یا خوانا نبوده در این نسخه نگارش نیافته و جای آنها سفید گذارده شده.

و این نسخه که شامل قصائد و مقطعاتی از این شاعر میباشد در حدود ۷۴۰۰ بیت میباشد و بیت نخستین آن اینست:

در بند مدا را کن در بند میانرا در بند مکن خیره طلب ملک دارا.
جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۱۷۲) .
صفحه ای (۲۳) بیت . طول ($21\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۹۲) .
(۱۲۷۸)

دیوان این نسخه بخط نستعلیق مخلوط با کلمات شکسته نوشته شده، ظاهراً در اواخر نیمه دوم قرن سیزدهم نگارش یافته و بسال ناصر خسرو و علوی ۱۲۹۵ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت صفحه اول یادداشت شده، ترتیب تنظیم آن چون نسخه پیشین میباشد و در حدود ۵۰۰ بیت از آخر آن نوشته نشده و آخرین بیت را که نویسنده نوشته و دیگر توفیق نیافته اینست:

« پیغمبر سر دین حق است و ما ازین نامور تر مطیع سریم »
و این بیت از قصیده ایست که مطلع آن این بیت میباشد:
اگر باخورد جفت و اندر خوریم غم خور چو خرچند تا کی خوریم .
جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۸۹) . صفحه ای (۱۹) بیت . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۹۱) .

[۵۸۴] **دیوان نظام استرآبادی** (فارسی)

نظام الدین استرآبادی از شعرای قصیده سرای قرن دهم هجری بوده (۱) و بیشتر قصائد او در مدح حضرت پیغمبر اکرم ص و ائمه اثنی عشره بوده و در جزاین موضوع

(۱) تحفه سامی (چاپی) ص ۱۰۰ و ۱۰۱، هفت اقلیم ص ۹۳۲-۹۳۳ مجالس المؤمنین ص ۵۳۶-۵۳۸ آتشکده ص ۱۵۹ و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۵۰ مراجعه شده است.

کمتر شعر گفته، در اوائل به فق معمار غبّتی داشته و بدین صنعت معروف شده و سام میرزا اورا زیر عنوان « نظام معمائی » معرفی نموده و گوید بسال ۹۲۱ (۱) وفات یافته و يك مثنوی بنام « بلقیس و سلیمان » بدین شاعر نسبت داده و نگارنده تا کنون نسخه ای از این کتاب را سراغ نیافته، آذر و هدایت این کتاب را بنام « سلیمان و بلقیس » معرفی کرده اند و هدایت گوید نسخه آن دیده نشده.

این نسخه از دیوان که زیر این سطر ها معرفی میشود در حدود (۱۷۰۰) بیت میباشد.

(۱۲۷۹)

دیوان این نسخه پیوسته به دیوان ثنائی مشهدی است که زیر شماره (۱۱۷۶) معرفی گردید و در کتابخانه با آن دیوان زیر شماره (۳۷۵) ثبت شده، فقط شامل قصائد نظام میباشد، خصوصیات دیگر نسخه را در ص ۵۷۶-۵۷۷ نگاه کنید و آغاز نسخه این بیت است:

الحمد للقدیم له العز والجلال شاه سریر لم یزلی حی لایزال

[۵۸۵] دیوان نظیری نیشابوری (فارسی)

نظیری از شعرای قرن دهم هجری و نام وی محمد حسین (۲) میباشد، از وطن خویش نیشابور به هندوستان رفته، گویند نخستین شاعر ایرانی است که به آنجا رفته و از امراء شعر دوست هند محبت دیده و بمدح و ثنای آنها مخصوصاً خان خانان عبدالرحیم سپهسالار (در قرن یازدهم هجری مرده است) پرداخته و غزلیات دانشین ساخته، پس از مراجعت از زیارت مکه معظمه و مدینه طیبه در کجرات احمد آباد توطن اختیار کرده و چنانکه از هفت اقلیم استفاده میشود این مسافرت پیش از سال ۱۰۰۲

(۱) در هفت اقلیم نگارش یافته که دختر نظام الدین پس از مرگ پدر قطعه ای در طلب سنگ قبر پدر انشا نموده و برای سلطان حسین میرزا فرستاد و چون میدانیم که سلطان مذکور بسال ۹۱۱ وفات یافته و وفات نظام الدین هم مسلماً بسال ۹۲۱ بوده واضح میشود که برای این پادشاه نمیشود که انشای آن باشد و در آن تشکده نوشته شده یکی از برادران وی قطعه ای موزون و بخواجه سیف الدین فرستاد و قطعه مذکور در هر دو مأخذ نگارش یافته است.

(۲) تذکره خوشگو، هفت اقلیم ص ۶۳۷ - ۶۳۹ و شمع انجمن ص ۴۵۳ مأخذ نگارش این شرح حال میباشد.

بوده و در این تاریخ اشعار وی مطلوب و متداول بوده و پس از مراجعت گوشه نشینی اختیار و بخود پرداخته و از آثار این بخش از زندگانی وی بوی زهد و تصوف آشکار و بمدح و ثنای نبیؐ مختار و ائمه اطهار علیهم صلوات الله پرداخته و علم حدیث و تفسیر را از مولانا حسین جوهری آموخته و باخواجه حسین ثنائی دوستی کامل داشته و او را مرثیه گفته و چنانکه در شمع انجمن ثبت شده بسال ۱۰۲۳ بخلوتکده عدم آramیده و از دیوان وی چنین معلوم میشود که خود شاعر آنرا مرتب کرده است. نسخی که از دیوان نظیری نگارنده دیده شامل قصائد و غزلیات مرتبه بحر و تہجی و ترجیع بند و غزلیات و ترکیب بند (دوازده بند) در مدح ائمه اثنی عشر و غیر از ایشان و رباعیات میباشد و تمام دیوان او در حدود (۱۰۰۰۰) بیت است. غزلیات مرتبه نظیری که در حدود ۵۰۰۰ بیت میباشد بسال ۱۹۲۸ م در لاهور هند چاپ شده و پشت جلد نسخه چاپی تذکر داده شده که این غزلیات به اردو ترجمه و چاپ گردیده است.

آغاز قصائد :

ای جلالت خلوت از اغیار تنها ساخته حکمت تو از کرم دی کارفردا ساخته
آغاز غزلیات مرتبه :

اذا ما شئت ان تحيي حيو خلوة المَحيا بر سوائی بر آور سرزمستوری برون نه پا
آغاز ترکیب بند در مدح ائمه ۴ :

وقتی که شکل دائرة کن فکان نبود جز نقطه حقیقت حق در میان نبود

(۱۲۸۰)

دیوان این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۱۰۸۵ در حیدرآباد هند نوشته اند، شامل قصائد و غزلیات مرتبه و ترکیب و ترجیع بند و رباعیات نظیری نیشابوری میباشد و در حدود (۸۴۰۰) بیت است، پشت صفحه آخر چند سطر که نگاشته بوده اند محو گردیده ولی آثاری از آن باقی میباشد و چند برگ از اول و آخر نسخه و صالی شده و صفحات مجدول بطلاست.

جلد تیماجی مذهب گل و بوته قدیمی ، رنگ روغن رفته و طرف درون نیم ضربی طلا کشیده .
کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۴۸) . صفحه ای (۱۷)
بیت . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض ($۱۳\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۸۴) .

(۱۲۸۱)

دیوان این نسخه ظاهرآ در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، ۲۸ بیت
از اول نسخه و ۲۶ رباعی و یک بیت از آخر آن افتاده و در
نظیری نیشابوری حدود (۷۰۰۰) بیت میباشد ، اوراقی از اول و آخر نسخه
و صالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۲۶۲) . صفحه ای
(۱۳) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض ($۱۲\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۸۳) .

[۵۸۶] دیوان نوائی = نوادرالشباب (ترکی)

امیرعلیشیر نوائی که در ص ۵۳۸ - ۵۴۰ بمعرفی ایشان پرداخته ایم چنانکه
در « تحفه سامی » تذکر داده شده چهار دیوان ترکی داشته و هر یک را بنامی نامیده
(غرائب الصغر ، نوادرالشباب ، بدایع الوسط ، فوائد الکبر (۱)) و نسخ زیرین
بنابر آنچه در آخر نسخه شماره ۱۲۸۴ این فهرست نویسنده تصریح نموده نوادرالشباب
میباشد و مقدمه ای بشرتر کی خود امیر بر این دیوان نوشته و بنام سلطان حسین میرزا
موشح گردیده و در اینجا تذکر داده که مقتضیات جوانی را در هنگام فراغت از
کارها به انشاء و نظم جلوگیری مینموده و این دیوان مشتمل بر غزلیات مرتبه بحروف
تهجی بر حسب ردیف ها ، مستزاد ، خمس ، مسدس ، ساقی نامه ، ترجیع بند ،
مثنوی ، مقطعات و رباعیات میباشد و در حدود (۵۷۰۰) بیت است و دیباچه آن
هم در حدود (۳۵۰) بیت میباشد .

آغاز دیباچه : حمد آنکا کلام خیر مال قیلدی ایلکار سولدین ارسال . . . (۲)

- (۱) در تحفه سامی چاپی نام این چهار دیوان غلط و تصحیف چاپ گردیده و این نام ها از روی نسخه
خطی این کتابخانه نقل شد و در حاشیه نسخه اول این فهرست و دیباچه سنگلاخ نیز بهمین نحو ثبت گردیده .
(۲) در یکی از نسخه های زیرین (سومین نسخه از دیوان) دیباچه به پنج شعر شروع گردیده که
این بیت یکی از آنها میباشد ولی در نسخ دیگر نیست .

فصاحت دیوانك غزل سرالاری طبع غزنی دین شوریده حال عاشق لارخرمن الخ .
آغاز دیوان :

اشرقت من عكس شمس الكاس انوار الهدی

یار عکسین می دا کور دیب جام دین چتقی صدا

(۱۲۸۲)

دیوان نوائی این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، تاریخ و نام نویسنده چون برگ آخر آن افتاده معلوم نشد ، برگ ۴۷ (نوادرالشباب) دارای يك مجلس نقاشی چینی ظریف میباشد كه شكارگاه

و حالت شكار یکی از بزرگان امیرساند و برگ ۱۱۰ نیز بطرز چینی تصویر شیرین و خسرو را در حال گردش و سواراسب و تماشای فرهاد دارد و هر دو تصویر تقریباً بعرض و طول صفحه اند ، تمام دو صفحه اول نسخه که شامل چند سطری از دیباچه میباشد که باطلا نوشته شده ، تذهیب و نقاشی بسیار خوب ظریفی گردیده در آغاز غزلیات و سائر بخشها پیشانی (مربع مستطیل) بسیار ظریف تذهیب شده و سر سوره هائی ظریف موجود و پا صفحه های برخی از برگها بابرگ بعد مطابقه نمیکند و میرساند که اوراقی از میان نسخه افتاده و از یادداشتی که پشت نسخه شامل شماره میباشد با شماره کنونی آنها ، بدست می آید که ۱۹ برگ از نسخه افتاده است .

پشت صفحه نخستین یادداشتهای زیادی بوده و میباشد برخی را محو کرده اند از آثار محو شده ها بر می آید که نسخه در کتابخانه سلاطین صفویه بوده و در کنار بیشتر از برگهای برگ ۱۲۵ تا آخر نسخه مطالب زیرین نگارش یافته و از اینکه از سام میرزا به « اعلیحضرت سام میرزا » تعبیر کرده چنین استفاده میشود که این مطالب پیش از سال ۹۷۵ که سام میرزا مرده ، نگارش یافته و اصل نسخه ظاهراً در اوائل قرن دهم نوشته شده است .

مندرجات حواشی برگ ۱۲۵ تا آخر عبارت است از - ۱ - مکتوب ترکی امیر علیشیر به سلطان حسین میرزا و اجازه تشریف به مکه معظمه خواستن ، ۲ - جواب پادشاه بوی ، ۳ - فرمان پادشاه به راه داران در هنگام حرکت امیرمذکور بمکه ، ۴ - حالات امیر

علیشیر به نقل از تحفه سامی، ۵ - دلیلی بر تشییع امیر علیشیر از ایبات وی و ۶ - صورت عهدنامه محمد شاه پادشاه هند بانادرشاه افشار. و بر این اوراق و بعضی از برگهای پیشین ایباتی فارسی و ترکی بخط نویسنده همین مطالب نگارش یافته است.

تمام صفحات مجدول بطلا و عناوین بخشها باسفیداب و عباراتی که در فواصل غزلیات و غیره نوشته شده بترتیب یکی بالاچورد و دیگری باطلاست.

جلد مرغش مذهب دورو. کاغذ بخارائی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۱۴۸) صفحه ای (۱۷) بیت. طول (۲۷ سانتیمتر). عرض (۱۸ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۶۸). (۱۲۸۳)

دیوان نوائی این نسخه را بسال ۹۲۴ بخط نستعلیق خیلی خوب در قسطنطنیه نوشته اند، دیباچه را در آغاز نیز دارد، يك سر لوح بسیار ظریف در اول دیباچه و دیگری که نیز با کمال ظرافت تذهیب و نقاشی شده در اول غزلیات موجود و پشت برگ نخستین ترنج مثنوی که با کمان استادی تذهیب و نقاشی گردیده موجود و در دایره ای که در وسط آن میباشد و طلا اندازی شده این بیت باسفیداب نوشته شده:

دیدانکه در این دیوان اوصاف پری رویان

دیوان سلیمان گفت دیوان نوائی را.

تمام صفحات مجدول بطلا و عناوینی که در فاصله غزلیات و غیره نوشته شده نیز باطلاست.

جلد ساغری ضربی داخل سرخته معرق بسیار ظریف. کاغذ بخارائی. واقف مشیر السلطنه، قطع وزیری. شماره اوراق (۱۸۹). صفحه ای (۱۳) بیت. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۵ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر). شماره (۵۱۷). قفسه مدرسه مشیر السلطنه.

(۱۲۸۴)

دیوان نوائی این نسخه را بسال ۱۱۱۲ (۱) علی اکبر تبریزی متخلص به مسکین نوشته، دیباچه را هم داراست، پس از اتمام کتاب قصیده ای بترکی نگارش یافته و پس از آن رساله ای بترکی **(نوادر الشباب)**

(۱) در آخر دیوان بحروف سال نگارش را در این سال نوشته ولی در آخر رساله پیوسته با عدد سال ۱۱۱۰ را معین کرده و مسلماً نگارش رساله پس از دیوان بوده بنابراین نویسنده در یکی از دو مورد اشتباه کرده است.

در بیان معانی لغات مستعمله در ابیات امیرعلیشیر می باشد و مرتب بترتیب بحروف تهجی باملا حظه مفتوح و مضموم و مکسور بودن آنها که باالف و واو و یاء موافق رسم و انشاء امیرنگارش یافته و نام مؤلف در مقدمه و آخرین رساله نیست و این رساله بایستی یکی از آن رساله هائی باشد که در معانی لغات امیرعلیشیر تألیف گردیده و میرزا مهدی خان در مقدمه سنگلاخ بدانها اشاره نموده ، این رساله در حدود (۱۷۰۰) بیت می باشد و آغاز آن اینست : بسمله عشق و محبت پیمانه سی نیک رند قدح پیمائی و شعر و بلاغت کاشانه الخ .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق کلیه (۱۹۷) . صفحه ای (۱۷) بیت . طول (۲۹ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۶۷) .

(۱۲۸۵)

دیوان نوائی این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، در آغاز دیوان يك سرلوح ظریف دارد ، ظاهرآ در قرن یازدهم هجری نگارش یافته ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد و شنجراف می باشد ، دیباچه را ندارد و برخی از برگها و صالی گردیده است .

جلد میشن مستعمل ، طرف داخل معرق سوخته . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۳۹) صفحه ای (۱۱) بیت . طول (۲۳ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض (۱۷ $\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۹۷) .

[۵۸۷] دیوان نوائی (ترکی)

چنانکه گفته شد امیرعلیشیر نوائی که در ص ۵۳۸-۵۴۰ بمعرفی وی پرداخته ایم چهار دیوان داشته و نام آنها را نقل کرده ایم از مندرجات فهرست ترکی کتابخانه خدیویه (ص ۱۲۶-۱۲۷) معلوم میشود که چهار دیوان وی موجود می باشد و آغاز هر کدام را هم نقل نموده و آن نقل شده ها چون از مقدمه نثری دیوان های مذکور می باشد و این نسخه زیرین چون دیباچه را ندارد ندانم مطابق کدام يك از شماره های دیوانهای نام برده می باشد و در صورت دانستن هم چون نام دیوانها در فهرست مذکور نیست معلوم نمیشود این نسخه زیرین کدام يك از آن دیوانهاست .

این دیوان که شامل غزلیات مرثیه بتدریب حروف تهجی بر حسب قوافی و مخمسات و رباعیات میباشد در حدود (۳۸۰۰) بیت است .

آغاز: یارب اولغان چاغدا جانیم جسم ویرا بدن جدا

اوبولوب موندین جداسین بولماغیل اندین جدا.

(۱۲۸۶)

دیوان نوائی
این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، تاریخ نگارش ندارد ولی ظاهراً در اوائل قرن دهم هجری نگاشته شده ، در زیر آخر صفحه و حاشیه آن یادداشتی با تاریخ بوده محو گردیده یادداشتی که بسال ۱۱۴۱ نوشته شده پشت صفحه نخستین موجود ، اطراف دو صفحه نخستین که شامل پنج بیت از اولین غزل این دیوان میباشد با بهترین طرزی نقاشی و تذهیب گردیده و تمام صفحات بجدول بطلا و زنگار میباشد و برگ اول و آخر و صالی گردیده است .

جلد سوخته و طرف درون سوخته معرق طلا پوش ظریف . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۰۸) . صفحه ای (۱۲) بیت . طول ($24\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . عرض ($15\frac{1}{4}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۷۰) .

[۵۸۸] دیوان نورعلیشاه (فارسی)

نورعلیشاه یکی از مشاهیر متأخرین صفویه نعمت الهی است و درص ۴۸۹-۴۹۱ همین مجلد معرفی ایشان گردید ، و دیوان وی شامل غزلیات و رباعیات و قصائد و مقطعات و ترجیع بند و ساقی نامه و مثنوی هائیکه در جواب سؤال مظفرعلیشاه انشا کرده و غیر از اینها میباشد و نسخه زیرین که شامل غزلیات قدیم و جدید بحروف تهجی است با سائر ابیات وی در حدو (۴۰۰۰) بیت است .

(۱۲۸۷)

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۵۶ نوشته شده ، پیش از شروع به غزلیات قدیم ، ترجمه خطبه البیان از نورعلیشاه نگارش یافته و بر ابتداء آن بخط نستعلیق در شت نوشته اند :

**دیوان
نورعلیشاه**

کلیات نورعلی‌شاه ولی این نسخه را نمیتوان بدین نام نامید و از آخر ترجمه خطبه البیان و اول غزلیات افتاده دارد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی رنگا رنگ . واقف سیه سالار . قطع بغلی . شماره اوراق (۱۶۶) صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۱۵ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . عرض (۱۰ $\frac{۱}{۴}$ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۳۸) .

[۵۸۹] دیوان والہ اصفهانی (فارسی)

آقا محمد کاظم اصفهانی متخلص به والہ چنانکه معاصروى «راوى» گروسی در انجمن چهارم ، انجمن خاقان نوشته (عین عبارات و معانی اورا با اندک اسقاطی هدایت در مجمع الفصحا (ج ۲ ص ۵۵۹) آورده) ، از اعیان اصفهان بوده چندی برای تجارت و زیارت با عتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مشرف شده چون از آنجا بوطن خود برگشته در مدرسه جدّه حجره ای اختیار و در آنجا مسکن گزیده ، مرجع اصحاب حال و مجمع ارباب کمال گردید ، اسباب و لوازم حجره را از بهترین امتعه و پاکیزه ترین اوانی تهیه نموده ، راوی گروسی که خود آن وضعیت را مشاهده کرده گوید : « در آن پاکیزه مقام از صاحب بحر به مهذب به و کتب مصححه مذّهبه و صحف محشّا و فرش موّشا چنداں یافتیم که در کمتر جای عالم نشان توان داد و خود آدمی متمکن و شیخی متعین بنظافت جامه و قبول عامه فرید اصفهان بل و حید زمان بود الخ » :

حاج محمد حسین خان نظام الدوله صدر اصفهانی (متوفی بسال ۱۲۳۸) که در آن عصر حاکم اصفهان بوده و از مردان خیر و متدین و سخی الطبع روزگار بشمار است نسبت به والہ کمال رعایت و مبالغه در احترام مینموده که محسود اقران گردید و تکیه ای بنام « الهیه » برای وی بساخت که در ظرافت و قشنگی کم نظیر بود و چون بسال ۱۲۲۹ والہ به آنجهان خرامید در همانجا بخاک سپرده شده و اینک مزار دانشمندان است .

نسخه زیرین از دیوان وی از قرائن موجوده در آن در زمان حیات شاعر نوشته شده و شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و یک مثنوی میباشد و در حدود (۵۲۰۰) بیت شعر است .

آغاز قصائد : مرا دست فراق دلبری افکنده است از پا
 که گر بریا فلک اندازدش سرنبودش پروا.
 آغاز غزلیات : سر کوئی که هریگانه را باشد پناه آنجا
 چه میبود آشنائی را اگر میبود راه آنجا
 (۱۲۸۸)

دیوان
 چنانکه گفته شد از قرائن بدست می آید که این نسخه در زمان
 حیات **واله** نوشته شده ، در حاشیه چندین برگ غزلیات
 و ابیات دیگری از وی بخط خوب نوشته شده ، هدایت نوشته **واله**
خطی نیکو داشته و علم عروض نیکو میدانسته بنابراین احتمال قوی میدهم که
 حواشی خط خود ایشان باشد ، سه سر لوح زیبا در آغاز قصائد و غزلیات و مثنوی
 مختصر روی رسم شده و صفحات مجدول بطلا و لاجورد میباشد و میان سطرهای
 دو صفحه نخستین طلا اندازی شده است .

در پایان آخرین صفحه دخول آن بسال ۱۲۴۷ بکتابخانه دارائی (شاهزاده دارا)
 و پشت صفحه نخستین دخول آن بسال ۱۲۷۰ در کتابخانه اعتضادیه و پس از آن بسال
 ۱۲۹۷ وقف شدن آن یاد داشت گردیده و دو برگ مجدول نوشته در آخر
 نسخه است .

جلد روغنی دورو ، گل و بوته و نرگس . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع خشتی .
 شماره اوراق (۲۷۷) . صفحه ای (۹) بیت . طول (۲۰ $\frac{۱}{۳}$ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) .
 شماره کتابخانه (۴۲۰) .

[۵۹۰] دیوان وحشی کرمانی (فارسی)

وحشی کرمانی از شعرای عاشق پیشه پرسوز و گداز نیمه دوم قرن دهم هجری
 بوده و چنانکه تقی الدین اوحدی مؤلف « تذکره عرفات » گفته بسال ۹۹۱ (۱)

(۱) در تحفه سامی که بسال ۹۵۶ تألیف شده از این شاعر نام برده نشده بنابراین معلوم میشود که در
 آن سال هنوز شهرت نداشته ولی درص ۱۳۶-۱۳۷ هفت اقلیم ، تذکره خوشگودر حرف واو ، ص
 ۱۲۶-۱۳۵ آتشکده ، ص ۵۱ ج ۲ مجمع الفصحا و ترجمه تاریخ ادبیات ادوارد برون (۱۵۹ ج ۴)
 و هفت آسمان ۱۰۹-۱۱۱ شرح حال این شاعر نگارش یافته و مراجعه شده است .

وفات یافته و نگارنده در دیوان وی ماده تاریخ فوت خان قلی را که بسال ۹۹۰ (۱) بوده یافتیم، در هیچ يك از تذکره‌ها و مآخذ نام و حشی و پدر وی ثبت نشده و همه او را در زیر عنوان **وحشی** که تخلص شاعر می‌باشد ذکر کرده‌اند، اصل وی از کرمان ولی چندی در یزد زندگانی کرده و شاگرد شرف‌الدین علی یزدی بوده، در اوائل سلطنت اکبر شاه (۲) به هندوستان رفته و در آنجا مشهور شده، چنانکه تقی‌الدین اوحدی ادعا نموده دیوان وحشی را وی جمع و تدوین کرده و در حدود نه هزار بیت می‌باشد ولی کاملترین نسخه‌ای که نگارنده دیده نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی می‌باشد که در حدود ۸۰۰۰ بیت و بدین تفصیل است:

- ۱ - غزلیات مرتب بترتیب حروف تهجی بر حسب ردیف‌ها در حدود ۲۲۵۰ بیت، ۲ - قصائد و مقطعات در حدود ۲۲۰۰ بیت، ۳ - ترکیب بند و مسمط در حدود ۱۰۰ بیت، ۴ - رباعیات در حدود ۱۰۰، ۵ - مثنوی ببحر خسرو شیرین بنام «ناظر و منظور» در حدود ۱۵۰۰ بیت، ۶ - خلد برین بوزن غزن الاسرار در حدود ۵۳۰ بیت، ۷ - مثنوی مشتمل بر مدح غیاث‌الدین و غیره در حدود ۲۴۰ بیت، ۸ - فرهاد و شیرین که ناتمام مانده (۳) در حدود ۱۰۰۰ بیت است و خود در قطعه‌ای که پس از نسخه ناظر و منظور متعلق به مجلس شورای ملی (جزء کلیات وحشی است) گذارده انشاء آنرا بسال ۹۶۶ معین نموده است.

بسال ۱۳۴۷ دیوان غزلیات و قصائد و رباعیات و ناظر منظور و خلد برین و فرهاد و شیرین و حشی در حدود ۷۰۰۰ بیت چاپ سنگی شده و دانشمندی بنام اسمعیل و ملقب به «حمیدالملک» مقدمه‌ای در شرح حال و حشی با تحقیق شایسته‌ای در سبک

(۱) در مقطعات دیوان خطی وحشی (ص ۳۳۱ نسخه مجلس) است:

طلب کردم چو تاریخش فرو گفت «شهید دشنه جور زمانه» = ۹۹۰.

(۲) اکبر شاه پادشاه هند که تاریخ اکبری را ابوالفضل بن مبارک بنام وی نوشته چنانکه در تذکره خوشگو تصریح شده بسال ۹۵۲ متولد شده و بسال ۹۶۴ پادشاه شد و بسال ۱۰۱۴ رخت بسر ای دیگر بست.

(۳) درس ۵۲۸ ج ۲ مجمع الفصحا ذکر شده که میرزا کوچک متخلص به وصال که از شعرای قرن سیزدهم هجری بوده و بسال ۱۲۶۲ وفات یافته نقص این کتاب را تکمیل کرده است.

و روش این شاعر بامراجعه به تذکره هائی فارسی و فهرست های فرنگی نوشته و مأخذ نگارش این بنده نگارش ایشان نیز بوده است .

آغاز غزلیات : از گاه کهر با بگریزد به بخت ما

خنجر بجای برگ بر آرد درخت ما

(۱۲۸۹)

دیوان

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، تاریخ و نام نویسنده ذکر نشده ، ظاهر آن نویسنده هندی و در نیمه اول قرن یازدهم نگاشته شده ، شامل غزلیات و قصائد و حشی میباشد و « فرهاد و شیرین » را هم نیز دربردارد ، يك پیمانی (مربع مستطیل) مذهب در اول غزلیات و یکی در اول « فرهاد و شیرین » رسم شده و صفحات بجدول بطلا و لاجورد میباشد و تمام برگها و صالی شده و متن و حاشیه است .

جلد روغنی گل و بوته دورو . کاغذ دولت آبادی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۹۹) . صفحه ای (۱۵) بیت . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض ($۱۳ \frac{۱}{۴}$) سانتیمتر . شماره کتابخانه (۲۶۸۰) .

[۵۹۱] دیوان وحید قزوینی (فارسی)

میرزا احمد طاهر متخلص به وحید منشی و مورخ عصر شاه عباس ثانی صفوی (۱۰۷۸-۱۰۵۲) بوده ، تاریخ و وقایع سلطنت این پادشاه را نوشته (۱) مثنوی هائی مفصل و مختصر بنام : فتحنامه قندرهار (۲) ، خلوت راز ، ناز و نیاز ، گلزار عباسی ، ساغر سرشار ، مثنوی در وصف همایون تپه (۳) ، ایضاً در تعریف نرد ، ایضاً در ذکر و معرفی يك به يك از ادوات جنگ و مثنوی عاشق و معشوق (در آخر این مثنوی بوصف اصفهان و ذکر يك به يك از اصناف آن شهر و تعریف آنها پرداخته است) انشا نموده و نسخی از آنها در کتابخانه مجلس موجود و در فهرست آنجا ذیل « کلیات وحید » معرفی کامل خواهد شد ، بنا بر ضبط رضا قلیخان هدایت در جلد هشتم روضة الصفا

(۱) نسخه ای از این تاریخ در کتابخانه آقای ملک الشعراء (بهار) موجود است .

(۲) در تسمه روضة الصفا (جلد هشتم) این فتح بسال ۱۰۵۸ معین گردیده است .

(۳) در تسمه روضة الصفا عمارت همایون تپه بسال ۱۰۶۴ معین گردیده است .

(متمم روضة الصفا) «پس از اینکه بسال ۱۱۰۱ شیخعلیخان زنگنه وزیر شاه سلیمان بن شاه عباس شاه (۱۰۷۸-۱۱۰۵) بدرود زندگانی گفت میرزا طاهر قزوینی متخلص به وحید که مخدول و مکروب و خانه نشین بود برمسند وزارت تکیه نمود، مرجع امر و سفرا و مطبوع عرب و عجم و ترک و دیلم گردید، چون او از اصحاب و ارباب اغضال بوده دیوانی مشحون بنظم و نثر ترکیه و عربیه و فارسیه قریب بنود هزار بیت باتمام رسانیده و در هنگام تذکره نگاری مکرر دیده شد» ادوارد برون در تاریخ ادبیات (۱) بمعرفی وی پرداخته و گوید در حدود سال ۱۱۲۰ وفات یافته و بنقل از آتیه خاور شناس معروف مؤلف فهرست کتب فارسی «ایندیا فیس»، نقل نموده که وحید از دوستان صائب بوده و خوشگو در تذکره خود چندین بیت از وحید را بنام اینکه انتخاب کرده صائب میباید نقل نموده و آقای جواهر الکلام درص ۱۰۰ جزء چهارم آثار الشیعة الامامیه وحید را معرفی و گوید که صد سال عمر کرده و در اواخر ایام انحلال سلطنت شاه سلطان حسین صفوی از وزارت استعفا داد و خوشگو وفات وحید را بسال ۱۰۸۲ ثبت کرده و بنابر آنچه گذشت مسلماً این تاریخ اصلی ندارد.

و مؤلف شمع انجمن (ص ۵۱۳) وحید را نام برده و گوید «در فنون و علوم و نظم و نثر گوی از هم عصران می برد دیوان غزل قریب سی هزار بیت از وی بنظر رسیده» و ایبانی چند از آن انتخاب کرده است.

و نویسندگان نام برده تألیف رساله هائی در علوم مختلفه به وحید نسبت داده اند و تا کنون نگارنده از نشر و نظم عربی و نثر و نظم ترکی وحید چیزی نیافته جز مکتوبی عربی که در آخر یکی از نسخ کلیات وی در مجلس وجود دارد.

آغاز دیوان غزلیات :

کرامت کن عیاری یارب این ناقص عیاران را

بده دستی که گیرم دامن پرهیز کاران را

(۱۲۹۰)

دیوان

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده، از طرز نگارش بدست می‌آید که برای خود شاعر نوشته شده، و در وحید قزوینی برکها تتمه برخی از ردیف‌ها سفید گذارده شده که پس از انشا در آنجاها نوشته شود و در پاره‌ای از موارد هم غزلیاتی نگارش یافته و در حاشیه دو برگ اول نسخه غزلیاتی بخط غیر کاتب متن بر ردیف الف نوشته شده، گذشته از غزلیات، فردها و رباعیات و غزلیات با تمام وحید نیز پس از غزلها و ردیف‌های خود مندرج گردیده و تقریباً در حدود (۳۶۰۰۰) بیت میباشد، برگ آخر کنونی شامل غزلیات ردیف خاء معجمه میباشد و برای اینکه نسخه بدون نقص نشان داده شود در آخر گذارده شده و شش برگ پیش از آنهم بایستی پیشتر از اینجا که اکنون صحافی شده گذارده شود و از ردیف یاء هم بایستی بر گهائی افتاده باشد.

صفحه نخستین دارای يك سر لوح و تمام اوراق مجدول بطلا و لاجورد و شنجرف میباشد.

جلد تیماجی ظریف. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع رحلی بزرگ. شماره اوراق (۴۳۷). صفحه‌ای (۴۴) بیت. طول (۳۴ سانتیمتر). عرض (۲۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۶۲).

(۱۲۹۱)

دیوان

این نسخه تقریباً شامل (۲۲۰۰۰) بیت غزل و قطعه و فرد و رباعی میباشد (در حدود ۲۰۰ بیت مثنوی نیز شامل است) بخشی از غزلها (از اول غزل ردیف الف تا اواسط حرف تاء در آخر نسخه گذارده شده و اوائل نسخه جز سه ورق که شامل ابیاتی از يك مثنوی میباشد از غزلیات به ردیف دال شروع و تا حرف نون خاتمه مییابد و میان این دو بخش مقطعات و ماده تاریخ هاست و فردها و رباعیات هم در میان غزلها موافق ردیف هاست، بر گهائی از نسخه وصالی شده و بنام «جنگ اشعار» داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و بهمین نام وقف و در دفاتر مدرسه ثبت گردیده است.

جلد تیماجی نیم ضربی (۱). کاغذ اصفهانی. واقف سپهسالار. قطع رحلی بزرگ: شماره اوراق (۲۷۵). صفحه ای (۸۰) بیت. طول (۳۶ سانتیمتر). عرض (۲۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۶۳).

[۵۹۲] دیوان ولی دشت بیاضی (فارسی)

ولی دشت بیاضی از شعرای شاه طهماسب صفوی تا اوائل شاه عباس اول بوده و چنانکه در سفینه خوشگو ثبت شده دیوان قصائد و غزلیات او در حدود پنجهزار (۲) بیت میباشد و بسال ۱۰۱۰ (۳) غنیم (۴) بیک اوزبک بجرم تشیع او را شهید کرده است دشت بیاض از توابع قائن خراسان میباشد و در اثر سفیدی خاک بدین نام نامیده شده است این رباعی در هفت اقلیم از ولی نقل شده و در دیوان وی (نسخه زیرین) با کمی تغییر نیز موجود است:

امی لقبی کز انبیا اعلم بود احمد نامی که سرور عالم بود
زان سایه بدو نبود همراه که بود محرم جائی که سایه نا محرم بود.
آغاز: ای حریمت کعبه حاجت روای جبرئیل
نقش نعلین تو غراب دعای جبرئیل.

(۱۲۹۲)

دیوان این نسخه پیوسته به دیوان ثنائی مشهدی است که زیر شماره (۱۱۷۵) معرفی گردید و در کتابخانه با آن دیوان زیر شماره ولی دشت بیاضی (۲۸۴) بنام «دیوان اثیرالدین اومانی» ثبت و وقف گردیده،

- (۱) پشت جلد با شنجرف ایباتیکه مطلع آنها نوشته میشود و آنچه روی یکی از جلدها بوده تراشیده شده است اینست: این چه شور است که در دور قمر مبینم الخ.
- (۲) درص ۱۲۲ آتشکده آذر معرفی مختصری از ولی گردیده و گوید: دیوانش دو هزار بیت بنظر رسیده اشعار دیوانش یکدست است.
- (۳) درص ۶۶۹ - ۶۷۰ هفت اقلیم معرفی و در باره وی پس از تعریف و توصیف زیاد گوید: «روزگاری مهنا داشت تالوای عالم بخلد برافراشت» و چون هفت اقلیم بسال ۱۰۰۲ تألیف شده بایستی در همین سال وفات یافته باشد و پیش ازین نخواهد بود چرا که در دیوان وی مرثیه از سلطان علی که از او مکرر سلطان علی خلیفه تعبیر کرده موجود و این مرد چنانکه در عالم آراست بسال ۱۰۰۲ کشته شده است.
- (۴) در تذکره یاسفینه خوشگو غنیم ثبت شده ولی در تاریخ عالم آرا (نسخه خطی مدرسه) یکجا تلیم و جای دیگر تمیم نگاشته شده است.

شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات می‌باشد و بر حسب شماره نگارنده ۳۰۴۸ بیت می‌باشد، بسال ۱۰۲۵ نوشته شده و خصوصیات دیگر نسخه را به ص ۵۷۶ نگاه کنید.

[۵۹۳] دیوان هاتف اصفهانی (فارسی)

سید احمد اصفهانی متخلص به هاتف پدر سید محمد سحاب می‌باشد که در ص ۶۰۵ - ۶۰۶ معرفی گردید، هاتف بگفته راوی گروسی (۱) در فنون حکمی و علوم ریاضی مسلم زمان و وحید دوران بوده و بحسن اخلاق شهره آفاق و در اثر رفاقت و دوستی با آذر و صباحی متوطن در کاشان شده و بسال ۱۱۹۸ در قم بجوار رحمت الهی رهسپار گردید و راوی در ذیل شرح حال سحاب طبیب بودن این شاعر را نیز تذکر داده، آذر و هدایت قدرت هاتف را بر نظم و شعر عربی تذکر داده اند ولی نگارنده تا کنون به نظم و نثر تازی وی و نثر فارسیش دست نیافته است.

دیوان هاتف شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و ترجیع بند می‌باشد و شهرت هاتف بیشتر بواسطه ترجیع بند معروف وی می‌باشد که در این بخش هیچیک از متقدمین و متأخرین بپایه هاتف نرسیده و هدایت گوید که دیوان مختصری دارد شماره ایات دو نسخه زیرین را در ذیل معرفی هر یک خواهیم نگاشت.

آغاز: سحر از کوه خاور تیغ اسکندر چو شد پیدا

عیان شد رشحه خون از شکاف جوشن دارا.

(۱۲۹۳)

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خوب محمد رفیع بن محمد صادق شیرازی بسال ۱۲۲۱ نوشته و با دیوان صهبا و دیوان عبد المجید هاتف اصفهانی درویش که بدان پیوسته است زیر شماره (۴۰۱) در این کتابخانه ثبت گردیده و بر گ ۱-۳۸ نسخه این دیوانست و خصوصیات دیگر آنرا در ص ۶۲۷

(۱) انجمن خاقان در انجمن چهارم و آتشکده آذر ص ۴۳۶-۴۴۵، مجمع الفصاحا ج ۲ ص ۵۶۷-۵۷۲ و ترجمه تاریخ ادبیات ادوارد برون ص ۱۸۷-۱۹۱ شامل شرح حال و منتخبی از اشعار هاتف می‌باشد.

نگاشته ام و این نسخه در حدود (۱۱۵۰) بیت از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و ترجیع بند میباشد .

(۱۲۹۴)

دیوان

این نسخه پیوسته به دیوان سحاب میباشد که در ص ۶۰۵-۶۰۶ معرفی گردید و در این کتابخانه هر دو نسخه زیر شماره (۲۶۱) ثبت گردیده اند ، خصوصیات دیگر را به صفحه نام برده در سطر بالا مراجعه نمائید و تقریباً شامل ۱۵۰۰ بیت از قصیده و غزل و قطعه و رباعی و ترجیع بند میباشد .

[۵۹۴] دیوان همایون اسفرائینی (فارسی)

امیر همایون (۱) از نیکو طبعان اسفرائین بوده و امین احمد رازی در وصف وی گوید : « در شعر از شعری گذشته و در ترنسرین را باز پس گذاشته » و آذر نوشته « در اوائل شباب از اسفرائین حرکت و به تبریز رفته و در آنجا بجوانی شیخ ولی بیک نام از ملازمان سلطان یعقوب (۲) فریفته شده و میل بگفتن شعر برده و بعد از فوت سلطان و قتل قاضی عیسی که حضرات ارباب دانش ناچار از تبریز حرکت کردند چون شیخ ولی بیک در قریه از ملک من اعمال قم ساکن و در آن اوان با صوفی خلیل دم از مخالفت زده امیر مشارالیه خود را بآنجا رسانید از حضرت معشوق نهایت مراعات یافته و سه سال در آنجا بوده هم در آنجا سنه ۹۰۲ جان بجان آفرین تسلیم کرد الخ » .

این نسخه از دیوان همایون که شامل غزلیات مرتبه بترتیب حروف تهجی بر حسب ردیف هاست در حدود ۹۰۰ بیت میباشد و اشعاری لطیف دارد و در آن تبریزیان را بر خراسانیان که هموطنان او بوده اند ترجیح داده و گوید :

(۱) درس ۶۵۱ هفت اقلیم ، آتشکده آذر ص ۷۱ ، تذکره خوشگو در حرف هاء و مجمع الفصحا

ج ۲ ص ۵۵ شامل شرح حال این شاعر میباشد و مراجعه شده است .

(۲) سلطان یعقوب بسال ۸۹۶ وفات یافته و در تحفه سامی و دانشمندان آذربایجان نام برده شده است .

همایون باسگان کوی تبریز آنچنان گشتم که در دل هم نیاید یاد یاران خراسانم.
و این بیت را در هنگام حبس، که در اثر عشق به ولی بیک متهم به جنون شده
و در زنجیرش کرده اند گفته و بسیار لطیف می باشد:

بزنجیرم چو کردازی قراری دلستان من دل زنجیر شد سوراخ سوراخ از فغان من
آغاز: بی توجائی که شود خاک دل چاک آنجا

تا بد ناله بر آید ز دل خاک آنجا

(۱۲۹۵)

دیوان این نسخه با چهار دیوان دیگر در این کتابخانه زیر شماره
(۲۷۹) ثبت شده، و ص ۱۷۷-۲۶۰ شامل این دیوان است،
همایون اسفرائینی خصوصیات دیگر نسخه را در ص ۵۷۱ زیر شماره (۱۱۷۲)
معرفی کرده ایم بد آنجا مراجعه شود.

سپاس و ستایش فراوان مر خداوند را که این نگارنده ناتوان را توانائی داد تا
بخش دوم از فهرست را بپایان رساند و از وی نیز امیدوارم که در چشم دانشمندان
آنها بخوبی جلوه دهد.

و این کار در روز شنبه سی و یکم شهر یورماه یک هزار و سیصد و هیجده خورشیدی
که برابر با هشتم ماه شعبان سال ۱۳۵۸ هجری قمری است انجام پذیرفت.

طهران - ابن یوسف شیرازی

فهرست اماکن

شماره های سیاه که برابر نامها گذارده شده می‌رسانند که در آن صفحه
آن شهر یا محل معرفی گردیده است

الف

آذربایجان - ۱۴۴، ۴۴۰، ۵۳۰، ۶۱۸، ۶۳۲
 . ۶۶۴، ۶۵۳، ۶۳۳
 آستان قدس رضوی علیه السلام (مشهد) - ۳۲۹
 آستانه - ۳۰۴، ۳۱۳، ۳۲۱، ۳۳۱، ۳۴۹
 . ۴۱۷، ۳۶۹
 آشتیان - ۶۸۷
 آک - ۲۵۷
 آمد - ۷۶
 آمل - ۵۷، ۶۳۸، ۶۳۹
 آوه - ۲۱۶
 ابرقو - ۴۸۴
 ایبورد (باورد) - ۵۶۴ ح
 احمد نگر - ۳۱۲ ح
 اردبیل - ۷۷، ۱۴۵، ۶۱۸
 ارمن - ۲۱۰
 اروپا - ۷۰، ۱۳۷، ۱۹۰، ۷۰۰، ۷۱۰، ۸۹۰، ۹۲۰
 . ۳۰۹، ۳۹۱، ۳۹۸، ۴۷۶، ۵۵۱، ۵۸۶
 . ۶۶۹
 از ملک - ۷۰۴
 اسپانیا - ۵۴۹
 استرآباد - ۴۴۲، ۶۱۶، ۶۲۹، ۶۵۹ ح
 اسدیّه حلب - ۳۶۹
 اسفراین - ۳۲۰، ۵۸۹، ۷۰۴
 اسفرنک - ۶۱۳
 اسفرورین - ۲۵۷، ۲۵۸
 اسکوریال (کتابخانه ایست در اسپانیا) - ۲۸۸
 اسلامبول - ۷۰۰، ۷۰۰، ۸۷۰، ۹۲۰، ۱۰۳
 . ۱۲۹، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۴۲۴، ۴۴۱
 . ۴۷۶

اسیوط (سیوط) - ۳۳۷ ح

اصطخر - ۱۵۳
 اصطهبانات - ۱۵۳
 اصفهان - ۸، ۹، ۱۷، ۲۸، ۵۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۴۳، ۱۵۳، ۱۷۴ ح
 . ۱۷۶ ح، ۲۳۱، ۳۲۵، ۳۵۸ ح، ۴۵۲
 . ۴۵۳، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۴، ۴۸۹، ۵۰۴
 . ۵۶۱، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸
 . ۶۰۴، ۶۲۷، ۶۳۲، ۶۴۳، ۶۶۱، ۶۷۱
 . ۶۷۹، ۶۹۶، ۶۹۹
 اکبرآباد - ۵۷۲
 اکسفورد - ۳۳۱
 اندلس - ۳۰۳، ۳۸۲، ۴۳۶، ۵۰۸ ح
 . ۵۴۸، ۵۹۴
 ایتالیا - ۶۶، ۳۰۴
 ایران - ۴، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ۴۷، ۶۶، ۷۰
 . ۸۹، ۹۲، ۹۵، ۹۷، ۱۰۰، ۱۲۶، ۱۴۸
 . ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۱
 . ۱۹۷، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳
 . ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۵۲، ۲۶۱، ۲۷۵، ۲۸۳ ح
 . ۲۹۲، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۳۱
 . ۳۳۸، ۳۴۴، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۸، ۳۶۱ ح
 . ۳۸۴، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۲۰، ۴۵۲
 . ۴۶۰، ۴۸۴، ۵۴۲، ۵۷۳، ۵۹۸، ۶۰۳
 . ۶۰۷، ۶۲۳، ۶۲۸

ب

بالس - ۳۳۳ ح
 باکو (بادکوبه) - ۲۵
 بحرین - ۷۵، ۵۰
 بحیره - ۶۹۳

ش

تا - ۵۲۴ ح .
تاشکند - ۶۴۶ .
تبریز - ۷۰، ۷۱، ۸۵، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۳۱، ۱۴۷، ۱۷۵، ۲۱۹، ۲۲۶، ۲۶۹، ۲۷۱، ۳۰۰، ۴۳۰، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۵، ۵۶۶، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۷۰۴، ۷۰۵ .
تبه - ۴۱۷ ح .
تربت - ۶۳۰ .
تربت شیخ جام - ۳۵۸ .
تربشیز - ۶۵۹، ۵۶۹ .
ترکیه عثمانی (روم دیده شود) .
تفت - ۵۷۴ .
تفرش - ۵۲۴ ح .
تغلیس - ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۹۷ .
تکیه الهیه - ۶۹۶ .
تکیه نور - ۴۹۱ .
نوران - ۴۵۲ .
نون (فردوس کنونی) - ۴۸۹ .
نونس - ۳۱۳، ۵۸۶ .
نویسرکان - ۶۷۵ .

८

جام - ۳۵۸ .
جامع الازھر مصر - ۲۴۴ .
جامع طولونی - ۳۳۳ .
جایدر - ۳۲۴ .
جر جان - ۸۹، ۸۷ .
الجزایر - ۳۷۶، ۳۲۵ ،
جزیرۃ ابن عمر - ۲۹۹ .
جندی شاپور - ۲۳۳ ح .
جوزجان - ۶۲۱ .
جوین - ۵۸۹ .
جیان - ۳۰۳ .

٢٧

چرندآب (یکی از محلات تبریز است) - ۴۲.
چمن داش تپه رحمت آباد (میان دو آب) - ۲۱۹.
چپچکتو - ۶۳۲ ح.

بخارا - ۰۵۷۳۰۴۱۶۰۱۷۰

بر الطویل - ۵۴۸ .

بران-۸۰۲۳۶،۲۰۵/۳۰۷،۲۰۳۱،۳۳۴،
۶۸۷،۶۵۷،۳۷۶

پرونده - ۲۵۱ .

برہانپور ہندوستان - ۲۲۷.

بسطام - ۴۵۰ .

بصره - ٧ ح، ١٩، ٥٦، ٥٨، ٦٢، ٧٩، ٨٩، ٩١.
٢٨١

بصرة الصغرى (زوزن) ۲۸۲ ح .

وعليك - ۳۳۵ .

بغداد (دارالسلام) - ٤٢، ٤٧، ٤٩، ١٥٣،

۳۶۴ . ۳۳۷ . ۳۲۱ . ۲۶۵ . ۲۵۴ . ۲۳۴

$\therefore 0 \cdot 9, 0 \cdot 1, 0 \cdot 2, \dots, 0 \cdot 89, 0 \cdot 9$

.779.087.018

بلغ - ۶۳۱.۳۲۰ ح ۶۵۸۰.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - ٥٤٨

١٥٢٠٧٧ ح ١٠٥٨٦، ٦٣٩٠٦٠١٠٥٨٦.

بنارس - ۱۴۴ .

بندر بوشهر - ۱۴۸، ۲۳۳ ح.

بولاق مصر - ۷۱، ۲۴۰، ۳۵۷.

بھار ہندوستان - ۱۹۰ .

۲۳۳ - بهمان .

پیما بانک - ۴۸۴ .

بيت السعادة - مصر - ٢٣٤ .

بيت المقدس - ٥٠٥ .

بيروت - ٨٠٦ ح ١٠٠، ١٢٠، ١٣٠، ١٣٩.

001.047.7237.417.3.4.147

. 779.008

بیلقان - ۴۶۵ .

پ

پارس (فارس دیده شود)

پاریس - ۲۸۳، ۴، ۳۰۷، ۳۰۳، ۴۴۹، ۶۸۶

پسا (فلا) - ۱۵۳ ج .

پژوه (شفر وه) - ۹ .

بطرزبورغ (انین گراد) - ۳۰۴ .

پیرزہ (کوہ) ۵۴۹ .

ح

- حجاز - ۵۰۸، ۴۶۶
حسین آباد - ۲۵۷
حلب - ۲۶۵، ح ۳۳۳، ح ۲۹
حله - ۵۱، ۵۰
حمص - ۶۶۹، ۵۰۴
حیدرآباد - ۲۰۵
حیدرآباد دکن - ۶۲۲
حیدرآباد هند - ۶۹۰

خ

- خانقاه نوریه - ۵۵۹
خاوران - ۵۶۴، ح
ختن - ۳۶۵

- خراسان - ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۰، ۸۸، ۶۹، ۵۱
۵۱۴، ۴۸۴، ۲۹۵، ۱۸۹، ۱۸۴، ۱۸۱
۵۹۶، ۵۷۶، ۵۶۴، ۵۵۵، ۵۴۳، ۵۲۳
۷۰۳، ۶۵۹، ۶۵۳، ۶۴۹، ۶۳۱، ۵۹۷
۷۰۵

خزبه - ۴۳۶

- خرجر دجام - ۶۰۳، ۵۴۳، ۳۵۸

خروزان - ۲۵۷

الخصیریة - ۳۳۷، ح

خفر (خیر) - ۱۵۳، ح

خلیج فارس - ۴۵۲

خمسه (زنجان) - ۶۲۴

خوارزم - ۵۵۵، ۳۹

خوزستان - ۶۲۳، ۴۷۴، ۴۱۹، ۲۰۵

خیارج - ۲۵۷

د

دارابجرد - ۱۵۳، ح

دارالعباد (یزد) - ۶۶۵

دارالعلم (مدرسه شخصی سیدرضی) - ۱۵۱

دارالکتب مرو - ۱۷۰

دامغان - ۱۹۳

دانشگاه صیدا - ۱۸۴

دان اصفهان - ۲۵۷

دردشت - ۳۵۸

دشت بیاض - ۱۸۹، ح ۷۰۲

دشتستان - ۳۵۸، ح

دشت قیچاق - ۶۶۳

دکن - ۶۳۰، ۵۸۱، ۴۸۶، ۴۴۲، ۲۰۵، ۹۹

۶۸۳

دماوند - ۶۲۷

دمشق شام - ۳۶۹، ۳۳۵، ۳۳۱، ۳۳۰، ۸۵، ۸۰

۵۰۴، ۴۱۶

دولت آباد هند - ۵۸۷

دیوگیر - ۵۸۷

دهلی - ۵۷۲

دیاربکر - ۷۶

دینور - ۲۸۱، ۴

ر

رامند - ۲۵۸، ۴۵۷

راوند - ۱۰۳

رودک - ۶۰۳

روسیه - ۳۹۱

روم - ترکیه (عثمانی) - ۲۴۷، ۲۳۴، ۱۰۰

۶۲۲، ۵۱۴، ۴۲۹، ۴۱۶، ۳۶۴، ۲۶۹

ری - ۶۰۷، ۴۸۴، ۲۸۶، ح ۲۸۵، ۲۱۰

۶۶۷، ح

ربنجن (ربنجن اریخن اربنجن) - ۴۵۹

ز

زاویه شافعی (درمصر است) - ۳۳۳

زبید - ۱۸۱، ح ۲۴۳، ۲۳۴، ۱۸۳

زنجان - ۶۵۸، ۱۳۶

زوزن - ۴۸۲، ح

س

سامرا - ۱۲۴

سبزوار - ۶۱۶

سیاهان (اصفهان) - ۲۱۰

سجاس - ۶۲۴

سجستان - ۸۸

سجلماسه - ۳۹

سرای (شهرسرای) - ۶۶۳

سرخس - ۵۶۴، ح

سروج - ۹۰

سعادت آباد اصفهان - ۵۷۴ .

سعيد (یرت سعيد) ۳۷۱ .

سُغد - ۶۱۲، ۲۹۵ .

سلامه - ۲۳۶ .

سمرقند - ۳۶۷، ۳۲۰، ۲۹۵، ۲۷۱، ۱۷۰، ۹۴ .

۶۵۳، ۶۱۳، ۶۱۲، ۶۱۱ .

سمنان - ۶۰۷ .

سنجارشام - ۲۹۵ .

سند - ۶۱۳، ۲۱۷ .

سهرورد - ۶۲۴ .

سیاه دهن - ۲۵۸، ۲۵۷ .

سیجون - ۶۳۱ .

سیواس - ۴۳۰ .

سیوط (اسیوط) - ۳۳۷ ح .

ش

شاربن - ۲۵۷ .

شابران (قلعه است) - ۴۶۵ .

شاش - ۶۳۱ .

شال - ۲۵۸، ۲۵۷ .

شاطیه - ۵۴۸ .

شام - ۷۳ ح، ۴۱۷، ۲۹۵، ۲۳۴، ۱۸۴، ۴۳۰ .

۴۵۲ ح، ۴۶۶، ۵۰۸، ۵۲۹ ح، ۵۵۳ .

شاه درك (قلعه است) - ۶۶۰ .

شدونه - ۳۷ ح .

شروان - ۶۵۹، ۴۶۰، ۴۶۳ .

شریش - ۳۷ ح .

شط العرب - ۳۲۵ .

شفروه - ۹ .

شقر - ۵۴۸ .

شوشتر - ۴۷۵، ۴۷۴، ۴۷۳ .

شهر ری (قصبة حضرت عبدالعظیم) - ۲۶۶ .

شیراز - ۲۱۲، ۲۱۰، ۲۰۵، ۱۴۸، ۱۴۱، ۷۷ .

۳۲۵، ۳۲۳، ۲۹۱، ۲۴۲، ۲۳۴، ۲۳۳ .

۴۳۰، ۴۲۹ ح، ۴۲۱، ۳۷۰، ۳۶۷، ۳۵۱ .

۵۵۹، ۵۱۷، ۵۱۵، ۵۱۰، ۵۰۹، ۴۵۲ .

۶۴۲، ۶۳۸، ۶۲۷، ۶۲۴، ۵۸۱، ۵۶۱ .

۶۴۹، ۶۴۸ .

ص

صباغیه - ۳۲۵ .

صفد - ۷۳ ح .

صقلیه (جزیره) - ۵۰۸ .

صیمره - ۲۸۱ .

ط

طائف - ۲۳۶ .

طالقان خراسان - ۶۳۱ ح .

طهران - ۵۳، ۵۱، ۴۰، ۳۹، ۳۱، ۲۵، ۲۱، ۱۶ .

۹۵، ۹۴، ۸۹، ۸۷، ۸۰، ۷۱، ۶۹، ۵۶، ۵۵ .

۹۶ ح، ۱۳۴، ۱۲۹، ۱۲۶، ۱۰۴، ۹۸، ۹۶ .

۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۳، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۵ .

۲۰۴، ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۹۱، ۱۴۹، ۱۴۸ .

۲۶۳، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۱، ۲۰۷، ۲۰۵ .

۳۶۲، ۳۵۴، ۳۰۵، ۳۰۰، ۲۹۲، ۲۶۶ .

۴۶۰، ۴۳۴، ۴۳۱، ۴۰۷، ۴۰۱، ۳۸۱ .

۴۹۰، ۴۸۸، ۴۸۳، ۴۷۹، ۴۷۸، ۴۶۲ .

۶۰۳، ۵۹۰، ۵۱۵، ۴۹۹، ۴۹۵، ۴۹۴ .

۶۵۸، ۶۴۹، ۶۲۴، ۶۲۳، ۶۱۹، ۶۰۸ .

۶۷۰ ح، ۶۸۷، ۶۸۶، ۶۷۱ .

ع

عامل شام - ۶۲۸ ح .

عراق - ۴۶۶، ۴۴۰، ۲۳۴، ۱۰۰، ۵۱، ۴۷ .

۵۴۳، ۵۰۸، ۴۷۷ .

عراق عرب - ۶۹۸، ۴۵۰، ۴۱۲، ۱۳۷ .

غ

غجدوان - ۴۱۶ ح .

غرجستان - ۶۳۷ .

غرمانیا (جرمانیا = آلمان) - ۹۶ .

غری (نجف اشرف) - ۳۵۸ .

غزنین - ۵۸۸، ۸۸ .

غوطا - ۲۸۳ .

ف

فاریاب - ۶۳۱، ۱۸۱ .

فارس (پارس) - ۲۱۲، ۲۱۰ ح، ۱۵۳، ۱۳۶ .

۴۸۳، ۴۳۰ ح، ۴۲۶ ح، ۳۲۳، ۲۱۵، ۲۱۴ .

۶۶۹ .

فاس - ۲۳۹ .

فدشکو - ۴۲۶ ح .

فرانسه - ۵۴۹ .

فسا (یسا) - ۴۲۶ ح، ۱۵۳ .

- کتابخانه برلن - ۵۰۷.
کتابخانه تیموریه (خزانه تیموریه) - ۲۳۷.
کتابخانه خدیویه مصر - ۱۹۶.
کتابخانه خونساری - ۶۵.
کتابخانه دارالکتب مصر - ۲۳۸.
کتابخانه دهلی - ۵۲۸.
کتابخانه سرپل بازارچه - ۱۷۰.
کتابخانه سلطنتی تهران - ۱۲۴.
کتابخانه شاه عباس - ۶۱۱.
کتابخانه ظاهریه دمشق - ۲۳۴.
کتابخانه فاضلیه خراسان - ۱۸۴.
کتابخانه فلاشر - ۲۳۷.
کتابخانه کوپرلی در آستانه - ۱۶۹.
کتابخانه مدرسه مروی تهران - ۴۰۶ ح.
کتابخانه ملی ملک (تهران) - ۴۸۲.
کتابخانه نجف آبادی در نجف اشرف - ۱۳۸.
کتابخانه نور عثمانیه - ۱۶۹.
کتابخانه ولی الدین در اسلامبول - ۷۰.
کربلا، معلی - ۵۰۹.
کرمان - ۴۹۱ ح، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۶۱۳، ۶۳۷، ۶۴۲، ۶۷۹، ۶۹۸.
کرمانشاهان - ۳۲۵، ۱۴۱، ۴.
کشمیر - ۶۴۹، ۴۸۵.
کلاش - ۶۱۱.
کلکته - ۲۴۰، ۲۳۷، ۲۱۸، ۲۰۱، ۱۶۳، ۲۹۳، ۳۰۷، ۴۰۷، ۵۱۹، ۵۳۱، ۶۶۹.
کنده (محلله ای از بغداد است) - ۶۶۹.
کول جلالی - ۲۱۶.
کوفه - ۴۶۶، ۱۸۰، ۴.
کوه پیرنه - ۵۴۹.
کوه شهربانو - ۶۷۰ ح.
گ
گجرات - ۲۱۲، ۱۸۹ ح.
گروس - ۴۶۰، ۴۵۹.
گیلان - ۴۵۳، ۴۴۰، ۱۴۷، ۹۹.
ل
لار فارس - ۵۸۳، ۴۵۲، ۳۲۳، ۶۹.
لاهور - ۸ ح، ۲۰۱ ح، ۲۰۳ ح، ۲۱۹، ۵۷۵، ۵۸۶، ۶۹۰.

- فلسطین - ۵۰۸.
فیروزآباد فارس - ۲۳۲.
ق
قائن خراسان - ۱۸۹ ح، ۷۰۲.
قاهره (مصر نیز دیده شود) - ۱۶۳، ۹۰۰، ۷۳، ۳۷۶، ۳۳۰.
قرش - ۳۵۰ ح.
قبر آقا - ۶۷۰ ح.
قرطبه - ۴۳۶ ح.
قرقه - ۲۵۷.
قزوین - ۳۸۹، ۲۵۷، ۲۱۰.
قسطنطنیه (اسلامبول نیز دیده شود) - ۱۹۷، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۸۸ ح، ۴۲۴، ۴۸۰، ۴۹۳، ۶۹۳.
قصر احمد بهمن شاه - ۳۹۱.
قصر زر استر اباد - ۳۶۷.
قفقاز - ۲۵.
قهقهه (قلعه) - ۴۶۱.
قم - ۲۱۰، ۴۴۰، ۴۵۲، ۵۲۴، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۷۱، ۷۰۴، ۷۰۳، ۶۸۳.
قومس (کرمانشاهان) - ۱۹۴.
قونیه - ۲۹۶.
ک
کانپور - ۶۳۹.
کاشان - ۱۷۶، ۱۰۳ ح، ۷۰۳، ۶۶۰، ۶۲۶.
کاشان (از شهرهای اسفرنگ) - ۶۱۳ ح.
کارزین - ۲۳۳.
کازرون - ۲۳۲ ح، ۴۸۴.
کاشغر - ۲۰۲ ح.
کاظمین - ۱۳۴.
کتابخانه آستانه - ۲۳۸.
کتابخانه آستانه مقدس علی بن ابی طالب ع - ۱۳۸.
کتابخانه آصفیه دکن - ۱۹۰.
کتابخانه آقای تقوی - ۶۵۸.
کتابخانه احمدیه حلب - ۱۶۹.
کتابخانه اسعدپاشا در اسلامبول - ۱۲۹.
کتابخانه اسکوریان - ۱۵۴ ح.
کتابخانه الجزائر - ۲۳۷.
کتابخانه اهلیه پاریس - ۵۰۸.
کتابخانه ایاصوفیا - ۱۶۹.

هزار جریب - ۶۲۹ .
 همدان - ۴۶۶، ۴۵۹، ۲۸۶، ۸۷، ۸۶ .
 هند - ۱۴۰، ۱۰۰، ۹۵، ۹۲، ۸۹، ۸۰، ۳۶ .
 ۱۹۰، ۱۶۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۱ .
 ۲۱۹، ۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۲، ۲۱۰، ۲۰۵ .
 ۲۸۳، ۲۳۸، ۲۳۷، ۲۳۵، ۲۳۳، ۲۲۰ .
 ۳۷۵، ۳۳۸، ۳۳۱، ۳۲۴، ۳۰۴، ۲۹۳ .
 ۴۰۸، ۳۹۸، ۳۹۵، ۳۹۱، ۳۷۷، ۳۷۶ .
 ۴۸۵، ۴۷۶، ۴۷۳، ۴۶۶، ۴۵۲، ۴۲۰ .
 ۵۲۱، ۵۱۸، ۵۱۷، ۵۱۶، ۵۱۴، ۴۹۷ .
 ۵۸۱، ۵۷۹، ۵۷۴، ۵۷۲، ۵۲۸، ۵۲۳ .
 ۶۲۸، ۶۲۳، ۶۲۲، ۶۱۵، ۵۹۰، ۵۸۸ .
 ۶۸۹، ۶۸۷، ۶۸۲، ۶۶۹، ۶۳۹ .
 هیرمند - ۲۱۰ .

ی

یزد - ۶۹۸، ۵۷۴، ۵۷۳، ۴۸۴ .
 یکی جامع (کتابخانه) - ۱۹۶ .
 یمن - ۵۰۸، ۳۷۵، ۲۳۹، ۲۳۴، ۱۸۱ .

نجف اشرف - ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۳۸، ۶۵، ۵۴ .
 ۶۲۹، ۶۰۵، ۳۶۱ .
 نرجه - ۲۵۷ .
 نسا - ۵۶۴ ح .
 نطنز - ۱۷۶ ح .
 نظامیه - ۳۱ .
 نواج - ۷۳ ح .
 نوقان (محلّه در مشهد) - ۱۲۳ ح .
 نوقان - نزدیک نیشابور - ۱۲۳ .
 نیشابور - ۲۸۲، ۱۹۳، ۱۲۳، ۸۷ ح، ۳۲ ح،
 ۶۹۴، ۶۵۹، ۶۳۲، ۴۴۷ .

و

واسط - ۵۰۸ .
 ولازیکرد - ۲۵۷ .
 وین - ۱۲ .

ه

هرات - ۲۸۲، ۸۸ ح، ۶۵۳، ۶۳۷، ۵۵۸ .
 هزاره بلخ - ۵۱۶ .

فهرست کتب هفتقرانه

کتابهاییکه بمناسبت در این مجلد از فهرست نام برده شده در اینجا بترتیب حروف تهجی با قید صفحات مرتب گردید و چون اندک معرفی از آنها شده باشد شماره صفحات را با شماره های سیاه معین کرده ایم .

الاختيارات من شعر الشعراء - ۵۵۳ .
 اخلاق النبی (سيرة النبی) - ۲۸۹ .
 ادب الکاتب (ابن انباری) - ۷ .
 ادب الکاتب (ابن درید) - ۷ .
 ادب الکاتب (ابو جعفر احمد بن محمد نجاشی) - ۷ .
 ادب الکاتب (صفدی) - ۷ .
 ادب الکاتب علی الحقيقة (شرح ادب الکاتب) - ۷ .
 اداة الفضلا - ۲۲۱، ۱۹۱ .
 اربعین (میر فیض الله حسینی تفرشی) - ۱۰۴ .
 اربعین (شیخ طریحی) - ۲۷۳ .
 اربعین (شهید اول) - ۱۰۴ .
 اربعین (منظوم - امیر علیشیر) - ۵۳۹ .
 الازمنة - ۲۷۰ .
 اساس السياسة (شرح عهدنامه مالک اشتر) - ۱۴۱ .
 الاستفتاء الى الاخوان الثلاثة - ۹۳ .
 استقصاء النظر فی امامة الائمة الاثنی عشر - ۵۲ .
 استنجاز الوعد - ۷۹ .
 الاستیعاب (تألیف ابن عبد البر) - ۱۲۷ .
 اسرار البلاغة - ۳۱۵ .
 اسرار الشهود - ۵۶۰ .
 اسرار فاتحه - ۶۸۲ .
 الاسعاد بالاصعاد الى درجة الاجتهاد - ۲۳۶ .
 اسماء السراح فی اسماء النکاح - ۲۳۶ .
 الاسمی فی الاسماء - ۲۹۶ .

آثار البلاد (از مآخذ است) - ۴۶۳ .
 آثار العجم فرصت (از مآخذ است) - ۵۸۱ .
 آداب البحث قاضی عضد ایجی - ۳۲۱ .
 آداب العشره - ۵ .
 آرایش نگار - ۶۲۲ .
 آئینه اسکندری (از خسه امیر خسرو دهلوی) - ۵۱۹ .
 ابتهاج النفوس بذکر مافات القاموس - ۲۳۷ .
 ابواب الجنان - ۳۱۷ .
 ابواب الحكم (ترجمه فارسی کلمات قصار) - ۱۴۷ .
 الاتباع والمزاوجه - ۲۸۸ .
 اثارة اللجون فی زیارة الحجون - ۲۳۶ .
 اثنی عشریة (اصول) - ۲۷۳ .
 اجرومیه - ۳۱۰ .
 الاحتجاج فی مسائل الاحتیاج - ۲۷۳ .
 احسن التواریخ - ۴۱۲ .
 احوال الصحابة والتابعین - ۲۰۵ .
 احياء العلوم - ۴۲۴ .
 اخ القرآن (نهج البلاغه) - ۴۳ .
 اخبار ذوالرمة - ۵۹۸ .
 اخبار قضاة بغداد - ۱۵۳ .
 اختلاف تأویل الحديث (تأویل مختلف الحديث) - ۵ .
 اختلاف النحویین - ۲۸۸ .
 اختيارات بدیعی - ۲۵۲ .

- ۵۶۱ .
 افسانه شیرین (خسرو شیرین منشور) - ۵۲۸ .
 الانصاح (الایضاح) - ۳۹ .
 الانصاح - ۳۰۹ .
 الانصاح فی زوائد القاموس علی الصحاح - ۲۴۰ .
 اقبال (سید ابن طاوس) - ۱۵۶ .
 الاقتضاب (شرح ادب الکتاب) - ۶ .
 اقرب الموارد - ۸۷ .
 اقلید (شرح مفصل) - ۳۹۸ .
 الاقناع لما حوی تحت القناع - ۳۹ .
 اقنوم عجم - ۲۶۵ .
 الاقیانوس البسیط فی ترجمه القاموس المحيط - ۲۳۸ .
 اكمال الاعلام (الاعلام) - ۳۰۴ .
 الهی نامه حسینی - ۵۱۱، ۵۱۰ .
 السنه ثلاثه - ۲۴۹ .
 الفیه ابن شحنه - ۴۳۳ .
 الفیه و شلفیه - ۵۵۷ .
 امالی بدیع همدانی - ۸۸ .
 الامالی النحویه (ابن حاجب) - ۳۳۱ .
 الامامة والسیاسة - ۵ .
 امتحان الفضلاء سنگلاخ (ازمآخذ است) - ۶۱۷ .
 امتضاخ السهاد فی اقتراض الجهاد - ۲۳۶ .
 امثال علی (ترجمه کلمات قصار ترکی) - ۱۴۵ .
 امثال وحکم (دهخدا) - ۲۹۴ .
 امواج العباد (نام یکی از قصائد اظهري است) - ۵۶۱ .
 الانتصار لشعلب - ۲۸۸ .
 الانتقاد - ۳۷۳ .
 انساب سمعانی - ۶۰۳ .
 انس اللهفان (صدکمه از عثمان - رض) - ۴۴۰ ح .
 انشراح الصدر (مختصر دیوان رضی) - ۱۵۴ ح .
 الانصاف - ۱۱۷ .
 الانصاف فی الجمع بین الكشف والكشاف - ۲۹۹ .
 انموزج - ۳۹۸، ۳۴۰ .
 انموزج جلیل من اسئلة واجوبة من غرائب آی -
 التنزیل - ۲۷۸ .
 الانواء - ۵ .
 انواء الغیث فی اسماء الیث - ۲۳۶ .

- اشارات ابوعلی - ۱۲۷ .
 الاشارة الى مانی کتب الفقه من الاسماء والاماکن
 واللغات - ۲۳۷ .
 الاشباح والنظائر - ۳۴۰ .
 الاشتقاق (قطرب) - ۲۷۰ .
 اشعه قدسیه - ۹۸ .
 اشعة المعات - ۳۵۸ .
 اشک و آه - ۵۱۸ .
 اصباح (شرح مصباح مطرزی) - ۳۷۳ .
 الاصباح (در فقه) - ۶۱ ح .
 اصداغ الدرر (ترجمه غرر الحکم) - ۷۷ .
 اصلاح غلط ابی عبید (در غریب حدیث) - ۵ .
 الاصلاح للخلل الواقع فی الصحاح - ۱۹۵ .
 اصلاح المنطق - ۲۹۷، ۳۹ .
 الاصنام - ۷۹ .
 اصول آدمیت و اصول مذهب دیوانیان - ۶۸ .
 اصول دین (رکن الدین استر ابادی) - ۳۶۴ .
 اصول الفصول - ۴۹۱ .
 اصول الفقه - ۲۸۹ .
 اصول الملاحم (ملحمة دانیال) - ۲۴۷ ح .
 الاصول المنطقیه - ۳۶۷ .
 اضائة الادموس و ریاضة النفوس - ۲۳۸ .
 اضائة الادموس و ریاضة الشموس - ۲۳۸ .
 اضائة الراموس و افاضة الناموس - ۲۳۸ .
 الاضداد (قطرب) - ۲۷۰ .
 الاطول (شرح تلخیص المفتاح) - ۳۲۰ .
 الاعتبار - ۴۲ .
 اعجاز خسروی - ۵۱۸ .
 اعجاز القرآن صغیر - ۳۱۵ .
 اعجاز القرآن کبیر - ۳۱۵ .
 اعراب الفیه ابن مالک - ۳۱۰ .
 الاعراب عن قواعد الاعراب - ۲۰۷ .
 اعراب القرآن - ۵ .
 الاعلام (اکمال الاعلام) - ۳۰۴ .
 اعلام نهج البلاغه (شرح نهج البلاغه) - ۱۳۹ .
 اغانی - ۵۸۵ ح .
 اقتتاح (شرح مصباح مطرزی) - ۳۷۳ .
 افتخار الملوك (نام یکی از قصائد اظهري است) -

انوار العیون (نام یکی از قصائد اظهاری است) - ۵۶۱ .

انوار الفصاحه واسرار البلاغه (شرح نهج البلاغه نظام الدین گیلانی) - ۱۴۱ .

انوار ناصریه - ۱۷۵ .

الانوار النعمانیة - ۳۲۵ .

انهار جاریه - ۷۷ .

اوستا - ۲۵۹ .

الایضاح (ابن حاجب) - ۳۳۱ .

ایضاح (ظاهراً از ابوعلی است) - ۳۱۵ ح .

ب

البارع - ۵۰۶ .

الباهر فی الفروق فی النحو - ۲۹۹ .

البایوس (احمد ابن مرکز) - ۲۴۰ .

البحر الخضم - ۵۲ .

البحلاء - ۷۹ .

بدایع الجمال - ۵۱۳ .

بدایع الوسط - ۵۳۹ .

البدیع فی شرح الفصول - ۲۹۹ .

بدره المعانی فی ترجمه الآلی (ترجمه منظوم

نثر الآلی) - ۱۴۵ .

البرق الشامی - ۵۰۴ .

بساتین الفضلا وریاحین العقلا (شرح تاریخ عتبی) -

۴۴۵ .

بسحق اطعمه - ۱۹۱ .

البسیط (شرح کبیر بر کافیه رکن الدین استرآبادی)

۳۶۵ .

بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز - ۲۳۵ .

بلاغ المنهج (شرح نهج البلاغه شهرستانی) -

۱۴۷ .

البلغه فی تراجم ائمة النجاة واللغة - ۲۲۶ .

بلغة المترجم فی اللغة - ۲۹۶ .

بلقیس وسلیمان (سلیمان و بلقیس - نظام استرآبادی)

۶۸۹ .

البنین والبنات والآباء والامهات (المرصع فی -

الآباء والامهات) - ۳۰۰ .

بوستان - ۴۵۳ .

بهارستان (جامی) - ۳۵۸ .

بهر روز و بهرام (سنائی) - ۴۹۴ .

بهجة الحدائق (شرح نهج البلاغه گلستانه) - ۱۳۳ .

بهجة النفوس فی المعاکمه بین الصحاح والقاموس

(شرح قاموس) - ۲۳۹ .

بیان الاعراب - ۱۹۴، ۱۸۱ .

بیان التصریف - ۲۴۴ .

بیان الصناعات - ۲۴۷ .

بیان الطب - ۲۴۷ .

بیان مذاهب شیعه - ۷۹ .

البيان والتبيين - ۷۹ .

پ

پازند (شرح زند) - ۲۵۹ .

پولتیکهای دولتی - ۶۸ .

پیدایش خط و خطاطان (از مآخذ است) - ۶۴۹ ح .

ت

تأویلات ملا عبد الرزاق - ۳۵۰ .

تأویل مختلف الحديث (اختلاف تأویل الحديث) - ۵۰ .

تأهیل الغریب - ۷۳ .

تاج العروس من جواهر القاموس - ۲۳۸ .

التاج فی اخلاق الملوك - ۷۹ .

تاج المآثر - ۱۹۱ .

تاج المصادر - ۲۸۲ .

تاریخ الادب العربی (از مآخذ است) - ۹۱ .

تاریخ آل عثمان (ابن کمال پاشا) - ۲۶۰ .

تاریخ اخبار البشر - ۳۲۰ ح .

تاریخ ادبیات (دکتر رضا زاده شفق) - ۱۳ .

تاریخ الاسلام - ۳۰۳ .

تاریخ اکبری - ۵۲۱ .

تاریخ انبیا (نوائی) - ۵۳۹ .

تاریخ بغداد - ۲۹۵ .

تاریخ جهانگشای جوینی - ۱۷۰ .

تاریخ حلب - ۴۳۳ .

تاریخ خاتون آبادی - ۶۰ ح .

تاریخ دهلی - ۵۱۸ .

- ترتیب خلاصه العلامه - ۲۷۳ .
الترجمان - ۲۸۰ .
ترجمان القرآن (ترجمه فارسی لغات قرآن کریم
- میر سید شریف جرجانی) - ۳۶۸ .
ترجمان القرآن (تألیف زوزنی) - ۲۸۳ .
ترجمان اللغة قزوینی - ۲۳۹ .
ترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترك والعجم
والعرب - ۲۵۴ ح .
ترجمه ادب الکبیر - ۱۴۱ .
ترجمه اطواق الذهب - ۱۳ .
ترجمه توحید مفصل - ۱۴ .
ترجمه جوك - ۲۵۵ .
ترجمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید - ۱۳۰ .
ترجمه شرح ابن عقیل (آلمانی) - ۳۳۴ .
ترجمه کتاب شرح جامی (ترکی) - ۳۵۹ .
ترجمه الشوق (قصیده ای از عرفی است) - ۶۳۹ .
ترجمه صحیفه سجادیه بفارسی (محمد هادی
مازندرانی) ۳۵۲ .
ترجمه صیدنه ابوریحان - ۲۲۳ .
ترجمه الضوء (ترکی) - ۳۷۲ .
ترجمه قاموسی فارسی (ظاهر آاز شیروانی است) -
۲۴۰ .
ترجمه قرآن کریم بفارسی (محمد هادی مازندرانی)
۳۵۲ .
ترجمه کافی (محمد هادی مازندرانی) - ۳۵۲ .
ترجمه کلمات قصار (هزار کلمه بفارسی) - ۱۴۶ .
ترجمه کلمات قصار بترکی (امثال علی) - ۱۴۵ .
ترجمه لغات ترکی بفارسی - ۱۶۱ .
ترجمه مأثله کلمه (ترکی) - ۱۴۴ .
ترجمه مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه . ۴۹۱ ح ،
ترجمه معالم الاصول بفارسی (محمد هادی
مازندرانی) - ۳۵۲ .
ترجمه نثر اللالی (نوائی = بفارسی) ۵۳۹ .
ترجمه نثر اللالی (درة المعانی فی ترجمه اللالی)
۱۴۵ .
ترجمه نثر اللالی (رشته جواهر) ترکی - ۱۴۵ .
ترقیق الاسل فی تضعیف العسل - ۲۳۶ .
ترویج الارواح فی تهذیب الصحاح - ۱۶۶ .

- تاریخ سحاب - ۴۶۱ .
تاریخ سلاجقه (زبدة النصره و نخبه العصر) - ۵۰۵ .
تاریخ طبری - ۱۲۷ .
تاریخ عتبی - ۴۴۵ .
تاریخ علانی (خزائن الفتوح) ۵۱۸ .
تاریخ غزالی - ۵۵۴ ح .
تاریخ ملوک عجم (امیر علیشیر) - ۵۳۹ .
تبیان نافع - ۱۶۳ .
التفه - ۳۱۵ .
تجارب السلف - ۲۱ .
التجاریح فی فوائد متعلقه باحداث المصاییح -
۲۳۶ .
تجرید - ۳۶۷ .
تجرید التجرید - ۲۶۰ .
تجیر الموشین فی مایقال بالسنین والشین - ۲۳۶ .
تحریر مجسطی - ۳۵۰ .
التحصیل والتفصیل لکتاب التکمیل (شرح تسهیل
الفوائد است) - ۳۰۷ .
التحفة - ۳۲۵ .
تحفة الابرار (سید حسین بن مساعد) - ۱۳۸ .
تحفة ابن حجر - ۲۳۹ .
تحفة الابییه فی من نسب الی غیرابییه - ۲۳۷ .
تحفة الاحباب - ۲۲۰ .
تحفة الحرمین - ۴۷۸ .
تحفه خاقانی - ۱۸ .
تحفه سلیمانیه (شرح عهد نامه مالک اشتر) - ۱۴۰ .
تحفة الشاهیه - ۴۳۱ .
تحفة الصدیق (صد کلمه ابوبکر - رض) - ۴۴۰ .
تحفة العالم - ۴۵۲ .
تحفة القمائل فی من یمسى من الملائکه والناس
باسماعیل - ۲۳۶ .
تحفة المورود فی المقصور والممدود - ۳۰۴ .
تحفة الوارد و عقال الشارد - ۲۷۳ .
تذکره تقی الدین کاشی - ۱۸۹ ح .
تذکره عرفات - ۶۹۷ .
التذکره فی الفوائد النادره - ۲۰۶، ۲۰۵ .
تذکره المعاصرین (تألیف محمد علی حزین) ۵۷۳ .
التربیع والتدویر - ۷۹ .

- تسویه بین العرب والمجم - ۵ .
تسهیل - ۳۳۵ .
تسهیل طریق الوصول الى الاحادیث الزائدة علی
جامع الاصول - ۲۳۶ .
تصحیح المقیاس فی تفسیر القسطاس - ۳۱۳ .
التطریف (حاشیه ابن هلال بر شرح تصریف) -
۳۱۸ ح .
تعريفات العلوم - ۳۶۷ .
التعريف علی تغلیط التطریف - ۳۱۸ ح .
تعلق نامه - ۵۱۸ .
تعليق خلاف الفقهاء
التعليقات الوفیه (شرح الدرّة الالفيه ابن معط) - ۳۷ .
التعليق الوجيز علی الكتاب العزيز - ۳۳۳ .
تعليق الاعراب الشافیه فی حلّ التركيب الکافیه -
۳۰۹ .
تعليم نامه در عمل آبله زدن - ۱۷۵ .
تعین الغرفات للمعین علی عين عرفات - ۲۳۶ .
تفسير آیه فارهبون - ۳۵۹ .
تفسير آية الكرسي (عبد الوهاب استر ابادی) -
۴۱۵ .
تفسير اسماء النبي - ۲۸۸، ۲۸۹ ح .
تفسير التحرير (حاشیه تحرير مجسطی) - ۳۵۰ .
تفسير قرآن (سوره بقره بنظم) - ۴۸۹ .
تفسير قرآن (ابن عباس) - ۲۳۵ .
تفسير قرآن کریم (ابن کمال پاشا) - ۲۶۰ .
تفسير قرآن (ابو الفتوح رازی) - ۴۹۳ .
تفسير قرآن (نعلب) - ۲۹۹ .
تفسير قرآن کریم (جامی) - ۳۵۹ .
تفسير قرآن جزائری (حواشی قرآن) - ۳۲۶ .
تفسير قرآن (عکبری) - ۲۷۸ .
تفسير قرآن (علی بن ابراهيم) - ۱۲۸ .
تفضیل النطق علی الصمت - ۷۹ .
تقدمة دارات العرب - ۲۸۸ .
تقدمة الفرائض - ۲۸۸ .
التقريب (ازهری) - ۱۶۷ .
تقويم اللسان (ابن جوزی) - ۸۱، ۸۵ .
تقويم اللسان (ابن قتیبه) - ۸۲ .
تقويم اللسان (زين الدين قاسم ابن قطلوبغا) - ۸۲ .
- تقويم اللسان (محمد الخوارزمی) - ۸۲ .
تقويم اللسان (محمد ذکاء الله) - ۸۲ .
تکمله (شرح تسهیل) - ۳۳۵ .
تکملة الاخبار - ۴۶۲ .
تکملة الحياة - ۱۳۴ .
تکملة نفحات الانس - ۳۵۷ ح .
تلخیص البیان عن مجازات القرآن - ۱۵۲ .
تلخیص دیوان الادب (ابو سعید محمد بن جعفر) -
۱۸۳ .
تلخیص دیوان الادب (حسن بن مظفر) - ۱۸۳ .
تلخیص القاموس - ۲۴۰ ح .
تلقيّن نامه - ۲۵ .
تمثيلات - ۲۵ .
تمرین الطلاب - ۳۱۰ .
تعميز المتشابه من اسماء الرجال - ۲۷۲ ح .
تنظيم لشکر و مجلس اداره - ۶۸ .
تنوير المقباس فی تفسير ابن عباس - ۲۳۵ .
التوصيف (حاشیه بر شرح تصريف) - ۳۱۸ ح .
توضيح (ابن هشام) - ۷۳ ح .
توضيح التذکره (شرح تذکره) - ۴۵۰ .
توفيق امانت - ۶۸ .
تهذيب الاسماء والکناة - ۱۷۰ .
تهذيب الفصول - ۲۹۹ .
تهييج الغرام الى بلد الحرام - ۲۳۶ .
تيسير فاتحة الالهاب بتفسير فاتحة الكتاب - ۲۳۵ .
تيغ تيز - ۱۶۳ .
تيغ تيز تر - ۱۶۳ .

ج

- الجاسوس علی القاموس - ۲۳۷ .
جامع الاصول فی احاديث الرسول - ۳۰۰، ۲۹۹ .
جامع التأويل فی تفسير القرآن - ۲۸۹ .
جام جهان نما - ۶۸۲ .
جامع الرواة - ۶۰ .
جامع الشواهد - ۳۳۸ .
الجامع الصغير (ابن هشام) - ۳۰۷ .
جامع الفقه - ۵ .
جامعة الفوائد - ۲۷۳ .

حاشیه بر تجرید العقاید (رکن الدین استرآبادی) -
۳۶۴ .

حاشیه بر تفسیر بیضاوی (چلبی) - ۴۰۲ .
حاشیه بر توضیح - ۷۳ .

حاشیه بر تهذیب المنطق صغیر (ملا عبدالله یزدی) -
۴۲۴ .

حاشیه بر تهذیب المنطق کبیر (ملا عبدالله یزدی) -
۴۲۴ .

حاشیه بر جار بردی - ۷۳ .

حاشیه بر حاشیه ملا جلال بر تهذیب المنطق
(ملا عبدالله یزدی) - ۴۱۲ .

حاشیه بر حاشیه میر سید شریف بر شمسیه - ۳۲۱ .
حاشیه بر حاشیه عبدالغفور (مولی نور محمد) -
۳۲۴ .

حاشیه بر حاشیه عبدالغفور (سیالکوتی) - ۳۲۴ .
حاشیه بر رساله وضعیه - ۳۲۱ .

حاشیه بر شرح اصفهانی بر تجرید (جرجانی) -
۲۶۷ .

حاشیه بر شرح تصریف تفتازانی (التطریف) -
۳۱۸ .

حاشیه بر شرح تصریف (شیخ ناصر الدین) -
۳۱۸ ح .

حاشیه بر شرح توحید صدوق ملاخلیل (شرح
عربی) - ۳۷۳ .

حاشیه بر شرح جامی (جزائری) - ۳۲۶ .

حاشیه بر خطبه شقشقیه (سید عباس شوشتری) -
۱۴۰ .

حاشیه بر شرح رضی بر کافیه (جرجانی) - ۳۶۷ .

حاشیه بر شرح شمسیه قطبی (اسفراینی) - ۳۲۱ .

حاشیه بر شرح شمسیه (جرجانی) - ۳۶۷ .

حاشیه بر شرح شمسیه (ملا عبدالله یزدی) -
۴۱۲ .

حاشیه بر شرح عقاید نسفی - ۳۲۱ .

حاشیه بر شرح متوسط کافیه (جرجانی) -
۳۶۷ .

جامع کبیر - ۳۸۳ .

الجامع الکبیر (ابن هشام) - ۳۰۷ .

جامع اللغات (فرهنگ نیازی حجازی) - ۲۲۱ .

جامع المقال فی تمییز المشترکة من الرجال - ۲۷۲ .

جامع المقدمات - ۳۴۴ .

جامع النحو - ۵ .

الجلس الانیس فی اسماء الخندریس - ۲۳۶ .

جرات - ۹۸ .

جشید و خورشید (سلمان) - ۶۰۷ .

الجمع بین العباب والمحکم - ۱۷۴ ح .

جل (ابو عبدالله محمد بن هشام) - ۶۶۸ .

جل (تألیف حسین بن احمد) - ۳۱۵ .

الجمال الکبیر زجاجی - ۳۱۵ .

الجمهوره (ابن درید) - ۶۹۰ .

الجنة العالیة و الجنة الغالیة - ۱۲۱ .

جواهر - ۳۳ .

جواهر الاسرار (آذری) - ۶۴۲ .

جواهر البحور - ۳۷۶ .

جواهر الکلمات فی العقود والایقاعات - ۲۸۱ .

جواهر المطالب فی فضائل علی بن ابی طالب ع -

۲۷۳ .

جواهر النصوص فی حل کلمات الفصوص - ۳۵۸ ح .

جهانگشای نادری - ۲۶۸ .

الجید من شعر ابی تمام - ۱۵۳ .

ح

حاسد و محسود - ۷۹ .

حاشیه بر ارشاد (از عباسی و در فقه شافعی است) -

۴۲۵ .

حاشیه بر استبصار (جزائری) - ۳۲۶ .

حاشیه بر اوضاع المسالك - ۳۰۸ .

حاشیه بر ایضاح ابوعلی فارسی - ۱۵۳ .

حاشیه بر بحث موضوع از حاشیه ملاجلال -

۴۱۲ .

حسن المحاضره - ۳۳۷ .
الحسن من شعر الحسين (منتخب شعر ابن الحجاج) -
۱۵۲ .

حصار نای - ۶۷۷ .
حقائق التأويل في متشابه التنزيل (تفسير سيد
رضی) - ۱۵۲ .

الحکایه و المحکى - ۵ .
حكم الامثال - ۵ .

حلیة الفقها - ۲۸۸ .

الحماسة المحدثه - ۲۸۸ .

الحین الى الاوطان - ۷۹ .

حنین المستجير الى حضرت المجیر - ۹۳ .

حيوة الحيوان - ۷۹ .

خ

خداوند نامه صبا - ۶۲۶ .

خزانه الادب - ۵۸۵ ح .

خزائن الفتوح (تاریخ علائی) - ۵۱۸ .

خسرو شیرین (عنصری) - ۶۴۵ .

خسرو شیرین مشهور (افسانه شیرین) - ۵۲۸ .

خصائص الائمة - ۱۵۳ .

الخطط الجديده (الخطط التوفيقية الجديده) -
۷۲ .

خلاصة الاشعار - ۴۴۰ .

خلاصة الاقوال - ۱۲۶ .

خلاصة الترجمان (شرح خطية البيان) - ۱۴۰ .

خلاصة التبریف بدقایق شرح التصريف -

۳۱۸ ح .

خلاصه لطایف الخيال (تلخیص خالص) - ۴۸۱ .

خلاصة المجموع (مختصر مجمع الفرس سروری) -

۲۲۳ .

خلد برین - ۶۹۸ .

خلع العذار في وصف العذار - ۷۳ .

خلق الانسان (ابن فارس) - ۲۸۸ .

خلق الانسان (ابن قتيبة) - ۵ .

خلق الانسان (قطرب) - ۲۷۰ .

خلق الفرس - ۲۷۰ .

خلوت راز (وحيد قزوینی) - ۶۹۹ .

حاشیه بر شرح مطالع (جرجانی) - ۳۶۷ .

حاشیه بر شرح مفتاح سید شریف - ۴۰۷ .

حاشیه بر شرح مواقف (چلبی) - ۴۰۳ .

حاشیه بر شرح هداية اثیریه میبدی - ۳۲۳ .

حاشیه بر شرح هداية اثیریه (میرک) - ۴۱۵ .

حاشیه بر شفا (شمعی) - ۳۸۰ .

حاشیه بر عوامل ملا محسن (نظر علی جیلانی) -
۳۹۴ .

حاشیه بر فوائد شیخ میثم بحرانی - ۳۶۷ .

حاشیه قاموس (شمس العلماء) - ۲۴۱ .

حاشیه قاموس (چلبی) - ۲۴۰ .

حاشیه بر کبری - ۳۲۱ .

حاشیه بر کشف - ۲۶۰ .

حاشیه بر کشف (جاربردی) - ۳۴۹ .

حاشیه بر کشف (جرجانی) - ۳۶۷ .

حاشیه بر کشف (حافظ) - ۵۸۰ .

حاشیه بر مختصر (چلبی) - ۴۰۲ .

حاشیه بر مختصر (مولانا زاده خطائی) - ۴۰۶ .

حاشیه بر مختصر (ملا عبد الله یزدی) - ۴۱۲ .

حاشیه بر مطول (جرجانی) - ۳۶۷ .

حاشیه بر مطول (خطائی) - ۴۰۵ .

حاشیه بر مطول (میرزا کمالا) - ۴۲۷ .

حاشیه بر معتبر محقق (طریحی) - ۲۷۳ .

حاشیه بر مغنی (جزائری) - ۳۲۶ .

حاشیه بر هدايه - ۲۶۰ .

حاصل کورة الخلاص في فضائل سورة الاخلاص -

۲۳۵ .

حاسن اللطائف في محاسن الطائف - ۲۳۶ .

الحاوی - ۳۶۴ .

الحجر - ۲۸۸ .

حدائق - ۳۳ .

حدائق الحقائق في فسر دقایق احسن الخلائق

(شرح نهج البلاغه قطب کیدری) -

۱۲۴، ۱۲۵ .

حدیقه (نظامی) - ۵۳۱ .

حرف غریب - ۶۸ .

- دیوان اشعار (بدیع الزمان همدانی) - ۸۸ .
 دیوان شعر (حریری) - ۱۹ .
 دیوان خواجو (صنایع الکمال) - ۵۱۳ .
 دیوان سعدی - ۲۱۱ .
 دیوان (شیخ طریحی) - ۲۷۳ .
 دیوان شعر (عماد کاتب) - ۵۰۴ .
 دیوان دوبیتی و رباعی (عماد کاتب) - ۵۰۴ .
 دیوان منجیک - ۶۵۷ .
 دیوان منصور شیرازی - ۲۱۱ .
 دیوان مهیار دیلمی - ۵۴۹ .
 دیوان (قصائد و غزلیات هاتفی) - ۵۴۳ .
 دیوان الکتاب - ۵ .
 ذ
 ذخیره الکلمات - ۲۸۸ .
 الذریعة فی اصول الشریعة - ۴۲ .
 ذکر حبیب (منتخب دیوان ابوتمام) - ۵۵۴ .
 ذیل شقائق النعمانیة (ترکی) - ۳۲۳ .
 ذم الخطاء فی الشعر - ۲۸۸ .
 الذهب الابریز فی تفسیر کتاب العزیز - ۲۷۸ .
 راز و نیاز (وحید قزوینی) - ۶۹۹ .
 الراموز فی اللغة العربیة - ۱۹۶ .
 ربیع الابرار - ۱۲۷ .
 رجال نجاشی - ۵ .
 رجل الطاوس فی اغلاط القاموس - ۲۳۸ .
 الرحل و المنزل - ۵ .
 رد برقاموس (مناوی) - ۲۳۹ .
 الرد علی المشبهه - ۵ .
 الرد علی الملحدین فی متشابه القرآن - ۲۷۰ .
 رشته جواهر (ترجمه نشر الالی بترکی) - ۱۴۵ .
 رشحات سحاب - ۶۰۵ .
 رفع الخساسة عن قراء الخلاصة - ۳۰۷ .
 رفع الستور و الاراتک - ۳۰۷ .
 رفیق و وزیر - ۶۸ .
 روشنائی نامه - ۶۸۷ .
 روض الازهان - ۳۳۶ .
 الروض المسلوف فی ماله اسمان الی الوف - ۲۳۶ .
 الروضه - ۴۷۳ .

- خمس المتحیرین - ۵۳۹ .
 خنک یت و سرخ یت - ۶۴۵ .
 ۵
 دائرة المعارف (فرید وجدی) - ۱۱۴ .
 دافع هذیان - ۱۶۳ .
 درایه شهید - ۲۰۶ ح .
 الدرہ (ترجمه عربی کبری) - ۳۶۷ ح .
 الدرۃ الالفیة فی العلم العربیة (الفیه ابن معط) - ۳۰۳ .
 درۃ التاج لغرة الدیاج - ۴۳۱ .
 الدرۃ الفاخره فی تحقیق مذهب الصوفیة - ۳۵۹ .
 درۃ نادری - ۲۶۸ .
 الدرۃ النجفیة (شرح نهج البلاغه) - ۱۳۵ .
 درۃ النوء (شرح خطبة الضوء) - ۳۷۳ ح .
 الدرجات الرفیعة فی طبقات شیعة الامامیة - ۲۰۵ .
 الدرر الغرویة فی العترة المصطفویة - ۶۲۱ .
 دررغرر (در الکلم و غرر الحکم) - ۱۱۰ .
 الدرر الغالی فی الاحادیث الغوالی - ۲۳۶ .
 درر الفرید فی معرفت التوحید - ۶۸۲ .
 الدرر الكامنة - ۳۰۶ .
 الدرر اللوامع علی جمع الهوامع - ۳۴۷ .
 الدرر النثیر - ۳۰۱ .
 الدرر النظیم الی فضائل القرآن العظیم - ۲۳۵ .
 الدرر اللقیط فی اغلاط القاموس المحيط - ۲۳۷ .
 دریای کبیر - ۵۸۱ .
 دلائل الاعجاز - ۳۱۵ .
 دلائل النبوه - ۵ .
 دمیة القصر و عصرة اهل العصر - ۵۰۵ .
 ده نامه (منطق العشاق) - ۴۸۷ .
 دول رانی و خضر خانی - ۵۱۸ .
 دیوان الادب فی نوادر شعر العرب - ۱۸۴ .
 دیوان الاریب (مختصر مغنی اللیب) - ۳۹۵ .
 دیوان رسائل و مکاتیب (ابن اثیر) - ۲۹۹ .
 دیوان رسائل (حریری) - ۱۹ .
 دیوان رسائل عربی (عماد کاتب) - ۵۰۴ .
 دیوان رسائل فارسی (عماد کاتب) - ۵۰۴ .
 دیوان شعر (اثیر الدین اومانی) - ۷۰۲ .

- الروضة الادبیه - ۳۰۷ .
 روضة الانوار (شرح نهج البلاغه زواری) -
 ۱۳۹ .
 روضة الانوار (یکی از کتابهای خمه خواجو
 است) - ۵۱۵ .
 روضة الرضا فی مدح ابی الرضا - ۹۳ .
 روضة الشهداء - ۶۱ .
 روضة الشهداء (منظوم) - ۴۸۹ .
 روضة الفصاحه - ۲۷۸ .
 روضة المجالس فی البدیع المجانس .
 روضة الناظر فی ترجمه شیخ عبدالقادر - ۲۳۶ .
 روزنامه ارشاد - ۲۵ .
 روزنامه دولتی - ۹۶ ح .
 روزنامه شفق سرخ - ۳۵۸ ح .
 روزنامه علمی - ۹۶ ح .
 روزنامه ملت - ۹۶ ح .
 ریاض الانشاء - ۱۰۱ .
 ریاض السالکین (شرح صحیفه سجادیه) - ۲۴ ح .
 ریاض الشعراء - ۲۱۹ .
 رسائل بدیع الزمان - ۸۸ .
 رسائل جاحظ - ۷۹ .
 رسائل سید رضی - ۱۵۳ .
 رسائل طریحی - ۲۷۳ .
 رساله در آداب بحث - ۵۲ .
 رساله ابو حفص سوزی (فرهنگ) - ۲۲۱ .
 رساله ابونصر علی طوسی (فرهنگ اسدی) -
 ۲۲۱ .
 رساله در اثبات خلافت علی علیه السلام (غدیریّه) -
 ۳۴۲ .
 رساله استعارات بدیعیّه - ۳۲۱ .
 رساله استعارات سمرقندی (الفرائد والفوائد =
 سمرقندیّه) - ۴۰۹ .
 رساله الاضحویه (ابوعلی) - ۱۲۷ .
 رساله در اغلاط قاموس - ۲۳۸ .
 رساله در انتقاد از انشاء مجآدات سه گانه روضة
 الصفا - ۲۵ .
 رساله در بیان نسب میان قضایا - ۳۲۱ .
 رساله در پند و موعظه - ۴۸۹ .
 رساله در تحقیق لفظ جلاله - ۳۷۳ .
 رساله در تحقیق محصورات اربع - ۳۲۱ .
 رساله در تحقیق معنی حرف - ۳۶۷ .
 رساله در تصور و تصدیق (از قطب شیرازی
 یا قطب رازی) - ۴۳۱ ح .
 رساله در تقسیم قضیه - ۲۲۱ .
 رساله حسنیّه - ۵۷ .
 رساله در حکم قنادیل النبویه - ۲۳۷ .
 رساله در رجعت - ۱۳۲ .
 رساله در رضاع (ابوالحسن عاملی) - ۳۳ .
 رساله در شرح حال امیر معزی و ممدوحین وی -
 ۶۸۰ .
 الرسالة الشریعیّه (در آداب البحث) - ۳۶۷ .
 رساله در طریقه سادات نقشبندیّه - ۳۵۸ .
 رساله در عروض (ادیب صابر) - ۴۴۶ .
 رساله در عروض (جامی) - ۳۵۹ .
 رساله در علم - ۵۲ .
 رساله در علم حساب (نظام الدین نیشابوری) -
 ۳۵۰ .
 رساله در علم فراست یا قیافه - ۱۴۱ .
 رساله غیبیه - ۶۸ .
 رساله در فن اصول حدیث - ۳۶۷ .
 رساله در کلمه لا اله الا الله - ۳۹۵ .
 رساله معادیّه (ابوعلی) - ۱۲۷ .
 رساله محمد هندوشاه (صحاح المعجم) - ۲۲۱ .
 رساله در موسیقی (جامی) - ۳۵۹ .
 رساله معربات - ۲۱۸ .
 رساله در معرفت تقویم (پیوسته به شماره ده
 کتابخانه و ۸۹۱ فهرست است) - ۲۶۸ .
 رساله در معما (تأثیر) - ۵۷۴ .
 رساله در معما - صغیر و متوسط و کبیر (جامی) -
 ۳۵۹ .
 رساله در مؤنثات سماعی (محمد مهدی قزوینی) -
 ۳۷۳ .
 رساله در موسیقی (امیر خسرو دهلوی) -
 ۵۱۸ .

- رسالة البهية في الترجمة الميمنية - ۵۲ .
 سلافة العصر - ۲۰۴ .
 سلسلة الذهب - ۲۰۹ .
 سلم السموات - ۴۲۹ .
 سايمان و بلقيس (يكي از كتابهاي خمه فيضي است) - ۵۲۲ .
 سليمان و بلقيس يا (بلقيس و سايمان) نظام استر ابادي - ۶۸۹ .
 سلوة الحريف بمناظرة الربيع والخريف - ۷۹ .
 سلوة الغريب و اسوة الاديب - ۲۰۵ .
 سمر قنديه (رساله استعارات ابو القاسم سمر قندي) - ۴۰۹ و ۴۲۳ .

- سند باد - ۵۵۷ .
 سواطع الالهام (تفسير بي نقطه) - ۵۲۱ .
 سهو اللسان - ۶۱۸ ، ۶۶۶ .
 ستاحي گويد - ۶۸ .
 سيرة الرسول (ابن هشام بصري) - ۳۰۸ .
 سيرة النبي (ظ = اخلاق النبي است) - ۲۸۹ ح .
 سيرة الطاهر (تأليف سيد رضي) - ۱۵۲ .
 سير العباد الى المعاد - ۴۹۴ .
 سيف الرسائل - ۴۷۸ .
 السيف الصارم على عنق عضد الظالم - ۳۴۸ .
 السيف الصقيل - ۳۳۳ .

ش

- شاد بهر وعين الحيات - ۶۴۵ .
 الشافعي في شرح مسند الشافعي - ۲۹۹ .
 الشامل - ۱۹۶ .
 شاهنامه (فردوسي) - ۱۹۰ ح .
 شاهنامه (هاتفي) - ۵۴۳ .
 شاهنشاه نامه - ۶۲۶ .
 شذور الذهب في معرفة كلام العرب - ۳۰۶ .
 شرح آداب البحث (عصام اسفرايني) - ۳۲۱ .
 شرح آداب المریدين - ۱۸۹ .
 شرح اثني عشر شهيد - ۲۷۳ .
 شرح اجرومية (خالد ازهری) - ۳۱۰ .
 شرح احتجاج (قاطع اللجاج) - ۳۲۵ .
 شرح الاحتشام على نهج بلاغة الامام (شرح جواد طارمی) - ۱۳۶ .

- رساله ناصر و خسرو در جواب نودونه سؤال - ۶۸۷ .

- رساله در وجود - ۳۵۹ .
 رساله در وحی و الهام - ۵۲ .
 روضة المناظر في اخبار الاوائل والاواخر - ۴۳۳ ح .
 رياض الاربار في مناقب الائمة الاطهار - ۳۲۵ .

ز

- زاد السالكين (طريق التحقيق) - ۴۹۴ .
 زاد المسافرين - ۶۸۷ .
 زاد المعاد (برون بانت سعاد) - ۲۳۶ .
 زبدة الحقايق - ۱۴۷ .
 زبدة النصر و نخبه العصر (مختصر نصره الفتره) - ۵۰۵ .

- زند - ۲۵۹ ح .
 الزهره - ۲۰۵ .
 زهر الربيع - ۲۰۴ ح .
 زينة الدهر في عصرة اهل العصر - ۵۰۶ ح .
 زينت المسالك (شرح الفيه ابن مالك) - ۳۸۸ .

س

- ساطع برهان - ۱۶۳ .
 ساغر سرشار (وحيد قزوینی) - ۶۹۹ .
 ساقی نامه (اهلی خراسانی) - ۵۷۰ ح .
 ساقی نامه (ملك قمی) - ۶۸۳ .
 سالار نامه - ۱۴۹ .
 سام نامه - ۵۱۴ .
 السامي في الاسامي - ۲۹۶ .
 سبعه معلقه - ۲۸۲ .
 سبحان البكا - ۶۰۵ .
 سحر حلال - ۶۵۹ .
 سخن نامه نظامی (فرهنگ سعد بن نصير غزنوی) - ۲۱۳ .
 سراط السطور - ۲ .
 سرخ بت و خنگ بت - ۶۴۵ .
 سعادت نامه - ۶۸۷ .
 سفر السعاده - ۲۳۶ .
 سفر نامه ناصر خسرو - ۶۸۶ .
 سفينة الشعراء - ۴۷۶ .
 سلاسل الحديد في تقييد ابن ابي الحديد - ۴۴ .

- شرح ادب الکاتب (احمد بن داود جندامی) - ۷.
- شرح ادب الکاتب (اسحق بن ابراهیم فارابی) - ۷.
- شرح ادب الکاتب (ابو اسحق فارابی) - ۱۸۱.
- شرح ادب الکاتب (ابی علی حسن بن محمد - بطلیوسی - ۷.
- شرح ادب الکاتب (ابی منصور موهوب بن احمد جوالقی) - ۶- ۵۲۹، ۴۶۶.
- شرح ادب الکاتب (جوهری) - ۱۹۴.
- شرح ادب الکاتب (زجاجی) - ۷.
- شرح ادب الکاتب (سلیمان بن محمد زهراوی) - ۷.
- شرح ادب الکاتب (مبارک بن فاخر) - ۷.
- شرح ادب الکاتب (الاقتضاب) - ۶.
- شرح ارشاد (موضح الرشاد) - ۲۰۵.
- شرح الازهریة - ۳۱۰ ح.
- شرح استبصار (کشف الاسرار) جزائری - ۳۲۵.
- شرح اسماء الحسنی - ۳۲۵.
- شرح اسماء الله حسنی (ابو منصور ازهری) - ۱۶۷.
- شرح اشارات (شرح اشارات شیخ علی بحرانی از ابن میثم) - ۵۲.
- شرح اصلاح المنطق ابن سکیت (ازهری) - ۱۶۷.
- شرح الفاظ العزنی - ۱۶۷.
- شرح الفیه ابن شحنة - ۴۳۳.
- شرح الفیه ابن مالک (ابن ام قاسم) - ۳۸۴ ح.
- شرح الفیه ابن مالک (ابن عقیل) - ۳۸۴ ح.
- شرح الفیه ابن مالک (سلوستر داسی) - ۳۰۴.
- شرح الفیه ابن مالک = زینت المسالك (ملا محسن قزوینی) - ۳۸۸.
- شرح الفیه ابن مالک (ابن ناظم) - ۳۸۴ ح.
- شرح الفیه ابن مالک (عبدالله طوسی) - ۳۴۲.
- شرح الفیه ابن مالک (محمد بن علی کاشانی) - ۳۴۳.
- شرح الفیه ابن مالک (محمد بن سلیم گیلانی) - ۳۴۳.
- شرح الفیه ابن معط (ابن النجوى) - ۳۳۶ ح.
- شرح الفیه ابن معط الدرّة الالفیه (التعلیقات الوفیة) - ۳۷.
- شرح الايضاح (شریشی) - ۳۷.
- شرح ایضاح ابو علی (المعنی) - ۳۱۵.
- شرح ایضاح (المقصد = المقصد) - ۳۱۵.
- شرح باب حادی عشر - ۷۱.
- شرح تائیه ابن فارس - ۳۵۸.
- شرح تسهیل (ابن عقیل = المساعد) - ۳۳۳.
- شرح تسهیل الفوائد (التحصیل و التفصیل) - ۳۰۷ ح.
- شرح تسهیل (دمامینی) - ۳۷۶.
- شرح تصریف عزّی (جرجانی) - ۳۶۷.
- شرح تلخیص المفتاح (خطیب قزوینی) = ایضاح - ۴۱۷.
- شرح توحید صدوق (جزائری) - ۳۲۵.
- شرح تهذیب الاحکام (صغیر) سید نعمة الله - ۳۲۵.
- شرح تهذیب الاحکام (کبیر) سید نعمة الله - ۳۲۵.
- شرح تهذیب الاحکام (جزائری = غایة المرام) - ۳۲۵.
- شرح تهذیب بهائی در نحو جزائری - ۳۲۵.
- شرح الجمل (جرجانی) - ۳۱۵.
- شرح الجمل (شریشی) - ۳۷.
- شرح جمل ملا خلیل (محمد مهدی قزوینی) - ۳۷۳.
- شرح جواهر البحور - ۳۷۶.
- شرح حاجیه (شرح شافیه ابن ناظم) - ۳۳۶ ح.
- شرح حال امیر معزی - ۶۸۰.
- شرح حاوی (رکن الدین استرآبادی) - ۳۶۴.
- شرح حدیث کساء - ۱۰۴.
- شرح حکمة العین (جرجانی) - ۳۶۷.
- شرح حکمة الاشراق (قطب شیرازی) - ۴۳۱.
- شرح خیصی - ۳۶۶.
- شرح خزر جیه (عباسی = بدر الدین اسلامبولی) - ۴۲۵.
- شرح خزر جیه (العبون الفاخرة الغامزة) - ۳۷۶.
- شرح خطب نهج البلاغه (شیخ محمد علی اصفهانی) - ۱۴۴.
- شرح خطب و مکاتیب حضرت علی علیه السلام (تالیف سپهر - لسان الملك) - ۱۴۴.

- شرح خطبه شمسقیه (سید عباس شوشتری) -
۱۴۰.
- » شمسقیه (سید مرتضی علم الهدی
متوفی ۴۳۶) - ۱۴۰.
- » طنجیه (سید کاظم رشتی) - ۱۴۳.
- » قاصعه - ۱۴۳.
- » خطبه البیان (محمد بن محمود دهمدار بنام
«خلاصة الترجان») - ۱۴۰، ۱۳۹.
- شرح خطبه البیان (معالم التبیان) - ۱۴۰، ۱۳۹.
- » خطبه قاموس (تالیف ابوالروح عیسی) -
۲۳۹.
- » خطبه قاموس (فتح القدوس) - ۲۳۸.
- » خطبه قاموس (محمد بن شحنه) - ۲۳۹.
- » (میرزا علی شیرازی) - ۲۳۹.
- » خطبه قاموس (تألیف مناوی) - ۲۳۸.
- » خطبه الکشاف - ۲۳۵.
- » خطبه همام (میر آصف قزوینی) - ۱۴۳.
- » (شیخ مهدی آلهی) - ۱۴۳.
- » دیباچه دفاتر ششگانه مثنوی مولوی رومی -
۵۱۰.
- » دیوان حماسه ابوتمام (ابن فارس) - ۵۵۳.
- » ابی تمام (ازهری) - ۱۶۷.
- » ذوالرمه - ۵۹۹.
- » رباعیات لوایح - ۳۵۸.
- » رساله استعاره سمرقندی (عصام اسفرائینی) -
۳۲۱.
- » زهری الی عبد الملك بن مروان -
۲۸۸.
- » در هندسه - ۴۳۱.
- » روضه کافی (جزائری) - ۳۲۵.
- » شرح زاد المعاد - ۲۳۶.
- » سامی فی الاسامی - ۲۲۱.
- » سمرقندی (عصام اسفرائینی) - ۴۰۹.
- » شاطبیه (علم الدین اندلسی) - ۳۸۲.
- » شافیه (خود ابن حاجب) - ۳۳۰.
- » ابن حاجب (ابن ناظم) - ۳۳۶.
- » (شیخ رضی) - ۳۶۱.
- » (رکن الدین استرآبادی) - ۳۶۴.
- شرح شافیه ابن حاجب (میرزا کمالا) - ۴۲۷.
- » » » (نقره کار) - ۳۶۹.
- » شذور الذهب - ۳۰۶.
- » شرایع (شیخ مفلح صیمری) - ۳۸۱.
- » شرح تصریف - ۳۱۸ ح.
- » کافیه ابن حاجب - ۳۹۰.
- » شمسیه منطق (اسفرائینی) - ۳۲۱.
- » منطق (رکن الدین استرآبادی) -
۳۶۶.
- » شواهد الانتقاد - ۳۷۳.
- » شواهد خبیصی - ۳۷۴.
- » عینی (المقاصد النحویه فی شرح
شواهد شروح الالفیه) - ۳۸۴ ح.
- » مغنی صغری (ابن هشام) - ۳۰۷.
- » » » مغنی کبری
- » صحیح بخاری (بدرالدین عباسی = عبد -
الرحیم) - ۴۲۴.
- » » » (دهامینی) - ۳۷۶.
- » صحیفه سجادیه (النکت اللطیفه) - ۲۷۳.
- » » » سجادیه صغیر (جزائری) - ۳۲۵.
- » » » کبیر
- » صمدیه سید علیخان (متوسط) - ۳۵۴.
- » عبارت قدجرت عادت المصنفین - ۳۲۱.
- » عروض الشعر - ۳۷.
- » عهدنامه مالک اشتر (ترکی) - ۱۴۳.
- » » » (ابولحسن عاملی) -
۱۴۹.
- » عهدنامه مالک اشتر (بدایع نگار) - ۱۴۲.
- » » » یا تحفه سلیمانی (سید
ماجد بجرانی) - ۱۴۰.
- » » » (اساس السیاسه فی -
تاسیس الریاسه) - ۱۴۱.
- » » » (محمد باقر مجلسی) -
۱۴۱.
- » » » مالک (هدایات الحسام فی عجائب -
الهدایات للحکام) - ۱۴۱.
- » » » مالک اشتر (مقتبس السیاسه) شیخ
محمد عبده - ۱۴۱.

- شرح عهدنامه مالک اشتر (شیخ محمد هادی بیرجندی) - ۱۴۱ .
- » عهدنامه مالک اشتر (وقار بن وصال) - ۱۴۱ .
- » عیون اخبار الرضا (جزائری) - ۳۲۵ .
- » عصام بر فریده - ۳۲۱ .
- » غوالی اللآلی - ۳۲۵ .
- » فرائض سر اجیه - ۳۶۷ .
- » فصوص الحکم - ۳۵۸ .
- » فصول نصیریہ (عبد الوهاب استر ابادی) - ۴۱۵ .
- » قاموس (سعدی افندی) - ۲۳۹ .
- » » (کسر الناموس) - ۲۳۹ .
- » » (مقدسی) - ۲۳۹ .
- » قانون ابوعلی (قطب شیرازی) - ۴۳۱ .
- » قصائد سبعة ابن ابی الحدید (شیخ رضی) - ۳۶۱ .
- » قصیده بانث سعاد - ۳۰۶ .
- » » پرده - ۳۱۰ .
- » » (مهلب بن حسین) - ۳۱ .
- » » دعبل خزاعی (میرزا کمالا) - ۴۲۷ .
- » قواعد الاعراب ازهری (موصل الطلاب الی قواعد الاعراب) - ۳۱۰ ح .
- » قواعد العقاید (رکن الدین استر ابادی) - ۳۶۴ .
- » قواعد علامه (ملا عبد الله یزدی) - ۴۱۲ .
- » قوافی دماینی (ابن عمر بلخی) - ۳۷۶ .
- » کافیه (خود ابن حاجب) - ۳۳۰ .
- » کافیه (ابن ناظم) - ۳۳۵ .
- » ابن حاجب (جزائری) - ۳۲۵ .
- » » = البسیط (رکن الدین - استر ابادی) - ۳۶۴ ، ۳۶۶ .
- » » = صغیر (رکن الدین - استر ابادی) - ۳۶۴ .
- » کافیه بفارسی (محمد امین هروی) - ۳۶۸ .
- » » (هندی) - ۳۹۱ .
- » کشاف (تفتازانی) - ۴۲۲ .
- » کلمات خواجه محمد یار سا - ۳۵۸ .
- شرح کل ج - ب - ۳۲۱ .
- » گلشن راز (لاهیجی) - ۵۵۹ .
- » لامیه ابن مالک (ابن ناظم) - ۳۵۵ .
- » لامیه المعجم صفدی - ۳۷۶ .
- » اباب اسفرائینی (محمد بن مسعود سیرانی) - ۳۷۰ .
- » قالی - ۳۷۰ .
- » مبادی علامه - ۲۷۳ .
- » مثنوی (لطائف المثنوی) - ۲۲۷ .
- » محصل - ۴۲ .
- » مختصر الاصول عضدی (جرجانی) - ۳۶۷ .
- » » ابن حاجب (رکن الدین - استر ابادی) - ۳۶۴ .
- » » ابن حاجب (قطب شیرازی) - ۴۳۱ .
- » مختصر الشرایع (الضوء اللامع) - ۲۷۳ .
- » مختصر الوقایه - ۳۸۰ .
- » مرااح الارواح (دیکنفوز) - ۳۹۳ .
- » » (الفلاح) - ۳۹۴ .
- » مرااح (المفراح) - ۳۹۴ .
- » مشککات الغرر - ۴۲ .
- » مصباح (الاقتتاح) - ۳۷۱ .
- » شرح المصباح (ابن النحوی) - ۳۳۶ ح .
- » شرح مطالع (رکن الدین استر ابادی) - ۳۶۴ .
- » » (قطب رازی) - ۴۳۱ ح .
- » شرح المظنون به علی غیر اهله - ۳۱۳ .
- » » » » » (غزالی) - ۳۱۳ ح .
- » شرح معلمات سبعة (زوزنی) - ۲۸۲ .
- » مغنی (مختصر دماینی) - ۳۷۷ .
- » مفتاح میرسید شریف (الاطول) - ۳۶۷ ، ۴۲۱ .
- » مقامات حریری (محمد بن ابی بکر رازی) - ۲۷۸ .
- » مقامات حریری (عباسی = عبد الرحیم - اسلامبولی) - ۴۲۴ .
- » مقامات حریری (مظهر الدین شیرازی) - ۹۱ .
- » مقدمه جزریه (خالد ازهری) - ۳۱۰ .
- » شرح المآله - ۳۰۷ .
- » شرح ملحّة الاعراب (ابن ناظم) - ۳۳۶ .

- شرح نهج البلاغه - جواد طارمی (شرح الاحشام)
 علی نهج الامام) - ۱۳۶ .
 » » (سلطان محمود طبسی - مختصر شرح
 ابن ابی الحدید) - ۱۳۳ .
 » » (عبدالباقی صوفی) - ۱۴۱ .
 » » (علامه حلی) - ۱۳۶ .
 » » (علی بن ناصر - اعلام نهج البلاغه) -
 ۱۳۹ .
 » » (عمادالدین قاری استرآبادی) -
 ۱۳۹ .
 » » (فخرالدین = مختصر شرح ابن
 ابی الحدید = العقد النضید یا در -
 النضید) - ۱۳۳ .
 » » (فضل الله راوندی) - ۱۳۵ .
 » » (قطب راوندی) - ۱۳۴ .
 » » (قطب راوندی - منهاج البراءه) -
 ۱۳۵ .
 » » (قطب کیدری - حدائق الحقایق
 فی فسر دقائق احسن الخلائق) -
 ۱۳۴، ۱۳۵ .
 » » (قوام الدین شیرازی) - ۱۳۹ .
 » » (کجکچی) - ۱۳۳ .
 » » (گلستانه - بهجة الحدائق) -
 ۱۳۳ .
 شرح یا ترجمه نهج البلاغه (لاهیجی) - ۱۳۴ .
 شرح نهج البلاغه (سید ماجد بحرانی) - ۱۳۳ .
 » » (سید محمد تقی قزوینی) - ۱۳۴ .
 » » (محمد رفیع جیلانی) - ۱۳۳ .
 » » (شیخ محمد عبده) - ۱۳۵ .
 » » (محمد بن حبیب الدین) - ۱۳۹ .
 » » (محمد محی الدین) - ۱۳۹ .
 » » (محیی الدین خیاط) - ۱۳۹ .
 » » (مختصر قدیمی مجهول المؤلف) -
 ۱۳۷ .
 » » (مختصر قدیمی) - ۱۳۸ .
 » » (میر صفی) - ۱۳۶ .
 » » (منهاج الولاية) مؤلف مجهول
 است - ۱۳۷ .
- شرح ملحقات صحیفه (جزائری) - ۳۲۰ .
 » منهاج بیضاوی - ۳۴۸ .
 » مواقف قاضی عضد ایجی (جرجانی) -
 ۳۶۷ .
 » موجز (شیخ مفلاح صیمری) - ۲۸۱ .
 » نصاب (دشت بیاضی) - ۱۸۹ .
 » نظام الغریب - ۲۳۹ .
 » نظم النخبه - ۳۸۰ .
 » نهج البلاغه (سید ابن طاوس) - ۱۳۶ .
 » » (ابن عتائی) - ۱۳۶ .
 » » (ابن العنقا) - ۱۳۸ .
 » » الهی اردبیلی (منهج الفصاحه) -
 ۱۳۹ .
 » » (اصفهان) - ۱۳۸ .
 » » (نصیح الدین = تحفة العلویة) -
 ۱۳۸ .
 » » (امام فخر رازی) - ۱۳۵ .
 » » (امام وبری) - ۱۳۴ .
 » » (برغانی) - ۱۳۵ .
 » » (بیهقی) - ۱۳۴ .
 » » (تفتازانی) - ۱۳۶ .
 » » (جرموزی) - ۱۳۳ .
 » » (سید جزائری) - ۱۳۳ .
 » » (جهانگیر خان قشقای) - ۱۳۶ .
 » » (شیخ حسین عاملی) - ۱۳۳ .
 » » (خوئی = الدرّة النجفیة) - ۱۳۵ .
 » » (حبیب الله خوئی = منهاج البراءه
 فی شرح نهج البلاغه) - ۱۳۶ .
 » » (دزفولی) - ۱۳۵ .
 » » (سید ذاکر حسین اختر هندی
 دهلوی) - ۱۳۷ .
 » » (زواری = روضة الانوار) -
 ۱۳۹ .
 » » (صغیر) شبر - ۱۳۴ .
 » » (کبیر) شبر - ۱۳۴ .
 » » (شهرستانی) بلاغ المنهج -
 ۱۳۷ .
 » » (صنعانی) - ۱۳۸ .

شرح نهج البلاغه (المولوی الهندی) - ۱۳۷.
 » » (مهابادی) - ۱۳۵.
 » » (نظام الدین گیلانی = انوار -
 الفصاحه واسرار البلاغه) - ۱۳۱.
 » » (نفائس) - ۱۳۶.
 شرح وترجمه نهج البلاغه (نور محمد) - ۱۳۰.
 » نهج البلاغه (یحیی بن حمزہ علوی) - ۱۳۶.
 شرح وصایای حضرت علی علیه السلام (تألیف
 میرزا جهانگیر خان آذربایجانی ضیائی) -
 ۱۴۴.

شرح الهادی = (الکافی) - ۳۱۳.
 » » (الصغیر) - ۳۴۸.
 شرح هدايه (خطائی) - ۴۰۷.
 شرح یاقوت ابن نوبخت - ۴۲.
 شریعة الشیعه و دلائل الشریعه (شرح مفاتیح
 فیض) - ۳۳.
 الشعر و الشعراء - ۵.
 شفا (ابوعلی سینا) - ۱۲۷.
 الشفا فی بدیع الاکتفا - ۷۳.
 شمس المغرب فی المرقص و المطرب - ۳۷۶.
 شمسیه - ۳۲۱.
 شوارق الاسرار العلیه فی شرح مشارق الانوار
 النبویه - ۲۳۵.

شواهد التوضیح و التصحیح لمشکلات الصحیح
 ۳۰۴

شواهد عینی - ۳۸۴.
 شواهد النبوه - ۳۵۹.
 الشهاب السعیدی - ۲۹۶.
 الشیات والحلی - ۲۸۹.
 شیرین و خسرو (یکی از کتابهای خمسة امیر
 خسرو دهلوی است) ۵۱۸
 شیرین و خسرو (یکی از منظومات هاتفی است)
 ۵۴۴ ح.

ص

الصاحبی (فقه اللغة) - ۲۸۸.
 صبح صادق - ۵۲۵ ح.

صبح گلشن - ۲۱۹.
 صحاح بخاری - ۳۰۰.
 صحاح اخبار - ۱۱۸.
 صحاح مسلم - ۳۰۰.
 صحاح العجم - ۲۱.
 صحاح عجم جدید - ۲۶۵.
 صحاح عجم دیرینه - ۲۶۵ ح.
 صحائف الحسنات - ۷۳.
 صحائف العالم - ۲۸.
 صحفة الابدان - ۲۴۷.
 صدخطابه (میرزا آقا خان کرمانی) - ۲۵.
 صدکلمه (حاج شیخ عباس قمی) - ۱۴۶.
 صدور زمان الفتور و فتور زمان الصدور -
 ۹۱.

الصراط المستقیم - ۲۳۶.
 صرف میر - ۳۶۷.
 صغری - ۳۶۷.
 الصفات - ۲۷۰.
 صحف ابراهیم - ۴۸۷.
 صفو الراح من مختار الصحاح - ۱۹۶.
 الصلات والبشر فی الصلاة علی خیر البشر - ۲۳۶.

ض

ضالة الادیب فی الجمع بین الصحاح و التهذیب -
 ۱۷۰.
 الضوء (تألیف برهان الدین باعونی) - ۷۳ ح.
 الضوء اللامع فی اعیان القرن التاسع - ۲۴۴.
 الضوء اللامع فی شرح مختصر الشرايع - ۲۷۳.
 ضیاء القلوب (نام یکی از قصائد اظهري است) -
 ۵۶۱.

ط

طبقات اکبری - ۹۹.
 طبقات سیوطی - ۱۹۲ ح.
 طبقات الشافعیه (اسدی) - ۷۲.
 طبقات الشعراء - ۵، ۴.
 طبقات المعنین - ۷۹.

- العناية خفاجي - ۲۳۹ .
عنوان الزمان - ۷۳ .
عواطف الاستبصار - ۲۷۳ .
عود الشباب - ۵۰۷ .
العين (خليل) - ۱۶۷ .
عين الحيات (دمايني) - ۳۷۶ .
» (محمد مهدي قزويني) - ۳۷۳ .
عيون الاخبار (مشمول برده كتاب) - ۵ .
عيون الشرف - ۴۴۳ .
عيون الشعر (مشمول برده كتاب) - ۴ .
العيون والمحاسن (عيون الحكم والمواعظ) -
۷۴ ح .

غ

- الغاز نجويه - ۳۰۶ .
غاية المرام - ۲۸۶ .
غرايب الاخبار و نوادر الآثار - ۳۲۵ .
غرائب الصغر - ۵۳۹ .
غرائب القرآن (تفسير نيشابوري) - ۳۵۰ .
غرر الأدلة - ۴۲ .
الغرر المثلثة والدرر المبثثة - ۲۳۷ .
الغره (ترجمه عربي صغرى) - ۳۶۷ ح .
غريب الحديث (ابن قتيبه) - ۵ .
غريب الحديث (ابن عبيد) - ۲۹۰ .
» » (طريحي) - ۲۷۴ .
» » (قطرب) - ۲۷۰ .
غريب القرآن (ابن فارس) - ۲۸۸ .
» » (ابن قتيبه) - ۵ .
غريب القرآن والحديث (ابن عبيد) - ۳۰۰ .
» » (نزهة الخاطر و سرور الناظر) -
۲۷۳ .

- غريب المصنف (شيباني) - ۲۹۷ .
غريب نامه - ۴۹۴ .
غنية الطلاب - ۳۷۳ .
غنية الاغانى - ۲۰۶ .

ف

- فائق (زمخشري) - ۴۰۰ .
فتاوى فقيه العرب - ۲۸۸ .

- الطراز (تأليف امام يحيى) - ۷۴ .
الطراز فى الحقيقة والمجاز - ۷۴ .
الطراز الموشى فى صناعة الانشا (شيخ محمد
نجار) - ۷۴ .
طريق التحقيق (زاد السالكين) - ۴۹۴ .
طوطى نامه - ۲۰۹ .
طيف الخيال - ۱۵۴ ح .

ظ

- ظفر الاماني فى مختصر الجرجاني - ۳۶۷ .
ظفر نامه تيمورى (شرف الدين يزدى) -
۵۴۳ ح .
ظفر نامه شاه جهانى - ۶۶۰ .

ع

- عاشق و معشوق (وحيد قزوینی) - ۶۹۹ .
العباب (در لغت است) - ۱۷۴ .
العباب فى علم الاعراب - ۳۷۰ .
العبرى الحسان - ۴۲ .
عجائب البلدان - ۹۱ .
العرجان والبرصان والقرمان - ۷۹ .
عروض سيفى - ۴۴۹ .
عشق نامه (سنائى) - ۴۹۴ .
العشق والنساء - ۷۹ .
عشقيه يا عشيقه - ۵۱۸ .
العقد الفريد - ۴۳۶ .
عقد الجواهر - ۳۳۷ .
العقد النضيد يا الدر النضيد المستخرج من شرح
ابن ابي الحديد - ۴۶ .
العقود و المرجان (تفسير جزائرى) - ۳۲۶ .
العلل فى النحو - ۲۷۰ .
علل القراءات - ۱۶۷ .
علل القوافى - ۳۷ .
العلم والجال - ۲۸۹ ح .
العمده (در صرف) - ۳۱۵ .
عمدة الاحكام فى شرح عمدة الاحكام - ۲۳۶ .
عمدة الطالب فى انساب آل ابي طالب - ۱۲۰ .
» فى تحقيق صرف ابن حاجب - ۳۰۶ .

- فتح الجلید (شرح شواهد ابن عقیل) - ۲۳۴ .
 الفتح الربانی فی الرد علی البنانی - ۳۷۶ .
 الفتح القدسی فی الفتح القدسی - ۵۰۵ .
 فتح القدوس فی شرح خطبة القاموس - ۲۳۸ .
 الفتح القریب (حاشیه مغنی اللیب) - ۳۸۵ ، ۳۸۶ ح .
 فتح نامه (مفتاح الفتوح) - ۵۹۴ .
 فتح نامه قندهار (صائب) - ۶۲۲ .
 فتح نامه قندهار (وحید قزوینی) - ۶۹۹ .
 الفن والملاحم - ۲۴۲ .
 فحول الشعر - ۵۵۳ .
 فخر السودان علی البیضان - ۷۹ .
 فخریه صغری - ۲۷۳ .
 فخریه کبری - ۲۷۳ .
 فراق نامه (سلمان) - ۶۰۷ .
 فرائد الدر - ۵ .
 الفرائد والقلائد - ۱۴۷ .
 فرائض سراجیه - ۳۶۷ .
 الفرق - ۲۸۸ .
 فروغستان - ۲۹ .
 فرهنگ ابراهیمی - ۲۱۳ .
 فرهنگ ابوحنیفه سغدی - ۲۱۳ .
 فرهنگ ابومنصور علی طوسی (اسدی) - ۲۱۳ .
 فرهنگ اداة الفضلاء - ۲۱۳ .
 اسکندری - ۲۱۳ .
 اوبهی (تحفة الاحباب) - ۲۱۳ .
 تحفه السعاده - ۲۲۰ .
 حسنی - ۲۱۳ .
 حسین وفائی (نسخه حسین وفائی) - ۲۲۱ .
 دستور - ۲۱۳ .
 دستور الافاضل - ۲۱۳ .
 دستور الفضلاء - ۲۱۳ .
 دیوان خاقانی - ۲۱۳ .
 رساله النصیر - ۲۱۳ .
 زبان گویا (هفت بخشی) - ۲۱۳ .
 سعدین نصیر (سخن نامه نظامی) - ۲۱۳ .
 شاهنامه - ۲۱۳ .
 شیخزاده عاشق - ۲۱۳ .
 فرهنگ ضمیر یا ضمیری - ۲۱۳ .
 » ظهیر - ۲۱۳ .
 » عاصمی - ۲۱۳ .
 » عالمی - ۲۱۳ .
 » شیخ عبدالرحیم بهاری - ۲۱۳ .
 » عبدالله نیشابوری - ۲۱۳ .
 » عجائب - ۲۱۳ .
 » علی نیک پی - ۲۱۳ .
 » میرزا فتح الله رازی - ۲۲۷ .
 » فتنه الفتیان - ۲۱۳ .
 » فتنه الطالبین - ۲۱۳ .
 » فخر غواس (مشهور بفخر غواس) - ۲۱۴ .
 » فوائد برهانی - ۲۱۳ .
 » فوائد الفوائد - ۲۱۴ .
 » قطران - ۲۱۳ .
 » لسان الشعراء - ۲۱۳ .
 » محمد بن قیس - ۲۱۴ .
 » محمد ابن هند و شاه (صحاح المعجم) - ۲۱۴ .
 » شیخ محمود بهاری - ۲۱۳ .
 » مختصر - ۲۱۴ .
 » منصور شیرازی - ۲۱۴ .
 » مؤید الفضلاء - ۲۱۴ .
 » نیازی (جامع اللغات) - ۲۱۳ .
 » فرهنگ مولانا الهداد سرهندی - ۲۱۴ .
 فصل الخطاب (صد کلمه عمر) - ۴۴۰ ح .
 فصل الدر من الخزره فی فضل السلامه علی الخیزه - ۲۳۶ .
 الفصول (ابن دهان) - ۲۹۹ .
 فصل الائمة - ۷۹ .
 فصول نصیری - ۳۶۵ .
 الفصیح - ۲۸۹ .
 فقر البلقا - ۵۵۳ ح .
 فضائل الاتراک - ۷۹ .
 الفضل الوفی فی العدل الاشرفی - ۲۳۶ .
 فقه اللغة (الصاحبی) - ۲۸۸ .
 الفلاح لشرح المراح (شرح مراح الارواح) - ۳۹۳ .
 الفلك الدائر علی المثل السائر - ۴۲ .

القواعد الكبرى (قواعد الاعراب = الاعراب
عن قواعد الاعراب) - ۳۰۷ ح .
قواعد المرام - ۵۲ .
القول المأنوس (حاشية قاموس) - ۲۴۰ .
» » بشرح مغلق القاموس - ۲۳۸ .
» » في تحرير القاموس - ۲۳۸ .
» » في صفات القاموس - ۲۴۰ .
القوافي (دماميني) - ۳۷۶ .
القوافي (قطرب) - ۲۷۰ .
الفتح القدسي في فتح القدسي (الفتح القدسي)
- ۵۰۵ .

ل

کارنامه بلخ - ۴۹۴ .
کافی فی شرح الهادی - ۳۱۳ .
کافیه (بدیعته صفی حلی) - ۳۷۳ .
کامل التعبير - ۲۴۷ ح .
کامل مبرد - ۵ .
کبری - ۳۶۷ .
کتاب الاشربة - ۵ .
کتاب التفقیه (درسغه چنین ضبط شده شاید التفقیه
باشد) - ۵ .
کتاب الثلاثه - ۲۸۸ .
کتاب الحيوان (جاحظ) - ۷۹ .
کتاب الخيل - ۵ .
کتاب در جمع هدايه و محرر - ۴۰۷ .
کتاب در معما - ۳۶۷ .
کتاب ارواح - ۱۶۷ .
کتاب الزیادات فی شعر ابی تمام - ۱۵۳ .
کتاب الشعر - ۵۵۳ .
کتاب صغير الحجم - ۲۸۹ .
کتاب العلم - ۵ .
کتاب العم والخال - ۲۸۹ .
کتاب علی علیه السلام - ۱۲۲ .
کتاب فعل و افعال - ۲۷۰ .
کتاب المعارف - ۵ .
کتاب الهمزه - ۲۷۰ .

قوائد الاصول - ۲۷۳ .
الفواكه البدريه - ۳۷۶ .
قوائد غرويه - ۳۳ .
قوائد القلائد (مختصر شرح شواهد عيني) -
۳۸۴ ح .
قوائد الكبير - ۵۳۹ .
فهرست اسپرنگر - ۸ ح .
فهرست اينديا افيش - ۷۰۰ .
» شواهد مغني - ۳۷۴ .
» كافي - ۳۷۳ .

ق

قائمه لطف الله حليمي - ۲۶۵ .
قاطع برهان - ۱۶۳ .
قانون (مقالات متواليه ملكم) - ۶۸ .
قانون استيفا - ۵۱۸ .
القدح القدسي في فتح القدسي (الفتح القدسي) -
۵۰۵ .
قدح المغني في مدح المغني - ۹۳ .
القراح بتكميل الصحاح - ۲۰۱ .
قران سعدين - ۵۱۸ .
قسطاس - ۲۱۳ .
قصائد مشهوره عرب - ۳۶ .
قصائد هفتگانه - ۴۲ .
قصص الانبياء - ۳۲۵ .
قصه شيخ صنعان - ۵۳۹ .
القصيده الموشحه بالاسماء الموثقه - ۳۳۱ .
قطر الندى - ۳۵۶ .
قطر الندى منظوم - ۳۵۶ .
قلائد الادب في شرح اطباق الذهب - ۱۳ .
قلائد الشرف - ۵۵۳ .
قلائد العقيان - ۵۰۸ .
قراضة الذهب في علم النحو والادب (مختصر
مغني اللبيب) - ۳۹۵ .
قوس نامه - ۶۵۸ .
قواعد الاعراب - ۳۱۰ .

کشف الستاره عن نهج البلاغه - ۱۴۸ .

کشف غوامض القرآن - ۲۷۳ .

کشف الکشاف - ۲۴۲ .

کشف اللغات - ۲۲۷ .

کفایه سبزواری - ۳۳ .

کفایه الطب - ۲۴۸ .

کفایة المتعلمين في اختلاف النحويين - ۲۸۸ .

کلمات علیه غراً - ۱۴۷ .

الکلم الطنب - ۲۰۴ ح .

کلیات ملکم - ۶۸ .

کلیله و دمنه منظوم (رودکی) - ۶۰۳ .

کنز الاسامی - ۲۹۶ .

کنز الرموز (سیر العباد الى المعاد) - ۴۹۴ ح .

کنز العلوم والمغه (دائرة المعارف فريد وجدي) - ۱۲۱ .

الکنز المذکور فی عمل الساعات والایام الالبالی

والشهور - ۲۷۳ .

گ

گاهنامه - ۵۱۲ ح .

گلستان سعدی - ۶۷ .

گنج شایگان - ۳۰ .

گنجینه الحق - ۴۵۳ .

گنجینه معارف (مجله) - ۷۰ .

گلشن راز - ۱۳۱ .

ل

لاآلی عمان (جواهر خسروی) - ۵۱۸ .

لامیة الافعال (المفتاح = بنية الافعال) - ۳۰۴ .

لب الالباب یا اباب اسفرائینی - ۳۶۹ .

لب التأویل - ۳۵۰ .

لسان الشعراء - ۱۶۱ .

لسان العرب - ۲۴۱ .

لطائف الخيال - ۴۸۰ .

لطائف المثنوی (شرح مثنوی) - ۱۲۷ .

لطائف اللغة - ۲۲۸ .

لطيفة العرفان (الهي نامه سنائی) منتخب حديقه - ۴۹۹ .

اللامع المعلم العجائب الجامع بين المحكم والعباب - ۲۳۶ .

اللبا واللبن - ۵ .

اللمع في شرح الجمع - ۲۷۳ .

لمعه مظفریه - ۸۶ .

لوايح - ۳۵۸ .

ليلاذقي - ۵۲۱ .

الليل والنهار - ۲۸۸ .

م

مادار بين الرضى و ابى اسحق الصابى (مباحثات

رضى و صابى) - ۱۵۳ .

مبادئ في التصريف - ۳۱۳ ح .

متجيز الالفاظ

المتشابه في القرآن (حقائق التأويل) - ۵۲ ح .

المتفق وضعاً والمختلف صقلاً - ۲۳۶ .

المثلث المتفق المعنى - ۲۳۷ .

المثلث الكبير - ۲۳۶ .

المثل السائر - ۴۲ .

مثنوى ملاي روم - ۲۲۷ .

مجازات الآثار النبويه - ۱۵۲ .

مجازات الحديث (مجازات الآثار النبويه) - ۱۵۲ ح .

مجالس النقائس (يوسسته به شماره ده كتابخانه و

۸۹۱ فهرست است) - ۲۶۸ .

مجاميع نواجي - ۷۲ .

مجله ارمغان - ۴۶۲ .

مجله المقتبس (المقتبس) - ۵ .

مجمع البحرين (محب و محبوب) - ۶۵۹ .

مجمع الحكمتين و جامع الطين - ۱۷۵ .

مجمع السؤالات من صحاح الجوهري - ۲۳۷ .

مجمع الشتات - ۲۷۳ .

مجموعة رباعيات (دقائق الخيال) از اشخاص مختلف - ۴۸۰ .

مجموع المتون الكبير - ۴۳۳ .

مجل اللغة ۲۸۹، ۲۹۰ .

مجنون و ليلي (يكی از كتابهای خمسه امير خسرو

دهلوی است) - ۵۱۸ .

محبب الندي الى شرح قطر الندي (شرح قطر) - ۳۵۷ ح .

المحاسن والاضداد - ۷۹ .

محب و محبوب (محب و محبوب) - ۶۵۹ .

محبوب القلوب (امير عليشير نوائی) - ۵۳۹ .

- محبوب القلوب (اشکوری) - ۴۹ ح .
 محرر - ۴۰۷ .
 محرق قاطع برهان - ۱۶۳ .
 محصل (امام فخر رازی) - ۴۲ .
 المحصل دیباجی (شرح مفصل زنجیری) - ۳۸۲ ح .
 محصول - ۴۲ .
 محفظة الانوار - ۱۴۸ .
 المحکم - ۱۷۴ .
 محمود و ایاز (صائب) - ۶۲۲ .
 مختار الشعر (ابی اسحق صابی) - ۱۵۳ .
 مختصر الاصول (ابن حاجب) - ۳۳۱ ح .
 مختصر در فقه (ابن حاجب) - ۳۳۰ .
 مختصر اصلاح المنطق (مطرزی) - ۳۹ .
 مختصر حیوة الحيوان دمیری (مقاطع الشرب) - ۳۷۶ .
 مختصر درة الغواص - ۲۰ .
 مختصر شرح ابن میثم بر نهج البلاغه - ۵۳ .
 مختصر الشرح الكبير والجامع النفیس - ۳۳۳ .
 مختصر شرح مقامات شریشی (شهاب الدین - حجازی) - ۳۷ .
 مختصر شرح نهج البلاغه (علامه) - ۱۳۶ .
 مختصر الصحاح (شیخ مفلح صیوری) - ۲۸۸ .
 مختصر قاموس (تقی الدین کرمانی) - ۲۳۹ .
 مختصر القاموس - ۲۴۰ .
 مختلف الحديث - ۵ .
 مختصر مجمع الفرس (خلاصة المجمع) - ۲۲۳ .
 مختصر المصباح - ۳۹ ح .
 مختصر مفتاح در علم معانی (المصباح) تألیف ابن - ناظم - ۳۳۵ .
 مختصر منظومه نسفی (الفیه) - ۴۳۳ .
 مختصر نوادر القالی - ۳۷ .
 نخلة - ۲۰۴ .
 مداد الخطوط - ۲ .
 مدار الافاضل - ۲۲۷ .
 مدح التجار و ذم عمل السلطان - ۷۹ .
 مدخل منظوم - ۱۹۱ .
 مرآت الخيال (صائب) - ۶۲۲ .
 مرآت الصفا - ۴۷۵ ح .
 مرآت العالم - ۲۱۹ .
 مرآت المشنوی - ۲۲۷ ح .
 المراتب والمناقب (جزء عیون الشعراست) - ۵ .
 مراتع الغزلان - ۷۳ .
 مرآئی الحسین عم (کبیر، صغیر، وسیط) - ۲۷۳ .
 مراقی النجابه فی قواعد الکتابه - ۱۴۵ .
 مرج البحرين اویسی - ۲۴۰ .
 مرزبان نامه - ۹۴ .
 المرصع فی الالباء والامهات (البنین والبنات والالباء والامهات) - ۳۰۰ .
 مرعاة الادب (نطنزی) - ۱۷۸ .
 المرقاة الارفعية فی طبقات الشافعية - ۲۳۷ .
 مرعاة اللغة - ۱۷۷ ح .
 المرقاة الوفیه فی طبقات الحنفیه - ۲۳۶ .
 المزهر - ۲۸۹ .
 المسائل والجوابات - ۵ .
 مسائل سفريه (ابن هشام) - ۳۰۷ .
 مسائل فی الفقه - ۲۸۹ .
 مسالك ابن فضل الله - ۱۹۲ .
 مستطرفات نهج البلاغه - ۲۷۳ .
 مستوجبة التشريف بتوضیح الشرح التصريف - ۳۱۸ ح .
 مسرح الفوائد - ۶۹ .
 مشارب التجارب - ۱۲۴ .
 مشايخ الشيعة - ۲۸۱ .
 المشكل - ۵ .
 مشکل القرآن - ۵ .
 مشکل الوسيط - ۱۹۵ .
 مشکوة الانوار (تفسير قرآن کریم است) - ۳۳ .
 مشکوة النجاة - ۴۹۰ .
 المشوق المعلم فی تلخیص الجمع بین العباب والمحكم - ۱۷۴ ح .
 المصباح (مختصر مفتاح تألیف ابن ناظم) - ۳۳۵ .
 مصباح در نحو - ۳۹ .
 مصباح الارواح - ۴۸۷ .
 مصباح السالكين (شرح ابن میثم بر نهج البلاغه) - ۵۳ .

- محبوب القلوب (اشکوری) - ۴۹ ح .
 محرر - ۴۰۷ .
 محرق قاطع برهان - ۱۶۳ .
 محصل (امام فخر رازی) - ۴۲ .
 المحصل دیباجی (شرح مفصل زنجیری) - ۳۸۲ ح .
 محصول - ۴۲ .
 محفظة الانوار - ۱۴۸ .
 المحکم - ۱۷۴ .
 محمود و ایاز (صائب) - ۶۲۲ .
 مختار الشعر (ابی اسحق صابی) - ۱۵۳ .
 مختصر الاصول (ابن حاجب) - ۳۳۱ ح .
 مختصر در فقه (ابن حاجب) - ۳۳۰ .
 مختصر اصلاح المنطق (مطرزی) - ۳۹ .
 مختصر حیوة الحيوان دمیری (مقاطع الشرب) - ۳۷۶ .
 مختصر درة الغواص - ۲۰ .
 مختصر شرح ابن میثم بر نهج البلاغه - ۵۳ .
 مختصر الشرح الكبير والجامع النفیس - ۳۳۳ .
 مختصر شرح مقامات شریشی (شهاب الدین - حجازی) - ۳۷ .
 مختصر شرح نهج البلاغه (علامه) - ۱۳۶ .
 مختصر الصحاح (شیخ مفلح صیوری) - ۲۸۸ .
 مختصر قاموس (تقی الدین کرمانی) - ۲۳۹ .
 مختصر القاموس - ۲۴۰ .
 مختلف الحديث - ۵ .
 مختصر مجمع الفرس (خلاصة المجمع) - ۲۲۳ .
 مختصر المصباح - ۳۹ ح .
 مختصر مفتاح در علم معانی (المصباح) تألیف ابن - ناظم - ۳۳۵ .
 مختصر منظومه نسفی (الفیه) - ۴۳۳ .
 مختصر نوادر القالی - ۳۷ .
 نخلة - ۲۰۴ .
 مداد الخطوط - ۲ .
 مدار الافاضل - ۲۲۷ .
 مدح التجار و ذم عمل السلطان - ۷۹ .
 مدخل منظوم - ۱۹۱ .
 مرآت الخيال (صائب) - ۶۲۲ .

المقاصد النحویه فی شرح شواهد شروح الالفیه
(شرح شواهد عینی) - ۳۸۴ ح .

مقاطع الشرب (مختصر حیات الحيوان دمیری) -
۳۷۶ .

مقالات زنجشیری - ۸۰ .

مقامات فیروز آبادی - ۲۳۷ .

المقتبس (مجله المقتبس) - ۵ .

مقتبس السیاسیه (شرح عهدنامه مالک اشتر) -
۱۴۱ .

المقتبس فی توضیح ما التبس فخر اسفندری -
۳۸۲ ح .

مقدمه ازهریه - ۳۱۰ .

مقدمه فی العروض - ۳۳۶ .

مقدمه فی المنطق - ۳۳۶ .

مقدمه فی النحو (ابن فارس) - ۲۸۸ .

» » (جوهری) - ۱۹۴ .

المقصد الجلیل فی علم الخلیل - ۳۳۱ .

مقصود ذوی الالباب فی علم الاعراب - ۲۳۶ .

مکتوب وحید قزوینی - ۷۰۰ .

ملتقط الصحاح - ۲۸۰ ، ۲۸۱ .

ملحة الاعراب - ۱۹ .

ملحه دانیال (اصول الملاحم) - ۲۴۷ .

ملل و نحل - ۷۸ .

ملوک الکلام (سلطان محمد بن فتحعلیشاه) - ۴۷۸ .

مناسک حج (جامی) - ۳۵۹ .

مناقب مولانا ی روم - ۳۵۹ .

مناقب خواجه عبدالله انصاری - ۳۵۹ .

منتخب الخلاف - ۲۸۱ .

منتخب دیوان سید رضی (انشراح الصدر) -

۱۵۴ .

المنتخب فی الزیارات والخطب (مرآئی الحسین) -

۲۷۳ .

منتهی الارب فی لغات العرب - ۲۴۰ .

منتهی السؤل والعمل فی علمی الاصول والجدل -

۳۳۱ ح .

منتهی عمل الادیب من الکلام علی مغنی اللیب

(شرح مغنی اللیب) - ۳۷۹ .

مصباح المنیر - ۲۴۲ .

مصباح ناصر الدین مطرزی - ۳۷۳ .

المصطفی والمختار - ۲۹۹ .

مصنف الغریب (ابی عبید) - ۲۹۰ .

مطالع الانوار - ۵۸۰ ح .

مطلع الانوار (یکی از کتب خمسة امیر خسرو است

ونسخه آن در این کتابخانه نیست) - ۵۱۸ .

مطلوب کل طالب (صد کلمه امیر المؤمنین علیه

السلام) - ۴۴۰ ح .

المظنون به علی غیر اهله (عزالدین) - ۳۱۳ .

» » » » (غزالی) - ۳۱۳ ح .

مظهر البینات و مظهر الدلالات - ۴۵ .

معارض نهج البلاغه (شرح نهج البلاغه بیهقی) -

۱۲۴ .

المعارف (ابن قتیبه) - ۱۲۷ .

معالم التأویل والتبیان (شرح خطبة البیان) - ۱۴۰ .

معانی الشعر (دارای ۱۲ کتاب است) - ۴ .

معانی القرآن (سید رضی) - ۱۵۳ .

» » (قطرب) - ۲۷۰ .

المعراج السماوی - ۵۲ .

معرب الکافیه (تألیف مرعشی) - ۳۰۹ .

المعرب (لغة فقهی تألیف مطرزی است) - ۳۹ .

معیار جمالی - ۲۲۰ .

المغانم المطابه فی معالم طابه - ۲۳۶ .

المغرب فی ترتیب المعرب - ۳۹ .

المغنی (= اسماء النبی) - ۲۸۹ ح .

» (جاربردی) - ۳۴۹ .

المغنی (شرح ایضاح ابوعلی) - ۳۱۵ .

مفاتیح فیض - ۳۳ .

مفردات در فن معما و عروض - ۵۳۹ .

المفتاح (شرح بزرگ مصباح - تألیف ناضل

اسفراینی) - ۳۷۲ .

المفتاح (جرجانی) - ۳۱۵ .

مفتاح البدایع - ۴۴۱ .

مفتاح التواریخ - ۵۲۶ .

مفتاح العلوم - ۴۳۱ .

مقاتل الطالیین

- نجات القیامه فی تحقیق امر الامامه - ۵۲ .
 نجاد الفلاح - ۲۸۰ .
 نخبه التواریخ - ۵۵ ح .
 النخب الطرائف فی النکت الشرائف - ۲۳۶ .
 نزول الغیث - ۳۷۶ .
 نزهه الخواطر - ۱۸۹ .
 نزهه الخواطر و سرور الناظر (غریب القرآن) - ۲۷۳ .
 نزهه الاذهان فی تاریخ اصفهان - ۲۳۶ .
 نزهه الساسانیه - ۶۸۲ .
 نزهه القلوب (حمد الله مستوفی) - ۵۶۵ ح .
 نزهه الناظر بالطرف فی شرح علم الصرف - ۳۱۸ ح .
 نسائم المحبه - ۵۳۹ .
 نسخه حسین وفائی (فرهنگ حسین وفائی) - ۲۲۱ .
 نسمة السحر - ۱۳۳ .
 نصاب الصبیان - ۱۸۷ .
 نصاب مثلث - ۲۷۱ .
 نصایح الملوك و آداب السلوك - ۳۳ .
 نصره الفتره وعصره القطره - ۵۰۵ .
 نظام الغریب - ۲۳۹ .
 نظم الجواهر (نوائی) - ۵۳۹ ح .
 نظم القرآن - ۷۹ .
 نظم کافیه (از خود این حاجب) - ۳۳۱ .
 نظم کبری منطق - ۴۹۰ .
 نفث (شرح نهج البلاغه) - ۱۳۶ .
 النفحة العنبریه فی مولد خیر البریه - ۲۳۶ .
 نقد الشعر - ۲۸۹ .
 نقد النصوص - ۳۵۸ .
 نقض المحصول - ۴۲ .
 النکت اللطیفه (شرح الصحیفه) - ۲۷۳ .
 نگارستان (ابن کمال پاشا - نظیر گلستان) - ۲۶۰ .
 نگارستان دارا - ۲۲۴ .
 نمکدان دین (نام یکی از مثنوی های محمد داود است) - ۵۹۸ .
 نوادر (ابوعلی قالی بغدادی) - ۵ .

- منشور الادب الهی و دستور العمل کار آگاهی - ۶۴ .
 منح الباری بالسیح الفصیح الجاری فی شرح صحیح البخاری - ۲۳۵ .
 منشآت (امیر علیشیر) - ۵۳۹ .
 منطق العشاق (ده نامه) - ۴۸۷ .
 منظومه جزری (الهادیه) - ۲۰ .
 منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه (سید حبیب الله خوئی) - ۱۳۶ .
 منهاج بنانی - ۳۷۶ .
 منهاج البراعه (قطب راوندی) - ۱۲۴ .
 منهاج العارفین فی شرح کلام امیر المؤمنین (شرح مائة کلمة الجاحظ تألیف ابن میثم) - ۸۰ .
 منهاج الولایه (شرح نهج البلاغه) - ۱۳۱ .
 منهاج الفصاحه (شرح نهج البلاغه تألیف الهی اردبیلی) - ۱۳۹ .
 منهج الیقین - ۶۱ .
 منیه الراجی فی الجوهر التاجی - ۹۳ .
 منیه السؤل فی دعوات الرسول - ۲۳۶ .
 ماهونهج البلاغه - ۱۱۰ .
 موارد الکلم - ۵۲۱ .
 موصل (شرح مفصل) - ۳۹۸ .
 موقد الاذهان و موقظ الوسنان - ۳۰۶ .
 مؤید الفضلا (فرهنگ مؤید الفضلا) - ۲۲۱ .
 مهر و ماه حسینی - ۵۱۰ ، ۵۱۱ .
 میخانه (صائب) - ۶۲۲ .
 میزان الادب - ۳۲۱ .
 میزان الاعتدال - ۱۱۴ .
 میزان البلاغه - ۴۲۸ .
 المیسر والقдах - ۵ .
 ن
 ناظر و منظور - ۶۹۸ .
 الناموس (شرح قاموس) - ۲۳۹ .
 نتایج الافکار - ۵۲۵ ح .
 نثر اللالی در فقه - ۱۰۳ .
 نثر منتخبی از دیوان انوری و کمال اسمعیل و سلمان - ۱۰۱ .

النوادر (قطرب) - ۲۷۰ .

نواذر الشباب - ۵۳۹ .

نور الصباح فی اغلاط الصحاح - ۱۹۵ .

نهاية الادراك - ۴۳۱ .

نیر نلت فصاحت (شرح نهج البلاغه) - ۱۳۷ .

و

الوافیه (نظم کافیه از ابن حاجب) - ۲۹۱ .

وامق و عذرا (عنصری) - ۶۴۵ .

وجه دین - ۶۸۷ .

الوجیز (تفسیر ابن عتائق) - ۱۲۸ .

وسط الحیات (دیوان امیر خسرو) - ۵۹۴ .

وسيله العفاة الى اكفى الكفاة - ۹۳ .

وسيلة المقاصد - ۲۶۵ .

الوشاح (تألیف بیهقی) - ۴۴۷ .

الوشاح وتثقیف الرماح - ۲۴۰ .

وصف الحال (حسینی) - ۵۱۱، ۵۱۰ .

الوصل والمنی فی فضل منی - ۲۳۶ .

وقوف قرآن کریم (نظام الدین نیشابوری) - ۳۵۰ .

الوكلاء (جاحظ) - ۷۹ .

ویس ورامین - ۵۳۱ .

ه

هادی (شرح تصریف عزى) - ۳۱۳ .

الهادی (تألیف عبدالغفار قزوینی) - ۳۴۹ .

هدایات الحسام فی عجائب الهدیات للحکام =

(شرح عهدنامه مالک اشتر) - ۱۴۱ .

الهدایه (منظومه جزری) - ۲۰ .

هدایه انیریه - ۴۰۷ .

هفت اورنگ - ۳۵۸ .

(فرهنگ زبان گویا و جهان یویا) هفت بخشی -

۲۱۳ .

هفت پیکر (صبا) - ۶۲۶ .

هفت کشور (یکی از خمسه فیضی است) - ۵۲۲ .

ی

یتیمه الدهر (از مآخذ است) - ۵۰۶ .

ینایع اللغة - ۱۹۶ .

یوسف و زلیخا (آذر) - ۴۵۲ .

فهرست اعلام

در این مجلد چون مجلد پیشین نامهای کسانی که مؤلف کتابی و یا نویسنده نسخه ای بوده اند و یا بمناسبت از آنها نام برده شده بترتیب حروف تهجی مرتب گردید و برای اینکه نگاه کنندگان بزودی مطلوب خویش را بیابند اصطلاحاتی را که بکار برده ایم یاد آور میشویم :

۱ - نامی که با حروف سیاه نوشته بشرح حال وی پرداخته شده و صفحه ای که شامل شرح حال اوست در این علامت [] گذارده ایم و چون مؤلفه دیگری نیز از وی در این فهرست معرفی شده باشد شماره صفحه آن در این علامت () قرار داده شده و شماره هائیکه در یکی از این دو علامت نباشد می رساند که فقط نام آن شخص در آن صفحات یاد گردیده است .

۲ - چون کسی دارای لقب و کنیه و نام و شهرت باشد در ذیل نام مشهور وی معرفی کامل و در ذیل دیگر نامها نیز معرفی و یا حواله بنام مشهور وی گردیده است .

۳ - کسیکه مؤلفه ای از او در این مجلد نبوده ولی بمناسبت مختصر معرفی گردیده باشد شماره صفحه ای که شامل آنست با شماره سیاه نمایانده شده .

۴ - چون کسی را در حاشیه صفحه ای نام برده باشیم پس از شماره صفحه حرف ح گذاره ایم .

۵ - پس از نام یا شماره ای چون حرف « ک » بوده باشد می رساند که آن شخص نویسنده نسخه است .

فهرست اعلام

- ۳۶، [۷۸-۷۶]، ۱۰۸۰، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۸۰، ۱۴۵.
 ابان بن تغلب - ۶۲.
 ابدال سنجان = شاه سنجان (رکن الدین محمود) - ۶۵۶.
 ابراهیم - امیر - ۶۵۹.
 ابراهیم بن ابوالفتح (ابن خفاجه) - [۵۵۰-۵۴۸].
 ابراهیم بن احمد - ۳۴۸.
 ابراهیم بن اسحق - ۲۹۰.
 ابراهیمی - ۲۱۳.
 ابراهیم انوار - حاج سید (حاج مدرس) - ۴۲۱ ح.
 ابراهیم پاشا (وزیر) - ۲۵۹.
 ابراهیم بن حسین خوئی - ۱۳۵.
 ابراهیم خان - ۴۹۱ ح.
 ابراهیم سلطان - شیخ - ۴۰.
 ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی - ۱۹۰، ۲۱۴، ۲۲۱، [۲۲۹-۲۳۲].
 ابراهیم بن صالح وراق - ۱۹۶.
 ابراهیم قوام فاروقی - [۱۸۹-۱۹۲]، ۲۲۰.
 ابراهیم اللقیانی - ۳۱۸ ح.
 ابراهیم بن محمد حلبی - ۲۳۹.
 ابراهیم بن محمد اسفراینی (عصام الدین) - [۳۲۰-۳۲۲]، ۳۲۳، ۴۱۰، ۴۲۳، ۴۲۴.
 ابراهیم بن محمد حسین غفاری - ۱۹۹.
 » » محمد مهدی (بدایع نگار) - ۱۴۳.
 » » محمد هروی - ۲۴۰ ح.
 ابراهیم مرتضی (جد سید مرتضی) - ۱۲۰.
 ابراهیم میرزای صفوی - ۵۷۶.
- آخوندزاده (ملا فتحعلی بن میرزا محمد تقی) - [۲۸-۲۴]، (۹۷-۹۶) و ۹۸.
 آذر (مؤلف آتشکده - حاج لطفعلی بیگدلی) [۴۵۶-۴۵۲].
 گذشته از ایشکه در این صفحات ذیل آتشکده نام برده شده چون این کتاب از مآخذ است در بسیاری از صفحات نام وی برده شده.
 آذری - شیخ - ۶۴۲، ۵۱۷.
 آزاد کشمیری - ۴۷۱.
 آصف قزوینی - میر - ۱۴۳.
 آقابابا شاه میرزائی ۲۰۹ ك.
 آقابزرگ - شیخ (محمد حسن طهرانی مؤلف - الذریعه الي تصانیف الشیعه می باشد که از مآخذ است و مکرر نام برده شده).
 آقای بهبهانی (محمد باقر) - ۲۵۲.
 آقا جمال خونساری - [۳۶-۳۳]، ۱۴۵، ۷۷، ۵۸.
 آقا حسن - ۵۸.
 آقا حسین خونساری - ۳۲۵.
 آقاخان (پدر آذربیکدلی) - ۴۵۲.
 آقاسی - حاج میرزا - ۶۱۹.
 آقا علی حکیم - ۴۹۰.
 آقا ملک = آقملک (امیرشاهی دیده شود).
 آقا محمد علی بهبهانی - ۲۵۲.
 آل افراسیاب (ملوک خانیه) - ۶۱۰.
 آل ظفر (رجوع به جلال الدین بن شریف حسن شود).
 آل مروان - ۶۱۳.
 آمدی (مؤلف غرر الحکم و در الکلم - ناصح - الدین ابوالفتح عبدالواحد بن محمد تمیمی) - ۴۴.

وی بسیار تکرار شده .
 ابن درید (محمد بن الحسن اللغوی) - ۷ .
 ابن الدهان (یحیی بن سعدون قرطبی) - ۲۹۸ ،
 ۲۹۹ .
 ابن الزبیری - ۵۸۵ .
 ابن السقا (احمد بن علی بن مسعود) - [۳۹۴-۳۹۳]
 ابن السکیت - ۳۹۷ ، ۲۹۰ ، ۱۶۷ ، ۳۹ .
 ابن السمعانی - ۵۰۶ .
 ابن سید بطلیوسی (عبدالله بن محمد بن سید بطلیوسی) -
 ۶ .
 ابن سیده - ۱۷۴ ح .
 ابن سینا (ابوعلی = شیخ الرئیس) - ۴۳۱ ، ۱۲۷ ،
 ۵۲۵ ح .
 ابن الشحنة (محب الدین محمد بن محمد بن محمد) - ۴۱۷ -
 [۴۳۲-۴۳۴] .
 ابن شهر آشوب - ۱۳۰ ، ۷۶ .
 ابن صائغ دمشقی (شمس الدین محمد بن حسن بن
 سباع) - ۲۷۹ .
 ابن صلاح - ۱۹۵ .
 ابن طاوس - سید - ۲۹۸ ، ۱۳۶ .
 ابن عباس - ۲۳۵ ، ۱۱۶ ح .
 ابن عبد البر - ۱۲۸ ، ۱۲۷ .
 ابن عثاقی - ۱۳۴ ، ۱۲۸ ، ۱۳۷ ، ۱۲۵ ، ۱۲۴ ،
 ۱۳۸ .
 ابن عتیق (شریف تقی) - ۴۵۸ .
 ابن عبد ربّه (ابو عمرو واحد بن محمد بن عبد ربّه) -
 ۳۱۱ ، [۴۳۷، ۴۳۶] .
 ابن العربی - ۱۳۱ .
 ابن عقیل (بهاء الدین عبدالله بن عبد الرحمن) -
 ۳۰۳ ، [۳۳۵-۳۳۳] ، ۳۳۸ ، ۳۳۹ ،
 ۳۸۴ ، ۳۴۰ ح .
 ابن علقمی - ۴۷ ، ۴۳ ، ۴۲ .
 ابن عمر بلخی - ۳۷۶ .
 ابن عمید - ۲۸۸ .
 ابن العنقاء - ۱۳۸ .
 ابن فارس (ابو الحسین احمد بن فارس بن زکریا) -
 ۸۵ ح ، ۸۷ ، ۸۸ ، ۱۳۱ ، ۱۹۶ ، [۲۸۵-
 ۲۹۳] و ۵۵۳ .

ابن ابی جهور الاحسانی - ۳۲۵ .
 ابن ابی الحدید (عزالدین عبد الحمید بن هبة الله) -
 [۴۹-۴۱] ، ۵۶ ، ۶۱ ، ۶۲ ، ۶۵ ، ۱۱۵ ،
 ۱۲۷ ، ۱۲۵ ، ۱۲۳ ، ۱۱۸ ، ۱۱۷ ، ۱۱۶ ،
 ۱۳۹ ، ۱۳۵ ، ۱۳۴ ، ۱۳۲ ، ۱۳۰ ، ۱۲۸ ،
 ۱۵۶ ، ۱۵۴ ، ۱۵۳ ، ۱۵۰ ، ۱۴۸ ، ۱۴۶ ،
 ۳۶۱ .
 ابن ابی الشحنة - ۱۱۷ .
 ابن اثیر جزری (ضیاء الدین نصر الله) - ۴۲ و ۲۹۹ .
 » » (عزالدین علی - ابو الحسن) - ۲۹۹ .
 ابن اثیر جزری (ابو السعادات مجد الدین مبارک
 بن عبد الکرم) - [۳۰۲-۲۹۷] .
 ابن ام قاسم - ۳۸۴ ح .
 ابن انباری (ابو بکر محمد بن قاسم) - ۷ .
 ابن الاهدل - ۵۵۳ .
 ابن ایاس - ۷۲ .
 ابن بابویه (بنی بابویه) - ۲۹۸ .
 ابن الیهلوان (ادریس بن حاج سلیمان) - ۵۴۵ .
 ابن النعواویذی (محمد بن عبیدالله بن عبدالله) -
 [۵۴۸-۵۴۶] .
 ابن جزری - ۷۳ .
 ابن جنی - ۱۵۴ ح ، ۳۸۳ .
 ابن جوزی (ابو الفرج بن جوزی) - [۸۵-۸۱] ،
 ۲۸۵ ح .
 ابن حاجب (جمال الدین ابو عمرو عثمان بن عمر
 مالکی) - ۳۰۶ ، ۳۰۸ ، ۳۰۹ ، ۳۲۱ ،
 [۳۳۲-۳۳۰] ، (۳۹۲-۳۹۰) ، ۴۱۹ ،
 ۴۳۱ ، ۴۲۷ .
 ابن الحجاج - ۱۵۳ .
 ابن حجر - ۴۳۳ ، ۲۶۹ ، ۲۳۹ ، ۲۳۳ ح .
 ابن حجه حوئی (تقی الدین) - ۵۰۱ ، ۳۷۶ .
 ابن حنبلی (محمد بن ابراهیم حلبی) - ۳۱۸ ح .
 ابن خالویه (حسین بن احمد) - ۳۱۵ .
 ابن الخشاب (ابو محمد عبدالله بن احمد) - ۱۱۶ ،
 ۳۹۳ ، ۱۵۳ .
 ابن خفاجه (ابو اسحق ابراهیم بن ابو الفتح) -
 [۵۵۰-۵۴۸] .
 ابن خلدون (تاریخ تألیف وی از ماخذ است و نام

- ابن فارض (عمر بن ابی الحسن حموی مصری) - ۳۵۸ و [۵۵۲-۵۵۰].
 ابن فضل الله - ۱۹۲ ح.
 ابن قبه (ابو جعفر محمد بن عبد الرحمن بن قبه رازی) - ۱۱۷.
 ابن قتیبه (ابو محمد عبد الله بن مسلم بن قتیبه) - [۸-۴]، ۸۲ و ۱۲۷.
 ابن کمال پاشا (احمد بن سلیمان) - [۲۵۹-۲۶۱]، ۳۹۳، ۳۱۹ و (۳۹۹-۴۰۰).
 ابن لؤاؤ زر کشی - ۳۷۶.
 ابن مالک (محمد بن عبد الله بن مالک) - ۷۳، ۳۲ ح، [۳۰۶-۳۰۳]، ۳۸۸ و ۳۸۴، ۳۳۶، ۳۱۳.
 ابن المصنف (ابن ناظم دیده شود).
 ابن المعالی (سعد بن علی وراق) - ۵۰۵.
 ابن معط (یحیی بن عبد المعطی) - ۳۰۳، ۳۷ و ۳۳۶ ح.
 ابن مقفع - ۱۴۱.
 ابن مقله - ۱۹۴.
 ابن مکتوم - ۱۷۴ ح.
 ابن ملا (احمد بن محمد بن علی) - [۳۷۹-۳۸۰].
 ابن منظور الافریقی - ۲۴۱.
 ابن میثم (کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی) - [۵۴-۴۹]، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۵، ۸۰، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۵۵ و ۲۸۷.
 ابن ناظم = ابن المصنف (بدر الدین محمد بن محمد بن مالک) - ۳۰۳، [۳۳۶-۳۳۵]، ۳۳۹ و ۳۴۰، ۳۴۱ و ۳۸۴ ح.
 ابن ندیم (مؤلف فهرست مشهور است که یکی از مآخذ نگارش است).
 ابن نوبخت - ۴۲.
 ابن هانی - ۶۷۶.
 ابن هشام بصری - ۳۰۸ و ۳۰۶.
 ابن هشام نحوی (جمال الدین ابو محمد عبد الله بن یوسف) - ۳۰۳، ۷۳، [۳۰۸-۳۰۶]، ۳۱۰، (۳۳۲)، (۳۵۶)، ۳۷۴، ۳۷۳، ۳۸۰، ۳۸۴ ح، ۳۸۵، (۳۹۷-۳۹۴).
 ابن هلال نحوی (شمس الدین محمد) - ۳۱۸.
 ابن یمین - ۲۶۱.
 ابواسحق (حاکم اندلس) - ۵۴۹.
 ابواسحق اسفراینی - ۳۳۰.
 ابواسحق شیرازی - ۱۵۳ ح، ۲۳۳، ۵۱۳، ۵۱۵ و ۵۸۱.
 ابواسحق صابی - ۱۵۱ و ۱۵۳.
 ابویوب مورانی (سلیمان بن ابی سلیمان) - ۴۱۹ ح.
 ابوالبقا - ۳۸۳.
 ابوبکر (اتابک نصره الدین) - ۵۲۹ و ۵۳۰.
 ابوبکر خوارزمی - ۸۷.
 ابوبکر بن درید - ۲۹۰.
 ابوبکر صدیق - ۲۳۳.
 ابوبکر صولی - ۵۵۳ و ۵۵۴.
 ابوتراب رازی - امیر - ۴۷۵.
 ابو تمام طائی (حبیب بن اوس) - ۱۶۷ و [۵۵۴-۵۵۲].
 ابوالجیش (محمد بن انصاری) - ۴۴۸.
 ابوحامد غزالی - ۲۱۳ ح.
 ابوالحسن (امیر خسرو دهلوی دیده شود).
 ابوالحسن اصفهانی - ۳۲۷.
 ابوالحسن بیهقی - ۱۲۷ و ۹۱.
 ابوالحسن جهرمی - ۳۸۲.
 ابوالحسن خان شیرازی - میرزا - ۳۱.
 ابوالحسن عاملی - ملا - [۳۴-۳۳]، ۱۴۹ و ۱۴۸.
 ابوالحسن موسوی (رضی دیده شود).
 ابوالحسن بن علی - ۱۹۳ ح.
 ابوالحسن نحوی - ۲۸۸.
 ابوحفص سغدی - ۲۱۳.
 ابوحفص سوزی - ۲۲۱.
 ابوالحکیم خیری - ۱۵۳ ح و ۱۵۴ ح.
 ابوحنیفه - رض - ۲۹ ح و ۴۹۷ ح.
 اسکافی - ۶۴۵.
 ابوحیان (محمد بن یوسف) - ۳۰۶، ۳۰۷ ح و ۳۳۳.
 ابو ذویب - ۱۹۹.
 ابوریحان بیرونی - ۲۲۳.
 ابوسعید بهادر (سلطان شیخ ابوسعید) - ۲۱ و ۲۲ و ۵۱۴.

ابو الفضل بن مبارک - ۵۲۱، ۵۲۲ ح و ۶۹۸ ح.

ابو الفیض (فیضی هندی دیده شود) .

ابو القاسم (امام جمعه طهر ان در اول مشروطه) - ۵۵ .

» بلخی - ۱۱۶ ح ، ۱۱۷ .

» بن حسنقلی - ک - ۲۹۴ .

» سکوت - ۵۱۰ .

ابو القاسم سمرقندی - ۳۳۱ و [۴۱۰ -

[۴۱۱] ، ۴۲۱ ، ۴۲۲ و ۴۲۳ .

ابو القاسم - میرزا (قائم مقام) - ۲۶۱ .

» کازرونی - ۴۲۹ .

» بن مجد الاشراف شیرازی - ۱۴۰ .

» بن محمد - ک - ۱۵۹ .

» نائینی - سید - ک - ۹۲ .

» هجری - ۴۵۵ .

ابو المحاسن شنجی - ۵۰۵ ح .

ابو محمد بن التعاویذی - ۵۴۷ .

» » شیخ صنعان - ک ۱۱۸ و ۱۵۵ .

» (نظامی گنجوی دیده شود) .

» یمنی عبدالله = یافعی - ۱۱۴ ، ۱۹۲ و

و ۳۳۰ .

ابو المعالی (سعد بن علی وراق خطیری) - ۵۰۶ .

ابو نصر اخت اللیث - ۲۹۰ .

» علی طوسی (اسدی طوسی دیده شود) .

» فارابی - ۶۳۱ .

ابو نعیم بصری (علی بن حمزه) - ۵۵۳ ح .

ابو الوفا - سید - ۵۸۱ .

ابو هقان - ۷۸ .

ابو یوسف (یعقوب اسفراینی) قاضی - ۱۴۷ .

ایبوردی - ۴۱۴ .

اتابک سعد زنگی - ۴۲۹ .

اتسز بن اوق غزی - ۱۸۴ .

اتسز بن خوارزمشاه - ۱۸۳ ، ۱۸۴ ، ۵۵۵ و

۵۵۶ .

ایتة - ۷۰۰ .

اثیر الدین اومانی - ۷۰۲ .

احمد (خواجه میرزا - پدر امین احمد رازی) - ۴۸۳ .

احمد بن ابراهیم المعدانی - ابو العباس - ۲۹۰ .

احمد بن محمد علی (رجوع به تاج الدین عراقی شود) .

ابوسفیان - ۵۸۵ .

ابو الشرف بن صفی الدین زواری - ۳۲۱ و ۳۲۲ .

ابوطالب - ک - ۳۰۵ .

ابو طالب اصفهانی - میرزا (صاحب حاشیه بر -

سیوطی) - [۳۲۹ - ۳۳۰] ، ۳۳۸ و ۳۴۰ .

ابوطالب بن میرزا علی رضای اصفهانی - میرزا -

۳۲۹ .

ابوطالب بن فخر الدوله دیلمی - ۲۸۶ .

ابو طالب کلیم (کلیم کاشانی) - [۶۵۹ - ۶۶۰] .

» بن کنعان تبریزی انصاری - ک - ۳۶۲ .

ابو الطیب (متنبی احمد بن حسین) - ۱۰۱ ،

۱۵۳ ح و [۶۶۸ - ۶۶۹] .

ابو عبدالله اللقیانی - ۳۱۸ ح .

ابوعبید - ۲۷۹ و ۲۹۰ .

ابو العتاهیه - ۳۸ .

ابو العلاء صاعدی - ۶۶۱ ح .

» گنجی ای - ۴۶۵ .

» المعری - ۵۵۴ .

ابو علی طبرسی - [۱۰۳ - ۱۰۴] و ۱۴۴ .

» طبری - ۴۴۶ .

» فارسی - ۱۵۳ ، ۱۹۳ ، ۳۱۴ و ۳۱۵ .

» قالی بغدادی - ۵ .

ابو الفتح (آمدی دیده شود) .

» (دختر زاده نطنزی) - ۱۷۶ ح .

» اسکندری - ۸۵ ، ۸۷ و ۹۰ .

» بستی - ۶۹ .

» گیلانی - حکیم - ۶۳۸ .

ابو الفتوح رازی - شیخ - ۴۹۳ ح .

ابو الفدا - ۱۱۴ و ۱۲۰ .

ابو الفرج اصفهانی - ۱۲۷ .

ابو الفرج ابن جوزی (ابن جوزی) - [۸۱ - ۸۵] و

۲۸۵ ح .

» سکزی - ۶۴۵ .

ابو الفضل ساوجی - حاج میرزا (مجد الدین

محمد بن فضل الله) - [۶۷۰ - ۶۷۱] .

ابو الفضل طیب - میرزا - ۵۳۶ .

» » کاشانی - میرزا - ۲۶۲ .

ابو الفضل قرشی (محمد بن خالد) - [۴۴۵] .

۵۲۱

- احمد بن محمد علی ابی بکر البربهی - صفی الدین - ۲۳۵ .
- احمد ابی وردی - ملا - [۳۲۷-۳۲۹] .
- احمد احسائی - شیخ - ۲۸، ۲۹ ح، ۲۱، ۱۴۳ .
- » » بن امین شنقیطی - ۳۴۷ .
- احمد بیجوری - شمس الدین - ۳۹۵ .
- احمد بن حاج عبد الواحد کرمانی (رجوع به نظامعلیشاه شود) .
- احمد بهمن شاه - ۳۹۱ .
- » تبریزی - میرزا (صاحب چاپخانه احمدی) - ۷۷ .
- » چنگیزی - ۷۳ .
- » حریری - خان - ۴۱۰ .
- احمد بن حسن (رجوع به فخرالدین - جابر بردی شود) .
- احمد بن حسین (ابو الطیب متنبی) - ۱۰۱، ۱۰۳ ح، [۶۶۸-۶۶۹] .
- احمد بن شیخ حمزه - ک - ۴۲۰ .
- احمد بن عبد المؤمن - ابو العباس (شریشی) - [۳۶-۳۸] .
- » حنبل - امام - ۴۳۳ .
- » خان - میرزا - ۴۷۴ .
- » بن خضر اسکوبی علوی - ۲۶۰ .
- » داود جذامی - ۷ .
- » دیکنقوز - شمس الدین - ۳۹۳ .
- احمد زین عاملی - شیخ - ۲۷۵ .
- احمد بن سلیمان (ابن کمال پاشا) - [۲۵۹-۲۶۱] ۳۹۳، ۳۱۹، ۳۹۹ و (۴۰۰) .
- » شیرازی - شیخ - ۴۳۴ .
- » صفوة المورخین - ۱۲۲ .
- » عاصم افندی - ۲۳۸ .
- » عاصم عنتابی - ۱۶۳ .
- » عبادی - شهاب الدین - ۳۱۸ ح .
- » بن عبدالله - ابو جعفر - ۴ .
- » » عبد العزیز سجلماسی - ابو العباس - ۲۳۸ .
- » » » فیلالی - ۲۳۹ .
- » » علی حسینی - ک - ۴۱ .
- احمد علی احمد (مؤلف هفت آسمان میباید) -
- احمد علی سیهر (مورخ الدوله) - ۱۴۸ .
- » بن علی بن مسعود (ابن السقا) - [۳۹۳-۳۹۴] .
- » » مفری بیهقی (بوجعفرک) - ۱۹۶ .
- و ۲۸۳ .
- » فارس معروف به شد یاق - ۲۳۸ .
- » قسطنطینی - تقی الدین (شمنی) - [۳۸۰-۳۸۲] .
- » کاشانی - شیخ - ۱۴۸ ،
- » کرمانی - شیخ - ادیب - ۱۴۹ .
- احمد بن محمد حجازی (شهاب الدین) - ۳۷ .
- » بن محمد خازرنجی - ۷ .
- » » خفاجی - ۳۱۸ .
- » » محمدرضا - ک - ۳۰۸ .
- » » حاج محمد سنان (وهبی) - ۵۵۰ .
- احمد شاه بن محمد شاه بن مظفر شاه - ۳۷۷ .
- » بن محمد بن عربشاه دمشقی - ۲۵۴ .
- » » ملا محمد کاتب - ک - ۲۰۲ .
- » » محمد النحاس النجوى - ابو جعفر - ۷ .
- » » هروی - ابو عبدالله - ۳۰۰ .
- » » محمود بن علی النجوى - ۱۰ .
- » » مرکز - ۲۴۰ .
- » » المستنضی عباسی (الناصر الدین الله) - ۵۰۵ .
- » » مصطفی الالباییدی - ۲۲۸ .
- » » مفضل کاشانی - علاء الدین - ۳۴۴ .
- » منیری - شرف الدین - ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۱۳ و ۲۲۰ .
- » بن موسی م - شاه چراغ - ۲۰۵ .
- » مهندس - میرزا سید - ۲۰۴ و ۳۵۴ .
- » بن مهنا - ۱۲۰ .
- » میدانی - ۲۹۶ .
- » نظام الدین (پدر سید علیخان کبیر) - ۲۰۶ .
- احمد هاتف اصفهانی - سید - ۶۰۴ و [۷۰۴-۷۰۲] .
- » هندی - شهاب الدین - ۳۹۱ .
- احمد بن یوسف السلاویکی - ۳۰۹ .
- احمدی کرمانی - ۱۷۸ ح .

اسحق - ۵۶ .
اختری (قرهحصاری - مصطفی بن شمس الدین) -
 [۲۶۴-۲۶۳] و ۲۶۵ .
 اخستان بن منوچهر - شروانشاه - ۵۳۸ .
 اخفی فرج زنجانی - ۵۳۱ .
 ادیس بن حاج سلیمان (ابن الیهوان) - ۵۴۵ .
 ادوارد برون - ۴۸۳، ۴۷۶ و ۶۷۷ .
 ادوارد فاندیک - ۱۲۰، ۱۱۴ و ۱۲۱ .
ادیب صابر (صابر بن اسمعیل) - ۴۴۶، [۵۵۴-۵۵۷] .
 اردشیر میرزا قاجار - ۳۷۸ و ۶۲۵ .
 ارسطو - ۶۱۵ ح .
 ارسلان سلجوقی - مزالدین - ۶۷۳ .
 » بن کرمانشاه - ۶۳۷ و ۶۷۳ .
 » بن مسعود غزنوی (ابو الملوک) - ۶۷۳،
 ۶۷۴ ح و ۶۷۷ .
 ارسلان - نورالدین پادشاه موصل - ۵۲۶ ح .
 ارسلان خان (محمد بن داود) - ۶۷۳ ح .
 ارگانی (محمد جواد) - ۲۰۵ و ۶۲۳ .
ازرقی (ابو بکر بن اسمعیل وراق) - [۵۵۷-۵۵۸] .
ازهری (ابو منصور محمد بن احمد بن ازهر) - [۱۶۶-۱۷۳]
 [۱۷۳] ۱۸۴۰، ۱۹۶۰، ۳۰۰ و ۳۱۰ .
اسحق بن ابراهیم فارابی (صاحب دیوان الادب) -
 [۱۸۵-۱۸۰]، ۱۹۳، ۱۹۴ و ۶۳۱ .
اسحق بیگ (عذری) - ۴۵۳ و [۴۶۹-۴۷۲] .
 » بن محمود القرشی - ۳۰۹ ،
 » مراد شیبانی - ۲۹۷ .
 اسدالله - سید - ۳۵۳ .
 اسدالله خان (حاکم توسرکان) - ۶۷۵ .
 » غالب دهلوی - ۱۶۳ .
 » گلیایگانی - شیخ - ۱۳۶ .
 » بن میرزا اخیل - ک - ۶۸۱ .
 » نائینی - ۲۹، ۲۸ و ۳۲ .
 اسدی طوسی - ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۲۱،
 ۶۴۵، ۲۶۱ .
 اسدی (مؤلف طبقات الشافعیه) - ۷۲ .
 اسعد پاشا - ۴۴۱ .

اسفر اینی (عصام الدین - ابراهیم) - [۳۲۰-۳۲۲]
 [۳۲۲]، ۴۱۰، ۳۲۳ و (۴۲۳-۴۲۴) .
 اسفر اینی (شیخ نورالدین عبدالرحمن) - ۶۸۲ .
 اسفندیاری (جناب حاج محتشم السلطنه - حسن) -
 ۱۵ ح، ۴۵، ۶۵، ۱۳۰، ۱۴۱ و ۳۲۲ .
 اسکندر - ۵۲۹ .
 » بیگ - ۲۳۱ .
 » خان - ۳۶۷ .
 » شاه - ۶۱۵ .
 اسکندری - ۲۱۳ .
 اسمعیل بن اسحق قاضی - ۷۸ .
 اسمعیل اشرف (پادشاه یمن) - ۲۳۴ و ۲۳۶ ح .
 » بن حسن دزفولی - ک - ۵۵۴ .
اسمهیل بن حماد (جوهری صاحب صحاح دیده شود) .
 » حمید الملک - ۶۹۸ .
 » خان - میرزا - ۴۷۴ .
 » - » - » - دیر - ۵۵ ح .
 » خورسند شیرازی - ۴۷۱ .
 » سبسی - شیخ - ۶۸۲ .
 » بن علی - ۳۶۵ .
 » محمد نیشابوری - ابو محمد - ۱۹۴ .
 » موسوی حسینی - ک - ۲۷۶ و ۲۷۷ .
 » بن نورالدین - پادشاه دمشق - ۵۰۴ .
 » وراق - ۵۵۸ .
اسیری (شمس الدین محمد بن یحیی لاهیجی) -
 [۵۵۸-۵۶۰] .
 اشراق - میرزا - ۴۷۵ .
 اصفهانی (شارح نهج البلاغه) - ۱۳۸ .
 اصطخری = استخری - ۱۵۳ ح .
 اصمعی - ۵۹۹ .
اظهری (بوداق) - [۵۶۱-۵۶۴] ک .
 اعتضاد السلطنه (در بیشتر از صفحات نام ایشان برده
 شده و در ص ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۶۱ خط
 ایشان موجود است) .
 اعتمادالدوله - حاتم بیگ - ۲۲۲ .
 اعجاز حسین - سید - ۱۲۳ .
 اعشی - ۵۸۵ .
 افتخارالدین - ۶۱۰ .
 افصح الدین - ۱۳۸ .

[illegible]

امیر کبیر (میرزا تقی خان) - ۸۶ .
امیر معزی (معزی - محمد بن عبد الملك) - ۲۶۱ ،
 ۵۵۴ ، ۵۵۷ ، ۶۷۳ و [۶۸۰ - ۶۸۱] .
 امیر نجم ثانی - ۹۷ .
 امیری فیروز کوهی - ۱۳۱ و ۱۳۲ .
امین احمد رازی - [۴۸۲ - ۴۸۶] (گذشته از
 اینک در این دو صفحه ، هفت اقلیم او معرفی
 شده چون کتاب او از مآخذ است بسیار
 وی نام برده شده است) .
 امین الدین کازرونی - شیخ - ۴۸۴ .
 امین عراقی (عبدالحسین) - ۱۴۷ و ۳۱۹ .
 اندلس بن نوح علیه السلام - ۵۴۸ .
انوری (علی بن اسحق یا محمد بن محمد) - ۹۵ ،
 ۱۰۱ ، ۱۷۷ ح ، ۱۹۱ ، ۲۶۱ ، ۲۹۵ ، ۲۹۶ ،
 ۴۴۵ ، [۵۶۴ - ۵۶۹] ، ۶۳۲ ، ۶۵۸ و
 ۶۸۱ .
 انوشیروان - ۴۶ ، ۴۶۵ ح .
 » بن محمد کاشانی وزیر - ۹۰ و ۹۱ .
 اوباش (نظام الدین حیدر) - ۱۶۵ .
 اوبهی - ۲۱۳ .
 اوحید الدین کرمانی - ۲۹ ح و ۴۸۶ .
 اوحیدی شیرازی (منعم الدین) - ک - ۵۸۲ و
 ۶۳۴ .
اوحیدی مراغی اصفهانی - [۴۸۶ - ۴۸۹] .
 اورنگ زیب - ۲۰۳ .
 اولان رمضان - ک - ۴۷۳ .
 اویس بهادر خان (سلطان اویس = شاه اویس) -
 ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۶۰۶ و ۶۰۷ .
 اویس بن محمد - ۲۴۰ .
اهلی خراسانی - [۵۶۹ - ۵۷۱] .
 اهلی شیرازی - ۵۶۹ ، ۵۷۰ و ۶۵۹ .
 اهلی نوائی - ۵۷۰ ح .
 اهوازی - ۹۳ .
ایمانی (طالع هروی) - [۱۶۰ - ۱۶۱] و
 ۲۶۷ .

ب

- بابافغانی شیرازی - [۶۴۸-۶۵۱] .
 بابر بهادرخان (سلطان ابوالقاسم) - ۶۶۵ .
 بابوتاریخزن متر - ۱۶۵ .
 البارع بن الدباس النحوی - ابو عبدالله - ۵۰۷ .
 باقی (عبدالباقی صوفی) - ۶۹ ح .
 بایزید خان پادشاه عثمانی - سلطان - ۴۲۴ .
 سلطان بایزید ابن سلطان محمد - ۴۰۲ .
 » » بن سلطان مراد - ۳۷۱ .
 بایسنقر ابن شاه رخ - ۵۱۷، ۶۵۹ و ۶۶۷ ح .
 بتول - ۱۹۳ .
 بحرتری - ۱۵۳ ح .
 بحر العلوم (آقا سید مهدی بروجردی) - ۲۲۴ .
 ۲۳۵ .
 بحرینی - سید هاشم - ۴۴ و ۲۸۶ .
 بخاری - ۳۰۴، ۳۰۶ و ۳۷۶ .
 بخت - ۵۷۱ ح .
 بدایع نگار - ۱۴۳ .
 بدر محمد دهلوی - قاضی خان ۲۱۳، ۲۲۱ .
 بدرشاهی - ۱۹۱ .
 بدرالدین (مؤلف فرهنگ زبان گویا) - ۲۱۳ .
 بدرالدین محمود - عینی - ۳۸۴ ح .
 بدرالدین خبوشانی - ۴۴۷ .
 بدرالدین قرافی - ۲۳۸ .
 بدوانی - ۵۲۱ .
 بدیع الزمان - ۹ .
 » » بن سلطان حسین میرزا - ۵۳۹ ح .
 » » خراسانی - ۴۶۴، ۶۳۷ .
 » » (عبدالواسع جبلی دیده شود) .
 بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم نطنزی -
 [۱۸۰، ۱۷۶] .
 بدیع الزمان همدانی - ابو الفضل احمد بن
 حسین - [۹۰۰، ۸۵]، ۹۴۰ و ۲۸۵ .
 بدیع حکیم - [۲۷۱، ۲۷۲] .

- بدیعی تبریزی - ۲۷۱ .
 بدیعی سمرقندی (مولانا زاده) - ۲۷۱ .
 برکیارق (برادر سنجر سلجوقی) - ۲۹۵ .
 بروکلمان آلمانی - ۵ .
 برهان الدین - ۲۴۰ ح .
 » » ابراهیم ابن احمد بن ناصر بن خلیفه
 مقدسی شافعی ناصری باعونی دمشقی - ۷۳ .
 برهان بن ابی ذرغفاری - ۴۰۵ .
 برهان الدین (ابوالمظفر ناصر بن المطرزی) - ۴۱ .
 برهان نظام الدین شاه هندوی - ۲۱۲ ح .
 برهانی - ۲۱۳ .
 » » (عبدالملك پدر امیر معزی) - ۶۸۰ .
 بشیر خان - [۲۰۹-۲۱۱] .
 بلعی - ۶۰۳ .
 بابا ابن میرزا محمد - میرزا - ک - ۱۶۴ .
 بنبانی - ۳۷۶ .
 بنتو (مستشرق) - ۳۰۴ .
 بندار بن لوة الاصفهانی - ۲۹۰ .
 بندی نجوی - ۵ .
 بنی المظفر - ۵۴۷ .
 بوجعفرک = بیهقی - ۲۸۳ .
 بهاء الدوله دیلمی - ۱۵۰ و ۱۵۲ .
 بهاء الدین - ۴۱ .
 » » بن علی النجفی الشهیر بالنطاوی - ۲۷۵ .
 » » محمد بغدادی - ۲۱ .
 » » (محمود بن عزالدین یوسف) - ۵۱۵ .
 بهائی - شیخ - (بهاء الدین محمد بن حسین بن عبدالصمد
 حارثی جبائی عاملی) - ۲۹ ح، ۴۹ ح، ۵۴،
 ۸۱، ۸۲ ح، ۸۳، ۳۲۵، ۳۵۳، [۳۸۹-
 ۳۹۰]، ۳۸۹ و ۵۵۱ .
 بهرام چوبینه - ۴۶۵ ح .
 بهرامشاه - ۴۹۵ .
 بهرامشاه رومی - ۵۲۷ .
 بهرامشاه غزنوی - ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۸۹، ۶۳۶،
 ۶۷۳ .

- بهرام گور - ۵۲۹، ۵۱۹ .
 بهمن بن اسفندیار - ۱۷۷ ح .
 بهمن میرزا پسر نایب السلطنه عباس میرزا - ۵۰۰ .
 بیدل (رجوع به عبدالقادر شود) .
 بیدل (رجوع به محمدحسن بروجردی شود) .
 بیضاوی (قاضی) - ۴۵۸، ۴۵۷، ۳۴۸ .
 بیهقی - ۲۸۲ ح .
 » (صاحب تاریخ) - ۶۰۳ .
 » (علی بن ابو القاسم) - ۱۲۵ .
 » ابو الحسن علی - ۱۲۴ .
 » (شارح نهج البلاغه) - ۱۲۳ .
 » وحیدی - ۴۴۸ .
 پ
 پژمان - ۵۸۱ ح .
 پندت کشمیری - ۲۵۵ .
 پیر محمد بن یوسف الانقروی - ۲۸۱، ۲۸۰ .

پ

ت

- تاتارخان - ۴۸۴ .
 تأثیر (میرزا محسن) - [۵۷۵-۵۷۳] .
 تاج الدین ابن محمد اسفراینی (فاضل اسفراینی) - ۳۶۹ .
 تاج الدین حسین - ۴۰۸ .
 » زاهد - ۵۹۴، ۵۱۷ .
 » عراقی (احمد بن محمد بن علی) - ۵۱۳ ، ۵۱۴ .
 » عم زاده - ۵۶۵ .
 » کندی - ۳۸۳، ۴۸۳ .
 » محمود پادشاه کرمان - سلطان - ۶۱۳ .
 » بن عبدالحواری نموی - ۱۷۰ .
 تاج الشعراء (شهاب اصفهانی) - ۶۱۹ .
 تارابی - ۱۷۰ .
 تربیت (محمد علی) - کمتر صفحه ایست که نام ایشان رانداشته باشد چرا که مؤلفه ایشان از مآخذ است .
 ترك الله (امیر خسرو دهلوی دیده شود) .
 ترمذی - ۶۵۸ .
 تفتازانی (سعد الدین مسعود) - ۳۱۳، ۱۳۶ .

- ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۷، [۳۴۶-۳۴۴] .
 ۳۶۷، ۳۸۰، ۴۰۲، ۴۱۲، (۴۱۶-۴۲۰) .
 ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۳۲ .
 تقریری - ۱۹۵ .
 تقی صانع - ۳۳۳ .
 تقی عبقری منشی - ۶۸ .
 تنکابنی (محمد طاهر) - ۲۰۶، ۹۱، ۷۴، ۶۲، ۶۱ .
 ۴۳۱ .
 تقوی - حاج سید نصر الله رئیس دانشکده - ۶۴ ح .
 ۶۹۰، ۶۹۶، ۸۶، ۲۲۷، ۲۴۱، ۶۵۸، ۶۸۷ .
 تقی الدین کاشانی - ۸ ح ، ۱۸۹ ح ، ۵۲۵ ح ، ۶۱۱ و ۴۸۰ .
 » کرمانی - ۲۴۰، ۲۳۹ .
 » اوحدی (مؤلف عرفات) - ۶۹۸، ۶۹۷ .
 تقی زاده - سید حسن - ۶۸۷، ۶۸۶ .

ث

- ثعالبی - ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۹۳، ۱۹۶ .
 ۲۸۸ ح - ۵۰۶ .
 ثعلب - ۲۸۹ ح .
 ثعلبی - ۲۹۹ .
 ثقة الملك (طاهر بن علی) - ۶۷۷، ۶۷۶ .
 ثنائی مشهدی (خواجه حسین) [۵۷۷-۵۷۵] .
 ۷۰۲ و ۶۹۰ .

ج

- جاحظ (ابو عثمان عمرو بن بحر بن محبوب کنانی لیشی) - ۷۱، ۶۸، ۷۲، ۷۶ [۷۸-۸۱] .
 ۱۲۷، ۱۴۴ و ۵۵۲ .
 جار الله (زنجشیری دیده شود) .
 جابر بن جابر (فخر الدین احمد بن حسن) - ۳۱۳ ح و [۳۴۹-۳۴۸] .
 جایی (عبدالرحمن بن احمد - نور الدین) - ۷۱ ، ۹۹، ۱۰۰، ۲۰۹، ۲۱۱، ۳۱۰، ۳۲۰ ، ۳۳۹، ۳۴۱ [۳۵۷-۳۶۰] ، ۳۹۱ ، (۴۴۹) ، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴ ح ، ۵۳۹ ح ، ۵۴۰ ح ، ۵۴۲، (۵۷۷-۵۷۹) ح ۶۳۳ و ۶۶۸ .

- جمیل بیک - ۳۳۷ .
جنیدین عوض سالار - ک - ۶۴۴ .
جواد طارمی - شیخ - ۱۳۶ .
» عراقی - شیخ - ۱۲۶ .
جوالقی یا جوالیقی - ۱۹۵ .
جواهر الکلام - عبدالعزیز (مکرر نام برده شده) .
جوهری (اسمعیل بن حماد جوهری فارابی) -
۴۰ ، ۱۷۰ ، ۱۷۸ ح ، ۱۸۰ ، ۱۸۳ ،
[۱۹۲ - ۲۰۰] ، ۲۰۱ ، ۲۴۰ ، ۲۷۸ ،
۲۷۹ و ۶۳۱ ح .
جوهری سمرقندی - ۴۴۹ و ۴۵۰ .
جهانگیر خان قشقائی - ۱۳۶ .
جهانگیر خان آذربایجان (ضیائی) - میرزا -
۱۴۴ .
جبان - ابومنصور - ۱۹۴ .

چ

- چلبی** (حسن بن محمد شاه فناری) - ۳۳۸ ، ۲۴۰ ،
۳۴۵ ، ۳۹۱ ، [۴۰۲ - ۴۰۵] ، ۴۱۴ ،
۴۲۰ ، ۴۲۱ و ۴۲۲ .
چنگیز خان - ۵۶۰ ح .

ح

- حاتم طائی - ۵۵۲ .
حاج بن منصور احسائی ک - ۲۰ .
حاج میرزا حسن (صاحب فارسنامه) - ۲۰۶ .
حاجب شیرازی - ۶۲۵ .
حاجی بابا الطوسی - ۳۰۸ .
حاجی نوری (محدث نوری - حسین) - ۳۲۶ .
حافظ اوبهی - ۲۲۱ .
حافظ شیرازی (شمس الدین محمد) - ۱۰۱ ،
۱۳۱ ، ۱۹۱ ، ۲۰۹ ، ۲۱۱ ، ۲۶۱ ،
۴۵۵ ، ۵۱۳ ، [۵۷۹ - ۵۸۵] ، ۶۴۲ ، ۶۳۴ ،
۶۵۴ ، ۶۵۵ ، ۶۶۴ .
حامد بن برهان غفاری - [۴۰۵ - ۴۰۶] ،
۴۰۸ ، ۴۱۳ .
حبيب بن اوس (ابو تمام) - ۱۶۷ ، [۵۵۲ - ۵۵۴] .

- جر جانی** (ابوبکر عبدالقاهر بن عبدالرحمن) -
[۳۱۶ - ۳۱۷] ، ۳۶۷ و ۳۸۳ .
جر جانی (رجوع به میرسید شریف شود) .
جر جی زیدان - ۱۱۴ ، ۱۵۰ ، ۱۶۹ و ۲۳۷ .
جعفر بن شمس الخلافه ک - ۶۰۰ .
» عباس ک - ۴۱۹ ، ۴۲۳ .
» صادق علیه السلام (امام ششم شیعه) - ۱۹۹ .
» قراچه داغی - میرزا - ۲۵ .
» همدانی متخلص به ریاض - میرزا - ۸۶ .
جغتای - ۶۱۳ .
جلال بن خضر بن داود - ۲۴۲ .
جلال الدین اوبهی - ۴۰۷ .
جلال الدین بن شریف حسن (آل ظفر) - ۳۴۸ .
جلال الدین خوارزمشاهی - سلطان - ۶۱۳ .
جلال - ملا (دوانی) - ۱۳۹ ، ۳۵۰ و ۴۱۱ .
جلال الدین رومی - ۴۲۶ ، ۴۹۴ .
جلال الدین (سیوطی) - ۳۳۳ ، ۳۲۹ ، ۱۸۳ ،
[۳۳۷ - ۳۴۱] ، (۳۴۶ - ۳۴۸) ،
(۳۸۵ - ۳۸۶) ، ۳۹۸ ، ۳۹۹ و ۴۲۵ .
جلال الدین ابن شریف حسن عباسی (آل ظفر)
ک - ۳۴۸ .
جلال الدین طهرانی - سید - ۳۶۴ ح ، ۵۱۲ ح .
جلال الدین قزوینی - ۳۳۳ .
جلال محدث ارومی - ۳۹۹ ح .
جلال همائی - ۵۱۲ ح .
جلوه - میرزا - ۶۷۲ .
جمال الدین - ۴۲۱ .
» (ابن هشام دیده شود) .
» (اسد آبادی همدانی ایرانی افغانی) -
سید - ۱۳۵ .
» انجو - میر - ۲۲۰ .
» عبدالرزاق اصفهانی - ۴۴۵ ، ۹ ،
۶۳۲ و ۶۶۱ .
جمال الدین وزیر - ۴۶۶ .
جمال قرشی (ابو الفضل جمال الدین محمد بن خالد
قرشی) - [۲۰۴ - ۲۰۵] .
جمال الدین محمد مطرزی - ۴۴۸ .
» محمود - ۴۱۱ .

حبیب الدین محمد خوئی (شارح نهج البلاغه) -
۱۳۶

حبیب الله بن محمود - ۴۰

حبیبش بن ابراهیم بن محمد التفلیسی - [۲۴۷-
۲۵۰] و (۲۵۰ - ۲۵۱)

الحجاج - ۸۹ ح

حجة الاسلام رشتی - ۷۴

حر عاملی (شیخ حر) - ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۴۰،
۲۷۲، ۳۴۲ و ۳۷۳

حر بن یزید ریاحی - ۲۶۶

حریری (ابو محمد قاسم بن علی بن عثمان البصری) -
[۱۹ - ۲۱]، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۱،
۸۱، (۹۰ - ۹۳)، ۹۴، ۱۰۰، ۲۷۸، ۲۸۹ ح

و ۴۲۴

حسان بن ثابت - [۵۸۵ - ۵۸۶]

حسان عجم (خاقانی دیده شود)

حسن - حاج - [۲۵۴ - ۲۵۵]

حسن بن ابی نمی بن برکات - ابوعلی - ۴۵۷ و
۴۵۸

حسن بن احمد بلخی (عنصری) - ۱۹۱،
۶۰۲ و [۶۴۴ - ۶۴۵]

حسن انجوی شیرازی - شاه - ۲۱۲ ح

حسن ایلکانی - شیخ - ۶۰۶

حسن بیک روملو - ۴۱۲ و ۴۱۳

حسن پاشا بن علاء الدین اسود - [۳۷۱ - ۳۷۲]،
حسن جرموزی یمانی - ۱۳۳

حسن چلبی قتالی زاده - [۴۷۲ - ۴۷۳]

حسن حاندا - حاج شیخ کیا - ۶۶۵

حسن خطاط معروف (معاصر درویش) - ۶۳۵،
حسن خان (امیرزین الدین هروی ملک الشعرا) -
۱۹۱

حسن دهلوی - ۵۴۳، [۵۸۶ - ۵۸۸]،
۶۶۴

حسن بن شهید ثانی عاملی - ۲۷۳

حسن (صاحب فرهنگ) - ۲۱۳

» بن صدقه وزیر انوشیروان - ۹۰ ح

حسن بن عبدالمجید واعظ اصفهانی ک - ۱۱، ۱۳

حسنعلی میرزا - ۶۷۱

حسن بن علی - ابوعلی - ۱۹۳ ح

حسن غزنوی - سید - ۲۶۱، [۵۸۸ - ۵۹۰]

حسن قمری (چلبی حسن بن محمد) - ۴۰۲ ح

حسن بن قاسم مرادی - شیخ شمس الدین - ۳۸۴ ح

حسن مجتبی علیه السلام - ۶۴، ۵۳، ۱۴۴ و ۲۱۲ ح

حسن بن محمد بن ابی الشحنا - ۱۸۴

» » بطلیوسی - ابوعلی - ۷ ح

» » البورینی شافعی - ۳۹۰

حسن بن محمد بن حسین النیشابوری (نظام الدین
اعرج) - [۳۵۰ - ۳۵۲]

حسن بن محمد حکمی - ۲۴

حسن بن محمد زیاری - [۴۰۹ - ۴۱۰]

» » صنعانی - ۱۷۴ ح

حسین بن محمد قناری (چلبی) - ۳۳۸، ۲۴۰،
۳۹۱، ۳۴۵، [۴۰۲ - ۴۰۵]، ۴۱۴، ۴۲۰،
۴۲۱

حسین بن مظفر نیشابوری - ۱۸۳

حسن - حاج میرزا (مؤلف فارسنامه) - ۲۰۶

حسین آقای ملک - حاج - ۲۱

حسین بن ابراهیم - ابو عبدالله - ۸۷

حسین بن ابی الحدید - ۴۱ ح

حسین اصفهانی - میرزا شاه - ۲۲۹ ح

حسین انجو - [۲۱۲ - ۲۱۷]

حسین ایلکانی - سلطان - ۶۰۶، ۶۶۴

حسین بایقرا - (سلطان حسین بایقرا دیده شود)

حسین بلگرامی حسینی - ۱۶۵

حسین (تاج الدین) - ۴۰۸

حسین جوهری - ۶۹۰

حسین بن الهائک - ۲۸۲ ح

حسینخان - میرزا - ۲۶

حسین خونساری (آقا حسین دیده شود)

حسین شهرت (حکیم الممالک) - شیخ - ۵۷۴

حسین صفوی - میر - ک - ۶۵۰

حسین عاملی کرکی - شیخ - ۲۹ ح ۱۳۳

حسینعلی خان - ۳۵۲

حسین بن علی (سید الشهداء علیه السلام) - ۴۸۹

۴۹۷، ۵۱۰، ۵۷۳، ۶۰۵ و ۶۱۹

حسین بن علی بن منصور عائدی - ۵۹۹ ح

خان قلی - ۶۹۸ .
خبری - خنیری - خفزی - خبری (ابو الحکیم) -

۱۵۴ ح .

خیبسی - ۳۶۶ ، ۳۷۴ .
خسته (رجوع به ولی محمد میرزا شود) .
خش قدم - ۷۴ .

خضر بن داود - ۲۴۲ .
خضر بن عطاء الله موصلی - [۴۵۷ - ۴۵۹] .
خضری خونساری - ۲۱۰ .

» لاری - ۲۱۰ .

خطائی (نظام الدین عثمان) - [۴۰۶ - ۴۰۹] .
۴۱۹ ، ۴۲۰ .

خطیب بغدادی - ۱۱۴ ، ۵۰۶ .
خطیب رستم مولوی - ۲۶۵ ح .
خطیب قزوینی (جلال الدین محمد بن عبدالرحمن) -
۴۱۶ ، ۴۳۲ .

خفاجی (شهاب الدین خفاجی) - ۲۳۹ .
خلاق المغانی (کمال الدین اسمعیل دیده شود) .
خلیفه زنجشری (مطرزی دیده شود) .

خلیل - صوفی - ۷۰۴ .
خلیل (مؤلف کتاب العین) - ۱۶۷ .
» بن احمد - ۲۹۰ ، ۴۳۷ .

» » ایبک (صلاح الدین صفدی) - ۳۷۶ ، ۷ و
۵۵۳ ح .

خلیل قزوینی - ملا - ۳۷۳ ، ۳۷۴ .
خواجه بیك - ۴۹۹ .

خواجه جهان (نجم الدین محمود بن محمد گیلانی) -
[۱۰۲ ، ۹۹] .

» مرشد پسر خواجه میرک شیرازی - ۵۳۳ ح .
» میرک شیرازی - ۵۳۳ ح .

خواجو کرمانی (کمال الدین ابو العطا محمود بن
علی کرمانی) - ۱۹۱ ، ۲۶۱ ، ۴۵۵ ، [۵۱۲ -
۵۱۶] .

خوارزمشاه - ۵۵۵ .

خوارزمی (ابوبکر) - ۸۸ .

خوشگو مؤلف سفینه خوشگو [۴۷۳ - ۴۷۵] (در
بسیاری از صفحات نام وی نیز برده شده است) .
خیام - ۵۸۲ .

حسین بن عیسی حسینی تفریشی ک - ۶۳۴ .

حسین بن محمد خشنامی - ابو علی - ۸۸ ح .

حسین بن حاج محمد کاشانی - ۱۸۵ .

حسین بن ساعد حائری - سید - ۱۳۸ .

حسین مسرور - ۵۱۲ ح .

» مصری ک - سید - ۷۴ .

» بن مفلح - ۲۸۱ .

» وفائی - ۲۱۳ ، ۲۲۱ .

» بن یوسف هروی - ۱۴۷ .

حسینی - ۶۲۳ ح .

حقایقی (خاقانی شیروانی دیده شود) .

حکمت علی اصغر - ۲۰۷ ، ۲۶۲ .

حکیم باشی - ۲۶۳ .

حکیم الممالک (شیخ حسین شهرت) - ۵۷۴ .

حکیم الملک (نظام الدین دیده شود) .

الحلونسیم - ۱۸۴ .

حلیمی - ۲۵۴ .

حمید الدین جوهری - ۶۱۰ .

حمید الدین عمر بن محمود محمودی مشهور به

حمیدی بلخی - [۹۳ - ۹۵] .

حمیدی (قاضی حمید الدین) - ۵۶۵ .

حمیدی (از رجال قرن چهارم) - ۲۸۵ ح .

حمید بن افضل الدین حسین - ۴۰۵ .

حیدر (قطب الدین) - [۶۵۶ - ۶۵۷] .

حیدر علی - مولوی - ۱۶۵ .

حیدر علی ک - ۳۳۸ .

حیدر کرار (رجوع به علی بن ابی طالب شود) .

حیدر میرزای صفوی - ۴۴۲ .

حیرتی - ۴۴۰ .

خ

خاقانی شیروانی (بدیل بن علی) - ۹ ح ۱۹۱ ،
۲۱۱ ، ۲۱۳ ، ۲۶۱ ، ۴۴۵ ، [۴۶۳ -

۴۶۹] ، ۴۷۷ ، (۵۰۲ - ۵۰۳) ، ۵۴۳ ،

۵۵۴ ، (۵۹۰ - ۵۹۱) ، ۶۰۲ و ۶۳۲ .

خالد بن عبدالله ازهری - [۳۰۹ - ۳۱۲] ،

(۳۱۳ - ۳۱۴) ، ۳۳۲ و ۳۳۹ .

خالد بن یزید شبیانی - ۵۵۴ .

خالص - ۴۸۱ .

خان خانان (عبدالرحیم سیه سالار) - ۵۳۰ و ۶۳۸ .

د

- داود (محمد داود ابن میرزا عبدالله) - [۵۹۸-۵۹۵].
 داود خان وزیر لشکر - میرزا - ۶۲۰، ۶۶.
 داود بن نصیر طائی - ۵۵۲.
 دبستانی کرمانی - ۶۶.
 دبیر (اسمعیل) - ۵۵.
 درویش اشرف - ۷۱.
 درویش (عبدالمجید) - [۶۳۶-۶۳۵]، ۴۵۳، ۷۰۳.
 درویش بن مظفر - ۱۳۰.
 درویش یوسف سنان - ۵۵۰.
 درزی شوشتی (جامع تذکره خوشگو) - ۴۷۳، ۴۷۵.
 دساسی (سلوستر) - مستشرق - ۳۰۴ و ۹۲.
 دشتی - (جامی دیده شود).
 دشتی - علی - ۳۵۸ ح.
 دعبل خزاعی - ۴۲۷.
 دقیقی - ۶۵۷، ۶۰۲، ۲۶۱.
 دلشاد خاتون - ۶۰۶.
 دماغینی (بدرالدین محمد بن ابی بکر مخدومی) - [۳۷۸-۳۷۵]، ۳۷۹.
 دمیری (صاحب حیات الحیوان) - ۳۷۶، ۷۹.
 دوآنی (ملاجلال) - ۴۱۱ و ۳۵۰، ۱۲۹.
 دوست علی ابن قنبر - ۴۷۶.
 دولتشاه ابن علاء الدین بختشاه سمرقندی - [۴۷۵-۴۷۷] (گذشته از اینجا در بیشتر از صفحات نام وی برده شده).
 دهخدا (علی اکبر) - ۶۸۷-۶۰۳، ۲۹۴.

ذ

- ذاکر حسین هندی دهلوی - سید - ۱۳۷.
 ذوالرمه (ابوالحرث غیلان بن عقبه بن مسعود) - ۲۰۱، [۶۰۰-۵۹۸].
 ذوالفقار - سید - ۴۷۷.
 ذوالقرنین - ۱۰۵ ح.
 ذواللسانین = نظری (بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم) - [۱۸۰-۱۷۶].
 ذوالمنقبین (سید رضی دیده شود).
 ذهبی (مؤلف میزان الاعتدال) - ۳۰۳، ۱۱۴، ۳۳۱.

ر

- رازی - سید - ۱۲۱.
 » شاعر - ۶۵۰.
 راشدی - ۶۴۵.
 رافعی نیشابوری - ۶۸۵.
 راوی گروسی (محمد ملقب بفاضل) - [۴۵۹-۴۶۱] (گذشته از اینجا مکرر نام او برده شده).
 رجب برسی - شیخ - ۱۳۹.
 رجب بن محب علی شاملو - ۶۴۷، ۲۶۸.
 رشید الدین (صدر اعظم بوده) - ۶۶۱.
 رشید (خواجه غیاث الدین رشید) - ۲۱۴.
 رشید الدین (وطواط) - ۲۲۰، ۲۱، ح ۷۱، ۷۰، ۹۳، ۴۳۸، ۲۶۱، ۴۳۹، [۴۴۰-۴۳۹]، ۵۵۴ و (۶۰۱-۶۰۰).
 رشیدی شاعر - ۶۰۲.
 رضا زاده شفق - دکتر - ۱۳.
 رضا شفاء تبریزی - ملا - ۲۲۴.
 رضاقلیخان هدایت - ۶۱۳ و ۶۵۱ (بسیار نام وی در این کتاب برده شده و چندین نسخه از این فهرست شامل خط وی است).
 رضی - سید رضی - رضی ذوالحسین - رضی موسوی - ابوالحسن موسوی - ۴۷، ۴۴، ۵۸، ۷۶، ۶۲، [۱۵۹-۱۱۳] (مخصوصاً در ص ۱۵۴-۱۵۹) و ۶۰۱.
 رضی استرآبادی (نجم الاثمه رضی الدین محمد بن حسن) - ۳۶۱، ۳۵۶، ۳۲۶، ۳۲۴، ۴۲، [۳۶۳-۳۶۶].
 رضی الدین خوارزمی - ۳۷۳ ح.
 » خشاب - ۲۲، ۲۱ ح.
 رضی کتابدار - ۵۰۰.
 رضی الدین (محمد بن محمد شفیع طباطبائی) - [۴۵۱-۴۵۰].
 رضیه حدائق - ۵۲۸.
 رفیعا نائینی - میرزا (محمد بن سید حیدر) - ۳۱۷.
 رفیع الدین انبانی - ۶۰۳ و ۹.
 » (محمد بن ملافتح الله قزوینی) واعظ - ۳۱۷.

- زین الدین** محمد بن شمس الدین ابی بکر رازی
حنفی - [۲۷۸-۲۷۹] .
» مغربی زواری - ۱۹۷ .
» نسیمی بن صالح - ۲۴۲ .
زین العابدین اصفهانی ک - ۸۱ .
» حاج میرزا (امام جمعه تهران) - ۵۵۰ .
۶۷۰ .
» خان (حسام الملك) - ۱۴۱ .
زین العباد شریف ک - ۵۴۵ .
زین بن الکتانی - ۲۳۳ .

س

- سامانی (محمد حسن بن قانی) - ۹۶ ح .
سام میرزا پسر شاه اسمعیل - [۴۶۱-۴۶۳] .
سجائی - ۳۳۴ .
سجاوندی - ۳۵۰ .
سجزی - ۲۹۶ .
سحاب (ابو القاسم) - ۵۵ .
سحاب (سید محمد بن هاتف اصفهانی) - ۴۶۱ .
[۶۰۴-۶۰۶] .
سغاوی - ۴۰۲، ۳۸۳، ۲۳۶، ۲۳۴، ۲۳۳ ح .
سراج الدین ازموئی - ۵۸۰ ح .
سروری کاشانی (محمد قاسم بن حاج محمد) - ۱۷۷ .
۲۱۳، ۲۱۷، [۲۱۹-۲۲۴]، ۲۲۹ و ۲۳۰ .
سروری (مصطفی ابن شعبان) - ۲۲۰ ح .
سروش شمس الشعرا - ۹۷، ۹۶ .
سعد بن احمد میدانی - ۲۹۶ .
سعد الله بردعی - ۳۱۸ ح .
» چلبی - ۳۴۵، ۲۴۰ .
» بن طبلاوی - ۳۱۸ ح .
» مستقیم زاده - ۲۴۹ .
سعد مفتی - ۲۴۲ .
سعد الملك (مسعود بن اسعد) - ۶۱۰ .
سعد بن نصیر غزنوی - ۲۱۳ .
سعد وراوینی - ۹۴ .
سعدی مصلح الدین شیرازی - ۱۳۱، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷ .
۱۹۱، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۶۱، ۴۲۹، ۴۵۳ .
۵۱۷، ۶۳۰ و ۶۲۵ .

- رفیع الدین محمد بن فرج گیلانی - ۱۳۳ .
رکن الدوله - ۴۸۵ .
رکن الدین (ابو محمد یحیی) - ۳۵۱ .
رکن الدین استرآبادی (حسن بن محمد ابن شرف شاه
علوی حسینی) - ۳۲۸ و [۳۶۳-۳۶۶] .
رکن الدین (اوحدی مراغی) - [۴۸۶-۴۸۹] .
» (محمد بن علی استرآبادی) - ۳۶۵ .
رودکی (جعفر بن محمد - ابو عبد الله) - ۲۲۱ ،
[۶۰۲-۶۰۴] ، ۶۵۸ .
رونق علی شاه - ۴۹۱، ۴۹۰ .
رونقی همدانی - ۶۳۹ .
رئیس خراسان (ابو القاسم علی بن جعفر بن حسین
قدامه) - ۵۵۶ و ۵۵۵ .
ریموندوس - ۳۱۳ .

ز

- زال بیک (قورچی خاصه) - ۶۴۸، ۲۶۸ .
» » (یوزباشی) - ۶۴۷ .
زبیر - ۶۲ .
زجاجی (ابو القاسم عبد الرحمن ابن اسحق) - ۳۱۵ .
زردشت - ۲۵۹ ح .
زراتشت بهرام - ۲۵۹ .
زری = زیور (محمد صادق) - ۴۵۵ .
زکریا - پیغمبر - حضرت - ۴۵۴ .
زکی بن مؤید (جد نظامی است) - ۵۲۵ ح .
زلیخا - ۶۴۱ .
زمخشری (جار الله - ابو القاسم) - ۱۰، ۹، [۱۱-۱۴] ،
[۱۴] ، ۳۹۰، ۹۰، ۱۲۷، ۲۹۹، ۳۱۳، ۳۴۳ ،
۲۵۶، (۳۹۸، ۳۹۷) و ۴۰۰ (۴۱۴) .
زوزنی (ابو عبد الله حسین بن احمد) - [۲۸۲-۲۸۵] .
زهری - ۲۸۸ .
زید الاسود - ۲۱۲ ح .
زینب - ک (بنت مقصود علی) - ۶۱۹ .
زینتی سکزی - ۶۴۵ .
زین الدین خوافی - شیخ - ۵۸۱ .
زین الدین علی نقی کمره ای - [۶۴۱-۶۴۲] .
» قاسم ابن قطلوبغا - ۸۳ .

- سعدی افندی - ۲۳۹ .
- سعد بن علی وراق (ابو المعالی دیده شود) .
- سعید بن محمد ابراهیم رازی ک - ۴۱۷ .
- سعید نفیسی - ۲۲۰، ۴۹۴، ح ۵۱۲، ح ۶۰۲، ۶۰۳ و ۶۰۴ .
- سعید بن هبة الله (قطب راوندی دیده شود) .
- سعدی - ۳۶۶ .
- سکاکي (بابا فغانی نیز دیده شود) - ۶۰۴۹ .
- » - صاحب مفتاح (یوسف - سراج الدین ابویعقوب) - ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۳۱، ۵۸۰ .
- سکوت (ابو القاسم) - ۵۱۰ .
- سلطان احمد ثالث - ۲۵۰ .
- » احمد خان - ۱۴۷، ۴۶۱ .
- » اویس ایلکانی - ۲۲، ۲۳، ۴۳۸، ۶۰۶ و ۶۰۷ .
- » بیگم بنت سلطان سلیمان - ۵۴۱ .
- » حسین ابن سلطان اویس ایلکانی - ۶۰۶ و ۶۶۴ .
- » حسین میرزا بایقرا - ۱۵۹، ۱۶۰، ۴۷۶، ۵۳۸، ۵۳۹، ح ۵۷۸، ۵۷۷، ۵۸۱ .
- » ۵۹۲، ۶۸۹، ۶۹۱، ۶۹۲ .
- سلطان سلیم خان - ۱۳۹، ۲۵۵ .
- » سلیمان - ۴۲۵ .
- » سلیمان ابن سلطان سلیم - ۵۴۱ .
- » سلطان العلماء (خلیفه السلطان) - ۴۸ .
- » سلطان علی خلیفه - ۷۰۲، ح .
- » » شهدی - ۲ .
- » فرخ - ۴۶۱ .
- » محمد پادشاه دکن - ۹۹ .
- » » (پدر سلطان بایزید) - ۴۰۲ .
- » » (برادر سلطان سنجر) - ۲۹۵ .
- » » (پسر شاه طهماسب) - ۴۸۴ .
- سلطان محمد (پسر فتحعلیشاه ملقب به سیف الدوله متخلص بسلطان) - [۴۷۷ - ۴۷۹] .
- » محمود بن غلامعلی طبسی - ۱۳۲، ۴۶ .
- » مراد ثالث - ۴۷۲ .
- سلطان مراد ابن سلطان محمد - ۴۷۲ .
- سلطانی بهبهانی نماینده مجلس - ۲۳۳ .
- سلمان ساوجی (سلمان بن علاء الدین محمود ساوجی جمال الدین) - ۱۰۱، ۱۹۱، ۲۰۹، [۶۰۶ - ۶۰۸] .
- سلمان فارسی - ۶۱۰، ح .
- سلوستر دساسی (مستشرق) - ۳۰۴ و ۹۲ .
- سلیمان بن ابراهیم علوی (نفیس الدین) - ۲۳۵ .
- » » ابی سلیمان (ابوایوب مورانی) - ۴۱۹ .
- » » بید گلی کاشانی (صباحی) - ۷۰۳، ۴۶۱ .
- » » بن محمد خان قاجار - ک - ۶۱۹ .
- » » » زهراوی - ۷ .
- سمعانی - ۱۷۶، ح ۶۰۳ .
- سنائی حکیم (ابوالمجد مجدود بن آدم غزنوی) - ۱۹۱، ۴۶۶، [۴۹۳ - ۵۰۰]، ۵۸۸ .
- (۶۰۸ - ۶۱۰)، ۶۷۲، ۶۷۷ و ۶۸۰ .
- سنجر سلجوقی - سلطان - ۹۴، ۲۹۵، ۵۵۵ .
- ۵۵۶، ۵۶۵، ۶۱۰، ۶۳۶ و ۶۸۰ .
- سنجری خراسانی - ۲۹۵، ۲۹۶ .
- سنگلاخ - میرزای سنگلاخ - ۲ .
- سودی - ۳۷۲ .
- سوزنی (محمد بن علی یا ابوبکر ابن السلانی یا السلمانی) - ۱۹۱، ۶۰۲، [۶۰۹ - ۶۱۱] .
- سهیلی خوانساری - ۶۷۷، ۶۴۹ .
- سیبویه نجوی - ۸۳، ۲۷۰، ۳۰۶، ۳۷۳ .
- ۳۸۳ .
- سید رضی (محمد بن حسین موسوی شریف رضی رضی دیده شود) .
- سید مرتضی (علی بن طاهر علم الهدی دیده شود) .
- سید الشهداء (حسین بن علی علیه السلام دیده شود) .
- سیرانی - ۱۹۳، ۳۸۳ .
- سیف الدوله آل حمدان - ۶۶۹ .
- سیف الدین - خواجه - ۶۸۹، ح .
- سیف الدین اعرج (سیف اسفرنگ) - [۶۱۲ - ۶۱۴] .

شاه عباس دوم - ۶۹۹، ۶۲۲، ۵۶۲، ۴۵۰ -
 شاه قلی - ۲۲۹ -
 شاه محمود (معاصر اولاد شیخ اویس) - ۶۰۶ -
 » » بهمنی - ۵۸۱ -
 شاه منصور بن شاه شجاع آل مظفر - ۲۳۴ -
 ۵۸۱، ۴۳۸ -
 شاه نعمت الله ولی - ۵۸۱، ۵۱۱ -
 شبر (سید عبدالله) - ۱۳۳ -
 شبلی نعمان - ۶۲۲ -
 شرف رامی (حسن بن محمد رامی تبریزی) -
 ۴۷۸، [۴۳۷-۴۳۹] -
 شرف شفر وه (شرف الدین عبدالؤمن بن هبة الله
 مغربی اصفهانی) - [۱۱-۸] -
 شرف الدین علی یزدی - ۵۴۳، ح ۶۹۸ -
 » عیسی بن ملک العادل ابی بکر - ۳۸۳ -
 » فضل الله (شفر وه) - ۸ ح -
 شریشی (ابو العباس احمد بن عبدالؤمن) - [۳۶-
 ۳۸] -
 شریف اجل (سید رضی رجوع شود) -
 شریف تبریزی - [۶۱۸-۶۱۹]، ۶۶۶ -
 » تقی (ابن عتیق) - ۴۵۸ -
 شریف رضی (سید رضی - محمد بن حسین موسوی) -
 ۱۵۹، ۱۱۳، ۷۶، ۶۲، ۵۸، ۴۷، ۴۴ -
 ۶۰۱ و -
 شریف العلماء - ۴۵۰ -
 شفاء تبریزی (ملارضای قاضی عسگر) - ۲۲۴ -
 شفیعا - ۶۳۵ -
 شفیع شیرازی - حاج میرزا - ۱۶۵ -
 شقوره یا شفر وه (شرف شفر وه دیده شود) -
 شمس فخری - ۲۲۲، ۲۲۰ -
 شمس الدین محمد بن حسن نواجی - [۷۲-۷۴] -
 شمس الدین محمد بن شیخ زین الدین - ۳۱۸ ح -
 » محمد بن صائین - ۵۱۵ -
 » » مراد - ۱۳۰، ۴۴ -
 » معزی - ۴۳۲ -
 شمس منشی نخجوانی (محمد بن هندو شاه) - [۲۱-
 ۲۴]، ۱۷۷، ۱۷۰، ۲۱۴ و ۲۱۵ -

سیف الملک محمود - امیر - ۵۱۶ -
 » عباسقلیخان نوری - ۱۱، ۱۳، ۱۹ -
 سیواک (محمد بن علی) - ۴۴۴ -
 سیوطی (جلال الدین - عبدالرحمن) - ۱۸۳،
 ۳۳۳، ۳۲۹، [۳۴۱-۳۳۷]، ۳۴۶ -
 (۳۴۸)، (۳۸۶-۳۸۵)، ۳۹۸، ۳۹۹ و
 ۴۲۵ -

ش

شادان (مهر اج) - [۶۱۶-۶۱۴] -
 شارح مقامات (شریشی دیده شود) -
 شافعی - امام - ۴۹۷، ۴۵۶، ۳۳۳، ۲۹۹ ح -
 شامی - ۲۰۹ -
 شاه ابدالان (قطب الدین حیدر) - [۶۵۶-
 ۶۵۷] -
 شاه ابواسحق (ابواسحق شیرازی) - ۱۵۳،
 ۵۸۱، ۵۸۰، ۵۱۵، ۵۱۳، ۲۳۳ -
 شاه اسمعیل صفوی - ۲۲۹، ۱۲۹ ح، ۴۶۱،
 ۵۴۳، ۴۶۲ -
 شاه جهان - ۲۱۷ ح، ۲۹۳، ۶۲۸، ۶۶۰ -
 شاه داعی الله - ۵۸۱ -
 شاهدی - ۲۵۴ -
 شاهرخ (پسر امیر تیمور) - ۶۶۷، ۶۵۳، ۷۳ ح -
 شاه سلطان حسین صفوی - ۱۰۷، ۱۰۵، ۳۳ -
 ۷۰۰، ۵۹۶، ۳۱۷، ۲۳۹، ۱۴۶، ۱۱۰ -
 شاه سلیمان صفوی - ۱۳۳، ۱۳۰، ۵۷۳،
 ۷۰۰ -
 شاه شجاع - ۵۸۱، ۳۶۷ -
 شاه صفی - ۵۶۲، ۲۱۰ -
 شاه طهماسب صفوی - ۱۸۹، ۱۳۹، ۶۹ ح،
 ۵۳۵، ۴۸۴، ۴۶۱، ۲۳۱، ۲۲۹، ۱۹۰ -
 ۷۰۲، ۶۱۸ -
 شاه طهماسب گیلانی - ۱۹۰ ح -
 شاه عباس اول - ۲۲۲، ۲۲۰، ۱۴۷، ۱۳۱ -
 ۶۱۱، ۵۷۳، ۵۶۲، ۴۵۱، ۴۳۴، ۳۸۹ -
 ۷۰۲ -

- شمس العلماء گرکانی - ۲۴۱ .
- شمس - ۱۹۲ ح و [۳۸۲-۳۸۰] .
- شهاب اصفهانی (نصرالله - میرزا) - [۶۱۹-۶۲۰] .
- شهاب الدین سهروردی - ۶۶۱ .
- » » (رجوع به احمد بن محمد حجازی شود) .
- » » (صدر اعظم بوده) - ۶۶۱ .
- » » احمد بن محمد حجازی - شیخ - ۳۷ .
- » » احمد منلا زاده سمرقندی خطابی - ۴۰۷ .
- » » حکیم کرمانی - امیر - ۱۹۱ .
- شهابی - محمود (استاد دانشکده) - ۶۹ .
- شهرت (شیخ حسین حکیم الممالک) - ۵۷۴ .
- شهید ثانی - ۲۰۶ ح ، ۲۷۳ .
- » ثالث (محمد تقی قزوینی) - ۱۳۵ .
- شهرستانی (مؤلف ملل و نحل) - ۷۸ .
- » (سید هبة الدین) - ۱۱۵۰، ۷۴۰، ۵۸۰، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۰، ۱۱۸، ۱۱۷ .
- ۱۴۶، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۳ .
- شیخ الاسلام - ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۱۹ .
- » » اصفهان - ۶۴۲ .
- شیخ زاده (عاشق) - ۲۱۳ .
- » طوسی (محمد بن حسن) - ۱۲۳، ۱۲۰، ۷۶ .
- » ۲۷۳ .
- » عراقی - ۲۹ .
- » علی میرزا - ۴۷۲ .
- » مفید (محمد بن نعمان) - ۵۸۵، ۱۵۱ .
- شیرین - ۴۵۶ .
- ص
- صاحب جواهر (شیخ محمد حسن) - ۱۴۹، ۳۳ .
- » حدائق = صاحب لؤلؤ (شیخ یوسف بحرینی) - ۵۲۰، ۴۴۰، ۴۳۰، ۳۴۰، ۳۳۰ .
- » دیوان الادب (اسحق بن ابراهیم فارابی دیده شود) .
- » ریاض (سید علی) - ۲۲۴، ۲۲۵ .
- صاحب ریاض العلماء - ۱۳۸، ۱۳۰ .
- صاحب الزنج - ۵۷ .
- » ابن عباد - ۲۸۸، ۲۸۶، ۸۷ ح .
- صاحب علی آبادی (میرزا محمد تقی) - ۲۶۲، [۶۲۵-۶۲۴] .
- » مدارک (سید محمد) - ۴۱۱، ۴۲ .
- » معالم (شیخ حسن) - ۴۱۱ .
- حضرت صادق عم (امام ششم شیعه) - ۴۹۱ ح .
- صادق بن امین ک - ۴۲۱ .
- » انصاری - ۱۸۹ ح .
- صالح بن سعید بحرانی ک - ۱۷ .
- صالح قزوینی سید - [۶۲۱-۶۲۰] .
- » مازندرانی - ملا - ۳۵۲ .
- صالحی خر اسانی - ک - ۵۴۱ .
- صائب میرزا محمد علی ابن میرزا عبد الرحیم تبریزی - [۶۲۴، ۶۲۲]، ۶۶۰، ۶۵۹، ۶۶۰ .
- صبا (فتحعلیخان ملک الشعرا) - ۳۶۲، ۲۶۱ .
- ۶۰۵، ۴۶۸، [۶۲۷-۶۲۶] .
- صباحی - ۷۰۳ و ۴۶۱ .
- صدر الافاضل (قاسم بن حسین خوارزمی) - ۳۸۳ .
- صدر الدین علمی (علیخان کبیر - سید دیده شود) .
- » » یمینی شیخ - ۶۵۳ .
- » عمر خجندی - ۶۶۱ .
- » قونوی (صدر المحققین) - ۱۳۱، ۴۳۰ .
- صدر الدین محمد تبریزی (نائب الصدر) - [۲۲۴-۲۲۵] .
- » محمد سالکدهی - ک - ۲۰۲ .
- » محمد شیرازی (ملا صدر) - ۲۴۳ .
- » مکرم بن یحیی ک - ۱۹۷ .
- صدر الممالک - ۱۸۸ .
- » (امیر محمد صالح رضوی) - ۴۸۰ .
- صدوق (محمد بن علی بن بابویه) - ۲۸۶، ۴۶۶ .
- صفندی (صلاح الدین خلیل بن ابیک) - ۳۷۶، ۷ و ۵۵۳ ح .
- صفی الدین اردبیلی - شیخ - ۶۵۳ .
- صفی حای - ۳۷۳ .

طمنج خان (مسعود بن حسین) - ۶۱۰

طلحه - ۶۲

طونان هزارجریبی (میرزا طیب) [۶۲۹ -

۶۳۰]

ظ

ظهوری ترشیزی (نورالدین محمد) - [۶۳۰ -

۶۳۱]

ظهیرالدین مرعشی - ۲۵۱ ح

ظهیرفاریابی - ۶۱۳، ۲۱۱، ۱۹۱، ۱۰۱ -

[۶۳۰ - ۶۳۱]

ظهیر = قاضی - ۲۱۳

ع

عادل - [۶۸ - ۷۱]، ۱۰۴، ۱۰۳

» (از شعرای خراسان) - ۶۹

» (پادشاه لار) - ۶۹

عادلشاه - ۶۳۱

عادل بن علی - ۶۹

» » مراد اردستانی - ۶۹

عارف تبریزی اصفهانی ک - ۶۲۳

عاشق اصفهانی - ۴۷۰

عاشق - ۶۷۹

عاصمی - ۳۵۶

عالم اهل المشرق (میرسید شریف جرجانی است) -

۳۶۷

عالم ربانی (ابن میثم دیده شود)

عالم گیر - ۲۱۷

عاملی (شیخ حر عاملی دیده شود)

عالمی - ۲۱۳

عباس قمی = حاج شیخ - ۱۴۶

عباس میرزا نائب السلطنه - ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۲۴

۵۰۰، ۲۲۵

عباس بن نجف ک - ۴۱۸

عباسقلی نوری (سیف الملک) - ۸۹، ۱۳، ۱۱

عباسی بدرالدین (زین الدین) ابو الفتح عبدالرحیم

ابن عبدالرحمن احمد شریف قاهری اسلامبولی -

[۴۲۶ - ۴۲۴]

صفی الدین طریحی - ۲۷۴، ۲۷۲

» علاء بن صفی الدین علی بسطامی - ۴۵۰

» محمود بن ابی بکر ارموی - ۳۰۱

صلاح الدین پادشاه مصر - ۵۰۴

» خلیل بن ابیک (صفدی) - ۳۷۶، ۷

ح ۵۵۳

» یوسف - ۵۰۵

صنعان - شیخ ک - ۴۸

صنعانی (شارح نهج البلاغه) - ۱۳۸

صوفی خلیل - ۷۰۴

صهبا (محمد تقی) - [۶۲۷]، ۶۷۹، ۷۰۲

صیرفی - خواجه عبدالله - ۸۵ ح

ض

ضرار بن خطاب - ۵۸۵

ضمیری - ۲۱۳

ضیاء الدین نصرالله (ابن اثیر) - ۲۹۹، ۴۲

» یوسف بن خواجه اصیل الدین بن خواجه

نصیر الدین طوسی - خواجه - ۴۸۷

ط

طالب آملی - [۶۲۸]

طالع هروی (ایمانی) - [۱۶۱ - ۱۶۰]، ۲۶۷

طاها بن خزام ک - ۵۵۲

طاهر بن محمد الفاریابی (ظهیر فاریابی) - ۱۰۱

۶۱۳، ۲۱۱، ۱۹۱ و [۶۳۰ - ۶۳۱]

طاهر بن علی (ثقة الملك) - ۶۷۶، ۶۷۷

الطائع خلیفه عباسی - ۱۵۰

طبری - ۵۷

طریحی - شیخ - ۱۹۲، ۱۵۴ ح، [۲۷۲ -

۲۷۸]

طرمّاح - ۱۵۷

طغانشاه بن ارسلان - ۵۵۸، ۵۵۷

طغانشاه ابن مؤید - ۵۵۸، ۶۳۲، ۶۷۳

طغرل بن ارسلان سلجوقی - ۵۲۸

طغرل بن ملکشاه - ۹

طمنج خان (جلال الدین ابراهیم بن حسین) -

ح ۶۱۰

- عبدالباسط ابن خليل حنفی = شیخ - ۲۴۲، ۲۴۰.
عبدالباقی صوفی ملقب به دانشمند - ۱۳۱، ۶۹ و ۱۳۲.
عبدالباقی نهاوندی - ۶۳۸.
عبدالجامع بن عمران بن ربیع - ۶۳۶.
عبدالجبار شیعوی = قاضی - ۱۲۸.
عبدالجلیل بن حسن ک - ۳۷۱.
» نصیری = میرزا - ۲۶۷.
عبدالحجة ابروانی = سید - ۱۰۷.
عبدالحسین اصفهانی ک - ۱۶۴.
» حلی ک - ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴.
عبدالحسین (ذوالریاستین) نعمة اللهی شیرازی -
حاج میرزا - ۱۳۱، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱.
عبدالحسین طریحی - شیخ - ۶۲۰.
» (فیض علی شاه) - میرزا - ۴۸۹.
عبدالحکیم سیالکوٹی - ۳۲۴.
عبدالحی بن عماد (مؤلف شذرات الذهب) - ۱۱۴.
عبدالخالق (پدر بیدل هندی) - ۵۷۱.
عبدالرحمن (جامی دیده شود).
» بن اسحق الزجاجی - ابو القاسم - ۷.
عبدالرحمن (سیوطی دیده شود).
» بن عبدالعزیز - شیخ - ۲۴۰.
» بن علی الاماس - ۲۴۰.
» بن عیسی - ۱۹۶.
عبدالرحیم بهاری - شیخ - ۲۱۳.
» خلخالی - سید - ۱۳۱.
» سوربهاری - ۲۲۷.
» ابن عبدالکریم صفی پوری - ۲۴۰.
» ابن علی بن حسن لخمی میسانی عسقلانی
مصری (قاضی فاضل) - ۵۰۶.
» بن فیروز آبادی - ۲۳۷.
» هندی - شیخ - ۱۶۳ ح.
عبدالرؤف مناوی - تاج الدین - ۲۳۸.
عبدالرزاق بن شیخ داود - ۳۸۹.
» غوطی - ۴۱ ح ۴۲ و ۴۶.
» کاشانی - ملا - ۳۵۰.
» بن محمد الیمینی ک - ۲۴۲.
- عبدالرزاق الویری ک - ۲۵۳.
عبدالرسولی - ۵۹۰.
عبد الرشید دیلمی خطاط معروف ک - ۴۹۹ و ۶۴۹.
عبدالرشید بن عبدالغفور حسن مدنی تتوی [۲۱۷ -
۲۱۹]، (۲۹۳ - ۲۹۴).
عبدالرضا بن محمد مبارک موسوی - ۲۹۱.
عبدالسلام احمد القویسنی - شیخ - ۱۴۵.
عبدالصانع ابن حاج علی خونساری - ۳۹۲.
عبدالصمد بن حسین عاظمی - ۳۹۰.
عبدالعالی کرکی - شیخ - ۱۴۹، ۳۵۸.
عبدالعزیز پادشاه بخارا - ۵۷۳.
عبدالعزیز پادشاه عثمانی - سلطان - ۲۸، ۲۶.
» جواهر الکلام - ۳۸۹، ۳۹۰.
» حلی - ۲۳۸.
» ابن عمر - ۱۷۰.
» فرغلی انصاری - شیخ - ۳۵۶.
عبدالعلی بن ملاعلی ک - ۳۸۶.
عبد الغافر - ۲۸۲.
عبد الغفار - ۴۴۸.
عبد الغفار تویسرکانی ک - ۱۴۲.
عبد الغفار بن عبدالکریم قزوینی - ۳۴۸.
عبد الغفور لاری - ملا - [۳۲۳ - ۳۲۴].
عبد القادر بیدل - [۵۷۱ - ۵۷۲].
عبد القادر - شیخ - ۲۳۶.
» بن محمد شریف مکی ک - ۵۴.
عبد القاهر نحوی جرجانی - شیخ - [۳۱۴ -
۳۱۶] و (۳۸۷ و ۳۸۸).
عبدالکریم حلبی ک - ۱۹۸.
عبدالکریم سعادت - شیخ - ۱۴۸.
» بن عطاء الله اسکندری - ۱۷۱.
» ابن میرزا محمد سعید اردستانی ک -
۱۵۶.
عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی - [۷۷، ۱۰۵ -
۱۱۲]، ۱۴۳، ۱۴۶.
عبدالکریم بن معصوم ک - ۴۹.
عبدالله (از دوستان و معاصرین طوفان) - ۶۲۹.
عبدالله - میرزا - ۵۹۵.

- عبدالله بن احمد مکی = جمال الدین یا عقیف الدین - ۳۵۷ ح .
- عبدالله انصاری - خواجه - ۳۵۹ .
- » بهبهانی - حاج سید - ۱۴۸ .
- » بیک (جراح باشی نظام) - ۱۰۵ .
- » خونساری ک - ۴۰۲ .
- » بن شاه منصور قزوینی طوسی - ۳۴۲ .
- » شیر - سید - ۱۳۴ ، ۲۷۴ .
- » بن شرف الدین حسن پادشاه یمن - ۳۳۹ .
- » بن شریک - ۶۲ .
- » شوشتری - ملا - ۴۱۲ .
- » بن عبد الجلیل ک - ۴۴۸ .
- » بن عبد الرضا - ۲۹۱ .
- » ابن عبد العلی جزائری ک - ۴۲۱ .
- عبدالله عیبی - ۳۱۳ .
- عبدالله بن غلامعلی آل محسن - ۲۳۲ .
- » کردی حسینی - ملا - ۴۱۰ .
- » بن محب الدین ابن شجنه - ۴۳۳ .
- » المحدثه ک - ۹۲ .
- » بن المدی حوالی حمیدی - ۲۳۹ .
- » منشی طبری ک - ۴۵۹ .
- عبدالله بن محمد بن احمد حسینی = سید جمال الدین
نقره کار - [۳۶۹ - ۳۷۱] .
- عبدالله میرزا - ۶۲۴ .
- » بن نور الدین بن نعمه الله - سید - ۳۲۵ .
- » نیشابوری - ۲۱۳ .
- » یافعی - شیخ - ۱۹۳ ح .
- عبدالله یزدی - ملا - ۴۰۶ ، ۴۰۸ ، ۴۱۱ - [۴۱۳] .
- عبد اللطیف - میرزا - ۶۶۷ .
- » تستری - سید - ۴۵۲ .
- عبد اللطیف بن عبدالله کبیر - [۲۲۶ - ۲۲۹] .
- عبد الحمید درویش - ۴۵۳ [۶۳۵ - ۶۳۶] ، ۷۰۳ .
- عبد المحسن صوری - ۵۴۹ .
- عبد المحمد همدانی - ۴۷۲ .
- عبد الملك (اصمعی) - ۵۹۹ .
- عبد الملك برهانی - (بدر معزی) - ۶۸۰ .
- عبد الملك بن مروان - ۲۸۸ .
- عبد المطلب کاشانی - میرزا - [۲۶۱ - ۲۶۳] .
- عبد المنعم جرجاوی - ۳۳۴ .
- عبد الواحد (عالم عصر صفوی) - ۷۱ .
- عبد الواسط بلقینی - ۲۳۹ .
- عبد الواسع جبلی - ۱۹۱ [۶۳۶ - ۶۳۷] .
- عبد الوهاب مشتهر بو اعظم ملکی اصفهانی ک - ۱۷ .
- عبد الوهاب بن علی استرآبادی حسینی - [۴۱۵ - ۴۱۶] .
- عبد الوهاب بن وجیه الدین (عقیف الدین) - ۲۴۳ .
- عثمان بن عفان (رض) - ۵۸۵ .
- عثمان بن محمد غزنوی - مختاری - [۶۷۲ - ۶۷۴] .
- عذری (اسحق بیگ) - ۴۵۳ و [۴۶۹ - ۴۷۲] .
- عرشاه ابن محمد حسینی استادی ک - ۵۸۳ .
- عرفی شیرازی سید محمد بن خواجه زین الدین - [۶۳۷ - ۶۴۱] ، ۵۲۴ .
- عز الدوله عبد الصمد میرزا - ۱۴۱ .
- عز الدین آملی - [۵۷ - ۶۰] ، ۶۴ ، ح ۱۲۹ .
- » (ابن اثیر) - ۲۹۸ و ۲۹۹ .
- » زنجانی - ۳۴۵ .
- عز الدین عبد الوهاب بن ابراهیم زنجانی - [۳۱۲ - ۳۱۳] .
- » مسعود یاشا ابن سلطان نور الدین ارسلان شاه ابن مسعود صاحب موصل ۵۲۶ - ح ۵۳۰ .
- عز الدین موسک صلاحی - امیر - ۳۳۰ .
- عزیز الرحمن - ۲۱۷ ح ۲۱۸ .
- عسجدی - ۶۴۵ .
- عصام الدین اسفراینی (ابراهیم بن محمد دیده شود) عصمت - ۳۶۶ .
- عضد الدین ایجی (قاضی عضد) - ۳۲۱ ، ۹۱ ، ۳۶۷ ، ۳۴۸ .
- عضد الدوله دیلمی - ۲۱۲ ح ۲۱۳ ، ۶۷۳ ، ۶۷۴ .
- » شیرزاد - ۶۷۳ ح .
- عطّار - ۴۹۳ ، ۱۳۱ .
- عطائی - ۳۲۳ .
- عقیف الدین (عبد الوهاب بن وجه الدین بر بهی) - ۸۴۱ .

علی قائنیک - ۷۲ .
 علی بن نظامك - ۵۸۳ .
 علی نقی بن اسمعیل موسویك - ۴۱۸ .
 علمینقی كمره ای (زین الدین) - [۶۴۱-۶۴۲] .
 علی نقی بن بهرامك - ۳۳۴ .
 علی نقی (مؤ بن دیوان) - ۴۹۹ .
 علی نیک پی - ۲۱۳ .
 علی واعظ تبریزی - حاج ملا - ۱۱۱، ۱۲۴ .
 علی همدانی - سید - ۱۳۱ .
 علی بن یوسف قفطی - ۱۹۵ .
 علی بن یونس عامل نباطی - ۲۸۱ .
 عماد خطاط معروف - میر - [۲-۴]، ۴۱۷ .
 عماد خوئی (نظام الملك ثانی) - ۵۳۰ ح .
 عماد الدین کاشی - ۲۴۲ .
 عماد فقیهه - ۱۹۱، [۶۴۲-۶۴۴] .
 عماد کاتب اصفهانی (ابو عبدالله عماد الدین محمد بن محمد بن حامد بن محمد) - ۹۱، [۵۰۴-۵۰۹] و
 ۵۴۶ .
 عمادی - ۱۹۱، ۲۶۱ .
 عمر بن بحرین محبوب (جاحظ دیده شود) .
 عمر بن بهاء الدین بشیطیك - ۳۷۸ .
 عمر بن خطاب رض - ۱۱۸ .
 عمر ابن سید عزیز - سید - ۵۴۷ .
 عمرو بن عاص - ۵۸۵ .
 عمید الدین فارسی - ۶۶۱ .
 عندلیب (محمد حسین پسر ملك الشعر اصبا) - ۲۶۲ .
 عنصوری ابو القاسم حسن بن احمد بلخی - ۱۹۱،
 ۶۰۲ و [۶۴۴-۶۴۵] .
 عوفی - ۱۶۹، ۱۷۰، ۴۶۳ .
 عهدی بن شمس البغدادی - ۴۴۹ .
 عیسی بن عبد الکریم گجراتی - ابو الروح - ۲۳۹ .
 عیسی بن محمد صفدی - ۳۰۱ .
 عیسی پیغمبر علیه السلام - حضرت - ۴۵۴ .
 » - قاضی - ۷۰۴ .
 » بن هشام - ۸۶، ۸۹، ۹۰ .

علی بن حمزه اصفهانی - ۵۵۳ .
 » » بن عماره بن حمزه اصفهانی - ۵۵۳ ح .
 علیخان زنگنه - شیخ - ۷۰۰ .
 » ژنرال - ۲۸ .
 علیخان کبیر - سید (علی بن احمد نظام الدین) -
 ۱۰۳، [۲۰۴-۲۰۹]، (۳۵۳-۳۵۴) ،
 ۳۵۵، ۳۸۱ ك، (۴۰۱-۴۰۲) - ۴۱۱ ك
 و ۴۲۸ .
 علی خیر آبادی - منشی - امام - ۱۶۵ .
 علی بن سلطان هروی - ملا - ۲۳۹ .
 » » سلیمان بحرانی - ۵۲ .
 علی سهل بن شیخ ابواسحق - ۵۱۳ .
 علی شیرازی - میرزا - ۲۳۹ .
 » » (متخلص به نیاز) - ۱۶۵ .
 علی بن طاهر (سید مرتضی علم الهدی) - ۴۲،
 ۱۵۱، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۴، ۷۶
 و ۲۶۵ .
 علی بن عبدالعالی کرکی - ۲۸۱ .
 علی بن فضل الله حسینی راوندی - سید - ۱۰۳،
 ۱۴۴ .
 علی قاری استرآبادی - عماد الدین - ۱۴۹ .
 علی قلی خان گروسی - ۴۷۴ .
 علی قلیخان واله - ۶۰۳ و ۶۵۰ .
 علی کلا - شیخ - ۵۸۱ .
 علی محمد باب - میرزا - ۱۳۵ .
 علی محمد تاجر دهشتی - حاج میرزا - ۴۲۱ ح .
 علی بن محمد رضائی رومی - ۵۰۷ .
 علی محمد حکمی اصفهانی - میرزا - ۴۳۹، ۴۴۹ .
 علی بن محمد بن الفرات - ابو الحسن - ۱۱۷ متن و ح .
 علی بن محمد بن لشی واسطی - [۷۴-۷۵]، ۱۴۶ .
 علی بن مطرز - ۳۹ .
 علی بن محمد معصوم حسینی فاسی - ۲۳۹ .
 علی ابن محمد ناشری - قاضی - ۲۳۵ .
 علی مشتاق - سید - ۶۲۷ .
 علی بن ناصر - ۱۳۹ .
 علی بن ناصر غرنوی (برهان الدین) - ابو الحسن -
 ۴۹۸ .

غ

- غالب دهلوی (اسدالله) - ۱۶۳ .
 غزالی - ۵۵۴ ح .
 غضائری - ۶۴۵ .
 غفور - ۳۲۱ .
 غلام قادر - مولوی - ۱۶۵ .
 غنیم بیک اوزبک - ۷۰۲ .
 غیاث الدین (ممدوح وحشی) - ۶۹۸ .
 غیاث الدین محمد رشیدی (وزیر) - ۲۱ ، ۲۲ ، ۴۴۵ ، ۵۱۴ .
 غیاث الدین رشید - خواجه (رشید) - ۲۱۴ .
 » محمد (پدر ثنائی) - ۵۷۵ .
 » بن محمد حسنی حسینی - ۴۱ .
 » منصور دشتکی شیرازی - ۲۰۵ ، ۴۱ .
 غیرتی شیرازی - ۶۳۸ .

ف

- فارس بن زکریا - ۲۹۰ .
 فاطمه زهرا علیها سلام - حضرت - ۵۵۶ ، ۵۳ .
 ۶۲۱ ، ۵۹۰ .
 فارض - ۵۵۰ ح .
 فتاحی - ۴۶۲ .
 فتح الله رازی - میرزا - ۲۲۷ .
 فتح الله کاشی - ملا - [۱۷-۱۶] ، ۶۴ ، ۱۳۰ ، ۱۵۷ .
 فتح بن خاقان - ۵۴۸ ، ۷۸ .
 فتحعلی (آخوند زاده دیده شود) .
 فتحعلی خان (صبا) - ۲۶۱ ، ۳۶۲ ، ۴۶۰ ، ۴۶۸ ، ۶۰۵ ، [۶۲۶-۶۲۷] .
 فتحعلیشاه قاجار - ۱۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۱ ، ۳۰ ، ۳۲ ، ۵۵ ، ۱۷۴ ح ، ۲۰۳ ، ۳۲۹ ، ۴۵۶ ، ۴۶۰ ، ۴۷۸ ، ۴۷۷ ، ۴۷۱ ، ۴۶۱ ، ۴۷۹ ح ، ۴۹۱ ، ۶۰۵ ، ۶۲۴ ، ۶۲۵ و ۶۲۶ .
 فتوحی - ۲۹۶ .
 فتح بن علی بن محمد بنداری - ۵۰۵ .
 فتح اسفندی - علی بن عمر - فقیهی - ۳۸۲ ح .
 فتح الدین احمد (صدر اعظم بوده) - ۶۶۱ .

- فخر رازی - امام - ۴۲ .
 فخر الدین عبدالله بن المؤید بالله - ۴۶ ، ۱۳۳ .
 فخر الدین گرگانی - ۵۳۱ .
 فخر الدین ماستری - خواجه - ۴۳۸ .
 فخری قاجار - ۲۱۶ .
 فخر الملك وزیر بهاء الدوله - ۱۵۰ .
 فراغی - ۲۶۷ .
 فردوسی - ۱۹۰ ح ، ۱۹۱ ، ۲۱۱ ، ۲۶۱ ، ۴۴۵ ، ۵۵۸ ، ۶۴۴ .
 فرصت الدوله - ۲۰۴ ح ، ۵۸۱ .
 فرمانفرما (فریدون میرزا) - ۳۷۸ .
 فروغ اصفهانی (میرزا محمد مهدی بن محمد باقر اصفهانی نائینی) - [۲۸-۳۲] .
 فروغی (محمد حسین) - ۱۴۹ .
 فروغی (محمد علی) - ۵۸۲ .
 فرهاد - ۴۵۶ .
 فرهاد میرزا - معتمد الدوله - حاج - ۱۵۸ ، ۳۴ ، ۲۱۱ ، ۲۴۲ ، ۲۹۱ ، ۴۶۷ ، ۵۵۲ .
 فریدون - ۱۹۰ .
 فریدون حسین میرزا - ۵۶۹ .
 فریدون جدی - ۱۱۴ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۵۰ ح ، ۱۵۴ .
 فصّال - ۲۹ ح .
 فضل الله بن ابراهیم انصاری ک - ۳۲۸ .
 فضل الله راوندی (سید) - ۱۲۷ ، ۱۳۵ .
 فضل الله ساوجی - حج میرزا - ۶۷۰ .
 فضل الله شرف الملك رضی الدین ابو الرضا - ۹۴ .
 فضل الله کاتبک - ۲۶۶ .
 فضل الله نصیر الملك - میرزا - ۲۴۲ .
 فضل الله مستوفی ک - میرزا - ۲۱۷ .
 فضل مولی خان متخلص به فضل - ۱۶۵ .
 فضلعلی قاجار - ۵۶۰ .
 فضولی (محمد بن سلیمان) ۲۱۱ و [۶۴۶-۶۴۸] .
 فغانی (بابا فغانی دیده شود) .
 فلاشیر - ۷۱ .
 فلک المعالی (منوچهر بن قابوس) - ۶۸۴ .
 فلوگل - ۸۲ ، ۳۲۷ ، ۳۹۹ .
 فندرسکی - میر - ۲۵۵ .
 فؤاد پاشا صدر اعظم دولت عثمانی - ۲۶ .

۱۷۰، ۴۶۴، ۴۹۳، ح ۴۹۴، ۴۹۵،
 ۶۷۳، ح ۶۷۶، ۶۸۰.
 قزوینی (صاحب آثار البلاد) بسیار نام برده شده -
 ۴۶۲.
 قطب‌الدین حبش - امیر - ۶۱۳.
 » حنفی مکی - ۲۴۲.
 » رازی - ۴۳۱، ۳۶۷.
 » راوندی (سعید بن هبة الله بن حسن فقیه) -
 ۱۳۰، ۱۲۷، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۸۰، ۴۴
 و ۱۴۴.

قطب‌الدین سرخسی - ۱۷۰.
قطب‌الدین شیرازی (ابو الثناء محمود بن مسعود -
 [۴۳۲-۴۲۹]، ۳۵۰.
 قطب‌الدین (قلج ارسلان) - ۲۵۱، ۲۵۰.
 » کیدری (ابو الحسن محمد بن حسین) -
 ۶۱، ح ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۵، ۱۲۴.
قطران تبریزی - ۲۱۳، [۶۵۸-۶۵۷].
قطرب ابو علی محمد بن المستنیر بن احمد بصری -
 [۲۷۱-۲۶۹]، ۲۸۲.
 قفطی - ۱۸۳، ۱۸۱، ۱۲۵.
 قلج ارسلان بن مسعود - ۲۵۰، ۲۴۷.
قنالی زاده (حسن چلبی) - [۴۷۳-۴۷۲].
 قوام‌الدین عبدالله - ۵۸۰.
 » قزوینی - ۴۳۴.
 » یوسف شیرازی - ۱۲۹.

ک

کاتبی (محمد بن عبدالله) - [۶۵۹].
 کارکیا سلطان محمد - ۲۵۱.
 » ناصر کیا پادشاه گیلان - ۴۵۱.
 کارلیل انگلیسی - ۵۹۹.
 کارمک انگلیسی - دکتر - ۱۷۵.
 کاظم رشتی - سید - ۲۹، ۲۸، ح ۱۴۳.
 کاظم بن میرزا صادق ک - ۲۱۶.
 کاظم علی نصیر آبادی - مولوی - ۱۶۵.
 کافور اخشیدی - ۶۶۹.

فیروز آبادی ابوطاهر محمدالدین محمد شیرازی
 شافعی - ۲۰۸، ۲۰۵، [۲۳۲-۲۴۷]،
 ۳۱۶، ۲۷۰.
 فیشر - ۹۶.
فیض کاشانی (ملاحسن) - ۷۶، ۳۳، ۲۴،
 ۳۲۵، [۳۸۹-۳۸۸]، (۶۵۲، ۶۵۱)،
فیضی (ابو الفیض بن شیخ مبارک ناگوری) -
 ۲۱۰، [۵۲۴-۵۲۰]، ۵۳۱، ۶۳۸ و
 (۶۵۳-۶۵۲).
 فیلسوف الدوله (کاظم بن محمد گیلانی) - ۱۰۴.

ق

القادر - ۱۵۰.
 قاورک آقا ابوردی ک - ۴۶۷.
 قاسم آغا - ۴۵۶.
قاسم (قاسم انوار = قاسمی) - ۲۰۹، ۱۳۱،
 ۵۸۳، ۵۴۳، [۶۵۶-۶۵۳].
 قاسمی تبریزی - ۶۶۵.
 قاسم علی - ۲۶۸.
 قاسم بن قطلوبغا الحنفی - ۳۱۸، ۸۳، ح
 قاضی فاضل - ۵۰۵.
 قاضی نورالله - ۵۵۲، ۵۵۹، ۶۵۳.
 قالی (ابو علی) - ۳۷.
 قائم آل محمد علیه السلام - ۵۷۳، ۲۸۶.
قاسم بن احمد اندلسی - علم‌الدین - [۳۸۴-۳۸۲].
 قدسی شیرازی (محمد حسینی) - ۵۸۱.
 قرة العین - ۱۳۵.
 قرشی - ۴۴۶.

قره حصار - (اختری مصلح‌الدین مصطفی بن
 شمس‌الدین) - ۲۲۰، [۲۶۴-۲۶۳]،
 ۲۶۵.
قره‌ده (کمال‌الدین دده خلیفه) - [۳۱۸-
 ۳۲۰].

قرل ارسلان - اتابک - ۵۲۹، ۵۲۸، ح ۶۳۲.
 قزوینی (میرزا محمد خان) - ۸، ح ۱۶۹، ۹۴، ۹۶.

کا کویار - ۳۵۶ .

کرمانی (اوحیدالدین) - ۲۹ ح و ۴۸۶ .
کلمان هوار فرانسوی (خاورشناس) - ۱۱۴ ،
۳۳۷ .

کلیم (ابوطالب) - [۶۵۹-۶۶۰] .

کمال الدوله محمد حسن قاجار - ۱۴۷ .
کمال الدین - ۳۶۶ .

کمال اسماعیل اصفهانی (خلاق المعانی) -
۱۰۱-۱۹۱، ۲۰۹، ۲۶۱، [۶۶۱-۶۶۳] .

کمال الدین (ابن میثم دیده شود) ،

کمال خجندی مسعود - ۱۹۱، ۵۸۱، ۵۵۵ .

[۶۶۳-۶۶۵] و ۶۸۲ .

کمال الدین محمد (پسر ابن فارض) - ۵۵۱ .

کمال الدین محمد بن معین الدین محمد
فدشکوئی فسائی مشهور بمیرزا کمالا - [۴۲۶-
۴۲۷] .

کمال الدین بن محمود کرمانی ک - ۴۹۹ .

کوکبی جیلانی (میرقاری) - ۱۴۷ .

کوکبه - مسیو - ۳۰۶ .

کوهی کرمانی - ۱۴۷، ۴۹۴، ح ۵۱۲ .

گ

گپ - واقف انگلیسی - ۹۳ ح .

گرشاسب - ۱۹۰ ح .

گلندام (محمد - جامع دیوان حافظ) - ۵۸۱ .

ل

لاد دهلوی - شیخ - ۲۲۹ .

لسان الملك سپهر - ۱۴۶ .

لسانی شیرازی - ۶۱۸، [۶۶۶-۶۶۷] .

لطف الله حلیمی - ۲۶۵ .

لطف الله بن محمد بن عبدالمهدی البحرانی ک - ۴۸ .

لطف الدین شکر الله تبریزی (مخمور تخلص)

غیر از مخمور معاصر اعتضاد السلطنه است -

۶۷۵ .

لطیفی - [۶۶۷-۶۶۸] .

لؤلؤ (حاکم حمص) - ۶۶۹ .

لیث بن ادريس - ۲۹۰ .

م

ماجد بحرانی - سید - ۱۳۳، ۱۴۰ .

مالك - امام - ۳۳۰ .

مالك اشتر (مالك ابن حارث) - ۱۴، ۱۵، ۳۳ ،

۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۸ .

مبارزالدین مظفری - امیر - ۵۱۳ .

مبارك (بدر فیضی است) - ۵۲۴ .

مبارك شاه غزنوی (فخر قواس) - ۲۱۴ .

مبارك بن عبد الكریم (ابن اثیر) - [۲۶۷-۳۰۲] .

مبارك بن فاخر نحوی - ۷ .

مبرد - ۵۰ .

مبتقی (علی بن حسام الدین) - ۳۰۱ .

معتبی (ابو الطیب احمد بن حسن دیده شود) .

مجتبی مینوی - ۶۸۷ .

مجد الدوله - ۴۸۵ ک .

مجدالدین خواجه نصیری - ۴۹ ح ، ۵۱ .

مجدالدین - ابو الفضل ساوجی [۶۷۰-۶۷۱]

» همگر - ۲۶۱، ۶۳۲ ح .

مجنوب علیشاه - ۴۹۰ .

مجلسی اول - محمدتقی ۱۳۲ .

مجتهد الشعرا = مجمر (حسین طباطبائی

زواری) - [۶۷۱-۶۷۲] .

مجیر الدین - ۹ ح ، ۱۷۰۰ .

مجیر بیلقانی - ۹ .

محب الدین حسن ک - ۶۴۴ .

محب الدین ابوالولید محمد بن محمد ابن شجنه -

۲۳۹، [۴۳۲-۴۳۴] .

محتشم السلطنه - جناب (اسفندیاری دیده شود) .

محتشم کاشی - ۳۲۷ .

محدث نوری - ۱۲۳ .

محدث نیشابوری - ۲۸۶ .

- محمد بن احمد اصفهانی - ابوبکر - ۲۹۰ .
 » » » بن محمد علقمی (ابن علقمی) - ۴۲ .
 ۴۳ و ۴۷ .
 » » ادریس بن الیاس المرعشی - ۳۰۹ .
 » اسمعیل - ۶۵۰ .
 » اشرف ک - ۲۵۳ .
 » افضل سرخوش - میرزا - ۴۷۳ .
 » اکبر - ۴۳۴ ح .
 » » - جلال الدین - ۲۱۴ .
 » » بیک - ۲۵۲ .
 » » امین ک - ۲۷۲، ۱۸۷، ۱۸۶ .
 » » - میر - ۲۵۳ .
 » » استرآبادی - ۲۷۳ .
 » » نجفی ک - ۳۹۶ .
 محمد باقر ک - ۲۹۷ .
 » » بن حسنعلی حسینی طیب اصفهانی ک -
 ۱۸ .
 محمد باقر خونساری - میرزا - ۱۲۶، ۵۴ .
 » » مدرس رضوی - ۴۷۹ .
 » » بن ملا ولی استرآبادی ک - ۳۱۱ .
 ۴۳۷ .
 » » بن میرعرب شاه مشهدی - میر - ۵۷۵ .
 محمد باقر لاهیجی نواب - [۱۷-۱۹]، ۱۳۴ .
 » بقا ک - سید - ۱۰۴ .
 محمد تقی ک - ۲۷۶، ۱۸۵ .
 محمد تقی - میرزا - ۲۸ .
 » - حاج میرزا - ۴۳۹ و ۴۴۹ .
 » استرآبادی ک - ۴۸ .
 » ابن حاج باقر ک - ۳۹۱ .
 » جاراللهی طهرانی - ۴۳۹ و ۴۴۹ .
 محمد تقی ابن میرزا زکی مازندرانی (صاحب
 علی آبادی) - ۲۶۲، [۶۲۴-۶۲۵] .
 » شهید ثالث - ۱۳۵ .
 » مدرس رضوی - ۴۷۹ ح .
 » ابن سید حسین نصر آبادی - ۳۷۰ .
 محمد بن نعمان - (شیخ مفید دیده شود) .
- محسن - حاج سید - ۳۵۳ .
 محسن - میرزا - ۳۱ .
 محسن خوشنویس (عماد الفقرا متخلص به حالی) -
 ۱۴۵، ۷۷ .
 محسن بن عبدالله بن فتحعلیشاه - ۶۷۴ ک .
 محسن بن محمد طاهر قزوینی - ملا - ۳۸۸ .
 محسن نعمت اللهی - ۱۰۷، ۱۰۶ .
 محسن نواب - میرزا - ۴۷۹ .
 محقق ثانی - ۵۷، ۳۵۸ .
 محقق حلی (ابوالقاسم) - ۲۷۳ .
 محمد اکبر عظیم آبادی - ۱۶۵ .
 محمد بن عبدالله صم - ۶۵، ۳۸، ۳۴، ۱۸، ۸۲،
 ۱۰۴ ح، ۱۰۷، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۵۵،
 ۱۷۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۷، ۲۰۶ ح، ۲۲۳،
 ۲۳۶ ح، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۹۰،
 ۲۹۱، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۳۲، ۳۳۸، ۳۴۱،
 ۳۴۷، ۳۵۲، ۳۷۷، ۳۸۷، ۳۹۵، ۴۰۱،
 ۴۳۳، ۴۴۱، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۴۴، ۵۶۲،
 ۵۷۳، ۵۷۷، ۵۸۵، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۳۶ و
 ۶۸۸ .
 محمد جلال الدین - ۱۴۳ .
 » بن ابراهیم بن اولغ خان ک - ۴۶۸ .
 » ابراهیم سبزواری - ۱۷۶ .
 » بن ابراهیم طهرانی - شیخ - ۱۹۹ .
 » بن ابی بکر - ۱۴۲ .
 محمد بن ابی بکر مخدومی (دمامینی) - [۳۷۵-
 ۳۷۸]، ۳۷۹ .
 محمد بن ابی بکر مخدومی اصفهانی - ابوموسی -
 ۳۰۰ .
 محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر رازی حنفی
 (زین الدین) [۲۷۸-۲۷۹]، ۲۸۰ .
 » ابوالحسن - ۵۱۸ .
 » بن ابوالقاسم ک - ۸۹ .
 » » ابی نصر - ۱۵۷ .
 محمد بن احمد ازهری - [۱۶۶-۱۷۳]،
 ۱۸۴، ۱۹۶، ۳۰۰، ۳۱۰ .

- محمد تقی بن شاه محمد ك - ۲۱ .
- » ابن امیر مؤمن قزوینی - ۱۳۴ .
- محمد تقی ابن ملاید الله صهباء - [۶۲۷] ۶۷۹ .
- ۷۰۲ .
- محمد جامی ك - ۶۶۵ .
- » جریر طبری - ۱۲۷ .
- » جعفر ك - ۳۵۵ .
- » بن جعفر - ابو سعید - ۱۸۳ .
- » جعفر البصری - ۴۸۰ .
- » » بن عنایت الله شیرازی ك - ۶۴۲ .
- » بن حاجی جمال اردستانی ك - ۳۵۱ .
- » » جمهور الاحسائی - شیخ - ۱۰۳ .
- » جواد ارگانی - ۶۲۳ و ۲۰۵ .
- » جو كی - میرزا - ۶۶۷ .
- » جهان پهلوان - ۵۲۹، ۵۲۸ .
- » حافظ - ابو الفضل - ۱۵۳ ح .
- » بن حبیب الدین - ۱۲۹ .
- » حبیب الله - ۲۳۸ .
- محمد بن حسن نواجی - [۷۲-۷۴] و (۵۰۰-۵۰۲) .
- » ابن سید حسن - سید - ۱۹۶ .
- » حسن بروجردی - بیدل - ۴۷۵ .
- » » حسینی - ۳۶۶ .
- » بن حسن شیروانی (ملا میرزا) - ۲۴۱ .
- » » فارسی - ابو الحسن - ۳۱۴ .
- » حسن بن قآن شیرازی (حکیم سامانی) - ۹۶ ح .
- » قاجار (کمال الدوله) - ۱۴۷ .
- » نائل مرصفی - ۱۳۶ .
- محمد حسین ك - ۴۴۰ .
- محمد بن حسین (قطب کیدری دیده شود) .
- محمد حسین - حاج ملا - ۲۳۴ ح .
- محمد حسین بن محمد حسن مجتهد - حاج - [۵۱۲-۵۰۹] .
- » خان مروی - حاج - ۳۰۵ .
- محمد حسین میرزا (حشمت الدوله) - ۴۷۴ .
- » استر آبادی ك - ۳۱۲ .
- » خاتون آبادی - امیر - ۳۵۸ .
- » خان (نظام الدوله صدر اصفهانی) - ۶۹۶، ۹۸ .
- » طباطبائی نائینی ك - ۵۶۹ .
- » طیب کاشانی - میرزا - ۳۶۲ و ۲۶۳ .
- » عندلیب - ۲۶۲ .
- » فروغی (ذکاء الملك) - ۱۴۹ .
- » مشهدی ك - ۵۷۶ .
- » نیریزی ك - ۴۵۹ .
- محمد بن حسین موسوی (شریف رضی - سید رضی) - [۱۵۵-۱۴۴] رضی نیز دیده شود محمد بن حسین ك - ۳۱۱ .
- محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان - [۱۶۵-۱۶۱] .
- محمد حسین بن علی نقی همدانی - ۱۴۱ .
- » » فضل الله حسینی - ۲۹۴ .
- » » مجتشم - ۳۲۷ .
- محمد حسین (نظیری نیشابوری) - [۶۹۱-۶۸۹] .
- محمد حسین بن نورالدین موسوی حسینی جزائری - ۳۶ .
- محمد حکیم باشی شیرازی - میرزا - ۳۶۲ .
- محمد حلبی ، (رضی الدین ابوالقبا) - ۳۷۹ .
- محمد حنفیه - ۶۴ .
- » خوارزمی - ۸۳ .
- » خان - آغا - ۴۶۱ .
- » » قزوینی - میرزا (قزوینی دیده شود) .
- » » وزیر - ۵۷۳ .
- محمد خفزی - شیخ - ۲۱۰ .
- محمد خوئی (حکیم قبلی) - [۱۷۶-۱۷۳] .
- » داود حسینی - ۲۶۴ .
- محمد داود بن عبدالله (داود تخلص) - [۵۹۵-۵۹۸] .

- محمد بن داود (ارسلان خان) - ۶۷۳ ح .
 » درخشان - ۱۸۰ ح .
 » دشتی اصفهانی - شمس الدین - ۳۵۸، ۳۵۷ ح .
 » (ذکاء الدوله) - ۸۲ .
 » بن میرذوالفقار کرمی - ۳۳۹ .
 » رحیمک - ۶۶ .
 » رسول برزنجی - سید - ۲۳۸ ح .
 » رضا - ۲۷۶، ۵۲۸ .
 محمد رضا کاتب اصفهانی ک - ۴۵۴
 » رضا ابن علیخان طریشی ک - ۱۵۶ .
 » » حاج بیگلرک - ۵۳۶ .
 » رضی بن محمد رحیم آشتیانی قمی ک - ۵۶۸ .
 » » محمد شفیع - ۵۹۶، ۵۹۷ .
 » رفیع بن محمد صادق شیرازی ک - ۶۳۶، ۶۲۷، ۷۰۳ .
 محمد زمان - سید امیر - ۷۷ .
 » » ابن حاج عبداللطیف تبریزی ک - ۳۴۲ .
 محمد بن زید واسطی - ابو عبدالله - ۱۳۵ ح .
 محمد سحاب - سید - [۶۰۴-۶۰۶] و ۷۰۳ .
 » سعدالله مراد آبادی - ۴۴۰ .
 » سعیدک - ۶۴۰ .
 » سلطان - آقا - ۵۸ .
 » » حاج شیخ - ۱۴۱ .
 » سلمان بن عبدالباقی ک - ۲۵۲ .
 محمد بن سلیمان بغدادی (فضولی) - [۶۴۶-۶۴۸]، ۲۱۱ .
 محمد بن سلیم گیلانی - ۳۴۳ .
 محمد سنان - حاج - ۵۵۰ .
 » سنجر حسینی - ۳۳۹ .
 » بن شا کر بن جیعان - ابوالبقا - ۴۲۵ ح .
 محمد بن شمس الدین ابی بکر رازی حنفی (زین الدین) [۲۷۸-۲۷۹] و ۲۸۰ .
 محمد بن میر سید شریف جرجانی - شمس الدین - ۳۶۷ ح .
 محمد شاه قاجار - ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۱۷۴ ح ، ۴۶۰، ۱۷۵ .
- محمد شاه هندی - ۲۳۸، ۴۷۳، ۶۹۳ .
 محمد شریف ابهری ک - ۳۱۲ .
 » » ابن حاج حسن آملی ک - ۴۱۴ .
 » » ابن صفی قلی ک - ۵۷۶ .
 » شفیع - میرزا - ۲۰۹، ۳۰۲ .
 » » طباطبائی - ۴۵۰، ۴۵۱ .
 » صادق ک - ۳۴۵ .
 » » (زری و اخیراً متخلص به زیور) - ۴۵۵ .
 » » سبزواری ک - ۱۷۶ .
 » صالح برغانی قزوینی - ۱۳۵ .
 » صالح حسینی (خاتون آبادی) - امیر - ۳۳ .
 محمد صالح روغنی - [۱۴-۱۶] - (۶۳-۶۶) - ۱۴۰، ۱۳۳ .
 محمد صالح بن عبدالوهاب جوشقانی ک - ۲۲۳ .
 » » محمد رفیع طیب رشتی ک - ۳۹۰ .
 » » محمد کاظم هزار جریبی - ۳۱۲ .
 محمد صالح نواب رضوی - امیر [۴۷۹-۴۸۲] .
 » صدرالدین شیرازی (ملا صدرا شیرازی) - ۲۴۳ .
 محمد طاهر (تنکابنی) - میرزا - ۶۲، ۹۱، ۲۰۶ ح .
 محمد طاهر وحید قزوینی - [۶۹۹-۷۰۲] .
 محمد بن طاهر حسینی - ۱۶۰ .
 محمد بن طیب بن محمد فاسی - ۲۳۸ و ۴۳۹ .
 محمد ظهیر ابن حاج محمد زمان ک - ۳۵۲ .
 محمد عباس شوشتری - سید - ۱۴۰ .
 » عبده - شیخ - ۸۷، ۸۹، ۱۳۶، ۱۳۹ .
 ۱۴۱، ۱۵۴ .
 محمد بن عبدالله آشتیانی ک - ۴۶۸ .
 محمد بن عبدالله (کاتبی) - [۶۵۹] .
 » » عبدالخالق بن معروف - [۲۵۱-۲۵۳] .
 محمد بن عبدالرحیم ک - ۳۷۵ .
 » » العمری بلالی - ۴۴۹ .
 محمد بن عبدالصبور طیب حکیم باشی قلی - محمد خوئی - [۱۷۳-۱۷۶] .

- محمد بن عبد الغنی اردبیلی - [۳۴۴-۳۴۳].
 محمد بن عبد الغنی (عبد العظیم حسنی) - [۳۵۰-۳۵۶].
 محمد بن سید عبد الکریم - ۴۷۳.
 محمد بن عبد الکریم ک - ۲۷۱.
 محمد بن عبد الکریم بیگسماتی ک - ۲۸۲، ۲۵۱.
 محمد بن عبد المجید بن سامولی - ۳۹۵.
 محمد عسگر ک - ۳۹۶.
 « عصار تبریزی - سید - ۱۰۰.
 « علی - ۳۹۶.
 « علی - امام جمعه تون - ۴۸۹.
 « بن علی بصری - ابو الحسن - ۴۲.
 « علی بهبهانی - آقا - ۶۲.
 « جراح نظام ک - ۱۰۵.
 « جیلانی اصفهانی - ۱۴۴.
 « بن علی الرقا - ۴۹۴ ح، ۴۹۵، ۵۹۶.
 « بن علی ساوی - سعد الدین وزیر - ۳۴۹.
 محمد بن علی (سوزنی) - ۱۹۱، ۶۰۲ و [۶۱۱، ۶۰۹].
 محمد بن علی (صائب تبریزی) - ۶۰۰ [۶۲۲-۶۲۴].
 محمد علیخان (مهر) - ۴۷۱.
 محمد علی فروغی - ۵۸۲.
 « علیشاه قاجار - ۱۳۵.
 محمد علی کاتوزیان شیخ - ۱۸۰ ح.
 « بن علی کاشانی - سلطان - ۳۴۳.
 « « مشهدی معروف بسواک - ۴۴۴.
 « علی ابن حاج محمد باقر تنکابنی ک - ۶۵۸.
 « « محمد رضی ک - ۵۳۵.
 « « هادی ک - ۳۵۶.
 محمد علی ابن مولانا بابا توپسر کانی - [۳۴۱-۳۴۲].
 محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام (حضرت امام جواد محمد تقی) - ۵۵۲.
 محمد علی بن میرزا عبد الحسین بن محمد علی رقی طبسی (نور علیشاه) - [۴۸۹-۴۹۲]، ۶۹۵-۶۹۶.
 محمد علی میرزا - دولتشاه - ۴۷۴، ۵۵۰.
 محمد علی ناصح کارمند وزارت فرهنگ - ۴۶۴.
 محمد علی نجفی - ۱۷ ح.
 محمد بن عمر (قورد آفندی) - ۳۵۹.
 « عیسی - مولا - ۴۸۰.
 « بن فصیح دشت بیاضی - ۱۸۸.
 محمد بن فضل الله (مجد الدین ساوجی) - ابو الفضل - [۶۷۱-۶۷۰].
 محمد قاری رود آوری ک - ۴۱۳.
 محمد قاسم بن خواجه محمد علی اصفهانی (سراجا) - ۶۳۸.
 محمد قبلی (محمد خونی - حکیم باشی - محمد ابن عبد الصبور) - ۱۷۳، ۱۷۶، ۲۶۲.
 محمد قطه العدوی - ۳۳۴.
 « بن فرج گیلانی (رفیع الدین) - ۱۴۳.
 « بن قاسم غزی - ۳۱۸ ح.
 محمد قاسم (سروری کاشی دیده شود) - « بن حاج قرط کاتب ک - ۲۶۴.
 « بن قطب الدین - ۴۳۲.
 « بن ملا فتح الله قزوینی = واعظ (رفیع الدین) - ۳۱۷.
 محمد قلی ک - ۷۶.
 « قلی قطب شاه - ۴۴۲، ۴۴۳.
 « بن امیر قماج - ۶۵۸.
 « بن قوام بن رستم بلخی - ۵۲۸.
 « بن قیس - ۲۱۴.
 محمد کاسه لیس (امیر خسرو دهلوی دیده شود) - « کاظم بروجر دی - ۱۰۲، ۴۰۲، ۴۵۰.
 « « شروانی - ۲۴۵.
 محمد کاظم والہ اصفهانی - آقا - ۲۸، [۶۹۶-۶۹۷].
 « « بن عبد الغفور ک - ۲۸۵.
 « « بن مفید استر آبادی - ۲۹۱.
 محمد بن کمال الدین حسین انصاری ک - ۳۸۷، ۳۵۹.
 محمد گلندام - ۵۸۴، ۵۸۰.
 « لاد دهلوی - ۲۱۴، ۲۲۱.

- محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام (حضرت امام جواد محمد تقی) - ۵۵۲.
 محمد علی بن میرزا عبد الحسین بن محمد علی رقی طبسی (نور علیشاه) - [۴۸۹-۴۹۲]، ۶۹۵-۶۹۶.
 محمد علی میرزا - دولتشاه - ۴۷۴، ۵۵۰.

- محمد مهدی کجکچی - شیخ - ۱۴۳ .
 محمد مهدی ابن علی اصغر قزوینی - [۳۷۳ - ۳۷۵].
 محمد مهدی بن محمد باقر = فروغ اصفهانی - [۲۸-۳۲].
 » بن محمد علی ک - ۱۶۴ .
 » بن حاج محمد یوسف ک - ۴۱۸ .
 محمد نبی ک - ۳۷۴ .
 محمد نجار - شیخ - ۷۴ .
 محمد نصیر (نصرت) - [۴۷۹-۴۸۲] .
 محمد نصیر (نصیرای همدانی) - [۴۴۲-۴۴۳] .
 - [۴۴۴].
 » بن النعمان مفید (شیخ مفید) - ۱۱۷۰، ۱۱۵۱ ح .
 » نوربخش - سید - ۵۵۸، ۵۶۰ .
 » ولی بن علی اصغر - ک - ۴۲۲ .
 » هادی - ۷۵ .
 » بیرجندی - شیخ - ۱۴۱ .
 محمد هادی (پسر ملا صالح مازندرانی) - [۳۵۲ - ۳۵۳] .
 » طیب - ۳۸ ح .
 » بن حاجی عبدالله آشتیانی ک - ۶۸۱ .
 » قزوینی ک - ۶۷۹ .
 » بن محمد صادق حسینی ک - ۴۲۲ .
 » بن معصوم بروجردی ک - ۳۵۵ .
 » هاشم بن محمد قاسم ک - ۲۰۳ .
 » بن هشام - ابو عبدالله - ۴۱۵ .
 محمد بن هندو شاء - [۲۱-۲۴]، ۱۷۷۰ ح، ۲۶۵، ۲۱۴ .
 » بن یحیی الصولی کاتب - ابو عبدالله - ۷ .
 » القرافی - ۲۳۹ .
 محمد یحیی بن شفیع قزوینی - ۴۳۹، ۲۴۰ .
 - [۳۱۶-۳۱۷] .
 » بن یحیی شطرنجی (ابوبکر صولی) - ۵۵۳، ۵۵۴ .
 » بن یعقوب دمشقی (ابن النحوی) - ۳۳۶ ح .
 » یوسف (ابو حیان نحوی) - ۳۰۶، ۳۰۷ .
 ۳۳۳ .
 محمد بن یوسف بیهقی وحیدی - [۴۴۵] .

- محمد حسن موسوی - ۵۳۷ .
 محمد حسن میرزا - ۶۵۸ .
 محمد بن محمد (فاضل اسفراینی) - [۳۷۲ - ۳۷۳] .
 » بن محمد رضای مشهدی - میرزا - ۳۷۵ .
 محمد بن محمد شفیع طباطبائی (رضی الدین) - [۴۵۰-۴۵۱] .
 محمد بن محمد شریف - ک - ۳۳۸ .
 محمد بن محمد شفیع شیبانی اثیر الدین ابوالکرم - ۲۹۸ .
 محمد بن محمد صالح لاهوری ک - ۲۴۶ .
 محمد بن محمد عبدالکریم - ابوالکرم (بدر ابن اثیر) - ۲۹۱ .
 محمد بن محمود دهمدار - ۱۴۰ .
 محمد محی الدین - ۱۳۹ .
 محمد مرتضی زبیدی - ۲۳۸ .
 محمد مروزی دیباجی (منتخب الدین) ۳۸۲ ح .
 محمد بن المنیر بن احمد بصری - ابوعلی = قطرب - ۲۷۰، ۲۷۱ و ۲۸۲ .
 محمد بن مسعود سیرافی قالی - ۳۷۰ .
 محمد مسیح بن نویدی شیرازی ک - ۴۶۷ .
 محمد مشکوة - ۴۷، ۴۵ ح، ۶۱، ۸۰، ۱۳۴، ۱۳۵ .
 محمد بن مصطفی - سید - ۱۹۸ .
 محمد بن مصطفی (داود زاده) - ۲۳۷ .
 » بن مصطفی الوانی (وان قلی) - ۱۹۷ .
 محمد معصوم حسینی منصوری دشتکی - ک - ۲۹۱ .
 » مناوی - ۲۳۹ .
 » منجم - جلال الدین - ۵۶۷ .
 » بن منصور - ابوسعید - ۸۷ .
 » مؤمن - ۴۴۴ .
 » استرآبادی - ۵۸۲ .
 » حسینی - ۴۴۳ .
 » قاینی ک - ۴۱۳، ۴۰۸ .
 محمد مؤمن بن علی حسینی استرآبادی - [۴۴۲ - ۴۴۳] .
 ۵۸۲ و [۴۴۳] .
 محمد مهدی امام جمعه طهران - میر - ۱۳۴ و [۵۵-۵۸] .
 » عبدالرب آبادی - ک - ۱۳۰، ۳۸۱، ۴۰۰، ۶۰۰ .

۷۶، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۵۱، ۲۶۵.

مرتضی بن نورالله کازرونی - سید - ک - ۱۵۷.

» قلیخان - ۹۶ ح.

مرتضی قلیخان پسر میرزا علی محمد خان نظام -
الدوله - [۹۸-۹۹].

مرجان - ۵۴۱.

مرشد کاتب شیرازی (مرشد بن میرک شیرازی) -

ک ۵۱۶، ۵۳۲ و ۵۳۳ ح.

مرکلیوس مستشرق - ۵۴۷.

مرندی ک - ۴۸.

مریم - حضرت - ۴۵۴.

المسترشد بالله - ۲.

المستجد بالله - ۹۴ ح.

مستقیم زاده (ابوالمواهب سعدالدین سلیمان) -

۲۵۰.

مسعود بیگ - ۲۰۹.

مسعود بن عمر - (سعدالدین تفتازانی دیده شود).

مسعود سعد سلمان - ۵۵۵، ۶۷۳، ۶۷۶ -

۶۷۸.

مسعود - سلطان (مدوح مسعود سند سلمان) -

۶۷۷.

مسعود (سوزنی دیده شود).

مسعودی - ۱۳۳.

مسعود صاعدی - رکن الدین - ۶۶۱.

مسعود بن محمود غزنوی - سلطان - ۶۴۵.

مسلم - ۳۰۰.

مسیح شیرازی ک - ۳۲۲.

مسیو کو که - ۳۰۴.

مشتاق (سید علی) - ۶۲۷، [۶۷۹].

مشرف الدین شفروه - ۶۳۲.

مشکوة بیرجندی (سید محمد) - ۴۵.

۴۷ ح، ۶۱، ۸۰، ۱۳۴ و ۱۳۵.

مشکور - شیخ - ۶۲۱.

مشیر السلطنه - ۸۶ ح، ۲۳۴، ۶۹۳.

محمد یوسف بن محمد قاسم نظری ک - ۲۴۵.

محمود - ک - ۴۸۸.

محمود بن احمد زنجانی - [۱۶۶]، ۲۸۰.

» بهاری - شیخ - ۲۱۳.

» خان تبریزی طباطبائی (علاء الملک) - ۱۴۹.

» خاطربیک - ۲۷۸.

» بن سلیمان ک - ۴۲۴، ۳۹۲.

» شاه پادشاه کرمان - ۶۱۳ ح.

» شهابی - ۶۹.

» بن شیخ ضیاء الدین محمد - ۲۲۰.

» » عز الدین یوسف (بهاء الدین) - ۵۱۵.

» » عمر نجاتی - ۴۴۴.

محمود بن عمر بن محمد بن منصور قاضی الزنجی

السنجری العربی - [۲۹۷-۲۹۴].

» غزنوی - سلطان - ۶۴۴، ۵۵۸، ۶۸۹.

محمود بن شیخ محمد گیلانی (نجم الدین خواجه

جهان) [۹۹-۱۰۲].

محمود بن علی کرمانی - کمال الدین (خواجو) -

۱۹۱، ۲۶۱، ۴۵۵، [۵۱۲-۵۱۶].

محمود بن مسعود (علامه شیرازی - قطب الدین)

[۴۲۹-۴۳۲]، ۳۵۰ و ۳۶۴.

» » یوسف - سید - ک - ۱۶۴.

» محیی الدین خیاط - ۱۳۸، ۱۳۹.

» عبدالحی ک - ۴۱۰.

» عبدالقادر بن ابی القاسم مالکی مکی -

۳۰۸.

» عربی - ۶۸۲.

» یحیی شامی - ابی زکریا - ۱۷۰.

» محیط طباطبائی - ۲۳۴ ح.

مختاری (عثمان بن محمد) [۶۷۲-۶۷۴] و ۶۸۱.

مخلوق ابن عبدالله بن سلام ک - ۵۵۲.

مخمور - [۶۷۵-۶۷۶].

» (لطف الدین شکرالله تبریزی) - ۶۷۵ ح.

» مراد علی فومنی ک - ۳۴۴.

» » قمشه ک - ۱۶۵.

مرتضی علم الهدی - سید (علی بن طاهر) - ۴۲.

مصدق بن شیب واسطی - ابو الخیر - ۱۱۶ .
 مصطفی آغا پسر قاسم آغا - ۴۵۶ .
 مصطفی قونوی - حافظ - ۴۰۳ .
 » بن محمد (خواجگی زاده) - ۱۴۴ .
 محمد طفی بن شمس الدین (قره حصاری اختری) -
 [۲۶۳-۲۶۴] ۲۶۵ .
 مصلح الدین لاری - ۳۹۲، ۳۳۳ .
 مطرزی - خلیفه زنجشیری (ابو الفتح ناصری بن
 ابی المکارم عبد السید بن علی مطرزی) -
 [۳۹-۴۱] ۲۸۹، ح و ۳۷۲ .
 مظفر الدین شاه قاجار - ۱۴۷، ۲۱۹ .
 مظفر علی شاه - ۶۹۵ .
 مظفر الدین شیرازی - ۹۱ .
 معویه - ۴۹، ۶۲، ۱۵۷، ۵۸۵ .
 معتمد الدوله - حاج فرهاد میرزا - ۳۴، ۱۵۸،
 ۲۱۱، ۲۴۲، ۲۹۱، ۴۶۷ و ۵۵۲ .
 معتمد الدوله (غیر از فرهاد میرزا) - ۵۵۲ .
 » (حاکم اصفهان ظاهر آ منوچهر خان
 است) - ۶۷۱ .
 معروف بلخی - ۶۰۳ .
 معروف بن حسان - ۲۹۰ .
 معز الدین مخاطب به معز الملک ک - ۷۷، ۷۸ .
 معزی (امیر معزی دیده شود) .
 معصوم بن ابراهیم الخادم الحسینی ک - ۳۹۸ .
 » علی شاه - ۴۸۹ .
 معلم ناجی - ۱۴۵ .
 مغربی - محمد شیرین - ۲۰۹ [۶۸۱-۶۸۴] .
 مفلح صیمری - شیخ - ۲۸۱ .
 مفید استرآبادی - سید - ۲۹۱ .
 المقتدر بالله - ۱۱۷ .
 مقدس اردبیلی - ۴۱۱ .
 مقصود علی - ۶۱۹ .
 مکتبی شیرازی - ۱۴۷، ۴۶۷ .
 ملک الجبال (قطب الدین محمد) - ۵۳۲ .
 ملک خلاقی - ۱۴۱ .
 ملک شاه - ۵۵۸ .

ملک الشعراء بهار - ۱۴۷، ۶۹۹، ح .
 ملک الشعراء (فتحعلیخان صبا دیده شود)
 ملک قمی - ۶۳۰، (۶۸۳-۶۸۴) .
 ملک خان ارمنی اصفهانی (ناظم الدوله) - ۲۶،
 [۶۸-۶۶] ۸۰ .
 منتخب الدین محمد مروزی دیباجی - ۳۸۲، ح .
 منجیک - ۶۴۵ .
 منصور (ظاهر آ خلیفه عباسی است) - ۴۱۹، ح .
 » شیرازی - ۱۹۱، ۲۱۱، ۲۱۴ .
 منظر (یوسف) - ۴۷۴ .
 منعم الدین (اوحدی شیرازی) ک - ۶۳۴، ۵۸۲ .
 ملا (منلا) زاده - ۴۲۰ .
 منوچهر شروانشاه - ۴۶۵ .
 منوچهری دامغانی - ۴۳۵، ح، ۴۷۱، ۶۴۵،
 [۶۸۶-۶۸۴] .
 منیری - شرف الدین - ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱،
 ۲۱۰، ۲۱۳ و ۲۲۰ .
 منیف پاشا - ۲۶ .
 مورخ الدوله (احمد علی سپهر) - ۱۴۸ .
 موسی بن عیسی ک - ۳۷ .
 موفق الدین - ۴۲، ۴۶ .
 مولانا زاده (بدیعی سمرقندی) - ۲۷۱ .
 مولوی رومی - ۲۹، ح، ۲۶۱، ۵۱۰، ۵۶۰، ۳۵۹ .
 مولوی الهندی - ۱۳۷ .
 موهوب بن احمد جوالقی - ابو منصور - ۷ .
 مؤید (جد نظامی) - ۵۲۵ .
 مهآبادی (علی بن احمد - ابو الحسن) - ۱۳۵ .
 مهدی بروجردی - سید (بحر العلوم) - ۲۲۴،
 ۲۲۵ .
 مهدیخان منشی نادرشاه - میرزا - ۱۶۰،
 ۱۷۳، ۱۷۴، ۲۶۷، [۲۶۸-۲۶۹]،
 ۵۳۹، ح، ۶۲۹، ۶۹۴ .
 مهلب بن حسین بن برکات - ۲۱ .
 مهلهل - ۱۹۴ .
 مهیار دیلمی - ۱۵۱، ۵۴۹ .
 میدانی - ۲۲۱ .

ناصرالدین (مطهری) - [۳۹-۴۱]، ۲۸۹۰ و ۳۷۲.

ناصر الشریعه منصور - ۴۱ .
الناصر لدین الله (احمد بن المستضی بالله عباسی) - ۵۰۵.

ناظم الدوله (ملک خان ارمنی) - [۶۶-۶۸].
نائب السلطنه (عباس میرزا دیده شود) .

نائب الصدر تبریز ابن محمد رضا صدرالدین - تبریزی - [۲۲۴-۲۲۶] .

نائب الصدر (مؤلف طرائق الحقائق است که از مآخذ می باشد و مکرر نام برده شده) .

نجاشی - ۱۲۳، ۱۴۰ .
نجفعلی خان حجری - ۱۶۳ ح .

نجم الدین (خواجه جهان - محمود بن محمد گیلانی) - [۹۹-۱۰۲] .

» عبد الغفار بن عبد الکریم - ۳۶۴ .
» کبری - شیخ - ۲۰ .

ندر علی - ۲۶۷ .
نسفی - ۳۲۱ .

نسیمی - ۶۵۹ .
نصر آبادی - ۴۴۴، ۲۳ .

نصر بن احمد سامانی - ۶۰۳ .
نصر الله - ۲۶ .

نصر الله بن ابوالقاسم ک - ۲۴۷ .
نصر الله تقوی - حاج سید (رئیس دانشکده) -

۶۵۸، ۲۴۱، ۲۲۷، ۸۶، ۶۹، ۶۵، ۶۴ ح .
۶۸۷ .

نصر الله (ضیاء الدین - ابن الاثیر جزری) . ۴۲ .
و ۲۹۹ .

» بن ملا محمد علی دزفولی - حاج - ۱۳۵، ۴۵ .
نصره الدین ابوبکر بن محمد بن ایلدگز - ۵۲۹ .

۶۳۲ و ۵۳۰ .
» ملک - ۶۴۱ .

نصرت = محمد نصیر نصرت - [۴۷۹-۴۸۲] .
نصیر ای همدانی (محمد نصیر) - ۴۴۲ .

[۴۴۳]، ۴۴۴ .
نصیر الدوله - ۲۵ .

میر آصف قزوینی - ۱۴۳ .

میر داماد - ۶۹ .

میر سید شریف جرجانی (علی بن محمد استرآبادی) - [۳۶۶-۳۶۸]، ۴۰۶، ۴۰۵، ۴۰۷ .

۴۰۷، (۵۱۳-۴۱۴)، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۶۰۳ .

میر علی هروی - ۲ .

میر علی کاتب ک - ۵۷۹، ۶۱۶، ۶۱۷ .

میر عماد حسنی خطاط ک - [۲-۴]، ۶۱۷ .

میرقاری کوکبی جیلانی - ۱۴۷ .
میر معصوم - ۶۵۹، ۶۶۰ .

میرزا آقاخان کرمانی - ۲۵ .
» صدر اعظم نوری - ۳۰، ۳۱ .

۱۷۵، ۳۷۱، ۶۲۰ .
میرزا جان باغنوی شیرازی - ملا - ۴۱۱، ۴۱۴، ۴۲۱ .

میرزا قلی (میلی) - ۵۷۵ .
میرزا کمالات (کمال الدین محمد فسائی دیده شود) .

میرزا کوچک ک - ۴۵۳ .
» (وصال) - ۱۴۱، ۱۴۰ و ۶۹۸ ح .

میرزای شیرازی (میرزا محمد حسن) - ۱۴۱ .
میلانی (محمد بن عبد الرحیم است کدر کشف الظنون

بلالی ضبط شده) - ۳۴۹ .
مهر (محمد علیخان) - ۴۷۱ .

ن

نابغه جعدی - ۵۸۵ .

نابلسی - ۳۵۸ ح .

ناجی ابن محمد قفطانی ک - ۶۲۱ .

نادرشاه - ۱۶۰، ۱۷۳، ۲۶۷، ۲۶۹، ۴۵۲ .
۶۹۳، ۶۲۹، ۴۷۳ .

ناصر خسرو - ۶۵۷، ۲۱۵، [۶۸۶-۶۸۸] .

ناصر الدین - امام خواجه - ۱۷۰ .

» بارزی - ۳۷۶ .

ناصر الدین شاه - ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۴۵، ۶۷، ۹۶ ح .
۶۱۹، ۲۶۲، ۲۱۶، ۱۷۵، ۱۳۵ .

- نعمت الله (روشنی زاده) - ۲۶۵ .
 نقیب ابوالاحمد (حسین - پدر سید رضی) - ۱۱۶ .
 نقی بن علی ک - ۳۶۰ .
 نوائی (امیر علی شیر دیده شود) .
 نواب (محمد باقر لاهیجی) - [۱۷-۱۹] و ۱۳۴ .
 نواجی (محمد بن حسن) - [۷۲-۷۴] ، (۵۰۰) - ۵۰۲ .
 نوح افندی - ۴۶۲ .
 نوح بن مصطفی مفتی - ۲۹۶ .
 نورالدین ارسلان شاه پادشاه موصل - ۵۲۶ ح .
 نورالدین محمد ترشیزی (ظهوری) - [۶۳۰-۶۳۱] .
 » محمد لاهیجی ک ۶۴۱ .
 » منشی - ۲۱ .
 نورعلیشاه (محمد علی بن میرزا عبدالحسین) - [۴۸۹-۴۹۲] ، (۶۹۵-۶۹۶) .
 نورعلی ابن غانم مقدسی - ۲۳۹ .
 نورمحمد علی - ۳۲۴ .
 نورمحمد بن قاضی عبدالعزیز محلی - ۱۳۰ .
 نوفل بن حرث - ۵۸۵ .
 نویدی شیرازی - ۴۷۴، ۴۶۷ .
 نیاز (سید علی شیرازی) - ۱۶۵ .
 نیازی حجازی - ۱۲۱، ۲۱۳ .

و

- واحدی محقق - شیخ - ۱۹۱ .
 والہ اصفهانی - (محمد کاظم) - ۲۸ و [۶۹۶-۶۹۷] .
 والہ داغستانی - ۶۰۳ ح ، ۶۵۰ .
 وبری - امام - ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۲۷ .
 وحشی کرمانی - [۶۹۷-۶۹۹] .
 وحید دستگردی - ۴۶۲، ۴۸۷ ح ، ۴۸۸ .
 ۵۲۵ ح ، ۵۳۳ ح ، ۵۳۹ ح .
 وحید قزوینی (محمد طاهر) - [۶۹۹-۷۰۲] .
 وحیدالدین محمد (پدر انوری) - ۵۶۵ .
 وحیدی بیهقی - [۴۴۶] ، ۴۴۷، ۴۴۹ ک .

- نصیرالدین طوسی - خواجه - ۴۲، ۴۷، ۵۰۰ ، ۳۳۱، ۳۵۰، ۳۶۴، ۳۶۵، ۴۲۹، ۴۳۱ ، ۴۴۶ ح ۴۸۸ .
 نصیر بن فرج ک - ۳۰۸ .
 نظام استرآبادی (نظام معنائی) - ۵۷۶، ۲۱۱- [۶۸۹، ۶۸۸] .
 نظام الدین اعرج (حسن بن محمد بن حسین نیشابوری) - [۳۵۲-۳۵۰] .
 نظام الدین افضل بن قاضی محمد ک - ۲۸۴ .
 » اولیا - ۵۸۶، ۵۱۹، ۵۱۷ .
 » یانی یاتی - ۲۵۵ .
 » حیدر (اوباش) - ۱۶۵ .
 نظام الدین عثمان خطائی - [۴۰۶-۴۰۹] .
 » کیلانی (حکیم الملك) - ۵۳، ۲۰ .
 ۱۳۱ .
 » محمد ک ۴۸۵ .
 نظامعلیشاه (احمد بن حاج عبد الواحد کرمانی) - ۴۹۱، ۴۹۰ .
 نظام الملك - خواجه - ۵۱۵، ۲۱۳، ۱۷۹ .
 » ثانی (عماد خوئی) - ۵۳۰ ح .
 » (پسر صدر اعظم نوری) - ۳۷۱، ۳۱- ۶۲۰ .
 نظامی اثیری نیشابوری - ۵۳۲ .
 » عروضی - ۶۰۲، ۵۵۵، ۵۳۲، ۵۳۱- ۶۰۳ .
 » منیری سمرقندی - ۵۳۲ .
 » گنجوی (ویس بن یوسف) - ۱۹۱ ، ۲۰۹، ۵۱۴، ۵۱۷، ۵۲۱، ۵۲۳، [۵۲۴-۵۳۸] ، ۶۳۹، ۵۳۹ .
 نظرعلی جیلانی - ملا - ۳۹۴، ۳۸۹ .
 نظیری نیشابوری (محمد حسین) - [۶۸۹-۶۹۱] .
 نعمت الله بن احمد بن مبارک رومی - [۲۶۵-۲۶۶] ، ۳۶۴ .
 نعمت الله ولی - شاه - ۵۸۱، ۵۱۱ .
 » جزائری سید - ۲۰۴، ۱۳۳، [۳۲۳-۳۲۷] .

وحیدی تبریزی - ۱۰۰، [۴۴۰-۴۴۲] ، ۴۴۹ .

وزیر لشکر (میرزا داود خان بن میرزا آقاخان) - ۶۲۰، ۶۶ .

وصال شیرازی - ۱۳، ۱۴۱ و ۶۹۸ ح .

وقار بن وصال - ۱۴۱ .

ولی بیگ - ۷۰۵، ۴۰۷ .

ولی دشت بیاضی - ۱۸۹ ح، ۵۷۶، ۵۷۵ ، [۷۰۳-۷۰۲] .

ولی الدین - ۷۰ .

ولی محمد میرزا (خسته) - ۴۷۱ .

ویتو - (مسیو) - ۳۰۴ .

ویس بن یوسف بن زکی (نظامی گنجوی دیده شود) .

ه

هاتف اصفهانی - ۶۷۹، [۷۰۳-۷۰۴]

هاتفی (ملا عبدالله) - [۵۴۲-۵۴۶] .

هارون بن علی منجم - ۵۰۶ .

هارون بن موسی بن عبدالملک - ۵۹۸ .

هاشم بحرانی - سید - ۲۸۶، ۴۴ .

هاشم ربیع زاده - ۶۸ .

هبة الله (پدر ابن ابی الحديد) - ۴۱ ح .

هجری (ابو القاسم) - ۴۵۵ .

هداد سرهندی - ۲۱۴ .

هدایت الدین شکر الله ایموری ک - ۶۶۲ .

همام تبریزی - ۴۴۶ .

همایون اسفراینی - [۷۰۴-۷۰۵]

هندوشاه نخجوانی - ۲۲۱، ۴۶، ۲۱ .

هوشنگ ابن ابو الملک بن فتحعلیشاه قاجار - ۱۵۵ ک

ی

یافعی (ابو محمد عبدالله یمنی) مؤلف مرآت الجنان -



۱۹۲ ح، ۳۳۰ .

یاقوت (صاحب معجم البلدان) - ۱۷۶ ح، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۹۲ ح .

یاقوت ابن نوبخت - ۴۲ .

یاقوت مستعصمی - ۸۴، ۸۵ ح .

یحیی بن ابراهیم بن یغرش - ۳۶۵ .

» » حمزة العلوی - ۱۳۶ .

» » سعدون قرطبی (ابن الدهان) - ۲۹۸، ۲۹۹ .

» » معطی بن عبدالنور - ۱۹۷ .

یزید بن معویه - ۱۹۳ .

یزیدی - ۱۹۴ .

یعقوب اسفراینی = ابو یوسف - ۱۴۷ .

یعقوب - سلطان - ۶۴۹، ۷۰۴ ح .

» » بن ابو الحسن ک - ۶۸۷ .

» » هذیان - ۴۳۰ .

یوسف - پیغمبر م - ۶۴۱ .

» » شاه - ۴۸۸ ح .

» » اعتصامی (اعتصام الملك) - ۱۳ و ۱۷۷ ح .

» » آفندی اسیر - شیخ - ۱۳ .

» » النبهانی - شیخ - ۱۰ .

» » ابن شیخ اویس چشتی ک - ۲۱۶ .

» » بحرانی - شیخ - ۲۰۴ ح .

» » حاج شیخ (پدر مؤلف) - ۴۲۱، ۵۸۰ .

» » بن خضر بحیری - ۲۴۴ .

» » عروض نیشابوری - ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۸ .

یوسف (منظر تخلص) - ۴۷۴ .

» » بن مؤید (پدر نظامی) - ۵۲۵ ح .

» » نصیب - ۱۴۵ .

» » یعقوب اسفراینی - ابو (قاضی) - ۱۴۷ .

یوسفی - ۲۰۹ .

یونس بن عبدالاعلی - ابو موسی - ۴۵۶ .

پوزش نگارنده امیدوار بود که فهرست اعلام و کتب متفرقه را بطرزی تنظیم خواهد نمود که در آن نقص فهرست های دیگر کتابها نباشد ، بدبختانه در هنگام تهیه و چاپ دچار ناخوشی درازی گردید و این آرزوی او انجام نیافت .

فهرست کتب این مجلد

کتابهایی را که در این مجلد از فهرست در شش فصل معرفی کرده ایم اینک
 بترتیب حروف تهجی در اینجا مرتب نموده و عربی بودن کتابی را بدین نشانه
 (+) و ترکی بودن آنرا بدین (X) علامت و فارسی بودن هر یک را به نداشتن چیزی
 نشان داده ایم و چون نسخه ای پیوسته یکی از این کتابها باشد و در این مجلد جای
 معرفی از آن نبوده با حروف سیاه نگاشته شده است.

آتشکده آذر (تذکره)	۴۵۶-۴۵۲
آداب المشق	۴-۲
+الابیات الحسان المجردة من وفیات الاعیان	۴۵۷-۴۵۶
Xاختری = لغت کبیر اختری	۲۶۴-۲۶۳
+ادب الکاتب	۸-۴
+الاسعاف	۴۵۹-۴۵۷
اسکندرنامه (یکی از کتابهای خمسه نظامی است آن کتاب دیده شود)	۵۲۹
اشترنامه (یکی از کتابهای خمسه حسینی است)	۵۱۲-۵۰۹
+اطباق الذّهب	۱۱-۸
+اطواق الذّهب	۱۴-۱۱
+اغناء الادیب = شرح مغنی اللیب	۳۷۵-۳۷۳
افتنار الملوك (نام یکی از قصائد اظهري است)	۵۶۱
اقبال نامه (یکی از کتابهای خمسه نظامی و جزئی از اسکندرنامه است)	۵۳۰
+القیّه ابن مالک	۳۰۶-۳۰۳
القاب العروض	۴۴۸
امواج العباد (نام یکی از قصائد اظهري است)	۵۶۱

- انجمن خاقان
 ۴۶۱-۴۵۹
 + الانموزج = موجز النیمان (رساله در معانی و بیان و بدیع) ۴۱۶-۴۱۵ . . .
 + انوار الربیع ۴۰۲-۴۰۱
 انوار العیون (نام یکی از قصائد اظهري است) ۵۶۱
 انیس العارفین (پیوسته دیوان قاسم انوار شماره ۲۶۶ کتابخانه است) ۴۵۶-۴۵۳
 انیس العشاق (پیوسته شماره ۳۸۱ کتابخانه است) ۶۳۴
 + اوضح المسالك (شرح الفیه ابن مالک) = التوضیح ۳۰۸-۳۰۶

ب

- بدایع الاسحار ۴۴۸
 بدایع اللغة ۱۶۱-۱۶۰
 برهان قاطع ۱۶۵-۱۶۱
 بزم خاقان = تذکرة السلاطین ۴۷۹-۴۷۷
 × بنگ و باده ۶۴۸-۶۴۶
 + البهجة المرضیة (شرح الفیه سیوطی) ۳۴۱-۳۳۷

ت

- تحفة الاغنیاء (نام یکی از قصائد اظهري است) ۵۶۱
 تحفة الخیال (» » » » ») ۵۶۱
 تحفة سامی (تذکره شعراست) ۴۶۳-۴۶۱
 تحفة الشعراء ۴۴۹
 تحفة الصغر (یکی از دیوانهای امیر خسرو است) ۵۹۲-۵۹۱
 تحفة العراقین ۴۶۹-۴۶۳
 تحفة الغریب = شرح مغنی اللیب ۳۷۸-۳۷۵
 تذکرة الاولیاء = مقامات العارفین (پیوسته دیوان قاسم انوار شماره ۲۶۶ کتابخانه میباشد) ۶۵۶-۶۵۳
 تذکرة السلاطین = بزم خاقان ۴۷۹-۴۷۷

۳۲-۲۸	تذکرة الشباب = سفينة الانشاء
۴۷۲-۴۶۹	تذکره اسحق
۴۷۳-۴۷۲	× تذکره حسن چلبی = تذکره قتالی زاده
۴۷۵-۴۷۳	تذکره خوشگو = سفینه خوشگو
۴۷۷-۴۷۵	تذکره دولتشاه سمرقندی (تذکرة الشعراء)
۴۷۳-۴۷۲	× تذکره قتالی زاده = تذکره حسن چلبی
۴۸۲-۴۷۹	تذکره نصرت = خلاصة لطائف الخيال
۴۸۶-۴۸۲	تذکره هفت اقلیم
۶۹۵	ترجمه خطبة البيان (از نورعلیشاه و پیوسته دیوان اوست)
۱۶-۱۴	ترجمه عهدنامه مالك اشتر (یا شرح آن)
۱۷-۱۶	ترجمه نهج البلاغه (شرح ملافتح الله کاشانی) = تنبيه الغافلين
۱۹-۱۷	ترجمه نهج البلاغه (شرح محمد باقر لاهیجی)
۳۱۴-۳۱۳	+ ترکیب الفیه = تمرین الطلاب
۵۷۹	ترکیب بند جامی (قسمتی از دیوان اوست)
۳۰۹-۳۰۸	+ ترکیب کافیه
۴۴۰	توزوك تيمورى (پیوسته شماره ۱۵۰۲ کتابخانه است)
۳۱۲-۳۰۹	+ التصريح بمضمون التوضيح (شرح اوضح المسالك)
۳۱۳-۳۱۲	+ تصريف - العزى فى التصريف
۴۵۰	+ تقریرات شریف العلما ؟
۴۱۶	+ تلخیص المفتاح (بمناسبت شروع آن بمعرفی آن پرداخته شده)
۵۴۶-۵۴۲	تمرنامه = ظفر نامه هاتقی (یکی از کتابهای خمسة هاتقی است)
۳۱۴-۳۱۳	+ تمرین الطلاب (ترکیب الفیه ابن مالک)
۱۶۶	+ تنقیح الصحاح
۱۷-۱۶	تنبيه الغافلين (ترجمه یا شرح نهج البلاغه)
۳۰۸-۳۰۶	+ التوضيح = اوضح المسالك

+ تهذیب اللغة ۱۷۳-۱۶۶

ث

ثمرة الحجاب (یکی از بخشهای دیوان یا کلیات تأثیر است) . . . ۵۷۴

ج

جام جم او حدی ۴۸۹-۴۸۶

جامع الاسرار (از نور علی شاه و نظیر گلستان میباشد و پیوسته بنسخه ای

از جنات الوصال است) ۴۸۹

+ الجمل = جرجانیه - ۳۱۶-۳۱۴

+ المجموع والمصادر ۳۱۷-۳۱۶

جنات الوصال ۴۹۲-۴۸۹

+ الجوهرة الثانیة فی اعارض الشعر ۴۳۷-۴۳۶

جهان نما (یکی از بخشهای دیوان یا کلیات تأثیر است) . . . ۵۷۴

ح

+ حاشیه بر حاشیه خطائی بر مختصر (حامد) ۴۰۶-۴۰۵

+ » » » » (ملا عبدالله یزدی) ۴۱۳-۴۱۱

+ » بر شرح الفیه سیوطی (حاشیه میرزا ابوطالب) ۳۳۰-۳۲۹

+ » » تصریف = دده جنگی ۳۲۰-۳۱۷

+ » » جامی (عصام اسفراینی) ۳۲۱-۳۲۰

+ » » » (عبد الغفور) ۳۲۴-۳۲۳

+ » » » (سید نعمت الله جزائری) ۳۲۷-۳۲۴

+ » » سمرقندیه (زیباری) ۴۱۰-۴۰۹

+ » » کافیه (ابی وردی) ۳۳۹-۳۲۷

- + حاشیه بر مختصر تفتازانی (خطائی یا خطابی) ۴۰۹-۴۰۶
- + « بر مظلوم » (چلبی) ۴۰۵-۴۰۲
- + « » (سمرقندی) ۴۱۱-۴۱۰
- + « » (میرسید شریف) ۴۱۴-۴۱۳
- حاشیه میرزا ابوطالب (حاشیه بر شرح الفیه سیوطی) ۳۳۰-۳۲۹
- + حاشیه بر هدایه اثیری (مصلح الدین لاری) [پیوسته بکتاب شماره ۳۱۶۲ کتابخانه است] ۳۹۲
- حدائق الحقائق (شرف رامی) ۴۳۹-۴۳۷
- + « » (شرح نهج البلاغه گلستانه) ۶۲-۶۰
- حدائق السحر فی دقائق الشعر ۴۴۰-۴۳۹
- + الحدائق النديه (شرح صمدیه کبیر سید علیخان) ۳۵۶-۳۵۳
- حدیقه الحقیقه = حدیقه سنائی = فخری نامه ۵۰۰-۴۹۳
- حسن اتفاق (بخش از دیوان یا کلیات تأثیر است) ۵۷۴
- + حلبة الكمیت ۵۰۲-۵۰۰
- × حیرت الابرار (یکی از کتابهای خمسہ نوائی است) ۵۴۰

خ

- ختم الغرائب ۵۰۳-۵۰۲
- خرد نامه اسکندری = اقبال نامه (یکی از کتابهای خمسہ نظامی است) ۵۳۰
- + خریده القصر و جریده اهل العصر ۵۰۹-۵۰۴
- خسرو شیرین عرفی (پیوسته دیوان عرفی است دیوان وی دیده شود) ۶۴۱-۶۳۷
- « » (یکی از کتابهای خمسہ نظامی است) ۵۲۸
- الخلاص = دستور اللغة نظنزی ۱۸۰-۱۷۶
- خلاصه عباسی ۱۷۶-۱۷۳
- خمسہ حسینی (از این کتاب در این کتابخانه فقط اشتر نامه و و امو و عذر امید باشد) ۵۱۲-۵۰۹

- خمسہ خواجو ۵۱۶-۵۱۲
- » دهلوی - امیر خسرو (فقط هشت بهشت آن در این کتابخانه است) ۵۲۰-۵۱۶
- » فیضی (نل دمن و مرکز ادوار) ۵۲۴-۵۲۰
- » نظامی ۵۳۸-۵۲۴
- × » نوائی ۵۴۱-۵۳۸
- » هاتفی (لیلی مجنون ، هفت منظر و تمر نامه یا ظفر نامه) ۵۴۶-۵۴۲
- خوان خلیل ظهوری (پیوسته کتاب شماره ۳۸۲ کتابخانه است) ۶۳۱

د

- + دده جنگی (حاشیه بر شرح تصریف) ۳۲۰-۳۱۷
- + درة الغواص فی اوهام الخواص ۲۱-۱۹
- + الدرّة الغرویه (دیوان سید صالح قزوینی) ۶۲۱-۶۲۰
- دستور الکاتب فی تعیین المراتب ۲۴-۲۱
- دستور اللغة نظری = الخلاص ۱۸۰-۱۷۶
- دعوت العشاقین (بخشی از دیوان یا کلیات تأثیر است) ۵۷۴
- دقائق الحقائق (لغت فارسی بترکی) ۲۶۱-۲۵۹
- دیباچه نورس ظهوری (پیوسته به کتاب شماره ۳۸۲ کتابخانه است) ۶۳۱
- + دیوان ابن التعاویذی ۵۴۸-۵۴۶
- + » ابن خفاجه ۵۵۰-۵۴۸
- + » ابن فارض ۵۵۲-۵۵۰
- + » ابوتمام طائی ۵۵۴-۵۵۲
- + دیوان الادب ۱۸۵-۱۸۰
- دیوان ادیب صابر ۵۵۷-۵۵۴
- » ازرقی هروی ۵۵۸-۵۵۷
- » اسیری لاهیجی ۵۶۰-۵۵۸
- » اظهري ۵۶۴-۵۶۱

۵۶۹-۵۶۴	دیوان انوری
۵۷۱-۵۶۹	» اهلی خراسانی
۵۷۲-۵۷۱	» بیدل (عبدالقادر)
۵۷۵-۵۷۳	» تأثیر = کلیات تأثیر
۵۷۷-۵۷۵	» ثنائی مشهدی (خواجه حسین)
۵۷۹-۵۷۷	» جامی
۵۸۵-۵۷۹	» حافظ شیرازی
۵۸۶-۵۸۵	+» حسان بن ثابت
۵۸۸-۵۸۶	» حسن دهلوی
۵۹۰-۵۸۸	» حسن غزنوی
۵۹۱-۵۹۰	» خاقانی شیروانی
۵۹۳-۵۹۱	» امیر خسرو دهلوی = تحفة الصغر
۵۹۵-۵۹۳	» » = غرة الکمال
۵۹۸-۵۹۵	» داود (محمد داود اصفهانی صفوی)
۶۰۰-۵۹۸	+» ذوالرّمه
۶۰۱-۶۰۰	» رشید و طواط
۶۰۴-۶۰۲	» رودکی
۶۰۶-۶۰۴	» سحاب (سید محمد پسر هائف)
۶۰۸-۶۰۶	» سلمان ساوجی
۶۰۹-۶۰۸	» سنائی (مجدود بن آدم غزنوی)
۶۱۱-۶۰۹	» سوزنی
۶۱۴-۶۱۲	» سیف اسفرنگ
۶۱۶-۶۱۴	» شادان
۶۱۸-۶۱۶	» شاهی = امیرشاهی سبزواری
۶۱۹-۶۱۸	» شریف تبریزی

دیوان شهاب اصفهانی	۶۱۹-۶۲۰
» سید صالح قزوینی = الدرر الغرویه	۶۲۰-۶۲۱
» صائب تبریزی	۶۲۲-۶۲۴
» صاحب علی آبادی	۶۲۴-۶۶۵
» صبا (ملک الشعرا فتحعلیخان)	۶۲۶-۶۶۷
» صهبا	۶۲۷
» طالب آملی	۶۶۸
» طوفان هزار جریبی	۶۲۹-۶۳۰
» (کلیات) ظهوری	۶۳۰-۶۳۱
» ظهیر فاریابی	۶۳۱-۶۳۵
» عبدالمجید درویش	۶۳۵-۶۳۶
» عبدالواسع جبلی	۶۳۶-۶۳۷
» (کلیات) عرفی	۶۳۷-۶۴۱
» علی نقی کمره‌ای	۶۴۱-۶۴۲
» عماد فقیه	۶۴۳-۶۴۴
» عنصری	۶۴۴-۶۴۵
» × فضولی بغدادی	۶۴۶-۶۴۸
» فغانی (بابافغانی) شیرازی	۶۴۸-۶۵۱
» فیض کاشانی	۶۵۱-۶۵۲
» فیضی هندی	۶۵۲-۶۵۳
» (کلیات) قاسم انوار (قاسمی)	۶۵۳-۶۵۶
» قطب‌الدین حیدر	۶۵۶-۶۵۷
» قطران تبریزی	۶۵۷-۶۵۸
» کاتبی	۶۵۹
» کلیم کاشانی	۶۵۹-۵۶۰

۶۶۳-۶۶۱	دیوان کمال اسمعیل اصفهانی	»
۶۶۵-۶۶۳	کمال خجندی	»
۶۶۷-۶۶۶	لسانی شیرازی	»
۶۶۸-۶۶۷	لطفی	»×
۶۶۹-۶۶۸	متنبی	»+
۶۷۱-۶۷۰	مجدالدین ساوجی	»
۶۷۲-۶۷۱	بجمر	»
۶۷۴-۶۷۲	نختاری	»
۶۷۶-۶۷۵	نخمور	»
۶۷۸-۶۷۶	مسعود سعد سلمان	»
۶۷۹	مشتاق	»
۶۸۱-۶۸۰	امیر معزی	»
۶۸۳-۶۸۱	مغربی	»
۶۸۴-۶۸۳	ملك قمی	»
۶۸۶-۶۸۴	منوچهری دامغانی	»
۶۸۸-۶۸۶	ناصر خسرو	»
۶۸۹-۶۸۸	نظام استرآبادی (نظام معنائی)	»
۶۹۱-۶۸۹	نظیری نیشابوری	»
۶۹۴-۶۹۱	نوائی (نوادرالشباب)	»×
۶۹۵-۶۹۴	»	»×
۶۹۶-۶۹۵	نورعلیشاه	»
۶۹۷-۶۹۶	واله اصفهانی	»
۶۹۹-۶۹۷	وحشی کرمانی	»
۷۰۲-۶۹۹	وحید قزوینی	»
۷۰۳-۷۰۲	ولی دشت بیاضی	»

- دیوان هاتق اصفهانی ۷۰۴-۷۰۳
 « همایون اسفراینی ۷۰۵-۷۰۴

ر

- رباعیات خیام (پیوسته شماره ۱۹۹ کتابخانه است) ۵۸۲
 رساله در الفاظ مفرده ۱۸۶
 « « « « و مر کبه ۱۸۷-۱۸۶
 رساله در شرح حال ناصر خسرو (پیوسته کتاب شماره ۱۹۲ کتابخانه است) ۶۸۷
 ✕ رساله در لغات جغتائی نوائی (پیوسته کتاب شماره ۳۶۷ کتابخانه است) ۶۹۳
 + رساله در مجاز واستعاره ۴۱۵-۴۱۴
 + رساله در محل اعراب جمله (پیوسته کتاب شماره ۳۱۵۰ کتابخانه است) ۳۹۸
 رساله در معرفت تقویم (پیوسته کتاب شماره ۱۰۰ کتابخانه است) ۲۶۸
 + رساله در معانی و بیان و بدیع = الانموزج = موجزالبیان ۴۱۶-۴۱۵
 رساله نفسیه عرفی (پیوسته دیوان شماره ۲۹۷ و ۲۹۷ این کتابخانه است) ۳۶۹
 رسم الخط آخوند زاده ۲۸-۲۴
 رموزالعاشقین (ترکیب بند تأثیر و جزء دیوان اوست) ۵۷۳
 روضه الانوار (یکی از کتابهای خمسه خواجو است) ۵۱۶-۵۱۲

ز

- زبورالعاشقین (مثنوی محمد داود و پیوسته دیوان اوست) ۵۹۸

س

- ساقی نامه ظهوری (پیوسته دیوان ظهوری شماره ۳۸۲ کتابخانه است) ۶۲۰
 سبحة الاوتاد (مقاله‌ای از تحفة العراقین است) ۴۶۲
 ✕ سبعة سیاره (نام یکی از کتابهای خمسه نوائی است) ۵۴۰

- × سد سکندری (نام یکی از کتابهای خمسة نوائی است) ۵۴۰
- سفينة الانشاء (تذكرة الشباب) ۳۲-۲۸
- سفینه خوشگو (تذکره خوشگو) ۴۷۵-۴۷۳
- + سلوة الشیعه ۴۴۷
- سويداء الضمير (نام یکی از قصائد اظهري است) ۵۶۲

ش

- + شافیه ابن حاجب ۳۳۲-۳۳۰
- شبهستان خیال فتاحی (پیوسته کتاب شماره ۲۷۲۱ این کتابخانه است) ۴۶۲
- + شرح الاعراب عن قواعد الاعراب (موصل الطلاب) ۳۳۳-۳۳۲
- + شرح الفیه (شرح ابن عقیل) ۳۳۵-۳۳۳
- + » » (شرح ابن ناظم) ۳۳۷-۳۳۵
- + » » (شرح سیوطی = البهجة المرضیه) ۳۴۱-۳۳۷
- + » » (توسرکانی) ۳۴۲-۳۴۱
- + » » (ترجمه الفیه) ۳۴۳-۳۴۲
- + شرح انموزج ۳۴۴-۳۴۳
- + شرح اوضح المسالك (التصريح بمضمون التوضيح) ۳۱۲-۳۰۹
- + » تصريف ۳۴۶-۳۴۴
- + » تلخیص المفتاح (مختصر) ۴۲۰-۴۱۶
- + » » » (مطول) ۴۲۳-۴۲۰
- + » جامی (شرح کافیہ = الفوائد الضیائیة) ۳۶۰-۳۵۷
- + » جمع الجوامع (جمع الهوامع) ۳۴۸-۳۴۶
- + » رضی (بر کافیہ است) ۳۶۳-۳۶۱
- شرح زیارت رجیبه (پیوسته بکتاب شماره ۳۲۳۱ کتابخانه است) ۳۷۴
- + شرح سمرقندیه ۴۲۴-۴۲۳
- + » شافیه (شرح جاربردی) ۳۴۹-۳۴۸
- + » » (شرح نظام) ۳۵۲-۳۵۰

- شرح شافیه (شرح محمد هادی) ۳۵۳-۳۵۲
- » بر شرح جامی ۳۵۳
- + شرح شواهد التلخیص (معاهد التنصيص) ۴۲۶-۴۲۴
- + » شواهد سیوطی ۳۸۵-۳۸۴
- + » » مطول (کمال الدین فسائی) ۴۲۷-۴۲۶
- + » » مغنی اللیب ۳۸۶-۳۸۵
- » عهد نامه مالک اشتر (ابوالحسن عاملی) ۳۴-۳۳
- » غرر الحکم و درر الکلم ۳۶-۳۴
- + » فوائد الصمدیه (شرح صمدیه = الحدائق النديه) ۳۵۴-۳۵۳
- + » فوائد الصمدیه (شرح صمدیه = الفوائد البهیه - شرح صغیر) ۳۵۵-۳۵۴
- + » » » » (= شرح عبدالعظیم) ۳۵۶-۳۵۵
- + » قطر الندی ۳۵۷-۳۵۶
- + » کافیه (شرح جامی = الفوائد الضیائیة) ۳۶۰-۳۵۷
- + » » (شرح رضی) ۳۶۳-۳۶۱
- + » » (شرح متوسط استر ابادی = الوافیه) ۳۶۶-۳۶۳
- » » (شرح گیلانی) ۳۶۸-۳۶۶
- + » لب الالباب (العباب) ۳۷۱-۳۶۹
- + » » مرااح الارواح (المفراح) ۳۷۲-۳۷۱
- + » المصباح (الضوء) ۳۷۳-۳۷۲
- + » معانی و بیان و بدیع ۴۲۸-۴۲۷
- + » مغنی اللیب (اغناء الادیب) ۳۷۵-۳۷۳
- + » » » (تحفة الغریب) ۳۷۸-۳۷۵
- + » » » (منتهی امل الادیب) ۳۸۰-۳۷۹
- + » » » (المنصف من الکلام) ۳۸۲-۳۸۰
- + » مفتاح العلوم = مفتاح المفتاح ۴۳۲-۴۲۹

۳۸۴-۳۸۲		+	شرح مفصل زغشری (المحصل)
۳۸-۳۶		+	» مقامات حریری (شریسی)
۴۱-۳۹		+	» » » (مطرزی = الايضاح)
۱۸۹-۱۸۷		»	نصاب
۴۹-۴۱		+	» نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)
۵۴-۴۹		+	» » (ابن میثم)
۵۷-۵۵		»	» (امام جمعه طهران)
۶۰-۵۷		»	» (عزالدین آملی)
۶۳-۶۰		+	» (علاءالدین گلستانه)
۱۷-۱۶		»	» (ملافتح الله کاشی)
۱۹-۱۷		»	» (محمد باقر لاهیجی)
۶۶-۶۳		»	» (محمد صالح روغنی)
۵۳۰-۵۲۹			شرفنامه (یکی از کتابهای خمسة نظامی است)
۱۹۲-۱۸۹			شرفنامه احمد منیری
۴۶۶			شواردالاوراد و خزانه الاوتاد (مقاله‌ای از تحفة العراقین است)
۶۸-۶۶			شیخ و وزیر

ص

۲۰۰-۱۹۲		+	صراح اللغة
۷۲-۶۸			صد کلمه یا ترجمه مائة کلمة الجاحظ
۲۰۴-۲۰۰		+	صراح اللغة = الصراح من الصحاح
۳۸۷-۳۸۶			صرف منظوم = رساله در صرف
۳۹۰-۳۸۹		+	صمدیه = الفوائد الصمدیه

ض

۳۷۳-۳۷۲			الضوء = شرح المصباح
---------	-------	--	---------------------

ضیاء القلب (نام یکی از قصائد اظهري است) ۵۶۱

ط

+ طراز اللغة ۲۰۹-۲۰۴
+ الطراز الموشى فى الانشاء ۷۴-۷۲

ظ

ظفر نامه = تمر نامه (یکی از کتابهای خمسة هاتفی است) ۵۴۶-۵۴۳

ع

+ العباب = شرح لب الالباب ۳۷۱-۳۶۹
عبرت نامه صبا (پیوسته به کتاب شماره ۴۱۱ کتابخانه است) ۴۶۸
عرائس الفكر و مجالس الذکر (مقاله ای از تحفة العراقین است) ۴۶۶
عراضة العروضین ۴۴۶-۴۴۵
+ عروض اندلسی ۴۴۸
عروض محمد مؤمن حسینی ۴۴۳-۴۴۲
عروض نجاتی = الکافیة فى العروض والصنعة القافیة ۴۴۵-۴۴۴
عروض وقافیة وحیدی تبریزی = مختصر وحیدی = جمع مختصر ۴۴۰-۴۴۲ و ۴۴۶ و ۴۴۹
+ العزى فى التصريف (تصريف) ۳۱۳-۳۱۲
عقل نامه سنائی (پیوسته شماره ۳۴۷ کتابخانه است) ۴۹۹
عهد نامه مالک اشتر (پیوسته به شماره ۳۰۸۷ کتابخانه است) ۱۵۸
عهد نامه محمد شاه با نادر شاه (پیوسته به شماره ۳۶۸ کتابخانه است) ۶۹۳
+ عوامل جرجانى = العوامل المائه ۳۸۸-۳۸۷
+ عوامل ملا محسن ۳۸۹-۳۸۸
عوامل منظوم (پیوسته به کتاب شماره ۲۷۶ کتابخانه است) ۴۶۸
+ عیون الحکم والمواعظ = العیون والمحاسن ۷۶-۷۴

غ

غرة الکمال = سیمین دیوان امیر خسرو دهلوی ۵۹۵-۵۹۳

غررالحکم و درر الکلم ۷۸-۷۶

ف

- فخر السالکین (نام یکی از قصائد اظهري است) ۵۶۱
- + الفرائد البهيه (شرح صغير صمدیه) ۳۵۵-۳۵۴
- فخری نامه = حقیقه الحقیقه سنائی ۵۰۰-۴۹۴
- فرهاد و شیرین (نام یکی از کتابهای خمسه نوائی است) ۵۳۸-۵۴۱
- فرهاد و شیرین و حشی (پیوسته شماره ۲۶۸۰ کتابخانه است) ۶۹۹
- فرهنگ بشیر خانی ۲۱۱-۲۰۹
- » جهانگیری ۲۱۷-۲۱۲
- » رشیدی ۲۱۹-۲۱۷
- » سروری (مجمع الفرس) ۲۲۴-۲۱۹
- » عباسی ۲۲۶-۲۲۴
- » مثنوی = لطائف اللغات ۲۲۹-۲۲۶
- » میرزا ابراهیم اصفهانی = نسخه میرزا ۲۳۲-۲۲۹
- + الفوائد الصمدیه = صمدیه ۳۹۰-۳۸۹
- + الفوائد الضیائیة (شرح جامی بر کافیه) ۳۶۰-۳۵۷

ق

- قافیه جامی ۴۴۹
- + القاموس المحيط (قاموس فیروز آبادی) ۲۴۷-۲۳۲
- قانون الادب ۲۵۰-۲۴۷
- قصیده بدرالدین خبوشانی ۴۴۶
- + قصیده حرباویه ۴۴۷
- قصیده همام تبریزی ۴۴۷-۴۴۶
- قوافی ۲۵۱-۲۵۰

ک

- + کافیه ابن حاجب ۳۹۲-۳۹۰
- الکافیه فی العروض والصنعة القافیه = عروض نجاتی ۴۴۵-۴۴۴
- کمال نامه (یکی از کتابهای خمسة خواجو است) ۵۱۵
- کلیات تأثیر = دیوان تأثیر ۵۷۵-۵۷۳
- » ظهوری = دیوان ظهوری ۶۳۱-۶۳۰
- » عرفی = دیوان عرفی ۶۴۱-۶۳۷
- » قاسم انوار = دیوان قاسم انوار ۶۵۶-۶۵۳
- کنز اللغات ۶۵۳-۶۵۱

گ

- گلزار ابراهیم (پیوسته شماره ۳۸۲ کتابخانه است) ۶۳۱
- » سعادت (پیوسته و جزء دیوان تأثیر است) ۵۷۴
- » عباسی (پیوسته و جزء دیوان وحید قزوینی است) ۶۹۹
- گهرنامه (نام یکی از کتابهای خمسة خواجو است) ۵۱۵

ل

- لطائف اللغات = فرهنگ مثنوی ۲۲۹-۲۲۶
- لعل قطبی = حاشیه بر عروض محمد مؤمن ۴۴۴-۴۴۳
- لغات ثلثه = ترجمان معارف ۲۵۵-۲۵۴
- » جوك ۲۵۶-۲۵۵
- » دساتیر ۲۵۷-۲۵۶
- » رامند قزوین ۲۵۸-۲۵۷
- » زند و پازند و اوستا ۲۵۹
- لغت فارسی و عربی ۲۶۳-۲۶۱

۲۶۴-۲۶۳	 لغت کبیرا ختری = اختری
۲۶۶-۲۶۵	 » نعمت الله رومی
۲۶۸-۲۶۷	 × لغت نوائی
۴۶۷	 لیلی و مجنون مکتبی (پیوسته شماره ۴۶۳ کتابخانه است)
۵۲۸	 لیلی و مجنون (یکی از کتابهای خسه نظامی است)
۵۴۰	 × » » » (نوائی است)
۵۴۲	 » » » (هاتفی است)

م

۸۱-۷۸	 + مائة كلمة الجاحظ
۲۶۹-۲۶۸	 مبانی اللغة = مقدمه سنگلاخ
۲۷۱-۲۶۹	 مثلثات قطرب (ترجمه فارسی)
۲۷۲-۲۷۱	 مثلث منظوم
۶۹۹	 مثنوی در تعریف نرد (جزء دیوان وحید است)
۶۹۹	 » در ذکر و معرفی ادوات جنگ (جزء دیوان وحید است)
۶۹۹	 » در وصف همایون تپه (جزء دیوان وحید است)
۲۶۸	 مجالس النفائس (پیوسته کتاب شماره ۱۰۰ کتابخانه است)
۶۳۹	 مجمع الالبکار (مثنوی عرفی و جزء دیوان اوست)
۲۷۸-۲۷۲	 + مجمع البحرين طریحی
۲۲۴-۲۱۹	 مجمع الفرس (فرهنگ سروری)
۴۴۹-۴۴۴	 مجموعه عروض و غیره
۴۵۰-۴۴۹	 » » و قافیه
۳۸۴-۳۸۲	 + المحصل = شرح مفصل زنجیری
۲۷۹-۲۷۸	 + مختار الصحاح
۴۲۰-۴۶۱	 + مختصر تفتازانی (شرح تلخیص المفتاح)
۸۵-۸۱	 + مختصر تقویم اللسان
۲۸۲-۲۷۹	 + مختصر الصحاح

- مختصر وحیدی = عروض وقافیه وحیدی تبریزی = جمع مختصر ۴۴۰-۴۴۲ و ۴۴۶ و ۴۴۹ و ۴۴۹
- مخزن الاسرار (یکی از کتابهای خمسة نظامی است) ۵۲۷-۵۲۸
- + مراح الارواح ۳۹۳-۳۹۴
- مرکز ادوار (یکی از کتابهای خمسة فیضی است) ۵۲۳
- المصادر زوزنی ۲۸۲-۲۸۵
- + مصادر مخالف قیاس ۴۴۶
- مصباح السالکین (شرح نهج البلاغه ابن میثم) ۴۹-۵۴
- مطلع ۴۵۰-۴۵۱
- مطوّل (شرح تلخیص المفتاح) ۴۲۰-۴۲۳
- معاهد التنصيص (شرح شواهد التلخیص) ۴۲۴-۴۲۶
- معراج العقول و منهاج الفحول (مقاله ای از تحفة العراقین است) ۴۶۶
- + مغنی اللیب عن کتب الاعاریب ۳۹۴-۳۹۷
- + مفتاح المفتاح = شرح مفتاح العلوم ۴۲۹-۴۳۲
- المفراح = شرح مراح الارواح ۳۷۱-۳۷۲
- + مفصل زغشری ۳۹۷-۳۹۸
- + مقامات بدیع الزمان همدانی ۸۵-۹۰
- + » حریری ۹۰-۹۳
- » حمیدی ۹۳-۹۶
- مقامات العارفین = تذکرة الاولیا (پیوسته دیوان قاسم انوار است) ۶۵۳-۶۵۶
- + مقائیس اللغة ۲۸۵-۲۹۳
- + المقدمة الجزریه (پیوسته به شماره ۳۱۸۹ کتابخانه است) ۳۰۸
- مکتوب آخوند زاده ۹۶-۹۷
- مکتوب امیرعلیشیر نوائی به سلطان حسین میرزا (پیوسته شماره ۳۶۸
- کتابخانه است) ۶۹۲
- مکتوب سلطان حسین میرزا در جواب امیرعلیشیر پیوسته شماره ۳۶۸
- کتابخانه است) ۶۹۲

- مکتوب سنائی به بهرامشاه (پیوسته شماره ۳۴۵ کتابخانه است) . . . ۵۰۰
- مکتوب ظهوری (پیوسته شماره ۳۸۲ کتابخانه است) ۶۳۱
- مکتوب « به فیضی (پیوسته شماره ۳۸۲ کتابخانه است) . . . ۶۳۱
- مکتوب کمال‌الدین اسمعیل (پیوسته شماره ۲۶۵ کتابخانه است) . . ۶۶۳
- مکتوب مرتضی قلی خان ۹۸-۹۹
- مکتوب میرزا مهدیخان نادری (پیوسته شماره ۲۷۴۳ کتابخانه است) ۶۲۹
- ملحقات برهان قاطع (پیوسته شماره ۶۹ کتابخانه است) . . . ۱۶۵
- مناظر الانشاء ۹۹-۱۰۲
- + منتخب شرح شواهد سیوطی ۳۹۸-۳۹۹
- منتخب اللغات شاهجهانی ۲۹۳-۲۹۴
- منتخب النفائس (نام یکی از قصائد اظهري است) ۵۶۱
- + منتهی امل الادیب = شرح بغنی الملیب ۳۷۹-۳۸۰
- + المصنف من الکلام علی مغنی ابن هشام = شرح مغنی الملیب . . ۳۸۰-۳۸۲
- + منظومه ابن شجنه در معانی و بیان و بدیع ۴۳۲-۴۳۴
- منهاج المعراج = معراج نامه (جزء دیوان تأثیر است) . . . ۵۷۳
- + مؤثرات سماعی ابن حاجب (پیوسته شماره ۲۹۵۳ و ۳۱۰۵۵ کتابخانه است) . ۳۶۰ و ۴۱۹
- + موصل الطلاب (شرح الاعراب عن قواعد الاعراب) ۳۳۲-۳۳۳
- مذهب الاسماء ۲۹۴-۲۹۷
- + میزان البلاغه و تبیان الرشاقه ۴۳۴-۴۳۵
- میمنت نامه (جزء دیوان تأثیر است) ۵۷۴

ن

- + نثر الالالی ۱۰۲-۱۰۴
- نسخه میرزا = فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی ۲۲۹-۲۳۲
- + نصائح حضرت امیرم ۱۰۴-۱۰۵
- نظم الغرر و نضد الدرر ۱۰۵-۱۱۲

- نکات بیدل (پیوسته دیوان بیدل است) ۵۷۲
- نل و دمن (یکی از کتابهای خمسة فیضی است) ۵۲۲
- نمکدان دین (نام یکی از قصائد محمد داودشت) ۵۹۸
- + النهایه فی غریب الحدیث والخبر ۳۰۲-۲۹۷
- + نهج البلاغه ۱۵۹-۱۱۳

و

- واجب الحفظ (جزء دیوان صائب است) ۵۲۴-۵۲۳
- + الوافیه (شرح متوسط استرآبادی برکافیه) ۳۶۶-۳۶۳
- وامق و عذرا (یکی از کتابهای خمسة حسینی است) ۵۱۲-۵۰۹
- ورد الابرار (نام یکی از قصائد اظهري است) ۵۶۱

ه

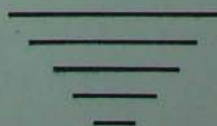
- هدایة المهتدی الی الیهادی (مقاله ای از تحفة العراقین است) ۴۶۶
- هشت بهشت (نام یکی از کتابهای خمسة دهلوی است) ۵۲۰-۵۱۶
- هفت اقلیم (تذکره هفت اقلیم) ۴۸۶-۴۸۲

ی

- × یائیه ابن کمال پاشا ۴۰۰-۳۹۹



در روز شنبه اول مهر ماه سال یک هزار و سیصد و هیجده خورشیدی برابر یازدهم
ذیقعدة الحرام یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری قمری در چاپخانه مجلس شورای ملی
ایران چاپ گردید .



Handwritten text in Arabic script, likely a list or index. The text is faint and mostly illegible due to fading and bleed-through from the reverse side. Some fragments are visible, such as "(هذا...)" and "(هذا...)" repeated across several lines.

Handwritten text in Arabic script, continuing the list or index. The text is very faint and mostly illegible. Some fragments are visible, such as "(هذا...)" and "(هذا...)" repeated across several lines.

Handwritten text in Arabic script, continuing the list or index. The text is very faint and mostly illegible. Some fragments are visible, such as "(هذا...)" and "(هذا...)" repeated across several lines.

خطنامه

بدبختانه با کوشش زیاد مؤلف و مصحح باز هم نشد کتاب بی غلط بیرون آید ،
از خوانندگان خواستار است که پیش از خواندن کتاب را تصحیح و چون جز اینها نیز
کلمه یا جمله ای نادرست یابند بدرست کردن آن مبادرت فرمایند .

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳	۱۳	اعم	اعلم	۸۹	۸	طرحتی	طرحتی
۴	۱۶	دوازده کتابست	دوازده کتابست :	۹۰	۱۱	مقاماته	مقاماته
»	۲۰	کتاب النساء والعزل	در چاپ مصر چنین ضبط شده ولی ظاهراً الفزل صحیح است .	۹۱	۳	اهمیت	اهمیت
»	۲۱	(دريك باب)	(دريك باب) .	»	۲۰	سغباً	سغباً
»	۲۱	بنام نیز	بنام نیز	۹۴	۱۱	چنانکه پس از این	چنانکه در حاشیه این صفحه گفته شده
۷	۱۲	عيله السلام	عيله السلام	۹۵	۷ و ۶	پس از حکم نجومی معروف	پس از شنیدن بلغیها
۱۴	۱۸	ناصر الدين	ناصر الدين شاه			و عدم وقوع آن که مورد	هجو انوری آنان
۲۸	۱۱	شرح الدرہ -	شرح الدرہ -			حمله عومی گردید	و بلغ را
۳۷	۷	الالفیه	الالفیه	۹۸	۲	و از حقیده	و حقیده
»	۹	ماء	ماه	۹۹	۱	و اتا	و اتا
۴۵	۵	فاتی نقات	فانا نقات	۱۱۳	۲۴	لجاره	رجاله
»	۱۸	ابن ابن الحديد	ابن ابن الحديد	۱۲۹	۱۵	پس مرگ	پس از مرگ
۴۹	حاشیه ۱	ص (۱۴۲-۱۴۴)	ص (۱۴۲-۱۴۴ ج ۴)	۱۴۱	۱۳	اساس السياسيه	اساس السياسيه
۵۲	۱۲	البحر الضخم	البحر الضخم	۱۴۷	۲	مؤلف کتابخانه	مؤلف فهرست کتابخانه
۶۰	۱۸	گلستانه	گلستانه	۱۵۰	ح ۱	سال نقابت	سال نقابت
۶۳	۱۷	ص ۳۳ سه	ص ۱۴ سه	۱۵۳	ح ۱۰	اصطهبات	اصطهبات
۷۲	۱۷	حلیه الکمیت	حلیه الکمیت	۱۶۹	۲	شعویه	شعویه
»	۱۹	الخطط الجدید	الخطط الجدید	۱۷۲	۲۱	داد شد	داد شد
۷۳	۹	حلیه الکمیت	حلیه الکمیت	۱۷۹	۱۶	تطوع	بطوع
۷۴	۳	«الطر از الموشی»	«الطر از الموشی»	۱۸۵	۲۳	بالاص	بالاص
۷۹	۱۸	علی الصمت	علی الصمت	۱۸۸	۱۷	الابایت	الابایت
۸۶	۲۱	سحر مینمود	سحر مینموده	۱۹۱	۱۴	در فرهنگهای	در فهرست های
»	ح ۷	در کتابخانه	در قفسه کتابخانه	۱۹۱	۲۰	تر نقچی	یر نقچی
۸۷	ح ۱۱	ینیف	نیف	۱۹۶	۴	به جعفرک	به جعفرک
»	ح ۱۲	ومگر پس از	مگر پس از	۱۹۹	۱۷	علی بن زین العابدین	علی بن زین العابدین
۸۸	۱۲	مختصری	مختصری	۲۰۲	۵	خلد	خلد
				۲۰۹	۲۵	شر فنامه	شر فنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۱۱	۲	قباد	قباد	۲۹۸	۵	ابو السعادات	ابو السعادات
۲۱۳	۱۴	معروف به	معروف به ؟	۲۹۹	۲۳	اکشاف	اکشاف
۲۲۷	ح ۵	ص ۲۸۰ و ۲۸۱	ص ۲۵۰ و ۲۵۱	۳۰۰	۱	البنین والبنات	البنین والبنات
۲۳۱	۵	این فرهنگ کورده	این فرهنگ آورده	۳۰۱	۷	تذیل	تذیل
۲۳۵	۱۸	نسخه ۸۹۵ ذیل	نسخه ۸۶۳ این فهرست	۳۰۴	۱۴	خلاصه نموده	خلاصه نمود
۲۳۶	۱۳	تهیج العزام	تهیج الغرام	۳۰۷	ح ۹	اندلسی	اندلسی
»	۱۵	روضه الناظر	روضه الناظر	۳۰۸	۱۵	اوضح المسالك	وضح المسالك
»	۲۰	فبمن	فی من	۳۰۹	۸	بشارته ۴ -	بشارته ۳ -
۲۳۸	۱	معروف به یاق	معروف به شد یاق	۳۱۰	۹	بر جر ومیه	بر جر ومیه
۲۳۸	۱۳	شرح قاموس	شرح قاموس	۳۱۵	۲	عبد القادر	عبد القادر
۲۳۹	۳۰	فیروز آبادی قاموس را	قاموس فیروز آبادی را	»	ح ۳	المقتصد	المقتصد
۲۴۰	۲۵	ترجمه « فارس و	ترجمه فارسی و	۳۱۹	میان ۱۷ و ۱۸	افزوده شود : دده جنگی چنانکه	
۲۴۸	۱	« کامله التعبير »	« کامل التعبير »	در ص ۱۵۰۶ و ۱۵۰۷	معجم المطبوعات	نوشته شده	
»	ح ۲	(ج ۲ ص ۴۱۳)	(ج ۲ ص ۴۱۳)	بسال ۱۲۸۸	در آستانه چاپ	شده و مؤلف آن هم	
۲۵۱	۱۸	نویسنده نسخه	نویسنده نسخه	بسال ۹۷۵	وفات یافته است .		
۲۵۶	۲۶	الهییت	آلهیست	۳۲۰	۳	هو الشهور	هو المشهور
۲۵۹	۶	زاتشت بهرام	زراتشت بهرام	۳۳۱	ح ۳	داده ایم .	یاد کرده ایم .
۲۶۸	۱۰	شماره کتابخانه (۱۰)	شماره کتابخانه (۱۰۰)	۳۳۳	ح ۱	معجم البلدان	معجم البلدان
۲۶۸	۱۴	آورده و آن را	آورده ، جمع و ترجمه کرده و آن را	۳۴۰	۱۷	قید فی التسهیل	قید فی التسهیل
۲۷۳	۳	در صلوة شیخ حسن	در صلوة تألیف شیخ حسن	۳۵۹	۱	مناقب ، خواجه	مناقب خواجه
۲۸۳	۱۵	به جعفرک	به جعفرک	»	»	الدرة الفاخرة	الدرة الفاخرة
»	۱۹	اعربتها	عربتها	۳۶۱	۱۰	تحقیق کرده	تحقیق کرده اند
»	ح ۲	قسمتی از آن	تمام آن	۳۶۴	۱۶	شرح شمس	شرح شمسیه
۲۸۴	۳	بشنود	بشود	۳۶۶	ح ۱	ص ۲۵۹	ص ۴۵۹
۲۸۹	ح ۲۲	فقهیه	فقیه	۳۷۰	۸	فهرست دارد ص	فهرست دار ص
۲۹۰	۱۴	و اشرفها	و اشرفها	۳۷۳	ح ۴	در ص ۴۱۴	در ص ۴۱۴
»	۱۹	ابی نصر اخت	ابی نصر بن اخت	۳۷۷	۹	مغنی البیب	مغنی البیب
»	»	عن ابن السکیت	عن ابن السکیت	۳۸۴	۱	التلاد	التلاد
۲۹۲	۲۱	ابن السیت	ابن السکیت	۳۸۷	۲۷	شیخ عبد القادر	شیخ عبد القادر
۲۹۳	۱۷	مصادر صحاح	مصادر صحاح	۳۹۶	۲۶	(۱۰۲)	(۱۰۲۱)
۲۹۵	۱۴	تاریخ بغداد	تاریخ بغداد	۴۰۵	۱۸	تقامل	تقامل
۲۹۶	۲۵	شده است)	شده است ولی مسلماً این مؤلفه نیست	۴۲۱	۸	از مؤلف	از مؤلف
۲۹۷	۱۰	فی مرتب	فی مرتب	۴۳۰	۲۳	رمضان	رمضان
»	۲۳	(ابو السعادات	(ابو السعادات	۴۴۰	۷	(۰۷۷)	(۱۰۷۷)

صفحه	سطر	غلام	صحیح	صفحه	سطر	غلام	صحیح
۴۴۰	ح ۴	انیس اللهفان	انس اللهفان	۵۷۶	۱۰	کسی خوش نما	بسی خوش نما
۴۵۳	۱۴	بسال ۱۱۹۰	بسال ۱۱۸۵	۵۸۲	۱۰	جان بخش	جان بخشی
۴۵۵	۲	نخلبد الشعرا	نخلبد الشعرا	۶۲۰	۳	نظام الملك (۱)	نظام الملك
۴۶۴	۱۳	از سر	از بر	۶۳۲	۲	ابوبکرو	ابوبکر
۴۷۶	۸	آدوارد بردن	ادوارد برون	»	۱۳	تمیز را	تمیز را
»	۲۴	دوسه از آخر سطر آن	دوسه سطر از آخر آن	۶۳۳	۵ و ۴	که نویسنده	(نویسنده آن از خود
۴۷۸	ح ۷ و ۸	و این نسخه	و نسخه این کتابخانه	»	۵	نبرده	نام نبرده)
۴۷۹	۹	از غیر از	از غیر	»	۵	معاصر ظهیر بوده	معاصر ظهیر بوده
۴۸۸	ح ۱۰	۷۰۰۰	۸۰۰۰	»	۵	مستوفی در تاریخ گزیده «ص ۸۲۱ عکسی»	(حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده «ص ۸۲۱ عکسی»
۴۸۹	۲۰	وفروع (۲)	وفروع (۲)	»	۵	نوشته که دیوان ظهیر فاریابی جمع کرده شمس کاسی	نوشته که دیوان ظهیر فاریابی جمع کرده شمس کاسی
۵۰۵	۹	بالله	بالله	»	۵	متوفی بسال ۶۰۲ میباشود در مقبره الشعراء تبریز مدفون شد)	متوفی بسال ۶۰۲ میباشود در مقبره الشعراء تبریز مدفون شد)
۵۱۰	۱۸	قدیم و قدیم	قدیر و قدیم	۶۳۳	۱۶	کرامت	کرامت
۵۱۲	ح ۹	بسال ۱۲۰۷	سال ۱۳۰۷	»	۱۷	ظهر	ظهیر
۵۱۳	ح ۷	بسال ۶۴۲	بسال ۷۴۲	»	۲۱	فن الفارسی	فی الفارسی
۵۱۷	۳	در تربیت تعلیم	در تربیت و تعلیم	۶۳۸	۵	خان خان	خان خانان
۵۱۹	۲۰	گشایند	گشاینده	»	۱۹	»	»
۵۳۲	و ۱۲	روز گارا اگر	روز کار نظامی گنجوی	۶۴۶	۴	براندازند	براندازنده
»	۱۳	شهر تی نداشته	کودک بوده و بخدا شاعری	۶۴۹	۵	حالات وی	حالات
۵۳۳	۴	خصوصیات	خصوصیات و	۶۵۷	۱	بر آب خراب	بر آب .
۵۳۵	۱۷	شماره کتابخانه (۳۷۵)	شماره کتابخانه (۳۵۷)	۶۵۸	۲۰	زد ولی	زده ولی
»	ح ۲	و بقرین	و بقرینه	۷۵۷	۲۱	علی بن اسحق	علی بن اسحق پسر انوری)
۵۴۱	۶	کرده اند	محو کرده اند	۷۹۱	۱۸	مهر ماه	دی ماه







